

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

صورت مذاکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات
و تاریخ‌نگاری دورهٔ اول مجلس شورای ملی

(چاپ سوم)

علی اصغر حقدار

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

صورت مذاکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات و تاریخ‌نگاری دوره اول مجلس شورای ملی

علی اصغر حقدار

ناشر: مؤلف

چاپ سوم: ۱۴۰۲ (۲۰۲۳)

چاپ دوم با اصلاحات: ۱۳۹۵ [۲۰۱۶]

چاپ اول: تهران ۱۳۸۳

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

تقدیم به
دکتر فریدون آدمیت
گشاینده مشروطه پژوهی نوین

مجلس اول، مشروطیت را ایجاد کرد و آن را از مرحله حرف به عمل
آورد؛ آن مجلس، در حکم مجلس مدیره بود، هم ایجاد قوانین کرد و
هم حتی المقدور، در جلوگیری از مستبدین اقدام نمود.
میرزا محمود خان احتشام السلطنه

فهرست مطالب

- مقدمه چاپ دوم (دیجیتالی) / ۷
- پارلمان به روایت پارلمان / موارد اصلاحی چاپ اول / ۹
- پیشگفتار / ۲۳
- مقدماتی درباره دوره اول مجلس شورای ملی / ۳۱
- سخنی درباره منابع تحقیق / ۷۳
- ماخذ پیشگفتار و مقدمات / ۷۷
- کارنامه مجلس شورای ملی در دوره اول / ۸۱
- تنظیم نظامنامه اساسی (قانون اساسی) / ۸۳
- تدوین نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی / ۱۱۵
- تهیه نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی / ۱۲۳
- تأسیس بانک ملی ایران / ۱۳۳
- مجلس شورای ملی و هیأت دولت / ۱۸۹
- رابطه مجلس شورای ملی و محمد علی شاه قاجار / ۲۹۳
- ایجاد اصلاحات مالی و قضایی نوین / ۳۱۱
- تصویب قوانین موضوعه جدید در مجلس شورای ملی / ۳۷۵
- مجلس شورای ملی و انجمن های ایالتی و ولایتی / ۴۳۷
- خاتمه کار مجلس اول شورای ملی / ۴۴۳
- پیوست: مصوبات دوره اول مجلس شورای ملی ایران / ۴۵۵
- ۱ + قانون اساسی مشروطیت و متمم آن / ۴۵۷

- ۲ + نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی / ۴۷۹
- ۳ + نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی (اصنافی) / ۴۹۱
- ۴ + قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی / ۴۹۹
- ۵ + قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام / ۵۱۴
- ۶ + کتابچه قانون بلدیة / ۶۰۹
- ۷ + قانون مطبوعات / ۶۲۵
- ۸ + قانون وظایف / ۶۳۵
- ۹ + اعلان تأسیس بانک ملی ایران / ۶۳۷
- ۱۰ + بخشی از مذاکرات نمایندگان در دوره اول مجلس شورای ملی / ۶۴۱
- فهرست منابع / ۶۵۳

مقدمه چاپ دوم (دیجیتالی)

چاپ اول متن حاضر سیزده سال پیش (۱۳۸۳) در تهران منتشر شد؛ بی‌مبالاتی ناشر و نمونه‌خوان مواردی سهو و اشتباه در متن برخی پیوست‌ها وارد ساخت؛ طی مقاله‌ای (پارلمان به روایت پارلمان - نقد و تکمله‌ای بر کتاب: مجلس اول و نهادهای مشروطیت، ۱۵ آبان ۱۳۸۴) مسئولیت سهل‌انگاری را قبول کردم. در این مدت هم ناشر کارش را تعطیل کرد و هم کتاب نایاب شد؛ تلاش برای چاپ تازه‌ای از کتاب در داخل ایران به نتیجه‌ای نرسید و پیش از چاپ، گرفتار «توقیف» و «غیرمجاز شد»! اینک که چاپ دوم آن به صورت دیجیتالی و در اقامت تبعیدی‌ام در ترکیه آماده انتشار شده، اصلاحات لازم را در متن وارد کرده‌ام.

علی اصغر حقدار

آنکارا - مهر ۱۳۹۵

پارلمان به روایت پارلمان / موارد اصلاحی چاپ اول

پارلمان به روایت پارلمان - نقد و تکمله‌ای بر کتاب: مجلس اول و نهادهای

مشروطیت

آبان ۱۳۸۴، ۱۵

بدون تردید، ایجاد پارلمان از ارکان اصلی جنبش مشروطیت در ایران بشمار می‌رود؛ پارلمان‌توانست در همان دوره اول خود، نخستین قانون اساسی - و متمم آن را - برای جامعه ایرانی به ارمغان آورد. شیوه‌کشورداری را از حالت فردی و استبدادی به انتظام قوای سه‌گانه و مشارکت مردم در سیاست اجتماعی تبدیل کند. قاعده اصول ایده‌ها و کنش‌های سیاسی را از رابطه قدیمی خدایگان / بنده به ارتباط ملت و دولت ارتقا دهد. پدیده دولت - به معنای نوین آن را - در برابر حکمرانی پیشین جایگزین کند. بر اختیارات پادشاه و درباریان قیود قانونی و حقوقی بسته و حقوق اجتماعی و سیاسی ایرانیان را در مسائل مالیه و دعاوی قضایی به رسمیت شناخت. روش‌های ملکداری اربابان را با تصویب قوانینی برای تیول و تسعیر و... از میان برداشته و در راستای استقلال مالی و سیاسی کشور زمینه‌های واقعی را پدیدار سازد. از این جهات، پارلمان اول را مجلس مؤسس خوانده‌اند و در واقع با ایجاد و استقرار این مجلس، ایران جزو کشورهای صاحب قانون یا به تعبیر مشروطه‌خواهان صاحب «کنستیتوسیون» درآمد. همین مجلس بود که اولین قوانین مربوط به مطبوعات - انتخابات - بلدیہ و... را به وجود آورد و باتصویب قوانین تشکیلات ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام و قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، به‌تعبیری گام‌های اولیه را در شکل‌گیری جامعه و مدنیت نوین در ایران ایجاد کرد.

همان طور که اشاره شد، با آگاهی از جایگاه محوری نخستین دوره مجلس شورای ملی و مذاکرات و مصوبات سرنوشت‌ساز آن بود که انتشار کتاب «مجلس اول و نهادهای

مشروطیت» شکل گرفت و بر پایه تحقیق از تبار تاریخی نهادهای مدرن در ایران که برآمده از اندیشه‌های برخی از نخبگان فرهنگی و سیاسی دوران منتهی به صدور و ایجاد مشروطیت بود، مهم‌ترین مذاکرات و کلا در پارلمان و مصوبات قوانین موضوعه در تأیید یافته‌های تاریخی پیش از آن، منتشر شد.

بعد از چاپ کتاب «مجلس اول و نهادهای مشروطیت»، در بخش پیوست که شامل مجموعه مصوبات دوره اول قانونگذاری در ایران است، اشکالاتی پیش آمده‌اند که لازم است با اعتراف به سهل‌انگاری و بی‌توجهی من به این مسائل، موارد آن را برای حفظ اصالت اسناد آن دوره تاریخی و مهم، به خوانندگان اطلاع دهم؛ جای دارد از دوستانی که با مطالعه دقیق کتاب، صمیمانه این موارد را به من گوشزد کردند، تشکر کنم؛ البته برخی از این اشکالات مربوط به اغلاط چاپی است و برخی در محتوای مصوبات و قوانین رخ داده است؛ بیشترین انتقاد من از کار خود، در رابطه با به وجود آمدن افتادگی‌ها و در مواردی، تداخل برخی از متمم‌های بعدی با متن اصلی متمم اول قانون اساسی مشروطیت است. سهل‌انگاری که با تذکر دوستانه عزیزانی و فراهم ساختن فضایی برای جبران آن، امید است این کتاب را از آفت‌هایی که می‌تواند دامنگیر آن شود، برهاند. با این حال ناچار از این توضیح هم هستم که کتاب «مجلس اول و نهادهای مشروطیت» یک کار تحقیقی است و من درصدد تصحیح صورت مذاکرات و یا تطبیق نسخه‌های مختلف موجود از مصوبات آن دوره قانونگذاری نبودم؛ اگر این موارد را در کنار تحلیل خود آوردم، فقط برای مستند کردن تحقیقات خود از جایگاه تأسیسی مجلس اول در ایجاد نهادهای مدرن سیاسی - اقتصادی و حقوقی بود، وگرنه تصحیح صورت مذاکرات و تعیین نسخه اصح مصوبات، کاری است جدا از تحقیق در رابطه با نهادسازی عصر مشروطیت که به باور من، تاکنون سیاست و اجتماع ایران مدیون آن تلاش‌ها و فداکاری‌هاست.

در رابطه با قانون اساسی مشروطیت و متمم آن، اجمالاً و در یک گزارش مختصر، لازم به توضیح است که اصولی از آن در پنج نوبت به بازنگری گذاشته شد و موادی از آن، مشمول تجدید نظر شدند؛ اولین مورد از بازنگری در متمم قانون اساسی در همان دوران مجلس اول صورت گرفت؛ این تجدید نظر متمم قانون اساسی را به بار آورد که بعد از فوت مظفرالدین شاه، در بیست و نهم شعبان ۱۳۲۵ قمری به تصویب مجلس شورای ملی رسید و با توشیح محمد علی شاه و افزودن جمله «به موهبت الهی» در اصل ۳۵ متمم، انجام گرفت.

دومین تجدید نظر در قانون اساسی مشروطیت با انقراض سلسله قاجاریه و استقرار پادشاهی رضاشاه با تشکیل مجلس مؤسسان برای تغییر مواد ۳۶، ۳۷، ۳۸ متمم قانون اساسی، پدید آمد. در این تجدید نظر، اصل ۳۶ متمم قانون اساسی، سلطنت را از اعقاب ذکور محمدعلی شاه به اعقاب ذکور رضاشاه تغییر داد. اصل سی و هفتم هم تعیین ولیعهد را به پیشنهاد شاه و تصویب مجلس شورای ملی موکول می‌ساخت. اصل سی و هشتم هم مقرر می‌داشت سن قانونی سلطنت ۲۰ سال و قبل از رسیدن به سن قانونی ولیعهد، وظایف سلطنت به انتخاب مجلس شورای ملی، به عهده نایب‌السلطنه‌ای غیر از خاندان قاجار است.

سومین تجدید نظر در سال ۱۳۲۸ خورشیدی پیش آمد و در آن اصل ۴۸ قانون اساسی مورد بازنگری قرار گرفته و مقرر شد که «علی‌حضرت همایون شاهنشاهی می‌تواند هر یک از مجلس شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه و یا هر دو مجلس را در آن واحد منحل نماید».

چهارمین بار تجدید نظر در قانون اساسی در سال ۱۳۳۶ خورشیدی پیدا شد. در این بازنگری که با تشکیل مجلس واحدی به فرمان محمدرضا پهلوی انجام گرفت، اصول چهارم، پنجم، ششم، هفتم و اصل ۴۹ متمم قانون اساسی، مورد اصلاح قرار گرفتند.

پنجمین باری که قانون اساسی مورد بازنگری قرار گرفت، در سال ۱۳۴۶ خورشیدی بود و در آن اصول ۳۸، ۴۱ و ۴۲ متمم قانون اساسی که راجع به نیابت سلطنت در موقع نرسیدن ولیعهد به سن قانونی برای اداره جامعه بود، امور نیابت سلطنت به شهبانو - مادر ولیعهد - واگذار شد.

با این توضیحات به موادی می‌پردازم که به لحاظ بی‌احتیاطی من با مواد تجدید نظر شده در بازنگری‌های بعدی آمیخته شده‌اند. در بخش مربوط به قانون اساسی مشروطیت، همان طور که اشاره کردم، برخی اغلاط چاپی است که در حد متعارف، طبیعی چاپ هر کتاب حجیمی است و در چاپ‌های بعدی اصلاح خواهند شد.

اما مواردی که در رابطه با مواد و اصولی از قانون اساسی و متمم آن - در بخش پیوست کتاب یعنی مصوبات دوره اول مجلس شورای ملی - قرار دارند، عبارتند از:

- صفحه ۵۴۳ (چاپ اول)، سطر آخر: «اصل چهل و دویم، هرگاه دوره وکالت و کلاهی هر دو یا یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد و وکلاهی جدید در موقع رحلت

پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منعقد می‌شود.» درست است. در درج این اصل، اشتباهاً اصل بازنگری شده در پنجمین تجدید نظر که در سال ۱۳۴۶ خورشیدی تغییر یافته، آمده است.

– صفحه ۵۴۴ و ۵۴۵ (چاپ اول)، سطر ۲۳ و آخر: «اصل چهل و نهم، صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون این که، هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید.»، ادامه این اصل تا ابتدای اصل پنجاهم، زائد است. در این اصل هم اشتباهاً تجدید نظر سال ۱۳۳۶ خورشیدی در بازنگری چهارم، آمده بود.

در رابطه با مصوبه‌ای دیگر از دوره اول مجلس شورای ملی که نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی است و در صفحات ۵۵۳ تا ۵۵۸ (چاپ اول) کتاب جای گرفته است، لازم به توضیح است که در صفحه ۵۵۷ (چاپ اول): ادامه اصول از بند ۳۳ تا ۹۰ در نسخه‌ای از مصوبات که در اختیار من قرار گرفته بود، نیامده است؛ بعد از چاپ کتاب، نسخه‌ای از مصوبات دوره اول به دست من رسید که ظاهراً کامل‌ترین نسخه مصوبات آن دوره در مجموعه کتابخانه مجلس شورای اسلامی است؛ مشخصات این نسخه عبارت است از: مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه (اول - دوم - سوم - چهارم) به استثنای قوانین موقتی مصوبه کمیسیون‌های پارلمانی عدلیه که در مجموعه علیحده تنظیم و طبع شده است، مطبوعه مجلس شورای ملی، بی‌تا، شماره ثبت ۲۸۱۹۴ - ۹ الف/۴۹۳/۶/م. این اصول در متن کتاب مصوباتی که پیش از دریافت سی.دی کامپیوتری به دست من رسیده بود، نبود و بعد از چاپ کتاب، من به آن سی.دی دست یافتم؛ یعنی در واقع مبنای اولیه کار من برای انتشار مصوبات دوره اول مجلس شورای ملی، متن چاپ مجموعه قوانین چهار دوره مجلس بود و سپس سی.دی آن که با این مشخصات در شماره ۲۱ فهرست منابع مشخص شده است: مجموعه قوانین - عهدنامه‌ها - کنتراتها - امتیازات - خلاصه تصویبات مالی - خلاصه تصمیمات و مطالب متفرقه مصوبه مجلس مقدس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه از شعبان‌المعظم ۱۳۲۴ / میزان ۱۲۸۵ شمسی الی‌ذیقعه‌الحرام ۱۳۴۱ / جوزای ۱۳۰۲ شمسی به ضمیمه فرمان مشروطیت - قانون اساسی و متمم آن...، تهران، مطبوعه مجلس شورای ملی (میکروفیلم شماره ۱۰۳۱۸۷ کتابخانه مجلس). حتی یادداشتی به این مضمون در اول میکروفیلم (که سی.دی کامپیوتری را از روی آن تهیه کرده‌اند) آمده است: «اصلاح این مجموعه را با رجوع به غلط نامه منضمه به آخر

کتاب فراموش نفرمایند. چون اسناد اصلی بعضی از قوانین در دست نبوده و قسمت عمده آن‌ها از روی نسخه‌های مطبوع استنساخ و طبع شده بود و اخیراً مراجعه به اصل بعضی از نسخ امکان‌پذیر شد، لهذا بواسطه قید به مقابله و تصحیح کامل قوانین عده اغلاط زیاد شده‌است.» در همین میکروفیلم (سی.دی) که بر اساس یکی از چندین متن مصوبات تهیه شده است، نظامنامه داخلی مجلس تا بند ۸۴ آمده است و بر اساس نسخه‌ای که اخیراً به دست من رسیده، ۶ بند از آن افتاده است. مصوبات نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی را بر اساس نسخه مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه (اول - دوم - سوم - چهارم) به استثنای قوانین موقتی مصوبه کمیسیون‌های پارلمانی عدلیه که در مجموعه علیحده تنظیم و طبع شده است، مطبوعه مجلس شورای ملی، بی‌تا، شماره ثبت ۲۸۱۹۴ - ۹ الف/۴۹۳/۶/م. که بعد از چاپ کتاب «مجلس اول و نهادهای مشروطیت» به دست آوردم، تکمیل کردم که یکی از چندین نسخه متعدد موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی است. در توضیح این تعدد نسخه‌ها از مصوبات دوره‌های اول قانونگذاری در ایران، در نظر اول می‌توان دو حالت را پیش کشید: در حالت خوشبینانه می‌توان ناهماهنگی در ارائه نسخه‌های متعدد برای کار تحقیقی راجع به مجلس اول را در بی‌اطلاعی برخی از متصدیان کتابخانه مجلس شورای اسلامی دانست و در حالتی دیگر، شاید هستند کسانی که نمی‌خواهند نسخه‌ای یک دست و تکمیل شده از مصوبات آن دوران بعد از نزدیک به ۹۰ سال انتشار یابد؟!

توضیحی هم در رابطه با درج جمله «انتشار آخرین نامه‌های مبادله شده میان ممتازالدوله و محمدعلی شاه قاجار برای اولین بار» لازم است که پیش از به توپ بسته شدن مجلس اول، میان آن‌ها رد و بدل شده و من با تحلیل مختصری از محتوای آن‌ها، متن‌ها را در صفحات ۵۱۷ تا ۵۲۴ (چاپ اول) بخش «خاتمه کارمجلس اول شورای ملی» آورده‌ام؛ متن این نامه‌ها پیش از این در «تاریخ مشروطه ایران» تألیف احمد کسروی (صص ۶۰۶ - ۶۱۹) مندرج بودند و من هم از محتویات آن‌ها اطلاع داشتیم؛ اما بنا به نوشته دکتر فریدون آدمیت در پانویست صفحه ۳۲۲ کتاب «مجلس اول و بحران آزادی»، که با اشاره به نامه‌های مبادله شده، آن نامه‌ها را در کتاب کسروی در کلماتی دارای افتادگی دانسته و برخی کلمات را اشتباه دانسته بودند؛ من متن هر دو نامه را بر اساس صفحات ۱۱۰ تا ۱۲۳ کتابچه‌ای که با عنوان تاریخچه کتابخانه مجلس شورای ملی، چاپخانه مجلس شورای ملی، بهمن ماه ۲۵۳۵ - شماره ثبت ۲۱۵۴۶۷ به صورت محدود منتشر شده بود و از طرف آقای عبدالحسین حائری در اختیار من

گذاشته شد، تنظیم کردم و با اصلاحات اشتباهات وارد شده در متن کسروی و تکمیل آن، برای اولین بار در این کتاب انتشار عمومی دادم. در این کتابچه، صورت نامه محمدعلی شاه که اصل آن در گنجینه کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و من به راهنمایی آقای عبدالحسین حائری آن را در قاب دیواری دیدم، در صفحه ۱۱۹ با این توضیحات که در پایین همان صفحه دستخط آمده است: «نامه محمد علی شاه قاجار در پاسخ نامه مجلس شورای ملی که با امضاء اسماعیل ممتازالدوله رئیس مجلس برای شاه فرستاده شد به خط مرحوم حشمت‌الدوله والاتبّار دیبا» به چاپ رسیده است. این دستخط با توجه به این که خود کسروی هم در پاورقی نوشته‌اش به این امر اذعان دارد که نامه محمدعلی شاه را از نخبجوی گرفته است، دارای اصالت بود و در واقع منبع اصلی و اولی به شمار می‌رود. ناچار از این یادآوری هم هستم که: متن نامه مجلس به امضای ممتازالدوله به محمدعلی شاه در آخر صورت مذاکرات دوره اول در صفحات ۵۷۹ و ۵۸۰ نیز آمده است؛ با این مشخصات: مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه - ضمیمه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، چاپخانه مجلس، ۱۳۲۵ (شمسی). این کل ماجرای بود که در آگهی تبلیغاتی کتاب، انتشار نامه‌ها با جمله «برای اولین بار» معرفی شده بود. من به تصور این که کسانی که با تاریخ مشروطیت سروکار دارند، حتماً هم کتاب کسروی را دیده‌اند و هم از نظر آدمیت آگاهی دارند، با عدم درج پاورقی که توضیح دهنده انتشار عمومی و از روی متن اصلی نامه‌ها برای اولین بار باشد، اشتباهی را دچار شدم که سوءتفاهماتی برای خوانندگان پیش آورده است.

تکمله «نظام‌نامه داخلی مجلس شورای ملی: صفحه ۵۵۷ (چاپ اول):

۳۳- اکل و شرب و استعمال دخانیات در اطاق مجلس ممنوع است.

۳۴- باید هر یک از افراد مجلسیان مواظب باشد که تزییع حق دیگری را نکند. مثلاً اگر یکی از اجزاء مشغول نطق است به نجوی کردن یا قیل و قال کردن حواس او را متفرق نکند.

۳۵- اگر اتفاقاً دو نفر از مجلسیان مقارن یکدیگر اجازه نطق خواستند سبقت در استیذان ولو به چند ثانیه حق تقدیم می‌دهد.

۳۶- اگر یکی از مجلسیان شکایت شخصی راجع به یکی از اعضای مجلس داشته باشد باید به مجلس اظهار کند و بعد از این که مدعی علیه جواب شخص شاکی را گفت هر دو از

مجلس خارج شوند تا در غیاب آنها اهل مجلس در ماده شکایت رسیدگی کرده حکم مسئله را معلوم کند.

۳۷- هر یک از اعضاء مجلس بر ترک یا خلاف فصلی از نظامنامه داخلی مطلع شود حق دارد به رئیس اطلاع داده منع و اصلاح آن را بخواهد.

فصل سوم در جنایات و مجازات اعضاء مجلس

جنایات اعضاء مجلس به چهار درجه تقسیم می‌شود.

۳۸- درجه اول از قبیل نجوی کردن و سرفه کردن به عمد در موقع نطق یکی از اعضاء و مجازات این درجه ملامت کردن و نصیحت کردن بر ترک این افعال است.

۳۹- درجه دوم مثل مخالفت قوانین نظمیه با اعاده نجوی و قیل و قال با وجود ملامت و نصیحت و مجازات این درجه بیرون رفتن از مجلس است به امر رئیس به قدر یک ساعت.

۴۰- درجه سوم حاضر نشدن در تکالیف مقرر است مثل این که یکی از اعضاء در ده اجلاس متوالیه بدون عذر صحیح از حاضر شدن مجلس تقاعد کند. در این صورت مجلس به او تکلیف خواهد کرد که از عضویت استعفا کند. اگر بعد از تکرار تکلیف استعفا تا سه مرتبه استعفا نکرد از عضویت خلع می‌شود و عضو دیگر به جای او انتخاب می‌شود و این عضو از وکلای هر طبقه و ایالتی باشد در صورت اقتضای فرصت باید همان طبقه و ایالت بدل او را تعیین کنند و قبل از تعیین هیئت مجلس از او وکالت خواهد کرد.

۴۱- درجه چهارم خیانت کردن به هیئت مجلس از قبیل رشوه گرفتن یا افشای سر مجلس یا سعی در تخریب اساس و اخلال در پیشرفت کار مجلس است به غرض و جزای این درجه بعد از ثبوت اخراج از عضویت مجلس و فرستادن به محکمه عدلیه و تعاقب در مجازات خائن است.

فصل چهارم در طریقه رسیدگی به مطالب

۴۲- مطلبی که از طرف دولت به مجلس می‌رسد، کلمه (اظهار) تعبیر می‌شود و مطلبی که از طرف اعضاء مجلس باشد به کلمه (عنوان) و آنچه سایر مردم بفرستند به کلمه (عریضه).

۴۳- هرگاه عریضه به مجلس برسد و بیشتر از سه ربع اعضاء مجلس مذاکره آن را بی‌فایده بدانند به رئیس‌اطهار می‌دارند که مطلب قابل مذاکره نیست .

۴۴- هرگاه مطلبی باشد که فهم آن موقوف به فهم مطلب دیگر باشد، اول مطلب موقوف علیه را مذاکره کرده بعد به مطلب اول می‌پردازند.

۴۵- اگر مطلب پیچیده و درهم و متوقف بر مطالب متعدده دیگر باشد، مجلسیان مختارند که خودشان اطراف و حواشی مسئله را تنقیح کرده در مجلس مذاکره نمایند یا انجمن تحقیق مخصوص برای رسیدگی به آن تشکیل کنند.

فصل پنجم در طریقه تقدیم به مجلس

۴۶- اگر کسی از مجلسیان چیزی راجع به نفع و مصلحت عموم به نظرش رسید، بعد از آنکه در لایحه نوشته و خواست به مجلسیان عرضه دارد باید از رئیس اجازه بخواهد بعد از تحصیل اجازه می‌تواند شخصاً به محلی که برای نطق و تکلم معین شده برود و لایحه مرقومه را قرائت نماید یا لایحه را بدهد که یکی از منشیان بخواند. اگر پانزده نفر از اعضاء مجلس با عنوان او همراه شدند، یعنی مشاوره آن عنوان را تصویب کردند مطلب او در مجلس قبول می‌شود و در تحت مشاوره در می‌آید.

۴۷- بعد از قبول مطلبی مجلس مختار است در همان ساعت در آن ماده مذاکره کند یا محول به وقت دیگر بگذارد.

۴۸- سایر مردم نیز می‌توانند در صلاح‌بینی یا شکایات مطالب خود را مکتوباً با امضا و نشانه منزل به مجلس بفرستند که در انجمن عرایض رسیدگی شده آنچه تکلیف مجلس است رفتار شود.

فصل ششم در طریقه تشکیل انجمن‌های تحقیق و سپردن مطالب به آنها

۴۹- مقصود از انجمن تحقیق هیئتی است که اعضاء مجلس برای رسیدگی مطلب بخصوص از میان خود انتخاب می‌کنند و آن بر حسب ضرورت و لزوم موقتی یا دائمی خواهد بود.

۵۰- در موقع تشکیل انجمن اول باید تعیین کنند که برای انجام کاری که موضوع تحقیق است، چند نفر اجزاء لازم است و بعد از تعیین عده اجزاء شروع به انتخاب کنند و طریقه

انتخاب آن است که رئیس اسامی اشخاصی را که برای عضویت انجمن صلاحیت دارند معین کرده، به مجلسیان اظهار می‌کند. اگر قبول کردند همان اشخاص اعضای انجمن خواهند بود والا هر کدام مقبول مجلسیان نباشد، به حکم اکثریت تبدیل می‌شود .

۵۱- هر یک از انجمن‌های تحقیق یک نفر رئیس و یک نفر منشی و یک راپورت دهنده مابین اعضاء خود انتخاب خواهند کرد.

۵۲- تکلیف اعضای این انجمن آن است مطلبی که به آن‌ها رجوع شود اول بطور صحت تنقیح کرده بعد به دقت تمام مذاکره کنند، بعد از فهم مطلب نتیجه تحقیقات را راپورت کرده در موقعی که مجلس معین می‌کند به مجلس عرضه دارند.

۵۳- اگر انجمن تحقیق برای مذاقه در امری است که یکی از اعضاء عنوان کرده باشد در این صورت باید آن عضو یکی از اعضای انجمن باشد و اگر انجمن راجع به مطلبی است که از طرف وزیری اظهار شده، آن وزیر می‌تواند در آن انجمن حضور داشته باشد و در مذاکرات شرکت نماید.

۵۴- بعد از انتخاب اعضاء انجمن باید منشی اسامی آنها را ثبت کند و صورت اسامی اعضا را با دستورالعمل و ترتیبی که مجلسیان برای انجمن مقرر کرده‌اند نوشته بعد از امضای رئیس به رئیس تحقیق بدهد.

۵۵- تکلیف انتظامات داخلی اعضای انجمن تحقیق در حکم انتظامات مجلس شورای ملی است .

۵۶- اگر اعضاء انجمن تحقیق از دستورالعمل مجلس منحرف شوند و بر خلاف مأموریت مقرر رفتار کنند اعمال آنها از درجه اعتبار ساقط است .

۵۷- اعضای انجمن تحقیق در باب حدود و تنبیهات و شکایات باید به مجلس شورای ملی رجوع کنند .

۵۸- راپورت دهنده انجمن بعد از ختم عمل نتیجه تحقیقات و خلاصه رأی انجمن را به مجلسیان اظهار می‌کند یا تفصیلاً راپورتی را که حاضر کرده است، قرائت می‌کند و نوشتجات راجع به مطلب را با راپورت انجمن به رئیس مجلس تسلیم می‌کند تا باز تفصیلاً در موقع به

سمع مجلسیان برسد و معلوم شود رأی انجمن در مجلس نیز قبول شده یا نه در صورت عدم قبول خود مجلس در آن خصوص استیناف می‌کند یا انجمن دیگر انتخاب می‌نماید.

فصل هفتم در انجمن تحقیق عرایض

۵۹- چون عده عرایض به مجلس از طرف مردم غالباً زیاد خواهد بود، لهذا برای رسیدگی به عرایض یک انجمن تحقیق عرایض برقرار می‌شود. این انجمن عرایضی را که لیاقت مذاکره در مجلس داشته باشند، عیناً به مجلس اظهار می‌دارد و از سایر عرایض هفته یک مرتبه فهرستی ترتیب داده با اشاره به خلاصه آنها به عرض مجلس خواهد رسانید.

فصل هشتم در تصحیح و تجزیه مطالبی که به مجلس داده می‌شود

۶۰- اگر اصل مطلبی که به مجلس وارد می‌شود ناطق بر بعضی جزئیات نباشد، اعضاء مجلس می‌توانند جزئیات مطلب را معین کرده تحت مشاوره درآورند.

۶۱- مطلبی که به مجلس داده می‌شود تکلیف اعضاء مجلس یا تکلیف اعضاء انجمن‌های تحقیق این است که اگر در عبارات و طریقه ادای آن یا در شرح جزئیات عیب و نقصی باشد، تصحیح کرده به عبارات واضح و روشن تعبیر کنند. بعد از تصحیح اگر جزئیات و فروع زیاد داشته باشد، باید آن را به اجزائی که مطلب از آنها ترکیب شده تجزیه کرده در هر یک علیحده گفتگو کنند. مثل اینکه شخصی مطلبی داده است که فلان مالیات باید از فلان محل گرفته شود و به فلان مصرف برسد. یک جزء مطلب گرفتن مالیات است از این محل و جزء دیگر مصرفی است که معین شده. پس باید مطلب را به این دو جزء تجزیه کرده در هر یک علیحده مذاکرات کنند و رأی مجلس یا انجمن را در هر کدام تعیین نمایند.

۶۲- یکی از شرایط تصحیح مطالب این است بعد از فراغت از تصحیح سه مرتبه در مجلس خوانده شود. اول به عباراتی که صاحب مطلب داده است، بدون کم و زیاد. دوم با ضمیمه آنچه کم و زیاد کرده‌اند. سوم بعد از تصحیح تام و علت سه دوره قرائت این است که معلوم شود تفاوت مطلب تصحیح شده و کم و زیاد آن با اصل مطلب چیست.

فصل نهم در ترتیب مذاکره مطلب

۶۳- هنگامی که مطلب در تحت مذاکره است، دیگری نباید مطلب مجددی در آن داخل کند تا مذاکره آن مطلب تمام بشود، مگر آنکه مطلب ثانی مقدمه مطلب اول باشد و مجلسیان به آن محتاج باشند .

۶۴- مطالبی که به مجلس می‌رسد هر کدام مهم‌تر است، مذاکره و انجام آن باید مقدم باشد.

۶۵- وقتی که مطلب به مجلس رسید و رئیس مذاکره آن را به روزی معین توقیت کرد، باید این مطلب در فهرست آن روز ثبت شود تا در آن روز و در ساعتی که معین کرده‌اند در آن مذاکره شود. اتفاقاً اگر مجلسیان در آن ساعت به مطلب دیگر مشغول شدند، هر کس از اعضاء مجلس ملتفت شد حق دارد اظهار کند که موقع مذاکره فلان مطلب رسیده است و باید آن را مقدم داشت .

۶۶- اگر مطلب مهمی پیش آید که انعقاد مجلس برای مذاکره آن لازم باشد و تا موعد انعقاد مجلس معمول فاصله باشد، باید رئیس اعلان کند که در فلان وقت و فلان ساعت انعقاد مجلس فوق‌العاده برای فلان مطلب لازم است و مجلسیان باید در همان روز و ساعت معین حاضر شوند. بعد از حضور و مذاکره اگر باز به انعقاد مجلس دیگر احتیاج افتاد، هر یک از مجلسیان می‌توانند ضرورت مجلس فوق‌العاده دیگر را اظهار کنند و رئیس وقت و ساعت آن را معین نماید تا وقتی که مذاکره آن مطلب ختم و اعاده مجلس فوق‌العاده ضرور نباشد .

۶۷- مطالب دولتی و مطالب اساسی باید سه مرتبه در مجلس قرائت و مطرح مذاکرات شود .

۶۸- ترتیب قرائت سه‌گانه این است که پس از قرائت اول در اصول مسئله مذاکره کنند و معلوم شود که رجوع به انجمن تحقیق لازم است یا نیست. از قرائت اول تا قرائت ثانی باید اقلماً دو روز فاصله باشد و اگر مطلب راجع به انجمن تحقیق شود، باید از روزی که مجلس انجمن تحقیق به اعضا تقسیم می‌شود تا روز قرائت ثانی سه روز بگذرد .

۶۹- پس از قرائت ثانی اصلاحاتی که به نظر اعضاء مجلس می‌رسد، باید به ترتیب مقرر اظهار نمایند و به دلایل لازمه استدلال کنند. پس از انجام مذاکرات نتیجه آنها را که یکی از منشیان نوشته است، به انضمام صورت اصل مطلب در نوبت ثالث قرائت نموده آراء اهل مجلس معین شود یقین است. اگر در قرائت ثانی مجلس مطلب را رد کند، قرائت ثالث واقع نخواهد شد .

۷۰- پس از انجام مذاکرات در قرائت ثانی و تقسیم صورت مجلس به اعضاء تا قرائت ثالث باید اقلأً دو روز فاصله باشد. بعد از قرائت ثالث اصلاحی که یک یا چند نفر اظهار نمایند، مطرح مذاکره نمی‌شود مگر آنکه پانزده نفر متفقاً آن اصلاح را بخواهند و نتیجه قرائت ثالث رد یا قبول خواهد بود .

۷۱- مطالبی که در یک دوره اجلاسیه قرائت نشده باشد یا پس از قرائت ناتمام مانده باشد، در دوره دیگر مطرح مذاکره نمی‌شود مگر اینکه مجدداً اظهار شود.

۷۲- برای تحصیل آراء باید مطلبی که مطرح مذاکرات بوده قبل از رأی خواستن جهت تذکار حاضرین در اطاق خوانده شود.

فصل دهم بعضی قوانین در مباحثه و مذاکره مطالب

۷۳- در صورتی که دو ثلث از اعضاء مجلس حضور داشته باشند، شروع به مذاکرات و در صورتی که سه ربع حاضر باشند، اقدام به تحصیل آراء می‌شود. اگر عده حاضرین از سه ربع کمتر باشد تحصیل آراء نمی‌شود.

۷۴- حق نطق با کسی است که پس از عنوان مطلبی اول خواهش نطق کند و بعد به ترتیب اظهار .

۷۵- هر یک از مجلسیان که مستعد برای نطق هستند، در اول امر بیش از یک مرتبه حق نطق ندارند. ولی بعد از آنکه سایر اعضاء مجلس هر کدام یک مرتبه نطق کردند یا از سکوت آنها معلوم شد که نطقی در آن موضوع معین ندارند و مطلب هم مجمل ماند، آن وقت ناطق اول می‌تواند با اجازه رئیس ثانیاً نطق کند تا وقتی که مطلب تعیین و تشریح شود.

۷۶- اگر یکی از مجلسیان که نوبت نطق اوست نطق کرد، ولی مجلسیان نطق او را ملتفت نشدند می‌تواند از رئیس اجازه بخواهد که نطق خود را تجدید نماید.

۷۷- در موقعی که مباحثه مطلبی در مجلس طول کشید و رأی مجلسیان معلوم نشد، هر یک از آنها می‌توانند برخاسته و اظهار دارند که مذاکره این مطلب طول کشیده باید رئیس اکثریت آراء را معین کند. در این وقع اگر پانزده نفر از مجلسیان شخص متکلم را تقویت کردند، رئیس باید فوراً به مجلس اعلان بدهد و درصدد کسب اکثریت برآید .

فصل یازدهم در طریقه به دست آوردن اکثریت آراء

۷۸- برای تعیین اکثریت آراء پس از اعلان رئیس به هر یک از اعضاء دو قطعه مقوا داده می‌شود که یکی از آنها سفید و دیگری کبود خواهد بود و اسم گیرنده روی آنها چاپ است. مقوای سفید نشانه قبول و کبود نشانه رد مطلب است. هر یک از اعضا باید رأی خودش را به انداختن یکی از دو قطعه مقوا در ظرفی که نزد او می‌برند، ظاهر سازد. پس از تحصیل آراء تمام اعضا آن ظرف را در حضور حاضرین خالی می‌کنند و یکی از منشیان مقوهای سفید را جدا و مقوهای کبود را جدا به صوت بلند شماره می‌نماید و رئیس مجلس حاصل شماره را اعلام می‌کند.

۷۹- رئیس و منشیان باید رأی خود را بعد از آراء سایرین و قبل از شماره آراء به ترتیب فوق اظهار نمایند.

۸۰- هرگاه در موقع به دست آوردن اکثریت آراء یک یا چند نفر که عده آنها بیش از ربع عده اعضای مجلس نباشد حاضر نبودند، حق ندارند رأی مجلس را قبول نکنند.

فصل دوازدهم در توضیح خواستن از ادارات

۸۱- سؤالات مکتوبی که از طرف مجلس از وزراء می‌شود باید در ماده معین باشد و پانزده نفر از اعضا مجلس آن را امضا نموده به رئیس بدهند که سواد آن را به مهر مجلس به مقام صدارت تبلیغ نموده اصل را به دفتر خانه مجلس بسپارد. در موقعی که رئیس این سؤالات را به مقام صدارت یا وزراء تبلیغ می‌کند، باید روزی را تعیین کند که صدراعظم یا وزیری که مطلب راجع به اوست یا معاون آنها برای جواب دادن در مجلس حاضر شود.

۸۲- روز موعود اول کسی که توضیح خواسته و منشاء سؤال بوده، مطلب را اظهار و موجه می‌دارد تا وزیر یا معاونی که حاضر است جواب بگوید.

فصل سیزدهم در انشاء عرایض به حضور مبارک

۸۳- برای انشاء عرایض به حضور مبارک همایونی انجمنی مرکب از دوازده نفر از اعضاء مجلس تشکیل می‌شود که هر دو نفر از آنها از طبقه باشند. این انجمن به ریاست رئیس

مجلس عریضه را نوشته پس از قرائت در مجلس به توسط هیئتی که مرکب است از رئیس مجلس و شش نفر دیگر که طبقات شش گانه انتخاب کنند به عرض می‌رسد.

فصل چهاردهم در رسیدگی به شکایات راجعه به انتخابات

۸۴- چنانکه در نظامنامه انتخابات مقرر است، شکایات در انتخابات را باید بالاخره راجع به مجلس شورای ملی نمایند و برای رسیدگی به این شکایات باید انجمن تحقیقی تشکیل شود که به مواد شکایات رسیدگی نماید.

۸۵- شکایات راجعه به انتخابات را در هر محلی باید در ظرف ده روز پس از انجام انتخابات به پست‌خانه آن محل داده باشند، والا طرف ملاحظه نخواهد بود.

۸۶- انجمن تحقیقات شکایاتی را که به موقع به مجلس ارسال شده باشد، رسیدگی می‌نماید و صورت مجلس انجمن را به مجلس عرضه می‌دارد و اگر منتخبی بر خلاف نظامنامه انتخاب شده باشد، باید آن انتخاب اعاده شود. ولی تا روزی که در این خصوص حکم مجلس صادر نشده، آن منتخب از اعضای مجلس محسوب است و حق رأی دادن دارد.

فصل پانزدهم در تکالیف تماشاچی

۸۷- عموم مردم می‌توانند با داشتن بلیط برای استماع مذاکرات در اجلاسات علنی داخل مجلس شورای ملی بشوند و در جایی که برای تماشاچی مقرر است، بنشینند.

۸۸- تماشاچیان به هیچ وجه حق شرکت در مذاکرات مجلس ندارند و باید در کمال آرامی نشسته فقط مستمع باشند.

۸۹- تماشاچیان باید در ورود به مجلس خود را مکلف به اطاعت قوانین نظمیه مجلس دانسته، در صورت تخلف از آنها از هر گونه اقدامات سخت نرنجند.

خاتمه

۹۰- هر یک از این قوانین و نظامات که به حکم تجربه و اقتضای وقت جالب نسخ و تغییر باشد، اعضاء مجلس به حکم اکثریت می‌توانند آن را به قانون دیگر که مناسب با حال مجلس باشد، تبدیل کنند و همچنین فصول جدیدی که طرف احتیاج بشوند، بر این نظامنامه اضافه خواهد شد.

پیشگفتار

مجلس شورای ملی عالی‌ترین ثمره‌ی جنبش مشروطیت است؛ با تشکیل مجلس اول، شیوه و اصول کشورداری از وضعیت استبداد فردی به حالت دموکراسی پارلمانی تبدیل شد و برای نخستین بار در تاریخ ایران زمین، مردم در تعیین سرنوشت خود و تحدید حدود حکمرانی و تبیین قوانین، صاحب حق و رأی شدند. نهاد قانونگذاری یا *Parliament* از نظر واژه‌شناسی تبار به پارلیامنتوم در زبان لاتین می‌برد و به معنای «صحبت کردن» استعمال می‌شده است؛ در فرهنگ سیاسی نیز مجمعی که برای وضع و تصویب قوانین و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها از سوی آحاد مردم برگزیده می‌شوند، پارلمان خوانده شده است. بلافاصله باید اضافه کرد که این مجمع برآمده از تحول در اندیشه‌ها و کنش‌های سیاسی دوره‌ی مدرن است که بر حق طبیعی انسان‌ها دست یافته و آدمی را از حالت رعیت به مقام شهروند ارتقا داده است؛ در بنیان‌های دموکراسی پارلمانی، گسست از حقوق الهی پادشاهان - ظهور جامعه‌ی مدنی - اصل حاکمیت ملی با صورت‌بندی نوین دولت - ملت در یک محدوده‌ی تعریف شده‌ی جغرافیایی و سیاسی - و بالاخره تأکید بر حقوق چهارگانه‌ی حق زندگی، حق مالکیت، حق آزادی و حق اعتراض که وضعیت زیست انسانی را از حالت طبیعی به موقعیت قرارداد اجتماعی رهنمون می‌شوند، از اهمیت محوری و جایگاه اساسی برخوردارند؛ بنابراین نظام پارلمانی در روش کشورداری آمیخته با مشارکت مردم معنا می‌یابد و در عرف فلسفه‌ی سیاسی «دموکراسی پارلمانی» ناظر به دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و تعریف وظایف قانونی مراکز اجرایی و قضایی است.

بر این اساس تحقق دموکراسی پارلمانی، در سویه‌ی اجرایی بایستی دارای ویژگی‌هایی چون: وجود رئیس اسمی - اعمال قدرت توسط دولت که به شکل قوه‌ی مجریه درآمده است - مسئولیت‌پذیری کابینه در برابر پارلمان و جداسازی وظایف محوله به سه قوه‌ی اصلی در نهاد حکومت، باشد؛ در سویه‌ی نهادمند کردن پارلمان، نیز برگزاری انتخابات آزاد - ابراز آزادانه‌ی افکار و ایده‌ها در پارلمان - مصونیت سیاسی نمایندگان - حق رأی برای تمامی افراد جامعه که دارای شأن

سیاسی و حقوقی هستند و... جای دارند.

بی‌تردید پدید آمدن پارلمان یا نهاد قانونگذاری مدرن (مجلس شورای ملی) یکی از اساسی‌ترین ارکان دنیای جدید را در ایران زمین به ارمغان آورد و به واسطه‌ی شکل‌گیری آن، تلاش‌ها و اندیشه‌های دوران قاجاریه - که از جنگ‌های ایران و روسیه و ورود ایران به روابط بین‌المللی نوین، شروع شده بودند - به نتیجه‌ی منطقی و اوج‌نهایی خود رسیدند؛ اولین اشارات به پدیده‌ی پارلمان در سفرنامه‌هایی دیده می‌شود که از سوی ایرانیان پای گذاشته به فرنگ نگاشته شده‌اند؛ بیش از همه میرزا صالح شیرازی بود که در توصیف دنیای پیشرفته‌ی غرب، به زیرساخت‌های فکری و نهادهای سیاسی و اجتماعی آن دیار پرداخته است.

میرزا صالح در بحث از نظام سیاسی انگلستان به پارلمان و نقش آن در اداره‌ی کشور و دخالت آرای عمومی در آن می‌پردازد و از پارلمان به «مشورت خانه» و «خانه وکیل رعایا» نام می‌برد؛ همو سپس در الزامات نظام پارلمانی، به تفکیک قوا پرداخته و آن را برای هموطنانش این‌گونه توصیف می‌کند: «و هیچ حکمی جاری نمی‌شود، اعم از کلی و جزئی، مگر به رضای هر سه فرقه. فرضاً اگر پادشاه حکمی کند که موافق مصلحت ولایتی نباشد، وکیل رعایا مقاومت و ممانعت در جریان حکم مزبور نموده، مطلقاً تأثیری نمی‌بخشد و جاری نخواهد شد. و هم چنین، اگر خوانین و پادشاه متفق شوند و وکیل رعایا راضی نبوده، ایضاً حکم آن‌ها، اگر چه مقرون به مصلحت بوده، جاری نخواهد شد. و اگر پادشاه و وکیل رعایا اراده در انتظام مهمی نمایند و خوانین قبول نکنند، مهم مزبور بدون تأثیر می‌ماند. بالجمله، دولت انگریز را مثل دستگاهی قیاس کرده‌اند، سه گوشه. در صورتی که هر سه گوشه منتظم بوده، امور دستگاه برقرار والا مختل می‌ماند. فرضاً پادشاه می‌تواند جدال با سایر قرال فرنگ نماید، لیکن اخراجات سپاه را کامن و یا وکیل رعایا حواله می‌کنند و در صورتی که آن‌ها راضی به جدال نبوده، وجوه اخراجات جنگی را حواله نمی‌دهند و به آن سبب، امور جنگی مختل می‌ماند. مختصراً وکیل رعایا مطلقاً در حواله کردن وجوه دیوانی پادشاه و خوانین، مدخلیت به وجه نمی‌دهند و هر امری از جزوی و کلی که در جزیرهٔ مزبور روی دهد و یا اموری که تازه رو دهد که باید

فیصل دهند، مراتب را به مشورت خانه رسانیده...»^۱

میرزا فرخ خان امین‌الدوله نیز در شرح مأموریت خود به فرانسه از نظام سیاسی آن جا سخن گفته و در فصل مستقلی به توضیح کارکرد مجالس فرانسه پرداخته است؛ امین‌الدوله که از رجال سیاسی بود، در اشاره به شیوه قانونی حکومت فرانسه از پارلمان یاد می‌کند و آن را «وکالای رعیت» می‌خواند؛ او می‌نویسد: «کورلژسلائیف که به اصطلاح خودمان وکلای رعیت گرفته شد، توضیح آنکه هر سال مدت سه ماه وکلای رعیت از اطراف و نواحی به پایتخت فرانسه جمع آمده در باب طرح قانون و مالیات مملکت با اولای دولت مشاوره و محاوره نموده و همه امورات را به مقام تعدیل آورده وکلای رعیت از امورات دولت و وکلای دولت از کارهای رعیت خبردار شده و صورت نوعیه به کارهای رعیت داده مراجعت می‌نمایند. اینست کار و شغل وکلای رعیت...»^۲ امین‌الدوله سپس به کیفیت انتخاب وکلا و ارتباط قانونی میان امپراتور با مجلس و مجلس با وزارتخانه‌ها پرداخته و از نظام قضایی و مالی فرانسه گزارش‌های ارزنده‌ای ارائه می‌دهد.

در میان منورالفکران عصر ناصری، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و دیگر مدرن‌های کلاسیک ایرانی از مفهوم پارلمان و جایگاه آن در نظام سیاسی جدید سخن گفته‌اند؛ ملکم خان آن جا که از نظام‌های سیاسی بحث می‌کند، در رابطه با پارلمان یا به تعبیر او از «مجلس تنظیمات» و شرح وظایف آن برای تعیین حدود اجرایی قوای کشوری و تدوین قانون نام می‌برد.^۳ ملکم در مراحل پختگی فکری خود در روزنامه‌ی قانون مورخه‌ی رمضان ۱۳۰۹ می‌نویسد: «به اقتضای یک قرار مطلق، تشخیص و تدوین و استقرار قوانین باید حکماً به مشورت و به تصدیق دو مجلس دوگانه باشد: یکی مجلس وکلای ملت، که خود ملت انتخاب می‌کنند و دیگری مجلس اقطاب که مرکب است از فضلا و اکملین قوم. از اجتماع این دو مجلس، یک مقام واحد، یک مجلس ثالثی ظاهر می‌شود که آن را ملاء اعلی گویند. اعظام مهمات ملک و کل مقادیر دولت در ید قدرت ملاء اعلی است.» (ص ۲)

^۱ - سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی ۱۳۶۴، ص ۲۹۸.

^۲ - مخزن‌الوقایع - شرح مأموریت و مسافرت فرخ خان امین‌الدوله ۱۳۷۸، ص ۲/۱۵.

^۳ - نک: کتابچه غیبی، صص ۴۰ - ۳۳.

آخوندزاده نیز در نوشته‌های خود به شرایط جدید دولت و نقش پارلمان اشاره نموده است؛ وی با تأکید بر سیستم مشروطگی و محدودیت قانونی حکومت، از پارلمان - در میان توضیح واژگان جدید - سخن می‌گوید و آن را در مقام قانونگذاری به دو مجمع «وکلاهی رعایا» و «وکلاهی نجبا» تقسیم می‌کند: «کل قوانین سلطنت در مجمع اولی ترتیب یافته، به ملاحظه مجمع ثانی پیشنهاد می‌شود. در صورت موافقت این دو مجمع به امضای پادشاه رسیده، مجری می‌گردد و پادشاه اصلاً قدرت ندارد که بر خلاف قوانین مزبوره اقدام کند.»^۴ آقا خان کرمانی نیز به پدیده‌ی پارلمان پرداخته و آن را از دیدگاه دنیای مدرن، در رفع ظلم حکومت مستبده و ایجاد دولت قانونمدار مورد توجه قرار داده است. کرمانی نیز همانند آخوندزاده در ابتدا به توضیح لفظ پارلمان برآمده و آن را «عبارت از دو مجمع... که در یکی وکلاهی منتخب رعیت که سرآمد اهالی و جواهر مردم آن مملکت‌اند و در دیگری وجوه اعیان و اکابر دولت مجمع کنند و این مجمع از این دو طایفه تشکیل می‌یابد،» دانسته و سپس در تبیین جایگاه آن می‌نویسد: «در مجلس اول به مشورت و صلاح دید وکلاهی ملت از برای نظم و آسایش رعیت یا ترقی و پیشرفت مملکت و افتخار شرف ملت قانونی طرح و مذاکره می‌شود. بعد از ترتیب و انتخاب این قانون که آن هم شرایط بسیار دارد، صورت آن قانون منتخبه برگزیده را به مجلس که مرکب از وجوه اعیان و اکابر دولت است، می‌برند. در صورت امضای آن قانون از نظر پادشاه می‌گذرانند و حکم به اجرای آن می‌دهند...»^۵ و بالاخره باید از اندیشه‌های طالبوف تبریزی یاد کرد که در زمانه‌ی تشکیل اولین مجلس قانونگذاری، هم به نمایندگی انتخاب شد و هم شاهد عملی شدن ایده‌های پارلمانتاریستی و مشروطه‌خواهی خود بود؛ طالبوف نیز اساس ایجاد پارلمان را بر دولت قانونی و تعیین حدود سلطنت و مقید کردن آن به قیود قانونی و رعایت حقوق مردم می‌گذارد؛ از نظر وی رژیم مشروطه‌ی سلطنتی دارای دو مجلس است. بنابراین «پارلمنت عبارت از دستگاهی است که وضع قوانین و اجرای آن در آن جا

^۴ - مکتوبات کمال الدوله، ص ۵۵ مصحح.

^۵ - سه مکتوب ۲۰۰۰، ص ۱۱۵ و

صورت می‌گیرد.^۶

پس «قانون اساسی که حقوق پادشاه و اتباع کشور را تعیین می‌کند، باید ساخته و پرداخته پارلمان باشد.»^۷ اما در میان کنشگران مدرن در عرصه‌ی سیاست اجرایی ایران نیز در دوره‌ی متصل به ایجاد نظام پارلمانی مشروطه، امیر کبیر و سپهسالار از اهمیت پارلمان غافل نبوده‌اند، اگر چه آنان به واسطه‌ی ناقص بودن علل پدیداری پارلمان موفق به ایجاد آن نشدند؛ میرزا تقی خان امیر کبیر در راهکارهای اصلاح نظام سیاسی ایران، با جداسازی وظایف قوای قانونگذاری از اجرایی و تعریف جایگاه سلطنت به سخن خویش «خیال کنستیتوسیون» داشته است. «منتظر موقع» بوده، «اما مجالش» ندادند. به نوشته‌ی دکتر آدمیت: «فرض حکومت نمایندگی نه فقط در آن زمان و تا دو نسل بعد، ذاتاً موضوعیت نداشت بلکه بی‌معنی بود. نشانه‌ای از چنان هشیاری اجتماعی هنوز نبود، بلکه با اصلاحات جدید میرزا تقی خان - تازه جامعه می‌رفت که تکانی بخورد و به راه تحول سیاسی بیفتد. از اینرو در وضع تاریخی زمان، مفهوم «کنسٹیپوسیون» ناگزیر دلالت پیدا می‌کرد به نوعی از دولت منتظم یعنی دولتی که قواعد اداره‌اش مضبوط، حقوق مثبت افراد از دستبرد مصون، قانون مشورت جمعی بر اراده‌ی مطلق فردی حاکم و به هر حال اختیار فردی محدود باشد.»^۸ میرزا حسین خان سپهسالار نیز در مقام اجرایی، اصلاحات خود را معطوف به ایجاد حکومت قانون و محدود ساختن اقتدار سلطنت فردی ناصرالدین شاه نمود و از تأسیس نهادهای قانونگذاری سخن گفت؛ مهم‌ترین اقدام سپهسالار تهیه‌ی لایحه‌ی ایجاد دربار اعظم یا دارالشورای کبری بود که در سال ۱۲۸۹ قمری، تصویب و بنیان‌گذاری آن را از شاه گرفت و آن را به پی‌ریزی مجلس تنظیمات ارتقا داد؛ به روایت دکتر آدمیت: «جوهر تنظیمات این است که قانونگذار، هیات تنظیمات را جانشین اراده‌ی فردی حاکم ولایت گرداند. در قانون مجلس وزیران، سیاست مملکت در مجلس وزرای مسئول متمرکز گردید، اینجا اداره‌ی ولایت در مجلس تنظیمات تمرکز یافت؛ از نظر اصول حکومت این مکمل آن بود، و جهت

^۶ - مسائل الحیات ۱۳۵۶، ص ۱۹۲.

^۷ - مسائل الحیات ۱۳۵۶، ص ۱۹۲.

^۸ - امیر کبیر و ایران ۱۳۶۲، ص ۲۲۴ و مقالات تاریخی ۱۳۶۲، ص ۱۰۳.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

کلی هر دو نفی آیین خودکامگی بود. نتیجه‌گیری دیگر این که دولت میرزا حسین خان بدگمانی خود را نسبت به صنف حکام پوشیده نمی‌دارد، حتی در قانون موضوعه مملکت از شیوه دیرین آنان نکوهش می‌کند. حکام را چهار میخ کرده که از حد خود پا فراتر نهند، راه دستبرد را از هر سو به روی آنان ببندد. روح تنظیمات پشتیبانی از حقوق مردم و رعایت حال مردم خرده‌پاست.^۹

در جمع ایده‌ها و کنش‌های مدرنیته‌ی سیاسی و تثبیت آن در فرهنگ ایران زمین، همزمان با شکل‌گیری مجلس اول شورای ملی، برخی از فرهیختگان اقدام به تألیف و تدوین آیین نظام پارلمانی و توجه به حقوق اساسی شهروندان نمودند؛ نگارش رسالاتی چون «حقوق اساسی یا اصول مشروطیت» از میرزا مصطفی خان (عدل) منصورالسلطنه در سال ۱۳۲۷ و «حقوق بشری: اساس سیاست مملکت» از میرزا ابراهیم خان در ۱۳۳۱ و از این رسالات مقدم‌تر، تألیف رساله‌ی «حقوق اساسی (یعنی) آداب مشروطیت دول» که توسط محمد علی فروغی در ۱۳۲۶ قمری در سال اول فعالیت مجلس شورای ملی به چاپ رسید، بحث و بررسی نظام پارلمانی و حدود مشروطیت را فراتر از برخوردهای انقلابی، در متن‌های علمی و سپس آکادمیک جایگزین کرد. فروغی در رساله‌ی خود از پارلمان و وظایف قانونی آن سخن گفته و واقع‌بینانه می‌نویسد: «در دول متمدنه امروز تأسیس اساس حق ملت است و بس، یعنی ملت حق دارد هرگونه اساسی که می‌خواهد برای دولت خود معین کند. هر ملتی که این حق را داشته باشد، می‌گویند دارای سلطنت ملی است و سلطنت ملی را عنقریب به درستی تشریح خواهیم نمود، چون معلوم شد تأسیس اساس باید حق ملت باشد بینم ملت چگونه تأسیس اساس می‌کند؛ ملت رأساً نمی‌تواند تأسیس اساس کند و مجبور است برای این عمل از جانب خود تعیین وکیل نماید ترتیب صحیح این است که ملت جماعتی را از جانب خود برای تأسیس اساس انتخاب کند و ایشان بطور اجماع این کار را بکنند. هیئت اشخاصی که مأمور تأسیس اساس برای دولت می‌شوند انجمن تأسیس اساس دولت خوانده می‌شود... هیئتی که اختیار وضع قانون به او سپرده شده، نمایندگان ملت می‌باشد و آن هیئت بااسامی مختلفه نامیده می‌شود؛ ولی اسم متعارف آن در نزد فرنگی‌ها پارلمان است

^۹ - اندیشه ترقی و حکومت قانون - عصر سپهسالار ۱۳۵۶، ص ۲۲۲.

(مجلس ملی). هیئت مقننه و هیئت مجریه در کارهای یکدیگر نباید مداخله بکنند... دولت مشروطه چون به درجه کمال رسد، دارای ترتیب پارلمانی می شود این است که امور دولت به دست پارلمان است. نه این که پارلمان مستقیماً امور دولت را اداره کند، بلکه به این قسم که امور دولت به دست چند نفر وزیر باشد که ایشان مقبول پارلمان و در نزد او مسئول باشند... وظائف اصلی پارلمان وضع قوانین است و تصویب خرج و دخل دولت و نظارت بر اجرای قوانین مذکوره دخل و خرج مزبور... نظارت پارلمان بر اجرای قوانین و خرج و دخل دولت به توسط استفسار از وزراء یا اخطار به ایشان در امور ایشان واقع می شود، همچنین بواسطه راپرت‌هایی که وزراء باید گاهگاه از اعمال خود به پارلمان بدهند...»^{۱۰} این همه فعالیت و ایده‌پروری در صدور فرمان مشروطیت و ایجاد نخستین نهاد قانونگذاری در ایران به منصفی ظهور و مرحله‌ی عمل رسید. با این حال ایجاد پارلمان، خود نیز سر آغاز سلسله‌ای از تلاش‌ها و تحکراتی بود که در حداقل‌ترین لایه، امکان بازگشت به دوران هرج و مرج و بی‌قانونی را در ایران مختومه اعلام می‌داشت و بر گسترش و نهادینه کردن سیاست و فرهنگ مدرن در این سرزمین مهر تأیید می‌زد؛ بر این اساس اصل هفتم متمم قانون اساسی مصوب مجلس اول بر این امر معترف بود که: «اساس مشروطیت جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست.» در واقع با تشکیل مجلس شورای ملی، دولت قانون‌مند، ملت صاحب حقوق و کشور در زمره‌ی ممالک کنستی‌توسیونل درآمد؛ بنابراین کاوش از عملکرد مجلس در دوره‌ی اول قانونگذاری و تأمل در سخنان نمایندگان و اندیشه‌هایی که پشتوانه‌ی آن مجلس و دیگر ایده‌های مشروطه‌خواهانه و ضد مشروطه بودند، از عاجل‌ترین و مهم‌ترین تحقیقات مربوط به مشروطیت در ایران و یکی از زمینه‌های اصلی مشروطه‌پژوهی را تشکیل می‌دهد. با تجمع نمایندگان اقشار مختلف مردم ایران در مجلس شورای ملی، راه برای قانونگذاری جدید هموار شد، قوای سه‌گانه‌ی کشور برای انجام وظایف از همدیگر جدا و برای احقاق حقوق شهروندان ایرانی، نهادهای تازه‌ای تعیین شدند. با مجلس شورای ملی، شاه به عنوان نماد و سمبل کشوری بر جای ماند، کابینه‌ها در مقابل مجلس پاسخگو و دخل و خرج مملکت به نظارت گرفته شد؛ بالاترین دستاورد

^{۱۰} - نک: حقوق اساسی (یعنی) آداب مشروطیت دول ۱۳۸۲.

مجلس شورای ملی در دوره اول، تدوین قانون اساسی و تاکید بر برابری و آزادی مردم بود؛ اهدافی که جنبش مشروطیت را شکل داده بودند و از آرمان‌های نخبگان فرهنگی و سیاسی کشور در نزدیک به یکصد سال قبل از بنیان گذاری مجلس بشمار می‌رفتند. با تصویب قانون اساسی در مجلس و توشیح آن توسط مظفردالدین شاه و تأیید قانون اساسی و متمم آن توسط محمد علی شاه، تمامی لایه‌های زندگی اجتماعی در ایران، مورد بحث و بررسی قرار گرفتند و مجلس در این راه موفقیت‌هایی به دست آورد که بنیادهای نظام سیاسی و اجرایی را در یکصد سال پس از تأسیس مجلس، ایجاد نموده است. تدوین نظامنامه‌ی انتخابات - تنظیم نظامنامه‌ی داخلی مجلس شورای ملی - تعریف رابطه‌ی قوای سه‌گانه‌ی حکومتی با یکدیگر - توجه به ایجاد نهادهای ملی مالی - ایجاد اصلاحات مالی و قضایی - ایجاد قوانین موضوعه‌ای که ناظر به روابط اجتماعی و سیاسی بودند و... از جمله اقداماتی است که به همت اولین نمایندگان منتخب ملت در طول بیست ماه و اندی در کمیسیون‌های مختلف، با بحث‌های اساسی و اصولی، به تصویب رسیده و برای اجرا به نهادهای مربوطه ارجاع داده شدند.

دفتر حاضر گزارش و تحلیل اقدامات بنیادین مجلس شورای ملی را در دوره اول قانونگذاری بر اساس صورت مذاکرات در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد؛ برای دستیابی به چگونگی تصویب و تدوین قوانین در مجلس اول، مندرجات روزنامه‌ی مجلس از صورت مذاکرات دارای اولویت است. چرا که این روزنامه رسمی‌تر، دقیق‌تر و کامل‌تر از صورت مذاکرات و دیگر منابع، سخنان و کلام را ضبط و ثبت کرده است. برای تأیید مندرجات آن روزنامه، صورت مذاکرات دوره اول تقنینیه که به صورت ضمیمه‌ی روزنامه‌ی رسمی کشور منتشر می‌شده، جزو منابع اصلی مورد توجه قرار گرفته و در مراحل بعدی، آن صورت مذاکرات، با اسناد، گزارشات مأمورین دولت‌های خارجی و دولت ایران، خاطرات نمایندگان و دیگر صاحب منصبان داخلی و بالاخره تاریخ نگاران جنبش مشروطیت ایران، مستند شده‌اند؛ هدف از تنظیم این دفتر، رویکرد به نهادینه شدن لوازم و الزامات سیاسی - اقتصادی - حقوقی و اجتماعی دنیای مدرن در ایران بوده است که این جایگاه از آن نخستین مجلس شورای ملی در دوره استقرار و تثبیت نظام سیاسی مشروطیت در این سرزمین است.

علی اصغر حقدار - تهران - ۱۳۸۳/۶/۵

مقدماتی دربارهٔ دورهٔ اول مجلس شورای ملی

در تاریخ ایران چندین حادثه‌ی مهم باعث به وجود آمدن مقطع‌های اساسی بوده و دوره‌ای را از دوران دیگر متمایز نموده است. می‌توان در یک تقسیم بندی کلی، شکل‌گیری امپراطوری هخامنشیان را سرآغاز تاریخ مدون ایران شمارد؛ سپس به هجوم اعراب به ایران و فروپاشی شاهنشاهی ساسانیان اشاره کرد که دوران باستان را پایان یافته اعلام نمود و دوران میانه را بنیان گذاشت؛ پس از این با این که حوادث مهمی چون حمله‌ی مغولان و شکل‌گیری سلسله‌ی صفویان در تاریخ ایران به وقوع پیوست، اما اساسی‌ترین جریان، پدیداری جنبش مشروطیت و پیش‌زمینه‌های آن از دوران جنگ‌های ایران و روس بود که بر عمر دوران میانه از تاریخ ایران مهر خاتمه زد و فرهنگ و تاریخ ایرانی را به دوران نوین و عصر جدید وارد کرد. بنابراین امروزه می‌توان به سه دوره‌ی اصلی در فرهنگ ایرانی: (۱) دوران باستان، (۲) دوران میانه و (۳) دوران جدید در بحث و بررسی از تحولات تاریخی اشاره کرد.

همان طور که ایجاد امپراطوری هخامنشی، فرهنگ و آداب و رسوم پیشین ایرانیان را دستخوش تغییر و دگرگونی کرد، و ورود اعراب، باورها و شرایط زیستی و فرهنگی ایرانیان را به زمینه‌های دیگر گسترش داد، ورود روابط بین‌المللی مدرن اقتصاد، فرهنگ و سیاست در عصر مشروطه نیز فرهنگ سنتی ایران را در حالت پیشین به چالش کشیده و آن را با مسائل و الزامات نوینی درگیر کرد. سنت ایرانی که در دانش‌ها، باورها، کنش‌ها و نهادهای مختلفی فرصت بروز می‌یافتند، در تمامی لایه‌ها و زیرساخت‌های خود پذیرای تغییر و دگرذیسی شده و به تعبیری با ورود مدرنیته به ایران، عالمی دیگر و آدمی دیگر شکل گرفت که در فرایند و رشد و نهادینه شدن خود، تاکنون که نزدیک به یک سده از آن جریان می‌گذرد، با موانع سنتی و انگاره‌های پیشین درگیر بوده است. با این حال از آن دوران توابع و الزامات دنیای مدرن به نیازهای زمانه و سرنوشت انسانی در تمامی سیاره‌ی خاکی تبدیل

شده و هیچ گریز و گزیری از قبول و به کارگیری آن‌ها نیست. بنابراین شرایط، از یک طرف بایستی مدرنیته شناخته و بیان می‌شد و از طرف دیگر تمامی پتانسیل سنت برای یک بار و همیشه باید آزاد می‌شد تا فرایند گذار از سنت و گسست از جهان بسته‌ی پیشین و ورود به دنیای گشوده و مدرن با خردورزی و واقع بینی فراهم می‌شد.

شکست ایران در جنگ با روسیه و عهدنامه‌های خفت بار گلستان و ترکمنچای، اولین تکانه‌های ذهنی و روانی را در تفاوت ایران عقب مانده و روسیه‌ی پیشرفته بر ایده‌ها و کنش‌های برخی از مردان سیاست و نخبگان فرهنگی وارد آورد و آنان را به بحران هویت فرهنگ ایران راهبر شد. این حوادث و واقعیات را می‌توان تا انقراض سلسله‌ی صفویه و سقوط اصفهان به دست افغانان نیز پی گرفت و آنان را در کاوش از زمینه‌های انحطاط ایران و علل زوال فرهنگ و فروپاشی جامعه و حکومت آن زمان در نظر گرفت؛ در حقیقت فرایند از هم پاشیدگی فرهنگ و جامعه‌ی سنتی مدت‌ها پیش از این که توپخانه‌ی ارتش مدرن و پیشرفته‌ی روسیه، سرزمین مرزی آذربایجان را به خون فرزندان این مرز و بوم آلوده کند، با پوسیدگی حکومت مرشدان صفویه و به هم ریختگی نظام معیشتی ایرانیان و آغاز ارتباطات محدود فرهنگی با جهان پیرامون به عرصه رسیده بود. کروسینسکی در مقام یک شاهد عینی و آگاه به مسائل، به درستی از علل انحطاط صفویه و عوامل زوال ایران زمین سخن گفته است. باز لاکهارت به فرایندی اشاره می‌کند که سرنوشت محتومی را برای آخرین پادشاه صفویه به دست افغانان شورشی فراهم ساخت و زمینه را برای جریانات بعدی و ضعف ایران زمین پدیدار ساخت.

در واقع جنبش مشروطیت را بایستی در شرایط اجتماعی و سیاسی ایران قرن نوزدهم به بحث گذاشت؛ حوادث و جریاناتی که به دنبال تغییر سلطنت صفویان و استقرار سلسله‌ی قاجاریه به وقوع پیوست و چهره‌ای جدید برای ایران زمین تدارک دید؛ دگرگونی در روابط جهانی و تاثیر این روابط در حدود جغرافیایی و فرهنگی - سیاسی و اقتصادی ایران، همان طور که در اذهان موجبات تحول را پدیدار ساخت، در کنش‌های فردی و اقدامات اجتماعی نیز مسائلی را به وجود آورد که در تاریخ ایران بی‌سابقه بودند؛ ظهور جنبش‌های مردمی برای احقاق حقوق فردی و ملی که با جنبش تنباکو آغاز می‌شود، زمینه‌های اولیه‌ی جنبش مشروطیت و ایده‌های نوین

اجتماعی - سیاسی را در خود جای داده است. جنبش تنباکو خود نیز متاثر از حوادثی چون جنگ‌های ایران و روسیه و ورود عامل خارجی (روسیه - انگلستان و عثمانی) در سیاست ملی و اقتصاد ایرانی بود؛ وضعیت جامعه در آن دوران به شکلی درآمدی بود که هم دیوانیان از آن شرایط ناراضی بودند و هم توده‌ی مردم از نبود عدالت و گسترش فقر آزرده خاطر بودند؛ از طرفی رکود اقتصادی که تغییر در مبادلات جهانی برای ایران فراهم ساخته بود، اقشار تاجر و صاحب سرمایه را به تلاطم واداشته بود و از طرف دیگر مکانیسم‌های کهن کشورداری توان سرکوب و نادیده گرفتن حقوق رعیت را از دست داده بود؛ در مجموع تمامی شرایط برای وقوع یک حادثه دوران ساز و تاریخی پدید آمده بود.

بنابراین دوره‌ی قاجاریه، در سیر تاریخ ایران زمین از چندین جهت دارای اهمیت است که وقوع جنبش مشروطیت و تغییر اساسی در نظام سیاسی و به تعبیر آن دوران، ورود «ایران در زمره‌ی ممالک کنستی‌توسیون»، محور اصلی توجه به آن دوران به شمار می‌رود؛ در واقع جنبش مشروطیت و پیش‌زمینه‌ها و توابع آن، دوره‌ی پیشین تاریخ این مرز و بوم را به پایان رسانید و دوره‌ی جدید را شروع نمود.

ظلم طبقه‌ی حاکم و تعدی عنصر روحانی از عوامل اصلی ورود رعیت ایرانی به تظلم‌خواهی بود؛ طبقه‌ی بازرگان هم از احکام بولپهوسانه‌ی حاکمیت و هم از بند و بست عنصر روحانی، مورد تعدی بودند و جان و مال خود را در معرض دست اندازی می‌دیدند و در میان طبقات دیگر جامعه هم این وضع به مراتب وخیم‌تر جریان داشت؛ از یاد نبریم که طبقه‌ی بازرگانان از اصلی‌ترین شرکت‌کنندگان در آن جنبش بود و «عدالت‌خانه»، نخستین خواسته‌ای بود که بر زبان‌ها جاری شد و این دو مورد حکایت از نابسامانی وضعیت مالیه و عدلیه کشور می‌کردند؛ حتی معوق ماندن مالیات‌ها در بعضی از ولایات و یا وعده‌هایی که برای دادرسی به تظلمات از سوی دربار داده می‌شد و یا ایجاد نمایشی وزارت عدلیه در دوره‌ی پایانی حاکمیت ناصرالدین شاه نیز نتوانستند فروپاشی نظام کهن و استقرار مشروطیت را که خواستار عدالت اجتماعی و تأمین جان و مال مردم بود، متوقف کنند.

در دوران ناصرالدین شاه برای اولین بار «دیوانخانه‌ی عدلیه» برای رسیدگی به تظلمات عمومی دایر شد و قوانینی موسوم به «کتابچه‌ی دستورالعمل دیوانخانه‌ی اعظم» تنظیم شد، که در روند کار نه آن تشکیلات از کارآیی برخوردار شد و نه آن

قوانین به اجرا درآمد. در دوره‌ای که منجر به تثبیت مشروطیت شد، ظلم و تعدی در تمامی ارکان جامعه رسوخ کرده بود و حاکمان به هر صورتی صلاح می‌دیدند، از مردم مالیات می‌گرفتند و امور مالی در کشور از هرج و مرج و آشفتگی غیر قابل کنترلی رنج می‌برد. محاکم قضایی هم که بر مبنای احکام شرعی دایر بودند، از قاعده و قانونی ثابت پیروی نمی‌کرد و حاکم شرع به هر نحوی که اقتضای منافعش بود، به صدور حکم مبادرت می‌کرد؛ تاریخ نگاران نمونه‌هایی از ظلم و تعدی آن دوران را به ثبت رسانده‌اند؛ تصاحب اموال مردم اصفهان از سوی ظل‌السلطان. بی‌دادگری ظفرالسلطنه در کرمان و سختگیری مالی عین‌الدوله برای انجام مسافرت شاه به فرنگ. به چوب بستن تجار قند در تهران از سوی علاءالدوله. جور و ستمی که آصف‌الدوله در خراسان و شعاع‌السلطنه در فارس اعمال می‌کردند و احکامی که ملا علی کنی در تهران و آقا نجفی و شفتی در اصفهان در امور قضایی پیاده می‌کردند، مشتی از خروارها بی‌مبالاتی مالی و قضایی عصر پیش از مشروطه هستند؛ عرض‌حال‌هایی هم که مردم به مقامات نوشته‌اند، بیانگر وضعیت ناهنجار مالی و قضایی آن دوران را به عینه ثابت می‌کنند.

فریدون آدمیت و هما ناطق از دو هزار و شانزده عریضه‌ای سخن گفته‌اند که در عرض سه سال از ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ به دفتر مجلس تحقیق مظالم رسیده است و تمامی آن‌ها به نحوی مربوط به مسائل مالی و دعاوی حقوقی است؛ به تعبیر آن‌ها «مجموع عرض‌حال‌های رسیده آگاهی‌های سودمند و مهمی را در امور زیر به دست می‌دهد: وضع حکومت ولایات، نظام مالیاتی و ارقام مالیات، رابطه مالک و زارع و حکومت، تجارت و گمرک، پول قلب، جنگل و جنگل‌بانی، نوغان، محاکمات شرعی و عرفی، اقلیت‌های مذهبی و برخی مسائل خانواده.»

با صدور فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی و تدوین نخستین قانون اساسی ایران، که نتایج رفع ظلم و اولین نطفه‌های مدرن‌سازی سیاسی - حقوقی ایران را در خود جای داده‌اند، هم نظام مالی و هم سیستم قضایی نهادمند شده و جایگاه آن‌ها بر پایه قانون اساسی معین شد. مظفرالدین شاه تحت فشار مشروطه‌خواهان، در فرمان خود رسیدگی به درخواست‌های مشروطه‌خواهان و ایجاد مجلسی برای قانونمند کردن اداره‌ی کشور را خواستار شد و برای تهیه‌ی مقدمات این امور، قاطبه‌ی اهالی ایران را به همکاری دعوت کرد؛ در فرمان مشروطیت آمده

است:

«جناب صدر اعظم از آن جا که حضرت باریتعالی جل شانہ سر رشته ترقی و سعادت ممالک محروسه ایران را به کف کفایت ما سپرده و شخص همایون ما را حافظ حقوق قاطبه اهالی ایران و رعایای صدیقی خودمان قرار داده، لہذا در این موقع کہ رأی و ارادہ همایون ما بدان تعلق گرفت کہ برای رفاهیت و امنیت قاطبه اهالی ایران و تشیید و تأیید مبانی دولت اصلاحات مقتضیہ بہ مرور در دوائر دولتی و مملکتی بہ موقع اجراء گذارده شود. چنان کہ مصمم شدیم کہ مجلس شورای ملی از منتخبین شہزادگان و علماء و قاجاریہ و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف بہ انتخاب طبقات مرقومہ در دارالخلافہ تہران تشکیل و تنظیم شود. کہ در مہام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامہ مشاورہ و مذاقہ لازم را بہ عمل آورده و بہ ہیئت وزراء دولتخواہ ما در اصلاحاتی کہ برای سعادت و خوشبختی ایران خواہد شد، اعانت و کمک لازم را بنمایند و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خود را در خیر دولت و ملت و مصالح عامہ و احتیاجات قاطبه اهالی مملکت بہ توسط شخص اول دولت بہ عرض برسانند کہ بہ صحہ همایونی موشح و بہ موقع اجرا گذارہ شود؛ بدیہی است کہ بہ موجب این دستخط مبارک نظامنامہ و ترتیبات این مجلس و اسباب و لوازم تشکیل آن را موافق تصویب و امضای منتخبین از این تاریخ مرتب و مہیا خواہد نمود کہ بہ صحہ ملوکانہ رسیدہ و بہ عون اللہ تعالی مجلس شورای مرقوم کہ نگہبان عدل ماست افتتاح و بہ اصلاحات لازمہ امور مملکت و اجراء قوانین شرع نماید و نیز مقرر می‌داریم کہ سواد دستخط مبارک را اعلان و منتشر نمایند تا قاطبه اهالی از نیات حسنہ ما کہ تماماً راجع بہ ترقی دولت و ملت ایران است، کما ینبغی مطلع و مرفہ الحال مشغول دعاگویی دوام این دولت و این نعمت بی‌زوال باشد.»

در قصر صاحبقرانیہ

بہ تاریخ چہاردهم شوال شہر جمادی الثانی ۱۳۲۴ ہجری

در سال یازدهم سلطنت ما

بہ دنبال صدور دستخط مشروطیت، متحصنین در قم و سفارت دولت انگلیس در تہران، بہ تجمع و مهاجرت خود پایان دادہ و عدہ‌ای از رہبران جنبش، برای انعقاد

مجلس اول و نہادہای مشروطیت

جلسه‌ی مقدماتی مجلس که وظیفه‌ی تدوین نظامنامه‌ی انتخابات و تنظیم قانون اساسی و تعیین حدود حکمرانی در ایران زمین را بر عهده داشت، به عمارت مدرسه‌ی نظام پای نهادند؛ از سوی حاکم تهران، اعلانی برای آگاهی مردم از انتخابات مجلس منتشر شد؛ در آن اعلان با امضای غلامحسین غفاری آمده بود: «چون موافق نظامنامه انتخابات امرا و اعیان و اشراف و ملاکین باید نمایندگان خود را برای مجلس شورای ملی معین نمایند، لهذا با کمال احترام و توقیر خواهش می‌شود از اعیان و خوانین و اهل قلم و اطبا و ملاکین و صاحبان مستغلات شهری به حدودی که در نظامنامه مقرر است و طبقات نوکر سوای اهل نظام، هر گاه در جزو شاهزادگان عظام و علمای اعلام و امرای قاجاریه و طلاب و خوانین و اصناف انتخاب نکرده‌اند، روز شنبه دهم شعبان از یکساعت بعد ظهر الی یکساعت به غروب مانده، به عنوان ملاک در مجلس انتخابات ملی حاضر شده، شش نفر نمایندگان ملاکین را در شش قرعه انتخاب نمایند؛ محض سهولت امر توضیح می‌شود که آقایان معزی‌الیهم شش نفر نمایندگان خود هر کس را می‌خواهند نماینده خودشان را باید از پیش در نظر بگیرند که در وقت انتخاب معطل و متردد و مردود نباشند. صاحبان مستغلات در صورتی که مستغلات ایشان از هزار تومان کمتر نباشد، در حکم ملاکین هستند. هر یک از آقایان معزی‌الیهم که حاضر نشدند به موجب اعلان حق انتخاب ایشان در این نوبت ساقط خواهد شد.»

با انتشار آن اعلان هیأت نظار اولین مجلس شورای ملی برای انجام انتخابات معین شده و شرایط برگزاری انتخابات دوره‌ی اول را فراهم ساختند؛ این افراد عبارت بودند از:

جناب مخبرالسلطنه رئیس مجلس نظار حسب‌الامر همایونی

جناب مشیر دیوان منشی باشی حسب‌الامر صدراعظم

جناب اعظم‌السلطنه رئیس نظمیّه از طرف حکومت تهران

جناب خازن‌الملک ایضاً از طرف حکومت تهران

شاهزاده اسدالله میرزا از طرف شاهزادگان

شاهزاده یحیی میرزا از طرف شاهزادگان

امجدالسلطان پسر کوچک مجدالدوله از طرف قاجاریه

جناب آقاسید حاجی آقا از طرف علما و طلاب

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

جناب آقاسید محمد تقی هراتی از طرف علما

جناب حاجی شیخ سیف‌الدین از طرف علما

جناب حاجی سید محمد تاجر از طرف تجار

جناب حاجی محمد ابراهیم از طرف تجار

جناب آقا شیخ حسین سقط فروش از طرف اصناف

با تعیین هیأت نظار بر انجام انتخابات، مردم برای انتخاب نمایندگان خود مبادرت نمودند و شکل اولیه‌ی مجلس قانونگذاری به آرامی و از میانه‌ی تلاش‌ها و فعالیت‌های مشروطه‌خواهان بر پایه‌ی مشارکت مستقیم مردم در تعیین سرنوشت خود، پدیدار شد.

روز ۲۶ مرداد ۱۲۸۵ سنگ بنای استقرار مشروطیت ایران با تهیه‌ی نظامنامه‌ی انتخابات و شروع بحث در چگونگی تنظیم قانون اساسی، پایه‌گذاری شد. محمد هاشم محیط مافی شرحی دقیق از شرایط زمانی و مکانی این واقعه‌ی تاریخی گزارش می‌دهد: «در این وقت از مجلس مقرر رفت که جمعی از وکلا باید برای نوشتن قانون اساسی مملکت که لازم‌تر از تمام کارهای مجلس است انتخاب شوند که این کار را انجام بدهند. سعدالدوله اظهار کردند: چند روزی صبر لازم است زیرا که من مدتی است از پارلمان انگلیس، چند جلد کتاب خواسته‌ام. کتب مزبور که رسید، مشغول اوامر مجلس خواهم شد. بعد از سه چهار روز کتاب‌های مزبور با پست واصل گشت.

سعدالدوله در مجلس قانون اساسی و نظامنامه داخلی را مطرح کرد. علما و رئیس مجلس و وکلا در نوشتن قانون اساسی رأی دادند. در همان مجلس جماعتی از وکلای بابصیرت را انتخاب کردند که با سعدالدوله در نوشتن قانون مساعدت و همراهی نمایند. یک اطاق مخصوص برای این کار معین کردند. مشغول نوشتن قانون اساسی شدند. اعضای این کمیسیون چند نفر از وکلا و یکی از نواب رئیس و دو نفر منشی که در حدود دوازده نفر بودند. قرار شد به‌زودی مشغول شوند و نیز مقرر شد هر فصلی و اصلی که تمام می‌شود به وکلا بنمایند تا در آن اصل مرور کنند. پس از اتمام دو مرتبه در مجلس خوانده شود. اگر حک و اصلاح ثانوی ضرورت پیدا کند بنمایند، پس از اتمام به صحنه ملوکانه رسانیده چاپ کنند، به آحاد و افراد ملت بدهند. سعدالدوله قرار کرد پس از مشغول شدن در پنجاه روز نوشته،

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

تقدیم مجلس خواهد شد.

قبلاً گفتم که محل مجلس ملی را در اطاق نظام قرار دادند. بعد از چندی که آنجا به سر بردند عاقبت به ملاحظات چند و بواسطهٔ حادثات و اختلافات و ضدیت وزرا صلاح چنین دیدند که محل مجلس را تغییر داده جای دیگر انتقال بدهند. بیشتر ملاحظه قرب جوار پادشاه بود. بعد از مشاوره، به عمارت بهارستان نقل کردند.

عمارت مزبور متعلق به مرحوم میرزا حسین خان قزوینی سپهسالار بود که خود آن مرحوم این عمارت را ساخته بود. عمارتی خیلی محکم و استوار، دارای همه چیز بود. مدرسه و مسجدی نیز در جنب همین عمارت ساخته است که محکمتر و عالیتر از این ابنیه در تهران دیده نشده، موقوفات زیاد برای مسجد و مدرسه و طلاب در حیات خود معین کرده، حمام و مریض خانه و سایر لوازمات برای این عمارت و مدرسه ساخته است. گذشته از استحکام، در تمام اطاق‌های تحتانی و فوقانی تمام لوازمات و مبیل‌های قیمتی از هر رقم و هر قبیل از چراغ‌های نوظهور زینتی و جارهای متعدد، حتی چهل شاخه و قالیچه‌های زیاد خیلی خوب و قالی‌های فرمایشی خیلی ممتاز و آئینه‌های قدی، میز و صندلی و هر چیزی که تصور بشود فراهم بود. در آشپزخانه و نظارتخانه تمام علاقجات و دارایی آن مرحوم بر حسب وصیت خودش ضبط دولت و به تصرف درآوردند.

آن وقت زمان سلطنت ناصرالدین شاه بود. ابدأ اعتنایی به مبیل و اثاثیهٔ عمارت مزبور نشد. تصرفی در هیچ چیزش نکردند. همانطوری که در حیات آن مرحوم سرایدار و باغبان و سر کار و ناظر و غیره بودند، به همان حالت عمارت و مبیل‌ها در تصرف اجزاء بود، تا نوبت سلطنت به اعلیٰ حضرت مظفرالدین شاه رسید. در زمان این شاهنشاه و در این زمان هم کسی تصرفات و مداخلات در ضبط مبیل‌های مذکور نکرد.

خلاصه به همان ترتیب بود که تا این زمان که به حیطةٔ تصرف مجلس ملی درآوردند و آنجا را کعبهٔ آمال ایران و ایرانیان قرار دادند و در سر درب مجلس و عمارت تابلو خیلی بزرگ نصب کردند... مجلس برقرار شد؛ گو اینکه کار برای مجلس و وزراء پیشرفت ندارد ولکن خوب است، می‌توان گفت خوش وقت بود که پیش نرفتن کار بواسطهٔ این بود که اول کار بود. از طرف دولت هم مخالفت و ضدیت پدید نشده، امیدوار بودند که بعد از این خوب می‌شود و این ملت هم صاحب

ثروت و علم خواهند شد، از فقر و فاقه نجات خواهند یافت.»^{۱۱}

با حضور نمایندگان منتخب مردم در عمارت نظام، با دعوت نامه‌ی رسمی از سوی دولت ایران، نمایندگان کشورهای خارجه و سرداران و روسای ایلات و نزدیک به دو هزار نفر از شاهزادگان قاجاریه به دعوت مظفرالدین شاه، در مراسم افتتاحیه حاضر شدند. مردم نیز در خیابان‌های اطراف با شعارهای «زنده باد مشروطیت» و «زنده باد ایران» و با دسته‌های گل از نمایندگان خود استقبال کردند. در آن مراسم مشیرالدوله از طرف دولت به ایراد لایحه‌ای پرداخت که در آن از اهمیت نهاد قانونگذاری در ایران و اقدامات عاجل آن سخن گفت؛ صدراعظم در خطابه‌ی خود گفت: «آقایان عظام البته می‌دانند هر یک از ما که در این مجلس شرف حضور داریم، مختصراً می‌دانیم که مقصود از تشکیل این مجلس محترم و اجتماع آقایان علما و وزرا و اعیان و تجار و اصناف در این محل چیست. ولی محض اینکه نیت پاک و مقدس بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه به طور شایسته مکشوف شود، لزوماً به استحضار خاطر محترم آقایان عظام می‌رسانم که البته چنانکه خاطر شریف همگی مسبوق است، بندگان اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاه خلدالله ملکه مصمم شدند که ابواب نیک بختی و سعادت به روی قاطبه اهالی مملکت محروسه ایران باز شود و اصلاحات لازم که باعث مزید استحکام میان دولت و خوشبختی ملت است، به مرور به موقع اجرا گذارده شود. چون این خیال شاهانه بدون همدستی و مقاومت قاطبه اهالی ایران به آن طوری که منظور نظر معدلت اثر بندگان همایونی است انجام‌پذیر نمی‌شد، رأی مبارک همایون شاهنشاه معظم بدان تعلق گرفت که مجلس شورای ملی منتخبین طبقات معینه به طوری که در آن دستخط مبارک مشروع است، در دارالخلافه تهران تشکیل و تنظیم شود و از آنجا که ترتیب قوانین انتخابات و سایر فصول نظامنامه این مجلس شورای ملی باید با کمال دقت موافق دستخط مبارک تنظیم شود، البته چنانکه می‌دانید اتمام این کار مستلزم وقت و فرصت معین است، لهذا برای اینکه اعلیحضرت اقدس شه‌ریاری دلیلی واضح و حجتی کافی در تصمیم رأی مبارک خودشان برای تشکیل و ترتیب مجلس شورای ملی برای قاطبه اهالی ایران داده

^{۱۱} - تاریخ انقلاب ایران، خطی، ص ۱۵۷.

باشند، چنین مقرر فرمودند که عجالاً محل موقتی این مجلس محترم ملی تعیین و در آنجا با حضور آقایان علما و وزرا و اعیان و اشراف و تجار و اصناف صرف شیرینی و شربت شود. بدیهی است که اولیای دولت اهتمام بلیغ خواهند نمود که لایحه قواعد انتخابات و نظامنامه مجلس شورای ملی در تهران جمع و به افتتاح این مجلس محترم مبادرت شود. از خداوند خواهانیم که سایه بلند پایه اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه را بر قاطبه ایرانیان مستدام و فرزندان وطن مقدس را توفیق بدهد با اولیای دولت تا برای افتتاح، ابواب نیکبختی به روی ایرانیان بگشایند و این دولت و ملت قدیم پنجهزار ساله ایران را به اوج سعادت برسانند.»

پس از مشیرالدوله، خطابه‌ای ملک‌المتکلمین از سوی ملت قرائت کرد که در آن نیز بر نقش مردم در دستیابی به مجلس و ضرورت آزادی حقوقی برای ایرانیان و جایگاه قانونی مجلس، اشاره شده بود.

در همان مراسم افتتاح مجلس شورای ملی، نمایندگان به حضور مظفرالدین شاه رفته و شاه نیز در سخنانی خطاب به نمایندگان مردم، از آرزوی خود در برپایی مجلس قانونگذاری و اهتمام تمامی طبقات مردم برای قانونمند کردن نظام اجرایی کشور و انجام اصلاحات در سیستم سیاسی، سخن گفت. با پشت سر گذاشتن مراسم افتتاحیه، نمایندگان منتخب مردم تهران در اطاق نظام جمع شده و مشغول تهیه نظامنامه انتخاباتی و تدوین اولیه‌ی قانون اساسی شدند؛ چندین جلسه با فواصل زمانی کوتاه برای اجرای مفاد فرمان مشروطیت و استقرار پارلمان در همان اطاق نظام برگزار شد.

کاتوزیان در گزارش خود از تغییر محل پارلمان می‌نویسد: «...مشیرالدوله پس از اعتدال به اینکه محل مزبور محض برای ورود سفرای فوق‌العاده اروپاییان است و مشکل است که این مکان را برای مجلس معین نمود، بالاخره مقرر شد که از طرف وکلا استدعایی کتباً از مظفرالدین شاه بشود که بهارستان را برای تشکیل مجلس شورای ملی اجازه دهند و در تاریخ پنجشنبه ۲۹ شعبان از طرف مظفرالدین شاه راجع به سه تقاضا که یکی تغییر محل شورای ملی به بهارستان، دیگری اجازه در باب نوشتن قانون اساسی، سوم امر به اینکه عمل نان و گوشت را اصلاح نمایند، ابلاغ به صدراعظم صادر گردید که موقتاً بهارستان محل مجلس باشد و قانون

اساسی را تهیه و به مجلس فرستید و ترتیبی در نان و گوشت بدهید... و در ۲۹ شعبان طرف عصر، وکلای مجلس و علما و آقایان تجار در بهارستان رفتند.^{۱۲} نمایندگان نخست برای نظم دادن به مجلس، اعضای هیأت رئیسه را انتخاب کردند. اعضای هیأت رئیسه منتخبه ۱۵ مهرماه ۱۲۸۵ خورشیدی عبارت بودند از:

رئیس: مرتضی قلی خان هدایت (صنیع‌الدوله)

نواب رئیس: میرزا حسن خان وثوق‌الدوله و حاج آقا حسین امین‌الضرب

منشی: سید محمد تقی هراتی - حاجی سید نصرالله تقوی - دبیرالسلطان و میرزا اسماعیل خان عون‌الدوله

مباشر: میرزا ابوالحسن خان معاضدالسلطنه پیرنیا - ارباب جمشید و محقق‌الدوله با تکمیل صورت اجرایی مجلس شورای ملی و تعیین هیأت رئیسه‌ی آن و حضور نمایندگان تهران، مظفرالدین شاه نیز در مجلس حضور یافته و به ایراد سخن پرداخت.

ناظم‌الاسلام کرمانی گزارشی از این روز را در تاریخ‌نگاری خود ثبت کرده است: «روز یکشنبه هیجدهم شعبان‌المعظم ۱۳۲۴ هجری - سال یونت ئیل - وقت عصر سلام عام منعقد گردید. حجج اسلام و علمای اعلام دارالخلافة عموماً در تالار جلوس نمودند. مبعوثین ملت همه حاضر بودند، اعلیحضرت همایونی در تالار گلستان به تخت سلطنت عادلانه جلوس فرموده نخست کلمه‌ای که به پیشوایان اعلم و رؤسای معظم ملت فرمود این بود: که الحمدالله به آرزوی ده ساله خودم رسیدم. سپس وکلای منتخب را به آستان ملایک نشان طلبیدند و با تفقد شاهانه و با تلفت پدرا نه جمله را به تأییدات خسروانی مستظهر داشتند و به درستی و راستی و رعایت جانب رعیت، خاصه ضعف و مردم بی دست و پا ترغیب و تشویق کردند. جناب نظام‌الملک حسب‌المقرر و المرسوم شرف مخاطبیت داشتند. نخست خطیب‌الممالک علی‌الرسم، خطبه غرائی عرض و قرائت نمود. تمام علمای اعلام و سایر حضار از وجوه اعیان و اشراف وجود مسعود همایونی را از صمیم قلب به عرض رسانیدند. تمام سفرای کبار و وزرای مختار دول متحابه خارجه، مقیمین دربار دولت، نیز حسب‌الدعوه در تالار موزه مبارک حاضر شده بودند. احتساب‌الملک از طرف

^{۱۲} - مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران ۱۳۷۹، ص ۲۳۷.

قرین الشریف به آنها تبلیغ تفقد و احوالپرسی نمود و مقتدرالملک نایب رئیس اداره تشریفات وزرات خارجه مشغول پذیرایی آنها بود. از اول شروع در سلام و جلوس علیحضرت علی‌الرسم، شلیک توپ متوالی بود...»^{۱۳}

استقرار مجلس شورای ملی در ایران، مؤلفه‌های پایه‌ای یک دولت مدرن ملی را به وجود آورد که بر مبنای نظام دولت - ملت (state _ nation) موضوعیت می‌یافت؛ تعریف ایران با (۱) موقعیت جغرافیایی، (۲) زبان ملی فارسی، (۳) سیستم متمرکز مالی و (۴) نظام واحد حقوقی، با پدیداری مشروطیت به مفاهیم سیاسی - اجتماعی و اقتصادی تبدیل شدند که پیش از آن در فرهنگ و کنش سیاسی ایران زمین سابقه نداشتند و مجلس شورای ملی در دوره اول خود، آنها را به سوی نهادمند کردن در گستره جامعه ایرانی کشاند؛ نهادهایی که قانونمند کردن اجزای گوناگون حکومت و لایه‌های اجرایی نظام سیاسی را در دستور کار خود قرار داده بود و محصول بنیادین مجلس اول است؛ تدوین قانون انتخابات برای مشارکت ملت در تعیین سرنوشت خود، تنظیم قانون اساسی برای احقاق حقوق ساکنین جغرافیایی ایران و مدون کردن قانون‌های دیگر چون: انتظام شهرها - قانونی کردن اجتماعات، مطبوعات، به رسمیت شناختن قانونی انجمن‌های ایالتی و ولایتی که پایه‌های اولیه جامعه مدنی را در خود جای داده بودند، تعیین حدود مالی وابستگان به حکومت (اعم از دربار و اعضای هیأت دولت و دیگر حقوق بگیران دولتی) - الغای تیول داری و انضباط دهی به مسائل مالیه ایالات دولت محروسه - پروژه ایجاد بانک ملی و استقلال مالی کشور - حساسیت به مرزهای جغرافیایی کشور - چه از نظر واکنش به تجاوزات نظامی همسایگان و چه از نظر به نظم درآوردن روابط مالی و دریافت قرضه‌ها از خارجیان و تعریف ملت در حدود نوین سیاسی که حاصل به رسمیت شناختن تساوی حقوقی تمام افراد در برابر قانون و تأکید بر ایرانیت آنان بود، از دستاوردهای آن مجلس بود که در صدر مجالس بعدی قرار گرفت و به حق به «مجلس مؤسس» خوانده شد.

در واقع آن نقش مجلس تاریخی در نهادسازی و ایجاد مدرنیته اقتصادی و سیاسی متمرکز بود و با همه اشکالاتی که در کار مجلس بود، و این از بی‌سابقه بودن تجمع

^{۱۳} - تاریخ بیداری ایرانیان ۱۳۷۷، ص ۳/۶۴۳.

قانونی ایرانیان در یک جا و مشارکت آزادانه در تعیین سرنوشت خود ناشی می‌شد، بنیان‌های نهادمند کردن دولت مدرن در ایران با فرایند کار مجلس شورای ملی آغاز شد. نهادهایی که محصول ترقی اندیشهٔ انسانی و تحول تمدنی هستند و برآمده از پیشرفت‌های دنیای مدرن از قرن شانزدهم بودند و ریشه در دگرگونی در شیوهٔ کشورداری و روش اندیشه‌ورزی و دستیابی به حقوق طبیعی انسان دارند. حکومت مشروطه، پدیده‌ای جدید است که در واکنش به اقتدار سیاسی پیشینیان و گسترش طبقه‌ی بورژوازی در قرن هیجدهم و برای محدود کردن قدرت سیاسی شاهان و حاکمان به وجود آمد: «واژه‌ی دولت مشروطه (Constitutionalism) از فعل *to constitute* (تشکیل دادن و بنیان گذاشتن) می‌آید که از ریشه‌ی لاتینی *Constituere* (برپا داشتن، ایجاد و تاسیس کردن) گرفته شده است. از نظر لغوی آن چه بر پا داشته می‌شود، تشکیل و تأسیس می‌شود و در نتیجه می‌توان به محتوای آنچه تشکیل و تأسیس شده است به عنوان اساس و مبنا *Constitution* اشاره کرد.»^{۱۴}

اساس فلسفی دولت مشروطه، نظریه‌ی حقوق طبیعی بود که در قرن هجدهم از طرف جان لاک در واکنش به اندیشه‌های ماکیاوولی و هابز که در خدمت حکومت مطلقه بودند، عرضه شد. در حقوق طبیعی این امر مسلم گرفته می‌شود که هر انسانی ذاتاً آزاد آفریده شده و هیچ مرجعی حق ندارد که این آزادی را از بین ببرد یا این که در آن دست اندازی کند؛ این مسألهٔ اساسی است که دولت را نماینده‌ی ملت و تبلور اقتدار جمعی گردانیده و زیر مجموعه‌های آزادی در تمامی عرصه‌ها، برابری و وجود قانونی برای استقرار نظم در جامعه‌ی انسانی را به وجود می‌آورد.

جان لاک در توضیح این وضعیت می‌نویسد: «از آن جایی که همهٔ انسانها طبیعتاً آزاد، برابر و مستقل هستند، هیچ کس را نمی‌توان از وضع طبیعی خارج کرد، و تحت سلطهٔ قدرت سیاسی دیگری قرار داد، مگر با موافقت خود او، یعنی هر فرد می‌تواند، با سایر انسان‌ها توافق کند که به هم ملحق شوند و به منظور حراست از خود به شکل جامعهٔ متحدی در آیند تا از امنیت متقابل و آرامش برخوردار شوند و از آن چه به آنها تعلق دارد به آرامی تمتع برند، و در ضمن از بی‌حرمتی کسانی که

^{۱۴} - نظریه‌های دولت ۱۳۷۱، ص ۱۲۱.

می‌خواهند به آنها آسیب برسانند بیشتر مضمون بمانند»^{۱۵}.

در دوران مدرن بر پایه‌ی همین حقوق طبیعی بود که اجتماع متشکل انسان‌های دارای فردیت (Individual) به شکل جمع آحاد و افراد یا Societas به وجود آمد و در همین دیالکتیک میان ساحت جمع و فرد، مفهوم State (دولت) پدیدار شد.

با شکل‌گیری دولت، ضرورت قانون اساسی برای استقرار نظم در میان انسان‌ها یا همان جامعه ظاهر شد و مفاهیمی چون قانون، آزادی، برابری و تفکیک قوای دولتی برای راندمان بهتر اداره‌ی جامعه شکل گرفتند و از طرف دیگر چون حوزه اقتدار دولت در جغرافیای مشخصی و با قانون معینی اعمال می‌شود که در حقیقت حافظ نظم داخلی و مدافع مملکت از تجاوز بیگانگان است، مفهوم Nation که معرف تشکل متمایزی بود که آن را از دیگر تشکل‌ها و جامعه‌ها بر حسب تفاوت‌های اقلیمی و فرهنگی و زبانی مشخص می‌کرد، پدیدار شد. بنیان نظام مشروطه، ایجاد نهادی برای قانون‌گذاری و تحول در ساختارهای سیاسی و اقتصادی را در دستور کار خود قرار داد؛ پارلمان به عنوان رکن قانونگذار نظام مشروطیت پایه‌های اولیه‌ی نهادهای سیاسی را در جامعه استوار ساخت؛ در کنکاش از پارلمان ایران در دوره اول قانونگذاری، اقدامات حقوقی در اولویت کاری قرار داشتند. تدوین قانون انتخابات مجلس که بر اساس وجود طبقات اجتماعی به صورت صنفی تنظیم شد از اولین نهادهایی بود که مشارکت مردم را در تصمیم‌گیری سیاسی و اجرایی کشور پدیدار ساخت.

مجلس اول در بخش دیگری از اقدامات خود به تهیه قانون اساسی ایران پرداخت و با صورت بندی حاکمیت در اصول قانونی و مشروط کردن اقدامات اجرایی، فرایند گذار از نظام فردی را به سیاست مشارکتی و ضوابط قانونی به انجام رساند؛ در پیوند ایده‌های مدرن و نیازهای زمان، اولین قانون اساسی در ایران تدوین شد و با انجام انتخابات مجلس شورای ملی، حقوق اساسی مردم به شکل قانونی مطرح و نخستین کشمکش‌های طرفداران نظام سنتی و دولت نوین در معارضه و مقابله درباریان مستبد با مجلس به وجود آمد. این تعارض‌ها و برخورد دو دنیای قدیم و جدید در

^{۱۵} - به نقل از: آثار بزرگ سیاسی از ماکیاولی تا هیتلر ۱۳۷۳، ص ۹۹.

تلقی که از نظام حاکمیت داشتند، نیاز به متمم قانون اساسی را ضرورت داد و تعارضات حقوقی و سیاسی، به شفاف سازی صفوف گروه‌ها منجر شد؛ در واقع با طرح و تصویب اصولی از متمم قانون اساسی بود که سنت‌گرایان مخالفت خود را با نظام سیاسی پارلمانی علنی کردند و اختلافات نهفته در جنبش مشروطه را آشکار کردند؛ درباریان از یک سو بر متمم قانون اساسی خرده گرفتند، چرا که بر اختیارات بی‌حد و حصر آنان قید زده شده بود و دیگر دستشان از آن بی‌مسئولیتی و اعمال و احکام غیر قانونی و خودخواهانه کوتاه شده بود؛ سنت‌گرایان اما از موضعی دیگر بر متمم قانون اساسی تاختند؛ آنان نیز در پی حفظ موقعیت و مقام دنیوی خویش بودند و مفاهیمی چون برابری در برابر قانون و دخالت عنصر نوگرا و متجدد را در امر قضایی و مالی بر نمی‌تافتند؛ آدمیت در رابطه با این مسائل می‌نویسد: «با صدور فرمان چهاردهم جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ به طور رسمی اعلام شد که: دولت ایران در زمره کشورهای «کنستی توسیونل» درآمد. به دنبال آن تصویب قانون انتخابات ملی از طرف مجمع عمومی آزاد و اقدام همین مجمع به انتخابات عمومی و بالاخره تأسیس مجلس ملی - مشروطیت را متحقق ساخت. در تبدیل مطلقیت به مشروطیت، مجمع عمومی آزاد نماینده قوه مؤسس بود، قوه‌ای که شکل کلی دولت را معین می‌کرد. بنابراین، این که نوشته‌اند: مجلس ملی «می‌بایستی مشروطیت را در ایران خلق کند» - از نظرگاه حقوق اساسی صحیح نیست و از نظر واقعیت سیاسی اشتباه است. در بیان درست علمی باید گفت مشروطیت با صدور فرمان مذکور و انتخابات عمومی و برپا شدن مجلس ملی - قبلاً موجودیت عینی یافته بود. تلقی واقعی مجلس و دولت نیز دقیقاً همین بود. یعنی مجلس اعلام کرد: «سلطنت مشروطه بنایش با مجلس شورای ملی است.»

به دنبال شکل‌گیری مجلس، حقوق اساسی ایرانیان به موضوع مباحثات تبدیل و حدود سلطنت مشروط به قانون گردیده و وظایف قوای سه‌گانه حکومتی مشخص شد. در سه جلسه نهم و یازدهم و سیزدهم ذی‌قعدة ۱۳۲۴ طرح قانون اساسی مورد بحث و انتقاد واقع شد و بالاخره قانون اساسی در چهارم ذی‌قعدة ۱۳۲۴ به امضای شاه و ولیعهد رسید. سه روز بعد صدراعظم مشیرالدوله در میان شادمانی مردم با قانون اساسی به مجلس آمد. نمایندگان مجلس در برابر قانون اساسی ادای احترام کردند. با توشیح قانون اساسی جدال‌های مجلس و دولت بر سر مسائل حقوقی و

سیاسی نظیر: مسئولیت دولت در برابر مجلس ملی؛ اختیار مجلس در عزل هیأت دولت؛ رعایت اعتماد مجلس در انتخاب هیأت دولت؛ رابطه مجلس با دستگاه قضایی و... عریان‌تر از پیش رخ نمود. قانون اساسی از یک سو بر سازوکارهای فرهنگی و سیاسی در جامعه صحنه گذاشت و از سوی دیگر پروسه تفکیک قوا و تشکیل دولت در معنای جدید آن را با تنظیم روابط قانونی میان دولت با مجلس، مجلس با شاه و قوانین مربوط به اعمال وزارتخانه‌ها به وجود آورد؛ به دنبال توشیح قانون اساسی، اولین کابینه‌ی عصر مشروطیت به ریاست میرزا نصرالله خان مشیرالدوله در ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۴ با هشت وزیر که در ترکیب هیأت دولت زمان ناصری متشکل شده بودند، به مجلس معرفی شدند.^{۱۶}

در میان اعضای این کابینه اکثریت با مشروطه‌خواهان بود و این مساله موجب دخالت محمد علی شاه در ترکیب آن گردید. شاه که به مشروطه‌خواهی مشیرالدوله آگاه بود و در پی اجرای اهداف استبدادی خود، او را که مانع اصلی می‌دانست به استعفا وادار کرد تا دولت را برای امین‌السلطان واگذارد.

در دوران محدود صدارت مشیرالدوله، با این که رابطه‌ی دولت با مجلس در کشمکش‌های سیاسی تعریف می‌شد، چرا که تا ۲۲ رمضان همان سال هیچ کدام از وزیران به مجلس نیامدند. اما بالاخره مجلس نوپای مشروطه توانست وزیران را برای پاسخگویی به مجلس کشانده و نظم نوین سیاسی را برای ایران به ارمغان آورد. نخستین بار حاج مخبرالسلطنه در روز شنبه ۲۲ رمضان ۱۳۲۴ در حالی که حامل نامه‌ای از طرف وزیر اعظم - مشیرالدوله - بود، به مجلس آمد تا مقدار قرض دولت را به اطلاع نمایندگان رسانده و استقراض خارجی را از راه قانونی به اجرا درآورند. این عمل بیشتر اطلاع رسانی بود تا ایجاد هماهنگی میان دو قوه‌ی مقننه و مجریه؛ چرا که هیچ کدام از وزیران خود را در مقابل مجلس شورای ملی پاسخگوی اقداماتشان نمی‌دانستند و هنوز هم مانند سابق اعمال وزارتی را به پیشگاه شاه عرضه می‌داشتند. با این حال مجلس با استقراض خارجی دولت مخالفت کرد و این اولین برخورد قانونی و مقتدرانه با کنش‌های دولتیان بود که از دگرگونی شرایط سیاسی ایران حکایت داشت؛ در آن نامه صدر اعظم به

^{۱۶} - دولت‌های ایران از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میر حسین موسوی ۱۳۷۹، ص ۳.

مخبرالسلطنه نوشته بود: «شما به مجلس بروید و از طرف دولت به مجلس بگویید که دولت ۲۰ کرور تومان مقروض است و با دو دولت روس و انگلیس مذاکره کرده که از آن‌ها پنج کرور تومان قرض بگیرد که با مجموع قروض سابق ۲۰ کرور تومان شود و دو دولت روس و انگلیس دستور پرداخت قرض را به بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی داده‌اند و فقط محتاج رأی و اجازه مجلس است...»^{۱۷}

مخالفت مجلس با استقراض خارجی، دومین وزیر کابینه‌ی مشروطیت را به مجلس کشاند. این بار ناصرالملک وزیر مالیه برای توضیح وضعیت مالی دولت در مجلس حاضر شد و با اشاره به مشکلات کشور، خواستار موافقت با قرض از خارجیان شد. مجلس بار دیگر در رأی خود مبنی بر عدم دریافت وام از کشورهای خارجی پای فشاری کرد و ناصرالملک با جوابیه مجلس بازگشت. ارسال تظلمات مردم در مسائل مالی و قضایی و دیگر مواردی که به عمال دولت مربوط می‌شد و عدم هماهنگی که میان مجلس و دولت به وجود آمده بود، باعث شدند که نمایندگان مجلس طی نامه‌ای از صدراعظم خواستند تا وزرای خود را رسماً به مجلس معرفی کند. این نامه تاثیر خود را گذاشت و در جلسه‌ی ۱۹ ذیحجه حاج محسن خان محتشم‌السلطنه «نظامنامه مجلس سنا» و «امتیاز نامه بانک ملی» را به مجلس آورد و اعضای کابینه را به مجلس معرفی کرد. بدین ترتیب اولین نهاد قانونگذاری با در دست داشتن قانون اساسی و متمم آن و با تصویب نظامنامه‌ی انتخابات و تهیه‌ی قوانین نوین حقوقی، قضایی و سیاسی، بنیادهای دموکراسی پارلمانی را در جامعه‌ی ایران مستقر ساخت. این قوانین از طرفی نظام نوین بوروکراسی را پدید آوردند و از طرف دیگر لایه‌های مدنی و گستره همگانی را که بیانگر جامعه مدنی و دیگر نهادهای غیر دولتی بودند، بنیان گذاشت؛ با عملی شدن پاره‌ای از ایده‌های سیاسی مدرنیته در ایران، در زمینه‌های فرهنگی و فکری کهن گسستی به واقع جدی انجام گرفت؛ با تثبیت و استقرار نظام سیاسی مشروطه و نهادهای قانون گذاری جدید، آموزه‌های سنتی که در رهیافت‌های پیشینیان آمده بودند، از حقیقت تهی شدند و حقیقتی نوین جایگزین آنان شد. در عصر حکومت پارلمانی و دولت مشروطه، دیگر از بنیان‌های متافیزیکی در فلسفه‌ی سیاسی و نظام یک طرفه‌ی خدایگان و بنده خبری نبود و

^{۱۷} - دولتهای ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم ۱۳۵۵، ص ۷.

رئیس دولت، متصدی اجرای دستورات شرعی و مفاهیم اعتقادی بشمار نمی‌رفت. این همه آغازگاه شکل‌گیری پارادایم مدرنیته سیاسی در ایران و پایان سنت حکمرانی کهن بود.

با ایجاد مجلس و تشکیل دولت مشروطه، حقوق به معنای جدید آن در ایران شکل گرفت و برای اولین بار از حوزه‌ی تکالیف یک جانبه گسست عملی و معرفتی به وقوع پیوست؛ گسستی که در قانون اساسی و متمم آن ظاهر شد و ناظر بر شکل نوین سیاست اجرایی بود.

فهرستی از مهمترین قوانین مصوب مجلس اول شورای ملی عبارتند از:

۱- قانون آزادی مطبوعات مشتمل بر ۵۳ ماده که در تاریخ ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ خورشیدی به تصویب رسید و به موجب آن، انتشار مجله و روزنامه‌ها در سراسر کشور قانونمند شدند. سابقه روزنامه‌نگاری ایرانیان به دوره اول آشنایی با تمدن مدرن برمی‌گردد؛ میرزا صالح شیرازی که از فرستادگان عباس میرزا به فرنگ بود، در بازگشت خود یک دستگاه چاپ نیز به همراه داشت و همو در سال ۱۲۵۳ ق اولین روزنامه ایرانی را در تبریز منتشر کرد. آن روزنامه که «کاغذ اخبار» نام داشت، حاوی اطلاعاتی درباره ایالات ممالک محروسه ایران بود، دوام چندانی نیافت و با روی کار آمدن حاجی میرزا آقاسی و کشته شدن امیر کبیر، تعطیل شد. با این حال دومین روزنامه‌ای که در تهران چاپ می‌شد، به سال ۱۲۷۶ ق تحت نظر امیر کبیر بود و با نام «وقایع اتفاقیه» به گزارش مسائل حکومتی و بعضاً ترجمه از روزنامه‌های خارجی می‌پرداخت. عمر این روزنامه نیز دولت مستعجل بود و بعداً با مدیریت ابوالحسن خان غفاری کاشانی نقاش (صنیع‌الملک) با نام «روزنامه دولت علیه ایران» منتشر شد. با افزایش چاپ روزنامه در پایتخت و دیگر شهرها، در سال ۱۲۸۷ ق اداره‌ای برای نظم دهی به امور آنها شکل گرفت. «اداره روزنامجات دولت علیه و دارالطباعة ممالک محروسه و دارالترجمة دولتی» که به ریاست محمد حسن صنیع‌الدوله و به امر ناصرالدین تشکیل شده بود، وظیفه بررسی و نظارت بر امور روزنامه‌نگاری را بر عهده داشت و این اولین طرحی بود که در مورد مطبوعات تدوین شده است. در دوره نزدیک به صدور فرمان مشروطیت و تشکیل پارلمان، نزدیک به ۵۸ عنوان روزنامه و هفته‌نامه در ایران منتشر می‌شده است. به سخن محیط طباطبایی «روزنامه‌های عصر مظفیری که در داخل کشور منتشر می‌شدند،

مردم را به چند موضوع مهم که عبارت از تعلیم و تربیت، تمدن جدید، عدل و قانون، نظم و تربیت، عبرت از کار ژاپن، تذکرهٔ مفاخر قدیم، دعوت به اخوت اسلامی و معرفی سیاست روس و انگلیس در آسیا باشد، دعوت می‌کردند.^{۱۸}

در میان روزنامه‌هایی که در خارج از کشور منتشر می‌شدند در دورهٔ مظفری، روزنامهٔ «قانون» که در لندن توسط میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله چاپ می‌شد، به همراه روزنامهٔ «اختر» که در استانبول منتشر می‌شد و روزنامهٔ «جبل‌المتین» که در کلکته چاپ می‌شد، از اهمیت ویژه‌ای در آگاهی بخشی به مبارزان و مشروطه طلبان برخوردار بودند. با این حال اوج روزنامه‌نگاری در دورهٔ استقرار مشروطیت تا استبداد صغیر است؛ در این دوران که بیش از ۹۰ عنوان روزنامه و شبنامه در تهران و شهرستان‌ها منتشر می‌شدند، روزنامه‌ها بیش از هر زمانی نمایندهٔ افکار جناحی و ایده‌های سیاسی و اجتماعی بودند؛ روزنامهٔ «لوائج» که از سوی سنتگرایان منتشر می‌شد به همراه روزنامهٔ «صور اسرافیل» که سخنگوی تندروان انقلابی بود و روزنامهٔ «مجلس» که در حقیقت بیانگر ایده‌های مشروطه خواهانه و نوجویانه بود، نمونه‌ای از روزنامه‌های آن دوره هستند. با این پیش زمینه‌های اجتماعی - سیاسی بود که نمایندگان دورهٔ اول مجلس با تدوین قانون اساسی و متمم آن، به مسألهٔ مطبوعات جنبهٔ قانونی داده و برای حقوقی کردن افراد دخیل در امور روزنامه‌نگاری، قانون مطبوعات را تهیه و تصویب کردند.

۲- قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستور حکام مشتمل بر ۴۳۳ ماده و ۲۶ ضمیمه که در تاریخ ۱۷ آذر ۱۲۸۶ خورشیدی به تصویب رسید. تقسیم ایران زمین به ایالات و ولایات و تدوین قانون برای ادارهٔ آنها، به دورانی بازمی‌گردد که فتحعلی شاه با از دست دادن بخش بزرگی از سرزمین ایران، متوجه داخل شده و برای سرکوب ایالات و از بین بردن اقتدار ایلی آنها، باقی ماندهٔ ایران به ۹ ایالت تقسیم شد؛ این تقسیم بندی در دوران ناصرالدین شاه، از نظر حکومتی به چهار ولایت و چندین ایالت تقلیل یافت که از آنها به مملکت نامبرده می‌شد: (۱) مملکت آذربایجان. (۲) مملکت اصفهان. (۳) مملکت خراسان و سیستان. (۴) مملکت کرمان و بلوچستان و فارس. در همان زمان ایالات نیز به بلوکات و بلاد و قصباتی تقسیم

^{۱۸} - تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران ۱۳۶۰، ص ۹۲.

می‌شدند که با اوامر مرکزی و دربار اداره می‌شدند. در سال ۱۲۸۸ ق میرزا حسین خان سپهسالار برای انتظام در امور ولایات و ایالات «قانون وزارت عدلیه اعظم و عدالتخانه‌های ایران» را برای انسجام امور مالی و قضایی و دستورالعملی تحت عنوان «تحدید حدود فیما بین حکام و رعیت» تنظیم کرد. با تشکیل مجلس دربار اعظم، کتابچه «تنظیمات حسنه دولت علیه و ممالک محروسه ایران» در سال ۱۲۹۱ ق برای انتظام امور ولایات و ارجاع آنها به مجلس تنظیمات تهیه شد. بعد از آن به سال ۱۳۰۵ ق به «دستورالعمل حکام ولایات» نیز برمی‌خوریم که در زمان صدارت امین‌السلطان تهیه شده بود که متن آن را دکتر فریدون آدمیت و هما ناطق در ضمیمه کتاب «افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار» آورده‌اند. با صدور فرمان مشروطیت، نظارت بر انتخابات در سراسر کشور بر عهده انجمن‌های ولایتی واگذار شد و با تدوین قانونی برای فعالیت‌های قانونی انجمن‌ها، ولایات نیز دارای قوانین جدیدی شدند که در آن، قدرت برگرفته از تشکیلات اجرایی مناطق و زیر نظر مجلس شورای ملی تعریف شده بود. وکلای مجلس با بحث از جایگاه حقوقی حکام ولایات و ایالات، تقسیم‌بندی سیاسی و جغرافیایی کشور را مورد تأکید قرار دادند و بر انتشار قدرت در سرتاسر ایران و اجتناب از تمرکز قدرت در دربار، نظر داشتند. اصل ۸۹ متمم قانون اساسی نیز ناظر بر این امر بود که «دیوان‌خانه عدلیه و محکمه‌ها وقتی احکام و نظامنامه‌های عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشد.»

۳- قانون انجمن ایالتی و ولایتی مشتمل بر ۱۲۲ ماده که در تاریخ ۸ خرداد ۱۲۸۶ خورشیدی به تصویب رسید و کارکرد این انجمن‌ها را در مطابقت با قانون مصوبه به رسمیت شناخت.

۴- قانون بلدی که در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۲۸۶ خورشیدی در ۱۰۸ ماده برای نظم و انتظام دادن به امور شهری به تصویب رسید. بنیادهای انتظام شهری بر اساس قوانین جدید در دوره ناصرالدین شاه ریخته شد؛ زمانی که کنت دو مونت فرت در سال ۱۲۹۶ ق به ریاست نظمیة تهران برگزیده شد، کتابچه‌ای حاوی قوانین مربوط به امنیت شهری تهیه کرد که با امضای ناصرالدین شاه، به عنوان اولین دستورالعمل بلدی و نظمیة به اجرا درآمد؛ «کتابچه قانونی کنت» مشتمل بر یک

مقدمه در شرح وظایف نظمی و ۵۸ ماده جزایی بود که موارد مجازات‌های جنایی - جنجالی و خلافی در آن معین شده‌اند. مفادی از این کتابچه به مسائل بلدییه مربوط می‌شود که در قانون بلدییه مصوبه مجلس شورای ملی مورد نظر قرار گرفته است. ناصرالدین شاه در توشیح خود نوشته بود: «نایب‌السلطنه - این کتابچه قانونی کنت را خواندم. تماماً بسیار به قاعده و درست است. یک دو فقره ما کم و زیاد کردیم، ملاحظه کنید همین کتابچه و همین دستخط را در مجلس اول دارالشورا که منعقد می‌شود، بدهید قرائت کنند. وزرا هم این کتابچه را امضا کرده بدهند به کنت. او هم بدهد چاپ کرده، منتشر نمایند و از تاریخ امضا وزرا مشغول اجرای این قوانین بوده، ذره‌ای تخلف نشود. همه این قوانین صحیح و محل هیچ ایراد نیست و لزوماً انشا باید مجری شود. همین دستخط را بده کنت ملاحظه نماید، بدانند ما قواعد را پسندیده‌ایم. سنه ۱۲۹۶» پس از این تاریخ، تا تشکیل مجلس مشروطیت و تدوین قانون بلدییه، کتابچه قانونی کنت مورد مراجعه در دستگاه حکومتی بوده و امور شهری تهران بر اساس آن تنظیم می‌شده است.

۵- قانون وظایف که در تاریخ ۱ اردیبهشت ۱۲۸۷ خورشیدی در ۱۰ ماده برای ساماندهی به امور حقوقی و وراثی ارباب دیوانی به تصویب رسید.

۶- قانون نظامنامه داخلی مجلس که در تاریخ ۲۹ مهر ۱۲۸۵ خورشیدی برای ایجاد نظم پارلمانی به تصویب رسید.

۷- قانون رشوه و مجازات که در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۲۸۵ خورشیدی به تصویب رسید.

۸- قانون تعیین مقرری دربار سلطنتی.

۹- قانون ممیزی که در همان سال اول فعالیت مجلس به تصویب رسید.

قانونمند کردن انجمن‌هایی که در تهران و دیگر مناطق کشور برای پشتیبانی از جنبش مشروطیت شکل گرفته بودند و انتظام به مطبوعات و مدون کردن امور شهری و زندگی اجتماعی در کتابچه قانون بلدییه که هم ناظر به تحول بنیانی در نظام سیاسی کشور بود و هم به امنیت مالی و حقوقی شهروندان معطوف بود، مجلس اول را فراتر از یک مجلس مشورتی به موقعیت اصلی آن یعنی قوه مقننه در یک نظام سیاسی مشروطه کشاند. پیش از این که انجمن‌ها قانونمند شوند، مجلس با انجمن‌ها به حالت نوسانی برخورد می‌کرد؛ گاهی آنها را مورد مؤاخذه قرار می‌داد

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

و زمانی تحت فشار آنان، از وظایف قانونی خود خارج می‌شد و مجبور به جبهه‌گیری می‌شد. بنابراین مسالهی دیگری که در رابطه با مجلس اول مشروطه مورد بحث قرار دارد، مسالهی خشونت سیاسی است که از سوی برخی از افراطی‌ها و انجمن‌ها بروز یافت؛ تشکیل اجتماعات و کانون‌های راهپیمائی و شعارهایی که آن انجمن‌ها طرح می‌کردند، دورنمای جالبی از اثرات و عوارض تندروی در ادامه‌ی حیات مشروطیت به دست می‌دهند. به تعبیر آدمیت: «انجمن‌ها در قلمرو تفکر اجتماعی و سیاسی به اطلاق مایه‌ای نداشتند. هیچ مقاله یا رساله‌ای درباره‌ی نظریه‌ی انجمن و مسئولیت مدنی آن از طرف هیچ انجمنی سراغ نداریم. آنچه در این موضوع نوشته شده به قلم یکی دو نویسنده‌ی مستقل است و هر چه گفته شده از جانب اهل دولت و نمایندگان مجلس. از کل دستگاه انجمن هیچ مرد سیاسی برجسته و نیم‌برجسته‌ای برنخواست؛ هیچ نقشه‌ی اصلاح و ترقی که اصالتی داشته باشد از جانب انجمن‌ها عرضه نگردیده و اگر هم چیزی بوده ما آگاهی نداریم. در همه‌ی آن جهات بنیاد انجمن ورشکسته و عقیم بود. تنها «اتحادیه‌ی نسوان» همتی به خرج داد و اندیشه‌ی بدیعی آورد.»^{۱۹}

مجلس اول به اقدامات حقوقی که در نظام‌مند کردن وزارت عدلیه و پاسخگویی به تظلمات مردم پایه گرفته بود، بسنده نکرد و با گذر از قانونمند کردن امور اجتماعی، به مسایل مالیه کشور نیز توجه داشت؛ رهسپاری برخی از روشن اندیشان مجلس به سوی تأسیس بانک ملی ایران که هم چاره‌ای در حل مشکلات مالی و تجاری داخل بود و هم راهکاری برای دوری از قرضه‌ی خارجه، از والاترین اقدامات مجلس اول بود. به درستی در حل تنگدستی مردم و رفع مشکلات مالی دولت مشروطه بود که مجلس با منع استقراض خارجی به ایجاد نهادهای مالی داخلی و بانک تمایل یافت. در فرهنگ ایرانی میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله نخستین اندیشمندی بود که به مقوله‌ی بانک پرداخت و آن را از دیدگاه اقتصاد لیبرالیستی مطرح کرد؛ ملکم خان در رساله‌ی «تنظیمات» تأسیس بانک ملی را پیشنهاد کرد و با بحث از چگونگی سرمایه‌ی اولیه‌ی آن و نحوه‌ی ایجاد آن، به اهمیت بانک در مبادلات تجاری و امور مالی اشاره نمود. ملکم خان بانک را «سرچشمه‌ی ثروت ملل و محرک و محیی تجارت و

^{۱۹} - مجلس اول و بحران آزادی، ۱۳۷۰، ص ۱۳۵.

آبادی مملکت» می‌دانست. وی تأکید داشت: «بانک برای ایران مدرسه علوم مالیه خواهد بود... رسوم تحویل‌داری و طرز محاسبات و آن چهل قسم فنون مالیه که فرنگیها تازه اختراع کرده‌اند و الان به منزله فنر و چرخ حیات ملل خارجه واقع شده‌اند، همه این رسوم و فنون تازه را اهل ایران از سرمشق بانک... یاد می‌گیرند... بانک یعنی دکان صرافى و یا صرافخانه و بانکیه یعنی صراف‌باشى. بالاخره بانک نساختن مثل این است که بگوئیم در شهرهای ایران نباید کاروانسرای تجارتی بسازند و تجار ما نباید با هم برات و مکاتبه نمایند.»^{۲۰} اگر چه در آن زمان بانک در ایران ایجاد نشد، ولی در سال ۱۲۸۹ میرزا حسین خان مشیرالدوله در زمان صدارت خود، موضوع بانک دولتی را با سرمایه فرانسوی و تجار ایرانی مطرح کرد و برای تدوین قرارنامه بانک هیئتی از وزیران با مستشاری ملکم خان جلساتی تشکیل دادند که به سرانجام نرسید. ملکم خان بر پایه مذاکرات آن جلسات، رساله‌ای در فواید بانک و ضرورت ایجاد آن در ایران تألیف کرد که می‌توان آن را اولین متن مربوط به بانک در ایران دانست که در طرح ایجاد بانک ملی در مجلس اول، مورد توجه نمایندگان بود که آن ایده را عنوان کردند. اولین بانک در ایران به نام «بانک شرق» در سال ۱۲۶۶ ق شکل گرفت. این بانک چند سال بعد از کشمکش‌های سیاسی و دیپلماتیک میان دولت ایران و رویتر - در ماجرای پرداخت خسارت قرارداد قبلی- در سال ۱۳۰۶ ق جای خود را به بانکی داد که با سرمایه رویتر سرمایه‌دار انگلیسی ایجاد شده بود و «بانک شاهنشاهی» خوانده می‌شد.^{۲۱} پس از آن بانک‌های خارجی «استقراضی روس»، «عثمانی»، «روس و ایران» نیز برای انجام امور مالی و پرداخت وام و برخی تسهیلات به وجود آمدند.^{۲۲} پدیده بانک با گسترش نظام مبادلات مالی و تجاری در دنیای جدید به وجود آمد و تابعی از انقلاب صنعتی و ظهور طبقه بورژوازی محسوب می‌شود؛ بانک در حقیقت موسسه‌ای است که نگاهداری سرمایه اشخاص را بر عهده دارد و با به کارگیری آنها، نقل و انتقال وجوه، صدور بروات و حواله‌های تجارتی، تأمین اعتبار برای

^{۲۰}- تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله ۱۳۵۲، ص ۹۴.

^{۲۱}- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم ۱۳۶۷، ص ۴/۱۵۳۳

^{۲۲}- تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران ۱۳۳۸.

بازرگانان و کشاورزان و صنعتگران و کمک به توسعه تجارت و کشاورزی و صنعت، به تسهیل مبادلات پولی و مالی و تجارتي می‌پردازد. بانک همچنین بخشی از عملیات خود را به امور وام دهی و حفظ و نگاهداری اموال و اوراق بهادار اختصاص می‌دهد و نشر اسکناس و خرید و فروش سکه از دیگر اقدامات بانکی هستند. با این که ایده بانک ملی به مرحله عمل نرسید، ولی وجود همین افکار در میان نمایندگان نوجوی پارلمان، حکایت از واقع بینی آنان و اعتقاد راسخ به لزوم دگرگونی در تمامی لایه‌های زیستی - فرهنگی ایران زمین داشت؛ مشکلات مالی و ناهنجاری اقتصادی مجلس را در اولین تلاش‌های خود مقابل خارجیان به واکنش واداشت و اولین طرح‌های اقتصادی که در مجلس مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت برآمده از ایده‌های ملیت خواهی بود که جزو اهداف مشروطه‌خواهان اعلام شده بودند. بنابراین ایده‌ها «مجلس ملی در تنظیم بودجه مملکتی و تعدیل نسبی دخل و خرج عمومی از عهده برخی کارهای مهم عملی برآمد؛ بعضی بنیادهای کهنه همچون تیولداری را برانداخت؛ پاره‌ای قواعد نو مانند ممیزی علمی بر پایه بررسی احصایی صحیح را آغاز نهاد. اما در تغییر نظام مالیاتی کار عمده‌ای از پیش نبرد.»^{۲۳}

مجلس اول در اقدامات مالیه خود، چندین مصوبه بنیادین داشت: ۱- نسخ قاعده تسعیر که در فرایند مالیات‌گیری اختلالات جدی ایجاد می‌کرد و دست عمال دولت را در استفاده از مالیات عمومی به نفع شخصی می‌بست. ۲- نسخ قاعده تیول که بر عمومی بودن اراضی کشور تأکید داشت و از هدر رفتن املاک و امکانات زراعی جلوگیری می‌کرد. ۳- قطع قسمتی از مستمریات کارگزاران و صاحبان دیوان که با دقت در افراد حقوق بگیر در دولت و نظام‌مند کردن آن، بر نگاهداری اموال و مالیه عمومی نظر داشت. ۴- اقدام به جمع تفاوت عمل با اصل مالیات که با تدوین آن‌ها در کتابچه جمع، دست حکام ولایات را از دریافت مبلغ اضافه بر مالیات رسمی کوتاه کرد.

اقدامات مالیه و تنظیم امور مالیاتی کشور در مجلس اول نیز ناظر به پیش‌زمینه‌هایی بود که ریشه در شرایط اقتصادی و امور ملکی داشت؛ در دوره قاجاریه که به تعبیر

۲۳- ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران ۱۳۵۵، ص ۴۴۶.

لمبتون مالکیت قرون وسطایی در ایران جریان داشت، منابع اصلی ثروت ملی را زمین‌های زراعتی و محصولات کشاورزی تشکیل می‌دادند. بالتبع مالیات‌گیری نیز بر اساس تولیداتی تنظیم می‌شد که از زمین‌های مزروعی به دست می‌آمدند؛ زمین‌های خالصه که به واسطه بی‌برنامگی و بی‌ملاحظگی کارگزاران و کسانی که آن‌ها را به عنوان تیول به دست آورده بودند، چندی بلااستفاده مانده بودند، در دوره ناصری و در صدارت امین‌السلطان به نام همان اشخاص ثبت شدند تا محل دریافت مالیات برای حکومت فراهم شود به این ترتیب مالیات بر اجناس به مالیات بر پول نقدی که ملاکین را صاحب زمین‌های خالصه نشان می‌دادند مبدل شد و مفهوم «تسعیر» در امور مالیه کشور به وجود آمد. وضعیت زراعتی و زمین‌های کشاورزی در دوره‌ای که به اقدامات مجلس شورای ملی را برای قانونمند کردن زمین و زمین‌داری در ایران منجر شد، شرایط خاصی را داشتند؛ در نتیجه اقدام امین‌السلطان، که در واقع مقدمات کارنامه مالیاتی مجلس اول را شکل می‌داد، زمین‌های خالصه به پنج دسته تقسیم می‌شدند: ۱- املاک دیوانی، که در دست مباشران دیوان بود که یا به دهقانان اجاره می‌دادند و یا اینکه خود به زراعت آن‌ها مبادرت می‌کردند. ۲- املاک ضبطی که به سبب شورش زمینداران توسط حکام محلی ضبط می‌شدند و یا املاکی که مجهول‌الصاحب بودند. ۳- املاک انتقالی. ۴- املاک ثبتی که به نام دیوان ثبت می‌شدند. ۵- املاک بذری که در اثر قحطی توسط صاحبانش به زیر کشت برده نشده بودند و دیوان برای آبادانی، به آن‌ها بذر داده بود. در این میان زمینی که به شاغل یکی از مقامات دیوانی تعلق می‌گرفت و یا به عنوان هدیه‌ای از طرف صاحب منصبی بخشیده می‌شد، مصادیق تیول را شامل می‌شدند. پیش از مشروطیت فرمانی در مورخه ۱۳۰۳ق از سوی حکومت صادر شد که در مواردی از آن، اصلاح شیوه وصول مالیات از زمین‌ها و املاک تعیین شده بود و به دنبال آن در دستورالعمل دیگری که به وزارت مالیه در مورخه ۱۳۰۷ق ابلاغ شد، ممیزی املاک و دریافت مالیات بر اساس محصول در نظر گرفته شده بود؛ با این دستورالعمل املاک در موارد سلطنتی، عمومی، مستغلات و خاصه تقسیم بندی شدند و مقرر شد که تغییرات زمین در دفاتر مخصوص این کار به ثبت برسند. مجلس اول بر پایه این مسائل، مصوبات چهارگانه مربوط به موارد مالیات‌گیری و املاک را که برآمده از اصول ۱۵ و ۱۶ متمم قانون اساسی بودند، با

تعیین کمیسیون مالیه بنیاد نهاد. لمتون که شرایط اقتصادی ایران را در ادوار مختلف تاریخی موضوع بررسی خود قرار داده است، با اشاره به اهمیت استقرار مشروطیت و کارنامه فعالیت‌های مالیه پارلمان ایران می‌نویسد: «... یکی از اقدامات مجلس شورای ملی که در ۱۹۰۷ تازه افتتاح شده بود، تعیین کمیسیونی برای مطالعه در مسأله اصلاحات اقتصادی بود که ارتباط کامل با مسأله زمین‌داری و اداره کردن امور مالیات ارضی داشت. حاصل کار کمیسیون چهار قدم اصلاحی بزرگ بود که تمام آنها در مسأله زمین‌داری و وظایف مختلفی که بر عهده زمین‌داران بود سخت مؤثر افتاد:

۱- پس از مطالعه دقیق محاسبات مالیاتی ولایات مختلف کمیسیون مزبور یعنی انجمن مالیه قسمت اعظم و در بعضی موارد تمام مستمریها و امتیازاتی که به عده کثیری از افراد خاصه به افراد متشخص و شاهزادگان خاندان سلطنتی مانند شعاع‌السلطنه، ظل‌السلطان، کامیران میرزا نایب‌السلطنه، سالارالدوله و عضدالدوله داده می‌شد لغو کرد.

۲- انجمن مبالغی را که حکام محلی علاوه بر مالیات مستمر برای مصارف خود و دستگاه حکومتی خود وصول می‌کردند (تفاوت عمل) بر اصل مالیات مستمر افزود و برای مخارج دستگاه‌های اداری شهرستانها مقرراتی وضع کرد...

۳- روش تیول داری لغو شد.

۴- تسعیر منسوخ شد...»^{۲۴}

همان طور که اشاره شد توابع و نتایج جنبش مشروطیت در توزیع نوین قدرت و شکل‌گیری نهاد قانونگذاری و مجلس شورای ملی معنی پیدا می‌کند؛ حال که مبارزات و مجاهدات و ایده‌پروری‌ها ثمره داده است، مرحله‌ی بعدی نهادینه کردن آن ایده‌ها و ایجاد صورت تازه‌ای از اقتدار سیاسی و حاکمیت ملی به عرصه می‌آیند؛ بنابراین مجلس به نماد و مظهر دولت قانونی و ملی تبدیل می‌شود و آرمان‌های اجتماعی - سیاسی را متحقق می‌کند. بخش دیگری از فعالیت‌های مجلس، مربوط به سلطنت و حدود و ثغور آن بود، چرا که «مجلس در مقام دفاع از قانون مشروطگی در دو جهت متمایز در معارضه بود: از یکسو با شاه و گرایش

^{۲۴} - مالک و زارع در ایران ۱۳۷۷، ص ۳۳۱.

ارتجاعی‌اش؛ از دیگر سو با جبههٔ افراطیون و روش خلاف الزامات دموکراتی و خشونت رفتارش.^{۲۵}

این معارضات برآمده از شرایط نوینی بود که بر سر جایگاه خدایگانی شاه خدشه وارد ساخته بود و او را از اریکهٔ اقتدار آسمانی به زیر کشیده بود؛ شاه که در آیین شهریارای ایران کهن از موقعیت متافیزیکی برخوردار و صاحب رعیت خوانده می‌شد، در مواجهه با نظام نوین اجرایی، در حد یک نماد ملی تنزل کرده بود و این از آموزه‌های سنتی بسی فراتر و انسانی‌تر می‌نمود. در چنین شرایطی معارف سنتی که در رهیافت‌های مختلف حکومت و شیوهٔ کشورداری در ایران را به موضوع نوشته‌ها و تألیفات خود تبدیل کرده بودند، به فرجام معرفتی رسیده و سبک‌های نوین نوشتاری و رسالات حاوی اندیشهٔ سیاسی مدرن جای آنها را گرفتند؛ در میان رهیافت‌های سنتی، بیش از همه ارشادنامه‌ها و اندرزنامه‌ها به پدیدهٔ سلطنت توجه می‌کردند و به اعتباری با امور واقع سیاسی درگیر بودند تا با تئوری‌پردازی صرف که در رهیافت‌های فلسفی، فقهی یا کلامی وجود داشت. رهیافت ارشادنامه‌ای که از تلفیق اندیشهٔ ایرانشهری باستانی و آموزه‌های دینی پدیدار شده بود، عنصر سلطنت را نهادی مقدس و آسمانی می‌دانست و بر مشروعیت بلامنازع آن تأکید داشت. خواجه نظام‌الملک که عالی‌ترین ارشادنامه سیاسی را در دورهٔ میانهٔ تاریخ ایران نوشته است، بر این باور بود که «ایزد تعالی در هر عصری و روزگاری یکی از میان خلق برگزیند، و او را به هنرهای پادشاهانه و ستوده آراسته گرداند، و مصالح جهان و آرام بندگان را بدو بازبندد، و در فساد و آشوب و فتنه را بدو بسته گرداند، و هیبت و حشمت او اندر دلها و چشم خلایق بگستراند، تا مردم اندر عدل او روزگار می‌گذراند و آمن همی باشند و بقای دولت همی خواهند، و چون از بندگان عصیانی و استخفافی بر شریعت و یا تقصیری اندر طاعت و فرمانهای حق تعالی، پدیدار آید، و خواهد که بدیشان عقوبتی رساند و پاداش کردار ایشان، ایشان را بچشاند - خدای عزوجل، ما را چنین روزگار منماید و از چنین مدبری دور دارد - هر آینه شومی آن عصیان و خشم و خذلان حق تعالی، در آن مردمان اندر رسد: پادشاهی نیک از میان برود، و شمشیرهای مختلف کشیده شود و خونها ریخته آید، و هر که را دست قویتر

^{۲۵} - مجلس اول و بحران آزادی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۹.

هر چه خواهد می‌کند، تا آن گناهکاران همه اندر میان آن فتنه‌ها و خون ریزش هلاک شوند، و جهان از ایشان خالی و صافی شود، و از جهت شومی این گناهکاران بسیاری از بیگناهان در آن فتنه‌ها نیز هلاک شوند. و مثال این چنان باشد که چون آتش اندر نیستان افتد، هر چه خشک باشد همه بسوزد، و از جهت مجاورت خشک، بسیار نیز از تر سوخته آید.»^{۲۶}

بنابراین ملاک مشروعیت نظام شاهی نشأت گرفته از حق الهی است و همانطور که از گفتار خواجه نظام‌الملک برمی‌آید تئوری عدل شاهی با نصب الهی در پادشاه آرمانی او در هم آمیخته و صورت تازه‌ای از نظریه سیاسی اهل تسنن را در اطاعت از اولی الامر یا همان پادشاه در سخن خواجه به وجود آورده است، از طرفی این تئوری جدید در شکل خاصی که همان اندرزنامه‌های ایران باستان باشد عرضه شده است. این امر (هماهنگی افکار ایران باستان و آرای دینی اسلام) با فردوسی و در شکل نظم و شاهنامه نویسی آغاز شد و به خاطر شرایط سیاسی و عوامل اجتماعی - فکری دیگر قرین موفقیت نشد، اما خواجه نظام‌الملک به واسطه جایگاه سیاسی - دینی خویش همان اندیشه را در قالبی دیگر و به رنگ خاصی در خدمت سلسله سلجوقی و در توافق با تفکرات دینی دوران خود (مذهب شافعی) ارائه نمود.

از نظر خواجه، شاه محور قدرت بوده و شیوه صحیح کشور داری از سوی وی رعایت عدالت و تکیه بر اعتقادات دینی و پیشگیری از مفساد در اجتماع اسلامی است: «چاره نیست پادشاه را از آنکه هر هفته‌ای دو روز به مظالم بنشیند، و داد از بیدادگر بستاند، و انصاف بدهد، و سخن رعیت به گوش خویش بشنود بی واسطه‌ای، و چند قصه که مهمتر بود باید که عرضه کنند و در هر یکی مثالی دهد، که چون این خبر در مملکت پراکنده شود که خداوند جهان، متظلمان و دادخواهان را در هفته‌ای دو روز، پیش خویش می‌خواند و سخن ایشان می‌شنود، همه ظالمان بشکوهند و دستها کوتاه دارند و کس نیارد بیدادی کردن و دست درازی کردن از بیم عقوبت... بر پادشاه واجب است در کار دین پژوهش کردن، و فرایض و سنت و فرمانهای خدای تعالی، به جای آوردن و کار بستن... و نیکوترین چیزی که پادشاه را باید، دین درست است؛ زیرا که پادشاهی و دین همچون دو برادرند. هر گه که در مملکت

^{۲۶} - سیرالملوک ۱۳۶۹، ص ۶

اضطرابی پدید آید، در دین نیز خلل آید، بد دینان و مفسدان پدید آیند؛ و هر گه که کار دین با خلل باشد، مملکت شوریده بود و مفسدان قوت گیرند و پادشاه را بی شکوه و رنجه دل دارند و بدعت آشکارا شود و خوارج زور آرند.^{۲۷} این دیدگاه در دوره قاجاریه با اینکه در اندرزنامه‌ها مورد توجه سنتگرایان قرار گرفته بود، اما با برپایی نظام مشروطه پارلمانی در عمل نیز به پایان محتوم خود رسید.

با شروع به کار مجلس شورای ملی - که به حق باید از آن به عنوان مجلس مؤسس نام برد - و تهیه قانون اساسی ساماندهی به نظام اداری و وزارتخانه‌ها و درخواست مسئولیت از وزرا در مقابل مجلس، یکی از اصلی‌ترین مسائل عصر مشروطیت گردید. در واقع وضعیت نابسامان اجتماعی - سیاسی - اقتصادی و فرهنگی جامعه از دوره فتحعلیشاه تا حکومت مظفرالدین شاه، عواملی را به وجود آوردند که مردم از ظلم و تعدی حاکمان و دیگر عناصر اجرایی، خواستار رسیدگی به وضعیت حقوقی و امنیتی خود شدند؛ اگر چه اولین خواسته مخالفان حکومت عدالت‌خانه بود، اما وجود عنصر منورالفکر و برخی از فرنگ برگشتگان در دربار و میان نخبگان فرهنگی و مردان سیاست، آن خواسته ابتدایی را به تغییر شیوه حکومت کشاند و ایجاد مجلس شورای ملی و تدوین قانون اساسی را به محور اهداف مشروطه‌خواهان تبدیل نمود. تاریخ شکل‌گیری مشروطیت و تحقیقات مشروطه‌پژوهی در یک صد سال اخیر نشان داده‌اند که در مرحله شروع جنبش مشروطه‌خواهی، مهاجرین در هجرت صغری در سال ۱۳۲۳، تقاضاهای خود را در ۸ بند اعلام داشتند که بند ۴ آن خواستار «بنای عدالتخانه‌ای در تمام شهرهای ایران برای جلوگیری از ستمگری‌های حکام» بود.

بعد از این تقاضاهای نوعاً صنفی و ابتدایی بود که جنبش مردم گسترش یافت و از بی‌توجهی حکومت به خواسته‌های مردم و اعتراضات بعدی، درخواست تشکیل مجلس و تدوین قانون به میان آمد و تاثیر ایده‌های مدرن سیاسی - اجتماعی در برپایی نهادهای نوین کشور، پر رنگ‌تر شد؛ روزنامه مجلس در مقاله‌ای با اشاره به علل حقوقی و... مشروطه در ایران نوشته بود: «... روح و حقیقت مشروطیت عبارت است از قوه قضائیه. وقتی می‌توان از قوانین مشروطیت مستفیض شد که محاکم

^{۲۷} - سیرالملوک ۱۳۶۹، ص ۶۹، ۱۲ و ۷۰.

قضائی منظم باشد و اگر در مملکتی عدلیه نباشد، نمی‌توان مملکت را مشروطه و آن حکومت را حکومت ملی فرض کرد.^{۲۸}

با فراهم شدن مقدمات مشروطیت و صدور فرمان رسمی آن، پایه‌های اولیه‌ی یک سیستم اندیشگی و کنش جدید در ایران به وجود آمد؛ نخستین مجلس شورای ملی رسماً به کار خود آغاز کرد و تا جایی که امکان داشت تمامی نحلّه‌ها و ایده‌های مشروطه خواهان و حتی برخی از مخالفان را در خود جمع نمود؛ آدمیت در رابطه با نخستین تجربه انتخاباتی ایران - گروه بندی سیاسی مجلس و تحول پارلمان در عصر حکومت ملی می‌نویسد: «چنین بود تعالی مجلس در نخستین آزمایش پارلمانی - ترقی خیره‌کننده‌ای که مدیون احتشام‌السلطنه و چندین تن دیگر از نمایندگان هوشمند و روشنفکر مجلس بود. (تالی احتشام‌السلطنه در تاریخ پارلمانی ایران تنها میرزا حسین‌خان مؤتمن‌الملک است). تأکیدی که بر جنبه‌ی روشنفکری آن اقلیت مجلسیان می‌رود نه از این بابت است که در زمرة درس خواندگان و تربیت‌یافتگان جدید بودند، بلکه آنان به مسئولیت روشنفکری خویش هشیار بودند و در ایفای مسئولیت اجتماعی خویش قصور نورزیدند - ورنه، ما آنان را روشنفکر نمی‌شمردیم. تجربه‌ی عینی مجلس اول ذاتاً نفی می‌کند حدس و همی مخالفان مجلس را که ورد زبانشان این بود: مشروطیت زود است. اما مجلس جنبه‌های قوی و ضعیف داشت. کارهای سترگ از پیش برد و از خطاهای عمده هم مصون نماند.»^{۲۹}

دوره‌ی اول مجلس شورای ملی دارای بافتی طبقاتی بود و چون از میانه‌ی برخورد‌های سیاسی و صنفی برآمده بود، امتیازات فرهنگی و آگاهی واقع‌بینانه از شرایط سیاسی ایران و بخصوص جهان نوپیدایی را که مبتنی بر روابط نوین بین‌المللی و دیپلماتیک بود، کمتر در نظر داشت. با این حال عده‌ای از نمایندگان که شناختی از دگرگونی زمانه داشتند، توانستند ایده‌های مدرن و نهادهای جدید را به شکل ابتدائی در همان مجلس اول مطرح کرده و راه را برای تجدید نظرها و شفافیت شرایط زمانه فراهم سازند؛ نگاهی به لیست نمایندگان دوره‌ی اول مجلس

^{۲۸} - مجلس، شماره ۱۰۷، سال چهارم، سه‌شنبه ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹، ص ۱.

^{۲۹} - ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران ۱۳۵۵، ص ۳۸۲.

شورای ملی و دریافت شناسه‌ی طبقاتی آنان و اقداماتی که در تصویب قوانین از خود نشان دادند، می‌تواند چهره‌ای از آن مجلس و آن دوره را نشان دهد. نمایندگانی که در دوره‌ی اول به نمایندگی از طبقات و ایالات کشور به مجلس شورای ملی راه یافتند عبارت بودند از:

- ۱) حاجی سید آقا تیرفروش از تهران نماینده‌ی تیرفروش‌ها.
- ۲) حاجی آقا بابا میرزا از قوچان.
- ۳) حاجی میرزا ابراهیم آقا تبریزی از آذربایجان نماینده‌ی اصناف.
- ۴) حاجی سید ابراهیم اخوی تهرانی از تهران نماینده‌ی ملاک و فلاحین.
- ۵) میرزا ابراهیم آقا.
- ۶) میرزا ابراهیم خان.
- ۷) میرزا سید خان ابراهیم.
- ۸) حاجی میرزا ابراهیم خیاط باشی از تهران نماینده‌ی خیاط‌ها.
- ۹) شیخ ابراهیم زنجانی از خمسه.
- ۱۰) میرزا ابوالحسن خان شیرازی از فارس نماینده‌ی اعیان.
- ۱۱) میرزا ابوالحسن نائینی.
- ۱۲) سید هاشم احتشام‌الاطبا از ترشیز.
- ۱۳) میرزا محمود خان احتشام‌السلطنه از تهران نماینده‌ی اعیان و خوانین و ملاکین.
- ۱۴) میرزا حسن خان احسن‌الدوله از آذربایجان نماینده‌ی فلاحین.
- ۱۵) حاجی میرزا سید احمد زرگرباشی از تهران نماینده‌ی زرگران.
- ۱۶) حاجی میرزا احمد مرتضوی از تهران نماینده‌ی تجار.
- ۱۷) حاجی میرزا علی نقشینه ادیب‌التجار از اصفهان نماینده‌ی تجار.
- ۱۸) میرزا محمد باقر ادیب گلپایگانی از گلپایگان.
- ۱۹) میرزا اسدالله شاهزاده (شهاب‌الدوله) از تهران نماینده‌ی شاهزادگان.
- ۲۰) حاجی شیخ اسمعیل از تهران نماینده‌ی بلورفروش‌ها.
- ۲۱) میرزا اسمعیل خان از قائنات.
- ۲۲) حاجی سید اسمعیل ریزی اصفهانی از اصفهان نماینده‌ی علما.
- ۲۳) اشرف‌الادبا از فیروز کوه.
- ۲۴) امام جمعه.

- (۲۵) امان الله شاهزاده میرزا از تبریز.
- (۲۶) حاج امجدالسلطان از تهران نماینده‌ی قاجاریه.
- (۲۷) میر عبدالمطلب کردستانی امین‌التجار از تهران نماینده‌ی قصاب‌ها.
- (۲۸) حاجی حسین آقا امین‌الضرب از تهران نماینده‌ی تجار.
- (۲۹) مشه‌دی باقر بقال از تهران نماینده‌ی بقال‌ها.
- (۳۰) حاجی سید باقر اخوی از تهران نماینده‌ی فلاحین.
- (۳۱) حاجی آقا میر رشتی بحرالعلوم از رشت نماینده‌ی علما.
- (۳۲) شیخ مهدی کرمانی بحرالعلوم از کرمان.
- (۳۳) میرزا بزرگ همدانی.
- (۳۴) سید حسن تقی زاده از آذربایجان نماینده‌ی تجار.
- (۳۵) میرزا تقی خان.
- (۳۶) حاجی سید محمد حسن ثقة‌الاعلام از فارس نماینده‌ی تجار.
- (۳۷) میرزا یحیی ثقة‌السلطنه از تهران نماینده‌ی شاهزادگان.
- (۳۸) حاجی سید جعفر از شیراز نماینده‌ی علما.
- (۳۹) ارباب جمشید از تهران نماینده‌ی زردشتیان.
- (۴۰) میرزا جواد خان.
- (۴۱) میرزا جواد خان.
- (۴۲) جواهری.
- (۴۳) شیخ حسن حسام‌الاسلام از گیلان.
- (۴۴) سید حسن.
- (۴۵) میرزا حسن از کرمان.
- (۴۶) شیخ حسن.
- (۴۷) میرزا حسن خان.
- (۴۸) میرزا حسن سید کاشی از کاشان.
- (۴۹) میرزا حسن خان.
- (۵۰) میرزا حسن خان.
- (۵۱) میرزا حسن خان.
- (۵۲) حاج شیخ حسن علی از تهران نماینده‌ی علاقه‌بندها.

- ۵۳) استاد حسن پنج علی معماری‌اشی از تهران نماینده‌ی بنا و معمارها.
- ۵۴) ملا حسن وارث از تهران نماینده‌ی ماهوت‌فروش‌ها.
- ۵۵) حسنعلی خان از تهران نماینده‌ی اعیان.
- ۵۶) حاجی حسین آقا.
- ۵۷) سید حسین.
- ۵۸) سید حسین بروجردی مدیرالاسلام از تهران نماینده‌ی خرده‌فروش‌ها.
- ۵۹) شیخ حسین.
- ۶۰) شیخ حسین تهرانی از تهران نماینده‌ی سقط‌فروش‌ها.
- ۶۱) شیخ حسین شهیدی از قزوین.
- ۶۲) میرزا حسین طیب از قزوین.
- ۶۳) حاج شیخ حسینعلی دلال از تهران نماینده‌ی ارسی دوزها.
- ۶۴) آقا حسینعلی از تهران نماینده‌ی سیگارفروش‌ها.
- ۶۵) حسینقلی خان نواب وکیل مجلس.
- ۶۶) میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک وکیل مجلس.
- ۶۷) خیاط باشی.
- ۶۸) دبیر رسائل لاهیجی از گیلان.
- ۶۹) میرزا هادی خان دبیرالسلطان از تهران نماینده‌ی اعیان و خوانین و ملاکین.
- ۷۰) آقا رضا رئیس‌التجار از خراسان.
- ۷۱) آقا رضا.
- ۷۲) میرزا حسینعلی ماهروزاده از تهران نماینده‌ی حصیربافان و تیرفروشان.
- ۷۳) میرزا حسن خان ساعدالوزاره وکیل مجلس.
- ۷۴) میرزا جواد خان سعدالدوله از تهران نماینده‌ی اعیان.
- ۷۵) میرزا سلیمان خان بیان‌السلطنه.
- ۷۶) سید یحیی لاریجانی سیدالحکما از تهران نماینده‌ی ملاکین.
- ۷۷) میرزا ابراهیم خان کلانتر شرف‌الدوله از آذربایجان نماینده‌ی اعیان.
- ۷۸) میرزا هدایت‌الله شمس‌الحکما از گیلان.
- ۷۹) شهشهانی.
- ۸۰) حاج میرزا ابراهیم آقا شهیدی تبریزی از آذربایجان.

- ۸۱) میرزا صادق خان.
- ۸۲) ملا علی محمد صدرالعلما از نطنز.
- ۸۳) میرزا محمد خان صدیق حضرت از تهران نماینده‌ی اعیان.
- ۸۴) مرتضی قلی خان صنیع‌الدوله از تهران نماینده‌ی اعیان.
- ۸۵) میرزا محمد طاهر تنکابنی از تهران نماینده‌ی طلاب.
- ۸۶) حاجی عباسقلی نانوا از تهران نماینده‌ی نانواها.
- ۸۷) حاجی سید عبدالحسین شهشهانی از خراسان.
- ۸۸) شیخ عبدالکریم از یزد.
- ۸۹) میر عبدالمطلب.
- ۹۰) حاجی عبدالوهاب از تهران نماینده‌ی کلاهدوزها.
- ۹۱) سید علاءالدین از شوشتر و دزفول.
- ۹۲) حاجی میرزا علی نقشینه.
- ۹۳) حاجی میرزا علی از خراسان.
- ۹۴) حاجی شیخ علی مدرس نوری از تهران نماینده‌ی علما.
- ۹۵) حاجی علی‌اکبر از تهران نماینده‌ی آشپزها.
- ۹۶) سید علینقی از دماوند و فیروزکوه.
- ۹۷) میر عماد از تنکابن.
- ۹۸) عمادالاسلام از یزد.
- ۹۹) میرزا سید ابراهیم خان عمیدالحکما از سمنان.
- ۱۰۰) میرزا اسمعیل خان عون‌الدوله از تهران نماینده‌ی اعیان.
- ۱۰۱) حاج شیخ غلامحسین استرآبادی از استرآباد.
- ۱۰۲) کربلائی استاد غلامرضا یخدان‌ساز از تهران نماینده‌ی یخدان‌سازها و سراج‌ها.
- ۱۰۳) فتح‌الله خان از قم.
- ۱۰۴) سید فخرالدین فخرالسادات از فارس نماینده‌ی فلاحین.
- ۱۰۵) میرزا آقا فضلعلی از آذربایجان نماینده‌ی علما.
- ۱۰۶) شیخ حسین فلک‌المعالی از رشت نماینده‌ی اعیان.
- ۱۰۷) حاجی حبیب‌الله قوام دیوان از فارس نماینده‌ی اعیان.
- ۱۰۸) شاهزاده میرزا یحیی لسان‌الحکما از خراسان نماینده‌ی شاهزادگان.

- ۱۰۹) شاهزاده مبشرالسلطان از بروجرد.
- ۱۱۰) میرزا تقی خان مجدالملک از تهران نماینده‌ی مجلس.
- ۱۱۱) میرزا محسن از تهران نماینده‌ی علما.
- ۱۱۲) شیخ محسن خان قاجار از کرمان.
- ۱۱۳) محقق‌الدوله از تهران نماینده‌ی تجار.
- ۱۱۴) میرزا محمد خان.
- ۱۱۵) محمد.
- ۱۱۶) محمد.
- ۱۱۷) حاجی محمد آقا حریری از آذربایجان نماینده‌ی تجار.
- ۱۱۸) حاجی سید محمد ساعت‌ساز از تهران نماینده‌ی اصناف.
- ۱۱۹) حاجی سید محمد صراف فدائی از تهران نماینده‌ی صراف‌ها.
- ۱۲۰) آقا محمد یزدی.
- ۱۲۱) حاجی محمد ابراهیم وارث از تهران نماینده‌ی بزازان.
- ۱۲۲) حاجی محمد اسمعیل تبریزی مغازه از تهران نماینده‌ی تجار.
- ۱۲۳) حاجی شیخ محمد باقر از خوانسار.
- ۱۲۴) حاجی محمد باقر صابون پز از تهران نماینده‌ی صابون‌فروش‌ها.
- ۱۲۵) حاجی شیخ محمد تقی دهینده از تهران نماینده‌ی گیوه‌فروشان.
- ۱۲۶) حاجی محمد تقی از استرآباد.
- ۱۲۷) حاجی محمد تقی بنکدار از تهران نماینده‌ی بزازها.
- ۱۲۸) حاجی محمد تقی شاهرودی از تهران نماینده‌ی تجار.
- ۱۲۹) محمد تقی سید هراتی از تهران نماینده‌ی چلنگرها و قفل‌سازها.
- ۱۳۰) محمد حسن خان.
- ۱۳۱) حاجی محمد حسین از بجنورد.
- ۱۳۲) محمد صالح خان.
- ۱۳۳) میرزا محمد علی خان رحمت‌آبادی از رشت نماینده‌ی اعیان.
- ۱۳۴) آقا محمد علی از مازندران.
- ۱۳۵) حاجی محمد علی شال فروش از تهران نماینده‌ی تجار.
- ۱۳۶) شیخ محمد علی تهرانی وکیل مجلس.

- ۱۳۷) میرزا محمد علی خان از شیراز نماینده‌ی کسبه.
- ۱۳۸) محمد قلی خان.
- ۱۳۹) میرزا محمود خان.
- ۱۴۰) میرزا محمود خان.
- ۱۴۱) حاجی ملا محمود از قم.
- ۱۴۲) میرزا محمود تاجر اصفهانی از تهران نماینده‌ی تجار.
- ۱۴۳) میرزا محمود کتاب‌فروش خوانساری از تهران نماینده‌ی کتابفروش‌ها.
- ۱۴۴) محمد قلی خان مخبرالملک از تهران نماینده‌ی تجار.
- ۱۴۵) مدیرالاسلام.
- ۱۴۶) مرتضوی.
- ۱۴۷) حاجی سید مرتضی مرتضوی از تهران نماینده‌ی تجار.
- ۱۴۸) مرتضی قلیخان.
- ۱۴۹) میرزا صادق خان مستشارالدوله از آذربایجان نماینده‌ی اعیان.
- ۱۵۰) میرزا حسن خان مشارالملک از تهران نماینده‌ی اعیان.
- ۱۵۱) میرزا محمود خان مشاورالملک قمی از تهران نماینده‌ی اعیان.
- ۱۵۲) میرزا محمد خان مصدق السلطنه.
- ۱۵۳) سید مصطفی سمسار از تهران نماینده‌ی سمسارها.
- ۱۵۴) میرزا ابوالحسن خان معاضدالسلطنه نائینی وکیل مجلس.
- ۱۵۵) حاجی آقا نصرالله معاون‌التجار از کرمان.
- ۱۵۶) میرزا سید مهدی معتمدالتولیه از شاه عبدالعظیم و غار و فشافویه.
- ۱۵۷) میرزا احمد خان معظم‌الملک از تهران نماینده‌ی قاجاریه.
- ۱۵۸) حاجی آقا محمد بوشهری معین‌التجار از تهران نماینده‌ی تجار.
- ۱۵۹) محمد حسن خان مفتخرالممالک از مازندران.
- ۱۶۰) میرزا بزرگ همدانی مقبل لشکر از زنجان.
- ۱۶۱) حاجی ملک محمد از کرمانشاهان.
- ۱۶۲) میرزا اسمعیل خان ممتازالدوله از عراق.
- ۱۶۳) سید مهدی از تهران نماینده‌ی قهوه‌چی‌ها.
- ۱۶۴) میرزا جواد خان همدانی مؤتمن‌الممالک از بروجرد.

- ۱۶۵) حاجی محمد صالح خان مؤیدالوزاره از کرمانشاه.
- ۱۶۶) میرزا آقا حاجی فرش فروش تبریزی از آذربایجان.
- ۱۶۷) سید علی نقی ناظم‌الاملاک از خراسان.
- ۱۶۸) میرزا محمد ناظم‌العلماء از ملایر.
- ۱۶۹) نصرالله.
- ۱۷۰) حاجی سید نصرالله سادات اخوی از تهران نماینده طلاب.
- ۱۷۱) میرزا حسن علی خان نصره‌السلطان از تهران نماینده اعیان.
- ۱۷۲) سید نظام‌الدین از کاشان.
- ۱۷۳) نقشینه.
- ۱۷۴) نواب.
- ۱۷۵) نوری.
- ۱۷۶) میرزا هادی جواهری اصفهانی از اصفهان نماینده اصناف.
- ۱۷۷) هاشم.
- ۱۷۸) میر هاشم تبریزی از آذربایجان.
- ۱۷۹) شاهزاده میرزا هدایت‌الله از آذربایجان نماینده شاهزادگان.
- ۱۸۰) وارث.
- ۱۸۱) میرزا حسن خان وثوق‌الدوله از تهران نماینده تجار.
- ۱۸۲) آقا محمد یزدی وکیل‌التجار از گیلان.
- ۱۸۳) حاجی شیخ محمد تقی وکیل‌الرعايا از همدان.
- ۱۸۴) میرزا سید ولی الله خان از تهران نماینده حمای‌ها.
- ۱۸۵) شیخ یحیی از کرمان نماینده علما.
- ۱۸۶) سید یحیی.
- ۱۸۷) حاجی میرزا یحیی امام جمعه خویی.
- ۱۸۹) شاهزاده میرزا یحیی.
- ۱۹۰) میرزا یحیی.
- ۱۹۱) شیخ یوسف از فارس نماینده علما.
- ۱۹۲) میرزا آقا اصفهانی اعتمادالملک (آقا خان اعتمادی) از آذربایجان.
- ۱۹۳) حاج مجدالسلطنه از تهران نماینده شاهزادگان.

۱۹۴) میرزا محسن پسر صدرالعلما از تهران نمایندهٔ علما.

۱۹۵) امیر علی خان امیر سلیمانی از تهران نمایندهٔ شاهزادگان.

ترکیب پارلمان را در دورهٔ اول طبقاتی تشکیل می‌دادند که مظفرالدین شاه از آنها برای تشکیل مجلس شورای ملی دعوت کرده بود و نظامنامهٔ انتخاباتی بر پایهٔ آن فرمان سامان گرفته بود؛ حضور نمایندگان طبقات ششگانهٔ کشور، اولین پارلمان در ایران را به صورت صنفی معرفی می‌کند. به سخن ناصرالملک «قانون اول انتخابات از روی طبقات بود. علما، شاهزادگان، ملاکین، اصناف و ایلات، هر یک به عدد معینی بودند...»^{۳۰}

بیشترین تعداد و کلا را اصناف تشکیل می‌دادند؛ ۲۱ درصد نمایندگان از طبقات ممتاز و ملاک، ۲۵ درصد از روحانیون و ۲۱ درصد از اصناف بودند. ژانت آفاری در تحلیل خود از انقلاب مشروطهٔ ایران، ترکیب مجلس اول را از مشروطه خواهان نخبه تا اصناف مختلف برمی‌شمارد. فریدون آدمیت نیز ترکیب مجلس اول را با این که حزبی تشکیل نشده بود، از نظر مواضع سیاسی در چهار دیدگاه: الف - محافظه کار، ب - میانه رو، ج - لیبرال و د - رادیکال به بحث می‌گذارد. با حضور نمایندگان در مجلس موقتی شورای ملی، تدوین نظامنامه‌ی داخلی برای کیفیت حضور در جلسات و چگونگی انتخابات در کشور، در دستور کار قرار گرفت؛ نظامنامه انتخاباتی با حک و اصلاحاتی که بر روی متن اولیه‌ی آن انجام گرفت در ۱۲ رجب ۱۳۲۴ تدوین نهایی شد و برای توشیح برای مظفرالدین شاه ارسال شد. این نظامنامه که نخستین قانون انتخابات مجلس شورای ملی در ایران بشمار می‌رود، در ۱۹ رجب ۱۳۲۴ به توشیح شاه رسید و پس از آن پارلمان در نظام سیاسی کشور موضوعیت یافت. این قانون را به واسطه‌ی فرمان مشروطیت که از شرکت طبقات و اصناف قاطبه‌ی اهالی سخن گفته بود، نظامنامه انتخابات اصنافی می‌گفتند و در تدوین آن پنج نفر از دانش آموختگان جدید مشارکت فعال داشتند؛ این افراد که از سوی دولت تعیین شده بودند، عبارتند از (۱) محتشم‌السلطنه، (۲) مشیرالملک، (۳) مؤتمن‌الملک، (۴) مخبرالسلطنه و (۵) صنیع‌الدوله. به تعبیر ناظم‌الاسلام کرمانی «... این نظامنامه را در نهایت استعجال نوشتند، اگر چه محتاج است به تنقید و تصحیح و زیاده و کم

^{۳۰} - دو رساله دربارهٔ انقلاب مشروطیت ایران ۱۳۸۰، ص ۲۰.

نمودن، ولی با این تعجیل و عدم تهیه و نبودن اسباب کار باز تا یک درجه خوب است.»^{۳۱}

با این حال قانون انتخابات مجلس، نکته‌ی مهمی را که در خود جای داده بود، جداسازی دو قوه‌ی اجرایی و مقننه از یکدیگر در انجام وظایف بود که این مسئله برای اولین بار در سیستم سیاسی ایران پیدا شده بود و پیش از آن در آیین کشورداری قاجاریه محلی از اعراب نداشت. عبدالله مستوفی هم در توضیح انتخابات اول مجلس می‌نویسد: «انتخاب و کلا دو درجه‌ای و صنفی بود، نه مستقیم و عمومی. اتخاذ این رویه برای این بود که چون تصور می‌شد هر صنفی از دردهای خود بهتر از سایرین مسبوق است، وکیل بصیر بی‌غرض انتخاب خواهد کرد و اجتماع این و کلا در یک مجلس کارها را به نفع عموم انجام خواهد داد. گذشته از این، انتخابات هم زودتر صورت گرفته و مجلس زودتر اکثریت و رسمیت پیدا خواهد کرد. با وجود این، قانون طوری نوشته شده بود که اصناف می‌توانستند اشخاص خارج از صنف خود را هم وکیل کنند تا اشخاص دانشمند خارج هم بی‌استفاده نماند. در این دوره، وکیل بی‌اطلاع از سیاست زیاد بود، ولی همه وطن‌پرست و پاک قصد و باحارارت و فداکار بودند. و کلا روی زمین می‌نشستند و قالیچه‌ای که روبروی رئیس پهن شده بود، کار تریبون مجلس را می‌کرد...»^{۳۲}

با این حال بر اساس قوانینی که در مجلس اول تصویب شده‌اند، می‌توان به جایگاه عنصر نوگرا بیش از دیگر ایده‌ها تاکید کرد؛ بیش از بیست تن از نمایندگان تحصیلات جدید داشتند و یا با دانش‌های مدرن آشنا بودند و مدتی در غرب زندگی کرده بودند؛ مرتضی قلی صنیع‌الدوله (رئیس اول) و محمود خان احتشام‌السلطنه (رئیس دوم) تحصیل کردگان آلمان بودند. ممتازالدوله (رئیس سوم) نیز مدتی در استانبول سمت سفارت ایران را عهده‌دار بود و بالتبع با افکار تازه آشنایی داشت. عده‌ای از نمایندگان تاجران، فلاحان، اعیان، شاهزادگان و حتی علما از دانش‌های نوین بهره‌ای داشتند؛ اینان با افکار و ایده‌های جدید نیز همدلی داشتند؛ احتشام‌السلطنه در بازخوانی خاطرات خود از دوره‌ی اول مجلس شورای ملی، قیافه‌ی آن

^{۳۱} - تاریخ بیداری ایرانیان ۱۳۷۷، ص ۶۰۸.

^{۳۲} - شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجاریه ۱۳۷۱، ص ۲/۱۶۶.

را منصفانه‌تر گزارش می‌کند: «اکثریت وکلای دوره اول عبارت بودند از اشخاصی که انتخابشان به واسطه اعتماد مردم به زهد و ورع آنها بود؛ جمعی از طلاب و تجار و اصناف، معروف به دینداری در آن مجلس شرکت داشتند که درجه آگاهی و اطلاعاتشان از مسئولیت مهم وطنی که عهده‌دار بودند هیچ و در حکم صفر بود. اکثر تجار و نمایندگان اصناف و حتی طلاب که به مجلس راه یافتند، همان کسانی بودند که نهضت مشروطه را در تحصن‌ها و زد و خوردهای با دولتیان رهبری کردند و اجتماع چندین هزار نفری مردم در سفارت انگلیس را از حیث تامین آذوقه و لوازم زندگی تدارک و اداره نمودند که در رأس ایشان حاجی محمد تقی بنکدار و میرزا ابراهیم وارث قرار داشتند. تعداد این دسته بر روی هم نیمی از نمایندگان دوره اول بود. چند نفری از وکلای تهران و دیگر مراکز ایالات و آذربایجان که مرکب از نمایندگان اعیان بودند، کم و بیش اطلاعاتی داشتند، اما نوع و سطح اطلاع آنان اختلاف بسیار داشت، از قبیل صنایع‌الدوله، مخبرالدوله، مستشارالدوله، وثوق‌الدوله، تقی زاده، ممتازالدوله، نواب، صدیق حضرت، مخبرالملک، لسان‌الحکما، عمیدالحکما، شاهزاده شهاب‌الدوله، عده افراد این طبقه هم بین سی تا چهل نفر بود. در جمع وکلای دوره اول، افراد صمیمی و وطن‌پرست بسیار بود. همچنین افراد خودخواه و شهرت طلب و منفعت پرست هم کم نبود، در حالی که عناصر خائن و عامل خارجه، به تحقیق در آن مجلس از تعداد انگشتان یک دست کمتر بود و عدد وکلایی که به منظور شهرت‌طلبی یا به خیال حمایت و حفظ مقام و موقع خود با خارجیان رفت و آمد داشتند، از تعداد انگشتان دو دست تجاوز نمی‌کرد...»^{۳۳}

اما از نظر دیدگاه‌های سیاسی که در میان نمایندگان رواج داشتند؛ آقا محمد وکیل‌التجار تحت تاثیر اندیشه‌های سوسیال دموکرات‌های قفقاز بود. بعضی از نمایندگان طلاب و علما نیز از ناراضیان مذهبی محسوب می‌شدند و در بیان برخی از عقاید خود، وام‌دار فرقه‌های تازه تأسیس بودند. نمایندگانی چون تقی زاده هم با آشنایی که با دنیای جدید داشت، متأثر از شرایط انقلابی فرانسه و حوزه قفقاز، از باورهای رادیکال در مجلس اول جانبداری می‌کرد و در حقیقت سخن‌گوی انجمن‌های تندرو خارج از مجلس بود. عده‌ای هم چون یحیی ثقه‌السلطنه و

^{۳۳} - خاطرات احتشام‌السلطنه ۱۳۶۶، ص ۶۴۸

لسان‌الحکما از ایده‌های میانه رو و لیبرال هواداری داشتند؛ با این حال نمایندگانی هم بودند که همچنان با باورهای سنتی و غیر مشروطه خواهانه در مجلس حاضر شده بودند و با مخالفان مشروطه در خارج از مجلس - چه سنتگرایان و چه مستبدان - ارتباط داشتند. به همین خاطر نمایندگانی از زمینداران با اصلاحات اقتصادی و لغو تیول و فرایند بهینه سازی مالیه، مخالفت نشان می‌دادند؛ همان طور که نمایندگانی که تحت تاثیر سنت فکری قدما بودند، در مسائلی چون تساوی حقوقی افراد ملت در برابر قانون ابراز مخالفت می‌کردند. در مقابل دانش آموختگان جدید با تدوین قوانین عرفی و آگاهی از فرایند سکولاریسم، به حقوق و شرایط مالیه از منظر دانشی نگاه می‌کردند. شیخ ابراهیم زنجانی و معاضدالسلطنه هر کدام از دیدگاهی خواستار اصلاحات حقوقی (قضایی و مالی) در کشور بودند و در تصویب قوانین تازه مربوط به عدلیه و مالیات اهتمام داشتند. در مسایل مالی نمایندگان تاجران که از عناصر اصلی مشروطه‌خواهی بودند، در مقابله با استقراض خارجه، تأسیس بانک ملی و راه‌اندازی مدرنیزاسیون اقتصادی، از موفقیت‌هایی برخوردار شدند.

بعضی از این نمایندگان نظیر امین‌الضرب و ارباب جمشید با آگاهی از ایده‌های سوسیالیستی یا لیبرال دموکراتی و تغییر در شرایط تجاری و اقتصادی جهان، با اقدامات خود در مجلس اول ظهور طبقه جدید بورژوازی ایرانی را نوید می‌دادند. آفاری در یک جمع بندی کوتاه از نخستین پارلمان ایران می‌نویسد: «مجلس اول که در ۱۷ اکتبر ۱۹۰۶ افتتاح شد، در حیات بیست ماهه خود پاره‌ای وظایف بی‌سابقه را به انجام رساند. این مجلس قدرت سلطنت را بسیار کاهش داد و وزیران را در برابر نمایندگان مجلس مسئول و پاسخگو شناخت. از طریق انتخاب انجمن‌های ایالتی و ولایتی به ایالتها خودمختاری اداری و مالی داد، به طوری که این انجمنها هم ناظر انتخابات بودند و هم بر فعالیت حکام و جریان مالیات‌گیری نظارت می‌کردند. مجلس همچنین بودجه را موازنه کرد، حقوق و مقرری شاهدگان قاجار و شاه را کاهش داد، واگذاری زمین‌های تیول را ملغی کرد. قانون اساسی ۱۹۰۶ چارچوب قانونگذاری غیر مذهبی، قوانین جزا، و محکمه‌های استیناف را که از قدرت دربار و مراجع مذهبی می‌کاست معین کرد، و مطبوعات را آزاد شناخت.

مجلس اول به خاطر موضعگیری علیه مداخله اروپاییان در ایران نیز در خاطره‌ها

زنده مانده است. مجلس در نخستین ماههای تشکیل خود، پیشنهاد محمد علی شاه در مورد استقراض چهارصد هزار پوند استرلینگ از بریتانیا و روسیه را رد کرد. تمامی معامله‌های خارجی و استقراض از خارجی‌ان و نیز تمامی انحصارهای تجاری می‌بایست به تصویب مجلس برسد. چند ماه بعد نمایندگان مجلس معاهده اوت ۱۹۰۷ انگلیس و روس را نیز، که ایران را به حوزه‌های نفوذ این دو قدرت تقسیم می‌کرد، محکوم کردند. مبتکر بسیاری از این اقدامها نمایندگان لیبرال و رادیکال مجلس و بخصوص نمایندگان آذربایجان و وابستگان کمیته ملی انقلاب بودند. اما روند تصویب این قوانین به میزان بسیاری نیز مرهون فعالیت‌های انجمن‌های مترقی بود. انجمن‌ها دائماً مجلس را به پذیرش اصلاحات ترغیب می‌کردند و در مخالفت با ائتلاف ضد مشروطه به رهبری محمد علی شاه و شیخ فضل‌الله نوری، از مجلس حمایت می‌نمودند.^{۳۴}

^{۳۴} - انقلاب مشروطه ایران، ۱۳۷۹، ص ۹۱.

سخنی درباره‌ی منابع تحقیق

کنکاش در نهادسازی مجلس اول بر پایه‌ی منابع تاریخی و داده‌های عینی انجام گرفته است که کنشگران آن دوران و افراد دخیل در جریانات منجر شده به تأسیس مجلس شورای ملی و پایان تراژیک آن با به توپ بستن و غارت خانه‌ی ملت در بهارستان از آن وقایع در خاطرات، اسناد و گزارشات خود یاد کرده‌اند؛ تنوع و گستردگی منابع تاریخی باعث شدند که یک تقسیم‌بندی قراردادی از آن‌ها در تنظیم این دفتر و تحلیل عملکرد مجلس اول انجام دهیم؛ به این ترتیب که اسناد و مدارک و خاطراتی که ارتباط مستقیم و بدون واسطه با جریانات مجلس اول داشتند، به عنوان منابع اصلی ذکر شده‌اند.

در منابع اصلی صورت مذاکرات مجلس در اولویت قرار داشت؛ دو روایت از مذاکرات در دست داریم: الف - گزارشات روزنامه‌ی مجلس که به مدیریت آقا سید محمد صادق طباطبایی همزمان با آن دوران با فرمان رسمی مظفرالدین شاه، گفتگوهای نمایندگان را منتشر کرده است. ب - صورت مذاکرات دوره‌ی اول تقنینیه که به صورت ضمیمه‌ی روزنامه‌ی رسمی کشور شاهنشاهی ایران چاپ شده است. در بین دو روایت، روزنامه‌ی مجلس به خاطر ویژگی‌هایی که دارد، از اولویت تحقیقاتی برخوردار است؛ از ویژگی‌های روزنامه‌ی مجلس رسمی بودن آن است. این روزنامه ضماً اطلاع رسانی دقیق و کامل مذاکرات نمایندگان را در خود جای داده است. اطلاعاتی که در حین نشان دادن عدم آشنایی آنان به وظایف وکالت و نبود نظم منطقی پارلمانی در اجلاس‌ات، در حدود آگاهی از قانون اساسی و شنیده‌هایشان از پیشرفت‌های جهان آن روز، دردهای اجتماعی - شکایات قضایی - تصویب قوانین و... را به انجام می‌رساندند. به دفعات پیش می‌آمده که نماینده‌ای در سخنان خود مسائل متعددی چون: مشکل نان تهران - قانون اساسی - گزارش عمال مالیات در ولایات - خواندن تلگرافی از ایالتی - مناظره با تماشاچی‌ها و... را بیان می‌کرد و از

وظایف اصلی نمایندگی دور می‌افتاد. از دیگر مواردی که بر اهمیت تاریخی روزنامه مجلس افزوده، درج مقالاتی است که چونان آشنا سازنده نمایندگان و دیگر خوانندگان خود با مسائل نوین سیاسی و اجتماعی بودند؛ هم چنان که وجود ترجمه‌هایی از روزنامه‌های خارجی نیز بر این مسئله می‌افزود و بر ارتقای آگاهی نمایندگان کمک می‌کرد. از طرف دیگر انتشار تلگراف‌هایی از شهرهای دیگر، موجب می‌شدند که نمایندگان با شناخت شرایط اجتماعی - سیاسی و اقتصادی کشور، در تصمیم‌گیری‌های نظارتی و تصویب قوانین با واقع بینی لازم برخورد کنند. همچنین باید به درج قوانینی در روزنامه مجلس اشاره کرد که توسط نمایندگان برای ابلاغ و اجرا به هیأت دولت تصویب می‌شد و خوانندگان خارج از مجلس را از روند قانونگذاری و وضعیت آن آگاه می‌ساخت. با این حال روزنامه مجلس در شرایطی که دیگر روزنامه‌ها دچار عارضه‌های ژورنالیستی بودند و با موضع‌گیری‌های تند و مقالات بی‌رویه، باعث اعتراض سنتگرایان و حتی برخی از مشروطه‌خواهان می‌شدند، در نوشتن مطالب و گزارش مذاکرات مجلس، از اصول محافظه‌کاری پیروی می‌کرد و هر گاه که نماینده‌ای سخنان تند و واکنشی نسبت به مسائل ابراز می‌کرد، روزنامه آن را به صورت خلاصه و یا با نقطه چین منتشر می‌کرد. این رویه را روزنامه مجلس حتی در چاپ شکایات و تلگراف‌های ولایات نیز رعایت می‌کرد.

بخش دیگری از منابع اصلی را گزارشات رسمی دولت ایران و سفارت‌خانه‌های انگلیس و روسیه تشکیل می‌دهند؛ کتاب‌های آبی و نارنجی که حاوی گزارشات مربوط به آن دوران هستند، به ترتیب اولیاتی که از دقت در گزارش نویسی مأمورین برخوردارند، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. با این حال گزارشات سفارت‌خانه‌های روسیه و انگلیس و اسنادی از بایگانی وزارت امور خارجه دولت ایران که تاکنون منتشر شده‌اند، به واسطه‌ی این که برای روابط دیپلماتیک و سیاسی از اهمیت برخوردار بودند، در ثبت و ضبط حوادث از امانتداری برخوردار بوده و به این ملاحظه جزو منابع اصلی مربوط به دوره‌ی اول مجلس شورای ملی محسوب می‌شوند. برای درستی این گزارشات، آن‌ها را به محک صورت مذاکرات مجلس اول آزموده‌ام. بخشی از منابع اصلی راجع به مجلس اول را خاطرات و یادداشت‌های روزانه‌ی نمایندگان و مردان سیاسی آن دوره به خود اختصاص

داده‌اند. خاطرات برجای مانده دارای شدت و ضعف از حیث محتوا و ثبت وقایع هستند؛ در این میان خاطرات احتشام‌السلطنه از جایگاه والایی برخوردار است؛ به درستی احتشام‌السلطنه در خاطرات خود از ثبت روزانه‌ی جریانات و حوادث گذشته و به تحلیل و تجزیه‌ی اقدامات طرفین درگیر در مساله‌ی مشروطیت و پارلمان و دولت پرداخته است. وی خاطرات خود را در ایام بازنشستگی‌اش در برلین و با هدف «ثبت حقیقت هر مطلبی که شخصاً آگاهی و اطلاع» داشته، نوشته است.

در نقطه‌ی ضعیف خاطره‌نویسی دوره‌ی اول مجلس، سفرنامه‌ی آقا سید مصطفی تهرانی قرار دارد که در آن دوره نماینده‌ی مجلس بوده و در یادداشت‌های خود که به سفر زیارتی مشهد می‌رفته، به نقل حوادثی از قول راویان دیگر اشاراتی دارد؛ این خاطرات با نام «گوهر مقصود» اخیراً به چاپ رسیده و از نظر مشروطه‌پژوهی فاقد هرگونه ارجاع و استفاده برای تحلیل جایگاه و عملکرد مجلس شورای ملی در دوره‌ی اول قانونگذاری و دیگر جریانات سیاسی آن دوران است. بر خلاف تمایل متصدی چاپ این کتاب، خود نویسنده بر این مساله معترف بود که انتشار سفرنامه: «نه! به درد چاپ نمی‌خورد، بعضی مطالب آن چندان خوب نیست.»^{۳۵}

در میانه‌ی این دوگونه خاطرات، یادداشت‌های روزانه‌ی شرف‌الدوله قرار می‌گیرد؛ وی در بطن جریانات مجلس بوده، اما گفتگوهای کمیسیون‌ها را در مواردی که از آن‌ها سخن می‌گوید، با ابهام گزارش کرده است. شیوایی قلم شرف‌الدوله در گزارش واقعه‌ی ورود نمایندگان آذربایجان به تهران - ارتباطات آن‌ها با انجمن تبریز - شرح واقعه‌ی به توپ بستن مجلس و چند موضوع عمومی که در اکثر خاطرات و اسناد آمده است، خاطرات شرف‌الدوله را قابل تأمل می‌سازند. دیگر خاطرات هم گوشه‌هایی از جریانات و اتفاقات دوران مجلس اول را به قلم آورده‌اند.

می‌رسیم به منابع دیگر؛ این نوشته‌ها و تألیفات بیشتر بر اساس همان منابع اصلی شکل گرفته‌اند. برخی از این منابع تألیفات تحقیقی در رابطه با مجلس شورای ملی و تصویب قوانین از دیدگاه حقوقی و سیاسی را شامل می‌شوند و بعضی دیگر خاطراتی هستند که از ارزش درجه دوم در طرح مسائل مجلس اول برخوردارند. بخشی از منابع دیگر راجع به مجلس اول نوشته‌هایی را تشکیل می‌دهند که با

^{۳۵} - سفرنامه‌ی گوهر مقصود ۱۳۸۱، ص ۱۹.

استفاده از مذاکرات مجلس اول - چه روزنامه مجلس و چه صورت مذاکرات - یا به وقایع نگاری آن دوران پرداخته‌اند و یا اینکه در ضمن تحلیل کنش‌های مشروطه‌خواهان در جاهای مختلف کشور - نظیر گزارش مشروطیت در قزوین یا گیلان و یا تبریز - به مجلس و عملکرد نمایندگان آن و مصوباتی که تصویب کرده‌اند، پرداخته‌اند.

اما درباره‌ی تاریخ‌نگاری مشروطیت و مشروطه‌پژوهانی که به پدیده‌ی مجلس و اقدامات دوره‌ی اول قانونگذاری در عصر مشروطه پرداخته‌اند؛ تاریخ‌نگاران مشروطه در تمامی تألیفات با بازخوانی حوادث و جریانات آن دوره، نمی‌توانستند تشکیل مجلس قانونگذاری را از قلم بیاندازند؛ نهادی که ثمره تلاش‌ها و ایده‌هایی بود که با استقرار نظام مشروطه، در حیات اجتماعی و سیاسی ایران شکل گرفته بود و در صدد بنیان گذاشتن نهادهای نوین حقوقی - مالی و... بود. تصویر مجلس اول در نوشته‌های تاریخی بر اساس اینکه هر مورخی از چه دیدگاهی به دوران مشروطه می‌نگریسته، چهره‌ای خاص می‌یافته و هر کدام از مورخان بر پایه یافته‌هایشان از مدارک و اسناد و یا مشاهدات شخصی خود از دوره مشروطت، به تبیین جایگاه پارلمان پرداخته است. در بخش تاریخ‌نگاری دوره اول مجلس شورای ملی، عناوینی از خاطرات نیز گنجانده شده‌اند که این موارد ناظر به یادداشت افرادی است که به ثبت حوادث دورانی پرداخته‌اند که دوره اول مجلس در میان آن‌ها جای گرفته است. با این حال تحلیل و ارزیابی علمی در تاریخ‌نگاری مشروطیت و مشروطه‌پژوهی فراتر از استفاده از آن‌ها در گزارش نهاد سازی مجلس اول در این دفتر بوده و نوشته‌ای مستقل و جایی دیگر را می‌طلبد. بنابراین به کارگیری تاریخ‌های گوناگون مشروطه در این کتاب، فقط در حد وقایع نگاری بوده و از ارزشداوری علمی در حدود تاریخ‌نگاری علمی و مدرن سخن نمی‌گوید.

ماخذ پیشگفتار و مقدمات

- ۱- آثار بزرگ سیاسی از ماکیاولی تا هیتلر، ژان ژاک شوالیه، ترجمه لی لا سازگار، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- ۲- اصول علم ثروت ملل، محمد علی فروغی، به اهتمام حسین عظیمی، تهران، نشر فرزانه روز، ۱۳۷۷.
- ۳- افضل التواریخ، غلامحسین افضل‌الملک، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدویان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱.
- ۴- افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، فریدون آدمیت و هما ناطق، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۵۶.
- ۵- اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، احمد سیف، تهران، نشر چشمه، زمستان ۱۳۷۳.
- ۶- انجمن - ارگان انجمن ایالتی آذربایجان، منصوره رفیعی، تهران، نشر تاریخ ایران، پاییز ۱۳۶۲.
- ۷- اندیشه ترقی و حکومت قانون - عصر سپهسالار، فریدون آدمیت، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱.
- ۸- انقراض سلسله صفویه، لارنس لاکهارت، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۹- امیرکبیر و ایران، فریدون آدمیت، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱.
- ۱۰- اوضاع اقتصادی ایران در آغاز قرن بیستم - گزارش هیئت بازرگانی هند بریتانیا اعزامی به جنوب شرقی ایران ۱۹۰۴ - ۱۹۰۵، ترجمه معصومه جمشیدی و محمد تقی حروفچین، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، پاییز ۱۳۷۶.
- ۱۱- پنجاه سال تاریخ ناصری، خانبابا بیانی، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۵.
- ۱۲- تاریخ اقتصادی ایران - عصر قاجار: ۱۳۳۲ - ۱۲۱۵ ه.ق، چارلز عیسوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر گستره، تابستان ۱۳۶۲.
- ۱۳- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، محمد محیط طباطبایی، تهران، نشر بعثت، ۱۳۶۰.

- ۱۴- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، محمود محمود، تهران، انتشارات اقبال، تابستان ۱۳۶۷.
- ۱۵- تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، جلد اول: پیدایش - جلد دوم: بحران آزادی، ناصرالدین پروین، تهران، مرکز نظر دانشگاهی، ۱۳۷۷.
- ۱۶- تاریخ منتظم ناصری، محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
- ۱۷- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، حسین محبوبی اردکانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۸- تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، تهران، انتشارات بانک ملی ایران، ۱۳۳۸.
- ۱۹- تحفه العالم، میر عبداللطیف شوشتری، مقدمه و تصحیح صمد موحد، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۶۳.
- ۲۰- تحقیق در افکار میرزا ملکم خان ناظم الدوله، فرشته نورائی، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۲.
- ۲۱- حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول، محمد علی فروغی، به کوشش علی اصغر حقدار، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۲.
- ۲۲- حیرت نامه، سفرنامه ابوالحسن خان ایلچی به لندن، به کوشش حسن مرسلوند، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، بهمن ۱۳۶۴.
- ۲۳- خاطرات سفر ایران، کنت ژولین دو روشسوار، ترجمه مهراں توکلی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
- ۲۴- خاطرات سیاسی امین الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمائی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- ۲۵- خاطرات نویسی ایرانیان، برت گ. فراگنر، ترجمه مجید جلیوند رضائی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۲۶- راهنمای مطبوعات ایران- عصر قاجار (۱۲۵۴ق/۱۲۱۵ش - ۱۳۰۴ش)، سید فرید قاسمی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، بهار ۱۳۷۲.
- ۲۷- رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم الدوله، گردآورنده حجت‌الله اصیل، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.
- ۲۸- رسائل سیاسی عصر قاجار، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مجلس اول و نهادهای مشروطیت

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، ۱۳۸۰.

۲۹- روزنامه انجمن.

۳۰- روزنامه تمدن.

۳۱- روزنامه جبل‌المتین.

۳۲- روزنامه صوراسرافیل.

۳۳- روزنامه قانون.

۳۴- روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴ - ۱۹۱۴ پژوهشی درباره امپریالیسم، فیروز کاظم زاده، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.

۳۵- سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی، تصحیح و توضیح از غلامحسین میرزا صالح، تهران، نشر تاریخ ایران، تابستان ۱۳۶۴.

۳۶- سیرالملوک، خواجه نظام‌الملک طوسی، تصحیح جعفر شعار، تهران، کتاب‌های جیبی، ۱۳۶۹.

۳۷- سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران، م. پاولویچ - و. تریا - س. ایرانسکی، ترجمه م. هوشیار، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۷.

۳۸- سه مکتوب، میرزا آقاخان کرمانی، به کوشش بهرام چوبینه، آلمان، نشر نیما، ۲۰۰۰.

۳۹- فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران - از آغاز تمرکز قاجاریه تا آستانه انقلاب مشروطیت، احسان طبری، بی‌نا، بی‌تا.

۴۰- فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، فریدون آدمیت، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۴۰.

۴۱- قدرت سیاسی در اندیشه ایرانی از فارابی تا نائینی، علی اصغر حقدار، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۲.

۴۲- عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، ابراهیم تیموری، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۳.

۴۳- گنج شایگان - اوضاع اقتصادی ایران در ابتدای قرن بیستم، سید محمد علی جمالزاده، تهران، کتاب تهران، خرداد ۱۳۶۲.

۴۴- لمعات ناصری، چنگیزبن محمد ولی میرزا، به اهتمام بیتا صالحی بختیاری،

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

تهران، ۱۳۸۳.

۴۵- لوایح آقا شیخ فضل الله نوری، به کوشش هما رضوانی، تهران، نشر تاریخ ایران، تابستان ۱۳۶۲.

۴۶- مالک و زارع در ایران، ا.ک.س. لمتون، ترجمه منوچهر امیری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

۴۷- مخزن الوقایع - شرح مأموریت و مسافرت فرخ خان امین الدوله - جلد دوم، حسین بن عبدالله سرابی، به کوشش: کریم اصفهانیان - قدرت الله روشن زعفرانلو، در: پژوهشهای ایرانشناسی - نامواره دکتر محمود افشار، جلد یازدهم، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۸.

۴۸- مسائل الحیات، میرزا عبدالرحیم طالبوف، در: کتاب احمد، با مقدمه و حواشی، باقر مومنی، تهران، انتشارات شبگیر، تابستان ۱۳۵۶.

۴۹- مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان، به کوشش حسین خدیوچم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.

۵۰- معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، به کوشش غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.

۵۱- مقالات تاریخی، فریدون آدمیت، تهران، انتشارات دماوند، ۱۳۵۲.

۵۲- مکتوبات کمال الدوله (سه مکتوب) و ملحقات آن، میرزا فتحعلی آخوندزاده، متن مصحح، ۱۳۸۲.

۵۳- موانع تاریخ رشد سرمایه‌داری در ایران: دوره قاجاریه، احمد اشرف، تهران، انتشارات زمینه، خرداد ۱۳۵۹.

۵۴- نظریه‌های دولت، اندرو وینسنت، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۱.

کارنامهٔ مجلس شورای ملی در دوره‌ی اول

تنظیم نظامنامه اساسی (قانون اساسی)

بعد از جشن گشایشی که در عمارت گلستان بر پا شد، جلساتی از مجلس در روزهای مختلف برگزار شد و بیشتر اهتمام حاضرین در تنظیم نظامنامه انتخابات دور می‌زد؛ چرا که بدون تدوین قانونی برای انتخاب نماینده، نهاد قانونگذاری معنا پیدا نمی‌کرد و تصویب قوانین مدون و اساسی برای حقوق شهروندان معطل می‌ماند. بنابراین در جلساتی که تا گشایش رسمی مجلس در ۱۴ مهر ماه ۱۲۸۵ خورشیدی برگزار شد، موضوع اصلی مربوط به آیین نامه انتخابات بود که برای اولین بار در نظام سیاسی و گستره اجتماعی ایران پدیدار می‌شد. در نخستین جلسات مجلس مسائل به صورت نامنظم بحث می‌شد و اصولی بر جلسات حاکم نبود؛ جایگاه نمایندگان با تماشاچیان به هم پیوسته بود. گاهی می‌شد که فریادها و حرف‌هایی از میان تماشاچیان، سخنان و کیلی را ناتمام می‌گذاشت و آداب پارلمانی به هیچ وجه مراعات نمی‌شد. در جمع بندی از اقدامات مجلس در دوره اول فعالیت خود، آن نظم پارلمانی به تمام و کمال رعایت نمی‌شد و بحث‌ها همیشه با بی‌نظمی همراه بودند. صورت مذاکرات مواردی از این آشفتگی را در جلسات متعدد مجلس گزارش کرده است؛ با این حال این وضعیت از اهمیت و مؤسس بودن آن مجلس نمی‌کاهد و عالی‌ترین فعالیت آن را در نهادسازی اجزای سیاسی - اقتصادی و اجتماعی مدرن از برجستگی نمی‌اندازد.

با خاتمه‌ی سخنرانی‌های افتتاحیه، نمایندگان در اطاق نظام اولین جلسه‌ی خود را تشکیل داده و بحث در تدوین نظامنامه (قانون اساسی) و آیین نامه‌های انتخابات را از تصویب گذرانده و در تاریخ نوزدهم رجب ۱۳۲۴ به صحنه‌ی همایونی رساندند تا از سوی وزرا به مرحله‌ی اجرا گذاشته شوند. بعد از آن افتتاح تشریفاتی، مجلس شورای ملی رسماً کار خود را در روز ۱۴ مهر ماه ۱۲۸۵ با بحث در خصوص قانون اساسی و نظامنامه‌ی داخلی مجلس شروع نمود.

تدوین قانون اساسی برای کشور و تعیین حدود حاکمیت شاه و تبیین جایگاه حقوقی

افراد ملت، اولویت نخست برای مجلس مشروطه بود؛ به همین خاطر این اولین مساله‌ای بود که مورد بحث و مذاکره‌ی نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورای ملی قرار گرفت. طرح اولیه‌ی نظامنامه‌ی اساسی که توسط مشیرالملک (حسن پیرنیا) و چند تن از دانش‌آموختگان غربی تهیه شده بود، مبنای کار مجلس قرار گرفت و با ارسال آن به دربار، روز سه‌شنبه ۹ ذی‌قعدة با تصرفاتی که محمد علی میرزا (ولیعهد) در آن انجام داده بود، به مجلس بازگردانده شد. پنج‌شنبه ۱۱ ذی‌قعدة نظامنامه به مدت هفت ساعت مورد بحث قرار گرفت و با اصلاحاتی در آن و رفع برخی از تصرفات محمد علی میرزا، متن منقح و نهایی قانون اساسی ایران در ۵۱ اصل، به تاریخ ۱۴ ذی‌قعدة‌ی ۱۳۲۴ به امضای مظفرالدین شاه و محمد علی میرزای ولیعهد رسید.

نخستین موردی که از قانون اساسی در مجلس اول بحث شده است، در مذاکرات روز پنج‌شنبه ۵ شوال ۱۳۲۴ است که توأم با بحث از دیگر مسائل کشوری، تعیین وضعیت قانون اساسی ذهن نمایندگان را به خود مشغول داشته بود؛ پس از اجتماع و کلا و انعقاد مجلس، جناب حاج شیخ‌الرئیس از ترتیب عمل نان سؤال کردند، جناب صنیع‌الدوله رئیس گفتند عمل نان مفوض به‌عهده‌ی حاج امین‌الضرب است. جناب سیدالحکما گفتند عمل نان بسیار مغشوش است، باید شرحی به جناب وزیر مخصوص بنویسند که جلوگیری نمایند و عمل مالیات هم بسیار مغشوش است. به جهت اینکه مالیات سنه‌ی آتیه را هم حواله کرده‌اند که باید مالیات را برای مخارج سرباز بدهند و دیگر باید خالصه‌جات منظم باشد و بعد از این کسی نتواند ببرد و دیگر باید اشخاص تماشاچی هرچه را در مجلس می‌شنوند از روی تحقیق و دقت باشد که اسباب اتهام مجلس نشود.

جناب حاج شیخ علی گفتند: در باب نظامنامه بنا بر چه شد؟

جناب رئیس گفتند اجازه حاصل شد که طبع شود.

جناب شیخ‌العراقین سؤال کردند مگر نظامنامه را تاکنون نداده‌اید؟

جناب رئیس گفتند مقصود از این نظامنامه اساسی نیست (مقصود نظامنامه داخلی بوده).

جناب حاج سید محمد صراف استفسار از نظامنامه اساسی نمود. جناب صنیع‌الدوله گفتند باید یک مرتبه در دربار قرائت شود و بعد به حضور همایونی رفته به صحنه

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

برسد (در اینجا بنا بر این شد که بعد از حضور تمام وکلا و تصویب آنها مذاکره مطالبه نظامنامه شود).

جناب آقامیرزا طاهر گفتند بنا بود ترتیب نظامنامه به تصویب وکلا باشد و در دستخط هم همین طور ذکر شده دیگر مقید ملاحظه وزرا نشده بود، پس لازم نیست وزرا ملاحظه نمایند.

جناب صنیع‌الدوله گفتند شما می‌گویید آنچه در دستخط نوشته فوراً مجری خواهد شد، اینطور نیست.

جناب حاجی سید نصرالله گفتند تلگرافی از انزلی به جناب رئیس رسیده خواستند بخوانند (خوانده نشد) (در این موقع مخبر همایون را خواسته تحقیقات درخصوص عمل ماهی صوف و قرارداد امر شیلات کردند) مجدداً جناب حاج سید محمد گفتند در عمل نظامنامه چه می‌گویید؟

جناب مخبرالملک گفتند هرگاه نظامنامه را بدهند ما نباید اصرار کنیم؛ همان دستخط برای ما کافی است.

در این موقع جناب حاجی سید نصرالله تلگراف تظلم اهالی انزلی را خواندند (مضمون این تلگراف همان است که در ذیل عنوان انزلی نوشته شده) حجة الاسلام آقامیرزا سید محمد گفتند به من هم چند فقره تلگراف در این خصوص مخابره شده و حالا هم مرا در تلگراف‌خانه خواسته‌اند من هم پسر خود را فرستاده‌ام که هرگاه مطلب مهم باشد بعد از مجلس به تلگراف‌خانه بروم.

جناب آقامیرزا محمود گفتند هر قدر تلگراف فوری از اطراف می‌رسد باید جواب فوری داده شود. جناب حاجی شیخ علی گفتند بدون تحقیق که نمی‌توان جواب داد.

جناب آقامیرزا محمود گفتند جواب را به‌طور اجمال بگویید که همین قدر امیدوار بشوند.

جناب حاجی سید ابراهیم گفتند جواب تلگراف شیراز باید مخابره شود [در این موقع قاضی فتاح کردستانی اظهار تظلم نموده و اسناد خود را قرائت کرد اغلب وکلا اظهار] داشتند که این کار شخصی است و از موضوع وظایف مجلس خارج است.

شخص دیگر از سادات اهالی جهرم اظهار تظلم نمود که مباشر حقوق دیوانی درمقابل مقدار قلیل حقوق دیوانی مبالغ گزاف از رعایا دریافت می‌نماید.

درخصوص عمل قاضی فتاح بعد از مذاکرات بنا براین شد که نوشتجات و اسناد خود

را به دفتر مجلس بسپارد و از طرف مجلس شرحی به وزارت عدلیه اظهار شود. در این موقع قاضی فتاح دستخط حضرت اقدس ولیعهد را قرائت نمود. جناب صنیع‌الدوله به ایشان اطمینان داده و اظهار داشتند که در این خصوص اقدامات کافیه خواهد شد.

جناب حاجی سید باقر گفتند تمام و کلا حاضرند.

جناب رئیس گفتند آیا به‌طور سختی باید مطالبه نظامنامه را نمود؟

جناب حاج سید محمد گفتند مطالبه لازم است.

جناب حاج شیخ علی گفتند لازم نیست به‌طور سختی باشد، باید به‌عنوان تذکار مطالبه نمود.

جناب وکیل‌الرعا که از وکلای همدان است لایحه اظهار نمود و خواستند بخوانند.

جناب رئیس گفتند اعتبارنامه خودتان را آورده‌اید یا نه جواب دادند همراه ندارم گفتند پس لایحه بماند تا روز دیگر که اعتبارنامه خود را بیاورند، آنوقت لایحه خوانده شود.

جناب آقامیرزا محسن گفتند لایحه‌ایست از طرف ملت که جناب حاج سید نصرالله می‌خواهند بخوانند بعد شروع به خواندن آن لایحه شد.

[ملخص مضمون آن تقریباً این است که ما عموم ملت از جان و مال دست کشیده و برای حفظ حقوق خود از دست‌اندازی خارجه و زیر دستی اجانب تا همه جا ثابت قدم ایستاده‌ایم و مرگ را بر زیردستی اجانب ترجیح می‌دهیم و نسوان این ملت در ادای قروض و رفع احتیاجات دولت حاضرند ولی لازم است که شاهزادگان بزرگ دست‌تعدیات خود را کوتاه نموده و از ایذاء رعیت صرف نظر کنند و منافع شخصی خود را بر عوائد ملیه ترجیح ندهند. گویا حالا هم که دولت مشغول استقرض است و به همراهی و معاونت ملت می‌خواهد رفع احتیاجات لازمه خود را بنماید تصور انتفاع برای خود می‌کنند.]

پس از قرائت این لایحه غالب وکلا از تنبه و بیداری و احساسات ملت و اظهار این‌گونه لویح اظهار مسرت و خوشحالی کردند.

جناب سیدالحکما اظهار کردند که درخصوص نظامنامه لازم است لایحه به صدارت عظمی نوشته شود.

جناب رئیس جواب دادند که نوشته و فرستاده شده است.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

مذاکرات مجلس شورای ملی که روز یکشنبه ۲۲ شوال المکرم منعقد شد، بیشترین بحث مربوط به قانون اساسی بود:

آمیرزا ابوالحسن خان - آخر مسأله نظامنامه به کجا رسید. همه روزه مطالبه آن را می‌کنیم و به ما نمی‌دهند دیگر این که تکلیف ما با معاندین چیست. سعدالدوله - آمدن ما در اینجا برای انجام کارهاست، نه نشستن بی‌حاصل تکلیف نظامنامه را معین نمایید.

آسید محمدتقی - جداً باید مطالبه کرد.

اما میرزامحسن - عذر تعویق را کسالت وجود مبارک شاه می‌دانند و حال این که هر روزه احکام و فرامین به صحنه همایونی می‌رسانند و تسامح این خائنین از جهت این است که بعد از ورود موکب اقدس ولیعهد شاید بتوانند به وسوس و دسایس امر را منقلب نمایند و حال آنکه ولایت عهد خود یگانه خیرخواه ملت و دولت و اول همراه و مؤسس این اساس مقدس هستند مثل خائنین مثل معروف کاسه گرم‌تر از آتش است.

سعدالدوله - شنیدم چند روز است که اجزای بانک ملی به اداره قشونی پول می‌دهند آیا صحت دارد، بر فرض صحت چرا بدون امضای نظامنامه و تصویب مجلس این کار را می‌کنند.

حاجی معین‌التجار - پول دادن به قشون صحت دارد چون چند نفر از خائنین تحریک کرده بودند که سربازها به یکی از سفارت‌خانه‌ها متحصن شوند و این تحصن را علت و موجب تخریب استقراض داخله و بانک ملی و باعث استقراض از خارجه نمایند لذا صدارت عظمی چنین مصلحت دیدند که به یک میزان پولی به قشون داده شود. گفتیم که تا نظامنامه صحنه نشود و امتیاز نامچه بانک معلوم نگردد دادن پول مشکل است. فرمودند که شما پول ندهید نظامنامه فردا صحنه خواهد شد. فردای آن روز هم صحنه نشد، باز فرمودند که شما اطمینان داشته باشید صحنه نظامنامه و امتیازنامه را تعهد می‌کنم.

برحسب فرمایش این وجه در حضور حضرت اقدس والا نایب‌السلطنه به قشون پرداخته شد.

سعدالدوله - بعد از اطمینان عاقبت امر چه خواهد شد به جمع‌آوری پول و دادن آن هر دو اقدام شد. لکن باید بدانیم تکلیف نظامنامه چیست و با این که هر روز فرامین

و بروات به صحه می‌رسد و دستخطها صادر می‌شود چگونه است که نظامنامه به صحه نمی‌رسد شما از برای همه اصلاحات پول لازم دارید و پول فراهم نمی‌شود مگر به اصلاح بودجه مالیاتی و اصلاح بودجه مالیات نمی‌شود مگر به نظامنامه.

حاجی معین‌التجار - از دولت بخواهید وزیر مالیه حاضر شود گفتگو کند.

سعدالدوله - این قدر می‌دانم که خودمان را فریب می‌دهیم. (مجلسیان و حضار همه تحسین و تصدیق این کلمه را نمودند.)

صدیق حضرت - تکلیف این است که چند نفر از وکلا بروند از صدارت نظامنامه را مطالبه کنند.

سعدالدوله - عریضه در این باب به صدارت نوشته شود و چند نفر از وکلا بروند و مطالبه کنند تا رفع تکلیف از ایشان بشود و هرگاه از ایشان مسامحه دیده شده به حضور همایونی رفته استدعای صحه نمایند.

حاجی محمد ابراهیم - امروز بعضی اصناف حاضر بودند که دکاکین را ببندند تا امر نظامنامه صورت بگیرد، گفتیم صبر کنید انشاءالله تا فردا به صحه می‌رسد.

مذاکرات دارالشورای ملی روز شنبه ششم شهر ذی‌قعدة الحرام در میان مسائل مطرح شده، قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفت:

آقای امام جمعه - ترتیب بانک و قرارداد آن به کجا رسید.

رئیس - امتیازنامه آن نوشته شده در مجلس قرائت و اصلاح کرده دادند صحه شود و نظامنامه داخلی هم لازم است نوشته شده به صحه برسد.

آقای امام جمعه - خیلی لازم است که در این مطلب همراهی و کمال سعی بشود.

رئیس - برای تنظیم امور مملکتی صرف مال لازم است و این سرمایه‌ها هم به هدر نمی‌رود البته این پول‌های جزئی که در جایی جمع شود کلی خواهد شد و از این مأخذ امورات کلیه را می‌توان اصلاح کرد ولی اگر در یکجا جمع‌آوری نشود و همان‌طور که هستند متفرق بماند کاری از او ساخته نخواهد شد.

آقای امام جمعه - یکنفر شخص از او کاری ساخته نمی‌شود به اتحاد و شرکت دیگران همه کار می‌تواند بکند.

آسید حسن تقی‌زاده - جناب رئیس اذن می‌خواهم که چند کلمه حرف بزنم، هشت روز است که اینجا حاضر می‌شوم و گمان می‌کنم که این مدت برای به‌دست آوردن موضوع کافی باشد و چون موکلین من حقوقی بر ذمه من دارند که باید ادا کنم و

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

غیر مرتب بودن مجلس برای نگفتن من عذر نخواهد بود زیرا می‌دانم که اگر این را نگویم خواهند گفت که در خصوص همین عدم انتظام مجلس بایستی حرف بزنی که هر عیبی با گفتن رفع می‌شود و در گفتن اثری هست که در نگفتن نیست و اگر در جواب ایشان بگویم که همین نطق باز در انتظام داخله مجلس است باز موکلین من خواهند گفت که تو بایستی بگویی تا تکلیف اسقاط بشود لهذا اذن می‌خواهم که ده دقیقه مساعده نطق به من بدهید و از هم‌قطاران خودم خواهش می‌کنم که تا آخر نطق من ساکت باشند و گمان می‌کنم به ترتیب نوبت نوبت نطق به من رسیده باشد.

رئیس - بفرمایید.

آسید حسن - مجلس ما خیلی ناقص است و بدتر آنکه در راه ترقی و تکمیل هم نیست. چه اگر دول و ملل عالم و ترقی و تنزل ایشان را مقیاسی قرار داده و تقسیماتی با درجات اعلی و درکات اسفل ثبت کنیم چون از صفر بالا رویم پله پله از درجات ترقی ملل صعود کنیم می‌رسیم به دول منظمه قانونی چون روس و عثمانی و چون از آن بالاتر رویم به دول مشروطه اتریش و آلمان و انگلیس و از آن بالاتر به دولت فرانسه و سوئیس و امریکا می‌رسیم که رفته‌رفته نواقص کمتر می‌شود و اغلب اصلاح شده در آن درجات اعلی باز می‌بینیم که نسبت به خودشان نواقصی دارند که پارلمان‌های ایشان مشغول اصلاح آن هستند ولی چون در عالم هم از آنها نیز بگذریم و دولتی فرض کنیم که آن نواقص هم در آن رفع شده باشد بالجمله به حد کمال نوع بشری رسیده باشند چون این دولت را معکوس کنیم دولت و ملت ما خواهد شد همان‌طور که از قلب مناره چاه پدید آید چون این نقایص فوق‌العاده خود را دیدیم باید از راه ملت‌پرستی به رفع آنها بکوشیم و به اصلاح آنها همت گماریم و نباید غیرت آن معایب را بکشیم.

به آن معنی که غیرت را در ایران استعمال می‌کنند که عیب ناگفته بماند و ما غیرت آن را بکشیم و بر خودمان رجز بخوانیم و خود را گول بزنیم.

پس با این همه نواقص ما و قلت وقت ما که باید همه را اصلاح کنیم و چشم امید جمیع ایرانیان داخله و خارجه بدین مجلس دوخته شده اصلاح جمیع معایب و رفع جمیع نواقص را از ما می‌خواهند چون می‌دانید که پیش از این در صدی نود ملت ما از معایب ایران به کلی غافل بوده و وضع خود را بهترین وضع‌ها می‌دانستند چون

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

روستائیان و عوام و در صدی ده عیوب را می‌دانستند ولی امید گاهی برای رفع آنها در نظر نداشتند و مایوس و ناامید نشسته بودند، بعد از این انقلابات اخیر که این مجلس نتیجه آنها شد گل‌های امید در قلوب مردم از دور و نزدیک شکفته گردید و امیدگاهی پیداشد این است که انظار تمام ملت و ایرانی‌ها به سوی این مجلس معطوف است، پس برخلاف کلمه منحوسه (حالا زود است) که در لسان ما معمول است وقت ما پر قیمت و گران‌بها است به حدی که با کمال جرأت می‌توانم بگویم که وقت مجلس مبعوثان ما گران‌بهاترین اوقات دنیا است و هر دقیقه‌اش از قیمت معادل دو سال وقت پارلمان‌های فرانسه و انگلیس است ولی با وجود این پر قیمت بودن من نمی‌دانم که اگر شش ماه از این وقت گران‌بها را صرف تکمیل خود مجلس و شرایط اساسیه آن بکنیم که جامع‌الشرایط باشد و نتیجه بخشد و به عقیده من برای آنکه ما اول مجلس خودمان را مجلس بکنیم و بعد به کارهای دیگر که مجلس باید تصفیه نماید پردازیم از چهار فقره ناچاریم.

اولاً اجرای نظامنامه داخله مجلس است که چون در ماده ۳۷ در آن ذکر شده که هر یک از وکلا حق دارد که اگر بر ترک فصلی از فصول آن مطلع باشد بر رئیس اخطار کند و من به حکم همان ماده اخطار می‌کنم که این نظامنامه از سر تا پا متروک است (در این وقت نظامنامه را بیرون آورده انگشت را بالای آن گذاشت).

چنانکه وقت انعقاد مجلس معین نیست و ما که از ولایات دور برمی‌خیزیم و به این جا برای این کار می‌آییم حق ما وکلای ولایات در میان تلف می‌شود زیرا که ممکن است در وقت تشکیل این مجلس شما آقایان عصرها پس از فراغت از کارها مجالسی تفتناً فراهم بیاورید و حالا این را هم مثل آنها حساب می‌کنید ولی ما نمی‌توانیم که از راه دور به واسطه همین کار آمده در اینجا معطل شویم مختصر آنکه باید وقت انعقاد مجلس و حضور وکلا در ساعت سه یا دو یا یک هر کدام باشد معین شود که در آن ساعت و دقیقه تمامی وکلا در اطاق انتظار حاضر شده در سر موعد زنگ زده همه یکدفعه در اطاق مجلس داخل شده و هریک در جای معین خود و صندلی نمره‌دار خود قرار گیرد پس از آن رئیس مجلس افتتاح مذاکرات را اعلان کند و مطلبی را که پیش از وقت در مجلس سابقه معین شده طرح نماید پس از آن هر وکیلی که در آن مطلب بحثی دارد و نطقی حاضر کرده از جای خود بلند شده و از رئیس اذن بخواهد، رئیس هم ده دقیقه یا یک ربع یا هر قدر صلاح بداند

برحسب اقتضا اذن کلام می‌دهد. آن شخص از جای خود به راه افتاده می‌رود تا روی آن عرشه مخصوص که برای این کار است، یعنی برای نطق ناطقین و خطابه خطبا معین است، در آنجا قرار می‌گیرد و در همان مدت مطلب خود را بدون آنکه از آن موضوع خارج بشود می‌گوید و در اثنای نطق او کسی دیگر حرف نمی‌زند همه ساکت گوش می‌دهند. بعد از اتمام او به جای خودش برگشته دیگران برخاسته در همان موضوع صحبت می‌کنند تا وقتی که نتیجه مذاکرات به جایی منجر بشود. آنوقت رئیس بعد از گرفتن آراء، قطعنامه صادر می‌کند ولی در تمام آن مباحثات نباید هیچ ناطقی از آن مطرح خارج بشود و در ساعت معین اجزای مجلس برحسب اعلان رئیس پراکنده می‌شوند و تمام این ترتیبات با جزئیاتش اهمیت زیاد دارد که بی‌وجودیک جزء از آنها کار مختل می‌شود و مجلس اگر چند سال منعقد باشد نتیجه نمی‌دهد. مثل مجالس سابقه ما که در این شصت سال گذشته مهمل واقع شد و نتیجه‌ای جز اغتشاش امور نداد. البته می‌دانید که این وضع اداره این مجلس و این اسمی که برای شکل حکومت ما گذاشته‌ایم در کتب سابقه ما از قدیم نبوده اگرچه شریعت مطهره ما به کلیات عدل و انصاف و مشورت امر فرموده ولی جزئیاتش به این وضع که حالا می‌خواهیم غیر مبین است ولی می‌خواهیم بگوییم که این مشروطیت را در جاهای دیگر دنیا با زحمات چندین ساله اختراع کردند، چون هر چیز اختراعی را بخواهیم از مأخذش برداریم باید با تمام جزئیات و آلات آن برداریم و اگر ما ساعت را بخواهیم برای تعیین وقت قبول کنیم ولیکن یکی از چرخ‌های آن را بگذاریم کار نخواهد کرد و نتیجه‌ای که تعیین وقت است به عمل نخواهد آمد و در این موارد عدم به از وجود ناقص است که ضرر مالیه خواهیم داشت.

دوم احضار وکلا ولایات است که بعد از مرتب‌شدن نظامنامه مجلس باید در این امر بکوشیم زیرا که حکام که تجدید مدت یک لحظه از دوره استبداد خود را صرفه خویش می‌دانند در این کار مسامحه کلی و مخالفت باطنی دارند مثل شخصی که پیش صرافى وجهی داشته باشد و به کسی دیگر بدهکار بشود و بخواهد هر قدر ممکن است به طفره و دفع‌الوقت طلبکار را دفع کند که اقلأ یک روز پولش پیش صراف بماند تنزیلش بیشتر باشد باید حکماً از اینجا مأمورین پیش فرستاده برای ترتیب انتساب و به‌راه انداختن آنها و منتخبین باید مخارج راه و مواجب آنها معین

باشد.

ثالثاً که از همه اینها برای استنتاج از مجلس اهم است حضور وزرا و مقابله هیأت قانون با هیأت اجرا است و گرنه سؤالات بروی که توجیه بشود و توضیحات از که خواسته شود ما هزاران درد بی درمان داریم امروز می‌خواهیم بدانیم که هموطنان ما را با اشد ظلماً شهید کردند. برای چه و دولت ما در این خصوص چه اقدامات کرده. بلی امروز هموطنان ما در آنجا دلخوش‌اند که به مجرد رسیدن تلگراف این واقعه به تهران وکلای ملت هیجان فوق‌العاده و اقدامات جدی خواهند کرد و در مجلس خودکشی می‌کنند و به داد ما می‌رسند ولی حالا می‌بینیم که وزیر امور خارجه به احضار مجلس تمکین نکرد و حاضر نشد جواب کتبی برخلاف قانون اساسی داد. همچنین خیلی از وکلا هزار مطلب مهم اظهار می‌کنند و داد و فریاد می‌کنند، دادرسی نیست و مطلبشان از میان می‌رود. من محققاً می‌گویم که هیأت قانون و هیأت اجرای پدر و مادر نظم مملکت می‌باشند. چنانچه جمعی مرد در یک اتاق هیچ وقت فرزندی عمل نخواهند آورد. همچنین از اجتماع نسوان چیزی به عمل نمی‌آید. بدون تنقیح هیأت اجزا و هیأت قانون و بدون اجتماع آنها ثمری حاصل نخواهد شد و من از بعضی می‌شنوم که می‌گویند در هیچ جای عالم وزرا همیشه به مجلس حاضر نمی‌شوند. بلی صحیح است ولی این را باید دانست که در آن ممالک کار خیلی کم است و حضور جمیع وزرا هر روزه تضييع وقت پرقیمت آنها است. چطور که می‌بینیم آنها اغلب مجلس را هفته و ماهی تعطیل می‌کنند در تابستان باز تعطیل می‌کنند به کلی و گاهی در ظهور امر مهم فوق‌العاده اجتماع فوق‌العاده می‌نمایند ولی ما که آنقدر کار داریم که بدون همه چیز اگر مجلس خودمان را کامل و مثل مجلس آنها کرده اگر پنجاه سال همه روزه بنشینیم و کار کنیم باز قطعاً می‌گویم که به مثل یک دولت نیم منظم خواهیم افتاد.

چهارم مطالبه قانون اساسی از دولت است که باید متفق شده و بخواهیم که پیش از این تأخیر نیفتد (در این موقع خطاب به وکلا و اصناف نموده گفتند) شما صدا به صدای من بدهید و متفق شده مطالبه کنید شما که اس اساس مملکت و صاحب حقیقی این خاک هستید شما که جمیع متنفذین و متشخصین ریزه‌خوار محصول دست شما هستند شما که اینها پول شما را خورده بالادست شما می‌نشینند و به چشم حقارت به شما می‌نگرند و از صرف مال شما تحصیل علم کرده افاده عللی و

حقوقدانی به شما می‌فروشند.

رئیس - کاش فقره چهارم را مقدم می‌داشتید زیرا که همه نواقص مذکوره از نبودن فقره چهارم است و البته می‌دانید که هر مطلبی یک مدت و ماده لازم دارد. هنوز حقوق و حدود بین دولت و ملت معین نشده که مجلس در مقام اجرای آن باشد و دولت هم عذر موجهی دارد، شما می‌خواهید که طفل یک شبه ره صد ساله برود، این نخواهد شد.

آسید حسن - آنچه شما فرمودید صحیح است که چون این مطالب بسته به نظامنامه اساسی است غیر از مطلب اول که اجرای نظامنامه داخلی باشد که آن دخیلی به این ندارد و اهمیتی بر خلاف ظن شما بیشتر است زیرا که شما می‌گویید که ما جمع شده مطالبه قانون اساسی را می‌کنیم ولی در صورت عدم نظام داخلی چگونه حرف می‌زنیم تا مطالبه قانون اساسی را بکنیم و اگر پنجاه نفر یک مرتبه صدا به صدا داده مطلبی بگویند، خود آن مطلب هم از میان خواهد رفت.

آقای آقاسید عبدالله - این آقا خیلی زحمت کشیده و صحیح می‌فرمایند، حق دارند ولی باید دانست که تعویق این مطلب برای کسالت وجود مبارک اعلیحضرت است باوجود آن همه اظهار مرحمت و عطا فرمودن این عطیه بزرگ به ملت نمی‌توان حال برای تعجیل در کار خاطر مبارک را ملول کرد.

حضرت اقدس ولیعهد هم کمال همراهی را اظهار داشتند و فوق‌التصور در پیشرفت مقاصد این اساس محترم حاضرند.

آقای سید محمد مجتهد - درحقیقت آنچه را که به خاطر نمی‌گذشت از حضرت ولایت عهد مساعدت و همراهی دیده شده و فعلاً که تمام امورات دولت راجع به ایشان است امیدواریم آنچه صلاح دولت و ملت است اقدام فرموده و عاجلاً مقام اجرای برآیند.

آقای آقاسید عبدالله - فعلاً مانع همان کسالت وجود اعلیحضرت است و مرض هم عیب نیست. همه انبیاء و اولیاء به این سانحه دچار و گرفتار می‌شدند البته احترام وجود مبارک ایشان لازم است اگرچه تمام کارها راجع به ولایت عهد است ولی ایشان هم مراعات حفظ ادب می‌فرمایند.

آقای آقاسید محمد مجتهد - حضرت ولیعهد فرمودند که نظامنامه حاضر است ولی عقیده من این است که در نظامنامه ذکر استثناء مرخصی مجلس در دوره اول لازم

نیست خودم نوشته خارج می‌دهم که در دوره اول این ماده اجرا نشود. حال حضرات و کلا آراء خود را در این موضوع اظهار دارند.

محقق الدوله - امروز غرض پیشرفت امر و کار کردن است و تا هراندازه که بتوانیم پیش برویم باید حاضر باشیم. این مسأله جزئی است قابل توجه نیست که او را موجب تأخیر و تعویق کار خود دانسته مجلس را معطل بگذاریم. بعضی با ایشان موافق و هم‌رأی شدند.

عون الدوله - این مسائل جزئی که به نظر ما قابل نیست خیلی اهمیت دارد زیرا بعدها اخلاف ما باید به همین قانون عمل کنند.

آقای آقاسید محمد مجتهد - عقیده من این است که از جانب هیأت مجلس چند نفر برای انتخاب وکلای ولایات بروند زودتر عمل انتخاب وکلای ولایات صورت بگیرد.

رئیس - هرگاه نظامنامه برسد دیگر لازم به این مطلب نیست و حکام هم دیگر مأیوس شده از ممانعت منصرف می‌شوند و مردم اقدام می‌نمایند و انتخاب وکلا زود صورت خواهد گرفت.

در این موقع تلگرافی که از اصفهان به حاجی امین‌الضرب مخابره شده بود به مضمون ذیل قرائت شد که تعیین وکیل از جانب تجار اسباب زحمت شد و شما مختارید که هرکس را می‌دانید در آنجا برای وکالت از طرف تجار اصفهان معین نمایید.

رئیس - مطابق نظامنامه شما نمی‌توانید از جانب ایشان وکیل معین نمایید. حاجی امین‌الضرب - نه اینست که من تعیین کنم یعنی کسی را معرفی کنم برای وکالت و خودشان تو را معین کنند.

آمیرزا محمود اصفهانی - در اصفهان مذاکره شد که آقایان علما که ملاک هستند می‌توانند در طبقه ملاکین هم رأی بدهند یا نه.

رئیس - به نظامنامه باید رجوع نموده و از آن قرار رفتار نمایند. عون الدوله - پریروز گذشته سه مطلب مذاکره شده بود. جواب آنها معلوم نشد.

رئیس - مسأله اعلان وزارت پست نوشته شد ولی هنوز جوابش نرسیده، مسأله شاگردان فارغ‌التحصیل هم باید اسامی و درجه تحصیلات و محل تحصیل آنها معلوم و معین شود و بعد شرحی نوشته شود تا جواب برسد.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

عون الدوله - خوبست این اشخاص بروند پیش وزیر علوم و امتحان بدهند.
رئیس - باید بیایند در دفتر مجلس رسیدگی بشود بعد اشخاص ایشان با نوشته خدمت صدارت فرستاده شود.

آقای آقاسید محمد مجتهد - امتیازنامه لیانازوف چه شد هنوز جوابش نرسیده؟
رئیس - دراین باب شرحی نوشته شد ولی جوابش نرسید و همه این مسامحات برای این است که مجلس منظم و مرتب نیست و ما چنین گمان می‌کنیم که هرکسی مسئول مجلس است و مجلس هم می‌تواند محاکمات خود را اجرا کند ولی این طور نیست، این مطلب بعد از رسیدن نظامنامه خواهد بود.

آقای آقاسید محمد - مگر نظامنامه غیر از این است که به واسطه صحه آن می‌خواهند اجرای قانون و احکام نمایند. دستخط و فرمان که دارای همه این کلیات است برای ما کافی است. نظامنامه فقط تفصیل جزئیات آن کلی است و حق مذاکره در این قرارنامه هم جزو همانست در این صورت چرا تحقیق و رسیدگی نمی‌شود.

رئیس - دوباره به وزارت خارجه بنویسید و جواب آن را بخواهید...
مذاکرات دارالشورای ملی در روز سه‌شنبه ۹ شهر ذیقعدةالحرام در مورد قانون اساسی بود:

آقای آقاسید محمد مجتهد - بنا بود که امروز نظامنامه را بدهند در مجلس قرائت شود و به صحه رسیده اجرا دارند چه شد.

رئیس - امروز مشغول همین کار بودیم و مراجعه نمودیم بعضی اصلاحات بود در مقام برآمده تمام می‌شود می‌آورند در مجلس قرائت می‌کنند.

آقای آقاسید محمد مجتهد - دیگر رجوع به نظامنامه برای چه بود مگر نقصی داشت.

رئیس - چون برده بودند خدمت حضرت ولایت عهد قرائت کردند در چند جای از چند فصل را بعضی تغییرات جزئی دادند.

آقای آقاسید محمد مجتهد - تغییر لفظی یا معنوی.

رئیس - بعضی لفظی است و برخی راجع به معنی است.

حسنعلی خان - تغییرات جزئی است چندان اهمیت ندارد و قابل ملاحظه نیست.

آقای آقاسید محمد مجتهد - اگر نظامنامه متعلق به مجلس است باید مجلس او را اصلاح و تصویب نماید و اگر نظامنامه دولت است بسته به میل خودشان است

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

هرچه تغییر و تبدیل می‌خواهند بدهند ابتدا فقط در ماده استثنای مرخصی مجلس در دوره اول گفته بودند نوشته خارج می‌دهیم حال امروز در مقام تغییر نظامنامه هستند اگر نظامنامه صحیح است دیگر این تغییرات و نوشته خارج برای چیست و چه باید از حضرات و کلا پرسید که قبول دارند این ترتیبات را یا نه.

آقای آسید عبدالله مجتهد - کیست که قبول نداشته باشد چه ضرر دارد مذاکره کنند.

آقای آسید محمد مجتهد - می‌خواهید پرسید که قبول دارند یا نه (بعد از استفسار به استثناء چند نفر همه و کلا گفتند قبول نداریم).

سیدالحکما - غرض اتحاد دولت و ملت است از تشکیل این مجلس در این صورت دیگر نوشته خارج و تغییرات فصول نظامنامه برای چیست.

آمیروزا محمود خوانساری - خوبست برای اکثریت آراء در این باب ورقه قرعه اعمال شود (گفتند بشود).

رئیس - می‌دانید که موضوع مبحث چیست اینست که چون در نظامنامه ترخیص مجلس در دوره اول مستثنی شده بود و حال می‌خواهند که آن استثنا در نظامنامه باشد ولی حضرت ولیعهد می‌فرماید برطبق همان سند خارج می‌دهم که این مسأله در دوره اول مستثنی باشد.

آقاملا حسن - به این طریق اصل نظامنامه از اعتبار می‌افتد زیرا که نظامنامه سبب اعتبار همه چیز باید باشد در اینجا مایه اعتبار نظامنامه نوشته خارج می‌خواهد بشود پس این نظامنامه نخواهد بود.

میرزا محمود خوانساری - غرض از این تغییر و تبدیل و نوشته خارج چیست.

رئیس - غرض را من چه می‌دانم چیست ایشان صلاح را این طور دانستند.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - این مطلب را ماهم گفتیم که عدم ترخیص مجلس در دوره اول به سند خارجی باشد نه اینکه حضرت ولیعهد گفته باشند و آن روز هم آقایان اینجا همچو اظهار داشتند که ضرری ندارد.

آقای آقاسید محمد مجتهد - آن روز که اینجا مذاکره این مطلب شد چون فقط من باب اخبار به مجلس ذکر شده بود نه به‌عنوان اخذ رأی و کلا هیچ رأی ندادند ساکت بودند.

آقا ملاحسن - و کلا حاضرند و متفقند که راضی به این ترتیب نیستند.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آمیرزا محمود خوانساری - جناب سعدالدوله شما چه می گوید.
سعدالدوله - قرعه بکشند.

آمیرزا محمود اصفهانی - بهتر اینست که اول نظامنامه قرائت شود شاید جاهای دیگر هم محل ایراد باشد.

آملا حسن - قرائت نظامنامه طول می کشد حال قرعه بکشند.
صدیق حضرت - خواندن نظامنامه لازمست.

آمیرزا محمود اصفهانی - تا نظامنامه خوانده نشود ما از اینجا نمی رویم.

در این موقع برای اخذ رأی در این مسأله قرعه کشیدند که هرکس ذکر استثنای ترخیص دوره اول را در همان نظامنامه صلاح می داند ورق سفید بدهد و هرکه به نوشته خارج خواهانست ورق رنگین بدهد بعد از قرعه اکثریت آرا بر این شد که همان جزو نظامنامه باشد نظامنامه را طلب کردند که قرائت شود.

سیدالحکما - امشب تا نظامنامه خوانده نشود احدی از وکلا نمی رود اگر می خواهند صحنه کنند اگر نمی خواهند هم نکنند دیگر کارد به استخوان رسید و صبرها تمام شد.

حاجی محمدتقی - با نسخه اولی مطابقه شود که اگر کم و زیادی دارد معلوم شود (نسخه اول را هم آوردند به حاجی محمد اسمعیل آقا دادند و نسخه جدید را آقامیرزا طاهر قرائت می کردند).

اصل یازدهم که مشتمل بود بر این که در موقع افتتاح مجلس باید منتخبین قسم یاد نمایند بعدم مخالفت بادولت و سعی در امورات راجعه به خود در خیرخواهی ملت و ترقی مملکت با نسخه اولی قدری مخالفت داشته.

آملاحسن - همان ترتیب نسخه اولی چه ضرر دارد.

حاجی محمداسمعیل آقا - این صورت قسم مطابق است با آن قسمی که سلطان یاد می کند برای ابقای این مجلس و حفظ حدود و حقوق آن وکلا هم به این ترتیب قسم یاد می کنند عیبی ندارد.

آمیرزا ابوالحسن خان - قسم در این موقع یا حق و صحیح است یا نیست در صورتی که وکلا نخواهند تخلف از سلطان عادل خودشان بکنند و بخواهند که جد و جهد در اصلاح ملک و ملت نمایند چه ضرر دارد که قسم یاد کنند.

آفاسید حسن تقی زاده - وکلا وکلای ملتند به اینها قسم نمی دهند قسم به نوکر و

اجزای مخصوص می‌دهند، در هیچ جا معمول نیست که به وکلای ملت قسم بدهند.

صدیق حضرت - این قسم به جهت تخلف نکردن با دولت است نه برای حفظ حقوق ملت.

آقاسید محمدتقی هراتی - در نسخه اول چون کلمه (به میزان شرع) بود در این نسخه هم که باشد باقی آن عیبی ندارد (این لفظ نوشته و شروع به قرائت شد) اصل پانزدهم اسقاط شده اصل شانزدهم که مشتمل بود به مختاربودن مجلس در کلیه انشاء قوانین و اوضاع دوائر دولت و توسط شخص اول درخصوص موشح شدن به صحت همایونی و اجرا داشتن آن نیز اسقاط شده بود.

حاجی امین‌الضرب - چون این اصل عین مضمون دستخط است و دستخط هم در جزو نظامنامه چاپ خواهد شد و توسط شخص اول هم در صورت نبودن مجلس سنا است حال که نباشد مجلس سنا منعقد شود و لوایح این مجلس برود به مجلس سنا بعد از تصویب آن مجلس به صحت همایونی برسد به واسطه این دو جهت گفتند این اصل لازم نیست.

حاجی محمداسماعیل آقا - این مجلس برای مشورت و وضع قوانین سیاست است وقتی که کار با مجلس نباشد پس فایده این مجلس چیست.

آقاسید محمدتقی هراتی - اگر غرض از مجلس فقط اظهارات لوایح خیرخواهانه باشد اعم از اینکه قبول بشود یا نشود و روزنامه‌نویس‌ها هم اینگونه لوایح خیلی اظهار می‌دارند شاید بهتر و مفیدتر هم گاهی بنویسند پس مجلس حکم روزنامه‌نویس را دارد.

میرزا ابوالحسن خان - باید دید که سایر ممالک با بودن مجلس سنا این حق را به مجلس ملی دادند یا نه اگر دادند شما هم مطالبه کنید و اگر ندادند دیگر چه گفتگویی است.

سعدالدوله - این تغییرات و گفت‌وگوها همه برای اینست که چون مقصود فهم حقیقت مطلب نیست شما علی‌الاتصال این نظامنامه را بدهید به کمیسیون از آنجا بدهند به دولتیان تغییر کرده برمی‌گردد و تغییر داده پس می‌رود علی‌الدوام در تغییر است مجلس باید چند نفر را که اعتماد و اطمینان به ایشان هست انتخاب کرده بنشینند مراجعه کنند هرگاه قبول کردند فیها و هرگاه نکردند که نکردند.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - از اول مجلس سنا را گفته بودند که هرگاه امری در مجلس ملی اشکال پیدا کند که اکثریت آرا در آن متعسر باشد رجوع به سنا شود و از اجتماع این دو تصویب و تصحیح آن امر صورت بگیرد نه به این طریق که حالا می‌گویند.

سعدالدوله - وضع مجلس سنا نه برای اینست بلکه مجلس سنا با این مجلس متفقاً باید کار بکنند.

رئیس - مطلب همین است باید تمام مطلب اصلاح و انجامش به اتفاق این دو مجلس باشد.

سعدالدوله - اینکه نوشته شده دولت هر وقت بخواهد مجلس سنا را تشکیل می‌کند حال دولت خواست تشکیل کند در صورت تشکیل مکلف به لوازم خود خواهد بود و باید کار بکند در این حال مطالب تغییر می‌کنند.

مخبرالملک - نظامنامه را یک نفر نوشته و نمی‌تواند بنویسد از اول تمام آن را تصدیق کرده بودند حال منکر می‌شوند.

حاجی محمداسماعیل آقا - کسی منکر آن مطلب نیست و آنچه را هم که قبول کردند انکار ندارند.

مخبرالملک - در آن نسخه سنا را قبول کرده‌اید. در خصوص باقی تغییرات هم یک کمیسیون از مجلس تشکیل بکنید ببینید در این تغییرات فقط تغییر الفاظ است یا راجع به معنی هم هست ما که مقابله و اصلاح کردیم فرقی نداشتند.

حاجی محمد اسماعیل آقا - شما می‌خواهید اجباراً را به گردن مردم بگذارید یا باید آنها قبول و تمکین کنند؟

آقاسید حسن تقی‌زاده - باید بدانیم که این مجلس ملی فعلاً تشکیل و افتتاح شده است یا نه اگر نشده است که چه گفتگویی دارید و هرگاه شده باید در مجلس سنا مذاکره و گفتگو شود که چیست و چه می‌کند تا حال که کیفیت و چگونگی مجلس سنا را نمی‌دانستید چیست پس در اصل آن مذاکره شود.

رئیس - این مجلس تشکیل و افتتاح شده و مجلس سنا را هم قبول کردند (جمعی گفتند مجلس سنا را به این طریق که حالا بیان می‌کنید قبول نکردیم).

آقا سید حسین - مجلس سنا را در ضمن آن نظامنامه با اکثریت آرا قبول کردیم حال که آن فصول تغییر یافت این هم یکی از آن فصول است دوباره باید از تمام

اخذ رأی کرد.

رئیس - این نظامنامه بود که ما نوشته بودیم پیش خودمان معلوم نبود که طرف قبول دارد تمامی آن را یا نه حال که رجوع کردند این طور قبول می کنند نه شما مجبورید نه آنها.

آقاسید حسین - حال که مختاریم پس مجلس سنا که یکی از فصول آن است باید مذاکره شود.

سعدالدوله - این نظامنامه ای است که طرف نوشته و قبول دارد شما قبول ندارید یکی دیگر بنویسید بدهید.

بعضی گفتند که در آن نسخه مجلس وضع ادارات و تأسیس قوانین را متحمل می شد و حال با مجلس سنا است در این صورت فایده مجلس چه خواهد بود.

رئیس - مجلس ملی لازم نیست وضع ادارات دولتی را بنویسد مجلس سنا می نویسد به مجلس ملی ارائه می دهد و تصویب می خواهد هرگاه مسامحه کنند مجلس اولاً اظهار و بعد از اظهار انشاء قانون می کند و می فرستد.

حاجی محمد ابراهیم - این نظامنامه را که نوشته بودید آنها غیر از دو فصل تمام را قبول داشتند چرا پس این تغییرات پیدا شد.

رئیس - آن وقت نظر به مجلس سنا نبود ولی حالا که باید باشد باید به اتفاق هم کار کنند.

حاجی محمد ابراهیم - حال که مجلس اختیار و حکم ندارد و تمام کارها به تصویب سنا است چه فرق کرد همانست که بود هرچه می خواستند می کردند حال هم بکنند دیگر لازم نیست از ما سند و نوشته بگیرند.

رئیس - وضع قوانین را ممکن است که مجلس سنا نموده به تصویب مجلس برساند و می شود مجلس وضع کند بفرستد سنا ممکن است هر دو بالاتفاق این کار را بکنند ولی در صورتی که مجلس تنها این عمل را نمود صورت انشایی است که لازم الاجرا نیست مگر به تصویب مجلس سنا و بعد از صحت همایونی.

آمشهدی باقر - حال که وقت تنگ است و آقایان کسل شدند از فردا صبح حاضریم که تا هر وقت طول بکشد برای ختم این عمل در اینجا حاضر باشیم از آن وقتی که موکلین ما را برای این مجلس انتخاب نمودند بی کاریم و ما را برای این کار معین نمودند.

رئیس - بلی حال دیگر وقت خواندن نظامنامه نیست ولی باید ملتفت بود که تاکنون این ترتیبات در این مملکت نبوده در آنجاها که هست چه طور رفتار می کنند پس ما هم که اخذ این ترتیبات را از آنجاها کردیم به همان نحو رفتار کنیم و بحث های بی فایده نماییم.

آمشهدی باقر - ما وکلا چون شخص شما را از همه جهت از خودمان داناتر و بهتر و متدین تر دیده و دانسته بودیم به طیب خواطر و رضایت نفس شما را رئیس دانسته قبول نمودیم ولی تمامی رفقا و همقطاران می گویند که شما در امور جد و جهد نمی کنید و بعضی مطالب را به مسامحه می گذرانید.

رئیس - برای چه من ملاحظه می کنم این اشتباه و خیالست که در حق من کرده اند.

حاجی محمداسمعیل آقا - چون در مقام رد و ایراد شما طرف صحبت می شوید و محاجه می کنید اینست که این طور تصور می کنند شخص رئیس باید صحبت طرفین را گوش داده بعد از اتمام قطع و فصل مطلب نماید.

رئیس - بعدها صحبتی نمی کنم بلکه یک چند روز حاضر نمی شوم تا این گفت و گوها و مذاکرات ختم شود.

مخبرالملک - آن وقتی که مردم در سفارت بودند جمعی از محترمین آمده بودند و اظهاراتی نمودند در حالی که آن وقت کسی جرأت قبول وکالت کردن و قانون نوشتن نداشتند وقتی که ما اقدام کردیم سایرین هم اقدام کردند با آن همه زحمات و سپر بلاشدن حال ما را مغرض و طرفدار می دانند (تمامی گفتند که کسی شما را مغرض نمی داند و شما از این گونه اغراض مبرا هستید).

مخبرالملک - مردم تصور می کنند که چون دارای مجلس شدند باید با دولت طرف باشند و ما را سپر بلا قرار دهند.

حاجی محمداسمعیل آقا - آن اشخاصی که آمدند و شما را داخل کار نمودند همه خود را سپر بلا نموده بودند و همه قسم همراهی داشته و دارند ولی مقصود این است که همه زحمات و جان کندن ها برای اتحاد دولت و ملت و اصلاح مملکت است، در صورتی که اول فواید راجع به دولت است بعد به ملت، با این ترتیب می گوئیم دولت این قدر طرف خود را ملاحظه و منظور نداشته باشد و همه چیز را به مقصود خود عمل نکند قدری همراهی کند تا امور اصلاح شود (بعد از مباحثات و

مذاکرات زیاد).

آقای آسید عبدالله مجتهد - مجلس که نتواند کاری بکند و چشمش به خارج باشد که آیا کاری به او رجوع می‌شود یا نمی‌شود و به هیچ وجه اختیار نداشته باشد مگر به اظهار لوایح این چه مجلسی است و حاصلش چیست اگر همان نظامنامه اولی را به ما می‌دهند قبول داریم والا نه.

حاجی معین‌التجار - با مجلس سنا یا بی مجلس سنا قبول دارید.

آقای آقاسید عبدالله - سنا را هم قبول داریم و او را در اول امر هم لدی‌الحاجه قبول کرده بودیم که هرگاه مشکلی باشد در آن صورت به اتفاق این دو مجلس آن امر انجام و ختم شود.

سعدالدوله - عقیده من اینست که یک کمپسیونی مرکب از پنج نفر، دو نفر از آقایان، آقای سید عبدالله و آقای آقاسید محمد و یک نفر منتخب از وکلا و یک نفر از طرف دولت که قاطع و فاضل باشند، با خودم و یک نفر منشی در همین مجلس حضور تمام وکلا فصل به فصل خوانده بعد از توضیح و تنقیح و تصحیح منشی آن فصل را نوشته همین‌طور تا آخر در این مجلس ختم شده و تقویت نموده به صحنه برسد به شرط اینکه غیر از این پنج نفر کسی حق نطق و گفت‌وگو نداشته باشد اگر صلاح است این کار را بکنید.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - خیلی خوب است ولی دایره را قدری توسعه بدهید که ده دوازده نفر باشند دو نفر از طرف دولت باشد و سه نفر از طرف علما باشند تا به اتفاق این عمل صورت بگیرد.

حاجی محمدتقی - باید آن دو نفر که از طرف دولت حاضر می‌شوند در این امر وکالت تامه داشته باشند که بعد از امضای آنها دولت متقبل باشد صحنه و قبول آن را بپذیرد.

سعدالدوله - خوبست همین‌طور که گفته شد صورتی مجلس بنویسد و از دولت بخواهد که بیایند در همین جا ختم گفت‌وگو کنند.

حاجی امین‌الضرب - این ترتیب باشد بهتر است یا اینکه همان چند فصلی که اسقاط شده و تغییر کرده آنها را به جای خودش بیاورند و تصحیح کنند شاید دولت همان نسخه اولی را قبول کند.

سعدالدوله - چه ضرر دارد بنویسند یا این ترتیب یا امضای آن نسخه اولی هرکدام

را قبول می‌نمایند بنمایند آقای آقاسید عبدالله استفساراً به رئیس رو کردند که بنویسند؟

رئیس - من رأی ندارم.

آقای آقاسید عبدالله - رأی ندادن شما کافی در نوشتن نیست سایرین می‌خواهند که نوشته شود پس بنویسند (آقا سیدمحمد تقی هراتی شرحی به مضمون ذیل به صدارت نوشت که چون اسقاط و تغییر بعضی از اصول نظامنامه موضوع بحث و مذاکره در مجلس شد اکثریت آرا و اتفاق قاطبه و کلا بر این شد که یا همان نسخهٔ اولی را دولت به ما مرحمت نماید و یا صورت کمیسیون مذکور را قبول نمایند تا در این ماده ختم مذاکره و مباحثه شود).

مذاکرات دارالشورای ملی در روز پنج‌شنبه ۱۱ ذی‌القعدة فقط متوجه قانون اساسی بود؛ به تعبیر روزنامه نویس مجلس: امروز موضوع مذاکرات مجلس فقط نظامنامه اساسی بوده.

جنابان مشیرالملک و حاج محتشم‌السلطنه و مؤیدالسلطنه به وکالت از جانب دولت علیه حاضر شده بودند که در فصول نظامنامه مباحثه و مذاکره نموده و به اتفاق آراء و کلا دولت و ملت تصفیه و تسویه شده به صحنه همایونی برسد و در موقع اجرا گذاشته شود.

پس از اجتماع و کلا جانبین به قرائت فصول نظامنامه و گفتگو در تسویه آن شروع شد مذاکرات بیشتر از هفت ساعت طول کشیده و ختم مجلس نزدیک چهار ساعت از شب گذشته واقع شد و در این مدت نمایندگان ملت و دولت تمام را به رد و ایراد و طرد و قبول و توضیح و تنقیح مشغول بودند چون غالب آن مذاکرات به‌طور تکرار رد و بدل شده و نتیجه آن فقط تصحیح و تنقیح نظامنامه است از درج عین آن فایده‌ای برای قارئین محترم حاصل نخواهد بود ما همان نتیجه و خلاصه را درج و منتشر می‌نماییم.

اصل هشتم که مضمون آن این بود که (هر سال پس از تعطیل تابستان افتتاح مجلس از اول برج عقرب خواهد بود) موضوع بحث شد جمعی صلاح دانستند که افتتاح مجلس از چهاردهم میزان که مطابق روز جشن تشکیل و افتتاح اولیه مجلس است مقرر باشد به اکثریت آرا پسندیده و تصویب و همین‌طور مقرر شد.

اصل ۱۱ که محتوی این مضمون بود که (اعضای مجلس باید به این‌طور قسم یاد

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

کنند که ما اشخاصی که صاحبان امضای ذیل هستیم خداوند را به شهادت طلبیده و به قرآن کریم قسم یاد می‌کنیم که حتی‌الامکان تکالیف مرجوعه خودمان را با کمال بینش و دقت و نهایت جد و جهد انجام دهیم و نسبت به متبوع معظم خود اعلیحضرت شاهنشاهی راستگو و صادق باشیم و نسبت به اساس سلطنت خیانت نوزیم).

بعضی از وکلا اینطور رأی دادند که فصل مذکور به این مضمون و مقید به این شرط باشد که ما خداوند را گواه و شاهد گرفته و به کتاب الهی قسم یاد می‌کنیم که مادامی که دولت علیه و پادشاه عادل متبوع ما با مقتضیات این نظامنامه همراهی و مساعدت داشته و از اساس مجلس ما تقویت فرمایند ما نیز نسبت به سلطنت اعلیحضرت خیانت ننموده و نسبت به متبوع معظم خود صادق و راستگو باشیم سایر وکلا هم این رأی را تصویب نموده و به همین طور نوشته و مقرر شد.

اصل دوازدهم که مضمون آن این‌طور بود که (در موقعی که یکی از وکلا مرتکب جنایتی شوند باید اجرای سیاست و حکم درباره او با اطلاع مجلس باشد) قرائت شد بعضی وکلا این‌طور صلاح دیدند که به جای لفظ به اطلاع لفظ با استحضار نوشته شود و پس از تعلق اکثریت آرا همین‌طور نوشته شد.

اصل پانزدهم در موقع مذاکره گذاشته و مضمون آن این‌طور قرائت شد که (برای انتظامات مجلس دولت علیه یک دسته مأمورین نظمیه در تحت اوامر مجلس قرار خواهد داد) در تسویه قبول و رد این اصل مباحثات طولانی به میان آمد بالاخره بعضی رأساً اسقاط این اصل را به این استدلال لازم دانستند که اگر مراد از انتظام، انتظام داخلی مجلس باشد که این مسأله از وظایف معینه و در عهده رئیس است.

و اگر مقصود انتظام خارجی است که انتظامات به‌طور عموم به عهده نظمیه مملکت است و تخصیص به مجلس لازم نیست به موجب اکثریت آرا این رأی تصدیق شده و فصل مزبور القا و اسقاط شد.

اصل ۲۰ که به مضمون آتیه بود قرائت شد که (در هر موقع که قسمتی از دارایی یا عایدات دولت فروخته و منتقل شود و یا تغییر و تبدیلی در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا کند به اطلاع و تصویب مجلس خواهد بود) در این عبارت وکلای مجلس این‌طور صلاح دانستند که به جای لفظ عایدات دولت عایدات مملکت نوشته شود و همین‌طور نوشته شد.

اصل ۲۱ موضوع مباحثه شد مضمون این اصل این است که (بدون تصویب شورای ملی تشکیل کمپانی و شرکت‌های عمومی از هر قبیل و به هر عنوان نخواهد شد.) این عبارت به این مضمون تبدیل شد که اگر دولت بخواهد امتیاز شرکتی بدهد باید به تصویب مجلس باشد والا اگر خود مردم بخواهند بدون امتیاز تشکیل شرکتی بکنند مجاز و آزاد هستند.

اصل ۲۸ که مضمون آن این‌طور بود قرائت شد که (مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه به توسط هیأتی که مرکب از یک نفر رئیس و شش نفر از وکلا طبقات شش‌گانه باشند به توسط شخص اول دولت به عرض مقدس ملوکانه برساند) وکلا ذکر لفظ به توسط شخص اول را صلاح ندیده و به استدلال به اینکه ممکن است عریضه محتوی شکایت از خود شخص اول باشد اسقاط آن را لازم دانستند پس از مذاکرات به تصویب و قبول جناب مشیرالملک اسقاط شد.

اصل ۴۰ که متضمن این مضمون بود که (در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئول توضیح بخواهد آن وزیر از جواب ناگزیر است و این جواب بدون عذر موجه و بیشتر از اندازه و اقتضا نباید به عهده تأخیر بیفتد مگر آنکه آن مسأله از اسرار دولتی باشد که وزیر مسئول قادر بر افشای آن نباشد).

درخصوص این اصل مباحثات و مذاکرات زیاد رد و بدل شد بعضی به ملاحظه اینکه ممکن است گاهی بعضی امور مهمه سری که افشای آن مضر به پلتیک دولت و صلاح مملکت است در بین باشد و البته در این موقع حفظ و نگاهداری آن سر واجب است ذکر مضمون اخیر را لازم و جایز دانستند و بعضی به این استدلال که ذکر آن بهانه و مستمسک بزرگی برای وزرای مسئول در عدم اظهار مطالب و رد جواب سؤالات مجلس می‌شود ذکر آن را صلاح نمی‌دیدند بالاخره اکثریت آرا بر این قرار یافت که این مضمون به مضمون سابق منضم و ملحق شود که اگر وزیر مسئول در مورد جواب سؤال مجلس به واسطه سریت مسأله فعلاً اظهار و افشای مطلب را جایز نداند باید مدتی معین کند که بعد از انقضای آن مدت جواب سؤال مجلس را به مجلس اظهار نماید و پس از اظهار اگر معلوم شود که مطلب مذکور سریت نداشته و عدم افشای آن چندان مهم نبوده و وزیر مذکور به میل شخصی نه اقتضای سریت مطلب آن را کتمان نموده مسئول و مورد مجازات خواهد بود.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

اصل چهل و یکم که متعلق به عنوان مجلس سنا و عده اعضا و شکل انتخاب آن بود مطرح گفت و گو شد در این موضوع نیز مباحثات طولانی بود پس از مذاکرات بسیار وکلای مجلس اظهار داشتند که چون ما سابقاً درخصوص اصل این عنوان رأی داده و تصویب نموده ایم فعلاً هم تصدیق و قبول می نماییم لکن خواهشمندیم که به همان طور که سابق استدعا کرده ایم دو ثلث وکلا و اعضا از ملت و یک ثلث از دولت انتخاب شوند. وکلای دولت اظهار کردند که حضرت اقدس ولیعهد خواستار شده اند که قرار این امر به تصویف انجام یابد و با این که در غالب ممالک اعضای سنا کلاً از طرف دولت انتخاب می شوند ما به ملاحظه همراهی با مجلس و ملت تعیین آن را بالمناصفه قبول می کنیم و بالاخره وکلای ملت درخواست و استدعا نمودند به تقسیم سی و پنج نفر از ملت و بیست و پنج نفر از دولت قرار این امر صورت گیرد وکلای دولت هم اظهار کردند که اگر احتیاط و ملاحظه وکلای ملت از این راه است که تصور می کنند که آراء وزرا منضم به آرای وکلای سنا می شود این اشتباه است و هیچ وقت آرای وزرا مربوط و ملحق به آراء وکلای سنا نخواهد بود قبول خواهش وکلا در این خصوص موکول به استدعای مخصوص شده.

اصل ۴۲ که به این مضمون بود که (امر راجعه به مالیه مملکت همیشه باید به تصویب مجلس شورای ملی رسیده پس از آن به مجلس سنا فرستاده شود). مطرح و مانند سایر فصول مدتی مورد گفت و گو شد و اظهار وکلای مجلس در این باب این بود که در تمام دنیا مداخله و اصلاح و تنقیح و ترتیب بودجه و عمل مالیه مملکت و جمع و خرج دولت مخصوص به مجلس ملی است) و مجلس سنا به هیچ وجه در آن مداخله نمی کند و اگر سابقاً از طرف وکلای مجلس درخصوص مداخله مجلس سنا در این امر رأی داده شده و تصویب نموده اند حالا استدعا می کنم این مسأله از مختصات مجلس شورای ملی مقرر شود و این مسأله نیز موکول به استدعای مخصوص شد.

اصل ۴۷ قرائت شد مضمون آن تقریباً این است که (هر مسأله موضوع مذاکره و اصلاح مجلس شورای ملی شد پس از تنقیح مجلس مزبور به مجلس سنا فرستاده می شود و اگر مجلس سنا رأی مجلس ملی را تصویب و تصدیق نماید به امضا و صحه همایونی رسیده اجرا می شود و اگر صلاح ندانسته و رد کند امضای رأی همایونی حاکم ترجیح رأی طرفین خواهد بود و در صورتی که امضای ملوکانه به

آرای سنا موافقت نماید مجدداً به مجلس ملی مراجعت می‌شود و در صورتی که مجلس ملی از رأی خود انصراف و نکول حاصل نکند مجلس ثالثی مرکب از شورای ملی و سنا به حکمیت تشکیل و منعقد می‌شود اگر آن مجلس هم رأی سنا را تصویب نماید اعلیحضرت همایونی پس از تصویب دو ثلث از وکلای سنا و انضمام آراء هیأت وزراء به آرای سنا و کلاً مجلس شورای را مرخص فرموده و همان وقت حکم به تجدید انتخاب می‌فرمایند و در این موقع انتخاب کنندگان ملت می‌توانند هر یک از وکلا سابقه را مجدداً انتخاب بنمایند و این ترخیص هم در دورهٔ انتخاب یک نوبت بیشتر اتفاق نخواهد افتاد درخصوص این فصل مباحثات و مذاکرات فوق‌العاده بود.

وکلائی مجلس که در ابتدا افتتاح مجلس این عنوان را اصلاً نپذیرفته و تصویب نموده بودند پس از تجدید نظر و ملاحظه ثانویه که انعقاد آن را تصویب نمودند به این شرط معلق و مقید داشتند که ترخیص مزبور در دوره اول مستثنی باشد. وکلای دولت اظهار کردند که این استثنا در جزء نظامنامه ذکر نشود و به موجب دستخط خارج حق این استثنا موقتی به مجلس داده شود و کلاً ملت ابتدا این جواب وکلای دولت را قبول نمی‌کردند و ذکر این امر را در خود نظامنامه درخواست لکن بالاخره پس از مذاکرات و ملاحظات زیاد به همین طور قبول نموده و مقرر داشتند. نظامنامه تنقیح شده و به اتمام رسید و بنا شد که پس از مذاکره در دو فقره استدعائیه با حضرت اقدس ولیعهد پاک‌نویس نموده و به صحنهٔ همایونی برسانند. امروز به ملاحظهٔ این که مذاکرات خیلی دقیق و مهم بود در عدهٔ ناظرین تخفیف دادند به این معنی که اتاق جلوس وکلا را از محل همه روزه تغییر داده و آن محل را به حضرات نظار واگذار کردند و نتیجهٔ مذاکرات را پس از ختم مجلس به آنها اطلاع دادند.

مذاکرات دارالشورای ملی روز سه‌شنبه ۲۸ ذی‌الحجه الحرام رئیس - امروز نظامنامهٔ مجلس دوباره قرائت شود و امروز روز مباحثه و مذاکره در فصول آن است در قرائت سیم باید رأی گرفته شود. سعدالدوله - عرض دارم می‌گویم اهمیت تکمیل قانون اساسی مملکتی بیشتر است یا اصلاح نظامنامهٔ سنا.

رئیس - در این مجلس اصلاح متمم قانون اساسی ممکن نیست قرار شد چهار

نسخه نوشته شود در انجمن مخصوصی هر کدام را تصویب کردند اختیار شود و غرض از تعطیل مجلس در روز پنجشنبه هم به جهت همین است و روز شنبه مجلس باید منعقد شود برای اصلاح و نظامنامه مجلس سنا هم جزء قانون اساسی است تفاوتی ندارد.

(جمعی گفتند این تعطیل روز پنجشنبه و دهه اول محرم برای چیست و حال آنکه اصلاح این امور واجب است).

صدیق حضرت - عرضی دارم که نظامنامه داخلی مجلس نباید مجری شود. سعدالدوله - مقصود چیست.

صدیق حضرت - تعیین روز و ساعات اجلاس مجلس به عهده رئیس است که کسی حق گفتگو در این خصوص ندارد (جمعی گفتند خود جناب رئیس فرمودند مذاکره شود).

صدیق حضرت - غرض من حق اخطار دارم و باید در موقعش اخطار نمایم.

رئیس - دیشب جماعتی گفتند به جهت احترام عاشورا باید دهه اول محرم تعطیل شده و ضمناً متمم قانون اساسی هم اصلاح شود من هم گفتم امروز این نظامنامه مجلس سنا خوانده شود و روز پنجشنبه تعطیل نمایند.

حاجی امین‌الضرب - این متمم قانون اساسی و اصول آن را کی خواهد نوشت.

رئیس - هرکس میل دارد بنویسد یعنی نوشتن آزاد است ولی برای خارج نه در انجمن حال هرکس میل دارد بنویسد بیاورد در انجمن تصحیح شود.

سعدالدوله - حالا چه ضرر دارد انجمن مخصوص معین شود که در آنجا بنویسند و بیاورند در مجلس مذاکره و تصحیح شود وقتی که انجمنی معین نباشد همه به اطمینان یکدیگر شاید بنویسند و شاید ننویسند و باعث تأخیر کار خواهد شد.

رئیس - چه ضرر دارد اجزا و اعضای آن را معین و انتخاب نمایید. (پس از مذاکره زیاد در تعیین اعضای اشخاص ذیل را معین نمودند):

جناب سعدالدوله، آقا سید حسن تقی‌زاده، مشاورالملک، حاجی امین‌الضرب، حاجی سید نصرالله، مستشارالدوله.

جناب مخبرالملک را هم معین کرده بودند به این طور عذر خواستند - بنده را از این کمیسیون معاف دارید خودم در خارج اصولی می‌نویسم و در انجمن ارائه می‌دارم اگر به درد خورد و پسندیدند بسیار خوب والا فلا (گفتگو در این شد که باید

اعضای کمیسیون زبان خارجه هم بدانند).

سعدالدوله - علاوه بر دانستن زبان خارجه باید اطلاع از قوانین دول مشروطه داشته باشند و در امورات داخلی مملکت تتبع داشته و بصیر باشند.
حاجی سید نصرالله - غیر از زبان خارجه دانستن مدرک هم لازم است زبان دانستن فقط برای ترجمه است چه بسیار اشخاص زبان دان که قوه استنباط مطلب را ندارند ولی کتب قوانین خارجه ترجمه شده ممکن است اشخاصی که زبان نمی دانند استنباطات خود را از آن ترجمه ها نمایند.

سعدالدوله - ما هم نمیتوانیم از پیش خود چیزی بنویسیم بعضی چیزها هم که مقتضی مملکت است باید ملاحظه شود و نوشتجاتی که در این خصوص با دولت رد و بدل شده با تقریرات جناب مخبرالسلطنه باید به کمیسیون داده شود.
رئیس - البته هرچه لازم شد خواهیم داد.

سعدالدوله - این متمم قانون اساسی را به طوری باید بنویسیم که مطابق باشد با قوانین سلطنت مشروطه و موافق با قانون شرع هم باشد.
در باب قسم خوردن و کلا مذاکره شد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - بعضی از وزرا در قسم خوردن حاضرند و بعضی حاضر نیستند.

حاجی امین الضرب - عقیده بنده این است تا این قانون اساسی تمام نشود نمی شود قسم خورد.

سعدالدوله - عقیده من هم همین است این قسم یادکردن را بگذارید تا قانون اساسی تمام شود (و جمعی دیگر هم به همین عقیده بودند آقا میرزا ابوالحسن خان و صدیق حضرت و حسنعلی خان جداً خواستار بودند که امروز قسم یاد شود و گفتند چرا شماها مادامی که وکلای آذربایجان نیامده بودند نظامنامه اساسی را تمام می دانستید اما حالا ناقص می دانید).

حاجی امین الضرب - ما آن وقت هم ناقص دانسته و تمام نمی دانستیم.

سعدالدوله - از روزی که من آمده ام گفتم که این قانون اساسی تمام نیست.

حسنعلی خان - عقیده خودم را بگویم این اصولی را که باید نوشته شود و مطرح مذاکره تا قبول نشود جز قانون اساسی که نخواهد شد در این صورت قسم خوردن ضرر ندارد و از امروز به بعد دیگر ماها به هیچ وجه ایرادی به دولت نداریم.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

سعدالدوله - عجبا عجبا این رأی شخصی نیست من چطور می توانم حقوق موکلین خود را از دست بدهم.

حسنعلی خان - در این صورت بهتر می توانید حقوق را حفظ نمایید.
مخبرالملک - امروز حاضر شده بودیم که قسم یاد نماییم و قرار بود آقایان حجج اسلامی هم حضور داشته باشند چون به جهت ایشان مانعی روی داده و به مجلس اطلاع داده اند که امروز نمی توانند تشریف بیاورند باشد برای روزهای دیگر که آقایان همه حضور داشته باشند و امروز هیچ مذاکره در این خصوص نکنیم و قسم به جهت راستی و درستی یادکردن منافات با اتمام اصول اساسی ندارد.

حاجی امین‌الضرب - عرض بنده این است امروز قسم خوردیم و این اصولی که امروز باید نوشته شود یکی دو فقره از این اصول قبول نشد آن وقت تکلیف چیست.

سعدالدوله - قسم بر دو نوع است یک قسم شرعی است که تکلیف هر مسلمانی و افراد ملت است. قسم بخورد که به ملت و دولت خود خیانت نکند و معلوم است هرکس داخل این کار و مجلس شده روز اول قسم خورده و یک قسم رسمی است که در این گونه موارد باید یاد کرد یعنی قسم بخورند که به این قوانین اساسی که گذاشته شده خیانت نکرده و تخلف نمایند. حالا که اصول آن تمام نشده صحیح نخواهد بود پس باشد برای چند روز دیگر که اصول اساسیه تمام شده و به صحنه برسد آن وقت قسم یاد نماییم.

حسام‌الاسلام - ما یک سلطنت داریم و یک دولت؛ سلطنت عبارت از شخص اعلیحضرت است و دولت عبارت از هیأت وزراء، باید وزرا هم قسم یاد نمایند که به ملت و سلطنت خیانت نکنند همچنان که ما قسم یاد می نماییم که خیانت به دولت و ملت ننماییم.

رئیس - البته آنها هم باید قسم یاد نمایند و در موقعش در نظامنامه نوشته شده و قید خواهد شد.

حاجی امین‌الضرب - بعد از تمام شدن نظامنامه اساسی ما قسم می خوریم و منتظر آنها هم نمی شویم.

آمیرزا فضلعلی - «الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله والصلوة والسلام علی محمد و آله المنتخبین علی ذلک بعد فقد قال الله تبارک و تعالی فاعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» خداوند متعال امر می کند ما بندگان را

به اینکه دل‌های خود را پاک نگاه داشته و باهم یکی باشیم و از هم جدا نشویم. الحمدلله اساس این کار به‌واسطهٔ این مجلس محترم تازه به‌دست آمده پس در این صورت برای ما لازم است که من بعد اسم اصفهانی و آذربایجانی و تهرانی و قفقازی و سنی و شیعه نبریم همه را در دایرهٔ اسلامیت دانسته و ابن اسلام بدانیم وقتی که این‌طور شد از این به بعد از بردن اسم مملکتی دون مملکتی عیب نمی‌بینیم و همه خوبی را برای یکدیگر می‌خواهیم و امیدواریم که رگ‌های ما و خون‌های ما رگ اسلام و خون اسلام باشد خواه قسم بخوریم یا نخوریم تفاوتی ندارد و هیچ قسمی بالاتر و بهتر از دانستن شرافت اسلام نیست:

ای بسا ناورد استثنا به گفت

جان او با جان استثنا است جفت

و کسی که این شرافت را نداند خدای نخواستہ خون آن پاک نیست باز تفاوتی برای آن نخواهد کرد خواه قسم بخورد و یا نخورد پس بهتر این است از بابت قسم این چند روزه مذاکره به میان نیاید تا اصول نظامنامهٔ اساسی تمام شود و چنانکه اشاره شد باید خود را مقید به قسم نکنیم بلکه مقید به اسلامیت بکنیم که خداوند حکم باشد میانهٔ ماها.

شروع به خواندن نظامنامهٔ مجلس سنا شد

مخبرالملک - چند ایراد در این نظامنامه به نظرم رسیده در حاشیه نسخه که در دست دارم یادداشت نموده‌ام در مادهٔ اول که عبارت آن این است مجلس سنا به موجب اصل چهل و یکم قوانین اساسی مؤسس و مقرر است لفظ مجلس شورای ملی بعد از لفظ قوانین اساسی لازم است نوشته شود که صریح باشد. در مادهٔ دوم که عبارت آن این است اعضای این مجلس مرکب از شصت نفر خواهد بود نصف از طرف قرین‌الشرف همایونی استقرار می‌یابد پانزده نفر از اهالی تهران و باقی از اهالی ایالات و نصف از طرف ملت انتخاب خواهد شد، به جای لفظ باقی عبارت پانزده نفر باید نوشته شود.

همه تصدیق نمودند که هر دو ایراد صحیح است و قرار شد به همین‌طور نوشته شود.

حاجی سید نصرالله - در مادهٔ دوم لفظ استقرار از طرف دولت و لفظ انتخاب از طرف ملت نوشته شده جهت چیست. باید هر دو را به لفظ انتخاب نوشته شود.

مخبرالملک - من دو ایراد دیگر دارم ایراد اول اینکه ما در انتخابات وکلای مجلس شورای ملی به تجربه فهمیدیم که انتخاب عمومی اسباب اشکال است و عقیده بنده این است که انتخاب اعضای مجلس سنا را به شهرهای بزرگ مخصوص نمایند اولاً به جهت اینکه عده اعضا کفایت بر تمام ولایات و شهرهای کوچک نمی‌کند. ثانیاً زودتر انتخاب می‌شوند. ایراد دوم شرطی است که برای منتخب و منتخب طبقات قرار داده‌اند و این صحیح نیست زیرا که مطلق شاهزاده و یا علما و یا اعیان معلوم نیست شخصیت داشته باشند خوب است ما که مسلمانیم لیاقت و علم را شرط قرار بدهیم و به سبب این شرط انتخاب مخصوص شهرهای بزرگ می‌شود و در شهرهای کوچک و دهات البته این‌گونه اشخاص نیست.

عون‌الدوله - ماها که مقصودمان این است بعدها مشوق باشیم جوانان مملکت درصدد تحصیل شرف و علم باشند شرط مخصوص بودن انتخاب اعضای مجلس سنا به شهرهای بزرگ مانع پیشرفت این مقصود است زیرا اهالی شهرهای کوچک و دهات وقتی که از این انتخاب محروم ماندند موجب یأس آنها شده دیگر در پی تحصیل شرف و علم نخواهند رفت.

مخبرالملک - شما وادار کردید نکته را که نایست بگویم لابد اشاره نمایم فعلاً اگر انتخاب دولت در مدت قلیلی به توسط تلگراف منتخبین خود را معین نموده و همه حاضر بشوند و منتخبین ملت مدت بسیاری طول خواهد کشید آنوقت مجلس سنا منعقد شده و اکثریت آرا با منتخبین دولت خواهد شد.

آقامیرزا فضلعلی - این مسأله را باید در فصل علیحده قید نمایند مادامی که عده منتخبین ملت مطابق عده منتخبین دولت حاضر نشده مجلس سنا منعقد نشود.

سعدالدوله - در ممالک خارجه به اجزای مجلس سنا موجب داده نمی‌شود به جهت اینکه از متمولین شاهزادگان و پیرمردان و نجبا که صلاحیت داشته باشند محض افتخار و شرف انتخاب می‌شوند حال نمی‌دانم در این باب اینجا هم قید شده و به همین جهت بود که پرسیدم حقوقی از طرف دولت برای اعضای مجلس سنا معین شده یا نه. مسأله دیگر که در انتخابات اینجا هیچ ملاحظه نشده در باب وکالت است که باید وکیل دارای شرایط و صفاتی که در نظامنامه قید می‌شود بوده و داوطلب باشد نه اینکه مجبوریت در کار باشد. اشخاصی که میل به وکالت دارند باید اسامی خود را اعلام نموده و خودشان را معرفی نمایند و داوطلب باشند.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

وقایع و مذاکرات روز یکشنبه سیم جمادی الاخری دارالشورای ملی نیز ادامه
مباحث درباره قانون اساسی بود:

خلاصه مذاکرات روز شنبه ۲ جمادی الاخری را آقا سید محمدتقی قرائت کردند
پس از آن شروع شد به قرائت قوانین مطبوعات پس از اتمام آن.

مرتضی قلیخان - در قانون اساسی فصل انطباعات هنوز تصویب نشده بهتر آن
است که آن ماده تصویب شود تا تکلیف اصلاح این قانون معلوم گردد.

رئیس - به عکس است اول باید مجازات معین شود بعد از آن، آن فصل بگذرد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - گمان بنده این است آن ترتیبی که امیرزا مرتضی قلیخان
اظهار داشتند صحیح است در قانون اساسی ماده‌ای که راجع به مطبوعات نوشته
شده در آن خیلی گفت‌وگوه‌ها شد و گفتند تا قوانین مجازات معین نشود نمی‌توان
تصدیق کرد ولی این ترتیب مخالف است با آن ماده که در آن جا نوشته شد زیرا که
اختیار آزادی در اینجا راجع به وزارت علوم شده.

وزیر علوم - اینجا آزادی فقط نظر به روزنامه و لوایح است و در کتب فقط
همین قدر اشاره شده است که باید ملاحظه شود.

آقا سید حسن تقی‌زاده - در آن ماده در کمیسیون خیلی گفت‌وگو شد همان عباراتی
که نوشته شده مخالف با این قانون است و باید در این جا فقط مجازات همین شود
و آن عبارت قانونی به حال خود باقی باشد.

میرزا محسن - شما آن روز در خصوص کتب گفته بودید که باید ملاحظه شود.

آقاسید حسن تقی‌زاده - بنده فقط در کتبی که مذهبی است گفتم باید به نظر
وزارت معارف برسد نه مطلقاً.

وزیر علوم - آزادی و عدم آزادی مطبوعات خیلی اسباب شبهه شده است به جهت
مردم اگر با من باشد من هیچ‌وقت صلاح نمی‌دانم چند حکایت در گلستان که اول
کتاب اخلاقیست درج شود اینجا نوشته شد هرگاه در روزنامه‌ها الفاظ قبیحه نوشته
شود مجازات داده می‌شود. همچنین در کتب خیلی دقت باید کرد که خلاف مذهب
نباشد و حال خیلی از کتب در اینجا چاپ شده و مردم هیچ در فکر نیستند مثلاً
گفتیم لغو نوشته نشود چه لغوی بدتر از دیوان یغما است یا اینکه منافی با مذهب
نباشد مثلاً بستان‌السیاحه در تهران چاپ شده تمام مذاهب باطله در آنجا نوشته
شده.

حاج سید نصرالله - آنها که نقل قول است ولی ما از طفولیت مبتلا بودیم از قبیل کتاب حسن و حسین که مخالف با عقیده مذهبی ما است و تفسیر که عقیده اشاعره را اشاعه داده ولی حالا به محض مجازات همه اینها رفع خواهد شد. وزیر علوم - حالا این لایحه قانونی ملاحظه شود به عقیده بنده عیبی نداشته باشد که مفتش برای کتب باشد.

حاج سید نصرالله - امیدواریم انشاءالله بعد از این نه از روزنامجات و اعلانات خلافی به موجب این قانون مجازات صادر شود و همه نواقص هم رفع گردد و حال آنکه در سابق ما مفتش داشتیم و به همه قسم بلیه مبتلا بودیم ولی حالا مبتلا نخواهیم بود و بی مفتش اصلاح خواهد شد.

آقاسید حسن تقی زاده - در کتابها اگر دقت شود و همچنین در روزنامهها چنانچه یک کتاب مقابل شاهنامه شاید یک سطری خلاف قانون باشد در این صورت باید زحمت بکشند از اول تا به آخر ببینند و این طول مدت لازم دارد پس همان تابع مجازات قانونی باشد ولی در کتب مذهبی طوری انجمن قرار بدهند که قبل از وقت ملاحظه شود و آن انجمن هم از علما باشند که اهل خبره و بصیرت باشند و کتب مذهبی را به کلی از آن ترتیب خارج کنید و فصلی علیحده بنویسید.

آقاسید محمدجعفر - کتب ضلال یک افراد جلیه دارد که محتاج به تحقیق نیست و ممنوع است و یک افراد خفیه دارد و البته باید تحقیق شده و به طبع برسد مثل کتب عارف او را باید اهل خبره ببینند اگر صلاح بود طبع شود والا فلا.

حاج سید عبدالحسین شهشهانی - تحقیقی که آقای تقی زاده کردند تمام است.

رئیس - اینها باید تصفیه اش در کمیسیون بشود.

آقاسید حسن تقی زاده - خوب است چاپ شود.

رئیس - پس از فی الجمله ملاحظه در کمیسیون چاپ می شود؛ چند فصلی از نظامنامه حکام قرائت شد.

تدوین نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی

روز پنج‌شنبه ۲۹ شعبان مجلس شورای ملی برای قرائت «نظامنامه‌ی تکالیف داخلی و کلا و مبعوثان» تشکیل شد و بعد از بحث و بررسی، با اکثریت آرا به تصویب نمایندگان رسید.

در میان مذاکرات دارالشورای کبری مورخ شنبه ۱۴ شوال نیز سخن از نظامنامه مجلس بود. ابتدا انعقاد مجلس درخصوص اعلانی که معاندین مجلس منتشر نموده‌اند مذاکرات به میان آمد، حاجی شیخ علی در ارسال مراسله به صدارت عظمی که روز پنجشنبه نوشته شده بود، استفسار کردند. امیرزا محسن فرستاده شدن مراسله و رفتن مدیر مطبعه شرقی را نزد آقایان و اظهاراتی که در عدم مسئولیت و تقصیر خود اظهار کرده بود اظهار داشتند. (مضمون نطق سعدالدوله در این موقع این بود)

که لازم است مطبعه‌ها و روزنامه‌ها آزاد باشند لکن باید در مقابل این آزادی دیوانخانه عدلیه تأسیس و قواعد و شروطی در این موضوع معین شده باشد که هرکس نتواند به میل نفس هرچه بخواهد بنویسد و طبع نموده منتشر سازد، و اگر مطلبی که موجب هتک شرف و ناموس کسی باشد طبع و نشر شود شخص منهتک به موجب آن قواعد حق داشته باشد نویسنده و صاحب مطبعه را مورد مسئولیت و مؤاخذه و طرف ادعا قرار دهد (درخصوص نظامنامه اساسی و مطالبه آن مذاکرات شد).

سعدالدوله استفسار نمودند که آیا به آنچه از طرف صدارت عظمی در این خصوص نوشته و اظهار شده است اکتفا می‌توان کرد یا نه؟ رئیس، عدم کفایت آن را اظهار داشتند.

سعدالدوله به این مضمون نطق نمودند که تمام مردم به من و صنیع‌الدوله تعرض نموده و می‌گویند که شما ملاحظه نموده و به‌طوری که لازم است نطق نمی‌کنید لیکن من ابدأً ملاحظه و باکی ندارم ولی می‌گویم با اینکه ما هنوز نظامنامه نداریم نمی‌توانیم چیزی بگوییم آنچه تاکنون گفته‌ایم چه اثری بخشیده در این صورت

خوب است مادامی که نظامنامه ما نیامده و به ما نرسیده چند روز مجلس را مرخص فرمایند تا نظامنامه داده شود.

دیگر اینکه حکام ولایات برای تصرفات مالکانه که در امر حکومت‌ها می‌کنند و خیالات مستبدانه که در نظر دارند مایل به پیشرفت عمل انتخاب و کلا ندارند و در این خصوص مسامحه می‌کنند.

در این خصوص عریضه مشتمل بر استدعای ارسال نظامنامه مجلس و اظهار احتمال اختلال در امر مجلس به واسطه تأخیر و تعویق فرستادن آن و اظهار دلتنگی از بعضی از وزرا به حضور همایونی عرض شد و مراسله هم به صدارت نوشته شد که عریضه مذکور به رسالت چند نفر از وکلا به حضور برسد.

صدیق حضرت تقدیم این عریضه همایونی را به واسطه تطویل آن با کسالت مزاج مبارک همایونی صلاح ندیدند. وثوق الدوله مطالبه و استعلام رأی عمومی مجلس را در ارسال و عدم ارسال آن خواستار شدند. حاجی امین دارالضرب اظهار داشتند که دیشب در اداره صدارت عظمی امر نظامنامه مطرح شده و محتمل است که رئیس را طلب و احضار کنند بالاخره اقلیت آراء بر این شد که عریضه به طور اختصار به حضور همایونی تقدیم شود در خصوص مراسله صدارت عظمی.

سعدالدوله رأی دادند که باید این مراسله متضمن دو جمله باشد یکی مطالبه تعیین تکلیف و یکی اظهار مجهولات طرف مذاکرات و خطابات و مسئولیت مجلس. معین‌التجار هم در موضوع تعیین تکلیف اظهار اتحاد رأی و هم عقیدگی نموده و گفتند در صورتی که ماها بلا تکلیف باشیم و حدود و حقوق ما مجهول باشد نتیجه اجتماع ما چه خواهد بود.

مخبرالملک در موضوع مطالبه و درخواست ورود وزرا اظهار مخالفت رأی نموده و گفتند از طرف مجلس نباید مطالبه احضار وزرا به مجلس بشود بلکه در موقع لزوم و احتیاج وزارتخانه‌ها خود وزرا باید به مجلس حاضر شوند.

در بقیه مذاکرات روز شنبه بیستم ذی‌الحجه الحرام دارالشورای ملی بحث از نظامنامه داخلی مجلس پیش کشیده شد:

آقاسید حسین - این مجلس امروز ما قرار بود که روز یکشنبه یا روز دیگر بدون حضور تماشاچی‌ها باشد که بعضی اعتراضات و صحبت‌ها بنماییم حال اینکه گفته می‌شود که ما قانون را در حق خود مجرا نمی‌داریم این نسبت به وکلا توهین است

و علاوه وکیلی که اجرای نظامنامه داخلی را نخواستہ باشد درحقیقت خیانت کرده پس دیگر از این مسأله باید صرف نظر کرد و باید رئیس مجلس بدون ملاحظه نظامنامه داخلی را مجرا نماید به رنجش کسی اعتنا نکند اما در باب کمیسیون‌ها تأسیس آنها برای این بود که امورات به ترتیب صحیح و منظم از مجلس بگذرد و سابق یک ترتیبی بود که هروقت قوانینی حاضر بود در مجلسی قرائت می‌شد و هرگاه ایرادی داشت سه چهار روزه طول کشیده بالاخره اصلاح می‌شد حال آن ترتیب از بین رفته و اصلاح کمیسیون‌ها هم منوط به اصلاح کمیسیون اعضای رئیسه است که بعضی از آن اعضای داخل در کمیسیون مالیه و سایر کمیسیون‌ها می‌باشند همچنین اعضای هر کمیسیونی در چند کمیسیون عضویت دارند این است که کاری از پیش نمی‌رود باید اعضای هر کمیسیونی یک کار داشته باشند تا بتوانند کاملاً به آن رسیدگی نمایند.

اما در باب رسوم تومانی یک عباسی چندی قبل جمعی از مستوفیان شرحی به وزارت مالیه نوشته بودند که حقوق ما کم است و این تومانی یک عباسی قرار بود جمع دولت شده و به ما هم به قدر کفاف حقوق بدهند.

وکیل‌التجار - بنده کراراً گفتم که یک روزی مجلس مخصوص وکلا باشد که بعضی صحبت‌ها و درد دل نماییم این نشد تا اینکه امروز مجلس این‌طور اقتضا کرد اما چون صحبت از کمیسیون مالیه شد و بنده هم یکی از اعضای آن کمیسیون هستم لازم است که دفاعاً عرض کنم تومانی یک عباسی را کمیسیون مالیه و مجلس رأی ندادند و هرکس این نسبت را بدهد دروغ است دیگر اینکه کمیسیون مالیه در بودجه مملکتی دخل و تصرفی نکرده و در هیچ موضوعی رأی شخصی نداده اگر داده است هرکس اطلاع دارد بگوید اما در تنظیم داخلی مجلس باید ما خودمان حاضر باشیم در اجرای قانون و نگذاریم که هر یک مداخله در کارهای دیگری نمایند و بی‌جهت هرکس داخل در کمیسیون‌ها نشود که اسباب تعطیل کار آنها بشود.

اگر این‌طور شد آن وقت کمیسیون‌ها می‌توانند مشغول کار بشوند کمیسیون مالیه همیشه منعقد است ولی مزاحمت واردین از مردم و وکلا و جواب دادن واردات مانع از کار آنها است چنانچه کمیسیون رئیسه هم به همین درد مبتلا است پس تمام این عیب‌ها از خودمان است.

مخبرالملک - خلاصه مطلب خود را خوبست مجدداً اظهار نمایم اینکه گفته شد مجلس ما مثل پارلمان انگلیس نیست صحیح است اما اول باید مجلس تابع قانون بشود تا اینکه بتوانند مثل پارلمان انگلیس باشند تا مجلس به قانون موضوعه خود رفتار نمایند و بعد وزراء تابع آن قانون نشوند و بعد اهالی مملکت آن مملکت مملکت نخواهد شد و آن هم باید یک روزی از این اتاق شروع بشود.

اما در باب مالیه گفته شد که کمیسیون مالیه تا کنون از بابت سنه آتیه مشغول کاری نشده مقصود ما این نبوده که مشغول کار نیستند بلکه باید آنها نقشه کار را ترتیب داده به مجلس ارائه بدهند اگر تصویب شد آن وقت مشغول عملیات آن نقشه بشوند که تا پانزده روز به عید مانده تکلیف بودجه معلوم شود مطلب دیگر در باب تومانی یک عباسی اعتراض به مجلس و کمیسیون مالیه نکردم بلکه درحقیقت خدمتی به کمیسیون نمودم زیرا که چنین شهرت داشت که این اجازه از طرف مجلس است حالا می‌شنوم که مجلس کمیسیون مالیه هیچ‌کدام این مطلب را تصویب نکرده‌اند.

اسدالله میرزا - بنده ناچارم از اینکه دو کلمه جواب یکی از وکلای محترم را که گفت ملت ایران شش هزار سال است در بوته جهالت بوده‌اند بگویم که یک نفر از صاحبان جراید بزرگ انگلیس می‌نویسند که ملت ایران همیشه در علم و صنعت سرآمد سایر ملل بوده‌اند و سایر دول در بوته جهل و نادانی مانده بودند این مطلب را محض تذکر عرض کردم که ملت ایران هیچ‌وقت جاهل نبودند این ضعف و عقب‌افتادن آنها از معارف به واسطه بعضی از موانع بود.

اما اینکه در اینجا صحبت از رشته اصلاح بودجه مملکت شده همان‌طوری که گفتند ما امروز دچار یک مخاطره بزرگی هستیم که آن نداشتن مالیه است و باید مجلس از وزرای محترم بخواهد که در این خصوص چه اقدامی کرده‌اند و این مطلب خدمت بزرگی است به ملت زیرا که اصلاح کلیه امور منوط به اصلاح مالیه است.

آقاسید مهدی - بنا بود که یکی از این چهار روز مجلس منحصر باشد به وکلا که تا این مذاکرات در حضور تماشاچی‌ها نشود حالا بفرمایید که آن روز را چه روزی خواهید قرار داد.

صدیق حضرت - میرزا حسین خان که یکی از منشی‌های وزارت امور خارجه است

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

یک فرمانی صادر کرده بود و آورده بود به کمیسیون مالیه کمیسیون آن را فرستاده که وزیر مالیه تصویب نماید.

وزیر مالیه گفت تصویب من منوط به تصویب مجلس است بعد وزیر امور خارجه شرحی در این خصوص به کمیسیون مالیه نوشت و کمیسیون مالیه بدون اجازه مجلس رأی داده و تصویب کرد که وزارت مالیه این وجه را بدهد و حال آنکه این وجه در بودجه مالیه پارسال نبود.

وکیل التجار - بنده که در کمیسیون مالیه هستم همچو فرمانی را ندیده و اطلاع هم ندارم.

نمایندگان در مذاکرات روز سه‌شنبه ۱۹ جمادی‌الثانی دارالشورای ملی به بحث از وظایف قانونی مجلس پرداختند:

خلاصه مذاکرات روز یکشنبه هفدهم را آقاسید محمدتقی قرائت کردند.

شروع به قرائت نظامنامه وزارت داخله شد. پس از قرائت چند فصل مذاکره در این شد که اگر اینطور نظامنامه قرائت شود مطالب کما ینبغی مفهوم نمی‌شود تا درست تصحیح شود باید مثل سایر نظامنامه‌ها بدواً چاپ شده به وکلا داده شود که از روی بصیرت دقت نموده نظرات خود را یادداشت نموده بنویسند و بعد در مجلس خوانده شد تصویب گردد.

دکتر ولی‌الله خان - قانون کمیسیون پارلمنتها این است که باید اعضای آن یک ماه به یک ماه عوض شود حال ببینیم اینجا مدت کمیسیون این نظامنامه یک ماه شده است.

رئیس - این ترتیب در اینجا ملاحظه نشده.

وثوق‌الدوله - ملتزم نیست کمیسیون به عوض نمودن اعضا.

اغلب اظهار داشتند که چاپ شود و بعد ملاحظه نمایند.

رئیس - این ترتیب ممکن نیست بهتر این است این دوره خوانده شود و دوره بعد هر کس خواست اصل همین نسخه را چندشب برده دقت کنند و ایرادات خود را بنویسند.

حاج امام جمعه - گویا قصد شما این است که تا یک سال دیگر تمام نشود لااقل بیست نفر خواهند خواست که ملاحظه کنند و با این ترتیب مدتی به‌طول خواهد انجامید اغلب گفتند که بایست به طبع برسد.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

صدیق حضرت - حالا که قرار شد چاپ شود بهتر آن است که آقایان روز آخر همه اوراق خود را امضا نموده که معلوم شده کی دقت کرده و کی دقت نکرده.

آقاسید حسن تقی‌زاده - اگرچه عرض بنده تازگی ندارد ولی به این ترتیبی که پیش می‌رویم هروقت اظهار کنم تازگی دارد همیشه گفته‌ام در هر کاری که پیش می‌رویم باید از روی ترتیب باشد خصوص در کاری که سعادت و اقبال یک ملت و یک مملکت بسته به او باشد گمان من اینست که اگر در دنیا هیچ مجلس و پارلمانی تشکیل نشده بود و ما می‌خواستیم از نو یک اساسی برپا کنیم از این ترتیب بی‌نظم‌تر نمی‌شد الان یک سال از صدور فرمان می‌گذرد و در این مدت هیچ رعایت نظامنامه داخلی مجلس نشده است.

بهتر آن است که از اول سال دوم از روی نظامنامه داخلی رفتار کنیم کمیسیون‌ها را از روی ترتیب مرتب نماییم نظامنامه‌ها را قبل از مذاکره مثل همه جا چاپ کرده به همه بدهیم مذاکرات هر روز روز قبل از طرف رئیس مجلس معین شده بی‌ترتیب صحبت نکنیم.

بر فرض این نظامنامه‌ها در کمیسیون تنقیح شود اصل نسخه که به مجلس نمی‌آید که معلوم شود چه تغییری در کمیسیون داده شده است فقط همان نسخه را که کمیسیون ترتیب می‌دهد در مجلس قرائت می‌کنند و حال آنکه شاید در اصل نسخه پنجاه اشتباه شده باشد و بعضی ملاحظات در اصل نسخه بود که به کلی از بین می‌رود.

محقق‌الدوله - این رعایت باید از یک نفر باشد یا از تمام.

آقاسید حسن تقی‌زاده - خیراز همه گذشته از اینها ما در این مدت یک سال ابداً رعایت از این نظامنامه نکرده‌ایم و کانه این نظامنامه داخلی را مثل کتاب سعدی فرض کرده‌ایم که فقط به جهت نصیحت ترتیب شده باشد اگر کسی خواست رفتار نماید والا فلا شخص رئیس که مسئول این کار هستند باید این نظامنامه را مجری سازند.

رئیس - اگر منحصر به بنده باشد مشکل است بنده از عهده آن برآیم باید همه همراهی کنند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - گویا آقایان ملتفت نشدند دوباره توضیح شود مثلاً هر مطلبی که باید مذاکره شود از سه روز قبل اخطار شود که دیگر کسی حق تخطی

نداشته باشد که از موضوع خارج شود جناب رئیس هم به کسی حق نطق ندهند دو طرف رئیس باید فاصله باشد.

دو نفر نایب رئیس طرفین ایشان بنشینند سایر مطالبی که در نظامنامه است رعایت شود آن وقت به خوبی و آسانی مجلس منظم خواهد شد.

آقای آقامیرزا سید محمد مجتهد - عمده ترتیب و نظم داخلی مجلس و رسیدگی به حال و کلا است همین مسأله الان دست‌آویز مفسدین شده و اگر این ترتیب درست نشود هیچ فایده مترتب نخواهد شد.

حاج امین‌الضرب - حالا تکلیف به این نظامنامه حکام چه شد.

تهیه نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی

وقایع و مذاکرات پنجشنبه غره جمادی الاول دارالشورای ملی به بحث از نظامنامه انتخابات پرداخت؛ در این جلسه پس از قرائت خلاصه مذاکرات روز سه‌شنبه ۲۹ توسط آقای میرزا طاهر، نمایندگان شروع به سخن کردند:

آقای میرزا محمود - اگر اجازه بفرمایید امروز که پنجشنبه است و باید مطالب متفرقه گفته شود مطلبی است عرض کنم.

رئیس - چون کار مهمی در پیش است و آن قانون اساسی است باید او را قرائت کرد.

آقای شیخ ابراهیم - خوب است در خصوص فرستادن نظامنامه انجمن‌ها گفت‌وگو شود و بعد قانون اساسی قرائت شود.

رئیس - در خصوص نظامنامه انجمن‌ها حاجت به گفت‌وگو نیست دولت به توسط حکام فرستاده مجلس هم رأی نداد که کسی از طرف مجلس برود.

حاجی امام جمعه خوئی - جناب رئیس عجلتاً باید کاری کرد که این انقلابات از ولایات رفع شود فرستادن نظامنامه بدون معلوم از طرف مجلس نتیجه خوبی نخواهد داشت.

اشخاصی که در آن دوره انتخاب شده‌اند انتخاب آنها مطابق این ترتیبی که در این جا نوشته شده نیست اگر چنانچه این نظامنامه برود و انتخاب آنها مطابق این نظامنامه نباشد و بخواهید تغییر بدهید منجر به اغتشاش خواهد شد.

آقا میرعماد - اگر بنا بشود تغییر بدهند اسباب انقلاب خواهد شد در این نظامنامه نوشته شده که عده بیشتر از اینها که حالا انتخاب شده‌اند خواهد بود این اشخاصی که از سابق انتخاب شده‌اند به حال خود باشند مابقی را هم مطابق این نظامنامه انتخاب کنند.

حاج امام جمعه خوئی - صحیح است مجلس نباید مسئول بشود ولی اگر انقلابی ظاهر شد آن وقت چه باید کرد چه ضرر دارد پیش از وقت جلوگیری شود.

وکیل‌التجار - در باب اختلاف از بابت وکلای سابق چنان به نظر می‌آید که خیلی کم خواهد شد زیرا که آنها از سابق به اکثریت آرا منتخب شده‌اند و با کمال درستی

مشغول شده‌اند اما از بابت کم و زیادی عده اعم از اینکه بروند یا نروند اختلاف خواهد شد.

آقا شیخ حسین - هشت ماه است که در اینجا نشسته‌ایم و مردم می‌گویند که ما هیچ کار نکرده‌ایم در حقیقت هم همین‌طور است تاکنون ما گرفتار همین انجمن‌ها بودیم حالا کار را باید تمام کرد که بعدها باز گرفتار نشویم.

رئیس - این مطلب کوچک نیست در تمام ممالک انجمن‌ها بدو تشکیل شده و بعد مجلس ملی تشکیل داده شد ولی در اینجا برعکس شده حالا باید این انجمن‌ها را منظم کرد.

آقا شیخ حسین شهیدی - هر وکیل که از یک جایی معین کرده‌اند لابد اطمینان به او داشته‌اند حالا اگر وکیل برود و ترتیب انجمن‌ها را بدهد بهتر است.

حاج محمدتقی - آن وقتی که آن اغتشاش در قزوین بروز کرد شما در قزوین بودید چرا نتوانستید جلوگیری نمایید.

آقا شیخ حسین شهیدی - آنها چند نفر معدودی بودند جزئی اغتشاش هم ظاهر شد بعد هم اصلاح شد.

حاج امام جمعه - اینکه می‌گویند رفتن وکلا از عده وکلا در اینجا کم می‌شوند ما می‌بینیم هر روزی که مجلس منعقد می‌شود لاقبل بیست نفر از وکلا حاضر نیستند پس اگر همین عده بروند به ولایات و رفع این انقلاب را بنمایند چه ضرر دارد.

رئیس - آن روز را اکثر گفتند حاجت به رفتن کسی نیست.

حاج امین‌الضرب - یک مأموری لازم است برود ولی نه از طرف مجلس بلکه کسی باشد که هم مجلس و هم وزارت داخله و هم وزارت علوم صلاحیت او را تصویب کنند این ترتیب ضرر ندارد.

رئیس - اینکه از جانب دولت مأموری برود یا نرود با خود دولت است ولی از طرف مجلس گفته شد کسی لازم نیست برود.

آقا سید حسن تقی‌زاده - این مسأله را عنوان کردن که از طرف مجلس وکیل برود هیچ نباید طرح کرد زیرا که مخالف تمام قوانین است و بر فرض اکثریت آرا علاوه باز مخالف قانون است ولی معلمی از طرف دولت به راهنمایی مجلس برود ضرر ندارد.

رئیس - پس باید این مطلب را راجع کرد به دولت که اگر لازم است اشخاصی را

معین کرده بفرستند.

حاج امام جمعه - بلی نرفتن از طرف مجلس قاندهاش این است که مسئولیت از عهده مجلس ساقط می شود ولی مجلس نباید در این موقع بعد از اینهمه انقلابات خود را بی طرف قرار دهد باید در فکر برادران دینی خودمان که مبتلا به صدمات هستند باشیم.

رئیس - پس رأی این است که کاغذی به وزارت داخله نوشته شود که مأموری بفرستند.

حاج سید عبدالحسین شهشهانی - نه به طور مطلق بلکه مجلس هم به این اشخاص اطمینان و اعتمادی داشته باشد.

حاج سید نصرالله - اطمینان را باید وزارت داخله حاصل نماید اگر نظامنامه قرائت شود معلوم می شود.

آقامیرزا محمود خوانساری - قبل از رفتن نظامنامه در ولایات اختلافی نبود حالا چه ضرر دارد نظامنامه برود هرگاه اختلافی ظاهر شد آن وقت مأمور برود.

آقا سید حسن تقی زاده - باید بدانیم که کار در این دنیا ترتیبی داشته یا آنکه باید ما تمام را در این مجلس مطرح کرده مدتی در آن مباحثه و مذاقه کنیم لابد ترتیبی در میان بوده است مسئولیت را تمام به ما نمی دهند اگر هم قبول کنیم غلط است فقط باید از وزارت داخله خواست الا این که وقتی که او خواست مأمور بفرستند صلاحیت اشخاص باید به تصویب مجلس باشد قبل از وقت هم باید تعیین مصارف و مخارج آن از طرف مجلس بشود.

حاج امام جمعه - ترتیبی را که آقای تقی زاده گفتند صحیح است اما چون اهالی این مملکت مثل اهالی سایر ممالک نیستند مجبوریم پاره ای ترتیبات را در میان بگذاریم.

ادیب التجار - مگر این نظامنامه غیر از زبان فارسی نوشته شده در این صورت حاجت به رفتن معلم نیست بر وفق نظامنامه رفتار خواهند کرد.

لسان الحکما - چنانچه در این جا پاره ای اختلافات هست که بعضی خود را نسبت به مجلس می دهند بعضی به دولت در سایر ولایات هم همینطور است پس بهتر است معلمی از طرف وزارت داخله برود ولی در مجلس هم معرفی شود.

احسن الدوله - این انجمن ها این همه خودکشی ها که کردند همه منتظر این

نظامنامه هستند اگر حکام پاره‌ای تحریکات نکنند به محض رفتن این نظامنامه خود آنها اصلاح می‌کنند برویم بر سر قرائت متمم قانون اساسی.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - در نهایت اهتمام و دقت هر فصلی را دوبار سه بار به تکرار مذاقه و مباحثه کنید و خوانده شود که باعث اطمینان ملت باشد.

رئیس - پریشب تا این ماده که باید هیأتی از علما تشکیل شود قرائت شد در اینجا مطلب ناتمام ماند که آیا این هیأت در خارج از مجلس باشد یا داخل در مجلس.

صدیق حضرت - پیش از این هم ماده دیگری ناتمام ماند در خصوص تأمین تبعه خارجه.

رئیس - گویا آن ترجمه غلط باشد.

وثوق الدوله - بهتر این است که این‌طور نوشته شود اتباع خارجه از تمام قوانین مملکت بهره‌مند هستند مگر در جاهایی که قانون مستثنی کند در این موضوع مذاکرات زیاد به میان آمد قرار شد مجدداً مراجعه شده بعد از تنقیح نوشته شود در خصوص ماده که راجع بود به تشکیل هیأتی از علما تغییراتی که در آن ماده داده شده بود قرائت شد جناب آقا سید حسن تقی‌زاده در این موقع عنوانی کردند که حق نظری که از طرف شارع مقدس به علما داده شده بر سبیل عمومیت است علما کلیه در تطابق احکام جزئی با قواعد کلیه نظارت دارند در این صورت نمی‌شود این حق عمومی را سلب و منحصر به افراد مخصوص کنیم.

در این موضوع مذاکرات زیاد به میان آمد آقای حاجی میرزا علی آقای تبریزی مباحثات و مناقشات علمی زیاد نمود چون اغلب آنها علمی بود و با وجود تهاجم مذاکرات ممکن نبود بر وجه صحت ضبط شود از این رو در این دو نمره چون باید عیناً بدون کم و زیاد درج شود ناچار ما هم غمض عین کردیم در نمره قبل هم به وسیله رقعجات از طرف اداره تمنا نمودیم که نطق‌های مهم خودشان را که دارای نکات علمی است به اداره بفرستند تاکنون نرسیده اینک هم مجدداً درخواست می‌کنم که این‌گونه نطق‌ها را محض عدم وقوع اشتباه خودشان به اداره ارسال دارند.

در مذاکرات روز سه‌شنبه دوم ذی‌الحجه الحرام دارالشورای ملی نیز از قانون انتخابات سخن گفته شده است:

خلاصه مذاکرات روز یکشنبه سلخ ذی‌القعدة را آقامیرزا طاهر قرائت کردند. آقاسید حسین - در اینجا قرار شده است که روز ۵ شنبه انتخاب و کلا شود بدون مقدمه انتخاب شود صحیح نیست قرار شد که عده‌ای را صورت نوشته و معرفی شوند که هنگام رأی دادن از روی بصیرت و اطلاع باشد. استدعا دارم اگر اسامی آن اشخاص نوشته شده معرفی بشوند. آقامیرزا محسن - اول ترتیب این را بفرمایید بدانیم که همه آن عده را باید مجلس انتخاب نماید یا نه.

آقا سید حسین - باید مجلس انتخاب نماید. سیدالحکما - انتخاب و کلا یا به موجب نظامنامه است که شصت نفر معین شده و اگر خارج از نظامنامه است مجلس مختار است هرچه می‌خواهد انتخاب می‌کند عده که فعلا موجودند پنجاه و سه نفر می‌باشند و سه نفر از فلاحین باید انتخاب شوند چهار نفر دیگر باقی می‌مانند.

آقاسید حسین - سه نفر که از برای اعیان انتخاب کرده بودند و آن عده که از برای طبقات معین شده است زیاده از شصت نفر می‌شود زیرا وقت انتخاب به اعیان و اشراف اعلان کردند که بیایید وکیل انتخاب کنید.

بعد گفتند که زیاد می‌شوند گفتند حق اعیان و اشراف از قلم افتاده و به آنها حق انتخاب داده شد و هنوز یک نفر وکیل هم از جانب آنها در مجلس هست پس باید عوض آنهايي که استعفا داده‌اند انتخاب شود.

میرزا محمود - ما می‌خواهیم بدانیم این اشخاص هرگاه استعفا نمی‌دادند یا مرحوم نمی‌شدند آیا آنها وکیل بودند یا نه اگر وکیل بودند حالا هم باید مجلس عوض آنها را انتخاب نماید.

آقا شیخ حسین - البته مجلس هر وقت می‌تواند قانونی را تغییر بدهد ولی در باب اعیان و اشراف در همان نظامنامه جزو ملاک هستند.

و اما آقا شیخ شهیدی هنوز استعفایش معلوم نیست و وکیل کرمانشاهان را که مرحوم شده باید از خود آنها انتخاب شود حال اگر اکثریت آرا به این طور که شما گفتید قرار گرفت البته سایرین سکوت می‌نمایند.

و به موجب نظامنامه شصت نفر وکیل برای تهران شده است پنجاه و یک نفر حاضرند و نه نفر باقی می‌ماند چهار نفر که حق مجلس نیست مال فلاحین است و

یک نفر را هم که به اهل حضرت عبدالعظیم دادند چهار نفر را باید مجلس انتخاب نماید.

لسان‌الحکما - گمانم این است که رفع این اختلاف به ورقه رأی می‌شود و پس از آن که به ورقه رأی اکثریت آرا معلوم شد ر حقیقت همان قانون است.

آقاسید حسین - این که گفته شد اعیان و اشراف جزو ملاکین است وکیل آنها را به رقعہ دعوت مجلس قبول کرده چیزی که قبول شد چه‌طور میتوان گفت که حال حق ندارند در صورتی که یک وکیل آنها در مجلس هست حال این وصف هشت نفر چه‌طور چهار نفر می‌شود پس باید همان‌طور که به اعیان و اشراف حق داده شد عوض وکلای آنها انتخاب شود.

وکیل‌الرعا یا - به موجب قانونی که به مجلس حق داده عوض وکلایی که استعفا داده‌اند یا مرحوم شده باید مجلس آنها را انتخاب نماید دیگر این صحبت‌ها برای چیست.

مخبرالملک - این عده که هم در قانون انتخابات و هم در قانون اساسی نوشته صحیح است ولی در صورت لزوم مختاریم تا دویست نفر وکیل انتخاب نماییم.

اما در نظامنامه انتخاب فقط یک سیاهه است که در آنجا شصت نفر برای تهران معین شده و در آنجا اعیان و اشراف از قلم افتاده اما در قانون اساسی نوشته است که یکصد و شصت و دو نفر است و تا دویست نفر لدی‌الاحتیاج مجلس می‌توانند انتخاب نماید و حال پنجاه و دو نفر در تهران انتخاب شده چهار نفر از علما و طلاب چهار نفر از شاهزادگان و قاجاریه ده نفر از تجار چهار نفر از ملاک و سی و دو نفر از اصناف ولی از اصناف بیست و نه نفر انتخاب شد چون بیشتر از این دیگر از طبقات اصناف حاضر نشدند و حال هشت نفر از شصت و دو نفر ما باقی داریم چهار نفر از آن را می‌توانیم به فلاحین بدهیم و چهار نفر دیگر را هم برای خود اخذ نماییم که در مواقع لازمه حق بدهیم پس برحسب قانون ما باز به آن اندازه که باید انتخاب بشوند کم داریم بنابراین آن وکلایی که استعفا داده‌اند یا فوت کرده‌اند مجلس می‌تواند عوض آنها را انتخاب کنند بلی عوض وکیل کرمانشاه باید مجلس از خود کرمانشاهی‌ها انتخاب کند اگر به موجب نظامنامه باشد والا خود مجلس انتخاب می‌کند و اگر صنایع‌الدوله را هم ضمیمه کنیم نه نفر را مجلس باید انتخاب کنند و چند نفر دیگر هم هستند که مدتی است در مجلس حاضر نمی‌شوند خوب است

تکلیف آنها هم معلوم شود اگر استعفا دادند که مجلس عوض آنها را انتخاب کند و اگر استعفا ندادند آن هم باید معلوم شود که به چه اندازه مجازند حاضر نشوند یک دفعه رئیس مجلس به وکیلی اذن می‌دهد آن زیاد از یک هفته نباید باشد و اگر خود مجلس اذن بدهد آن هم باید مدت معینی داشته باشد بعضی پانزده روز اذن گرفته و حال سه ماه است که حاضر نمی‌شوند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - اگرچه یک سال بلکه بیشتر است که مکرر عرض کرده‌ام و هیچ ثمر نبخشیده.

معهدا یک سال دیگر هم باید بگویم و آن این است که ابداً مجلس به قانون‌ها و نظامنامه‌ها عمل نکرده حتی قوانینی که برای خود نوشته است و این‌طور را بنده صحیح نمی‌دانم باید قانون را رعایت کرد و اگر علتی داشته باشد مجدداً او را در کمیسیون لوایح قانونی تنقیح کرد و او را باید مقدس شمرد و مطابق النعل بالنعل عمل نمود و تا حال ندیدم که به یک قانون کاملاً عمل شود.

مثلاً وکیلی پانزده روز می‌رود بعد از چند وقت می‌آید و همین‌طور است حال تماشاجی و روزنامه‌نویس و حال آن که باید اگر مجلس خاص و بدون حضور همه باشد روزنامه‌نویس هم نباید حضور داشته باشد و اگر آنها باید باشند تماشاجی هم باید باشند مقصود این است که این قانون هم همین‌طور است اگر باید آن را در کمیسیون تحقیق کرده تنقیح شود آن وقت در آن مذاکره شود نه این که به یک حساب انتخاب دو نفر حق مجلس است و به یک حساب ده نفر اگر به آن نظامنامه باید عمل شود که هرچه کسر است باید انتخاب نمایند.

وکیل‌الرعا یا - به حکم قانون مجلس باید هشت نفر را انتخاب نماید دیگر علت این مذاکرات را نمی‌دانم.

اسدالله میرزا - در صورت مجلس پریروز قرار شد که وزیر امور خارجه بیایند بعضی توضیحات بدهند آیا اخطار شده یا نه.

نایب رئیس - اخطار شده است گویا تشریف بیاورند و این مطلب هم اگر باید به کمیسیون تنقیح لوایح رجوع شود رجوع نمایند.

آقا میرزا محمود - بنده عرض می‌نمایم که آیا این چند نفر وکیل بوده‌اند یا خیر اگر این‌طور است که باید مجلس عوض آنها را انتخاب نماید.

آقا شیخ حسین - به موجب نظامنامه شصت نفر برای تهران است این طوری که

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

گفته می‌شود زیادتر خواهد شد پس یا باید به موجب نظامنامه رفتار نمایید یا این که آن را تغییر بدهید.

مخبرالملک - در نظامنامه انتخابات فقط یک صورتی نوشته‌اند که جمعش صد و شصت نفر است.

ولی در قانون اساسی صد و شصت و دو نفر نوشته شده نه پنجاه و دو نفر در تهران انتخاب شده این عده که مانده چهار نفر را به فلاحین بدهند و باقی را هم صرف کنند.

وکیل‌الرغایا - ما حق داریم وکیلی را انتخاب نماییم که یا به وسیله استعفا یا به وسیله موت از مجلس رفته باشند.

آقا شیخ حسین - اگر باید به قانون اساسی عمل کنیم زیاده از شصت نفر را باید به ولایات بدهیم که متصل داد می‌زنند که می‌خواهیم وکیل از طرف ما هم در مجلس باشد.

آقا سید حسین - این شش نفر حق اعیان و اشراف است که عدد آنها در زیر اسمشان نوشته شده و شاهد بهتر از این نمی‌شود که شش نفر وکیل آنها به مجلس آمده و رأی هم داده‌اند حال می‌خواهید تغییر بدهید مطلب دیگری است ولی به موجب قانون اساسی باید صد و شصت و دو نفر باشد.

آقای حاج امام جمعه - می‌خواهم بدانم زیاد شدن وکلا صحیح است یا نه اول در این خصوص حرف بزنیم و اینکه هر وکیلی وارد به مجلس شد و بعد رفت ببینیم باید عوض او را مجلس انتخاب نماید زیرا که اینها هم دو قسم است یک قسم اینکه از وکلای مجلس باشد و برود بلی مجلس باید عوض او را انتخاب نماید.

یکی هم این است که مجلس به جهت مصلحتی وکیلی را قبول می‌نماید مثل مسأله زنجان که دو دسته شده بودند در این صورت اگر آن وکیل رفت دیگر نباید حتماً مجلس عوض او را انتخاب نماید یکی اینکه این نظامنامه که نوشته شده است توضیح بدهند که بنده ملتفت شوم نسبت به جمعیت ایران تخمیناً هر صد هزار نفر حق یک نفر وکیل دارند به این قاعده به جمعیت تهران سه نفر می‌رسد اگر به ملاحظه ضعف نماییم شش نفر می‌رسد به مضاعف هم حساب کنیم به ملاحظه پایتخت بودن دوازده نفر می‌شود چه‌طور است که از برای تهران شصت نفر معین شده و مثلاً از برای آذربایجان که تقریباً سه کرور جمعیت دارد دوازده نفر معین شده

است.

حاج معین‌التجار - اینکه برای تهران شصت نفر معین شده برای مواعی که آن روز در کار بود این عده معین شد و خواستند که از همان روز مجلس منعقد شود تا بعد وکلای ولایات برسند و اگر منتظر وکلای ولایات می‌شدند طول می‌کشید.

آقای حاج امام جمعه - صحیح است چون موانع خارجی اقتضا می‌کرد که به این عده باشند و این مجلس را زودتر منعقد نمایند. پس موقتی است و به این واسطه بوده نه از راه استحقاق پس زیادکردن وکیل بعد از رفع موانع به عقیده من چندان وجوبی ندارد.

آقا سیدحسین - عرض می‌نمایم که موقتی نبوده بلکه در تمام پایتختها مقرر است که شصت نفر وکیل انتخاب میکنند که تا به رسیدن وکلای ولایات آنها مشغول کار باشند.

آقای حاج امام جمعه - گمان نمی‌کنم در تمام پایتختها این‌طور باشد علاوه پایتختها تفاوت دارد مثل لندن و پاریس که نفوسشان بالغ بر چند میلیون است نمی‌شود اینجا را قیاس به آنها کرد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - این وجهی که گفته شد در دوره اول باید همین‌طور باشد اما در دوره دوم هیچ کس این رأی را نخواهد داد و انشاءالله به دوره دوم که برسند ترتیبی دارد و البته قرارش داده می‌شود.

حاج سید نصرالله - توضیحی که آقای تقی‌زاده گفتند صحیح است اگر مراد این دوره است که باید مطابق همین نظامنامه رفتار شود و اگر مراد دوره دوم است که بعد ترتیبش داده می‌شود و اگر این نظامنامه برای این دوره هم مفید نیست همان‌طور که گفتند این نظامنامه را در کمیسیون لوایح برده تصحیح و تنقیح شود.

حاج معین‌التجار - آنروز که این نظامنامه نوشته شد تمام این ملاحظات در او شده و چیزی فروگذار نشده و ابداً به هم زدن او مصلحت نیست و باید همین‌طور که نوشته شده عمل شود.

آقای حاج امام جمعه - می‌خواهم ببینم اشخاصی که رفته‌اند اگر به موجب نظامنامه است باید عوضشان انتخاب شود اگر مصلحتاً بوده است لازم نیست مقصود بنده این است.

رئیس - در این مطلب مذاکرات به قدر کفایت شده نتیجه چه خواهد شد.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آقامیرزا سید علینقی - نتیجه این است وکلایی که استعفا کرده یا مرحوم شده‌اند به موجب تحقیق جناب مخبرالملک هشت نفرند و باید عوض آنها را مجلس انتخاب بنماید و دیگر از بابت آن اشخاصی است که باید انتخاب شوند قرار شد که اسامی آن اشخاص معین شده و در بین خود و کلا صحبت شده روز پنجشنبه انتخاب شوند. عمادالحکما - اینها خارج از موضوع است موضوع مذاکره آن است که آنچه مجلس حق دارد انتخاب نماید عده آنها معین شود.

آقامیرزا فضلعلی آقا - نظامنامه‌هایی که قبل از ما نوشته‌اند یا ما برای بعد می‌نویسیم اگر بنا باشد ما نفهمیم پس کی خواهد فهمید امروز ما نظامنامه داریم اگر صحبت در نسخ آن است که هیچ اگر نیست که بر طبق آن رفتار شود. رئیس - آقا شیخ حسین در حقیقت آقامیرزا فضلعلی آقا جواب شما را دادند این نظامنامه در این دوره تغییر داده نخواهد شد و به همان طور که نوشته شده شصت و شش نفر است باید آنچه استعفا داده‌اند و فوت شده مجلس عوض آنها را انتخاب نماید.

اسدالله میرزا - گویا مذاکره در این مسأله دیگر کافی است ابتدا قرار شده بود که مجلس خاص شود و یک عنوانی بشود حال که این‌طور است اذن بدهید تماشاچی‌ها بیایند و اگر صلاح می‌دانید در مسأله که بنا بود وزیر امور خارجه بیایند توضیح بدهند حال در کمیسیون حاضرند خوبست بیایند سؤال شود.

رئیس - این مطلب تمام است همانطور که در نظامنامه نوشته شده است باید عمل شود و مجلس به جای آنها انتخاب نماید.

حاج سیدنصرالله - یکی دو نفر از روزنامه‌نویس‌ها خیلی از حد خود تجاوز کرده‌اند و اگر این‌طور باشد باز اسباب دردسر خواهد شد خوبست جلوگیری شود و آیا مجلس به این‌طور راضی است.

(همه گفتند خیر و باید جلوگیری شود).

آقامیرزا سید علینقی - فواید روزنامه خیلی است مادامی که به وظایف خود رفتار نماید و اگر خارج شد البته به همان درجه ضرر دارد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - این وظیفه وزیر علوم است که وقتی ملاحظه نمود روزنامه تخطی کرده جلوگیری نماید نه تکلیف مجلس.

آقاشیخ حسین - تکلیف مجلس است که تاکنون قانون انطباعات معطل است.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

تأسیس بانک ملی ایران

حل مسائل مالی کشور یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های مشروطه‌خواهان و نمایندگان مجلس شورای ملی بود که از همان جلسات اول با طرح درخواست‌هایی مبنی بر تنظیم امور مالی و حل مسأله‌ی قرضه‌ی خارجی، مورد مذاکره قرار می‌گرفت تا این که بعد از مذاکراتی منجر به اعلان تأسیس بانک ملی ایران گردید؛ با این حال تا مدتی بیش از ده سال این اعلان به مرحله‌ی عمل درنیامد.

روز یکشنبه هشتم شوال، پس از حضور وکلا، بحث به ایجاد بانک ملی و حل مسائل مالیه کشور از این خصوص کشیده شد:

صدیق حضرت - در باب کمیسیون ترتیب دفتر مجلس مذاکره و یادآوری کردند پس از مقاولات مقرر شد که اجزای کمیسیون از روز سه‌شنبه حاضر شوند.

رئیس - از حاج سید محمد از حضور حضرات تجار استفسار کردند. ایشان جواب دادند که حضرات فعلاً در تلگرافخانه با اصفهان و شیراز و تبریز در تشکیل بانک ملی مشغول مخابره و مذاکرات هستند و فقط جواب مساعد صحیحی که رسیده از تبریز است و خوبست از طرف آقایان علما، به تمام ولایات مخابره شود که درخصوص تأسیس بانک ملی همراهی و مساعدات لازمه بکنند.

اعلام تشکیل بانک هم امروز به چاپخانه داده شده.

آقامیرزا محمود کتابفروش - درخصوص لزوم روزنامه‌ی مجلس و طبع آن عنوانات کردند.

رئیس - اظهار کردند امتیاز روزنامه به اسم مجلس به آقامیرزا محسن داده شده، امروز هم به چاپخانه فرستاده می‌شود. درخصوص چند نفر باقی‌مانده وکلای مرکزی تهران مذاکرات به میان آمد.

رئیس - گفتند مشغول هستیم که به‌طوری شروع به انتخاب و تعیین آنها بکنیم که دیگر مورد ایراد مردم نباشد.

مدتی درخصوص مطالبه‌ی نظامنامه‌ی اساسی مذاکرات درمیان بود. در این باب بعضی

از وکلا، خاصه (حاج محمدتقی)، و (حاج سید ابراهیم) و (آقا سید حسین) خیلی سختی کردند، از جواب بعضی از وکلا استفاده می‌شد که از جانب دولت در این خصوص ماصله و مداهنه می‌شود. بالاخره مقرر شد که از طرف آقایان علما در این خصوص شرحی نوشته و مطالبه شود. چنانچه سابقاً درباره نظامنامه انتخابات نوشته و نظامنامه را گرفتند [کاغذ مزبور نوشته و فرستاده شد].

در باب اجتماع و تظلم صیادان و تحصن آنها در تلگرافخانه انزلی و ترتیب و قرارنامه لیازنوف مقالات درمیان آمد.

رئیس - گفتند هنوز جواب از وزارت خارجه نرسیده، لیکن خودم شخصاً چندی مباشر و متصدی این عمل بوده‌ام. سابقاً قرارنامه آن در آخر پنج سال تجدید می‌شد حالا می‌گویند ۲۴ و ۲۰ و ۶۱ و ۱۰ سال مدت اجاره و قرارنامه آن تعیین شده است.

در این خصوص مقرر شد منتظر وصول جواب از وزارت خارجه باشند.

امروز سعدالدوله و حاجی سید نصرالله و وکیل الرعیای همدانی حاضر نبودند و وکلا هم قدری دیر به مجلس حاضر شدند.

مسأله بانک ملی موضوع مذاکره شد. مضمون نطق سعدالدوله در این موضوع این بود که قاطبه مردم در امر استقراض داخلی و تشکیل بانک ملی ادعای همراهی و معاونت می‌کردند معلوم می‌شود تماماً الفاظ بی‌معنی بوده است، زیرا با اینکه چند روز است اعلان بانک منتشر شد و محل فروش بلیط‌های آن معلوم شده است هنوز ده نفر نرفته و از بلیط‌های آن نخریده‌اند، در صورتی که فقط وکلای مجلس می‌توانند از خود و کسان خود بیشتر از یک کرور بلیط خریداری نموده و وجه آن را کارسازی نمایند.

چرا کسان خود و تمام مردم را ترغیب به همراهی و همدستی در این موضوع نمی‌کنید و با اینکه صدای این مجلس به تمام روی زمین و تمام دول رسیده و همه متوجه به این مجلس و منتظر مشاهده آثار و نتایج آن هستند چرا به واسطه عدم اقدام موجبات توهین آن را در انظار فراهم می‌کنند.

من به بعضی از بانک‌های خارجه رفته‌ام، طوری ترتیبات آن منظم و معتبر و اعضای آنها محترمند که شرکت در این بانک‌ها اسباب افتخار است و من وقتی که امور تأسیس بانک مرتب و شروع به تشکیل آن شد علاوه بر آنچه داده‌ام تمام مطالبات و نقدی خود را جمع‌آوری نموده در این بانک خواهم گذارد.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

از ترتیب اطمینان بانک مذاکره شد جمعی عنوان کردند که باید مردم را مطمئن نمود و معلوم داشت که مایه اطمینان مردم چیست همه مردم پس از تحصیل اطمینان همراهی و اقدام خواهند کرد. مخیرالملک اظهار داشتند که هیچ اطمینانی بالاتر از اقدام و مداخله مجلس در این امر نیست.

سعدالدوله اظهار کردند که فی الواقع من از این گفتگوها و اظهارات خجالت می کشم همین مردم بودند که چند روز قبل در همراهی و اقدام در این موضوع از جان و مال می گذشتند و می گفتند که مجاناً و بلاعوض کمک و امداد نموده و پول می دهیم حالا چه شد که منتظر تحصیل اطمینان هستند و هیچ اثری از اقدامات آنها ظاهر نمی شود کدام اطمینان بهتر و بالاتر از این است که خود اشخاصی که برای تحویل داری معین شده اند و قیمت بلیطها نزد آنها جمع می شود هریک در این بانک مبلغ گزاف شرکت دارند و صاحب تمول و ثروت کافی هستند.

من شخصاً یک پارچه ملک مالک هستم با اینکه در مقابل قروض من بیع شرط است برای فروش و دادن اضافه قیمت آن از قروض سابقه خودم به این بانک حاضرم پس از اختتام این خطابه تمام مستمعین تماشای تحسین و تمجید و ترحیب نمودند.

میرزا محمود پس از اتمام این خطابه و نطق اظهار داشتند که بهتر این است که اعلان شود که وجه موجودی از بابت حقوق قشونی پرداخته می شود.

محقق الدوله رأی دادند که لازم است آقایان علما خاصه مؤسسين مجلس در اوقات معینه روی منابر مردم را ترغیب و تحریص و تهییج و تحریک به همراهی در تشکیل بانک نمایند و بهتر این است که معارضین این امر از اقدامات فاسده بی نتیجه خود دست بکشند محقق الدوله در ماده اصلاح بودجه سنه آتیه عنوان مطلب کردند.

آقامیرزا محسن سؤال کردند که آیا اقدام در اصلاح بودجه از طرف مجلس بهتر است یا مطالبه اصلاح آن.

سعدالدوله عقیده خود را در این موقع اینطور اظهار داشتند که مطالبه و اظهار اصلاح این امر پس از تأسیس و ترتیب بانک مناسب تر است و پیشرفت نزدیک تر است جمعی این عقیده را تصویب کردند.

در جلسه روز ۱۵ شوال مسأله بانک ملی موضوع بحث شد:

آمیرزا ابوالحسن خان گفتند مقصود من از این که سابقاً گفتم برای تأسیس بانک

اطمینان عمومی لازم است نه این است که مردم تصور کرده‌اند بلکه ما می‌گوییم اطمینان بانک مجلس است و اطمینان مجلس نظامنامه باید نظامنامه به‌دست بیاید تا تأسیس بانک به سرعت پیشرفت حاصل کند. از فارس خبر داده‌اند که پس از صحه و ارسال نظامنامه امداد و همراهی فوق‌العاده به بانک ملی خواهند نمود.

فعالاً هزار عدد پنج‌هزاری برای شرکت شخص خودم در بانک حاضر کرده‌ام. پنج‌هزار تومان هم از طرف کسی دیگر حواله به ارباب جمشید موجود است لکن مشروط بر آن است که تا وقت آوردن نظامنامه به حال توقیف بماند در صورت وصول نظامنامه تشکیل بانک تحویل بانک شود و اگر وجوهات نباشد به‌طور اعانه داده شود دویست تومان از طرف من و پانصد تومان از طرف صاحب پنج‌هزار تومان تقدیم می‌شود.

حاج معین‌التجار اظهار داشتند که کلیه بنا بر این است که تمام وجوه به‌طور امانت ضبط و جمع شود و پس از آمدن نظامنامه به مصارف لازمه که مقدم آنها مصرف حقوق قشون است برسد به‌صدارت عظمی اظهار شده است. که تا نظامنامه به صحه نرسد کاری از پیش نمی‌رود.

صدیق حضرت استفسار کردند که در ترتیب بودجه چه اقدامی شده است.

رئیس جواب دادند تاکنون اقدامی نشده است.

مذاکرات مجلس شورای ملی در روز سه‌شنبه ۱۷ شوال نیز به بانک ملی و چگونگی تأسیس آن اختصاص داشت:

سعدالدوله پس از ورود - حالا وقت ورود خجالت نمی‌کشیم (به ملاحظه موقوف شدن تواضعات رسمی) امیدواریم بعد از این وقت برخواستن هم خجالتی نداشته باشیم.

رئیس - اگر چه این مجلس برحسب ظاهر خدمتی نکرده لکن باطناً خدمات بسیار به ملت کرده است.

حاج سید ابراهیم - امروز جمعی از طلاب برای شرکت در بانک ملی پول داده و از حاج محمد اسمعیل قبض گرفته‌اند.

حاج محمداسماعیل - بلی امروز جمع‌کنیری از طلاب پول آورده و قبض گرفته‌اند و حال اینکه امروز بی‌بضاعت‌تر از این سلسله کسی نیست و از تمام مردم زودتر

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

اقدام نموده و کتاب‌ها فروخته سهام خریده‌اند.

سعدالدوله - اشخاصی باید در این مورد اقدام کنند مثل شاهزادگان و وزرا و اعیان و کسانی که صاحب ثروت و دارایی فوق‌العاده هستند ابدأ در این مقام و به این خیال نیستند چرا و کلابی پرده صحبت نمی‌دارند، گفتنی‌ها را باید گفت.

ثقة‌السلطنه - آیا شاهزادگان را طرد‌اللباب ذکر کردید یا با اینکه وضع شاهزادگان امروز از هر کس پریشان‌تر است اعتقاد شما درباره آنها این است که گفتید.

سعدالدوله - من به‌طور تعمیم می‌گویم که همه طبقات باید در پیشرفت این امر همراهی داشته باشند و چنانچه سابقاً گفته‌ام عقیده من این است که حکام ولایات راضی به پیشرفت این عمل نیستند و گفته‌ام حکومت را ارثی خود می‌دانند و حتی الامکان در این مواد مسامحه خواهند نمود.

حاج محمداسماعیل - ظفرالدوله برای اینکه جز مؤسسين محسوب شود پنج‌هزار تومان داده است.

سعدالدوله - صحیح است ولی ما می‌گوییم اشخاصی که صد هزار تومان سالیانه موجب از دولت می‌گیرند باید در این مورد اقدام نمایند.

حاج سید نصرالله - بعضی از مردم تمکن اداء معادل پنج تومان قیمت سهام این بانک را ندارند. اگر سهام یک تومانی هم معین کنید همه می‌توانند خریداری نمایند.

حاج محمداسماعیل - تغییر و برهم زدن ترتیب مناسب نیست مگر اینکه همانطور که گفتید سهام یک تومانی به طبع برسد.

در این موقع چند نفر از شاگردان مدرسه اقدسیه که ریاست آن با سعیدالعلما است وارد مجلس شده و لایحه مؤثرانه که تمام خاطرها را مشغول و متأثر نمود و تمام اهل مجلس را از اعضا و تماشاچی مدتی به گریه درآورد با لحنی جانسوز و مضمونی دلخراش به این مضمون قرائت کردند که ما اطفال نوآموز این مملکت و ابناء این وطن پس از اینکه مؤدۀ تأسیس بانک ملی را که مقدمۀ سعادت و خوشبختی آتیۀ ما است به گوش دل استماع نمودیم. مجتمعاً به قدر یکصد تومان از مخارج خود اندوخته و اینک با کمال خوشوقتی و نهایت افتخار تقدیم بانک می‌نماییم.

پس از قرائت این لایحه صدای بکا و نوای شورانگیز مجلسیان بلند شد و رقت عمومی فوق‌العاده دست داد و طوری خاطرها را متأثر و جلب نمود که حاج

محمداسماعیل بدون اختیار اظهار کرد که من شخصاً پنجاه تومان بر این وجه علاوه نموده به اسم این اطفال به بانک می‌گذارم و غالب اهل مجلس از وکلا به میل و رغبت و صرافت طبع هریک به قدر تمکن خود مبلغی از کیسه خود بر آن صد تومان افزوده که به اسم شاگردهای مزبور در بانک سپرده شود و تقریباً معادل نهصد تومان به اسم آنها در بانک سپرده شد.

شخص حلاجی که ظاهراً خیلی بی‌بضاعت به نظر می‌آمد با حال رقت از جا برخاسته و پنج تومان تقدیم بانک نمود و دعا به بقای سلامت و دوام دولت اعلیحضرت همایونی کرد.

حاج سید نصرالله با حال بکاء تلگرافی که از تقلیس مخبره شده بود قرائت کردند. که چنین استماع شده که وکلای مجلس شورای ایران در مقام تأسیس بانک ملی برآمده و استقراض از خارج را تصویب نکرده‌اند و می‌خواهند احتیاجات دولت را به وسیله استقراض داخله رفع نمایند ما همه برای شرکت با این بانک به دل و جان حاضریم.

پس از قرائت این تلگراف مذاکره شد که بعضی از ارباب حقوق می‌گویند که اگر بانک ملی فهرست صندوق مالیه را قبول می‌کنند ما حاضریم حقوق خود را در بانک بگذاریم و عین فهرست‌ها را به بانک بدهیم در جواب این سؤال اظهار شد که فعلاً ترتیبی در این باب مذاکره نشده و قبول نمی‌کنند از تعدد شعبه بانک برای دریافت وجوهات مذاکره و مقرر شد که محض سهولت اداء آن بر شعبه‌ها بیفزایند. بالاخره مذاکره شد که مردم منتظر نظامنامه هستند و پس از رسیدن آن تمام مردم همراهی با بانک خواهند کرد و وظیفه وکلا است که در خصوص گرفتن نظامنامه خودشان مطالبه و اصرار کنند.

در باب سید مقتول مذاکرات شد، پسر سید اظهار کرد که پدر من برای تأسیس این مجلس کشته شده چرا از طرف مجلس اهمتی در این باب نمی‌شود. بعضی اظهار کردند که ترتیب این کار وظیفه حکومت است. سید جواب داد که حکومت رسیدگی و اهتمام نمی‌کند.

سعدالدوله سؤال کردند قاتل سید کیست سید جواب داد که می‌پرسید احمد خان عراقی.

سعدالدوله - وقتی که قاتل معلوم است باید شرحی به حضرت اشرف والا

نایب‌السلطنه به توسط دو نفر از وکلا فرستاده و قاتل را بخواهند هرگاه از تسلیم آن امتناع شد به حکم شرع قاتل را قصاص نمایند.

اسدالله میرزا - اقدام به این ترتیبات موجب هرج و مرج است و برحسب قانون نظامی ایران که مطابق قانون نظامی اتریش است چون این شخص مأمور بوده مکلف است که هر مأموریتی که از دولت داشته اجرا نماید.

سعدالدوله - وضع قانون نظامی خارجه این است که پلیس باید دارای تفنگ و فشنگ باشد. در اوقات شورش و بلوی مکلف است جلوگیری نماید در صورت مبادرت شورشیان و تعرض و حمله آنها اگر به شلیک اقدام کنند من باب دفاع در مقابل آنها شلیک می‌کنند.

و اینکه می‌گویند این شخص مأمور بوده باید فهمید که به چه نوع و تا چه درجه مأموریت داشته باید کمیسیونی مرکب از چند نفر از صاحب منصبان نظامی و چند نفر از اعضای مجلس تشکیل شود و در این خصوص رسیدگی نمایند.

حاجی محمداسمعیل - اعلیحضرت همایونی در دستخطی که در این موضوع صادر شده مقرر فرموده‌اند که این امر به دیه و خون‌بست اصلاح شود.

سعدالدوله - من که سابقه اطلاع در این باب ندارم حالا که این طور است چرا این دستخط مجری نمی‌شود.

در جلسه مجلس شورای ملی روز پنج‌شنبه ۱۹ شوال هم سخن از بانک ملی بود؛ بعد از انعقاد مجلس:

رئیس - آمدن وکلا در مجلس در وقت و موقع معین نیست.

آسید مهدی - هرگاه این نحو تأخیر برای شغل است البته هر کس شغلی دارد پس یک ساعت به غروب مانده تا یک ساعت از شب رفته قرار انعقاد باشد.

آمیرزا محسن - آمیرزا محمود عمل قصاب‌ها را به کجا رساندید.

آمیرزا محمود - قصاب‌ها درست حاضر نمی‌شوند برای ختم عمل و چوب‌دارها هم آنقدر ادعایی که دارند بی‌اصل است چراکه سی‌هزار تومان ادعا دارند و از پیش هم وجهی گرفتند و معلوم نیست که چه شد. بلی حساب آنها قریب به ده دوازده هزار تومان باید باشد و ارباب محمد صادق هم اسنادی ابراز کرد در بابت پوست که خریده بودند و مدعی به ششصد هزار پوست بوده قرار این کار شده که حاکم قضیه سعدالسلطنه باشند و دو نفر وکیل از جانب قصاب‌ها در آن مجلس حاضر شده ختم

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

عمل بشود.

آسید مهدی هم به همین مضمون نطق کرده که ده روز این عمل در محاکمه سعدالسلطنه انجام خواهد یافت دفترها که حاضر شود صورت حساب روشن خواهد شد.

حاجی سید ابراهیم - استاد حسن پنجعلی در صورت اجازه و اذن متعهد می‌شود که بند ساوه را ببندد و درست نماید. حال هم پول نمی‌خواهد بعضی مستحسن شمرده و بعضی ساکت.

آسید محمد تقی هراتی - دو رقعہ که مشعر بر تشکر و امتنان از تشکیل بانک ملی و اظهار همراهی به آن بود خوانده یکی به امضای مستنصرالملک بود که در ضمن آن اظهار داشته بودند دو هزار تومان به دارالتجاره طوماناس که یکی از مواضع معینه از برای پرداختن وجه بانک است ارسال شده و صدور قبض بانک را تمنا نموده بودند. دیگری به امضای سهام‌السلطنه که یکصد تومان ارسال داشته بودند.

حسنعلی خان - یکی از فصول نظامنامه مجلس اینست که کلیه امتیازات باید به امضا و صوابدید مجلس باشد. پس در این صورت درباب این دو امتیازی را که این ایام بدون اجازه و تصویب مجلس داده‌اند که یکی امتیاز کارخانه نساجی و دیگر امتیاز معدن فیروزه و بوره کرمان است چه باید کرد.

آسید محمدتقی - هر امتیازی که از ۱۴ شهر جمادی‌الثانیه به این طرف بدون امضای مجلس باشد صحیح نخواهد بود. مطلب چرا چنین وقوع یافته.

صدیق حضرت - شخص صاحب امتیاز لابد می‌تواند امتیازش را به دیگری بفروشد پس باید به سفارتخانه‌ها اعلان شود که انتقال این امتیازات کلیه صحیح نخواهد بود بی‌امضای مجلس.

اسدالله میرزا - این امتیاز معدن که به شیخ‌الملک سیرجانی داده شد حق فروش و حق شرکت با خارجه را ندارد.

آسید نصرالله - امتیاز نامچه اینجا است و صاحب امتیاز هم حاضر قرائت شود.

اسدالله میرزا - این اظهار امتیاز نامچه باید از طرف دولت باشد تا قرائت شود والا ما به شخص کاری و گفتگویی نداریم و بی‌جهت چه صحبت نماییم.

رئیس - چرا به موجب سند گفتگو خواهد شد چه ضرر دارد. حاجی سید نصرالله

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

امتیاز نامچه را قرائت کردند که مشتمل بود بر این فصول و خلاصه آنها اینست.

۱. امتیاز دو معدن فیروزه و بوره به شیخ‌الملک داده می‌شود.
 ۲. صاحب امتیاز هر ساله از منفعت آن صد و بیست به دولت می‌دهد.
 ۳. باید مشترکین خارج از تبعیت دولت علیه ایران نباشند.
 ۴. هر آلات و ادواتی که برای معدن از خارجه حمل می‌شود گمرک ندارد.
 ۵. مهندس معادن از خارجه خواهد بود ولی عملجات از اهل ایران.
 ۶. هرگاه در دو سال نتوانست شرکت این امتیاز را تشکیل نماید امتیاز باطل است.
 ۷. برای رسیدگی و ممیزی این کار مخارج مأمورین دولتی با دولت است.
 ۸. امنیت و اسکات رعایا و ادوات وعده می‌دهد.
 ۹. صاحب امتیاز باید کسانی که در مکان معدن صاحب ملک هستند همیشه ایشان را به قانون شرع راضی کند.
- بعد از قرائت صدیق حضرت - در صورت اعتبار این امتیاز محتاج است به دو چیز
امضای مجلس و نفروختن و شرکت نکردن با خارجه.
محقق‌الدوله - چند شرط دیگر هم لازم دارد هنوز مردم مسألهٔ چهل روز قبل را فراموش نکرده‌اند.
میرزا محمود اصفهانی - این مسأله غیر از مسألهٔ نان است مسأله‌ایست راجع به مجلس باید رسیدگی نمود.

صدیق حضرت - مجلس این مطلب را به وزارت خارجه اطلاع بدهد.

اسدالله میرزا - خوب است به صدارت نوشته شود.

رئیس - این امتیازنامه را داشته باشید تا پس فردا در مجلس قراری داده شود.

سیدالحکما - در باب آن اعلان که پریروز صحبت شد چه کردید آخر.

مذاکرات دارالشورای ملی در روز سه‌شنبه ۲۴ شوال نیز به مسائل مالیه و تنظیم روابط مجلس و دولت در ایجاد هماهنگی برای حل مشکلات مالی اختصاص داشته است:

رئیس - خطاب به سعدالدوله جناب مستنصرالملک از طرف وزیر مالیه تشریف آورده‌اند فرمایشات خود را بفرمایید.

سعدالدوله - خطاب به مستنصرالملک کردند که در افواه والسنه چنین مشهور است که ممیزی مالیات سیستان هفتاد هزار تومان شده است، آیا چنین است یا نه.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

مستنصرالملک - ممیزی شده است ولیکن نه به این میزان و هنوز هم ثبت دفتر دولتی نشده است. شانزده هزار تومان نقدی مالیات سیستان و دوهزار تومان و کسری مالیات نقدی و دویست خروار مالیات جنس قائنات است. آقامیرزا محمود کتابفروش - جناب مستنصرالملک فقط برای مذاکره در خصوص مالیات سیستان آمده‌اند نه به سمت نمایندگی از طرف وزارت مالیه یا برای ترتیب تمام بودجه مالیه.

سعدالدوله - چرا به سمت نمایندگی وزارت مالیه برای اصلاح بودجه نیامده‌اند؟ آیا اگر در خصوص مالیه سایر بلاد مذاکره شود برای سؤال و جواب حاضرید؟ مستنصرالملک - بلی پس از رجوع به دفتر و ملاحظه کتابچه و در دست داشتن اسناد حاضرم.

رئیس - عمل مالیه تهران جزو جمع بودجه مالیات هست یا نه؟ مستنصرالملک - بلی هست.

وثوق‌الدوله - بعضی از بلوکات دارای کتابچه جداگانه است و جزء جمع نیست. سعدالدوله - پس باید مستوفیان ولایات را احضار نموده و از آنها تحصیل اطلاع کرد.

مستنصرالملک - ممیزی مالیات خراسان در سه سال بل به واسطه سه نفر انجام شده و این ممیزی را امسال من کرده‌ام.

سعدالدوله - معروف است به مأخذ این ممیزی والی خراسان دریافت مالیات می‌کند و به این میزان پیشگنی داده است.

رئیس - این مجلس سه هیأت کمیسیون لازم دارد. یک کمیسیون برای تحقیق تشکیل شده، یکی برای اصلاح عدلیه و یکی دیگر برای اصلاح مالیه لازم است و کلیه این امور باید در آن انجمن‌ها تسویه و تنقیح شده و به مجلس اظهار شود.

سعدالدوله - به عدد وزارت‌خانه‌ها کمیسیون لازم است.

رئیس - فعلاً بیشتر از پانزده انجمن لازم نیست.

سعدالدوله - از ترتیب ناقص سوای نتیجه ناقص چه حاصل می‌توان کرد حکام ولایات مانع انتخاب وکلا هستند و باید از طرف مجلس وکلا را احضار کرد. بعضی گفتند بعضی از ولایات از ترتیب مجلس و کیفیت انتخاب اطلاع ندارند باید از طرف مجلس به آنها مخابره و تلگراف شود تا تحصیل اطلاع نموده و در صدد انتخاب

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

برآیند.

سعدالدوله - دو کمیسیون مذکور را باید تشکیل کرد.

رئیس - برای تشکیل هریک از آنها هفت نفر لازم است ولی چون به این عده اشخاصی که بتوانند همیشه در موقع حاضر شوند نداریم پس خوب است برای هر انجمن شش نفر معین شود.

سعدالدوله - پنج نفر کافی است و می‌توانند برسند.

اسامی اشخاص معینه برای عضویت کمیسیون عدلیه از قرار ذیل است:

حاجی سید نصرالله، حسنعلی خان، آمیرزا ولی‌الله خان، اسدالله میرزا، آمیرزا طاهر مخبرالملک و اعضای کمیسیون مالیه از این قرار معین شدند:

حاج معین‌التجار، ثقة‌السلطنه، حاج امین دارالضرب، حاجی محمداسمعیل آقا، وثوق‌الدوله، عون‌الدوله، سعدالدوله اظهار داشتند که هرکس تبیین اشخاص مذکور را برای عضویت کمیسیون عدلیه تصویب می‌کند دست خود را بلند کند.

تمام اعضا دست بلند کرده رأی دادند.

حسنعلی خان معلوم داشتن نتیجه اکثریت آرا را به طریقه قرعه و دادن ورقه خواستار شدند. جمعی هم با ایشان همراهی کردند و برای تعیین اعضای کمیسیون عدلیه به اینطور اخذ رأی کردند.

بعضی اظهار داشتند که با نداشتن نظامنامه کمیسیون مالیه نمی‌تواند کاری از پیش ببرد. وثوق‌الدوله اظهار کردند که تصحیح بودجه مالیه قبل از وصول نظامنامه مقرر شد.

جمعی دیگر گفتند باید نظامنامه مطالبه و گرفته شود و با اینکه مزاج همایونی بحمدالله خوب است و همه روزه فرامین و احکام به صحنه می‌رسد چرا باید در این موضوع مسامحه شود.

آقامیرزا طاهر - فی‌الحقیقه این مسامحه از طرف حجج اسلام است و باید چنانچه در این موضوع کمال همراهی بفرمایند تادر صحنه و دادن آن مسامحه نشود.

حاج محمد اسمعیل آقا - کار بانک از همه مقدم و مهم‌تر است. نظامنامه خواهد رسید لکن فرضاً فردا نظامنامه صحنه و فرستاده شد، پولی که باید داده شود کجا است مردمی که قبل از وقت اظهار همراهی می‌کردند چرا حاضر نیستند گویا گمان می‌کنند که قبل از رسیدن نظامنامه پول‌های آنها داده شده و به مصرف می‌رسد

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

چنین نیست، لکن باید پول حاضر باشد که پس از رسیدن نظامنامه دیگر معطلی برای دادن آن دربین نباشد.

سعدالدوله - من مسبوق هستم که قبل از انعقاد مجلس عمل استقراض صورت گرفته بود و ارجاع آن به مجلس احترامی بود از طرف دولت به مجلس حالا که دولت برای استقراض از داخله حاضر شده و قبول کرده است اگر اینطور مسامحه شود و ملت در ادای آن اقدام نکند دولت به استقراض از خارجه مجبور و ناچار خواهد بود.

رئیس - ملتی که حاضر نباشد که این مقدار سرمایه خود را برای حفظ خود صرف نظر کنند و آن را دور بریزند دیگر چه می‌توانند بگویند.

سعدالدوله - ملت اول حاضر بود که این پول را مجاناً به دولت همراهی کند، حال می‌ترسند که بی‌عوض از کیسه آنها برود. در صورتی که کسانی که واسطه بین دولت و ملت هستند به بانک پول داده‌اند و البته پول خودشان را می‌خواهند و مطمئن هستند که سوخت و تلف نخواهد داشت. چنانچه روز گذشته از محل پولی که به نظام داده می‌شود استفسار کردم معلوم شد که خواسته‌اند از مؤسسين بانک پول بگیرند آنها امتناع کرده‌اند و پول ملت را نداده‌اند تا آنکه از طرف صدارت عظمی به آنها به‌طور حتم اطمینان داده شده سهم از پول شخص خودشان که به بانک برده‌اند داده شده نه از سایرین.

چون اهمیت این امر قدری از انظار افتاده عقیده من این است که باید به واسطه اعلانات و اظهار بر منابر اسباب هیجان و تحریکی فراهم کرد که باعث تشویق و تهییج مردم شود. سایر ولایات با اقداماتی که در این باب کرده بودند حالا سست شده‌اند آنها را هم باید به طریقی ساعی و همراه کرد.

و باید به شاهدگان و متمولین از طرف بانک رقعہ نوشته و درخواست همراهی شود و مقدم بر این کمیسیون‌ها کمیسیون جمع‌آوری پول است. تجار که حاضرند از وکلا هم یکی دو نفر با ایشان همراه باشند و این کمیسیون تشکیل شده و ترتیب فراهم کردن پول را مرتب کنند.

رئیس - همان کمیسیون مالیه می‌تواند در این امر مداخله و رسیدگی کند (در این موقع بعضی اظهار داشتند که اگر نظامنامه برسد همه افراد ملت برای دادن پول حاضرند).

سعدالدوله - وجوه نزد تجار امانت است و تا نظامنامه نرسد نخواهند داد.
آمیرزا ابوالحسن خان - من یقین دارم که مردم منتظر نظامنامه هستند اگر
نظامنامه داده شود تمام حاضر و مهیا هستند که بیشتر از آنچه لازم است فراهم و
آماده کنند همه این تأخیر و تعویق برای نرسیدن نظامنامه است.

مذاکرات دارالشوری ملی روز پنج‌شنبه ۲۶ شوال نیز به پیگیری بحث از مسائل
مالیه و نقش بانک در حل آنها پرداخته است:

آسید حسین بروجردی - اعضای کمیسیون عدلیه که معین شده‌اند باید برای تعیین
اعضا کمیسیون ترتیب مالیه اخذ رأی نمود.

دیگر اینکه هفته سه روز که برای تشکیل کمیسیون مالیه گفته‌اند کم است زیرا که
تا اول سال وقتی باقی نمانده و باید بودجه اصلاح شود.

آمیرزا محسن - اعضای کمیسیون را باید معین نمود. لیکن هر روز اعضا نمی‌توانند
در این مبحث گفت‌وگو نمایند مباحث و کارهای دیگر هم درپیش است.

رئیس - فعلاً این مسأله تا این اندازه لایق مذاکره نیست زیرا کارکردن و نکردن
منوط به وجود و عدم کار است در صورتی که از دوائر دولت ارجاع کار شود هفته
شش روز یا هفت روز هم لازم باشد باید کار کرد و اگر نشود همین وقت کافی
است.

آسید حسین - باید بودجه مالیه مطالبه شود و مشغول آن شوند.

رئیس - بنا شده است از طرف وزارت مالیه حاضر شوند و حاضرشدن مطالبه
نمی‌خواهد.

حاج سید نصرالله - پس از اینکه وزرا اظهار اتفاق با مجلس می‌کنند و خود را
همراه و همدست قلم می‌دهند دیگر چرا بعضاً مجلس آنها را جزء اضداد قلمداد
می‌نمایند.

امروز باید اتحاد و همراهی نمود آنها برای پیشرفت این کار به‌خوبی حاضرند و
بزرگترین فایده این مجلس را تسویه و تصفیة عمل مالیه می‌دانند.

آقای آقا سید عبدالله - بر تمام افراد مجلس و غیر هم معلوم باشد که مردم برای
اقامه و تأسیس این مجلس جان دادند و سرها بر کف نهادند که مسلمانان در امنیت
و رفاه باشند در ابتدای امر عده دشمنان مجلس زیاد بوده و حالا بحمدالله تعالی
خیلی کم شده از عده قلیل و از قوه علینند لکن با وجود این باز این رقبا گاهی که

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

فرصت به دست بیاورند نمکی در آش می‌ریزند. وکلای مجلس ما هم بحمدالله تعالی همه اشخاص صحیح، کارکن، کاردان و بی‌غرض هستند و تاکنون از این مجلس کلمات بد و ناشایسته نسبت به شاهزادگان و اولیای دولت گفته نشده پس این نسبت‌های ناشایسته که به مجلس می‌دهند ناشی از خائنین و مفسدین است بلی مجلس می‌گوید چرا فلانجا را چاپیدند و چرا در فلان ایالت ظلم کردند و چرا مرتکب فلان کار خلاف قانون و ناشایسته شدند. این مذاکرات ربطی به اشخاص معین ندارد. معلوم است اعمال قبیحه باید گفته و مؤاخذه شود. غرض از انعقاد مجلس هم همین است و البته اعضای این مجلس خوب می‌دانند که این مجلس وسیله اتحاد دولت و ملت است و بعد از انعقاد این مجلس مابین ملت و دولت به کلی برداشته شده است و هرکدام خیرخواه یکدیگر هستند.

پس از ایراد این نطق خطاب به حضار کرده اظهار داشتند که اگر شنیده‌اید که اعضای مجلس نسبت به کسی کلمه بدی بدی گفته باشند بگویید تمام جواب دادند تاکنون بالنسبه به شخص معین در مجلس سوء نسبتی داده نشده است.

حاجی سید نصرالله - وکلا، آلات اجرای مقاصد و مطالبند و نباید قلوب افراد ملت از ایشان رنجیده شود تکلیف آنها اظهار حسن و قبح است نظر به شخص ندارند مادامی که هیأت دولت و ملت بالنسبه به یکدیگر ضدیت دارند هیچ کار پیشرفت نخواهد کرد چنانچه در خصوص خطابه که چندی قبل در مجلس خوانده شد چه‌ها نزد حضرت والا شعاع‌السلطنه مذاکره کرده بودند که ایشان را به شبهه انداخته بودند لکن پس از آنکه نزد خودشان قرائت شد تحسین و تمجید فرمودند. معلوم است این‌گونه افسادات از وسایط و روابط است.

آمیرزا ابوالحسن خان - هرگاه یکی از وکلا بگوید که در فارس یا خراسان این‌طور تعدی و ظلم شده یا این‌طور قتل و غارت کرده‌اند، آیا اظهار این شکایت به شخص حاکم برمی‌خورد یا نه؟

جواب دادند این‌گونه مطالب باید گفته شود و ربطی به برخوردن به کسی ندارد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - اگر مؤسسين بانک بگویند کسانی که سال‌ها است مبالغی مال دولت و ملت را حیف و میل و ذخیره کرده‌اند چرا امروز برای همراهی با بانک ملی حاضر نیستند آیا این اظهار به کسی برمی‌خورد یا نه؟

جواب دادند خیر. این‌گونه مطالب باید گفته شود.

رئیس - غرض از انعقاد مجلس اظهار مفاسد و اصلاح امور است اگر در ضمن اظهار شکایت از کسی شد نباید باعث رنجش بشود زیرا که در این گونه اظهارات غرض شخصی در بین نیست و منظور اصل عمل است.

سواد قرارنامه بانک ملی را قرائت نموده و در هر فصل از فصول آن از وکلا رأی خواسته شد و در بعضی از فصول آن که قدری لازم به توضیح بود گفت و گو نموده اصلاح و تصویب کردند.

در فصل اول که نوشته شده بود که تمام اهالی ایران می‌توانند در این بانک شرکت کنند برای اینکه رعایای خارجه از این عنوان مستثنی شوند لفظ تبعه به جای لفظ اهالی گذاشته شد.

فصل دوم که مشتمل بر این بود که تمام واردات دولت باید در این بانک وارد شده و وزیر خزانه به حواله دولت از بانک دریافت نموده به خرج و مصارف دولت برساند به جای لفظ وزیر خزانه وزیر مالیه نوشته شد حاج محمداسمعیل گفتند وزارت مالیه برای کلیه جمع و خرج مالیات است نه خزانه و تحویل‌داری.

گفتند پس باید خزانه‌دار نوشته شود.

پس از قرائت فصل سوم که مشتمل بود بر این که رئیس بانک معاملات و رهن املاک و قرض و استقراض از داخله و خارجه را به میزان شرع مطهر تشکیل و اداره می‌کنند.

آمیرزا ابوالحسن خان گفتند باید عنوان رهن و معاملات و ترتیب قرض و استقراض باید هریک مستقل و جداگانه باشد سایرین تصدیق نمودند و به همین طور مقرر شد.

درخصوص فصل چهارم که مشتمل بر این بود که پس از انقضای مدت امتیاز بانک شاهنشاهی امتیاز آن متعلق به این بانک باشد.

آمیرزا ابوالحسن خان اظهار کردند که باید مدت امتیاز بانک شاهنشاهی و وقت انقضای آن معلوم باشد تا امتیاز آن تجدید نشود.

درخصوص فصل پنجم که مشتمل بود بر این که بانک ملی در اخذ امتیاز خطوط شوسه و آهن با رعایت شروط متساویه از سایرین احق است.

صدیق حضرت اظهار کردند که باید قسمی نوشته شود که کلیه امتیازات به خارجه داده نشود والا مجمل است.

آمیرزا ابوالحسن خان گفتند در صورتی که موافق صلاح مملکت باشد و مجلس تصویب کند چه ضرر خواهد داشت در جواب اظهار شد که با ملاحظه صلاح مملکت و تصویب مجلس ضرری ندارد.

در باب فصل ششم که مشتمل بود بر اینکه در امتیاز استخراج معادن طلا و نقره با ملاحظه شروط متساویه بانک ملی مقدم بر سایرین است.

جواب دادند در صورتی که کسی کشف معدنی نماید جهت ندارد بانک در اخذ امتیاز آن بر شخص کاشف مقدم باشد و این مسأله باعث تعطیل امر انکشاف معادن است و هیچ کس متصدی و متحمل زحمت و مصارف کشف معدنی که دیگران منافع آن را جلب خواهند نمود نخواهند شد.

حاج معین‌التجار - این اجازه و امتیاز امروز داده می‌شود و بعد از این هر کس می‌خواهد امتیازی بگیرد بانک مقدم است.

آقا میرزا طاهر - چه ضرر دارد کاشف معدن مقدم بر بانک باشد.

صدیق حضرت - مخارج انکشاف را بانک به شخص کاشف بدهد و حق تقدم داشته باشد.

صدی ده از منافع هم برای حقوق دولت کم است.

حاج معین‌التجار - شاید بانک متحمل مخارجی شود و نفعی از آن حاصل نشود در این صورت باید طوری باشد که لااقل ملت امید نفعی داشته و راغب به این کار باشند.

رئیس - صدی ده حقوق دولت خوبست و در سایر ممالک هم ترتیب همین طور است و از تمام معادن حقوق دولت به همین مقدار گرفته می‌شود.

لکن باید این امتیاز طوری باشد که سد طرق سایرین در کشف معادن نشود و استخراج آن منحصر به بانک نباشد.

حاج معین‌التجار - بانک باید جهت رجحان بر سایرین داشته باشد یا نه.

صدیق حضرت - همان تقدم در صورت تساوی شروط رجحان بانک است بر سایرین.

حاج امین دارالضرب - در نظامنامه بانک شرط خواهد شد که هر کس معدنی را کشف نماید بانک او را در آن معدن شریک می‌نماید.

رئیس - این گونه امور به نظر می‌آید که فایده دارد، لکن بانک نمی‌تواند این امر را

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

در یک مملکت اداره کند زیرا هرکسی انکشاف معدنی کرد به محض این که بانک او را شریک کرد اظهار کشف خود را نخواهد کرد و همیشه معادن غیرمکشوف خواهد ماند.

آقای امیرزا سید محمد - اولاً از قرار مذکور بعضی از وکلای مجلس با خائنین دوستی و ارتباط دارند. لازم است این امر را ترک کنند والا بالاخره آشکار شده مورد بدنامی و افتضاح آنها خواهد بود.

ثانیاً هریک از وکلا که به تمام قوی حاضر در رسیدگی و اقدام به امور مجلس نیستند برای آنها بهتر این است که استعفا کند.

ثالثاً برای این که این پولی که از بانک به افواج داده می شود مثل سایر وجوه و حقوق سابقه آنها حیف و میل نشود.

خوب است خود اجزای بانک در دادن آن نظر و اطلاع حضور داشته باشند.

در مذاکرات دارالشورای ملی روز شنبه ۲۸ شهر شوال المکرم نمایندگان با یادآوری مشکلات معیشتی مردم، به مسائل مالیه و جستجوی راهکارهای عملی برای حل آنها می پردازند:

حاجی سید ابراهیم - مسأله گوشت را باید ترتیبی داد خیلی مغشوش است حال که چارک بیست و شش شاهی می فروشند چند روز دیگر گوشت پیدا نخواهد شد.

جواب دادند که مسأله گوشت با حکومت است، کسی قبول نکرده ربطی به مجلس ندارد.

رئیس - باید کسی حاضر بشود و قبول این مطلب را بنماید تا ترتیبی برای آن معین شود پس همان مطلب قرارنامه بانک که موضوع مذاکره بود خوبست به اتمام برسد.

حاجی سید نصرالله - مدت امتیاز بانک شاهنشاهی خوب بود معین می شد.

رئیس - مطلبی نیست معلوم خواهد شد ولی استکشاف و استخراج معادن که اختصاص به بانک داده شده بود خوبست طوری بشود که نفع عمومی پیدا کند.

آقای آقاسید محمد مجتهد - اول ترتیب داخلی مجلس را منظم نمایید تا صحبتها و نطقها به ترتیب و نظم باشد و منبری معین کنید هرکسی نطق می کند در بالای منبر نطق کند که همه کس بشنود و بفهمد گفت و گوهای مجلس حال در همه جا از داخله و خارجه مطرح انظار و مذاکره است.

حاجی سید نصرالله - باید طوری باشد که آزادی در نطق باشد تا هرکس هرچه می‌داند با استدلال بگوید، البته هر مطلبی را منکر و مخالفی است اگر کسی حرفی بزند که به نظر اولیه منافی باشد مخالف مجلس و ملت قلمداد می‌شود و این مطلب موجب سبب امنیت و اطمینان است، پس باید آزادی باشد که مطلب گفته شده به خوبی تشریح و توضیح شود.

بعد امتیازنامه بانک ملی را قرائت نمودند.

در فصل اول که در نمره یازده اشاره شده بود در عنوان دخل یا خروج تبعه خارجه.

اسدالله میرزا - آیا تبعه خارجه مثل قفقاز نمی‌توانند شرکت کنند؟

محقق الدوله - خیر مقید به تابعیت دولت ایران است.

حاجی سید نصرالله - هرگاه طوری باشد که موجب استیلای خارجه نباشد چه ضرر دارد.

میرزا ابوالحسن خان - در صورتی که تبعه خارجه در ایران محکوم به محکمه دولت ایرن باشد خوبست والا ضرر دارد... بعضی گفتند بانک برای ازدیاد ثروت و توسعه تجارت ملت است چنانچه گفته شد اگر به مقدار عشری از سهام بانک به مسلمانان خارج داده شود آن وقت منافع عشر بانک در خارجه می‌رود و این منافی با تشکیل بانک است.

حاجی محمد اسمعیل آقا - مسلمانان قفقاز در عالم اسلامیت و همدینی می‌خواهند با ما همراهی و مساعدت کنند چرا قبول نکنیم و یک مقداری آنها را شرکت ندهیم. رئیس - خیلی خوبست هرگاه تبعیت در محاکمات داشته باشند مثل سایر ممالک که محکوم به حکم داخلی آن مملکت هستند.

حاجی محمد اسمعیل آقا - فعلاً تبعیت در حکم لازم نیست قراردادی می‌کنیم که موجب زحمت بعد نباشد.

میرزا ابوالحسن خان - آن وقت یک عشر به مسلمانان قفقاز و یک عشر به مسلمانان عثمانی و عشری به مسلمانان هند و کذا به همه اینها باید حق شرکت بدهید و این اسباب زحمت خواهد شد.

حاجی محمد اسمعیل آقا - یک عشر برای تمام مسلمانان ممالک خارجه کافی است هرگاه شرایط و قراردادی با آنها مقرر شد چه بهتر و هرگاه نشد همین نحو شرکت داشته باشند.

صدیق حضرت - می‌دانید که اغلب دول از این راه که رعایا و تبعه ایشان حق شراکت در آن مملکت پیدا کردند بهانه گرفته پای دخالت و دست تصرف در آن مملکت پیدا کردند. شرکت خارجه هیچ صلاح ملت نیست.

حاجی معین‌التجار - هرگاه سفرا راضی شوند که محاکمات با قرارداد مخصوصی با خود بانک باشد ضرر ندارد گفتند در این صورت عیبی ندارد در فصل دوم گفت‌وگو در حواله خزانه شد که این حواله‌دهنده کیست اگر وزیر خزانه است که نداریم اگر وزیر مالیه است پس باید به این اسم نوشته شود.

رئیس - وزیر خزانه معمول نیست و نداریم و این بانک حالا حکم خزانه را پیدا خواهد کرد پس باید همان به حواله وزیر مالیه باشد.

سعدالدوله - در همه ممالک اداره خزانه علیحده است حواله به رئیس خزانه می‌شود. باید وزیر مالیه امضا کند چیزی که هست رئیس خزانه هیچ وقت مسئولیت ندارد مسئول وزیر مالیه است باید اسم او نوشته شود.

محقق‌الدوله - معلوم می‌شود که در لفظ خزانه غرضی ملحوظ بوده که اینطور نوشتند و از روی ترتیبی باید باشد.

سعدالدوله - بلی ترتیب ادارات به‌طور دیگر داده خواهد شد و ترتیبش هم رجوع به من شد که دستور آنها نوشته شود از روی همان ترتیب در این موضع باید وزیر مالیه نوشته شود.

در فصل سیم که بانک ملی معاملات زراعتی و رهن املاک و قرض و استقراض را به‌طور شرعی اداره می‌نماید.

سعدالدوله - چون این بانک موسوم به بانک ملی است باید مثل سایر بانک‌های ملی باشد که معاملات آن فقط به طلا و نقره است رهن و معاملات دیگر را هریک بانک علیحده است نباید این بانک را سد راه توسعه تجارت و ترقی ملت باشد سایرین هم حقی دارند بلی امروز آن بانک‌ها موجود نیست ولی بعد از این دایر خواهد شد، پس نباید تمامی این معاملات اختصاص به این بانک داشته باشد.

حاجی معین‌التجار - چون فعلاً بانک دیگری نیست این بانک می‌تواند که متصدی این معاملات شود اینک بانک دیگر یا کسان دیگر نمی‌توانند معاملات رهنی یا زراعتی یا غیر ذالک نمایند به‌طور امتیاز نیست به‌عنوان اجازه است.

رئیس - در این جا رعایت نکته لازم است و آن اینست که معین کنند چه مقدار از

سهام بانک در فلان معامله صرف می‌شود چون این بانک شعبات پیدا می‌کند برای اینکه ضرر به شعب‌های دیگر وارد نیاید این تعیین لازم است.

ثقة السلطنة - باید یک ترتیبی برای بروات معین بشود که تکلیف مردم معلوم باشد.

سعدالدوله - چه ترتیبی بهتر از اینست که هیچ برات صادر نشود و موجب شما را به موجب فرمان حواله بانک کرده سه ماه به سه ماه به شما بپردازند.

در فصل ششم که مشتمل بر امتیاز معادن بود (غیر از طلا و نقره و جواهرات).

سعدالدوله - هرگاه یکی از گماشتگان بانک ملی معدن طلائی در جایی کشف کرد تکلیف او چیست؟ آیا همین نحو او را مستور بگذارد که مال دولت است، پس باید طوری باشد که آن مستکشف بتواند به دولت اطلاع بدهد و قراردادی دولت مقرر کند تا آن معدن غیر مکشوف نماند.

رئیس - در این فصل دو عیب است یکی استثنا طلا و نقره و جواهرات دیگری اختصاص آن را به بانک چون مؤسسين همه جا نیستند که استکشاف معادن کنند ولی افراد ملت همه جاهستند پس باید برای آنها هم حق استکشاف و استخراج باشد بعد از مذاکره اجماع بر این شد که معدن طلا و نقره و جواهرات را هم بانک ملی حق استکشاف و استخراج دارد ولی به قرارداد علیحده بعضی گفتند که اگر این معادن در ملک کسی باشد چطور است.

جواب داده شد که ملک او است.

سعدالدوله - معلوم است که معدن حق و ملک صاحب ملک است ولی بعد از استخراج و کارکردن دولت را حقی هست که از او می‌گیرد ولی موضع مذاکره املاک موات و املاک دولتیست نه ملک خاص.

در فصل هفتم که امتیاز غواصی از برای مروراید با بانک ملی معین شده بعضی گفتند که باید مقید باشد که خارجه غواصی نکنند.

جواب داده شد ما می‌خواهیم که به معدلت رفتار کنیم و محکمه‌ها داشته باشیم و باید پول خارجه را وارد مملکت خود نماییم تا صاحب صنایع و تجارتات شویم آن وقت از صنایع و تجارتات صاحب ثروت شویم این چیزها موجب ضرر نیست.

نمایندگان در مذاکرات دارالشورای ملی در روز سه‌شنبه ۱۳ محرم الحرام ۱۳۲۵ نیز بحث قرض از خارجه را در رابطه با تأسیس بانک ملی مطرح می‌کنند:

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آفاسید محمدتقی - صورت شرایط استقراض دولت را با بانک ملی قرائت کرد گفتند حالاکه از مؤسسين بانک کسی اینجا نیست.

رئيس - چرا جناب امين التجار و جناب حاجی محمدعلی آقا هستند.

امين التجار - بانک ملی حاضراست ولی باید به تصویب مجلس باشد.

آفاسید محمدتقی - این چند فقره شرایط استقراض دولت از بانک ملی را باید با حضور مؤسسين مطرح مذاکره شود فقط برای چهار کرور قرض دولت که یکی دو مرتبه تأکیداً اظهار نمودند مباحثه شود مجلس تصویب نماید.

رئيس - بلی آنچه باید امروز مباحثه شود فقط در چهارکرور وجهی است که دولت لازم دارد باقی شرایط با خود بانک است.

مستشارالدوله - برای اینکه این مسأله استقراض در مجلس مطرح مذاکره شود مجلس باید مصرف چهار کرور وجه را بداند.

رئيس - گفت وگو شده اینها اشارت‌های سابق است ولی حالا هم توضیح شود این قرض علی‌العجله مصرفش معین است باید داده شود.

مستشارالدوله - یعنی به‌طوری که مستغنی از مذاکره است.

رئيس - مستغنی نیست اگر باید ایرادی شود بفرمایید و اگر لزوم به یکی از وزرا یا وزیر مالیه باشد باید بخواهیم چیزی که هست حاجت این قرض فوری است از خارج همه شنیدید که دست تنگی دولت بی‌نهایت است.

آفاسید محمدتقی - آقای مستشارالدوله می‌فرمایند مجلس باید مستحضر باشد سابق وکلا ولایات نبودند حالا تشریف آورده‌اند حالا باید از وزیر مالیه استفسار شود و مصرفش را دانست.

سیدالحکما - ترتیبات حالا غیر از سابق است چرا که بیشتر مالیات را نگرفته بودند حالا گرفتند و باید دانست مصارف این چهار کرور چه چیز است یا زیادتراً از این چهار کرور لازم دارند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - اولاً باید سؤال شود بانک ملی در کجا است به شرایطش عمل شده دولت از بانک ملی پول می‌خواهد و شرایطش را با بانک درست نمود باید بداند و اگر نباشد بانک ملی ندهد ملت باید بدهد اما این معامله را دولت با بانک ملی باید بکنند تصور دولت هم با بانک ملی است ولی بنده هنوز بانک ملی نمی‌بینم اول باید موضوع بانک معین نمود که کجاست است آن وقت.

آقامیرزا محمود - در نظامنامه نوشته شده که عایدات دولت باید به بانک ملی بیاید هنوز نیامده است.

سیدالحکما - باید دانست پول موجود کرده‌اند یا خیر.

آقامیرزا ابوالحسن خان - بانک ملی وقتی معین می‌شود که نقطه و سرمایه و رئیس او معین شود بانک ملی را هنوز که بنده نمی‌بینم پول دارد پس به ما بگویند سرمایه او چقدر است.

رئیس - جناب حاجی سید مرتضی و امین‌التجار هستند.

دکتر ولی‌الله خان - آیا بانک دارای تمام شرایط قرض دادن هست یا نه.

حاجی محمدعلی - در صورتی که عایدات را دولت بدهد بلی.

دکتر ولی‌الله خان - ترتیب بانک را داده‌اند یا خیر.

حاجی محمدعلی - به قدر تکمیل خیر.

دکتر ولی‌الله خان - رئیس و مدیر که برای آنجا خوب باشد از داخله نداریم از کجا تحصیل نموده‌اند.

حاجی محمدعلی - هنوز ندارند.

دکتر ولی‌الله خان - پس هنوز ترتیب بانک داده نشده چگونه قرض می‌تواند بدهد.

امین‌التجار - همین‌طور که آقامیرزا محمود گفتند عایدات را بدهند آنوقت.

صدیق حضرت - چه‌طور می‌فرمایید بانک ملی باید چهار کرور قرض دولت را بدهد آن وقت امتیازنامه او صحیح می‌شود.

آقامیرزا ابوالحسن خان - اول فهمیدن مصرف قرض است بعد که مسلم شد وکلای ملت صلاح دانستند ملت باید مجبوراً حتی به عنف شده بدهند هنوز ما نمی‌دانیم رفع احتیاج به دولت به چه مبلغ است وجه آنی و فوری چه اندازه است اگر مؤسسين حاضرند بدهند والا ملت بدهد.

حاجی محمدعلی - این مبلغ حاضر است در صورتی که مجلس تصویب کند آن وقت می‌دهد.

آقاسید محمدتقی - مقصود حاجی این است حاضرند ولی به تصویب مجلس باشد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - پس باید دولت به مجلس بفهماند.

رئیس - پس باید تشکیل کمیسیون بشود صورت دولت رسیده که پنج کرور کسر است رسیدگی شود این صورت با افراد رسیدگی بشود آنوقت.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آقامیرزا ابوالحسن خان - از افراد معین شود.

صدیق حضرت - در افراد معین شده.

رئیس - این افراد را یک مرتبه آوردند همه شما میدانید هم از قشون مانده و هم از اربابان حقوق مانده و هم از وزارت خارجه می‌خواهند همه جا کسر کردند باید دقت نمود بفهمند.

صدیق حضرت - چه ضرر دارد صورتی از وزیر مالیه بخواهیم به چه مصرف می‌خواهند.

آقامیرزا طاهر - حضرتعالی می‌فرمایید افراد موجود است مال سنه آتیه است.

رئیس - تمام مال سنه آتیه است.

آقامیرزا فضلعلی - مال یونت ئیل است یا خیر؟

رئیس - تمام مال سنه آتیه است عجلتاً نصف آن مقدار چهار کرور بالفعل داده می‌شود باقی می‌ماند دو سه ماه دیگر پس تمام بودجه داده نمی‌شود معینا اگر باید رسیدگی کرد باید کمیسیون کرد و از روی بصیرت دید.

آقامیرزا محمود - تمام عایدات را صورت داده‌اند.

رئیس - تمام را داده‌اند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - از این افراد فهمیده نمی‌شود در هر فردی توضیح لازم است باید کمیسیون بشود وزیر مالیه تشریف بیاورند.

آقامیرزا فضلعلی - در سنه ماضیه برواتی را تومانی دو هزار داده‌اند حالا از دولت می‌خواهند بگیرند این روا نیست از ملت بگیرد حالا باید آنچه لازم است برسانند داده شود.

آقامیرزا محمود - باید صورت صحیح با صورت عایدات را بدهند ما نمی‌دانیم اینهایی که گرفته‌اند به کجا داده‌اند مثلاً به بعضی نظام داده‌اند معلوم نیست باید صورت کل را بیاورند.

مشارالملک - از بعضی جاها صورت داده‌اند صرف خرج را دویست و چهل هزار تومان نوشته‌اند ولی هیچ‌یک صورت جزء ندارد.

آقامیرزا محمود کتابفروش - تا صورت کل نرسد نمی‌شود.

صدیق حضرت - صرف جیب یونت ئیل یا سال قبل.

مشارالملک - همین یونت ئیل ولی همه را بطور تخمین نوشته‌اند که پنج کرور

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

کسر است.

فتح‌الله خان - همه ساله دولت این کسر را دارد یا از این سال.

مشارالملک - همین پارسال از گمرک کسر است از ضرابخانه کسر است.

فتح‌الله خان - از گمرک که می‌گویند موسیو نوز مبالغی خورده است.

مشارالملک - این مسأله دیگر است ولی کسر دارد.

سیدالحکما - باید صورت تمام این پنج کرور کسر به جزء برسد.

مشارالملک - آن صورت را حالا می‌تواند وزیر مالیه بدهد سابق ممکن نبود ولی حالا ممکن است که معین بکند عمل گمرک و پستخانه و صرف جیب و سایر مخارج را صورت بدهد.

سیدالحکما - پس باید صورت برسد.

فتح‌الله خان - پس اگر همه ساله کسر بکند نمی‌شود اول فکر این کار را بکند که مصرف دولت جمعش را معلوم نمایید و مطلع باشید اگر محل دارد خرج نماید والا اگر کسر دارد خرج ننماید.

سیدالحکما - باید معلوم شود.

آقاسید حسن تقی‌زاده - گویا قبول جمع و خرج امساله تعبدی است یعنی هرچه می‌گویند باید قبول کرد اگر اذنی هم مجلس برای قرض بدهد آن هم تعبدی است ولی گویا در آخر سال آینده لایحه قرض بیاید نباید تعبدی قبول نمود به واسطه آنکه اذن قرض امسال که داده شد در مقابلش باید بودجه سال آینده در تحت نظارت مجلس بیاید می‌بینیم مال سابق متصل گرفته‌اند چنانچه بنده دو ماه است داد می‌زنم دوایر دولتی توقیف باشد اینها گمان می‌کنند بنده گفته‌ام کار کنند بنده گفته‌ام پول نگیرند از ادارات این روزها پیش قسط را می‌گیرند از این دکان روزی پنجاه هزار تومان می‌گیرند.

آقای آقامیرزا سید محمد - اعمال سابقه به هیچ وجه فرق نکرده است زحمت مفتی می‌کشید درد سر به خودتان می‌دهید.

آسید حسن تقی‌زاده - ما گفتیم به حکومت دخل و تصرف نباید بکنید ما گفتیم در جزو لایحه مواد هفت‌گانه معین بشود تمام می‌دانید از قوام‌الملک شصت و پنج هزار تومان گرفته‌اند این است که بودجه در تحت نظر مجلس باید بیاید اگر اذن قرض را می‌دهید تعبدی قبول می‌کنیم باید تا آن جزء آخرش را برسیم دو کرور پنجاه و نه

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

هزار تومان باشد خیر حالا باید دولت توضیحات بدهد بهتر این است وقتی مأمور دولت اینجا آمد.

رئیس - فرمایش جناب عالی صحیح است ولی از علم خارجی که داریم می‌گوییم از بابت پیش قسط مخارجی است که نداده‌اند از احدی پیش قسط نگرفته‌اند مقداری حالا از قوام‌الملک گرفته‌اند نمی‌دانم.

آقامیرزا ابوالحسن خان - پنجاه هزار تومان ولی به عنوان مساعده.

رئیس - گویا برای مصارف لازمه که حاجت داشته‌اند.

آقامیرزا محمود - مخارج به تصویب مجلس باید باشد.

رئیس - این مسلم است ولی آن ترتیبی که آقای تقی‌زاده گفتند مال سابق است و تعبدی باید قبول کرد.

صدیق حضرت - پس باید نوشت به وزیر مالیه بیایند.

رئیس - بلی باید نوشت.

آقامیرزا طاهر - این بانک مشکل می‌شود یا خیر.

رئیس - بلی مشکل می‌شود.

آقامیرزا طاهر - پس چرا به بانک ملی عایدات را نمی‌دهند.

صدیق حضرت - امتیازنامه بانک در دفتر توقیف است ولی آن قراردادی که دولت می‌خواهد به بانک ملی بگذارد هنوز گزارده نشده وزیر مالیه باید بیاورد.

حاجی سیدنصرالله - قرض به تصویب مجلس است پس رشوه گرفته می‌شود ضرر ندارد مجلس نباید بداند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - این مصارف را باید دانست کدام پادار است داده شود و کدام پادار نیست.

سیدالحکما - صحیح است.

مخبرالملک - پیش از این گفته شود مکرر است.

امین‌التجار - این مطلب تسلسل دارد اگر به بانک پول ندهند بانک تشکیل نمیشود.

مخبرالملک - عجلتاً باید مصرف این قرض را بجز ارائه بدهند در کمیسیون دقت شود در آن کمیسیون جناب ناصرالملک باشد آنوقت مجلس رأی خود را خواهد داد.

رئیس - بهتر این است انجمن مالیه تشکیل شود شش نفر از آقایان که حاضرند انتخاب شوند در آنجا جواب و سؤال بشود.

مشارالملک - خیلی خوب است.

رئیس - از آقایان چند نفر معین شوند از آقایانی که از آذربایجان آمده‌اند پس فردا مجلس بشود.

فتح‌الله خان - ما دو مزرعه در قم داریم.

رئیس - حالا بماند.

آقاسید محمدتقی - باید تشکیل منشی‌ها و رئیس دفتر را داد.

رئیس - علی‌العجالة جناب صدیق حضرت تا حال رئیس موقتی بودند باید معلوم بشود باید دو نفر منشی انتخاب بشود و یک نفر رئیس دفتر.

آقا سید محمدتقی - جناب محتشم‌السلطنه تشریف آورده‌اند و رقعته‌ای هم از طرف صدارت به مجلس محترم اظهار می‌دارند.

مذاکرات دارالشورای ملی در روز پنجشنبه ۱۵ شهرمحرّم ۱۳۲۵ هم در ادامه بحث از مسائل مالیه و بانک ملی جریان یافته است:

وثوق‌الدله - دیروز کمیسیون مالیه منعقد شد وزیر مالیه هم بودند در باب چهار کرور استقراض دولت از بانک ملی فعلاً دو کرور آن را لازم دارند و دو کرور دیگر را بعد از چهار ماه و صورت مصرف این دو کرور از این قرار است یک فقره دویست و پنجاه هزار تومان به قشون داده شود که پنجاه هزار تومان به قزاقخانه بدهند چهارده هزار تومان توپخانه و باقی به افراد قشون و فقره دیگر صد هزار تومان به اجزای وزارت خارجه داده شود و سیصد و پنجاه هزار تومان حواله طومانیاس از باب طلبی که از دولت دارد و صد هزار تومان به ارباب حقوق رکابی و صد هزار تومان از بابت مخارج درباری یعنی طلبی که بیوتات دارند و این صورت را وزیر مالیه اظهار داشتند و در هریک از اینها اجزای کمیسیون رأی داده‌اند به این طور در باب قشون این دویست و پنجاه هزار تومان به افراد قشون و صاحب‌منصبان جزء برسد نه به صاحب‌منصبان بزرگ و امرا تومان و مصارف قورخانه و غیره داده شود و از بابت حقوق اجزای وزارت خارجه صد هزار تومان به هر یک از مأمورین خارجه که قوه‌ای ندارند داده شود و در خصوص طلب طومانیاس هم که مطالبه می‌نماید باید داده شود به شرط آنکه حوالجات دولتی را که به او داده‌اند به مجلس ارائه بدهند و از بابت ارباب حقوق رکابی صورت اشخاصی که می‌گیرند به مجلس بدهند و در باب بیوتات رأی داده نشد تا وقتی که صورت آن را به مجلس بدهند و حال در مجلس

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

هم مذاکره شود هرکس هر رأیی دارد بگوید.
آقامیرزا محمود - پریروز قرار بود وزیر مالیه صورت جزء را بدهند تا درست واضح بشود.

و ثوق الدوله - چرا داده اند.

صدیق حضرت - در باب صد هزار تومان ارباب حقوق گفته شد به فهرست های جزء بدهند باید اعلان کنند که این پول به فقرا برسد.

آمیرزا ابوالحسن خان - در مجلس قرار نشد مذاکره شد امروز هرکس هرچه رأی دارد بدهد.

و ثوق الدوله - این راپورت کمیسیون است حال هرکس رأیی دارد بدهد.

میرزا محمود - جناب مشارالملک فرمودند این صورت را تخمیناً داده اند.

مشارالملک - بنده عرض کردم که صورت بعضی از آنها تخمیناً داده شده حالا هم عرض می کنم.

و ثوق الدوله - صورت بعضی از بیوتات را تخمیناً داده اند که قریب به تحقیق است.

خیاط باشی - از بابت سال گذشته است که می خواهند بدهند یا مال هذه السنه.

و ثوق الدوله - باز خوب است صورت خوانده شود و یکی یکی رأی گرفته شود در باب دویست و پنجاه هزار تومان قشون که سابقاً صد هزار تومان آن داده شده و باقی را به موجب صورت جزء که خوانده شد مجلس تصویب می کند یا خیر.

آقامیرزا ابوالحسن خان - دادن موجب قشون لازم است به جهت اینکه قشون شوکت و قوت دولت است ولی باید چنانچه در کمیسیون گفته شد طوری بدهند که مجلس مطمئن شود که به آحاد و افراد قشون و صاحب منصبان جزء برسد نه این که به صاحب منصبان و کل امرا تومان داده شود والا ملت نمی تواند بگوید نمی دهم. به جهت این که قشون عزیز ملت و اولاد پادشاه است.

و ثوق الدوله - گفته شد که به آحاد و افراد که استحقاق دارند داده شود.

دکتر ولی الله خان - اگر مجلس بخواهد یک تربیعی بدهد و منظم بکند که به واسطه آن ترتیب یک پول حیف و میل نشود غیر ممکن است ولی حتی المقدور مجلس از جانب خودش یک نفری که اطمینان دارد معین نماید که به استحضار او این پول داده شود به اشخاصی که اسامی آنها در دفتر ثبت است و پیش از این نمی تواند مراقبت نماید چرا که فوج در سایر جاها هزار نفر زیادتر است ولی اینجا

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

هشتصد نفری و دویست نفری هم هست پس طوری نباشد که خارج را لباس سربازی پوشانده پول بگیرند و بیش از این ممکن نیست مراقبت شود یک مقداری هم باید مسامحه نمود.

شیخ ابراهیم - سوارهای خمسه پنج ماه است در اینجا هستند و ابداً چیزی به آنها داده نشده لحاف و اسباب فروخته گذران کرده‌اند.

حاجی سیدنصرالله - به قول آقای تقی‌زاده ما مصادف خیلی مشکلات می‌شویم و خواهیم شد این یکی از آن مشکلات است یک سطر قانون برای این مسأله بنویسید و از این مطلب بگذریم.

آقاسید حسن تقی‌زاده - جهت این مباحثات طولانی را نمی‌دانم. ما همه می‌دانیم چندین سال مردم ایران زیر بار ظلم حکام بوده‌اند ما وکیل رعیت هستیم و این مجلس مجمع عقلانی ملت است به واسطه اینکه تمام رعیت زیر بار ظلم بوده‌اند هر وقت تشکی کردند باید آن حاکم را با چند نفر از متظلمین خواست که حضوراً احقاق حق شود ولی اول علاج آن عزل حاکم است حال این مسأله را رجوع بکنیم مثل سابق به حکومت تحقیق بکند نمی‌شود و شاید هیأت عالی هم تکلیفش همین است اما باید در یک دقیقه عزل شاهزاده را بخواهیم یعنی باید رأی بدهیم.

آقاشیخ حسین - ما این مجلس را همچو می‌دانیم باید قانون وضع کند تمام مردم در تحت آن قانون باشند این مطلبی که من عرض کردم هرکس منکر است به ادله ثابت کند والا قانون نوشته شود.

(جمعی از وکلا مسأله که آقاشیخ حسین طرح نمود پسندیده و تصویب نمودند در این خصوص و در باب تغییر حکومت اصفهان رأی‌ها مختلف شد بعضی را عقیده این بود که در همین مجلس اخذ رأی شود برای عزل شاهزاده ظل‌السلطان و نوشتن قانون برای اشخاصی که در هر جا دارای آب و ملک هستند به آنجا برای حکومت نروند و جناب مخبرالسلطنه و بعضی را رأی این شد که خوب است. مجلس از تکلیف خود تجاوز نکند. از هرجایی تشکی بشود دفعه اول به وزارت داخله اظهار شود شاید آنها جوابی بدهند که ما متقاعد شویم.) پس از مباحثه و مذاکره زیاد جناب رئیس گفتند ما رأی را در مواد قانونی اخذ می‌کنیم یک چیزی برای مسأله که آقاشیخ حسین طرح کردند نوشته شود روز سه‌شنبه بعد از مذاقه و مباحثه رأی گرفته شود اما در مسأله تغییر حکومت اصفهان دیگر اخذ رأی

نمی‌خواهد عجل‌التأین تلگراف برای وزارت داخله فرستاده شود و به جهت فردا جواب خواسته شود و به همین‌طور قرار گذاشته شده و شروع به مذاکرات در شرایط بانک ملی شد.

آقاسید محمدتقی - صورت شرایط بانک را قرائت کردند قریب به این مضمون.

۱. چهار کرور بانک ملی به دولت قرض خواهد داد.

۲. بانک ملی برحسب تصویب مجلس شورای ملی قبول می‌کند که چهار کرور به دولت قرض بدهد به مصرف مخارجی که مجلس تصویب کند برسد چون نهمصد هزارتومان آن را مجلس تصویب کرده فعلاً بانک خواهد داد که موافق شرایط معینه به حوالجات دولت داده شود و باقی موقوف بر این است که وزیر مالیه صورت باقی‌مانده مخارج یونت ثیل را از روی دقت به مجلس بدهد که تمام بدهی دولت به ارباب حقوق و صاحب جمعان دیوانی معلوم شود بعد از تصویب مجلس ششصد هزار تومان به ارباب حقوق بدهد و یک کرور دیگر را و قبض ارباب حقوق را جمع‌آوری نموده سهام شرکت به آنها داده و در خرج دولت محسوب دارد یا کلیتاً دو کرور یکصد هزار تومان را در مدت دو سال به هشت قسط متساوی به حواله دولت به ارباب حقوق و غیره بدهد.

۳. منافع از قرار صدی نه در سال است و در سه سال دولت از این مبلغ سالی دویست هزارتومان ازبابت اصل منافع تأدیه خواهند فرمود ولی بعد از سه سال ازبابت اصل و فرع سالی دویست و پنجاه هزار تومان خواهند داد تا اصل قرض مستهلک شود.

۴. محل ادای وجوه سالیانه این قرض از اصل و فرع از عایدات گمرک جنوبی خواهد بود و اگر کفایت نکرد از مالیات داده خواهد شد.

۵. از کلیه وجوه مالیات که تحویل بانک می‌شود تا دوازده کرور از صدتومان یک تومان حق‌العمل بانک ملی خواهد بود و در دوازده کرور ثانی که بیست و چهار کرور بشود صد تومان پنج‌هزار و آنچه از بیست و چهار کرور زیاده‌تر شد صدی ربع خواهد بود و اگر پولی از دولت بماند به‌علاوه وجوه جاری بانک صدی چهار و نیم منافع خواهد داد و اگر دولت زیاده‌تر گرفت بانک در صدی نه منافع حساب خواهد کرد و این قرار فصل پنجم تا مدت پنج سال برقرار است.

۶. اگر علاوه از خمس سرمایه دولت قرض نماید شرایط آن به تراضی طرفین قرار

داده خواهد شد.

۷. کرایه و خرج حمل وجوه مالیه از محلی به محل دیگر برعهده دولت خواهد بود.

۸. فعلاً بعد از وضع وجه استقراض حالیه بر آنچه تحویل بانک ملی خواهد شد نباید حواله شود.

چون بعضی از مؤسسين بانک ملی در مجلس حضور نداشتند و این شرایط محتاج به اصلاحات و مذاکرات زیاد بود بعد از فی‌الجمله مذاکره قرار شد در روز یکشنبه ۲۵ در مجلس مخصوص بدون حضور تماشاچیان مذاقه و مباحثه شده پس از تنقیح و تصویب اخذ رأی شود.

مذاکرات روز یکشنبه ۱۶ شهر صفرالمظفر ۱۳۲۵ دارالشورای ملی نیز در خصوص مسأله بانک ملی جریان می‌یابد:

خلاصه مذاکرات روز شنبه ۱۵ را آقای حاج سید نصرالله قرائت نموده بعد جواب تلگراف متحصنین تلگرافخانه کرمان که از طرف مجلس مقدس شورای ملی نوشته شده بود قرائت کردند که خلاصه آن قریب به این مضمون بود (عموم متحصنین تلگرافخانه کرمان - تلگراف مکروه شما در باب انتخابات کرمان رسیده و از طرف مجلس هم جواب‌های متعدده داده شده از قراری که صورت انتخابات منتخبین در مجلس اظهار شد سواى یک نفر وکیل طبقه علما تماماً به موجب نظامنامه انتخابات صحیح بوده و تلگراف شد وکلا حرکت نمایند در این صورت ماندن شما در تلگرافخانه معنی ندارد اگر حرفی دارید یکی دو نفر از جانب خودتان بفرستید اینجا تا رسیدگی به عمل آید).

(و بعد رقعۀ وزارت عدلیه که در جواب رقعۀ مجلس محترم نوشته بود قرائت شد که خلاصه آن قریب به این مضمون است. مرقومه مطلعۀ در باب اخطار حاج ملک‌التجار و احضار خود بنده در روز دوشنبه دو ساعت به غروب مانده وصول یافت شرحی به حاج ملک‌التجار نوشته شد که حاضر شود و خودم هم روز دوشنبه در ساعت مقرر حاضر خواهم شد).

رئیس - حالا مطابق این کاغذ فردا مجلس منعقد می‌شود و البته همه حاضر خواهند شد در این خصوص مذاکره شده ترک دعوی می‌شود بعد لازم به مذاکره شود و یقیناً هم خواهد شد همان طوری که گفته شد در انجمن علیحده عدۀ معین شود ۱۵ نفر در خارج هر قدر لازم است مذاکره و رسیدگی نمایند حال آن پانزده نفر

باید انتخاب شود (آقاشیخ ابراهیم اظهار داشتند که همان انجمن تحقیق عرایض برای رسیدگی به این کار کافی است جناب رئیس جواب دادند که آن انجمن کافی نیست و گفته شد انتخاب آن ۱۵ نفر باشد بعد از طرح دعوی در مجلس اول).

آقاشیخ حسین - آن روز در اتاق انتظار قرار شد قراردادنامه بانک ملی به امضای بانک ملی به امضای دولت برسد و بانک پول بدهد و همه می‌دانید قشون بی‌پول نمی‌تواند بماند لابد از کسبه و غیره قرض کرده‌اند و حالا آنها هم مطالبه می‌نمایند می‌خواهیم بدانیم دولت آن قراردادنامه را امضا کرده یا نه.

رئیس - گویا تا امروز امضا نشده است.

معین‌التجار - گویا هنوز امضا نشده و گویا میل هم نداشته باشند که این بانک ملی تأسیس شود و به عرض شاه می‌رسانند که بانک ملی نمی‌تواند پول بدهد و اشکالات را خودشان تولید می‌کنند.

وکیل‌التجار - چند روز قبل جناب مخبرالسلطنه که به واسطه این کار و نمایندگی دولت بودند رسماً در مجلس اخطار کردند که دولت آن قراردادنامه را قبول کرده حالا چه‌طور ممکن است بگویند قبول نشده.

آقامیرزا ابوالحسن خان - حالا وزیر مالیه می‌آیند مجلس باید استفسار شود این مطلب خیلی اهمیت دارد از قراری که شنیده شد در هفته قبل مجلسی در دربار منعقد شده در باب استقراض از بانک ملی یا از خارجه پس از مذاکره گویا قرض از خارجه را تصویب کرده‌اند و از آقایان و کلا هم یکی دو نفری این مطلب را شنیده‌اند و من نمی‌توانم بگویم این راست است یا دروغ، ولی دانستن این مطلب خیلی اهمیت دارد و بعد از آنکه خود بانک ملی حاضر است در دادن پول دیگر این مذاکرات برای چیست (در این موقع آقای حاج سید نصرالله سؤال نمودند جهت تأخیر امضای قراردادنامه تا حال چیست؟ آقای حاج معین‌التجار جواب دادند قرار بود پریروز وزیر مالیه بروند دوشان تپه و به صحنه همایونی برسانند رفتند و نشد امروز را وعده داده‌اند).

آقاسید حسن تقی‌زاده - همه می‌دانند بانک ملی منشأ سعادت ملت است بر فرض بانک ملی تشکیل نشود ولی خطور دادن تصویب قرض از خارجه را خیال کفر است آن وزیری که تصدیق می‌کند استقراض از خارجه را باید از خود و خانواده و هستی خود بگذرد.

حاجی امین‌الضرب - نه مناقشه‌ای هست و نه از آنها استنکاری شده قرارنامه نوشته شده باید به صحنه همایونی برسد.

سعدالدوله - مطلب همین است که جناب حاجی امین‌الضرب گفتند.
آقا سید محمدتقی - فرمایش جناب رئیس این است که عجالتاً با این هیأت جناب و ثوق‌الدوله بروند به حضور همایونی.

رئیس - چون خاطر شاه مسبوق نیست حال من هم مقتضی نیست ایشان بروند.
آقای آقاسید عبدالله مجتهد - صحیح است یک نکته در کار است که این دفعه نایب رئیس برود بهتر است.

(گفتند چون و ثوق‌الدوله متعذر شدند جناب حاج امین‌الضرب بروند).
حاج سید نصرالله - حاج محمدابراهیم گفتند که اگر اشخاصی که به حال ملت فایده نداشته باشند و مصدر امور شوند ما قبول نمی‌کنیم بنده عرض می‌کنیم که مجلس پیش از اینکه اخطار کند حق ندارد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - اعلیحضرت همین رئیس‌الوزرای را که انتخاب کردند و آن هم هیأتی را معین کرد.

البته ما باید قبول کنیم در این مطلب حرفی نیست چون مجلس گمان می‌کند که از روی دقت انتخاب نشده است بدیهی است که اعلیحضرت اگر چند سال دیگر هم باشد باز معرفی کامل از رجال دولت در حضور همایونی نمی‌شود ما به واسطه کمالی که حاصل شده است عرض می‌کنیم که ظاهراً این انتخاب بر وجه صحت نشده است باز اگر اعلیحضرت فرمودند همین هیأت باشد و اطمینان دادند ما باید قبول کنیم منتها وقتی که دیدیم نتوانستند از عهده برآیند عزلشان را می‌خواهیم.

حاج سید نصرالله - غرض این بود که مجلس حق یک اخطار دارد اگر پذیرفته شد فبها والا قصوری از طرف مجلس نشده است.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - باید عرایض صادقانه عرض شود این لایحه که جناب مستشارالدوله نوشته تعارف است باید صریحاً بگویید که اینها قابل نیستند خودتان را گرفتار نکنید این همه زحمت را که کشیدیم محض آن بود که حرف بی‌پرده زده شود از روی بی‌ادبی هم نباشد با کمال ادب عرض کنید که از روی دولتخواهانه این هیأت صحیح نیست.

وکیل‌التجار - در اینکه انتخاب هیأت وزرا با شاه است حرفی نیست ولی وزرای که

انتخاب می‌شوند لاقلاً باید با اکثر اهل مجلس هم سلیقه باشند و مشروطه خواه باشند که کار پیش برود باید خاطر ملوکانه را به این نکته جلب کرد.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - باید یک کلمه گفت اگر حق نظر به این مجلس داده شد که این هیأت صحیح نیست و اگر داده نشده که چرا بی‌جهت زحمت می‌کشید.

آقاسید حسن تقی‌زاده - اگر قانوناً گفته شود که قبول می‌کنید یا نه نمی‌توانیم بگوییم که قبول نمی‌کنیم ولی عقیده بنده و بلکه اکثر این است که خواهد آمد روزی که اوضاع طوری بشود که مجلس باید در کلیه امور نظارت داشته باشد.

مجلس باید لاقلاً یک امتحانی بکند چیزی که هست قبل از وقت یک توهم را باید از خود دفع کند و آن این است که اگر یک هیأتی آمدند و مجلس عقیده خود را نگفت آن وقت اگر پیشرفت نکرد شاید شهرت بدهند که مجلس خیالش موافق نیست و هر روزه یک ابر ادی می‌کند عجالتاً این انتخاب شده شاید در آن طرف هم اطمینان نباشد و منتظر باشد که مجلس چه می‌گوید مجلس باید عقیده خود را بگوید حال اگر باز گفتند که این هیأت باشد باید قبول کرد با آن ترتیب که خود اعلیحضرت بیابند و معرفی نمایند در عرض یک هفته معلوم می‌شود می‌توانند کار بکنند یا خیر؟

در ادامه مذاکرات روز یکشنبه ششم شهر شعبان نمایندگان دارالشورای

ملی ، بحث از بانک ملی و امور مالیه کشور را در دستور کار خود قرار می‌دهند:

رئیس - امروز مذاکره در این خصوص نیست مذاکره آن با کمیسیون است خوبست شروع به قرائت قانون اساسی شود بعد از قرائت چندماده چون نسخه تصحیح شده حاضر نبود قرار شد که در روز سه‌شنبه قرائت شود.

حسنعلی خان - این عرض را که می‌کنم اهمیت دارد در بدو انعقاد مجلس یک عنوان خوبی در مجلس شد و آن تشکیل بانک ملی بود و خیلی مذاکرات شد و مردم هم بعد از یکی دو ماه اطمینانی حاصل کرده حتی در روزنامه‌های خارجه هم نوشته شد شاید به نظر جناب رئیس هم رسیده باشد در یکی از جراید نوشته بود که این خیالی را که مجلس دارد اگر صورت خارجی پیدا کند خیالات دیگران را باطل می‌کند مقصود مطالب پلتیکی است.

ولی امروز می‌بینیم بدبختانه بالمره مذاکراه بانک از میان رفته و تمام کارها هم منوط به پول است آیا چه شد که این مذاکرات از میان رفت.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آقامیرزا ابوالحسن خان - روزی که بنده وارد این مجلس شدم از فرنگ این صحبت را مذاکره کردم و با شما هم عقیده هستم و اکثرهم شاید هم عقیده باشند تعطیل هم نشده است خوبست اجازه داده شود که مطرح شود.

محقق الدوله - اظهار حسنعلی خان از روی وطن پرستی بود گوا اینکه تعطیل نشده باشد و دنباله آن هم در دست باشد باز باید اقدام شود وقتی که اتابک در دفعه آخر آمد به مجلس همین مذاکره شد از قضایای اتفاقیه وقوع آن واقعه اسباب تأخیر شد حالا هم هرچه باشد باید زودتر اقدام شود و رئیس بانک که معلم باشد از فرنگ بخواهند و تا آمدن او ترتیب بانک را مرتب نمایند.

آقاشیخ حسین - الحمدلله رب العالمین امیدوارم که دیگر کسی نتواند وکیل را تهدید نماید عقیده بنده این است تا این متمم قانون اساسی که گوش ملت را پر کرده اند ناقص مانده تا تمام نشود و به صحه همایونی نرسد ملت با جان و دل پول نخواهد داد.

وکیل الرعایا - یک نقشه خوبی برای بانک کشیده شده بود و اینک تعطیل شد یک نقشه از فرنگستان داخل این خاک شد که شرح آن محتاج به مجلس دیگر است ولی امیدواریم که من بعد این ایران از خارج چیزی نگیرد و از ثروت مملکت خود بهره مند شود حالا باید همان نقشه خودمان را مجری داریم و فوراً این بانک تشکیل شود.

حاج محمدتقی - تعطیل بانک به جهت این که ۱۲ فصل به جهت بانک نوشته شده بود دولت می خواست تغییر بدهد از این جهت تعویق افتاد. رئیس - شماها که اطلاع دارید همین طور است.

حاجی معین التجار - بلی امتیازنامه گرفته شد بعد در خصوص تغییراتی که در مواد آن می خواستند بدهند مذاکرات زیاد شد و به همان طور ماند. رئیس - پس چرا نگفتید و اظهار نکردید که همه بدانند.

آقاشیخ یوسف - جناب ناصرالملک به مجلس آمده بودند که این ترتیب بانک ملی صلاح حال ملت نیست نه اینکه صلاح دولت نباشد چون که این بانک مدتش خیلی است پس طوری باید باشد که اسباب آسایش و اطمینان همه مردم باشد. حاجی معین التجار - سبب همانست که حاجی محمدتقی گفتند خواستند امتیازنامه را تغییر بدهند قبول نشد.

آقا شیخ یوسف - جناب ناصرالملک غرضی نداشت لابد از روی خیرخواهی میگفت.
حاج محمدتقی - جناب ناصرالملک گفتند یک رئیس و یک دفتردار از فرنگ
بیاورند و دیگر چیزی نگفت.

آقامیرزا محمود - ناصرالملک مجبور به گفتن بود یک فصلی از امتیازنامه بانک
ملی این بود که عایدات دولتی تمام به بانک آمده از آنجا خارج شود قبول نشد و تا
حال هم ما ندانستیم که عایدات دولتی امساله چه شده است.

حسنعلی خان - جمعی فهمیده و جمعی نفهمیده دیگر این بانک را تعقیب نکردند و
حال آنکه افتخار و قوام ملیت ما بسته به این بانک است همه می دانند تا یک
جمعی یک سرمایه در یک جا نگذارند کارهای بزرگ را نمی شود از پیش ببرند
افسوس مثل حاج ملکالتجار صدمه بزرگی به این اساس وارد آورد و کلا باید به
صدای بلند بگویند به مردم که شما امروز پول به شخص نمی دهید بلکه به عموم
می دهید و امروز پیشرفت کار ما به این است که قوه پیدا نماییم و تا ما قوه پیدا
نکنیم کار ما پیشرفت ندارد گویا به دولت فهماندند که تأسیس بانک موجب ترقی
مشروطیت می شود این بود که مانع شدند و بعضی ها هم از روی نادانی تعقیب
نکردند.

حاج امام جمعه - در این مسأله گویا مخالفی نباشد وقتی که در آذربایجان بودم
می گفتند که اول اقدامی که باید بشود مسأله پول است بدبختانه وقتی که آمدیم
آنجا دیدیم هیچ ترتیبی نیست چیزی که هست فقط کمیسیون مالیه مشغول است
که دخل و خرج مملکت را مساوی نماید این هم نمی شود زیرا که متنها او جمع و
خرج را مساوی کند اما این خرج های جدید که پیدا می شود مثل اینکه می خواهیم
عدلیه صحیح تأسیس کنیم یا حاکم بفرستیم و او از مردم چیزی نگیرد یا تهیه
قشون کنیم اینها پول می خواهد باید فکری کرد خیلی مخارج داریم عقیده بنده این
است که یک هفته دو هفته در این مسأله گفت و گو شود و به همه جا اعلان کنند
که ملت خودشان حاضر شوند همانطوری که وکیل الرعایا گفت آن ترتیب را ملت
هیچ حاضر نیستند باید ملت را تشویق کرد اگرچه در روزنامجات ما مطلب نافع
کمتر می نویسند ولی باید این مطلب در روزنامجات بنویسند که ملت دقت نظر
خودشان را در این مسأله اظهار کنند در میان ملت مردمان عاقل و باهوش هستند
باید به ملت فهماند و از روی ترتیب صحیح با دقت اقدام در این امر کرد و تا پول

نباشد هیچ کاری از دولت و ملت پیشرفت نخواهد کرد.

آمیرزا ابوالحسن خان - عقیده بنده این است که بانک تمام کارهای ما را درست می‌نماید تمام پیشرفت کار موقوف به پول است اگر پول بود قشون رفته بود اگر پول بود عدلیه صحیح شده بود و سایر ادارات ما مرتب گردیده بود تمام کارها بسته به پول است اول بلااول لازم است که یک مخزنی باشد تا این ادارات از عسکری و غیره تشکیل شود پس می‌توان گفت که اگر بانک تشکیل شد ما زنده هستیم والا خیر.

آقامیرزا فضلعلی آقا - جناب حاجی امام جمعه فرمودند در میان ملت اشخاص کاری هستند در این مطلب حرفی نیست ولی بیست کرور ملت اگر می‌خواست خودش به کار خودش رسیدگی نماید لابد لااقل بایست هفته یک روز در یک جا جمع شده در امورات شورا کند و این غیرممکن بود پس از این جهت برای خود وکلایی معین کردند که در کارهای آنها فکر و اصلاحی نمایند پس آنها می‌توانند ایراد نمایند که شمادر این مدت چه فکری از برای معاش و راحتی ما کردید تا یک راه پولی برای مردم پیدا نشود هیچ کار پیشرفت نخواهد کرد مملکت در کمال سختی گرفتار بی‌پولی است اگر بخواهیم اعلان بکنیم دو ماه طول خواهد کشید.

حاج امام جمعه - افسوس که مقصود من مخفی ماند من نمی‌گویم که وکلا کار نکنند من می‌گویم به مردم هم باید اعلان داد تا در این باب فکری بکنند آنچه آقا میرزا ابوالحسن خان گفتند همان حرف‌های من است و تمام صحیح است من می‌گویم عمده امنیت است البته امنیت که پیدا شد مردم با کمال خاطر جمعی پول خواهند داد.

رئیس‌التجار - بانک پیشرفت نکرد برای اینکه چون قرض دولت با او جمع شد و قرض دولت پیشرفت نکرد برای اینکه با دادن حقوق مردم توأم شد این سه فقره که داخل هم شد این شد که کار پیشرفت نکرد حالا عقیده بنده این است در تشکیل بانک لازم نیست که سی کرور جمع شود تا قرض دولت هم داده شود ده کرور هم باشد خوب است تا تشکیل شود تا این امور از هم جدا نشود بانک تشکیل نمی‌شود حرف را باید مختصر گفت اصل مطلب این است که بانک لازم است و مسلم تمام عقلاست و این مطلب موقوف به اطمینان است مردم این مملکت می‌توانند نفری پنج تومان بدهند و این نمی‌شود مگر به اطمینان و اینکه شاه با

شاهزادگان سرمایه بدهند که اسباب اطمینان سایرین بشود. حاجی معین‌التجار - دو چیز است که عدمش اسباب پریشانی و وجودش موجب آبادی مملکت است یکی امنیت و یکی پول هر دو اینها بسته به هم است حال هرکدام را مجلس جلو انداخت آن دیگری حاصل خواهد شد.

آقامیرزا ابوالحسین خان - این امنیت پول نخواهد شد ولی از پول امنیت حاصل می‌شود مثلاً پول بدهیم قشون برود راه اصفهان را امنیت بدهد اما امنیت واقعی آن اتحاد ما است که جنگ داخلی نداشته باشیم و یک مسأله دیگری است که هرکس صاحب چیز است کمک کند زیرا که از پنج تومان و ده تومان سرمایه بانک جمع نمی‌شود باید اشخاصی که در بانک‌های خارج وزیر زمین‌ها و غیره پول دارند امروزه فکر کنند که مملکت از دست می‌رود و پول بدهند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - ترتیبات قدیمه بانک با ترتیبات حالیه خیلی تفاوت کرده حتی پول هم با بانک تفاوت کرده. همان‌طور که بانک لازم است پول هم لازم است سد اهواز هم لازم است و پول به جهت این مملکت خیلی لازم است اول قرار شد که سرمایه سی کرور باشد و قرار شد شش کرور دولت قرض نگیرد بالاخره قرار شد چهار کرور شود که از آن طرف جمع شده از این طرف به دولت داده شود دولت هم به واسطه شدت احتیاج هر امتیازی که می‌خواست داد بانک لازم است و باید وزیر تجارت آن را تأسیس نماید ولی برای دولت هیچ فایده ندارد تا پنج سال دیگر بر فرض چهار پنج کرور هم جمع شد و یک مختصری به دولت داده شود باز فایده به حال دولت ندارد امروزه هم بانک لازم است برای ملت و هم پول برای دولت و باید این دو از هم جدا بشود و بانک را اشخاص صحیح جمع شده تشکیل بدهند.

دیگر لازم به رجز خواندن و عجز و لابه نیست این مردم که می‌گویند قشون ملی حاضر است و همین قدر که اسم برده شود هزار خطابه بخوانند و رجز بگویند ولی در موقع هیچ نمی‌دهند و حاضر نیستند.

در اول بعضی چیزها را داخل کرده بودند که خارج از موضوع بانک بوده مثلاً گفتند عایدات دولتی داخل بانک شود و این یکی از خطیئات بود دولت هم از روی لابدی قبول کرد برای بانک هیچ چیز لازم نیست مگر اصول علمیه ولی برای دولت پول لازم است که کمیسیون مختلط از وزرا و وکلا و غیره تشکیل کرده که علاجی نمایند این کمیسیون هم آنچه نقشه بود به نظر آورد ابداً علاجی برای رفع احتیاج

دولت نشد.

بهترین کارها برای نجات ایران امروزه تحصیل پول و برای دولت ممیزی است و هروقت گفته می‌شود می‌گویند شش ماه یا یک سال دیگر فایده می‌بخشد و حال آنکه شش ماه است همین‌طور معطل هستند اگر تا حال شروع کرده بودند حال نتیجه گرفته بودند.

آقامیرزا محمود خوانساری - عقیده بنده آن است ممیزی فعلاً فایده‌آنی ندارد همان‌طور که آقامیرزا ابوالحسن خان گفتند کسانی که پول دارند کمک کنند تا کار پیشرفت کند.

احسن‌الدوله - فعلاً هشت ماه است این صحبت‌ها می‌شود و مثل خواب آشفته تعبیر ندارد ما اهل ایران همیشه عادت کرده‌ایم به مفت خوری پول پیدا نمی‌شود مگر به زحمت ما می‌بینیم مال خودمان را نمی‌توانیم حفظ کنیم آن همه زحمت کشیدیم و مبلغی بر خالصه افزودیم چه شد موسیو نوز را از گمرک اخراج کردند حسابش چه شد از گذشته‌ها می‌گذریم از اول حمل تا حال چه کردند و آنچه از مجلس گذشت کدام اجرا شد.

رئیس - جواب این مطلب با من است که هر چه به اکثریت آرا در مجلس معین شد انشاءالله تا سه چهار روز بعد مجری شود.

آمیرزا ابوالحسن خان - اینکه گفته شد پول از بانک جداست من اعتقاد ندارم بانک مخزن پول است امروزه آن وسعت را نداریم که بانک فلاحتی و تجارتی و غیره تشکیل نماییم ما امروزه این بانک را که تشکیل می‌نماییم به جهت آن است که مایحتاج دولت را از مملکت بپردازیم که از خارجه قرض نکنند پس این بانک که تشکیل می‌شود باید مخارج دولتی را بدهد اینکه می‌فرمایند ممیزی ممیزی هم نمی‌شود مگر به پول بعد از آنکه بانک پول به دولت نداد دولت می‌گوید من باید ادارات را منظم نمایم و اداره کردن ادارات محتاج به پول است باید از خارجه قرض کنیم آن وقت جواب دولت را چه خواهند گفت.

حاجی معین‌التجار - از این اعتراض که جناب تقی‌زاده کردند مثل این است که در مجلس تشریف داشته‌اند وقتی که مالیات راجع به مجلس ملی شد و اصلاح مالیه راجع به مجلس شد که مالیات به بانک ملی وارد شود آن وقت ملت می‌گفتند که ما قرض دولت را مجاناً می‌دهیم.

بعد آمدند قرار گذاشتند که ما قرض دولت را بدهیم و مالیه داخل بانک شود این بود که قریب چهارصد پانصد هزار تومان پول هم داده شد.

حتی سعدالدوله گفتند شما به اطمینان کی این پول را دادی گفتیم به اطمینان جناب مشیرالدوله باری قرار شد که خمس سرمایه را به دولت قرض بدهند این شد که امتیازنامه دادند بعد از قرارداد قرض به بانک بنا شد ببرند آن قرارداد را به صحنه همایونی برسانند بردند در دوشان تپه آن روز حال شاه خوب نبود کم کم تعویق افتاد این شد که کم کم اسباب عدم اطمینان مردم گردید حتی از اصفهان نوشتند که ما اطمینان نداریم از خانه خود بیرون بیاییم چه طور پول بدهیم.

حاج محمد اسمعیل آقا - مطلبی که بنده می خواستم عرض کنم بعضی از آنها را جناب حاج معین التجار فرمودند لازم به تکرار نیست اول بلا اول وزرا به مجلس آمده گفتند چهار کرور از خارجه می خواهیم قرض کنیم اگر قرض نکنیم رشته امورات از هم پاشیده خواهد شد.

گفتند مجلس و ملت به این امر تصویب نمی کنند که از خارجه قرض کنید گفتند چه می کنید جواب دادند خودمان می دهیم ولو اینکه مجانی هم باشد مجلس گفت مجانی نباشد از مجرای صحیح بدهند و آن تشکیل بانک ملی است که لازم و ملزوم مشروطه کی است تأسیس شود یکی هم از شرایط پیشرفت آن داخل شدن عایدات دولتی را به بانک دانستند این شد که جمعی با زحمت سرمایه جمع کردند و پول هم به قشون داده شد نمی دانم چه شد که تأخیر افتاد علت را نمی گویم همین قدر دیدند صلاح نیست این بانک تشکیل شود مساعدت نکردند همین طور که حالا هم مساعدت نمی کنند اشخاصی که سالها برده و ذخیره کرده اند باید کمک کرده و مشوق مردم بشوند ولی ابداً اقدام نمی کنند پس از تشکیل بانک و موجودی پول آن وقت رشته پاشیده جمع می شود و اینکه گفته شد ممیزی بشود ممیزی نمی شود مگر به پول و علاوه این ترتیب فایده ندارد چیزی است که از رعیت گرفته شده به دولت داده می شود باید ثروت را زیاد کرد صحیح است ممیزی باید بشود ولی او به جهت این است که ظلم نشود و تساوی روی کار بیاید و این ثروت جبری است.

آقاسید حسن تقی زاده - از پارسال رمضان بنده در این مجلس بوده و در تمام کارها نظارت داشته و داخل بوده ام به علاوه اختلافات مؤسسين بانک و غیره را اطلاع دارم و در تمام کمیسیونها بوده ام نتیجه اطلاعات بنده فقط همین یک کلمه است

که گفتم پس صحیح نیست بگویند که من اطلاع ندارم. از بیرون کار و به باطن آن درست مطلعم اینکه اعتراض شد که من گفتم بانک پول نیست بلی بانک پول نیست برای دولت بلی پول اول درجه لزوم را دارد و خیلی لازم است که قطره قطره پول جمع شده در یک جا ثروت مملکت را زیاد می کند پس از آنکه مبلغ معتناهی جمع شد آن وقت بر سه قسمت می شود یک قسمت احتیاطی یک قسمت دائمی یک قسمت دایر از آن قسمت دایر قسمتی به قرض دولت بدهند آن هم باز قرض دولت است. اما حالا دولت پول لازم دارد این هم نمی شود مگر به ممیزی. می گویند ممیزی هم پول لازم دارد.

این ترتیب تسلسل می شود ممیزی چیزی است که همان روز شروع بدون گرو پول می دهند همان طور که آقامیرزا ابوالحسن خان فرمودند. ممیزی مثل یک راه آهنی است که به محض دایر شدن و طی کردن مسافتی پول عاید می شود از این ها گذشته ما باید رخنه ها را بگیریم و یک وزارت مالیه صحیح داشته باشیم و گذشته از این باید از طرف مجلس یک تفتیش و نظارتی در امر مالیه باشد و اینکه گفتند بانک نظارت داشته باشد و عایدات دولتی وارد بانک شود این یک چیزی است که هیچ عاقلی نگفته است و اگر هم گفته اند از روی غفلت و بی اطلاعی است مردم به وزیر مالیه اطمینان ندارند چه رسد به بانک.

آقامیرزا فضلعلی آقا - اما در اینکه امروزه پول از برای مملکت لازم است هیچ شبهه نیست ولی اینکه بعضی می گویند متمولین باید پول بدهند و در این بانک بگذارند این ترتیب به اجبار نمی شود باید از روی موافقت و اتحاد به آنها فهماند تا حاضر شوند و بدهند.

حاج سید عبدالحسین شهشهانی - یک مقداری از دردهای بی درمان ما را آن فرمایش جناب رئیس که فرمودند هر مطلبی که در این مجلس بر آن رأی داده شد بعد از پنج شش روز من در موقع اجرا خواهم گذاشت دوا کردید از بدو آغاز مشروطیت تمام مردم از هر جا اظهار همراهی کردند تا اینکه بعضی گفتند از همه جا صدا بلند شد جز از خراسان من خواستم حرفی بزنم جناب صنیع الدوله گفتند حالا باشد ولی امروز می گویم بدیهی است پس از آنکه ما بانک صحیح داشته باشیم همه به امنیت پول می دهند چیزی که از اول مانع هر کاری بوده بینویت بین دولت و ملت است اگر انشاءالله این بینویت برداشته شود و صداقت به میان آید مردم با

کمال اطمینان پول می‌دهند به هر حال این مقصود را باید به یک طوری به عمل آورد.

رئیس - امیدوارم انشاءالله این هفته صورت وقوع نیاید دیشب تا ساعت پنج در همین مطلب صحبت شد و به یک درجه اطمینان حاصل نمودم که انشاءالله بعد از این دولت و وزرا کمال همراهی را خواهند کرد.

آقاسید حسین - اگر روزنامه مجلس ملاحظه شود معلوم می‌شود که دو ماه تمام در موضوع بانک گفت‌وگو شد مردم هم پول می‌دادند همین که دیدند فصول نظامنامه بعضی از آن رد شد سلب اطمینان از آنها گردید.

آقامیرزا ابوالحسن خان - یک چیز را ملت باید بفهمد که امروز بانک اگر تأسیس نشد اطمینان هم نیست در موقعی که محتاج هستند به فرستادن قشون به سمت آذربایجان تکلیف ملت چیست جز این که پول بدهند و حفظ مملکت خود را بکنند چاره هست اینکه گفته شد شاهزادگان و بزرگان پول بدهند مقصود توهین و سخت‌گیری نیست که بعضی‌ها فهمیدند ما شورش طلب نیستیم آنها را هم ارکان و بزرگان مملکت خود می‌دانیم وقتی که عموم ملت این مطلب را فهمیدند که در موقع کار باید کمک داشته باشند کار درست می‌شود چرا باید مغایرت بین دولت و ملت باشد ملت کیست همان دولت است و دولت کیست همان ملت است.

حاجی سید نصرالله - یک امری را همه اتفاق کردند که باب سعادت ملت همین است و باید این مطلب را همه بدانند و همت کنند حال اگر اختلاف و شبهه شد نمی‌دانم و هیچ عاقلی منکر نیست که بانک موجب احیای مملکت است یک وقتی گفتند که ادارات دولت به جهت مخارج معطل است حتی شهر رمضان بود فرصت ندادند پس از گفت‌وگوی زیاد قرار شد بانک تشکیل شود و صحبت آن به میان آمد نمی‌دانم چه شد که تأخیر افتاد گویا آن اشخاصی که می‌خواهند دست قدرتی در مالیه دولت داشته باشند آنها مانع شدند.

بعضی گفتند اشخاصی که مؤسس شدند برای خودشان راه دخلی پیدا کردند این مسأله عیبی ندارد البته مؤسسین که زحمت می‌کشند فایده باید ببرند تا بانک تشکیل شود احیای این مملکت نمی‌شود مگر به بانک ممیزی هم همان‌طور که گفتند لازم است و اشخاصی که مانع این خیال شدند خبط کردند محض این که بسط ید خودشان در مالیه کم نشود این کار را کردند.

حاجی محمد آقا - هرکس باید عقیده خود را اظهار کند و نتیجه بگیرد بی نتیجه نماند این مسلم است که ثروت مملکت و فلاح است و این مطلب نمی شود مگر به امنیت؛ امنیت هم حاصل نمی شود مگر به پول در آن اول که مردم شوقی داشتند و دیدند که دولت می خواهد از خارجه قرض کند همه گفتند ما به دولت مجانی می دهیم و دولت این مطلب را قبول نکرد این شد که گفتند باید بانک تشکیل شود و سرمایه از ملت در آنجا جمع آید مردم همه در کمال رغبت و میل حاضر بودند که به قدرالقهوه در این امر همراهی نمایند بعد که دیدند از طرف دولت کوتاهی شد مردم هم از آن شوق افتادند حال گمان نمی کنم که به اعلان کردن تنها مردم حاضر شوند.

خوب است چند مجلس با وزرا و بزرگان نموده مذاکراتی بشود بعد به تمام ولایات بنویسند که دولت محتاج به پول است هرکس به قدر همت و وسع خود پولی تهیه کند برای بانک که همراهی به دولت بشود آن وقت مردم خواهند پول داد این عقیده شخص من است.

حاجی میرزا علی آقا - در این موضوع حرف یک کلمه است آن مسأله که موقوف علیه بانک و موجب حیات این مملکت است آن عقیده است که از شاه و گدا و تمام اهل این مملکت بالاتفاوت باید این اعتقاد را حاصل نمایند که اگر این بانک تشکیل نشود و دولت و ملت اتحاد نمایند این مملکت رفته است.

اسلام و کتاب خدا رفته است مثلاً بنده یک خانه دارم و در آن خانه اسباب قیمتی و اشیاء نفیسه و گران قیمتی هم موجود است و اعتقاد پیدا کردم که یک حریفی می آید این خانه و اسباب را سوزانده مرا هم خواهد سوزانید آن وقت یک حرارت و هیجانی در من پیدا می شود که هر چه هست می دهم به سقا که آب بیاورد دیگر ملاحظه نمی کنم که مشکلی چند است و این پارچه چه قدر قیمت دارد هرچه دستم آمد بدون ملاحظه در عوض آب می دهم به واسطه آن حرارت و اعتقادی که در من پیدا شد اصل مطلب این است تا ما آن اعتقاد را پیدا نکنیم که مملکت رفت اسلام رفت من بنشینم که شاه باید اقدام کند دیگری بنشیند که تجار باید در تشکیل بانک اقدام کنند فایده و نتیجه ندارد باید عموماً این اعتقاد را پیدا کنند از شاه و علما و تجار و رعیت که مملکت می رود سلطنت می رود حجة الاسلامی می رود وزارت می رود تجارت می رود آن وقت از روی آن حرارت و اعتقاد اقدام در تشکیل بانک

نمایند.

حاجی معین‌التجار - مکرر این مطلب صحبت شد و امتیازنامه هم به صحنه همایونی رسید مجدداً در زمان اتابک بعضی اصلاحات شده خوبست مجلس هر دو نسخه را بخواهند و ملاحظه شود هرکدام را صلاح دید یا محتاج به غیر هم شد آن را اجری بدارید هیچ لازم نیست که ما بگوییم آن امتیازنامه به صحنه رسیده باید مجری شود اگر صحیح است همان والا هرچه را صلاح دیدند آن طور ایجاد کنند این بانک برای مملکت لازم است این حرف‌ها هم زیاد لازم نیست آن پولی هم که داده شده است خودمان دادیم لازم نیست که از بانک باشد.

وکیل‌التجار - بنده می‌خواهم عرایض خود را منتهی به نتیجه کنم آنچه مذاکرات لازم بود شد بانک هم تأسیس شده بود نظامنامه نوشته شده حال باید جهت تأخیر را دانست این تأخیر از دو طرف شده یکی از طرف دولت که هر روز یک مانعی پیش آورده بایست او را دفع کرد و یکی از طرف ملت در صورتی که در بدو امر مردم با کمال افتخار و شوق پول می‌دادند حتی یک نفر وزرا که پنج تومان برای زمستان خود تهیه کرده بود یک روز دیدم که می‌پرسد بانک کجاست و آن پنج تومان را داد بعد به واسطه طول مذاکرات و مسامحه حس ملت خاموش شد و حالا باید این موانع را رفع کرد و بانک را تشکیل نمود.

وکیل‌الرعايا - بنده عرض می‌کنم آن امتیازنامه که بانک تحصیل کرد با آن طول مدت اگر این ملت ضعیف شرکت نداشته باشند وای به حال این ملت و هرگاه این ملت بخواهند اقدام نکنند و خود را داخل و شریک در این بانک نمایند باز چندی نمی‌گذرد که دوره استبداد به شکل دیگر بر می‌گردد و این فقرا به همان حال فقر و ذلت باقی خواهند ماند و نباید امروزه بر بزرگان هم التماس کرد که بیایند شرکت کنند باید فقرا و عموم ملت شرکت نمایند ولی باید امروز بزرگان مدد قرضی به اجزای بانک نمایند و آن پول‌ها را که به بانک‌های خارجه دادند بیاورند در این بانک بگذارند اگر به غیر از این ترتیب باشد این بانک به حال ملت فایده ندارد و تشکیل هم نخواهد شد.

آقامیرزا سید حسن - آنچه باید در فواید بانک مذاکره شود شد خوب است نتیجه گرفته شود و اگر نقصی دارد رفع نمایند وزرا از طرف دولت بیایند با وکلا گفت‌وگو نمایند تا هر عیبی در کار است رفع کنند و باید جای بانک معلوم بشود که مردم

بدانند بانک هست تا مردم جان بانک را ندانند به کجا پول بدهند.

اسدالله میرزا - بنده می‌گویم این اهمالی که از طرف دولت شده باید فهمید برای چه بوده یکی به واسطه این بود که دولت می‌خواست از بانک قرض نماید و حقوق مردم را بدهد این مطلب حاصل نشد دیگر اینکه این امتیازاتی که دولت به بانک داده مثل راه آهن و امثال آن همه اینها پول لازم دارد و چنانکه آقای تقی‌زاده گفتند بانک همیشه باید یک وجه احتیاطی داشته باشد و ما همه می‌دانیم که ملت ما این قوه را ندارند که بتوانند از عهده اداره کردن این امتیازات برآیند و اگر بخواهند در یک موقعی یکی از این امتیازات را به دیگران بدهند بانک مانع است از این جهت دیدند که این امتیازات با نبودن پول صحیح نیست و اسباب تعطیل ثروت است بلی اگر پول باشد خیلی خوب است ولی با این حال که نتوانند از او استفاده نمایند بی‌فایده و بی‌حاصل خواهد بود.

سیدالحکما - فرمایشات شاهزاده به موقعش صحیح است ولی معلوم می‌شود وقت خواندن امتیازنامه حاضر نبودند در آنجا قرار شد اگر کسی پیدا بشود که مثلاً راه آهن بخواهد بکشد در آن صورت بانک با تساوی شروط مقدم است والا با آن کمپانی داده خواهد شد حال چهار ساعت است در این مسأله مذاکره شده و نتیجه گرفته نشد خوب است به وزیر مالیه اخطار شود بیایند در مجلس مذاکره بشود هرچه که صلاح شد نتیجه آن را به حضور همایونی برسانند.

رئیس - اینکه شما می‌گویید کار یکسال است که صحبت کردید و نتیجه نداد بنده تازه یک روز است که این صحبت را در اینجا شنیدم بنده از حیث وکالت نه از حیثی که به ریاست انتخاب شدم خودم هم یک ملاحظه و فکری می‌کنم اگر چیزی باید به او ضمیمه کرد می‌کنیم انشاءالله تا زود است نتیجه گرفته اقدام خواهد شد.

اسدالله میرزا - با آن امتیازات نمی‌شود.

رئیس - آنها همه ملاحظه و دقت می‌شود.

حاجی معین‌التجار - چرا با آن امتیازات نمی‌شود در همه ممالک هست که با تساوی شروط بانک مقدم است.

اسدالله میرزا - هرکاری پول و اسباب می‌خواهد امروزه در این مملکت موجود نیست.

آقامیرزا ابوالحسن خان - این مذاکرات بعد از آن گفت‌وگوی حاجی معین‌التجار

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

بی‌فایده است که گفتند امتیازنامه و قرارنامه که داده شده است ملاحظه بشود اگر صحیح است فبها والا به هرطوری که صلاح است تغییر بدهند و بانک تشکیل شود.

رئیس - گویا امروز به قدر کفایت در این خصوص مذاکره شد این مطلب باشد برای روز شنبه بعد از قرائت قانون هرکس فکر بکند آنچه به نظرش می‌رسد آن روز گفت‌وگو شود.

مذاکرات روز شنبه نوزدهم شهر محرم‌الحرام در دارالشورای ملی باز سخن از حل مسائل مالیه کشور و ارتباط آن با ایجاد بانک ملی است:

رئیس - مطرح مذاکره امروز تحصیل پول است برای رفع احتیاجات مملکت حالا باید دید وکلای محترم چه راهی به نظرشان رسیده.

شرف‌الدوله - راهی به نظر بنده رسیده می‌نویسم می‌دهم.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - صبح به اندازه که لازم بود مقدمه مذاکرات به عمل آمد و در بین این که از ملت اعانه گرفته شده یا تأسیس بانک ملی بشود یا استقراض از خارج کرد و مذاکره بود و به اعتقاد بنده اصل استقراض از صراف‌های دول بی‌طرف خیلی خوب است به این معنی که قرض دولتی نباشد و اما تأسیس بانک ملی از واجبات و بدیهیات است و این مسأله ملت و این مجلس را بالمره از اهمیت انداخت و در اکثر نمرات روزنامه مجلس اگر به دقت نظر نماییم می‌بینم که تمام مذاکرات مجلس در این خصوص بوده است.

ولی به واسطه مذاکره که در آن وقت در خصوص استقراض شد این مسأله را به تأخیر انداخت و آن وجهی که در خزانه بود و این استقراض داخله که شد اگر سرمایه بانک می‌کردند تاکنون بانک تأسیس و به مردم هم مبلغی داده بودند و شاید سرمایه بالغ به چند کرور می‌شد و اشخاصی هم که وجوه خود را مخفی داشته‌اند اطمینان حاصل کرده پول به بانک می‌دادند در هر صورت به عقیده بنده اعم از اعانه از ملت و استقراض از داخله یا از خارجه به هر اسم بشود باید به اسم بانک شده و بانک تأسیس شود که فایده این کار لاتعد و لاتحصی است.

آقاشیخ حسین - تحصیل پول برای این مملکت لازم و نهایت وجوب را دارد اگر هر قدر کمتر در این باب اهمال شود باز زیاد است و به هیچ‌وجه نباید در تحصیل پول مسامحه شود و ما این ملت را به اقسام مختلف امتحان نمودیم و گفت‌وگوها

کردیم یک دفعه گفتند قانون اساسی تمام نشده پس از آن که تمام شد گفتند به صحنه نرسیده بعد از رسیدن به صحنه اظهار داشتند که امنیت نیست و بعد گفتند که ماها به این مؤسس بانک اطمینان نداریم یعنی اساس این بانک باید از روی ترتیب صحیح باشد حالا خوبست این مسأله را هم امتحان نماییم یعنی تأسیس بانک به طور صحیح بشود آن وقت ببینیم پول می دهند یا نه.

رئیس‌التجار - ما و کلا همین قدر از خارج می‌دانیم که پول لازم است ولی این که چقدر لازم است و قرض خارجی ما چقدر است نمی‌دانیم پس باید وزرا بیایند آنچه به نظرشان در این باب رسیده پیشنهاد نمایند که چقدر قرض کلی لازم دارند و چقدر قرض فوری لازم است تا معلوم شود و اگر حضور آنها نباشد گفت‌وگوی ما هیچ نتیجه نخواهد داشت.

آقامیرزا محمود - اول باید بدانیم که چه مقدار پول این ملت را از خسارت و کسالت بیرون می‌آورد که آن وقت ملاحظه شود بدانیم آن مبلغ از داخله فراهم می‌آید یا نه. اگر به قدر نیست و پنج کرور یا سی کرور باشد این مبلغ در داخله پیدا نمی‌شود و اگر معادل دوسه کرور است امکان دارد ولی می‌ترسم از این که مبلغی به اسم بانک یا غیره قرض بکنند و در فشاری واقع بشویم که نتوانیم از عهده آن بیرون بیاییم باید این مطلب را وزرا درست توضیح بدهند.

حاج محمد اسمعیل آقا - گویا و کلا فراموش کرده‌اند. آنچه لازم بود استقراض برای دولت و گمانم این است که توضیحات وزرا هم همین باشد که یک قرض دوازده کرور یا کمتر یا زیادتر که به بانک‌ها و غیره دولت دارد و موعد آنها نقضی شده باید بدهند و صورت آن را هم جناب ناصرالملک داده بودند و بالاخره قرار شد که منافع آن داده شده و سه ساله استمهال شود تا تدارک پول شده داده شود این یک وجهی است که برای دولت لازم است یک وجهی هم به جهت مخارج اتفاقیه است از قبیل تجهیز قشون برای نظم داخله و مخارج دیگر و این هم تا پنج کرور لااقل لازم است.

و اما قرض کلی گمان نمی‌کنم در خارجه این‌طور پول حاضر باشد که بدون ارائه اعتبار و اطمینان بدهند مگر به همان‌طور که جناب صنیع‌الدوله گفتند که آن محل تصویب شده بیست کرور یا سی کرور گرفته شود اما عقیده بنده این هم باز طول می‌کشد و شاید یک سال یا شش ماه مدت لازم داشته باشد و محض رفع اتهام که

امروزه برای مملکت یک پولی لازم است گفته شد که ملت یعنی هرکس که این مملکت را وطن خود می‌داند یک اعانه بدهد ولی نه به‌طور هوا بدون اسم و رسم باشد بلکه به اسم بانک ملی بدهند این بود که مذاکره شد بانک ملی تأسیس شود و بعد آن ترتیب پیش آمد که همه اطلاع دارید و حال آن موانع را گفتن لزومی ندارد و امروزه به عقیده بنده هر دو مسأله لازم است یکی اینکه وزرا از راهی که استقراض را صلاح می‌دانند پیشنهاد مجلس نمایند و یکی دیگر اینکه به تمام ملت مسأله استقراض اعلان شود که فردا نگویند چرا به ما اطلاع ندادید و از بابت بانک ملی هم مستشاری که از خارجه خواسته‌اند همین روزها وارد خواهد شد و اگر اطمینان ملت به همان حاصل می‌شود که آن هم می‌آید و آنچه رد قوه دارند به جهت تأسیس بانک بدهند و ما امروز دو فقره وجه لازم داریم.

یکی به جهت چند فقره قرض‌های سابق دولت که موعده آنها منقضی شده و از آنهاست که استقراض شده حالا مهلت بدهند یا مطالبه بکنند در هر صورت باید فکری کرد یکی هم به جهت مخارج فوق‌العاده اتفاقیه در این موقع لایحه از جناب شرف‌الدوله قرائت شد که مشعر بود بر مساعدت مالکین که چهارساله مالیات خودشان را مساعده بدهند.

حاج سید نصرالله - در اینکه برای این مملکت پول لازم است حرفی نیست پس هرکس در این خصوص آنچه به نظرشان می‌رسد از اعانه یا تأسیس بانک یا استقراض از خارج بگویند و آنچه سهل‌تر و بهتر است اظهار دارند و اینطور که آقای شرف‌الدوله اظهار کردند مالکین مالیات هذالسنه خود را نداده‌اند چگونه مساعده خواهند داد و آنطوری هم که آقا شیخ حسین گفتند باز پول لازم است به هر حال هرکس از برای سهولت این کار رأیی دارد اظهار کنند.

وکیل‌التجار - اولاً ما دو قسم احتیاج داریم یکی احتیاج فوری است و یکی برای بعدها و برای احتیاج فوری که داریم نمی‌شود مدت‌ها فکر نموده و پول تحصیل کرد و از برای رفع این قسم احتیاج گمان می‌کنم که باید اقدام در دو مسأله کرد اولاً همین‌طور که مذاکره شده از ملت اعانه بخواهیم اگر به اندازه کافی شد که بسیار خوب و اگر زیاد آمد برای رفع احتیاجات بعد خواهد ماند و اقدامی که در کار دومی باید کرد این است که باید از وزیر داخله و وزیر مالیه خواست که در وصول بقیه مالیات نهایت جد و جهد را بنمایند و به‌زودی وصول کنند.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

رئیس - در باب مالیات که صحیح می‌گویید باید سعی و جد کرد. احتشام‌الاطباء - به طریقی که شرف‌الدوله گفتند صحیح است. ملت که باید اعانه بدهد لابد باید استطاعت و مستقلات داشته باشد که مالیات می‌دهد پس باید به علت اینطور اعلان داد که هرکس مثلاً چهار تومان می‌دهد تا چهار سال از بابت مالیات بدهی او محسوب می‌دارند و تأسیس بانک هم خیلی لازم است. حسام‌الاسلام - بنده عرض می‌کنم که چلیبا نباید نوشت باید از یک خط مستقیم پیش رفت امروزه هم بانک غلط است هم استقراض باید اعانه از ملت خواست و آنها را یادآوری نمود که همچو فرض کنید مالیات به مصرف رسیده و حالا باز پول لازم است ملت باید بدهد.

سیدالحکما - عقیده بنده هم در اعانه گرفتن از ملت است و راهش هم این است که باید به تمام انجمن‌ها و علما و سایر طبقات تمام ولایات اعلان کنند که اگر مملکت می‌خواهید و دین می‌خواهید باید اعانه بدهید.

آقا شیخ حسین - گفته شد هرکس در باب تحصیل پول هرچه به نظرش می‌رسد بگوید بنده از شب عید به این طرف می‌گفتم که باید یک پولی از خارجه قرض کرده و به دردهای لازمه مصرف بشود. اما حالا که عقیده بعضی به جهت اصلاحات فوری این است که اعانه لازم است پس خوب است ترتیب آن را اینطور قرار دهند که یک بلیطی به اسم بلیط شرافت از پنج تومانی الی پنجاه تومانی چاپ شود و هرکس می‌خواهد اعانه بدهد از آن بلیطها بگیرد.

وکیل‌الرعايا - آن پولی که محل احتیاج ما است باید شرکت داشته باشد با بانک ملی و بانک ملی هم تشکیل می‌شود بنده مایوس نیستم ولی آن پولی که امروز ما می‌خواهیم قرض کنیم برای رفع احتیاجات آتیه است نه برای خرج تراشی‌های سابق اما این وجه اعانه را باید خواست و در باب استقراض هم باید بانک صراف خانه بی‌طرفی که ابداً مقصود پولتیکتی در او نباشد طرف شد و از او یک مبلغ معتدبه استقراض نمود که تمام خرابی‌های ما را درست کند و آنچه که ما را از استقراض ترسانده این است که در آن قرض سابق به مصرف‌های بی‌محل و هواهای نفسانی رسید والا هر مملکت ده مقابل و صد مقابل ما مقروض هستند پس باید ملاحظه شرایط و محل مصرف آن را کرد که به مصرف صحیح برسد و عقیده بنده این است با ترتیب صحیح امروز استقراض بشود و مشغول کار بشوند بهتر از فرداست.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آقای حاج امام جمعه - ما هم پول لازم داریم و هم بانک ملی پس خوب است مطلب در هم نشده و هریک علیحده صحبت بشود اما استقراض از قرار تقریر و کلاً گویا اکثرهم رأی هستند که باید یک استقراض بشود حال بعضی می‌گویند از داخله و بعضی می‌گویند از خارجه به اعتقاد بنده اگر مبلغ قرض معین شود این اختلاف هم برداشته می‌شود مثلاً اگر وزرا پیشنهاد نمایند که مثلاً سی کرور لازم است بدیهی است که از داخله نخواهد شد و قرض هم دو مقدمه لازم دارد که اگر آن دو مقدمه نباشد من که صلاح ندانسته و رأی نمی‌دهم صحیح است که ملت ما را وکیل کرده‌اند که در امورات گفت‌وگو نماییم ولی این مسأله استقراض مسأله علیحده است یکی از آن دو مقدمه این است که خرج و مصرف پول معین شده و به توسط اوراق چاپی به عموم ملت اطلاع بدهید و اگر اطلاع داده نشود گمانم این است صلاح نباشد و یکی دیگر اینکه به حجج اسلام عتبات در این موارد زود می‌توانند القاء شبهه کنند پس باید قبل از وقت تفصیل استقراض به خدمت ایشان هم اطلاع داده شود و بدون این دو مقدمه مسأله استقراض به عقیده بنده صحیح نیست اما مسأله اعانه باید صیغه او معلوم شود که برای چیست و البته وقتی ملت بدانند اعانه برای چه می‌خواهند با کمال جد و جهد خواهند داد و شاید مایحتاج خود را بفروشند و بدهند ولی آن هم حالا موقعش نیست.

احسن‌الدوله - سال‌ها بود که ما مردم مثل زالویه جان یکدیگر افتاده بودیم و همدیگر را می‌مکیدیم و گمان می‌کنم که این ملت قوه بعضی ترتیبات را نداشته باشد پس اگر باید وجه اعانه از مردم گرفت باید وزرا بنشینند و فکری کنند و راه این مسأله را پیدا کنند.

آقاسید علینقی - اگر پول در این مملکت باشد تشکیل بانک بهتر از اقسام دیگر است اما اگر اساس بانک را از روی قاعده صحیح تشکیل کنند و نمی‌دانم که آن ترتیب بانک که ابتدا صحبت می‌کردند صحیح بود یا نبود و انشاءالله صحیح بود به هر حال اگر بانک از روی قاعده صحیح تشکیل شود باز ملت نجیب ایران کمال مساعدت را نموده و پول خواهند داد و شاید بعضی از خارج قرض می‌کنند می‌دهند و به عقیده بنده این قسم بهترین اقسام است.

آقامیرزا حسن - بنده عقیده‌ام این است در صورتی که به مردم اعلان بدهید و بگویند برای چه مصرف می‌خواهیم همه خواهند داد.

ارباب جمشید - عقیده بنده همان است که وکیل الرعایا گفتند بنده یکی از اجزای بانک بودم هزار و پانصد تومان به من داده بودند پانصد تومان او را پس گرفتند و هزار تومانش هم به اطلاع حاجی امین‌الضرب به مصرف رسیده به اعتقاد بنده به این طور بخواهید تهیه وجه نموده اصلاح مملکت را بنمایید نخواهد شد.

آقامیرزا آقا مجاهد - صحبت در سه چیز است یکی قرض داخله و یکی بانک و یکی قرض از خارجه و بدیهی است برای قرض یک اطمینانی لازم است و باید این را وزرا بنشینند و فکر کنند و بعد پیشنهاد نمایند اما قرض داخلی که عبارت از بانک ملی است به این زودی به درد ما نخواهد خورد و نمی‌شود از مردم به‌زور یا به موعظه پول گرفت باید بلیط چاپ کرده و به‌تدریج فروخت اما قرض از خارجه را باید وزرا پیشنهاد نمایند تا ببینیم به چه ترتیب صلاح دانسته‌اند و یک راه دیگر هم این است که بر عایدات مملکتی بیفزایند از قبیل تذکره و غیره والا اعانه به این زودی فراهم نخواهد شد.

آقامیرزا حسین شهیدی - آنچه را که بنده تصور کرده‌ام اغلب آن را آقایان گفته‌اند ولی اجمالاً عرض می‌کنم که این اعانه را که باید گرفت یا از ممولین باید گرفته شود یا از عموم آن هم یا به اجبار است یا به میل خاطر آنها اگر به‌طور اجبار باشد گمان نمی‌کنم که در اینجا کسی این مطلب را تصویب نماید و اگر بر گذار به میل خاطر خود مردم بشود آن هم با این اغتشاشات و انقلابات ولایات و پریشانی عموم مردم مشکل است که وجه صحیحی عاید گردد.

آقاشیخ یوسف - واقعاً اگر ملت ایران بدانند اگرچه هنوز درست نمی‌دانند ولی همین قدر که فهمیدند امروزه بقای این مملکت و استقلال ملیت آنها به دادن پول است که خودشان باید بدهند خواهند داد. و بانک ملی به عقیده بنده چنانچه اگر از روی اساس صحیحی بنا شود ملت پول خواهند داد چنانچه یک نفر از بزرگان به من گفته بودند که اگر اساس بانک ملی از روی اساس صحیح باشد من یک نفر تمام دارایی خود را فروخته و ده کرور به بانک سرمایه خواهم داد.

پس باید اساس این بنا را از روی شالوده صحیح ریخت که اسباب اطمینان خلق بشود.

آقامیرزا سید علینقی - این طور که آقاشیخ یوسف گفتند بنده تحسین می‌کنم ما به خطر مملکت قائلیم اما تسلیم نداریم اگر تسلیم داشتیم البته ابداً در همراهی و رفع

احتیاجات مملکت کوتاهی نمی‌کردیم به عقیده بنده این مسأله باید چند روز متوالی مذاکره شده تا نتیجه صحیح گرفته شود.

آقامیرزاسید حسن - این که استقراض خارجه را وکلا صراحتاً رأی نمی‌دهد به جهت این است که وکلا مبلغ وجه استقراض را نمی‌داند اگر وزرا تعیین مبلغ را پیشنهاد مجلس نمایند گمانم این است که آن وقت تکلیف معین شود.

اسدالله میرزا - عقیده بنده این است که اول باید شروع به استقراض از خارجه نمود همانطور که جناب صنیع‌الدوله گفته‌اند و به آن دوستی که ما با دول خارجه داریم این استقراض ضرری ندارد.

و این که چشم ما از استقراض ترسیده است برای آن بود که در آن استقراض سابق شرایط سخت داشت و هرگاه این استقراضی را که می‌خواهیم بنماییم شرایط سخت نداشته باشد با آن مناسبت و دوستی که با دول خارجه داریم هیچ ضرری نخواهد داشت و باید این مسأله را اقدام نمود هرگاه دیدیم که در این مورد هم برای ما شرایط سخت پیشنهاد کردند آن وقت ناچاریم که به علت غیور اعلام نماییم بر این که شما که همه وقت از برای حفظ این مملکت و استقلال قومیت‌تان همه قسم حاضر بودید امروزه ما محتاج به پول هستیم و دول خارجه هم با ما در شرایط سخت‌گیری می‌کنند البته آن وقت ملت همه قسم از برای حفظ مملکت خودشان در دادن پول کوتاهی نخواهند کرد.

حاجی سیدنصرالله - از سخت‌گیری وزرا چنین معلوم می‌شود که خیلی احتیاج به پول دارند و باید وزرا در این باب آرای خودشان را تصفیه نموده اظهار نمایند تا معلوم شود که آنها چه فکری از برای تحصیل پول نموده‌اند و همین‌طور که آقای حاج امام جمعه فرمودند در باب استقراض باید به توسط اوراق چاپی این مطلب را به عموم ملت اخطار نموده تا آنها هم نظرات و ملاحظات خودشان را اظهار نمایند بسیار خوب است ولی استقراض از برای ما علاج فوری نمی‌کند.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - نتیجه‌ای که از این مذاکرات حاصل می‌شود به عقیده بنده همان تشکیل بانک ملی است که خواه به استقراض از داخله یا از خارجه این بانک باید تشکیل شود.

آقای حاج امام جمعه - به عقیده بنده بانک بی‌پول مثل راندن کشتی در خشکی است و گفتن این حرف بدون وجود وجه صحیح نیست و اینکه جناب حاجی سید

نصراالله گفتند که وزرا آراء خود را پیشنهاد نمایند این مطلب چند روزی طول خواهد کشید و همچنین تا به توسط اوراق چاپی به عموم ملت اطلاع داده شود آن هم بیست روز الی یک ماه طول خواهد کشید و تا آن وقت بعضی کارهای فوری ما فوت خواهد شد پس زودتر به ملت اطلاع داده بشود و گمان نکنید که عقلای ملت منحصر به این مجلس است بلکه اشخاص عاقل کافی در میان ملت هم هست خصوصاً آنهایی که در خارجه هستند بصیرت و اطلاعات صحیح دارند همین قدر که به آنها اطلاع داده شود که مجلس و وزرا احساس احتیاج به استقراض را از برای مملکت نموده‌اند آنها هم راهنمایی‌های صحیح کرده بلکه از راه همت و وطن‌پرستی لطف دارایی خود را در این راه صرف نظر می‌نمایند.

حاجی معین‌التجار - هیچ‌کدام از این سه مطلب منافات با هم ندارد این مملکت هم بانک و هم اعانه و هم استقراض هر سه را لازم دارد اما اعانه برای معالجات فوری است که دیگر ملت نگویند که چرا مجلس به ما اعلام نکرده است اما بانک ملی آن هم یک تجارت ملی است و باید تشکیل شود ولی این بانک مستغنی از استقراض نیست منتهی یک اندازه به دولت کمکی می‌شود اما استقراض از خارجه برای اصلاحات کلیه مملکتی است و باید این استقراض طوری باشد که فایده به ما عاید کند نه اینکه در عوض بخواهیم مملکت را به باد بدهیم و معلوم نیست که فعلاً دول خارجه بخواهند قرض به ما بدهند بدون اینکه یک صرفه عمده را ملاحظه نمایند پس از برای معالجات فوری اعانه لازم است و این اعانه گرفتن هم برای دولت نقصی نیست سایر دول هم در اینگونه مواقع اعانه از ملت می‌گیرند و امروز برای نظم داخلی این اعانه لازم و البته ملت به مال و ثروت خودش و خود و مملکت و وطن خود را باید حفظ نماید.

امین‌التجار - تقریباً حال یک سال و نیم است که مملکت ایران مشروطه شده است و صاحب پارلمان می‌باشد و اینهم بدیهی است که پارلمان تنها نمی‌تواند کار بکند بلکه به همدستی وزرا باید کار کند و هر وقت کاری که راجع به وزرا شد عذر آوردند که پول لازم است و در این مدت هر بابت بانک و غیره که غیره که صحبت شد نتیجه نبخشید حالا هم یک مدتی در اینجا گفت‌وگوی اعانه می‌کنیم و آخر هم نتیجه حاصل نخواهد پس استقراض از داخله صورت نخواهد گرفت باید از خارج فکر پول کرد.

حسام‌الاسلام - از برای تنظیم داخلی و وصول مالیات اخذ اعانه از ملت لازم است که باید از کسبه و اصناف اعانه گرفت و با این اعانه از آن کسانی که مالیات نمیدهند اخذ مالیات کرد.

آقا شیخ حسین - این که آقای حاج امام جمعه فرمودند که این مطلب را به توسط اوراق به عموم ملت اعلان کنند که اذهان آنها مسبوق شود تا بعد به وکلا ایراد نکنند حرف صحیحی است ولی افسوس که یکی از شهرهای ما در آن زمان که مذاکره بانک بود گفتند دو کرور پول برای بانک حاضر است و می‌دهیم در صورتی که همان شهر امروز می‌داند که این پول برای چه مصرف لازم است با این حال مالیات خودشان را نمی‌پردازند بنده می‌گویم که از اعانه و استقراض داخلی باید صرف نظر کرد و از خارجه پولی قرض کرد تا رفع کلیه احتیاجات بشود.

آقا شیخ محمدعلی - اول باید از مردم مطالبه اعانه کرد و فهماند که از برای چه مصارفی است اگر از این راه وجه کافی عاید نشد آن وقت باید استقراض نمود به ترتیب صحیح و شرایط سهل.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - بنده در باب بانک عرض کردم و جناب آقای حاج امام جمعه گفتند که نمی‌شود بنده عرض می‌نمایم که بانک پنیرمایه‌ایست برای تحصیل ثروت و نمی‌گویم که حتماً اول ده کرور پول لازم است تا این که بانک تشکیل شود چنانچه از پارسال تاکنون مبالغی مالیات گرفته شده است و به‌علاوه یک میلیون از وجوه اشرفی نقد و استقراض داخلی به مصرف رسیده ولی هیچ فایده نبخشید اگر ما به همین مبلغ بانک را تأسیس می‌نمودیم تا حال مبالغی ثروت تحصیل کرده بودیم.

وکیل‌الرعیایا - متمولین و سرمایه‌داران فرانسه چه دیدند که قرض دادن به دولت روس را مایل شدند. هیچ علتی نداشت غیر از مرابعه ما هم با همان اشخاص طرف می‌شویم که همین ملاحظه را با ما نموده و ابداً مقصود پلتیکی نداشته باشند از آنها پول می‌گیریم ولی بعد از آن که دیدیم در شرایط استقراض به ما سخت‌گیری کردند البته آن وقت ملت برحسب اسلامیت و قومیت تمام دارایی خود را فروخته و پول خواهند داد ولی در صورتی که شروط سخت نباشد جهت چیست که ما ثروتی از خارج و داخل در مملکت خود نکنیم.

اما باید مواظبت در خرج و مصارف آن نمود که این که به مصرف خرج‌تراشی‌های

سابق برسد و بنده به این لحاظ که گفتم استقراض از خارجه را تجویز می‌کنم و اهمیت هم می‌دهم.

حاج معین‌التجار - یک مسأله‌ایست که مشتبه شده در چهارده ماه قبل جناب مخبرالسلطنه آمدند اینجا و گفتند چهار کرور پول لازم است و فوراً باید استقراض شود والا تمام امورات دولتی و ادارات مختل خواهد ماند مجلس در این خصوص رأی نداد و الاً ن این چهارده ماه گذشته بدون استقراض و امورات هم دایر بود.

اما اگر این مخارج فوق‌العاده نبود باز ما محتاج به استقراض نمی‌شدیم اما در باب بانک به همان طوری که دستخط شده و مجلس هم تصویب کرده و نظامنامه هم نوشته شده به عقیده بنده این بانک تأسیس خواهد شد و آن کسی که پول بده است خواهد داد و کسی که نمی‌دهد و دروغ می‌گوید ایراد خواهد گرفت مثل این که گفته شد که اساس بانک اگر صحیح می‌شد یک نفر ده کرور می‌داد این شخص اگر راست می‌گوید لازم نیست که ایراد بگیرد کسی که ده کرور می‌دهد خودش اقدام می‌نماید و اساس آن را هم صحیح می‌کند و نظامنامه این بانک را هم وزرا مثل جناب مخبرالسلطنه و غیره نوشته‌اند از روی اساس بانک آلمان و اگر کسی هم نظری دارد باز ممکن است که بگوید و همان را اصلاح نموده مجلس تصویب کند تا این که این بانک تشکیل شود.

حاج میرزا علی آقا - ما از جانب خدا مکلفیم به بعضی تکالیف که باید به آن عمل نماییم هرگاه کسی بخواند نماز نخواند و یا زکوة ندهد باید او را واداشت که این فرایض را ادا نماید همین‌طور حفظ نظام و حفظ مملکت هم از فرایض است که باید به صرف اموال او را حفظ کرد اگر ما توانستیم که از ملت پول بگیریم فیها والا آنهایی که صاحبان تمول هستند باید به قوه جبریه از آنها پول گرفت و مملکت را حفظ کرد.

آقا شیخ یوسف - چون امروز مذاکره مجلس برای تهیه پول بوده است خوب است که موضوع مذاکره مجلس بعد را هم همین مسأله قرار بدهند که تا نتیجه گرفته شود.

رئیس - بلی فردا هم مذاکره در همین خصوص است (مطلب دیگر اینکه پسر جناب رئیس‌الوزرا فوت کرده است خوب است فردا طرف صبح یک هیأتی مرکب از شش نفر از طرف مجلس برای تعزیت و تسلیت بروند).

و) مسأله دیگر درخصوص آن لایحه حصن السلطنه است که در سابق مذاکره شده بود آیا رأی مجلس در این خصوص چیست باید برود یا نه).

آقامیرزا مرتضی قلیخان - در چند روز قبل این مطلب مذاکره شد که دو سال سالی هزار و پانصد تومان به او بدهند و به خارجه رفته تحصیلات خود را کامل کنند و مراجعت نمایند آن وقت اگر خدمت کرد به او مواجب بدهند والا اصل مواجب او را هم ندهند و وزارت جنگ و وزیر علوم هم تصویب کرده‌اند.

حاجی علی‌آقا - اول باید تحصیل پول را تصویب کرد بعد این مطلب را.

حاج سید محمد - دو ساعت در اینجا صحبت قرض شد و گمان نمی‌کنم که به این ترتیب ملت بتواند پول بدهد.

وکیل‌الرعایا - اگر این اشخاص را یک قدری زودتر فرستاده و پول می‌دادیم تحصیل می‌کردند حال دچار این اشکالات نمی‌شدیم این شخص می‌گوید که من سالی هشتصد تومان مواجب دارم دو سال سالی هزار و پانصد تومان بدهند و بعد از آمدن اگر مستوجب مواجب شدم بدهند.

امان‌الله میرزا - این شخص فعلاً صاحب منصب کافی است در این مورد او را کجا می‌فرستید خوب است او را فوج بدهید سوار بدهید و به سرحد بفرستید و بیش از این که او تحصیل کرده ما امروز لازم نداریم.

معاذالسلطنه - چقدر معلم نظامی از خارج آورده‌اند و وجود آنها عاطل و باطل می‌ماند به اینکه مبلغی پول به آنها داده می‌شود و این شخص دوازده سال تحصیل کرده به عقیده بنده به همین‌طور که اظهار کرده دو سال سالی هزار و پانصد تومان به او داده شود که برود دو سال تحصیل خود را تمام کند و برگردد بد نیست و البته وجوه چنین اشخاص برای مملکت لازم است.

امان‌الله میرزا - بنده عرض می‌کنم آنچه او امروزه تحصیل کرده برای ما کافی است کجا می‌گذارید برود منتها این است او را بیکار نگذارید فوج به او بدهید و خدمت از او بخواهید.

رئیس - یک مسأله دیگر هم هست که چون از جانب وزارت خارجه نوشته شده بود که در مدرسه آلمان داخل شود و تحصیل خود را تمام نماید لهذا در برلن هزار تومان مقروض شده بودند و معادل این مبلغ هم از طرف دولت انعام داده شده و برات آن هم صادر شده در دست اوست و چون جزو حقوق پارساله است و تومانی پنج‌هزار

تصویب شده داده شود اگر به این ترتیب باشد قرض او به زمین خواهد ماند و مطالبه می‌نمایند حال اگر مجلس تصویب می‌کند تومانی تومان داده شود که قرضش را ادا نماید.

آقامیرزا محمود - چون در حقیقت این کار را وزیر مختار ما کرده باید ملاحظه آبروی او را نموده و تمام حقوق او را پرداخت.

مجلس شورای ملی و هیأت دولت

ناصرالملک شروع مسئولیت خواهی مجلس از دولت را از آن نمایندگان آذربایجانی می‌داند: «اول مساله که وکلای آذربایجان عنوان کردند، این بود که باید وزرا در مجلس حاضر شده، مسؤولیت قبول کنند و در مذاکره امور دولتی با وکلا شرکت نمایند. مشیرالدوله صدراعظم امتناع نمود و نزدیک بود که هنگامه بر پا شود. مصلحین به میان افتاده، اصلاح کردند به این که چون مشیرالدوله در افتتاح مجلسین همراهی کرده و با آزادی‌طلبان مساعدت نموده، او را مجبور نمایند؛ ولی وزرای دیگر متفقاً روزی به مجلس بروند. وزرا رفتند...»^{۳۶}

در مذاکرات دارالشورای کبری، مورخه شنبه هفتم شهر شوال ۱۳۲۴ نیز مساله پاسخگو بودن وزرا مورد بحث قرار گرفت؛ در این جلسه، پس از حضور وکلا و انعقاد مجلس، نخست رئیس مجلس از انضباط در حضور نمایندگان سخن گفت:

رئیس - معلوم می‌شود اجزای مجلس خیلی کار دارند. من همه روزه در ساعت چهار حاضر می‌شوم چون قانون مجالس ملی این است که قبل از حضور وکلا شروع به صحبت نمی‌شود. باید وقتی که وکلا حاضر شدند در این باب تکلیف را تعیین کرد.

(در این موقع سید خالوی پسر آقاسید حسین که در واقعه مسجد جامع مقتول شده بود و سابقاً در باب قاتل آقا سیدحسین و اصلاح این امر به مجلس شکایت کرده بود و در این خصوص از مجلس شرحی به صدارت عظمی نوشته شده بود برای مطالبه جواب آن کاغذ به مجلس آمده عنوان مطلب کرد).

رئیس - صدارت عظمی امر شما را به حکومت ارجاع کرده‌اند. سید مزبور - سابقاً هم رجوع به حکومت شده بود و جز یک ماه معطلی فائده دیگر نبخشید. حالا هم همان طور خواهد بود (جواب صدارت عظمی در این باب قرائت و مقرر شد مجدداً شرحی نوشته شود).

^{۳۶} - یادداشت‌های ناصرالملک ۱۳۸۰، ص ۲۱.

حاجی شیخ علی - امر طبع روزنامه به کجا رسید.
آقا میرزا محسن - آنچه راجع به ما بوده انجام یافته و از فردا شروع به طبع روزنامه می‌شود.

حاجی شیخ علی - کار طبع نظامنامه داخلی به کجا رسید.
محقق‌الدوله - علت تعویق طبع روزنامه تا به حال مانعیت وزارت انطباعات و چاپ نکردن مطبعه‌ها بود. فعلاً که دستخط همایونی در آزادی مطبوعات مجلس صادر شده، همین دو روزه به طبع خواهد رسید.

حاجی شیخ علی - لازم است امور داخلی خود را منظم نمایم و ترتیب ورود تماشاچی و تسهیلات نوشتن وقایع‌نگاران و وقت حضور و کلا و ترتیب نشست و درخواست آنها مرتب شود.

رئیس - وکلایی که دیر به مجلس می‌آیند، در خارج مشغول ترتیب تأسیس بانک ملی می‌باشند و گمان می‌رود تا وکلای ولایات وارد نشوند. انتظام ترتیب اوقات حضور و کلا ممکن نباشد.

آقا میرزا طاهر - اشخاصی که ترتیب کار خود را منظم نمی‌کنند، چگونه می‌خواهند امور مملکت را منظم نمایند.

آقا سید حسین - چرا اشخاص محترم حاضر شده و معطل ورود سایرین بشوند. علاوه بر این مجلس معدلت که ما می‌گوییم گویا بعد از این باید تأسیس شود. والا با اینکه داد مظلومین از هر طرف بلند است چرا مجلس وظیفه خود را مداخله در امور شخصیه نمی‌داند و با این حال تکلیف متظلمین چیست و رفع ظلم را از که بخواهند و در این صورت چرا دیوان عدالت و مجلس تحقیق تشکیل نمی‌شود و چرا جواب عرایض و تلگرافات مردم را معین نمی‌کنند؟

مشهدی باقر - و کلا می‌خواهند دو ساعت به غروب مانده حاضر و یک از شب رفته متفرق شوند.

صدیق حضرت - گویا و کلا، معلم و محصل لازم دارند.
مشهدی باقر - حضرات تماشاچی می‌گویند اگر بعد از این و کلا بخواهند در حضور به مجلس تأخیر کنند، عده تماشاچی زیاد خواهد شد.

رئیس مکتوبی به عنوان جناب سعدالدوله رسیده، آیا اجازه گشودن آن را داریم؟

سعدالدوله - چون باید در مجلس قرائت شود باز کنید.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

رئیس - بعد از گشودن و مرور به سعدالدوله معاودت دادند. تلگرافی از کرمان از طرف ناظمالتجار به توسط آقا شیخ علی به مجلس مخابره شده و راجع به تظلمات شخصی بود. در این موقع قرائت شد. لایحه در توصیف مجلس و شرح فوائد آن و اظهار همراهی در تأسیس بانک ملی از طرف آقای امام جمعه به مجلس رسیده و در این لایحه اظهار شده بود که برای شرکت از بانک مزبور پنج هزار تومان شخصاً می‌دهند و اشخاص و اطراف ایشان هم به قدر ممکن امداد خواهند نمود.

سعدالدوله - (پس از قرائت لایحه مزبور) کسانی که در تأسیس بانک شرکت می‌کنند، باید اقلماً پنج هزار تومان بدهند. لیکن کسان دیگر هستند که سی هزار تومان و بیشتر می‌دهند. بنابراین خوب است آقای امام جمعه هم نسبت به تمویل خودشان بیشتر از این همراهی فرمایند.

در این موقع به قرائت لایحه که به سعدالدوله نوشته شده بود شروع شد. مضمون آن لایحه تقریباً این است که به واسطه کم‌یابی پول در مملکت اقدامات در تأسیس بانک پیشرفت نخواهد کرد. استقراض از خارجه هم برای مملکت مضر است. در این صورت خوب است تذکره (پاسپورت) به قیمت یک تومان برای عموم رعایا ترتیب بدهند. به عده شماره نفوس ایران بیست کرور تومان برای رفع احتیاجات حالیه جمع‌آوری خواهد شد...

(تا اینجای مکتوب قرائت شد و نهی از قرائت مابقی آن کردند)

حاج سیدابراهیم - درخصوص انتخاب و ورود وکلای ولایات چه اقداماتی شده؟

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - وارد خواهند شد.

زرگرباشی - زمستان در پیش است، در باب ترتیب امور بلدیه تکلیفی معین نفرمودید.

رئیس - کارها باید موافق قاعده و ترتیب پیشنهاد شود، مسأله بلدیه هم به نوبت خود موضوع بحث خواهد شد.

سعدالدوله - اولاً باید حدود ادارات معین شود. پس از تعیین دستور وزراء، مسأله ترتیب امر بلدیه راجع به وزارت داخله می‌شود، فعلاً لازم است در تشکیل و برقراری کمیسیون تعیین قوانین اهتمام شود.

صدیق حضرت - کمیسیون تشکیل شده لیکن اعضای آن هم مثل سایرین به اختلاف وقت حاضر می‌شوند.

آقا سید حسین - تکلیف عرائض چیست؟

صدیق حضرت - راجع به اشخاصی است که طرف رجوع عرایض هستند (مقصود، وزرای مسئول است).

سعدالدوله - معمول مجالس ملی خارجه این است که جای هر طبقه معین و وزرای مسئول یا معاونین آنها هم حاضر می‌شوند تا اگر مطلبی راجع به یکی از آنها مذاکره شود فوراً ترتیب و انجام آن را از آن وزیر بخواهند. بنابراین لازم است شرحی به صدارت عظمی در باب فرستادن وزرای مجلس نوشته شود. رئیس - امشب می‌نویسیم و فردا خوانده و فرستاده می‌شود. صدیق حضرت - بلیتی چاپ شده و به حضرات تماشاچی داده خواهد شد که زیاده از اندازه جمع نشوند.

آقامیرزا سید ولی‌الله خان - هر قدر تماشاچی مجتمع شود، ضرری نخواهد داشت. سعدالدوله - بحمدالله تماشاچی‌ها همه اهل اطلاع هستند، لازم است حاضر شوند و مذاکرات مجلس را به مردمان خارج برسانند که اسباب هشیاری و توسعه اطلاعات مردم شود.

آقا شیخ حسین - خوب است این تماشاچی‌ها مثل صاحب لایحه سابقه نهی از تشکیل بانک و تأسیس امور خیریه نکنند. مذاکرات دارالشورای ملی روز یکشنبه ۷ شهر ذی‌قعدة الحرام به بحث از ارتباط مجلس و هیأت دولت اختصاص داشت:

صدیق حضرت - در خصوص حاضر نشدن آقایان و کلا در موقع تکلیف چیست؟ آسید حسین - وقت حضور و کلا هیچ مرتب و معین نیست، خصوصاً در ایام بارندگی لازم است که ترتیب صحیحی داشته باشد.

رئیس - البته و کلا باید در وقت معین حاضر بشوند ولی چون فعلاً کار موجود لازمی نیست مسامحه می‌کنند که اگر دیرتر هم رفتیم نقلی نیست در صورت وجود شغل البته در موقع حضور به هم می‌رسانند.

آقای سید محمد مجتهد - البته باید و کلا تکلیف خودشان را بدانند و به وظیفه خود عمل نمایند و تکاهل و تسامح در این‌گونه از امور نورزند و در موقع مجلس حاضر شوند.

آسید حسین - این تعویق و تأخیر و کلا در حاضر شدن مجلس برای نرسیدن

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

نظامنامه است هرگاه برسد و کلاً هم به تکلیف خودشان عمل خواهند کرد.

سعدالدوله - تمام فصول نظامنامه به استثنای فصلی که راجع به مجلس سنا است خوانده و ملحوظ شد در این خصوص هم قرار شد که از حالا منعقد و برقرار شود و اینکه در این باب معین شده که اعضای آن مجلس یک ثلث از دولت و دو ثلث از ملت انتخاب شوند می‌گویند به عکس باشد بعضی را هم عقیده بر این بود که نصف اعضا از طرف دولت انتخاب شوند و نصف از ملت در این موضوع از من رأی خواستند من اظهار رأی نکردم و گفتم باید به مجلس رجوع شود بنا بر این شد که بیاورند در مجلس و قرائت شود تا ترتیب آن معین و ختم شود در باب بانک هم مذاکره شد که پولی که باید به دولت داده شود باید مدت آن را معین نموده و قرار بگذارند که تا یک ماه پرداخته شود. می‌خواستند این شرط را جزء قرارنامه مندرج کنند گفتم چون هنوز بانک تشکیل و مرتب نشده و شرکای آن معین نشده‌اند و وجوه آن هنوز جمع‌آوری نشده و آنچه حالا همراهی می‌شود از مال خود مؤسسين است نه پول ملت قید کردن این شرط ممکن نیست. گفتند پس باید در این باب نوشته خارجی بدهند ولی حضرت ولیعهد در پیشرفت این اساس کمال همراهی و نهایت جد را دارند و درخصوص معدن فقط که به انگلیسها امتیاز داده شده است بر مجلس لازم است که صدیق السلطنه را که مأمور این کار است احضار و از او تحقیق نماید از آن زمانی که امتیاز داده شد تا حال کمپانی چه اقدام کرده است و چون صدیق السلطنه این چند روزه می‌خواهد برود کرمان اگر صلاح بدانید از وزارت معادن بخواهید که فعلاً رفتن ایشان چندروزی موقوف باشد تا کسب اطلاع شود.

اسدالله میرزا - اطلاع از شخص او یک نفر کفایت نمی‌کند باید امتیازنامه هم خواسته شود تا تحقیق و رسیدگی صحیح به عمل آید.

سعدالدوله - وقتی که او حاضر شد امتیازنامه هم مطالبه می‌شود وزارت معادن یا معاون ایشان هم حضور به هم رسانیده تحقیق به عمل خواهد آمد.

اسدالله میرزا - از قرار مذکور چون معدن فقط نفعی عاید ندارد بلکه گفتند ضرر می‌کند از این جهت خوابیده است.

سعدالدوله - حرف در نفع و ضرر نیست معلوم است معدن ضرر هم دارد یکی از شرایط این امتیاز اینست که عملجات آن باید رعایای مسلمان ایرانی باشند ولی از قرار معلوم تمامی عملجات از آرامنه و رعایای عثمانی و هندی و غیر اینها از رعایای

خارج هاستند.

صديق حضرت - گمان نمى كنم كه صديق السلطنه در اين باب اطلاع كافى داشته باشد.

سعدالدوله - من با شخص صديق السلطنه خصومتى ندارم كمال دوستى را دارم ولى غرض اينست كه اگر او اطلاع در اين باب ندارد چرا سالى شش هزار تومان از اين بابت از دولت مواجب مى گيرد. بايد دولت مواجب او را قطع كند و اشخاصى كه مى توانند از عهده اين كار برآيند مقرر دارد.

در اين موقع مكتوبى كه از طرف حكومت به مجلس نوشته شده بود قرائت شد مكتوب راجع بود به اغتشاش و بى نظمى امر گوشت كه از رمضان تاكنون امر گوشت مغشوش است و من از مسئوليت اين امر به كلى معاف و خارج مى باشم براى اين كه خواستند كمپانى در اين باب تشكيل كنند و چون در مجلس مذاكره شد كه اين مسأله در عهده حكومت است حال اگر مجلس اقدامى در اين باب مى كند بكنند و اگر راجع به حكومت است آن هم معين شود تا تكليف معلوم باشد.

آقاى آقا ميرسيد محمد مجتهد - بايد قرار صحيحى در اين كار داد.

سعدالدوله - اين كارها كار مجلس نيست در اين چند روزه نظامنامه خواهد رسيد و مجلس نمى تواند ديگر به اين كارها رسيدگى نمايد. فردا امر ذغال و ساير چيزها پيشنهاد خواهد شد و از ساير ولايات هم اين صداها و نظامات خواهد رسيد، آن وقت مجلس بايد قائم مقام حاكم و وزير عدليه و نظيمه و غيره باشد مسأله نان چون در اول امر بود و مجلس هم كار مهمى نداشت به اصلاح آن پرداخت ولى امر گوشت بايد با خود حكومت باشد قرار صحيحى داده شود كه فراوان باشد.

آقاى آقاسيد محمد مجتهد - اگر انجمن عدليه و بلديه داشته باشيم صحيح است و مجلس نبايد رسيدگى به اين جزئيات نمايد ولى فعلاً كه داراى آن نيستيم چه بايد كرد پس اين گونه اغتشاشات و تظلمات مردم چگونه بايد رسيدگى شود.

سعدالدوله - براى تشكيل اين دو هيأت وقت لازم است و فوراً اصلاح نمى شود البته اصلاح اين امور در موقع خود خواهد شد.

آقاى آقاسيد محمد مجتهد - پس مجلس در صدد تشكيل اين امر باشد.

سعدالدوله - حكومت هم خيال كند كه از جانب مجلس يك كميسيونى تشكيل داده خودش انجمنى مقرر كند و رسيدگى نمايد.

مجلس اول و نهادهائى مشروطيت

حاجی سید نصرالله - از پیش هم مشروحه فرستاده بودند که مشتمل بر قرارداد و ترتیبی بود ولی نپذیرفتند.

سعدالدوله - مجلس داخل امورات جزئیة نمی‌شود اینها کار دیگران است ما مداخله در کار دیگران نمی‌کنیم که دیگران هم مداخله در کار ما نکنند.

حاجی سید نصرالله - مجلس کسی را قبول کند و به حکومت بنویسد که با او قرارداد شود.

سعدالدوله - اگر مجلس لایحه بفرستد بعد فسادش ظاهر شود مسئول خواهد بود باید به خود حکومت واگذار باشد که او مسئول باشد.

خیاط‌باشی - حکومت هم نمی‌خواهد خودش را مسئول نماید.

آمیرزا ابوالحسن - باید راجع به حکومت باشد هرگاه اصلاح نکرد مجلس از او اصلاحش را بخواهد.

آسید مهدی - حکومت تا حال خیالش این بود که مجلس برای این مطلب کمپانی خواهد قرار داد ولی حال که بدانند راجع به خودش هست البته رسیدگی و تمام خواهد کرد.

آقای آقاسید عبدالله - ما زحمت‌ها کشیده‌ایم که عمل نان و گوشت را از تصرف آنها خارج کرده‌ایم آنها می‌خواهند در این امر دخل‌ها ببرند آن هشت نفری که رئیس این کارند نمی‌گذارند که ترتیب صحیحی در این کار داده شود. هر روز یک بازی فراهم می‌آورند که اسباب زحمت و ابتلای عامه است. همین‌طور که امر نان را در عهده گرفته‌اید و مرتب کردید، گوشت را هم قرار صحیحی بدهید که این سه چهار ماه بگذرد تا گوسفند فراوان شود آن وقت قرارداد درستی در این باب داده شود.

سعدالدوله - خوبست به حکومت بنویسید و استفسار کنید که چه نحو قرارداد می‌کند هرگاه قرار صحیحی داد قبول می‌کنید والا خودتان قراری در این باب بدهید.

آقامیرزا ابوالحسن - پس اول آن قراری که باید بدهید معین کنید که چه نحو است بعد بنویسید.

آقاسید حسن تقی‌زاده - وظیفه این مجلس رسیدگی در امورات کلیه است نه جزئیة و وکلای ولایات برای رسیدگی امورات جزئیة اینجا نیامدند. این مجلس مراقب

وزراست و این امور در تحت ادارهٔ وزیر داخله است باید حکومت بلدیہ از هر طبقه و صنفی مجلس بلدیہ داشته باشد و این امور را از آنجا باید خواست نه از مجلس.

آقای آقاسید عبدالله - پاره‌ای از کارها است که بالذات شغل مجلس نیست ولی بالعرض امروز تکلیف مجلس رسیدگی در آن امر است چون امر نان و گوشت خیلی مغشوش و انتظام بلدی هم که نداریم مرخم تمام چشمشان به اینست که نان و گوشت لااقل مرتب باشد، دیگر نمی‌دانند که این ربطی به مجلس ندارد، برای رفاهیت و آسودگی عموم این دو مطلب راجع به مجلس شد تا در مقام اصلاح آن باشد.

حاجی سیدابراهیم - حاجی رضاخان حاضر است که امر گوشت را تعهد کند اگر مصلحت می‌دانید به او واگذار شود.

حاجی محمداسمعیل آقا - همین نحو که آقا سیدحسن گفت که مجلس بلدیہ تشکیل شود و رسیدگی به این امور نماید چه ضرر دارد.

آقاسید حسن - مجلس بلدیہ و تنظیم ادارهٔ وزارت داخله به این زودی مرتب نخواهد شد که رسیدگی در این امور نمایند امروزه یک مجلس عجالتاً از چند نفر اصناف و غیره باید مرتب نماید که اصلاح این جزئیات در عهدهٔ آن مجلس باشد و لازم نیست که اسمش بلدیہ باشد.

آسیدحسین - پس اجزای کمیسیون را مجلس معین نماید از هر طبقه یک نفر یا از هر محلی چند نفر و به حکومت بنویسد تا اینها را جمع کرده تشکیل مجلس دهند.

میرزا ابوالحسن خان - مجلس محلی که از طرف مجلس معین شود با حکومت طرف است و اسباب زحمت خواهد شد.

سعدالدوله - باید خود حکومت مجلس محلی تشکیل نماید شما نباید تکلیف برای او معین کنید.

آسید مصطفی - حکومت می‌خواست که انجمن محلی ترتیب بدهد و چند نفر از وکلا را هم می‌خواست که داخل باشند حال که به او ارجاع شود خود در مقام ترتیب خواهد برآمد.

صدیق حضرت - چه ضرر دارد که فعلاً انجمن بلدیہ تشکیل شود.

حاجی سیدنصرالله - به این زودی ممکن نیست.

حاجی محمداسمعیل آقا - منوط به اصلاح ادارهٔ وزارت داخله است.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

صدیق حضرت - حال وزارت داخله دارید یا نه پس درصدد اصلاح آن باشید والا تمام وزارتخانه‌ها را تعطیل کنید برای اینکه همه ناقصند!

حاجی محمداسمعیل آقا - این چه قیاسی است البته هر مطلب را بخواهید از مبدأ و انتهایش بر وفق قانون و صحیح باشد وقتی لازم دارد و باید بنیانش صحیح باشد. حاجی معین‌التجار - در خارجه معمول است که انجمن‌های مخصوص برای نظارت و معاونت در هر اداره تشکیل می‌کنند و مقصود این است که این انجمن هم همان‌طور باشد.

سعدالدوله - در خارجه چنین معمول است که مقابل هر وزارتخانه یک کمیسیونی دائر است ما که حال مجلس سنا نداریم که بتواند این کمیسیون‌ها را تشکیل کند و مجلس ما هم که این قدر وسعت ندارد برای این کار پس خوبست همان به حکومت نوشته شود که فعلاً این یک انجمن موقتی برای این کار ترتیب بدهد تا وقتی انجمن بلدیّه مقرر شد بالطبع آن متروک می‌شود و کارها به واسطه آن انجمن اصلاح و رسیدگی می‌شود.

آمشهدی باقر - چند نفر را سراغ داریم که آنها حاضرند برای این کار امشب آنها را می‌بینم اگر قبول کردند فی‌ها والا با حکومت باشد.

آقای آقاسید عبدالله - درهر صورت باید عمل گوشت از این اشخاص منتزع گردد والا نمی‌گذارند این امر صورت بگیرد مبلغی پول چوبدارها را خورده و رفته‌اند بست نشسته‌اند.

سعدالدوله - هرگاه من باشم اینها را تنبیه کرده پول را از آنها می‌گیرم به چوبدارها رد می‌کنم پس خوبست به حکومت بنویسید که یازده هزار تومان پول چوبدارها را بگیرند بدهند و گوشت هم آزاد باشد و هرکس بفروشد.

آقاسید محمدتقی هراتی - آخر نتیجه قرارداد معلوم نشد و اینکه گفتید با حکومت باشد مقصود آقایان اینست که ترتیب مستقلی داشته باشد.

حاجی محمد اسمعیل آقا - انجمن بلدیّه که حکومت تشکیل می‌دهد مثل این است که مجلس تشکیل داده باشد چه فرق می‌کند.

اسدالله میرزا - این اختیار، تام است برای حکومت.

مخبرالملک - باید ملتفت این نکته بود که اگر گوشت را آزاد کنند سی هزار تومان دولت را که قرار شد قصاب‌ها بدهند نمی‌دهند.

سعدالدوله - البته باید پول دولت و چوبدار همه را از ایشان گرفت و بعد هم انجمن بلدی در این باب از حکومت خواست که تشکیل کند.

در مذاکرات دارالشورای ملی روز سه‌شنبه چهاردهم شهر ذیحجه الحرام سخن از تفکیک وظایف دو قوه مقننه و مجریه است:

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - مطلبی که هست اینست آن روزی که وکلا خواستند برای حضور وزرا و همراهی ایشان چیزی بنویسند من آن روز اسائه ادب کردم و نگذاشتم که ایشان بنویسند گفتیم باشد که ما بنویسیم ما هم عریضه در کمال رعایت ادب و متانت به حضور مبارک پادشاه روانه داشتیم همان بود که همه شماها دیدید و خواندند جواب خیلی خوب است ولی جواب تشریف آوردن وزرا را نفرموده بودند اگرچه در معنی این کار بود دیگر با وکلاست هرچه می‌دانند و می‌گویند من هم حاضر و همراهی دارم.

حاجی سید نصرالله - این که تمام ملت این سنگ‌ها را به سینه می‌زنند و می‌خواهند که این خرابی‌ها رفع شود درواقع برای دولت است زیرا که باز اول فایده را آنها می‌برند دیگر چرا حاضر نیستند برای پیشرفت این مطلب خیلی عجب است.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - وزرا به طوری که باید حاضر باشند از برای مجلس نیستند ولی شخص شاه و صدر اعظم همراه و مساعدند دیگر رأی، رأی و کلاست.

سیدالحکما - مگر عزل و نصب وزرا با شاه نیست اینها از اطاعت شاه هم خارجند وقتی که خود پادشاه همراهست هر وزیری که مخالف باشد او را عزل کند.

آقای آقاسید عبدالله - اگر این مطلب در مجلس عنوان نمی‌شد مسأله‌ای نبود که جواب مساعدی ندهند ولی حال که عنوان شد به مجلس برمی‌خورد و از شأنش می‌کاهد.

وثوق‌الدوله - آن روز را مجلس حاضر بود که بنویسد آقایان پیش‌گیری کردند ولی حالا حاضرند که بنویسد.

آقای آقاسید محمد مجتهد - ما آن مطلبی که مقصود بود در آن کاغذ هیچ متعرض نشدیم مجلس خودش بنویسد و جواب بخواهد.

آقاسید محمد تقی - تا وزرای مسئول دراین مجلس حاضر نشوند و نیابند برای همراهی کارمجلس به جایی نخواهد رسید.

آقای آقاسید عبدالله - اگر آن نظامنامه را پیش پادشاه نمی‌فرستادند از اول مسأله

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

نمود چون فرستادند اهمیت پیدا کرد این مطلب هم حال همان طور است اهمیتی پیدا کرده دیگر و کلا خود بدانند.

آقا سید محمدتقی - دیگر تا مجلس این کار را درست نکند و ترتیبی ندهد نباید اقدام در کاری کرد.

وکیلالتجار - تا وزرا در این مجلس حاضر نشوند نمی شود که کاری صورت بگیرد و هم وکلای ولایات هم نمی آیند.

حاجی سید نصرالله - معلوم است آنها این کار را می کنند که کم کم مجلس تحلیل رود و ضعف پیدا کند می گویند مردم هم خسته می شوند کوتاه می آیند وکلای سایر ولایات هم نمی آیند دیگر ملت باید با این تفصیل تکلیف خود را بداند.

آقا سید محمدتقی - ملت حاضرند که حق خود را مطالبه کنند.
آقای آقا سید محمد مجتهد - وقتی که وکلا نتوانند کاری بکنند موکلین آنها خود بدانند.

حاجی معینالتجار - شاید دولت خودش حاضر و همراه باشد و وزرا حاضر شوند.
حاجی سید نصرالله - چه حضوری بر فرض وزرا هم حاضر شدند تا آنها معاونت و مساعدت نکنند چه فایده دارد مثلاً اینجا انجمن عدلیه قرار دادند بنده یکی از اجزای آن انجمن هستم این انجمن اسباب و لوازمات می خواهد در صورتی که آنها نباشد چه بکنیم.

حاجی معینالتجار - شما بنویسید به دولت شاید دولت خودش همراهی کند.
آقا سید حسن تقی زاده - غرض حضور آنها نیست غرض اینست که باید وزرا معرفی شده در اینجا باید حاضر بشوند.

حاجی معینالتجار - همین مطلب را بنویسید جواب بخواهید.
آقا سید حسین - هیأت وزرا را معرفی کنند به مجلس تا مسؤل باشند.

حاجی معینالتجار - اول مجلس بنویسد که آنها معرفی کنند به توسط شخص اول صدر اعظم بعد هر وقت آنها را خواستند حاضر بشوند.

حاجی سید نصرالله - این نمی شود که یک روز آنها را بخواهند و روز دیگر آنها حاضر بشوند کار به این ترتیب نمی شود پیش برود.

وکیلالتجار - اول وزرا معین بشوند بعد هر وقت که مجلس آنها را نخواهد باید حاضر بشوند.

حاجی محمداسمعیل آقا - امروز باید آنها معرفی بشوند که مجلس بعدها تکلیف خودش را با آنها بداند.

حاجی معینالتجار - حالا آن نوشته‌ای که باید نوشت به همین ترتیب بنویسند و بخوانند.

آقاسید محمدتقی - این‌طور نوشته فایده‌ای ندارد، باید نوشته بشود اگر آنها حاضر نشدند برای انجام امور ملت تکلیف خود را بدانند و مجلس هم تعطیل می‌شود.

حاجی معینالتجار - حالا همان‌طور بنویسند که معرفی بشوند و حاضر بشوند اگر جواب مساعد نیفتد بعد این‌طور بنویسند.

حاجی سید نصرالله - این چه فایده دارد باید همراه باشند.

حاجی محمداسمعیل آقا - غرض این نیست که آنها حاضر بشوند اگر حاضر شدند و گفتند تکلیف ما معین نیست ما چه بگوییم.

وثوق‌الدوله - مجلس حاضر بود پریروز که بنویسد آقایان نوشتند حالا هم باید مجلس بنویسد و تکلیف بخواهد.

خیاط‌باشی - وزیر امور خارجه را چند دفعه خواستند و نوشتند جواب نداد.

حاجی محمد اسمعیل آقا - از مطلب خارج نشوید باید نوشت که صدر اعظم هیأت وزرا را بیاورند اینجا معرفی کنند و این مطلب تا روز پنجشنبه و شنبه باید صورت گیرد.

خیاط‌باشی - برای وزرا جایی معین باشد که هر وقت حاضر می‌شوند مکان ایشان معلوم باشد.

حاجی معینالتجار - مطلبی که دارید آن را هم بنویسید که برای چیست.

حاجی محمداسمعیل آقا - اول این مطلب را تمام بکنید عقیده من این است که تا این مطلب تمام نشود در مطلب دیگر داخل نشوید.

سیدالحکما - باید وزرا حاضر باشند که انجام کار را از ایشان بخواهیم اگر اینها حاضر نباشند مجلس نمی‌تواند احکام خود را خودش اجرا کند.

حاجی سید نصرالله - جوابی که به ما می‌دهند می‌گویند کدام مطلب را نوشته‌اید که اجرا نشد، آخر تا آنها همراه نباشند و حاضر برای انجام امور نباشند نمی‌شود.

حاجی معینالتجار - همراهی آنها به یک اندازه بوده است و حاضر می‌شدند ولی مذاکرات مجلس بی‌ترتیب شد آن‌ها که همراه بودند.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

وکیلالتجار - وقتی که آنها حاضر بشوند مجلس مذاکرات هفتگی خودش را مرتب می‌کند و معلوم خواهد شد که فردا می‌خواهد چه گفت‌وگو کند.

حاجی عبدالوهاب - مردم خواهش دارند که جواب شاه را در این باب بخوانید تا بدانند.

حاجی سید نصرالله - همین بود که مذاکره شد لازم به خواندن نیست (بعد مذاکره در تعیین روز شد که چه روزی آنها حاضر شوند بعد از مذاکرات زیاد قرار به روز یکشنبه شد).

وکیلالتجار - بودجه مملکت باید معین شود جمع و خرج دولت باید رسیدگی شود اینقدر وقتی نموده خوبست روز جمعه باشد و برای معرفی مجلس فوق‌العاده تشکیل شود مطلبی نیست (بعد مکتوبی که به صدارت در این باب نوشتند قرائت شد خلاصه اینکه باید هیأت وزرا به توسط شخص اول صدر اعظم روز یکشنبه در مجلس حاضر و معرفی شوند) والا مجلس تعطیل می‌شود.

آقا سیدحسین - تعطیل چرا مجلس تعطیل نمی‌شود. این کلمه را بردارید (جمعی گفتند باید باشد...).

حاجی سید نصرالله - شما گمان می‌کنید که قوام مجلس به وجود ماست این‌طور نیست ملت تکلیف خودش را می‌داند.

حسنعلی‌خان - لفظ تعطیل باشد آخر نشستن ما در اینجا چه فایده دارد.

آقا سید حسن تقی‌زاده - این اتمام حجت است و اتمام حجت باید در مرتبه سیم باشد به واسطه تبادل افکار تعویق افتاد حال برای اتمام حجت بگذارید در مرتبه دیگر که هیأت مجلس حضوراً این عرض را می‌نمایند.

حاجی سید نصرالله - بر فرض که یک دفعه دیگر هم برای اتمام حجت گذاشتیم آخر چه فرق می‌کند.

آقای آقا سید عبدالله مجتهد - این‌طور بنویسید که اگر در آن روز حاضر نشوند معلوم می‌شود که وزرا در استحکام بنیان مجلس حاضر نیستند - بعد به همین مضمون نوشتند. جمعی گفتند که آن کلمه اولی قشر بود در این مقام.

حاجی سید نصرالله - قشر نیست واقع است همین‌طور است.

مذاکرات دارالشورای ملی روز پنجشنبه ۱۶ شهر ذی‌الحجه الحرام هم اختصاص به تعیین وظایف دو قوه اجرایی و قانونگذاری دارد:

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

رئیس - غرض از تمنای مجلس و حضور وزرای محترم این بود که مسلم است بدون همدستی وزرا کاری از مجلس پیشرفت ندارد باید به اتحاد و همدستی کار دولت انجام بگیرد این که نوشته شد برای این بود که وزرا تشریف بیاورند به میزان قانون اساسی که امروز داریم به یک درجه قبول مسئولیت بفرمایند مسئولیت تامه امروزه تا قانون نوشته نشود حاصل نمی‌شود ولی به همین ترتیبی که هست خود را مسئول بدانند تا در آن رشته سلوک کنیم و به همراهی کاری از پیش برود.

آقای آقاسید محمد مجتهد - غالباً مطالبی که مطرح می‌شود راجع به وزاراست باید آنها حاضر باشند تا مطلب تمام شود.

سعدالدوله - رقعہ که در این باب به صدر اعظم نوشته شد خوبست قرائت شود. (در این موقع آقامیر عماد اظهار داشت که صورت تلگرافی است که از تنکابین کرده‌اند با اینکه در تلگرافخانه او را تغییر دادند بخوانند ببینند چیست.

آقای آقاسید عبدالله خودشان تلگراف را خواندند که مشتمل بود بر اینکه مجلس برای انتخاب منعقد نمودیم ولی با وجود این حاکم غیرممکن و خون‌ها هدر از مجلس دادرسی بشود.

وزیر داخله - اگر مقصود پسر نصرالسلطنه است احضار شده و خواهد آمد. سعدالدوله - حالا پس فردا صدراعظم تشریف خواهند آورد، برای حدود و معرفی وزرا که معین بفرمایند.

وزیر مالیه - ما که سه روز پیشتر آمده‌ایم. سعدالدوله - رقعہ اینطور دلالت می‌کند که باید خودشان تشریف بیاورند و حدود و مسئولیت وزرا را معین و مشخص نمایند و وزرا را معرفی نمایند این‌طور نمی‌شود مگر خود وزرا تکالیف و حدود خودشان را معین نمایند.

حاجی محمداسمعیل آقا - مقصود از تصدیق مقام صدارت این بود که باید حدود وزرا را معلوم نمایند که مجلس بعدها تکلیف خود را با آنها بداند والا شخص وزرای مملکت را همه کس می‌شناسد و می‌داند غرض تعیین حدود و معرفی و مسئولیت ایشانست که بعدها مجلس به هر وزارتخانه مطلبی داشته باشد دیگر متعذر نشوند که باید به صدارت اطلاع بدهیم.

سعدالدوله - بلی مقصود همین بود که باید حدود و مسئولیت معلوم باشد چون مثلش هم در خارج معلوم شد که از بعضی پرسیدند گفتند ما مسئول این کار نیستیم

پس باید حدود و تکالیف هریک معلوم باشد که مجلس تکلیف خود را با آنها بداند و با مجلس با هم کار نکنند وزرا به منزله روح مملکت هستند باید روح با بدن با هم کار نکنند مقصود پیشرفت کار است حال آقایان خود می‌دانند منتظرند که آقای صدراعظم تشریف بیاورند و حدود اینها را معین کنند یا به همین مجلس اکتفا می‌کنند.

وزیر علوم - ترتیب کار باید از روی قانون باشد وقتی که قانون وضع بشود حدودها معین می‌شود.

سعدالدوله - باید کاری کرد که امورات پیشرفت داشته باشد تا وقتی که قانون وضع بشود نمی‌شود این‌طور کارها مختل بماند امروزه باید جلوگیری کرد.

وزیر خارجه - مطالبی که راجع به وزارت خارجه است دو سه روز قبل اطلاع بدهید در جوابش حاضریم.

سعدالدوله - البته این مطلب را مجلس می‌داند که درامورات مهمه باید قبل از وقت اطلاع بدهند مقصود این بود که حدود وزرا معین باشد.

حاجی امین‌الضرب - معلوم است که آقای وزیر خارجه خودشان را معرفی کردند و مسئول دانسته‌اند.

سعدالدوله - البته همین‌طور حدود خودشان را هم معین می‌کنند.

وزیر خارجه - آنچه راجع به من است حاضریم و خودم را مسئول آنها می‌دانم.

سعدالدوله - بعد از این مجلس با شما خیلی گفت‌وگو حرف‌ها دارد حالا بماند تا موقعش.

حاجی محمد اسمعیل آقا - جناب وزیر مالیه چه می‌فرمایند.

وزیر مالیه - من گفته بودم همانست که در چند روز پیش گفته شد.

حاجی محمد اسمعیل آقا - امروز غیراز آن روز است امروز باید وزیر مالیه به‌طور صحیح معرفی بشود.

سعدالدوله - امروز وزیر مالیه باید مثل وزیر مالیه خارجه تمام عایدات و فواید دولتی از نقد و جنس راجع به او باشد و او مسئول تمام آنها باشد، شما به این‌طور حاضرید بگویید.

وزیر مالیه - خارجه که می‌گویید دول خارجه متعدد است هر مملکتی یک نحو اقتضایی دارد امروز من وزیر مالیه ایران هستم. آنچه که به من راجع است همان

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

بود که گفتم نقد و جنس می‌گویید چه وقت با من بود من که تحویل‌دار نیستم آنچه که آن روز گفتم اگر امروز باز بگویم مکرر خواهد بود اگر چه شنیدم باز در خارج حرف‌های آن روز را توجیه مالایرضی صاحبه می‌کردند ولی تفصیل همان بود که عرض شد.

حاجی سید نصرالله - غرض اینست که امروزه باید اصلاح امور مملکت کرد من می‌گویم نه شما شخص وزیر مالیه بلکه شما شخص عالم این مملکت هستیید باید راهنمایی کنید که صلاح چه چیز است و چه باید کرد اینکه هر مملکت اقتضایی دارد صحیح است ما نمی‌خواهیم حال قانون فلان مملکت را در اینجا امروزه جاری کنیم می‌گوییم باید دست هم را گرفته کار کرد.

وزیر مالیه - من پیش هم گفتم اگر غرض اصلاح است آنچه از من پیشرفت دارد به قدر قوه خودم حاضر من ولی از یک شخص تنها کار پیشرفت ندارد.

حاجی سید نصرالله - غرض ما هم همین است بسیار خوب از شما خیلی ممنون هستیم.

وزیر مالیه - آن روز گفتم این کارها باید به اتفاق همدیگر باشد. جناب سعدالدوله هم راست می‌گوید ولی گفت و گو در اساس است اساس را از شخص وزیر تنها نباید خواست باید به همدستی و همراهی یکدیگر این کار را کرد.

سعدالدوله - آن مطلب دیگری است امروز همین‌طور که جناب وزیر خارجه مسئولیت را در عهده گرفته است وزرای دیگر هم این مطلب را عهده بگیرند آن وقت در مجلس دیگر مذاکره اساس قانون و ترتیب آن باید بشود.

حاجی محمد اسمعیل آقا - حال باید یک عرضی بکنم که غیر از این وزرای دولت وزیر دیگری هم دارد یا نه این مطلب را باید بدانیم اگر وزیر دیگری هست او را هم باید بشناسیم.

حاجی امین‌الضرب - مقصود اینست که وزیر مالیه در تمام صادرات و واردات دولتی مسئول است یا خیر.

آقامیرزا ابوالحسن خان - آن عرضی که پریروز خدمت شما کردم این بود که گمرک وزیر علی‌حده دارد یا آنچه متعلق به گمرک است از شما سؤال بشود جواب می‌دهید.

حاجی محمد اسمعیل آقا - باز اینجا حرف شعبه پیدا کرد غرض این بود که غیر از

اینها وزیر دیگر هم داریم یا خیر.

سعدالدوله - همان رقعهای که خوانده شد مقصود این بود که این وزرا معرفی بشوند آیا معرفی آنها کردند و غیر از ایشان دیگر وزیری هم هست. وزیر داخله - این مطلب را باید از صدراعظم پرسید و از ایشان بخواهید. سعدالدوله - من از رئیس می‌پرسم که واسطه بین مجلس و دولت است. رئیس - هنوز که خبری نرسیده است.

وزیر عدلیه - یعنی دو وزیر مالیه هست و غیر از اینها وزرای دیگر هستند! سعدالدوله - من چه می‌دانم شاید باشند شاید یکی فردا پیدا شد و کالسکه‌های شهر را اداره کرد و گفت که من وزیر کالسکه هستم. حاجی محمد اسمعیل آقا - غرض اینست که این مطلب امروز باز ناقص است. فردا اگر یک مطلبی سؤال شود می‌گویند که ما مسئول این مطلب نیستیم و جزء اداره علیحده است.

وزیر داخله - وقتی که نظامنامه را به وزارتخانه‌ها دادند آن وقت هر وزیر مثل وزیر خارجه مسئول تمام امورات اداره خودش می‌باشد.

سعدالدوله - هرچه که گفتیم می‌گویند باید قانون نوشته شود نوشتن قانون منافات ندارد با اینکه هر وزیری ترتیب اداره خود را بنویسد بیاورد در مجلس تصحیح کنند آن وقت به آن عمل کنند اما آمدیم سر قانون، قانون نوشتن از مجلس می‌شود و از طرف وزرا هم می‌شود از هر دو هم می‌شود و از مجلس سنا هم می‌شود مثل اینکه به بنده گفتند تو قانون بعضی از ادارات را بنویس حال من هم می‌نویسم ولی من خودم اطمینان به نوشتن خودم ندارم باید کاری کرد که اصلاح امور بشود.

حاجی سید نصرالله - باید آنچه لازم است عمل کرد و به همراهی با هم در صدد اصلاح برآیند مثلاً من می‌گویم که اگر کاری با وزیر عدلیه است ولی از بازوی وزیر مالیه برمی‌آید باید ایشان همراهی کنند و آن کار را کار خود بدانند.

وزیر مالیه - این مطلب صحیح است این مختصری بود که فرمودید می‌خواهید عرض کنم اول مرتبه اصلاح قانون اساسی است. این مطلب در عهده یک نفر نیست باید کمیسیونی منعقد بشود یعنی انجمنی باشد بر اینکه هر کس اطلاع کامل دارد به اتفاق یکدیگر بنشینند و بنویسند. لازم نیست که از وزرا و مجلس باشند. هر کس از افراد ملت که می‌تواند این کار را بکند در آن انجمن حاضر بشود و آنچه

که می‌داند بنویسد بعد از نوشتن این قانون همان‌طور به قانون نظامنامه عمل کنند بعد از آن برای اجرای آن قانون محتاج به بعضی از قوانین می‌شویم که آنها را باید در ادارات اشخاص عالم بنویسند بیاورند در مجلس تصحیح کنند بعد از روی آن اجرا نمایند. بعد از اینها باز مرتبه دیگر محتاج می‌شویم به قواعدی که آن هم از اصول اساسی برداشته می‌شود آن را هم می‌نویسید این سه درجه است که عرض شد که درجه اول باید به کمیسیون اصلاح شود و درجه دوم را همان ادارات و وزارت‌خانه‌ها می‌نویسند سیمی را هم از روی همان اصول می‌نویسند مثلاً گفتند که تو بنویس من نمی‌دانم چه بنویسم و از من چه خواستند که تا بنویسم اگر عرض به نوشتن است من فردا برمی‌دارم قانون وزارت مالیه فرانسه را ترجمه می‌کنم. اما یک چیز خیلی مهمی می‌شود که بسیار بی‌ترتیب است و برای مملکت ما هیچ فایده ندارد.

حاجی سید نصرالله - همین‌طور که فرمودید همه باید به اتفاق هم کار بکنند. سعدالدوله - آن زمان که بنده آمدم همین‌طور که فرموده بودید بنده حاضر شده بودم چون که به من گفتند شما بنویسید من از فرنگ کتاب هم خواستم اسباب و لوازمات را هم جمع‌آوری نمودم. اتفاق با اسباب مرتب و پانزده نفر اجزاء حاضر بودند و مشغول نوشتن بودند تا دوماه به این ترتیب بود بعد موقوف شد و گفتند تقسیم بشود آن ترتیب را برهم زدند نمی‌دانم سبب چه شد.

حاجی سید نصرالله - همان‌طور که می‌فرمایید حال هم باید رفتار کرد به هر نحوی که باشد باید کاری کرد که روز به روز فایده‌ای حاصل بشود.

سعدالدوله - عرض اینست که داخل در مانحن فیه باشیم مطلب از بین نرود. آقاسید حسن تقی‌زاده - این مجلس با هیأت دولت که یک عده‌ای از وزرا هستند طرف است. وقتی که طرف شد تمام سؤالات را آنها جواب بدهند اگر یک کرور سؤال باشد باید جواب داده شود حال اگر کس دیگری هم باشد که آن هم طرف سؤال مجلس باشد باید حاضر باشد والا ناقص است آن وقت اگر مطلبی خواستیم سؤال کنیم طرف سؤال حاضر نیست این ناقص می‌ماند پس باید تمام وزرا معرفی بشوند و حاضر باشند که سؤالات مجلس بی‌جواب نماند.

حاجی سید نصرالله - امروز یک اندازه درست و صحیح است این عدد اصول و زراست که حاضر شدند.

آقا سید حسن تقی‌زاده - وزارت گمرک حاضر نیست.
حاجی سید نصرالله - ما وزیر گمرک نداریم، شما می‌خواهید او را وزیر گمرک بدانید.

سعدالدوله - استدعا اینست که مطلب تمام شود به اطراف نروید.
حاجی محمداسماعیل آقا - این مطلب را ما نمی‌توانیم بگوییم دولت به ما بگویند که همین اینها هستند تا ما با اینها سؤال و جواب بکنیم. امروز که اینجا حاضر شدید می‌خواهیم بدانیم که تمام وزرا همین اینها هستند یا غیر اینها هم کسی هست.
مخبرالملک - جواب این حرف شما را باید صدر اعظم بدهد ولی حضور این وزرا امروز یک فایده دارد که باید بدانیم ایشان به قانون اساسی خودشان را مسئول می‌دانند یا نمی‌دانند مثلاً آن روز جناب ناصرالملک گفته بودند که من یک ثباتی هستم برات و فرمانی که به من دادند من ثبت می‌کنم این معنی مسئولیت نیست اگر مسئول هستند و قبول مسئولیت می‌نمایند معلوم باشد و اگر نیستند آن هم بگویند تا مجلس تکلیف خودش را بداند.

سعدالدوله - ما هم با شما در این قول شریکیم.
وزیر علوم - باید انجمنی باشد که در آنجا درست مطالب گفته شود بعضی چیزها هنوز زود است.

سعدالدوله - انجمن لازم نیست باید گفت من با شما خیلی دوست و برادر ولی در مجلس باید شما را به آن سمتی که هستید معرفی کنم.
حاجی امین‌الضرب - عجب است که جناب وزیر علوم می‌گوید زود است و همه می‌گویند دیر شده و کاری از پیش نرفته.

وزیر علوم - وقتی که قانون نظامنامه مرتب شد به آن عمل می‌شود.
مخبرالملک - قانون چه منافاتی دارد با اینکه وزیر داخله از حکام پول نگیرد و پیشکش از آنها نگیرند که حکومت بدهند اینها چه حرفست باید کار از روی صحت باشد.

حاجی سیدباقر - چرا از وزیر لشکر پول گرفتند به او کار دادند.
سعدالدوله - آن کمیسیون که شده بود و آن عرایضی که بنده کرده بودم شاه هم تمجید فرمودند که صحیح است نباید از حکام پیشکش گرفت حال باز می‌گویند که از آصف‌الدوله به همان ترتیب سابق پیشکش گرفته و اضافه مالیات را از او

می‌گیرند و حکومت را به او دادند.

وزیر عدلیه - همچو چیزی نیست اضافه مالیه همان مال سابق است امسال را گفتند این حرفها نباشد و مالیات را به آن دستوری که می‌دهند بگیرند سال دیگر را از روی ممیزی بگیرند.

سعدالدوله - این همه شکایتی که از آصفالدوله کردند شما وزیر عدلیه هستید چه کرده‌اید.

وزیر عدلیه - شنیدم ولی کسی به من چیزی نگفته است و از من نخواستند این شخص وزیر لشکر که می‌گویند پول داده است به کی داده است و کجا و چرا همین می‌گویند از او پول گرفته‌اند.

وزیر لشکر - به خدا قسم که من هیچ خبر نداشتم بی‌خبر دیدم که این کار را به من رجوع کردند چرا من پول می‌دام.

سعدالدوله - شما می‌گویید که من ندادم ولی همه مردم می‌گویند که شما پانزده هزار تومان داده‌اید.

وزیر عدلیه - من هیچ حاضر نیستم و روا نمی‌دارم که به کسی ظلم بشود من مسئول پیش خدا و رسول هستم مجلس مرا مسئول می‌داند من خودم را مسئول خدا می‌دانم به قدر قوه خودم هم نمی‌گذارم که کسی بر دیگری ظلم کند ولی آن ترتیبی که شما می‌خواهید اسباب و اجزا و پول می‌خواهد به من بدهند من حاضرم که عمل کنم.

حاجی محمداسمعیل آقا - غرض این بود که امروز وزرا مسئولیت خودشان را بیان نمایند. وزیر خارجه خود را مسئول دانسته‌اند وزیر عدلیه هم به شرط باقی وزرا هم بفرمایند تا معلوم شود.

وزیر معادن - من خودم را مسئول می‌دانم همان‌طوری که این امر را به من واگذار نمودند من هم مسئول آن هستم.

سعدالدوله - شما کسی هستید که امتحان خودتان را در اروپا داده‌اید اداره وزارت معادن از همه ادارات منظم‌تر است.

حاجی محمد اسمعیل آقا - مقصود اینکه به اتحاد و همراهی هم باید کار کرد.

رئیس - این اجلاس امروز برای این بود که صدراعظم وزرا را معرفی و معین نمایند و تا یک حدی اینها امروز خودشان را مسئول مجلس بدانند ولی امروز این

مجلس بعضی خود را مسئول و بعضی غیر مسئول دانسته‌اند آن مقصودی که مجلس داشت ناقص ماند علی‌العجله باید امروزه تا یک مقداری به قانون اساسی عمل شود و جواب مجلس را از روی قانون باید داد.

حاجی محمد اسمعیل آقا - باید ترتیب صحیح به عمل بیاید.

سعدالدوله - دنباله کارها باید به همان ترتیب صحیح باشد.

رئیس - بلی آن ترتیب امروز به عمل نیامد.

آسید هاشم - این مجلس ناقص بود همان‌طور که قرار بود باید روز یکشنبه صدر اعظم با وزرا بیایند در اینجا تا حدود مسئولیت ایشان معلوم شود.

رئیس - باید کاری کرد که ترتیب صحیح داشته باشد.

آسید هاشم - مقصود اتحاد است و اینکه ما وزرا مملکت را بشناسیم اینکه می‌گویند تا قانون وزارتخانه‌ها نوشته شود و اصلاح شود همین‌طور بماند این نمی‌شود باید امروزه کاری کرد غرض در بین نیست ملت هم برای دولت کار می‌کند از ماضی گذشت باید اصلاح بعدها را بخواهیم.

وزیر مالیه - این فرمایش صحیح است باید اتحاد کرد و غرضی در بین نباشد که اگر غرض باشد و اوایلا که از این خراب‌تر خواهد شد بنده عرض می‌کنم و غرض هم رد و بحث نیست می‌گویند بعضی مسئولیت را قبول نکردند من می‌توانم چیزی که در عهده من است قبول کنم و کارها فقط به قول کردن من درست نمی‌شود.

آمیرزا ابوالحسن خان - در این که سرنوشت ایران در ید وزرا است شبهه نیست و در اینکه شاه ما ایرانیست شبهه‌ای ندارد و در این که وزرای ما باید ایرانی باشند آن هم شبهه‌ای نیست همان عرضیست که خدمت شما کردم شما خود را مسئول می‌دانید یا نه.

وزیر مالیه - من حالا می‌توانم چند اداره را جمع خودم بگیرم؟

آمیرزا ابوالحسن خان - مقصود گمرک است و در آن روزهم از شما پرسیده شد حال اگر فردا از شما از اداره گمرک سؤال بشود جواب می‌دهید یا نه.

وزیر مالیه - ترتیب امروز و دیروز همانست فرقی نکرده.

حاجی محمد اسمعیل آقا - غرض از این مجلس معرفی وزرا بود که معرفی شوند والا ما نمی‌خواستیم آنها به ما چیزی بدهند مطلب همانست که وزیر عدلیه کف پول اسباب می‌خواهد تا تغییر کند.

حاجی سید نصرالله - مسئولیت گمرک ملزوم وزارت مالیه هست یا نه.
وزیر مالیه - حالا که نیست.
حاجی سید نصرالله - در واقع می‌گویم.
حاجی محمد اسمعیل آقا - در واقع بلی هست.
حاجی سید نصرالله - حالا که هست پس چطور باید تصحیح کرد تصحیح آن با
وزیر مالیه است یا خیر.
وزیر مالیه - می‌شود باشد، می‌شود نباشد.
حاجی سید نصرالله - باید این تکلیف را وزیر مالیه در عهده بگیرد.
حاجی محمد اسمعیل آقا - این تکلیف وزیر مالیه است که از دولت بخواهد که مرا
چه جور وزیر مالیه کرده‌اید از من این‌طور می‌خواهند تکلیف چیست.
وزیر مالیه - باید کارها از روی ترتیب باشد وقتی که قانون نوشته و تا یکی دو سال
عمل شد این ترتیبات منظم می‌شود.
حاجی سید ابراهیم - اینها طفره است معلوم است خودتان را مسئول نمی‌دانید.
وزیر مالیه - اینکه شما می‌گویید پس هرکس کار برای خودش باید درست کند این
که نمی‌شود.
آقا میرزا ابوالحسن خان - مقصود آقای وزیر اینست که آنچه به من راجع است من
حاضر اما آن مطلب را باید مجلس از دولت بخواهد که ما ایرانی نژاد و شاه ما
ایرانی مملکت ما وزیر از خارجی نمی‌خواهد این مطلب را باید بگوییم که وزیر مالیه
برای اینست که تمام عایدات دولتی با او باشد و خارجه را هم به وزارت قبول نداریم
از این به بعد او را عزل نمایید.
حاجی محمد اسمعیل آقا - هنوز معلوم نیست که او وزیر باشد معرفی نکرده‌اند که
شما او را وزیر می‌خوانید.
آمیرزا ابوالحسن خان - خیر همین است که می‌گویم.
وزیر مالیه - گمرک خودش اداره بزرگیست رئیس دارد اجزا دارد... آنچه که راجع به
من بود این دفترها بود که دادم خدمت شما مگر قدری باقیست که آن را هم گفته‌ام
بدهند...

آقای آقاسید عبدالله - وزارت مالیه باید تمام صادرات و واردات دولتی با او باشد.
وزیر مالیه - تمام حواس را راجع به یک مطلب کردن وقت را ضایع می‌کند قانون

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

که باشد همه اینها اصلاح می‌شود.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - فردا کمیسیون بشود و از اینجا بروند خدمت صدراعظم که قانون نوشته بشود و عمل شود.

رئیس - خلاصه فرمایش وزیر اینست که باید اصول وزارتخانه‌ها نوشته شود و زودتر به آن عمل شود.

مخبرالملک - اگر وزرا زودتر حاضر می‌شدند و خود را مسئول می‌دانستند تا حال نوشته شده بود.

وزیر علوم - تا خانه ساخته نشود نمی‌شود گفت این خوب یا بد است.

آقای آقاسید عبدالله - مجلس بی‌نتیجه نباشد چند نفر امشب بروند خدمت صدارت آنجا هرچه اجزایی که می‌خواهند بگویند و هرکس که می‌تواند این کار را بکند او را بیاورند زودتر بنویسند و مشغول شوند.

حاجی محمداسمعیل آقا - آن روز که مجلس منعقد شده بود جناب صدراعظم فرمودند که بنویسند و مشغولند می‌نویسند ولی این مجلس حالا می‌خواهد بداند که وزرا همین اینها هستند یا غیر اینها هم هست و حدود و مسئولیت ایشان را می‌خواهد معیناً بداند بعد از آن روز به‌روز فصل به فصل نوشته می‌شود می‌آید در مجلس خوانده و تصحیح می‌شود بعد به آن عمل می‌کنند.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - خیلی خوب از فردا باید در همین کار حاضر بشوید.

سعدالدوله - این که می‌فرمایید درجه دویم است وقتی که صدراعظم وزرا را آورد معرفی فرمود و مسئولیت آنها را محدود و معین کرد آن وقت بنده نقشه این کار را کشیده‌ام از روی همان مشغول عمل می‌شویم.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد حالا مجلس را بی‌نتیجه نگذارید این مجلس معتنم است.

سعدالدوله - عرض پیش ما ناقص ماند باید انجام بگیرد.

(بعد مکتوب صدارت را که به مجلس نوشته بودند در بابت احضار وزرا و حاضرشدن ایشان قرائت شد).

سعدالدوله - ما می‌خواهیم بدانیم که جناب دبیرالدوله نماینده چه وزارتتی هستند و وزیر تجارت خودشان نیامدند نماینده‌شان را فرستادند اینجا جای نماینده نبود.

آقامیرزا محمود اصفهانی - خودش کسالت داشت و ناخوش بود.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

بعضی گفتند مگر وزیر جنگ نداریم چرا ایشان حاضر نشدند.

آقای آقاسید عبدالله - وزیر جنگ به بنده نوشته بودند خیلی عذرخواهی کردند که من کار دارم و نرسیدم هر امری که باشد من در انجامش حاضریم و خودم هم در مجلس حاضر می‌شوم و هرچه بخواهند همراهی دارم.

مذاکرات دارالشورای ملی روز یکشنبه ۱۹ شهر ذی‌الحجه الحرام نیز در بین بحث از مسائل داخلی مجلس و دیگر مسائل قانونگذاری، بیشتر بحث‌ها حول ارتباط با وزرا دور می‌زد:

آقاسید محمدتقی - غرض این بود که وضع این مجلس خیلی بی‌ترتیب است مردم گمان کرده‌اند که مجلس باید وضعش مخالف با قانون دولت و طرف با او باشد و حال اینکه این نیست مقصود اینست که مجلس و دولت دست هم را گرفته قانون مملکت را اجرا کنند این مجلس که مجلس نیست اینجا روضه هم نمی‌شود خواند این وضع و ترتیب نیست که مجلس پیش گرفته است.

سعدالدوله - برای ترتیب مجلس که تماشاچی‌ها شلوغ نکنند چند صندلی برای وکلا بگذارند و تماشاچی‌ها پشت صندلی بنشینند که مزاحمت به وکلا نداشته باشند.

آقا سیدمحمد تقی - مقصود اینست که تمام کارها از روی قانون است ما که می‌گوییم وزرا مسئول هستند نه مسئول فردفرد ملت هستند یا مسئول مجلس هستند، مسئول قانون هستند. نباید به آنها گفت که اگر وزرا نیامدند و خود را مسئول ندانستند ما آنها را می‌کشیم یا به زور می‌آوریم حاضر می‌کنیم که خودشان را مسئول مجلس بدانند.

سعدالدوله - مسئولیت وزرا معین ولی نباید به جبر آنها را حاضر کرد این هم که گفتیم حاضر شوند برای تعیین حدود و تکالیف ایشان بوده است والا هر روزی که به آنها کاری هست باید خودشان یا معاون ایشان حاضر بشوند برای پیشرفت کار اما در اینگونه مطالب من هم با شما موافقم شنیدم که دیروز در مدرسه سادات انجمنی بود و در آنجا جمعی دعوا و نزاع کردند آخر در این موقع این معنی اتحاد ملت است؟ این همراهی است! اینها از نادانی و جهالت است. ما که می‌گوییم باید وزرا را حاضر کرد برای کار نه اینکه با آنها طرف شد مقصود این است که ملت باید خودش مجری احکام باشد آیا این خوبست که در مجلس معارف با وزیر علوم طرف

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

می‌شوند و این کارها را می‌کنند! خوبست قدری معنی مجلس را به مردم حالی کرد و در عوض اشعار اینها را در روزنامجات بنویسند که مردم بفهمند معنی مجلس چیست.

آقای آقامیرزا سید محمد مجتهد - چرا نظامنامه را اجرا نمی‌کنید؟

آقاسید محمدتقی - کراراً این مطلب را بنده گفتم که نظامنامه را باید اجرا کرد.

آقامیرزا محسن - شما نظامنامه‌ی اساسی را می‌گویید.

آقای آقامیرزا سید محمد - بلی او را باز کنید به آن عمل کنید.

سعدالدوله - حال کم‌کم مردم یاد گرفتند می‌آیند تمام تظلمات را اینجا می‌کنند باید حالی کرد که اینجا جای تظلم نیست. پس وزیر عدلیه برای چیست. مثلاً فلان معلم مدرسه شکایت از مدیر آن دارد. این باید به وزیر علوم رجوع کند. این مجلس کارهای کلی دارد، این مجلس باید مالیه را درست کند، این مجلس باید ترتیب حدود و ثغور بدهد، این مجلس با وزیر خارجه گفت‌وگو دارد من نمی‌دانم که چطور است مجلس گاهی حاکم است، گاهی وزیر عدلیه است این مجلس همه چیز است ولی هیچ کدام از اینها نیست، خوب است این مطلب را در روزنامه‌ها بنویسند ما اینجا نویسنده خیلی داریم آقای تقی‌زاده خوب است خوب چیز می‌نویسد باید به مردم فهماند معنی مجلس را که مجلس معنی‌اش اینها نیست که شما فهمیده‌اید.

آقاسید محمدتقی - آقای سعدالدوله می‌فرمایند اگر معلمی حرفی داشته باشد به وزیر علوم رجوع کند، این مشروحه‌ای است که وزیر علوم نوشته‌اند:

مشروحه را قرائت کردند که دیروز مدرسه‌ی سادات آشیخ علی زرنندی بعضی از حرکات ناشایسته کرد به‌طوری که طفل سادات بنا را به گریه گذاشتند جناب حاجی میرزا یحیی از این حرکات مجلس را گذاشت و رفت بنده که وارد شدم دیدم آشیخ علی با چند نفر دیگر بنای شلوغی و کتک‌کاری را گذاشتند، هرچه به ملایمت خواستم ایشان را ساکت کنم نمی‌شد، می‌گفتند ما از جانب ملت هستیم در هر حال باید که حدود وظایف هرکس در هر طبقه معلوم و معین باشد اگر بنا شد هر عامه‌ای این کار را بکند همه‌ی معلمین مدارس همین کار را می‌کنند اینها از روی انصاف است که اطفال بیچاره‌ی سادات را این‌طور در زحمت بیندازند و سر کوجه‌ها سرگردان و ویلان باشند؟ بر مجلس محترم است که تحقیق و رسیدگی کامل در این امر بنماید.

سعدالدوله - وزیر علوم در این مقام از وظیفه خودشان قصور کردند می‌خواستند خودشان بفرستند طرف را بیاورند رسیدگی نمایند اگر هم از ایشان قبول نمی‌شد به وزارت عدلیه رجوع می‌کردند.

رئیس - چنین معلوم می‌شود که حالت فترتی به مملکت دست داده است نزدیک است آنچه را که ما می‌خواستیم نتیجه به عکس بدهد در انظار مردم چنین وانمود شده است که این مجلس به کلی باید با دولت طرف باشد و هیچ در تحت احکام دولت نباشد و حال اینکه مطلب این نیست. باید مجلس و دولت با هم کار بکنند و نباید کاری کرد که ابهت دولت از میانه برود مقصود این است که این‌طور نمی‌شود که هرکس برای خود کاری بکند آخر هرج و مرج خواهد شد و اسباب زحمت مجلس و دولت هر دو می‌شود.

سعدالدوله - همین است که بنده اصرار دارم وزرا بیایند در مجلس و مسئولیت خودشان را معین نمایند حال دیگر نمی‌آیند یا می‌آیند و طفره می‌روند مجلس چه کار بکند؟

رئیس - باید یک کاری کرد که پیشرفت داشته باشد و جلوی مردم را گرفت تا مجلس هم مشغول کار باشد.

آقامیرزا محسن - همان‌طور که جناب سعدالدوله فرمودند باید معنی مجلس را به مردم حالی کرد و اجرای احکام مجلس هم باید بشود.

سعدالدوله - باید دانست که ما سه چیز داریم که آن را اختیارات ثلاث می‌گویند وضع قانون و حفظ قانون و اجرای قانون وضع قانون با مجلس است و حفظ قانون با ملت و دولت است. اجرای قانون با عدلیه است باید اینها را داخل هم نکرد و هر یک مشغول به کار خودشان باشند مجلس قانون بدهد به وزیر عدلیه او اجرا کند. ترتیب کار این است ولی به مجلس مهلت این کار را ندادند یکی مستمری داشت آمد عارض شد که نرسید دیگری تظلم داشت که به عرض من نرسید این‌طور نمی‌شود و این مطالب سه‌گانه هم که گفتم حاصل نمی‌شود تا اینکه وزرا حاضر بشوند و همراهی نمایند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - من می‌گویم که تقصیر از مجلس است مجلس گاهی از آتش گرم‌تر و گاهی از یخ سردتر است. مجلس یک دفعه چنان گرم می‌شود که دست به همه کار می‌زند، مجلس یک دفعه چنان سرد می‌شود که هیچ نمی‌داند چه

می‌کند مجلس چرا قانون وضع نمی‌کند مجلس چرا خودش را مشغول این کارها می‌کند بنا بود به موجب قانون اساسی و کلا قسم بخورند چرا و کلا قسم نمی‌خورند و مشغول کار نمی‌شوند.

سعدالدوله - و کلا چه‌طور قسم بخورند.

آقامیرزا حسن خان - همان‌طور که در قانون اساسی نوشته است.

سعدالدوله - و کلا قسم بخورند که خیانت به ملت نکنند؟ مگر کی خیانت کرده.

آقامیرزا ابوالحسن خان - نمی‌گویم خیانت کردند، می‌گویم چرا قسم نمی‌خورند.

سعدالدوله - و کلا قسم می‌خورند که اجرای قانون کنند و کلا قسم می‌خورند که دولت با ایشان همراه باشد ایشان هم در ادای حقوق خود کوتاهی نکنند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - قسم بخورند که همه حدود دولت را حفظ کنند و هم حدود و حقوق خود را حفظ نمایند.

سعدالدوله - شما این مطالبی که چند روز قبل گفته بودید دنبال او را بگیرید تمام کنید تا آن درست نشود دیگر کارها درست نخواهد شد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - بنده عرض می‌کنم که هرج و مرج بر دو قسم است یک هرج و مرج سیاسی و یک هرج و مرج مدنی اما مدنی را باید وزیر عدلیه رسیدگی و نظمیۀ اجرا بدارد و کار مجلس نیست اما هرج و مرج سیاسی آن باید به نظر مجلس برسد و رسیدگی تمام نماید و به تصویب باید او را اجرا داشت ولی هرج و مرج‌های دیگر حق مجلس نیست که رسیدگی نماید مجلس باید قانون وضع کند و مشغول کار شود والا حوادث یومیۀ هم‌روزه تولید می‌شود مجلس برای رسیدگی آنها منعقد نشده است.

سعدالدوله - مجلس اگر اذن بدهد به آقای تقی‌زاده قدری صحبت در این باب می‌کنم...

مجلس قانون بگذارد چه قانون بگذارد!

آقاسید حسن تقی‌زاده - قانون وزارتخانه‌ها اولاً و قانون اجرا ثانیاً.

سعدالدوله - کراراً گفتم و باز هم می‌گویم مجلس مثلاً وضع قانون مالیات را می‌نماید که از فلان مأخذ چه‌قدر و چه‌جور باید مالیات گرفت اما اجرا را باید وزرا بکنند. تنظیمات با وزرا است وزرا باید بنویسند بیاورند و ما او را تصحیح کنیم. ایشان اجرا و عمل نمایند کی نوشتند آوردند که ما گفتیم خوب یا بد است وقتی که به

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

ایشان گفتیم می‌گویند شما بنویسید ما عمل می‌کنیم. آفاسید حسن تقی‌زاده - قانون و تنظیمات دو چیزند و یکی هم قواعد است. قانون را باید مجلس بنویسد و تنظیمات اساسی را هم باید مجلس وضع کند. به عدد وزارتخانه‌ها اینها نوشته و مرتب شوند و همچنین قانون مدنی هم باید از مجلس باشد بعد از آنکه اینها را مجلس نوشت و تصحیح کرد قواعد مرتبه‌ آخره است که مقام اجرا باشد آنوقت باید وزرا او را اجرا کنند.

سعدالدوله - شما این تنظیمات و قواعد اساسی را می‌خواهید در اینجا اختراع بکنید یا تقلید می‌کنید آنچه را که در ممالک متمدنه است.

آفاسید حسین تقی‌زاده - آنچه که در ممالک متمدنه است.

سعدالدوله - اینجا نمایندگان دول متمدنه هستند پرسید ببینید که ترتیب چیست.

حسنعلی خان - مقصود آقای تقی‌زاده اینست که تقسیم قانون برای وزارتخانه‌ها با مجلس است و تقسیم محکمه‌ها و قضاة آنها هم با وزیر نیست کمیسیون باید رسیدگی نماید در مجلس یا در وزارتخانه بعد از ترتیب و تصحیح اینها اجرا با وزیر است.

سعدالدوله - من می‌گویم که ترتیب وزارتخانه‌ها با دولت است نه با مجلس حال این مطلبی نیست که بحث کنیم اینها را تقسیم کردند می‌نویسند نزدیک است تمام شود چیزی که هست همان مطلب پریروز است که وزرا حاضر بشوند و قبول مسئولیت نمایند اینجا در این بابت چیزی نوشته شد به صدر اعظم جواب چه شد. رئیس - گفتند امروز می‌فرستند.

آمیرزا ابوالحسن خان - ما هم در این مطلب با شما رفیقیم.

آسید محمدتقی - اینها صحیح است ولی امروزه باید کاری کرد که اغتشاش نشود.

سعدالدوله - این‌طور اگر دولت بخواهد جلو را بگیرد که تا دو سال دیگر قانون نوشته بشود و همین‌طور تا دو سال دیگر به این انتظار باشیم هرگز کاری از پیش نخواهد رفت.

آسید حسن تقی‌زاده - من می‌گویم قانون دو سال طول نمی‌کشد.

سعدالدوله - حالا من نگفتم حتماً تا دو سال.

آسید حسن تقی‌زاده - من می‌گویم پارچه پارچه فصل به فصل بنویسند بیاورند تصحیح کنند و مجری نمایند.

آسید محمدتقی - همین‌طور که می‌گویند این کار را بکنید یومیه یا روزبه‌روز بنویسند بیاورند در مجلس خوانده بشود.

آمیرزا ابوالحسن خان - هر روز نمی‌شود باید در هفته یکی دو روز مجلس عمومی باشد باقی را باید انجمن باشد و مشغول کار باشند.

آسید محمدتقی - همه روزه این حرف را می‌زنید و می‌گوییم قانون بنویسند هیچ اثر ندارد.

آمیرزا ابوالحسن خان - نمی‌شود مگر شما در این مجلس چند نفر قانون‌نویس دارید این قانون را باید آن کسانی که دولت سال‌ها برای آنها کرورها خرج کرده بیایند بنشینند و بنویسند در این مجلس منتهی پنج شش نفر بتوانند بنویسند آن هم اسباب و لوازمات و وقت می‌خواهد.

معمارباشی - شما که می‌گویید وکلا قسم بخورند قسم برای چه بخورند برای قانون، قانون کدامست.

آمیرزا ابوالحسن خان - برای قانون اساسی که تخلف نکنند.

معمارباشی - آیا این قرآن را که حضرت ختمی‌مرتبت آورد این قانون ما نیست و یا قانون دیگر می‌خواست این ناقص است آیا عدلیه جز قرآن است آیا حکومت به حق و رفع ظلم جز قرآن است تمام اینها که شما می‌گویید جز این که همه از قرآن است؟ باید قرآن را گرفت باز کرد و احکام او را در تمام مملکت اجرا کرد.

آمیرزا ابوالحسن خان - ما هم می‌گوییم که این قرآن قانون ماست و او را باید اجرا کرد از راه امر به معروف و نهی از منکر باید گفت همین قرآن را باید اجرا کنند ما هم همین مطلب را می‌گوییم اما جواب من که شما چرا قسم نمی‌خورید این نیست می‌گوییم چرا قسم نمی‌خورید.

معمارباشی - حاضریم می‌خوریم.

حاجی سیدابراهیم - ما آن وقت قسم خوردیم که آمدیم در این مجلس.

آسید مصطفی - کی در معرض قسم حاضر شدند که ابا کردند.

حاجی سیدابراهیم - به قسم خوردن کارها تمام است؟

آمیرزا ابوالحسن خان - بلی هم دولت از شما خاطر جمع می‌شود و هم ملت از شما اطمینان پیدا می‌کنند.

سعدالدوله - من در قسم خوردن با شما حاضریم که خیانت به ملت نکنم ولی بر

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

طبق قانون نظامنامه قسم نمی‌خورم زیرا که او بعضی زیادات و بعضی نقایص دارد که حال اینجا مقام گفت‌وگو نیست باشد در اتاق خلوت.

محتشم‌السلطنه - این نظامنامه مجلس سناست که به نظر مجلس برسد بعد از تصحیح و تصویب به صحنه موشح شود در باب حضور وزرا هم رقعته‌ای نوشتند که اشخاص وزرا را معین و معرفی نمودند بعد رقعته را قرائت کردند که تعرفه‌ی وزرا از قرار ذیل است و آنها مسئول ذات اقدس همایونی هستند هر وقت وجود آنها لازم باشد در مجلس خودشان یا معاون ایشان حاضر خواهند شد (مشیرالسلطنه وزیر عدلیه) (ناصرالملک وزیر مالیه) (علاءالسلطنه وزیر امور خارجه) (وزیر افخم وزیر داخله) (علاءالملک وزیر علوم) (فخرالملک وزیر تجارت) (دبیرالدوله وزیر لشکر) (مهندس‌الممالک وزیر معادن و طرق و شوارع) بعد از قرائت گفتند وزیر جنگ کیست.

محتشم‌السلطنه - وزیر جنگ ما سپهسالار است او مسئول نیست طرف سؤال وزیر لشکر است.

حسنعلی خان - از این قرارگمرک هم جزو وزارت مالیه است.

سعدالدوله - ما همچو مجلسی نداشتیم و این ترتیبات در این مملکت نبوده است. خدا خواست که خلق بشود و در زمان خلق شدن این مجلس با هیأت دولت خلق شده و غیر از این هم نمی‌شود آن شرحی را که از اینجا به صدارت نوشتند با این جواب چه قدر منافات دارد.

سعدالدوله - مادام که مطلب اول تمام نشود هیچ کدام را ما نمی‌خواهیم نه امتیازنامه و نه غیر آن تنها خودم نمی‌گویم من از جانب همه می‌گویم غیر از این است (جمعی گفتند خیر همین طور است)... من نمی‌گویم که این مطلب را که نوشته است ولی می‌گویم که هیأت وزرا باید مسئول باشند.

مسئول ذات اقدس بودن در یک صورت است که اگر دستخطی به اشتباه و غلط صادرکنند آن وقت هیأت وزرا مسئول ذات اقدس هستند همین طور نیست در نظامنامه این طور هست.

محتشم‌السلطنه - اگر آن فصل نظامنامه قرائت بشود معلوم می‌شود که فرقی نیست.

سعدالدوله - وزیر لشکر نباید بنویسند باید وزیر جنگ مسئول باشد علاوه ما گفتیم

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

که غیر از اینها وزیر هست یا نه آن معلوم نشد و حدود آنها را خواسته بودیم این هم معین نشد حدود وزیر مالیه چیست.

محتشم‌السلطنه - این مطلب، مطلب دیگری است شما دو چیز خواستید یکی معرفی آنها و یکی حدود ایشان این معرفی بود که نوشته آن مطلب را مجلس باید با دولت سؤال و جواب کند.

آمیرهاشم - پس آن وزرای دیگر چیست.

محتشم‌السلطنه - وزرای که طرف سوال و جواب هستند، اینها هستند.

آمیرهاشم - پس آنها مهم‌اند.

محتشم‌السلطنه - وزرا دو قسمند وزرای لقبی و وزرای شغلی مابقی القاب است.

سعدالدوله - این فرمایشات شما را وزرا چند روز پیش آمدند و گفتند از وزیر مالیه پرسیدیم بعد از تحقیقات زیاد که واقعاً شخص عالم زحمت کشیده و تحصیل کرده است جواب داد که من ثابتم از وزیر عدلیه سؤال کردیم گفت من اسباب و لوازمات و اجزا و پول می‌خواهم هر وقت این را به من دادند من مسئولم.

محتشم‌السلطنه - شما نباید این مطلب را از ایشان استفسار کنید و بخواهید مادام که حدود تکالیف آنها معین نباشد آنها نمی‌توانند بگویند که ما مسئول فلان امر هستیم.

سعدالدوله - شما مرا مجبور می‌کنید که مطلب را واضح‌تر بگویم می‌گویم شما این امتیازنامه و این سند را دادید که سرما را بیچنانید فردا بیاید بگویید که دو کرور قرض داریم و فلان قدر باقی مانده حقوق مردم است و این قدر کسر عمل داریم اینها را می‌خواهید که ملت بدهند ما می‌گوییم به وزیر مالیه که جناب وزیر حساب صندوق چیست می‌گوید من مسئول نیستم حساب لوی ٹیل را رسیدند نیم کرور اضافه داشت و هنوز هم رسیدگی نشد چرا حساب او رسیدگی نمی‌شود.

محتشم‌السلطنه - آن وقت آن طور بود این حرف را می‌زد حال وقتی که دولت او را وزیر مالیه گفت و به شما معرفی کرد البته باید حساب برسد و جواب بدهد.

سعدالدوله - بسیار خوب وزرا بیانند مسئولیت را قبول بکنند و دولت هم بنویسد که غیر از اینها دیگر وزیر نداریم خوبست.

محتشم‌السلطنه - همین قدر که نوشتند وزرا اینها هستند کافیسست دیگر بنویسند که وزیر نباید باشد چرا؟ شاید به مقتضی وقتی وزیر دیگر لازم شد.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

سعدالدوله - هیچ دولت مقتنه و مشروطه بیش از این ندارند و نباید باشد من واضح بگویم ما ملت ایرانی وزیر از خارجه نمی‌خواهیم و رئیس از خارجه را قبول نداریم گمرک نباید وزیر داشته باشد.

محتشم‌السلطنه - اگر مقتضی شد وزیر دیگر چه ضرر دارد باید باشد.

سعدالدوله - دولت انگلیس با آن حشمت و ابهت و توسعه مملکت که هند هم در تحت قانون اوست هشت وزیر یا نه وزیر دارد مملکت ما زیاده از هشت وزیر نباید داشته باشد.

محتشم‌السلطنه - شاید به مقتضی وقت ما هم محتاج به یک وزیری شدیم از برای هند.

سعدالدوله - به مقتضای وقت بعد از تصویب مجلس صحیح است.

حسنعلی خان - این مطلب صحیح است ولی امروز دیگر ما با وزیر انطباعات کاری نداریم و امری را به او رجوع نباید بکنیم تمام با وزیر داخله است به او باید رجوع کنیم ما نمی‌گوییم تا پنجاه سال دیگر ما وزیر دیگر لازم داریم یا نداریم امروزه باید دولت و ملت دست به هم بدهند کار کنند. پیشرفت داشته باشد والا دولت و ملت هر دو مضمحل شده اندو هیچ امری پیشرفت نخواهد داشت ما چه کار داریم که فلان وزیر هست یا نسبت این بحث فایده ندارد.

آمیرزا ابوالحسن خان - من می‌گویم موسیو نوز وزیر هست یا نیست.

حسنعلی خان - وزیر مالیه را به شما معرفی کردند او را معرفی نکردند چه وزیری است.

آمیرزا ابوالحسن خان - همه جا می‌نویسند وزیر گمرک شما می‌گویید او وزیر نیست البته ما وزیر مالیه را وزیر می‌دانیم.

حسنعلی خان - از فردا به بعد دیگر او را وزیر گمرک نمی‌دانیم.

رئیس - وزیر یعنی چه هرکس می‌داند بگوید.

حاجی ملا محمود - وزیر دو معنی دارد.

رئیس - ما معنی لغوی وزیر را نمی‌خواهیم.

سعدالدوله - ما وقتی که مربوط با دول خارجه نبودیم یک شاهی بود و یک وزیری بعد که با آنها ناچار شدیم به مرارده و ارتباط خواستیم ترتیب آنها را در اینجا معمول داریم می‌گویید وزیر چیست وزیر همانست که در فرنگستان هست وقتی که

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

می‌گویند دولت، دولت همان معنیش هیأت وزاراست که آن هشت نفر وزیر باشند اینکه می‌گویند شاید به مقتضی وقت یک نفر وزیر دیگر زیاد شود این را قبول نمی‌کنم وزیر سالها زحمت می‌کشد تحصیل می‌کند رنج می‌برد که این شرف و امتیاز را برای خود تحصیل نماید که مردم به او بگویند جناب وزیر تمام زحمتهای برای شرف است پول هم برای شرف است پس نباید که این اسم به هر کسی داده شود و امتیازی در بین نباشد والا وقتی که بنا شد هرکس به این اسم خوانده شود دیگر آن شخص وزیر می‌گوید خوب امتیاز و شرفی که در بین نیست من هم وزیرم فلان شخص هم وزیر مشغول پرکردن جیب می‌شود و همین‌طور است که هست پس نباید به هرکس این اسم داده شود تا شرافت و امتیاز باقی باشد.

رئیس - خوب بود که یک فاصله و امتیازی بین این مطالب می‌گذاشتید و معنی وزیر را بیان می‌فرمودید عرض می‌کنم که وزیر آن کسی است که متصدی مصرفی از مصارف دولت باشد و به اندازه‌ای که دولت مخارج دارد به آن میزان وزارتخانه‌ها لازم داریم زیاده از آن نمی‌خواهیم شغل وزارتی به این میزان است کار به القاب نداریم که فلان کس وزیر است یا نیست.

سعدالدوله - شما که تربیت شده‌اید حالا می‌شود به این طوری که معرفی کردند اکتفا کرد و این فایده دارد.

رئیس - اگر برای این است که کار پیش برود باید امروزه بعضی چیزها را زیاد دنبال نکرد و به همدستی کار کرد نباید سخت‌گیری در بعضی از مطالب جزئی کرد.

سعدالدوله - همان‌طور از اول اگر سختی می‌شد کار به اینجا نمی‌کشید و امروز هم قسم می‌خوریم ولی نظامنامه خیلی کم و زیاد دارد لذا من قسم می‌خورم که خیانت نکنم قسم به عدم تخلف از نظامنامه نمی‌خورم.

وکیل‌التجار - دولت و ملت یکی است فرقی ندارد این اختلاف الفاظ است دوئیت در بین نیست.

آقاسید حسن تقی‌زاده - بنده عرض می‌کنم برای اتمام این مطلب اگر جناب محتشم‌السلطنه قولش سندیت دارد باید در آنجا که نوشته است وزرا اینها هستند یک لفظ لاغیر هم بنویسد و دیگر وزیر لشکر را وزیر جنگ کنند و آنکه نوشته است مسئول ذات همایونی فقط در یک ماده است آن را هم مسئول مجلس کنند و مسئولیت و حدود ایشان را معین نماید حرف تمام است.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

سعدالدوله - من نمی‌توانم بگویم ما می‌خواهیم که وزیر مالیه را مقتدر بکنیم او اصرار دارد که موسیو نوز وزیر گمرک باشد و عایدات دولتی با او باشد موسیو نوز وقتی صندوق برهم خورد و معزول شد موسیو کله رئیس صندوق را آورد برای او یک اسمی تراشید که هیچ جای عالم نیست (رئیس اجزا) و کونترات او را تجدید کرد همین‌طور کونترات‌ها را تجدید می‌کند حتی کونترات آن شیر فروش و کونترات ضرابخانه همه اینها را تجدید کردند من فکر فردای شما را می‌کنم این قانون نیست این مجلس نیست خود بدانید.

محتشم‌السلطنه - اگر به این ترتیب و این‌طور بخواهیم صحبت کنیم هیچ کاری پیش نخواهد رفت اینها حرف است امروزه هیچ کنترات تجدید نشده همه اینها دروغ است بودجه را شما باید اصلاح کنید. اینها همه باید به تصویب مجلس باشد و به نظر مجلس می‌گذرد خواهید دید که نبوده است شما می‌گویید وزیر گمرک چرا داریم شما از این قبیل وزیر خیلی دارید وزیر قورخانه مخزن اصطلیل فلان اما وقتی که ادارات معین شد معلوم می‌شود که شما بیشتر از هشت نفر وزیر ندارید.

سعدالدوله - من می‌گویم در دول مقننه بیش از هشت نفر وزیر نیست حالا اگر هست بگویید.

آقا شیخ حسین - اینکه جناب سعدالدوله اصرار دارد این است که از وزیر مالیه سؤال از گمرک می‌کنند او می‌گوید به من رجوع نیست با موسیو نوز است او به من حساب پس نداده است.

آقامیرزا ابوالحسن خان - یک سؤال است این را جواب بدهید موسیو نوز وزیر گمرک است یا مدیر گمرک.

محتشم‌السلطنه - من می‌گویم دولت شما هشت نفر وزیر معین کرد دیگر چه حرفی دارید.

آقا میرزا ابوالحسن خان - پس او چیست بعضی گفتند او وزیر نیست. این لقب احترامی است یا نقلی.

مخبرالملک - شما نظامنامه را بخوانید به آن عمل کنید.

آقامیرزا ابوالحسن خان - نظامنامه را خواندم اگر در نظامنامه هم که غیر از این هشت نفر وزیری دیگر هست آن را هم قبول نداریم و صحیح نیست.

آقا سیدحسین - چه حقی دارید که بگویید نظامنامه صحیح نیست البته هرچه در

نظامنامه هست صحیح است شما می‌خواهید برای یک لفظ میان دولت و ملت را برهم بزنید.

آقاسید مهدی - به موجب نظامنامه قبول است آنچه را که در او است. مخبرالملک - وکیل دو نفر است یا هفتاد نفر من که یکی از وکلای این مجلس هستم بعد از آنکه وزرا معرفی و معین شدند مقید نیستم که او وزیر باشد یا نباشد وزیر لقبی زیاد است.

آقا سید حسن تقی‌زاده - من می‌گویم ایراداتی که هست سه چیز است و این‌طور رفع بشود یکی اینکه لفظ لاغیر نوشته بشود و یکی اینکه بنویسند وزرا مسئول مجلس هستند مسئول ذات اقدس بودن در یک ماده است یکی دیگر به جای وزیر لشکر وزیر جنگ نوشته بشود.

محتشم‌السلطنه - این مطلبی را که شما می‌گویید در اینجا توضیح واضح خواهد بود اگر از کسی سؤال کنند که اجزای شما چند نفرند بگوید هشت نفر دیگر توضیح می‌خواهید که لاغیر بگوید شما طرف مسئولیت خواستید به شما تعرفه کردند که اینها هستند اگر به مقتضی وقت لازم شد وزیر دیگر آن وقت افزوده خواهد شد شما باید مسئولیت آنها را بخواهید اینکه گفتید آنها مسئول هستند معلوم است شما نظامنامه را نخواندید نظامنامه این است که آنها مسئول دولت هستند شما مفتش اعمال آنها هستید هر وقت خیانت دیدید از پیشگاه همایونی عزل او را می‌خواهید.

مخبرالسلطنه - هر وزیری که مسئول دولت است در تحت مسئولیت مجلس هم هست که اگر جواب نداد و طفره رفته است مسئول است.

آقاسید حسن تقی‌زاده - باز هم از این مسأله می‌خواهم جواب بدهم اما آن روز که وزرا بودند از وزیر مالیه از گمرک پرسیدند گفته بود که راجع به من نیست اگر فردا هم از ایشان سؤال شود همین جواب را می‌دهند پس (لاغیر) می‌خواهد و مسئولیت هم مسئولیت مجلس است مسئول پادشاه در یک ماده است.

محتشم‌السلطنه - مسئول مجلس یعنی چه، یعنی مسئول قانون بعد از وضع قانون است قانون نیامده و نوشته را چه‌طور مسئول بشوند بعد از وضع قانون در صورت خیانت عزل آنها را مجلس می‌خواهد.

حاجی محمداسماعیل آقا - مگر ما که می‌گوییم مسئولند یعنی مسئول چه چیز هستند مسئول قانون مجلس هستند.

مخبر السلطنه - از شما سؤال می‌کنم مسئول بودجه نظام کیست.
آقاسید حسن تقی‌زاده - مسئول وزیر جنگ است.
مخبر السلطنه - وزیر لشکر است وزیر جنگ یا سپهسالار و اداره عسکری داخل در مسئولیت نیستند.
حاجی محمداسمعیل آقا - معنی وزیر را رئیس گفتند آنکه مخارج دولتی دارد مخارج را وزیر جنگ دارد نه وزیر لشکر او منشی است وزیر نیست.
مخبر السلطنه - حال آن را وزیر جنگ کنند حرفی دارید.
آقا سید حسن تقی‌زاده - خیر خوبست.
مخبر السلطنه - این نزاع لفظی است.
حاجی محمداسمعیل آقا - اینجا اسامی وزرا را نوشتند که وزرا این اشخاص هستند آن روز خودشان اینجا حاضر بودند گفتیم که شما را همه کس می‌داند که وزرای مملکت هستید ولی باید مسئولیت شما معین شود حالا این جواب همانست مگر کسی آنها را نمی‌شناخت این تعرفه است نه تحدید حدود و مسئولیت.
محتشم السلطنه - شما می‌دانید که محدود آنها معین نبوده است و نمی‌شود که امروزه معین کرد باید نظامنامه نوشت تا مسئولیت آنها معین شود بعد به آن عمل کنند.
عون الدوله - این فرمایش شما صحیح است خوب بود جواب را هم صدارت این‌طور می‌نوشتند.
محتشم السلطنه - اگر بنده را قابل اینقدر نمی‌دانستند که مرا روانه نمی‌کردند یعنی فرمودند که امروزه لازم به آن مطلب نیست که نوشته شود اگر زبانی لازم شد بنده بعضی مطالب عرض کنم قانون را هم مشغولند می‌نویسند بعد از نوشتن و تصحیح البته هر اداره مسئول آن خواهند بود.
عون الدوله - حالا از کجا ما خاطر جمع باشیم که آنها می‌نویسند.
آقاسید حسن تقی‌زاده - ما یک مشکلی داشتیم رفتیم او را حل کنیم یک جزئیات حل نشده یک مشکل دیگر بر او افزوده شد که نوشتند وزرا در حدود قانون اساسی مسئول ذات مقدس هستند.
حاجی محمداسمعیل آقا - جواب این مطلب دو کلمه است بنویسند به قانون اساسی مسئول مجلس هستند.

محترم السلطنه - دیگر چه عرض کنم مقام تحریر با تقریر دو تاست. آقا سید محمد تقی - حق با هر دو جانب است شما هم راست می گوئید ولی اگر وزرا را از پیش سؤال کنند می گویند ما مسئول نبودیم اگر از بعد سؤال کنند می گویند شما هنوز ننوشتید قانون بنویسید بدهید ما مسئول می شویم مقصود این است که کسی غرضی ندارد اگر حرفی هم کسی بزند مثلاً مثل آقامیرزا ابوالحسن خان آن هم غرض شخصی نیست غرض نوعیست که باید دست هم را گرفته کاری نمود که فایده ببخشد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - خیر من غرض دارم می گویم باید وزیر ما ایرانی باشد ما خارجه را به ریاست قبول نداریم.

مخبر الملک - حالا که او را به شما معرفی نکردند شما چه می گوئید.

آقا میرزا ابوالحسن خان - هیچ من حرفی ندارم.

آقا سید حسن تقی زاده - خوبست که از جناب رئیس بپرسیم رأی بگیرند برای اینکه این سند کافیت یا خیر.

سیدالحکما - آخر این همه که گفتید چه شد.

مخبر الملک - شما بگوئید چه می خواهید.

حاجی محمد اسمعیل آقا - من می گویم این جواب ما نیست.

حاجی سید اسمعیل - این رقعہ از برای مقصود شما کافیت و خوبست.

حاجی بحر العلوم - مسئول قانون همان مسئول مجلس است فرقی نمی کند خوبست این نوشته همان مسئول قانون باشد ختم کنید.

رئیس - یک مطلبی هست و آن اینست که آنها خود را مسئول قانون ننوشته نمی دانند پس باید برای پیشرفت اول قانون را نوشت آن وقت البته قهراً آنها مسئول خواهند بود عوض این کارها که وقت را می گذرانیم آن کار را بکنیم بهتر است.

آقاسید مهدی - به قول آقامیرزا ابوالحسن خان مجلس باید کار بکند و قانون وضع کند قرار بدهید که مجلس مشغول کار باشد لازم نیست که شما هر روز بیایید اینجا بنشینید و صحبت کنید کمیسیون کنند و کار کنند هفته ای یکی دو روز بیایند در مجلس.

آقاسید حسن تقی زاده - اینکه شما می گوئید تمام و کلا می دانستند که قانون نوشته نشده است پس چرا اینها را خواستید معلوم است غرض این بود که آنها مسئول

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

قانون ننوشته باشند و قبول مسؤلیت بکنند تا قانون وضع شود.
آقاسید مهدی — شاید شما چیزی بنویسید و در قانون وزارت عدلیه که وزیر عدلیه
تواند از عهده برآید و استعفا بدهد آن وقت چطور او قبول مسؤلیت کند. پس باید
بنویسید بعد آنها قبول مسؤلیت کنند.

مخبرالملک — آخر چه شد غرض اینست که کافست این سند یا نه.
حاجی محمدابراهیم — وزیر داخله چیست؟

رئیس — وزیر داخله کسی است که تمام ادارات حکام و تنظیمات داخلی حتی
نظمیه شهر با او است.

حاج محمد ابراهیم — این دزدی‌هایی که می‌کنند این هم دیگر قانون می‌خواهد
مسئول این گذر وزیر نیست چرا امنیت به مردم نمی‌دهند چرا جلوگیری نمی‌کنند
اینکه دیگر قانون نوشتن نمی‌خواهد.

آقای آقامیرزا سید محمد مجتهد — حالا همین‌طور اعلانیه مال مردم را می‌برید
مجلس نباید این مطلب را بخواهد که بگذارند این طور هرج و مرج بشود.

آقا سید محمد تقی — این مطلب را بنده عرض کرده بودم باید مجلس از حکومت
بخواهد تنظیمات این کارها را این‌ها که دیگر موقوف به نوشتن قانون نیست.

حاجی محمدابراهیم — وزیر داخله به موجب این سند مسئول است باید مال مردم را
بدهد.

حاجی محمد اسمعیل آقا — اینها فروع است همین‌قدر که پای مطلب
به جایی بند بشود باقی دیگر درست خواهد شد.

رئیس — این مطلب را تمام می‌دانید یا قابل مذاکره است.

حاجی محمد اسمعیل آقا — خیر تمام نیست قابل مذاکره است.

رئیس — پس باشد پس فردا مذاکره کنید.

در مذاکرات روز پنجشنبه ۶ شهر صفر ۱۳۲۵ دارالشورای ملی بحث اساسی به
چگونگی تنظیم ارتباط مجلس و دولت اختصاص داشته است:

امروز دو نفر از وکلای محترم آذربایجان ورود به مجلس کرده بودند آقامیرزا
فضلعلی آقا ایشان را معرفی کردند به این‌طور (جناب آقا میرزا یحیی امام جمعه
خوبی از وکلا آذربایجان از طبقه جلیله علمای از علما و فضلا صاحب اجازه و ادیب و
منشی و سیاسی‌دان و از خانواده بزرگ محترم هستند) (آقای حاجی محمد آقا

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

حریری از تجار محترم تبریز علاوه بر اینکه از فامیل بزرگ هستند دارای همه‌گونه کمالات می‌باشند) عموم و کلای محترم تبریک گفتند و مشارالیهما به سمت عضویت در مجلس محترم پذیرفته شدند.

خلاصه مذاکرات روز سه‌شنبه ۴ شهر صفر را آقاسید محمدتقی قرائت کردند راپورت انجمن مالیه مطرح مذاکره شد.

رئیس - در مجلس پریروز بنا شد در همان مطالب راجعه به مالیه که مطرح مذاکره بود هر که چیزی به نظرش می‌رسد بنویسد یا بگوید.

آقای آقامیرزا سیدمحمد مجتهد - اهم مطالب امروزه نظامنامه عدلیه است باید او را بر همه کارها مقدم بدارید.

رئیس - عرض کردم مشغول نوشتن هستند و رجوع به مؤتمن‌الملک شده است حال اگر در این تغییرات چیزی باعث تعطیل او نشده باشد همین چند روزه تمام شده و به مجلس خواهد آمد.

فتح‌الله خان - در خصوص تفاوت عمل باید گرفته شود امساله نمی‌شود عشر گرفت بدون ممیزی و تیولات هم باید برگردد.

آقاشیخ حسین شهیدی - بنا بود تفاوت عمل را صورت بدهند که معلوم شود چه قدر است.

آقامیرزا فضلعلی آقا - در آذربایجان سه قسم مالیات است یک قسم مالیات مستقلات شهری است مثل داکین و غیره یک قسم مالیات دهات و یک قسم هم مالیات ایلات. آن که مالیات شهری است قراری دارد بدون زیاده و نقیصه گرفته می‌شود و اگر هم تفاوتی گرفته شود جزئی است از بابت مهلتانۀ مباشر و غیره است قابل اعتنا نیست و جدیدالنسق هم هست اگر بخواهند از آنها هم مالیات گرفته شود بعد از ممیزی علمی گرفته می‌شود اما مالیات دهات هریک یک جمع معینی دارد همه وقت او را می‌گیرند هیچ علاوه به این صیغه گرفته نمی‌شود اگر هم گرفته شود به اسم دیگری است مثل پول اسب و پول سوخت تجاری تلگرافخانه و غیره... آن هم تفاوت عمل نیست. اما ایلات بعضی ایلات هستند اسمی از آنها مانده چون که مزرعی و مرتعی به آنها داده بودند و آن مراتع و مزارع خالی بود اینها مرتع و مزرع کردند به آن جهت مالیات بستند و بعضی ایلات هم اسمی از آنها نیست مالیات بسته‌اند و در حقیقت دو مالیات بسته‌اند یکی مالیات سکنه یکی مالیات

غیرسکنه هکذا از اینجا هم یک مالیاتی می‌گیرند و هیچ نشانه از آنها نیست و اگر هم اسمی باشد مرتع و مزرع ندارند.

آقا شیخ حسین شهیدی - این از روی کتابچه است یا نه.

آقامیرزا فضلعلی آقا - از روی کتابچه است ولی بعضی ایلات هستند که به آنها عوارضی بسته‌اند که مالیات خود را می‌دهند اما از عهده عوارضات زیاد نمی‌توانند برآیند از آنها بالاتر ایلات اکراد و شاهسون است به جزئی تفاوت عمل می‌توانند از عهده برآیند ولی خیلی زیادتر می‌گیرند به این اسم در سال‌های سابق در عوض هشت هزار تومان چهل هزار تومان عمل شده اینها باعث می‌شود که به دزدی می‌روند و بعضی اوقات یاغی شده مالیات نمی‌دهند باعث خرج می‌شود برای دولت پس به این ترتیب هیچ تفاوت عملی نیست که جمع بسته شود یک صورتی بدهند که وکلای هرجا یا مجلس بفهمند که قابل است جمع بشود والا اذن این را مجلس بدهد با جهالت نمی‌شود.

آقامیرزا ابوالحسن خان - تفاوت عمل را باید آقایان بدانند که چیز تازه نیست یک ممیزی در چندین سال قبل شده بعد ملک ترقی کرده حکام به هرجا که رفتند به میل خودشان چیزی علاوه از این بابت‌ها گرفته یا نمی‌گرفتند و از این بابت هم هیچ چیز به دولت نمی‌دادند فقط مختصر پیشکشی می‌دادند برای رفتن به حکومت مثل فارس صد هزار تومان می‌داد و تفاوت عمل آن خیلی بیشتر از اینها است قریب سیصد هزار تومان است و کمیسیون مالیه چیز تازه‌ای را تصویب نکرده این را همه ساله رعیت می‌دهد حال کمیسیون چنان صلاح دانست که این تفاوت عمل داخل خزانه دولت شود و به حکام مواجب بدهند اینکه ایلات و غیره این‌طور مالیات می‌دهند و تحمیل بر فقر است هیچ محل صرف نیست ولی حرج و تعدیل این نمی‌شود مگر بعد از ممیزی علمی حالا باید فکری کرد که آن اندازه‌ای که می‌گرفتند به خزانه دولت برسد و زیاده از آن هم از رعیت گرفته نشود اگر همان تفاوت عمل را فقط بگیرند عین عدل است.

آقای آقامیرزا سیدمحمد مجتهد - پس به همان مقداری که پیشکش می‌دادند بگیرند.

حاجی سیدنصرالله - امسال ما چاره‌ای نداریم جز اینکه از باب دفع افسد به فاسد این کار را بکنیم مثلاً صد هزار تومان پیشکش می‌دادند و تفاوت عمل سیصد هزار

تومان بود حکام چندبرابر زیادتر می گرفتند.

رئیس - غرض آقامیرزا ابوالحسن خان این است که این تفاوت عمل را حقاً باطلاً حکام می گرفتند و رعیت هم عادی شده می داده است مثلاً این دویست و هشتاد هزار تومان فارس سالها است رعیت می داده است آنچه زاید بر این می گیرند آن تعدی فوق العاده است فرضاً آمدیم گفتیم بیشتر از صد هزار تومان نگیرند و آن باقی باشد هیچ اطمینان داریم که حکام نگیرند پس همان طور که آقای حاج سیدنصرالله گفتند امساله چون نمی توانیم ممیزی علمی بکنیم از باب دفع افسد به فاسد مثل سال گذشته و سال های سابق عمل نمایند.

آقامیرزا فضلعلی آقا - توضیح لازم است پرواضح است تا ممیزی علمی نشده باید دفع افسد به فاسد بکنیم اما نه دفع فاسد به افسد زیرا که حکام خیلی تعدیات می کردند و بعضی تفاوت عمل ها هم بود که پرتعدی نبود حالا اگر اذن مطلق داده شود می شود دفع فاسد به افسد. بلی اکران تفاوت عمل را معین کنند می شود گفت مثلاً فلانجا اینقدر مالیات دارد این قدر هم تفاوت عمل ضرر ندارد بگیرند و از این راه یکی دو کرور افزوده می شود و دو سه کرور هم از خرج کسر کنند ممیزی علمی بشود والا اذن مجهول اذن می شود به ظلم با سند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - بعد از این خواهید فهمید که بعد از ممیزی علمی آنجایی را که بنده می گویم از آنها بیشتر خواهد شد حال این دو کرور را که جناب آقا می گویند یک کرور آن را کسی توانست معلوم نماید صورت بدهد که در کجا می شود معین کرد و علاوه نمود اول کسی که قبول بکند بنده هستم.

آقامیرزا فضلعلی آقا - همان مباشرین جزء صورت بدهند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - اگر مباشرین جزء صورت بدهند عین ظلم است زیرا که من به یقین می دانم که عوض دویست و هشتاد هزار تومان تفاوت عمل فارس مثلاً آنها به سیصد هزار تومان بل متجاوز معامله می نمایند و عرض کردم تفاوت عمل دو قسم است یک تفاوت عملی است که حکام کل می گیرند یک تفاوت عملی است حکام جزء معامله می کنند اینها ظلم است کمیسیون آن تفاوت عمل حکام کل را تصویب کرده وانگهی این را هم مأمور وزارت مالیه خواهد گرفت و آن وقت به حکام جزء و رعیت اطلاع می دهند که دیگر حکام جزء زیاده نگیرد و رعیت هم ندهد.

آقامشهدی باقر - آنچه که بنده فهمیده‌ام این بودجه مالیاتی مال شصت سال پیش از این است که به یک ولایتی مثلاً مالیاتی بسته‌اند پنجاه هزار تومان کم‌کم معمول شده و سکنه پیدا کرده حالا زیاد شده این یک تفاوت عمل است یک طور تفاوت عمل هم این است که در حقیقت همان مالیات را می‌دهند مثل خود تهران و مالیات اصنافیه آن که دوهزار تومان بوده حالا چهارهزار تومان می‌گیرند. این تفاوت عمل‌ها را تمام از روی رضا و رغبت می‌دهند و هیچ شکوه ندارند.

آقامیرعماد - ما تقریباً پنج کتابچه داریم یک کتابچه در دفتر دولتی است که یک میزان مالیات معینی آن دارد یک کتابچه هم حاکم کل دارد یک کتابچه هم حکام جزء یک کتابچه هم مباشرین یک کتابچه هم کدخداها این تفاوت عملی که می‌گویند در دستورالعمل جمع شود مال کتابچه حکام کل است کاری که می‌کنند تفاوت عمل آن سه کتابچه حکام جزء و مباشرین و کدخداها را بردارند آن وقت رعیت خیلی هم متشکر هستند.

رئیس - درسی سال چهل سال قبل پیش از این در کتاب‌های جغرافیا عده نفوس ایران را می‌نوشتند ده کرور ولی حالا می‌نویسند بیست کرور اگرچه این از روی تحقیق نیست و تا حال تعداد نفوس در ایران معمول نبوده اما تقریباً نزدیک به تحقیق است پس عده نفوس دو مقابل شده این مردم هم مواد رویدنی از زمین از قبیل گندم و برنج و حبوبات و غیره می‌خورند در این صورت دوبرابر پیش خوراکی لازم دارند یک جا قیمت‌ها ده برابر شده این می‌شود دو تا بیست برابر قیمت اجناس از مالیاتی که چهل سال قبل ممیزی کرده مثلاً هفت کرور بود از روی گندم خرواری دو تومان و جو خرواری هشت هزار و روغن یک من دوهزار بوده است پس باید مالیات امروز بیست (هفت کرور باشد) از روی قاعده زیادتی نفوس و بلکه خیلی بیش از اینها حال این کجا است و از کی زیادتی می‌گیرند باید فکری کرد.

حاجی سیدنصرالله - همه اینها صحیح است اما اگر امروز این را اینجا نصف هم بگیرند باز ظلم است به فقرا زیرا که اغنیا خودشان را به هر وسیله بوده معاف داشته‌اند در خارجه از فایده کسبشان تومانی پنج‌هزار عاید دولت می‌شود چون قرار صحیحی دارند از همه مساوی گرفته می‌شود ولی اینجا از بی‌ترتیبی هرچه تحمیل شود سخت است.

آقای آفاسید عبدالله - ما یک معامله عشری داشتیم که هم به شاه عرض کردیم و

هم به صدر اعظم و هم به وزیر مالیه گفتیم شاه هم قبول فرمودند و این ترتیب عشر هم شرعی و یکی از واجبات است که خداوند چه قدر تأکید در ادای زکوة می فرماید و وزیر مالیه هم قرار بود ممیز بفرستد و شاید فرستاده باشد حالا دیگر نمی دانم ترتیب دیگری به نظر شما آمده چیست؟

در این موقع هیأت جدید وزرا هشت گانه که برحسب اراده علیه اعلیحضرت کابینه سابق وزرا تغییر کرده بود برای معرفی به مجلس محترم مقدس شورای ملی تشریف آوردند بعد از ادای رسوم پذیرایی و تهنیت و تبریک از طرف مجلس هیأت محترم وزرا معرفی شدند از قرار ذیل:

آقای نایب السلطنه وزیر جنگ، فرمانفرما وزیر عدلیه، جناب علاء السلطنه وزیر امور خارجه، جناب وزیر اخم وزیر داخله، جناب ناصرالملک وزیر مالیه، جناب مخبر السلطنه وزیر علوم و معارف، جناب مهندس الممالک وزیر فواید عامه، جناب وزیر همایون وزیر تجارت، چون وزیر جنگ به واسطه کسالت مزاج به مجلس تشریف نیاورده بودند جناب دبیرالدوله به سمت معاونت وزارت جنگ معرفی شدند.

وزیر داخله - غرض این بود که چون کابینه و هیأت وزرا تغییری کرده بود معرفی از ایشان در مجلس بشود و همه ملت امروزه بدانند که دولت و ملت یکی است باید دست به دست یکدیگر داده کار بکنند تا مملکت معمور و آباد گردد.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - تمام افراد ملت از این مراسم و تفقدات شاهانه این پادشاه متشکرند اگرچه به حسب سن جوان می باشند ولی در حقیقه پیر عقل و عقل پیر هستند.

سیدالحکما - ما وکلا تماماً به جهت اطمینان خاطر ملت در حضور حجج اسلامیه قسم یاد کردیم که خیانت به دولت و ملت ننماییم اما تمامیت این کار بسته به اقدامات وزرا است حالا حضرات وزرا بفرمایند که در این مجلس حضور حجج اسلامیه قسم یاد می کنند یا در حضور اعلیحضرت همایونی با حضور حجج اسلام.

وزیر داخله - فردا که جمعه و اول سال است انشاءالله پس فردا جمع شده در حضور اعلیحضرت همایونی با حضور حجج اسلام قسم یاد می نماییم.

وزیر عدلیه - هیچ روزی مبارک تر از امروز نیست که تماماً با جان و مال برای ترقی مملکت حاضر شده اند و البته همه حاضر شده اند و البته همه حاضریم قسم یاد نماییم و هیچ ابایی از قسم نداریم (وکلا منظم و عموم تماشاچیان از این ترتیب و

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

همراهی وزرا اظهار مسرت و تشکر کردند).

صدیق حضرت - می‌خواهیم بدانیم این ادارات جزو وزارتخانه‌ها معین شده که تکلیف ما هم معلوم باشد.

وزیرداخله - بلی صورت آن حاضر است بخوانند (صورت ادارات جزو وزارتخانه‌ها که موشح بود به دستخط همایونی خطاب به جناب وزیرداخله که مطابق همین صورت در مجلس معرفی نمایند قرائت شد).

صورت ادارات جزء وزارتخانه‌ها

وزارت عدلیه

اداره محکمت داخلی

وزارت خارجه

اداره تشریفات، اداره تذکره، اداره محکمت خارجه، اداره پولتیکی، اداره قونسولگری.

وزارت داخله

اداره ایالات، اداره تلگراف، اداره پست، اداره نظمیه، مجلس، اداره قراسوران، اداره بلدیه، اداره پلیس و ژاندارم، اداره حفظ الصحه.

وزارت مالیه

اداره مالیات، اداره گمرکات، اداره خالصجات، اداره ضرابخانه، اداره وظایف، اداره تفتیش محاسبات.

وزارت جنگ

اداره مخزن، اداره ذخیره، اداره قورخانه و کارخانجات نظامی، الماژور، اداره محاسبات نظامی، اداره توپخانه، اداره سواره نظام، اداره پیاده نظام، اداره محاکمات عسگری، اداره بحریه، (در ممالکی که مجاور بحر هستند وزیر بحریه مخصوص دارد).

وزارت علوم

اداره مدارس، اداره اوقاف، اداره مطبوعات، اداره حفریات موزه، اداره مطبعه دولتی، اداره ابنیه عتیقه.

وزارت فوائد عامه

اداره طرق و شوارع، اداره معادن، اداره راه شوسه و آهن و جنگل‌ها.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

وزارت تجارت

اداره تجارت = اداره محاکمات تجارتي داخله، اداره فلاحه = اداره صنايع.
صديق حضرت - يك سؤال ديگر دارم در همه جا معمول است يك نفر رئيس كه
ميانه خود وزرا و شاه واسطه باشد هست حال در ميانه اين وزرا آن يك نفر كيست
(جواب دادند وزير داخله).

آقاي آقاسيد عبدالله - قبل از آمدن وزرا گفت وگوي مجلس در خصوص ماليه بود از
شاه استدعا شد قرار شد ممیزی بشود كه جناب وزير ماليه يك عده از ممیزين و
مهندسين را روانه نمايند كه از روي ممیزی صحیح ماليات گرفته شود وقت
خواستند كه تا آن اشخاص را حاضر نمايند حالا نمی دانم فرستادند يا نه؟
وزير ماليه - بلی به همان ترتیب يك دسته حاضر است فقط منتظر مخارج هستند
صورتی نوشته شده به واسطه كسالت مزاج اين چند روزه ممكن نشد كه ترتیب آن
به مجلس اظهار شود آن صورت ارائه می شود اگر مجلس تصویب كرد می روند.
مستشارالدوله - عرض دارم البته باید از تشریف فرمایی كابينه جدید وزرا عرض
تشكر نماييم اما باید در باب بعضی محاکمات و ادارات وزارتخانه ها در يك
كميسيون عليحده تجديد نظری بشود.

حاج محمد اسمعیل آقا - ضرری ندارد عرض همین است از این اتفاق و اتحاد كه
امروز شده باید به همدستی يكديگر كارها صورت بگیرد.

مستشارالدوله - چون كميسيونی كه قرار شد فقط به جهت پذيرایی وزرا بود، این
بود كه سربسته عرض شد و نخواستم سوء ادب بشود اگر مجلس تصویب می كند
در كميسيون دیگری در خصوص محاکمات و ادارات به وزرا كه نمی خواهم حالا
عرض كنم يك تجديد نظری بشود.

آقاميرزا فضلعلی آقا - اينكه گفتيد قرار شد اجزاء پست اول باید به وزير خود اظهار
نماید بعد به مجلس آیا در نظامنامه نوشته نشده كه مجلس را واسطه قرار بدهند.
حسنعلی خان - به طور کلی عرض كردم كه حق ندارند عرايض را به مجلس اظهار
كنند.

آقاميرزا فضلعلی آقا - آن ادارات وزارتخانه ها به آن طوری كه نوشتند تصویب شده
يا محتاج به مذاكره است و توهم نرود به اينكه آن ترتیب مقبول شده؟

آقاميرزا ابوالحسن خان - درهر مملكتی كه حق به پادشاه داده شد وزرا را معين

نماید. حق دارد ادارات را هم خود پادشاه معین نماید وانگهی جناب مستشارالدوله هم فرمودند که در کمیسیونی تجدید نظر شود.

آقاسید حسن تقی‌زاده - رسم است در اول هر سالی خلاصه اعمال سابقه هر اداره‌ای را منتشر می‌نمایند. چون امسال سال نو است من می‌خواهم اعمال سال گذشته مجلس را منتشر نمایم یکی آن است که ما شش ماه می‌شود در اینجا نشستیم به عرایض مردم رسیدگی می‌نماییم. مجلس نباید به عرایض رسیدگی نماید یک کمیسیونی قرارداده شود از هر جا تظلم می‌نمایند رجوع به آن کمیسیون نمایند دیگر به مجلس نیاید و آن کمیسیون طرف و مسئول مجلس باشد. دوم فراموش کاری است هر عنوانی که در مجلس می‌شود و چند روز اوقات مجلس را ضایع می‌نماید بعد از چند روز فراموش می‌شود و ناقصاً می‌ماند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - جواب مطلب اول را این است قرار شد دوازده نفر برای انجمن رسیدگی به عرایض معین شود و اسامی هم نوشته شده نزد آقای حاجی سید نصرالله است.

آقاسید حسن تقی‌زاده - سعادت هر مملکتی بسته به قانون است ما که اینجا نشسته باید وضع قوانین نماییم و مالیه را که روح مملکت است اصلاح نماییم و این که تا حال کار پیش نرفته به جهت همین تظلمات است که به مجلس اظهار شده.

سعدالدوله - شما چه طور می‌خواهید قرار بدهید که وزیر مالیه حضور ندارد با من که نمی‌خواهید قرار بگذارید (جمعی گفتند فعلاً حضور وزیر مالیه لازم نیست حالا مذاکره در خصوص آنست که تفاوت عمل در دستورالعمل جمع بشود یا نه بعد از تصویب مجلس آن وقت باید قرار و ترتیب وصول آن در کمیسیون با حضور وزیر مالیه داده شود.

آقامیرزا حسین طیب - باید فهمید این تفاوت عمل به چه صیغه گرفته می‌شود. وثوق الدوله - گفته شد تفاوت عملی که سابق حکام کل می‌گرفتند و سنت شده بود امسال قرار شد جزو جمع کتابچه دیوانی شود.

سعدالدوله - تفاوت عمل دو قسم است یک قسم آن معین است که اینجا دفتری بود و رعیت می‌دادند یک قسم دیگر معامله حکام است آن را به چه طور معین می‌نمایند.

وثوق الدوله - آن را به وسایل سر به و غیره می‌توان معلوم کرد مثل اینکه

مؤتمن الممالک حاضرند و صورت چند ولایت را می دهند و از مباشرین جزو هم صورت گرفته می شود بعد از تطبیق صورتها جمع کتابچه دستورالعمل می شود.

سعدالدوله - پس یک کمیسیونی لازم است که این تحقیقات بشود به جهت اینکه این سفر که به یزد رفته هر دهی که حاکم تومانی چهار تومان مثلاً معامله کرده بود خیلی شاکر بودند و چیزی شنیده ام به نظرها اغراق می آید. در یک دهی پرسیدم مالیات اینجا چه قدر است گفت کدام مالیات را می گوئید گفتم مگر دو مالیات دارد گفت بلی مالیات آنجا شش هزار تومان است ولی حاکم نیست و پنج هزار تومان می گیرد خیلی اسباب حیرت و تعجب من گردید.

وثوق الدوله - عجب در این است که به این تفصیل تعدیات حکام مذاکره شد که تفاوت عمل جزو جمع دستورالعمل شود بعضی رأی ندادند.

سعدالدوله - خیلی عجب است آنهایی که رأی ندادند یا معنی تفاوت عمل را نفهمیده اند یا خیال حکومت دارند.

آقامیرزا فضلعلی آقا - آنهایی که رأی ندادند یکی اینکه تفاوت عمل را نمی دانند و یکی اینکه می گویند تفاوت عمل مجهول را نمی شود رأی داد جزو جمع دستورالعمل شود از آن جمله بنده هستم که رأی ندادهام و نمی دهم زیرا که همینقدر مجلس اذن بدهد علاوه گرفته خواهد شد و این اذن به ظلم و ورزش کردن ما خواهد بود.

مؤتمن الممالک - تفاوت عمل مجهول نیست کرمان و بلوچستان یک تفاوت عمل دارد نوشته اند مثلاً هشتاد هزار تومان این مأخذش این است که سابق رعیت رویه می داد و حالا ترقی کرده درحقیقت همین اصول مالیات را گرفته اند و این تفاوت به واسطه ترقی رویه است.

سعدالدوله - یک کمیسیونی شد با حضو وزرا و مستوفیها بنده را هم دعوت کردند و به شاه عرض شد که از طرف وزارت مالیه آدم مخصوص برای وصول مالیات برود خیلی پسندیدند آیا این مجری خواهد شد؟

وثوق الدوله - گویا مجری شود.

سعدالدوله - اگر این مجری شود تماماً درست خواهد شد و گویا غالباً به اینطور رأی داده اند اگر اینطور است پس در حکم گذشته است و تماماً را مباشرین معزول صورت دارند و مجلس رأی می دهد تفاوت عملهایی که دو قسم است. یکی آنکه

جمع کتابچه بود و یکی معامله حکام آمل در یک کمیسیونی تحقیق شده پس از تصویب جمع دستورالعمل شود.

حاجی امین‌الضرب - اینکه وصول مالیات امسال به وزیر هر ایالتی رجوع شد و وزیر مالیه از آنها صورت خواسته‌اند آنها هم صورت داده‌اند بر وفق میل خودشان که با سابق تومانی پنج هزار تفاوت دارد.

حاجی محمداسمعیل آقا - باید به وزیر مالیه اخطار شود این دو ولایت را که معین کرده‌اند صورت آن را بفرستند مجلس ببیند اگر صحیح است معامله نماید و همچنین سایر جاها.

وثوق‌الدوله - تا دستورالعمل نوشته شود چهار ماه طول خواهد کشید شاید تا آن وقت صورت صحیح به دست بیاورند.

سعدالدوله - وقتی که انجمن منعقد شد از برای تعیین مالیه اجزایی داخل شد که این مسائل هرچه مشکل باشد حل می‌شود یکی از آن وسائل این است هرکه صورتی می‌دهد دیگر آن را به جایی نمی‌فرستیم (در این موقع وکلای محترم را عقیده مختلف شد بعضی گفتند به این ترتیب وصول مالیات تأخیر خواهد افتاد باید فکری برای حالیه کرد بعضی اظهار داشتند که فعلاً اصل مالیات را بگیرند و هشت ماه طول دارد تا تمام مالیات وصول شود تا آن وقت ترتیبی برای تفاوت عمل داده می‌شود و بعضی چنین بیان کردند که اولاً در اغلب ولایات سه ماه بعد از عید شروع به گرفتن مالیات می‌شود و از هرکس که گرفتند دیگر ممکن نیست چیزی از او گرفته شود و ثانیاً گفت‌وگو و مذاکره فعلاً در خصوص طریق و راه تفاوت عمل نیست البته ترتیب و قرار وصول آن در حضور وزیر مالیه در کمیسیون علیحده داده خواهد شد حالا حرف دراینست که این تفاوت عمل را رأی می‌دهند جزو جمع دستورالعمل شده و وارد خزانه دولت شود یا به همان ترتیب سابق دخل حکام باشد.)

آقا سید حسن تقی‌زاده - این افزودن تفاوت عمل بر اصل مالیه برای اصلاح کسر جمع است و این در صورتی درست خواهد شد که ما بدانیم تعدیل علمی تا سال آینده یا دو سال دیگر تمام می‌شود و اطمینان حاصل کنیم این را ضرورتاً باید اذن بدهیم ولی اگر ده سال طول بکشد این نمی‌شود به واسطه ترقیات مملکت ممکن نیست باید راه دیگر پیش گرفت.

مؤتمن‌الممالک - مآخذ این سؤال همان است که امسال مثل سابق معامله شود

بعدمیمیزی نمایند من حاضرم هفتاد و پنج محسنات برای ممیزی بشمارم. آسید حسن تقی‌زاده - مقصود دانستن مدت تعدیل علمی است که دخالت در این کار دارد.

وثوق‌الدوله - گمان نمی‌کنم ممکن باشد مدت ممیزی را معین کرد و دخالت این مدت ممیزی هم در تصویب تفاوت عمل گویا اشتباهی شده تفاوت عمل تقریباً یک معامله‌ایست که حکام همه ساله می‌کردند و خواهند کرد و وقتی نخواهند کرد که ممیزی علمی بشود.

آقاسید حسن تقی‌زاده - این را مفصلاً می‌دانیم این که گفتیم تعیین مدت ممیزی دخالت دارد به جهت این است که ما می‌خواهیم تا پنج سال به عنوانات سابق رفتار نماییم نمی‌شود باید راه دیگری پیدا نماییم.

سعدالدوله - آن روز در باب تعدیل علمی صحبت شد هیچ حرفی نزدم چون امروز موقع رسید می‌گویم اولاً علاوه کردن تفاوت عمل بر اصل مالیات به‌طور مطلق مأخذ صحیح نیست چیزی که هست می‌خواهیم آن تفاوت عمل معامله حکام کل داخل خزانه دولت شود ثانیاً این که منتظر ممیزی علمی بشویم آن هم مناط نیست تعدیل علمی که جناب ناصرالملک گفتند ناپلئون ایجاد کرد و پنجاه سال طول کشید پس باید فکری کرد نه آن تعدیل علمی کامل ممکن است و نه به این طور صحیح است و می‌خواهید شروع به تعدیل علمی بکنید یا نکنید به حال امروزه ما ثمری ندارد باید از آن ممیزی صرف نظر کرد و یک ممیزی بین بین اختراع کرد بنده یک چیزی اختراع کردم و به جناب مشیرالدوله هم گفتیم پسندیدند.

آسید حسن تقی‌زاده - ما بخواهیم کارمان صحیح شود باید قول وزیر مالیه را صحیح بدانیم به جهت آنکه مجلس نخواهد در جزئیات مداخله کند نمی‌شود منحصرأ باید حرف وزیر مالیه را مجری کنیم و مدت ممیزی هم باید معین شود.

اعضای محترم مجلس را در این موقع نیز اختلاف آرا پدیدار گشت جمعی گفتند مسأله ممیزی چند روز قبل مذاکره شده گذشته است جمعی در باب تفاوت عمل تردید رأی حاصل کردند که ممکن نیست بدون تعیین جمع دستورالعمل شود بالاخره پس از مذاکره و مباحثه زیاد جناب آقای آقاسید عبدالله مجتهد چنین عنوان فرمودند که هر مطلبی را باید تأمل و تفکر کرد تا از روی دقت و بصیرت رأی داده شود در این مسأله تفاوت عمل که مطرح مذاکره شده که امساله از روی اضطرار

جزو جمع دستورالعمل شود باز آقایان و کلاتجدید نظری نمایند شاید مطلب تازه‌ای به نظر بیاید ولی من یک مطلبی اظهار می‌دارم که مصدر و مطرح افکار باشد آن مسأله عشر و ممیزی است که باید این سنه سنیه انشاءالله جاری شود چیزی که هست عشر در غلات اربعه واجب است و ما مستحبات را هم در اینجا ملحق کردیم و گفتیم که عشر گرفته شود و برای گرفتن این عشر مقدمه یک ممیزی بشود که از فلان جا یک صورت تخمین بیاورند آن را تطبیق کنند با آنچه در نقشه و کتابچه ممیزی است که صدق و کذب گیرنده عشر معلوم شود و نیز معین شود که فلان محل قابل این قدر عشر بوده یا نبوده و این ممیزی هم آن قدر طول و زحمت و مخارج ندارد و از امسال یک جا را شروع نمایند و شما هم نمی‌خواهید امساله رأی بدهید که تفاوت عمل جزو جمع بشود همان طوری که هر سال عمل می‌کردند وزیر مالیه خودش بداند شما در فکر مقدمات سال دیگر باشید. جناب رئیس و جمعی دیگر اظهار داشتند صحیح می‌فرمایید ولی اصلاح مالیه کلیتاً از جمع و خرج مخصوص مجلس است و باید به تصویب مجلس باشد پس لابداً محتاج برای است و برای سال آتیه البته باید مقدمات عشر گرفتن را تهیه و تدارک کرد.

مذاکرات روز یکشنبه بیست و هشتم ربیع‌الاول دارالشورای ملی هم برای تعیین حدود دولت در مقام قوه اجرایی و وظایف مجلس در مقام قوه قانونگذار اختصاص داشت:

وکیل‌التجار - سابقاً درخصوص قلت زمان اجلاسات مجلس شکایت کرده‌ام و نتیجه نبخشیده به همین ترتیب ماند تاکنون می‌گفتیم مجلس کار ندارد ولی حالا خیلی کار داریم نظامنامه اساسی ناتمام مانده نظامنامه وزارت داخله هم طولانی است باید خوانده شود دو روز دیگر هم نظامنامه وزارت عدلیه خواهد رسید اگر حال مجلس ما بدین منوال که این چند روزه می‌گذرد بگذرد هیچ کاری از پیش نخواهد رفت لابد هر روزی از طرف وزارت داخله معاونشان به مجلس می‌آید و بعضی راپورت‌ها را اظهار می‌نماید به واسطه بعضی از مطالب اقتضای انعقاد کمیسیون سری هم می‌شود بدین ترتیب کاری انجام نخواهد یافت مسلم است این ترتیب و وضع منافی وقت مجلس است این فقط وضعش از برای انجام مطالب مهمه است اینگونه راپورت‌ها و مطالب باید راجع باشد به انجمن‌های مخصوصی که منافی با

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

وقت مجلس نباشد و آن هم اعضای انجمن باید به انتخاب اعضای مجلس باشد. دکتر ولی‌الله خان - قانون هر مملکتی این‌طور است که هرگاه از طرف یکی از وزارتخانه‌ها معاونی بفرستند و مطلبی اظهار شود در این موقع بایست کار مجلس را تعویق انداخت و به کار آن وزارتخانه پرداخت ولی باید کمیسیونی هم تشکیل داده شود که کار هر وزارتخانه هم در انجمن مخصوصی انجام پذیرد به این ترتیب رفع ایرادات شما می‌شود.

وکیل‌التجار - عجلتاً ما کاری باخارج نداریم مطابق این نظامنامه داخلی مجلس انعقاد کمیسیون نباید منافای با وقت مجلس باشد باید در خارج از مجلس کمیسیون منعقد شود.

رئیس - در خارج معمول است به جهت هر وزارتخانه کمیسیونی تشکیل می‌شود. در اینجا به واسطه قلت اعضا اقدام نشده حالا که مقتضی هست یک عده معین می‌شوند که در مواقع لزوم به انجام مرجوعات وزارتخانه‌ها بپردازند تا وقت مجلس عاطل نماند.

وکیل‌التجار - مقصود بنده هم همین است یکی دیگر نیامدن یا دیرآمدن و کلاً است باید منشیان مجلس با کمال مواظبت حضور و غیاب و کلاً را اخطار کنند تا آنها هم تکلیف خودشان را بدانند زیرا که فعلاً کار خیلی داریم.

ادیب‌التجار - وقت حضور در مجلس معین نشد خوب است معین فرمایید.

رئیس - وقت مجلس معین است دو ساعت به غروب باید حاضر شوند کراراً هم تکلیف شده ولی رعایت نکرده‌اند حالا خوب است متفقاً از این ترتیب تخلف نکنند.

آقامیرزا محمود خوانساری - مکرر در باب اغتشاش تهران صحبت شد ولی اقدام صحیحی به عمل نیامد وزارت داخله حالیه هم گویا از وضع اغتشاشات اصلاح ندارند پرویز سوارهای کشیک‌خانه در طرف دروازه قزوین نزاع نموده‌اند پریشب هم در بازارچه نایب‌السلطنه سوار و سرباز نزاع کرده عاقبت ریخته‌اند و قهوه‌خانه را هم چاپیده‌اند دیروز هم سیدی را در سمت سر قبر آقا زخم زده‌اند قریب پانصد نفر گویا امروز در مسجد شاه اجتماع نموده و متظلمند اعظم‌السلطنه هم آمده بود خود بنده هم رفتم زخم سر سید را دیدم خوب است به وزارت داخله نوشته شود که سوار و سرباز از برای رفع فساد است نه تولید اغتشاش البته باید اقدامات لازمه به عمل آید که رفع این گونه از مفاسد بشود.

سیدالحکما - دیروز عرض کردم بعضی سوالات از وزارت جنگ دارم فرمودید لایحه نوشته شود اینک نوشته‌ام یکی از آن سوالات در خصوص پلکنیک رئیس قزاقخانه است که ۲۸ سال است به این مملکت آمده و تصرفات و تعدیات زیاد نموده تا حال که تعدیات او به ایل شاهسون بغدادی هم سرایت کرده.

رئیس - این سوالات را در خارج حاضر نمائید تا به وزارت جنگ بفرستند روزی که معاون وزارت جنگ آمد گفت وگو کنید در این موقع شروع شد به قرائت نظامنامه وزارت داخله و بعد از آن مجلس ختم شد.

در مذاکرات روز پنجشنبه ۳ ربیع‌الثانی دارالشورای ملی هم نمایندگان به وظایف وزارتخانه‌ها بر اساس قانون اساسی پرداخته است:

محتشم‌السلطنه معاون وزارت داخله - چند روز قبل که به مجلس مقدس مشرف شدم در خصوص لایحه که در باب تیول از طرف مجلس مقدس فرستاده شده بود مذاکره به میان آمد عرض کردم که همین ایام به امضای همایونی می‌رسد و پس از توشیح و امضا به مجلس مقدس ایفاد خواهد شد. اینک امروزه لایحه مزبور به امضای همایونی رسید و به وزارت مالیه فرستاده شده است عجلتاً در این خصوص لایحه از طرف وزارت داخله به مجلس مقدس ایفاد شده محض استحضار خاطر محترم و کلاهی عظام قرائت شود.

آقامیرزا طاهر - لایحه را قرائت کردند قریب به این مضمون بود:

مجلس مقدس را زحمت اظهار می‌دهد لایحه قانونی مرسله از مجلس مبنی بر چهار فصل امروز از لحاظ انور همایونی گذشت و اجرای آن به وزارت مالیه ابلاغ شد اظهار تشکر شد.

آقامیرزا محمود خوانساری - ما در این باب سندی را محتاجیم.

محتشم‌السلطنه - همین رقعہ سند است و یا به مهر صورت دیگری هم نوشته شده فرستاده خواهد شد. دو فقره لایحه آقامیرزا محمود خوانساری به وزارت داخله داده بودند یکی در خصوص حاکم خوانسار و دیگری در خصوص ایل بختیاری در خصوص اغتشاش خوانسار چون حاکم معین شده می‌رود دستورالعمل لازم داده شد.

در خصوص ایل بختیاری همیشه این ایل بر دو تیره بودند ایلخانی و ایل بکی در این اواخر این دو شغل به یک تیره داده شده و به این واسطه لابد بعضی اختلافات شده قرار بر این شد مخابره با حکومت اصفهان که عمل ایل بختیاری راجع به او

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

است شد البته هر وقت جواب رسید به مجلس مقدس اظهار خواهد شد.

آقاسید حسین - از نظامنامه ایالتی اثری ظاهر نشد.

محتشم‌السلطنه - آن هم تا اوایل هفته آتیه موشح خواهد شد شما هم اقدام کنید

نظامنامه حکام هم خوانده شده تصویب شود.

آقاسید حسین - اگر به همین طوری که از طرف مجلس اهتمام می‌شود از طرف

مقابل هم اقدام می‌شد تاکنون خیلی از کارها پیشرفت کلی حاصل نموده بود.

در این موقع راپورت انجمن عرایض قرائت شد قریب به این مضمون بود اولاً

قریب یکصد فقره جواب مساعد از عرایض که به وزارت داخله فرستاده شده بود

رسیده است.

ثانیاً معلوم نیست که وزیر عدلیه به چه ملاحظه بعد از یک ماه جواب می‌هد که از

من کاری ساخته نمی‌شود و من بین‌المخدورین واقع شده‌ام و تا امروز به مجلس

جواب مساعد داده نشده است. ثالثاً در فقره مسیو نوز تکلیف متظلمین از دست او

معلوم نیست یکی از آن اشخاص من هستم که قریب بیست هزار تومان به من

ضرر وارد شده خود او که می‌رود نمی‌دانم و کیل او و کالت در جبران خسارت هم

دارد یا خیر باید از وزارت خارجه سؤال شود.

وکیل‌التجار - درخصوص بی‌ترتیبی و عدم انتظام وزارت عدلیه بنده حساً شواهدی

دارم که در چندی قبل در باب طلبی که از یکی داشتم پس از اظهار و طول دو ماه

عاقبت جوابی که شنیده شد این بود که هنوز جواب راپورت نرسیده معلوم نیست

این راپورت یکجا می‌رود که در این مدت جواب نرسیده.

آقای آقاسید هاشم - درخصوص حاج نجفعلی کوه سرخی که به وزارت عدلیه از

دست آصف‌الدوله عارض شده به موجب ورقه که در دست دارد باید در هجدهم

ربیع‌الاول قطع بشود و تا به حال رسیدگی نشده.

آقاسید حسن تقی‌زاده - امروز بنده عازم بودم که در خصوص وزارت عدلیه مذاکره

نمایم از اتفاق این لایحه هم از طرف انجمن عرایض رسیده این است که عرض

می‌کنم وزارت عدلیه هیچ وجه به وظایف خودش رفتار نمی‌کند و در آنجا هیچ امور

عارضین قطع و فصل نمی‌شود و از این رو هر روزه جمعی به این مجلس می‌آیند و

متظلم می‌شوند معلوم است این حرکات تمام اسباب تخریب این اساس است که

اگر کار بدین ترتیب بگذرد و وضع وزارت عدلیه مرتب نشود همیشه اوقات این

مجلس مستغرق فیصله این گونه امور جزئی است و به هیچ وجه فرصت وضع قانون نخواهد یافت عجلتاً باید ترتیب صحیحی در این اداره داده شود سایر ادارات که به این اندازه تسامح نورزیده بود عزل آنها را خواستیم ولی در اینجا تمام به مسامحه می گذرد اتمام عمل چوبدارها همین طورها مانده است مسأله آصفالدوله موعدهش قریب به اختتام است تا کنون خبری نرسیده.

وکیل التجار - فقط تغییر شکلی داده شده والا اساس همان اساس است والله عمل هیچ تفاوت نکرده.

معمارباشی - بنده بودم جواب به چوبدارها دادند که شما هرجا خواسته باشید بروید عرایض خودتان را اظهار کنید به این طور که شما گرفتید من نمی توانم رسیدگی نمایم.

آقاشیخ حسین - باید وزارت عدلیه خواسته شود و در این باب مذاکره شود. مشهدی باقر - شاید به واسطه کثرت ازدحام تاکنون کار پیشرفت نکرده باید تحقیق شود.

حاج سید عبدالحسین شهنشاهی - باید لایحه قانونی نوشته شود که اگر عرایض بعد از تحقیق برخلاف ظاهر باشد مجازات داده شود.

وکیل التجار - فعلاً ترتیبی قرارداده شد که هیچ کس نمی تواند به حق خود برسد سابق بر این قرار بود که ده یک از عارض و ده نیم از معروض عنه گرفته می شد ولی حالیه تمام از عارض گرفته می شود در این صورت البته کسی حق کسی را نخواهد پرداخت.

صدیق حضرت - معلوم است اساس مشروطیت بنیانش بر عدل است چه ضرر دارد به وزارت عدلیه نوشته شود که همجنس های دولتی رفته رسیدگی نماید اشخاصی که بی تقصیرند آنها را آزاد کنند.

وکیل الرعایا - وزارت عدلیه عجلتاً فرصت به رسیدگی کارهای شخصی خودشان ندارند چه رسد به اینگونه امورات.

آقاسید حسن تقی زاده - این مسأله رسیدگی به محبوسین بسیار مطلب لازمی است باید مسأله را عمومیت داد که با محبوسین کلیه ولایات همین طور رفتار شود (گفته شد البته همین طور باید عمومیت داده شود).

حاج محمدتقی - باید به وزارت خارجه نوشته شود که وقتی به مجلس بیایند تا در

باب ارفع الدوله بعضی مذاکرات به عمل آید این ایام مخصوصاً نوشتجات و تشکیات زیاد در باب او بود (در این موقع نظامنامه وزارت داخله قرائت شد).

رئیس - در تمام نقاط عالم فعلاً قریب چهل پنجاه مجلس منعقد است و در هیچ جای عالم معمول نیست که مردم این طور ازدحام کنند و به وکلا سخت بگیرند از بدو افتتاح این مجلس این ترتیب بوده و آن قانون در تزیاید است شخص بنده از اول که وارد در این مجلس شدم هیچ مقصود و منظوری در میان نبوده و نیست جز پیشرفت این اساس مقدس حالا این وضع که ملاحظه می شود پیشرفت کار امر مشکلی است چندی قبل در اتاق آسایش حضوراً به وکلا گفتم و مقبولیت استعفای خود را خواستم نپذیرفتند امروز در این مجلس علناً اظهار می کنم به عضویت این مجلس کمال افتخار را دارم ولی از ریاست استعفا می خواهم.

حاجی محمداسماعیل آقا - سابقاً گفت و گو شد حالا هم می گوئیم این مجلس محض انجام مهمام مملکت تأسیس شده موکلین خیرخواه ما نباید این طور سخت بگیرند که هر روزه وقت عزیز مجلس مصروف این گونه مذاکرات بشود اگر فرصت بدهند حالا که اساس کار قدری مرتب شده ممکن است در مدت کمی کار مدت زیادی انجام بگیرد.

در مذاکرات روز پنجشنبه ۱۷ ربیع الثانی دارالشورای ملی از وظایف وزارت خانه ها و وضعیت آشفته ولایات سخن گفته شد:

آقاسید علینقی - لایحه که قرار شد به وزارت داخله فرستاده شود فرستاده شد یا خیر.

رئیس - لایحه در چه خصوص.

آقاسید علینقی - همان لایحه که در روز سه شنبه عنوان شد و مطالبی فهرست داده شد که به وزارت داخله فرستاده شود و انجام آن مطالبه گردد (گفته شد هنوز فرستاده نشده چون قرار بود تنقیح شود به تأخیر افتاده).

آقاسید علینقی - خوب است امروز تنقیح شود و فرستاده شود دیگر از مطالب مهم یکی مسأله شیراز است از قراری که وکلای آنجا اظهار می دارند این ایام مجدداً اخبار تلگرافی و کتبی زیاد از عدم امنیت آنجا رسیده.

آقای ثقةالاعلام مکرر تلگرافاً و کتباً از ناامنی شهر نوشته اند از قرار معلوم اغتشاش شهر روز به روز در تزیاید است و به هیچ وجه تاکنون در رفع این غائله اقدامی نشده،

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

گویا رعایت اینگونه از امور را فضله و لایق توجه نمی‌دانند و حال آنکه اهم امور اینگونه اقدامات است.

آفاسید علینقی - مجلس نباید طریق تأمین را ارائه بدهد باید از وزارت داخله جداً امنیت ولایات را بخواهیم.

وکیل‌الرعايا - وزارت داخله شاید حصول امنیت شیراز را با بقای قوام بداند پس بهتر این است که دو مطلب خواسته شود یکی امنیت شیراز دیگری خواستن و حرکت دادن قوام‌الملک.

آفاسید محمدتقی - لایحه‌ای است از جانب متولی‌باشی قم رسیده قرائت می‌شود (لایحه قرائت شد قریب به این مضمون حضور محترم اعضای دارالشورای به‌عرض می‌رساند دعاگو مکرر به عرض رسانیده و نایل به جواب نیامده مقصود از احضار من چه بود وکیل ثابت‌الوکاله داعی از جهت فصل دعاوی عارضین شرعاً و عرفاً حاضر بود اگر غرض امتحان داعی بود از اول کمال همراهی را به این اساس اشته و دارم و از جهت رفع اشتباه به مجرد وصول تلگراف حاضر شدم از ده روز است وارد و قبل از آنکه احضار شوم آدم مخصوص گماشته بودم که هرکس هر ادعایی اظهار نماید پس از ثبوت از عهده برآید چون این مجلس به جهت ترویج شرع مقدس تأسیس شده مستدعی است بذل مکرمتی شده تحقیق به عمل آید اگر محض غرض بوده معلوم شود و بنده را از سلسله مستبدین ندانید.)

آفاسید محمدتقی - لایحه دیگرست که از طرف سادات خدمه بقعه مقدسه حضرت معصومه رسیده قرائت می‌شود(قرائت شد قریب به این مضمون بود).

حضور محترم اعضای مجلس ملی ما یک جمع سادات رضوی که به شغل خدای بقعه مطهره حضرت معصومه اشتغال داریم موقوفات این بقعه مطهره متجاوز از سیصد هزار تومان است آنچه از مصارف شخصی اضافه بماند به ماداده می‌شود و حال آنکه سالی نفری سه تومان به ما بیشتر نمی‌رسد به مصارف آستانه مقدسه هم نمی‌رسد به مصارف آستانه مقدسه هم نمی‌رسد تاکنون این موقوفات جزو مستملکات شخصی بوده از این به بعد ما حاضر هستیم که به قدر هفتاد هزار و پانصد تومان حقوق خود را محدود داریم و اضافه از آن را تقدیم ملت نموده که به مصارف تأسیس مدارس و ابنیه خیریه به اسم فاطمیه برسد و بیش از این زیر بار استبداد متولی‌باشی نباشند و ما هم هریک مثل متولی‌باشی نباشیم الان در شهر

مردم در کمال آسایش و امنیت هستند خوب است از طرف مجلس مقدس و دولت علیه تعیین یک نفر به ریاست بشود یا اینکه ما خود به قرعه انتخاب نماییم.)

آقاسید محمدتقی - پریروز لایحه از طرف متولی‌باشی به مجلس رسیده بود و حسب‌الامر خوانده شده پاره‌ای از مذاکرات هم به میان آمد دیروز بعضی مرا تهدید و تویخ کردند گویا نمی‌دانند که ما در این مجلس نشستیم محض رتق و فتق امور است و هرچه داده شود خواهیم خواند وانگهی وکیل باید در اظهار عقاید خود آزاد باشد اگر بنا باشد در عقاید خود آزاد نباشد وظیفه وکالت خود را ادا نکرده است معلوم باشد که بنده مدتی است در این مجلس حاضر شده و مدتی است که خود را در این راه حاضر کرده و از هیچ اظهاری خائف نیستم این مطلب را محض آن می‌گویم که مردم بدانند وکیل در اظهار عقاید خود آزاد است.

حسنعلی خان - چنانچه آقا اظهار داشتند که وکیل در اظهار عقاید خود آزاد است از اینرو عرض می‌کنم که از قراری که معلوم می‌شود ما در این مجلس کار معینی در دست نداریم و باید از طرفی از قبیل آذربایجان یا غیر آن مطلبی اظهار شود و چند روزی وقت شریف مجلس را بگذرانند یا اینکه لایحه مثل همین لایحه از طرف متولی باشی برسد و به اختلاف ساعات مجلس را تضييع نماید و حال آنکه اظهار و مذاکره اینگونه مطالب به کلی از وظیفه مجلس خارج است و باید تمام این مطالب در انجمن‌ها انجام پذیرد و اوقات شریفه مجلس مصروف امور مهمه و وظایف لازمه گردد. درخصوص مالیه و بانک ملی مدتی است هیچ مذاکره نمی‌شود در صورتی که مهم‌تر از این دو مطلب مذاکره از برای مجلس نیست.

امروز روزنامه به بنده رسید آرتیکل پلتیکی راجع به ایران نوشته در ذیل آرتیکل قریب به این مضمون نوشته است (ملت ایران حرکت غربانه کرده قصد تأسیس بانک کرده‌اند اگر این قصد صورت وقوع بپذیرد خیالات دولتین روس وانگلیس و سایر دول در باب ایران باب خواهد ماند (مخصوصاً به همین عبارت نوشته است) فعلاً نه ماه می‌گذرد که این مذاکره شده ولی هنوز نتیجه نبخشیده چرا باید از عمل مالیه و تأسیس بانک ملی مذاکره نشود و اوقات مجلس صرف قرائت لوايح و عرایضی که حق مجلس نیست بشود.

آقاسید محمدتقی - پریروز هم گفتیم که اگر مجلس به وظیفه خود عمل نماید تمام امورات منظم می‌شود.

آقاسید محمد جعفر - چطور می‌توان تأسیس بانک را مقدم بر تحصیل امنیت فارس و غیر آن که پنجاه نفر مرد و زن کشته شده داشت اقدام بر تمام امنیت بلاد است تا امنیت نباشد تأسیس بانک نمی‌شود دیشب تلگراف آمده پنجاه نفر زن و مرد کشته شده ایل قشقای به هم خورده.

رئیس - این کشته شدن چند نفر به واسطه تغییر ریاست ایل بوده ولی حال رفع شده.

آقاسید محمد جعفر - این خبر تازه است که رسیده است.

آقامیرزا محمود خوانساری - امنیت مملکت موکول به پول است تا پول نباشد امن نمی‌توان کرد دیروز عملجات اداره نظمیه متحصن شده‌اند مدتی است حقوق آنها عقب افتاده و پول به آنها نرسیده به ما اطلاع داده‌اند که خودتان شهر را حفظ کنید همچنین مسأله سالارالدوله که فردا از کرمانشاه و غیره صدا بلند خواهد شد مقدم بر تمام باید تهیه پول نمود که به سهولت امنیت حاصل شود.

حاج سید عبدالحسین شهنشاهی - دوره سابق دوره استبداد بود که به هر شکل امکان می‌یافت بلاد را منظم می‌کردند بعد از آن تغییر وضع یافته و سلطنت مستبده به سلطنت مشروطه تبدیل گردیده که بنای امور از روی عدل و مساوات گذارده شود.

قرار شد وکلا بیایند و وضع قوانین نمایند که به موجب آن قوانین امور مملکت بر وفق عدالت فیصل گیرد ولی مجلس به انجام وظایف خود تاحال نتوانسته اقدام کند این اغتشاش هم نمی‌گمارد.

اگر از روی تعمق ملاحظه شود معلوم می‌گردد که هریک از این مفسده‌ها که ظهور می‌کند ضررش کمتر از آن است که مجلس از مقاصد اصلیه باز ماند و به رفع این مفاسد جزئی پردازد تاکنون تکالیفی که از طرف مجلس معین شده داده نشده با وصف این احوال روزبه‌روز بدتر خواهد شد این حرکت دادن قوام قوه جبریه لازم دارد قوای سابق دولت از میان رفته شما هم نمی‌گذارید قوای خود را اعمال کند والا رفع این گفتگوها می‌شد این دست شیطنی است که این فسادها را تولید می‌نماید.

آقامیرزا محمود خوانساری - امروز بر وکلا لازم است که مقدم بر تمام بدو مسأله اقدام نمایند یکی اصلاح مالیه دیگری وضع قوانین این اقدام سالارالدوله را نباید

کوچک شمرد اگر دولت پول داشت تاکنون جلوگیری نموده بود. آقاسید محمدتقی - ما یک عده از وزرا را در تحت مسئولیت مجلس آورده‌ایم و هرکدام از آنها چند شعبه در تحت اداره خود دارند که اگر نقصی در آنها ملاحظه شود مسئول آن خواهند بود.

منجمله یکی از شعب امنیت است که راجع به وزارت داخله است چرا باید مکرر از طرف ما ارائه طریق شود ما باید جداً تأمین بلاد را بخواهیم که به هر طور که بتوانند امنیت بدهند.

احسن‌الدوله - آقایان انصاف بدهید ما تا حال بیست و چهار ساعت به وزرا مهلت نداده‌ایم که آنها به کارهای خود پردازند هر روز عزل یک کدام را می‌خواهیم در حقیقت وزارت داخله و عدلیه خوب به کار خود مشغول شده‌اند وزیر عدلیه بی‌نهایت سعی در کارهای خود دارد به قسمی که هر روزه مطالبه کتابچه‌های قوانین خود را می‌کند باید کاری کرد که سایر وزارتخانه‌ها همه همین شکل مشغول شوند و وظایف خود را انجام بدهند مجلس هم به کارهای خود رسیدگی کند این عرایض و تلگرافات حاجت نیست در اینجا خوانده شود باید در کمیسیون قرائت شود.

آقامیرزا فضلعلی آقا - لایحه جناب متولی‌باشی و عریضه شاکی‌های او خوانده شد و مکرر هم این صحبت در مجلس شده است عرایض هم دو نوع است یکی تظلمات که برای آنها اجماع و اتفاق جماعت هست و دوم اینهایی که صرف نظام است قسم دوم را باید انجمن عرایض ملاحظه نمود به وزارتخانه‌ها ارجاع شود و قسم اول را لازم است که در مجلس یک مرتبه که مذاکره شد تکلیف معین نمود که دوباره اسباب اشتغال مجلس به این مطلب نشود امروز مقداری معطلی برای این صحبت شد و ختم صحبت باید به این شود که شاکی‌های جناب متولی‌باشی به وزیر علوم رجوع نمایند تا تحقیق و احقاق حقوق نماید و اگر تا چند روز نروند و باز به مقام شکایت آیند مجلس محترم وقت خود را ضایع نکرده و معزی الیه اذن مراجعت بدهد وگرنه وقت مجلس مصروف این قبیل‌ها خواهد بود و از وظیفه خود خواهد ماند.

حسنعلی خان - این مملکت هرقدر مغشوش شود اغتشاش زیادتر از اغتشاش روسیه نخواهد بود همه می‌دانید که در روسیه چه هنگامه بود پس از تأسیس مجلس و کلاً روز اول به اصلاح بودجه و مالیه مملکت پرداختند در روزنامه‌ها هم

نوشته در سایر ممالک هم همین‌طور بوده که شورای ملی باید اول عایدات مملکت را معین و منظم نماید اگر ما به این کار اقدام نماییم به هیچ کاری اقدام نکرده‌ایم به علت اینکه این مردم سال‌ها در زیر پنجه ظلم و استبداد بوده‌اند و حالا منتظر نتایج صحیح هستند که آسوده شوند وظیفه مجلس اصلاح مالیه است تظلمات و تشکیات هرچه برسد باید راجع به وزارت داخله نمود و از آنجا اصلاحش را خواست قوه اجرائیه ما آنها هستند ما فقط حق نظارت داریم مثلاً در خصوص سالارالدوله همین‌قدر باید بگوییم که جلوگیری شود حال خود دولت می‌داند به هر ترتیب ممکن شود جلوگیری نماید وظیفه مجلس است که تا سه مرتبه اخطار نماید هرگاه تسامح شد آن وقت عزل آن وزیر مسئول را بخواهد و اوقات مجلس هم صرف این‌گونه از جزئیات نشده باشد.

وکیل‌التجار - این اختلال به واسطه آن است که اتفاق واقعی در بین نیست هر وقت بگویید فارس را امنیت بدهید می‌گویند باید قوام به حال خود باشد انجمن هم برهم بخورد تا امن شود.

آقاسید جعفر - از برای شیراز سی روز است امنیت خواسته‌اید و آنجا آدم کشته شد تا حال چه اقدامی شده است من می‌گویم تا امنیت نباشد بودجه اصلاح نخواهد شد. وکیل‌التجار - از اطراف خبرهای موخس می‌رسد ما باید هر هفته لااقل دو سه روز با هیأتی از وزرا نشسته مشاوره نماییم به نوشتن کار انجام نخواهد گرفت.

آقا سید محمدتقی - برای هر مطلب جزئی نمی‌شود اوقات یک وزیر مسئول را ضایع نمود باید جداً اصلاح بخواهیم.

آقاسید مهدی - مدتی است می‌گویید ولایت ناامن است و از وزارت داخله تأمین می‌خواهید وزیر داخله دستورالعمل حکام را فرستاده که تصحیح شود نظامنامه انجمن‌ها هم به صحنه رسیده خوب است هرچه زودتر به اینها اقدام و فرستاده شود تا آنها هم تکلیف خودشان را بدانند درخصوص امنیت فارس هم جداً باید خواست درخصوص متولی‌باشی آن هم راجع به وزارت عدلیه باید بشود.

آقا شیخ حسین - ما قسم خورده‌ایم که حرفی بر ضرر دولت و ملت نگوییم ما باید امنیت فارس را جداً از وزیر داخله بخواهیم.

وکیل‌الرعیایا - اینکه گفتید پانزده ماه است به پلیس پول داده نشده پس این پول مملکت که گرفته شده کجا رفته است فرضاً پنجاه کرور هم تهیه کردید این نحو

نتیجه ندارد.

آقامیرزا محمود خوانساری - امروز نمی‌شود به قشون گفت حقوق شما را فلان سرکرده خورده امروز در مملکت مجلس ملی هست باید از روی دقت پول را به افراد قشون داد.

آقاسید محمدتقی - خوب است مطالبی که مذاکره می‌شود فهرست شود که از بین نرود.

حسام‌الاسلام - ما دو وقت داریم یک وقت مختص به خودمان است یک وقت مختص به ملت است وقتی که مختص به ملت است از وقتی است که به این مجلس مقدس وارد می‌شویم معلوم است خیلی قیمتی و گران‌بها است باید دقت شود که این وقت عزیز بیهوده صرف نشود.

رئیس - خوب است مطالبی که باید مذاکره شود از پیش نوشته شود و اخطار گردد تا مطرح شود.

حسنعلی خان - هشت ماه است این مجلس منعقد گردیده مکرر صحبت می‌شد می‌گفتند ایرانی‌ها از همه بالاستعدادتر و زیرک ترند حالا معلوم می‌شود بالعکس خیلی کم‌هوش هستیم در این مدت هشت ماه نتوانستیم امور داخلی مجلس خودمان را تصحیح کنیم با وصف این چطور می‌توانیم امور مملکت را مرتب نماییم عاقبت نتیجه مذاکرات امروز چه شد.

آقاسید محمد جعفر - این بیچاره اهالی شیراز سه ماه است گرفتارند حالا هم به همین حال باقی است بیست و پنج روز است دکاکین بسته شده.

رئیس - صحیح است ولی حرف صحیح همان است که آقا شیخ حسین گفت باید ما امنیت را از وزیر داخله بخواهیم و اغراض شخصی را مخلوط ننماییم.

آقاسید علینقی - در اینجا شبهه شده است خوب است رفع شود ما باید حصول امنیت شیراز را به حرکت قوام منحصر ندانیم.

حاج امین‌الضرب - اشکال در همین مسأله شده است که جمعی می‌گویند فارس ناامن است قوام باید حرکت کند جمعی هم می‌گویند نباید حرکت کند این اختلاف باعث اغتشاش شهر شده است.

حسام‌الاسلام - همچون آدمی که حرکت و سکونش باعث فتنه است همچو آدمی وجودش روی زمین فایده‌ای ندارد خوب است قوام هم به جهت تیریک این مجلس

به تهران بیایند.

ادیبالتجار - درخصوص متولی‌باشی چه‌طور شد.

رئیس - چون دو رشته مطلب است یکی راجع به وزیر علوم و یکی راجع به وزیر عدلیه یادداشت شد که اخطار شود.

آقامیرزا محمود اصفهانی - بنده عرض می‌کنم مجلس رأی داد به حرکت قوام اعلیحضرت پادشاه هم دستخط فرمود باید احضار او را از وزیر داخله خواست (رقعه از طرف وزارت داخله رسیده بود قرائت شد قریب به این مضمون) چند فقره تلگرافات واصله از شیراز از طرفه قوام در حرکت ملاحظه شد در حرکت قوام تلگرافات مؤکده و اقدامات لازمه شده است عارضین را اطمینان بدهید (تلگرافی هم به عنوان حجج اسلامیه رسیده بود قرائت شد قریب به این مضمون امروز هفت روز است که برحسب امر شاه و حکم مجلس با وجود گرفتاری‌های زیاد جناب قوام‌الملک به یک فرسخی شهر حرکت کرده‌اند دو سه هزار نفر از تجار و شاهزادگان و غیره مواظب حرکت ایشان هستند چون می‌دانند حرکت ایشان باعث اغتشاش خواهد بود جناب قوام کمال همراهی را با مشروطیت دارند ولی مجلس تحقیق نماید که به چه سبب این نسبت داده شده. (امام جمعه)

حاج امین‌الضرب - علت این اغتشاشات و تلگرافات این است که قوام در نزدیکی شیراز مانده است.

امین‌الرعايا - این اهالی شیراز بیچاره‌ها از دست رفته‌اند خوب است یک بنای صحیحی درباره آنها نمایید.

مرتضی قلیخان - بعد از این نوشته وزارت داخله مذاکره در باب فارس بی‌نتیجه است .

آقاشیخ ابراهیم - این مطالب که مذاکره شد دو فقره آن اصلاح شد باقی هم خوب است معلوم شود.

رئیس - عیب کار در این است که این آقایان هرکدام از محلی آمده‌اند و نظر ایشان فقط به همان محل است از این جهت مطالب درهم و مجمل می‌ماند.

ادیبالتجار - مسأله بانک و مالیه و امنیت فارس مانده است.

رئیس - خوب است درخصوص بانک حالا مذاکره نشود با رؤسای بانک درخارج مذاکره شده بعد در اینجا مطرح شود.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آقامیرزا محمود خوانساری - اگر وکلا بمانند اهمیت مالیه را از فردا انجمن مالیه تشکیل و مشغول کار می‌شوند.

رئیس - از پس فردا انجمن مالیه دایر و اعضا با حضور معاون وزارت مالیه مشغول کار خواهند شد.

(درخصوص وقت انجمن مالیه مذاکره به میان آمد گفته شد پس از مهیا شدن اجزا ترتیب کار داده خواهد شد).

ادیب‌التجار - نظام‌السلطنه شکایت کرده‌اند که مالیات را نمی‌دهند از اصفهان می‌نویسند مالیات حاضر است چون در روزنامه‌ها نوشته شده است که مجلس حکم کرده مالیات باید به بانک برسد به این ملاحظه معوق مانده است حالا وزیر مالیه به هرکس حواله بدهند حاضر است داده می‌شود.

آقاسید محمد جعفر - چند نظامنامه باید در این مجلس خوانده شود.

رئیس - غیر از نظامنامه اساسی دو نظامنامه دیگر باید خوانده شود یکی مال وزارت عدلیه و دیگری مال وزارت داخله ولی می‌خواهم عرض کنم در میان ایام هفته یک روز را به جهت مذاکره مطالب متفرقه معین کنید که در ایام دیگر فقط از مطالب مهمه گفت‌وگو شود.

(پس از گفت‌وگو روز پنجشنبه معین شد)

وکیل‌التجار - چون امروز به جهت مذاکره مطالب متفرقه معین شد یک مطلبی راجع است به تجار اینجا و آن راهداربست که از هرباری فقط یک ریال از تجار داخله می‌گیرند و از تجار خارجه نمی‌گیرند و با این حال نمی‌شود تجار داخله در مقابل تجار خارجه تجارت نفط نمایند خوب است در این باب چیزی به وزارت تجارت نوشته شود که نگیرند.

حاج سید محمد - قریب هشت ماه است عریضه‌جات مردم از اطراف رسیده و تمام راجع به هیأت دولت شده و جواب داده‌اند ولی ما یک مسأله را از مجلس خواهش کردیم که رسیدگی کند و آن مسأله شرکت عمومی است و تا حال همین‌طور مانده است.

رئیس - جواب در خارج به شما می‌دهم.

حاج سید محمد - سه سال است قدغن شده بود نفط وارد شهر نشود و حالا وارد می‌کنند خوبست مقرر شود همان‌طور در خارج شهر باشد و هرکس می‌خواهد به

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

تدریج وارد کند زیرا که بودن نطف زیاد در شهر باعث خیلی ضرر خواهد بود (لایحه جناب آقاسید جمال‌الدین واعظ اصفهانی به مجلس مقدس فرستاده بودند در تعیین حقوق وکلا قرائت شد).

آقاسید محمدتقی - مطلب صحیح است انشاءالله بعد از اصلاح مالیه تعیین خواهد شد.

وکیل‌التجار - همه می‌دانند در ملل خارجه اگر وکیل دارای میلیون‌ها باشد دست از حقوق خود برنمی‌دارد همان روز اول حقوق آنها معین می‌شود.

رئیس - به جهت توضیح می‌گویم که این مطلب کلیت ندارد که در همه جا این طور باشد در بعضی از جاها نمی‌دهند در بعضی جاها کم میدهند.

صدیق حضرت - چون مخارج مجلس مذاکره شد عجتاً اگر ماهی مبلغی از وزارت مالیه به این مجلس داده نشود امورات مجلس مشکل است به‌طور منظم بماند از قراری که در انجمن مذاکره شد ماهی ششصد تومان لااقل لازم است که حقوق خدمه و بعضی مخارج لازم داده شود اگر صلاح می‌دانید رأی گرفته شود که در این خصوص چیزی به وزارت مالیه نوشته شود (در خصوص وسعت وقت مجلس مذاکره شد رئیس فرمود سه ساعت به غروب مانده حاضر شوند دو ساعت به غروب مجلس منعقد شود).

(جناب آقاسید محمدجعفر معرفی از حاجی قوام دیوان که از طرف اعیان فارس منتخب شده‌اند نمودند).

آقامیرزا محمود خوانساری - اظهار داشت که اعیان فارس یک نفر را سابقاً وکیل کردند باید معلوم شود که می‌توانند اضافه از یک نفر وکیل نمایند جناب رئیس فرمودند باید تقسیم عده بر اصناف ملاحظه شود بالاخره گفته شد از طرف شیراز کلیتاً باید دوازده وکیل منتخب شوند این عده هم که تاکنون معین شده است از عده اصلی کمتر است.

آقاسید محمدتقی - پس از قسم خوردن وکلا چندین نفر به مجلس مقدس وارد شده‌اند که هنوز قسم یاد نکرده‌اند خوب است که این اشخاص جدیدالورود با اشخاص که در سابق قسم یاد نکردند در یک روزی آنها هم قسم یاد کنند.

(قرار شد روز پنجشنبه قسم یاد نمایند) اعلانی از طرف انجمن عرایض قرائت شد مشعر بر اینکه از جهت رفع پاره از محظورات بعد از این تمبر مخصوصی از جهت

عرایض در تمام پست‌خانه‌ها گذارده می‌شود که هرکس خواسته عریضه به مجلس مقدس عرض کند از ولایات و اینجا از آن تمبر گرفته و یا آن بفرستند در این خصوص مذاکرات به میان آمد.

رئیس - حرف در تمبر است و علت تأخیر انتشار آن هم همان تمبر است حال باید و کلا تصویب کنند.

اغلب رأی‌شان بر این بود که برای رساندن جواب و ملاحظات دیگر تمبر لازم است و این یک قران هم پول پست خواهد بود نه اینکه مجلس می‌خواهد راه دخلی پیدا کند.

دو صورت تلگراف متضاده از اهالی قاین و برژن جناب آقاسید محمدتقی قرائت کردند که جمعی هواخواه و طالب حکومت شوکت‌الملک و جمعی دیگر خواهان حکومت حشمة‌الملک بودند.

حاج سیدالحسین شهشهانی - مملکت مدتی است رو به خرابی گذارده بود به محض تبدیل مستقله به مشروطیت نمی‌شود اخلاق مردم را تهذیب نمود معلوم است به واسطه تغییر وضع هم روزبه‌روز در انقلاب است تقصیر وزرا حالیه هم نیست ولی در این که اقدام به رفع مفاسد هم نمی‌شود شبهه نیست باید هرچه زودتر قوانین معین و مجری شود.

حسام‌الاسلام - امروز دو قوه در مملکت موجود است یک قوه در دست مجلس که به عاقلی رفتار می‌کند یک قوه هم در دست دیگری است مجلس باید قوه خود را زیاد کند و بر او غلبه حاصل نماید.

آقاسید حسن تقی‌زاده - این صحبت‌هایی که در باب وزارت داخله می‌شود بعد از این طوری خواهد شد که وزیر داخله وزیر نایب‌الوزاره باشد باید ما تمام کارها را به گردن وزرا بیاندازیم حتی این که اگر در بلوچستان اتفاقی افتاد بگویند وزیر داخله مسئول است ولی با این ترتیب اگر در هر جزئی از وزیری همراهی بکنید خلاف و ضد است و هریک از وکلا هم حق دارند از وزیری شکایت بکنند.

آقاشیخ حسین - قرار شد وزرا را بخواهند حاضر شوند دیگر این گفت‌وگوها لازم نیست.

حاج امام جمعه - اعتقاد خودم را عرض می‌کنم مکرر گفته‌ام باز هم می‌گویم ما در این بهارستان آسوده نشسته‌ایم و روزی دو ساعت هم به اینجا آمده و می‌رویم و ابداً

از سایر جاهای مملکت خبردار نیستیم که چه می‌شود تلگراف اردبیل چنین بود که غلام پست تا چند فرسخی اردبیل رفته و غیر از صدای چیزی نشنیده شما گمان می‌کنید به همین چند کلمه مملکت آسوده می‌شود من برحسب تکلیف می‌گویم که تمام مردم داعی به فساد هستند تا مجازات نباشد نمی‌شود تا قوه مجریه نباشد منظم نخواهد شد تقصیر وزرا چیست قشون که ندارید پول که ندارید پس فکری کنید که امنیت حاصل شود حرف را باید بی‌غرضانه گفت.

آقاسید حسن تقی‌زاده - پیش از آنکه ما فکر بکنیم عقلای عالم فکر کرده‌اند و گفته‌اند که باید چسبید هیأت وزرا مسئول را گرفت و امنیت خواست اگر از عهده برنیامدند عزلشان کرد همین‌طور باید رفتار نمود تا اصلاح شود هرچه عقلاً فکر بکنند غیر از این چیزی نخواهند گفت.

آقاسید محمدجعفر - این فرمایش حاج امام جمعه صحیح است ولی آنها کی آثار اتحاد و اتفاق خود را ارائه دادند که ما به آنها مطمئن باشیم.

آقاسید حسین بروجردی - باید کار را از راهش داخل شد نباید یکی یکی وزرا را چسبید باید هیأت وزرا را مسئول کار یکدیگر کرد که ضدیت در میان آنها نباشد در این صورت تمام وزرا یکی خواهند شد و مواظب کار خواهند بود.

آقامیرزا فضلعلی آقا - حالا ما نباید به این مطلب بچسبیم که تقصیر با وزرا است یا با وکلا زن‌ها و دخترهای مردم در خطرند در همه جا من تا حال به زبان نیاوردم که وکیل هستم زیرا که خجالت می‌کشم تا حال کاری برای ملت نکرده‌ایم خبر از عراق می‌رسد از سایر جاها اخبارات موحشه می‌رسد تاکنون در رفع این مفاسد چه اقداماتی شده است.

آقاسید حسن تقی‌زاده - مکرر گفته‌ام باز هم می‌گویم که هرکس می‌گوید نباید وزرا را چسبید خارج از مشروطیت است تکلیف مجلس نیست اصلاح مملکت را بکند یا اطراف شاه را صحیح نماید باید فقط وزرا را مسئول بداند.

حاج سیدنصرالله - در این مطلب حرفی نیست که تمام مسئولیت با وزراست ولی باید یک اتفاقی در میانه باشد آن هم نمی‌شود مکرر رفع سوء ظن شاه از مردم که اتصالاً معدودی دور او جمع شده القا شبهه می‌نمایند که این مردم با شما کار دارند اگر رفع این مطلب را کردید کارها اصلاح می‌شود.

حاج میرزا آقا - همه می‌فرمایند که باید دولت قوه خود را برای پیشرفت مشروطیت

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

صرف کند بنده عرض می‌کنم صرف نمی‌شود آیا این پولی که می‌رود به حضرت عبدالعظیم اگر به سرباز داده شود مملکت امن نمی‌شود.

مخبرالملک - مطلب همانست که گفته شد باید وزرا را خواست و حرف را تمام کرد که مسئولیت تمام وزرا معلوم شود آن روز وزیر داخله گفت مسئولیت داخله را رأساً و سایر را تأدباً قبول کردم ما نباید این حرف را قبول کنیم انتخاب وزرا باید موافق رأی رئیس‌الوزرا باشد ولی باید مسئولیت هریک معلوم گردد مدتی است از دولت شکایت می‌شود من هم همراه هستم ولی قدری هم باید از ملت شکایت کنیم یک ماه بعد از افتتاح مجلس پس از فکرهای زیاد قرار شد که یک سرمایه در یک جا جمع شده با آن کارها را صورت بدهند اغلب مردم هم اظهار همراهی می‌کردند ولی حالا خبری نیست همه با مجلس همراه هستند ولی در دادن پول حاضر نیستند خوب است در روزنامجات قدری همت خود را مصروف این مطلب دارند که مردم را تشویق کنند به همراهی با بانک از رعایا خبر می‌رسد که تفاوت عمل را نمی‌دهیم سایرین هم پول به بانک نمی‌دهند از قرار معلوم باید پول را از خارج آورد الان پانزده روز است اعلان بلدیه منتشر شده است هیچ یک از این جراید در خصوص ترتیب این انجمن چیزی ننوشته‌اند در عوض اخبار لندن می‌نویسند خوب است نظر همه متوجه به این نکته شود که ما امروز قوه استعدادیه نداریم پول نداریم باید در این راه فکری کرد و درصدد تشکیل بانک برآمد.

آقاسید جعفر - تمام این فرمایشات صحیح است ولی وزرا کجا ثروت باقی گذاردند تمام امتیازات را به خارجه دادند و ثروت خودشان را زیاد کردند با وجود این اگر امنیت بدهند مردم حاضرند که همه نوع همراهی بکنند حتی نسوان حلی و زیور خود را بفروشند و بدهند.

رئیس - برای عصر فردا می‌شود که وزرا حاضر شوند.

صدیق حضرت - تلفون می‌کنیم که فردا عصر اتابک با سایر وزرا حاضر شوند.

مذاکرات روز یکشنبه ۲۹ رجب دارالشورای ملی هم وظایف قانونی وزارتخانه‌ها را به بحث می‌گذارد:

خلاصه مذاکرات شنبه ۲۸ را آقاسید محمدتقی قرائت کردند.

شروع به قرائت نظامنامه وزارت داخله شد بعد از قرائت چندین فصل جناب حاج احتشام‌السلطنه که از بدو تشکیل این اساس مقدس به سمت وکالت انتخاب شده

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

بودند و چندی به مأموریت تصفیه امور سرحدی اشتغال داشتند و این ایام به تهران تشریف آورده امروز برحسب احضار مخصوص از طرف مجلس مقدس حضور به هم رسانیده عموم اعضای محترم مجلس مقدس مقدم شریف حضرت معظم را تبریک و تهنیت گفته صمیمانه تأییدات ایشان را خواستار شدند.

آقامیرزا فضلعلی آقا - از تشریف آوردن آقای احتشام السلطنه کمال تشکر را داریم.
آقامیرزا محمود خوانساری - ورود جناب حاج احتشام السلطنه را به سمت و کالت عرض تشکر می‌کنیم.

آقامیرزا محسن - الحمدلله که به مقصود خود رسیدند و از تشریف آوردن ایشان به مجلس مقدس کمال تشکر را داریم آقامیرزا ابوالحسن خان و کیل محترم شیراز که چندی برحسب لزوم به فرنگستان مسافرت کرده و امروز بحمدالله به سلامتی و خرمی به مجلس مقدس آمده بودند چنین اظهار داشتند روزی که از اینجا می‌رفتم در خصوص بانک ملی سوال کردم و گفتم اگر در فرنگستان از من سؤال کردند که این ملت غیور که تا همه جا حاضر بودند و از بذل جان و مال در راه ترقی مملکت و رفاهیت ملت نکته مضایقه روا نمی‌داشتند چه کردند و از سایرین اطمینان خواستم که حتی القوه کوتاهی نکنند در سفارتخانه ایران با یکی از اهالی خارجه درخصوص ایران و استقراض آن از خارجه و مضار و مفسدان مذاکره شد و آن شخص بی‌اندازه یک چنین خیالی را مذمت می‌کرد و دلایل آن را هم بیان کرد گفت چرا ملت خودتان تشکیل بانک نمی‌دهد در همین خصوص بنده لایحه نوشتم و به توسط جناب تقی‌زاده فرستادم حالا می‌خواستم بدانم که این ترتیب بانک چه شد و چه اقدامی کردید اینها که شما می‌نویسید و می‌خوانید به این ترتیب بی‌خود است اصل مطلب را باید صحیح کرد شما اگر و کیل ملت هستید و به شما اطمینان دارند پس کو آن همه گفت‌وگوهای شما در این خصوص.

آقا میرزا فضلعلی آقا - اقدامات شده است.

آقامیرزا ابوالحسن خان - ایرانیان را دیگر جان به لب رسیده است دو چیز لازم دارید یکی مالیه و یکی عدلیه از این چیزها که نوشته می‌شود هیچ فایده ندارد تا پول نباشد هیچ کار پیش نخواهد رفت.

آقامیرزا فضلعلی آقا - چون قانون اساسی ناتمام است اول او باید تمام بشود بعد ترتیب سایر کارها داده شود.

آقامیرزا ابوالحسن خان - باید جنگ داخلی را کنار گذاشت این تکلیف علما است که بنشینند اتفاق بکنند و طوری بنویسند که با ترتیب امروزه باعث هلاکت ما نشود در این خصوص تکلیف ما نیست صحبت بکنیم بعضی نسبت‌ها به ما خواهند داد باید علما در این خصوص اقدام کنند.

حسام‌الاسلام - صحیح است که روح مملکت ثروت است باید راه ثروت پیدا کرد. آقامیرزا ابوالحسن خان - اگر این عرایض من صحیح است اقدام کنید والا جواب بدهید حیات این مملکت بسته به ثروت است شما وکلای ملت هستید اگر ملت حرف شما را می‌شنوند زودتر تشکیل بانک بدهید والا مشروطه می‌خواهید چه کنید. حاج معین‌التجار - جواب عرض نمی‌کنم.

آقاسید حسن تقی‌زاده - مذاکرات خیلی در این باب سابق شده و به آن ترتیب که پیش گرفته بودیم در خصوص بانک پنج سال دیگر هم پیشرفت نمی‌کرد به واسطه آنکه استقراض به اصل تشکیل بانک مختلط به هم بود چندی قبل قرار شد که هفته سه روز کمیسیونی تشکیل شود که در آنجا از این سه چیز گفت‌وگو نمایند یکی بانک دیگری دادن حقوق یا رساله و یکی ممیزی علمی در باب بانک خیلی گفت‌وگوها شده است و نزدیک است عمل بانک تمام شود و خود آقامیرزا ابوالحسن خان هم انشاءالله داخل آن کمیسیون شده خواهند دانست که ترتیب چیست.

و بعد از ختم آن کمیسیون در مجلس هم عرض خواهد شد مطلب دیگری که می‌خواستیم عرض کنم این است که هر وقت کابینه وزرا تغییر می‌کنند ما پیش از وقت هیچ حرف نمی‌زنیم و به موجب قانون اساسی که نوشته شده انتخاب کابینه با اعلیحضرت است ساکت می‌مایم صحیح است ولی مجلس در چیزهایی که محتاج‌الیه است باید گفت‌وگو نماید نه بعد از ظهور فساد مثلاً اگر هیأتی برخلاف مشروطیت انتخاب شود مجلس نمی‌تواند رد کند اگر کرد خلاف ادب خواهد بود.

چنانچه همین ترتیب تا حال بوده حال آمدیم بر سر این هیأت جدید که پس از اطلاع بر اینکه درست انتخاب نشده حرف بزیم صحیح نیست آن روز که بیست نفر از وکلا حضور اعلیحضرت همایونی رفتند مقصود کلیتاً شور از وکلا در خصوص کلیه امور بود و قرار شد برگردند و کمیسیونی از وزرا و وکلا تشکیل شده در امورات گفت‌وگو شود روز پنجشنبه تشکیل شده و همان وزرای هفتگانه و چند نفر از اهل کمیسیون که در سابق بودند با جمعی از وکلا در این باب گفت‌وگو زیاد شد و نتیجه

این شد که از ترتیب سابق گفت‌وگو نشود و مطلب را جناب ناصرالملک وزیر مالیه با سایر وزرا حضور شاه عرض کنند که در خصوص انتخاب وزرا ترتیب آن است که شاه یک نفر را به سمت رئیس‌الوزرای اختیار فرماید و او را به طوری اختیار بدهد که هیأت وزرا را او به هر طور که صلاح بداند انتخاب کند حالا از خارج می‌شنویم که باز دولت میلش این است که فلان شخص وزیر جنگ بشود و فلان شخص وزیر عدلیه نشود پس خوب است در این باب رعایت دقتی بشود که بعدها باز اسباب تعطیل کار نشود همین طوری که در کمیسیون گفت‌وگو شد مجری شود نه غیر از آن.

مستشارالدوله - بلی درحضور حجج اسلام هم عرض شد گویا غیر از آن ترتیب نمی‌شود ترتیب دیگری اخذ کرد و ترتیب مشروطیت نمی‌شود مگر به صحت ترتیب انتخاب وزرا و آن ترتیب بر وفق مقصود حاصل نخواهد شد.

مگر به این که وزرا با هم متجانس باشند و آن هم نمی‌شود مگر به اینکه رئیس‌الوزرا آزاد باشد در انتخاب سایر وزرا آن وقت ترتیب مسئولیت یکدیگر معلوم خواهد شد اگر چه هنوز معلوم نیست که این هیأت انتخاب شده یا نه ولی علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

حاج سیدنصرالله - این ترتیب که در کمیسیون گفته شد باید مجری شود. و اگر این ترتیب بر خلاف شد و آمدند به مجلس نباید قبول کرد باید رد کرد.

مؤتمن‌الممالک - حضرت حجه‌الاسلام فرمودند که بعد از شور اخطار می‌شود. نمایندگان در مذاکرات خود روز سه‌شنبه ۲۸ رمضان المبارک به روشنگری در خصوص وضعیت آشفته مملکت پرداخته‌اند:

خلاصه مذاکرات روز یکشنبه ۲۶ را آقامیرزا طاهر قرائت کردند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - مقدمه عرضی دارم مملکت را مغشوش و مخصوصاً فارس را از همه بدتر می‌بینم لازم می‌دانم حضور وکلای عظام عرض نمایم و مقصود خود را روی کاغذ آوردم به سبب آن حال عصبانی که دارم بتوانم مقاصد خود را کاملاً ادا نمایم خاطر محترم شما وکلا را متوجه می‌سازم به جوابی که از طرف دولت علیه به سفارت دولت انگلیس در خصوص قرارداد فیما بین انگلیس و روس راجع به ایران نوشته شده و جناب وزیر امور خارجه پریروز حضوراً اعلام فرمودند.

من می‌گویم این استقلال خداداد را که مرقوم فرموده بودند ایران به خودی خود

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

دارا است در صورتی معنی حقیقی پیدا خواهد کرد و پایدار خواهد ماند که ما ایرانیان این اتفاق و اغراض یک سو نهیم جنگ خانگی را کنار گذاریم و با جان و دل از روی قلب با یکدیگر متحد شویم تا از برکت این اتفاق و اتحاد تحصیل قدرت و قوتی نموده بتوانیم باطل السحر آن معاهده شویم.

مگر این آتش که شعله آن تمام مملکت ما را فرو گرفته نمی‌بیند مگر استغاثه و استغاثه ایران را نمی‌شنوید در کجا است که این آتش شعله‌ور نیست در فارس نیست در کرمان نیست در آذربایجان نیست در استرآباد و خراسان نیست در مازندران و گیلان نیست همه جا خشک و تر را باهم می‌سوزانند و از کجا است که استغاثه ایران که می‌فرماید ای اولاد من مرا کمک نمایید و به فریاد من برسید شنیده نمی‌شود نمی‌دانم چرا نمی‌بینید و چرا نمی‌شنوید چرا در راه چاره اطفاء آن آتش نمی‌کوشید و ایران که همه چیز ما است احیا نمی‌کنید عزت ما ایران است شرافت ما ایران است شما را به خدای ایران قسم می‌دهم بیایید هر وکیلی از هر کجا که هست به هر وسیله و ترتیبی که می‌توانید و می‌دانید اهل مملکت خود را از مخاطره وطن خود بیاگاهانید و علاج این درد بی‌درمان را که امروز فقط به اتحاد ممکن است حاصل شود بنمایید والا به این طول زمان اغتشاش و انقلاب روزگار ایران و ایرانی از این سیاه‌تر خواهد شد و فاتحه سوم این مملکت را باید بخوانید و استقلالی که می‌شنوم بعضی با اعلیحضرت همایونی که جان ما ایرانی‌ها به فدای تخت و تاج مقدس او باد وعده داده و حضوراً متعهد نشده‌اند همان استقلالی است که برای کور یا انگلیس و ژاپن در معاهده‌نامه خود قرار داده‌اند چه شد امپراتور سابق کره؟ کجا رفت استقلال آن دولت امپراتوری؟ تمام ترس من از این است که ملتفت تحریک و تقنین نباشیم و اغراض را کنار نگذاریم و یک وقت ببینیم که تمام درهای چاره به کلی بر روی ما بسته شده است مفعول مجبور با چشم باز و دست گشاده تسلیم کردیم از این می‌ترسم ایران را ارزان فروشیم نه گران بخدا قسم که کمترین بهای ایران جان‌های پاک ایرانیان است که معنی حب‌الوطن را دانسته قیمت وطن عزیز را شناخته و معنی شرف و افتخار را در عالم فهمیده باشیم شما تمام چیزها را کنار گذاشته و مشغول هستیم که ببینیم فلان شخص در بالای منبر چه گفت من وکیل شیرازم از طرف موکلین خودم داد و فریاد می‌کنم و یکی دیگر از طرف اشخاصی که او را وکیل کردند فریاد می‌کند شما را به خدا قسم

بیاید اتفاق کنید و نفاق را کنار بگذارید و نگذارید ایران از دست برود. اسدالله میرزا - متمم فرمایشات آقای آقامیرزا ابوالحسن خان را به چند مثل عرض می‌کنم مملکت لهستان را اکثر لابد شنیده و در تواریخ شرح آن را خوانده‌اید به جهت همین اختلاف و نفاق داخله و انجمن‌های زیاد که بر ضد یکدیگر کار می‌کردند در میان سه دولت عظیم یکی روس و یکی آلمان و یکی اتریش تقسیم شد اسم آن مملکت به آن عظمت از میان رفت.

همین‌طور هندوستان مملکت به آن بزرگی به واسطه اختلاف حکمرانان آن نفوذ خارجی استقلال آنها را برهم زد و همچنین مملکت مصر که مستقل بود به واسطه اختلاف محمدعلی پاشا با سلطان عثمانی آمدند او را تحدید کردند و قشون به جهت عمل نظام مالیات گذاشته تاکنون متصرفند همچنین مملکت‌های دیگر از مملکت اسلامی و غیره حال حالیه مراکش را ملاحظه فرمایید که دو برادر با هم ضدیت نموده و دو سه نفر هم اروپایی کشته شده دول خارجه دست‌آویز پیدا نموده اسپانیول و فرانسه آمده کردند آنچه کردند.

حالات خودمان را باید اندکی دقت فرمایید اغتشاش اطراف را بنگرید فتنه استرآباد را ملاحظه می‌فرمایید امروز از قراری که شنیدم صد نفر اسیر بردند فکر و معالجه این کارها را بنمایید.

آقاسید حسن تقی‌زاده - البته معلوم است که مجلس در پیشرفت امور مملکتی نصف دولت است زیرا که مجلس وضع قوانین میکند و دولت مجری می‌دارد با این استقلال باید ما خودمان خاک خودمان را حفظ کنیم و امنیت بدهیم و البته هم خواهیم داد همچنین وزرای ما تخلف نخواهند کرد ولی به واسطه بعضی اختلافات فی‌الجمله تعویق شده و عماقریب امنیت در همه جا حاصل خواهد شد اما این که وکلا به کار خود نمی‌رسند علت این است که تصرف در جزئیات می‌کنند نه اینکه وکلا هم خود دخالت کنند بلکه این مردم آنها را وامی‌دارند مثل همین وقایع این دو روزه اگر به واسطه همین حرکات یک فتنه و اغتشاش در تهران که پایتخت است بروز کرده بود خیلی اهمیتش بیشتر از استرآباد و جاهای دیگر بود ولی بحمدالله به همت آقایان حجج اسلام و وکلا و وزرا اطفاء نایره شد یک مطلبی است که چند دفعه گفته‌ام باز هم می‌گویم سابق اگر در ایران دو دسته می‌شد از حیدری و نعمتی اصلاح می‌کردند همین دعوتی که در قفقاز بین مسلمان‌ها و ارامنه شد دولت روس

به یک چشم دیده اصلاح کرد حالا به اینکه اهل این مملکت از شاه و حجج اسلام و وزرا و سایر خلائق حتی حضرت حجه الاسلام آقای آخوند ملا محمد کاظم و آقایان دیگر که امروز مرجع تقلید هستند همه مشروطه هستند و غیر مشروطه نداریم ولی یک عده کمی هر چند مدتی بروز و ظهور کرده اسباب فتنه فراهم می‌آورند هر وقت اشرفی از یک طرف بیرون آمد آنها هم بیرون می‌آیند چیزی که هست این است که در همه ممالک یک قانونی هست که اگر کسی برخلاف آن رفتار کرد او را جلب به عدلیه می‌کنند مثلاً در فرانسه هرکسی بر ضد جمهوری حرف بزند یا در انگلیس هرکسی بر ضد مشروطیت حرف بزند یا در روسیه هرکس بر ضد امپراتور حرف بزند او مقصر است همین‌طور که در این جا هم تا یک سال قبل همین‌طور بود هرکس از مشروطیت حرف می‌زد مقصر بود حالا هم باید هرکس بر ضد مشروطیت حرفی زد او را جلب نمود و به عدلیه مجازات داد به موجب قانونی که مقلدین شیعه و تمام ملت ایران قبول کرده‌اند پس این مفسدین که مانع کار قوه مجریه و وکلا می‌شوند اینها را باید رفع کرد چه‌طور که همین اختلاف این دو روزه اسباب تعویق عمل استرآباد شد و امشب هم وزرا خواهند آمد و همین چند روزه تأمین داده خواهد شد.

حاج میرزا علی آقا - می‌خواهم یک کلام عرض کنم از کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین هم هست به این مضمون که شخصی آهو و صیدی پیدا کرد چاقو نداشت که او را ذبح کند آن آهو دست و پا زد و زمین را کند چاقویی پیدا شد و به همان چاقو سر او را بریدند مثل ما مثل آن آهو نباشد که به دست و پای خود چاقو از برای کشتن خود فراهم کرد ما از یک طرف می‌گوییم مجلس باید قانون وضع نماید و داخل جزئیات نشویم ولی می‌شنویم از یک طرف می‌گویند که هیأت کابینه باید مشغول کار خود باشند و ما داخل کار آنها می‌شویم از طرفی می‌گوییم قوه اجرائیه باید به کار خود بپردازد و از طرف دیگر هزار نوع بدگویی می‌کنند و اسباب نفاق می‌شوند از امروز به بعد هرکس اسباب سوءظن و نفاق را فراهم آورد و این وطن عزیز را بخواهد به باد بدهد مثل این است که با امام زمان مخالفت کرده است باید متحداً پشت به پشت هم داده متفق شویم و مملکت را حفظ نماییم.

محقق الدوله - جناب تقی‌زاده آنچه مقصود همه بود بیان کردند و خیلی محل توجه بود آیا تا کی باید ما گرفتار این اشخاص وطن‌فروش باشیم و هیچ نگوییم.

حاج سید عبدالحسین شهشهانی - آن روزی که وزرا و امر و سردارها و متنفذین مملکت جمع شده اظهار اتحاد و انفاق کردند خیلی موجب مسرت و امیدواری شد نمی دانم آنها درست رفتار نکردند یا بدبختی این مملکت را فرو گرفته آن طوری که باید نتیجه گرفته شود نشد در موقعی که آنها با ما اظهار همراهی کردند و ما هم با آنها موافقت کردیم اگر به یک نفری که در پیش بعضی کارهای خلاف از او صادر شده مأموریتی داده شد نباید در مجلس بر او ایراد کنیم که او عذر بیاورد یا اینکه به واسطه یک حرفی که یک نفر زده نباید تعرض شخصی که اسباب فتنه و فساد شود بنماییم اگر معنی اتحاد را فهمیده‌اید پس یک اسباب اتحاد فراهم آورید یک مجلس از آقایان حجج اسلام بشود این اشخاص که به هم دیگر افتاده و ممانعت می‌نمایند به آنها بفهمانند که حفظ بیضة الاسلام واجب است.

آقای آقامیرزا سید محمد مجتهد - آقایان چه کنند در همه کارها اول قدم بوده‌اند با مال و جان همراهی کردند و می‌کنند حالا هم همه قسم آماده و حاضرند.

حاج امام جمعه - من می‌گویم این مجلس کنگره عدالت این مملکت است وقتی که این چند نفر نظم خود را نتوانند بدهند چطور نظم مملکت را می‌دهند. رئیس - باید همه مراقبت حفظ نظم باشند صحیح می‌گویند.

حاج امام جمعه - این مملکت مملکت اسلام است مملکت شیعه است من می‌گویم یک سال است ایرانی‌ها جان دادند مال دادند مشروطه را گرفتند حالا دیگر نباید ما سر مشروطه دعوا کنیم حال همه مشروطه هستیم حال باید جنگ خانگی را رفع کرد و دیگر کسی حق ندارد و نمی‌تواند مشروطه را از ما بگیرد خارجه هم نمی‌تواند من می‌گویم در مملکت شما امروز هشت ماه است عثمانی تجاوز می‌کند هیچ به فکر این افتاده‌اید که دو فوج قشون راه بیندازید حالا این عثمانی است شاید فردا یک دولتی قوی‌تر از یک سمتی حرکت کرد اگر فردا روس خواست که او هم همین حرکت را بکند چه خواهید کرد چرا سرباز درست نمی‌کنید چرا در فکر قشون نیستید اول بیایید پسر مرا به سربازی بگیرید و فکر حفظ مملکت بکنید همه آقایان حاضرند اولاد خودشان را برای حفظ اسلام و مملکت به سربازی بدهد از این که دو نفر باهم طرف شده‌اند چه خواهد شد شما فکر اصلی کار را بکنید این حرفها فایده ندارد.

اسدالله میرزا - تمام فرمایشات جناب حاج امام جمعه صحیح است هیچ منفعتی

ندارد و گویا چنین تصور شد که چرا و کلا و وزرا کارها را اصلاح نمی‌کنند این طور نیست بلکه عرض می‌کنم عده‌ای از مردم هستند که آنها هم در این مملکت شریکند چرا آنها به فکر نمی‌افتند و در این حال خطر مملکت اندکی دست از فساد نمی‌کشند این عده معدود که فتنه‌جو و شرط‌بند اینها هم از ملت هستند قدری از اغراض و هوای نفس بکاهند لاف‌لاقل ملاحظه حال آتیه خودشان را بنمایند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - تمام این نطق‌های مهیجانه صحیح و بجا است و باید پیش از اینها در منابر و مساجد و مجامع گفته شود و مردم را تنبیه و ایقاز کرد ولی من می‌گویم که دولت ایران عاجز نیست امروزه از برای منظمات و حفظ حدود و ثغور خود قشون باید آماده و تهیه کند استعداد آن را هم به خوبی داراست دولت خارجی هم حق ندارد که در داخله این مملکت مداخله نماید ولی باید این متفقین و محرکین را جلوگیری کرد دولت هم البته در مقام نظم برمی‌آید.

رئیس - صحیح است همین‌طور است که می‌فرمایید باید جداً از دولت خواست و اینکه جناب حاجی امام جمعه فرمودند صحیح است باید فکر سرباز و قشون کرد یک فوج منظم مقابل ده فوج بی‌نظم است از فردا انشاءالله فکر همین کار را می‌کنیم و مشغول ترتیب افواج می‌شویم یک کمیسیون می‌کنیم برای این کار.

آقامیرزا ابوالحسن خان - باید سرباز را مطابق قانون اساسی گرفت.

حاج امام جمعه - مقصود من این است همین‌طور که مردانه کار می‌کنید در این باب هم جداً اقدام کنید یک سال است در این مجلس ابدأ گفت‌وگویی از قشون نشده است حالا که باید اقدام بشود یک مدیر و معلمی از خارجه از دول بی‌طرف بیاورید که منظم نماید.

(گفته شد که معلم هست).

رئیس - یک مسأله دیگر که باید دقت شود آن پول است.

وکیل‌الرعیایا - اگر درست ملاحظه نمایید اکثر از روی نقشه ما رفتار کرده و ترقی کرده‌اند و آن نقشه اسلام است ببینید در بدو اسلام چه کردند و ما اکنون از آن نقشه دور افتادیم و از بابت قشون این آخرین دوی ما است من یک نفر اولاً دارم حاضرم در هر میدانی که می‌گویید دست او را گرفته بسپارم.

آقا شیخ حسین - گفته شد که چند نفر اینجا را معشوش کرده‌اند تکلیف من این است که می‌گویم این گفت‌وگوها از بابت مستبده و مشروطه نیست بلکه مثل آنها

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

همان مثل درویش است مقصود همه اینها پرکردن پای منبر است واعظ باید از قرآن یا احادیث و آثار ائمه یا از نهج البلاغه گفت و گو نماید نه اینکه اعتراض به کسی داشته باشد هم اینها از روی غرض است.

لسان‌الحکما - سالی که مجلس فرانسه منعقد شد رئیس‌الوزرا اول نطقی که کرد در مجلس این بود که یک کاری بکنید بر ثروت مملکت خودتان بیفزایید در صورتی که مالیات دولت فرانسه دوازده هزار کرور بود با این حال اول حرفشان تزیید مالیه و ثروت مملکت بود همچنین ناپلئون گفت از برای ترتیب و تنظیم کارها سه چیز لازم است اول پول دوم پول سیم پول اگر قشون می‌خواهید فکر پول نمایید.

وکیل‌التجار - آنچه در بودجه ما بود که به افواج می‌دادیم خوب است حالا عجلتاً همان افواجی را که پولشان را می‌گرفتند حاضر نمایند که هر جا خواسته باشیم بفرستیم دیگر اینکه ترتیبی در کار نیست داد اینکه امروز یکی بگوید من این کار را می‌کنم و فردا نکند نمی‌شود باید مجازات در بین باشد تا بیم و امید در کار نباشد کار پیشرفت ندارد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - بیم و امید به قشون است.

حاج سید نصرالله - تمام این مطالب صحیح است و بی‌پول هم هیچ کاری پیشرفت نمی‌کند ولی تحصیل پول هم موقوف است به اتفاق و اتحاد و ما اتفاق نداریم هنوز مشغول قدح و مدح اشخاص هستیم و حرف‌های ما از مصدر عقل نازل نمی‌شود بلکه از روی هواست و تا اتفاق نباشد پول تحصیل نخواهد شد و تا پول نباشد قشون فراهم نخواهد شد و تا قشون نباشد مجازات در کار نخواهد بود امروز شما یک کابینه تشکیل کردید و کلا و غیره انتخاب کرده‌اید اگر هر روزه به واسطه زبان یا قلم به لحاظ آن که کاری سابقاً کرده بر او اعتراض کند دیگر به چه امید مشغول کار شوند باید امروز با قلم و زبان ما پشت این وزرا باشیم تا کار نکنند تا اینطور نباشد مملکت امنیت حاصل نخواهد کرد باید این اخلاق خود را تغییر بدهیم بلی من بعد هر کس کار خلاف کرد باید نوشت و گفت و به ادله ثابت کرد اما نه این‌طور بد گفتن بس است تا کی ما این مسلک را تغییر ندهیم گمان بنده این همه بد از یکدیگر گفتیم بس است امروز عموماً باید با این کابینه همراه باشیم ما اگر افکار مثل ناصرالملک شخصی را که مدت‌ها در فرنگستان بوده و از علمای نامی محسوب است پیروی نکنیم پس چه بکنیم.

آقامیرزا فضلعلی آقا - امروز آقامیرزا ابوالحسن خان همه را متنبه کرد و باید اذهان را متوجه کرد به اینکه رفع این اغتشاشات داخلی بشود وکلای ولایات هم، هم خود را بگمارند به اینکه ولایات خود را به اتحاد و اتفاق دعوت کنند و رفع اختلاف از آنها بنمایند این فقره را باید خیلی ملاحظه کرد دیگر اینکه این هیأت وکلا با وزرا یک نوع اتحاد و اتفاق کنند وزرا هم امرا را که رجال مملکت هستند محافظت کنند و به حرفی نرنجانند تهران هم مرکز دولت و هم مجلس دارالشورای ملی است چرا اینجا تا حال افواجی آماده نکرده‌اند و اردویی تشکیل ندادند این مطلب را خوب است وزرا اقدام کنند چند فوجی بخواهند و اردویی تشکیل بدهند همین اردو تشکیل دادن خیلی اهمیت دارد.

حاج امام جمعه - آن مطلبی که اول بنده عرض کردم دو قسم است همه می‌دانید که قشون چریک امروزه به درد نمی‌خورد اینکه بعضی گفتند در بدو اسلام مردم به میل جمع می‌شدند و به جهاد می‌رفتند صحیح است ولی امروز با این توپ و اسلحه جدید باید قشون منظم باشد به پهلوانی نمی‌شود دیگر اینکه ما سابق یک صورت قشونی داشتیم گویا حالا هم داشته باشیم پول هم که می‌دهیم عده آنها هشتاد هزار است خوب است وزیر جنگ را بخواهیم که لااقل این قشون را ترتیب داده حاضر نماید اگر پول کفایت نمی‌کند عده را یک قدری کم کند مقصود این است این عده که پول می‌گیرند آنها را حاضر و آماده نمایند برای اینکه غیر از این باشد نظام داخلی هم برهم خواهد خورد و همسایه هم چشم طمع نخواهد پوشید.

آقاسید مهدی - این مجلس را یک وقتی یکی از آقایان وکلا می‌گفت به منزله منبری است که صدای آن به تمام جاها می‌رسد همه می‌دانید که در این تهران پنجاه شصت انجمن است که تماماً در راه مشروطیت قدم می‌زنند ولی در بین این انجمن‌ها ده دوازده نفر هستند که مفسدند و چشم و گوش آنها مثل موش به اشرفی است و باعث فساد می‌شوند خوب است تمام آقایان و اهالی انجمن‌ها ملتفت این نکته شده نگذارند این قبیل مفسدین باعث فتنه و فساد و اختلال نظم داخله شوند.

مذاکرات روز پنجشنبه چهارم شهر ذی‌الحجه الحرام در دارالشورای ملی در رابطه با قسم خوردن نمایندگان و اعضای هیأت دولت برگزار شد:

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

خلاصه مذاکرات روز سه‌شنبه دوم را آقای میرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند. امروز آقای معتمدالتولیه وکیل محترم زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام را با کمال تجلیل و توقیر و احترام به مجلس مقدس وارد کردند. رئیس - جناب معتمدالتولیه نماینده و وکیل حضرت عبدالعظیم هستند و انشاءالله مبارک است و البته اعتبارنامه ایشان در کمیسیون انتخابات قرائت و ملاحظه شده و صحیح است.

آقای حاج امام جمعه - غیر از اعتبارنامه ایشان که صحیح است قریب دوهزار نفر از اهالی آنجا به همراهی ایشان آمده و برای شهادت حاضرند چه اعتبارنامه بهتر از این است.

آقا شیخ حسین - خیلی افسوس می‌خورم با وجود اینکه وعاظ و روزنامه‌نویسان بی‌غرض اتصالاً مردم را به اتفاق و اتحاد ترغیب و تحریر می‌نمایند و غالباً در این رشته تکلم کرده و می‌نویسند و نیز بنا بر فرمایش جناب حاج امام جمعه قریب دوهزار نفر از اهل حضرت عبدالعظیم به همراه ایشان آمده و شهادت می‌دهند.

معهداً روز سه‌شنبه عریضه در این باب به کمیسیون انتخابات رسیده که اعتبارنامه ایشان محل حرف است والان هم با کمیسیون طرف گفت‌وگو هستند و مقصود ما این بود که از حضرت عبدالعظیم و کیلی انتخاب شده موجب تکمیل الحاد بین اهالی آنجا باشد و انشاءالله انتخاب ایشان مبارک است ولی باید طوری باشد که بعدها به هیچ وجه اسباب زحمت و کلای محترم و کمیسیون فراهم نشود و خودشان همت نموده این اختلاف را رفع کنند.

آقای میرزا محمود - وظیفه و کلا این است که از هر جا هر و کیلی به موجب نظامنامه انتخاب شده است او را قبول کنند و مخالفت چند نفر محل اعتنا و اعتبار نخواهد بود.

رئیس - لایحه‌ایست از طرف مجلس نوشته شده قرائت شود.

قرائت شد قریب به این مضمون:

چون لازم است هر امری در موقع خود تکمیل شود لذا آقایان و کلای که قسم یاد نکرده‌اند روز پنجشنبه در مجلس قسم یاد نمایند اگر مجلس تصویب نماید.

(در این موقع همه تصویب کردند و گفتند خیلی لازم است).

وکیل‌الرعايا - بنده عقیده‌ام این است که این مطلب باید قانونی شود که کلیتاً

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

مستخدمین ادارات دولتی در هر کجا نتوانند داخل در خدمتی شوند مگر اینکه درانجمن ایالتی یا ولایتی و در تهران در مجلس مقدس حاضر شده قسم یاد نمایند. رئیس - اول باید خود و کلا حاضر شوند برای این کار و کسانی که از وکلا قسم یاد نکرده‌اند قسم یاد نمایند و از جمله کسانی که قسم یاد نکرده است یکی خود بنده هستم و اگر صلاح است کلام‌الله مجید را حاضر کرده، الان قسم یاد نمایم یا باشد برای موقع دیگر.

(در این باب اظهار داشتند که در آخر مجلس پس از مذاکره مشغول این کار شوند.)
لسان‌الحکما - پس باید در صورتی که وکلا قسم یاد مینمایند هیأت وزرای جدید هم که قسم یاد نکرده‌اند حاضر شده قسم یاد نمایند.
رئیس - در صورتی که پادشاه مملکت و وکلا قسم یاد کرده‌اند البته آنها هم با کمال افتخار حاضر شده قسم یاد می‌نمایند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - به حکم عقل و وجدان نجات مملکت در اتحاد و اتفاق است و ما وسیله برای این اتفاق و اتحاد در عالم اسلامیت غیر از قسم چیزی دیگری نداریم پادشاه مملکت قسم یاد کرده‌اند و همچنین اکثر از وکلا بنا بر این معلوم شد که پادشاه و کسانی که قسم یاده کرده‌اند مایل به ترقی و تأمین این مملکت هستند مگر چند نفری که نفع خود را در هرج و مرج بودن و اغتشاش مملکت می‌دانند و اطراف شاه را گرفته باعث این انقلابات شده‌اند اینها همان اشخاصی هستند که قسم یاد نکرده‌اند پس خوبست محض اطمینان مجلس و ملت تمام مستخدمین دولتی حتی ادارات قشونی و باقی مانده وکلا همه قسم یاد نمایند با آن شروط معینه که تا اتحاد کامل به عمل آمده و انشاءالله مملکت به زودی رو به ترقی گذارد.

وکیل‌الرعیایا - خوبست حکام ولایات هم به همین ترتیب در وقت مأموریت در مجلس حاضر شده قسم یاد نمایند.

رئیس - این مسأله در همه جا معمول است و استثنا ندارد در صورتی که اعلیحضرت قسم یاد نموده‌اند تمام مستخدمین دولتی هم در همین حکم هستند و باید قسم یاد کنند.

(در این موقع جناب رئیس به واسطه سری شدن مجلس از نظار کیان که اغلب آنها اهل حضرت عبدالعظیم بودند معذرت خواسته و توصیه و سفارش در خصوص

اتحاد و اتفاق و رفع اختلاف و نقار مابین جناب معتمدالتولیه و اخوی ایشان نموده که حتی المقدور در اصلاح امر بکوشید که هیچ وقت مجلس راضی به اختلاف و نقار نیست و همچنین از آقایان علمای حضرت عبدالعظیم در اتحاد و اتفاق اهالی آنجا خواهش و تأکید نمودند.
(مجلسی علنی مبدل به سرّی گردید).

در مذاکرات روز شنبه ششم شهر ذی‌الحجه الحرام دارالشورای ملی هم سخن از همان ضرورت قسم خوردن کارگزاران نظام اجرایی بود:
خلاصه مذاکرات روز پنج‌شنبه چهارم را آقای میرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند. نایب رئیس - درخصوص قسم خوردن بعضی از وکلایی که قسم یاد نکرده‌اند یک وقتی را مجلس معین نمایند که به همان ترتیب قسمنامه قسم یاد نمایند و از آقایان حجج اسلام هم استدعا شود که از همان روز حاضر باشند.
حاجی محمداسماعیل آقا - فردا یا روز سه‌شنبه باشد و در خلاصه مذاکرات از بابت قسم یادکردن سایر مستخدمین دولتی اشاره نکرده است در صورتی که روز پنج‌شنبه مذاکره شد.

نایب رئیس - این مسأله که قانونیست و در تمام ممالک مشروطه تمام ادارات قسم یاد می‌نمایند حال برای قسم یاد نمودن وکلا روزی را معین نمایند که غیر از روز مجلس باشد.
(گفته شد که روز مجلس بوده و تماشاچی‌ها هم باشند بهتر است قرار شد برای روز یکشنبه وقت معین شود).

صدیق حضرت - در این خصوص خوبست چیزی به رئیس‌الوزرا نوشته شود که ادارات همه به جهت قسم یادکردن حاضر باشند.
(گفته شد یک روز بعد از قسم یادکردن وکلا اخطار نمایند و نیز به رؤسای ادارات هم اطلاع داده می‌شود).

آقای میرزا ابوالحسن خان - این قسم خوردن در تمام ممالک مشروطه معمول است اما اینکه تماماً حاضر بشوند در مجلس برای قسم یادکردن لازم نیست در هر اداره رئیس آن اداره باید اجزای آن اداره را در حضور حجج اسلام حاضر نموده قسم یاد نمایند حال اگر آمدن در اینجا صلاح است مطلبی است.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

حاجی محمداسمعیل آقا - قسم یاد نمودن باید در مکان مقدس باشد یا باید در مجلس یا در مسجدی قسم بخورند.

گفتند در مسجد باشد بهتر است گفته شد در همین مسجد سپهسالار باشد.

آقامیرزا محمود - در باب منقصت وکلای پریروز در این باب خیلی صحبت شد و رقه هم نوشته شد خوبست آن را به اتمام برسانند.

آقا سید حسین - به این عجله هم نمی‌شود.

نایب رئیس - این مطلب حالا زود است خوب است آقایان وکلا نظری کرده و دقت بکنند.

آقامیرزا فضلعلی آقا - اولاً باید معین شود که چند نفر را باید انتخاب کرد و ثانیاً یکی از وکلای آذربایجان هم ما داریم که باید عوضشان انتخاب شود و آن آقاسید هاشم است تکلیف اینهم باید معلوم شود.

(گفتند او استعفا داد و باید از اهل همان آذربایجان انتخاب شود).

حاجی سیدنصرالله - مجلس مکرر متنبه و متوجه گشت که به جهت تفریط وقت اجلاس مجلس را معین نمایند که اگر کار دارند منعقد شود و اگر نیست نباشد و قرار شد که هر که در وقت معین حاضر نشد یکدیگر را مذمت نموده نهایت دقت را در این خصوص داشته باشند معهداً باز مراقبت نمی‌شود و بعضی حضور به هم نمی‌رسانند و مجلس در وقتی که معین شده است منعقد نمی‌گردد چرا باید این‌طور باشد یا جلسات مجلس را کم کنند اگر کار ندارند یا اگر کار دارند در سر وقت معین همه حاضر شوند که مجلس منعقد و وقت ضایع نشود.

وکیل‌التجار - این فرمایش که می‌فرمایید مقدماتی دارد و آن مقدمه چند روز بود که از میان رفته بود و آن تشکیل کمیسیون هیأت رئیسه است که کلیه دستورالعمل کمیسیون‌ها و مذاکرات مجلس از آنها است و باید اطلاع بدهند و از این انقلابات اخیر به بعد دیگر کمیسیون هیأت رئیسه مرتباً هیچ منعقد نشده.

عمده این هیأت است که همه‌روزه باید کمیسیون آنها منعقد باشند.

مذاکرات مجلس شورای ملی در روز شنبه سیزدهم ذی‌الحجۃ الحرام با طرح وضعیت روزنامه‌ها در کشور، وظایف قانونی دولت را مورد توجه قرار می‌دهد:

خلاصه مذاکرات روز پنج‌شنبه یازدهم را آقامیرزا طاهر قرائت کردند.

رئیس - جناب حشمة‌الدوله از طرف بندگان اعلیحضرت آمده جناب مستشارالدوله

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

مطالب ایشان را اظهار می‌دارند.

مستشارالدوله - به سردار مقتدر دستخط تلگرافی شرف صدور یافته است که خیلی زود از میان‌دوآب به ساوجبلاغ حرکت کند به همچنین به املاک شخصی شاهنشاهی که در قراچه داغ است امر تلگرافی صادر شده هرچه سوار هست بروند به طرف سرحدات ساوجبلاغ به جهانشاه خان هم دستخط مبارک شرف صدور یافته است که با دویست نفر سوار به طرف ساوجبلاغ حرکت نماید و سابق هم یکصد و پنجاه نفر رفته و از سواره کشیکخانه هم دویست نفر حاضر هستند شش‌هزار و سی تومان مخارج ایام خدمت و کرایه مال و غیره سوای مواجب سه ماهه مخارج معین شده است که مجلس مقدس تصویب فرمایند داده شود و دو روزه حرکت نمایند.

علاوه بر اینها سابقاً یکصد و سی نفر قزاق با چهار عراده توپ و یکصد و پنجاه نفر سواره جهانشاه خانی با هفتصد قبضه تفنگ و یکصد هزار فشنگ فرستاده شده است و جواب سایر دستخطها هنوز نرسیده از حاکم خوی جواب رسیده است که قشون آنجا حرکت کرده است.

ادیب‌التجار - جناب آقامیرزا محمد علی نقشینه صدرالتجار وکیل محمره هستند وارد شده‌اند محض اطلاع عرض شد.

رئیس - البته اعتبارنامه ایشان در کمیسیون انتخابات ملاحظه شده و صحیح است و انشاءالله مبارک است امیدواریم که خدمات شایان به ملت نمایند.
(عموماً تبریک گفته و اظهار شد که اعتبارنامه ایشان هم ملاحظه شده صحیح است).

وزیر علوم - مطلب بنده درخصوص روزنامه‌هاست همه می‌دانید که در همه جا روزنامه‌ها را اداره پلیس می‌خواند اگر مطلبی نوشته شده که قابل اعتراض است از طرف اداره به آنها اعتراض مینماید.
دراینجا که این طورها معمول نبوده بنده شخصی را برای این کار معین کرده بودم هنوز مشغول کار نشده.

ارباب جراید اعتراض و تهدید کرده‌اند به‌طوری که آن شخص آمده استعفا می‌خواهد بدهد نمی‌دانم تکلیف وزارت علوم چیست خوبست مجلس تکلیف قوه مجریه را با ارباب جراید معین نماید.

یعنی به وزارت علوم واگذار نماید بلکه مجلس رأیی بدهد و در روزنامه نوشته شود

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

که تکلیف معین شود.

صدرالعلمای نطنز - در سایر ممالک که مشروطه شده‌اند مشغول صنایع می‌شوند این مملکت ما که مثل آنها پول ندارند می‌خواهند به فحاشی و بی‌احترامی نسبت به مردمان محترم پول پیدا کنند.

وزیر علوم - این کار با مجلس شورای ملی است اگر می‌گویید کاری نداشته باشیم ما هم کاری نداریم مقصود این است که باید مجلس یک ترتیبی بدهد که به آن‌طور رفتار بشود.

احسن‌الدوله - آیا سایر ممالک هم که به مشروطیت رفتار می‌کردند از اول قانون به وزرا داده بودند که رفتار کنند یا آنکه به همان قانون قبل رفتار می‌کردند تا آنکه قانون به آنها بدهند خود قانون قبل هم یک قانونیست خوب است وزارت علوم هم به آن‌طور رفتار کنند تا قانون انطباعات بیرون بیاید و تمام شود.

اسدالله میرزا - اینکه وزارت علوم فرمودند که شخصی را معین کرده‌اند نظارت در جراید داشته باشد آیا قبل از طبع بوده یا بعد از طبع است.

وزیر علوم - بعد از طبع قرار گذاشته‌ام.

اسدالله میرزا - پس خوبست آن تهدید را بفرمایید چه قسم بوده.

وزیر علوم - آن شخص را که معین کرده بودم صبح آمده بود که یکی دو نفر از ارباب جراید آمده بودند نزد من که ما سی هزار نفر هستیم شنیده‌ایم شما می‌خواهید چنین کاری را بنمایید اگر اقدام نمایید چنین و چنان خواهیم کرد.

آقا شیخ حسین - این مملکت مشروطه شده و روزنامه لازم دارد که خیر و شر مردم را بنویسد همین که وزیر علوم فرمودند موقتی قرار گذاشتم صحیح نیست و این‌طور تهدید هم که از طرف روزنامه‌نویس‌ها شده یقیناً دروغ گفته‌اند به جهت اینکه تمام مسلمین آنها را جمع بکنید ده نفر نیستند و درحقیقت چند نفر از آنها به واسطه همین بدنوشتن صاحب ثروت شده‌اند و از این طرف هم ملت آزادی قلم را می‌خواهد پس این نظارت موقتی بعد از طبع فایده ندارد همان قانون انطباعات را که چند ماده آن تصحیح شده عاجلاً اقدام نموده تمام شود که تکلیف ارباب جراید هم معلوم شود بدیهی است آنها هم همین‌قدر دانستند که فعلاً قانونی نیست جلوگیری از آنها نماید البته هرچه می‌خواهند می‌نویسند پس هرچه زودتر اقدام شود که قانون انطباعات به اتمام رسیده تکلیف معین شود.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آقامیرزا آقا مجاهد - ما کاری که می‌خواهیم بکنیم خالی از دو صورت نیست یا خواهش یا تعطیل و توقیف روزنامه‌ها تعطیل که صحیح نیست پس عجلتاً آنچه لازم است آن تصحیح قانون انطباعات است که باید مجلس زودتر تمام کرده به آنها بدهد زیاده از این تکلیف ندارد.

وکیل‌التجار - ظاهراً این مطلب این قدر تأمل لازم ندارد آنچه روزنامه‌نویس می‌نویسد اگر در باب تجارت و معارف و صلاح‌بینی است که کسی حرفی ندارد فقط چیزی که هست در صورتی است که توهین نسبت بعضی می‌نویسند اگر به سند می‌توانند آن را ثابت کنند فیها والا باید در این صورت آنها را مجازات داد و خود ارباب جراید هم نباید این مطلب را انکار داشته باشند این فقره دیگر این قدر تأمل لازم ندارد و خود وزیر علوم هرطوری که صلاح دانست مجازات بدهد.

وکیل‌الرعايا - آنچه که هست اینست آنهايي که بعضی چیزها می‌نویسند و قانوناً هم ممنوع است این را باید خود وزیر علوم جلوگیری کنند این مسأله نیست که از مجلس بخواهند در صورت تخطی هم باید خود وزارت علوم این جریده را توقیف کنند چند روزی تا قانون بیرون بیاید و مجازات معلوم شود.

آقای حاجی امام جمعه - هر وقت مسأله روزنامه میان می‌آید آن مطلب اصلی از میان می‌رود روزنامه دو جهت دارد یکی راجع به خود روزنامه‌نویس است که آن کسب است و به سبب آن تحصیل معاش می‌نمایند و یکی راجع به عموم است که مصلحت عامه در او هست گمانم این است که همه متفق باشند که روزنامه این دو جهت را دارد و ما به آن جهت اولی کار نداریم اما جهت دوم که راجع به مصالح عامه است آیا ببینیم با این طوری که فعلاً روزنامه‌نویس‌ها می‌نویسند مفید است به حال مملکت یا نه این یک کلمه است اگر نیست پس خواهش کنید از مدیران جراید تا تمام شدن قانون انطباعات این‌گونه چیزها را ننویسند و آنها هم البته خواهش از طرف مجلس را اطاعت خواهند کرد.

حاج میرزا ابراهیم آقا - گمانم اینست که یک اندازه از موضوع مطلب خارج شدیم جناب وزیر علوم فرمودند که موقتاً یک نفر را معین کرده‌اند که پس از طبع روزنامه‌ها را که بعضی تعریضاتی دارد معلوم نماید و مقصودشان این است که این شخص باید باشد تا قانون انطباعات تمام شود یا نه مجلس باید این مسأله را معین نماید و این همه مذاکره لازم نیست.

آقا شیخ یوسف - بنده نهایت تأسف را دارم که مجلس یک ساعت یا بیشتر یا کمتر منعقد می‌شود و صحبت از مجازات روزنامه‌نویس‌ها می‌شود بنده گمانم این است که یک کمیسیون فوق‌العاده تشکیل شود آنها را بخواهند و خواهش کنند که بعضی چیزها را ننویسند تا اینکه قانون انطباعات بیرون بیاید و آنها هم قبول خواهند نمود و گمان می‌کنم که این روزنامه‌ها امروزه مفید به حال این مملکت باشد.

آقای حاجی امام جمعه - مطلب مختلط نشود بنده عرض می‌کنم روزنامه دارای دو چیز است که یکی راجع به خود روزنامه‌نویس است و یکی راجع به مصالح عامه است و در لزوم این هیچ کس حرفی ندارد ولی چیزی که مضر به حال عامه است باید ننویسند.

آقا سید حسین - روزنامه نویس دو قسم است یک قسم بعضی روزنامه‌نویس‌ها هستند که درواقع روزنامه‌نویسند و باعلم و اطلاع هستند و خوب هم می‌نویسند و یک قسم روزنامه‌نویس است که اینکار را کسب خود قرار داده و چون علم و اطلاع ندارند مجبور است که از این و آن بد بنویسند حالا اگر مجلس اجازه بدهد این روزنامه‌نویس که فقط برای فروش به مردم بد می‌نویسد چند روزی موقتاً توقیف شوند تا قانون مطبوعات از مجلس بیرون بیاید.

آقا سید حسن تقی‌زاده - گمانم این است که این مطلب را زودتر تمام نمایید و قابل اینقدر طول و تفصیل هم نیست تا به حال اینجا مکرر مذاکره از روزنامجات شده و بالاخره راجع به قانون انطباعات شده و وضع قانون برای جلوگیری از مفساد است و ما دچار به سختی نشویم قانون وضع نمی‌کنیم و حالا که ما همه روزه دچار به سختی می‌شویم باز شش ماه طول می‌کشد تا قانون بیرون بیاید و اگر موقتاً قانونی بگذاریم که جناب وزیر علوم راحت باشند آن وقت قانون اصلی یک سال طول می‌کشد که بیرون بیاید و تا قانون انطباعات بیرون نیامده خود وزیر علوم مثل سابق رفتار نمایند و حالا هم از تعدیات ارباب جراید شکایت نکرده‌اند بلکه برای گذاشتن یک نفر به سر اینکار و استعفادادن این شخص به واسطه تمرد یک نفر از روزنامه‌نویس‌ها نه از تمام ارباب جراید شکایت می‌نمایند و باید یک نفر دیگر را برای این کار بگمارند و گویا حق نداشته باشند این جزئیات را هم در مجلس بگویند و باید خودشان هر طور صلاح می‌دانند مجازات بدهند و اینکه گفتند ارباب جراید تهدید کرده‌اند چنین نیست و خوب نیست چنین نسبتی به آنها دادن فقط یک نفر

این حرف را زده و معلوم است که دروغ گفته است که سی هزار نفر هستیم و حال آنکه سی هزار نفر هرج و مرج مملکت اتفاق نمی‌نمایند در صورتی که طالب نظم مملکت هستند پس خوب است قانون انطباعات تمام شود و جناب وزیر علوم هم همان شخص را یا دیگری را که صلاح می‌دانند به سر این کار بگذارند.

حاجی محمد اسمعیل آقا - وزیر علوم که تکلیف از مجلس می‌خواهند عرض می‌کنم مجلس وقتی که هیأت کابینه را پذیرفت اختیار به ایشان داده است مطالبی که راجع به نفع و ضرر عامه است ترویج و منع کنند دیگر لازم نیست که هر روز برای هر مطلب جزئی تکلیف از مجلس بخواهند و باید هر کس خلاف کند مجازات بدهند.

وزیر علوم - در ضمن این مذاکرات بعضی همچو گفتند که تا قانون بیرون نیامده باید به قانون سابق رفتار کرد ولی حرف در این است که سابق اینجا هیچ قانون نداشت پس حالا باید از روی بی‌قانونی رفتار کرد و این هم نمی‌شود و کسی که متمدن است راضی نمی‌شود به بی‌قانونی رفتار کند پس همان‌طور که آقای حاج امام جمعه گفتند یا به خواهش یا قسم دیگر هر طور صلاح است از این کار جلوگیری کنند تا قانون انطباعات بیرون بیاید و البته وقتی قانون بیرون بیاید همه از روی او رفتار خواهند کرد و هر کس خلاف کند به موجب قانون مجازات خواهد شد پس حالا موقتاً باید ترتیبی رفتار شود که از این کار جلوگیری بشود.

اسدالله میرزا - باز هم می‌خواهم عرض کنم که تمام عقلای دنیا اتفاق دارند که نجات و ترقی ما منوط به اتفاق و اتحاد است و باید در این خصوص خیلی سعی کرد و ارباب جراید از همه کس برای این کار سزاوار هستند که باعث اتحاد و اتفاق شده و تشویق نموده موجبات اتحاد را فراهم آورند و این‌طور که جناب وزیر علوم فرمودند گمان نمی‌کنم که این حرکات از ارباب جراید باشد به طوری که آقای تقی‌زاده گفتند بودن آن یک نفر هیچ ضرری ندارد که بعد از طبع یک نمره ببیند و گمانم این است که ارباب جراید هم حرفی نداشته باشند با آن همراهی ما با آنها و باید آنها همه طور سعی در فراهم آوردن موجبات اتحاد و اتفاق بین دولت و ملت باشند.

آقامیرزا سید علینقی - بنده عرض می‌کنم که تقصیر از روزنامه‌نویس‌ها نیست تقصیر ما است که یک مطلبی که در اینجا مطرح می‌شود یک ساعت حرف می‌زنیم

و به جایی منتهی نمی‌شود «العلم نقطه کثرها للجاهلون» حرف دو کلمه است بنده
کراراً عرض کرده‌ام و باز هم عرض می‌کنم که بعضی مطالب و عبارات است نباید
روی کاغذ بیاید و مقصود جناب وزیر علوم هم همین است که بعضی عبارات روی
کاغذ نیاید نه اینکه بنویسند و مجازات دهند بنده در این مطلب به مجازات عقیده
ندارم و روزنامه‌نویس‌ها هم تقصیر ندارند بعضی مردمان مفسد هستند که آرای
خودشان را به آنها ارائه می‌دهند و آنها هم مردمان ساده‌لوحی هستند از عبارات
شیرین آنها گول خورده بعضی چیزها را درج می‌کنند پس مجازات این مطلب همان
است که از اول باید بعضی مطالب روی کاغذ بیاید مقصود جناب وزیر علوم هم
همین است.

آقا شیخ حسین - مکرر عرض می‌کنم و باک هم ندارم که تمام ارباب جراید به من
لعن و توبیخ نمایند به مردی که می‌خواهد کلاه بر دارد نمی‌شود گفت خواهش
می‌کنم کلاه مرا برنداری یکی از روزنامه‌نویس‌ها که روزنامه او توقیف شده بود
جلوی مرا گرفت و گفت دیگر چنین چیزهایی نمی‌نویسم.

اینجا مذاکره کردیم همین قدر که از توقیف بیرون آمد باز همان‌طور هرچه
می‌خواست می‌نوشت پس باید زودتر مجلس وقت خود را صرف کند که زود قانون
انطباعات بیرون بیاید تا این گفت‌وگوها پیدا نشود.

آقامیرزا فضلعلی آقا - این مطلب به نظر بنده تمام است که اساس مشروطیت برای
این است که قوه مقننه از قوه مجریه تفکیک شود و وظیفه قوه مقننه در این موقع
وضع قانون برای ارباب جراید است و مادامی که نوشته نشده همان اذنی که مجلس
به وزیر علوم داده است به منزله قانون است حال مقصود وزیر علوم اگر تهدید است
مجازات و رفع آن با خود ایشان است و اگر استقلال این شخص است آن هم که با
خودایشان است و مجلس هم که اجازه داده است پس همان‌طور که آقامیرزا گفتند
رفتار نمایند.

لسان‌الحکما - کاش امروز هم مجلس به وظیفه خود عمل می‌کرد و از قانون
انطباعات قرائت می‌کرد چیزی که باعث تعطیل آن شده فقط در چند ماده جزای
نقدی بوده خوب است آن را حذف کرده و باقی را قرائت نمایند و تا سه روزه دیگر
تصحیح و تمام می‌شد در این سه روزه هم وزیر علوم به همان محبس و توقیف
عمل می‌کرد تا تمام شود و دیگر این مذاکرات هم لازم نبود.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

رئیس - بنا بود که قانون انطباعات در کمیسیون در حضور حجج اسلام تصحیح شود که زودتر بگذرد حال نمی‌دانم چه شده است.

آقای حاج امام جمعه - در کمیسیون تنقیح لوایح از برای کلیه مجازات ارباب جراید و غیره که محل گفت‌وگو و اشکال بود به یک طوری اصلاح شده و گذشت دیگر از طرف کمیسیون انتظاری نیست.

در این جلسه بیشتر مباحث مربوط به اصل تفکیک قوا در نظام مشروطه و لزوم رعایت آن بود:

آقاسید حسن تقی‌زاده - بنده مکرر عرض کرده‌ام و باز هم عرض می‌نمایم هر مطلبی که در مجلس مطرح می‌شود این کلمه به خیال من خطور می‌کند (که باز یک سال است) به عقیده تمام عقلا به هر کاری که اقدام می‌شود باید نتیجه آن معلوم شود اینجا همین قدر گفته می‌شود که مملکت مشروطه و قانونی شده بنده عرض می‌کنم که هیچ قانونی و مشروطه نشده اینکه گفته شد از بابت تومانی یک عباسی که وزیر مالیه می‌گوید برای کمیسیون مجلس است و باید گرفته شود و حال آنکه چنین نیست بنده عرض می‌کنم جهت این بی‌ترتیبی این است که ترتیب کمیسیون‌ها خصوص کمیسیون مالیه معلوم نیست علاوه بر کمیسیون رسمی که منعقد می‌شود بعضی اجتماعات دیگر هم غیررسمی می‌شود و شاید یک وزیری هم در این اجتماع حضور دارد یک صحبتی می‌شود وزیر می‌پرسد این مطلب چه طور است جواب داده می‌شود ضرری ندارد فوراً فردای آن روز آن وزیر آن مطلب را مجری می‌دارد و حال آنکه رأی کمیسیون نیست اما در باب اصلاح و نظم مالیه به موجب عقیده تمام علمای این علم همین است که باید ممیزی علمی بشود ولی تماماً مشغول واردات هستیم و ابداً به انشائیات کار نداریم یعنی از اطراف آن قدر عریضه می‌رسد که باید ما همه را درخصوص آنها گفت‌وگو کنیم و بنده به واسطه همین بی‌ترتیبی چند روز است که به کمیسیون مالیه نمی‌روم و جداً به‌طور معارضه سخت‌گیری کردم که این ترتیب صحیح نیست و اگر این‌طور باشد باید ما برویم دربار و جزء درباری‌ها باشیم زیرا که همه را ما به جزئیات و واردات مشغول شده ابداً به انشائیات نمی‌پردازیم و نیز از هر قبیل آدم وارد این کمیسیون شده نمی‌گذارند اعضای این کمیسیون مشغول کار شوند و وقتی هم که می‌خواهند مشغول کار

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

شوند تماماً عریضی است که از اطراف رسیده و باید در این خصوص‌ها رسیدگی و گفت‌وگو نمایند.

این است که تاکنون کاری از پیش نرفته والا ما باید در انشائات کار کنیم و هر روز چند مطلب و قاعده صحیح‌ه انشاء نموده به توسط اعضای رئیسه به مجلس بدهیم و علاوه مطالب دیگر می‌توانیم استنباط کرده اطلاع بدهیم.

اما هیچ‌کدام اینها نشده و جهت این است که مجلس به قانون خود رفتار نکرده و نمی‌کند و مکرر گفته شده که قوانین دو قسم است.

یکی قانون الهی است که ابداً تغییرپذیر نیست و یکی قانون عرفی است که به اقتضای وقت وضع شده و تغییر و تبدیل هم داده می‌شود و باید این قانون عرفی را هم مقدس بشماریم که مخالف آن مقصر عرفی است.

اینکه در متمم قانون اساسی در اصلی که تفکیک قوی ثلاثه از هم شده به جهت همین است که روح مشروطیت است و عقیده عموم حکما و عقلا است برعکس نه مجلس نه سایرین به آن اصل رفتار نکردند و کارها مخلوط به هم است.

وزرا کار مجلس را می‌کنند و مجلس کار وزرا را می‌کند مثلاً وزیر علوم به مجلس آمده از روزنامه‌نویس شکایت می‌کند و حال آنکه ما باید از او بخواهیم همچنین چیزهایی که تکلیف ما است وزرا به ما اظهار می‌دارند و چیزهایی که تکلیف وزرا است ما به آنها اظهار می‌داریم مادامی که به قانون رفتار نشود هیچ چیز منظم نخواهد شد.

آقا شیخ حسین - ابتدا مطرح مذاکره این بود که وقت مجلس معین بشود تا کارها مرتب گردد بنده عرض می‌کنم یکی را که مجلس به اکثریت آرا به ریاست انتخاب نمود در افتتاح و اختتام مجلس و سایر تظلمات باید همه قول ایشان را مجری بدارند ولی ماها این‌طور نیستیم و اگر بخواهیم یک نفر به کمیسیون وارد نشود اعتراض می‌کند و رنجش حاصل می‌کند ما باید به قانون نظامنامه داخلی رفتار نماییم مکرر عرض کرده‌ام رئیس در سر ساعت انعقاد مجلس باید حاضر شوند که سایرین هم تاسی به رئیس کرده آنها هم حاضر شوند جواب داده شد که این‌طو نیست بنده عرض می‌کنم که باید در این مملکت یک اندازه به‌طور رسومات خودمانی رفتار نماییم تا رئیس حاضر نشود سایرین هم حاضر نمی‌شوند و تا به اجرای نظامنامه داخلی تن در ندهیم و مجری نشود فایده نیست.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آقای حاج امام جمعه - مطالبی که آقای تقی‌زاده گفتند همه راست است تا این قواعد عرفیه که وضع می‌شود عمل نشود مردم به او اطاعت نخواهند کرد و تا ما خودمان قوانینی را که وضع می‌کنیم به آنها عمل نکنیم به سایرین هم نمی‌توانیم بگوییم عمل کنید.

اما در باب بودجه مالیه آن زمانی که کمیسیون مالیه بودجه امساله را به مجلس آورد چون ما درست به‌طور متصل از جزئیات آن اطلاع نداشتیم و اگر هم می‌خواستیم مفصلاً به تمام جزئیات آن رسیدگی کنیم وقت گذشته بود.

لهدا به‌طور کلی تصویب نمودیم و این تصویب برخلاف دیانت و کالتی نیست به واسطه محذوراتی بود که گفته شد ولی قرار شد که بودجه سال نو را هر اصلاحی که کمیسیون مالیه می‌کند جزء به جزء و یکی یکی به مجلس ارائه بدهند تا مجلس هم مسبوق شده رأی خود را بدهد معلوم است هرکاری که تمام می‌شود و می‌گذرد مسئول آن هیأت مجلس است نه هیأت کمیسیون و از آن روز که آن رأی کلی داده شده است کمیسیون مالیه مشغول اصلاح مالیه نشده و ما هم هیچ اطلاع نداریم و حال آنکه باید کمیسیون مالیه مشغول اصلاح مالیه شده هفته به هفته کار و رأی خود را به مجلس اظهار بدارند اگر صحیح است مجلس تصویب می‌نماید والا رد می‌کند رأی کمیسیون غیر از رأی مجلس است حال اگر اصلاحات مالیه بشود و همین‌طور بی‌ترتیب بماند تا هشت ماه دیگر خلاصه اصلاحات خودشان را به مجلس آورده و اظهار بدارند که وقت گذشته است من یک نفر که قبول نخواهم کرد و رأی نخواهم داد.

(در این موقع همه گفتند صحیح است و باید به همین ترتیب رفتار کرد).

آقای حاج امام جمعه - همه اظهار می‌کنیم صحیح است و عمل نمی‌کنیم هر عنوانی که به شخصی داده می‌شود آن عنوان یک صفتی است که اگر آن صفت در آن شخص نباشد آن عنوان را به آن شخص نمی‌شود نسبت داد مثلاً شخصی که بی‌سواد است و ابداً تحصیل نکرده آیا ممکن است به او نویسنده گفت؟

همچنین شخصی که کور است نمی‌توان او را دیده‌بان خواند؟

پس شخص وکیل هم باید حافظ حقوق موکلین خود باشد و یکی هم دارای امانت باشد پس شماها که وکلای این ملت هستید باید حفظ حقوق ملت خود را بکنید و به ملاحظه صرف نظر از حقوق ملت ننمایید.

مؤتمن‌الممالک - کمیسیون مالیه در بودجه سنه آتیه هنوز دخل و تصرفی نکرده و این اعتراضات بر او وارد نیست.

مخبرالملک - مقصود اعتراض نبود مقصود این بود که کمیسیون مالیه چه گفته برای سال آتیه ترتیب داده و این جواب شما به موقع نبود.

حاج میرزا علی آقا - اینها که فرمودند صحیح ولی منشأ اختلافات این است که هنوز مجلس ما مجلس نیست و کمیسیون‌ها درست به کار مشغول نیستند و جهت این هم این است که در انتخابات اعضای کمیسیون‌ها سهو شده هر یکی در چند کمیسیون سمت عضویت دارند و هریک از این اعضا که در یک کمیسیونی حاضر نشود سایر اعضای آن کمیسیون هم نمی‌توانند به کار خودشان رسیدگی نمایند پس باید در انتخاب اعضای کمیسیون‌ها جرح و تعدیل شود که هریک در چند کمیسیون عضویت نداشته باشند و بتوانند به کار خود رسیدگی کنند مثلاً بنده از اعضای کمیسیون تنقیح لوایح هشتم در روزها که کمیسیون منعقد است حاضر می‌شوم و بعضی از اعضا حاضر نیستند این است که کار پیش نمی‌رود بنده خواهش می‌کنم که هیأت رئیسه یا غیر رئیسه مجدداً در انتخاب اعضای کمیسیون‌ها ترتیبی بدهند که هرکس مشغول کار خود شود چون هنوز موضوع درست نشده کارها بی‌ترتیب است پس باید اول موضوع درست شود.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - بنده عرض می‌کنم که خیلی افسوس می‌خورم که هیچ یک از ماها به‌هیچ وجه ملتفت امورات داخلی خودمان نیستیم ولی بنده برحسب وظیفه و کالت خود بدون ملاحظه عرض می‌کنم ما کلاً وقتی که وارد این پارلمان می‌شویم به گمان اینکه وارد پارلمان انگلیس شده‌ایم و رئیس ما رئیس پارلمان انگلیس است و هریک از ماها هم در مدارس عالییه تحصیل کرده دیپلماتی هستیم و همچنین وزرای ما تماماً در مدارس عالییه تحصیل کرده و از اشخاص دیپلماتی هستند و نیز عموم ملت در مدارس به یک پروگرام تحصیل کرده و با علم هستند و متأسفانه می‌بینیم که چنین نیست و آفتاب که سه ساعت به یک جایی تابید مدتی اثر او باقی می‌ماند شش هزار سال است که ما به آتش جهالت مبتلا بوده‌ایم لابد مدتی اثر او در ما باقی خواهد بود.

اینکه گفته شد مجلس منظم نیست حال ببینم تقصیر ما است یا تقصیر عموم ملت تقصیر ما هم این است که وکلای جاهل انتخاب کرده‌اند تقصیر ما هم این است

بدون اینکه لیاقت خود را ملاحظه کنیم و کالت را قبول کرده و در این مجلس حاضر شده‌ام و ملت اگر ما را انتخاب نمی‌کردند یک دسته دیگر را انتخاب می‌کردند مثل ما و اگر هم برای این کار حاضر نمی‌شدیم یک دسته دیگر مثل ما حاضر می‌شدند.

و اینکه گفته شد که مجلس به نظامنامه داخلی خود جداً چرا رفتار نمی‌نماید. ممکن نیست زیرا که اگر رئیس به یک نفر بگوید که قدری آهسته‌تر حرف بزن نوبت نطق را مواظبت نماید اسباب رنجش می‌شود پس مدتی لازم است که ماها عموماً عالم شده و به ترتیب صحیح رفتار نماییم.

اما در باب تومان یک عباسی ابدأً مجلس تصویب نکرده به همان ترتیب که جناب مخبرالملک گفتند یک روزی جناب ناصرالملک مذاکره کردند و یک روزی هم جناب رئیس‌الوزرای حالیه ولی کمیسیون مالیه رأی نداد حال بعضی مستوفی‌ها اقدام کرده می‌گیرند این هم به واسطه این است که گفته شد تمام فروعاً گرفته شود آیا این برخلاف مشروطیت است به جهت اینکه این هم یکی از همان فروعاً سابق است و مجلس هم دخل و تصرفی در فروعاً نکرد فقط در یکی دو موضوع که تیول و تسعیر باشد تصرفات نمود و باقی همانطور مثل پارسال معمول بود اما در باب اینکه کمیسیون مالیه درخصوص بودجه سنه آتیه هنوز کاری نکرده و اصلاحی ننموده به جهت این است که تازه وزیر مالیه قدغن کرده‌اند کتابچه‌های ولایات را مستوفی‌ها بنویسند و تا آن کتابچه‌ها به کمیسیون مالیه نیاید اعضای کمیسیون نمی‌توانند اصلاحاتی بکنند خواهید گفت پس کمیسیون مالیه چه می‌کند بنده عرض می‌کنم همان کاری که مجلس می‌کند و همان کاری که آقای تقی‌زاده گفتند کمیسیون مالیه تماماً مشغول واردات است و جواب عرایضی که از اطراف نوشته می‌شود می‌دهند.

حاجی سید نصرالله - مختصری می‌خواهم عرض نمایم مدتیست که مردم ما را به جهت کاری انتخاب نموده و اینجا گذارده‌اند و عقلای قوم جهت هرکاری نتیجه می‌خواهند من یک نفر مدتیست که می‌آیم اینجا می‌بینم کاری نیست و کاری نکرده‌ایم شماها که عقلای این مملکت هستید ببینید ماها اهل کار هستیم یک راهی را معین نمایید که در آن راه کار کنیم آنچه باید نطق‌های مفصل بکنیم کردیم دیگر بس است عقیده بنده این است یک روزی را معین نمایید که ما عموم

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

و کلا باشیم و اگر شده از صبح تا عصر هم طول بکشد در ترتیب امورات گفت و گو کرده به یک جایی منتهی شده نتیجه بگیریم همه شکایت از بی ترتیبی می کنیم و عمل نمی کنیم بنده عرض می نمایم که اصلاح مملکت مشروطه بسته به اصلاح وزارت خانه ها است و اصلاح وزارت خانه ها منوط به اصلاح مجلس است و اصلاح مجلس بسته به اصلاح کمیسیون ها است و اصلاح کمیسیون ها منوط به اصلاح کمیسیون رئیسه است پس اول این کمیسیون را اصلاح نمایید.

آقامیرزا فضلعلی - عبارتاتنا شی و حسنک واحد و کل الی ذلک الجمال بشیر. العالم بلا عمل کالشجر بلا ثمر همه امید مملکت به این مجلس محترم است که وضع قانون نماید و مجری شود قانون این مجلس یکی نظامنامه داخلی است که برای خودمان است و باقی قوانین برای عموم مملکت مادامی که ما عمل به نظامنامه داخلی را از رئیس گرفته تا سایر اعضا عمل ننماییم نه اصلاح مجلس خواهد شد و نه مملکت پس ما باید عمل به نظامنامه داخلی را از ادای فریضه در وقت فضیلت مقدم دانیم.

وکیل الرعایا - بنده می گویم که خانه رئیس مجلس خانه وزیر عدلیه و سایر وزرا نیست هر کس تکلیفی دارد و مردم هم باید تکلیف خود را بدانند اینکه می گویند رئیس باید بیاید در سر ساعت به اینجا بنشیند بنده می گویم که انعقاد مجلس به آمدن تمام و کلا است که باید تمام در سر ساعت سه حاضر شوند و یک دفعه به مجلس ورود کنند که بعد از آن رئیس در مجلس وارد شود و افتتاح و اختتام مجلس هم با شخص رئیس است نه اینکه هر کسی هر وقت میل کرد برود و هر کس عیب از جایی می گیرد ولی من خداوند را گواه می گیرم که همه این عیبه از این است که ما خودمان را تصفیه نکرده ایم.

آقاسید حسن تقی زاده - همه عیب ما این است که هر مطلبی عنوان شود باز می نشینیم و شرح مفصلی از آن اظهار می کنیم میگویند که بس است نطق های بلیغ و فصیح خیلی شده است باید کاری کرد که فایده و ثمر به حال ملت داشته باشد.

اینکه می گویند هنوز مملکت ما مملکت فرانسه و وکلای پارلمان ما مثل وکلای پارلمان فرانسه نیست صحیح است ولی اگر به همین ترتیب باشد تا بیست سال دیگر هم باز خواهیم گفت که هنوز پارلمان ما پارلمان فرانسه و انگلیس نیست.

اما من می گویم که وکیل باید شخصی باشد که این پارلمان را مثل پارلمان فرانسه

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

و انگلیس بکند و باید مملکتی را که خاک او سه برابر خاک فرانسه است قسمی نماییم که همه قسم صنعت و تجارت داشته باشد و آبهای او را سد بسته تا از او منافع کلی عاید مملکت بشود بنده می‌گویم آن فصل قانون اساسی که نوشته است باید پانزده روز قبل از عید بودجه مملکتی به مجلس بیاید که چرا کمیسیون مالیه مشغول کار نمی‌شود که بودجه به مجلس بیاید چرا مشغول اصلاحات مالیه نیستند همه عیب در این است که ما و کلا حاضر نیستیم که اجرای قانون در حق ما بشود باز می‌نشینیم و می‌گوییم که هنوز زود است و مملکت ما مثل سایر ممالک متمدنه نیست ولی اگر همان یک ماده از قانون اجرا بشود همه این کارها اصلاح خواهد شد و پارلمان ما هم مثل پارلمان انگلیس و فرانسه خواهد شد می‌گویند که این ملت جاهلند در صورتی که این ملت بیچاره همیشه به ما زور می‌آورند ولی ما می‌نشینیم و حرف می‌زنیم.

مذاکرات روز یکشنبه ۲۸ شهر ذی‌الحجه الحرام در دارالشورای ملی به تعیین تکلیف قانونی مطبوعات و روزنامه و مسایل مالیه اختصاص دارد:

خلاصه مذاکرات روز شنبه ۲۷ را آقای مرتضی قلیخان قرائت کردند.

شروع به قرائت قانون انطباعات گردید. پس از قرائت چندین ماده و تصحیح آن شروع به مذاکره شد.

رئیس - فردا که روز دوشنبه و تعطیل است چنانچه مستحضر هستید اداره وزارت جنگ برای قسم یادکردن در چهار ساعت به غروب مانده در مسجد حاضر خواهند شد البته آقایان هم تشریف می‌آورند.

آقاسید حسین - اینکه مجلس در یک ساعت و نیم به غروب مانده منعقد می‌شود نه به جهت اینست که جناب رئیس حاضر نمی‌شوند بلکه به موجب نظامنامه داخلی مجلس در چهار ساعت به غروب مانده رئیس در اتاق خود حاضر و منتظر هستند تا عده کافی از وکلای محترم به جهت مذاکره جمع شود پس خوبست وکلای محترم زودتر حاضر شوند.

آقامیرزا محمود - عقیده بنده این است که قسم یادکردن اداره وزارت جنگ و رؤسای آنها خیلی اهمیت دارد خوبست مقرر شود تا همه وکلای عظام حضور بهم رسانند.

رئیس - بلی چون اهمیت دارد همگی حضور بهم برسانند خیلی خوبست و اینجا

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

هم برای ورود آنها تدارک دیده می‌شود.

سیدالحکما - خوبست روز سه‌شنبه پس از تمام شدن قانون انطباعات مقرر شود آن لایحه که در باب وکلای ایالات نوشته شده و یک دفعه هم در مجلس قرائت کرده‌اند قرائت شده تمام شود.

وکیل‌الرعايا - امروز رستم وزارت مالیه برای گرفتن و فرستادن کتابچه دستورالعمل همدان از قرار تقریر مستوفی گویا باید پنجاه تومان داد و بعضی کتابچه‌های جزو هم هست که باید مبلغی زیاد برای کتابچه‌های آنجا داد آیا این فقره معمول است باید داد یا خیر.

رئیس - بلی در سابق این رسوم کتابچه معمول بود و من خودم در حکومت زنجان و کردستان و غیره می‌دادم اما حالا خلاف قانون است که این‌گونه پول‌ها داده شود وقتی که یک صد تومان به اسم رسوم کتابچه از حکومت گرفته شود آنها در مقابل لابد هزار تومان از رعایا خواهد گرفت و این وجوهات هم دخلی به مستوفی نداشت هرچه از این محل گرفته می‌شد به داروغه دفتر که وزیر بقایا باشد می‌رسد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - بودجه مملکت بعد از چندین ماه زحمات گفتیم که اصلاح شد یعنی تقریباً پانزده کرور دخل و چهارده کرور مخارج معین کردند و گفتند یک کرور هم تقریباً اضافه داریم باشد برای مخارج لازمه اتفایقه ولی علاوه از این بودجه که خرج می‌شود وجهی لازم بود به جهت مخارج فوق‌العاده و دولت دست تنگ بود و نیز مقداری هم از مواجب و حقوق سنه ماضیه مردم باقی بود وزرای سابق تقریباً سیصد و هشتاد هزار تومان اشرفی از خزانه گرفتند که ذخیره باشد برای مواقع خیلی سخت و نیز قدری پول از مردم گرفته شد که به ارباب حقوق که از بودجه پارسال باقی بود داده شود ولی بنده هیچ خبردار نیستم که این دو فقره پول چه شد اما آنچه که از مردم گرفته شد همین قدر فهمیدم که روز به روز حواله دادند اما آن سیصد و هشتاد هزار تومان پول اشرفی معلوم نیست چه شده و کجا است و متأسفانه این روزها می‌شنوم که تقریباً شصت هزار تومان از آن پول بیشتر باقی نمانده نمی‌دانم حواله که داده‌اند به موجب اطلاع مجلس بوده و به مصرف صحیح رسیده یا اینکه با این فلاکت و تنگدستی مملکت یک مرتبه صد هزار تومان صد هزار تومان به این و آن داده‌اند.

خوب است یک روزی را مقرر بدارید که وزیر مالیه به مجلس حاضر شده و صورت

حساب این دو فقره وجه را به مجلس بدهد.

رئیس - این را باید مردم از شما و کمیسیون مالیه باید صورت آن را ثبت کرده باشد و معلوم باشد نه اینکه شما از مجلس بپرسید.

آقاسید حسن تقی‌زاده - اولاً بنده از اعضای دائمی کمیسیون مالیه نبودم و ثانیاً به واسطه انفاق کمیسیون سرحدی تقریباً قریب یک ماه است نتوانسته‌ام در کمیسیون مالیه حاضر شوم آقامیرزا مرتضی قلیخان می‌دانند و به این دلیل خبر ندارم.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - این پول نقد را همین‌طور که گفتند بنا بود باشد برای روز تنگ و در کمیسیون مالیه هیچ از آن پول مذاکره نشد و کمیسیون هم هیچ تصویب نکرده که یک دینار از این پول خرج شود اما از پول استقراض داخله آن هم با کمال افسوس می‌بینیم که هیچ فایده‌ای عاید نداشت چون که در مجلس رأی گرفته شد که این پول به ازای قبوض سنه یونت ئیل داده شود به آن ترتیبی که در مجلس مذاکره شد و تا مجلس حرارتی داشت بعضی اشخاص پولی دادند و بعضی هم در عوض قبوضات دادند پس از آنکه مجلس از آن حرارت افتاد آن کسانی که پول داده‌اند با کسانی که نداده‌اند مساوی شدند و آن مقداری هم که گرفته شد قرار بود که قبض‌ها را بفرستند به کمیسیون مالیه و در کمیسیون مالیه پس از تحقیقات تصویب شده آن وقت وزارت مالیه حواله بدهد که تومانی پنج‌هزار بگیرند حال چند روز است که وزیر مالیه از همان قبوض سنه یونت ئیل حواله می‌دهد به حاجی امین‌الضرب و حاجی امین‌الضرب هم رد می‌کند به واسطه اینکه می‌گوید دیگر وجه پیش من نیست اما در باب اشرفی‌ها باز هم مکرر عرض می‌کنم که کمیسیون مالیه هیچ اطلاع ندارد و در هیچ مورد تصویب نکرده است.

رئیس - باید اسامی آن اشخاصی که پول داده‌اند و اشخاصی که نداده‌اند در روزنامه درج شود که یکسان نباشند.

آقاسید حسین - استدعا می‌شود که یک روزی را معین نمایند برای این کار که وزیر مالیه حاضر شود تا از او سؤال شود چون از او که سؤال می‌کنند می‌گوید با مجلس است و از وکلا سؤال می‌کنند می‌گوییم با کمیسیون مالیه است و کمیسیون مالیه هم می‌گوید اطلاع ندارم و این ترتیب در اینجا تصویب نشده فقط از این سیصد و هشتاد هزار تومان بیست هزار تومان را جناب ناصرالملک به جهت مخارج لازمه از مجلس اجازه گرفته بودند دیگر از حساب این استقراض داخلی و از حساب

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

اشرافی‌ها و کلا اطلاعاتی ندارند و نیز قرار بود که از این پول از پنجاه تومان به پایین داده شود و حال می‌بینیم که از فهرست‌های هزارتومانی هم داده شده است پس روزی معین شود که وزیر مالیه بیايد تا تمام این حساب‌ها رسیدگی شده در روزنامه‌ها درج و منتشر شود تا عموم اطلاع حاصل کند.

وکیل‌الرعايا - اینکه آقای میرزا مرتضی قلیخان گفتند مجلس از آن حرارت ساکت شده این‌طور نیست و نمی‌خواهم بگویم که منشأ آن حرارت که بوده ولی عرض می‌کنم چند وقت است که من مأمور سه نفر می‌باشم و اسمشان را نمی‌برم در صورتی که وکیل مجلس نباید مأمور باشد با اینکه تمام دارایی این ملت نزد این سه نفر است هر قدر تلف کرده‌اند که تلف شده و آنچه که حالیه دارند معلوم است یکی سه هزار تومان و یکی دوهزار و پانصد تومان یکی دیگر هم هزار تومان باید بدهند با اینکه وکیل مجلس نباید مأمور باشد معذک این مبلغ قلیل را نمی‌دهند حال ببینید که این نمره مردم چه قدر بی‌انصاف و بی‌مروت هستند.

رئیس - لایحه از انجمن حقوق رسیده و خواهش کرده‌اند که در مجلس علنی خوانده شود چون مفصل است و وقت هم گذشته برای مجلس دیگر خواهد ماند.

مذاکرات روز یکشنبه ششم محرم‌الحرام ۱۳۲۶ در دارالشورای ملی در خصوص روابط قانونی مجلس و هیات دولت و کیفیت انتخاب قانونی نمایندگان بود:
خلاصه مذاکرات روز شنبه پنجم را قرائت کردند و در باب باقی‌مانده و کلا شروع به مذاکرات شد.

آقای میرزا مرتضی قلیخان - اولاً به آقایان اخطار می‌نمایم که چون قرار بود آقای میرزا سلیمان خان را انتخاب نمایند و الحق شایسته هم هستند زیرا که در حساب لشکری و کشوری خیلی خوب بودند و آن روز هم چند نفر اسم ایشان را نوشتند ولی امروز در اینجا با ایشان گفت‌وگو شد جواب دادند من در کدام اداره باشم بیشتر می‌توانم به ملت خدمت نمایم البته در اداره لشکری بهتر می‌توانم خدمت کنم مقصود این است که دیگر از ایشان صرف نظر شده انتخاب نمایند.

مسأله دیگر این که باید جالب دقت انظار و کلا باشد آنست که ما در میان آقایان و کلا اشخاص محاسب کم داریم.

لهذا یک نفر محاسب بی‌غرض لازم است انتخاب شود حالا هر کس را شایسته این

مقام است انتخاب نمایند.

اسدالله میرزا - چقدر خوب است مذاکرات مجلس را در انظار مردم اهمیت بدهیم یک روز این حق انتخاب را به شاهزادگان می‌دهند و ایشان هم از الطاف مجلس متشکر شده چهار نفر را معین کرده پیشنهاد مجلس می‌نمایند آن وقت می‌گویند این حق با ایشان نیست خوب بود که از اول این حق را به آنها نمی‌دادند و خود مجلس انتخاب می‌کرد حالا گذشته از آن در میان آن چهار نفر که بد یک نفر را انتخاب کرد شاید یک نفر از آنها جناب شیخ‌الرئیس باشد.

اگر این حق با آنها هست که نوشته شوند والا اسم ایشان را در جزو یکی از آن اشخاص که باید انتخاب کرد نوشته شود.

آقاسید حسن تقی‌زاده - بنده عرض می‌نمایم که این نوشته هم که از طرف مجلس نوشته شده خلاف قانون بود مجلس باید کسی را انتخاب نماید که معرفت به حال او داشته باشد از این چهار نفر که شاهزادگان انتخاب و پیشنهاد کرده‌اند شاید من هیچ‌کدام آنها را نمی‌شناسم و لازم نیست که مجلس حکماً از شاهزادگان انتخاب نماید شاید از غیرشاهزادگان انتخاب بنماید.

مخبرالملک - آن چهار نفری که آن روز انتخاب شدند گویا سه نفر آنها قبول نکرده‌اند که یکی آقای مستوفی‌الممالک و یکی آقای مؤتمن‌الملک و یکی آقای شیخ محمدحسین باشند بعضی‌ها رایشان بر این است که شاید دوباره خیال ایشان را منصرف نمایند و عقیده بنده برخلاف این است که نباید از طرف مجلس اصرار شود و هرکس را انتخاب می‌نماید با کمال شرف داخل این مجلس شده مشغول خدمت ملت باشد.

حسن علیخان - آن اشخاصی که روز پیش انتخاب شده‌اند جناب مخبرالملک فرمودند که استعفا دادند اگر استعفای آنها قبولست یک دفعه عوض آنها هم انتخاب شوند.

رئیس - نه خیر تا استعفا از خود آنها نرسد صحیح نیست.

لسان‌الحکما - خوب است مناط رأی را معین نمایید که آیا ثلث کافی است یا خیر و این که اول باید از یک نفر شاهزاده را انتخاب کرد یا نه.

رئیس - باید همه را یک دفعه انتخاب کرد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - این خلاف نص قانون است مجلس حق دارد عوض

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

هرکس که استعفا داده یا فوت کرده انتخاب کند پس ما نباید مجبوراً یک نفر از شاهزادگان را انتخاب کنیم همه را باید یک دفعه انتخاب کنیم. لسان‌الحکما - این که شما می‌گویید در صورتیست که مجلس حق به آنها نداده باشد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - مجلس هر چه را که تصویب کند آن قانون نیست قانون باید به صحنه شاه برسد عیب مجلس ما اینست که یک لفظ شورای اضافی دارد. و حال آن که در هیچ جا این‌طور نیست ما به گمان این که اینجا نشستیم و هر چه مشورت کردیم آن قانون است این‌طور نیست قانون آن است که بعد از گذشتن از مجلسین به صحنه همایونی موشح شده باشد هرچه را که مجلس هر روز تصویب کند آن قانون نیست.

دکتر ولی‌الله خان - رأی دادن در پارلمان به اکثریت دو قسمت یکی اکثریت مطلق است یعنی رأی نصف به علاوه یکی و این قاعده را در تمام انجمن‌های بلدی و غیره در حین انتخاب معمول می‌دارند و اکثریت مطلق که رأی نصف به علاوه یک رأی باشد قانون تمام پارلمنت‌ها است و یک قسم دیگر اکثریت نسبی است ولی در اینجا که انتخاب وکیل است و خیلی اهمیت دارد زیرا که محل اعتماد و اطمینان عامه باید باشد اکثریت مطلقه را باید مناط قرار داد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - در باب اکثریت آراء اکثریت ثلثی را که معمول داشته‌ایم خلاف قانون است و اگر باز نزدیک به قانون باشد همان اکثریت مطلق است که گفتند ولی اینجا باید اکثریت نسبی باشد که برای پانزده نفر هم انتخاب شود زیرا که یک نفر از ماها شاید ده نفر را بشناسیم ولی نمی‌توانیم به دیگران بشناسانیم.

چون وکلای ولایات درست بصیرت و اطلاع به حالات اهالی تهران ندارند و ما باید در میان اهالی تهران آنها را انتخاب کنیم و کمتر کسی هست که چند نفر را به صفات مقرر و کالت بشناسد و دور نیست که خود وکلای تهران هم همین حال را داشته باشند که ماها داریم زیرا که کمتر کسی را پنجاه و پنج نفر که اکثریت مطلقه است به معاشرت و از روی اطلاع و علم شناخته باشند مگر این که چشم‌پوشی کرده به همان گفته دیگری عمل نمایند زیرا که عادتاً محال است اکثریت مطلقه درباره یک نفر به عمل آید پس خوب است به همان اکثریت نسبی انتخاب کنند والا امکان ندارد که ما پنج نفر را به اکثریت نامه انتخاب کنیم.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

حسن علیخان - ما از پارسال تا حال به داوری رفتار کرده‌ایم یکی به جهت تصویب قانون و آن وقت همان اکثریت مطلق است که گفته شد یکی هم به جهت انتخاب اعضای کمیسیون‌ها و غیره که به اکثریت نسبی است.

مثلاً ما می‌خواهیم ده نفر را برای کمیسیونی انتخاب نماییم اسامی آنها نوشته می‌شود و بالنسبه انتخاب می‌شوند نمی‌دانم آن روز چه شد که اکثریت ثلثی را قرار دادند حالا هم که می‌خواهند چند نفر وکیل انتخاب نمایند باید اکثریت بالنسبه باشند.

صدیق حضرت - اگر در اتاق نظام خاطرتان باشد در موقع انتخاب وکیل اعیان و غیره با اکثریت مطلقه شد.

حسنعلی خان - قانون در عالم بسیار است قانونی که ما امروز قانون می‌گوییم آن قانونیست که از مجلس بگذرد آن مطلبی که آقای صدیق حضرت گفتند مخالف است با این که حالا ما می‌خواهیم در پارسال که انتخاب می‌کردند مردم انتخاب نمی‌کردند و حالا ما انتخاب می‌کنیم و از جانب تمام ملت هستیم ولی ما نمی‌توانیم این قانون را اجرا کنیم مگر در صورتی که آن قانون را برهم بزنییم و اکثریت نسبی را قانون قرار بدهیم.

آقاسید مهدی - پریروز چهار نفر را انتخاب کرده‌ایم اگر به اینطور باشد که اکثریت نسبی کافی است که انتخاب شده بودند دیگر چرا برهم زدید.

مخبرالملک - در پارلمان‌های ممالک متمدنه معمول است وقتی که می‌خواهند رئیس و نایب رئیس را انتخاب نمایند به اکثریت تامه انتخاب می‌شوند ولی وقتی که اعضای کمیسیونی انتخاب می‌شود به اکثریت نسبی است و هم دو انتخاب صحیح است ولی معلوم می‌شود که انتخاب ریاست و نایب رئیس اهمیت دارد که به اکثریت مطلقه انتخاب می‌شوند حالا این جا هم که وکیل انتخاب می‌شود باید اهمیت داد سایرین را نمی‌دانم ولی به نظر بنده خیلی بعید است که چهار پنج نفر انتخاب شود یکی مثلاً هفتاد رأی و یکی به ده رأی.

لسان‌الحکما - این مطلبی را که جناب مخبرالملک گفتند که رئیس و نایب رئیس را در سایر جاها به اکثریت تامه و اعضای کمیسیون‌ها را به اکثریت نسبی صحیح است و حالا که انتخاب وکیل خیلی اهمیت دارد و باید محل اعتماد عامه باشد به اکثریت مطلقه انتخاب شود.

وکیل‌الرعايا - آنچه در همه جا معمول است که اکثریت مطلقه است و این اکثریت مطلقه معمول به تمام پارلمان‌ها است.

وثوق‌الدوله - صحیح است ولی پریروز دو مجلس قرار بر ثلث داده شد و تمام آقایان و کلا هم قبول نمودند هرگاه این تصویب حضرات آقایان و کلا را بنا باشد قانون قرار بدهند و همانطور رفتار نمایند خوبست رأی بگیرند اما به عقیده بنده اینست که باید وکیل را به اکثریت تامه انتخاب کنند.

مخبرالملک - بنده عرض می‌کنم که در نظامنامه انتخابات نوشته است که به قرعه یا اکثریت تامه یا نسبی باشد پس ما تامه را اختیار می‌کنیم.

آفاسید حسن تقی‌زاده - آن روز از برای انتخاب هفت نفر ثلث را قرار دادند چهار نفر انتخاب شد حالا برای سه نفر تامه قرار بدهند گمان ندارم ممکن باشد یک نفر هم انتخاب شود آن روز هم خلاف قانون رفتار شده است امروز باید نسبی باشد.

وکیل‌التجار - آنچه باید در این باب مذاکره شود شد و درحقیقت آن روز هم که چهار نفر انتخاب شدند به اکثریت تامه انتخاب شدند.

حسنعلی خان - هر روز نمی‌شود که یک رأی داد آن روز ثلث آرا را قرار دادند امروز هم همان‌طور باشد.

رئیس - حالا چه می‌گویید باید اکثریت تامه باشد یا ثلث.

(گفته شد رأی گرفته شد).

دکتر ولی‌الله خان - چون فرموده بودید بعضی چیزها نوشته شود نوشته‌ایم و آنجا معلوم می‌شود که اکثریت تامه کدام است و مورد استعمالش در چند جا و اکثریت نسبی کدام و مورد استعمالش چند جا است و امروز هم مثل همان روز سابق خوبست به اکثریت ثلث باشد اما قانون نباشد تا بعدها تمام این مطالب به مجلس خواهد آمد حتی اینکه تمام اسامی در یک ورقه نوشته شود یا هر یک اسم را در یک ورقه بنویسند مقصود این است تمام این‌ها بعدها واضح خواهد شد پس امروز هم مثل روز سابق رفتار شود.

مخبرالملک - شما قانونی حرف می‌زنید و من سند به شما ارائه داشتم که انتخاب یا به اکثریت تامه است یا به اکثریت نسبی حالا مجلس کدام یک را اختیار می‌نمایند.

(جمعی به اکثریت تامه و بعضی به اکثریت نسبی قائل شدند).

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

دکتر ولی‌الله خان - در انتخاب وکلا باید به اکثریت تامه باشد یعنی حدی را معین کنند که به آن حد برسد و اگر دو نفر مساوی درآمد آنوقت باید در آنجا دوباره نسبی رأی داد پس دیگر برای چه رأی می‌گیرید.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - در نظامنامه نوشته است که یا باید تامه باشد یا نسبی در این صورت مجلس مختار است هریک را بخواهد اختیار کنند.

مخبرالملک - در نظامنامه نوشته است یا تامه یا نسبی مقصود این است که اگر اکثریت تامه شد خیلی خوب والا دفعه ثانی نسبی است نه اینکه در اول نسبی باشد.

وثوق‌الدوله - پس معلوم شد این دفعه اکثریت نسبی در حق آن اشخاصی که آن دفعه اکثریت نسبی داشتند معتبر است والا آنهایی که در آن دفعه اکثریت نداشتند باید به اکثریت تامه باشد.

رئیس - حضرت والا وزیر جنگ و وزیر عدلیه احضار شده بودند که در باب قتله فریدون توضیح بدهند.

آقا سید حسن تقی‌زاده - این مسأله انتخاب تمام شود آن وقت توضیحات خود را بدهند.

حسنعلی خان - در تمام پارلمان‌ها قرار است که وزای عظام در پارلمان می‌نشینند و نطق وکلا را گوش می‌دهند منافات ندارد یک ساعت اینجا تشریف داشته باشند.

وزیر عدلیه - بنده جماعتی را خبر کرده‌ام که در تنظیمات داخله عدلیه صحبت کنیم و مسبوق نبودم که مجلس مرا خواهد خواست با تلفن احضار کردند به کمیسیون سرحدی بعد معلوم شد که وزیر جنگ را به جهت توضیحات قتله فریدون خواسته‌اند چون ایشان نمی‌توانستند بعضی توضیحات را بدهند بنده هم ماندم که آنچه اطلاع دارم توضیح دهم ولی چیزی که مفید باشد نیست و بعضی از مطالب است که نمی‌توانم بگویم و همین قدر عرض می‌کنم اشخاصی که متهم بودند آنها را گرفته‌اند و در عدلیه محبوسند و مشغول استنطاق هستند انشاءالله تا روز پانزدهم نتیجه به دست می‌آید.

وزیر جنگ - بلی آنها دستگیر شده و مشغول استنطاق هستند و نزدیک به نتیجه است.

وزیر امور خارجه - درباره بعضی اشخاص که در کار هستند و زحمت کشیده‌اند و در کمیسیون مالیه از مواجب آنها کسر شده خوب است طوری مقرر شود که بتوانند

مشغول کار باشند.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - در باب چند نفر از اجزای وزارت خارجه که در کمیسیون مالیه موجب شان کسر شده یا اینکه موجب ندارند. وزیر امور خارجه کراراً به کمیسیون مالیه نوشته‌اند و تصویب کرده‌اند که داخل در کار هستند و استحقاق هم دارند حالاً مجلس چه رأی می‌دهد.

آقا سید حسن تقی‌زاده - بر فرض اقامه دلیلی بر استحقاق چند نفر نمی‌شود نتیجه گرفت که بودجه مملکت را که در مجلس تصویب کرده و رأی گرفته‌اند به هم زد و در حق چند نفر رعایت شود و تاحال هم چندین مرتبه تأکید شده که جناب وزیر امور خارجه بودجه سال نو خود را بدهند حال بخواهند به جهت اشخاص تازه موجب برقرار نمایند با این ترتیب مملکت ما غیرممکن است همان بودجه را بفرستند با مختصر تعدیلی البته تصویب خواهد شد.

وزیر امور خارجه - این مسأله صحیح است و بودجه نوشته شده و همین روزها به مجلس خواهد آمد این مسأله که اظهار شد در باب حقوق چند نفری است که خیلی زحمت می‌کشند و از حقوق امساله آنها کسر شده است.

حسنعلی خان - ما امروز نمی‌توانیم بگوییم که ادارات ما به‌طور صحیح منظم شده است باید تمام وزارت‌خانه‌ها و ادارات ما منظم شود و هر یک بودجه خود را به‌طور صحیح به مجلس بفرستند که صحیح شود چند روز قبل اجزای وزارت داخله برای حقوق تعطیل کرده بودند حالا اگر در حق چند نفری رعایت شود اسباب اشکال خواهد شد امروزه وزارت‌خانه که پول نقد دارد و اجزا می‌گیرند همان وزارت خارجه است باید همین را مغتنم بدانند و هرچه زودتر بودجه سال آتیه را نوشته بدهند بهتر است و این دو ماه را هم به هر طوری هست آنها را ساکت نمایند.

وزیر امور خارجه - صحیح است بودجه تمام است و به مجلس می‌آید اینکه مسامحه شده برای این است که بودجه هر ساله تغییر نکند آنچه که لازمه مذاقه و ملاحظه است در مواجب و مقرری بشود که یک دفعه به مجلس بیاید اما اینکه گفته شد وزارت خارجه پول تذکره دارد امسال به واسطه این انقلاب و مسدود بودن سرحد مسافرین کمتر بودند و خیلی کسر کرده است هنوز اغلبی از اجزای وزارت خارجه قسط اول و دوم را نگرفته‌اند به استثنای بعضی که قسط اول و بعضی قسط دوم را گرفته‌اند اغلب این دو قسط هیچ کدام را نگرفته‌اند سفرا و قونسول‌ها و

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

مأمورین ما همه طلب کارند موجب پارسال و امسال را نگرفته‌اند مگر عده که در داخله بوده‌اند بعضی مال پارسال و بعضی مال امسال را گرفته‌اند ولی اغلب از یک سال و یک سال و نیم و دو سال طلب کارند و بعضی‌ها هم خیلی اسحقاق دارند.

مخبرالملک - اگرچه جناب وزیر امور خارجه خوب مسبوق هستند چون صحبت از نوشتن بودجه شد تذکراً عرض می‌کنم بودجه را که می‌نویسند حقوق را در مقابل شغل منظور دارند زیرا که اشخاص ممکن است تغییر و تبدیل کنند آن وقت باز اسباب گرفتاری خواهد شد (در این موقع در باب انتخاب پنج نفر باقی‌مانده و کلا که حق انتخاب آنها با مجلس بود اخذ رأی شد اشخاص ذیل انتخاب شدند):

(شاهزاده امان‌الله میرزا) (جناب مجدالملک)

(آقای معاضدالسلطنه) (آقای حسینقلی خان نواب)

(و در باب یک نفر باقی‌مانده اظهار شد که همین امروز انتخاب شود).

نایب رئیس - عجله نباید کرد باشد برای روز دیگر.

حاجی محمداسمعیل آقا - عجله نباید کرد شاید بعضی از این اشخاص هم که انتخاب شده‌اند استعفا دادند آن وقت یک مرتبه انتخاب شوند.

مخبرالملک - اذهان همه و کلا محترم مسبوق باشد و تحقیق کنند که یک نفر وکیل در عوض وکیل کرمانشاه که فوت کرده از اهل همانجا خواه اینجا پیدا شود یا در کرمانشاه باشد باید انتخاب شود همین‌طور یک نفر در عوض وکیل بجنورد خوبست دقت تامه نمایند که اشخاص صحیح انتخاب شوند.

نایب رئیس - اطلاعاً می‌گوییم مجلس از فردا تا روز شنبه تعطیل است.

رابطه مجلس شورای ملی و محمد علی شاه قاجار

مذاکرات روز سه‌شنبه غره شعبان‌المعظم دارالشورای ملی، بعد از قرائت خلاصه مذاکرات روز یکشنبه ۲۹ توسط آقامیرزا:

نایب رئیس - درخصوص تلگرافی که از مجلس مقدس به وزیر دربار مخابره شده بود جواب رسید که اعلیحضرت همایونی چنین فرمودند:

که بین مجلس و شخص اعلیحضرت بینویت و مغایرتی نیست تا آنکه قائل بشویم شخص واسطه لازم است که مراتب را به عرض همایونی برساند بلکه باید در هر موقع که مطلبی لازم باشد باید حضوراً و کلاً به حضور همایونی عرض نمایند.

بنابر این امروز کمیسیونی مشتمل بر شش نفر انتخاب می‌شوند که عصر در صاحبقرانیه به حضور اقدس اعلی تشریف جویند و مطالب را شفاهاً عرض کنند.

حاج محمد ابراهیم - این شش نفر خواهند رفت ولی مطالب را به واسطه اینکه نمی‌توانند کما ینبغی عرض کنند معوق می‌ماند.

سیدالحکما - قرار چنان بود که اول مجلس قانون خوانده شود.

نایب رئیس - امروز چند فقره کار داریم یکی در خصوص تعیین این هیأت به جهت شرفیابی به حضور همایونی یکی هم تلگرافاتی که از تبریز رسیده است.

دیگری در خصوص انتخاب رئیس مجلس حالا باید یکی از این مسائل مطرح شده نتیجه گرفته شود .

وکیل‌التجار - گویا این مسأله خیلی صحیح است و نباید بین اعلیحضرت و مجلس مغایرت باشد.

منتها آن اشخاصی که می‌روند باید مذاکراتی که می‌شود پروگرام آن نوشته و در مجلس قرائت شود بعد در حضور همایونی عرض نمایند.

آقامیرزا محمود خوانساری - اشخاصی که می‌رود حیا و خجالت مانع است از این که درست مطالب را به عرض همایونی برسانند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - در خصوص کمیسیونی که باید به حضور همایونی مشرف شوند در این قابل مذاکره نیست.

در موقعی که شخص اعلیحضرت همایونی با هیأت کابینه خواسته‌اند به مجلس تشریف بیاورند نباید اینگونه مباحثه بشود.

بلی مطالبی که در حضور همایونی عرض می‌شود باید نوشته شده و گفت‌وگو شود. نایب رئیس - حالا اختلافی در بین نیست در این که باید این هیأت به حضور همایونی مشرف شوند و در آخر مجلس این هیأت انتخاب می‌شود. آقا شیخ حسین - به عقیده بنده مطالبی که باید حضوراً عرض شود باید در مجلس سری گفت‌وگو شود.

حاج محمدتقی - باید تمام مطالب در این مجلس علنی گفت‌وگو شود. حاج امام جمعه - تمام مطالب ما باید در مجلس علنی گفت‌وگو شود که تمام ملت مستحضر شوند مگر مطالب مهمی که محرمانه باشد.

مستشارالدوله - در این که انتخاب وزرا با شخص اعلیحضرت است، شبهه ندارد. ولی چون در این موقع که شخص اعلیحضرت خیال تشریف‌فرمایی به مجلس را دارند باید وزرا طوری انتخاب شوند که بتوانند از عهده خدمت مرجوعه به خود برآیند امروزه همه کس نمی‌تواند از عهده وزارت داخله برآید.

این هیأت در این دفعه دارای اهمیت زیاد هستند. چون شخص اعلیحضرت معرفی می‌فرمایند خوب است قبل از وقت مطالبی که راجع به این هیأت است نوشته به حضور همایونی عرض شود که این نکته خیلی اهمیت دارد.

نایب رئیس - مطالب تقریباً همین است که جناب مستشارالدوله گفتند حال باید نوشته شود.

آقا سید حسن تقی‌زاده - این که گفتند آنهایی که منتخب شدند قابلیت ندارند به موجب قوانین مشروطیت خودشان مجبور به استعفا خواهند شد.

این مطلب را پریروز هم گفتیم در هر جا انتخاب وزرا با اعلیحضرت است ولی باز خود وزارت شرایطی دارد در سایر جاها این ملاحظات رعایت می‌شود.

ولی در اینجا آن شرایط مقرر ملاحظه نشده اینجا وزارت عمومیت دارد که هر کس را بخواهند وزارت می‌دهند.

ولی این طور نیست از اشخاص کافی قابل عالم چند نفر را معین می‌کنند آن وقت در میان آنها وزرا را انتخاب می‌نمایند باید این مطلب به اینها یادآوری بشود.

آقامیرزا ابوالحسن خان - در ایران هنوز این ترتیب را نمی‌شود معمول داشت اشخاصی که قابل وزارت هستند و به مسند وزارت بودند همین عده معدود هستند. آقامیرزا فضلعلی آقا - این مطلب هم مذاکره بشود چند نفری که اقرب به صواب هستند نوشته شود معین گردد.

(گفتند این ترتیب تکلیف مجلس نیست).

حاج امام جمعه - اشخاصی را که گفتند ما تعیین نماییم این ترتیب صحیح نیست زیرا که مسئولیت آنها آن وقت به پای ما خواهد افتاد. خوب است که اختیار این کار را راجع به خود آنها نمایند تا بتوانید که بر آنها ایراد کنید.

(گفتند اگر برخلاف و غلطکاری کردند باید اخطار نمایم).

وکیل الرعایا - به موجب این انتخابی که شده است گویا درست از وضع مملکت مسبوق نباشند این هیأت که می‌رود خوب است عین واقع را به عرض برسانند.

اشخاصی که در اطراف اعلیحضرت هستند چیزهایی که صرفه خودشان است خواهند گفت ولی شما تمام آن چیزها را که می‌دانید می‌توانید بگویید.

حاج امام جمعه - وزرایی را که مصلحت ندانیم پیش از وقت محق هستیم که بگوییم ما این ترتیب را کافی نمی‌دانیم.

مستشارالدوله - در ذیل آن عرایض که شد این هم گفته شد.

ترتیب مشروطیت آن وقت است که کار در دست امین باشد تا حال در این مملکت که این همه انقلابات شده به واسطه همین است که مردمان کاردان نداریم.

حالا هم می‌خواهند به همان ترتیب سابق رفتار نمایند و کسانی که خیلی ماهر هستند در زاویه مانده‌اند فقط مطمح نظر همان بوده که اشخاص مخصوصی در کار دخالت داشته‌اند باشند والا دایره هم این قدر تنگ نیست.

مجلس می‌تواند که الان سی نفر را معین نماید و لازم نیست همان وزرای سابق باشند چه ضرر دارد از اشخاصی که عالم هستند و هنوز وزارت نکرده‌اند منتخب نمایند مثل رئیس‌الوزرای فرانسه که سابق یک نفر وکیل بوده.

حاج محمداسماعیل آقا - اینکه گفته شد انتخاب وزرا با اعلیحضرت است عرض می‌کنم اینطور نیست اعلیحضرت یک نفر را به سمت رئیس‌الوزاری معین می‌فرماید و او سایر وزرا را انتخاب می‌کند نه اینکه فرد را اعلیحضرت انتخاب فرماید باید آنها را رئیس‌الوزرا انتخاب کند و ضامن اعمال همدیگر باشند.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آن وقت این انتخاب را مجلس نمی‌تواند بگوید من قبول ندارم. حاج محمدابراهیم - ما قسم خورده‌ایم نه به ملت و نه به دولت خیانت کنیم مادامی که ما در اینجا نشستیم اگر ببینیم غلطی واقع می‌شود باید نتیجه حق است بگوییم.

آقاسید محمدجعفر - آنچه معلوم می‌شود از روی اصول مشروطیت و اصول عقلایی که انتخاب رئیس‌الوزرا با اعلیحضرت باشد و انتخاب سایر وزرا با رئیس‌الوزرا باشد محص آن است که این ترتیب از روی صحت باشد نه از روی اقتراح. آقامیرزا ابوالحسن خان - این که گفتند انتخاب وزرا با شاه است همین‌طور حق است.

بعد از اینکه شاه یک نفر را انتخاب فرمود و به او امر کرد که سایر وزرا را انتخاب نماید و مسئولیت را از او بخواهد بر او است که اشخاص قابل‌کاردان را انتخاب نماید و هیچ‌کس حق گفت‌وگو ندارد.

مگر اینکه نتوانند از عهده کار برآیند آنوقت عزل ایشان را مجلس از پیشگاه همایونی درخواست می‌کند.

همین‌طور که شاه رئیس‌الوزرا را معین می‌کند می‌تواند بگوید فلان کس هم از برای فلان وزارت خوب است.

ولی رئیس‌الوزرا را حق دارد رد کند یا قبول نماید چون او مسئول است. نایب رئیس - باید چند مطلب دیگر هم مذاکره شود این مطالب که باید حضور همایونی عرض شود فی‌الجمله معلوم شد در آخر مجلس نوشته می‌شود. آقاسید محمدجعفر - اگر شاه اقتراحاً کسی را انتخاب کند حق ندارد مثل این که بقال را به جای طیب اختیار نمایند که این طیب است این ترتیب را مجلس حق دارد رد کند باید اشخاصی باشند که قابلیت داشته باشند.

حسام‌الاسلام - یک قضیه فرض می‌کنیم یک پدر مهربان و یک مادر مهربان که ده اولاد دارد حالا این مادر مریض شده طیب آورده‌اند از برای معالجه کراً تجربه شده است که او از عهده بر نمی‌آید آیا باید حرف پدر را در اینجا قبول کرد؟

این وطن مادر ما است آیا باید بگذاریم که این مادر بمیرد ما امروز طیب حاذق می‌خواهیم اینها قابل نیستند.

در مذاکرات روز پنج‌شنبه ۲۱ شوال‌المکرم دارالشورای ملی ادامه تبیین رابطه

مجلس با شاه بر اساس قانون اساسی مورد بحث قرار گرفت:
در ابتدا خلاصه مذاکرات روز سه‌شنبه ۱۹ را آقای میرزا طاهر قرائت کردند.
نایب رئیس - دستخطی که دیروز صادر شده بود امروز باید خوانده شود در مجلس
علنی باشد یا نه.

(تماماً تصدیق کردند که علناً خوانده شود)

(در این موقع اجازه ورود به نظر داده شد و نظر ورود نمودند)

نایب رئیس - دیروز به جهت تشرف به حضور همایونی چند نفر از وکلا معین شده
و مشرف شدند بدیة اعلیحضرت نطقی فرمودند و بعد از آن دستخطی که شارح
نیات ملوکانه بود به محمدحسن خان پسر وزیر دربار مرحمت فرموده قرائت شد و
پاره‌ای مذاکرات هم شد هنگام مرخصی استدعا شد سواد دستخط را مرحمت
فرمایند امروز مرحمت فرموده این است که قرائت می‌شود قرائت شد.

سواد دستخط مبارک دستخط اعلیحضرت اقدس همایونی اروحنا فده

امروز برای دو فقره کار شما را احضار کردم. اولاً در کارهای راجع به خود مجلس و
آن این است که در تمام دول مشروطه دو قوه است یکی قوه قانونیه و یکی قوه
اجرائیه رفع اغتشاش را در تمام دنیا در این دیدند که این دو قوه همیشه از هم جدا
باشد آنکه قوه قانونیه است در مجلس است و آنکه قوه اجرائیه است با دولت است و
برای این کار حقوقی معین شده و نظامنامه نوشته شده است آنکه حقوق دولت است
معلوم است و آنکه حقوق مجلس پارلمنت است آن هم معلوم است و حالا ملاحظه
می‌کنم که هیچ یک از این دو حقوق در میان نیست و از امروز به بعد این حقوق
باید منفصل شود حقوق دولت معلوم شده و به حقوق خودش رفتار نماید مجلس هم
به همچنین باید به وظیفه خود عمل نماید و این دو قوه قانونیه و اجرائیه باید منفک
شود تا همگی وظیفه خودشان را بدانند و با وضع حالیه و بی‌تکلیفی نتیجه همین
است که ملاحظه می‌کنید اطراف و جوانب و سرحدات همه مغشوش چه خونها که
ریخته و چه بی‌نظمی‌ها که می‌شود پس تا کی باید صبر کرد و تا کی باید سکوت
نمود و رفع این انقلابات را نکرد در این صورت لازم است که هرچه زودتر در
جلوگیری از این اغتشاشات برآمده و مملکت را منظم دارد مطلب دوم شخص تا
خانه خودش را منظم نکند مطلقاً نمی‌تواند جای دیگر را نظم بدهد و امروز وضع
تهران که پایتخت مملکت است مافوق تصور خراب و بی‌نظم است و تا این نقطه

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

که پایتخت دولت است منظم نشود محال است هیچ جا را بتوان منظم کرد در این شهر شب و روز مردم خواب و آسایش ندارند از جان و مال خودشان ایمن نیستند اشرار تماماً هریک به اسم انجمن برای خودشان محلی معین کرده و محل آسایش اهالی و نظم شهر شده و سایر انجمن‌های صحیح را بدنام کرده امروز مداخله به تمام امورات سیاسی و دولتی و مجلس پارلمنت می‌نمایند از شماها سؤال می‌کنم در کدام دولت مشروطه سهل است در کدام دولت جمهوری این قسم مداخلات می‌نمایند اگر برای حفظ مجلس است حفظ مجلس به موجب عهده‌ی که با قرآن خدا در نگاهداری مشروطه نموده‌ام برعهده شخص من است نه رعیت پس این حرکات چیست و علت این که در این شهر به واسطه این چند انجمن‌ها که محل هستند هر روز یک اغتشاش کاری و یک بی‌نظمی واقع می‌شود و کسی جلوگیری نمی‌کند چیست و حالا از امروز از انجمن‌هایی که مقصودشان بی‌نظمی و تولید است فساد باید به کلی جلوگیری شود و تا قانون این انجمن‌ها نوشته نشده و از روی دقت ملاحظه نشود نباید اجتماعی نمایند که سلب آسایش از ملت و اسباب بی‌نظمی مملکت بشود و باید حکومت در کمال قدرت مشغول نظم و اعاده امنیت این شهر شده و اگر پسر یا برادر من هم مرتکب امر خلاف و بی‌نظمی بشوند حتماً باید جلوگیری کنند شماها هم بروید در این سه چهار روزه مذاکرات لازمه نموده رأی خودتان را تا روز یک‌شنبه بیاپید و اطلاع بدهید.

حاج سید نصرالله - فرمایشات و بیاناتی که فرمودند همه شاهانه بود همه دول هم تصدیق دارند که قوه مقننه از قوه مجریه باید جدا باشد و هریک به کار خود رسیدگی نماید مجلس ما هم از وضع خود تخلف نکرده ولی اغلب در این مدتی که افتتاح شده مشغول دفاع بوده است و به هیچ‌وجه مجلس از وظیفه خود تجاوز نکرده بلکه برحسب نظارتی که در اجرای قانون دارد یک اندازه هم تسامح کرده است فرمایش دیگر در خصوص انجمن‌ها است صحیح است انجمنی که مولد فتنه باشد البته باید رفع کرد اما باید ببینیم کدام یک از این انجمن‌ها از حد خود خارج شده‌اند بلی بعضی از انجمن‌ها هست که سری است و مخرب اساس مشروطیت است. و در حقیقت مخرب سلطنت محمدعلی شاه است البته این‌گونه انجمن‌ها را باید رفع کرد فرمایش ملوکانه هم این بود که من خودم حافظ اساس مشروطیت هستم پس خواهش می‌کنم آن انجمن نباشد. که تا قیام قائم این سلطنت در خانواده

اعلیحضرت پاینده بماند اگر کسی خیال خامی بکند باید از این خیالات بگذرد پس این نوع انجمن‌ها را با تمام قوا باید رفع کرد حال بینیم صلاح می‌دانید که اسامی آن انجمن‌ها برده شود یا نه.

(همه گفتند بلی).

ولی من باز صلاح نمی‌دانم اسم ببرم چند روزی باشد من می‌گویم آن اجتماعی که آقاسید علی یزدی فراهم می‌آورد او مخرب اساس و باعث فتنه مملکت است دیگر حرف از اینها گذشته است آنچه گفتنی است باید گفته شود حال اگر مجلس صلاح بدانند همین مطالب لایحه در جواب اعلیحضرت عرض شود روز یکشنبه تقدیم حضور همایونی نماییم.

حاج محمداسمعیل آقا - عمده مقاصد من هم همان بود که آقای حاجی سید نصرالله گفتند ولی عرض می‌کنم آنچه اعلیحضرت فرمودند تمام صحیح است قوه مجریه باید از قوه مقننه مجزی باشد ما هم از وقتی که در آنجا نشستیم از برای همین مطلب است که این دو قوه از هم جدا باشد خوب بود اعلیحضرت این خطاب را به قوه مجریه بفرمایند که چرا آنها از کار خود باز می‌مانند تا آنها موانع خود را اظهار دارند در خصوص انجمن‌ها این عده مردم برحسب آزادی اجتماعات حاضر شده که هرگاه مانعی از برای پیشرفت مشروطیت پیش آید آنها مدافعه نمایند حال معلوم شود که کدام یک از آنها مانع پیشرفت کار قوه مجریه است.

صدیق حضرت - در این که ما از وظیفه خودمان تجاوز نکرده‌ایم هیچ شبهه نیست و بهترین شاهد در این مقام خود قوه مجریه است ولی یک مطلب در این دستخط فراموش شده است و آن وظیفه رئیس قوه مجریه است که خود اعلیحضرت همایونی باشد بعد از رسیدن قانون اساسی به صحنه هر امری را که رئیس قوه مجریه اقدام می‌فرماید باید به اطلاع و تصویب وزرا باشد ولی می‌بینیم بعضی کارها می‌گذرد بدون اطلاع آنها مثل اینکه تقسیم قشون می‌شود بدون اطلاع وزارت جنگ خوب است در این خصوص هم نظری بشود که بین قوه مجریه هم تفکیک بشود اعلیحضرت خوب است این ملاحظه را هم بفرمایند تا رفع شود.

بحرالعلوم - همان طور است که آقای حاجی سید نصرالله گفتند مجلس هیچ از وظیفه خود تجاوز نکرده است اگر تأخیری شده از طرف قوه مجریه شده است.

وکیل‌الرعا یا - هریک از قوه مقننه و قوه مجریه تکلیف جداگانه دارند باید به تکلیف

خود رفتار نمایند در این مدت اختلال مملکت هرچه شد از آن راه شد که قوه مجریه قوانین موضوعه را اجرا نداشت.

رئیس‌التجار - در این دستخط که شرف صدور یافته چنین اشعار داشت که انجمن‌ها دخالت در کارها می‌کنند ولی چندین اغتشاش دیدیم که ربطی به انجمن‌ها نداشت اولاً یک نفر معلم نسبت به یک نفر وزیر یک سو رفتاری عظیم کرد و مجازات ندید آن روز پشت خانه وزیر مالیه آن ترتیب و وضعی را که مهترهای طویله خاصه و سربازها و غیره رفتار کردند و ابداً جلوگیری نشد سرباز با قزاق آن‌طور نزاع کردند و مجازات نشد دیشب چند نفر سرباز از فوج مخصوص دو نفر را کشته‌اند مجازات داده نمی‌شود دو فوج سرباز به ظفرالسلطنه داده شد وزیر جنگ اطلاع ندارد فوج کشیشک‌خانه را تغییر داده و ملبوس جدید داده می‌شود هیچ وزیر جنگ اطلاع ندارد در این امورات هیچ کدام انجمن‌ها دخالت نداشته‌اند مگر انجمن‌هایی که آقای حاجی سیدنصرالله گفتند که مخرب اساس است والا محذوری در بین نیست حکومت شیراز معین شده چرا نمی‌رود مجلس منتهی می‌گوید چرا قوانین اجرا نمی‌شود.

سیدالحکما - به عقیده بنده در این موضوع به این اندازه مذاکره کفایت است و همان‌طور که آقای حاجی سید نصرالله گفتند یک عده ده نفری باید بنشینند و جواب دستخط همایونی را لایحه بنویسند حالا مطلب دیگر مذاکره شود.

آقامیرزا محمود - یک قوه دیگر هم پیدا شده است که آن از قلم افتاده است آن را باید از میان برداشت تا قوه مجریه بتواند کار بکند و آن قوه قوه مفسده هستند و همه هم می‌دانند که چه اشخاصی هستند.

حاج سید عبدالحسین شهشهانی - در جواب دستخط همان‌طور که آقای حاجی سیدنصرالله گفتند باید نوشته شود و به مجلس بیاید ولی ما هم باید از اعلیحضرت استدعا کنیم که رفع موانع قوه مجریه را بفرمایند که قوانین را اجرا کند.

وکیل‌الرعايا - رئیس اجرا اعلیحضرت است شش ماه است استرآباد حاکم ندارد در فکر نبود جهان شاه خان تمام رعايا را غارت کرد ما هیچ نگفتیم من قسم خوردم که خیانت به اعلیحضرت نکنم می‌گویم که مظلوم‌ترین اهل این مملکت اعلیحضرت است آنهایی که سال‌ها مال این مملکت را خوردند و به آن مقام منیع سلطنت که جای کیان بود خیانت کردند آنها را باید دور کرد که باعث خرابی

مملکت و اختلال حال ملت هستند اشخاصشان را همه می‌شناسند و انجمنی که دارند همه می‌دانند که کدام انجمن مخالف با قانون رفتار کرده باید این‌گونه اشخاص مفسد را دور کرد و مجازات داد.

آقاسید علینقی - ما گمان کردیم همین که اعلیحضرت و هشت وزیر در امنیت اتفاق کردند کفایت است الحمدلله وزرا خوب همراه هستند و اعلیحضرت هم همین‌طور که فرمودند حافظ این اساسند پس خوب است بفهمیم که این انقلاب از کجا است از انجمن‌ها هم تخطی نشده جز اینکه به واسطه ایادی غیبی این اغتشاشات برپا است باید تفحص کرد و آن ایادی غیبی را به‌دست آورد.

آقاشیخ حسین - کراراً گفته باز هم می‌گوییم که شاه مقدس است و باید رعایت حال ملت و مملکت را بفرمایند ولی عرض می‌کنم که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه اگر یک نفر برخلاف میل ناصرالدین شاه یک حرفی می‌زد ولو اینکه مفید به حال ملت و مملکت بود به هر بهانه که می‌شد او را معدوم می‌کردند اینکه شما می‌گویید که بعضی از انجمن‌های سری در صدد تخریب و تقنین هستند خود اعلیحضرت محمدعلی شاه بهتر از ما می‌شناسند اگر می‌خواهند که دولت مشروطه و برقرار باشد باید آنها را دور کند حالا هم می‌گوییم و اسم آنها را نمی‌برم تا خودشان شاید دوری کنند یا اعلیحضرت آنها را رفع کنند والا ملت در صدد برآمده آنها را رفع خواهد کرد.

احسن‌الدوله - اعلیحضرت از نظم مملکت عاجز نیستند و خیلی قدرت دارند و اگر نکرده‌اند جهت این است که بنده قوه مجریه را به منزله تیغ دو دمه می‌دانم و دسته آن هم قوه مقننه است که این‌ها متفقاً باید به کار باشند.

ولی آنهایی که از زمان اعلیحضرت مظفرالدین شاه پرورش یافته‌اند و دانه درشت چیده‌اند حالا هم می‌خواهند همان‌طور رفتار کنند و مانع هستند که این تیغ به وظیفه خود عمل کند والا اعلیحضرت عاجز از امنیت دادن نیستند.

حاجی میرزا علی آقا - وظیفه مجلس آن است که قوانین را به عبارات ساده بنویسد ولی نباید عیوب مملکت و دربار و غیره و عیوب امرا را آشکارا بگوید که فلان چه کرده و کی چه گفته که از مجلس به انجمن‌ها و از انجمن‌ها به بازار و تولید سوء ظن بین عوام‌الناس و سایر ولایات بشود در حدیث است که می‌فرماید لاترابوا فتشکو ولا تشکوا فتکفروا پس نباید این اظهارات را نزد عامه نمود که اسباب سوء

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

ظن بشود.

صحیح نیست در مجلس این گونه صحبت‌ها بشود که آنها بگویند اینها با هم منافی هستند و متفق نیستند.

آقاسید مهدی - از این دستخط یک مژده بزرگی فرموده‌اند که خودم حافظ امنیت هستم ولی اعلیحضرت به قوه نفس باید ذکاوت چهل مرد کامل را داشته باشند یقین بهتر می‌دانند که در این مملکت یک کارخانه فتنه‌سازی است تا آن کارخانه فتنه‌سازی خراب نشود امنیت حاصل نمی‌شود.

آقامیرزا ابوالحسن خان - عقیده بنده این است که زیاده از این لازم نیست که مذاکره شود دیروز در حضور مبارک عرض کردم که مجلس در قوه مجریه هیچ وقت دخالت نکرده و ما باید از وزرای مسئول بخواهیم مجلس با اعلیحضرت در این موارد کاری ندارد.

وکیل‌الرغایا - رئیس اجرا اعلیحضرت همایونی است.

آقامیرزا ابوالحسن خان - شاه مقدس است و مسئول اجرا نیست فقط ریاست اجرا را از ایشان می‌خواهم ولی با وزرای مسئول است باید از آنها خواسته شود. محقق‌الدوله - زوجات شاه شهید در اینجا برای کسر حقوق‌شان متحصن شده و لایحه نوشته‌اند خوانده شود و جواب کتبی از مجلس خواسته‌اند جوابی داده شود و نباید گذاشت که آنها اینجا بمانند.

نایب رئیس - عقیده بنده این است که رجوع شود به کمیسیون مالیه.

رئیس - حال قرار شد که رجوع شود به کمیسیون مالیه؟

آقامیرزا محمود - بودن آنها آنجا صحیح نیست.

محقق‌الدوله - اگر اجازه بدهید خوانده شود تا مقصود آنها معلوم گردد.

آقامیرزا محمود - به موجب یک ماده از نظامنامه داخلی ترتیب و تعیین این گونه مطالب با رئیس است که خوانده شود یا خیر.

رئیس - مانعی نیست در این لایحه از این که خوانده شود ضرری ندارد خوانده شد قریب به این مضمون.

به شرف عرض امنای مجلس مقدس می‌رسانم سابقاً عریضه عرض کردیم جواب داده نشد چند روز منتظر شدیم لابد امروز آمدیم در بهارستان متحصن شدیم در باب کسر حقوق ما استدعا داریم مذاکره شده اجازه فرمایند که کسر نشود حقوق ما

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آن قدرها نیست برفرض کسر شود از تمام هزار و پانصد تومان است آن هم نه به درد دولت و نه به درد ملت می‌خورد از عمر ما هم چیزی باقی نمانده و املاک هم نداریم که فروخته خرج نماییم استدعا داریم ما را مأیوس نفرمایند. وکیل التجار - این که نوشته‌اند سابقاً هم عریضه عرض کرده‌اند دیروز در کمیسیون مالیه قرار شد که جواب داده شود.

آقامیرزا محمود - این محترمان آن جواهرات و املاکی که دارند بفروشدند و خرج کنند ملت دیگر قدرت و توانایی ندارد که چیزی به آنها بدهد.

اسدالله میرزا - خواتین محترمند خاصه اینکه بسته به خانواده سلطنت باشند خوب است از طرف کمیسیون مالیه جوابی داده شود که اینجا نمانند اما نسبت به حال آنها بعضی‌ها هستند همان‌طور که آقامیرزا محمود گفتند ذخیره و املاک دارند ولی بعضی هم هستند که یک وقتی ملکه ایران بوده‌اند ولی امروزه محتاجند اسم نمی‌برم خوب است مقرر شود یا وزارت مالیه یا کمیسیون مالیه تحقیق نمایند آنهایی که نهایت درجه استیصال را دارند از یک ممری در حق آنها رعایت شود.

آقا شیخ حسین - اگر بنا بشود که ملاحظه این محترمان بشود خیلی از علویات هستند که شام شب ندارند اگر رعایت می‌شود در حق آنها بشود این‌ها هم مثل سایرین باشند من یک نفر به این گریه و زاری‌ها گوش نخواهم داد همان‌طور که بودجه مالیه نوشته است باید اجری شود.

آقامیرزا محمود - بنده عقیده‌ام این است که یک بودجه را هشت ماه مجلس زحمت کشیده خارج کرد حالا اگر قرار شود که به استدعا و خواهش یک قلم آن تغییر داده شود باید تمام آن را از سر گرفت و آن وقت شما دارای هیچ مالیات نخواهید بود باید هیچ ملاحظه نشود و همان‌طور که در مجلس رأی گرفته شده باید اجرا شود.

وکیل الرعایا - باید دانست محل احتیاج حضرات چیست و ببینم جواهرات و انگشترهای الماس جزو ذخیره است اگر می‌خواهند مثل سابق رفتار کنند که نمی‌شود والا به ماهی صد تومان هم گذران آنها می‌شود و به این اندازه هم دارند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - حالا مجلس ترتیبی پیدا کرده و کمیسیون‌ها هست این مسأله را خوب بود بدو اعضای رئیسه دقتی کرده به کمیسیون مالیه می‌فرستادند اعضای کمیسیون مالیه هم حالا زیاد شده به قدر کفاف است آنها رسیدگی

می‌کردند و جواب می‌دادند نمی‌شود به این مطالب اینقدر اهمیت گذاشت و وقت صرف کرد.

رئیس - جمعی از زوجات شاه در اینجا متحصن هستند نمی‌شود گذاشت اینجا باشند تا روز سه‌شنبه تا جواب از کمیسیون مالیه داده شود.

آقاسید حسن تقی‌زاده - بنده هیچ به زوجات اهمیت نمی‌دهم.

اسدالله میرزا - همان‌طور که آقای تقی‌زاده گفتند ما در این موقع برخلاف ترتیب رفتار کردیم ولی به ملاحظه اینکه این خواتین بستگی به خانواده سلطنت دارند اهمیت داده شد حالا هم وزارت مالیه یا کمیسیون مالیه در این باب تحقیقات نموده رعایتی در حق اشخاصی که مستأصل هستند نکنند.

آقا ملاحسن وارث - این رعایت را خوب است شاهزادگان بزرگ مثل ظل‌السلطان و نایب‌السلطنه نکنند در حق آنها.

اسدالله میرزا - مثلی است معروف می‌گویند شخصی رفت پیش شخصی که ما و تو هر دو اولاد آدم هستیم بیا هرچه داریم تقسیم کنیم به این‌طور نمی‌شود شاهزاده ظل‌السلطان در همین ایام قریب صد هزار تومان داده و از وقتی که آمده چقدرها مخارج نموده اگر این‌طور باشد او هم چند روز دیگر همین‌طور خواهد شد.

آقاسید علینقی - این اظهاری که آنها می‌کنند از این باب نیست که ایرادی بر اعضای کمیسیون کرده باشند بلکه می‌گویند این کسری که شما از حقوق کرده‌اید لابد از روی یک اساسی بوده است رعایت شاهزادگی و غیره نشده با که رعایت استیصال و استحقاق را کرده‌اند پس حالا اگر تحقیق شود که در وسط آنها مستأصل هست یا خیر ضروری ندارد رعایت شود.

آقاسید حسن تقی‌زاده - اینکه می‌گویند از خانواده سلطنت هستند اینها از خانواده سلطنت نیستند یک وقتی یک سلطانی آمد و عیال زیاد گرفت حالا نباید تا قیامت از مال ملت بخورند اینکه می‌گویند رعایت شود بلی رعایت کردن خوب است ولی از مال شخصی نه از مال ملت مسأله دیگر اینکه ما در این جا باید از مطالب مهم و عمده صحبت بکنیم از کلیات حرف بزنیم نه اینکه هر و کیلی از محل خودش صحبت بکند من می‌گویم امروز از همه چیز لازم و مهم‌تر تأمین پایتخت است اگر در این جا یک نفر کشته شد در سایر جاها صد نفر کشته می‌شود اگر این جا یک دکان برود جاهای دیگر یک بازار می‌رود پس از وزرا محترم می‌خواهیم که هر کس

خالفت کرد او را مجازات بدهند را از سر کرده او بخواهند و مجازات بدهند.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - دیشب دو نفر کشته شده‌اند و چند نفر مجروح در خانه ما افتاده‌اند البته اهل مجلس شنیده‌اند دیشب اول شب نزدیک دروازه حضرت عبدالعظیم سربازها خواسته‌اند رد شوند نمی‌دانم سابقه در میان بوده یا خیر تعرض می‌نمایند اینها هم قبول نمی‌کنند بعد قمه‌کشی می‌شود دو ساعت و نیم از شب رفته رؤسای آنجا آمدند اظهار کردند که چنین اتفاق افتاده و مجروحین را هم آورده بودند پرسیدم از کدام فوج است گفتند از فوج مخصوص پرسیدم سپرده یکی است گفتند به ظفرالسلطنه تلفون کردم صبح بفرستید اینها را معاینه کنند مقصر را بگیرند و اینها را رها نکنند که فردا اسباب مفسده دیگر بشود ساعت پنج آمدند داد و فریاد کردند که سربازها دو نفر را کشته‌اند خواستم تلفون کنم گفتند حالا وقت گذشته است صبح ادم وزیر جنگ و ادم ظفرالسلطنه و سردار مکرم آمده بودند که یک دفعه دکان‌ها را بسته‌اند من اصرار کردم تا این که دکان‌ها را باز کردند حالا که می‌آدم گفتند چهار نفر از آنها را گرفته‌اند اینها که گرفته شوند اهالی سیدنصرالدین ساکت می‌شوند والا اسباب فساد می‌شد.

وزیر جنگ - همین طور که آقا گفتند چهار نفر گرفته شده یکی دو نفر هم گرفته می‌شود و مجازات داده می‌شود ظفرالسلطنه را هم احضار کرده و تحقیقات لازمه نموده و می‌نماید پس از آنکه معلوم شد قانوناً جلوگیری نکرده‌اند البته هم باید مؤاخذه بشود که چرا جلوگیری نکرده و نیز نمی‌تواند استعفا بدهد تا بحدی و کس دیگری را معین نمایند.

صدیق حضرت - رئیسی که نمی‌تواند جلوگیری کند و باید بعد از اطلاع استعفا بدهد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - این جواب وزیر جنگ بنده را قانع بکنیم ما باید به قانون اساسی رفتار کنیم همان‌طور که دیروز اعلیحضرت فرمودند ما بیاید به صرف این که اقدام خواهد شد قانع شویم بنده می‌گویم دیشب آدم گشتند چرا اقدام نکردند ولی باید از قوه مجریه سؤال کنیم که را تا حال اقدام نکردند و مجازات ندادند.

وزیر جنگ نه این است که اقدام نشده باشد اقدام شده است امروز صبح ظفرالسلطنه را خواستم ولی تقصیر او باید قانوناً ثبت شود البته پس از ثبوت مجازات داده خواهد شد.

حاجی سید نصرالله - در باب این واقعه همان است که آقامیرزا ابوالحسن خان گفتند ولی پاره‌ای از قوانین هست که باید وضع شده به صحه همایونی برسد لیکن قوانینی که در شرع معین شده است آنها مجری است مثلاً در عدلیه یکی شش لول کشیده این در حکم مفسد فی الارض است حالا هم خوب است حضرت حجة الاسلام این اشخاص که دو نفر را کشته‌اند به طوری که خدا فرموده است به دار بزنند آقای آقاسید عبدالله مجتهد - روی کلام من به این مسلمین است که حاضر شده‌اند برای اجرای احکام الهی چندی قبل با آقای آقامیرزا سید محمد یک قصدی کردیم و مقصود ما هم شهیدالله مخالفت با دولت نبوده بلکه تقویت دولت بود و هست و آن این بود که یک عده قشونی داوطلبانه حاضر شده دولت هم لباس بدهد مشق کنند این بود که اعلان کردیم و خیلی هم سعی نمودیم حالا هم مجلس مقدس اجازه بدهد که به همان طور رفتار شود هم ملت شوق دارد هم اسباب تقویت دولت خواهد شد به دستوری که وزارت جنگ معین می‌نماید شروع کنند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - البته فرمایش حضرت حجة الاسلام مطاع است ولی امروز تکلیف مجلس نیست که به این کار اقدام کند همان طوری که فرمودید وزارت جنگ در این باب ترتیبی بدهد و پروگرامی پیشنهاد مجلس نماید که دولت امروزه به این ترتیب سرباز داوطلب می‌گیرد آن وقت در مجلس مطرح شده و جواب داده شود.

در ادامه مذاکرات روز شنبه ۲۳ شهر شوال، دارالشورای ملی نیز بحث از رابطه قانونی مجلس با شاه پیگیری می‌شود:

آقامیرزا ابوالحسن خان - مجلس حق وضع قانون و نظارت در اجرای قانون هر دو را دارد و رسیدگی به عرایض عموم را هم حق دارد تنها نفرمایند کار مجلس قانون است ما باید همه وقت وزرا را در مجلس علنی خواسته و توضیحات بخواهیم.

آقامیرزا سید حسن - در دستخط اعلیحضرت بود که انسان تا خانه خود را نتواند منظم کند جاهای دیگر را نمی‌تواند نظم بدهد مکرر گفته شده که مجلس در سه ساعت به غروب مانده منعقد شود و نشده است و همچنین اطلاع از مذاکرات روز بعد قبل از وقت داده شود خوب است اول این مطلب درست شود.

رئیس - حالا که این گفت‌وگو شد مسأله‌ایست عرض می‌کنم مکرر از خارج در این باب کاغذ با امضا و بی‌امضا رسیده است و تا حالا هم آنچه گفته شده اثر نبخشیده

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

پس خوب است فردا مجلس زودتر منعقد شده بعد از قرائت لایحه که باید تقدیم حضور اعلیحضرت شود در باب وقت جدا مذاکره شود و یک مجازاتی برای آقایانی که در سر وقت حاضر نشوند قرار بگذارید و من هم بدون تعلل و ملاحظه مجری می‌دارم.

آقامیرزا فضلعلی آقا - یک ایرادی بر مجلس کردند که ظاهراً آن ایراد وارد است و جمعی هم تصدیق کردند ولی بنده برخلاف عموم می‌گویم وارد نیست این که گفته شد عنوانی که در مجلس مطرح می‌شود قبل از وقت معین نشده بنده عرض می‌نمایم عنوان معین مجلس وضع قانون است و همیشه هم یک قانونی در مجلس حاضر بود.

اما مطالبی که بگفته‌ام وارد می‌شود و به واسطه اهمیتی که دارد مطرح می‌شود و قرائت قانون تأخیر می‌افتد خارج از این ترتیب است پس مجلس از وظیفه خود تجاوز نکرده است و ایرادی که کردند وارد نیست.

در مذاکرات روز یکشنبه ۲۴ شوال المکرم دارالشورای ملی باز سخن از ارتباط قانونی شاه و مجلس شورای ملی است:

خلاصه مذاکرات روز شنبه ۲۳ را آقامیرزا طاهر قرائت کردند.

رئیس - این جوابی است برای دستخط اعلیحضرت همایونی عرض شده قرائت شد قریب به این مضمون.

مجلس مقدس شورای ملی نهایت تشکر را دارد که اعلیحضرت شهریاری خلدالله ملکه عطف توجه مخصوص در انتظام امور مملکت و ترفیه حال رعیت فرموده‌اند در باب تفکیک دو قوه و لزوم تجزیه این دو که مایه سعادت مملکت است هیچ حرف نیست در قانون اساسی نیز همین نحو مقرر است و هیچ وقت مجلس تخطی از حد خود نکرده و البته دولت هم نباید در اجرائیات تسامح و تعلل ورزیده و از حدود قابل تجاوز نمایند تا موجب تزلزل قوه مقننه بشود در باب انجمن‌ها البته خاطر مبارک اعلیحضرت مستحضر است که به موجب نظامنامه اساسی اجتماعات آزاد است و برای تنظیم آن هم نظامنامه نوشته می‌شود که عملاً قریب از صحنه همایونی خواهد گذشت و آن وقت هرکدام موافق با قانون است فیها و هرکدام مخالف با قانون شد مجازات و جلوگیری خواهد شد و به توجه بذل ملوکانه عاجلاً همگی در سایه نظم و امنیت مشغول به دعاگویی خواهند بود.

رئیس - اگر مجلس اجازه می‌دهد این لایحه در همراه چهار نفر تقدیم حضور همایونی شود.

(گفته شد خوب است).

آقاسید حسن تقی‌زاده - در فقره دوم بنده ملاحظه دارم در فقره اول آنچه مقصود بود بهتر از آن نوشته شده اما در فقره دوم در تمام مملکت‌ها چه پارلمنت ملت و چه دولت قانون را خودبه‌خود نمی‌نویسند بلکه به مقتضای زمان و به حس ملت می‌نویسند همچنین است این مجلس یک دفعه می‌بینند یک اتفاقی اقتضا می‌کند که یک قانونی احداث می‌شود حالا اینجادر خصوص انجمن‌ها اصول آن در قانون اساسی نوشته شده است و ما بالمره تاسی به ممالک خارجه نمی‌توانیم بکنیم. زیرا که آنجاها مسبوق به مقدمات بوده‌اند و اینجا در اجتماعات یک اندازه که مقتضی بوده سخت‌گیری شده است همچنین شاید در سایر چیزها هم بشود به اقتضای مملکت ولی من می‌توانم ادعا کنم که اجتماعات در ممالک اسلام در زمان استبداد هم زیادتر از سایر ممالک مشروطه حتی ممالک جمهوری بوده و آزادتر هم بوده و همیشه جمع می‌شده‌اند و در امور دینی و دنیوی خود صحبت می‌کرده‌اند امروز هم که می‌بینیم مقدمه الجیش عنوان سیاسیون و ناطقین ما همین است پس دیگر از برای این نظامنامه لازم نیست همان قدر که در قانون اساسی نوشته شده کافی است و آن سه شرط کفایت می‌کند که مخل به نظم نباشد و اساس آن مخالف سیاست دینی و دنیوی نباشد سلاح هم همراه نداشته باشند پس مجبور نیستیم که مثل سایر ممالک که چندین سال مقدمات داشته و با اینکه تمام حقوق خود را هم گرفته‌اند و در اجتماعات اسباب اختلال فراهم آورده مجبور به بعضی نظامنامه‌ها شوند اینجا هنوز ملت از هزار و یک حقوق خود را استیفا نکرده است بعد از آنکه تمام هستی و لباس او را کردند و فقط حالا التماس می‌نمایند که پیراهن مرا بگذارید باشد پس دیگر این جا نوشتن نظامنامه لازم نیست و همان قانون اسلام قانون اساسی ما است و اجتماعات در قانون اسلام آزاد بوده وهست مگر اینکه مولد فتنه دینی و دنیوی باشد که آن اجتماعات نباید منعقد شود و یا مخل به نظم باشد که باید جلوگیری کرد و همچنین در صورتی که با سلاح باشند این سه شرط را باید در اجتماعات کرد و به غیر از این تمام اجتماعات به حکم اسلام آزاد است.

مستشارالدوله - اینکه آقای تقی‌زاده فرمودند در همان مضمون جواب مستتر است

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

اینکه نوشته شده برحسب قانون اساسی آزادند برای اینکه مولد فتنه دینی و دنیوی نباشد و مخل نظم نباشد آن نظامنامه که نوشته می‌شود برطبق همان قانون اساسیست که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل نظم و دارای سلاح نباشند این یک جمله است که توضیح می‌کند آن ماده از قانون اساسی را یکی دیگر اینکه این نظامنامه معین می‌کند که انجمن‌ها باید موافق با قانون اساسی باشند یعنی خارج از آن قانون نمی‌شود باشد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - اگر موافق آن باشد ضرری ندارد.

رئیس - البته برطبق همان است.

آقای حاج امام جمعه - انسان همه وقت می‌تواند مطلب حق خود را به یک عبارتی لباس باطل بپوشاند و همچنین باطل را لباس حق حال این مطالبی که آقای تقی‌زاده گفتند همه حق است و اگرچه انجمن‌ها هم مخالف با قانون نیستند اما همین قدر که گفته شود انجمن‌ها نظامنامه لازم ندارد این حرف خودش زنده است و همچو می‌نمایند که اینها می‌خواهند انجمن‌ها بی‌نظم باشند چه ضرر دارد در لایحه نوشته شود که نظامنامه هم نوشته می‌شود که موافق با قانون اساسی باشد و این مطالبی که گفته شد در وقت نوشته شدن نظامنامه دقت و ملاحظه شود که مخالف با قانون اساسی نباشد.

بحرالعلوم - در نظامنامه اساسی ما از هیچ چیز کوتاهی نشده و گمان بنده این است همان نظامنامه اساسی کفایت می‌کند و حاجت به نظامنامه علیحده نداریم خود انجمن‌ها هم نظامنامه دارند که مخالف با اساسی نیست.

آقامیرزا ابوالحسن خان - عقیده بنده مثل عقیده جناب حاج امام جمعه و سایر آقایان است مقصود این است که نظامنامه از برای تمیز فیما بین صحیح و فاسد است پس یک نظامنامه از روی قانون اساسی لازم است.

آقای حاج امام جمعه - گویا اشتباه شده باشد که می‌گویند نظامنامه اساسی کافی است و حال آن که این‌طور نیست هریک از مواد نظامنامه اساسی شرح و تفصیل جداگانه لازم دارد.

آقامیرزا طاهر - عقیده بنده این است که مسأله اخیر ضرر ندارد و نسبت به انجمن‌ها نقصی وارد نخواهد شد ولی در مسأله اول که تکلیف خود را منحصر به وضع قانون و نظارت در اجرای نموده‌ایم و حال آن که خصائص دیگر نیز مجلس

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

دارد که از آنها ذکرى نشده است.

(گفتند ضررى ندارد).

رئیس - تقریباً همین جواب مقبول شد.

آقاسید حسن تقى‌زاده - برای این که ایرادى کردم و جواب‌ها دادند و مرا ساکت نکرد لازم است که مجدداً عرض کنم تا مقصود خودم را واضح کنم که در آنجا لازم نیست که اسم برده شود که نظامنامه نوشته مى‌شود در قانون اساسى آن دو ماده که تصریح مى‌کند که اجتماعات مخالف با اساس نظم و مخل با آسایش نباشد و نیز هرکس مخالف قانون رفتار نمود مجازات داده مى‌شود به عبارت مختصرى در لایحه گنجانده شود جواب همین مطلب را مى‌دهد و اگر نوشته شود که نظامنامه نوشته مى‌شود جواب نخواهد شد.

رئیس - این نکته که آقای تقى‌زاده گفتند نه به این جهت که ذکر شد بلکه به ملاحظه این که ایرادى بگیرند که انجمن‌ها موقوف باشد تا نظامنامه آنها نوشته شود اسباب اشکال است.

آقای حاجى امام جمعه - به عقیده بنده اینکه نوشته شده خلیلى خوب است کراراً عرض کردم که طرف را لباس مظلومیت نپوشانید همین که گفته شود نظامنامه لازم نیست این عبارت خودش زننده است ولى همین که نوشته شود که اجتماعات هرگاه مولد فتنه دینى یا دنیوى باشد در مجلس و دولت لازم است که جلوگیری شود رفع این ایرادات مى‌شود.

آقاسید حسن تقى‌زاده - این فرمایش جواب عرض بنده نیست بنده هم منکر نیستم که نظامنامه نوشته نشود بلکه به آواز بلند مى‌گویم که نظامنامه نوشته مى‌شود ولى در این لایحه طوری بنویسید که بگویند انجمن‌ها توقیف باشد تا وقتى که نظامنامه آنها نوشته شود و آن‌طور که بنده گفتم رفع این محذور را مى‌کند و آن دو ماده قانون اساسى هم مجرى شده.

آقای حاج امام جمعه - پس نزاعى در بین نیست نظامنامه نوشته مى‌شود.

آقامیرزا ابوالحسن خان - همان‌طور که فرمودند نظامنامه باید نوشته شود و منافاتى هم در بین نیست در این موقع جناب رئیس اظهار داشتند که عده اشخاص که باید حضور همایونى تشرف جسته و لایحه را تقدیم نمایند معین کنید اعضاى مجلس تعیین اشخاص را رجوع به تصویب جناب رئیس نموده و جناب معظم آقای حاجى امام جمعه و جناب آقاسید جعفر و شاهزاده اسدالله میرزا و جناب مخبرالملک را معین کردند.

ایجاد اصلاحات مالی و قضایی نوین

نمایندگان در مذاکرات دارالشورای ملی روز ۲۷ محرم الحرام ۱۳۲۵ در میان مسائل مختلفی که مطرح می‌کنند، مسأله حکام ولایات را به موضوع بحث تبدیل می‌کنند:

امروز دو نفر وکلای قزوین که جنابان مستطابان آقاشیخ حسین شهیدی و آقامیرزا حسین طبیب باشند با هیأتی از مستقلین و شئونات لازمه دو ساعت به غروب مانده وارد مجلس شدند بعد از تبریک و پذیرایی.

حاجی معین‌التجار - درخصوص اصلاح مالیه که اهم مطالب است کمیسیون تشکیل شده حال قریب پنجاه روز است که می‌گذرد و چیزی هم از سال باقی نیست نتیجه چه شد.

حاجی محمداسمعیل آقا - یکی دو مجلس حاضر شدیم جناب وثوق‌الدوله فرمودند فعلاً کاری نداریم تا صورتها استنساخ شود.

حاجی معین‌التجار - قبل از عید باید بودجه مالیه نوشته شود ده روز بیشتر به عید نمانده ترتیب حکام باید معین شود.

حاجی امین‌الضرب - جناب وثوق‌الدوله تشریف دارند تحقیق بفرمایید. سیدالحکما - از قراری که تحقیق شد جناب وثوق‌الدوله گفتند اشخاصی که از چند محل مواجب و مستمری و غیره می‌برند در یک جا جمع‌آوری می‌کنیم برای سهولت قرائت در مجلس و غیره.

میرزا محمود خوانساری - از قراری که شنیده‌ام دستورالعمل حکام را نوشته‌اند در این صورت اقدامات مجلس چه فایده دارد.

ادیب‌التجار - قونسول متظلمانه اهالی اصفهان را از علما و طلاب و کلیه رعایا قرائت کردند که خلاصه آنها از این قرار است.

ده روز است که به واسطه تعدیات فوق‌العاده دست از کار کشیده در قنسول‌خانه و تلگراف‌خانه متحصنین اجزای حکومت اطراف قونسول‌خانه و تلگراف‌خانه متفرق هریک از ماها را که دست آورده به قدر امکان اذیت و آزار می‌نمایند امنیت به کلی مسلوب خانه آقا سید ابراهیم که از جمله متکلمین است چایده‌اند وای به حال ملتی

که امناء دولت و ارکان مملکت موجبات آسایش آنها را این طور فراهم آرند. حاجی محمداسمعیل آقا - در این خصوص مجلس رأی داده و به مقام منبع صدارت عظمی هم نوشته شده دیگر مذاکره لازم ندارد اگر صلاح بدانند برای تأکید چیزی نوشته شود.

رئیس - آن روز که در مجلس مذاکره شد دبیرالملک معاون وزارت داخله حضور داشتند. البته مذاکرات مجلس را در این خصوص راپورت کرده‌اند نتیجه مذاکرات مجلس هم فرستاده شد صورت این تلگرافات هم به عقیده من باید فرستاده شود تا ببینیم چه اقدام می‌کنند.

آقامیرزا فضلعلی آقا - آن روز که دبیرالملک از مجلس رفت بنا بود جواب بیاورد چرا نیامد.

سید حسین بروجردی - دبیرالملک شاید تا نیم ساعت دیگر بیایند و موافق خیال شما دستخط بیاورند.

آقا میرعماد - ممکن است دولت رأی مجلس را بپذیرد و تغییر در حکومت بدهد بعد از دو سه روز همان حاکم اول را تعیین نماید مثل تنکابن پس از آنکه زحمات زیاد کشیده خیانت و ظلم پسر نصرالسلطنه را به تمام وزرا دربار ثابت کردیم و معزول شد معتمدالدوله را منصوب کردند معتمدالدوله عازم حرکت بود ثانیاً پسر نصرالسلطنه را منصوب کردند.

رئیس - شاید اصل نداشته باشد به وزارت داخله نوشته شود. وکیلالتجار - خوبست آن قانونی را که هرکس صاحب مستغلات کلی در ایالتی است نباید حاکم آن ایالت شود بنویسند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - آن لایحه قانونی که آقاشیخ حسین گفته بود بنده مختصراً چیزی نوشته‌ام عوض آنکه مباحثات دیگر بشود خوبست این قرائت شود. جناب رئیس اذن دادند و آقاسید حسن تقی‌زاده شرحی که در این خصوص نوشته بودند قرائت کردند قریب به این مضمون.

هرکسی در ایالتی که سوای مسکن اموال غیرمنقوله زائد بر هزار تومان ملک داشته باشد نمی‌تواند در آن ایالت حاکم شود (جمعی گفتند این مقدار خیلی کم است).

حاجی سیدنصرالله - من هم چیزی نوشته‌ام ملاحظه بفرمایید چطور است، قرائت

نموده قریب به این مضمون:

اشخاصی که صاحب مستغلات و املاک درایالتی هستند از طرف دولت به حکومت منصوب نمی‌شوند.

حاجی محمداسمعیل آقا - اینها که می‌فرمایید به چه قاعده است. مگر ما امیدواری به قانون عدالت نداریم.

آقاسید حسن تقی‌زاده - اطمینان داریم در سایر ممالک هم همین قانون هست. سعدالدوله - در هیچ جای عالم نیست وقتی که قانون عدلیه مجری شود محتاج به این چیزها نیستیم و اگر به آن قانون اطمینان نداریم به اینها هم اطمینان نباید داشت.

آقا میرعماد - حکامی که صاحب ملک هستند املاکی را که غصب کرده‌اند صاحبانش نمی‌توانند استرداد نمایند. آنها که در آن ایالت حکومت نداشته باشند ممکن است استرداد کنندو تظلم نمایند.

سعدالدوله - همان حاکم که برود جای دیگر آنجا هم ظلم می‌کند آن قانونی که جلوی او را آنجا می‌گیرد، اینجا هم می‌گیرد و آن متظلم به قانون عدالت ملک خودش را استرداد می‌کند. شما یکی از وکلای مجلس هستید رأی شما باید عمومیت داشته باشد شما به نصرالسلطنه و ظل‌السلطان نجسید به عدلیه بچسبید او را درست کنید وزارت عدلیه را بخواهید که به وظایف خود عمل نماید اینها درست می‌شود اینکه من همیشه می‌گویم و می‌گفتم وزرا باید در مجلس حاضر باشند برای اینکه وزیر عدلیه ببیند این عارض‌ها اینجا چه می‌کنند که مانع از کار ما می‌شوند اگر اداره او ناقص است تکمیلش را از دولت بخواهد او مسئول است. اگر کافی نیست استعفا بدهد.

میرزا ابوالحسن خان - وزیر عدلیه باید قانون داشته باشد و همه احکام او باید به قانون شرع باشد مشیرالسلطنه کاملاً عالم به قوانین شرعیه نیست و اگر قانون عرفیه است آن هم که شما چیزی ننوشته‌اید پس در این صورت او چه کند.

سعدالدوله - کراراً گفته شد فرق است میان قانون و تنظیمات قانون ما همان قرآن است و اغلب قوانین فرنگ هم مأخوذ از قرآن است مثلاً وزیر عدلیه می‌داند که دزد باید دستش را برید ولی نقصی که هست در اجرا است باید از او پرسید که چگونه این قانون را اجرا می‌کند؟ اگر می‌داند چرا نمی‌کند اگر نمی‌داند از من بپرسد تا

بگویم.

آقا میرزا فضلعلی آقا - از مسأله خارج شدیم حکامی که در ایالتی صاحب مستقلات هستند نباید حاکم شوند می‌گویند در بعضی از دول متمدنه این هست من اطلاعی در این خصوص ندارم باید ملاحظه کرد که این قانون موافقت با شرع است یا خیر مضر است یا نافع در صورت موافق با شرع و عدم ضرر البته صلاح است به واسطه اینکه عدالت فقط قاطع ظلم نیست در ممالک خارجه با اینکه سالها است بسط عدل شده باز می‌بینیم جنایات است. پس معلوم می‌شود فقط عدالت قاطع ظلم نیست عدالت محتارح است به از قبیل همین قانون غیره همان طوری که پلیس حافظ اموال و امنیت بلد است این قوانین جزئیه هم حافظ عدلیه است حکومت در هر دولتی از و مشروطه و جمهوری یک نوع قوتی دارد البته وقتی که صاحب مستقلات در آن ایالت شد بر قدرت او افزوده خواهد شد در این خصوص خوبست رأی گرفته شود.

آقای تقی‌زاده - در ممالکی که عدالت به سرحد کمال رسیده این قانون جاری است و به عقیده من فواید کلی دارد. اگر بخواهیم ثابت کنیم در خارجه هست یا خیر باید کتاب بیاوریم لکن می‌توانیم فوایدش را ثابت کنم.

آقا میرزا چوالحسن خان - این در قانون اساسی نیست ولی از محترمین انگلیسی‌ها شنیده‌ام به واسطه پولتیک کسی که دارای مستقلات در ایالتی باشد به حکومت آن ایالت در انگلستان منصوب نمی‌شود.

صدیق حضرت - قانون عرفی چیز است که به مقتضای وقت وضع می‌شود ما لازم نیست قانونی که در دو بیست سال قبل وضع شده حال اجری داریم به واسطه آنکه آن وقت که آن قانون را وضع کرده‌اند مقتضیاتی داشته‌اند برای وضع آن قانون و حالا آن مقتضیات مفقود است چنانچه صفحات تاریخ به ما نشان می‌دهد و ممکن است ما حالا قانونی وضع کنیم که اخلاف ما سی سال دیگر نسخ آن قانون نمایند و آن قانون از برای حالیه ما نافع باشد و از برای سی سال بعد مضر شاید وقتی که قوانین عدلیه به خوبی نوشته و مدون شد و از وزارت عدلیه مجری شد ما محتاج به این قانون نباشیم لکن این مسأله اقلأ پنج سال طول می‌کشد در این صورت ضرری از برای حالیه ما ندارد این قانون در وزارت داخله فرانسه مجری است و حال آنکه در مملکت فرانسه حاکم فقط ناظر و رئیس ادارات است در هر ایالتی یک

مأمور از طرف وزارت مالیه یک نفر از طرف وزارت عدلیه و یک نفر از تلگرافخانه و نظام و غیره در آن ایالت هست که هر یک از این ادارات به کلی از اداره حکومتی مجزی است معهداً این قانون در آنجا مجری است فقط به ملاحظه این که وقتی حاکم در آن ایالت مستقلات داشته باشد در عمل انتخاب انجمن ایالتی آنجا می تواند اغلب از بستگان خودش را منتخب نماید. به همین یک ملاحظه این قانون در آنجا مجری است و معلوم است در مملکت ما تا زمانی که ادارات به این نحو منظم شود که حاکم فقط ریاست و نظارت در ادارات داشته باشد چقدر اجرای این قانون لزوم و اهمیت دارد.

حاجی محمداسمعیل آقا - من بر ضد این می گویم که آن کسی که صاحب ملک است برای حفظ ملک خودش بیشتر ملاحظه و مراعات با رعایا می نماید که مبادا ملاکش خراب شود علاوه این مطلب در حق فلان عالم و فلان وزیر هم می آید پس باید قانون عدلیه درست شود تا اینها همه بالتبع اصلاح شود قوام در شیراز چه قدر ملک دارد آقا نجفی در اصفهان همین طور پس باید آنها را بیرون کنید به جهت اینکه این نسبت در همه آنها می آید شما قانون را درست کنید اینها جزئیات است.

سعدالدوله - خصوصاً در این موقع که وضع حکومتها تغییر می کند حاکم هیچ کاری ندارد فقط رئیس انجمن شورای آن ایالت است عدلیه از طرف وزارت عدلیه معین می شود مالیات را مأمور وزیر مالیه دریافت می کند همین طور از طرف هر اداره مأمور معین است حاکم هیچ دخل و تصرفی در این امورات ندارد او برای رسیدگی مجلس مشورت است که روز یکی دو ساعت در دارالحکومه حاضر می شوند اگر مطلب مشکلی است رسیدگی می نماید هرگاه اصلاح شد فیها والا به مرکز اطلاع می دهند دیگر به هیچ وجه مداخله ندارد پس اول قانون عدلیه است او را باید درست کرد اگر کفایت نکرد آن وقت این فصل را اضافه کنید.

آقا شیخ حسین - بر هیچ عاقلی پوشیده نیست حاکمی که ملک نداشته باشد هیچ طرف را ملاحظه نمی کند اما اگر صاحب ملک باشد ممکن نیست که ملاحظه نکند با آن هوا و هوس نفسانی که دارد مگر معصوم باشد پس حاجی محمداسمعیل آقا که فرمود ملاک ملاحظه ملک خودش را می کند همین طور هم بگویند که مظلومین هم جرأت ندارند که اظهار تظلم کنند.

آقا میرزا ابوالحسن خان - این وقتیست که عدلیه مرتب نباشد اما وقتی که عدلیه درست و مرتب شد فرقی نمی‌کند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - به کلی اشتباه شده است وقتی که عدلیه و سایر ادارات درست شد می‌شود این قانون را نسخ کرد مقصود این نیست که صاحبان املاک را باید بیرون کرد و حال آنکه تمام این اغتشاشات را آنها می‌کنند اگر این قانون هیچ فایده‌ای نداشته باشد مگر در انتخابات همین خیلی فایده است آن کس که صاحب ملک است اسباب فراهم می‌آورد که از کسان و بستگان خود را منتخب نماید و انجمن ایالتی و بلدی را به میل خود تشکیل نماید چنانچه انجمن اصفهان که شنیده می‌شود به هوای نفسانی شد و به علاوه احتکار جنسی هم نخواهد شد و خیلی از ملاحظات دیگر است که همه آنها را باید ملاحظه کرد.

حاجی محمداسمعیل آقا - آصف‌الدوله ملک داشت که این همه کارها را کرد این‌ها که می‌گوییم همه برای قانون است.

آقاسید حسین - از این قرار معلوم است که آنچه در خارجه نیست ما نباید مجری بداریم زیرا که هرچه گفته می‌شود تکیه‌گاه خارجه است باید ببینیم که در آنجا هست یا نه ما باید امروزه ملاحظه کنیم که این قانون خوب است یا نه می‌بینم حکامی که ملاکند چه قدر ضرر برای رعیت دارد اولاً گندم را انبار می‌کند و رعیت همیشه محتاج هستند و دیگر این که رعیت از ترس او نمی‌توانند اظهار تظلم کنند باید ملاحظه حال عموم کرد کار به شخص نداریم.

حاجی معین‌التجار - این مسأله خیلی مهم است و اجرایش خالی از اشکال نیست حکام فقط همین این‌ها نیستند که از طرف دولت معین می‌شوند حکام جزء خوانین و رؤسای ایلات که تمام ملاک می‌باشند و این قانون را امروزه ببینیم می‌شود اجرا کرد یا نه دیگر اینکه قانون راتیکه‌تیکه باید گذاشت یا باید اساس را درست کرد.

دکتر ولی‌الله خان - بعضی چنین تصور می‌کنند قانونی که وضع شد دیگر نمی‌شود او را برداشت این نیست قانون در قانون است یک قانون آسمانی الهی که آن تغییر و تبدیل ندارد (لا مبدل لکلماته) و یک قانون ارضی ما این قانون ارضی را می‌گوییم و ببینیم فصل دوم فصلی وضع شده و بعد جمع‌آوری شده و بدون کشته یا یک دفعه معلوم است.

هر قانونی که وضع شد به واسطه یک حادثه جعل شده همین قانون که امروز

صحبت شد اگر بنا باشد که کلیه ملاکین دست از حکومت بکشند این غلط است باید یک ترتیب صحیحی داشته باشد وقتی که ما صفحات کتب را ملاحظه کنیم می‌بینیم که هر قانونی به مقتضای وقت در یک جایی گذاشته شد آن اوقاتی که در فرانسه ملوک الطوائف بود به مقتضای وقت تیکه‌تیکه قانون وضع و جعل می‌نمودند بعد آنها را جمع می‌کردند حال فکر کنید این مملکت ما سال‌های سال است که مردم آن مظلوم واقع شده‌اند عدلیه هم طول دارد که درست شعبات آن در همه جا دایر بشود پس حالا باید این قانون را به یک اندازه جعل کرد که فایده داشته باشد نه مطلقاً.

حاجی محمد ابراهیم - ما قطع داریم که پنج نفر دزدند یک نفر از آنها را گرفتیم و کمال قدرت هم داریم که ایشان را بگیریم حالا این یک نفر را رها کنیم برود که ما قوت خود را به آنها نشان بدهیم یا لازم نیست.

حاجی سید نصرالله - این حرف‌ها سیر در حواشی است قانون را خواه خارجه وضع کرده باشند یا نکرده باشند ما مکلفیم به مصالحی که در آن ماده است در این که این قانون مفید است هیچ شبهه نیست آن شخص حاکم اگر با کفایت است برود به حکومت جای دیگر این که می‌گویید فرق نمی‌کند من می‌گویم آیا ممکن است کسی که چهارصد پارچه ده داشته باشد تا ملک او مشروب نشود و استیفای حظ نفس خودش را نکند بگذارد ملک غیر مشروب بشود این از محالات است مگر دارای عصمت باشد.

حاجی معین‌التجار - به مقتضای وقت ملاحظه کنید کار به اشخاص نداریم چهارصد یا بیشتر یا کمتر این قانون شما کینه است و می‌خواهیم ببینیم که موقع اجرایش هست یا نه.

حاجی سید نصرالله - شما مقصدی در پیش دارید که از کوه البرز بزرگتر است اگر این پیش برود آن هیچ پیش نخواهد رفت.

حاجی معین‌التجار - این قانون رابه‌طور عموم بنده عقیده ندارم زیرا که در بعضی موارد موقع اجرا ندارد.

آقا میرزا ابوالحسن خان - این قانون برای فرمانفرمایی ولایات و ایالات خیلی لازم است به جهت این که بنده این مفسده را در زمان حکومت صاحب دیوان در فارس مشاهده کردم. چون ملاک بود از بابت نان خیلی ضررها به مردم وارد آمد به عقیده

من در حق آنها صحیح است (بعضی تصدیق کردند).

احسن الدوله - ملک داشتن و نداشتن مناط در ظلم کردن و نکردن نیست چنانچه در چهار سال قبل نظام السلطنه آمد به آذربایجان هیچ ملک نداشت آتشی افروخت که هنوز هم شراره‌اش در آذربایجان باقیست این تقصیر خودمان است اگر اتحاد باشد حاکم کاری نمی‌تواند بکند اگر اهل آذربایجان در آن وقت مثل حالا متحد بودند او نمی‌توانست یک تخم مرغ از تمام آذربایجان فایده ببرد یعنی تعدی نماید.

پس باید قانون نوشت و همگی متحد باشیم که کسی نتواند ظلم بکند.

آقا سید حسین - مقصود از این قانون در حکام کل و فرمان فرمایانست. امروز به مقتضای وقت برای آنها باید این قانون را نوشت اگر بعدها مقتضی باشد به‌طور تعمیم تا حکام جزء و مباشرین حکومت را هم دارا باشد چه ضرر دارد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - یک قانونی که در تمام صور نفع داشته باشند و در هیچ موضوعی ضرری متصور نشود میان دو میلیون مواد قانونی نادر است در عالم لابد یک فرد ضرر خواهد داشت قانون باید نوعیت و اغلیت داشته باشد پس نمی‌شود به یکی دو مثال گفت این قانون خوب نیست این قانون خوبست می‌گوییم در آن موارد به تدریج و مقتضای وقت اجرا بشود یا مواردی که باید مستثنی کرد استثنا می‌کنیم.

رئیس - هر مطلبی که اول صحبت بشود اطراف و ملاحظه نشده است به نظر اولی خوب می‌آید ولی وقتی که طرح شد معلوم می‌شود نظرهای دیگر هم هست پس تعجیل نباید کرد و قدری تأمل و فکر بکنید جهات او ملاحظه بشود آن وقت مذاکره کرده وضع بشود.

آقا سید حسن تقی‌زاده - پس خوب است کمیسیون برای اصلاح آن مقرر بشود.

در مذاکرات روز یکشنبه ۹ شهر صفرالمظفر ۱۳۲۵ دارالشورای ملی سخن از ایجاد اصلاحات جدید مالی و حقوقی در کشور است:

خلاصه مذاکرات روز شنبه ۸ را آقامیرزا طاهر قرائت کردند و راپورت انجمن مالیه مطرح مذاکره شد.

رئیس - مطلب دیروز درخصوص تفاوت عمل ناقص ماند اگر باز محتاج به مذاکره است که گفت‌وگو بشود.

آقاشیخ محمود - غرض از تشکیل این مجلس معلوم است حفظ شریعت و تقویت دولت و ملت است زیرا که بدون تقویت دولت و ملت هیچ کاری پیشرفت ندارد پس

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

هر حکمی که از این مجلس صادر و وضع می‌شود سه حق باید ملاحظه شود حق حفظ شریعت حق دولت حق ملت در باب دولت تفاوت عمل که مجلس می‌خواهد حکم کند جز جمع بشود به این اسم موجب تنفر ملت خواهد شد ولی چون تفاوت عمل درجات دارد یک درجه مال حکام کل است یک درجه مال حکام جزا و یک درجه مال مباشرین جزء و کدخدایان لهذا به نظر بنده چنین می‌رسد که تغییر اسم داده و مجلس بگوید آن تفاوت عملی که حکام جزء مباشرین و کدخداها می‌گرفتند امسال موقوف است و تعبیر این باشد تا مردم بگویند که از مجلس تخفیفی نسبت به رعایا ملاحظه شده است.

آقامیرزا محمود خوانساری - مملکت ایران به این وضع خوب است جناب رئیس در مذاکراتی که می‌شود یک قراری بگذارند وانگهی دولت از سابق مقروض است و حالا هم قشون در باب حقوق خود را بخواهند چه ضرر دارد رعیت تومانی دو تومان یا دو هزار مثلا بدهد و حفظ ملیت خود را کند.

حاجی میرزا ابراهیم - می‌فرمایید پنج کرور کسر جمع داریم رعیت بدهد اول باید ملت بداند خرج چیست و برای ملت خرج می‌شود یا نه آن وقت ملت بدهد شما که نمی‌دانید به چه خرج می‌شود چه‌طور حکم می‌کنید آن وقت تمام ملت از مجلس برمی‌گردد و تمام قوت مجلس با ملت است.

دکتر ولی‌الله خان - اینکه گفتید بایستی اول مخارج را معین نمود و از روی آن جمع شود صحیح است ولی در تمام ممالک رسم است که اول دخل را معین می‌کنند و بعد خرج را از روی دخل معین می‌نمایند پس از آنکه مملکت آباد شد و دست به صنایع گذاشت و صاحب ثروت کردید آن وقت خارج را معین می‌کنند بعد جمع را پس ما که در اول کار هستیم اول باید دخل را معین نماییم سپس خرج را.

(حاجی میرزا ابراهیم آقا و بعضی گفتند به‌واسطه جاهل بودن ملت ما نمی‌توانیم به آنها بفهمانیم که جمع این است و اساس به هم می‌خورد.

آقامیرزا ابوالحسن خان و جمعی اظهار داشتند مگر از خرج چه‌قدر می‌توان کسر نمود در صورتی که شش کرور کسر محل داریم از این بودجه که در دست است آقای وثوق‌الدوله جواب دادند منتهی اگر بشود یک کرور می‌توانیم کسر نماییم باقی باید از این طریقی که گفته شد بر جمع افزوده شود که خرج با دخل مقابل گردد).

آشیخ حسین شهیدی - از قرار مذکور پنج کرور کسر عمل است و این را می‌توان

به صیغه معینه اصلاح نمود به شرط این که آنچه عرض می‌کنم اطراف آن را درست ملاحظه نموده خراب نمایند و طریقه این که از احدی صدا بلند نشود این است بر کلیه مالیات که عبارت باشد از شانزده کرور هر تومانی یک‌هزار و پنج شاهی بیفزایند. یک قران مال دولت و پنج شاهی حق مباشر تفاوت این می‌شود یک کرور و نیم خواهید گفت جزو این گمرکات و سایر چیزهای دیگر است نمی‌شود افزود نیم کرور از این بابت برگشت می‌شود می‌ماند یک کرور یک کرور هم از بابت مبادله جنس که عین جنس گرفته شود تفاوت می‌کند یک کرور هم از بابت بر کشت تیولات تفاوت می‌کنند به این شرط که اشخاص امین باشد هر تیولی که تومانی یک تومان علاوه می‌گرفتند پنج‌هزار بگیرند این می‌شود سه کرور هم از مخارج کسر می‌شود این می‌شود پنج کرور.

آقا شیخ حسین - به بعضی ماها هنوز مشتبه است بعضی‌ها گمان می‌کنند مجلس می‌خواهد حکم بکند مثلاً رعیت پارسال یک قران می‌داد امسال یک شاهی بدهد ولو بعضی هم می‌گویند این چیزی که همه ساله گرفته می‌شد و حکام برده پارک می‌ساختند امسال به خزینه دولت عاید شود که خرج ملت نماید ولی باز مسأله مشتبه است خوب است فرصتی بدهند جناب و ثوق‌الدوله درست مطلب را توضیح نماید.

رئیس - بعضی از وکلا شبهه دارند در این خصوص خوب است آن شبهه را داخل این مجلس نمایند همه آنها جمع بشوند در یک کمیسیونی علیحده و آنجا هر رأی و اظهاری دارند بگویند که دیگر محل شبهه نباشد به جهت آنکه عنوان هر مطلب تازه باعث شبهه اذهان بعضی‌ها می‌شود (در این موقع نیز وکلای محترم را تشمت آرا حاصل گشت).

حاج میرزا ابراهیم آقا - و بعضی اظهار داشتند بهتر آن است که اول خرج معین شود.

آشیخ حسین و جمعی گفتند خرج و دخل هر دو به اختیار مجلس است پس هرچه خرج لازم باشد تصویب می‌نماییم و از جمع هرچه زیادی مانده به خرج‌های مملکتی می‌رسانیم آقامشهدی باقر چنین بیان کردند آن کاری که باید الساعه بکنیم چه چیز است امساله باید مالیات از رعیت بگیریم یا نگیریم اگر باید بگیریم که عجالتاً امسال مثل پارسال گرفته شود و بذای کسر جمعی که داریم از این

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

راه‌هایی که گفته شد زیاده و کم نمایند).

آفاسید علی نقی - وضع مملکت پریشان شده فعلاً ما سه مظلوم داریم یکی ذات مقدس اعلیحضرت است که مظلوم وزرا است یکی هم ملت است که مظلوم و کلا است یکی هم مجلس است که مظلوم اعضای خودش است بلی اگر قانون وضع شد که دائماً بماند این همه گفت‌وگوها لازم است ولی لابد به اقتضای وقت مملکت تغییر خواهد کرد و این مسأله تفاوت عمل فقط امساله است و محتاج به این همه مذاکرات و معطلی نیست و این که آقاشیخ حسین گفتند اشتباه شده اشتباه هم نشده پس علی‌العجاله امساله به همان ترتیب سابق مالیات را وزیر مالیه بگیرد و محتاج به تصویب مجلس نیست.

رئیس - اینجا یک اشتباه شده و آن این است که عمل مالیه راجع به مجلس است پس آنچه گرفته می‌شود و آنچه خرج می‌شود باید به تصویب مجلس باشد در این صورت واگذار به وزیر مالیه بشود ممکن نیست حال حرف در سر این است آنهايي که چیز نمی‌دهند بدهند ولی می‌خواهیم ببینیم الساعه که روز سیم سال است می‌توانیم کاری بکنیم که تمام فواید آن عاید دولت بشود آیا ممکن است یا نه مثلاً بگویند در سر این کوه فلان قدر طلا است ممکن است فوراً به دست آورد لابد مدت می‌خواهد پس تمام این محل‌ها که گفته شد در نظر است ولی وقت می‌خواهیم به اینطوری که مذاکره می‌شود همان‌طور که آقامشهدی باقر گفتند امساله مالیات تعطیل شود به جهت آنکه نه خرج را می‌دانیم و نه جمع را.

وثوق‌الدوله - گمانم این است درست اطراف مسأله جمع نگشته و معلوم بعضی از آقایان نشده اولاً راپورت کمیسیون این بوده که این‌طور تفاوت عمل گرفتن و غیره خرج ما را نخواهد رساند و آنچه که مخارج مملکت را برساند همان ممیزی علمی به واسطه نبودن اسباب و عشر به جهت منظم نبودن ادارات و برای کسر نمودن خرج بعضی از حقوقات را کسر نماییم شاید استحقاق داشته باشد و مستخدم دولت هم نباشد. ثانیاً گفتیم امروزه برای کسر شش کرور یک اصلاح حالی بشود یعنی چیزی بر جمع افزوده شود و چیزی از خرج کسر نماییم که توافق جمع و خرج به عمل آید عجالتاً در عمل جمیع بعضی وجوهات از رعیت گرفته می‌شد و سنت جاری شده امساله اینها به‌طوری مضبوط گردد که به دیوان برسد من جمله همین تفاوت عمل بود و بعضی از آقایان هم باید بدانند که بعضی جاها هیچ تفاوت عمل ندارد مثل

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آذربایجان و قزوین و غیره و این تفاوت عمل مثل مالیات است و حکام کل در سابق از حکام جزء یک سند از بابت اصل مالیات می‌گرفتند و یکی از بابت فرع شاید رعیت آن خرج را هیچ نداند و همه را اصل بداند و کار هم به آن تفاوت عمل جزو که مباشرین و ضباط می‌کردند نداریم فقط همان تفاوت عمل که حکام کل می‌گرفتند به طوری که آقای رئیس‌التجار گفتند بعد از وضع مخارج از سیصد هزار تومان بیشتر نخواهد شد در این صورت نباید این تفاوت عمل بر جمع افزوده شود و البته بعد هم از خرج کم و کسر خواهد شد.

حاج میرزا ابراهیم آقا - اگر خرج را پیش بیندازیم چه قدر می‌توانیم از آن کسر نماییم.

آقامیرزا ابوالحسن خان - اولاً باید جمع را معین نماییم ثانیاً حکام می‌روند دستورالعملی می‌خواهند باید یک دستوری بدهیم که آنها مشغول کار باشند و ما هم اینجا مشغول کسر از خرج شویم.

احسن‌الدوله - جناب رئیس لفظ تفاوت عمل اسباب وحشت شده خوب است بگویید چیزی که سال‌های سابق حکام کل از روی کتابچه ولایتی می‌گرفتند بگیرند رفع اغتشاش هم می‌شود و خیلی هم رعیت متشکر می‌شوند که از چوب و فلک حکام جزء و مباشرین و غیره آسوده شده‌اند.

رئیس - آنچه در این باب سؤال و جواب باید بشود، شده اگر تصور می‌نمایید باید حرف زد بزنیم اگر نباید حرف زد رأی گرفته شود (گفتند خوب است به هر ترتیبی که رأی گرفته می‌شود بنویسند لهذا صورت رأی را نوشتند از قرار ذیل است).

مقصود از خواستن رأی این است که آیا مالیات هذه‌السنه در دستورالعمل‌هایی که برای حکام نوشته می‌شود مطابق آنچه حکام کل در محل معامله می‌کنند نوشته شود یعنی فروعاتی که موافق معمول سنواتی از محل دریافت می‌کردند و مبلغی از آن را به دیوان و مبلغی را به اشخاص متفرقه می‌دادند مبلغی هم جزو منافع حکومت بود در دستورالعمل جمع کنند که تمام آن به دیوان برسد و مواجب و مخارج حکام را هرچه مجلس تصویب کند در دستورالعمل به خرج بنویسند و تعدیات ضبط و اعمال جزء به کلی موقوف باشد یا اینکه مثل سنوات سابق فروعات ولایتی به اختیار حکام گذاشته شود دیوان مبلغی که پیشکشی از حکام می‌گرفت قناعت کند.

در این موقع ورقه رأی منتشر شد و ۶۸ رأی گرفته شد که تفاوت عملی که حکام کل در محل معامله می کردند در هذلسنه جمع دستورالعمل بشود.

سپس آقا ملاحسن وارث و جمعی او و کلای محترم اظهار داشتند از قرار معلوم عبدالله خان همدانی را که پیشکار شعاع السلطنه بود به آن بی شرفی ها و بی اعتدالی ها و ظلم ها که در شیراز کرد می خواهند به حکومت کردستان که سرحد است بفرستند آیا سزاوار است چنین شخصی که خیانت باطن و خساست طینت او بر همه معلوم است مأمور حکومت شود و حافظ حدود جمعی از مسلمانان باشد هیأت مجلس اگر خیرخواه دولت و ملت است باید خواستار شود که از این قبیل اشخاص به حکومت نروند بعد از فی الجمله مذاکره تمامی و کلا تصدیق کردند و قرار شد رقعہ از طرف مجلس محترم مقدس در این باب به وزارت داخله نوشته شود.

مذاکرات روز سه شنبه ۱۱ شهر صفرالمظفر ۱۳۲۵ دارالشورای ملی هم حول مسائل مالی و حقوقی و قانونمند کردن آنها دور می زند:

خلاصه مذاکرات روز یکشنبه ۹ را آقاسید محمد تقی قرائت کردند.

رئیس - بنا بود بقیه راپورت انجمن مالیه باز امروز مطرح مذاکره شود چون ملاحظه نمودم که مطلب آن یک یک باید در این مجلس طرح و مذاکره شود و این نمی شود. لهذا گفتم انجمن مالیه یک خلاصه هم از جمع و هم از خرج بنویسند و در مجلس قرائت شده از روی بصیرت مذاکره شود پس امروز نظامنامه بلدی خوانده شود.

(آقاشیخ ابراهیم و بعضی چنین اظهار داشتند که قرائت و تنقیح و مذاکره نظامنامه ایالتی مقدم است نظامنامه بلدی مدتی تأخیر بیفتد عجب ندارد و بعد مذاکره از کمی وقت مجلس شد).

وکیلالتجار چنین نطق کردند. آقایان همه می دانند که مجلس شورای ملی مسئولیت دارد و کارهای لازم هم هست که باید اصلاح شود و وقت مجلس کم است و نمی توانیم یگویم وقت نداریم خصوص آقایان وکلایی که از سایر جاها آمده اند زیرا که عموماً در این راه باید از تمام کارهای شخصی دست بکشیم و با جان و مال برای اصلاح امورات و پیشرفت کار حاضر باشیم و همین طور هم هست

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

عقیده بنده این است جناب رئیس بفرمایند آقایان وکلا از سه ساعت به غروب مانده بیایند و تا دو ساعت از شب گذشته مجلس منعقد باشد والا با این یک ساعت و نیم وقت و این کارهای فوق العاده و کارهای اتفاق افتاده هیچ کاری پیشرفت نخواهد کرد.

رئیس - چون بعضی از آقایان وکلا تجارت دارند نمی‌توانند از دو ساعت به غروب مانده زودتر حاضر شوند ولی از آن طرف تا دو ساعت از شب گذشته مجلس منعقد باشد عیب ندارد وانگهی حالا که خود آقایان گفتند از سه ساعت به غروب می‌آییم کافی است همه می‌آیند و تا دو ساعت از شب رفته بس است و بیش از این هم نمی‌شود کار کرد.

(باز در باب اینکه کدام یک از مطالبی که در بدو مجلس گفته شد مطرح مذاکره شود بعضی گفتند نظامنامه بلدی بعضی گفتند نظامنامه انجمن ایالتی مهم و مقدم است جمعی اظهار داشتند همان تتمه راپورت کمیسیون مالیه طرح شود).

آقامیرزا محمود خوانساری - جناب رئیس مکرر در مکرر فرمودید اصلاح عمل مالیه از همه چیز لازم‌تر است و آن روز هم گفتید هر کس چیزی در این خصوص‌ها به نظرش می‌رسد و رأی دارد بگوید پس عرض می‌کنم مسأله تیول و تسعیر جنس خیلی مهم است و تأخیر بیفتد ارباب تیول دست‌اندازی کرده و به کار خود سواره می‌شوند و مذاکرات این دو مسأله هم پریروز به میان آمده بود. خوب است امروز این دو مسأله تمام شود. بعد نظامنامه بلدی یا ایالتی قرائت شده و مطرح مذاکره گردد.

حاجی میرزا ابراهیم - همه اینهایی که می‌فرمایید صحیح است الا اینکه اینها از فروع مشروطه است از تمیم اصول مشروطه چه شد کی تمام می‌شود!

آقامیرزا ابوالحسن خان - باید راست گفت هیچ کس به تکلیف خود عمل نمی‌کند نه کمیسیون مالیه نه کمیسیون تکمیل قانون اساسی و نه دیگری به عقیده بنده هر کس نمی‌تواند از عهده برآید استعفا بدهد.

مستشارالدوله - کمیسیون تمیم قوانین اساسی به تکلیف خود عمل کرده و نوشته‌اند تا روز شنبه حاضر می‌شود و قرار است اجزای آن انجمن روز پنجشنبه علی‌الطالع حاضر شوند و یک دفعه در کمیسیون قرائت شده تجدید نظری بشود آن وقت روز شنبه یا یکشنبه یا هر روزی را که مجلس صلاح بداند بیاورند مجلس

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

خوانده شود.

آقای آقامیرزا سید محمد مجتهد - اولاً باید تمام اهل مجلس بدانند که در این شهر انجمن‌ها از برای تخریب این مجلس منعقد است و بعضی از اهل مجلس هم در آن انجمن‌ها حاضر می‌شوند ولی این مجلس در تحت حمایت حضرت امام عصر عجل‌الله فرجه بوده ابداً اعتنایی به این اشخاص نیست و امروز تمام ملت با این اساس مقدس همراه هستند ثانیاً چیزی که هست این است که این همه ما جان‌کنندیم و دچار زحمت و خسارت فوق‌العاده شدیم چیزی که مقصود و منظور بوده هنوز از این مجلس دیده نشده و داخله مجلس ابداً منظم نیست اول کاری که می‌کنید مجلس را منظم و مرتب کنید هرکس عرضی و تظلمی دارد نمی‌داند به کجا اظهار دارد یک جایی را قرار بدهید که به عرایض مردم برسند این وضع مجلس نیست یکی نطق می‌کند باید همه گوش دهید نه اینکه چند نفر یک دفعه حرف زده و همه‌همه نمایید یک مطلبی را اقدام می‌کنید یک روز یا دو روز کم یا زیادتر عمرتان را ضایع می‌کنید معهداً ناقص می‌گذارید شروع به مطلب دیگر می‌نمایید ما از به هم خوردن مجلس هیچ خوف و ترس نداریم زیرا آنهایی که بر ضدند جزء خار و خاشاک هستند اما وضع داخلی مجلس درست نیست دستورالعمل و حدود حکام بنا بود نوشته شود هیچ خبری نیست همچنین سایر کارها و فعلاً من خواهش از مجلس می‌نمایم مدتی در باب برگردانیدن تیولات و موقوفی تسعیر جنس به واسطه ملاحظاتی که خواهم گفت دست نگاه دارد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - اگر این مسأله تیولات و غیره درست نشود هیچ کار ما درست نیست ما شش کرور زاید خرج داریم بر جمع حضرتعالی می‌فرمایید صبر کنید این را چه کنیم وانگهی هر رشته‌ای که این مجلس بخواهد دست بزند جمعی ضد خواهند شد مثل صاحبان تیول، پس نباید ملاحظه کرد این مجلس پول می‌خواهد اگر نباشد این کار پیش نرود هیچ کار پیش نخواهد رفت.

مستشارالدوله - البته بالبداهة عقل حکم می‌کند که تیولات باید برگردد ولی کمیسیون مالیه ملاحظه کرد به چه طور باید برگردد که تفاوت آن عاید دولت شود دید امساله ممکن نیست و حقیقتاً برگردانیدن تیولات امساله برگردانیدن منافع چند نفری است به حاکم.

رئیس - اصل مطلب این است که خرج ما شش کرور بر جمع علاوه است آیا این

را تماماً باید از خرج بزنیم می‌شود؛ یا این که تمامش را به جمع باید افزود و خرج بماند یا اینکه هر دو را اصلاح نماییم و این شکل بهتر است پس در این صورت می‌شود گفت به بعضی چیزها دست بزنیم و به تفاوت عمل دست بزنیم؟

وثوق الدوله - این تفاوت عمل و تسعیر جنس آنقدرها نمی‌شود اما در باب تیول‌ها همان است که آقای مستشارالدوله فرمودند و عقیده بنده هم این است آن طوری که منظور است از برگرداندن تیول‌ها نمی‌شود امسال استفاده کرد و یکی به واسطه ملاحظاتی که آقا فرموده‌اند باید ملاحظه شود. عمده اصلاح در خرج است باید بشود (وکلائی محترم را در این ماده فی‌الجمله اختلافی حاصل گشت مؤتمن‌الممالک و بعضی اظهار کردند که تیول‌ها چند قسم هستند همه را ممکن نسبت برگردانیم مگر آنکه تیول‌ها که تفاوت کلی دارد آقای میرزا ابوالحسن خان و آقای میرزا محمود خوانساری و سیدالحکما و جمعی از این مسأله جواب دادند به اینکه اولاً در قانون استثنا نیست بعد از آنکه مجلس رأی داد باید در حق همه به‌طور مساوات مرعی شود و ثانیاً گفته شد تیول‌ها چند قسم است بلی دو قسم است به این‌طور که یک طایفه رعیت تیول‌ها مظلوم صاحبان تیول واقع شده و یک طایفه دیگر از رعایای تیول هستند که به واسطه حمایت ارباب تیول ظالم می‌باشند همه قسم دزدی و شرارت می‌نمایند و وانگهی جهت ندارد که ارباب تیول از بابت حقوق خودشان کروی از دولت داشته باشند و دو ماه به اول سال مانده حقوق خود را دو مساوی بر کند ولی سایرین در مدت یک سال هم نتوانند به حقوق خود برسند پس باید کلیه تیول‌ها برگردد و همه حقوق خود را از بانک ملی دریافت دارند بالاخره بعد از مذاکره و مذاقه زیاد محسنات برگشتن تیول‌ها بر همه مکشوف شده تماماً متفق‌الرأی شدند).

مستشارالدوله - پس حالا که تمام آراء متفق است در برگشتن تیول‌ها خوب است مجلس متوجه شود به این نکته که تفاوت عمل تیول‌ها به چه وسیله عاید دولت شده و به کیسه حکام نرود.

آقای حسن تقی‌زاده - امروز سلطنت قدیمه مشروطه شده باید رعیت صاحبان تیول هم مشروطه شود ما از بیست کرور دهنده که ملت هستند هیچ ملاحظه نمی‌کنیم اما آن چند نفر گیرنده را که صاحبان تیول باشند ملاحظه می‌کنیم که نرنجند و هیچ شکی نیست که حکام امساله مثل حکام پارساله نخواهد بود علاوه

انجمن‌های ایالتی هست که جلوگیری از تعدیات حکام می‌کنند اما وسیله عایدشدن تفاوت تیول‌ها به دولت به همان قیوضات پارساله که در دست رایا است متقبل شوند اگر زیادی دارد آن هم معلوم می‌شود.

احسن‌الدوله - مختصراً عرض می‌کنم فقره تیول مرض شفاقلوهاست باید با این مجلس قطع شود زیرا که درد بی‌درمان است جایی که سلطان نتواند چاره بکند غیر از این مجلس کی می‌تواند چاره نماید جلادی می‌خواهد که یک دفعه این عضو فاسد را ببرد که سایر اعضا را هم فاسد نکند.

آقامیرزا حسین طبیب - مفاسد تیول‌ها بیش از اینها است. یک فقره مسأله قلعه الموت است که بنده اطلاع دارم چند روز قبل عرض کردم و حالا هم می‌گویم اهالی الموت چند روز مانده بود به حرکت ما آمدند متظلم شدند که ارباب ما اولاً جنس را با دیوان تسعیر کرده چهار تومان و خروراری بیست تومان می‌فروشند و ثانیاً نقدی را تومانی دو تومان می‌گیرد و طوری بر ما سخت گرفته است که به نان شب محتاج شده‌ایم آخر ما هم مسلمانیم به کجا پناه ببریم بازهم در این چند روز کاغذ نوشته و متظلم هستند.

حسام‌الاسلام - هر فردی از افراد ملت دارای قوتی هستند حال اگر بخواهند یکی یکی به توسط آن قدرت خود را حفظ کنند نمی‌توانند پس لازم است این قوای خود را به یک نفر رئیس که شخص پادشاه است بدهند و آن هم امین باشد زیرا که درحقیقت خزینه‌دار ملت است که به واسطه آن قوای حفظ افراد ملت بشود. در این صورت بر تمام افراد ملت لازم است هر جا دزدی ببینند اطلاع بدهند که برگردد به دولت (در این موقع که تفاق آرا حاصل شد به برگرداندن تیول‌ها و اخذ رأی گفت‌وگو شد در املاکی که وقف اماکن متبرکه و مشاهد مقدسه است و خدام آنها اکثری از آن املاک ا تیول کرده‌اند که آیا این هم جزو سایر تیول‌ها باید برگردد یا نه اعضای مجلس مقدس بالاتفاق گفتند که تفاوت نمی‌کند این هم جزو تیول‌ها است باید برگردد بعد گفت‌وگو در خصوص موقوفی تسعیر جنس شد).

وثوق‌الدوله - یکی هم موقوفی تسعیر جنس است و این مسأله تسعیر جنس خیلی عمل غلطی است. گمانم این است کسی تردیدی در موقوفی آن نداشته باشد حتی اشخاصی که خودشان تسعیر جنس کرده‌اند اعتراف بکنند که این مسأله غلط است.

آقامیرزا فضلعلی آقا - در باب موقوفی تسعیر جنس هیچ کس منکر نیست بر فرض

به پنج نفر هم ضرر بخورد هیچ حرفی نمی‌گویند به جهت این که می‌دانند این مسأله ظلم و غلط است (در این باب هم وکلای محترم را اتفاق آرا حاصل شد که تسعیر جنس دیوانی از امسال موقوف باشد بالکلیه. سپس مذاکره در باب برگشتن سی‌هزار تومان شد که آصف‌الدوله از هشتاد هزار تومان تفاوت ممیزی سیستان و غیره استدعا از دولت کرده بود در حق خود و کسانی برقرار شود که آیا این هم برگردد یا نه عموم اعضای مجلس محترم متفقاً تصویب کردند که باید حتماً این سی‌هزار تومان برگردد و اگر فرمانی هم صادر شده باشد توقیف باشد چون مذاکرات و مباحثات در باب سه ماده‌ای که طرح شده بود به قدر لزمه شده و اتفاق آرا حاصل گردید لهذا شروع به نشر ورقه رأی شده سه نوبت ورقه منتشر و اخذ رأی گردید اول در باب موقوفی تسعیر جنس که ۸۳ رأی داده شد. دوم در باب برگشتن تیولات ۷۴ رأی اخذ شد. سیم در باب برگشتن سی‌هزار تومان خراسان که عموم وکلای محترم رأی دادند و در این موقع عموم وکلای محترم برحسب اجازه رئیس برای رفع کسالت به اتاق دیگر رفته و پس از مختصر توقف مجدداً به اتاق رسمی بازگشت نموده شروع به مذاکرات شد.

حاجی محمداسمعیل آقا - از قراری که بعضی از وزرا اظهار می‌دارند بعضی از وکلا می‌روند در دوایر دولتی به اسم نمایندگی از طرف مجلس بعضی کارها می‌کنند و گفت‌وگوها می‌نمایند و این اسباب توهین مجلس است می‌خواهیم بدانیم بعد از این بروند و از وزارت‌خانه‌ها بنویسند مجلس او را خواهد پذیرفت یا نه (در این خصوص مذاکره شد بعضی گفتند وکلا نمی‌توانند به اسم مجلس در ادارات دولتی یا جای دیگر گفت‌وگو نمایند مگر به اسم خودشان و در کارهای شخصی خودشان آقامیرزا ابوالحسن خان و بعضی اظهار داشتند که در کارهایی که از ولایات رجوع به شخص وکیل می‌شود باید اجازه مجلس باشد و اگر به توسط او به مجلس اظهار شده باشد که هیچ ابداً مجاز نیست و به ادارات نوشته شود که هرگاه یکی از وکلا بروند با آنها رسماً به اسم نمایندگی مجلس گفت‌وگو نمایند قبول نکنند و در این باب مهر و کاغذ مخصوص مجلس فقط معتبر است.

صدیق حضرت - جناب رییس شکایتی دارم از تلگرافخانه امروز تلگرافی آمده است که چهار ساعت به غروب مانده ما را احضار به تلگرافخانه کرده‌اند ولی حالا آن تلگراف را آورده‌اند جهت این تأخیر چیست و چرا باید حالا بیاورند که موقع بگذرد

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

در این باب نیز گفت‌وگو به میان آمد آقامیر عماد اظهار داشتند آنچه که تلگراف از طرف مجلس به تنکابن مخابره شد تماماً را تغییر داده‌اند اصلاً کسی که حکومت دارد نباید اداره تلگرافخانه با او باشد و کیلالتجار گفتند خیانت تلگرافخانه را من اینجا به امضای خودشان ثابت کرده‌ام و الان در دفتر ضبط است و بعضی اظهار داشتند در این که امورات تلگرافخانه منظم نیست و مخابرات به وقت خودش نمی‌رسد مخابره نمی‌نمایند حرفی نیست بالجمله پس از مذاکره قرار شد شرحی در این باب به وزارت داخله نوشته شود).

صدیق حضرت - جناب رئیس قبل از آنکه مجلس برای تنفس تعطیل شود مطلبی عنوان کردم مطرح مذاکره نشد حالا می‌خواهم مجدداً عنوان عظیم وزیر دربار اگر چه وزیر مسئول نیست ولی نمی‌تواند با وزارت درباری حکومت هم نماید ما حکومت کسی را می‌گوییم که از صبح تا شام در دارالحکومه نشسته به عرایض مردم برسد نه کسی که از صبح تا شام د امورات سلطنتی اشتغال داشته باشد و همچنین با حکومت کرمان که با شاهزاده فرمانفرما بود از قراری که شنیده شده گویا به پسر ایشان داده شده که به سن هفده و هجده هستند می‌خواهیم بدانیم این از روی استحقاق است یا به جهت اینکه پسر شاهزاده فرمانفرما هستند داده شده.

دکتر ولی‌الله خان - آقای صدیق حضرت خواستند این مطلب را قانونی بگویند درست توضیح نکردند خوب است بنده عرض کنم معین است که تمام وزرامادامی که به این شغل شاخص مفتحند تقریباً هم کفو می‌باشند کسی که وزارتی داشته باشد آیا محض حفظ این مقام منیع یعنی منصب وزارت می‌تواند در همان آن جزء وزارت دیگر باشد زیرا که اگر چنین باشد لازم می‌آید که در آن واحد یک نفر هم مثلاً وزیر دربار باشد و هم دست‌نشان وزیر دیگری (و در این خصوص فی‌الجمله مذاکره شد قرار شد چیزی در این باب به وزارت داخله نوشته شود و در این موقع تلگرافی از رشت آمده بود قرائت شد که خلاصه آن قریب به این مضمون بود.

حضور وکلای معظم - عموم مالکین گیلان عرضه می‌داریم افتتاح این مجلس مقدس شورای ملی به جهت دو امر است یکی عموم ملت در حقوق و حدود مساوی باشد دوم برای تحصیل ثروت است و همه می‌دانند این سرحد معظم ایران وضع معاملات آن غیر از سایر جاها است محصولاتش تا آخر هر سال وصول می‌شود و رعایا باید مشغول تعمیرات اراضی باشند حال رعایای گیلان همچو فرض کرده‌اند

که معنی سلطنت مشروطه بالمره آزادبودن و ندادن مالیات است حال رعایای اینجا به این جهت سرکشی نموده مالیات نداده‌اند و بعضی هم متواری شده و تمام عیت خان‌ها مختل است تکلیف چیست.

(در این خصوص بین وکلای عظام اختلاف عقیده روی داد بعضی گفتند که در این تلگراف تقلب شده جمعی گفتند آنهایی که این تلگراف را کرده‌اند بر ضد انجمن رشت هستند بالاخره پس از مذاکره و گفت‌وگو جناب رئیس فرمودند تلگرافی از طرف مجلس در جواب این تلگراف نوشته شده که مقصود هر دو طرف به عمل می‌آید خوانده شود تلگراف مزبور قرائت شد که خلاصه آن قریب به این مضمون بود.)

انجمن ایالتی رشت تلگرافی امروز از رشت رسید که اسباب حیرت مجلسیان کردید با وجود انجمن ایالتی در آنجا اهالی رشت به درستی معنی مشروطیت و حریت را نفهمیده‌اند و رعایا بنای خودسری را گذاشته‌اند و عجب‌تر آنکه انجمن ایالتی اصول مشروطیت را به اهالی آنجا نفهمانده‌اند لهذا مجلس شورای ملی قویاً خواهش می‌نماید که اصول مشروطیت را به مردم فهمانده و رفع این اغتشاشات را نماید که عموم آسوده باشند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - مقصود این سرکشی رعایا که در این تلگراف خصوصاً و تلگرافات و مکتوبات دیگر که از ولایات می‌رسد گویا این باشد که ارباب‌ها و ملاکین می‌خواهند سرهای رعایا را ببرند و آنها سرشان را در وقت بریدن عقب می‌کشند که این عمل به سرکشی تعبیر می‌شود البته می‌دانید که رعایای ایران بر دو قسم است یکی اهالی بلاد که رعیت پادشاه مملکت و دیگری رعایای بیچاره دهات رعیت بلکه عبدرق سلاطین بی‌اسم یعنی ملاکین‌اند و این دویمی‌ها در املاک خودشان سلطنت مستبده میرانند یعنی در حقوق و در حدود مدنی و جنائیه و سیاسیه آن رعایا مداخله و حکمرانی می‌کنند جریمه می‌گیرند چوب می‌بندند تنبیه و همه‌گونه سیاست و بگیر و ببند بزن و بکش به کار می‌اندازند و بر مال و جان و ناموس و عصمت دهاتی‌ها دست‌درازی کرده و مسلط شده‌اند و هرگز مسئول از اعمال خود نیستند پس حالا که رعایای شهری به استبداد تحمل نیآورده و با پادشاه خود کنار آمده و قراری گذاشته آزاد شدند و سلطنت خودشان را مشروطه کردند آیا رواست که باز دهاتی‌ها در زیر همان استبداد سابق بمانند اولاً قرار بگذاریم سلطنت

آنها هم مشروطه بشود یعنی این مالک که در این خاک و آن اهالی به جز یک بهره را که مالک نیست سر سال برود و حقوق خود را دریافت کند دیگر چه حق دارد چون بلای آسمانی بر جان اهالی مسلط شده و فعال مایرید باشد و بیچاره روستایی که نه ماه تمام خودش و خانواده اش و عیال و اولادش در زیر تابش آفتاب کار کنند و غرق عرق شوند و محصول به عمل بیاورند هر سال همه را به علاوه دار و ندار و جل و پلاس خانه را هم در وجه نقصان ناپذیری حضرت مالک‌الملک دوباره سه باره بپردازند و در هر دفعه مباشرین قبض نداده بگیرند و دفعهٔ دویم باز مطالبه کنند و عاقبت مجبور به فرار کردن به بادکوبه و قفقاز نمایند. اینها هستند که اولاد وطن ما را به هند و قفقاز و عثمانی ریختند و سالی سیصد هزار نفر را مجبور به رفتن به خارجه می‌کنند بلی رعیت بعد از این ندای عدل اگر ذره‌ای بخواهد به تکالیف شاقه فوق‌الطافه حضرات تمکین نکنند اسم سرکشی می‌دهند.

در جریان مذاکرات روز شنبه ۱۵ شهر صفرالمظفر ۱۳۲۵ دارالشورای ملی مسألهٔ فروش دختران قوچانی به ترکمنان مورد بحث قرار گرفته و تصمیمات قانونی در رابطه با عوامل آن حادثه ملی اتخاذ می‌شود:

مذاکرات روز پنجشنبه ۱۳ صفر را آقامیرزا طاهر قرائت کردند و قرار شد نظامنامه بلدی خوانده شود.

آقامیرزا ابوالحسن خان - عرض دارم در چند روز قبل در مسألهٔ قوچان اینجا مذاکره‌ها شد گریه‌ها کردند رقت‌ها دست داد به وزارت داخله نوشتند هنوز اثری نبخشیده می‌گویند حکومت خراسان چهار روز است وارد شده اگر آقایان همراه هستند وزیر داخله را بخواهند و پیرسند چه اقدامی در این خصوص کرده‌اند مسأله که در مجلس شورای ملی مذاکره می‌شود باید منتج نتیجه شود (در این باب از اهالی بجنورد عریضه به عنوان آقای سعدالدوله رسیده بود دادند که در مجلس قرائت شود چون خیلی مفصل بود قرار شد در دفتر مجلس خلاصه نموده بعد بیاورند در مجلس خوانده شود.

وکیل‌التجار - این را باید دانست که بی‌نتیجه ماندن کارها تقصیر خودمان است منحصر به مذاکرات نیست که بی‌نتیجه می‌ماند بلکه سایر کارها هم که اخذ رأی می‌شود همین‌طور بی‌نتیجه می‌ماند اگر آن قانون راشی و مرتشی که وضع شد نوشته می‌شد به صحت همایونی می‌رسید امروز این طور باز منصب فروشی و

حکومت فروشی نمی‌شد.

سعدالدوله - همه روزه شکوه می‌شد که کارها تمام نمی‌شود اجماع کردند حاکم تشنگان معزول شد اجماع کردند حاکم اصفهان معزول شد اجماع نمودند حاکم خراسان معزول شد اگر همین کافی است خیلی خوب والا اینها که آمدند آیا نباید انجمن تحقیق معین شود که رسیدگی نمایند به کارهای این حکومت‌ها با حضور مدعی‌های آنها خود حکومت‌ها هم می‌گویند تقصیر ما چیست چه جواب خواهید داد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - تکلیف مجلس دو چیز است وضع قانون و نظارت قانون نظارت اهم است اگر این‌طور نباشد مجلس می‌شود اطاق دفتر عرایض حکومت تنکابن را معزول کرده خواستند باید عقب می‌کردیم رسیدگی شود اگرچه می‌شود این را هم گفت که تقصیر وزارت داخله است که محکمه تحقیقی به جهت این معین نکرد همچنین در باب حکومت خراسان و مسأله فروختن دخترها وزیر داخله باید محکمه تشکیل نماید که تحقیق شده و مجازات داده شود به هیچ کدام اینها اقدام نشد.

سعدالدوله - اتصالاً رعایا اینجا هستند و جلوی وکلا را می‌گیرند رعایای عراق از دست حاج آقا محسن و رعایای شیراز از دست قوام‌الملک نه اینکه تعدی به رعایای شیراز شده بلکه می‌گویند قوام‌الملک مانع از مشروطیت و آمدن وکلا است آن روزی که در اینجا از وزرا و وکلا کمیسیونی شد قرار شد از طرف تمام وزرا یک نفر مأموری برود به حکومت‌ها که حکومت‌ها نتوانند مداخله به کارهای دیگر بکنند خصوص از طرف مالیه و به شاه هم عرض شد خیلی پسندیدند نمی‌دانم چه شد آن رأی عمومی که آن روز در آن کمیسیونی داده شد موقوف کردند علت همان است در اول مجلس گفته شد که چیزی که مذاکره می‌شود دیگر عقب او را نمی‌گیریم باید انجمن تحقیق منعقد شود که رسیدگی نماید. رعایا عارض و حکام خودشان عارض که ما مظلوم واقع شده‌ایم حالا که عدلیه منعقد است و خوب هم کار می‌کنند (گفت‌وگو درخصوص پول چوب‌دارها شد حاجی سیدنصرالله اظهار داشتند این اهمیت دارد خوب است در همین خصوص گفت‌وگو شده قرار داده شود آقای سعدالدوله جواب دادند که پول آنها نزد چند نفر است باید گرفته شود و وزارت عدلیه باید انجمن تحقیق برای رسیدگی به کارها معین نماید).

احسن الدوله - خیلی مزه دارد که بعد از این همه گفت‌وگو هنوز مشتبه است و نمی‌دانیم که این وزرا به این رنگ و روغن‌ها رنگ‌بردار نیستند چنانچه تا حال هرچه گفته شده نشنیده‌اند یعنی گوش شنوا ندارند در باب حساب موسیو نوز مکرر مذاکره شده و از قرار معلوم در این چند روزه خواهد رفت معهداً وزیر مالیه حساب گذشته او را نرسیده و دورش را قلم کشیده مال امسال هم که مانده همین‌طور سایرین.

سعدالدوله - گمان نمی‌کنم به این زودی موسیو نوز برود در هر صورت شما به اساس کار برسید و آن ترتیب‌دادن کار این عارضین است تا اینها آسوده نشوند مجلس نمی‌تواند کار بکند خواندن این قوانین و نظامنامه‌ها و غیره حواس جمع می‌خواهد ثانیاً در باب وکلای ولایات و باقی وکلای اینجا باید فکری کرد همین وکلای شیراز تکلیف چیست.

آقامیرزا ابوالسن خان - من نمی‌خواهم بگویم قوام‌الملک مستبد نیست ولی نمی‌دانم این خبرها از کجا می‌رسد نصیرالدوله مخصوصاً نوشته بود که وکلای شیراز تا پانزدهم صفر حرکت خواهند کرد حال باید تحقیق کرد که حرکت کرده‌اند یا نه.

سعدالدوله - خدا کند این اخبار صحیح باشد ما وکلا را می‌خواهیم حالا درخصوص وزرا یعنی حضور وزارت عدلیه و وزارت داخله چیزی نوشته شود که حاضر شوند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - عرض می‌کنم تمام این مطالب را روی هم بگذارید یک کلمه می‌گویم و آن یک کلمه این است که درخصوص مسامحه وزرا یا مأمورین آنها یک حدی گذاشته شود مثلاً قوام‌الملک تا چندماه دیگر وکلا را می‌فرستد حدش معین شود همچنین حکومت تهران پول چوبدارها را تا چند ماه یا چند سال دیگر وصول خواهد کرد وزیر داخله و وزیر عدلیه کی حکومت خراسان را مجازات داده و اسرا را استرداد خواهند نمود باید حدی معین شود برای اینها اگر معین نشود نمی‌شود هروقت مجلس مطلبی اظهار کرد آنها به مسامحه گذارنده دست و پا می‌کنند که جواب صحیحی ندهند چنانچه آقای صدیق حضرت چند وقت قبل گفتند که چند مطلب نوشته شد و ابداً جواب صحیح ندادند.

سعدالدوله - علت این است که مجلس محض احترام به وزرا نگفت که شما همه روزه در مجلس حاضر شوید در امور مملکتی به شور همدیگر کار بکنیم در ممالک

خارجہ ہم ہمین طور است وزرا مجبور در حضور نیستند ولی وزرای ما نباید این قدر ملاحظہ نمایند کہ این مجلس، مجلس پولتیک مملکت است ماہا باید حاضر شویم و بہ اتفاق و مشورت یکدیگر امور مملکت را اصلاح نماییم فقط بہ همان معرفی شدن اکتفا کردہ اند معرفی شدند چه شد و معرفی نشدند چه کردند. امیدواریم بعد از این رفتار جناب وزیر علوم سرمشق ایشان باشد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - اینکه در باب اسرای قوچان و آصفالدولہ عرض کردم در روزنامہ (طیمس انگلیس) خواندہ ام کہ عین مذاکرات این مجلس را تماماً نوشتہ حتی مسألہ آن دخترہایی کہ در تفلیس فروختہ شدہ و چہارصد و چیز ی بالا دخترہا کہ بہ ترکمانان فروختہ اند و حتی نسبت نطقی ہم بہ جناب رئیس معظم ما کہ ابدأ اصل ندارد دادہ و آن این است.

حکام بلاد از رعایا پول می‌خواهند و رعایا برای دادن پول باید اطفال خود را بفروشند. در این صورت همچو مطلب مهمی کہ در چنین روزنامہ کہ در تمام دنیا مشہور است درج و منتشر شود ما او را مسکوت عنہ بگذاریم محل ایراد و ملامت مردم تمام ممالک دنیا خواهیم شد البتہ باید وزیر داخلہ را خواست و جدأ مطالبہ کرد کہ در این خصوص چہ اقدامات کردہ اند (گفت و گو شد کہ امروز تا حال چند فقرہ مذاکرہ بہ میان آمد خوب است نتیجہ داشتہ باشد گفتند نتیجہ حضور وزیر داخلہ و وزیر عدلیہ است در مجلس برای ہر روزی کہ معین بشود و آقای وثوق الدولہ اظہار داشتند خوبست سؤالاتی کہ باید از وزیر داخلہ و وزیر عدلیہ بشود یادداشت نمایند).

سعدالدولہ - ما یک سؤال داریم مجلس می‌خواہد رسیدگی کند بہ تظلمات رعایای تنکابن و خراسان و تشکیات چوبدارہا و سایرین و می‌خواہد طریق رسیدگی بہ این کارہا را این دو وزیر بنمایند والا حکومت‌ہا چند سال حکومت کردہ و مردم را بچاپند و بہ یک کلمہ معزول شدہ بیایند درخانہ‌ہای خودشان آسودہ بنشینند باز حال ایران مثل سابق خواہد شد.

حاج معین‌التجار - موسیو نوز می‌رود و حساب او اہمیت دارد خوب است وزیر مالیہ را بخواہید کہ در این خصوص گفت و گو شود.

سعدالدولہ - وزیر مالیہ را ہم بخواہید این مطالب روی ہم می‌ریزد و می‌ماند خوب است حضور وزیرمالیہ را بگذارید برای روز دیگر چونکہ می‌گویید موسیو نوز می‌رود چیزی بہ وزیر مالیہ نوشتہ شود کہ موسیو نوز می‌رود کی مسئول است یا یک کار

دیگر بکنید وزیر مالیه را بخواهید بیاید در کمیسیون مالیه با سایر وزرا در آنجا گفت‌وگو شود.

مستشارالدوله - چون کمیسیون مالیه مشغول اصلاح عمل مالیه است این کارها را نمی‌شود در آنجا رسیدگی کرد و در خصوص راپورت انجمن مالیه هم در باب اصلاح جمع که اخذ نتیجه شد از بابت برگشتن تیولات و موقوفی تسعیر جنس و مسأله تفاوت عمل این سه فقره حضوراً به وزیر مالیه ابلاغ نشود کتباً ابلاغ شود که اهمیت داشته باشد یا اینکه بعد از اصلاح خرج یک دفعه نتیجه هر دو کتباً ابلاغ شود.

حاج محمداسمعیل آقا - این فقره برگشتن تیولات و غیره باید لایحه قانونی نوشته شود که به صحنه همایونی برسد.

وثوق‌الدوله - پیش از آنکه لایحه قانونی نوشته شود یک دفعه باید وزیر مالیه در کمیسیون مالیه حاضر شده بعضی مذاکرات شود.

سعدالدوله - عقیده من این است در یک مسأله در مجلس رأی گرفته شد دیر حق رجوع به آن نیست (جمعی گفتند صحیح است و حق رجوع نیست و در آنجا هم مقصود مذاکره در بعضی جزئیات است نه در خود مسأله که اخذ رأی شده).

وکیل‌التجار - بنده عرض می‌کنم که کلیت هر مسأله که رأی گرفته شد فردای آن روز به وزیر مسئول آن کار اطلاع داده شود تا این که اگر اتفاقی افتاد نگویند شما به ما اطلاع ندادید.

حاجی سیدنصرالله - حالا نتیجه این شد که فردا وزیر مالیه بیایند به مجلس روز سه‌شنبه هم وزیر داخله و وزیر عدلیه همه گفتند بلی و در این موقع تلگرافی از تبریز رسیده بود، قرائت شد که خلاصه مضمون آن این بود.

از تبریز توسط وکلای محترم آذربایجان - حضور مجلس شورای ملی آیا اهالی کرمان مسلمان نیستند بیست روز است در تلگرافخانه متحصن هستند تلگرافات متظلمانه آنها حال اهالی اینجا را پریشان کرده استدعا آنکه به تظلمات ایشان رسیدگی شود.

خلاصه مذاکرات روز سه‌شنبه ۱۸ شهر صفرالمظفر ۱۳۲۵ در دارالشورای ملی هم به بحث از ایجاد نهادهای جدید حقوقی و مالی و دیگر نهادهای قانونی اختصاص داشت:

خلاصه مذاکرات روز یکشنبه ۱۶ قرائت شد امروز برحسب رقعہ کہ از طرف مجلس محترم نوشته شده بود وزارت عدلیہ و وزارت داخلہ برای بعضی توضیحات در مجلس محترم حضور داشتند. لہذا بدوً جناب رئیس چنین تقریر نمودند - چند فقرہ مطالب روزہای سابق در مجلس مذاکرہ شدہ لازم شد کہ از طرف اعضای محترم مجلس از حضرت والا وزارت عدلیہ و همچنین از جناب وزیر داخلہ توضیحاتی و سؤالاتی در باب آن مطالب بشود دو فقرہ راجع است بہ جماعت چوبدارہا کہ اتصالاً تشکی دارند معلوم شود پول آنها پیش کی است استرداد شود و بہ رعایای عراق کہ از دست حاجی آقامحسن بعضی تظلمات دارند و خیلی عرض حال نمودہ اند دو فقرہ ہم راجع است بہ آصفالدولہ و استرداد اسرا جناب سعدالدولہ می‌خواهند این سؤالات را بنمایند.

سعدالدولہ - سؤالات منحصر بہ همینہا کہ جناب رئیس فرمودند نیست چند فقرہ سؤالات اصلی است کہ باید استفسار شود. اولاً عموماً عرض می‌کنیم وزرا حافظ حقوق دولت و ملت هستند و این مجلس مجلس سیاسی مملکت است چرا باید غالباً وزرا یعنی اوقاتی کہ کار ندارند در این مجلس حاضر نباشند کہ از کارہا مطلع شدہ بہ شور یکدیگر اصلاح و تصفیہ نمایند این اوقاتکارہای عمدہ اتفاق افتاہ از جملہ عزل شہزادہ ظل‌السلطان و حکومت تنکابن و خراسان اینہا را کی عزل کرد دولت عزل کرد یا مردم اجماع نمودہ عزل کردند البتہ نباید مغرور شویم کہ از اجماع مردم شد بلکہ دولت عزل کرد برحسب اجماع مردم و استدعای مجلس ہرگاہ وزرا حاضر می‌شدند و اسناد دفاعیہ اظہار می‌داشتند و تحقیقات بہ عمل می‌آمد شاید بعضی یعنی ہمین حکام معزول امروز بعضی گفت وگوہا نکرده و طعن نمی‌زدند کہ ما را بہ جہت چہ معزول کردید گمان نمی‌کنم حالا دیگر صحیح باشد با سلطنت مشروطہ (و کنستی توسیون) بدون استنطاق و تحقیق کسی معزول شود چون وزارت داخلہ حاضر نشدند و اسناد دفاعیہ حاضر نکردند این‌گونہ گفت وگوہا حکومت‌ها می‌نمایند و این سؤالات راجع بود بہ وزارت داخلہ امیدوارم بعد از این ہر وقت بی‌کار هستند تشریف بیاورند مجلس و اطلاع از کارہای داخلہ مملکت حاصل نمایند کہ بہ ہمدستی یکدیگر اصلاح شود اما آن چیزی کہ راجع بہ وزارت عدلیہ ست بدوً کمیسیونی تشکیل بدهند درخصوص این حکام معزول شدہ کہ در آنجا تحقیق شود اگر تقصیر داشتہ‌اند معزول شدہ‌اند بسیار خوب والا ترضیہ

بخواییم مگر ما نمی‌خواهیم ترقی نماییم مگر ما نمی‌خواهیم مملکت ما ترقینماید مگر ما نمی‌خواهیم اشاعه عدل و مساوات شود؟

وزیر عدلیه - آنچه که نسبت به عدلیه گفتید البته همه می‌دانید ده پانزده روز است که عدلیه به من رجوع شده در این مدت اول مشغول اصلاح کارهایی که ابتدایی و شروعی است بودم مثلاً جای صحیح نبود دادم تعمیر کردند و اطاق‌ها را با سایر لوازمات معین کردم دوم کاری که کرده‌ام از اشخاصی که ترکی و عربی و فرانسه خوب می‌دانند کمیسیون‌ی ترتیب داده و اسباب راحتی آنها را فراهم کرده مشغول ترجمه قوانین هستند بعد از آنکه ترجمه شد فقره به فقره در کمیسیون‌ی علیحده که ترتیب داده‌ام از عقلا و دانشمندان مملکت جمع شده ملاحظه و تصویب نمایند آنوقت کتابچه شده بیاید مجلس محترم پس از تصویب مدون و چاپ شده مجری شود و این کارها مدت و مرور زمان می‌خواهد معهداً چون تراکم عارضین زیاد و بعضی عرایضی که فوتی بود برای رسیدگی آنها ترتیب چند اتاقی داده و عرض حال و احضارنامه چاپی قرار گذاشته که به ترتیب و به اقتضای وقت رسیدگی و مذاکره می‌شود این نسبت به حال حالیه عدلیه است و امیدوارم انشاءالله روز به روز از مرحام علیحضرت شاهنشاه و توجهات مجلس محترم شورای ملی کارها را پیش برده و بهتر از اینها بشود.

سعدالدوله - این ترتیبات را شنیده‌ایم بسیار خوب است و آن اشخاصی که آنجا هستند خیلی طرف اطمینان مجلس می‌باشند ولی نمی‌شود مردم رامعطل گذاشت عجالتاً یک کمیسیون‌ی ترتیب بدهید به جهت همین حکام و به رعایا بنویسید هرکس عرض و تظلمی دارد بیاید اینجا رسیدگی و احقاق حق شود اما یک مسأله‌ای است که خیلی اهمیت دارد و آن رشوه است که خانه ایرانی و ایران را خراب نموده و قدم از قدم برنمی‌دارند یکی هم واسطه است که بدتر از رشوه است هر وقت توانستید رشوه را کشتید آن وقت این مملکت ترقی خواهد کرد.

وزیر عدلیه - اما مسأله رشوه این مجلس مجلس علنی است و من می‌گویم و از عهده آن برمی‌آیم که من یک نفر قول می‌دهم و متعهد می‌شوم یک دینار یک شاهی خودم و کسانم تا حال نگرفته‌اند و نخواهند گرفت حال کسی محرمانه گرفته است نمی‌دانم.

سعدالدوله - اینها را نمی‌توان قبول کرد وقتی که یک وزیری مقابل همچو مجلس

پارلمانی مسئولیت قبول کرد باید از هر جهت امورات وزارتخانه خود را مرتب نماید و قطع رشوه یک راهی دارد و آن دادن موجب است به اجزا به اندازه کفاف و نظم در امورات دیگر رشوه گرفته نمی‌شود.

وزیر عدلیه - صحیح است حتی الامکان کوشش دارم و بعد از ترجمه و مدون شدن قوانین بودجه که برای وزارت عدلیه نوشته می‌شود در آن موجب هریک از اجزا را به اندازه کفاف می‌نویسیم پس از تصویب شدن در مجلس دیگر گمان نمی‌کنم کسی رشوه بتواند بگیرد.

سعدالدوله - بعد از تشکیل دادن کمیسیون حکام بعضی عارضین اینجا هستند که نمی‌توانیم بگذریم از قبیل عارضین حاج آقا محسن و چوب‌دارها اینها را جناب رئیس رجوع می‌کنند به وزارت عدلیه طوری بفرمایید که دیگر کسی از متظلمین اینجا نیاید این مجلس که عدالت خانه نیست و از جمله چیزهایی که خیلی اهمیت دارد مسأله خراسان است و استرداد اسرا و این مسأله، مسأله شرعی و عرفی ما است در این خصوص ترتیباتی که می‌دهید راپورتش را البته به مجلس خواهید داد و جناب وزیر داخله جواب سؤالات مرا ندادند.

وزیر داخله - اما این که فرمودید در مجلس حاضر نمی‌شوم شما و سایرین همه می‌دانند که از طلوع صبح تا پنج ساعت از شب گذشته گرفتار نوشتن فرامین و نوشتجات و جواب تلگرافات و مکتوبات حکام هستم و هروقت از طرف مجلس محترم فرمایشی بوده که خودم باید حاضر شوم والا جناب دبیرالملک که معاون وزارت داخله هستند حاضر شده است و در باب حکام معزول که من اسناد دفاعیه حاضر نکرده‌ام درخصوص حضرت والا ظل السلطان همه بودند چه گفتگوها شد و چند مجلس در دربار منعقد گردید در تلگرافخانه با حضور حجج اسلامیه از صبح یا پنج ساعت از شب گذشته چه قدر مذاکرات شد وانگهی آن وقت عدالت‌خانه منظمی نداشتیم که رجوع به عدلیه بکنیم رسیدگی شود.

سعدالدوله - بنده نمی‌خواهم دفاع از حکام بکنم بنده عرض می‌کنم که وزیر داخله و سایر وزرا چرا در عزل حکام ایستادگی نمی‌کنند که تحقیقات به عمل آمده معلوم شود تقصیر دارند یا نه (در این موقع مذاکرات زیادی به میان آمده جمعی اظهار داشتند که وزرا همراهی خودشان را با ملت اظهار نمی‌دارند وزیر داخله اظهار نمودند که ترتیب صحیح فعلاً در کار نیست که اگر وزرا با مردم از تکلیف خودشان تجاوز

بکنند مسئول باشند. جمعی جواب دادند لازم نیست رسیدگی به عرایض و رفع اغتشاشات اتفاقیه بالفعل به‌طور قانون مدون باشد چرا به‌طور سابق هرکس به تکلیف خود عمل نمی‌کند و چرا مقصرین را مجازات نمی‌دهند و جلوگیری از اغتشاشات نمی‌شود امورات را به مسامحه می‌گذرانند بالجمله پس از مذكرات زیاد گفت‌وگوی استرداد اسرای قوچان به میان آمد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - هر روزی که وزرا حاضر شوند برای ایضاح سؤالاتی معین تا آن سؤالات تمام نشده نمی‌توان به مذاکرات دیگر داخل شد. پریروز در مجلس صحبت از اسرای قوچان و آصف‌الدوله شد و قرار شد از جناب وزیر داخله استفسار شود که در این خصوص چه اقدام کرده‌اند حال می‌خواهیم بدانیم چه اقدامی شده تا همانطور که تفصیل اسرا و فروش دخترها در روزنامه‌ها درج و منتشر شده همان‌طور هم عدالت اعلیحضرت را در استرداد اسرا نوشته و منتشر سازند.

وزیر داخله - استرداد اسرا تهیه لازم دارد اما در باب آصف‌الدوله چند مجلس با او گفت‌وگو شد می‌گوید کمیسیونی از وزرا و سایرین در دربار یا در عدلیه بشود اگر مدلل کردند که این کار به توسط من شده از تمام شئونات خود معزول و هرچه بگویند حاضرم.

آقامیرزا ابوالحسن خان - اما درخصوص آصف‌الدوله مگر حضرت عالی خاطرتان نیست آن روز در مجلس در این باب گفت‌وگو شد گفتید آصف‌الدوله تقصیر کرده و از این جهت معزول شد و همچنین نبیل‌الملک مجلس آمده بودند اظهار داشتند در وزارت خارجه بعضی اسناد هست و این مسأله را ثابت می‌نماید که محقق است اما در باب استرداد اسرا فرمودید تهیه لازم دارد قبول داریم ولی آن کسی که مرتکب این کار شده به آن شخص چه مجازات داده شد.

وزیر داخله - مجلسی از وزرا ترتیب دادیم بعد از مذاکره و مشاوره راپورت آن نوشته شده و موضح به دستخط همایونی کردید باید مجری شود.

آقامیرزا محمود - حضرت والا وزیر عدلیه فرمودند باید رسیدگی شود اولاً عرض بنده درخصوص اسرای قوچان است در سی و پنج روز قبل تخمیناً در همین مجلس عرض کردم که سالار مفخم این کار را کرده است مخصوصاً به‌واسطهٔ عداوتی که از بابت معزول شدن شجاع‌الدوله از حکومت قوچان داشت فرستاد ترکمان را دعوت کرده و گماشته خود را بلدی روانه کرده سرحد قوچان وارد نموده هفت نفر را کشتند

و شصت و دو نفر را اسیر کرده با مبالغی اموال غارت نموده بردند خود جناب وزیر داخله گفتند در این باب قراری گذاشته‌ایم و یک روز دیگر وزیر افخم معاون وزارت داخله و بنان السلطنه پیشکار آصف‌الدوله در مجلس بودند همین مطلب را بیان کردم بنان السلطنه همه را تصدیق کرده گفتند گویا محمود خودش آنجا بوده و همچنین چندی قبل امیر اعظم تلگراف نموده بودند که این کار را سالار مفخم کرده است در این صورت عرض می‌نمایم آیا به قانون اسلام این شخص چه مجازاتی باید بشود.

وزیر عدلیه جواب دادند هرچه حجج اسلام معین نمایند و بعد راپورت وزارت داخله در باب استرداد اسرا که موشح بود به دستخط همایونی قرائت شد که نتیجه و خلاصه او قریب به این مضمون بوده تمام وزرا این‌طور رأی دادند که به جهت وجه مخارج استرداد اسرا سی و پنج‌هزار تومان حکومت همان وقت قوچان و بجنورد بدهند به این تقسیم حکومت قوچان پانزده هزار تومان، حکومت بجنورد بیست هزار تومان و این سی و پنج هزار تومان به استرآباد نزد شخص امینی فرستاده می‌شود که به توسط امیر اعظم به مصارف قشون کشی برسد دستخط همایونی - به‌طوری که نوشته شده معمول و مجری شود و در این موقع مذاکره و مشاجره زیاد به میان آمد. آقای سعدالدوله اظهار داشتند که در کدام محکمه حاکم قوچان و بجنورد و خراسان محاکمه کرده‌اند و ببینم مجازات آنها همین است وزیر عدلیه گفتند این خیلی مجازات است.

آقای حاج سید نصرالله گفتند این ترتیب فعلاً برای استرجاع اسراست و جمعی گفتند مرتکب او بوده و سبب آصف‌الدوله است بالجمله چون مذاکرات زیاد شده بود لهذا برای رفع خستگی و تنفس عموم اهل مجلس رفتند به اطاق دیگر بعد از مختصر مکث مراجعت به اطاق رسمی بوده شروع به مذاکرات شد.

سعدالدوله برویم سر مطلب وزیر داخله فرمایشی کردند درخصوص اغتشاش ولایت‌ها این هم اهمیت ندارد اگر هم اهمیت دارد راجع است به غیرت ملت و از یک طرف مسامحه خود وزرا تصور فرمایید در شهری که پلیس و نظام مرتب باشد اهالی می‌توانند حرکت خلافی نمایند می‌خواهیم ببینیم این کرورها پول به قشون می‌دهیم این قشون منظم ما کجا است از ابتدای این مجلس از هر قبیلی گفت‌وگو شده مسأله قشونی هیچ گفت‌وگو نشده بنده چند دفعه خواستم حرف بزنم اما وزیر جنگ به واسطه کسالت مزاج نبوده‌اند دبیرالدوله معاون وزارت جنگ هم که حضور

داشته‌اند ملاحظه کردم که چه بیرسم مثلاً سؤال می‌شود از مأخذ قشون گرفتن نخواهند دانست گفت‌وگوی آتامازور می‌شود عوض ایشان وزارت عدلیه جواب می‌دهد باری شما آقایان و کلا در این فقرات گفت‌وگو نمایند از هیچ کس نترسید شما چهار ماه است مشغول اصلاح بودجهٔ مملکت هستید یک دفعه این کرورها پول که به اسم قشون است بزنید و بگویید ما که قشون منظم نه می‌بینیم اگر راست می‌گوییم جواب بدهید رشوه و تعارف را موقوف کردیم همین معاون وزارت جنگ آن روز منکر شد که من تعارفی نداده‌ام و حال از قراری که شنیده‌ام و می‌گویند ایشان تعارف گرفته از برای هر قصبه‌ای یک لشکرنویس باشی فرستاده است من شنیده‌ام شاید هم تهمت باشد اما من می‌گویم چرا باید مجلس تحقیق نداشته باشیم. در این موقع راپرتی رئیس نظمیه اظهار داشته قرائت شد اشعار داشت به اینکه در رشتهٔ نظم شهر سستی روی داده و سابق ادارهٔ نظمیه تکلیفی داشت حالیه آن تکلیف را مردم تصدیق ندارند در این خصوص مذاکرات زیاد شد جمعی گفتند کی مانع ترتیب سابق است و تصدیق ندارد. آقامیرزا ابوالحسن خان اظهار داشتند مقصود از این راپورت این است که به این اسم هرچه می‌شود بگویید مجلس کرد و مخصوصاً هرج و مرج را طالبند که بگویند مجلس می‌کند و به عرض شاهنشاهی به طورهای دیگر برسانند و حال آنکه این مجلس هواخواه شاهنشاهی است و محل تخت‌گاه شاهنشاهی در میان دل و جان ما است و ما اعلیحضرت شهریاری را می‌خواهیم برای خودمان و خودمان را برای اعلیحضرت شاهنشاهی و آقای سعدالدوله چنین بیان کردند که رئیس نظمیه حق ندارد این‌گونه راپورت‌ها را در مجلس ارائه دارد باید اظهارات خود را به وزارت داخله نماید و وزارت داخله پول می‌خواهد از وزیر مالیه بخواهد استعداد قشونی می‌خواهد باید از وزارت جنگ بخواهد این مجلس به غیر از هشت وزیر مسئول با کسی دیگر طرف نیست و الان چهار ماه است بانک ملی تأسیس شده چرا نمی‌آیند پول بگیرند و محاکمات کلیه حق عدلیه است.

سپس تلگرافی از رشت آمده بود قرائت شد مشعر بود به اینکه بعد از حرکت حاج خمایی از رشت علما و اعیان رشت تماماً در صحرای ناصریه چادر زده جمع شده‌اند می‌گویند تا از طرف دولت و مجلس محترم تکلیفی از برای انجمن رشت معین نشود ما به شهر نخواهیم رفت در این خصوص نیز مذاکرات زیاد شد جمعی گفتند باید تحقیق شود بعضی گفتند هرچه زودتر مجلس نظامنامهٔ انجمن‌های ایالتی را

تمام نموده بفرستد که تکلیف انجمن‌ها معلوم شود آقای سعدالدوله چنین تقریر کردند که غالب این گفت‌وگوها به واسطه انتخابات شده زیرا که اصول نظامنامه انتخابات را نفهمیده‌اند حالاً نظامنامه انجمن‌های ایالتی را هم بفرستید مثل آن خواهد شد عقیده من این است که به هر ولایتی از طرف وزارت داخله مأموری با دستورالعمل کافی برود این انجمن‌ها را از روی صحت برقرار نموده برگردد.

در جلسه روز ۲۲ صفرالمظفر ۱۳۲۵ ، نمایندگان به بحث از نوسازی مالی و حقوقی در کشور پرداختند؛ بعد لایحه‌ای که از طرف انجمن مالیه نوشته شده بود خواندند که نتیجه و خلاصه مضمون او این بود.

مجلس شورای ملی برای تصفیه مالیه هذه السنه عجالاً اصلاحات ذیل را که به اکثریت آرا بلکه اتفاق آرا تصویب شده صورت آن را به وزارت داخله می‌فرستد که وزارت داخله به خاک پای اعلیحضرت همایونی تقدیم داشته پس از تصویب و موشح شدن به صحنه همایونی به وزارت مالیه ابلاغ فرموده که وزارت مالیه معمول دارد.

اول تفاوت عمل است که باید جزو جمع دستورالعمل شود وزارت مالیه باید از کلیه تفاوت جزو جمع که سابقاً حکام در ولایات عمل می‌کردند و مبلغی از آن را به اسم پیشکشی به دولت می‌دادند صورت صحیحی به دست آورده به مجلس محترم بفرستند که بعد از تصویب در مجلس جزو جمع دیوانی نوشته شود و باید از اشخاصی که این صورت‌ها را می‌دهند التزام سخت بگیرند که هرگاه بعد به توسط متفقین خلاف و خیانت آنها معلوم شود مورد مجازات باشند و اول درجه مجازات سلب امتیازات و شئون و حقوق دولتی است و این ترتیب فقط در هذه السنه است در سنه آتی که ترتیب مالیات از روی ممیزی علمی معلوم شد بالمره متروک خواهد بود.

دوم مبادله جنس دیوانی است که سابقاً تسعیر می‌کردند بعد از این باید همه جنس دیوانی را عین جنس بدهند و به کلی تسعیر موقوف است و باید وزارت مالیه صورت صحیح این را به مجلس بفرستند که معلوم شود از این فقره چقدر بر جمع افزوده شده.

سیم تیولات است که باید بلااستثنا برگردد و صاحبان موجب و ارباب حقوق خود را از خزانه دولت به اقساط مقرر دریافت دارند.

چهارم تفاوت ممیزی خراسان است که هنوز در دستورالعمل آنجا نوشته نشده باید نوشته بشود و از این باب دیناری مواجب به اسم اشخاص منظور نگردد.

سپس کتابچه ترتیب کمیسیون ممیزی که برای تعدیل بلوکات تهران در هذه‌السنه معین شده وزارت مالیه به مجلس فرستاده بودند قرائت شد هر ماهی تخمیناً یک‌هزار و نود و شش تومان برای هیأت ممیزین و مهندسین مخارج و مواجب معین شده بود فی‌الجمله مذاکره در این خصوص به میان آمده جمعی تصدیق نموده گفتند تمام آن چیزی که وزارت مالیه در این کتابچه نوشته‌اند صحیح است جمعی گفتند باید دفعه ثانی این کتابچه خوانده شود که از روی دقت و تأمل رسیدگی شده و تصویب شود بعضی گفتند اغلب این اجزایی که معین شده‌اند از دیوان حقوق دارند دیگر چرا در اینجا برای آنها مواجب تعیین کرده‌اند. جواب داده شد که مواجب دیوانی به اندازه کفاف نیست باید طوری این اجزا راحت باشند که به‌طور صحیح اقدام در کار نمایند و بعد گفته شد دو ملاحظه در این کتابچه نشده که باید ملاحظه شود یکی در عنوان رئیس خالصجات لفظ وزارت نوشته شده و این مخالف با قوانین این مجلس است و ما نمی‌توانیم تصدیق نماییم یکی هم در خصوص تعدیلات مأمورین و ملاکین و غیره به‌طور مطلق مرقوم شده در موقع ارتکاب مؤاخذه سخت خواهد شد و این عادت قدیمه است باید حدود معلوم و محدود شود و عموماً این دو ایراد را تصدیق نموده گفتند باید این دو فقره در کتابچه تصحیح و ملاحظه شود در این موقع عنوان از بی‌ترتیبی تلگرافخانه شد که چندمدتی است وضع تلگرافخانه بسیار مغشوش است و از تلگرافی که از طرف مجلس محترم (به دومای) روس شده و هشت روز بعد از نوشته شدن مخابره کرده‌اند می‌توان این مطلب را ثابت کرد که به چه اندازه ترتیب تلگرافخانه غیرمنظم است مذاکرات زیاد در این خصوص شد. جمعی اظهار داشتند تلگرافخانه که محل اسرار و ناموس ملت و دولت است باید به شخص امینی ریاست آن داده شود بعضی اظهار نمودند که تمام اغتشاشات ولایات از رئیس حالیه تلگرافخانه است و یکی از وکلای محترم مازندران چنین بیان کردند. چند روز قبل که مازندران مغشوش و بازارها بسته بود اهالی آنجا سه تلگراف نموده و بعد از تلگراف نمودن کاغذ نوشته‌اند که در فلان تاریخ تلگراف کردیم دو روز پس از رسیدن آن کاغذها تلگرافات رسیده معلوم شده دوازده روز مخابره تلگرافات مازندران طول کشیده جهت تأخیر و تعویق چه بوده غیر از بی‌ترتیبی تلگرافخانه

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

می‌توان به چیز دیگری حمل شود و همچنین اهالی مازندران رفته‌اند تلگرافخانه، تلگراف نمایند رئیس آنجا جواب داده است که تلگرافخانه تعطیل است جهت را سؤال کرده‌اند گفته است به واسطه اینکه قزاق وارد به انزلی و بعضی جاها شده همه جا مغشوش است چرا باید این‌گونه اقاویل کاذبه را اجزای تلگرافخانه شهرت بدهند که باعث اضطراب و هیجان مردم بشود. از وکلای محترم آذربایجان بعضی چنین اظهار داشتند که این همه گفت‌وگو از تلگرافخانه می‌شود چرا به هیچ وجه از پستخانه و تقلبات و بی‌تربیتی آنجا مذاکره نمی‌کنید و حال آنکه اداره پستخانه بیشتر محل اسرار و ناموس ملت است. کاغذها را باز می‌نمایند جواب داده شد فعلاً دو سه روز است که اداره پستخانه اداره ایرانی و ریاست آن را به ایرانی داده‌اند باید صبر کرد بینیم من بعد رئیس جدید به چه گونه رفتار می‌نماید آن وقت شکایت شود وانگهی مخصوصاً ریاست حالیه اظهار داشته است که یک نفر امین از طرف مجلس در اینجا باشد زمان ورود پست‌ها را ملاحظه نماید که به چه ترتیب وارد و به صاحبانش می‌رسانند و گذشته از این صحیح نیست هر روزه از یکی شکایت شود ما برای ادارات آدم لازم داریم و بعد مذاکره در این باب شد که مطالبی که در کمیسیون مذاکره می‌شود به جهت این است که در مجلس علنی صحیح نیست گفت‌وگوی آن مطالب بشود و حال معلوم می‌شود هر مطلبی که در کمیسیون مطرح می‌شود فوراً فردای آن روز همان مطلب را در مجلس علنی مذاکره می‌نمایند. پس در این صورت فایده کمیسیون چیست در همین خصوص تلگرافخانه و غیره با جناب دبیرالملک در کمیسیون گفت‌وگو شده قرار گذاشتند که مراتب را به وزارت داخله اظهار کرده و اصلاح شود حال چرا در این مجلس مطرح شده بالجمله پس از مذاکرات و مباحثات زیاد لایحه که در انجمن وکلای محترم نوشته شده قرائت شد مشعر بود به اینکه آیا صحیح است ادارات دولتی عموماً و تلگرافخانه خصوصاً به طور مقاطعه داده شود یا نه و همچنین دو کار به یک نفر دادن مثل همین تلگرافخانه که رئیس حالیه آن هم حکومت دارد و هم ریاست تلگرافخانه را صحیح است یا خیر. مباحثات زیاد در این باب شد عموم وکلای محترم در اینکه مقاطعه غلط است و دو کار هم به یک نفر داده نشود خصوص در مسأله تلگرافخانه متفق‌القول بودند ولی در اینکه فعلاً عمل تلگرافخانه برگردد یا نه اختلاف آرا حاصل شد. بعضی گفتند چن فعلاً اداره تفتیش و اشخاص امین نداریم و ادارات درست

منظم نیست.

صلاح نیست که تلگرافخانه امانی واگذار شود زیرا که ضرر دولت است بعضی اظهار داشتند بر فرض ضرری هم مترتب شود عیب ندارد و بالفعل امانی واگذار شود بهتر است زیرا که غیر از تلگراف وسیله دیگری ندارند که به زودی عرایض آنها به اولیای دولت و ملت برسد وقتی که مقاطعه شد به همین ترتیب که ملاحظه می‌فرمایید وضع تلگرافخانه مغشوش خواهد بود وانگهی ریاست حالیه آن هم حکومت دارد و هم ریاست تلگرافخانه و علاوه مطرود ملت است باید تغییر داده شود بعضی گفتند از بابت تلگرافخانه و گمرک باید از نصرالسلطنه اظهار امتنان کرد که او زیاد نموده و باعث شد که این دو اداره از حیث عایدات ترقی کرد و درحقیقت از این جهت خدمت کرده است و البته هرکس خدمتی به دولت و ملت نمود باید اظهار رضایت از او کرد و جمعی مدعی بر این اظهار شده بالاخره بعد از مباحثه و گفت‌وگوهای طولانی قرار شد در خصوص عمل مقاطعه دادن ادارات خصوص تلگراف و دو کار به یک نفر دادن در مجلس دیگر تجدید مذاکره شود.

در مذاکرات روز سه‌شنبه ۹ شهر ربیع‌الاول ۱۳۲۵ هم نمایندگان دارالشورای ملی به امور مالی کشور پرداختند و آنها را در رابطه با وضعیت جاری به بحث گذاشتند: خلاصه مذاکرات روز یکشنبه ۷ را آقاسید محمد تقی قرائت کردند قرار شد دو ماده که از نظامنامه بلدیه باقی بود قرائت و تصویب شده رأی گرفته شود و همچنین لایحه ممیزی قرائت و مطرح مذاکره گردد قبل از شروع به این دو امر آقای رئیس‌التجار چنین عنوان کردند این کمیسیون مالیه چهار ماه است معین و منعقد شده چه کار کرده و چه نتیجه بخشیده.

جناب رئیس جواب دادند کمیسیون مالیه کار زیادی نکرده و نمی‌تواند هم بکند زیرا که در باب اصلاح جمع بیش از آنکه چندی قبل راپورت داده و در مجلس تصویب شد نمی‌شود اقدامی کرد اما در باب اصلاح خرج یک قسمتی از آن باید از طرف دولت اقدام شود و یک مقداری هم از مجلس.

یکی از وکلا اظهار کرد در باب اصلاح مالیه خصوص از بابت خرج باید تمام وزرا باشند باز جناب رئیس چنین تقریر نمودند در اصلاحات خرجی دو صورت دارد یا باید یکی یکی را قلم برداشته تصحیح نمود و پیش رفت یا اینکه درجات مواجبی از برای طبقات نوکر معین کرد که کسی بیش از آن اندازه مستحق نباشد و اصلاح

اینها همه یک مقداری خالی از اشکال نیست.

پس همان طور که آقای حاجی سیدنصرالله گفتند یا باید کمیسیون از وزرا و وکلا باشد اصلاح نمایند یا باید بودجه‌ای از هر وزارتخانه خواست.

یکی از وکلا اظهار نمود در هر صورت وقت گذشته باید زودتر اقدام به اصلاح مالیه بشود و تکلیف حکام معلوم گردد و از قراری که یکی از آقایان وکلا کاغذی ابراز داشتند حکومت تنکابن که رفته باز مثل ایام سابق حواله سیورسات داده و همچنین جناب حاج محمدتقی آن روز تلگرافی ارائه کردند که سوار رفته مازندران و بی‌اعتدالی کرده قرار بود وزارت داخله تحقیق و رسیدگی نمایند چه اقدامی تا حال کردند اگر مسامحه در این کارها نشود باز امروز حاکم نمی‌رفت مثل سابق سیورسات بخواهد.

یکی از وکلا گفتند تمام عیب کار ما این است که همه حرف‌های ما به کلمه (باید بشود) ختم می‌شود دیگر اقدامی در کار نیست.

یکی از وکلای آذربایجان چنین عنوان نمودند در مسأله مالیه دو حرف دارم یکی اینکه در دوازده سال قبل که شاه شهید نورالله مضجع مرحوم شد جمع و خرج مملکت مساوی بود اینکه چیزی هم زیادی بود و حال آنکه آن وقت گمرک یک کرور هم عمل نمی‌کرد امروز چهار کرور عایدی دارد پس علت چیست که امروزه پنج کرور از جمع کسر آمده و ما به جهت اصلاح این خود را به این طرف و آن طرف می‌زنیم، علت این را مجلس بفهمد دیگر اینکه تعدیل جمع و خرج مالیه را باید وزارت مالیه بکند و به مجلس بفرستد تصویب بکنند اگرچه درست اطلاع ندارم ولی پریروز تلگراف روسیه را دیدم که دوما روس حکم کرد به وزارت مالیه جمع و خرج مملکت را تعدیل نمایند وزارت مالیه فوراً تعدیل نماید وزارت مالیه فوراً تعدیل کرده و به دوما پیشنهاد نموده اظهار داشت که بعضی خرج‌های فوق‌العاده اتفاق می‌افتد حالا نمی‌توانم اصلاح نمایم پس چطور آنجا وزارت مالیه می‌تواند مالیه را اصلاح نماید و اینجا نمی‌شود آخر در دوازده سال قبل چه طور بود و حالا چه شده که پنج کرور خرج اضافه گشته یکی از وکلا جواب دادند اینجا علت اینست که وزرای مسئول درحقیقت مسئول و مستقل در کار خود خود نیستند. وقتی می‌گویند مخارج هر کس معلوم شود پیشرفت نمی‌کند مثل این که بعد از آنکه مجلس برگشتن تیولات را تصویب نموده و رأی گرفته باشد باز تیول داده می‌شود و وزارت

مالیه را مجبور می‌کنند که حتماً امضا بکن و یکی دیگر چنین جواب داد که دولت روس پیش از این دولت قانونی بود و یک قانونی در دست داشتند به جهت آن عمل مالیه فوراً اصلاح شد اما اینجا سابق بر این قانونی نبوده و بودجه صحیح نداشته و از ترتیب وزارتخانه‌ها خبر نداشتند در این صورت اصلاح مالیه اختصاص به وزارت مالیه ندارد آن هم در عرض سایر وزاراست باید به اتفاق همدیگر عمل مالیه اصلاح شده باز جناب رئیس در این موقع عنوان کردند که پریروز صحبتی شد در عمل مالیه و مطلب به این ختم شد که وزیر مالیه دعوت شده بیایند مجلس و در این باب گفت‌وگو شود و از طرف مجلس هم دعوت شده اطلاع داده‌اند روز پنجشنبه می‌آیند باید آن روز این مطلب را به میان آورد تکلیف صحیح خواست و یکی از وکلا اظهار کرد که قصور از طرف مجلس هر مطلبی که عنوان می‌شود او را دنبال نمی‌کند و حال اگر می‌خواهید این عمل مالیه بگذرد که در حقیقت اس اساس مجلس است باید مجلس همه روزه تعقیب نموده به هیچ کاری اقدام نکند و وظیفه مجلس این است تمام دنیا را آتش بگیرد باید این رشته را دنبال کند تا نتیجه به دست آید. برفرض امری فوق‌العاده اتفاق افتاد انجمن علیحده تشکیل شود والا تکلیف رسمی مجلس همین امر است یکی دیگر از وکلا اظهار کرد این که می‌گویید تقصیر مجلس است من عقیده‌ام برخلاف این است بلکه مسامحه از طرف دولت است چند روز قبل لایحه قانونی برگشتن تیول‌ات داده شد چه نتیجه بخشید باز تیول می‌دهند و می‌گویید شش کرور کسر جمع دارید. معه‌ذا ده هزار تومان به یک نفر داده می‌شود. در این موقع صحبت از این شد که این شش کرور مخارج اضافه شده از چه راه شده و علت چیست بعضی گفتند تمام مستمری و مواجب و افطاریه و انعام و مخارج فوق‌العاده شده بعضی جواب دادند که مخارج فوق‌العاده یک سال دو سال بوده و در عوض مواجب و مستمری و غیر هم بعضی مواجب‌ها مقطوع و ثلث کسر شده و چیزهای دیگر اضافه گشته و یکی دیگر از وکلا اظهار کرد عمده سبب این تفاوت به جهت استقراضی است که شده حال آن پول چه شد نمی‌دانم ولی تخمیناً چهار کرور به مباحه و اصل این قروض داده می‌شود و نیز مخارج دولت نسبت به سابق مثل سایر ناس دو مقابل سه مقابل شده جواب داده شد عمده خرج مملکت حقوق قشون است که از زمان مرحوم نایب‌السلطنه تا حال به یک میزان است گفتند از بابت سفر مخارج زیاد شده جواب دادند درمقابل تذکره احداث شده است

بالاخره پس از مذاکرات زیاد در این باب آقای رئیس‌التجار باز عنوان کرد که عرض من بی‌نتیجه نماند من عرض می‌کنم وقت گذشته باید به هر ترتیبی هست جمع و خرج مملکت اصلاح شده مساوی شود کی شروع به این کار خواهد شد؟ جناب رئیس جواب دادند وزارت مالیه روز پنجشنبه می‌آید باید جداً به این امر اقدام شده تعقیب شود.

و یکی از وکلا اظهار داشت دو چیز است باید همه روزه مذاکره شود یکی مسأله تعدیل مالیه و یکی عمل بانک ملی به ذهن قشون چنین داده‌اند که مجلس مانع است از اینکه پول به آنها داده شود و حال آنکه مجلس تصویب استقراض این چهار کروار را نمود محض خاطر قشون بود که به حقوق خودشان برسند. یکی اظهار کرد که من به آواز بلند می‌گویم دولت حقوق قشون را دویست و شصت و پنج هزار تومان به موجب صورتی که پریروز مجلس دادم داده‌اند از قرار ذیل:

صدهزار تومان از بابت پیش‌قسط خراسان و فارس، صدهزار تومان از بابت تلگرافخانه، شصت و پنج هزار تومان هم بانک داده است.

حال در عوض این برات تومانی چهار هزار خریده شده یا هفت هزار تومان موجب وزیر لشکر داده شده و به قشون نرسیده نمی‌دانم یکی دیگر از وکلا بیان کرد در مجلس پریروز عرض کردم و امروز هم عرض می‌کنم که این پول داده شده ولی به اکثر قشون نرسیده باید از وزارت جنگ تحقیق شود که این پول پیش کیست گرفته به افراد قشون برسانند یکی از وکلا اظهار کرد کدام وزارت جنگ شما تا حال هیچ وزارت جنگ را دیده‌اید اگر مجلس صلاح می‌داند یادداشت شده چیزی به وزارت جنگ در این خصوص نوشته شود یکی دیگر از وکلا بیان کردند به همین طوری که گفته شد پول داده شده ولی از قرار اطلاع خارجی که دارم صورتی که چندی قبل به مجلس دادند و دویست و سی و پنج هزار تومان از بابت حقوق قشون نوشته بودند این برآورد حقوق هشت ماهه قشون بوده آن هم به تصنیف و حال چهار ماه هم تا آخر سال افزوده می‌شود قشون از بابت این چهار ماهه و از بابت نصفه آن هشت ماهه طلبکار است و می‌خواهد و آن دویست و شصت و پنج هزار تومان به قشون داده شده جواب داده شد ابداً این طور نیست و در آن صورت اکثر حقوق قشون تا آخر سال قلمداد شده ولی دیگر خریدن برات تومانی چهار هزار و هفت هزار تومان موجب وزیر لشکر جزو آن نبوده است و یکی دیگر از وکلا چنین عنوان

نمود که ما وزرای جنگ را نمی‌شناسیم که این تحقیقات را نماییم زیرا که باز می‌بینیم وزارت لشکر وزارت قورخانه وزارت ذخیره و غیره هست و تمام روی پاکت‌ها مهر وزارت می‌زنند همین قدر به ما می‌گویند وزیر مسئول هشت نفر است ما هم خوشحال می‌شویم دیگر در فکر رسمیت آن نیستیم و یکی دیگر بیان کرد چندی قبل با وزیر مالیه از بابت عایدات امساله گمرک صحبت شد جواب دادند به عهده من است و من مسئول هستم اما اگر حالا برسید می‌گویند من نمی‌دانم و فرامین را امضا می‌کنند و همین‌طور سایر کارها مانده تا وزارت مالیه اینجا حاضر نشوند و سؤال و جواب در این خصوص‌ها ننماییم تکلیف معلوم خواهد شد همچنین در خصوص حقوق قشونی هم باید وزارت جنگ حاضر شود ولی عیب کار اینجاست که تمام وزرا اسماً مسئول هستند نه رسماً اگر رسماً مسئول بودند ابداً اقدام به این گونه کارها نکرده و فرامین را امضا نمی‌کردند و یکی دیگر اظهار داشت که جهت مسامحه به یک اندازه نزد همه آقایان باید معلوم باشد تا حال یک ماه از سال نو گذشته و به همین مسامحه یک ماه دیگر هم می‌گذرد از آن طرف هم حکام اقدام به کارهای سابق خودشان کرده و ارباب تیول هم در تیولات خور دخالت می‌نمایند آن وقت می‌گویند امساله که وقت گذشته شما مشغول کار باشید باشد برای سال آینده و یکی دیگر از وکلا چنین اظهار داشتند این مذاکرات که شده تماماً صحیح ولی باید حرف نباشد و نتیجه به دست آورد جناب آقای امیرزا ابراهیم زنجانی لایحه نوشته‌اند که در همین خصوص‌ها است خوانده شود در این موقع یک نفر وکیل محترم خوانسار ورود به مجلس نمودند آقای اسید محمدتقی ایشان را معرفی کردند به این‌طور - جناب آقا شیخ محمد باقر که از اجله علمای خوانسار و وکالت از طرف اهالی آنجا دارند مجلس کمال مسرت را از ورود ایشان دارد. تمام وکلا تبریک گفته و معزی الیه به عضویت مجلس پذیرفته شد و لایحه آقای امیرزا ابراهیم زنجانی قرائت کردید که انشاءالله عین آن در نمرات آتیه درج خواهد شد و مختصراً اشعار داشت به اینکه آنچه لوایح قانونی و غیره نوشته شده تماماً فهرست شده چاپ کرده به وکلا بدهند که همه بدانند و نیز آنچه نوشته شده و به صحنه همایونی رسیده ولی هنوز اجرا نشده فهرست علیحده شود و همچنین آن عنواناتی که گفت وگویی آن قطع و تمام شده اما به صحنه فرستاده نشده فهرست علیحده شود که به صحنه همایونی فرستاده شود و نیز مطالبی که گفت وگویی آن قطع نشد فهرست جداگانه شود که

مذاکره آنها شده ناقص نماند و مطالبی که مهم است و هنوز هیچ در مجلس عنوان نشده فهرست شده با رعایت الاهم فالاهم در تحت مذاکره‌اید دیگر آنکه آقایان و کلا به نوبت نطق نمایند و نیز وقت مجلس را وسعت بدهند.

و در این خصوص‌ها مذاکرات به میان آمد یکی از وکلا بیان کردند وظیفه که می‌خواهید اجرا شود ترتیب آن همین است که در این لایحه نوشته شده یکی دیگر بیان نمود چون در این لایحه از وسعت وقت مجلس نوشته شده پس خوب است وقت مجلس معین شود که در آن ساعت همه حاضر گشته و مشغول مذاکره گردند جواب داده شد تعیین ساعت و وقت مجلس وظیفه جناب رئیس است یکی دیگر اظهار کرد بر فرض از صبح بیایید تا دو ساعت از شب رفته گفت‌وگو نمایید مجری نشود فایده‌اش چیست الان حال این مملکت در بحران است.

و یکی از وکلا چنین عنوان نمود که در اوایل ماه صفر تظلمی از همدان شده بود و به توسط من به وزارت داخله داده و حکم آن را مشیر دربار نوشته‌اند و از آن وقت تاکنون نزد ایشان مانده و هر وقت مرا می‌بینند دعوت به خانه خودشان نموده می‌گویند یک چیزی هم برای من بیاورید و من هم سابقاً رشوه می‌دادم.

ولی از آن وقتی که قانون رشوه نوشته شده نمی‌توانم چیزی بدهم و حکم هم در نزد مشیردربار مانده این است حال احکامی که صادر می‌شود بعضی گفتند این مطلب شخصی است نباید در اینجا مذاکره شود و یکی دیگر از وکلا عنوان نمود چنین مذاکره شد که در مطلب اهم حرف بز نیم حال سه ماه است که از وزارت داخله استرداد اسرای قوچان را خواسته‌ایم کو؟ چه کرده‌اند؟ و چه اقدام نموده‌اند و چند دفعه وعده دادند کدام نتیجه را بخشید آیا این مطلب مهم نیست؟

جواب داده شد که هر وقت از استرداد اسرا صحبت می‌شود پای آصف‌الدوله را داخل نموده مذاکره او می‌شود که باید در مجلس حاضر شود یا نشود و مطلب شخصی شده مقصود از میان می‌رود ما باید به هر طوری که هست استرداد اسرا را جداً بخواهیم گفتند تا وزارت داخله را نخواهیم به جهت استرداد اسرا تکلیف معلوم نمی‌شود پس خوبست برای روز پنجشنبه دعوت شود جواب داده شد که روز پنجشنبه را وزیر مالیه خواهند آمد باشد برای روز شنبه و گفت‌وگو از مسامحه وزرا شد گفتند همه این‌طور نیستند جناب وزیر مالیه و جناب وزیر علوم و حضرت والا وزیر عدلیه مشغول کارند و یکی از وکلا اظهار کرد مطلب متفرق شد. آقایان باید

بدانند که در گفت‌وگو باید تا روز پنجشنبه و شنبه صبر نماییم روز پنجشنبه با وزارت مالیه در خصوص تبدیل مالیه و غیره مذاکره می‌شود ما تا روز شنبه و یکشنبه تکلیف معلوم خواهد شد.

در این موقع دو ماده از نظامنامه بلدیہ باقی مانده بود قرائت شد عموم تصویب نموده ورقه رأی منتشر گردیده اخذ رأی شد از این قرار:
ورقه سفید ۶۹، ورقه کبود ۱، امتناع ۱۰ باز صحبت و مذاکره از تعین وقت مجلس شد.

یکی از وکلا چنین عنوان نمود جناب رئیس جمعی از وکلا دو خواهش دارند یکی تعیین وقت مجلس و یکی هم مطلبی که در مجلس آتیہ مطرح مذاکره خواهد شد در آخر مجلس روز قبل اطلاع داده شود که وکلا بدانند در مجلس آینده در چه خصوص گفت‌وگو خواهد شد.

حاج سید عبدالحسین شهبهانی - آقای حاج امام جمعه بیاناتی کردند که باعث دلسوزی است بیانات شما هم در مقابل محتوی بود بر لزوم سعی و پیش بردن کار آقایان وکلا و وزرا باید تکلیف عمومی داشته باشند تا نداشته باشند نمی‌توانند خرابی دیگران را اصلاح نمایند.

وزیر عدلیہ - این جواب بود به جهت سؤال مقدار مطلب حاج امام جمعه ربطی به این مسأله ندارد.

(در این موقع جناب مستطاب حجة الاسلام آقای آفاسید عبدالله مجتهد - و حضرت حجة الاسلام آقای حاجی خمایی و جمعی دیگر از آقایان رشت به مجلس تشریف آوردند.

جناب بحرالعلوم اظهار داشتند که حضرت حجة الاسلام آقای حاجی خمایی محض ملاقات آخرین به مجلس مقدس تشریف آورده‌اند امروز هم قصد تشریف بردن دارند کمال مسرت و امتنان را هم از وکلای عظام اظهار می‌فرمایند در آنجا هم نهایت مجاهدت را در پیشرفت اساس مقدس مجلس خواهند داشت عموم وکلای عظام از ابراز ملاطفت و مساعدت حضرت حجة الاسلام نهایت تشکر را نموده‌اند.

دکتر ولی‌الله خان - اینکه فرمودید مطلب به ملاحظه اینکه پای سردارها در میان است در مجلس وزرا مطرح شود البته بدیهی است که هر گفت‌وگویی که به میان بیاید لابد شخص طرف به یک طریقه بستگی دارد.

اما اینکه فرمودید به جهت صدور حکم کمیسیونی منعقد شود حاجت به کمیسیون نیست حکم شرع مایکی است یک نفر از علما و حجج اسلام که حکم فرمودند کافی است.

وزیر عدلیه - چون مطلب اهمیت داشت و تا حال کسی چنین حکمی را ندیده بود گفتم این طور باشد والا بدیهی است مطلب جزئی رجوع به وزرا نمی شود حکم شرع هم یکی است.

آقاسید حسن تقی زاده - در اینکه ترتیب عدلیه طوری ظاهرش مرتب است که ایراد نمی شود گرفت حرفی نیست ولی عمده نتیجه است که آن مجازات است و این مطلب به کلی از این مملکت رفته بنده آن روز عرض کردم اگر بنا بشود سرداری در تحت قانون گرفتار شود و اغتشاش نمایند بنده هم فردا گرفتار می شوم سادات جمع می شوند و اغتشاش می نمایند آن وقت قانون از میان خواهد رفت عمده مجازات است کمیسیون هم به عقیده بنده لازم نیست.

زیرا شما که رئیسید نشسته اید حاجت به بودن وکیل هم نیست که هر وزیری یک کاری داشته باشد از وکلا بخواهد و این کم کم معمول می شود این شخص دو مجازات دارد یک مجازات شرعی آن معلوم است و یکی هم عرفی که خیانت به رعیت و دولت کرده است پس در این صورت کمیسیون فایده ندارد این طور که حضرت والا فرمودند ما یک رأی داده ایم اجزای عدلیه هم یک رأی دیگر و حال آنکه حکم باید با عدلیه باشد از قراری که شنیده ام رأی وکلا را که مهر کرده بودند در مجلس عدلیه آن ورقه را در مجلس وزرا اظهار داشته اند فرموده اند این رأی وکلا است تکلیف چیست در همه جا اجزای وزارتخانه ها از طرف دولت مستقیماً معین می شوند ولی این جا آن طور نیست بلکه به عکس بسته و تابع وزیر وقت است و رأی همه برگشت می کنند به یک رأی که آن رأی شخص وزیر باشد.

وزیر عدلیه - اینها قیاس است صدر دیوانخانه سی سال است و حالا هم صدر است و همچنین رکن الممالک و الحمد لله من یک نفر از بستگان خود را داخل کار نکرده ام مبحث دوم حکمی که وکلا بسته مهر کرده اند برای خود من است هنوز ابراز نداشته ام این که گفتید وزیر باید مختار باشد اگر مرا امین میدانید یک ماه هم از من نپرسید که چرا این مجازات به تأخیر افتاده شاید من چنین صلاح دانسته ام.

آقامیرزا فضلعلی آقا - در اینکه ماباید به وزرا اطمینان داشته باشیم حرفی نیست

ولی باید اطمینان به گفتن نباشد باید ترتیب آثار بشود امروز ما محتاج به دو چیز هستیم از یک جا عنوان شرعیه می شود می گویند فلانی ها اشکال تراشی می کنند نمی گذارند کار پیش برود این یک دسته از دوستان ما هستند یک دسته دیگر هستند که اگر یک لغزشی از ما دیده می گویند دیدید نتوانستید موافق شرع کار بکنید ما گرفتار این دو امر شده ایم یک جای دیگر هم دشمن ها چادرها برپا کرده اند می خواهند طوری ما را متهم نمایند پس در این صورت به گفتن نمی شود باید کاری کرد که در عدلیه تمام بشود طوری هم باشد که محل ایرادی نباشد و مثل معروفی است که انگشتی که شرع ببرد خون ندارد و تا حکم به این درجه نباشد ما نباید او را حکم بدانیم بعد از آنکه عموم گفتند که یک نفر مقصر و در حق او اقدامی خواهد شد مادامی که این محاکمه به حدی نرسد که محل ایراد نباشد حق ندارید مجری دارید.

آقاسید مهدی - مدتی است و کلاً بیاناتی کردند و وزیر عدلیه فرمودند صحیح است و الحق بیاناتی که امام جمعه و آقامیرزا فضلعلی آقا فرمودند هر کس متشرع است همه را می داند بنده مختصراً عرض می کنم هنوز محذور در میانه است تا محذور. مرتفع شود هیچ امری پیشرفت ندارد.

آقاسید حسن تقی زاده - وقتی که شخص به مملکت و دولت و رعیت خیانت گذشته از حکم شرع کرد یک سیاست عرفیه دارد از قدیم هم معمول بوده و این قابل شبهه نیست خود حجج اسلامیه هم امورات را از دیوانخانه عدلیه می خواستند که اجرا شود این مطلب منافی با شرع نیست البته سیاسات باید هر چه زودتر مجری شود چون وقتی که بسط ید در مملکت نبود امورات را راجع به نظر جمعی می کردند حال عرض می کنم تقصیر و خیانتش به این ترتیب ثابت شد مقصود این است که مجازات تأخیر نیفتد.

آقاسید محمد تقی - حکم عرفی را توضیح نمایم احکام عرفیه نباید برخلاف شرع باشد.

وزیر عدلیه - من قائل به عدم بسط ید نیستم من وزیر عدلیه هستم که الان حجج اسلام حاضرند و کلاً هم حضور دارند حکمش را بفرمایند من فردا صبح مجری دارم. وکیل الرعایا - آیا اگر سردار خائن را دولت نخواهد مواجب بدهد این خلاف شرع است یا سردار خائن را نخواهند در سر حد بگذارند این مطلب خلاف شرع است.

در این موقع آقای حاجی خمایی رفتند و جمعی از وکلا و جناب رئیس ایشان را مشایعت کردند و مجلس به قدر نیم ساعت تعطیل شد.

تلگرافی از طرف حضرت حجة الاسلام آقای حاجی میرزا حسین حاج میرزا خلیل مدظله العالی به عنوان حضرت حجة الاسلام آقای آقاسید جمال الدین افجه‌ای مدظله شده بود قرائت شد، صورت آن اینست:

جناب حجة الاسلام آقاسید جمال الدین افجه‌ای سلمه الله تلگراف موحش جناب عالی و اصل و مخالفت مخالفین که مخالفت با شرع انور است موجب ملالت فوق العاده گردید واضح است که ما غرضی جز حفظ دماء و اموال و اعراض مسلمین و تقویت ملت و دولت و ترفیه حال رعیت نداریم در صورتی که وکلای محترم همه شان مصروف اجرای مراتب مزبوره و دفع و رفع ظلم و اغاثه مظلومین است که شرعاً و عقلاً حتم و واجب است مخالفت و معاندت با آنها مخالفت با شریعت مطهره است و دفع و تبعید مخالف لازم است خداوند تعالی هم نصره خواهد فرمود.

الاحقر بحل الحاج میرزا خلیل

احسن الدوله - با آن تلگرافات که از نجف اشرف رسیده تکلیف این اشخاص چیست.

آقای آقامیرزا سید محمد - مجتهد سکوت و واگذار به خدا نمودن ابدأ قابل مذاکره نیستند.

وکیل التجار - متمم فرمایشات اولیه حاج امام جمعه بی نتیجه مانده خوب است چیزهای لازمه بی نتیجه نماند با کمال صدمه نظامنامه انجمن‌ها نوشته و به صحنه رسید و گفتیم این خیلی به حال مملکت نافع خواهد بود و حال مدتی است از چاپ درآمده و به موقع اجرا گذارده نشده و اتصالاً از اطراف عریضه شکایت می‌رسد.

آقاسید محمد مجتهد - هنوز این تفصیلات در تهران مجری نشده هنوز نایب حسن و غیره در کار خود باقی هستند شما از ولایات صحبت می‌دارید از بوشهر نوشتند که به اقسام مختلف از ما راهداری می‌گیرند.

وکیل التجار - باید از طرف وزارت داخله و وزارت مالیه به اطراف تلگراف شود که ابدأ بدون کتابچه دولتی دیناری از کسی نگیرند حضرت حجة الاسلام آقا آن روز رسماً قول دادند که بیست روزه قانون اساسی را بدهند هنوز همین طریق مانده نظامنامه انجمن‌ها هم همین طور.

آفاسید محمد مجتهد - جهت تأخیر چیست.
آقا ملاحسن - جهت تأخیر این است که اطراف اغتشاش شد گفتند نظامنامه حکام نوشته شود و فرستاده شود.

حاجی شیخ حسن - قانون اساسی برای چه خوانده نمی شود در صورتی که تمام اغتشاشها به واسطه نبودن قانون است هرگاه این قانون خوانده شود و فرستاده شود رفع تمام این مفاسد خواهد شد.

آقامیرزا حسین طبیب - بر فرض قانون خوانده شد و به صحنه هم رسیدگی مجری خواهد شد.

عزل وزیر جنگ چه شد انجمن ایالتی چه شد.

حاج سید عبدالحسین شهشهانی - می گویند تیول موقوف شده و حال آنکه همان تیولات را به خودشان می دهند و پیشکشی هم می گیرند.

آفاسید جعفر - می گویند راهداری مدتیست به حکم دولت موقوف شده از بوشهر تلگراف رسیده که در بیست جا راهداری می گیرند و کیل الرعایا در زمان صدارت مشیرالدوله در صورتی که مثل آقای ظهیرالدوله به جهت انتخاب و کلا در آنجا بود پنج تلگراف شده حالا انجمن ایالتی رسمی که آنجا بود به یک تلگراف موقوف کردند جهت چیست حکم به افتتاح انجمنها نمی شود و در صدد انتخاب بر نمی آیند.

آفاسید جعفر - گفت و گوی ما در جزئیات نیست در کلیات است مادامی که میانه و کلا و وزرا و شاه اتفاق حقیقی نباشد کار از پیش نخواهد رفت باید محضورات را رفع کرد.

دکتر ولی الله خان - در این که باید توافق کلی بشود تا کارها پیش برود حرفی نیست در این جا مکرر گفته شده فلان قانون نوشته شود در هیچ جا قوانین یک مرتبه نوشته نشده.

قرآن هم در چندین سال نازل شد قانون اساسی در بعضی جاها شش سال طول کشیده مقصود اینست صرف نوشتن نباید باشد باید محل اجرای آن را ملاحظه کرد دیگر این که مکرر گفته می شود که مجلس کاری نکرده بنده می گویم خیلی کار کرده ما سه قسم اند رزده داریم یکی انبیا هستند که به مظلومین فرمودند صبر کنید و به ظالمین وعده عذاب دادند ثانیاً شعرا بودند که مظلومین را تشویق به صبر و

ظالمین را نصیحت کردند سیم دارالشوراها است که گفته‌اند مردم قبول ظلم نکنید و کار این دارالشوراها این خواهد بود اینکه می‌گویند اسباب انقلاب فراهم آورده خیر این ظلم و انقلاب از اول هم بود تا حال سنگ استبداد روی قلوب بود همین که به واسطه مجلس آن سنگ برداشته شد یک مرتبه آنچه بود ظاهر گردید حالا نباید به واسطه این قال و قیل دماغ سوزانید باید اول این فتنه‌ها را خوابانید یعنی اول مردم را قابل کرد بعد قوانین را مجری داشت ولو صد سال هم طول بکشد.

حاج امین‌الضرب - چنانچه وکیل‌التجاری گویند که به وزارت داخله اخطار شود که نظامنامه انجمن‌ها فرستاده شود خواهند گفت که منتظر مأمور هستند آن هم باید زودتر اقدام شود و در خصوص قانون اساسی هم جهت همان است که به علت اهمیت دستور حکام تأخیر افتاد.

حاج سیدعبدالحسین شهشهانی - آیا معین کردن مأمورین مگر به چه ترتیب باید باشد و چه قدر باید صبر کرد.

حاج امام جمعه - این که گفتند قانون مثل قرآن است که باید چند سال طول بکشد صحیح است ولی یک مرتبه مردم را بر سر پا نمی‌آورند که قانون ما ناقص و متمم آن نوشته شده چه قدرها تلگراف از ولایات شد از اینها گذشته بعضی مطالب در آن هست که الان محتاج الیه است در این صورت چطور می‌شود تأخیر انداخت اما اینکه گفتند مجلس خیلی کار کرده است حرفی نیست ولی حقیقت ندارد معلوم است مجلس غیر از اصلاح کاری ندارد.

آن روز گفتم که در عالم شهود دو هیأت فعلاً داریم یکی هیأت وزرا و دولت و یکی هیأت وکلا و مجلس اینها باید دستورالعمل بدهند و آنها باید مجری دارند هیچ کدام از این دو هیأت به وظیفه خود عمل نمی‌کنند اگر محذور در بین است باید رفع کرد والا مملکت خواهد رفت.

در ادامه مذاکرات روز یکشنبه ۱۷ جمادی‌الثانی، نمایندگان دارالشورای ملی با مخاطب قرار دادن وزرای مربوطه، مسائل مالی و دیگر نهادها را با حضور وزرا مورد بحث قرار دادند:

وزیر علوم - بنده غرضم این نبود که سخنی از روی غرض گفته شد یا بی‌تأمل رأی داده شد بلکه رأیی داده شد منتهی چون وظیفه مجلس نبود ورقه رأی منتشر نشد و چون راجع به شرع بود جناب آقای آقامیرزا سید محمد هم فرمایش فرمودند

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

بنده هم اجری داشتم ولی بعد که ملاحظه کردم دیدم بی‌اعتدالی است در هر چیز مختصری روزنامه توقیف شود نه برای این است که از روزنامه‌نویس‌ها ارجاء عنان کرده باشیم و یا این که مجازاتی درمقابل نباشد چنین نیست از تمام آنها التزام گرفته شده که ابداً نسبت به شرع و علما چیزی ننویسند و در باب اشخاص هم هرچه می‌نویسند باید صحت داشته باشد که بتوانند در مقام محاکمه اثبات نمایند و این اظهار امروزه فقط برای این بود که این حکم توقیف ظلم است و مجلس می‌داند که مسئول حقوق آنها بنده هستیم و در گردن من است که اجرای احکام مجلس و حجج اسلامیه را بنمایم ولی این توقیف بی‌اعتدالی است عرض کردم که در این باب خدمت آقای آقامیرزا سید محمد مجتهد برسم و تبدیل مجازات نمایم و در نمره دیگر هم نوشته بشود که به واسطه فلان مطلب در فلان نمره مجازات داده شده این خودش رفع همه مفسد را می‌کند اگر چه قانون هنوز تمام نشده ولی می‌نشینیم با آقای آقامیرزا سید محمد یک مجازاتی و حدی معین می‌کنیم که ظلم نشود.

آقاسید محمد جعفر - صحیح است به جهت هر چیزی مجازات است اما توهین بدین فقط مجازات آن توقیف است.

وزیر علوم - تقصیر از نویسنده است مجازات را به کاغذ و قلم نمی‌شود داد.

آقاشیخ ابراهیم - حکم شرعی و مجازات شرعی بر الات نیست بر صاحب الات است الات معصیت را شرع نفرمود توقیف بکنند مجازات برای آن مقرر فرمود باید مجازات داد توقیف معنی ندارد.

آقامیرزا محمود خوانساری - اگر در مغازه پارچه‌فروشی که سی نفر اجزا در آنجامشغول کاسی هستند یک نفر خلافی کرد او را باید مجازات کرد یا باید در آن مغازه را بست که تمام از نان بیفتند.

وکیل‌الرعايا - باید ترتیبی باشد که مخالف شرع نباشد در هیچ جا و در هیچ وقت چنین حکمی نبوده که مجازات دیگری را به کس دیگر بدهند.

آقاسید محمدجعفر - انتشار این اعلان کفر نیست ولی خمرفروشی که در اینجا اعلانیه می‌شود از او جلوگیری نمی‌کنند و از این اعلان جلوگیری می‌کنند.

وزیر علوم - عمل خمرفروشی ربطی به بنده ندارد مقصود این است که بر فرض اگر در حبل‌المتین خلاف شرعی هم شده است توقیف نباشد آن شخص نویسنده

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

باید مجازات بشود در این موقع آقای آقامیرزا سیدمحمد مجتهد با آقای آقامیرزا هدایت‌الله مجتهد مراغه‌ای وارد مجلس شده جناب ایشان را به هیأت مجلس معرفی فرمودند بعد از معرفی خود جناب آقامیرزا هدایت‌الله به بیان فصیح و شیرین تبریک و تهنیت گفتند عموم و کلاً اظهار تشکر و امتنان را از قدوم آقای معظم نمودند.

وزیر علوم - حالا اعلانیست مجلس می‌دهد در مقابل آن صحبتی که شده بود و بنده خودم خدمت آقای آقامیرزا سید محمد مشرف می‌شوم توقیف را تبدیل به مجازات دیگر فرمایند و بیش از این در این باب وقت مجلس را تضییع نکنیم.

آقاسید محمدجعفر - خوبست مجازات از مجلس معین شود.

آقاسید مهدی - در چند روز قبل درخصوص حبل‌المتین مذاکره شد و خدمت حضرت حجة‌الاسلام هم عرض شد و امر فرمودند حالا جهت چیست که باید روزنامه‌نویس‌ها دسته‌بندی کنند و کار از پیش ببرند از مجلس سؤال می‌کنم. گفتند این مذاکره تمام شد.

آقاسید مهدی - عرض دیگر این که ملت به افراد و کلاً اخطار کرده‌اند که بعد از جشن ملی دیگر مجلس نباید وقت خود را صرف حزئیات نماید وظیفه مجلس وضع قانون است باید مشغول ادای تکالیف خود باشد.

حاج امام جمعه - در خصوص توقیف حبل‌المتین چه شد؟

وزیر علوم - بنده خدمت آقای آقامیرزا سید محمد شرفیاب می‌شوم، آنجا هر چه امر فرمودند، مجری می‌شود.

حاج امام جمعه - مدت یک ماه است که در خیال بودم در باب این روزنامه‌ها حرفی بزنم اگر چه نباید متعرض حال روزنامه‌نویس‌ها شد زیرا که زود آبروی آدم را می‌ریزند ولی برحسب قسمی که یاد کرده‌ام آنچه نفع و ضرر ملت است بگویم بدون غرض می‌گویم خواه برنجدند یا نرنجدند امروز هیچ چیز از برای مجلس مضرت از این روزنامه‌جات نیست زیرا که مفسدین به این‌ها دست‌آویز کرده می‌گویند مجلس آزادی به روزنامه‌نویس‌ها داده که این‌طور می‌نویسند و حال جلوگیری آن را مجازات قرار داده‌اید و این مجازات پس از انتشاردادن آن مطلب خلاف شرع چه فایده دارد او آن کاری که نباید بکند کرد.

وکیل‌الرغایا - مجازات قبل از جنایت هم که در شرع جایز نیست پیش از گفتن و

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

نوشتن چه تقصیری دارد.

حاج امام جمعه - شرع کسی را آزاد قرار نداده و خداوند هم زبان را آزاد خلق نکرده است حدی از برای آن قرار داده است که نباید تجاوز کند.

حاجی میرزا ابراهیم آقا - مجازات مراتب دارد اینکه فرمودید بعد از انتشار حرف خلاف مجازات چه فایده دارد همان نمره‌ای را که در او خلاف نوشته شده است، همان نمره را توقیف می‌کنند و نمی‌گذارند منتشر نمایند این مجازاتی است که جلوگیری می‌کند.

وزیر علوم - این مطلبی را که حاجی میرزا ابراهیم آقا گفتند صحیح است و به همین جهت در سایر ممالک حق داده‌اند به پلیس که اگر لایحه یا روزنامه‌ای در او چیزی مضر به حال شریعت و ملت باشد فوراً بگیرند و ضبط نمایند پس در این صورت پلیس باید که مطلع و ملتفت باشد که هرچه را دید مایه فساد است فوراً ضبط کند.

حاج امام جمعه - این در ممالک متمدنه است که پلیس‌ها اهل کمال و سواد هستند در اینجا ممکن نیست مگر پس از ده سال دیگر.

وزیر علوم - حالا که پلیس نداریم لابد از طرف اداره انطباعات دقت خواهد شد که اینگونه مطالب انتشار نیابد.

آقاسید حسین - همان ترتیبی که گفته شد خدمت حضرت حجه الاسلام شرفیاب شوند و ترتیب آن را بدهند خیلی خوب است.

آقاشیخ یوسف - یک سال است این مجلس مؤسس شده است و سی کرور نفوس منتظر اصلاح امورات این مملکت هستند تا حال چه کرده اید مجلس باید در کلیات گفت‌وگو نماید و وضع قانون کند نباید وقت را به این جزئیات صرف کرد.

آقاسید محمدجعفر - مقصود جزئیات نیست بلکه به واسطه اینکه توهین به شرع شده است.

حاج معین‌التجار - از این روزنامجات تاکنون فایده به ما عاید نشده می‌گوییم توقیف نشود ولی مجلس خواهش می‌کند که آنها هم تغییر مسلک داده یک راهی بنمایند که رفع نواقص و معایب بشود.

وزیر علوم - جهت مجازات آنها خدمت حجج اسلام رسیده هر ترتیبی که مقرر فرمایند مجری می‌شود ولی یک مقاله در حبل‌المتین بود که به سفارت روس

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

برمی‌خورد می‌خواهم بدانم که این مقاله را تصدیق دارند یا خیر.

معین‌التجار - سفارت هم در این باب حق سخت‌گیری و گله ندارد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - این سؤال وزیر علوم جواب می‌خواهد در سایر ممالک روزنامه افکار وزرا و پارلمان را می‌نمایند این است که این سؤال را کردند بنده حالا عرض می‌کنم شاید هم تمام همراه باشند که این مقاله صحیح نبوده دولت و پارلمان ایران کمال اتحاد و دوستی را با تمام دول دارند.

وزیر علوم - ممنونم از اینکه به این نکته توجه نموده‌اید.

وکیل‌التجار - به جهت هر جزئی مطلبی که غلط نوشته شده نمی‌شود در مجلس مذاکره شود رفع این جزئیات در عهده‌ی وزیر علوم است.

وزیر مالیه - اگر ملاحظه نمایید خواهید دانست که برای ترتیب مالیه تا چه اندازه زحمت دارم به طوری که در کار درمانده‌ام بعضی از وکلا آمده‌اند و دیده‌اند حال چاره‌ای که دیده شد این است که باید بانک ملی تأسیس شود و گفت‌وگو شد که دولت و وکلا و وکلای بانک اقدام تام نمایند و با وکلای بانک هم تجدید مذاکره شد.

و صورت مذاکره هم در کمیسیون مجلس مطرح شده ولی نتیجه گرفته نشده حالا از سلطنت آباد تلگراف شده که یادآور شوم و این مطلب خیلی اهمیت پیدا کرده خوب است آن امتیازنامه که نوشته شده بعضی از موادش تغییر داده شده قرائت و مطرح شود امیدوارم که موجب امیدواری و گشایش کار و سرفرازی شود.

احسن‌الدوله - فرمایشات وزیر مالیه صحیح است و می‌دانیم که پول لازم است ولی برای تحصیل پول باید امنیت باشد.

وزیر مالیه - هر دو باید باشد.

احسن‌الدوله - پس چرا پنجاه هزار تومان تفاوت خالصه را قبول نکردید.

وزیر مالیه - چرا قبول نمی‌کنیم هرکس می‌دهد بیاید تا مذاکره شود پس از حصول اطمینان البته قبول خواهد شد این مسأله را هم عرض می‌نمایم هرکس از این قبیل چیزها سراغ دارد اظهار کند و از برای بصیرت باشد من کمال امتنان را دارم.

آقامیرزا محمود خوانساری - یکی از آن اشخاص بنده بودم اظهار کردم فرمودید کتابچه نوشته شود.

وثوق‌الدوله - در باب خالصجات مبانی اضافه از عملکرد سال گذشته دیگران قبول

می‌نمایند در کمیسیون صحبت شد که اول به اقبال‌الدوله اخطار نمایند اگر قبول کردند به خودشان داده شود ایشان هم صورتی فرستاده‌اند دیشب رسید فرصت ملاحظه نشد.

رئیس - من هم اطلاعات خود را بگویم آن روز صحبت شد گفتند ده‌هزار خرورار و پنجاه هزار تومان و من هم پرسیدم همین‌طور گفتند حالا معلوم شد همان اشخاص هستند که حالا اسم خودشان را روی کاغذ آورده‌اند ولی چهار هزار خرورار و بیست هزار تومان نقد حاضرند که بدهند فعلاً تا این اندازه معلوم است.

وزیر مالیه - در مسأله روده همه می‌دانید که خیلی زحمت کشیدیم و مبالغی آمدند اضافه کردند پس از مدتی مذاکره آن اشخاص خود را کنار کشیده و اسباب زحمت شدند پس خوب است این اشخاص هم تا روز چهارشنبه حاضر شده چون رأس خرمن است قرار قاطعی گذارده شود.

مستشارالدوله - مطرح مذاکره وزیر مالیه بانک ملی بود ولی صحبت خالصه به میان آمد و همین خودش عیب صحبت مجلس است در هر صورت عمل خالصه به همین تمام شود که هر کس به هر اندازه زیاد می‌کند تا روز معین نوشته شده حاضر شوند اما در خصوص بانک نظر جناب وزیر مالیه را جلب می‌نماییم به این که آن قرارداد چه بوده و چیست.

رئیس - آن قرارداد سابق نوشته شده و حال هم چند چیز تغییر داده شده آن هم حاضر است حالا هر دو خوانده شود.

وزیر مالیه - این امتیازنامه اول است که به صحنه رسیده قرائت تمام آن لازم نیست فقط فعلاً سه ماده آن تغییر کرده و توضیح شده است قرائت شود قرائت شد یکی در فقره عایدات دولتی بود که قرار شده بود که تمام وارد بانک شده از آنجا به حواله وزارت مالیه به مخارج دولتی و مملکتی داده شود تغییر داده شد به این که آن اندازه را که دولت طرف معامله است به بانک ملی وارد می‌شود ماده دیگر انحصار غواصی در خلیج فارس بود آن هم توضیح شد به اینکه با آلات و ادوات جدیدالاختراع باید باشد ماده دیگر هم در خصوص وارد نمودن نقره برای مسکوکات که در صورت تساوی شروط حق تقدم داشت تغییر داده شد که در صورت تساوی تساوی است حق تقدم ندارد وزارت مالیه در باب فواید بانک و ترتیب تشکیل آن و لزوم نظر و دقت ثانیاً در امتیازنامه آن نطق شایان و بلیغی نمودند بالاخره بعد از مذاکرات زیاد

قرار شد که در چند مجلس مذاکره کرده عمل بانک به زودی انجام پذیرد.
رئیس - یک مسأله دیگر هم هست که آیا استنطاق در عدلیه باشد بدون اطلاع مجلس یا اینکه به نظارت مجلس باشد یا این که هیأتی از مجلس معین شود که رسیدگی نمایند.

آقامیرزا سیدمحمد مجتهد - بگویند چه کسی را گرفته‌اند دیروز راپورت دادند و آقامیرزا محمدصادق هم رفته‌اند آنجا معلوم شده که کسی را نگرفته‌اند مگر یک نفر که از رفقای او بوده او را گرفته‌اند.

رئیس - مقصود این بود که از طرف مجلس مأموری باید برود یا خیر حال هرکس را صلاح می‌دانید معین شود.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - اگر التفات می‌کنید رفع اشکال از بعضی می‌شود.
یک وقتی یک نفر فراش آمد نزد من توبه کرد بعد سؤال کرد که آیا اگر من خون ناحق کرده باشم با این توبه خلاصی خواهم یافت گفتم خودت کشته‌ای گفت خیر سبب شده‌ام سؤال کرده که این مطلب چه‌طور شده است گفت روزی که شاه شهید را گلوله زدند قرار شد که هرکس متهم است گرفته شود من از صبح گشتم کسی را پیدا نکردم بعد یک نفر را دیدم محترم است گفتم لابد متعرض او که می‌شوم یک چیزی به من خواهد داد.

باری خواستم او را ببرم نیامد جمعیت جمع شد لابد او را بردم به محض بردن او را طناب انداختند مقصود این است که این‌طورها نشود.

آقامیرزا فضلعلی آقا - غرض بنده همین بود که بی‌جهت خانه کسی نریزند و اسباب اذیت مردم نشوند.

آقامیرزا محمود اصفهانی - فعلاً صادق آقا پسر حاج محمد رحیم آقا تهباز را که گرفته‌اند این شخص از مردمان محترم است به اسم این که او با عباس آقا رفیق بوده نمی‌شود متعرض هر کسی بشوند خوبست مقرر شود که مردم را بی‌جهت متعرض نشوند.

آقامیرزا طاهر - در گرفتن متهمین باید ورقه بفرستند و اخطار کنند از طرف عدلیه و به احترام بخواهند و تحقیق نمایند نظارت مجلس هم در این خصوص لازم نیست ولی در وقت استنطاق باید از طرف مجلس نظارت داشته باشند.

احتشام‌الاطباء - این استنطاق را نباید تأخیر انداخت باید هیأتی منتخب شود که

نظارت داشته باشند و زودتر استنطاق به عمل آید.

آقامیرزا محمود خوانساری - گویمجلس بیش از این حق ندارند در این مطالب صرف وقت نماید.

عده‌ای مرکب از شش نفر منتخب شود که فقط نظارت در استنطاق داشته باشند آن وقت بینیم اگر تقصیری ندارد بزودی مرخص شود والا به مجازات برسد.

محقق‌الدوله - کسی را که باید استنطاق شود نمی‌توان او را رها کرد که برود پیش اشخاص دیگر دستورالعمل بگیرد.

آقامیرزا محمود - بنده عرض می‌کنم وقتی یک نفر را استنطاق کردند و چیزی از او معلوم نشد چرا او را ده روز حبس نمایند.

آقاسید حسین - مجلس باید از ترتیب خود خارج نشود اشخاص متهمین را باید عدلیه احضار نماید و نظمیة حق دخالت ندارد اگر حاضر نشد آن وقت نظمیة باید اقدام نماید و نیز مجلس حق ندارد هیأتی در آنجا بگذارد شما ادارات ترتیب داده‌اید تفاوت نمی‌کند کار بزرگ یا کوچک باید اطمینان داشته به آنها رجوع نماید و بی‌جهت هم نمی‌شود مردم را حبس کنند.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - اینهایی که گفته شد موافق مقصود ما است مطلب این است که مجلس پیش از این مبتلا به این کارها نباشد و از وظیفه خود خارج نشود و مثل حکایت سالار مفخم نباشد که بی‌نتیجه بماند.

آقا شیخ حسین - سال‌ها است که این آدم‌های نظمیة و غیره به انواع مختلف متعرض مردم می‌شوند و دخل می‌کنند.

خوب است نوشته شود که اگر دیناری در این باب گرفته شود ده برابر پس گرفته می‌شود از بابت نظارت هم فقط این هیأت باید در آنجا گوش باشند.

حاج سید عبدالحسین شهشهانی - این که گفته شد مجلس در این باب دچار پاره‌ای اشکالات نشود آیا بینیم این شخص محمدصادق نام را که گرفته‌اند باید در نظمیة حبس باشد یا در عدلیة استنطاق شود.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - کلیت حکم از عدلیه است اگر حاضر نشد باید نظمیة حاضر نماید.

حاج سید عبدالحسین شهشهانی - صحیح است پس در این صورت چرا این شخص را در نظمیة حبس کرده‌اند باید در عدلیه محترماً حبس شود و استنطاق به

عمل آید اگر تقصیر دارد آن وقت فرستاده شود به نظمیة.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - رئیس چیزی بنویسند به عدلیه که دو نفر مأمورین مجلس به جهت نظارت در این امر معین شده‌اند و خواهند آمد.

آقاسید محمدحسین - اگر به محض اینکه کسی با این شخص طرف آشنایی باشد باید گرفته شود بنابر این باید جمع کثیری را گرفت بایدطوری شود که اسباب زحمت مردم بی‌تقصیر نشود.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - اگر صلاح می‌دانید چیزی به نظمیة نوشته شود.

آقاسید حسین - در باب وقت مجلس با این زیادی کار باید طرف صبح باشد.

آقامیرزا فضلعلی آقا - مسأله استنطاق تمام شد یا خیر.

رئیس - تمام نشده و عقیده بنده این است که کسی از طرف مجلس معین نشود.

احسن‌الدوله - همین شخصی که چند روز است حبس کرده‌اند اگر بعضی نسبت‌ها را به او دادند و بعضی هم شهادت دادند و حکم کردند که دو سال حبس باشد آیا این ترتیب را مجلس قبول خواهد کرد یا نه پس قراری بگذارید که دیگر بعدها اسباب زحمت نباشد.

آقامیرزا طاهر - چون عدلیه صحیح نداریم نظارت باید باشد.

حاج میرزا آقا - آیا این نظارت برای چیست آخر مثل مسأله سالار نشود.

آقاسید حسین - اگر عدلیه داریم لازم به رفتن نظار نیست اگر نداریم بروند.

آقامیرزا محمود - امروز چشم تمام انجمن‌ها به این مجلس است ما نمی‌توانیم به آنها جواب بدهیم که تکلیف مجلس نیست نظارت داشته باشد و حال آنکه سال‌ها در این مملکت عادت شده که بی‌خود مردم را گرفته‌اند چه ضرر دارد که هیأتی فقط براین نظارت برود.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - به شرط این که اگر نظار از مجلس رفتند و تحقیق شد مجازات تأخیر نشود.

آقاسید حسن تقی‌زاده - در این خصوص هیأتی از مجلس در آنجا باشد یا نباشد کار نداریم این فرع اصل است که ببینیم در آنجا اداره استنطاق هست و وزیر عدلیه چنین اداره را تشکیل داده است یا خیر باید این اداره استنطاق در عدلیه معین شود خواه از مجلس باشد یا نباشد چندان مهم نیست عمده این است که زودتر باید چنین اداره‌ای در عدلیه دایر شود.

صدیق حضرت - چون این مطلب مهم و پولتیکی است امروز هم ما عدلیه صحیح و منظم نداریم باید از طرف مجلس کاملاً به این امر رسیدگی و تحقیق شود. وکیل‌الرعیاء - بنده عرض می‌کنم که مجلس تحقیق و استنتاج علنی باشد اشخاصی هستند که می‌روند نظارت می‌کنند نمی‌گذارند حقیقت ضایع شود دیگر اینکه هرکس را احضار می‌کنند از روی قانون رفتار شود که تعدیات بی‌جا نشود. رئیس - بالاخره باید به موجب قانون رأی گرفته شود مذاکره هم شده عجالتاً اگر خواسته باشید که رأی گرفته شود والا فردا طرف صبح یا عصر مجلس فوق‌العاده تشکیل شده رأی گرفته می‌شود.

آقای مهدی - رأی برای چیست.

رئیس - رأی برای این است که از مجلس هیأتی برای نظارت برود یا نه. آقای میرزا فضلعلی آقا - رأی باید در موقعی باشد که تمام حاضر باشند نه اینکه بعضی بروند و رأی خود را اظهار نکنند.

آقای میرعماد - آیا این شخص را قاتل میدانید یا خیر اگر در پیش او سندی درآمد و معلوم شد کسی با او شریک بود او را باید استنتاج کرد تا تحقیق شود والا محض اینکه با فلان کس راه رفت نمی‌شود متعرض او شد.

رئیس - این مطلب معلوم نشد باشد از برای مجلس بعد مذاکره شود آن وقت رأی گرفته شود.

محقق‌الدوله - خوب است موضوع رأی را بفرمایید تا همه ملتفت شوند.

رئیس - گفتم محض این است که ببینیم آیا هیأتی برود یا نه.

محقق‌الدوله - وکلا نباید به جزئیات مداخله کنند و بعضی حرف‌ها بزنند این‌طور که گفته شد به موجب راپورتی که از اداره نظمیّه داده شده نسبت به کسی سخت‌گیری نشده است گویا به این اندازه هم که گفته شد اغراق باشد لابد فردا هم راپورت می‌رسد.

رئیس - فردا صبح مجلس فوق‌العاده تشکیل می‌شود که در این باب گفت‌وگو شود در خصوص وقت مجلس هم معین شود که صبح باشد یا عصر مفتخرالممالک عجالتاً به جهت رسیدگی به مطالب مهم و وضع قوانین نمی‌شود مجلس طرف عصر باشد زیرا که وقت کم است باید از طرف صبح باشد.

در مذاکرات روز پنجشنبه ۲۶ رجب در جلسه دارالشورای ملی نمایندگان با طرح

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

تظلمات مردمی، از وظایف قانونی وزرا سخن می‌گویند:

خلاصه مذاکرات روز سه‌شنبه ۲۴ را آقامیرزا طاهر قرائت کردند.

اسدالله میرزا - نواب والا شاهزاده مبشرالسلطان از طرف اهالی لرستان به وکالت انتخاب شده‌اند چندی قبل اعتبارنامه ایشان به دفتر مجلس فرستاده شده و به مهر مجلس هم رسیده است.

جناب صنیع‌الدوله رئیس هم در سابق رسیدگی کرده‌اند چون تاکنون به واسطه کسالت مزاج نتوانسته بودند به مجلس مقدس مشرف شوند امروز حاضر شده‌اند. (عموم وکلای عظام تبریک گفتند).

مقبل لشکر - جواب لایحه که از طرف انجمن جنوبی در خصوص جناب احتشام‌السلطنه رسیده بود که ایشان را به مجلس مقدس دعوت نمایند چه داده شد. آقامیرزا طاهر - بعد از قرائت نظامنامه مفصلاً مذاکره می‌شود و نتیجه گرفته خواهد شد.

شروع به قرائت نظامنامه وزارت داخله شد پس از قرائت موادی چند مذاکرات لازمه به میان آمد.

نایب رئیس - جماعتی از طرف انجمن‌ها آمده و لایحه نوشته‌اند خوانده شود، خوانده شد قریب به این مضمون ما که جمعی از نمایندگان انجمن‌ها هستیم در جلوی عمارت بهارستان حاضریم.

در باب استنطاق متهمین که از طرف نظمیہ برخلاف قانون رفتار شد. اولاً بایست احضارنامه از طرف وزارت عدلیه فرستاده شود و احضار شود و در بیست و چهار ساعت هم استنطاق به عمل آید و پس از تعیین تقصیر مجازات داده شود برخلاف این ترتیب میرزا عباسقلی‌خان را بدون احضارنامه گرفته‌اند و چندین بیست و چهار ساعت گذشته است و هنوز استنطاق به عمل نیامده عجلتاً مستدعی هستیم مادامی که در وزارت عدلیه مجلس استنطاق معین نشده مقرر دارند که آنها را به ضمانت ضامن معتبر رها کنند تا در موقعی که در وزارت عدلیه مجلس استنطاق تشکیل شود حاضر می‌شوند و اگر به این ترتیب استنطاق تأخیر بیفتد اسباب اشکال و زحمت خواهد شد.

حاج محمد اسمعیل آقا - عرض می‌کنم تأخیر استنطاق اسباب تولید فتنه می‌شود.

حاج امین‌الضرب - اگر مجلس استنطاق طول دارد آنها را مرخص نمایند و ضامن

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

معتبر بگیرند تا بعد مجلس استنطاق دایر شود.
سیدالحکما - دیروز قرار شد که هریک از وکلا یک نفر موثق را معین نموده بیست و چهار نفر معین شده‌اند.

آنها هم در عریضه خود بیست و چهار ساعت را معین کرده‌اند خوب است آن اشخاص حاضر شوند و امروز استنطاق به عمل آید.

نایب رئیس - دیروز در اینجا بیست و چهار نفر معین شد باید به وزارت عدلیه نوشته شود که محض نظارت در عمل استنطاق آنها را در موقع احضار نمایند این ترتیب به روز شنبه خواهد افتاد حالا گفت‌وگو در این است که آیا اینها تا روز شنبه محبوس باشند یا این که با ضامن معتبر مرخص شوند و هر وقت لازم است حاضر شوند.

آقا سید حسین - با ضامن صحیح مرخص شوند.

آقا ملاحسن وارث - همین طور که حاج محمد اسمعیل آقا گفتند تأخیر استنطاق اسباب تولید فساد می‌شود.

نایب رئیس - گویا دیگر مجال مباحثه نیست دیروز آنچه بایست گفت‌وگو شود شد و اشخاصی برای استنطاق معین شدند حال باید ببینیم این اشخاص محبوس باشند تا روز شنبه یا مرخص شوند و در موقع حاضر شوند.
(گفتند با ضامن معتبر مرخص شوند).

مستشارالدوله - ما نباید در قانون اختلال نماییم این که گفتند استنطاق در بیست و چهار ساعت زیاد طول نکشد این مطلب اشتباه شده است.

آنچه در همه جا رسم است این است که اگر کسی متهم است و او را گرفتند باید در بیست و چهار ساعت اطلاع به رئیس محکمه استنطاق داده شود نه این که استنطاق زیادتر از ۲۴ ساعت نشود بلی این اشخاص که گرفته شده‌اند البته از محترمین هستند و در ترضیح شأن آنها حرفی نیست.

گویا سه نفر را گرفته‌اند یکی میرزا عباسقلی خان دیگری پسر او یک نفر دیگر هم پسر حاج محمد رحیم تهباز است در حقیقت او خیلی محترم است خوب است او را مرخص نمایند و هرکس ضامن معتبر می‌دهد مرخص شود و لازم نیست مجلس در حق همه یک طور حکم بدهد و مجلس نباید در این خصوصها گفت‌وگو نماید.

آقاسید حسن تقی زاده - دو چیز متناقض در خارج شهرت دارد یکی اینکه مجلس

در این کار مداخله دارد یکی دیگر اینکه گفته می‌شود در این خصوص مجلس گویا اطلاع نداشته باشد چنانچه در خصوص همین اشخاص دیروز رأی داده شده که نظارتی از طرف مجلس در آنجا باشد عقیده بنده این است هرچه زودتر مجلس استنطاق معین شده و این اشخاص که مأخوذ شده استنطاق شوند و تا زمان انعقاد مجلس استنطاق از این اشخاص ضامن گرفته مرخص نمایند.

نایب رئیس آخر رأی چه شد آنچه از انجمن‌ها رسیده در خصوص پسر حاج عبدالرحیم تهباز و میرزا عباسقلی است عجالاً در باب این دو نفر رأی گرفته می‌شود.

آقاسید حسین - رأی داده می‌شود که هرکس کفیل و ضامن داشته باشد مرخص شود.

این که می‌گویند میرزا عباسقلی صاحب انجمن است به صرف این مطلب مقصر نمی‌شود هرکس مقصر شد باید مجازات شود.

حاج سید نصرالله - سایرین هم تقصیرشان معلوم نیست باید همه با ضامن مرخص شوند و هر وقت لازم شد احضار شوند.

آقامیرزا محمود خوانساری - در شرع مقدس ما این‌طور است که تا کسی تقصیرش ثابت نشود نباید حبس شود.

مستشارالدوله - اگر می‌خواهید حرفی بزنید قوانین را به هم نزنید شما می‌خواهید در اینجا زندگی کنید زندگی منوط به امنیت است اشخاصی که ظن می‌رود به تقصیر آنها باید به دقت استنطاق شوند آنچه معلوم است پسر حاج عبدالرحیم تهباز بی تقصیر است.

میرزا عباسقلی هم خیلی ضامن دارد از تمام انجمن‌ها هم اظهار شده البته اظهارات انجمن‌ها را هم باید قبول کرد ولی در باب آن دو نفر که پیش گرفته شده بودند از یکی از آنها همان شب در ضمن استنطاق بعضی مطالب مفهوم شده است عجالاً همان دو نفر اول مرخص شوند.

آقامیرزا فضلعلی آقا - ببینیم اینها آنجا بمانند تا روز شنبه که مجلس استنطاق تشکیل یابد یا اینکه بروند و هر وقت لازم شد احضار شوند هیچ فرقی نمی‌کند آنها هرچه از اسناد داشتند البته گرفته شده در این صورت ضامن بدهند که روز شنبه حاضر شوند.

آقامیرزا محسن - مطلب آقای مستشارالدوله این است که از روی قانون نمی‌شود اشخاصی که تقصیر آنها به اندازه مفهوم شده است مرخص شوند.

آقامیرزا فضلعلی آقا - برحسب قانون شرع که تقصیر آنها هنوز معلوم نیست به قانون مشروطیت هم که ما نمی‌دانیم هنوز قانون وضع نشده است.

حاج محمدابراهیم - شما تا به حال از نظمی هیچ استفسار کرده‌اید که آنها هیچ استنطاق کرده‌اند چیزی معلوم شده است یا خیر خوب است اطلاعات آنها را بخواهید.

(گفته شد که نظمی هنوز اقدامی نکرده است و از مجلس تکلیف خواسته بود.)

مستشارالدوله - گویا نتیجه مذاکرات این شد که از پسر حاجی محمدرحیم و میرزا عباسقلی خان ضامن گرفته شود و همین امروز مرخص شوند. آن چهارمی را نمی‌دانم ولی اولی برحسب استنطاق شب اول که بعضی کاغذها از او ابراز شد رأی نمیدهم که مرخص شود یک مطلبی را هم عرض کنم و کلایی که قوای معنوی آنها متزلزل است خوب است به مجلس حاضر نشوند.

آقای میرزا سیدعلی نقی - آنها متابعت کرده‌اند حدیث نبوی را که المؤمن اخل المؤمن باید تشکر کرد از ایشان و تلگراف امتنائی از طرف مجلس مخابره شود.

وکیل‌الرعایا - بنده می‌خواهم عرض کنم و متعلق است به مطلب سابق که کمیسیون مالیه بدون اذن و تصویب مجلس نمی‌تواند چیزی را ببخشد.

آقا شیخ حسین - کمیسیون مالیه چیزی را که تلف می‌شود می‌تواند شش هزار تومان آن را ببخشد، این مطلب چرا اینقدر محاجه باید بشود.

رئیس - در این مطلب خیلی صحبت شد چون رئیس‌التجار عمل امسال را قبول نمی‌کرد لذا گفتند که شش هزار تومان استصوابی هذلسنه از ایشان گرفته نشود.

مؤتمن‌الممالک - خوبست رفع این اشتباه بشود آقایا چنان خیال می‌نمایند که دوازده هزار تومان را کمیسیون مالیه نقداً به کسی داده و حال آن که این‌طور نیست، آن دوازده هزار تومان استصوابی و از بابت مخارج خالصه بوده است. کمپانی گفت ما نمی‌خواهیم چون همه ساله می‌گرفته‌اند، امساله هم گفتند که این را نصف اقبال‌الدوله بردارد و نصف را هم رئیس‌التجار بردارد، محض اینکه عمل امسال را قبول می‌نمایند.

حاج معین‌التجار - بدیهی است که این وجه نقدی نبوده و به کسی داده نشده همه

ساله اثن خرج بوده است و یک اندازه هم اقبال الدوله از این باب برداشت کرده بودند و امسال را قرار شد که چون اقبال الدوله تحویل نمودن غله را قبول می‌نمایند، شش هزار تومان بردارد و نصف را رئیس‌التجار.

فتح‌الله خان - مدعی این خالصه بنده بودم، قراردادند که این دوازده هزار تومان گرفته نشود و چهار هزار خروار غله هم زیادی داده شود و سه سال اول ده یک و سه سال بعد ده دو داده شود. حال این دوازده هزار تومان را کمیسیون مالیه این‌طور قرار داده، گویا صحیح نباشد.

رئیس - بیان نامه‌ای از طرف مجلس در آن زمان انقلاب که معلوم نبود حال ما با دولت چه خواهد بود به تمام سفرای دول متحابه نوشته شد اینک قرائت می‌شود، قرائت شد قریب به این مضمون:

ملت ایران بعد از آنکه کار مملکت به آخرین درجه‌ی خرابی رسید، سعادت و راه تصفیه ترقی و تمدن خود را در این دید که اصول اداره‌ی دولتی تبدیل به مشروطیت شود بعد از زحمات و فداکاری‌های زیاد اعلی‌حضرت شاهنشاه مغفور مظفرالدین شاه این حریت را به ملت ایران بخشید و اعلی‌حضرت شاهنشاه حاضر نیز آن را امضا و قانون اساسی عطیه پدر تاجدارش را تکمیل فرمودند ولی متأسفانه بعضی از رجال دولت که عادت به دوره‌ی استبداد و آشامیدن به خون فقرا نموده‌اند با القاء شبهه و فساد صرف مساعی در انهدام اساس مشروطیت نموده‌اند. البته به اقتضای حس وجدانی و انسانیت راضی به تزییع حقوق مشروعۀ ما نخواهند شد و جوابی که از سفارت روس و انگلیس که هر دو متحدالمضمون بودند قریب به این مضمون قرائت شد به مقتضای حسیات وجدانی و انسانیت مفاصدی که از امتداد چنین اوضاع حاصل است در پیشگاه همایونی به طریق دوستانه عرضه داشتیم و اطمینان کامل به جهت خویش حاصل نمودم که اعلیحضرت نسبت به پارلمان احساساتی نداشتند مگر اینکه کاملاً موافق بوده است با سعادت‌ی که ما از برای این مملکت آرزو نمودیم و نظر به فرمایشات اعلیحضرت همایونی که شفاهاً به این دوست دارد فرموده‌اند معلوم شد که عزم ایشان جزم است بر اینکه موافق اساس مشروطیت و اتحاد با مجلس ملی و مطابق قانون اساسی عمل و رفتار فرمایند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - معلوم است به مقتضای حسیات وجدانی و انسانیت و نوع‌پروری آنچه لازمه دوستی بوده است مرعی داشته‌اند با بیان نامه فرستاده‌ایم که

غیر از مراسله رسمی است اینجا نوشته‌اند که مراسله مجلس رسید و حال آنکه مراسله نبوده است از جنابعالی می‌پرسم جواب از سفارت‌های دیگر هم رسیده است یا خیر.

رئیس - از سفارت انگلیس رسیده است گمان می‌کنم از سفارت‌های دیگر هم پرسید آن هم که از سفارت انگلیس رسیده است عیناً همین‌طور است و باید از این حسیات مأمورین دول متحابه کمال تشکر را اظهار داشت. (همه گفتند بلی جای تشکر است).

حاج معین‌التجار - چند روز قبل تلگرافی از سپهدار خوانده شد و قشون خواسته بود و در این تلگراف هم همین‌طور اظهار داشته‌اند خوب است از وزارت داخله توضیح خواسته شود که چه اقدامی کرده‌اند و قشون فرستاده‌اند یا نه.

آقامیرزا ابوالحسن خان - چیزی به آخر سال نمانده خوب است وزیر مالیه را بخواهند و توضیح بدهند که از اول سال تا حال چه قدر از مالیات وصول شده و چه قدر باقی است و چه اقدام در وصول مالیات کرده‌اند و حکام که رفته‌اند ملتزم مالیات هستند یا نه مقصود این است که مجلس تفصیل را دانسته و اطمینان حاصل نماید.

وکیل‌التجار - مختصراً اقدامی که وزارت مالیه کرده‌اند و آن روز گفتند محض اطلاع و کلامی محترم عرض می‌نمایم که فرمودند جداً به تمام ولایات تلگراف شده که تغییری در بودجه مملکت واقع نشده فقط مختصر اصلاحی که صورت آن در کتابچه دیگر فرستاده شده و نیز صورت تفاوت عمل‌ها هم علیحده کتابچه چاپی فرستاده خواهد شد که از قرار همان کتابچه رفتار نمایند و خیلی زود مالیات را وصول دارند.

رئیس - بلی همین‌طور است ولی خیلی کارها در وزارت مالیه مسامحه شده و یکی از آنها بقایای محل است که چه قدرهاست و آنچه یقین است که وصولی است هشتصد هزار تومان است تا حال اقدام صحیح نشده و نیز ذخیره ولایات است که راجع به وزارت جنگ است و همین‌طور بی‌ترتیب مانده و از میان رفته است.

وکیل‌التجار - دیروز وزیر مالیه فرمودند که تا دو سه روز دیگر آن اشخاص را حاضر کرده و با کمال جد وصول خواهیم کرد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - مذاکره وزیر مالیه در کمیسیون رسمیت ندارد ما

می‌خواهیم بدانیم که مالیات امسال که نقداً سه ماه به آخر سال مانده چه شد چه ضرر دارد که این را بدانیم همه جا ماه به ماه می‌دانند و ما سه ماه سه ماه بدانیم.

آقامیرزا محمود - بنا بود که حجج اسلام در کمیسیون تنقیح لوایح قوانین را مرتب و تصحیح نمایند آیا آن کمیسیون با حضور حجج اسلام منعقد شد یا نه.

رئیس - یک روز بود و روز چهارشنبه هم بود و چندان مذاکره نشد انشاءالله از فردا شروع به این مسأله شده و بعدها مشغول قرائت قانون باشیم.

آقاشیخ یوسف - عامه اهل ایران به استثنای اهل تهران چنین گمان می‌کنند که از طرف مجلس در وضع قوانین مسامحه شده و حال آنکه پارلمان همه را گرفتار مشکلات بوده معهذاً خیلی کار کرده من جمله قانون وزارت داخله است که چندین ماه اوقات خود را مشغول او داشته‌ام خوب است مقرر شود که زود چاپ شده منتشر شود که تمام مردم بدانند و حکام از روی او رفتار نمایند.

سیدالحکما - در باب وکلایی که باید خود مجلس انتخاب نماید خوب است قرار گذاشته شود که از فردا شروع شود و نیز کمیسیون انتخابات چنین صلاح دانست که حق انتخاب یک نفر وکیل حضرت عبدالعظیمی‌ها داشته باشند.

حاج سید عبدالحسین شهشهانی - ولی شرط شود که با اتحاد و اتفاق از روی نظامنامه انتخاب نمایند که فوراً انقلاب حادث نشود.

اسدالله میرزا - همه ماها از همراهی‌های حضرت عبدالعظیمی‌ها تشکر داریم ولی در باب وکیل به خواهش نمی‌شود قبول کرد باید قانونی باشد و من مانع انتخاب کردن وکیل آنها نیستم ولی اگر فردا اهل شمیران هم آمدند استدعای انتخاب وکیل کردند چه جواب خواهید داد.

رئیس - این علاوه بر مأخذ نیست.

اسدالله میرزا - مقصود این است که یک قانونی در کار باشد.

آقامیرزا محمود - چون وکیل فلاحین انتخاب نشده و نیز می‌توان حضرت عبدالعظیم را یکی از محلات تهران شمرد و علاوه در نظامنامه قید شده که در موقع لزوم حق انتخاب وکیل به هر جا که لازم بشود داده شود تا دویست نفر پس این اجازه دادن به آنها علاوه بر مأخذ نیست.

آقاشیخ حسین - صراحتاً بفرمایید که آنها وکیل خود را بفرستند.

رئیس - بلی به موجب نظامنامه مجلس این‌طور رأی داد که اهل حضرت

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

عبدالعظیم یک نفر وکیل انتخاب نمایند مطلب دیگر که خواستم اظهار کنم و خاطر و کلا را مسیوق نمایم مسافرت جناب آقای میرزا ابوالحسن خان است که خیلی علت مزاج دارند و برای معالجه می‌روند و انشاءالله به صحت و سلامت مراجعت خواهند کرد و خیلی اظهار تأسف از رفتن ایشان داریم.

اسدالله میرزا - درحقیقت آقا میرزا ابوالحسن خان از وکلای با غیرت و همت و از اهل علم و دانش این پارلمان بوده و هستند. و انشاءالله به سلامتی زودتر مراجعت خواهند فرمود و اما مسأله وکالت حضرت عبدالعظیم تمام شد یاخیر.

رئیس - بنده عقیده‌ام این است که ضروری ندارد و در عداد یکی از محلات تهران است و این حق به آنها داده شود عیب ندارد.

مخبرالملک - این که شاهزاده اسدالله میرزا گفتند در دادن حق انتخاب وکیل باید مطابق قانون باشد بنده عرض میکنم که حالا موافق قانون است چون پنج نفر از وکلای فلاحین باقی است و آن را یکی به حضرت عبدالعظیم یکی به شهریار یکی به ورامین و یکی به شمیران همین‌طور تقسیم شود و هیچ ایرادی هم وارد نمی‌آید.

آقامیرزا محمود - از رفتن جناب آقای ابوالحسن خان از طرف خود و سایر وکلا اظهار تأسف می‌کنم. ولی جناب ایشان یک دفعه مرخصی گرفته و چهار ماه رفتند و حالا هم اجازه گرفته‌اند می‌خواهیم بدانیم که این مسافرتی چه اندازه باید باشد.

رئیس - می‌دانید که این مسافرت به‌طور لزوم و برای استعلاج مزاج است. دکتر ولی‌الله خان - رفتن آقای میرزا ابوالحسن خان به واسطه این است که محتاج به عمل یدی هستند و اینجا ممکن نبود.

لهذا مجبور هستند که بروند دیگر این که قرار بود مجلس تشکیل نشود مگر این که موضوع مذاکره آن قبلاً اطلاع داده شود حال اگر مجلس ختم می‌شود خوب است جلسه دوم را که کی منعقد می‌شود با موضوع مذاکرات آن معین فرمایند.

رئیس - مجلس روز سه‌شنبه و موضوع مذاکره عمل خالصه و مالیه و قرائت قانون است.

آقاسید حسن - در چند ماه قبل از بابت یک صد و شصت و پنج‌هزار تومان که به قشون داده شده بود از وزارت جنگ صورت آن را خواستند آمده است یا نه.

رئیس - وقتی که وزارت جنگ با مستوفی‌الممالک بود صورت فرستادند ولی هنوز کمیسیون مالیه فرصت نکرده است رسیدگی نماید و درحقیقت هیچ معلوم نیست که

این وجه چه شده باید در این باب تأکید شود که مصرف آن معلوم شود. آقامیرزا محمود - هستند کسانی که از بودجه نظامی اطلاع دارند و اظهار داشته‌اند که ما را بخواهند آنچه اطلاع داریم بگوییم خوبست که از آنها خواسته شود تا تحقیقات لازمه به عمل آید.

آقامیرزا سید علینقی - بنده عرض می‌کنم که تعطیل و تشکیل مجلس با رئیس است ولی به ملاحظه نکته عرض می‌کنم که فردا مجلس باشد.

رئیس - برای این که در کمیسیون تنقیح لوایح در حضور حجج اسلام قانون انطباعات تنقیح شود که در واقع مقدمه کار است برای مجلس بعد از این جهت فردا نمی‌رسد که مجلس باشد.

آقامیرزا محمود - بنده عرض می‌کنم که تشکیل و تعطیل مجلس با جناب رئیس است هر کس حرف دارد قبل از وقت اخطار کند که دیگر در مجلس اعتراض نکنند.

تصویب قوانین موضوعه جدید در مجلس شورای ملی

مذاکرات روز پنجمشنبه ۱۹ رجب در دارالشورای ملی ادامه مسائل مربوط به تصویب قوانین جدید بود:

آفاسید محمدتقی - لایحه از طرف انجمن اصناف رسیده که خلاصه مطالب مجلس بالا هم از این معلوم می شود (لایحه را قرائت کردند).

۱۸ رجب ۱۳۲۵ از طرف عموم انجمن های دارالخلافه

حضور افاضت ظهور وکلای محترم مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانها عرض تظلم و اخطار می نمایند.

سالیان دراز بر ما ملت بدبخت گذشت که ذلت و پریشانی فقر و مسکنت جهالت و بی علمی عدم آسایش امنیت خرابی و ویرانی مملکت و سایر نواقص امور راجعه به دولت و ملت هر روز برای آتیه ما تدارک می شد و بدبختانه جهت و علت آن را نمی دانستیم و همه در خواب غفلت می زیستیم تا یک سال قبل که یک ندای غیبی به گوش هوش ما خواند ای ملت بیچاره غفلت تا کی بیهوشی تا چند چشمی باز نمایید و گوش فرا دارید که نفس آخرین در رسیده و نزدیک است تارو پود ملت و مملکت از هم گسیخته شود و ابروی یک دولت شش هزار ساله در نزد اجانب ریخته گردد ما نیز بحمدالله از برکت آن ندا به خود آمده برای روز سیاه روزگار تباه خود تفکری کردیم که بفهمیم این بدبختی را چه باعث و این بیچارگی را کدامین موجب است هرچه تصور کردیم علت و سببی نیافتیم جز اینکه دیدیم مملکت ما قانون اساسی ندارد دستگاه دیوان ما منظم نیست حدود و حقوق دولت و ملت لامعلوم و نامحدود است آحاد نفوسمان نسبت به یکدیگر ظالم و مظلومیم و نیز به خوبی فهمیدیم که اگر اسیر سرپنجه ظلم و استبدادیم و اگر دچار جهالت و بی علمی هستیم اگر در نظر اجانب وحشی می نماییم.

اگر فساد اخلاقی داریم اگر از حیث ترقی و تمدن از تمام ملل عالم عقب افتاده ایم اگر حمالة الحطب اجانب گشته ایم و بالاخره اگر از تمام نعمتهایی که دیگران واجد شده اند ما محرومیم نیست مگر به واسطه نداشتن قانون معلوم نبودن حدود حقوق

عدم انتظام دستگاه دیوان - لذا با کمال عجز و تضرع مستمسک به ذیل عنایت حجج اسلام ادام اله ظللالهم گردیده و چون درخواست همه این نواقص در کلمه مشروطیت مندرج بود از دولت استدعای مشروطیت نمودیم و بحمدالله بر منتهای مطلب خود کامران شدیم اعلان مشروطیت دولت علیه ایران به تمام دول متمدنه شد و در عداد دول کنستی توسیونی به شمار آمد ملت ایران به این نعمت متنعم و به این موهبت مباهی گردیدند - ولی نمی دانیم چه علت دارد چندی می گذرد نظامنامه اساسی ما نوشته شده و محض تطابق و توافق با قانون مقدس اسلام هم از نظر فیض اثر حجج اسلامیه ما نیز گذشته فقط برای جزئی اختلافی که در یکی دو فصل آن به ظهور رسیده مجلس مقدس از اصل نظامنامه که اس اساس مشروطیت منوط به نشر و اجرای آن است صرف نظر فرموده این همه اضطراب و هیجان عامه و هرج و مرج مملکت را طرف اهمیت قرار نمی دهند.

و قانون اساسی که اهم مقاصد مجلس است مسکوت عنه گذارده اند اینک عموم ملت از هیأت و کلای محترم مجدانه استدعا دارند که زیاده از این بدبختی این ملت و مملکت را راضی نشوند تصحیح و رفع این جزئی اختلاف را موکول برای فتوای حجج اسلامیه ادام الله اظلالهم گذارده تتمه نظامنامه را که در مطابقه با قوانین شرع مطاع مسلم گردیده محل اختلافی نیست از تاریخ امروز لغایت سلخ این ماه تمام کرده به ملت منت گذارده مرحمت نمایند و اگر باز به مسامحه گذشت اقدامات لازمه ملت را حمل بر سوء قصدی نمایند که به راستی از جان و مال خواهند گذشت و از این مقصد باز نخواهند کشت اطلاعاً جسارت کرده زیاده تصدیع نمی دهد.

آقاسید محمدتقی - تمام ضرر و خسارتها به آنها است چه تهران و چه خارج باید رفع خسارت آنها به طوری بشود.

احسن الدوله - کار به مذاکرات گذشته نداریم صحبت از امروز است در مجلس بالا هم صحبت خیلی شد ولی از اول حمل تاکنون هرچه مذاکره شده بی نتیجه مانده و عادت کرده ایم که تمام مطالب را بی نتیجه بگذاریم تمام خساراتی که به ملت وارد می شود از سستی و مسامحه مجلس است که نتیجه نمی گیرید ما باید در هر امری ایستادگی کنیم رأی و نتیجه بگیریم و اخطار کنیم اگر قبول نشد آن وقت معلوم می شود که همراه هستند یا نیستند.

حاج علی آقا - آیا مجلس تاحالا رأی‌هایی که داد چه شد.
احسن‌الدوله - مجلس هرچه رأی داده مجری شده است برگشت تیول تسعیر جنس
عزل نایب‌السلطنه و ظل‌السلطان و غیره منتهی شما کوتاهی می‌کنید آنها هم اقدام
نمی‌کنند.

آقاسید محمدجعفر - یکی مسأله اسرای قوچان و سالار مفخم است که تاکنون
چقدر مذاکره شده است و هیچ نتیجه گرفته نشده.

آقامیرزا فضلعلی آقا - بنده عرضی دارم بعضی به وکلا می‌گویند باید چنین بکنند و
چنین بگویند آیا می‌خواهم پرسم ما وکیل و اسیر این صدنفر هستیم که هر وقت
هر حرفی بزنند باید جواب بگوییم اصناف هم موکل ما هستند ایلات و سی کرور
خلق ایران هم همه حق دارند پس هر وقت حرفی زدند باید رأی آنها را هم ببینیم
که همه متحد هستند یا اینکه باید به حرف این چند نفر گوش داد.

آقاسید محمدجعفر - تصحیح امر ما به این است که هر مطلبی را شروع می‌کنیم
باید نتیجه گرفته رجوع به وزیر مسؤل آن نماییم اگر اصلاح در مدتی از زمان شد
خیلی خوب و اگر موانع اظهار کردند باید رفع نموده والا اگر اصلاح نشد باید به
ملت اطلاع داد.

آقامشهدی باقر - وظیفه وکیل این است که از کشته‌شدن و مردن خوف نداشته
باشد تا این طور نباشد نمی‌شود به آزادی در اینجا نطق کند مردم این مملکت چهار
قسم شده‌اند یک فرقه می‌گویند شاه همراه نیست یک فرقه می‌گویند وکلا کار
نمی‌کنند یک فرقه می‌گویند به واسطه این علمایی که در حضرت عبدالعظیم
متحصن هستند کار پیشرفت نمی‌کنند. اما رأی خود مرا عرض می‌کنم قسم به خدا
می‌خورم شاه همراه است.

اما در خصوص آقایان حضرت عبدالعظیم آنها آقایان ما هستند از آنها هم کمال
اطاعت داریم ولی هشت نفر هستند که محل کارند امیربهدار، نایب‌السلطنه،
سعدالدوله و اقبال‌الدوله و چهار نفر دیگر ولی وزیر مخصوص همراه است این چند
نفر نمی‌گذارند کار پیشرفت کند و حال شاه را منقلب می‌سازند باید به ملت گفت و
اینجا نشست و خواست تا آنها تبعید شوند.

حاج سید عبدالحسین شهبهانی - ملت ما مردم را به جهت وکالت فرستادند که
تقویم کار آنها را بکنیم اگر ما ملاحظه اشخاص را بکنیم خیانت است و آنچه

نشدنی است عقلاً نباید بگویند اینکه می‌گویند اعلیحضرت شاه همراه نیست لغو است و اینکه بگویند دیگران که وسائط هستند نمی‌گذارند معلوم است استبداد در بنیان تمام ماها جاگرفته است اگر بگوییم درست شدیم غلط است پس قرار شد که برای مصلحت در اینجا حرف بزنیم باید بگوییم نمی‌شناسیم این اشخاص را و هم می‌شناسیم ما باید به موجب مشروطه با وزرا طرف باشیم آنها خوب هستند یا بد نمی‌دانم تمام این مفاسد به واسطه عدم اجرای مجازات است عمده مفاسد از مترتب نشدن قوانین و خرابی اداره عسکریه است اینها را باید خواست جواب اینها را باید بگویند اگر بگویند قدرت نداریم سبب عدم قدرت را باید اظهار کنند اگر ما بگوییم علت فلان شخص است و باید بیرون کرد این مطلب تکلیف ما نیست تمام قوای مجریه در دست آنها است ما باید هرچه را بخواهیم از آنها بخواهیم اگر می‌توانند بکنند والا استعفا بدهند.

آقامیرزا فضلعلی آقا - کسی که وکالت سی کرور خلق را در عهده گرفت باید هرچه مصلحت است بگوید تمام کارها را نباید به گردن وزرا انداخت در صورتی که نمی‌توانند آنها اظهار نمایند و محذور دارند پس ما باید آنچه صلاح است بگوییم. حاجی سید مرتضی - بنده عرض می‌کنم به این حرفها خود را معطل نکنید و بی‌خود متعرض کسی نشوید یکی چهار نوکر اگر داشته باشد و به آنها موجب بدهد از حرف آنها بیرون نمی‌رود شما مشروطه ندارید مشروطه را گرفته به دست وزیر مسئول بدهید آن وقت هر امری را جداً باید از وزیر مسئول بخواهید.

آقا شیخ حسین - عقیده بنده این است که مشروطه را گرفته و داریم مادامی که یک ایرانی باقی است مشروطه هم باقی است بعضی آقایان می‌گویند ما باید مثل خارجه رفتار نماییم تمام طرف ما باید هشت نفر وزیر باشد آنقدر هیأت عوض شوند تا درست شود.

ولی من می‌گویم اشخاصی که اطراف شاه هستند نمی‌گذارند مثل اینکه طیب بر سر مریضی آمده می‌گوید فلان دوا را بخوری بعضی فضولها نمی‌گذارند باید این اشخاص را تبعید کرد.

دکتر ولی‌الله خان - باید بفهمیم که معنی مشروطیت چیست بعضی طوری عنوان کردند و بعضی طوری دیگر بنده عرض می‌کنم یک وقت این است که شخص قهرمانیت و حاکمیت پیدا می‌کند به طوری که هم حکم می‌کند و هم مجری

می‌سازد ولی ملتفت نیست که این حکم را همه نمی‌توانند متحمل شوند این را سلطنت استقلالی و مستبد می‌گویند مثلاً ما فعله آورده‌ایم و زیاده از قوه او کار خواسته‌ایم این کار نخواهد شد این جبر صرف است یک سطوت هم هست که عموم ملت جمع شده قانونی وضع می‌کند و خودش هم مجری می‌سازد این تفویض صرف است یک صورت دیگری هست که نه جبر است و نه تفویض و او این ترتیب مشروطیت است ملت می‌گوید که ما حاضریم که جان خود را فدا کنیم ولی شما معدودی هستید که باید برای ما کار بکنید پس اصل ملت است و آنها فروع وقتی این‌طور شد ملت عده وکلایی منتخب می‌سازد و می‌فرستد و می‌گوید که آنها مسبوق به حال ما هستند موافق حال ملت قانون وضع می‌کنند شاه هم آن وقت قبول می‌کند و هشت نفر وکلا معین می‌نماید که وکلا با آنها سروکار داشته باشند و از آنها کار بخواهند حالا دارالشورا از وزرا باید کار بخواهد اگر نخواهد از تکالیف خود تجاوز کرده است چند شب قبل عرض کردم که هرچه خواستم یک همچو مجلس به این ترتیب و وضع در یک جا ملاحظه کنم پیدا نکردم ما قضاوت می‌کنیم آجری می‌خواهیم بکنیم همه کاری می‌کنیم جز آنچه تکلیف ما است.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - گمان کردید که امروز مجلس ما کامل‌العبار جامع‌الشرايط شده است مثل مجلسی که دیگران در عرض پانصد ششصد سال تحصیل کردند به حضرت حجة قسم است من کرامت حضرت حجة را در این مجلس دیدم ما این مجلس را که امروز داریم باید در پنج سال دیگر داشته باشیم مجلس ما بحمدالله در کمال تنقیح و خوبی است تمام مردم شایسته دانا و عاقل اینها که می‌آیند اینجا تمام عاشق این مجلس هستند والا همه کاسب همه تاجر و دارای کار هستند شما وقتی که وکیل شدید باید از هیچ چیز واهمه نداشته باشید البته در چنین امر بزرگی دچار همه قسم اشکالات خواهید شد ولی باید در کمال اطمینان به این مجلس شائق باشید این مجلس کارهای بزرگ کرده و می‌کند این مردم این حرف‌هایی را که می‌زنند کی در سابق می‌توانستند باید بدانند اشخاصی که این مجلس را برپا کردند هنوز نمرده‌اند از قوتشان هم کاسته نشده منتهی بعضی از اشخاص که به لباس اهل علم بودند مخالفت کردند و ابداً نتیجه هم نبخشید با آنها هم مدارا می‌کنیم و نکته در این است چون آنها هم از اهل علم هستند حتی‌الامکان نمی‌خواهیم به آنها توهین شود چیزی که هست بعضی به

لباس مشروطه‌طلبان در این انجمن‌ها بعضی تحریکات کردند و می‌کنند که آنها را می‌شناسم و اسم آن شخص محرک را نمی‌برم تا موقعش ولی نباید از آنها هم واهمه داشت مشغول کار خود باشید بلی تقصیر این جا شد که وقتی چون آن شخص به واسطه ما فنا شده بود وقتی که عضدالملک خواست ما را از قم بیاورد از او سند گرفتیم که آن شخص را دو ماهه بیاورد تا اینکه او را راؤردیم خواست در این مجلس ریاست پیدا کند نشد این شد که از مجلس محروم گشت می‌رود حضور شاه بعضی حرف‌ها می‌زند که اگر می‌خواهی سلطنت شما باقی بماند باید این مجلس به هم بخورد حالا اسمش را نمی‌برم شاید بیاید توبه کند.

والا آن وقت اسمش را می‌برم که مسلمانان بریزند درب خانه او، او را تکه تکه کنند شما خاطر جمع باشید والله لغالب المدرك المهلك که این مجلس برهم خوردنی نیست شما هم مثل سد سکندر محکم باشید کسی که این مجلس را برپا کرده حفاظت او را هم خواهد کرد بگویند به آن شخص این اسباب زنانه که فراهم کرده اگر دست برنداشتی خودم مجازات می‌کنم شما خیلی با قوت قلب و سنگینی در این مجلس مشغول کارتان باشید این مجلس را امام عصر برپا کرده است به این چیزها بهم نمی‌خورد.

حاجی معین‌التجار - این فقره که فرمودند که واهمه نمایند از باب تأکید بوده والا وقتی که ما داخل در این مجلس شدیم واهمه را کنار گذاشتیم الا اینکه بعضی اشخاصی که به لباس مشروطیت هستند می‌ترسم ملت را از ما برنجانند.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - این مرد مدتی زحمت کشیده اینجا ریاست کند نشد رفت به شاه عرض کرد اینکه پول داده می‌شود به جاهای دیگر که مجلس را خراب کنید نمی‌شود باید به توسط من که لباس مشروطه دارم خراب شود مبلغی پول گرفته و به انجمن‌ها دادم فرستاده که فساد نمایند از امشب خواهش می‌کنم از این برادران اگر ما هم حقی داریم دیگر از این باب حرفی نزنند.

حاج محمدتقی - کار پیش نمی‌رود رأی مجلس مجری نمی‌شود حالا دو ماه است که خالصجات را گفتند با اقبال‌الدوله نباشد دو نفر که قریب یک کرور اضافه می‌دهند سلطنت می‌گوید مال شخص خود من است به هرکس می‌خواهم می‌دهم.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - شما صورت آن را بدهید من اجرا می‌کنم.
آقامیرزا محمود اصفهانی - دو رأی داده شده است یکی اینکه از اقبال‌الدوله گرفته

شود یکی اینکه به دو نفر دیگر داده شود.

آقاسید حسن تقی‌زاده - این مطلب راجع به همان مطلب سابق است کاری که در مملکت می‌شود و برخلاف قانون است لابد یک فاعلی دارد ما از قلوب نمی‌توانیم شکایت کنیم بلکه از دستی که آن کار از او صادر می‌شود شکایت می‌کنیم وقتی که مملکت مشروطه شد یک عهدنامه نوشته می‌شود شاه به ملت می‌دهد چند نفر را هم معین می‌فرماید و طرف مجلس قرار می‌دهد این خلاف قانونی که می‌شود از دوشق خارج نیست یا خود وزیر مسئول کرده است به حکم قانون مسئول است اگر غیر از وزرا مسئول از مهربان سلطنت صادر شود باز باید از وزیر مسئول بخواهیم که مجازات بدهد.

فقط یک جا ما حق شکایت داریم که اگر شخص اعلیحضرت یک قانونی را به هم بزند و لابد این دستخط به‌عهده وزیر مسئول صادر می‌شود. آن وقت هم باید آن وزیر مسئول ملتفت شود که این حکم خلاف قانون است یا رد کند یا اخطارنماید فرضاً آمد روزی که به وزیر مسئول رجوع نکرد آن وقت روزی است که ملت باید شکایت کند.

آقای آقامیرزا سیدمحمد مجتهد - این مجلس اگر بهم بخورد علتش خود این مجلس است والا کس دیگری نمی‌تواند بهم بزند.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - روزنامه‌نویس‌ها درست خبر ببرند و کلمات ما را درست حفظ کنند اگر مطلب بر وفق نظام نشد درمجلس دیگر کلام را بسط خواهیم داد.

مذاکرات روز پنج‌شنبه دوم شهر صفرالمظفر دارالشورای ملی به تصویب قانون‌های جدید موضوعه‌ای اختصاص داشت که ریشه در بنیان نظام سیاسی بر پایه قانون اساسی داشتند:

خلاصه مذاکرات روز سه‌شنبه ۲۹ را آقامیرزا طاهر قرائت کردند.

رئیس - امروز هم موضوع مذاکره همان لایحه بلدیه است و آن روز هم چند نفر بیشتر رأی ندادند برای رجوع شدن به کمیسیون هر قدر هم تأخیر بشود باعث ضرر به شهر خواهد شد پس خوبست زودتر بگذرد.

احتشام‌الاطباء - در این لایحه در این یک ماده فقط به جهت کالسکه و درشکه عوارض بسته شده است و این که گفته شد که باید به اسب و غیره هم عوارضی

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

معین شود چون هنوز خاطر و کلا کاملاً از این مسأله مسبوق نیست پس باید برای بعدها باشد و اکنون در باب کالسکه و درشکه باید آراء خود را بیان نمایند.

حسنعلی خان - آن روز در این لایحه خیلی مذاکرات شد که از بلدیة قانونی که به اینجا آمده باید بگذارد بعضی گفتند باید قانون عمومی باشد بنده گفتم این قانون عمومی نخواهد بود و نمی‌شود چنین چیزی قانون عمومی بلدیة مملکت باشد بنده امروز عرض می‌کنم که عوارض شهری هیچ ربطی به مجلس ندارد بلکه هرچه بلدیة تصویب کرده و به اقتضای وقت بوده مجلس هم آن را تصویب می‌نماید و مجلس زیاده براین نباید در این موضوع مذاکره نماید و این مسأله راجع به خود بلدیة است و محتاج به وضع قانون از طرف مجلس نیست.

مخبرالملک - ما الآن مخالف قانون بلدیة که نوشتیم صحبت می‌داریم اگر این مسأله از روی عقیده شخصی است باید لایحه بشود امضا شده به مجلس بیاید و اگر از روی قانون بلدیة باشد باید آنچه عوارض می‌گیرند به تصویب مجلس باشد آنچه بنده اطلاع دارم در خارجه هرچه را که بلدیة می‌گیرد به تصویب مجلس است.

چنانچه در پاریس و جاهای دیگر همین‌طور است منتها عوارضات شهرها تفاوت دارند ولی هرچه هست باید به تصویب مجلس باشد و قانونی شود و غیر از این نمی‌شود.

ولی یک عرض اساسی داشتیم و آن اینست:

که این راهی را که ما می‌رویم به ترکستان است. این که این قوانین پاره را مجلس بنویسد پاره را ادارات مختلفه بنویسند آن وقت یک قوانین غیر مرتبته پیدا می‌کنیم که هیچ با هم مناسبت ندارند چنانچه در ممالک متمدنه هم هست که یک اداره مرکب از مردمان عالم عاقل بصیر با اطلاع از برای نوشتن و ترتیب نمودن قوانین هست که هر قانونی از آنجا به مجلس می‌آید و در اینجا هم باید یک چنین هیأتی باشد برای مرتب نمودن قوانین که تا قوانین بی‌مناسبت و غیرمربوط به هم نباشند ما حالا از این لایحه بلدیة نمی‌توانیم از روی بصیرت و اطلاع چیزی بنویسیم و رأی بدهیم فقط بعضی چیزها است که وجداناً حکم می‌کنیم.

مثلاً این که باید یک چیزی برای درست کردن خیابان‌ها گرفت این شبهه ندارد ولی به چه راه و چه جور این کار اهل علم و اهل فن است.

مثلاً در فرنگستان می‌خواهند مجرای آب را درست کنند اول از طرف اداره بلدیة

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

جمعی از اهل علم را که شاید هم اکثر از آنها اهل بلدیه می‌باشند مأمور تحقیقات و رسیدگی می‌کنند و آنها هم آنچه تحقیقات علمی است به عمل آورده و مخارجش را برآورد کرده بعد آن را در بلدیه مطرح مذاکره می‌کنند پس از آن که در بلدیه مذاکره نموده و تصویب کردند آن وقت از مجلس به جهت مخارج آن محل می‌خواهند آنچه اطلاع بنده هست این است و عقیده بنده این است که در این شهر باید یک انجمنی از اهل فن و اشخاصی که عالم هستند تشکیل داد که در آنجا کتب لازمه نیز باشد و این قوانین را به یک ترتیب صحیح بنویسند این‌طور که این قوانین را نوشته‌اند نمی‌شود و به عقیده بنده صحیح نیست همین قوانینی که تاکنون نوشتند ناقص است.

مثلاً نوشته‌اند که برای کالسکه و درشکه یک چیزی بگیرند بعضی هم گفتند که برای اسبها هم باید گرفت و این لایحه از روی قانون نیست و نمی‌شود به آن رأی داد.

آقا شیخ حسین - بنده عرض می‌کنم فرمایشاتی که جناب مخبرالملک فرمودند که باید موافق قانون باشد صحیح است ولی یک چیزی را فراموش کرده‌اند و آن این است که بعضی چیزها را که از سابق می‌دادند مردم حالا نمی‌دهند و می‌گویند باید مجلس اذن بدهد لهذا نباید این لایحه را اینقدر به تأخیر انداخت.

ادیب‌التجار - در باب این مسأله حق بلدیه است که به مجلس بدهد یا ندهد و مجلس قرار بگذارد یا نگذارد گویا مجلس قانونی به دست آنها داده است که حق بلدیه است به موجب قانون بلدیه.

لسان‌الحکما - همان‌طوری که جناب مخبرالملک فرمودند تعیین مالیات با مجلس است ولی یک دقیقه نظری است که در سایر جاها منظور داشته‌اند و اینجامنظور نداشته‌اند و آن نظر در عوارض کالسکه و درشکه بجا و مکان است. مثلاً درشکه که یک نفر یا دو نفر بنشینند چهل فرانک می‌گیرند. هرگاه سه نفر جا بگیرد شصت فرانک می‌گیرند و کالسکه‌های بزرگ که چهار نفر بنشینند هشتاد فرانک می‌گیرند حالا اینجا هم ممکن است که در کالسکه‌های اربابی این مسأله را منظور دارند.

آقامیرزا آقا مجاهد - همان‌طوری که در مجلس قبل اظهار شد باید مالیات کلیه به تصویب مجلس باشد از یک دینار تا هرچه باشد و از این گذشته باید مالیات از روی تناسب باشد یعنی ملاحظه ثروت و تمکن را نموده و همچنین در کالسکه و درشکه

اسب را ملاحظه نمایند که اگر یک اسب دارد چقدر بدهد دو اسب چقدر چهار اسب چقدر مخصوصاً در جاهای دیگر از کالسکه‌ها و درشکه‌های کرایه کمتر عوارض می‌گیرند.

زیرا که او مایه اعاشه او است و اینجا به عکس ملاحظه شده و این با تناسب مالیاتی صحیح نیست و باز مجبور هستیم که عرض کنم این صورت را نمی‌شود پذیرفت و یک مسأله دیگر که متنازع فیه بود این بود که آیا این مالیات برای کلیه مملکت باشد یا مخصوص اینجا در عوارضات بلدیه عمومی نمی‌شود بلکه مختص همین شهر است و در هر حال عقیده بنده این است که عوارض درشکه و کالسکه از روی میزان اسب باید باشد بر فرض حالا برای اسب‌های سواری چیزی منظور نمی‌شود ولی مال درشکه و کالسکه باید از روی اسب باشد.

حاجی سید نصرالله - این مطلبی را که آقای مخبرالملک ارباب تشکیل انجمن از اهل فن و علم برای نوشتن قانون فرمودند صحیح است و باید یک همچو هیأتی باشد ولی ما امروز همچو هیأتی نداریم که قوانین در آنجا نوشته شده و دقت شود و امروز ما باید فصل به فصل و ماده به ماده قوانین را از اینجا بگذرانیم و لازم است که تنظیف و تعمیر خیابان‌های این شهر بشود و عوارض بگیرند و نمی‌شود این مسأله را حواله به یک هیأت موهوم بنماییم حرف رو کلمه است که آیا مجلس این لایحه را می‌پذیرد یا نه و باید این عوارض را بلدیه بگیرد یا نه خوبست در این باب رأی بگیرند و بگذرد.

آقامیرزا آقامجاهد - تا این گونه لوایح را نپذیرد نمی‌شود این شهر آباد بشود. وکیل‌التجار - به موجب قانونی که ما وضع کرده‌ایم خوب است که بر ضد آن حرف نزنیم در قانون بلدیه نوشته شده تعیین میزان متعارفی معمولی از سابق با خود بلدیه است و همچنین ترتیباتی که باید به اطلاع وزارت داخله با حکومت هر محل باشد نوشته شده چیزی که هست عوارضات جدید را باید مجلس تصویب نماید.

آقا حسینقلی - همچو معلوم می‌شود که مقصود بلدیه آنست که آیا باید از کالسکه و درشکه فقط عوارض گرفته بشود یا نه و اسب را با بلدیه صحبت شد انجمن بلدیه جواب داد که در موقع بلدیه در این باب هم باز لایحه پیشنهاد خواهد کرد. گفته شد در باب درشکه و کالسکه اربابی چه قسم رفتار خواهد شد جواب دادند که نمره زده شده و مفتش گذاشته خواهد شد.

وکیل‌الرعیایا - در فصل نوزدهم قانون اساسی نوشته است که هیچ قسم مالیات برقرار نمی‌شود مگر به حکم قانون و قانون همان است که به تصویب مجلس و صحه همایونی برسد حرفی که هست این است که این قانون عمومی است یا نه این قانون عمومی می‌شود.

اما نه اینکه در تمام بلدیہ شهرها به یک قسم باشد این شش تومان که مالیات درشکه می‌شود در فلان شهر هم بشناسد که اوست باید بدهد متنها باندازه‌ای نیست نمی‌گیرند و نیز به عقیده بنده باید از درشکه و کالسکه‌های اربابی پنج هزار علاوه کرد و از کرایه کسر نمود.

رئیس - حالا باید رأی گرفت که رجوع به کمیسیون بشود یا اینکه در همین جا تصحیح و تنقیح بشود.

حسنعلی خان - پریروز بنده این جا اظهاری کردم و امروز هم عقب آن را گرفته و عرض می‌کنم که بنده از روی ندانستگی اظهاری نکرده و نمی‌کنم ما ملاحظه قانونی که خودمان وضع کرده‌ایم نمی‌نماییم در مجلس سابق ترتیب عوارض بلدیہ بعضی از ممالک متمدنه را عرض کردم و امروز هم عرض می‌کنم که عوارض انجمن‌های غیرمرکزی اگر بالغ بر یک مبلغ معینی بشود در جمع به انجمن ایالتی آن محل می‌شود و اگر بالغ بر آن مبلغ بشود به توسط وزارت داخله به مرکز رجوع شده و به صحه همایونی باید برسد.

اما در باب انجمنی که جناب مخبرالملک فرمودند برای نوشتن قانون عرض می‌نمایم که این مسأله لازم است و تا این کار نشود هیچ کار ما مرتب نخواهد شد و این مجلس ما مجلس مقننه نخواهد شد و در سایر ممالک تمام این‌ها را ملاحظه کرده پس از تجربیات زیاد تشکیل همچو انجمنی را برای نوشتن قانون لازم دانسته‌اند و این جا هم تا یک همچو انجمنی تشکیل نشود هیچ کار درست نخواهد شد و استدعا می‌کنم در باب این انجمن گفت‌وگویی شود.

آقا سید مهدی - یکی از مستدعیات وکلا این است که مکررات در مجلس نباید مذاکراه شود آیا این بلدیہ یک عوارض لازم دارد یا نه چون لازم دارد در سابق بیست و پنج هزار از درشکه‌های کرایه گرفته می‌شد حالا هم بلدیہ گفته است همان بیست و پنج هزار را بگیرند متنها پنج هزار هم برای درشکه اربابی معین شده و امروزه گفت‌وگو در این است شاید یک ماه دیگر هم در خصوص اسب یا سایر

چیزها فکری کند عجالاً مجلس رأی می‌دهد که این عوارض گرفته شود یا نه. رئیس - اساساً که این مسأله قبولست اگر زیاد نمی‌دانید باید رأی گرفته شود و بگذرد و هرگاه زیاد است باید در او صحبت شود.

حاج معین‌التجار - در مسأله کم و زیاد این عوارض شاید شبهه شده باشد بنده عرض می‌کنم که درشکه‌های کرایه غالباً مال کمپانیست و مال یک نفر نیست و مالیاتی که از او گرفته می‌شود بر کرایه خود افزوده و از مردم می‌گیرند ولی درشکه اربابی یک نفر است و مالیات را از کیسه خودش می‌دهد.

ممتازالدوله - باید معلوم شود که این عوارض است یا مالیات و در اینجا که عوارض می‌نویسد و مالیات نمی‌نویسد برای چیست.

رئیس - باز داخل مذاکره شدیم حالا که میل دارید باز مذاکره بشود. مخبرالملک - آنچه در سابق از درشکه‌ها کرایه می‌گرفته‌اند به حکم کی گفته‌اند بگیرند پس آنچه در سابق می‌گرفتند حالا هم باید گرفته شود ولی آنچه تازه می‌خواهند بگیرند باید به موجب قانون و تصویب مجلس باشد و برای قانون هم چنانچه عرض کردم باید یک هیأت عالم خیر بصیری معین شوند و قانون بنویسند که تمام فصولش با هم مناسبت داشته باشد و اینکه می‌گویند آنچه در سابق گرفته می‌شده نمی‌دهند چرا نمی‌دهند حتماً باید بدهند.

احتشام‌الاطباء - اینکه آقای مخبرالملک می‌گوید چرا آن اشخاص عوارض خود را نمی‌دهند می‌گویند چرا درشکه‌های اربابی نمی‌دهند آنها هم که راه را خراب می‌کنند آنها هم بدهند تا ما هم بدهیم.

آقامیرزا فضلعلی آقا - مطلبی که از اول مطرح می‌شود خراب است یکی یکی مطالب آن معلوم شده مذاکره شود که موجب تعطیل مذاکره نشود از این مذاکرات چنین معلوم می‌شود که این لایحه منتهی به چند مطلب می‌شود اولاً اینکه آیا باید در این باب مذاکره شود یا خیر و پس از قبول شدن باید مذاکره شود که از اسب و کالسکه روی هم باید چیزی گرفت یا از یکدیگر باید جدا شود و مطلب دیگر در خصوص کالسکه اربابی است که آیا این مبلغ که معین شده کم است یا زیاد است به عقیده بنده این مطالب یکی یکی مطرح شود زود می‌شود رأی گرفت ولی در صورتی که درهم باشد نمی‌شود نتیجه گرفت.

آقاسید نظام‌الدین - آنچه که بنده در روزنامه‌های خارجه دیده ملاحظه کرده‌ام در

خارجة غالباً عوارضات به این اشیاء از روی تفنن تعلق می‌گیرد در هر وقتی به اقتضای آن قانون می‌گذارند.

آقاشیخ محمد علی - آن روز عرض کرم حالا هم عرض می‌کنم که وقت مجلس شورای ملی شریف است پریروز این ورقه به مجلس آمد و مدتی مذاکره شده بعضی گفتند راجع به کمیسیون شود حالا هم باز مدتی است که مذاکره می‌شود و نتیجه ندارد اگر می‌خواهید رأی بگیرید که راجع به کمیسیون شود یا از مجلس بگذرد و این قدر وقت مجلس تلف نشود.

آقامیرزا آقامجاهد - اگر می‌خواهید همانطور مثل سابق بگیرند تا اینکه صحیحاً قانونی نوشته شود والا اگر بخواهید که قانونی بشود باید از روی تناسب باشد نه به این ترتیب.

حسینقلی خان نواب - بنده عرض می‌کنم در اینکه باید قانوناً بگذرد حرفی نیست و در اینکه حق بلدیة بوده است که این لایحه را نوشته و پیشنهاد نمی‌دهم حرفی نیست اما در باب کالسکه اربابی که آیا باید از همه آنها گرفته شود یا از یکی بنده از قراری که در کتاب دیدم در خارجة از تمام آنها می‌گیرند و ملاحظه ساخت کالسکه را می‌نمایند که برای یک اسب ساخته شده یا دو اسب یا بیشتر و پس از ملاحظه به مناسبت مالیات می‌گیرند.

آقامیرزا محمود - خوب است بیش از آن مجلس اوقات خود را ضایع نکنند اگر این لایحه را قبول می‌کند و می‌خواهد شهر آباد شود که رأی بدهند.

آقاسید مهدی - بنده عرض می‌کنم که به‌طوری که لازم است ما پلیس و ژاندارم و مفتش نداریم حتی در خصوص دوچرخه‌های بستنی گفته شد چیزی از آنها گرفته نشود زیرا که از صد نفر آنها در ماه اگر باید ده تومان گرفته شود اقلأً دوازده تومان باید به یک نفر واجب داد تا آن ده تومان را جمع کند پس در این صورت حال این مملکت را نمی‌شود به خارجة قیاس کرد خوب است در خصوص این لایحه رأی گرفته شده تمام شود.

حسنعلی خان - نمی‌شود اینجا را قیاس به خارجة نمود زیرا که در خارجة نواقل از همه قسم از تراموای الکتریکی و زمینی و زیرزمینی و غیره همه قسم موجود است و اگر کسی کالسکه نگاه بدارد فقط رأی تجمل است ولی اینجا فرضاً اگر کالسکه هم برای تجمل باشد اسب و مال تجمل نیست زیرا که با این خرابی خیابان‌ها و

نداشتن خطوط لازمه هرگاه شخصی مثلاً بخواهد از دولاب به فلان نقطه حرکت نماید مجبوراً باید سوار شود و حکایت تجمل نیست پس اینجا را به خارجه نمی‌توان مقایسه نمود.

آقای حاج امام جمعه - بنده می‌خواستم دو کلمه با تأسف عرض نمایم و آن این است که ما ایرانی‌ها هرچیز خوبی در سایر ممالک می‌بینیم می‌خواهیم ما هم داشته باشیم و هر منفعتی که سایرین از آن می‌برند ما هم برده باشیم و از آن چیزها یکی مشروطیت بیچاره است که به دست ما افتاده و الان یک سال و نیم است که مملکت ما مشروطیت شده ولی بدبختانه هنوز یک صنف از اصناف مملکت قانونی در دست ندارند که از آن قرار رفتار نمایند یک لایحه مختصری بلدییه پیشنهاد کرده سه روز است اوقات مجلس را ضایع کرده و حال آنکه همین قدر باید مذاکره شود که این لایحه پذیرفته می‌شود یا نه و مجلس رأی می‌دهد یا نه این مسأله این قدر مذاکره لازم ندارد.

آقاسید حسن تقی‌زاده - در مجلس سابق از اینجا متفرق شدیم در صورتی که اختلاف بود که آیا این لایحه شکل قانونی دارد یا نه بعضی می‌گفتند که این لایحه باید به کمیسیون رفته و به ترتیب قانونی نوشته شود و بعضی می‌گفتند همین صورت سیاهه که نوشته شده خوب است اکنون نمی‌دانم که چه شد دوباره امروز مطرح شد حال در این صورت پس از تصویب آیا باید اعلیحضرت همایونی همین سیاهه را صحنه بفرمایند و بلدییه هم هرچه بخواهد بگیرد و این سیاهه را نشان بدهند در صورتی که مخارج شهر را معین نکرده و یقیناً اعلیحضرت همایونی این ورقه را به این ترتیب صحنه نخواهد فرمود اینجا همین قدر گفته می‌شود که این لایحه از بلدییه پیشنهاد کرده و اگر هم بگویند پس از رأی گرفتن نوشته می‌شود آن هم صحیح نیست و مجلس نمی‌تواند رأی بدهد زیرا که مجلس در وقتی رأی می‌دهد که پس از رأی دیگر ابداً تغییر و تبدیلی در آن لایحه حتی در یک لفظ آن پیدا نشود.

احسن‌الدوله - این قانون اگر گذشت و کالسکه و درشکه‌چی عوارض را نداد آن وقت مجازات آنها چیست این هم باید معین شود.

حسنقلی خان نواب - آقای تقی‌زاده صحیح گفتند باید این لایحه قانونی نوشته شود و بیاید به مجلس تا اینکه بتوان در آن مذاکره نمود و این فقط یک

سیاهه ایست نمی شود رأی داد.

آقا شیخ حسین - اینکه گفته می شود این سیاهه است و صحیح نیست عقیده سه چهار نفر است ولی عقیده بنده این است که همین سیاهه را رأی بگیرند که این مقدار باید گرفته شود یا نه و گویا هم عقیده بنده هم زیاد است.

عمیدالحکماء - حالا حرف در این است که باید رجوع به کمیسیون شود یا خیر پس خوب است در این خصوص رأی گرفته شود.

آقا سید مهدی - بنده عرض می کنم همه قوانین که به مجلس آمد روی کاغذ بی ترتیبی بود ولی وقتی که رأی گرفته شد روی کاغذ صحیح نوشته شده و به صحنه همایونی رسید این هم همین طور است پس از رأی گرفتن مسلم است به ترتیب صحیح نوشته شده و مراعات عبارات قانونی آن هم خواهد شد و به صحنه همایونی خواهد رسید.

آقا سید علینقی - فرمایش آقای تقی زاده القاء شبهه کرد باید این را رفع کرد که آیا بینم باید مجلس به همین ترتیب که صورت نوشته شده رأی بدهد یا اینکه بعد از رأی تغییر داده خواهد شد خوب است این مطلب معین نمود و چه ضرر دارد که به اصل مواد رأی گرفته شود و بعد به عبارت قانونی نوشته شود.

در مذاکرات روز پنجشنبه هفتم شهر ربیع الاول دارالشورای ملی هم قوانین دیگری در موضوعات اجتماعی مورد بحث قرار گرفته اند:

خلاصه مذاکرات روز شنبه پنجم را آقامیرزا طاهر قرائت کردند.

رئیس - برحسب تعیین موضوع مذاکرات در روز سه شنبه قرار بود امروز وکلایی که قسم یاد نکرده اند قسم یاد نمایند خوب است اقدام شود و این هم اسامی اشخاصی است که روز سه شنبه حاضر نبودند قرائت می شود قرائت شد اسامی مزبور از قرار ذیل:

وثوق الدوله، حاجی امین الضرب، آقامیرزا محسن، آقا سید نظام الدین، آقا سید حسن، آقامیرزا محمود.

رئیس - بعضی از وکلای آذربایجان هم در آن روز حاضر نبودند ولی به جهت این که به تلگرافخانه برای مخابره با تبریز رفته بودند معذور می باشند.

در این موقع کلام الله مجید را به مجلس آورده عموم وکلا و جالسین برای سپاس و احترام قرآن حمید مجید به عنوان تواضع برخواسته و وکلایی که قسم یاد نکرده

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

بودند با شرایط مقررہ شروع به قسم یاد نمودن کردند.

رئیس - کاغذی است که از وزارت داخله رسیده قرائت می‌شود.

(رقعه مزبورہ کہ مبتنی بود بر مطالبہ نظامنامہ قراسوران‌ها کہ زودتر از تصویب مجلس مقدس بگذرد و اعادہ بدهند تا بہ موقع اجرا گذارده شود قرائت گردید).

رئیس - کاغذی ہم بہ ہمین مضمون در چند روز قبل قرائت شدہ و نظامنامہ پلیس‌ها خوانندہ شدہ و رجوع بہ کمیسیون گردید خوبست امروز ہم نظامنامہ قراسورانها قرائت شود اگر تصویب شد رجوع بہ کمیسیون گردد.

(شروع بہ قرائت نظامنامہ قراسورانها شد ختم گردید).

رئیس - حالا این لایحہ باید رجوع بہ کمیسیون بشود یا نہ.

اسدالله میرزا - این کہ جمعی از وکلا اظهار داشته‌اند کہ یک انجمن مقننہ لازم است بہ جهت این است کہ این‌گونه نظام‌ها کہ قدری از آن نصیحت و قدری اعلان و قدری ہم خارج از موضوع نوشتہ شدہ داخل مجلس نشود و بہ عقیدہ بندہ آن است کہ مجلس ما واضع قانون و مقننہ نخواهد شد تا چنین مجمع قانونی تشکیل نشود پس ہرچہ زودتر اقدام بہ تشکیل چنین انجمن قانونی شدہ اشخاصی را کہ لایق این کار می‌دانند انتخاب کردہ در یک جای معین تشکیل دهند کہ قوانین را بہ‌طور تناسب بنویسند.

رئیس - این مسأله صحیح است چند روز قبل ہم در این باب مذاکرہ شدہ و اقدام خواهد شد ولی حالا نباید از موضوع خارج شد این نظامنامہ راجع بہ کمیسیون بشود یا نہ.

اسدالله میرزا - نتیجہ مقصود بندہ ہم ہمین است کہ این نظامنامہ حقیقتاً نظامنامہ نیست بلکہ یک لایحہ‌ایست اگر برای ادارہ قراسوران نظامنامہ لازم است نوشتہ شود باید قوانین یکی از ممالک متمدنہ را ترجمہ کردہ و از روی کتب راجع بہ این مسأله نظامنامہ بہ اقتضای مملکت نوشتہ بشود.

آقاشیخ حسین - مسلم است کہ باید راه‌ها را امن نمود و مسلم است کہ وجود قراسوران لازم است اما این لایحہ مکفی نیست ہمین‌طور کہ شاہزادہ اسدالله میرزا گفتند کمیسیون لازم دارد کہ نظامنامہ صحیحی برای ترتیب این کار نوشتہ شود.

امان‌الله میرزا - این کہ گفتہ شد قانون قراسوران را از روی قوانین یکی از ممالک متمدنہ اخذ نمایند اروپا تماماً مشبک از راه آهن است و ابدأ در آنجا گفت‌وگو از این

مسائل نمی‌شود و قراسوران لازم ندارند خوب است یک کمیسیون معین شود که قانونی برای ترتیب قراسوران‌ها نوشته و وضع نمایند.

آقامیرزا فضلعلی آقا - باید وزارت داخله این قانون را نوشته به مجلس بفرستند و همه قوانین را لازم نیست مجلس بنویسد چنانچه در همه جا هم هست که اکثر قوانین را وزارت‌خانه‌ها می‌نویسند و بهمجلس پیشنهاد می‌نمایند.

آقاسید حسین - اگر کمیسیون هم از وکلا تشکیل بشود باز همان‌طور که گفتند قوانین اختلاف پیدا می‌کند و اگر وزارت داخله هم بنویسد همین‌طور است پس باید یک کمیسیون قانونی تشکیل شود که کلیه قوانین در آنجا نوشته شده و وضع بشود که بی‌مناسبت نباشد و مثل زنجیر به هم دیگر اتصال داشته باشد.

رئیس - آن کمیسیونی که می‌گویند پریروز هم در این باب گفت‌وگو شده ولی رأی مجلس معلوم نشد روز شنبه این مطلب مطرح شده رأی گرفته می‌شود هر قسم که رأی دادند به همان‌طور اقدام و معمول خواهد شد حالا باید این مسأله را تمام کرد که این لایحه به کمیسیون مجلس فرستاده شود یا نه.

آقاسید حسن تقی‌زاده - این لایحه قانونی نیست که از وزارت‌خانه‌ها به ترتیب قانون رسیده باشد ما دو قسم عنوان داریم که یکی اظهار است و یکی عنوان یکی از طرف مجلس اظهار می‌شود که وزیر به صحنه همایونی رسانده به موقع اجرا گذارده شود و یکی از طرف وزرا به مجلس می‌آید که اصلاحات لازمه در آن اعاده داده شود در این صورت وزیر آن را تصویب می‌نماید و باید خود آن وزیر حضور داشته باشد که مدلل دارد همین‌طور است که من نوشته‌ام ولی اکثر این لوایح را بنده در کارها نوشته‌اند و کراً در این باب مذاکره شد و حالا نیز عرض می‌کنم که الان یک نتیجه عمومی گرفته شود که من بعد این‌گونه لوایح را وزرا تصویب ننموده به مجلس نفرستند.

آقاشیخ محمدعلی - مخالف با قانون موافق با قانون است نمی‌دانم ولی عرض می‌کنم که مملکت بسیار مغشوش و مجلس وقتش مغتنم است اینگونه لوایح خوب است اول در هیأت رئیسه خوانده شود اگر قابل است بیاید به مجلس والا اوقات مجلس ب جهت ضایع نگردد.

رئیس - اول باید در مجلس خوانده بشود تا معلوم شود که قبول می‌شود یا نه.
حاج سیدعبدالحسین شهشهانی - این مسأله قابل به کمیسیون نیست باید رد بشود

و نظامنامه دیگر بنویسند.

حاجی شیخ حسن - آن اجتماع هیأت قانونی طول دارد و امنیت طرق و شوارع خیلی لازم است به عقیده بنده باید رجوع به کمیسیون مجلس شده زودتر تمام بشود.

وکیل التجار - بنده مختصراً عرض می‌نمایم که باید این لایحه را برگرداند به وزارت داخله و قدری ایشان را متنبه نمایند که این‌گونه لوایح را دیگر نفرستند بلکه بدهند از اجزای وزارتخانه اشخاصی که اطلاع دارند این قسم لوایح را به شکل قانونی درآورده و نوشته آن وقت به مجلس بفرستند و اکثر لوایح قانونی باید از وزارتخانه‌ها برسد اگر به این ترتیب باشد جز تزییع وقت فایده‌ای ندارد.

آقای حاجی امام جمعه - صحیح است این لایحه صورت قانونی ندارد ولی قراسوران مبتلا به عمومی است و امروز اکثر طرق ما مأمون نیست و قراسوران در حقیقت یک عده از قشون هست به اعتقاد بنده هرچه زودتر یک کمیسیونی تشکیل شده یک قانونی برای این مسأله بنویسند درست است که این لایحه صورت قانونی ندارد اما می‌ترسم اگر رد شود فراموش کاری شده دیگر قانونی هم نوشته نشود در صورتی که ترتیب و نظم قراسوران خیلی لازم است پس این لایحه را یا عودت بدهند به وزارت داخله و تأکید شود که زودتر لایحه قانونی بنویسند بفرستند یا کمیسیونی انتخاب شود که عاجلاً اقدام به این کار نمایند.

حسینقلی خان نواب - این لایحه شکل قانونی ندارد نمی‌شود که آن را مطرح قرار داد و چیزی نوشت خوبست فرستاده شود به وزارتخانه که دوسه روزه یکی بنویسند بدهند.

امان‌الله میرزا - ما خوب مطلع هستیم از قوه قانون‌نویسی وزارتخانه‌های خودمان هرگاه معاودت به وزارتخانه بدهیم باز چند روزی به تعویق خواهد افتاد پس همان‌طور که نظامنامه پلیس رجوع به کمیسیون شده تنقیح می‌شود خوب است این را هم رجوع به کمیسیون نمایند که یک نظامنامه ترتیب داده و زودتر تنقیح و تمام کرده به مجلس بدهند.

آقا شیخ حسین - عقیده بنده این است که باید این لایحه برگردد به وزارت داخله که تقریباً آن وزیر و مستشاری که این‌گونه لوایح را می‌نویسند بدانند چه می‌نویسند نه این‌طور بدهند به مجلس.

حسام‌الاسلام - چون این مجلس مجلس مقننه است هرچه را که می‌دهند مجلس باید قوه آن را داشته باشد که به‌طور قانونی بنویسد حالا باید خود مجلس این نظامنامه را بنویسد و بدهد.

آقامیرزا محمود - ما امروز احتیاجمان به قانون است و فقط منحصر به همان قانون قراسوران نیست اهل این مملکت محتاج به همه قسم قوانین هستند به عقیده بنده همان قسم که جناب مخبرالملک گفتند آن مجمع قانونی تشکیل شده قوانین را بنویسند.

لسان‌الحکما - به اعتقاد بنده این لایحه بر فرض به وزارت داخله هم اعاده داده شود باز سه روز دیگر همین‌طور به مجلس عودت داده خواهد شد. بعد از سه روز چه کار خواهید کرد حالا هم همان اقدام را بنمایید.

حاجی معین‌التجار - گویا این لایحه را هم وزارت داخله به عنوان لایحه قانونی فرستاده‌اند فقط چیزی که معلوم می‌شود اینست که پانزده هزار تومان اضافه خواسته‌اند که بر حقوق ایشان افزوده شود و گویا این را فرستاده‌اند که تصویب شود از قرار معلوم رئیس و مرئوس را هم معین کرده‌اند.

آقای حاج امام جمعه - در این که این مملکت قراسوران باید داشته باشد و قراسوران هم نظام‌نامه لازم دارد محل حرف و شبهه نیست و لازم برای گرفتن هم نیست ولی در اینکه نظامنامه قراسوران در کمیسیون جنگ نوشته شود یا به کمیسیون دیگر رجوع شود حرف است.

رئیس - حرف در این است که آیا رجوع به کمیسیون جنگ شود یا نه در این باب باید رأی گرفت.

حسینقلی خان نواب - روسای قراسوران‌ها در این خصوص بهتر اطلاع دارند خوب است خودشان یک چیزی بنویسند بیاورند تا ملاحظه شده و بعد گفت‌وگو شود.

اسدالله میرزا - این لایحه را شخص داوطلبی نوشته که من به این شروط قبول می‌کنم و این لایحه صورت قانونی ندارد و قانون چیزی است که فصل به فصل نوشته به مجلس آمده و بعد به کمیسیون رجوع شده اعضای کمیسیون دقت نموده به مجلس عودت دهند تا از تصویب مجلس بگذرد و این لایحه صورت قانونی ندارد.

آقامیرزا فضلعلی آقا - به موجب قانون اساسی قانون آن است که به تصویب

مجلس شورا و مجلس سنا باشد و به صحنه همایونی برسد و باید هر نظامنامه که نوشته می‌شود به صورت قانونی نوشته شود و این لایحه صورت قانونی ندارد و وزارت داخله یکی از وزارتخانه‌های عمده است خوب است برگردد به آنجا و یک نظامنامه به صورت قانونی بنویسند بفرستند.

آقاسید حسین - در باب این مسأله خوب است رأی گرفته شود که رجوع به کمیسیون بشود یا نه.

رئیس - صحیح است به طوری که آقای حاج امام جمعه فرمودند در اساس این مسأله کسی حرفی ندارد ولی باید معلوم شود که این لایحه راجع به کمیسیون بشود یا نه.

اسدالله میرزا - ما باید سعی کنیم که وزارتخانه‌های ما منظم بشود و باید این قبیل لوایح را که می‌نویسند به شکل قانونی باشد اگر بنا باشد این ترتیب را ما اختیار نماییم وزارتخانه‌های ما هیچ وقت چیزی نخواهند نوشت که صورت قانونی داشته باشد.

(در این وقت اخذ رأی شد اینکه لایحه راجع به قراسوران که از وزارت داخله فرستاده شده ارجاع به کمیسیون جنگ شود یا نه به اکثریت آراء تصویب شد که لایحه مزبوره رد شود).

رئیس - عریضه از انجمن‌ها رسیده که محض اطلاع و کلاً به طور فوق‌العاده قرائت می‌شود. قرائت شد قریب به این مضمون بود:

از طرف انجمن‌های مجتمعه در مدرسه سپهسالار بر خاطر محترم و کلاهی معظم مکشوف است که در این مدت تمام زحمات ملت و تحمل خسارت فوق‌العاده از رفتن مال و جان برای استقرار و اجرای قانون اساسی بوده و حکم بین سلطنت و دولت و ملت همان قانون اساسی است در باب گرفتن رأی آقامیرزا سید اسمعیل خان و چند نفر دیگر خلاف قانون رفتار شده مواردی که از قانون اساسی بر خلاف آن در این موقع رفتار شده عیناً محض تذکار خاطر محترم و کلاً در این عریضه نوشته می‌شود در ساعت هفت از شب رفته بدون اینکه عنوان تقصیری بشود یا ورقه احضاریه داشته باشند در صورتی که اغلب آن‌ها مست بوده به خانه سید ذریه رسول ریخته و او را بدون لباس بیرون می‌برند و بدون استتطاق و معلوم شدن تقصیر فوراً زنجیر به گردن سید بیچاره می‌گذارند وقتی که سؤال دلیل و جهت

می‌شود دستخطی که در او تصویب وزیر مسئول نیست ارائه می‌دهند لهذا استدعا می‌شود که تکلیف ملت را در این باب معلوم و معین فرمایند.

رئیس - امروز صبح انجمن‌ها عریضه دیگری در همین مسأله نوشته بودند تلفن کرده وزرا آمدند به مجلس با حضور جمعی از وکلا مذاکره شد معلوم شد که در گرفتاری آنها چندان مراعات قانون نشده بعد از مذاکرات زیاد بنا شد وزرا بروند آنها را به عدلیه جلب کنند و از روی قانون استنتاج کنند و اینکه ملاحظه و مراعات قانون نشده تدارک نمایند.

وکیل‌التجار - در چند مورد وزرا خلاف قانون اساسی رفتار کردند و ما به تسامح گذرانیم حالا هم با اشخاصی که مخالفت کرده‌اند می‌خواهند یک نوع رفتاری کنند که تقریباً به طفره گذاشته باشد با این که حفظ قانون اساسی اول وظیفه ما است و این که حالا می‌گویند بروند به عدلیه این را بنده عقیده ندارم آنکسی که مخالفت قانون کرده باید مجازات ببیند تا مخالف قانون را مجازات ندهند فایده ندارد.

آقا شیخ حسین - بر فرض اینکه این سید یا عام مقصر هم باشند خلاف قانون درباره آنها رفتار شده شب ساعت هفت به خانه او ریخته و اهل و عیال آنها را مضطرب کرده‌اند و باید اشخاص مرتکب که خلاف قانون رفتار کرده‌اند به مجازات برسند.

آقا شیخ محمدعلی - مجلس چهار وظیفه دارد یکی حفظ مالیه مملکت و یکی حفظ قانون اساسی که اگر رعایت نشود مثل این است که خودمان می‌خواهیم رشته مشروطیت را پاره کنیم و باید نهایت دقت را در این باب بنماییم اگر آن قراردادهایی که سابق شده مجری می‌شد حالا با قانون اساسی مخالفت نمی‌کردند و آن‌گونه نشستن ما در این جا فایده ندارد.

آقا سید حسن تقی‌زاده - این مطلب را ما اهمیتی که لازم است نمی‌دهیم و یا می‌دهیم و ساکت نشسته‌ایم آن کسی که مخالف قانون اساسی کرده باید مجازات شود دستخط شاه را بدون امضای وزیر مسئول نمی‌شود سند قرار داد و عمل نمود باید این مسأله محل وقت قرارداد و آن کسانی که این کار را کرده‌اند باید مجازات داد مثلاً وقتی که در خانه یکی از تبعه خارجه می‌ریزند سفارت می‌گوید که این مخالفت عهد آنها شده جواب می‌دهند صحیح است و ما هم نباید که قانون اساسی را کمتر از معاهده ترکمانچای یا معاهدات دیگر بدانیم و بلکه باید قانون اساسی را

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

خیلی مقدس بشماریم اگر شخص حاکم ملاحظه قانون اساسی را نکرده چنین شخصی نباید حاکم باشد و اگر ملاحظه کرده و بدون امضای وزیر مسئول چنین کاری را کرده باید مجازات شود.

حاج سید نصرالله - این مطلب وقتی که در هیأت رئیسه مذاکره شد و از اهل انجمن‌ها هم حضور داشتند و خیلی از این بابت شکایات کردند ما چنین احساس کردیم که احتمال انقلابی هست زیرا که حسیات ملت امروز زیاد شده.

لهذا برحسب قانون لازم دانستیم که به وزرا اخطار شود این بود که وزرا احضار شدند و گفت‌وگوی زیاد شده و تمام وزرا تصدیق کردند که بی‌قانونی شده و البته مقصرین هم باید گرفتار شوند که سایرین دچار صدمه نشده و امنیت حاصل گردد اما از مجری قانونی و بدیهی است که به این ترتیب که اقدام شده بدتر هرج و مرج خواهد شد.

بالاخره قرار شد اشخاصی را که گرفته‌اند از گلستان به عدلیه جلب شوند و برحسب قانون استنطاق شده و ضمناً هم کیفیت دستگیری آن اشخاص هم معلوم شود کسانی که تجاوز از قانون کرده‌اند به مجازات برسند تا این درجه هیأت رئیسه احساس نموده و اقدام نمودند حال هم هرچه به نظر و کلامی رسد اظهار بدارند تا اقدام شود.

آقامیرزا فضلعلی آقا - قرآن مجید که وحی آسمانی است هزار و سیصد سال در میان ما بوده و چون عمل به آن نمی‌شد روزبه روز اختلال امور بیشتر می‌شد تا این که ملت از بذل جان و مال و اقدامات لازمه مضایقه نکرده مجلس مقدس تأسیس شده و بعضی مطالب قانون آسمانی را فارسی نموده قانون اساسی کردند که همه بخوانند و بتوانند و عمل نمایند اگر بنا باشد که هر روز مخالفتی با قانون اساسی نمایند و وزرا عذر او را به این نحوها بخواهند باز کاری صورت نخواهد گرفت و عودت به حالت اول خواهد شد و باید از این مجلس پا نشد و پی نمود و مفسدین را پیدا کرد که این فسادها از کدام منشأ است و مطلب را به آنها یکسره نمود.

وکیل‌الرعايا - یا باید این قانون را قانون مملکت ندانست یا اگر قانون مملکت است باید مجری شود البته آن کسانی که این کار را کرده‌اند منکر این قانون هستند ما قانونمان قانون هزار و سیصد ساله است قانون تازه نیست و کمتر از عهدنامه ترکمانچای نیست آخرتاً کی باید اینجا ساکت بود وزیر چه کند همان ساعت که ما

از این مسأله خبر حاصل کردیم وزراء هم همان وقت خبر شده‌اند و اشخاص مرتکب این را قانون نمی‌دانند و اگر قانون می‌دانستند این کار را نمی‌کردند کسانی که در آن واقعه بزرگ مخالف قانون اساسی کردند چه مجازات دادند اگر بخواهید به لفظ مجازات قناعت کنید فایده ندارد باید اشخاصی که مرتکب این امر خلاف شده‌اند مجازات سخت شوند.

آقامیرزا محمود - بنده چنین تصور می‌کردم که قسم می‌خورم در مقام سلطنت خیانت نکنم یعنی نگذارم در اجرای قانون اساسی تجاوز و تخلف شود و فرض می‌کنم که سایر وکلا هم با من هم‌رأی هستند دیگر اینکه وزرا اقرار کردند که از طرف حکومت و غیره خلاف قانون رفتار شده در صورتی که رعایت قانون اساسی خیلی اهمیت دارد و هیچ اقدامی نشده منتهی همین قدر شده که زنجیر از گردن آنها برداشته‌اند که ببرند در عدلیه استنطاق شود و به این ترتیب کار پیش نخواهد رفت.

آقاسید حسین - در حضور وزرا گفت‌وگو شده و قرار بر این شد که آنها را از گلستان به عدلیه برده و استنطاق شوند حال تقصیر دارند یا ندارند باشد ولی آن‌هایی که خلاف قانون رفتار کرده‌اند باید قبل از این اشخاص که گرفته‌اند وارد عدلیه شوند و مجازات داده شوند و اگر غیر از این باشد ملت ساکت نخواهد شد و به وزرا هم همین قسم گفته شد.

وکیل‌التجار - بنده این مطلب را در بین مذاکره لایحه راجع به قراسوران می‌خواستم عرض کنم ملاحظه کردم دیدم که خارج از موضوع است عرض نکردم و حالا که این مسأله وارد مجلس شده و مذاکرات لازمه هم در این باب شده عرض می‌کنم که بنده مجازات مباشرین جزء این کار را محل اعتنا و کافی نمی‌دانم زیرا که آن‌ها تابع احکام رئیس خود هستند کسی که قانون ندانسته یا دانسته حکومت نموده و این قسم رفتار می‌نماید او باید به مجازات برسد بلکه تمام حقوق و امتیازات او سلب شود که دیگر کسی چنین خلاف قانونی ننماید و قانون اساسی را نباید از جزئیاتش صرف نظر کرد.

آقاشیخ محمدعلی - فرق بین این ملت و سایر ملل این است که این ملت اول مشروطه را گرفتند و بعد خون‌ریزی کردند ولی سایر ملل اول خون‌ریزی کرده و بعد مشروطه را گرفتند اینست که مشروطه و قانون در نزد آنها خیلی مقرب و مقدس است و با جان خود برابر می‌دانند و در مملکت ما هم که این همه خون‌ریزی و قتل

و غارت شده برای این است که فصول و مواد قانون اساسی مجری شود و اجرای قانون نباید در مورد هیچ کس تفاوت داشته باشد هرکس مخالفت قانون کرده باید مجازات شود و نباید ما به طور تسامح این امر را بگیریم و این همه اموال و نفوس که تلف می شود برای حفظ و اجرای قانون است و تا این اشخاص مجازات سخت نشوند نباید مجلس به کار دیگر پردازد.

(در این موقع تقریباً یک ربع ساعت برای تنفس مجلس منفصل شده و پس از یک ربع مجدداً مجلس منعقد گردید).

نمایندگان مجلس شورای ملی در مذاکرات روز شنبه ۱۶ شهر ربیع الاول ۱۳۲۶ خود به بحث از تأسیس قوانینی پرداختند که برای رفاه حال مردم و شهروندان لازم هستند:

خلاصه مذاکرات روز پنجشنبه ۱۴ را آقای میرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند. رئیس - کاغذی از وزارت داخله رسیده محض اطلاع و کلاهی محترم لازم است خوانده شود رقعہ وزارت داخله قریب به این مضمون قرائت شد شرحی که در جوف است به قانون برای حکام به ولایات فرستاده شده ولی خاطر و کلا را مستحضر می سازیم که اجرای قانون اسباب و لوازمات لازم دارد که قبلاً لوازم آن موجود نیست. هرگاه رعایا این قانون را ببینند لابد در مقام مطالبه اجرای تمام آناز حکام برمی آیند.

در صورتی که اسباب اجرا موجود نیست خوب است مدتی معین شود تا اسباب اجرای قوانین فراهم آید.

احسن الدوله - این دستورالعمل اداره ایست تا در قانون مجازات مخالفت آن معلوم نباشد آن قانون محال است که مجری شود.

حاجی سید عبدالحسین شهبهانی - پریروز که آن رقعہ وزیر داخله را در مجلس مقدس خواندند تمام آقایان گفتند صحیح است حالا دیگر نمی توان آن را رد کرد که یک روزی بیاید تا اسباب کاملاً فراهم شود باید فرستاد و باید بنایشان هم در عمل باشد ولی در خصوص این که بعضی ادارات تشکیل شده و بعضی نشده آن را باید یک ترتیبی داد تا اسباب اشکال نشود و تأخیر در فرستادن قانون نباید بشود.

آقاسید حسین - اگر این قانون فرستاده شود به علت عدم مجازات در آن اسباب اشکال خواهد بود و در این مسأله در صورتی می توان اقدام نمود که تمام ادارات

تشکیل یافته و قانون عدلیه بیرون بیاید و تمام قوانین منوط به قانون عدلیه است. بحرالعلوم کرمانی - همین که قانون از مجلس بیرون آمد باید فوراً در موقع اجرای گذاشت والا تعطیل به هیچ وجه صحیح نیست این اداراتی را که فعلاً ندارند عجلتاً آنها باشند و سایر مواد را اجرای کنند والا تعویق صحیح نخواهد بود.

اسدالله میرزا - وزیر داخله سؤالی از مجلس کرده‌اند و اگر بخواهیم در حواشی صحبت بداریم از موضوع خارج می‌شویم و این سؤال صحیح است که از برای اجرای قانون موعدی باید قرار بدهند و ما در بدو امر غفلت کرده‌ایم. در این باب در نظامنامه موعدی قرار ندادیم و اجرای قانون به واسطه فراهم بودن اسباب آن در پایتخت زودتر مجری می‌شود و در جاهای دیگر به علت فقدان دیرتر خواهد شد و امروز لازم است که ما یک ماده در این قانون بیفزاییم که تا چند ماه دیگر تمام آن اجرای می‌شود و از برای اجرای این قوانین هم معلم باید باشد و این که می‌گویید در این قانون مجازات نیست آنکه جنحه و جنایت است روابطی به حکام ندارد و آنچه که متعلق به اداره است که هست دیگر این حرف‌ها از موضوع خارج است و باید وقت قرار گذارد که تا چند ماه تمام این قانون اجرای می‌شود.

امان‌الله میرزا - باید به حکام وقت داد و سؤال وزیر داخله هم صحیح است زیرا که حکام باید اشخاصی را که لازم است پیدا کنند و بعد مشغول اجرای شوند.

آقامیرزا سید حسن - این قانون به صحنه همایونی رسیده و مدتی است که به موقع اجرای گذارده نشده حالا هم اگر معطل بگذاریم از برای این که ادارات تشکیل شوند امسال هم بی‌قانون خواهیم بود و یکی از حقوق سلطنتی اجرای قانون است و بعد از وضع قانون باید اجرای شود اگر بنا شد حالا بماند باید آن ماده را در قانون اساسی محو بنماییم که قانون بعد از وضع و صحنه همایونی به موقع اجرای گذاشته می‌شود.

سیدالحکماء - نشر قوانین در سایر ممالک متمدنه به قسمی است که قانونی که امروز وضع نمودند و تمام شد روز بعد آن را مجری می‌دارند لذا این قانون باید اجرای شود فقط یکی چند ماده که امروز محل ندارد حالا بماند پس باید آنچه را می‌توانند ماده به ماده اجرا بدارند عقیده بنده این است که به وزیر داخله نوشته شود که باید حکام این قانون را اجرا بدارند.

حسام‌الاسلام - بنده هنوز معنی حاکم و محکوم نمی‌دانم به جهت اینکه حاکم و محکوم می‌خواهد وقتی که تکلیف حاکم و محکوم معلوم نباشد حاکم و محکومی

نیست پس آنچه که اسباب آن امروزه فراهم است باید اجری شود و آنچه که نیست باید اسباب آن را فراهم کرد.

آقای حاج امام جمعه - قانون را باید در ظرف یک مدتی اجری کرد که آن مدت تمرین است تا اینکه ذهن مردم به آن آشنا شود و در آن قانون نوشته است که مثلاً تکلیف پلیس این است و تکلیف حاکم این و همچنین نایب‌الحکومه و نظمیۀ آنها هم که هنوز در مملکت ما نیست پس اگر به حاکم بگوییم که امروز تمام این قانون را مجری بکن این غیرممکن است پس اول باید موضوعات را فراهم کرد بعد حکم را به آن بار نمود و در همه جا هست قانون را که وضع می‌کنند یک زمان اجرای برای آن قرار می‌دهند و یک چیز دیگر هم هست که جناب احسن‌الدوله گفتند قانونی که باید مجری شود مجازات لازم است تا مجازات نباشد اجرای قانون معنی ندارد و آنچه کاغذات که از حکام ولایات می‌رسد معلوم می‌شود که آن مجازاتی را که خداوند قرار داده فعلاً از میان مردم رفته پس اگر مجازات نباشد حاکم چه‌طور می‌تواند اجرای قانون نماید.

احتشام‌الحکماء - اول این که امروز نباید این مطلب مذاکره شود و دیگر اینکه بعضی جزئیات است که با حاکم است مثل تشکیل انجمن‌ها و تعیین نایب‌الحکومه‌ها و ضابط و غیره لذا حاکم باید آنها را اجری نماید و آنچه که با وزارت خانه‌ها است باید وزرا مرتب نمایند.

رئیس - چون این مطلب فوق‌العاده و فوری است باید مذاکره کرد.
آقاشیخ محمدعلی - وزیر داخله خوب بود بنویسند که وقت اجرای آن چه وقت است.

اگر مجلس تصویب می‌کرد فی‌ها والا باید دلایلش را بگویند پس چیزی را که ما نمی‌دانیم نمی‌توانیم رد یا قبول کنیم مگر اینکه تأمل بشود و دیگر اینکه خودش هم باید بگوید تا چه وقت می‌شود این قانون را اجری کرد.

آقاملاحسن وارث - فرمایش شاهزاده اسدالله میرزا صحیح است وزیر داخله سؤالی کرده است باید جواب سؤال داد.

حسام‌الاسلام - مردم ایران می‌خواهند داخل در خط قانون بشوند این مطلب مسلم است مردی که زن گرفت پس از اینکه صاحب اولاد ذکور و اناث شد للذکر مثل حظ الانثیین ارث می‌برند پس هر چیزی دو قوه لازم دارد قوه قابله و قوه فاعله تا

این دو امر نباشد چیزی حاصل نمی‌شود پس باید این دو قوه را با هم جمع کرد تا این که قانون اجری شود.

حاجی معین‌التجار - باید شروع در اجرای قانون شود و تا شش ماه قرار بگذارند که تمام اجری شود.

آقامیر عماد - قانون باید اجری شود و نباید وقت برای آن قرارداد مگر مواردی که اسبابش موجود نیست.

ادیب‌التجار - بنده قبل از تشریف‌فرمایی جناب نظام‌السلطنه قانون حکام را به اصفهان فرستادم و تمام مواد آن به موقع اجری گذاشته شد ماعنی در اجری ندارد آنجاها که اسباب نیست هرچه می‌شود آنها را اجری کنند.

مستشارالدوله - تعیین وقت منافی با اجری قانون نیست و همه جا همین‌طور است ولی تعیین وقت با این نقص لوازمات که امروزه هست تا شش ماه دیگر اگر ادارات و بودجه مرتب و منظم نشد آن وقت باز مثل امروز است که موقع اجری نیست ولی بعد از تعیین پلیس و نظمیه و بودجه حاکم می‌تواند اجری کند پس باید موجبات اجری را فراهم کرد و باید کمیسیونی تشکیل شود که وکلا وزرا موجبات آن را فراهم کرده یا خود وزرا این کار را بکنند اگر باشد که حاکم نتواند اجری کند پس باید قبل از وقت وزیر داخله موجبات و مقدمات آن را فراهم کند.

صدرالعلماء نطنز - تمام این قانون یک دفعه اجری نخواهد شد و لازم هم نیست که اجری شود و هرچه محل ابتلاست آن به موقع اجری گذاشته شود و هرگاه یک ماده محل ابتلا بوده اجری نشد باید مانع آن را اظهار بدارند.

حاجی میرزا ابراهیم آقا - همه چیز باید از مرکز شروع شود خوب است وزیر داخله که در مرکز مملکت است از اینجا شروع نمایند تا بینیم در اینجا چه‌طور قانون به موقع اجری گذارده می‌شود بعد از اینجا به جای دیگر تا موانع معلوم شود که چیست.

وکیل‌الرعايا - ما نمی‌توانیم بگوییم که اجری نشود و نمی‌توانیم بگوییم تمام یک دفعه مجری شود اینکه گفتند این قانون ناقص است نیست آنچه راجع به مجازات مأمورین و حاکم است که در قانون هست وقتی که نظمیه را در هر جا درست کردند آن وقت می‌توانیم این کار را یعنی اجرای قانون را از حاکم بخواهیم اینکه می‌گوییم تا یک سال دیگر این صحیح نیست این‌ها تکلیف شخص حاکم است که

باید شروع کند و اجرای نماید اما بعضی ترتیب و ادارات که اسباب آن موجود نیست آن وقت لازم دارد ولی آنچه از امروز می‌توان شروع به آن کرد نمی‌شود معطل نمود.

بحرالعلوم کرمانی - این قانون کامل و صحیح است و باید اجرای شود وزیر داخله خوبست در کمیسیونی با وکلا صحبت کند و وقتی را معین کند آن وقت آن مطلب بیاید در مجلس همان را وقت اجرای قرار بگذارند.

آقاسید حسین - اگر این‌طور باشد حاکم مسئول نیست و نمی‌شود او را مؤاخذه قرار داد به جهت اینکه هنوز در ولایات عدلیه نیست همان ترتیبات سابق است اگر بنا باشد که امروز این قانون به ولایات برود و بگوییم حکام تکلیفی جز این ندارد حکام نمی‌توانند مالیات بگیرند و کسی اطاعت ندارد امروز که می‌گویید حاکم نمی‌تواند مأمور بفرستد مثل سابق مالیات بگیرد مالیات می‌ماند و مجازات هم نیست که اگر کسی مالیات نداد مجازاتش چیست پس قانون راجع می‌شود به عدلیه در این صورت باید وقت قرار نگذارید که قانون عدلیه تا شش ماه یا کمتر یا بیشتر تمام می‌شود تا اینکه آن وقت حکام بتوانند اجرای کنند.

آقامیرزا حسینقلی - این قانون را باید اجرای کرد و بعضی چیزها است در این قانون که نمی‌شود امروز برای آنها وقت قرار بگذارند باید اجرای شود.

وکیل‌التجار - قانون برای اجرای وضع می‌شود و این دستورالعمل حکام است جایی که ادارات و نظمی و قراسوران نیست در آنجا باید تکلیف حاکم را معین کرد که چه باید بکند ولی آنچه دستور اوست و تکلیف شخصی است باید اجرای و معمول شود. حاجی سیدباقر - قانون باید اجرای شود آنچه که مانع ندارد به‌طور وجوب تعیینی و آنچه مانع دارد به‌طور وجوب تمرنی.

رئیس - به عقیده بنده قانونی که اجرای می‌شود وقتی لازم دارد حالا این قانون وقت می‌خواهد یا نه و کمتر.

ولی‌الله خان - این نظامنامه حکام چند فصل دارد که چند مواد از آنها راجع به تکلیف شخص حاکم و بعضی دیگر هم تکلیف حاکم است ولی راجع است به سرکشی‌های او به ادارات مثل نظمی و عدلیه و مالیه حالا هر جا که آنها نیست او باید به تکلیف شخصی خود عمل کند.

اما در باب تعیین وقت چرا از ما وقت خواستند با اینکه در تحصیل مقدمات و

لوازمات آن باید وزرا بکشند و باید وزیر داخله حضور داشته باشند که اگر ما بگوییم تا فلان وقت شاید بگوید کم است پس باید خودشان یا معاون ایشان حاضر باشند تا معلوم شود ولی درخصوص تکالیف شخصی حاکم مانعی از اجرای ندارد.

اسدالله میرزا - قسمتی از حرفها در اینجا زده می‌شود که دوری است مثل آن که گفته می‌شود از وزیر داخله پرسیده شود که تا چند ماه دیگر این قانون مجری خواهد شد ولی آنچه در جاهای دیگر است آنها که قانون می‌نویسند می‌گویند این قانون فلان وقت اجرای می‌شود ولی ما حال می‌نویسیم.

اینکه می‌گویند یک قسمت از آن حالا اجرای شود و یک قسمت بماند این لاعلی‌التعین است باید کمیسیونی معین کرد که معلوم شود کدام مواد آن قابل اجرای هست کدام نیست و به عقیده بنده اینکه باید وقت اجرای تمام قانون را معین کرد نه اجرای یک ماده آن را.

وکیل‌التجار - آنچه راجع به خود حاکم است باید اجرای شود و آنچه راجع به ادارت است البته موقوف است به تشکیل آنها.

آقاشیخ محمدعلی - لفظ قانون در این مملکت لفظی است جدید و به نظرشان خیلی غریب می‌آید و نمی‌خواهد که عمل نمایند همان‌طور که سابق حکومت می‌کردند حال هم می‌خواهند همان‌طور باشد اگر نباشد که شمادر اینجا وقت قرار بگذارید شتر گاو پلنگ می‌شود از یک طرف مقصر بست می‌رود می‌گویند مملکت مشروطه بست نیست از طرف دیگر هم قانون که نیست حکام آنچه که می‌خواهند ظلم می‌کنند پس باید آنچه که امروز راجع به وزیر داخله است اجرای بدارد و آنچه که نیست از قبیل تشکیل ادارات آن را هم در صدد تشکیل برآیند.

اسدالله میرزا - اینکه می‌گویند سواد می‌گویند که راجع به خود حاکم است بنده عرض می‌کنم که در این قانون چیزی که مهم باشد راجع به خود حاکم نیست و تمام راجع به ادارات است و تا ادارات نباشد حاکم نمی‌تواند قانون اجرای کند.

آقامیر عماد - ظاهراً وزیر داخله تمام مواد را لازم‌الاجرا می‌دانند پس باید یک وقتی را معین کرد که تمام مواد اجرای شود.

حسام‌الاسلام - وقت لازم است از برای اجرای قانون چنانچه برای اجرای قانون انطباعات وقت داده شد پس خوبست تا چهل روز وقت داده شود که اجرای شود.

مستشارالدوله - وقت لازم است ولی بعضی مواد دو ماه بعضی مواد تا سه ماه و

بعضی مواد بیشتر مدت لازم دارد که اجرا شود پس خوبست وزرا خودشان موادی که فوراً می‌شود اجری کرد یا موادی که مدت لازم دارد معین نمایند.

آقامیرزا فضلعلی آقا - چون قانون فعلاً دست ما نیست نمی‌توانیم فعلاً معین کنیم که چقدر وقت لازم دارد و باید همانطور که گفته شد کمیسیونى نموده معین نمایند.

احسن‌الدوله - من که دیگر خسته شده‌ام قانونی که شش ماه است به صحنه رسیده تازه وقت برای اجرای او می‌خواهند و اگر کمیسیون معین شود شش ماه دیگر طول می‌کشد و هر روز ما را به این طرف و آن طرف می‌گردانند و چندی برای اجرای قانون معطل می‌نمایند.

لسان‌الحکما - مطلب صحیح این است که باید کمیسیون کرد و مواد قانون را تفکیک نموده به دقت معین کرد.

رئیس - تعیین مدت را لازم می‌دانید یا خیر (جمعی گفتند لازم است و جمعی گفتند لازم نیست).

آقای حاج امام جمعه - در اینکه قانون دو قسمت است بعضی یک قسمتش حالیه ممکن‌الاجرا است و یک قسمتش دقت لازم دارد که حرفی نیست پس باید کمیسیونى معین شده و تفکیک شود.

امان‌الله میرزا - تحقیق این مطالب با وزیر داخله است نه با ما و این مذاکرات فایده ندارد.

مخبرالملک - وزیر داخله باید بگوید که اجرای این قانون چه موانع دارد و مدلل بدارد چه قسمتش را فوراً می‌شود اجری کرد و چه قسمتش وقت لازم دارد و چقدر مدت لازم دارد تا مجلس تصویب نماید والا تعیین وقت وظیفه مجلس نیست و این مذاکرات بی‌فایده است.

آقاشیخ محمدعلی - تأسف می‌خورم از اینکه وزرا به قانون عمل نمی‌کنند همین‌طور که جناب مخبرالملک فرمودند باید وزیر داخله معین نماید که فلان مواد امروز اجری می‌شود و فلان مواد تا شش ماه یا هشت ماه دیگر پس وزیر داخله باید به تکلیف خود رفتار نماید و ما بی‌جهت وقت خود را تضعیع می‌نماییم.

حاجی معین‌التجار - چه وزیر داخله معین کند و چه کمیسیون فرقی نمی‌کند و این قانون نتیجه یک ساله مجلس است آنچه که ممکن‌الاجری است فوراً باید اجری شود و آنچه که موضوعش معین نیست از قبیل ادارات پلیس یا فراسوران باید مرتب

نمود و قانون را اجری کرد و منافات ندارد که از وزیر داخله سؤال شود که این ادارات تا چندوقت دیگر مرتب خواهد شد.

اسدالله میرزا - بنده عرض می‌کنم که حق وزیر داخله بود که این کار را رجوع به مجلس کند و وقت بخواهد و ما آن وقت که قانون وضع کردیم باید ببینیم چه قدر مدت لازم دارد و در قانون یک ماده معین کرده باشم که بعد از چند مدت قانون باید اجری شود و حالا هم باید یک کمیسیون مرکب از چند نفر و کلا و وزرا معین شده مواد قانون را تفکیک نموده آنچه را می‌شود فوراً اجری کرد به موقع اجری بگذارند و آنچه را که مدت لازم دارد مدت معین نمایند.

آقاسید مهدی - قانون باید حتماً اجری شود منتهی موادی که مانع دارد بماند بعد از موقع مانع اجری شود و آن موادی که مانع ندارد باید فوراً اجری شود.

مخبرالملک - باز عرض می‌کنم که اجرای قانون با وزارت ربطی به مجلس ندارد اگر ما بگوییم حتماً باید امروز مجری شود آن وقت یک مخارج فوق‌العاده پیدا می‌شود که از قوه امروز خارج است و اگر وقت معین کنیم شاید بگویند ممکن نیست که به این زودی مجری شود پس باید وزرا خودشان اگر بخواهند کمیسیون کنند بکنند و اگر نمی‌کنند نکنند به هر حال ربطی به مجلس ندارد.

آقاشیخ محسن خان - بنده عرض می‌کنم که نمی‌توانیم وقت معین نماییم و این تکلیف خود وزارت است و این که رجوع به مجلس کرده‌اند برای طفره از اجرای قانون است و تکلیف مجلس هم تعیین وقت نیست.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - آنچه گفته شد گمان می‌کنم معناً هیچ منافات با یکدیگر نداشته باشد در این که قانون که به صحنه رسید فوراً باید اجری شود حرفی نیست ولی معنی اجری باید معلوم شود مثلاً کسی که قصد حج کرده از همان ساعت مشغول به رفتن می‌شود. ولی تا به مکه برسد شش ماه طول دارد قانون را هم کم‌کم باید شروع به اجرایش کرد تا آن که لوازمات و مقدمات آن حاصل شود و تا لوازمات کاملاً حاصل شود اقللاً شش ماه طول دارد.

وکیل‌التجار - بنده می‌خواهم بدانم که این تغییر مسلک به این زودی از کجا پیدا شد پرپرور در کاغذی که به حکام نوشته شده بود نوشته بودند نکته از اجری این قانون فروگذار نشود و امروز برای اجرایش وقت خواسته‌اند به هر حال این که جناب مخبرالملک فرمودند صحیح است و ترتیبات را خود وزرا باید معین نمایند.

مستشارالدوله - این که می‌گویند پریروز آن‌طور و امروز این‌طور نوشته شده است برای توضیح عرض می‌کنم که این کاغذ هم با همان کاغذ به مجلس آمده بود ولی به ملاحظه این که چندان اهمیت ندارد در مجلس قرائت نشد بعد هیأت رئیسه تصور کرد که خالی از اهمیت هم نیست لذا گفتند به مجلس بیاید و گمان می‌کنم که هیأت رئیسه خوب تصور کرده‌اند چنانچه می‌بینیم یک ساعت و نیم است در این باب گفت‌وگو می‌شود.

حاج میرزا علی - در سابق وزیر و حاکم یک معنی داشت و حالا یک معنی دیگر دارد حالا وزیر و حاکم کسی را می‌گویند که قانون را به محض این که به او دادند اجری نماید و اگر مانع هم دارد باید اظهار کند و اگر این‌طور نباشد نمی‌توان او را حاکم یا وزیر گفت.

آقا شیخ محمد علی - این پارلمان نباید از طرف وزرا دلیل تراشی کند باید برای ملت کار کند و آنچه مانع اجرای قانون است امروزه طبیعت استبداد است والا مانع دیگر ندارد و اگر مانعی دارد باید خودشان اظهار و مدلل بدارند.

آقا سید علینقی - مواد قانون باید هر قدر ممکن است فوراً اجرا شود و این اندازه مباحثه بی‌جهت است.

آقا شیخ ابراهیم - هر کس این نظامنامه حکام را خوانده است می‌داند که نمی‌شود فوراً تمامش را اجری کرد و مدت لازم دارد.

حاج محمد تقی - آن وقت که مرحوم امین‌السلطان حیات داشت چقدر اصرار می‌کرد که قانون وزارت داخله را تمام کنید تا فوراً به موقع اجرا گذارده و ولایات منظم شود و الان تقریباً چهار ماه است قانون وزارت داخله صحنه شده و تازه وقت می‌خواهند و باید چند ماه دیگر هم معطل شد.

رئیس - روز سه‌شنبه وزیر داخله می‌آیند به مجلس همان روز این سؤالات از ایشان می‌شود و این هم لایحه‌ایست شاهزاده اسدالله میرزا نوشته‌اند قرائت می‌شود.

(لایحه مزبوره قریب به مضمون ذیل قرائت شد).

از قرار اخبار متواتره انقلابات وحشت‌انگیز در پيله سوار ایران رخ داده و تصادف بین سربازان روس و تبعه ایران واقع شده چند نفر مقتول و خانه‌ها سوخته شده زنان و اطفال در گمرک خانه و غیره متحصن و فریاد الامان ایشان بلند است بنده در صورت تصویب مجلس لازم می‌دانم که وزیر داخله و وزیر امور خارجه را اخطار

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

نموده و حاضر شوند که اولاً عین ما واقع را محض استحضار و کلاً اطلاع بدهند و ثانیاً از اقداماتی که در رفع این غائله و تمامی به عمل آورده‌اند توضیح دهند. رئیس - روز سه‌شنبه وزیر داخله که می‌آیند وزیر امور خارجه هم احضار شوند که در این مسأله توضیح دهند.

این لایحه در باب عمل ضربخانه است که پانزده نفر از وکلا امضا کرده‌اند قرائت شود قرائت شد قریب به این مضمون که آیا ضربخانه اداره شود بهتر است یا مقاطعه داده شود دیگر این که در صورت مقاطعه باید با اشخاصی معتبر کترات نمود و دیگر اینکه شرط شود که از دو کرور بیشتر سکه نزنند و به کسانی که از ایشان بیشتر فایده عاید می‌شود داده شود.

حاج محمدعلی آقا - از زمان مرحوم امین‌الدوله این گفت‌وگوها بود و قرار شد ضربخانه بسته باشد و به موقع لزوم باز شود و سکه زده شود.

آقاسید حسین - کلیتاً بنا بود دو کرور نقره وارد شده و سکه شود و از دو کرور هفتصد هزار تومان سکه شده باقی مانده سیصد هزار تومان و حالا این گفت‌وگو برای آن سیصد هزار تومان است و ظاهراً دو کرور دو کرور و نیم می‌شود و می‌خواهند دو کرور و نیم سکه کنند اشخاصی که امتیاز گرفته‌اند می‌گویند هزار تومان چهل و هشت تومان می‌دهیم مخارج هم به عهده خودمان صاحبان نقره می‌گویند هزار تومانی پنجاه تومان می‌دهیم مخارج به عهده خودمان وزیر مالیه می‌گوید به آن اشخاصی که امتیاز گرفته‌اند داده‌ام رئیس ضربخانه و صاحبان نقره هم به آنها نقره نمی‌دهند.

وکیل‌التجار - در مسأله امتیاز سکه زدن دو کرور گذشته و مذاکره‌اش فایده ندارد حرف در تفاوت سکه است اما در اصل نقره در این که نباید گذاشت پیش از این مبلغ وارد کنند حرفی نیست و باید نقره قیمتش از روی اسکناس و منات معین شود که ضرر به دولت و مملکت وارد نیاید.

آقامیرعماد - مجلس که این امتیاز را نداده است پس کی داده.

وکیل‌الرعايا - مراد از این لایحه این است که ضربخانه را مقاطعه بدهیم یا نه و عقیده بنده این است که هیچ اداره را نباید مقاطعه داد بلکه اشخاص با شرف را باید پیدا کرد و مشغول به کار نمود اما این‌ها نقره را به بیست و یک شاهی قبول کرده و چهل و هشت تومان می‌دهند و بیش از این هم عمل ندارد و کمیسیون در جواب

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

وزیر مالیه نوشته است که به هر کس اطمینان دارید بدهید معین نکرده است یکی باید داد اما اگر کسی می گوید از عمل صحیح بیشتر از این درمی آید باید بیاید مدلل بدارد.

مخبرالملک - این گفت و گو معلوم می شود که بین دو دسته است که یک دسته می خواهند بیشتر سکه کنند بیشتر می دهند یک دسته می خواهند کمتر سکه کنند و عقیده من این است که این مطالب موضوع بحث مجلس نیست باید از وزیر مالیه پرسید که چرا به آنها داده اند و به اینها نداده اند و باید در این باب از او توضیح خواست.

مؤتمن الممالک - آنچه در این خصوص از لوائح نوشته اند نمی خواهم عرض کنم ولی عرض می کنم آن کسی که می گوید چرا به آن کسی که زیادتر می دادند ندادند معنی اش این است که دزدی و تقلب زیادتر نمایند و هیچ ممکن نیست که عمل صحیح کنند و چهل و هشت تومان بیشتر بتوانند بدهند و اشخاصی که می گویند ما بیشتر می دهیم به خیال این هستند که نقره بیشتر وارد کنند و این خود خرابی مملکت است.

آقامیرزا فضلعلی آقا - همه می دانند که نقره هر قدر بیشتر سکه شود ضرر مملکت بیشتر است و هر چه در ماه مبارک رمضان اذن داده شده باید همان قدر سکه شود اما ضرابخانه اداره ایست که دخل و خرجی دارد چنانچه یک وقت پانزده هزار تومان مخارج داشت ولی چون دقت شده حالا به هفت هزار تومان رسیده است و حالا باید معلوم شود که اداره بودن بهتر است یا مقاطعه اگر اداره بهتر است باید از مدیر ضرابخانه نوشته گرفته شود که خرج تراشی نکند و اداره کنند و اگر مقاطعه بهتر است باید علناً مجلس مقاطعه را تصویب کند و ملاحظه کثرت فایده شود به هر حال یا اداره یا مقاطعه باید جلوگیری کرد که تقلب نشود و زیادی سکه نکنند.

احسن الدوله - در همه جا ضرابخانه اداره است و با دولت است اما از آنجا که ما از تنبلی هیچ کار نمی کنیم تا حال ضرابخانه برای دولت هیچ فایده نکرده و همه شعبده بوده حالا اگر باز مثل سابق است همان طور مقاطعه شود والا جناب صنیع الدوله وزیر با علم هستند و اگر می توانند باید اداره کنند.

آقا شیخ محمدعلی - این حرف که فلان وزیر با علم است ما نباید در اینجا بگوییم و نباید به علم کسی اعتماد کنیم ما اگر وزیر با علم را خائن ندانیم احتمال خطا به

او که می‌توانیم بدهیم و اینکه می‌گویند مجلس امتیاز داده در خارج شنیده بودم حالا معلوم شد که کمیسیون یک کاغذی نوشته و این امتیاز نیست که مجلس را متهم بکنند به هر حال اداره یا مقاطعه باید و کلا در این باب تأمل نمایند و بعد بیایند مذاکره نمایند و باید مذاقه شود که زیاده از میزان احتیاج هیچ وقت سکه نشود تا اسباب ضرر گردد چنانچه در مسأله پول سیاه چه قدر ضرر به آن مملکت وارد آمد.

مخبرالملک - اینکه بنده عضویت کمیسیون مالیه را قبول نکردم به ملاحظه این بود که برادرم وزیر مالیه بود و اینکه ریاست مجلس را قبول نکردم به ملاحظه این بود که دو برادرم وزیر بودند گفتم مبدا اسباب بعضی خیالات برای مردم بشود و طرفداری هم از کسی نمی‌کنم و می‌گویم حق مجلس این است که از وزیر مسئول توضیح بخواهد پیش از این در این خصوص مذاکره نشود.

آقاسید حسن تقی‌زاده - اینجا چند روزی مذاکره از انتظام داخلی مجلس بود چند روزی هم موضوع مذاکرات معین بود و بعد از هیجان آن هم تمام شد استدعا اینکه این لوایح قبل از وقت اطلاع داده شده و بعد به مجلس بیاید تا انتظام باقی باشد ولی متأسفانه دو هفته است مجلس هیچ نظام ندارد.

رئیس - موضوع بحث ما همان قانون انجمن تجارتي بود ولی بعضی از لوایح است که به‌طور فوق‌العاده به مجلس می‌آید و این لایحه را هم پانزده نفر از وکلا مهر کرده و تأکید کردند که فوراً باید خوانده شود و موضوع مذاکره نیست فقط محض این است که آیا راجع به کمیسیون شود یا نه و روز سه‌شنبه هم وزیر داخله و وزیر امور خارجه و وزیر مالیه احضار می‌شوند برای توضیحات این مطالب مذکوره و موضوع بحث هم همان قانون انجمن تجارتي با بعضی لوایح است که از وزارت تجارت در خصوص کلاس‌های مدرسه فلاحه و کنترات موسیو داشر که سرآمده است رسیده و برای اطلاع قرائت می‌شود.

مذاکرات روز پنجشنبه ۲۸ شهر ربیع‌الاول ۱۳۲۶ دارالشورای ملی هم اختصاص داشت به تدوین قانون‌های جدید اجتماعی در کشور:

مذاکرات سه شنبه ۲۵ را آقامیرزا مرتضی قلیخان قرائت کردند.

اسامی غائبین روز سه‌شنبه خوانده شد از قرار ذیل:

حاجی سید ابراهیم، آقاملا حسن، ثقة‌الاعلام، امین‌الرعیایا، قوام دیوان، آقا میرعماد، آقامیرزا حسین طبیب.

رئیس - این‌ها غائبین روز سه‌شنبه بودند که اسم برده شد و امروز بنده رفتم به کمیسیون هاخیلی از ایشان غایب بودند اسامی آنها هم نوشته شده و خواهش می‌شود که آقایان از برای ادای تکالیف خود در کمیسیون‌ها حاضر شوند.

آقاسید حسین - چندی قبل از بابت دستگیری بعضی اشخاص متهمین چون در گرفتاری آنها خلاف قانون شده بود یک هیجان و انقلاب فوق‌العاده عمومی که در تمام ملت ظاهر شد و نزدیک بود تمام ادارات تعطیل نمایند برای این که بر خلاف قانون اساسی رفتار شده بود در گرفتاری متهمین و مجلس با نهایت زحمت و مرارت ملت را ساکت نموده و قرار گذاشت که خودش به‌طور فوق‌العاده رسیدگی نماید و دو هیأت از طرف مجلس معین شده یکی به عدلیه رفته و یکی هم به وزارت جنگ که معلوم شود اگر متهمین مقصر بوده‌اند آنها را به مجازات برسانند والا آنها را خلاص و بلکه جبران نمایند حال می‌بینیم آن دو هیأت به مجلس آمده‌اند و از ماوقع و مأموریت خود اطلاع نداده‌اند خوب است مقرر دارند آقایان اطلاعات خودشان را برای استحضار مجلس مقدس ب‌ویند که تکلیف معلوم شود و ملت در صدد تحصیل جواب برآمده است به آنها هم جواب داده شود و بدانند که مجلس حافظ حدود و حقوق همه می‌باشند.

رئیس - از جمله اشخاصی که برای عدلیه معین شده بودند آقای حسین قلیخان نواب بود حالا خوب است اطلاعات خودشان را بگویند.

حسین قلیخان نواب - مأموریت ما این بود که دراستنطاق متهمین حاضر و نهایت دقت را نمودیم که چیزی فروگذار نشود و پانزده روز است که ما در عدلیه حاضر می‌شدیم حتی روزهای تعطیل را هم رعایت نکرده نگذاشتیم که تعطیل شود و امروز روز آخر بود که استنطاق تمام شد از رئیس محکمه پرسیدم که دیگر کاری به ما دارید رئیس گفت دیگر استنطاق تمام است گفتم حالا که ما می‌خواهیم برویم در مجلس مقدس از ما خواهند پرسید که نتیجه چه شده است خوب است شما چیزی بنویسید که با راپورت ما مخالفت نداشته باشد.

گفت من حالا نمی‌توانم راپورت صحیح بنویسم چون روز قبل از بابت محاکمه و استنطاق ضیاءالسلطان راپورت نوشتم وزیر عدلیه به من گفت شما چرا بدون اطلاع من راپورت دادید این است که حالا من نمی‌توانم چیزی بنویسم و راپورت مجلس استنطاق و اتمام آن را به شما بدهم گفتم پس کی خواهید داد گفت حالا که وزیر

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

عدلیه کسالت دارند بعد از رفع کسالت بنده راپورت خواهم داد و شاید هم علتی باشد که استنطاق این‌ها محتاج به تجدید بشود چون دیدم که نمی‌تواند راپورت کتبی بدهد گفتم پس راپورت شفاهی بدهید گفت همین قدر می‌توانم بگویم که از استنطاق آنها عدم تقصیر ایشان ثابت شده مگر آن حیدر که این‌ها را متهم کرده مقصود این بود که نمی‌توانست راپورت کتبی بدهد و بی‌تقصیری ضیاءالسلطان و الش اردبیلی و حسن تبریزی معلوم بود بعد از آن که راپورت از محکمه بیرون بیاید با این که بی‌تقصیری آنها معلوم شد باید آنها را از آنجا خلاص کنند معهدنا تکلیف آنها معلوم نیست و ضمناً می‌خواهم قدری از بی‌ترتیبی عدلیه را عرض نمایم این اشخاص مقصرین و غیره که در آنجا هستند از بابت غذا و ترتیب زندگانی خیلی به آنها بد و ناگواری گذرد مخصوصاً آن حسن تبریزی در عدلیه ناخوش شده نسخه که طیب محکمه به جهت ایشان نوشته بودند همان‌طور مانده کسی نبوده است دوایی از برای آن بیچاره بگیرد خوبست در این خصوص یک سفارشی به وزیر عدلیه بشود که ترتیب داخلی عدلیه را منظم نمایند.

آقامیرزا محمود - مسأله بود که آقای حسین قلیخان نواب اظهار نکردند و آن این بود که ما سؤال کردیم که سابق معمول چه بوده آیا رئیس محکمه هر راپورتی می‌داد برطبق آن حکم صادر می‌شد یا نه.

آقای صدق‌الملک که رئیس محکمه بودند جواب دادند که سابق در عهد مخبرالسلطنه این‌طور بود رئیس هر محکمه راپورتی که می‌داد حکم داده می‌شد ولی حالا وزیر عدلیه قرار گذاشته‌اند که تا امضای وزیر نباشد حکمی صادر نمایند. و از بابت شام و ناهار و بی‌پرستاری از متهمین و مقصرین که در حبس می‌باشند آنچه را که آقای نواب گفتند ده چند است.

وکیل‌التجار - بنده لابد شدم که در یک فرمایش آقا حسین قلیخان که گفتند وزیر عدلیه قدغن نموده است که بدون اطلاع ایشان راپورت داده نشود اظهار نمایم که این موافق کدام قانون است که امورات عدلیه یک مملکتی را به دست یک وزیری بگذارند و حال آن که حق وزیر فقط امضا نمودن راپورت‌های صادره از محکمه‌ها است که مجری شود دیگر حق این را ندارد که دخالت در تمام امورات نموده و قدغن نماید که راپورت‌ها بدون اطلاع ایشان صادر نگردد.

بنده از خارج خیلی چیزها شنیده بودم نمی‌خواستم بدون مقدمه بگویم حالا عرض

می‌نمایم که وزیر عدلیه چه حق دارد چندین روز راپورت محکمه را توقیف نماید و محض لجاجت چند نفر بیچاره بی‌تقصیر در حبس بمانند.

آقاسید حسن تقی‌زاده - هر وقت که یک انقلاب و هیجانی می‌شود چند روز از کار می‌مانیم پس باید از اول جلوگیری بشود که بعدها این‌گونه اتفاقات واقع نشود و مردم هیجان نیابند به جهت این که ماها از جانب ملت در اینجا نشستیم از این طرف کسانی که نقض قانون اساسی کرده‌اند و قرار بود که در وزارت جنگ آنها را استنطاق کنند چون حاکم و رئیس‌نظمیه بودند به آن ملاحظه استنطاق آنها به تعویق افتاده و یک هیأت دیگری که برای نظارت استنطاق متهمین در عدلیه رفتند محض این که درست بی‌تقصیری آنها ثابت و محقق شود و آنها که نقض قانون اساسی کرده‌اند با این که قرار بود جلوتر از متهمین استنطاق و مجازات شوند معهذا به تأخیر انداختند و این هیأت محترم با جمعی از نمایندگان انجمن‌ها شب و روز در عدلیه مشغول نظارت در استنطاق بودند تا بی‌تقصیری آنها را از آنها عذر بخواهند بر آنها سخت گرفتند و رئیس محکمه راپورت بی‌تقصیری آنها را نمی‌دهد در نه روز قبل که عدم تقصیر آن سه نفر بر رئیس محکمه ثابت شد و حکم دادند وزیر عدلیه آنها اجری نداشتند و تغییر نموده در حالتی که وزیر عدلیه حقی ندارد مگر اجرای احکام محکمه چون این وزیر عدلیه تازه داخل کابینه شده لهذا لازم است که ایشان را خواستار و مکرر گفت که یک نفر وزیر نمی‌تواند به دستخط یا حکم شفاهی متمسک شده خود را از مسئولیت خارج بداند و باید تمام احکامی که از محکمه صادر می‌شود امضا نموده اجری بدارند جهت چیست که رئیس محکمه نمی‌تواند حکم بی‌تقصیری این اشخاص را بنویسد و کسانی که عدم تقصیرشان معلوم و ثابت شده عوض آنکه آنها را مرخص کنند و معذرت از آنها بخواهند آن‌طور از بابت مکان و غذا به ایشان سخت بگیرند مجلس باید روز شنبه وزیر عدلیه را احضار کند تا توضیح بدهد که به چه جهت حکم بی‌تقصیری آنها صادر نشده و چرا حکم محکمه را اجری و امضا نمی‌کند.

آقاشیخ محمدعلی - بعضی از عرایض بنده را جناب تقی‌زاده گفتند و بعضی از آن عرایض بنده هم این است که یک سال بیشتر از مدت انتخاب این و کلا نمانده و کلیتاً قصد دولتیان آن است که کاری نکنند که مجلس نتواند در این یک سال هم کاری نماید مثل مشهور است که دیوانه سنگی به چاه بیندازد که صد عاقل نتوانند

بیرون بیاورند بنده یک عقیده داشتم و حالا از آن عقیده پشیمان شده‌ام که چرا در اول ما مواظب اجرای فصل به فصل قانون اساسی نشدیم زیرا که اساس مشروطیت و ملیت همین است آن روز که ما تجویز کردیم که رئیس نظمی و حاکم شهر برخلاف قانون رفتار کرده باید استنطاق شود آنها فهمیدند که با پنجه آهنین و قوه ملیت در صدد اجرای این امر برنخواهیم آمد و هر روز یک اسبابی فراهم می‌آورند که این مسأله از میان برود و اگر از اول جداً اجرای مواد قانون اساسی را می‌خواستیم کار به اینجا نمی‌کشید آنها می‌خواهند اتصالاً احداث این‌گونه مفسدها را بنمایند که این یک سال را هم به همین ترتیب گذشته مجلس نتواند کاری بکند پس از یک سال هم مجلس سنا تشکیل نموده آن وقت اتصالاً انفصال مجلس را بخواهند.

رئیس - بعضی از آن اشخاص که گرفتار شده و استنطاقشان تمام شده است به مجلس متظلم شده بودند لهذا چیزی به عدلیه در این خصوص نوشته شده و هنوز جواب نیامده است و خوب است همان‌طور که آقای تقی‌زاده گفتند وزیر عدلیه برای روز شنبه خواسته شوند و توضیحات بدهد.

آقاسید حسین - این ملت چند روز است که از بابت اشخاص متهمین که استنطاق شده‌اند و بی‌تقصیری آنها ثابت در هیجان هستند شرحی به مجلس عرض کرده و جواب می‌خواهند خوب است همین امروز شرحی از طرف مجلس به وزیر عدلیه نوشته شده که در صورتی که بی‌تقصیری آنها ثابت شده فوراً آنها را مستخلص نمایند.

رئیس - گفته شد که شرحی به وزیر عدلیه در این باب نوشته شده و نیز برای روز شنبه احضار می‌شوند که توضیحات بدهند و این هم شرحی است که از مجمع انسانیت رسیده قرائت می‌شود (قرائت شد اشعار داشت به این که ترقی هر ملت و مملکتی منوط به این است که عدلیه منظم داشته باشد تا حقوق افراد مردم محفوظ بماند و بدیهی است که تمام زحمات و فدکاری این ملت درحقیقت برای به‌دست آوردن عدلیه منظم بوده و عدلیه هم تا قانون نداشته باشد منظم نخواهد شد لهذا از مجلس مقدس خواستکاریم که هرچه زودتر قوانین راجعه به عدلیه را تنقیح و تصویب و تمام فرمایند که موجب آسایش یک ملتی فراهم آید.

رئیس - البته خاطر آقایان و کلاً مسبوق است که قانون عدلیه نوشته شده و یک

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

جزو آن هم چاپ باطله شده به وکلا توزیع شده و از نظر کمیسیون هم گذشته و حاضر است انشاءالله پس از تمام شدن قانون انجمن تجارتي شروع به آن خواهد شد. آقای آقاسید عبدالله مجتهد - در یک ماه قبل عرض کردم که قانون عدلیه باید از نظر علما بگذرد و از نسخه‌های چاپ شده به علما بدهند که نظرات خودشان را بفرمایند و بعد یک کمیسیون علمیه تشکیل شود آقایان آن را ملاحظه و تنقیح نموده آن وقت از آن کمیسیون به مجلس بیاید و از مجلس بگذرد و غیر از این طور دیگر ممکن نیست.

مستشارالدوله - چون قوانین عدلیه دو قسم است: یکی راجع به قوانین اداره عدلیه است و این ابدأ مخالفت با شرع ندارد یکی هم احکام و مجازات است که باید مطابق با شرع باشد حال اگر اجازه داده شود یک کمیسیون معین شده اینها را از هم تفکیک نمایند مجازات و احکام را همان طور که حضرت حجة الاسلام فرمودند باید علما از نظر خودشان بگذرانند و نظرات خودشان را بفرمایند و آنچه راجع به ترتیب اداره ایست به مجلس آمده تصحیح و تصویب شود که هرچه زودتر قانون عدلیه تمام شود.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - چه ضرر دارد هر دو فقره را آقایان علما دیده و از نظر آنها بگذرد که در آن قسم دیگرش هم هیچ ایرادی پیدا نشود که اگر نفع نداشته باشد ضرری هم ندارد.

آقای سید محمدجعفر - در احتیاج به قانون عدلیه شبهه نیست ولی الزام از قانون اجرای قانون است همین مسأله که امروز گفتند بی تقصیری آنها ثابت شده با این قانونی که داریم باید اجری شود و بنده عقیده‌ام در باب قانون عدلیه همین طور است که فرمودند در همین مجلس هیأتی انتخاب شود و با حضور علما قرائت و تنقیح شده بعد به مجلس بیاید.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - تمام ترتیب عدلیه راجع به اجری حکم شرع می‌شود و عدلیه کاری ندارد مگر اجرای قوانین و احکام شرعیه چنانچه مرحوم ناصرالدین شاه یک وقت می‌فرمودند که عدلیه فراش‌باشی شرع است پس عدلیه کاری دیگر ندارد ولی چیزی که امروز قدری بر می‌خورد این است که می‌گویند مجلس می‌خواهد محکمه را محدود سازد نو این منافی است چرا که در شرع محدود نیست ولی بدیهی است که این حرف است زیرا که هنوز کسی نظامنامه را ندیده و قانونی

داده نشده که چنین چیزی از آن معلوم شود.

حاج سید عبدالحسین شهشهانی - بنده عرض می‌کنم که قوانین امروزه تمام برای این است که تمام قوانین شرعیه که تا به حال معطل بود و مجری نمی‌شد با یک قوه قانونی مجری شود و در بوته تعطیل و اهمال نماند و باید به تأیید علمای اعلام و مجلس مقدس احکام شرع مبین که از دیرباز اجری نمی‌شد اجری شود و همان‌طور که جناب مستشارالدوله فرمودند قانون عدلیه دو قسم است آن قسمت که راجع به شرعیات است البته باید از نظر علمای اعلام بگذرد ولی آن قسمتی که راجع به اداره‌ایست زودتر خوبست به مجلس آمده و از مجلس بگذرد.

حسنعلی خان - آقایان و کلا که از طرف ملت انتخاب شده‌اند و در اینجا نشست‌اند بنده همچو گمان می‌کنم که از طرف مملکت اسلامی انتخاب شده‌اند نه از خارج مکرر در اینجا صحبت شده که اینگونه قوانین در کمیسیون تنقیح شود بنده می‌خواستم عرض نکنم ولی حالا عرض می‌کنم که آیا تا به حال کدام قانون از مجلس بیرون آمده که یک ماده آن موافقت با شرع انور نداشته و مخصوصاً در اول قانون اساسی ما قید شده که تمام قوانین موضوعه باید مطابق شرع باشد به عقیده بنده ما یک حقوق پولتیکی و سیاسی داریم و یک حقوق شرعی و حقوق پولتیکی ابدأ راجع به شرع نیست مثلاً ما بگوییم این اتاق را چند قسمت کنیم و هر یک قسمت را به یک نفر بسپاریم و وسطش یک مبل و چند صندلی بگذاریم این ابدأ مربوط به شرع نیست و الا بدیهی است که قانون ما از هزار و سیصد سال قبل نوشته شده و حالا ما باید آنها را جلو گذارده و نوشته و یکی یکی مجری بداریم که همه بدانند ما مسلمانییم و همان‌طور که جناب مستشارالدوله گفتند قوانین عدلیه که یک سال است نوشته شده و معطل مانده آنچه راجع به تنظیم اداره‌ایست جهت ندارد معطل بماند و به مجلس آمده بگذرد مثلاً ترتیب نطق ترتیب احضار که هیچ‌کدام مربوط به امور شرعیه نیست و اما احکام و قوانین و مجازات باید یک کمیسیون علمی به‌طوری که برای قانون اساسی هم تشکیل شد از علما و حجج اسلام تشکیل شود با عده‌ای از وکلا تنقیح و تصحیح نموده بعد بیاورند و از مجلس بگذرد.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - بلی همان‌طور که جناب آقای مستشارالدوله گفتند قانون عدلیه بر دو قسم است و آن قسمتی که باید از نظر آقایان بگذرد و بعد به مجلس

بباید قسمت احکام است و باید کمیسیونی تشکیل شود با بعضی از علمای مجلس و تنقیح شده زودتر به مجلس بیاید.

آقاسید حسین - انجمن‌ها خودشان قرار داده‌اند که از هر انجمن ده نفر نماینده معین کنند که بروند در منزل آقایان متحصن شوند برای اینکه از روز شنبه حضرات حجج اسلام را به مجلس بیاورند که مشغول به ملاحظه کردن قانون عدلیه شوند حالا مجلس باید عده‌ای از وکلا را برای کمیسیون انتخاب نماید.

حاج سید محمدباقر - تجربه این قوانین صحیح نیست و باید تمام را چاپ کرده خدمت آقایان علما بدهند که ملاحظه فرموده به مجلس بیاید.

آقاشیخ محمدعلی - در آن روزی که مجمع انسانیت از انجمن‌ها نماینده دعوت کرده بود بنده هم بودم و نهایت دلتنگی را نمایندگان از وکلا اظهار می‌کردند و می‌گفتند چه کاری در این مدت کرده‌اند و ما نمی‌دانیم به چه زبان از آنها خواهش کار کنیم و کار مجلس وضع قوانین است بنده جواب دادم که وکلا به جهت همین انتخاب شده‌اند و کار مجلس یکی وضع قوانین است و یکی نظارت در بودجه مملکتی و اجرای قوانین و حالا دو قانون بزرگ به مجلس آمده است یکی قانون عدلیه و یکی قانون نظام که باید از نظر حجج اسلام بگذرد و مفسدین چنین القا کرده‌اند که قانون عدلیه که تاکنون از مجلس نگذشته مانع هیأت علما هستند و حال آنکه چنین نیست و همان‌طور که گفته شد قوانین دو قسم است یکی حقوق کشوری است یکی دیگر حقوق شرعی و من می‌توانم قسم یاد نمایم که آقایان حجج اسلام بیش از همه کس در این باب مجاهدت دارند خوب است همان‌طور که گفته شد آنچه راجع به قانون اداره عدلیه است تفکیک شده در مجلس تصویب و تنقیح شود و آنچه راجع به شرع است در کمیسیون علمیه زودتر گذشته و فصل به فصل به مجلس آمده بگذرد.

وکیل‌التجار - بنده عرض می‌کنم که قانون عدلیه را سابق گفتند در کمیسیون نظر علما رسیده و بعد از آن دیگر مذاکره در این باب نشد حالا که می‌خواهند به مجلس بیاورند می‌گویند که لازم است به نظر علما برسد و این منافات ندارد که هم به نظر علما برسد هم به مجلس بیاید آن کمیسیونی که باید بشود از پس فردا معین کنید که تشکیل شود و در آنجا فصل به فصل ماده به ماده بخوانند و به مجلس داده از مجلس بگذرد که دیگر بیشتر از این موجب تعویق و تعطیل نشود.

آقا شیخ حسین - آنچه بنده می‌خواهم عرض کنم باید خیلی مختصر عرض کنم و اولاً استدعا می‌نمایم از جناب رئیس آن عرض بلده‌ای که چند روز قبل کردم که هر کس در یک مسأله بیش از یک نطق حق ندارد مجری شود اما عقیده خودم این است که تمام این ترتیبات و انتخاب و کلا و فشار ملت به جهت این بود که فقرا خواستند حقوق خود را حفظ نمایند یعنی غنی و فقیر در حقوق مساوی باشند همان‌طور که آقای حجة الاسلام فرمودند که عدلیه فراشباشی شرع است بنده عرض می‌کنم این فراشباشی در ولایات به چه ترتیب باید اجری حکم نماید در صورتی که بنده می‌بینم یک حکم از این آقا و یک حکم از فلان آقا می‌آورند آن وقت این بیچاره کدام یک از آنها را مجری بدارد و این چند روزه که بنده در عدلیه بودم دیدم که حقوق فقرا محفوظ نیست لکن حقوق اغیا محفوظ است پس همان‌طور که گفته شد فوراً کمیسیونی از وکلا با حضور حجج اسلام تشکیل یافته و قوانین عدلیه را ملاحظه نموده تبادل افکار شده زودتر تنقیح و تصویب شده به مجلس بیاید و از مجلس زودتر بگذرد که مردم آسوده شوند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - در لزوم قانون عدلیه که شکی نیست و بنده عرضی نمی‌کنم و معلوم است چیزی که نوشته می‌شود همان‌طور می‌فرمایند به نظر حجج اسلام برسد چه ضرر دارد ولی می‌گوییم چیزی که نوشته می‌شود برای این مملکت باید یک حکم قطعی باشد که از نظر حجج اسلام گذشته و برای اهالی این مملکت موجب سعادت باشد.

آقای آقاسید عبدالله مجتهد - در باب قانون عدلیه به طوری که گفته شد باید معمول شود لیکن در باب جناب حجة الاسلام آقای حاج میرزا حسن آقا اهالی آذربایجان استدعا کرده و استغاثه نموده‌اند که تشریف ببرند چون در واقع پیشوا و آقای آن مملکت هستند و خوب نیست بیش از این بی‌پیشوا بمانند حالا به مجلس تشریف آورده‌اند و البته مجلس مقدس هم تصویب و تأکید می‌نماید که تشریف ببرند.

رئیس - البته در این که جناب آقای حاج میرزا حسن آقا و پیشوای مسلمین هستند حرفی نیست و البته در صورتی که میل به تشریف بر دین داشته باشند مختارند و هر چه زودتر تشریف ببرند بهتر است.

آقاسید حسن تقی‌زاده - انشاءالله مطلب سابق تمام شد و دیگر حرفی نیست.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

اما یک ساعت در خصوص قانون عدلیه گفت‌وگو شد بنده نفهمیدم که نتیجه آن چه شد و تمام نطق‌ها مکررات بود بعضی می‌گفتند که قانون باید تفکیک شود و بعضی می‌گفتند نشود و نمی‌دانم این مذاکرات از روی چه قانون بود اگر چه اکثر از نطق‌ها مهیج و مجمعی بوده اما بالاخره معلوم نشد که این مملکت قانون عدلیه لازم دارد یا نه و مثل این بود که ما می‌گفتیم بانک ملی لازم است در هر صورت از هر مطلبی باید نتیجه گرفت و به عقیده بنده قانون عدلیه با اتمام باید بیاید و از مجلس بگذرد و هر مذاکره که می‌شود در همین جا بشود و اگر خدای نخواستہ چیزی بیرون آمد که موافق شرع نشد به موجب آن ماده از قانون اساسی همان ماده از قانونیت خارج خواهد بود.

حاج شیخ حسن علی - مذاکره در خصوص قانون عدلیه می‌شود چون کارهای مجلس گاهی از مجری خود خارج می‌شود این است کارها به تعویق می‌افتد.

لہذا بنده عرض می‌کنم قانون عدلیه را یک چاپ باطله بکنند و بدهند خدمت علما و وکلا که مشغول تنقیح و تصحیح آن باشند و اگر لازم است چند نسخه از آن را هم خدمت حضرات حجج اسلام عتبات بفرستند که زودتر این قانون تمام شود.

وکیل‌الرعايا - آیا می‌توان یک هیأتی از عدول مجتهدین جامع‌الشرایط را در یک جا جمع کرده و اسمش را عدلیه گذاشت یا نه بدیهی است قانون اسلام تا ابد باقی و لا یتغیر است فقط چیزی که هست این است که هر کس می‌گوید من باید آن قانون را مجری بدارم.

لہذا عرض می‌کنم در این خصوص که معلوم شود آیا ممکن است یک هیأتی از عدول مجتهدین جامع‌الشرایط را در یکجا جمع کنند این حق به آنها تفویض شود که دیگران مداخله نکنند چنین چیزی ممکن است یا نه و اگر این‌طور نباشد هیچ وقت نتیجه صحیح به دست نخواهد آمد.

آقامیرزا سید حسن - قانون عدلیه در این مجلس خیلی طول کشیده و بنا بود بعد از قانون اساسی قانون عدلیه قرائت شده تنقیح و تصویب شود زیرا که اصول آن در قانون اساسی نوشته شده است و چیزی که باقی است فروغ آن است حالا به واسطه موانع به تأخیر افتاد خوب است همان‌طور که گفته شد کمیسیون علمی از حجج اسلام و آقایان وکلا تشکیل شده آن را تنقیح نموده و به مجلس داده و زودتر از مجلس بگذرد.

آقای حاج امام جمعه - اگرچه اصل مذاکره را من نمی‌دانم که چیست ولی بعضی اوقات لازم است که انسان بدیهیات را در این مجلس تکرار نماید در این که مملکت عدالت لازم دارد و با عدل مملکت آباد می‌شود شبهه نیست و متفق علیه تمام عقلا و حکمای روی زمین است و اگر کسی برخلاف این عقیده داشته باشد نفهمیده است عرض کردم که موضوع بحث را درست نمی‌دانم نمی‌فهمم اما گمانم این است کسی منکر نباشد که عدلیه قانون می‌خواهد و همچنین گویا کسی حرفی نداشته باشد که قوانین عدلیه باید مطابق با شرع اقدس باشد پس بحث در چیست.

بلی چیزی که هست این است که سابق در این مملکت هرکس خود را لایق هر کار می‌دانست و باید رفع این را کرد و تمام می‌دانید که از ملل روی زمین آن‌ها که به نبوت و پیغمبری حضرت رسول صلی‌الله و آله ابداً قائل نیستند عقل و عدالت او را انکار نداشته بلکه تمام اهل کره ارض به عقل و عدل او متفق می‌باشند و البته این شخص بزرگوار با همه محبت و رأفت که در حق امت و پیروان خود داشته زمام امور امت خود را به دست هرکس و کف هر بی‌ملاحظه نداده است چیزی که هست قانون و قرارداد آن حضرت امروزه تا یک درجه از مجری خود خارج است.

پس باید کاری بکنیم که قوانین اسلام به مجری طبیعی خود گذارده شود و راه آن هم یکی است اگرچه قانون عدلیه به تأخیر افتاده ولی همه می‌دانند که هر روز مانعی پیش آمده و مجلس را از وظیفه خود باز داشته است و راه چاره اینست که کمیسیون مرکب از حجج اسلام و علمای مجلس مقدس وعده دیگر از وکلای محترم که به قانون عدلیه خارجه مسیوق هستند تشکیل شود و هر روزی که مجلس تشکیل می‌شود این کمیسیون هم از صبح حاضر شده قوانین عدلیه را فصل به فصل تنقیح و تصحیح نموده عصر به مجلس بدهند و در مجلس مطرح شده به زودی تصویب شده و بگذرد و اگر به این ترتیب عمل شود عنقریب به‌طور خوب قانون عدلیه تمام شده و امور مردم اصلاح خواهد شد.

آقاملا حسن - اگر فردا این روزنامه را بخوانند مردم چه خواهند گفت مذاکره در این خصوص دیگر بس است همان‌طور که آقای حاج امام جمعه فرمودند مطلب را تمام کرده و نتیجه بگیرند.

در ادامه مذاکرات روز پنجشنبه بیست و نهم شهر ربیع‌الاول ، نمایندگان بیش از

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

پیش به نهادسازی روی می آورند:

رئیس - حالا باید این کمیسیون تشکیل شده و اعضای آن انتخاب شوند یا نه.
(انتخاب اعضای کمیسیون را تصویب نمودند و قرار شد خود جناب رئیس اعضای آن را انتخاب نموده اطلاع بدهند و در این موقع رقعہ که حضرت حجۃ الاسلام آقای آقا سید عبدالله مجتهد به مجلس مقدس نوشته بودند قرائت شد و مشعر بود بر این که دستخطی از طرف حضرت آیۃ الله حجۃ الاسلام آقای آقا ملامحمد کاظم خراسانی دام ظلہ برای من رسیده است که آن عده از علما که برای نظارت در قوانین مجلس در قانون اساسی قید شده و باید انتخاب شود آیا اختصاص به تهران دارد یا از هر کجا می توانند این علما را انتخاب نمایند اگرچه عقیدہ بنده این است که از هر کجا می توانند انتخاب نمایند.

ولی چون در جواب این مسأله باید رسماً از مجلس مقدس داده شود لهذا اظهار می دارد که همین امروز این مطلب را مطرح نموده پس از مذاکرہ آن نتیجہ که حاصل می شود در روی کاغذ رسمی مجلس مقدس نوشته شود که حضور مبارک حضرت معظم الیہ ایفاد گردد.

آقای حاج امام جمعه - بنده خیلی تعجب می کنم چون وقت مجلس را خیلی مغتنم و با قیمت می دانم لهذا عرض می کنم این که این ماده از قانون اساسی در باب انتخاب بیست تن از علمای اعلام آن روزی که نوشته شد اختصاص به تهران نداشت و از همه جا می شود انتخاب کرد و اختیار با حضرات حجج اسلام است که از هر جا انتخاب نمایند پس خوب است دیگر این مسأله را مطرح قرار نداده و دو ساعت مذاکرہ نشود که وقت مجلس تعطیل گردد و به همین قسم جواب داده شود.

آقا سید مهدی - در خصوص بیست نفر علما که باید حضرات حجج اسلام عتبات عالیات آنها را معین فرموده و پج تن از میان آنها به قرعہ انتخاب شوند اگر اختصاص به تهران نداشته و از هر جا انتخاب شوند آن وقت ترتیب قرعہ به چه قسم خواهد بود و به این طور تولید اشکال خواهد کرد.

اسدالله میرزا - بنده در باب انتخاب و تعیین بیست نفر از علما از هر نقطه که باشد حرفی ندارم ولی می خواهم این یک نکته را متذکر شوم که این بیست نفر باید از علمایی باشند که عالم به مقتضیات زمان هستند که رعایت این مسأله خیلی اهمیت دارد.

آقا شیخ حسین - در باب تعیین بیست نفر از علما چندین مرتبه در مجلس مذاکره شد و مخصوصاً چندین مرتبه بنده اظهار داشتیم پس باید هر چه زودتر جواب حضرت آیة الله برود اما در باب قرعه که ایراد وارد کردند که اگر مخصوص به تهران نبوده و از هر نقطه انتخاب شوند تولید اشکال خواهد کرد بنده عرض می‌کنم هیچ اشکالی ندارد چه از تهران و چه از خارج انتخاب شوند اسامی آنها نوشته شده در مجلس قرعه می‌کشند.

اسامی آن پنج نفر که معین شده آن وقت اطلاع داده می‌شود که تشریف بیاورید به مجلس.

اما این که شاهزاده اسدالله میرزا گفتند که این هیأت از علما که انتخاب می‌شوند باید عالم به مقتضیات عصر باشند بنده عرض می‌کنم آقایان حجج اسلام که این علما را انتخاب می‌نمایند از همه بهتر به مقتضیات زمان عالم بوده و از همه ماها بهتر می‌دانند که چه اشخاصی را انتخاب کنند.

رئیس - اسامی اعضای کمیسیون که برای قانون عدلیه لازم است معین نموده اطلاع می‌دهم و جواب مرقومه حضرت حجة الاسلام هم به طوری که گفته شد نوشته شده در مجلس قرائت شده پس از تصویب ارسال می‌شود.

مسائل و مباحث مربوط به نهادسازی در جامعه در جلسه روز سه شنبه دوم شهر جمادی الاول ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی نیز مورد توجه قرار گرفته است:

بدو مجلس خاص بود یک ساعت و چهل دقیقه قبل از غروب مجلس علنی شد.

- نایب رئیس دوم به جای رئیس -

(خلاصه مذاکرات جلسه قبل قرائت شد).

(اسامی غائبین جلسه قبل)

حاجی امجدالسلطان، مجدالملک، حاجی محمد اسمعیل آقا، حاجی معین‌التجار، آقای مرتضوی، مخبرالملک، حسام‌الاسلام، ارباب جمشید.

شروع به قرائت بقیه بودجه اجزای نظمیه شد.

پس از تصویب بقیه مواد بودجه اداره نظمیه دفعه سیم قرائت و در باب محل آن مذاکرات زیاد شد بالاخره قرار شد در باب محل بعد به تصویب وزیر مالیه مذاکره شود و اخذ رأی برای کلیه بودجه شد به هشتاد و هشت رأی تصویب گردید.

نایب رئیس - کاغذی را از جناب وزیر مالیه رسیده قرائت می‌شود قرائت شد اشعار

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

داشت بر اینکه تلگرافاتی که از ولایت یزد رسیده البته به نظر وکلای محترم رسیده و می‌رسد و همه روزه از سفارت انگلیس اظهار می‌شود که اهالی یزد اسباب زحمت تلگرافخانه را فراهم آورده‌اند لهذا آنچه به نظر بنده می‌رسد این است که از طرف مجلس مقدس و وزارت مالیه به ولایت یزد تلگرافی مخابره بشود که اهالی یزد فعلاً مالیات را ندهند تا اینکه ممیزی از طرف دولت بیاید و ممیزی علمی بکند آن وقت مالیات خود را بدهند.

آقا سید محمد جعفر - این مسأله صحیح است و باید در همه جا این ممیزی علمی به‌طور تکمیل بشود که در تمام ولایات این مسأله رعایت گردد و باید خیلی هم زود صورت بگیرد که تمام ولایات آسوده شوند.

وکیل‌التجار - مدتی بود که در باب یزد مذاکره بود و اینک تلگرافاتی که به بنده از این جا مخابره نموده‌اند حاضر است و یکی هم امروز رسیده است بنده این رأی را تصویب می‌نمایم به‌علاوه یک نکته دیگر و آن این است که تفاوت عمل موقوف‌الحواله بماند که پس از ممیزی تفاوت آن را بدهند.

بحرالعلوم رشتی - این ممیزی علمی موجب امیدواری ما بود از پارسال تا حال و امیدواریم که از اقدامات جناب وزیر مالیه این کار در تمام ولایات شروع شود.

حاجی میرزا ابراهیم آقا - این عنوان جناب وزیر مالیه خیلی صحیح است و باید این ممیزی علمی در همه جا بشود ولی اگر در این موقع به عنوان شورش به اهالی یزد اذن بدهند که شما مالیات امسال را ندهید تا در آنجا ممیزی بشود این مسأله اسباب تعویق وصول مالیات شده بلکه سرایت به جاهای دیگر هم خواهد کرد عقیده بنده این است که یک نفر آدم امینی از طرف مجلس مقدس و یکنفر هم از طرف وزارت مالیه بروند یزد و از روی اعتدال مالیات آنجا گرفته شود و بعد ممیزی علمی هم بشود.

آقامیرزا محمود - بنده اعتقاد ندارم همچو تلگرافی به یزد مخابره شود همان‌طور که گفته شد باعث تولید زحمت خواهد شد.

لسان‌الحکما - به عقیده بنده خوب است به اهالی یزد به‌طور عموم جواب داده شده تلگراف شود که آنها هم مثل سایر ولایات مالیات خود را بپردازند.

آقا شیخ محمدعلی - اگر بنا باشد که ما امروزه این حکم را اختصاص به یزد بدهیم و حال آنکه این قاعده کلیه است آن وقت همان‌طور که گفته شد این مسأله به تمام

ولایات سرایت خواهد کرد و جداً اسباب نکث مالیات خواهد شد و فعلاً در باب یزد جناب وزیر مالیه باید هر قسم که صلاح می‌دانند اقدام به وصول مالیات نمایند زیرا که مسئول مالیات وزیر مالیه است اگر بنا باشد مسأله ممیزی اختصاص به یک شهر داده شود آن وقت همه روزه مجلس باید در باب هر شهری داخل در مذاکره شده و اسباب زحمت فوق‌العاده خواهد شد.

احسن‌الدوله - بنده می‌گویم که این اقدام جناب وزیر مالیه صحیح است به جهت اینکه هیچ‌وقت رعیت از بابت دادن مالیات امتناع ندارند و عمده محرک ملاکین و متمولین یزد هستند و هرگاه اقدام صحیح بنمایند در این خصوص خوب است و بهتر از این هم نمی‌شود.

حاجی سید عبدالحسین شهبهانی - اگر این تلگراف خوانده بشود معلوم می‌شود آنها از دادن مالیات استتکاف ندارند در اصل مالیات کسی حرفی ندارد بلکه در فرع هم بعضی حرف ندارند فقط باید یک نفر آدم صحیح برود و به آنها حالی بکند که اگر در این باب ممیزی بشود شاید بیش از آنچه را که فعلاً می‌دهند برعهده آنها تعلق بگیرد و اگر تا به حال به آنها همراهی می‌شد و به حرف آنها گوش می‌دادند حالا کارشان به اینجا نمی‌رسید و هرگاه مفتش به آنجا بفرستند گمان بنده اینست که آنها ساکت بشوند.

وکیل‌الرعیایا - بنده تصور می‌کنم که همچو شخصی در ایران نیست که از دادن مالیات استتکاف داشته باشد خصوص آنهايي که به دادن مالیات عادت کرده‌اند فقط یزدی‌ها از ظلم و زیادتی تظلم دارند و علاج آنها هم همان است که جناب وزیر مالیه خودشان معین کرده‌اند که باعث اطمینان و موجب سعادت ماست ولی به شرط اینکه وزیر مالیه فوراً یک دسته ممیز روانه دارند و ایضاً سایر ولایات هم به طوری که گفته شد شکایت نخواهند کرد و می‌دانند که این مسأله در همه جا به تدریج رعایت و شروع خواهد شد و وقت لازم دارد.

اسدالله میرزا - بنده اولاً اعتراض دارم به یزدی‌ها که اگر وطن‌پرست هستند چرا همه روزه اسباب زحمت سفارت فخمیه انگلیس می‌شوند که همه روزه سفارت سنیه از دست آنها شاکي باشند که اهالی یزد باعث زحمت اجزای تلگرافخانه شده و آنها را از کار بازداشته‌اند و این حرکت اسباب بی‌شرفی آنها شده و زحمت اجزای تلگرافخانه انگلیس را فراهم می‌آورند در صورتی که آنها مثل حجج اسلام در مرکز

دارند که فرمایشات آنها در همه جا نفوذ دارد چرا به توسط ایشان تظلم نمی‌کنند و عرضشان را به مجلس مقدس اظهار نمی‌دارند.

اما اینکه گفته شد وزیرمالیه تصویب کرده است که به اهالی یزد تلگراف شود که مالیات را ندهند تا ممیزی شود این مطلب مخالف است با آنچه در بیست روز قبل در اینجا پس از مذاکرات زیاد رأی داده شد. که امساله هم تمام ولایات اصل و فرع مالیات را صحیحاً بدهند حال چه‌طور می‌شود فقط به تظلم اهالی یزد رأی مجلس را نقض کرد البته ممیزی علمی باید در همه ولایات بشود ولی نباید فعلاً اختصاص به یکی داد پس به عقیده بنده باید به اهالی یزد جواب داده شود که برحسب رأی مجلس مقدس مالیات را از اصل و فرع صحیح آن بدهند و محض آسایش آنها هم به نحوی که جناب حاجی میرزا ابراهیم آقا گفتند دو نفر مأمور امین برود که به آنها تعدی و اجحاف نشود.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - بنده خوبست که اصل تاریخ این مطلب را عرض کنم تا اینکه درست واضح و روشن شود اولاً این لایحه که وزیر مالیه فعلاً نوشته‌اند از بابت مالیات امسال نیست مال پارسال است و ثانیاً مالیات آن‌طور که پارسال رأی داده شد صورت اصل و فرع را از مستوفیان محل خواسته بودند از همه جا صورتی برای وزیر مالیه آمده بود و یک صورتی هم از یزد از مشیرالممالک آمده بود وزیر مالیه بعد از دیدن آن صورت او رانوشته و پای آن را هم مهر نموده به کمیسیون مالیه فرستادند کمیسیون مالیه هم بعد از ملاحظه و سؤال و جواب زیاد فرستادند که از روی همان مالیات گرفته شود وقتی که آن صورت به یزد فرستاده شد یزدی‌ها گفتند که چون مشیرالممالک با ما عداوت داشته جمع مالیات را زیاد کرده است و این فرع از بیش هم بود و در اینکه یک مقداری هم به یزدی‌ها اجحاف می‌شد شبهه ندارد ولی این اجحاف از سال‌های قبل بوده بعد از آن اظهار کمیسیون مالیه گفت اگر زیاد هم هست امساله را همین‌طور گرفته شود و بعد از آن وزیر مالیه تلگراف کردند که پنجاه هزار تومان از تفاوت عمل را بالسویه بدهند و مابقی توقیف باشد و با این مساعدتی که از وزیر مالیه به اهالی یزد شده جای همه قسم امتنان بوده ولی اصل انقلاب و هیجان از همان شخصی است که راپورت می‌دهد چنین و چنان شده همان شخص تحریک می‌کند و نمی‌گذارد که آنها آسوده باشند چون ولایت یزد آسوده بوده و مردمانشان هم فقیر اینست که می‌خواهند آنجا هم مثل

سایر جاها مغشوش باشد و هر روزه تحریک می‌کنند و آنها را وامی‌دارند به این‌گونه حرکات حالا اگر باید تعدیلی بشود همان‌طور که جناب وزیر مالیه گفتند باید تعدیل دوساله بشود و از روی آن فروع دو ساله را دریافت کنند و یا اینکه مأمور امین درستی بفرستند تا اینکه رفع تظلمات آنها را نموده و مالیات را دریافت کنند.

ساعداالوزاره - اولاً بنده عقیده‌ام این است که به مقتضای حالیه مملکت هرچا اتفاق رخ داد فوراً باید آنجا را اصلاح کرد و این عقیده عمومی است ولی این مسأله چون عمل مالیه است باید خیلی دقت شود که هرگاه فی‌الجمله مسامحه شود تمام مالیات سوخت خواهد کرد و این تفاوتی را که آنها می‌گویند زیادست با اینکه مبالغی به آنها تخفیف داده شده معهدا می‌گویند که بر ما ظلم واقع شده و این مسأله صحیح است که باید ممیزی علمی در تمام مملکت بشود ولی در این مورد نباید به اهالی یزد این طور جواب داده شود زیرا که این جواب اسباب هیجان دیگران خواهد شد.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - بنده می‌خواهم متمم عرض خود را بنمایم سابق مستبدین به فقرا خیلی فشار می‌آوردند و مردم یزد هم خیلی فقیر هستند و خیلی به آنها صدمه وارد می‌آوردند ولی حالا محرک دارند و آنها ملاکین و رؤسا هستند زیرا که سابق اهالی یزد شاکمی بودند که همه باید به‌طور تساوی فرع بدهند حالا که روسا و ملاکین دیدند علاوه بر این که سابق فرع نمی‌دادند مبلغی هم تخفیف می‌گرفتند حالا باید بدهند این است که اهالی را محرک شده‌اند اهالی یزد دو شکایت داشتند یکی از دست مشیرالممالک شکوه داشتند یکی از بابت تفاوت این هر دو هم بحمدالله از توجه جناب وزیر مالیه اصلاح شده یعنی مشیرالممالک را از کار خارج کردند و در باب تفاوت هم قرار گذاشتند که به تساوی داده شود معهدا حالا این شکوه را می‌نمایند معلوم است که با این ترتیب محرک دارند.

در جلسه روز سه‌شنبه ۹ شهر جمادی‌الاولی مجلس شورای ملی، باز سخن از نهادسازی در جامعه و تدوین قوانین نوین موضوعه برای رفاه حال شهروندان است: یک ساعت و ربع قبل از غروب مجلس منعقد شد خلاصه مذاکرات روز شنبه و یکشنبه قرائت گردید (نایب رئیس اول به جای رئیس)

نایب رئیس - این شرحی است که حاجی میرزا آقا وکیل آذربایجان به مجلس مقدس نوشته‌اند قرائت می‌شود.

(قرائت شد اشعار داشت به اینکه امورات شخصی اینجانب در تبریز مختل و به واسطه عدم مواظبت مباشرین اختلال کلی روی داده است چون لازم است به جهت سرکشی از امورات خود مدتی به تبریز رفته شخصاً سرکشی نماید لهذا از مجلس مقدس مستدعی است که سه ماهه اجازه بدهند تا بنده رفته امورات خود را منظم کرده انشاءالله برای اول میزان در اینجا حاضر باشم.

نایب رئیس - اجازه دارند به همین ترتیب که اظهار داشته‌اند بروند یا نه. آقای میرزا ابوالحسن خان - جناب حاجی میرزا آقاوکیل با غیرت این مجلس هستند و خیلی خدمت به این ملت کرده‌اند در صورتی که خودشان صلاح بدانند البته مجلس هم با کمال بشاشت اجازه خواهند داد (گفته شد رأی گرفته شود). آقای میرزا محمود - این مسأله ربطی برای گرفتن ندارد چون به سایرین هم سابقاً اجازه داده شده است البته به ایشان هم اجازه می‌دهند.

سیدالحکما - موضوع مذاکره که از برای امروز معین شده خوبست همان موضوع مطرح مذاکره شود.

نایب رئیس - این مسأله فوق‌العاده است باید مطرح شده جواب گرفته شود. وکیل‌الرعايا - چون از مجلس اجازه حاصل می‌نمایند باید رأی مجلس معلوم بشود. حاجی میرزا آقا - امورات شخصی بنده به کلی مختل می‌باشد و اگر بخواهم اهمال بورزم رشته امور معاشیه بنده به کلی از هم گسیخته می‌شود لذا در چندی قبل به عرض این عریضه مصادعت ورزید ولی به جهت این اتفاقی که رخ داد مخصوصاً استدعا کرد که قرائت نشود و حالا هم تا این انقلابات است نخواهم رفت البته پس از رفع انقلابات مجلس اجازه خواهد داد.

نایب رئیس - این مسأله رفتن را جناب حاج میرزا آقا در کمیسیون مالیه که بنده هم بودم کراً اظهار می‌کردند از آن وقتی که در مجلس مقدس آمده‌اند هیچ وقت از ایشان غفلت و مسامحه در خدمت دیده نشده است حالا هم گویا در باب اجازه دادن به ایشان کسی مخالف نباشد که اجازه داده شده بروند و بعد از تصفیه امورات شخصی زودتر مراجعت نمایند (همه تصویب کردند).

نایب رئیس - این لایحه‌ایست که از وزارت مالیه در باب تفاوت عمل ولایت یزد رسیده قرائت می‌شود (قرائت شد اشعار داشت به اینکه در باب تفاوت عمل یزد سابقاً تلگراف شد که آنچه تفاوت عمل از پنجاه هزار تومان علاوه است به‌طور

تومان شماری موقوف‌المطالبه باشد اهالی یزد جواب سخت دادند و صورت آن تلگراف هم در جوف است ملاحظه خواهید فرمود و از سفارت انگلیس هم اطلاع داده شده است که اهالی یزد به قونسولخانه آمده‌اند و اسباب زحمت قونسول خانه را فراهم آورده‌اند و تلگرافی از طرف وزارت مالیه شده که سواد آن هم جوفاً فرستاده شد چون این مسأله اهمیت دارد خوبست امروز در مجلس علنی مطرح شود و بنده چنین تصویب می‌نمایم که تلگراف شود که اصل مالیات را بدهند و تفاوت عمل بماند تا اینکه مأمورین ممیزی از طرف وزارت مالیه بیاید و مأمورین هم خیلی زود حرکت خواهند کرد یقین است مجلس مقدس هم این رأی بنده را تصویب فرموده و مساعدت خواهند فرمود که فردا برحسب وعده در تلگرافخانه حاضر شده جواب بدهد).

(و بعد سواد تلگراف یزد قرائت شد اشعار داشت به اینکه علما و اشراف و تجار و اصناف همه در شهر اجماع نموده و تعطیل عمومی در خصوص دادن فرع مالیات نموده‌اند.

راه عبور و مرور در کوچه‌ها غیر ممکن و بلوای عمومی شده استدعا که چاره از برای این کار بفرمایید).

(سواد تلگراف وزیر مالیه هم قرائت شد مشعر بود بر اینکه جناب انتظام‌الملک فرع مالیات موقوف‌المطالبه باشد و تحقیقات محلی را هم کارسازی ننمایند تا اینکه مأمورین از طرف وزارت مالیه از برای تحقیقات و رسیدگی بیایند و مشیرالممالک هم در عمل مالیه هذلسنه به هیچ‌وجه مداخله ننماید.

وکیل‌التجار - از آن روز که این مسأله مطرح مذاکره شده چندین تلگراف برای من آمده و امروز هم یک تلگراف از مدیر روزنامه سفنه‌التجات آمده که عموماً تعطیل و اهالی به قونسول خانه انگلیس رفته‌اند و بنده اول کسی بودم که ممیزی را به جهت ولایت یزد تصویب کردم و گمان نرود که از این مسأله هم طوری عاید مالیه می‌شود بلکه از آن چیزی که منظور است زیادت‌تر عاید خواهد شد و این رأی خیلی خوبست.

نایب رئیس - پس خوبست همین‌طور که خود وزیر مالیه تصویب کرده‌اند معمول بدارند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - بنده نمی‌گویم این مسأله صحیح است یا نه البته وزیر

مالیه این طور تصویب کرده و مجلس هم تصویب بکند خیلی خوبست اما نمی توانم این حرکت را بر خود هموار نمایم که یک ملت مشروطه به قونسولخانه یا تلگرافخانه انگلیس پناهنده شود هرگاه عرایض حق دارند چرا مستقیماً به دولت یا به مجلس اظهار نمی دارند.

مستشارالدوله - به همین مضمون تلگرافی از طرف مجلس به اهالی یزد مخابره شده است که مبتنی بر پند و نصایح بود معلوم شده است نصایح مجلس را تعبیر سوء کرده اند.

که از جاهای دیگر این نصایح مجلس را به بعضی عبارات که تعبیر به سوء بود تعبیر کردند و این مطلب خیلی جای تأسف است.

آقامیرزا محمود - بنده همین قدر عرض می کنم این تلگرافی که به یزد مخابره می شود باید در او خیلی ملاحظه و دقت کرده که بهانه به دست اهالی سایر ولایات ندهد.

وکیلالتجار - بنده عرض می کنم کسی که از اهل ایران و از اهل این خاک است باید به طوری حرکت کند که اسباب زحمت خارجه نشود ولی اهل یزد مدت یک سال و نیم است که آنچه تظلم کرده اند و عرایض خود را نموده اند کسی درست به عرض آنها گوش نداد و به واسطه کم تمدنی آنها این شد که باعث زحمت و درد سر اجزاء تلگرافخانه خارجه شده اند و این حرکتشان از روی اجبار بود والا اگر کسی به عرایض آنها رسیدگی می کرد این حرکت را نمی نمودند.

نایب رئیس - این مسأله دیگر ختم شد و این هم یک شرح دیگری است که از وزارت مالیه رسیده باید قرائت شود.

آقاملاحسن وارث - مسأله یزد معلوم نیست که تمام شده باشد نتیجه چه شد آخر.

نایب رئیس - چرا نتیجه گرفته شد به این طور که وزیر مالیه چنین تصویب کردند مجلس هم همین طور تصویب می نماید یا نه و همه هم تصویب کرده اند حال اگر کسی اعتراضی دارد اظهار کند.

وکیل الرعایا - همچو مطلب مهمی که ممیزی باشد مشروط بر این است که مأمورین زودتر بروند آن وقت گمانم این است که همه جا فوراً مالیات خود را بدهند قبل از آنکه ممیزی بشود و علاوه مردم از دادن مالیات نکاهل ندارند فقط آنها از ظلم معدودی متظلم هستند وقتی که ممیزی باشد رفع همه اینها می شود و ابداً نباید

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

بعضی خیالات کرد.

آقا شیخ محمدعلی - به عقیده بنده مجلس نباید در این مسأله مذاکره نماید زیرا که وزیر مسئول وزیر مالیه است و هر طور که او صلاح می‌داند باید این مطلب را فیصل بدهد و ما نباید از برای او صلاح‌اندیشی نماییم اگر او مسئول مالیه است هر طور که صلاح دانسته است باید به همان نحوه مالیات را وصول نماید.

نایب رئیس - آنکه شما می‌فرمایید ربطی به این مسأله ندارد در موارد مهمه وزرا حق دارند که با مجلس شور نمایند خصوص چیزی که متعلق به مالیه باشد و در این مورد هم وزیر مالیه با مجلس شور نموده و رأی خود را هم اظهار داشته است و این ترتیب صحیحی است و خلاف قانون هم نیست پس این مسأله به همان نحوی که گفته شد تمام است. (همه تصویب کردند).

نایب رئیس - این هم شرح دیگری است که از طرف وزیر مالیه رسیده قرائت می‌شود.

(قرائت شد مشعر بود بر این که میرزا باقرخان دکتر مرحوم شده و چون ششصد تومان موجب داشته است برحسب قانون متوفیات باید علاوه آن به تصویب مجلس مقدس باشد لهذا با عریضه که پسر او به مجلس مقدس عرض کرده به مجلس ارسال شد که گفت و گو شده تا رأی مجلس مقدس معلوم شود).

(عریضه منوچهرخان پسر مرحوم میرزا باقر خان هم قرائت شد اشعار داشت بر این که شش روز است ابوی مرحوم شده و ششصد تومان موجب داشت و چون آن مرحوم عمر خود را در راه خدمت به ملت و مملکت صرف کرد و نقداً چهار نفر پسر که سه نفر آنها صغیر هستند و شش نفر دختر که چهار نفر از آنها صغیره هستند از آن مرحوم باقی مانده خود هم مختصر موابی دارم و باید مخارج جمعی بازماندگان آن مرحوم را متحمل شوم این است که راهی به نظرم نرسیده است مگر این که عریضه به محضر مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه عرض کنم با این ترتیب پریشانی مخارج زیاد آنچه و کلای محترم صلاح بدانند کمال مرحمت خواهد بود.

آقامیرزا محمود - چند روز قبل هم در خصوص مسأله موابی مرحوم عباسقلی خان تلگرافچی اینجا مذاکره شد و قرار شد که وزیر مالیه حقوق ورثه را در این موارد معین نماید با رأی خود به مجلس بفرستند تا رأی مجلس مقدس معلوم شود زیرا که اغلب از این قسم لوایح از طرف وزارت مالیه به مجلس می‌رسند و وقت مجلس اهم

از این است که در جزئیات این مطالب رسیدگی نماید.

مؤتمن الممالک - این میرزا باقرخان چندروز است مرحوم شده و این موجب هم شخصی است و در مقابل خدمت به او داده شده و اولاد او هم زیاد است به عقیده بنده خوب است آنچه متوفیات است یک دفعه وزیر مالیه بنویسند و به کمیسیون مالیه آمده کمیسیون هم رأی خود را معین نموده و پیشنهاد مجلس بنمایند که یک دفعه درباره تمام آنها رأی مجلس معین شود.

آقاشیخ محمد علی - به عقیده بنده این است که اگر به کمیسیون رجوع شود و وقت مجلس ضایع نشود بهتر است.

نایب رئیس - به عقیده بنده آن طور که آقای مؤتمن الممالک گفتند بهتر است تاکنون نتیجه متوفیات هست صورت نوشته و با رأی کمیسیون مالیه به مجلس بیاید تا در مجلس مطرح مذاکره واقع شود.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - این مطلب را بنده تصویب می کنم در صورتی که وزیر مالیه هم رأی خود را بنویسند و به کمیسیون مالیه بفرستند.

نایب رئیس - این شرحی است از طرف وزارت عدلیه رسیده و چون مدتیست که به مجلس آمد باید قرائت شده و جواب داده شود.

(قریب به مضمون ذیل قرائت شد).

که تشکیات مردم از وضع عدلیه واضح است و تا عدلیه منظم نشود چرخ های او به کار نمی افتد و عقیده خود را اظهار می دارم که تا بی کفایتی خود را در اداره کردن امور عدلیه به خود هموار نکنم اول اینکه قانون داخلی عدلیه که به مجلس فرستاده شده باید زودتر بگذرد که به صحنه همایونی رسیده اجرا شود یا اینکه مادام که قانون نرسیده اجازه داده شود که بنده از روی همان قانون که فعلاً تصویب نشده و نسخه آن در وزارت عدلیه موجود است امورات داخلی عدلیه را اداره نمایم دوم اینکه تا بودجه عدلیه تمام نشده موجب اجزا ماه به ماه آنچه که رسیده بعد از رسیدگی چند نفر از طرف وزارت مالیه و از اعضای کمیسیون مالیه از عایدی عدلیه عوض موجب اجزای عدلیه داده شود و اگر کم است وزارت مالیه از محل دیگر بدهد و اگر زیاد آمد به خزانه دولت عاید گردد.

سیم این که در احضار و اجرای احکام مجلس باید قراری بگذارد که شفاعت و توسط ابداً در پیش نباشد چهارم به واسطه ضیق مکان خوب است اتاق نظام را به

عدلیه بدهند که توسعه و گنجایش برای ادارات عدلیه حاصل شود پنجم اهالی نقاطی که شعبات عدلیه نرفته شکایت دارند و حکام به طور سابق در هر کار داخل شده ده یک و ده نیم را دریافت می نمایند و مأمورین عدلیه سرگردان هستند در این کار هم باید قرار قطعی داده شود که مأمورین بروند ششم مقصرین که استنطاق می شوند و باید به مجلس بروند اینجا گنجایش ندارد خوب است مجلس دولتی واگذار شود که اسباب عسرت نباشد هفتم محض اینکه همه روزه عدلیه مورد اعتراض انجمن ها و ملت واقع نشود در باب احکام و حدود تا تصویب شدن قانون عدلیه قرار می بگذارند و در این مراتب معروضه منتظر جواب است.

وکیل التجار - این مطالبی که نوشته اند صحیح است و باید جواب داده شود لکن دو مسأله آن به نظر بنده صحیح نیامده یکی مسأله اجری است و در مسأله اجری آنچه شده دیده ام مصدر اجرای عدلیه نیست بلکه نظمیه است و اگر مهم باشد با حکومت است و محبوسین هم نباید در عدلیه حبس شوند اگر مدت حبس محبوسین کم است در نظمیه والا در مجلس دولتی باید محبوس شوند اما در بقیه محاکم بنده می خواهم یک چیزی عرض کنم که رفع سوء ظن بعضی از ملت بشود.

بعضی از حکم ها که از مجلس برای رسیدگی و احقاق حق متظلمین نوشته شده آن را دست آویز کرده و حکم قطعی داده است که برحسب حکم مجلس است اسباب اختلال را فراهم آورده اند و مخصوصاً در چند فقره از این احکام رسیدگی شده از روی دفتر مجلس معلوم شد که مجلس ابدأ حکم قطعی نداده و نمی دهد.

آقا شیخ محمدعلی - در این لایحه چند مسأله نوشته شده یکی مسأله قانون داخلی است مجلس هیچ وقت نمی تواند قانون داخلی هیچ وزارتخانه را بنویسد مجلس قانون مملکتی را می نویسد قانون داخله هر وزارتخانه راجع به خود وزیر است بلی در باب بودجه آن باید نظر داشته باشد اگرچه قانون داخله عدلیه به مجلس آمده ولی حق مجلس نیست که در آن مداخله نماید مگر اینکه وزیر بیاید به مجلس و همراهی بخواهد مسأله دیگر در باب مالیه این مسأله هم راجع به وزیر مالیه است باید از وزارت عدلیه به وزارت مالیه اخطار شود و وزیر مالیه تحقیقات خود را کرده بعد آنچه صلاح دانست پیشنهاد مجلس نماید اما در باب مجلس البته لازم دارد و آن هم راجع به وزارت داخله است پس مجلس در هیچ یک از این اظهارات نباید داخل شده مذاکره نماید.

آقامیرزا محمود - چون از طرف مجلس چند روز در عدلیه بودم و قدری از ترتیبات آنجا مسبقاً هستم عرض می‌کنم اینکه وکیل‌التجار گفتند جزء با نظمیه است این طور نیست اگر جنحه و جنایت است آنها با نظمیه است والا بعضی اجرائیات با عدلیه است و اگر ما بخواهیم عدلیه صحیح داشته باشیم باید مقاصد صحیح آنها را قبول کنیم.

نایب رئیس - یا باید برای این کار کمیسیونی معین شده و جواب داده شود یا اگر در مجلس باید مذاکره شود یکی یکی مطرح و مذاکره شود و بعد جواب داده شود. بحرالعلوم - اینجا یک مطلب نوشته شده است و آن این است که نوشته یا قوانین را بدهید یا اینکه تا قانون تمام نشده است به من واگذار شود که من آنچه می‌دانم رفتار نمایم و این صحیح نیست.

نایب رئیس - این طور نیست نوشته است مادام که قشون تمام نشده است همان قانون که به مجلس فرستاده شده و یک نسخه آن در عدلیه است اجازه دهید تا به آن ترتیب رفتار شود در ترتیب نظم داخلی عدلیه حالا یا باید رجوع به کمیسیون شده یا اینکه یکی یکی مطرح شده و تمام شود و اینکه گفته شد قانون عدلیه کار خود عدلیه است و به مجلس ربط ندارد این طور هم نیست آن قانون داخله عدلیه است و اما قانون عدلیه البته باید از مجلس بگذرد.

آقاشیخ اسمعیل - عرض بنده این است چه قانون نوشته شود چه نوشته نشود قانون در مملکت ماقانون اسلام است و باید از آن قرار رفتار شود و هر قانون هم نوشته شود البته مطابق با قانون اسلام نوشته خواهد شد.

نایب رئیس - اشتباه نشود این مسأله که از وزارت عدلیه اظهار شده راجع به ترتیب انتظام اداره ایست که به چه ترتیب محاکم بشود هر کس تکلیفش چیست.

بحرالعلوم - قانونی که نه در مجلس تصویب شده و نه در کمیسیون چه طور می‌شود وزارت عدلیه او را به موقع اجرا گذارد و تا تصویب نشود اسباب اشکال خواهد شد.

آقاشیخ یوسف - البته همه کس می‌داند که امور داخلی هر اداره که فلان اداره چند اتاق لازم دارد و چه قدر اجزای این مسأله لازم نیست که مطابق با شرع باشد.

اما در قضا و احکام شرعی بدیهی است که آن موافق قانون شرع خواهد بود به عقیده بنده خوب است جواب داده شود که آنچه راجع به نظام امور داخلی وزارت

عدلیه است از روی همان قانون ترتیب بدهند واحکام هم البته بدیهی است که باید به موجب شرع باشد اگر صلاح است همین‌طور جواب داده شود والا عدلیه بسته شود زیرا که این مردم بارها فریاد کرده‌اند که ما عدلیه می‌خواهیم و این که فعلاً هست به این ترتیب عدلیه نیست.

آقا شیخ محمدحسین - در این لایحه وزارت عدلیه آنچه را که راجع به امورات عرفی و دولتی است به همان قانون غیرمصحح رفتار نمایند و اما در قضاوت شرعیات که گفت‌وگویی نیست همین است که از قبل بوده و حالا هم باید باشد اینکه دیگر قانون نمی‌خواهد اما اینکه کلیه دعاوی و مطالب شرعیه اول باید رجوع به محاکم شرعیه شده و از آنجا به عدلیه آمده پس از آن در تعیین حکم و مجازات باز رجوع به حکم شود در این هم اشکالی نباید باشد و ادارات عدلیه را هم به همین قانون غیر مصحح مرتب نمایند ضرری ندارد.

نایب رئیس آن ماده که در قانون اساسی نوشته شده است که دیوان عدالت عظمی مرجع رسمی تظلمات عمومی است این مسلم است و ابتدا باید تمام تظلمات به آنجا رجوع شده بعد از آن جا رجوع به محاکم شرعیه گردد نو کسی هم حرفی ندارد در اینکه مراعات و احکام شرعیه با محاکم شرعیه است و قانون عدلیه فقط برای تنظیم ادارات و ترتیب طرق اجرای احکام است.

آقا شیخ محمدحسین - این ترتیب ادارات را می‌شود از روی همان قانون غیرمصحح هم رفتار نمود و عیبی هم ندارد.

وکیل‌التجار - خوبست این لایحه رجوع شود به کمیسیون تا اینکه درست از روی دقت جوابی برای آن نوشته بعد از آن بیاید به مجلس.

نایب رئیس - بلی به عقیده بنده هم خوبست که رجوع به کمیسیون بشود چون بعضی مطالب دیگر هم هست که از عدلیه رسیده حالا رجوع بشود به همان کمیسیون عدلیه که برقرار است تا دقت نموده جواب نوشته شود پس از آن بیاید به مجلس یا به کمیسیون دیگر.

حسام‌الاسلام - اجازه بفرمایید تا اینکه این ماده از قانون اساسی را بخوانم (اصل هفتاد و یکم دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع‌الشرایط است).

این ماده اساس کار ماست در کمیسیون عدلیه الان آقایان مشغول تصفیه قوانین

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

عدلیه هستند از جناب نایب رئیس خواهش می‌نمایم تأکید فرمایند که در هر هفته هر چند ماده که تصحیح می‌شود بیاید به مجلس و تصویب شده به عدلیه فرستاده شود که از روی همان رفتار کنند عدلیه حافظ حقوق و حدود مردم است باید در جواب این لایحه خیلی تأکید شود که زودتر جواب آن فرستاده شود.

و در باب بودجه عدلیه همان‌طور که گفته شد باید رجوع شود به وزیر مالیه و از آنجا به مجلس بیاید و در باب اینکه مأمورین عدلیه به ولایات نرفته‌اند و از این حیث مردم شکایت دارند صحیح نوشته شده حکام هم حق‌العمل می‌گیرند و هم حقوق خوبست در این باب هم رجوع شود به وزیر مالیه و در باب تمبر هم متعلق به دیوان محاسباتست به عقیده بنده ابدأ کمیسیون برای این مسأله لازم نیست بلکه اساس همانست که عرض شد باید به کمیسیون عدلیه تأکید و اصرار شود که قوانین عدلیه را زودتر تنقیح کرده به مجلس بدهند.

آقامیرزا مرتضی قلیخان - به عقیده بنده راجع شود به یک کمیسیونی که در آنجا دقت نظر کرده هریک از مطالب آن که راجع به هرکجا است ارجاع شود حالا اذهان و کلا درست مسبوق به مطالب این لایحه نیست و به این‌طور هم که داخل در جزئیات شده مذاکره شود نتیجه حاصل نخواهد شد چنانچه فعلاً در باب بودجه وزارت عدلیه اشتباه شده است و مطلب در بوده وزارت عدلیه نیست بلکه در اینجا مقصود این است که یک حقوق فعلاً برای اجرا معین کرده‌اند که آن حقوق باید ماه به ماه به آنها برسد و به عقیده بنده باید این لایحه رجوع به کمیسیون بشود.

نایب رئیس - این لایحه باید تجزیه شود آنچه راجع به کمیسیون عدلیه است به آنجا رجوع شود و آنچه هم متعلق به مالیه است رجوع به کمیسیون مالیه گردد. مطالب متفرقه را هم کمیسیون فوق‌العاده رسیدگی نماید.

آقاشیخ محمدعلی - اینکه می‌فرمایید رجوع به کمیسیون عدلیه شود ثبت‌الارض تتم انقش اصلاً کمیسیون عدلیه نیست تا اینکه رجوع به آنجا بشود کمیسیونی که اعضای آن غیر معلوم و اعضای رئیسه آن غیرمعین و تاحال صورت کمیسیونی پیدا نکرده چه‌طور می‌شود مطلبی به آنجا رجوع کرد دیگر اینکه این ترتیبی را که در این لایحه نوشته شده اگر آن کمیسیون عدلیه هم باشد نمی‌شود به آنجا رجوع کرد

زیرا که آن کمیسیون به جهت قوانینی که متعلق به شرعیاتست مذاکره می‌نمایند و اینکه در آن لایحه نوشته‌اند متعلق به امورات داخلی عدلیه است ربطی به کمیسیون ندارد باید اینگونه لوایح را هیأت رئیسه پس از ملاحظه آنچه راجع به هرکجا است رجوع کنند.

نایب رئیس - هیأت رئیسه تمام اینها را دیدند و ملاحظه کردند و آنچه که راجع به هر کمیسیونست رجوع می‌شود حالا آنچه که راجع به کمیسیون عدلیه است به همان کمیسیونی که فعلاً برقرار است رجوع می‌شود و آنچه هم که راجع به مالیه است به کمیسیون مالیه رجوع می‌شود باقی از مطالب دیگر هم یک کمیسیون موقتی انتخاب می‌شود که زودتر آنها را ملاحظه کرده جوابی برای آنها بنویسند به مجلس بدهند و این به چند جلسه تمام خواهد شد اینقدرها طولی ندارد و حالا این کمیسیون را که صلاح می‌دانند بنده بعضی اشخاص که در نظر دارم معین نمایم چون وکلای محترم غالباً در کمیسیون فوق‌العاده که تشکیل شده هستند لهذا اشخاصی که انتخاب نموده‌ام از این قرار است:

حسنعلی خان، سیدالحکما، آقامیرزا محمود، آقا شیخ یوسف، وکیل‌التجار، حاجی محمدابراهیم وارث.

وکیل‌التجار - این اشخاصی که انتخاب شده‌اند و به علاوه عده دیگر اکثر آنها در کمیسیون عرایض هستند و به عقیده بنده این لایحه عدلیه هم به همان کمیسیون عرایض رجوع شود بهتر است.

ادیب‌التجار - عقیده بنده هم همین است که رجوع به کمیسیون عرایض شود زیرا که اولاً چند تن از علما وکلا در آنجا هستند و علاوه بر معاون وزارت عدلیه هم اکثر اوقات به جهت توضیحات در کمیسیون عرایض رجوع شود بهتر است و در بعضی از مطالب از معاون وزارت عدلیه هم توضیح خواسته می‌شود.

نایب رئیس - به عقیده بنده راجع به کمیسیون عرایض بشود بهتر است گمانم این است که دیگر امروز فرصت اینکه داخل موضوعی که برای امروز معین شده که نتیجه لایحه وزیر جنگ بود نخواهیم داشت خوب است چند نفری که اجازه نطق خواسته‌اند مطلب خود را اظهار نمایند.

مؤتمن‌الممالک - بنده در باب تفاوت عمل یزد می‌خواهم اظهار نمایم اگرچه ختم شده ولی من باب توضیح عرض می‌کنم که این مسأله یزد همان است که آقای

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

معاذالسلطنه چند روز قبل اظهار داشتند محرک دارند و این حرف مورد توجه نشد
ابداً تفاوت عمل علاوه بر آنها تحمیل نشده هفتاد و هشت هزار تومان فرع مالیات
آنجا است که چهل و چهار هزار تومان آن از بابت تفاوت تیولت است که خود
صاحبان تیولت متقبل شده‌اند باید بدهند و در این مسأله باید دقت شود.
آقاملاحسن وارث - از این حادثه که واقع شده مردم منتظرند اگر نتیجه به دست
آمده اظهار شود که موجب اسکات مردم بشود.
نایب رئیس - این مطلب را قبل از اینکه مجلس منعقد بشود از جناب رئیس
استفسار کردیم که چیزی اظهار شود گفتند چون هنوز نتیجه به دست نیامده امروز
مسکوت عنه بگذاریم ولی اگر لازم است جناب مستشارالدوله که یکی از اعضای آن
کمیسیون هستند اطلاعات خود را اظهار نمایند.
آقاملاحسن وارث - بلی اگر لطف فرموده اظهار فرمایند ضرر ندارد.

مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی

در مذاکرات روز پنجشنبه ۱۳ صفرالمظفر ۱۳۲۵ دارالشورای ملی بحث از انجمن‌های ایالتی بود و نمایندگان با قانونمند کردن آنها، به نوعی اولین قدم‌ها را برای عملی شدن آرزوها در ایجاد نهادهای مدنی را در جامعه نوتأسیس ایران برمی‌داشتند:

خلاصه مذاکرات روز سه‌شنبه ۱۱ را آقامیرزا طاهر قرائت کردند قرار شد نظامنامه انجمن‌های ایالتی خوانده شود.

آقاسید حسن تقی‌زاده - درخصوص مطالبی که باید مطرح مذاکره شود ترتیبی داده بودند که به‌طور جدول باشد آن چیزی که مطرح می‌شود در آخر نوشته شود. رئیس - بعضی مطالب باقی مانده است ولی چون این نظامنامه ایالتی اهمیت دارد در اول مجلس خوانده شود که مطلب‌های کوچک مزاحمت بنمایند.

(آقا حسنعلی خان اظهار داشتند که نظامنامه بلدی مدنی است بعد از قرائت اول چاپ شده و به وکلای محترم تقسیم شده و همچنین نظامنامه مجلس سنا مدتی است در مجلس دفعه اول خوانده شده اینهارا باید مقدم داشت جناب رئیس جواب دادند که صحیح است ولی این نظامنامه ایالتی اهمیت دارد و مقدم است).

سعدالدوله - قبل از آنکه شروع به مذاکره شود حرفی دارم بگویم بعضی از وکلا با بعضی از وزرا و ادارات دولتی مراوده داشته‌گفت‌وگو می‌نمایند آیا رسمیت دارد یا نه این مسأله باید توضیح شود.

حسنعلی خان - درحقیقت این مسأله اهمیت پیدا کرد و در هیچ‌جا وکلا نمی‌توانند رسماً با وزرا گفت‌وگو نمایند همین‌طوری که جناب سعدالدوله فرمودند این ایام بعضی از وکلا خیلی جاها دیده می‌شوند دیگر معلوم نیست کار شخصی دارند یا عنوان دیگری است.

سعدالدوله - مقصود بنده این است که کسی که وکالت ملت را در این مجلس قبول کرده حدود او را باید دانست که مراداتی که از اول عمر خود با مردم پیدا کرده باید دست کشیده ترک نماید یا با بعضی از وزرا و ادارات دولتی و اعلیحضرت از مطلب دولتی گفتگو نمایند آیا حق دارد یا باید آنها موقوف شود! من بی‌پرده حرف می‌زنم بعضی گفت‌وگوها در این خصوص یا کنایه یا صراحتاً می‌شود (سخن را روی با صاحب‌دلان است) من نمی‌توانم متحمل شوم من با همه کس مرادده دارم با وزرا با سایرین نمی‌توانم ترک مرادده کنم.

رئیس - پریشب در این خصوص صحبت شد در اول آن مذاکره خودتان تشریف داشتید که جناب آقای آقامیرزا سید محمد فرمودند بعضی از وکلا می‌روند به اسم مجلس با بعضی ادارات گفت‌وگو می‌نمایند و در آخر هم حاجی محمداسمعیل آقا مذاکره این مطلب را نمودند و قرار شد چیزی از طرف مجلس به وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی نوشته شود که هریک از وکلا به اسم مجلس بیایند گفت‌وگویی نمایند مادامی که رقه از طرف مجلس با کاغذ مخصوص و مهر مخصوص مجلس نوشته نشود گفت‌وگویی آنها به اسم مجلس رسمیت و اعتبار ندارد و این ابدأً ربطی به شما ندارد و در این جا سوء ظنی پیدا شده معلوم است هیچ کس نمی‌تواند مرادده خود را ترک کند.

سعدالدوله - دیگر خوب است مذاکره شود که رفع اشتباه گردد از بعضی جاها تلگراف عهده من می‌آید و برای شماها هم می‌آید اما رسم من این است که اول به مجلس اطلاع می‌دهم و همچنین مرا خواستند تلگرافخانه طفره رفتیم و من سابق هم گفتم و حالا هم می‌گویم آنچه که من در باب ملت گفت‌وگو نمایم همان است که در روزنامه‌ها می‌نویسند و رسمیت دارد باقی دیگر هرچه به من نسبت بدهند صحیح نیست.

آقاسید حسین - فرمودید سابقاً به هریک از ادارات دولتی نوشته‌ایم که هریک از وکلا بیایند به اسم مجلس گفت‌وگویی نمایند ابدأً رسمیت ندارند امروز هم می‌نویسید و هر روز یک گفت‌وگویی در این خصوص می‌نمایند خوب است بعد از این هر که آمد این صحبت را کرد معین نماید نسبت مبهم تا کی و حرف را در پرده گذاشتن برای چه معلوم کنند که آن شخص وکیل کی بوده و چه گفت‌وگو کرده حرف را نسبت به عموم دادن چرا.

(در این موقع نسخه نظامنامه انجمن‌های ایالتی قرائت شده پس از تمام شدن باز شروع به مذاکرات شد).

آقای آقامیرزا سید محمد مجتهد - اینهایی که در پایین هستند و عارضند بعضی از دست حاجی آقا محسن و بعضی از سایر جاها اذیت می‌کنند آخر برای اینها چه فکر کردید.

رئیس - اینها رجوع شده به وزارت داخله.

(جمعی گفتند قرار بود انجمنی برای تحقیق عرایض تشکیل شود چه شد جناب رئیس جواب دادند قرار بود هریک از آقایان و کلا اسامی دوازده نفر را نوشته بدهند که برای این کار معین شوند بعضی‌ها نوشته داده‌اند بعضی هم حالا بنویسند بدهند وانگهی این انجمن هم نمی‌تواند که تحقیقات و رسیدگی قطعی نماید منتهی تشکیلاتی که می‌شود تحقیق شود راجع به هریک از وزارتخانه‌ها باشد رجوع به آنجا می‌نماید).

احسن‌الدوله - با این تفصیلات و این مسؤلات که به عهده انجمن‌های ایالتی می‌گذارید و حق هم همین است پس جهت چیست خود مجلس که رأس رئیس و مرکز تمام انجمن‌ها است محاسبات گمرک و غیره رسیدگی و اقدام نکرده و اگر وزارت مالیه مشغول است آیا نباید به اطلاع مجلس باشد.

رئیس - چرا اقدامات شده وزیر مالیه چند دفعه که آمده‌اند گفت‌وگو شد مشغول هستند و لازم هم نیست به اطلاع مجلس باشد زیرا که خارج از نظامنامه است باز جناب وزیر مالیه را یک روز زحمت می‌دهیم بیایند اینجا توضیحات بخواهیم ببینیم چه کرده‌اند اگر کاری نکرده‌اند البته جدا می‌خواهیم که اقدامات لازمه در این خصوص نمایند.

حاج میرزا آقا - جناب رئیس سؤال مختصری دارم بنا بود وزرای مسؤل در حضور حجج اسلام قسم یاد نمایند چه شد؟

رئیس - این را باید آقایان قدری اقدام فرمایند که انشاءالله قدری زودتر انجام یابد.

(در این موقع تلگرافی از شیراز رسیده بود قرائت شد که خلاصه مضمون آن این بود. از شیراز توسط جناب آقای صدرالعلماء حضور و کلاهی معظم شورای ملی زیاده از سه ماه است مجلس ملی شیراز نگران است که تکلیف اقدامات آن در کلیه امورات معین گردد تا حال دستورالعملی نرسیده لهذا عرض می‌نماییم اولاً و کلاهی شیراز در

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

جناح حرکت هستند ثانیاً استعلام می‌نماییم که آیا در هذه السنه هم مثل سال‌های سابق مالیات فارس اجاره است که حکومت هر قدر می‌خواهد بگیرد یا دستورالعمل مخصوص داده شده و آیا مجلس محلی حق دارد صورت مالیات حالیه را بخواهد یا نه. استدعای دیگر حکومت حالیه مشروطه است یا مستبده معلوم شود و اگر جواب مستدعیات موکول به وضع قانون بشود باید تا وصول قانون دستورالعمل حالیه داده شود که تکلیف معلوم باشد).

آقامیرزا ابوالحسن خان - این مجلس در شیراز دایر است و هروقت هم در تلگرافات خود را به یک اسم موسوم نموده گاهی انجمن اسلامی گاهی انجمن ملی گاهی انجمن محلی چنانچه در این تلگراف انجمن ملی محلی اسم برده به هر حال در اینکه انجمنی هست محل حرف نیست و اینکه مقابل مستبدین است در آن هم حرفی نیست ولی این مجلس به سمت انجمنی در مجلس محترم شورای ملی معرفی نشده به عقیده بنده باید جواب این‌طور نوشته شود که این انجمن اگر موافق نظامنامه باشد تا دستورالعمل برسد حال اگر این‌طوری که عرض کردم صحیح است جواب بدهید (مکتوبی در این موقع که از نجف اشرف حضرت حجة الاسلام آقای حاج میرزا حسین دامت برکاته به عنوان آقای آقاسید جمال مرقوم فرموده بودند در مجلس محترم قرائت شد که مشعر بود بر این که از تأسیس این مجلس مقدس جهة اصلاح حال مملکت نهایت مسرت را داشتیم که بعضی مکتوبات رسید دلالت داشت بر این که بعضی از مفسدین بر ضد مجلس هستند خیلی اسباب افسردگی شد. البته باید اعلیحضرت شاهنشاه و حجج اسلامیه در رفع مفسدین وتشیید این اساس بذل توجه فرمایند و نیز از قرار بعضی مکتوبات واصله گویا شهرت داده‌اند که من مایل به این اساس نیستم و این خلاف محض است و کمال همراهی را در پیشرفت این اساس دارم).

آقاسید حسن تقی‌زاده - پریروز چند مطلبی صحبت شد و یادداشت گردید یکی در خصوص تلگرافخانه یکی در خصوص وزرا که حکومت دارند یعنی دو کار دارند نمی‌دانیم چیزی نوشته شد.

صدیق حضرت - درخصوص تلگرافخانه نوشته شد اما در باب حکومت‌ها چیزی نوشته نشده زیرا که گفتند برای چند روز دیگر خود آن شخص استعفا خواهد داد.

آقاسید حسین - آقای تقی‌زاده گفتند مطلبی که پنج دقیقه وقت را ضایع کند باید

اقدام کرد و از آن نتیجه گرفت حال سه ماه است که در خصوص اسرای قوچان و آصف‌الدوله گفت‌وگوها شده چرا تا به حال از وزیر داخله خواسته نشده که چه اقدام کرده‌اند و الان سه روز است آصف‌الدوله آمده است چه کرده‌اند باید اسرا برگردد، علاج این کار چیست؟

رئیس - علاج این است که باید به وزارت داخله نوشت و خواست (درخصوص عمل ملک‌التجار مذاکره به میان آمد بعضی گفتند در دفعه اول در همین مجلس عمومی طرح گفت‌وگو شود جمعی گفتند در انجمن علیحده طرح گفت‌وگوی این کار بشود پس از فی‌الجمله مذاکره رأی اکثر اعضای مجلس بر این شد که در کمیسیون علیحده این عمل مطرح مذاکره شده و قطع و فصل شود.

خاتمه‌ی کار مجلس اول شورای ملی

شنبه ۲۰ جمادی‌الاولی مجلس یک ساعت و ربع قبل از غروب منعقد شد. جناب آقای حاج سید محمد امام دام‌افضاله که به تازگی از نجف اشرف تشریف آورده بودند، به مجلس مقدس ورود فرمودند.

در این موقع جناب آقای سید عبدالله مجتهد دامت برکاته نطق بلیغ مفصلی فرمودند که اشعار داشت بر مراتب علمیه و شئونات آقای معظم‌الیه و اظهار امتنان از ملت که در ورود آقا نهایت توقیر و احترام را مرعی داشتند و حسن اقبال عموم ملت در حفظ مراتب و توقیر و احترامات علما اعلام و حجج اسلام کثرالله امثالهم و اظهار تشکر از مساعی جمیله حجج اسلام عتبات عالیات دام‌اظلالهم و ترغیب و تشویق مردم بر حفظ مراتب حجج اسلام و علما اعلام بیش از پیش و امر مسلمین به نگاهداری احترام جناب آقای حاجی سید محمد زید‌افضاله.

جناب رئیس نیز نطقی نمودند که مبنی بود بر اظهار تشکر و امتنان و بر این که عموم و کلاً محترم از ورود جناب آقا کمال بشاشت را دارند و از چند روز قبل که مژده ورود جناب آقا داده شده بود، منتظر بودند و بحمدالله امروز به مقصود خود نایل گشتند و این که تمام امید مجلس به همراهی‌های حضرات حجج الاسلام مدظلهم است.

لایحه جناب آقای حاج سید محمد مرقوم داشته بودند، قرائت شد از قرار ذیل:

خدمت ذی‌شرافت و کلاً عظام و امنای ملت و اعضا مجلس مقدس ادام‌الله تائیداتهم در کمال احترام جسارت می‌کنم داعی بر حسب اوامر حجج اسلامیه با کمال شوق و نهایت اشتیاق به تشرف مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه از عتبات عالیات عرش درجات حرکت نموده و الحمدالله امروز به این آرزوی خود نایل شده‌ام؛ اولاً عرض تشکر از اقدامات مجدانه و کلاً عظام در این مدت می‌نمایم که نهایت جد خود را در ترویج احکام اسلام و اجرای قوانین مشروطیت به همراهی حضرات حجج اسلام ادام‌الله ظللالهم مبذول فرمودند.

و ثانیاً سوقاتی که از این مسافرت آورده‌ام این است که حضرات حجج اسلام و آیات

الله علی الانام نجف اشرف متع الله المسلمین بطول بقائهم در حفظ این اساس مقدس به اندازه ساعی و مراقب هستند که تمام کارهای خود را منحصر به این امر فرموده‌اند و محض استحضار خاطر مبارک آقایان عظام عرض می‌نمایم چنانچه خدا نکرده آرا بعضی در موقعی بر اهمال بعضی از مواد قوانین اساسی تعلق بگیرد، آن ذوات مقدسه ابداً حاضر از برای این امر نیستند و چون ترویج این امر را ترویج حقیقت اسلام می‌دانند، لهذا در حفظ جزئیات هم از بذل همه چیز مضایقه نخواهند فرمود. چنانچه حضرات حجج اسلام تهران مدظله‌هم هم تا آخرین نقطه اقدامات حاضرند، آن ذوات مقدسه هم همین طور توجه دارند و مهاجرت از مساکن خود را اول درجه اقدامات خود می‌دانند.

(عموم و کلاً از عناوین مندرجات در لایحه و از حسن نیت جناب حجة الاسلام کمال تشکر را به جا آوردند.)

مجلس برای مذاکرات لازمه در کمسیون ختم شد. [آخرین جلسه دوره اول در تاریخ بیست و سوم جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ بوده است، از مذاکرات مجلس بین تاریخ بیستم تا بیست و سوم جمادی‌الاولی اثری یافته نشد.]

در مورخه سه‌شنبه ۱۶ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ ممتازالدوله نامه‌ای از طرف مجلس شورای ملی به محمد علی شاه نوشت که توسط وی و شش نفر از نمایندگان به شاه تقدیم شد؛ این نامه و جوابیه محمد علی شاه که سیر جریانات منجر شده به وضعیت بحرانی را در خود جای داده در واقع بن‌بست سیاسی کشور را اعلان می‌کردند؛ همچنین این نامه‌نگاری را می‌توان بیانیه‌هایی دانست که در آن‌ها از دیدگاه‌های مدرن و سنتی به سیاست اجرایی ایران زمین پرداخته‌اند: ممتازالدوله نامه خود را با شرح عقب ماندگی کشور شروع می‌کند و بر این باور است که مشروعیت نظام شاهنشاهی مبتنی بر استبداد فردی در دوران منجر به مشروطه از بین رفته بود و آحاد ایرانیان که به حقوق خود آگاهی یافته بودند، مشروطیت را به وجود آوردند؛ نظامی که با قانونگرایی و تکمیل آن در تصویب و تدوین متمم قانون اساسی، مشروعیت را از بنیان‌های پیشین گرفته و به مردم تفویض کرد و از آن پس، نظام سیاسی ایران مبتنی بر آرای مردم و برآمده از مشارکت عمومی در تعیین سرنوشت خویش در نظام پارلمانی شد. ممتازالدوله با اشاره به کارشکنی‌های مخالفان مشروطه در طیف‌های مستبدان درباری و سنتگرایان، قواعد سیاست‌ورزی

را بر پایه قانونگرایی می‌گذارد و با تأکید بر نقض اصولی از قانون اساسی، شاه را متوجه جایگاه نوین سلطنت می‌نماید. او سپس بر اساس آگاهی از شکل‌گیری ملت ایران، به مسائل جغرافیایی - حقوقی و... می‌پردازد که روش مدرن دولت - ملت را به وجود آورده است. بنابراین ایجاد «آشوب‌های شهری» نه راه حل معقولی برای نجات استبداد و نظام سلطه سنتی از انهدام است و نه در شأن نظام نوپیدای ملی است؛ بر این اساس ممتازالدوله، محمد علی شاه را به اصل تفکیک قوا و جایگاه قانونی پارلمان توجه می‌دهد تا با یادآوری تبدیل اسلوب و موقعیت نظام سیاسی در شرایط مشروطیت و دگرگونی که در شیوه کشورداری به وقوع پیوسته است، او را درگیر قاعده تازه‌ای گرداند که با این دگرپرسی به وجود آمده است؛ پایان بخش نامه ممتازالدوله درخواست احترام به قانون اساسی و رعایت آن از سوی محمد علی شاه و نهاد سلطنت است.

محمد علی شاه اما نامه خود را بر پایه دیدگاه سنتی در اندرزنامه‌ها و دیگر دریافت‌های سنتی قرار می‌دهد؛ از نظر او مردم رعیت پادشاه هستند که نگهبانی آنان از سوی خداوند بر عهده او قرار گرفته است و با اصرار بر ایده ظل‌اللهی بودن نهاد شاهی، که برآمده از آموزه‌های سنتی ایران باستان و دوره میانه از سیر تاریخ سیاست ایران زمین است، به یکی از بنیانی‌ترین عناصر اقتدار سنتی تمسک می‌ورزد؛ محمد علی شاه برای اثبات مشروعیت حکومت خود زور و غلبه را - به عنوان یکی از پایه‌های مشروعیت در جهان سنتی - یادآور می‌شود و مشروطه را مبتنی بر اقتدار یکجانبه پدرا نه و رابطه خدایگان - بنده تفسیر می‌کند؛ او با این حال اجباراً به قاعده بازی بر اساس قانون گردن می‌نهد و با دریافت سنتی از آن - که محصول در هم آمیختگی ایده‌های سنت‌گرایان و درباریان مستبد بود و از میانه آن مفهوم «مشروطه مشروعه» سر برآورد - حکومت را ودیعه‌ای الهی می‌خواند که دیگر نهادها و کل نظام سیاسی اضلاع آن را تشکیل می‌دهند و «هیجان انجمن‌ها» نمی‌تواند از مشروعیت آسمانی سلطنت کاسته و یا حدی بر آن قرار دهد. در بخشی از نامه، محمد علی شاه مشروطیت را به ایجاد عدلیه فرو می‌کاهد و پارلمان را همان عدالتخانه‌ای می‌فهمد که وظیفه آن رساندن تظلم خواهی رعیت به پادشاه است؛ بنابراین در دریافت سنتی محمد علی شاه، حرمت ذاتی در حاکمیت از آن سلطنت است و دیگر اجزای سیاسی در کشور به واسطه سلطنت که مؤید به

تأییدات آسمانی و مشروعیت سنتی است، دارای اعتبار می‌شوند. با این حال محمد علی شاه نیز ناگزیر برای پیشبرد اهداف سنتی و استبدادی خود، برای حفظ حرمت سلطنت، به قانون اساسی ارجاع می‌دهد و خواستار اجرای آن از سوی پارلمان به عنوان بازوی مشورتی سلطان می‌شود. با این نامه‌نگاری جدال استبداد و مشروطه از مرحلهٔ تئوریک به وضعیت کنش گذر می‌کند و با فاصلهٔ چند روزه، محمد علی شاه با به توپ بستن پارلمان، در پی تثبیت مشروعیت سنتی حکومت و برقراری رابطهٔ غیر قانونی رعیت - پادشاهی برمی‌آید.

به شرف سدهٔ سنیهٔ اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه در حالی که از دولت چند هزار ساله ایران نمانده بود مگر اسمی بلاسمی و قوای حیاتیه آن با تسلط خارجه و جهل و بی‌قیدی داخله به اسفل مراتب سقوط رسیده و سلسلهٔ امنیت و استقلال آن منتهی بود به موئی موسوم به ارادهٔ ملوکانه که آن هم در مقابل تندباد اغراض اجانب سفیر و سرگردان رو به مخاطرات عظیمه سیر مراتب مضره می‌نمود، چون مشیت خداوندی منشور اضمحلال آن را امضا نفرموده بودند، ندای غیبی اسلامیت و ایرانیت افراد اهالی را از خواب غفلت طولانی بیدار و به راهی هدایت فرموده که هادی عقل و تجربه در طی مراحل تاریخ اختیار نموده، لهذا یک باره خاص و عام مملکت با وجود اختلاف مدارک پی به مخاطرات برده به یک حرکت غیورانه از فضاحت بی‌حسی خود را دور ساخته متنبه به این دو اصل اصیل استقلال ملت و استحکام قومیت شدند که قوای مملکت ناشی از ملت است و سلطنت ودیعه‌ایست که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده است؛ لاجرم خواستار تغییر مسلک سلطنت شدند و اعلیحضرت شاهنشاه مبرور انارالله برهانه نام خود را بر حمیت ابدی زینت تاریخ ایران ساختند. ولی تکمیل این عطیت و تتمیم این موهبت را روزگار برای تقدیس و تکریم نام نامی اعلیحضرت همایونی ذخیره کرده بود. این است که مساعدت بخت بلند و طالع ارجمند همایونی در اواخر ولایت عهد و اول جلوس میمنت مأنوس رضای شاهانه را به تقویتی مشروطیت جالب شده و در ۲۷ ذیحجه حسن نیت شاهانه را با آرزوی ملت که به صورت هیجان عمومی ظاهر گشته بود، توفیق داده به اکمال نواقص قانون اساسی فرمان دادند. در صورتی که جهانیان منتظر بودند که از این تجاذب حقیقی که بین پادشاه و رعیت حاصل و با این سرمایه سعادت که به توفیقات خداوندی کامل

گردید، آثار ترقی و تمدن به سرعت و سهولت که شایسته نجابت ملی و فطانت جلی ایرانیان است ظاهر و موجبات امن و آسایش عمومی فراهم گردد، روز به روز اعتشاش ولایات و ناامنی طرق و شوارع و انقلابات سرحدات زیادتر و در خود پایتخت که زیر نظر مستقیم اعلیحضرت شاهنشاهی و هیئت دولت و مجلس شروای ملی است، وقایعی بس ناگوار اتفاق افتاد که اگر در صور و علل آن‌ها شور دقیق و غور عمیق به عمل آید، هر یک از آنها لکۀ مبرمی است که از انتساب آن به ادنی مقربین دبار هر چند قلم ایرانی را شرم آمد، تاریخ که در محور حقایق امور متحرک لایزال است بدبختانه از ثبت و ضبط آن شرم و ترحم نخواهد داشت.

تعداد آن قبایح و تذکار آن فضایح را چه حاجت که اجتماعات حضرت عبدالعظیم و وقعۀ میدان توپخانه و غیره هنوز در السنه و افواه مثل سال وبا و طاعون در عداد تواریخ بدبختی این مملکت مذکور و مرکوز اذهان است - از اثرات آن اتفاقات فزایحه هنوز دل‌های رمیدۀ رعیت آرام نیافته و جراحتهای وارده بر قلوب ملت کاملاً التیام نیافته بود که باز مفسدین بی‌ایمان امان نداده، برای اخلال روابط بین پادشاه و رعیت وقایع چند روز قبل را حاضر و احوال ماه ذی‌القعدة را به وجهی شدیدتر تجدید و در ظرف دو روز از حاصل زحمات دو ساله قمست کلی را به هدر داده از جمله اصل «نهم - دهم - دوازدهم - چهاردهم و بیست و سوم را» که روح قوانین اساسی است نقض نمودند. مجدداً نونهال امید را که به هزاران آب تدبیر و خون دل در قلوب رعایا می‌روید از بیخ و بن برانداخته به جای آن یأس و حیرت نشانند و مخصوصاً در موقعی که در سرحدات مملکت دچار مخاطرات عظیمه است، نفاق خانه برانداز خانگی را به این شدت حادث نمودند که خاطر مقدس همایونی را مثل مساعی و کلاهی ملت و وزرای دولت و قوای مادی و معنوی مملکت که ناشی از اطاعت رعیت است، مشغول یکدیگر سازند و بر مقاصد سوء خود پردازند.

بدیهی است که دوام این جلال ملازم است با اضمحلال دولت قدیم و قوم ایران و ایرانی مسلمان که به مدلول فرمان قضا جریان استاد ازل از آب حیات حب‌الوطن من‌الایمان آب خورده، با بیداری حواس به طور خاص تشنهٔ حفظ حقوق خویش است، متحمل نخواهد شد که ایران و اسلام خود را با هر چه در اوست، آلت بازیچۀ دست چند نفر مفسد درباری ببیند. دستخط همایون که روز جمعه بر تفرقه معدودی

رعایا که به طور صلح و سلم جبر کسور واقعه بر قوانین اساسی و اعاده حقوق رفته خویش را متظماً استدعا می‌کردند، به هر تدبیر و اصرار بود از طرف مجلس شورای ملی که در طی تمامی طرق چاره ساعی است، به موقع اجرا گذارده شد. ولی این اقدام و امثال آن از قبیل سرشک از رخ پاک کردن است، در حالی که خون دل‌ها در فوران و کلیه ایران در هیجان است. نقض قانون اساسی از شمال تا جنوب و از مشرق تا مغرب ایران را با ناله و افغان پر کرده که اگر این ناله و فریادها یک جا جمع شوند، خدای نخواستہ چه آهنگ مخالفی از آن ظهور تواند کرد. بالجمله تکلیف بر وکلای ملت خیلی سخت شده و انتظار مردم تهران و فشار ولایات در اعاده احترام قوانین و اصلاح کلیه امور آن به آن در تزیید و فرصت و مجال را از دست می‌برد. آنچه به طور قطع بر عقلای مملکت ثابت شده است، علت واقعی این همه خرابی‌ها و اتفاقات ناگوار که شأن عهود و شیشه دل‌ها را یک جا می‌شکند و حرمت قانون با نوامیس سوگند اسلامی یک سره برطرف می‌کند، دو چیز است: اول شبهات مغرضین تاکنون مانع شده است که در قلب شاهانه این اعتقاد راسخ شود که در سلطنت مشروطه تمام امور در تمام اوقات باید در مجاری قانون سیر کنند تا اصول ذیل قانون اساسی از لفظ به معنی برسد. «اصل چهل و چهارم - پادشاه از مسئولیت مبری است. وزرای دولت در هرگونه امور مسئول مجلس هستند. اصل چهل و پنجم - کلیه قوانین و دستخط‌های پادشاه در امور مملکتی وقتی اجرا می‌شود که به امضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول فرمان و دستخط همان وزیر است. اصل پنجاه و هفتم - اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره تصریح شده است. اصل شصت و چهارم - وزرا نمی‌توانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرار داده سلب مسئولیت از خودشان نمایند.»

در صورتی که کلیه امور از جزئی و کلی در مجرای وزارتخانه‌ها فیص پذیرفته، مسئولیت نیک و بد آن از شخص همایون شاهنشاهی مرتفع و بر عهده وزرا تحقق می‌یابد و قدس مقام منیع سلطنت محفوظ می‌ماند والا در صورت بی‌اطلاعی وزیر از فلان امر کلی یا جزئی ایراد مسئولیت بر آن وزیر بدیهی است که از طریق عقل و عدل خارج است و در اساسی که به تجارب هزار ساله عقلا و حکمای جهان مرتب شده است، البته تصور چنین امر بی‌رویه و عجیب نمی‌گنجد که فعل عمر را

زید مسئول باشد.

ثانیاً - آنچه به یقین پیوسته است اغراض مفسدین چند که دشمن ملک و دولت و خائن شخص شخیص همایونی هستند، در میان نیت پاک و فطرت تابناک همایونی که از مزایای سلاطین عظیم‌الشان است و حقوق رعایای صداقت شعار حایل و حاجبند و هر ساعت خاطر مقدس ملوکانه را بر صرافت‌هایی جلب می‌کند که با خیر و صلاح عامه فرسنگها مسافت دارد و هر دقیقه به القای شبهات مغرضانه، قلب شاهانه را از معانی اصول مشروطیت و قوانین اساسی منصرف ساخته، به اقتضای خودخواهی و استبداد ذاتی خودشان یا در راه خدمت به مصلحت غیر متابعت قوانین مملکتی را که گویا در حضور مبارک مغایر شوؤن سلطنتی جلوه داده به قدر امکان و به هر فرصتی که می‌یابند، خاطر مبارک را برای ابقای الفاظ و انهدام معانی اصول قانون وامی‌دارند؛ لہذا مادامی که کسور واقعاً به قوانین اساسی جبران نشده، اعادۂ احترام قانون به عمل نیامده است و در آینده کلیه امورات در مجاری قانون حل و فصل نشود و نمایندگان ملت را اطمینان کامل حاصل نگردد که بر حفظ تمامی حقوق ملت قادر خواهند بود و مثل آنچه تا حال واقع شده، بار دیگر نقض عهد قانون نخواهد شد مجبوریت تامه وارد خواهد بود که وکلای ملت به اقتضای وظایفی که دیانتاً و وجداناً با شہادت خداوند و توسط قرآن مجید بر عہده گرفته‌اند، عدم امکان تحمل خود را به فشار فوق‌العاده مسئولیت یک ملت به موکلین خود اعلام نمایند.

اسماعیل - محل مهر ممتازالدوله - رئیس مجلس شورای ملی

محمد علی شاه هم در آخرین نامہی خود کہ در جواب نامہی مجلس نگاشت و در حقیقت خاتمہی بی‌نتیجہی اختلافات را در خود جای داده بود، راہ را برای اجرای اہداف مستبدانہ‌اش ہموار ساخت و اندکی بعد پارلمان را بہ آتش کینہ و عداوت خود سوزاند:

جواب نامہ مجلس شورای ملی از طرف محمد علی شاه

لایحہ مشتملہ بر مکنونات خاطر وکلای ملی از پیشگاہ ہمایونی گذشتہ با این کہ تمام مردم ایران ودایعی است کہ پروردگار عالم بہ حکمت بالغہ حفظ و حراست و آسایش و امنیت قاطبۂ آنان را بر عہدۂ مکلفۂ ما واگذار فرمودہ و ہیچگاہ مقصد نیت ما جز رفاه حال و آسایش عموم اہالی نبودہ و مقصود ہمان نکتہ واحدہ بروز

مجلس اول و نہادہای مشروطیت

محبت متحده و تکمیل تربیت عامه است، ولی جواب بعضی از مطالب اظهاریه را لزوماً مقرر و هیئت دارالشوری را ملتفت می‌فرمائیم که در چندین جا از حدود معینه تجاوز شده است:

اولاً عزت و ذلت هر قوم و ملت و بقا و فنای هر دولت و سلطنت به نص آیه کریمه منحصر است به مشیت و حکمت خلاق عالمیان جلت عظمته که دست قدرت و احاطه تصورات بشریه از پیرایه این نکته کوتاه بوده و خواهد بود. پس نهایت کراحت دارد که بدون رعایت حشمت سلطنت از مسلک نگارش و قاعده بیان عدول کرده متذکر چنین عبارتی بشوند: «امنیت و استقلال منتهی به مؤئی بوده» و حال آن که علاوه در مقابل زحمات و ضرب شمشیر نیاکان سلطنت ایران را ارث محقق و حق مسلم نفس نفیس خود می‌دانیم، تا موقعی که مشیت خلاق احدیت به مقتضای آیه کریمه «قل اللهم مالک‌الملک تؤتی‌الملک من تشاء و تنزع‌الملک ممن تشاء و تعز من تشاء بیدک‌الخیر انک علی‌کلی شی‌ق‌دیر.» علاقه گرفته رشته انتظام و آسایش این ملت در کف کفایت شخصی همایونی ما باشد، استقلال و ثبات سلطنت و محافظت قوم و ملت خود را از همان قوه و به همان اراده ازلیه مستدام و بی‌زوال می‌دانیم. و به همین ملاحظه عطف پدران خود بود که محض تکمیل اشاعه عدل و داد و فراهم شدن موجبات رفاه و ترقیات ملی و استخلاص از ذلت جهل و نادانی آراء عمومی را راضی شدیم که در کلیه امور مداخله داده شود؛ بدین جهت از روی نهایت جود و سخا سلطنت خود و دولت ایران را به تمام دول عالم دولت «کنستیتوسیون» اعلان فرموده و برای تجدید حدود جریان امور مملکتی و نظام جمهور که عبارت است از سوه قوه قانونیه - اجرائیه - قضائیه، قانون اساسی را در نهایت رغبت و حرمت پذیرفته و ممضی داشتیم که در تحت قاعده مقرر اصل بیست و هشتم این سه قوه منقصلاً از هم در نتیجه واحده نظم ملک و ملت جاری و ساری باشد؛ یعنی به تصریح قانون اساسی امور را از همان سه مجری مترصد و ترقیات مملکت و نجات ملت خود را از آن راه منتظر شدیم و در این مدت آنچه را قانون مصرح بود، متابعت نموده حتی مسئولیت را به حکم قانون از ذمه خود خارج دانسته و در کلی و جزئی هر چه از طرف هیئت مبعوثه به اسم ملت صحیح یافتیم پیش آمد اعتراضی نداشته نهایت همراهی را با مستدعیات ملیه در پیش وجدان خود به اقتضای تکلیف مقرر به عمل آورده منتظر حصول نتیجه بودیم. چون بنا به

متابعت قانون اساسی و از روی حلم و بردباری که خلاق عالمیان در وجود ما ودیعه قرار داده هر قدر صلاح امور و رفع امکانات امور و رفع انقلابات مملکتی را از قوای ثلثه مترصد شده نتیجه جز به عکس ندیدیم، بلکه در هر مسئله که پیش آمد نقض قانون اساسی مکاشفه و بی‌پروا از طرف هیئت مبعوثه و بی‌علم مشهود افتاده و بر خلاف تمام قوانین عالم به تحریک جهال کم‌ظرف به اغوای مفسدین پرمایه به استظهار انجمن‌ها، هر مطلب مختصری را وسیله هیجان عمومی قرار داده در مدارس شهر و گاهی در محوطه خود مجلس تشهیر سلاح کرده مرتکب هزارگونه حرکات بی‌قاعده شدند و به همین جهت شیرازه نظام مملکت را چنان از هم گیسخته کردند که اداره نمودن آن به اشکالات و زحمات بی‌اندازه برخورد کرده است.

از جمله یکی از تکالیف واجبه دارالشورا که مقدم و الزم تمام تکالیف می‌باشد، وضع قانون قضائیه که عبارت از عدلیه باشد بوده تا به این درجه هر کس به خیالات شخصی و اغراض نفسانیه رفتار نماید. بکلی از این تکلیف اصلیه تقاعد شده و هنوز اداره عدلیه قائم نگردیده است و به همین علت با وجود مشروطیت جان و مال و ناموس و شرف عموم در مخاطره و فریاد واعدالتا به ثریا می‌رسد و به واسطه مداخله هر کس در اجرائیات برای احدی امنیت باقی نمانده، در صورتی قانون به عدم مسئولیت و تقدیس به شخص سلطان تصریح می‌کند با مسئولیت هیئت مجریه که عبارت باشد از دولت، مجلس شوری که جز وضع قوانین لازمه و نظارت امور تکلیفی ندارد، در هر امری شخص سلطان را طرف قرار داده و در امورات شخصی مداخله نموده، مواد چندی از قانون را در این مورد نقض کردند. به حکم قانون اساسی، قوه اجرائیه و انتخاب وزرا که به سلطنت مفوض است هر کی را ما خواستیم مصدر شغل و امری نسبت به دقایق مقتضیات وقت و صلاح و جریان نظم امور یا رعایت روابط، با دول قرار بدهیم بر خلاف قانون و با هزار وسائل بعضی اقدامات غیر مقتضیه کردند که حاجت تذکار نبوده، بلکه حلم و حشمت سلطنت مانع از تصریح کیفیات است و به خلاف اصل هشتم و نهم در چند مورد رفتار شده و به تبعیض عمل گردیده. قانون تصریح کرده سلطنت مقدس است و اصل دهم مصرح است که در مواقع ارتکاب جنحه و جنایت قوه نظمی اقدامات قوریه به عمل آورده. در مقدمه وقعه بمب و استنطاق و محاکمه مرتکبین بنابه توقعات روزنامجات چه حرکات وقیحانه که به عمل می‌آمد که جز عظمت همت و به غیر رأفت ملوکانه

نسبت به ملت که منزلهٔ فرزند خود ملاحظه می‌شود، هیچ قانون و قاعدهٔ اغماض چنین خیانتی را تجویز نمی‌کرد. اصل هشتم آحاد ملت را در مقابل قانون متساوی نموده. اصل دوازدهم مجازات را منحصر به طریقهٔ مجوزه قانون کرده، در چند مورد این هر دو اصل نقض شده با اینکه مداخله در اجرائیات از وظیفهٔ مجلس خارج بوده به نقض اصل پانزدهم لایحع و نوشتجات عدیده از طرف هیئت مبعوثه صادر شده، چنانچه نقض اصل شانزدهم متضمن همین فقره شده است.

قانون تصریح کرده سلطان مقدس است و در اصل بیستم هر روز و هر ساعت هزار نقض و بی‌حرمتی به مفاد قانون عمل آمده و جهاً من‌الوجه جلوگیری نشده است. شاهد مسئله جراید منتشره و نطق نطاقین است عموماً علناً حتی در حوزه و ساحت مجلس نیز از مدلول اصل بیست و یکم در مسئله اسلحه عدول و نقض گردیده، علاوه بر اینها بزرگترین نقض قانون از کلمهٔ مصرحه تقدیس سلطنت اشاعه و اظهار همین عبارت عدم همراهی شخص ما با مشروطیت است که از روی عدم مبالات در مقام ابراز چنین عقیده سست با غرض مستقیم برمی‌آیند که مدلل می‌دارد بی‌اطلاعی هیئت مبعوثه را از مسائل سیاسی و اصول قواعد جهانیانی دورهٔ حاضر و مایوس می‌نماید شخص همایون ما را از استعداد و اطلاعات لازمه و کلاهی ملت خود، زیرا هنوز تا این درجه به روابط دول و حقوق بین‌الملل و لوازم ملکداری ملتفت نشده‌اند که بر فرض محال خدا نکرده شخص ما با مجلس و مشروطیت موافق نباشیم لکن برای بقای شرف و استقلال سلطنت و حفظ مقام قول و قلم خود در میان ملل معظمه ساعی به حفظ «کنستیتوسیون» خواهیم بود و هرگز هتک این حرف و ثقلت این تهمت را که از روی کمال بی‌اطلاعی ناشی شده بر خود قبول نکرده و جمعی که تا این درجه از اس اساس مسائل مهمه مملکت بی‌اطلاع بوده و به تبعیض اصول قوانین با اختلاف مواقع معتقد باشند، رشته نظم اکناف مملکت چندین هزار ساله و موجبات رفاه و امنیت جماعت کثیره ملت را که خداوند در عهدهٔ کفایت شخص همایون ما مقرر و مسئول معین فرموده است، از دست نداده و بیشتر از این متحمل هواپرستی اشخاص قلیلی از مغرضین نخواهیم بود، تا به مشیت قادر متعال و توجهات ائمه هدی و تائیدات حضرت حجهٔ عجل‌الله فرجه سلطنت خود را از روی حقیقت منظم و قانون اساسی را بدون تبعیض به موقع اجرا گذاریم، تا عموم ملت از فواید آن بهره‌مند و در مهد امن و امان آسوده و

مرفه‌الحال باشند.

در روز ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ بالاخره محمد علی شاه نتوانست حضور نخستین مدرن قانون‌گذاری را در ایران تحمل کند و بعد از یک سری نامه‌نگاریهای بی‌نتیجه‌ای که میان رئیس مجلس و شاه رد و بدل شد، به کمک قزاقان خود، مجلس شورای ملی و خانه‌ی ملت را زیر بمباران گرفت. عین‌السلطنه در ثبت آن روز به حقیقت تلخی اشاره دارد؛ «... دکاکین همه باز بود. این مردم سست عنصر که دیروز جان و مال و خون خود را فدای مشروطه می‌کردند، هیچ تغییری در حالشان نبود. بلکه ساحت مقدس دارالشورای ملی را غارت کرده به چوب خشک و درخت تر آن ابقا نکردند و چیزی برای آن ساحت قدس مقدس باقی نگذاشتند؛ اگر یک قالیچه سرباز برد، ده قالی دوازده ذرعی مشروطه‌طلبان و ملت غیور آوردند. هی گفتند ملت پی به حقوق خود برده، هی گفتند ملت بیدار شده، همه دروغ، همه تزویر، همه خدعه. این بود بیداری و علم و آگاهی آنها که هر چه یقه پاره کردیم دستگیر آن لامذهب‌ها نشد که نشد.»^{۳۷} آزادیخواهان را به دار کشید و عده‌ای از مجلسیان را روانه‌ی تبعید کرد؛ به این ترتیب دوره‌ی اول مشروطیت در ایران دچار استبداد شد تا در گذار ایام، به دلاوری‌های مشروطه‌خواهان تبریزی و بختیاری، بازگشت مشروطیت و شروع دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی به تحقق پیوست و برگی به یاد ماندنی از تاریخ جدال دنیای قدیم و جهان مدرن بر اوراق سیر تحولات تاریخ ایران زمین نوشته شد.

^{۳۷} - روزنامه‌ی خاطرات عین‌السلطنه ۱۳۷۷، ص ۳/۲۱۲۴.

پیوست

مصوبات دوره‌ی اول مجلس شورای ملی ایران

۱۰ قانون اساسی مشروطیت مورخ ۱۴ ذی‌قعدة الحرام ۱۳۲۴ ق. / مرداد ۱۲۸۵ ش.

در تشکیل مجلس

اصل اول، مجلس شورای ملی به موجب فرمان معدلت بنیان مورخه‌ی چهاردهم جمادی‌الآخره ۱۳۲۴ مؤسس و مقرر است.

اصل دوم، مجلس شورای ملی نماینده‌ی قاطبه‌ی هالی مملکت ایران است که در امور معاشی و سیاسی وطن خود مشارکت دارند.

اصل سوم، مجلس شورای ملی مرکب است از اعضای که در تهران و ایالات انتخاب می‌شوند و محل انعقاد آن در تهران است.

اصل چهارم، عده‌ی انتخاب شونده‌گان به موجب انتخاب‌نامه‌ی علیحده از برای تهران و ایالات فعلاً یکصد و شصت و دو نفر معین شده است و برحسب ضرورت عده‌ی مزبوره تزاید تواند یافت الی دویست نفر.

اصل پنجم: منتخبی از برای دو سال تمام انتخاب می‌شوند و ابتدا این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در تهران حاضر خواهند شد. پس از انقضای مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر یک از منتخبین سابق را که بخواهند و از آنها راضی باشند، دوباره انتخاب کنند.

اصل ششم، منتخبین تهران لدی‌الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه و مذاکره می‌شوند. رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات به اکثریت مناط اعتبار و اجرا است.

اصل هفتم، در موقع شروع به مذاکرات باید اقلماً دو ثلث از اعضای مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه ربع از اعضا باید حاضر بوده و اکثریت آراء وقتی حاصل می‌شود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند.

اصل هشتم، مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی بر طبق نظامنامه‌ی داخلی مجلس به تشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول به کار شود.

اصل نهم، مجلس شورای ملی در مواقع تعطیل، فوق‌العاده منعقد تواند شد. اصل دهم، در موقع افتتاح مجلس خطابه‌ای به حضور همایونی عرض کرده به جواب خطابه از طرف قرین‌الشرف ملوکانه سرافراز و مباحی می‌شود. اصل یازدهم، اعضای مجلس بدو که داخل مجلس می‌شوند باید به ترتیب ذیل قسم خورده و قسم‌نامه را امضاء نمایند:

صورت قسم‌نامه

ما اشخاصی که در ذیل امضاء کرده‌ایم خداوند را به شهادت می‌طلبیم و به قرآن قسم یاد می‌کنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است، تکالیفی را که به ما رجوع شده است مهما امکن با کمال راستی و درستی و جد و جهد انجام بدهیم و نست به اعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خودمان صدیق و راستگو باشیم و به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت نماییم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فواید و مصالح دولت و ملت ایران.

اصل دوازدهم، به هیچ عنوان و به هیچ دست‌آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضای آن بشود. اگر احیاناً یکی از اعضا، علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد، باز باید اجرای سیاست درباره‌ی او با استحضار مجلس باشد.

اصل سیزدهم، مذاکرات مجلس شورای ملی از برای آن که نتیجه‌ی آنها به موقع اجرا گذارده تواند شد، باید علنی باشد. روزنامه‌نویس و تماشاچی مطابق نظامنامه‌ی داخلی مجلس حق حضور و استماع دارند، بدون اینکه حق نطق داشته باشند. تمام مذاکرات مجلس را روزنامه‌جات می‌توانند به طبع برسانند بدون تحریف و تغییر معنی، تا عامه ناس از مباحث مذاکره و تفصیل گزارشات مطلع شوند. هرکس صلاح‌اندیشی در نظر داشته باشد، در روزنامه‌ی عمومی برنگارد، تا هیچ امری از امور در پرده و بر هیچ کس مستور نماند. لهذا عموم روزنامه‌جات - مادامی که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه‌ی دولت و ملت نباشد - مجاز و مختارند که مطالب مفید عام‌المنفعه را، همچنان مذاکرات مجلس و صلاح‌اندیشی خلق را بر آن مذاکرات به طبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌جات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و به اغراض شخصی چیزی طبع نماید، یا تهمت و افترا بزند،

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد. اصل چهاردهم، مجلس شورای ملی به موجب نظامنامه‌ی علیحده موسوم به نظامنامه‌ی داخلی امور شخصی خود را از قبیل انتخاب رئیس و نواب رئیس و منشیان و سایر اجزاء و ترتیب مذاکرات و شعب و غیره منظم و مرتب خواهد کرد.

در وظایف مجلس و حدود و حقوق آن

اصل پانزدهم، مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسایل آنچه را صلاح ملک و ملت می‌داند، پس از مذاکره و مذاقه از روی راستی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و اطمینان با تصویب مجلس سنا به توسط شخص اول دولت به عرض برساند که به صحنه‌ی همایونی موشح و به موقع اجرا گذارده شود.

اصل شانزدهم، کلیه‌ی قوانینی که برای تشیید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانه‌ها لازم است باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد. اصل هفدهم، لوائح لازمه را در ایجاد قانونی یا تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم حاضر می‌نماید که با تصویب مجلس سنا به صحنه‌ی همایونی رسانده به موقع اجرا گذارده شود.

اصل هجدهم، تسویه‌ی امور مالیه، جرح و تعدیل بودجه، تغییر در وضع مالیات‌ها و رد و قبول عوارض و فروعات همچنان ممیزی‌های جدیدی که از طرف دولت اقدام خواهد شد به تصویب مجلس خواهند بود.

اصل نوزدهم، مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات و ممالک ایران و تحدید حکومت‌ها پس از تصویب مجلس سنا اجرای آرای مصوبه را از اولیای دولت بخواهد.

اصل بیستم، بودجه‌ی هریک از وزارتخانه‌ها باید در نیمه‌ی آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد.

اصل بیست و یکم، هرگاه در قوانین اساسی وزارتخانه‌ها قانونی جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقررره لازم شود، با تصویب مجلس شورای ملی صورت خواهد گرفت اعم از این که لزوم آن امور از مجلس عنوان یا از طرف وزرای مسؤل اظهار شده باشد.

اصل بیست و دوم، مواردی که قسمتی از عایدات یا دارایی دولت و مملکت منتقل یا فروخته می‌شود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لزوم پیدا می‌کند، به تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود.

اصل بیست و سوم، بدون تصویب شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی و شرکت‌های عمومی از هر قبیل و به هر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد.

اصل بیست و چهارم، بستن عهدنامه‌ها و مقاوله نامه‌ها، اعطای امتیازات (انحصار) تجارتي و صنعتی و فلاحتی و غیره اعم از این که طرف داخله باشد یا خارجه، باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد به استثنای عهدنامه‌هایی که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد.

اصل بیست و پنجم، استقراض دولتی به هر عنوان که باشد خواه از داخله، خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد.

اصل بیست و ششم، ساختن راه‌های آهن یا شوسه خواه به خرج شرکت و کمپانی اعم از داخله و خارجه منوط به تصویب مجلس شورای ملی است.

اصل بیست و هفتم، مجلس در هر جا نقضی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند، به وزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد و وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد.

اصل بیست و هشتم، هرگاه وزیری برخلاف یکی از قوانین موضوعه که به صحتی همایونی رسیده‌اند، به اشتباه‌کاری احکام کتبی یا شفاهی از پیشگاه مقدس ملوکانه صادر نماید و مستمسک مساهله و عدم مواظبت خود قرار دهد، به حکم قانون مسئول ذات مقدس همایون خواهد بود.

اصل بیست و نهم، هر وزیری که در امری از امور قوانینی که به صحتی همایونی رسیده است، از عهده‌ی جواب برنیاید و معلوم شود که نقض قانون و تخلف از حدود مقرر کرده است، مجلس عزل او را از پیشگاه همایونی مستدعی خواهد شد و بعد از وضوح خیانت در محکمه‌ی عدلیه دیگر، به خدمت دولتی منصوب نخواهد شد.

اصل سی‌ام، مجلس شورای ملی حق ارد مستقیماً هر وقت لازم بداند، عریضه‌ای به توسط هیأتی که مرکب از رئیس و شش نفر از اعضا که طبقات شش‌گانه انتخاب کنند، به عرض پیشگاه مقدس ملوکانه برساند. وقت شرفیابی را باید به توسط وزیر دربار از حضور مبارک استیذان نمود.

اصل سی و یکم، وزرا حق دارند در اجلاسات شورای ملی حاضر شده و در جایی که برای آنها مقرر است نشسته، مذاکرات مجلس را بشنوند و اگر لازم دانستند از رئیس مجلس اجازه‌ی نطق خواسته توضیحات لازمه را از برای مذاکره و مذاقه‌ی امور بدهند.

در اظهار مطالب به مجلس شورای ملی

اصل سی و دوم، هرکس از افراد ناس می‌تواند عرض حال یا ایرادات یا شکایات خود را کتباً به دفترخانه‌ی عرایض مجلس عرضه بدارد. اگر مطلب راجع به خود مجلس باشد، جواب کافی به او خواهد دارد و چنانچه مطلب راجع به یکی از وزارتخانه‌ها است، بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نمایند و جواب مکفی بدهند.

اصل سی و سوم، قوانین جدیدی که محل حاجت باشد در وزارتخانه‌های مسئول انشاء و تنقیح یافته به توسط وزیرای مسئول یا از طرف صدراعظم به مجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب صحنه‌ی همایونی موشح گشته به موقع اجرا گذاشته می‌شود.

اصل سی و چهارم، رئیس مجلس می‌تواند برحسب لزوم شخصاً یا به خواهش ده نفر از اعضای مجلس یا وزیری اجلاسی محرمانه بدون حضور روزنامه‌نویس و تماشاچی یا انجمنی محرمانه مرکب از عده‌ی منتخبی از اعضای مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضای مجلس حق حضور در آن نداشته باشند، لیکن نتیجه‌ی مذاکرات انجمن محرمانه وقتی مجری تواند شد که در مجلس محرمانه با حضور سه ربع از منتخبی مطرح مذاکره شده به اکثریت آرا قبول شود. اگر مطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول نشد، در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد ماند.

اصل سی و پنجم، اگر مجلس محرمانه به تقاضای رئیس مجلس بوده است، حق دارد هر مقدار از مذاکرات را که صلاح بدانند به اطلاع عموم برسانند. لکن اگر مجلس محرمانه به تقاضای وزیری بوده است افشای مذاکرات موقوف به اجازه‌ی آن وزیر است.

اصل سی و ششم، هریک از وزرا می‌توانند مطلبی را که به مجلس اظهار کرده در

هر درجه از مباحثه که باشد استرداد کند، مگر این که اظهار ایشان به تقاضای مجلس بوده باشد. در این صورت استرداد مطلب موقوف به موافقت مجلس است. اصل سی و هفتم، هرگاه لایحه‌ی وزیری در مجلس موقع قبول نیافت منضم به ملاحظات مجلس عودت داده می‌شود. وزیر مسئول پس از رد یا قبول ایرادات مجلس می‌تواند لایحه‌ی مزبوره را در ثانی به مجلس اظهار بدارد. اصل سی و هشتم، اعضای مجلس شورای ملی باید رد یا قبول مطالب را صریح و واضح اظهار بدارند و احدی حق ندارد ایشان را تحریض یا تهدید در دادن رأی خود نماید. اظهار رد و قبول اعضای مجلس باید به قسمی باشد که روزنامه‌نویس و تماشاچی هم بتوانند ادراک کنند، یعنی باید آن اظهار به علامات ظاهری باشد از قبیل اوراق کبود و سفید و امثال آن.

عنوان مطالب از طرف مجلس

اصل سی و نهم، هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شد فقط وقتی مطرح مذاکره خواهد شد که اقلماً پانزده نفر از اعضای مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند. در این صورت آن عنوان کتباً به رئیس مجلس تقدیم می‌شود. رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه را بدو در انجمن تحقیق مطرح مذاکره قرار بدهد.

اصل چهلم، در موقع مذاکره و مذاکره لایحه‌ی مذکوره در اصل سی نهم چه در مجلس و چه در انجمن تحقیق اگر لایحه‌ی مزبور راجع به یکی از وزرای مسئول باشد، مجلس باید به وزیر مسئول اطلاع داده که اگر بشود شخصاً والا معاون او به مجلس حاضر شده مذاکرات در حضور وزیر یا معاون او بشود. سواد لایحه و منضمات آن را باید قبل از وقت از ده روز الی یک ماه به استثنای مطالب فوری از برای وزیر مسئول فرستاده باشند. همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم باشد. پس از مذاکره مطلب با حضور وزیر مسئول در صورت تصویب مجلس به اکثریت آراء، رسماً لایحه نگاشته به وزیر مسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد.

اصل چهل و یکم، هرگاه وزیر مسئول در مطلب معنون از طرف مجلس به مصلحتی همراه نشد، باید معاذیر خود را توجیه و مجلس را متقاعد کند.

اصل چهل و دوم، در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر از جواب است و این جواب نباید بدون عذر موجه و بیرون از اندازه‌ی اقتضاء به عهده‌ی تأخیر بیفتد، مگر مطالب محرمانه که مستور بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد. ولی بعد از انقضای مدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس ابراز نماید.

در شرایط تشکیل مجلس سنا

اصل چهل و سوم، مجلس دیگری به عنوان سنا مرکب از شصت نفر اعضای تشکیل می‌یابد که اجلاس آن بعد از تشکیل مقارن اجلاس مجلس شورای ملی خواهد بود.

اصل چهل و چهارم، نظام‌نامه‌های مجلس سنا باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

اصل چهل و پنجم، اعضای این مجلس از اشخاص خبیر و بصیر و متدین محترم مملکت منتخب می‌شوند. سی نفر از طرف قرین‌الشرف اعلیحضرت همایونی استقرار می‌یابند: پانزده نفر از اهالی تهران، پانزده نفر از اهالی ولایات و سی نفر از طرف ملت، پانزده نفر به انتخاب اهالی تهران، پانزده نفر به انتخاب اهالی ولایات.

اصل چهل و ششم، پس از انعقاد سنا تمام امور باید به تصویب هر دو مجلس باشد. اگر آن امور در سنا یا از طرف هیأت وزرا عنوان شده باشد، باید اول در مجلس سنا تنقیح و تصحیح شده به اکثریت آراء قبول و بعد به تصویب مجلس شورای ملی برسند. ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان می‌شود برعکس از این مجلس به مجلس سنا خواهد رفت، مگر امور مالیه که مخصوص به مجلس شورای ملی خواهد بود و قرارداد مجلس در امور مذکوره به اطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات خود را به مجلس ملی اظهار نماید. ولیکن مجلس ملی مختار است ملاحظات مجلس سنا را بعد از مذاقه‌ی لازمه قبول یا رد نماید.

اصل چهل و هفتم، مادام که مجلس سنا منعقد نشده، فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی به صحنه‌ی همایونی موشح و به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

اصل چهل و هشتم، هرگاه مطلبی که از طرف وزیری پس از تنقیح و تصحیح در مجلس سنا به مجلس شورای ملی رجوع می‌شود قبول نیافت در صورت اهمیت

مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس شورای ملی به حکم انتخاب اعضای دو مجلس و بالسویه تشکیل یافته در ماده‌ی متنازع فیها رسیدگی می‌کند. نتیجه‌ی رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت می‌کنند. اگر موافقت دست داد فبها والا شرح مطلب را به عرض حضور ملوکانه می‌رسانند. هرگاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند، مجری می‌شود و اگر تصدیق نفرمودند امر به تجدید مذاکره و مذاقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دوثلث آراء، انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیأت وزرا هم جداگانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند، فرمان همایونی به انفصال مجلس شورای ملی صادر می‌شود و اعلیحضرت همایونی در همان فرمان حکم به تجدید انتخابات می‌فرمایند و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق را مجدداً انتخاب کنند.

اصل چهل و نهم، منتخبین جدید تهران باید به فاصله‌ی یک ماه و منتخبین ولایات به فاصله‌ی سه ماه حاضر شوند و چون منتخبین دارالخلافه حاضر شدند، مجلس افتتاح و مشغول کار خواهند شد. لیکن در ماده‌ی متنازع فیها گفتگو نمی‌کنند تا منتخبین ولایات برسند. هرگاه مجلسین جدید پس از حضور تمام اعضا، به اکثریت تام همان رأی سابق را امضا کرد، ذات مقدس همایونی آن رأی مجلس شورای ملی را تصویب فرموده، امر به اجرا می‌فرمایند.

اصل پنجاهم، در هر دوره‌ی انتخابیه که عبارت از دو سال است یک نوبت بیشتر امر به تجدید منتخبین نخواهد شد.

اصل پنجاه و یکم، مقرر آن که سلاطین اعقاب و اخلاف ما حفظ این حدود و اصول را که برای تشییید مبانی دولت و تأکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه عدلت و آسایش ملت برقرار و مجری فرمودیم وظیفه‌ی سلطنت خود دانسته در عهده شناسند.

فی شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۳۲۴

هو الله تعالی

این قوانین اساسی مجلس شورای ملی و مجلس سنا که حاوی پنجاه و یک اصل است،

صحیح است چهاردهم شهر ذی‌قعدة ۱۳۲۴ محل صحه‌ی همایونی

امضاء ولیعهد و امضاء مشیرالدوله

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

متمم قانون اساسی

بسم الله الرحمن الرحيم

اصولی که برای تکمیل قوانین اساسیه مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم شهر ذی القعدة الحرام یکهزار و سیصد و بیست و چهار به صحنه مرحوم مغفور شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار - نورالله مضجعه - موشح شده اضافه می‌شود، از قرار ذیل است:

کلیات

اصل اول، مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه‌ی حقه‌ی جعفریه اثنی عشریه است. باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد.

اصل دوم، مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله امثالهم و عامه‌ی ملت ایران تأسیس شده است، باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه‌ی اسلام و قوانین موضوعه‌ی حضرت خیرالانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده‌ی علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست. لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیأتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علما که دارای صفات مذکوره باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند، پنج نفر از آنها را یا بیشتر به مقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده به سمت عضویت بشناسند تا موادی که در مجلسین عنوان می‌شود به دقت مذاکره و غوررسی نموده هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه‌ی اسلام داشته باشد، طرح و رد نمایند

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیأت علما در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر - عجل الله فرجه - تغییرپذیر نخواهد بود.

اصل سوم، حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییرپذیر نیست مگر به موجب قانون.

اصل چهارم، پایتخت ایران تهران است.

اصل پنجم، الوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است.

اصل ششم، جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است مگر در مواردی که قوانین مملکتی استثنا می کند.

اصل هفتم، اساس مشروطیت جزئاً و کلاً تعطیل بردار نیست.

حقوق ملت ایران

اصل هشتم، اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود.

اصل نهم، افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی توان شد مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت معین می نماید.

اصل دهم، غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تقصیرات عمده هیچ کس را نمی توان فوراً دستگیر نمود، مگر به حکم کتبی رئیس محکمه‌ی عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت به او اعلام و اشعار شود.

اصل یازدهم، هیچ کس را نمی توان از محکمه‌ای که باید درباره‌ی او حکم کند، منصرف کرده مجبوراً به محکمه‌ی دیگر رجوع دهند.

اصل دوازدهم، حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمی شود مگر به موجب قانون.

اصل سیزدهم، منزل و خانه‌ی هرکس در حفظ و امان است. در هیچ مسکنی قهرماً نمی توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده.

اصل چهاردهم، هیچ یک از ایرانیان را نمی توان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

یا مجبور به اقامت محل معینی نمود مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند. اصل پانزدهم، هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیة‌ی قیمت عادلانه است. اصل شانزدهم، ضبط املاک و اموال مردم به عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل هفدهم، سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه‌ی ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون. اصل هیجدهم، تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.

اصل نوزدهم، تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

اصل بیستم، عامه‌ی مطبوعات غیر از کتب ضلال مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است، ولی هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشردهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده‌ی معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.

اصل بیست و یکم، انجمن‌ها و اجتماعاتی که مولد فتنه‌ی دینی دنیوی و مخل به نظم نباشند، در تمام مملکت آزاد است ولی مجتبعین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می‌کند باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع و میدان‌های عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند.

اصل بیست و دویم، مراسلات پستی کلیتاً محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردی که قانون استثناء می‌کند.

اصل بیست و سوم، افشاء یا توقیف مخابرات تلگرافی بدون اجازه‌ی صاحب تلگراف ممنوع است مگر در مواردی که قانون معین می‌کند.

اصل بیست و چهارم، اتباع خارجه می‌توانند قبول تبعیت ایران را بنمایند. قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت به موجب قانون جداگانه است.

اصل بیست و پنجم، تعرض به مأمورین دیوانی در تقصیرات راجعه به مشاغل آنها محتاج به تحصیل اجازه نیست مگر در حق وزرا که رعایت قوانین مخصوصه در این

باب بشود.

قوای مملکت

اصل بیست و ششم، قوای مملکت ناشی از ملت است. طریقه‌ی استعمال آن قوا را قانون اساسی معین می‌نماید.

اصل بیست و هفتم، قوای مملکت به سه شعبه تجزیه می‌شود:

اول - قوه‌ی مقننه که مخصوص است به وضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی می‌شود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و سنا و هریک از این سه منشأ حق انشای قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است به عدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح به صحنه‌ی همایونی. لکن وضع و تصویب قوانین راجعه به دخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است. شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه‌ی مجلس شورای ملی است.

دوم - قوه‌ی قضائیه و حکمیه که عبارتست از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شرعیات و به محاکم عدلیه در عرفیات.

سوم - قوه‌ی اجرائیه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام به توسط وزرا و مأمورین دولت به نام نامی اعلیحضرت همایونی اجرا می‌شود به ترتیبی که قانون معین می‌کند.

اصل بیست و هشتم، قوای ثلاثه‌ی مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود.

اصل بیست و نهم، منافع مخصوصه‌ی هر ایالت و ولایت و بلوک به تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی به موجب قوانین مخصوصه‌ی آن مرتب و تسویه می‌شود.

حقوق اعضای مجلسین

اصل سی‌ام، وکلای مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت وکالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوکاتی که آنها را انتخاب نموده‌اند.

اصل سی و یکم، یک نفر نمی‌تواند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

باشد.

اصل سی و دوم، چنانچه یکی از وکلا در ادارات دولتی موظفاً مستخدم بشود، از عضویت مجلس منفصل می‌شود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف به استعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود.

اصل سی و سوم، هریک از مجلسین حق تحقیق و تفحص در هر امری از امور مملکتی دارند.

اصل سی و چهارم، مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملی بی‌نتیجه است.

حقوق سلطنت ایران

اصل سی و پنجم، سلطنت ودیعه‌ای است که به موهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده.

اصل سی و ششم، سلطنت مشروطه‌ی ایران در شخص اعلیحضرت شاهنشاهی السلطان محمدعلی شاه قاجار ادام‌الله سلطنته اعقاب ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود.

اصل سی و هفتم، ولایت عهد در صورت تعدد اولاد به پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی‌الاصل و شاهزاده باشد می‌رسد و در صورتی که برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اگر خاندان با رعایت الاقرب فالاقرب به رتبه‌ی ولایت عهد نایل می‌شود و هرگاه در صورت مفروضه‌ی فوق اولاد ذکوری برای پادشاه به وجود آید حقاً ولایتعهد به او خواهد رسید.

اصل سی و هشتم، در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی می‌تواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که سن او به هیجده سال بالغ باشد. چنانچه به این سن نرسیده باشد با تصویب هیأت مجتمعه‌ی مجلس شورای ملی و مجلس سنا نایب‌السلطنه‌ای برای او انتخاب خواهد شد تا هیجده سالگی را بالغ شود.

اصل سی و نهم، هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمی‌تواند جلوس کند مگر این که قبل از تاج‌گذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود و با حضور اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیأت وزرا به قرار ذیل قسم یاد نماید.

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته به کلام‌الله مجید و به آنچه نزد خدا محترم

است قسم یاد می‌کنم که تمام هم خود را مصروف حفظ استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم، قانون اساسی مشروطیت ایران را نگهبان و بر طبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم و در ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عز شانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت به ترقی ایران توفیق می‌طلبم و از ارواح طیبه‌ی اولیای اسلام استمداد می‌کنم.

اصل چهل‌م، همینطور شخصی که به نیابت سلطنت منتخب می‌شود نمی‌تواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد. اصل چهل و یکم، در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد و انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید به تعویق بیفتد.

اصل چهل و دوم، در هر مورد که نایب‌السلطنه از طرف مجلسین انتخاب می‌شود انعقاد جلسه مشترک مجلسین بیش از ده روز نباید به تعویق بیفتد. هرگاه دوره‌ی وکالت وکلای هر دو مجلس و یا یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد و وکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منعقد می‌گردد.

در صورت انحلال یک یا هر دو مجلس تا تشکیل مجلس جدید و انتخاب نایب‌السلطنه امور نیابت سلطنت موقتاً به عهده‌ی هیأت مذکور در اصل چهل و یکم خواهد بود.

پادشاه می‌تواند در موقع مسافرت و در غیاب خود شورایی برای اداره‌ی امور سلطنت انتخاب و یا نایب‌السلطنه تعیین کند که با مشاوره‌ی شورای مزبور امور سلطنت را موقتاً برای مدت مسافرت و در غیاب پادشاه انجام دهد.

اصل چهل و سوم، شخص پادشاه نمی‌تواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگری شود.

اصل چهل و چهارم، شخص پادشاه از مسئولیت مبری است. وزیرای دولت در هرگونه امور مسئول مجلسین هستند.

اصل چهل و پنجم، کلیه‌ی قوانین و دستخط‌های پادشاه در امور مملکتی وقتی

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

اجرا می‌شود که به امضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان و دستخط همان وزیر است.

اصل چهل و ششم، عزل و نصب وزرا به موجب فرمان همایون پادشاه است. اصل چهل و هفتم، اعطای درجات نظامی و نشان و امتیازات افتخاری با مراعات قانون مختص شخص پادشاه است.

اصل چهل و هشتم، انتخاب مأمورین رئیسه‌ی دوایر دولتی از داخله و خارجه با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در مواقعی که قانون استثنا نموده باشد ولی تعیین سایر مأمورین راجع به پادشاه نیست مگر در مواردی که قانون تصریح می‌کند.

اصل چهل و نهم، صدور فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون این که هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نمایند.

اصل پنجاهم، فرمانفرمایی کل قشون بری و بحری با شخص پادشاه است.

اصل پنجاه و یکم، اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است.

اصل پنجاه و دوم، عهدنامه‌هایی که مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی مورخه‌ی چهاردهم ذی‌قعدة یک‌هزار و سیصد و بیست و چهار استتار آنها لازم باشد بعد از رفع محظور همین که منافع و امنیت مملکتی اقتضا نمود با توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه به مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود.

اصل پنجاه و سوم، فصول مخفیة هیچ عهدنامه مبطل فصول آشکار آن عهدنامه نخواهد بود.

اصل پنجاه و چهارم، پادشاه می‌تواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را به‌طور فوق‌العاده امر به انعقاد فرمایند.

اصل پنجاه و پنجم، ضرب سکه با موافقت قانون به نام پادشاه است.

اصل پنجاه و ششم، مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد.

اصل پنجاه و هفتم، اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قانون مشروطیت حاضره تصریح شده.

راجع به وزرا

اصل پنجاه و هشتم، هیچ کس نمی‌تواند به مقام وزارت برسد مگر آن که مسلمان

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

و ایرانی‌الاصل و تبعه‌ی ایران باشد.

اصل پنجاه و نهم، شاهزادگان طبقه‌ی اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمی‌توانند به وزارت منتخب شوند.

اصل شصتم، وزرای مسئول مجلسین هستند و در هر مورد که از طرف یکی از مجلسین احضار شوند باید حاضر گردند و نسبت به اموری که محول به آنهاست حدود مسئولیت خود را منظور دارند.

اصل شصت و یکم، وزرا علاوه بر این که به تنهایی مسئول مشاغل مختصه‌ی وزارت خود هستند به هیأت اتفاق در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند.

اصل شصت و دوم، عده‌ی وزرا را برحسب اقتضای قانون معین خواهد بود.

اصل شصت و سوم، لقب وزارت افتخاری به کلی موقوف است.

اصل شصت و چهارم، وزرا نمی‌توانند احکام شفاهی یا کتبی پادشاه را مستمسک قرارداده سلب مسئولیت از خودشان بنمایند.

اصل شصت و پنجم، مجلس شورای ملی یا سنا می‌توانند وزرا را تحت مؤاخذه و محاکمه درآورند.

اصل شصت و ششم، مسئولیت وزرا و سیاستی را که راجع به آنها می‌شود، قانون معین خواهد نمود.

اصل شصت و هفتم، در صورتی که مجلس شورای ملی یا مجلس سنا به اکثریت تامه عدم رضایت خود را از هیأت وزرا یا وزیری اظهار نمایند آن هیأت یا آن وزیر از مقام وزارت منزل می‌شود.

اصل شصت و هشتم، وزرا موظفاً نمی‌توانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده بگیرند.

اصل شصت و نهم، مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزرا را در محضر دیوانخانه‌ی تمیز عنوان خواهند نمود. دیوانخانه‌ی مزبوره با حضور تمام اعضای مجلس محاکمات دائره‌ی خود محاکمه خواهد کرد مگر وقتی که به موجب قانون اتهام و اقامه‌ی دعوی از دائره‌ی ادارات دولتی مرجوعه به شخص وزیر خارج و راجع به خود وزیر باشد.

تنبیه، مادامی که محکمه‌ی تمیز خواهد شد.

اصل هفتادم، تعیین تقصیر و مجازات وارده بر وزرا در موقعی که مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور اداره‌ی خود دچار اتهامات شخصی مدعیان گردند منوط به قانون مخصوص خواهد بود.

اقتدارات محاکمات

اصل هفتاد و یکم، دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع‌الشرایط است. اصل هفتاد و دوم، منازعات راجعه به حقوق سیاسیه مربوط به محاکم عدلیه است مگر در مواقعی که قانون استثنا نماید.

اصل هفتاد و سوم، تعیین محاکم عرفیه منوط به حکم قانون است و کسی نمی‌تواند به هیچ اسم و رسم محکمه برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید.

اصل هفتاد و چهارم، هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر به حکم قانون.

اصل هفتاد و پنجم، در تمام مملکت فقط یک دیوانخانه‌ی تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود آن هم در شهر پایتخت و این دیوانخانه‌ی تمیز در هیچ محاکمه ابتدا رسیدگی نمی‌کند مگر در محاکماتی که راجع به وزرا باشد.

اصل هفتاد و ششم، انعقاد کلیه محاکمات علنی است مگر آن که علنی‌بودن آن مخل نظم یا منافی عصمت باشد. در این صورت لزوم اخفا را محکمه اعلان می‌نماید.

اصل هفتاد و هفتم، در ماده تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه محرمانه‌بودن محاکمه صلاح باشد باید به اتفاق آراء جمیع اعضای محکمه باشد.

اصل هفتاد و هشتم، احکام صادره از محاکم باید مدلل و موجه محتوی فصول قانونیه که بر طبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود.

اصل هفتاد و نهم، در موارد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیأت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود.

اصل هشتمادم، رؤسا و اعضای محاکم عدلیه به ترتیبی که قانون عدلیه معین می‌کند منتخب و به موجب فرمان همایونی منصوب می‌شوند.

اصل هشتماد و یکم، هیچ حاکم محکمه‌ی عدلیه را نمی‌توان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر این که خودش استعفا نماید.

اصل هشتاد و دوم، تبدیل مأموریت حاکم محکمه‌ی عدلیه ممکن نمی‌شود مگر به رضای خود او.

اصل هشتاد و سوم، تعیین شخص مدعی عمومی با تصویب حاکم شرع در عهده‌ی پادشاه است.

اصل هشتاد و چهارم، مقرری اعضای محاکم عدلیه به موجب قانون معین خواهد شد.

اصل هشتاد و پنجم، رؤسای محاکم عدلیه نمی‌توانند قبول خدمات موظفه‌ی دولتی را بنمایند مگر این که آن خدمت را مجاناً برعهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد.

اصل هشتاد و ششم، در هر کرسی ایالتی یک محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد به ترتیبی که در قوانین عدلیه مطرح است.

اصل هشتاد و هفتم، محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام مملکت تأسیس خواهد شد.

اصل هشتاد و هشتم، حکمیت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی به موجب مقررات قانون به محکمه تمیز راجع است.

اصل هشتاد و نهم، دیوانخانه‌ی عدلیه و محکمه‌ها وقتی احکام و نظامنامه‌های عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدی را مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند.

درخصوص انجمن‌های ایالتی و ولایتی

اصل نودم، در تمام ممالک محروسه انجمن‌های ایالتی و ولایتی به موجب نظامنامه‌ی مخصوص مرتب می‌شود و قوانین اساسیه آن انجمن‌ها از این قرار است.

اصل نود و یکم، اعضای انجمن‌های ایالتی و ولایتی بلاواسطه از طرف اهالی انتخاب می‌شوند مطابق نظامنامه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی.

اصل نود و دوم، انجمن‌های ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه به منافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرر.

اصل نود و سوم، صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل به توسط انجمن‌های ایالتی و ولایتی طبع و نشر می‌شود.

در خصوص مالیه

اصل نودو چهارم، هیچ قسم مالیات برقرار نمی‌شود مگر به حکم قانون.
اصل نودو پنجم، مواردی را که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد بود.

اصل نود و ششم، میشان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی به اکثریت تصویب و معین خواهد نمود.

اصل نود و هفتم، در مواد مالیاتی هیچ تفاوت و امتیازی فیما بین افراد ملت گذارده نخواهد شد.

اصل نودو هشتم، تخفیف و معافیت از مالیت منوط به قانون مخصوص است.
اصل نود و نهم، غیر از موقعی که قانون صراحتاً مستثنی می‌دارد به هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمی‌شود مگر به اسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی.
اصل صدم، هیچ مرسوم و انعامی به خزینهی دولت حواله نمی‌شود مگر به موجب قانون.

اصل صد و یکم، اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتی که به موجب قانون مقرر می‌شود تعیین خواهد نمود.

اصل صد و دوم، دیوان محاسبات مأمور به معاینه و تفکیک محاسبات اداره‌ی مالیه و تفریغ حساب کلیه‌ی محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچ یک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز ننموده، تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود به مصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبه مختلفه‌ی کلیه‌ی ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع‌آوری خواهد کرد و صورت کلیه‌ی محاسبات مملکتی را باید به انضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید.

اصل صد و سوم، ترتیب و تنظیم و اداره‌ی دیوان به موجب قانون است.

قشون

اصل صد و چهارم، ترتیب گرفتن قشون را قانون معین می‌نماید. تکالیف و حقوق اهل نظام و ترقی در مناصب به موجب قانون است.

اصل صد و پنجم، مخارج نظامی هرساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

می‌شود.

اصل صد و ششم، هیچ قشون نظامی خارجه به خدمت دولت قبول نمی‌شود و در نقطه‌ای از نقاط مملکت نمی‌تواند اقامت و یا عبور کند مگر به موجب قانون. اصل صد و هفتم، حقوق و مناصب و شئون اهل نظام سلب نمی‌شود مگر به موجب قانون.

سواد دستخط مبارک همایونی

بسمه تبارک و تعالی

متمم نظامنامه‌ی اساسی ملاحظه شد، تماماً صحیح است و شخص همایون ما ان‌شاءالله حافظ و ناظر کلیه‌ی آن خواهیم بود. اعقاب و اولاد ما هم ان‌شاءالله مقوی این اصول و اساس مقدس خواهند بود. ۲۹ شعبان قوی‌ئیل ۱۳۲۵ در قصر سلطنتی تهران.

اصل الحاقی به متمم قانون اساسی

در هر موقعی که مجلس شورای ملی و مجلس سنا هر یک جداگانه خواه مستقلاً خواه نظر به پیشنهاد دولت لزوم تجدید نظر در یک یا چند اصل معین از قانون اساسی یا متمم آن را به اکثریت دوثلث کلیه‌ی اعضای خود تصویب نمایند و اعلی‌حضرت همایون شاهنشاهی نیز نظر مجلسین را تأیید فرمایند، فرمان همایونی برای تشکیل مجلس مؤسسان و انتخابات اعضای آن صادر می‌شود. مجلس مؤسسان مرکب خواهد بود از عده‌ای که مساوی باشد با مجموع عده‌ی قانونی اعضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا. انتخابات مجلس مؤسسان طبق قانونی که به تصویب مجلسین خواهد رسید به عمل خواهد آمد. اختیارات مجلس مزبور محدود خواهد بود به تجدید نظر در همان اصل یا اصول بخصوصی که مورد رأی مجلسین و تأیید اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بوده است.

تصمیمات مجلس مؤسسان به اکثریت دو ثلث آرای کلیه‌ی اعضای اتخاذ و پس از موافقت اعلی‌حضرت همایون شاهنشاهی معتبر و مجری خواهد بود.

این اصل شامل هیچ یک از اصول قانون اساسی و متمم آن مربوط به دین مقدس اسلام و مذهب رسمی کشور که طریقه‌ی حقه‌ی جعفریه‌ی اثنی عشریه می‌باشد و

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

احکام آن و یا مربوط به سلطنت مشروطه‌ی ایران است نمی‌گردد و اصول مزبور الی‌الابد غیرقابل تغییر است.

در مورد اصول چهار و پنج و شش و هفت قانون اساسی و تفسیر مربوط به اصل هفتم و همچنین در اصل هشت قانون اساسی و اصل چهل و نه متمم آن با توجه به سابقه و قوانینی که نسبت به بعضی از این اصول وضع شده است یک بار مجلس شورای ملی و مجلس سنا که پس از تصویب این اصل منعقد خواهند شد بلافاصله پس از رسمیت یافتن مجلسین در اصول مزبور تجدید نظر خواهند نمود و برای این منظور مجلس واحدی تحت ریاست رئیس مجلس سنا تشکیل داده و اصلاحات لازم را به اکثریت دوثلث آراء کلیه‌ی اعضای مجلسین به عمل خواهد آورد تا پس از آن که از طرف اعلی حضرت همایون شاهنشاهی تأیید گردید به صحنه‌ی ملوکانه موشح شده معتبر و مجری خواهد بود.

۲ + نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی

فصل اول

در تعیین رئیس و نایبان رئیس و منشیان و تکالیف آنها

۱ - پس از افتتاح مجلس در اجلاس اول باید مطابق ماده سی و دو و سی و سه نظامنامه انتخابات تعیین رئیس و دو نایب رئیس و چهار منشی از منتخبین به اکثریت آرا شود. رئیس به اکثریت تام سایرین به اکثریت نسبی و در موقع انتخابات رئیس و نایبان و منشیان باید اقلا سه ربع از اعضای مجلس حضور داشته باشند.

تکالیف رئیس

۲ - افتتاح و اختتام اجلاسات با رئیس است و قرار گرفتن یا برخاستن رئیس از جای خود علامت افتتاح و اختتام مجلس است. قبل از اجتماع عده لازمه از اعضا برای شروع به مذاکرات رئیس مجلس را افتتاح نمی‌کند. همچنین تعیین روز و ساعت اجلاسات مقرر یا فوق‌العاده به عهده رئیس است.

۳ - تعیین مستخدمین مجلس از قبیل نویسنده و پیشخدمت و سرایدار و اجزای نظمی و غیره و مقرر داشتن تکالیف این اجزاء به عهده رئیس است.

۴ - پس از آن که مجلسیان در موضوع معینی به قدر کفایت مذاکره کردند، رئیس امر به تحصیل آرا می‌نماید و نتیجه عمل را به مجلسیان اعلان می‌کند.

۵ - رئیس همیشه مراقب حفظ نظم در مذاکرات هست و هر وقت خلاف نظم ظاهر شود، قوانین نظمی مجلس را به مجلسیان تذکار می‌نماید.

۶ - هر یک از اجزای مجلس از قوانین نظمی مجلس منحرف شود و به تذکار رئیس متنبه نشود، رئیس تقصیر او را به مجلسیان اظهار می‌کند و حدی که موافق

فصل سیم است دربارهٔ او اجرا می‌نماید.

۷ - رئیس مجلس داخل گفتگو نمی‌شود و سخن آغاز نمی‌کند مگر در موقعی که مجلسیان نسبت به یکدیگر بی‌احترامی و خشونت کنند یا وقتی که چیزی از او بپرسند. در صورت اول باید مجلسیان را متذکر کند که ملتفت حفظ قانون باشند. در صورت دوم باید جواب مسائل را بیان کند.

۸ - هرگاه رئیس بخواهد در مباحثه مطلبی دخالت کند، باید جای خود را به نایب رئیس سپرده خود جای متکلم قرار گرفته و آن چه صلاح داند، مذاکره کند.

۹ - اگر به واسطهٔ نزاع و مشاجره اعضا امر مذاکرات معوق شود، رئیس می‌تواند موقهٔ به اندازهٔ رفع غائله اجلاس را تعطیل کند.

۱۰ - رئیس می‌تواند به هر یک از اعضای مجلس به قدر یک هفته برای رفع حوائج شخصی آن شخص مرخصی بدهد.

۱۱ - رئیس مجلس در هر انجمن تحقیق که از اعضای مجلس تشکیل یافته باشد، می‌تواند داخل شود و در مذاکرات آن انجمن شرکت نماید.

۱۲ - رسیدگی به صورت مجلس که منشیان در هر اجلاس می‌نویسند، به عهدهٔ رئیس است. همچنین تعیین و تحدید مکتوبات تندنویسان برای اشاعه و طبعه در روزنامجات.

۱۳ - شخص رئیس تابع مجلس است. در عین این که سمت ریاست دارد.

۱۴ - نماینده مجلس نسبت به خارج منحصر به شخص رئیس است و هر وقت هیئت مجلس به خارج مجلس مثلاً به وزرای دولت مطلبی داشته باشد، به توسط رئیس فقط ابلاغ و تحصیل جواب می‌شود، همچنین بالعکس.

۱۵ - رئیس مجلس می‌تواند بر حسب لزوم شخصاً یا به خواهش ده نفر از اعضای مجلس یا وزیری اجلاس محرمانه بدون حضور روزنامه نویس و تماشاچی یا انجمن محرمانه مرکب از عده منتخبین از اعضای مجلس تشکیل بدهد و سایر اعضای مجلس حق حضور در آن نداشته باشند. لکن نتیجه مذاکرات انجمن محرمانه وقتی مجری تواند شد که در اجلاس محرمانه با حضور عده کافی از اعضا مطرح مذاکره شده به اکثریت آرا قبول شود و اگر مطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت عنه خواهد بود.

۱۶ - در اول هر دوره اجلاسیه رئیس بودجه مخارج و مصارف آن دوره را تعیین

کرده در مجلس قرائت می‌شود. بعد از آن که مجلس به اکثریت آرا قبول شد، یک نفر وکیل خرج از اعضای مجلس منتخب می‌شود که با نظارت انجمنی از مجلس مباشر مخارج باشد.

تکالیف نایبان رئیس

۱۷ - به طور کلی تمام تکالیف رئیس در موقع غیبت رئیس بر نایبان رئیس وارد است.

تکالیف منشیان و دفتردار

۱۸ - نوشتن صورت مجلس برای هر اجلاس به طبع رساندن مذاکرات در اجلاسات برای تقسیم به اعضای مجلس و رسیدگی به تحریرات تندنویسان و مقابله آن‌ها با صورت‌هایی که روزنامه نویسان برمی‌دارند به عهده منشیان مجلس است.

۱۹ - هر روز در حین افتتاح هر اجلاس منشی اصول مطالبی را که روز قبل در مجلس طرح شده برای مجلسیان قرائت می‌کند که نتیجه مجلس سابق را در نظر داشته باشند.

۲۰ - بعد از اجتماع مجلسیان باید حضار مجلس را با فهرستی که در دفتر ثبت است تطبیق کرده عده حاضرین و غائبین را تشخیص بدهند. همچنین تعیین عده حاضرین از اعضا قبل از شروع به مذاکرات یا رأی خواستن به عهده منشیان است.

۲۱ - قرائت کلیه مکتوباتی که در مجلس باید خوانده شود با منشیان است مگر آن که آن مکتوب راجع به یکی از اعضای مجلس باشد و خودش بخواهد قرائت کند.

۲۲ - وقتی که منشی مطلبی را در مجلس قرائت می‌کند، اگر مجلسیان به تجدید قرائت امر کردند باید دفعه ثانی و ثالث بخواند تا وقتی که از اعاده ذکر آن مستغنی شوند.

۲۳ - هر یک از منشیان مادام که مشغول کار است، حق دخالت در مباحثات ندارد مگر این که کار خود را به منشی دیگر واگذار کرده خود داخل در مباحثات شود.

۲۴ - در موقع تعیین اکثریت شمردن آرا به عهده منشیان است.

۲۵ - مکتوباتی که از طرف مجلس نوشته می‌شوند اعم از سؤال یا جواب باید یکی از منشیان مسوده کرده، پس از تصویب مجلس و امضای رئیس به دفتر بفرستد که

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آن را پاکنویس کرده به امضای رئیس برساند و اصل را با اسناد راجعه به آن صبت و ضبط نماید.

۲۶ - یک نفر دفتردار از اعضای مجلس منتخب می‌شود که متصدی ضبط اسناد و ترتیب دفتر باشد و نوشتجات و ثبت‌هایی که منشیان به او می‌دهند به ترتیب مخصوص ضبط کند که در موقع لزوم مراجعه به آن سهل و آسان باشد.

۲۷ - نوشتجات و دفاتری که مربوط به مجلس است دفتردار حق ارائه آن را به احدی ندارد مگر به اجازه تمام یا اکثر افراد مجلسیان و همچنین اطلاعاتی که دفتردار یا اجزای دفترخانه در ضمن خدمت تحصیل کرده‌اند نباید اشاعه و افشا نمایند.

۲۸ - ثبت اسامی اعضای انجمن‌های تحقیق با دستورالعمل کار و تاریخ مأموریت آن‌ها همیشه باید در دفتر حاضر باشد.

۲۹ - برای تعیین تکالیف دفتردار و اجزا و مستخدمین دفترخانه دستورالعمل مخصوص نوشته خواهد شد و به تصویب اعضای مجلس خواهد رسید.

فصل دوم

در حدود سایر اعضای مجلس

۳۰ - اعضای مجلس باید در نهایت ادب و احترام با یکدیگر رفتار کنند و از حیث رعایت ادب فرقی میان افراد اهل مجلس ملحوظ نیست.

۳۱ - تواضع کردن و ادای بعضی رسومات که اسباب تفرقه حواس باشد، در مجلس ممنوع است.

۳۲ - هر یک از اعضای مجلس حق دارد موافق فصل پنجم مطلبی را عنوان کند و در رد و قبول هر امری که دیگری ابتدا کرده و در تحت مذاکره است، رأی خود را اظهار کند.

۳۳ - اکل و شرب و استعمال دخانیات در اطاق مجلس ممنوع است.

۳۴ - باید هر یک از افراد مجلسیان مواظب باشد که تضييع حق دیگری را نکند. مثلاً اگر یکی از اجزاء مشغول نطق است به نجوی کردن یا قیل و قال کردن حواس او را متفرق نکند.

۳۵- اگر اتفاقاً دو نفر از مجلسیان مقارن یکدیگر اجازه نطق خواستند سبقت در استیذان ولو به چند ثانیه حق تقدیم می‌دهد.

۳۶- اگر یکی از مجلسیان شکایت شخصی راجع به یکی از اعضای مجلس داشته باشد باید به مجلس اظهار کند و بعد از این که مدعی علیه جواب شخص شاکی را گفت هر دو از مجلس خارج شوند تا در غیاب آنها اهل مجلس در ماده شکایت رسیدگی کرده حکم مسئله را معلوم کند.

۳۷- هر یک از اعضای مجلس بر ترک یا خلاف فعلی از نظامنامه داخلی مطلع شود حق دارد به رئیس اطلاع داده منع و اصلاح آن را بخواهد.

فصل سوم در جنایات و مجازات‌های اعضای مجلس

جنایات اعضای مجلس به چهار درجه تقسیم می‌شود.

۳۸- درجه اول از قبیل نجوی کردن و سرفه کردن به عمد در موقع نطق یکی از اعضای و مجازات این درجه ملامت کردن و نصیحت کردن بر ترک این افعال است.

۳۹- درجه دوم مثل مخالفت قوانین نظمیه با اعاده نجوی و قیل و قال با وجود ملامت و نصیحت و مجازات این درجه بیرون رفتن از مجلس است به امر رئیس به قدر یک ساعت.

۴۰- درجه سوم حاضر نشدن در تکالیف مقرر است مثل این که یکی از اعضای در ده اجلاس متوالیه بدون عذر صحیح از حاضر شدن مجلس تقاعد کند. در این صورت مجلس به او تکلیف خواهد کرد که از عضویت استعفا کند. اگر بعد از تکرار تکلیف استعفا تا سه مرتبه استعفا نکرد از عضویت خلع می‌شود و عضو دیگر به جای او انتخاب می‌شود و این عضو از وکلای هر طبقه و ایالتی باشد در صورت اقتضای فرصت باید همان طبقه و ایالت بدل او را تعیین کنند و قبل از تعیین هیئت مجلس از او وکالت خواهد کرد.

۴۱- درجه چهارم خیانت کردن به هیئت مجلس از قبیل رشوه گرفتن یا افشای سر مجلس یا سعی در تخریب اساس و اخلال در پیشرفت کار مجلس است به غرض و جزای این درجه بعد از ثبوت اخراج از عضویت مجلس و فرستادن به محکمه عدلیه و تعاقب در مجازات خائن است.

فصل چهارم در طریقه رسیدگی به مطالب

۴۲- مطالبی که از طرف دولت به مجلس می‌رسد، کلمه (اظهار) تعبیر می‌شود و مطالبی که از طرف اعضاء مجلس باشد به کلمه (عنوان) و آنچه سایر مردم بفرستند به کلمه (عریضه).

۴۳- هرگاه عریضه به مجلس برسد و بیشتر از سه ربع اعضاء مجلس مذاکره آن را بی‌فایده بدانند به رئیس‌اظهار می‌دارند که مطلب قابل مذاکره نیست.

۴۴- هرگاه مطالبی باشد که فهم آن موقوف به فهم مطلب دیگر باشد، اول مطلب موقوف علیه را مذاکره کرده بعد به مطلب اول می‌پردازند.

۴۵- اگر مطلب پیچیده و درهم و متوقف بر مطالب متعدده دیگر باشد، مجلسیان مختارند که خودشان اطراف و حواشی مسئله را تنقیح کرده در مجلس مذاکره نمایند یا انجمن تحقیق مخصوص برای رسیدگی به آن تشکیل کنند.

فصل پنجم در طریقه تقدیم به مجلس

۴۶- اگر کسی از مجلسیان چیزی راجع به نفع و مصلحت عموم به نظرش رسید، بعد از آنکه در لایحه نوشته و خواست به مجلسیان عرضه دارد باید از رئیس اجازه بخواهد بعد از تحصیل اجازه می‌تواند شخصاً به محلی که برای نطق و تکلم معین شده برود و لایحه مرقومه را قرائت نماید یا لایحه را بدهد که یکی از منشیان بخواند. اگر پانزده نفر از اعضاء مجلس با عنوان او همراه شدند، یعنی مشاوره آن عنوان را تصویب کردند مطلب او در مجلس قبول می‌شود و در تحت مشاوره در می‌آید.

۴۷- بعد از قبول مطالبی مجلس مختار است در همان ساعت در آن ماده مذاکره کند یا محول به وقت دیگر بگذارد.

۴۸- سایر مردم نیز می‌توانند در صلاح‌بینی یا شکایات مطالب خود را مکتوباً با امضا و نشانه منزل به مجلس بفرستند که در انجمن عریض رسیدگی شده آنچه تکلیف مجلس است رفتار شود.

فصل ششم در طریقه تشکیل انجمن‌های تحقیق و سپردن مطالب به آنها

۴۹- مقصود از انجمن تحقیق هیئتی است که اعضاء مجلس برای رسیدگی مطلب

بخصوص از میان خود انتخاب می‌کنند و آن بر حسب ضرورت و لزوم موقتی یا دائمی خواهد بود.

۵۰- در موقع تشکیل انجمن اول باید تعیین کنند که برای انجام کاری که موضوع تحقیق است، چند نفر اجزاء لازم است و بعد از تعیین عده اجزاء شروع به انتخاب کنند و طریقه انتخاب آن است که رئیس اسامی اشخاصی را که برای عضویت انجمن صلاحیت دارند معین کرده، به مجلسیان اظهار می‌کند. اگر قبول کردند همان اشخاص اعضای انجمن خواهند بود والا هر کدام مقبول مجلسیان نباشد، به حکم اکثریت تبدیل می‌شود.

۵۱- هر یک از انجمن‌های تحقیق یک نفر رئیس و یک نفر منشی و یک راپورت دهنده مابین اعضاء خود انتخاب خواهند کرد.

۵۲- تکلیف اعضای این انجمن آن است مطلبی که به آن‌ها رجوع شود اول بطور صحت تنقیح کرده بعد به دقت تمام مذاکره کنند، بعد از فهم مطلب نتیجه تحقیقات را راپورت کرده در موقعی که مجلس معین می‌کند به مجلس عرضه دارند.

۵۳- اگر انجمن تحقیق برای مذاکره در امری است که یکی از اعضاء عنوان کرده باشد در این صورت باید آن عضو یکی از اعضای انجمن باشد و اگر انجمن راجع به مطلبی است که از طرف وزیری اظهار شده، آن وزیر می‌تواند در آن انجمن حضور داشته باشد و در مذاکرات شرکت نماید.

۵۴- بعد از انتخاب اعضاء انجمن باید منشی اسامی آنها را ثبت کند و صورت اسامی اعضا را با دستورالعمل و ترتیبی که مجلسیان برای انجمن مقرر کرده‌اند نوشته بعد از امضای رئیس به رئیس تحقیق بدهد.

۵۵- تکلیف انتظامات داخلی اعضای انجمن تحقیق در حکم انتظامات مجلس شورای ملی است.

۵۶- اگر اعضاء انجمن تحقیق از دستورالعمل مجلس منحرف شوند و بر خلاف مأموریت مقرر رفتار کنند اعمال آنها از درجه اعتبار ساقط است.

۵۷- اعضای انجمن تحقیق در باب حدود و تنبیهات و شکایات باید به مجلس شورای ملی رجوع کنند.

۵۸- راپورت دهنده انجمن بعد از ختم عمل نتیجه تحقیقات و خلاصه رأی انجمن را به مجلسیان اظهار می‌کند یا تفصیلاً راپورتی را که حاضر کرده است، قرائت

می‌کند و نوشتجات راجع به مطلب را با راپورت انجمن به رئیس مجلس تسلیم می‌کند تا باز تفصیلاً در موقع به سمع مجلسیان برسد و معلوم شود رأی انجمن در مجلس نیز قبول شده یا نه در صورت عدم قبول خود مجلس در آن خصوص استیناف می‌کند یا انجمن دیگر انتخاب می‌نماید.

فصل هفتم در انجمن تحقیق عرایض

۵۹- چون عده عرایض به مجلس از طرف مردم غالباً زیاد خواهد بود، لهذا برای رسیدگی به عرایض یک انجمن تحقیق عرایض برقرار می‌شود. این انجمن عرایضی را که لیاقت مذاکره در مجلس داشته باشند، عیناً به مجلس اظهار می‌دارد و از سایر عرایض هفته یک مرتبه فهرستی ترتیب داده با اشاره به خلاصه آنها به عرض مجلس خواهد رسانید.

فصل هشتم در تصحیح و تجزیه مطالبی که به مجلس داده می‌شود

۶۰- اگر اصل مطلبی که به مجلس وارد می‌شود ناطق بر بعضی جزئیات نباشد، اعضاء مجلس می‌توانند جزئیات مطلب را معین کرده تحت مشاوره درآورند.

۶۱- مطلبی که به مجلس داده می‌شود تکلیف اعضاء مجلس یا تکلیف اعضاء انجمن‌های تحقیق این است که اگر در عبارات و طریقه ادای آن یا در شرح جزئیات عیب و نقصی باشد، تصحیح کرده به عبارات واضح و روشن تعبیر کنند. بعد از تصحیح اگر جزئیات و فروع زیاد داشته باشد، باید آن را به اجزائی که مطلب از آنها ترکیب شده تجزیه کرده در هر یک علیحده گفتگو کنند. مثل اینکه شخصی مطلبی داده است که فلان مالیات باید از فلان محل گرفته شود و به فلان مصرف برسد. یک جزء مطلب گرفتن مالیات است از این محل و جزء دیگر مصرفی است که معین شده. پس باید مطلب را به این دو جزء تجزیه کرده در هر یک علیحده مذاکرات کنند و رأی مجلس یا انجمن را در هر کدام تعیین نمایند.

۶۲- یکی از شرایط تصحیح مطالب این است بعد از فراغت از تصحیح سه مرتبه در مجلس خوانده شود. اول به عباراتی که صاحب مطلب داده است، بدون کم و زیاد. دوم با ضمیمه آنچه کم و زیاد کرده‌اند. سوم بعد از تصحیح تام و علت سه دوره قرائت این است که معلوم شود تفاوت مطلب تصحیح شده و کم و زیاد آن با اصل

مطلب چیست.

فصل نهم در ترتیب مذاکره مطلب

۶۳- هنگامی که مطلب در تحت مذاکره است، دیگری نباید مطلب مجددی در آن داخل کند تا مذاکره آن مطلب تمام بشود، مگر آنکه مطلب ثانی مقدمه مطلب اول باشد و مجلسیان به آن محتاج باشند.

۶۴- مطالبی که به مجلس می‌رسد هر کدام مهم‌تر است، مذاکره و انجام آن باید مقدم باشد.

۶۵- وقتی که مطلب به مجلس رسید و رئیس مذاکره آن را به روزی معین توقیت کرد، باید این مطلب در فهرست آن روز ثبت شود تا در آن روز و در ساعتی که معین کرده‌اند در آن مذاکره شود. اتفاقاً اگر مجلسیان در آن ساعت به مطلب دیگر مشغول شدند، هر کس از اعضاء مجلس ملتفت شد حق دارد اظهار کند که موقع مذاکره فلان مطلب رسیده است و باید آن را مقدم داشت.

۶۶- اگر مطلب مهمی پیش آید که انعقاد مجلس برای مذاکره آن لازم باشد و تا موعد انعقاد مجلس معمول فاصله باشد، باید رئیس اعلان کند که در فلان وقت و فلان ساعت انعقاد مجلس فوق‌العاده برای فلان مطلب لازم است و مجلسیان باید در همان روز و ساعت معین حاضر شوند. بعد از حضور و مذاکره اگر باز به انعقاد مجلس دیگر احتیاج افتاد، هر یک از مجلسیان می‌توانند ضرورت مجلس فوق‌العاده دیگر را اظهار کنند و رئیس وقت و ساعت آن را معین نماید تا وقتی که مذاکره آن مطلب ختم و اعاده مجلس فوق‌العاده ضرور نباشد.

۶۷- مطالب دولتی و مطالب اساسی باید سه مرتبه در مجلس قرائت و مطرح مذاکرات شود.

۶۸- ترتیب قرائت سه‌گانه این است که پس از قرائت اول در اصول مسئله مذاکره کنند و معلوم شود که رجوع به انجمن تحقیق لازم است یا نیست. از قرائت اول تا قرائت ثانی باید اقلأً دو روز فاصله باشد و اگر مطلب راجع به انجمن تحقیق شود، باید از روزی که مجلس انجمن تحقیق به اعضا تقسیم می‌شود تا روز قرائت ثانی سه روز بگذرد.

۶۹- پس از قرائت ثانی اصلاحاتی که به نظر اعضاء مجلس می‌رسد، باید به ترتیب

مقرر اظهار نمایند و به دلایل لازمه استدلال کنند. پس از انجام مذاکرات نتیجه آنها را که یکی از منشیان نوشته است، به انضمام صورت اصل مطلب در نوبت ثالث قرائت نموده آراء اهل مجلس معین شود یقین است. اگر در قرائت ثانی مجلس مطلب را رد کند، قرائت ثالث واقع نخواهد شد.

۷۰- پس از انجام مذاکرات در قرائت ثانی و تقسیم صورت مجلس به اعضاء تا قرائت ثالث باید اقلأً دو روز فاصله باشد. بعد از قرائت ثالث اصلاحی که یک یا چند نفر اظهار نمایند، مطرح مذاکره نمی‌شود مگر آنکه پانزده نفر متفقاً آن اصلاح را بخواهند و نتیجه قرائت ثالث رد یا قبول خواهد بود.

۷۱- مطالبی که در یک دوره اجلاسیه قرائت نشده باشد یا پس از قرائت ناتمام مانده باشد، در دوره دیگر مطرح مذاکره نمی‌شود مگر اینکه مجدداً اظهار شود.

۷۲- برای تحصیل آراء باید مطلبی که مطرح مذاکرات بوده قبل از رأی خواستن جهت تذکار حاضرین در اطاق خوانده شود.

فصل دهم بعضی قوانین در مباحثه و مذاکره مطالب

۷۳- در صورتی که دو ثلث از اعضاء مجلس حضور داشته باشند، شروع به مذاکرات و در صورتی که سه ربع حاضر باشند، اقدام به تحصیل آراء می‌شود. اگر عده حاضرین از سه ربع کمتر باشد تحصیل آراء نمی‌شود.

۷۴- حق نطق با کسی است که پس از عنوان مطلبی اول خواهش نطق کند و بعد به ترتیب اظهار.

۷۵- هر یک از مجلسیان که مستعد برای نطق هستند، در اول امر بیش از یک مرتبه حق نطق ندارند. ولی بعد از آنکه سایر اعضاء مجلس هر کدام یک مرتبه نطق کردند یا از سکوت آنها معلوم شد که نطقی در آن موضوع معین ندارند و مطلب هم مجمل ماند، آن وقت ناطق اول می‌تواند با اجازه رئیس ثانیاً نطق کند تا وقتی که مطلب تعیین و تشریح شود.

۷۶- اگر یکی از مجلسیان که نوبت نطق اوست نطق کرد، ولی مجلسیان نطق او را ملتفت نشدند می‌تواند از رئیس اجازه بخواهد که نطق خود را تجدید نماید.

۷۷- در موقعی که مباحثه مطلبی در مجلس طول کشید و رأی مجلسیان معلوم نشد، هر یک از آنها می‌توانند برخاسته و اظهار دارند که مذاکره این مطلب طول کشیده باید رئیس اکثریت آراء را معین کند. در این وقع اگر پانزده نفر از مجلسیان

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

شخص متکلم را تقویت کردند، رئیس باید فوراً به مجلس اعلان بدهد و درصدد کسب اکثریت برآید.

فصل یازدهم در طریقه به دست آوردن اکثریت آراء

۷۸- برای تعیین اکثریت آراء پس از اعلان رئیس به هر یک از اعضاء دو قطعه مقوا داده می‌شود که یکی از آنها سفید و دیگری کبود خواهد بود و اسم گیرنده روی آنها چاپ است. مقوای سفید نشانه قبول و کبود نشانه رد مطلب است. هر یک از اعضا باید رأی خودش را به انداختن یکی از دو قطعه مقوا در ظرفی که نزد او می‌برند، ظاهر سازد. پس از تحویل آراء تمام اعضا آن ظرف را در حضور حاضرین خالی می‌کنند و یکی از منشیان مقوهای سفید را جدا و مقوهای کبود را جدا به صوت بلند شماره می‌نماید و رئیس مجلس حاصل شماره را اعلام می‌کند.

۷۹- رئیس و منشیان باید رأی خود را بعد از آراء سایرین و قبل از شماره آراء به ترتیب فوق اظهار نمایند.

۸۰- هرگاه در موقع به دست آوردن اکثریت آراء یک یا چند نفر که عده آنها بیش از ربع عده اعضای مجلس نباشد حاضر نبودند، حق ندارند رأی مجلس را قبول نکنند.

فصل دوازدهم در توضیح خواستن از ادارات

۸۱- سؤالات مکتوبی که از طرف مجلس از وزراء می‌شود باید در ماده معین باشد و پانزده نفر از اعضا مجلس آن را امضا نموده به رئیس بدهند که سواد آن را به مهر مجلس به مقام صدارت تبلیغ نموده اصل را به دفتر خانه مجلس بسپارد. در موقعی که رئیس این سؤالات را به مقام صدارت یا وزراء تبلیغ می‌کند، باید روزی را تعیین کند که صدراعظم یا وزیری که مطلب راجع به اوست یا معاون آنها برای جواب دادن در مجلس حاضر شود.

۸۲- روز موعد اول کسی که توضیح خواسته و منشاء سؤال بوده، مطلب را اظهار و موجه می‌دارد تا وزیر یا معاونی که حاضر است جواب بگوید.

فصل سیزدهم در انشا عرایض به حضور مبارک

۸۳- برای انشاء عرایض به حضور مبارک همایونی انجمنی مرکب از دوازده نفر از اعضاء مجلس تشکیل می‌شود که هر دو نفر از آنها از طبقه باشند. این انجمن به

ریاست رئیس مجلس عریضه را نوشته پس از قرائت در مجلس به توسط هیئتی که مرکب است از رئیس مجلس و شش نفر دیگر که طبقات شش گانه انتخاب کنند به عرض می‌رسد.

فصل چهاردهم در رسیدگی به شکایات راجعه به انتخابات

۸۴- چنانکه در نظامنامه انتخابات مقرر است، شکایات در انتخابات را باید بالاخره راجع به مجلس شورای ملی نمایند و برای رسیدگی به این شکایات باید انجمن تحقیقی تشکیل شود که به مواد شکایات رسیدگی نماید.

۸۵- شکایات راجعه به انتخابات را در هر محلی باید در ظرف ده روز پس از انجام انتخابات به پست‌خانه آن محل داده باشند، والا طرف ملاحظه نخواهد بود.

۸۶- انجمن تحقیقات شکایاتی را که به موقع به مجلس ارسال شده باشد، رسیدگی می‌نماید و صورت مجلس انجمن را به مجلس عرضه می‌دارد و اگر منتخبی بر خلاف نظامنامه انتخاب شده باشد، باید آن انتخاب اعاده شود. ولی تا روزی که در این خصوص حکم مجلس صادر نشده، آن منتخب از اعضای مجلس محسوب است و حق رأی دادن دارد.

فصل پانزدهم در تکالیف تماشاچی

۸۷- عموم مردم می‌توانند با داشتن بلیط برای استماع مذاکرات در اجلاسات علنی داخل مجلس شورای ملی بشوند و در جایی که برای تماشاچی مقرر است، بنشینند.

۸۸- تماشاچیان به هیچ وجه حق شرکت در مذاکرات مجلس ندارند و باید در کمال آرامی نشسته فقط مستمع باشند.

۸۹- تماشاچیان باید در ورود به مجلس خود را مکلف به اطاعت قوانین نظمیه مجلس دانسته، در صورت تخلف از آنها از هر گونه اقدامات سخت نرنجند.

خاتمه

۹۰- هر یک از این قوانین و نظامات که به حکم تجربه و اقتضای وقت جالب نسخ و تغییر باشد، اعضاء مجلس به حکم اکثریت می‌توانند آن را به قانون دیگر که مناسب با حال مجلس باشد، تبدیل کنند و همچنین فصول جدیدی که طرف احتیاج بشوند، بر این نظامنامه اضافه خواهد شد.

۳۰ نظامنامه انتخابات مجلس شورای ملی (اصنافی)

فصل اول قواعد انتخابات

ماده اول - انتخاب کنندگان ملت در ممالک محروسه ایران از ایالات و ولایات باید از طبقات ذیل باشند: شاهزادگان و قاجاریه - علما و طلاب - اعیان و اشراف - تجار و ملاکین - فلاحین و اصناف.

(تنبیه ۱) ایالات هر ایالتی جزو سکنه آن ایالت محسوب و با شرایط مقرر حق انتخاب دارند.

(تنبیه ۲) ملاک عبارت از ارباب ملک است، فلاح عبارت از زارع.

ماده دوم - انتخاب کنندگان باید دارای مقامات ذیل باشند:

اولاً - سن آنها کمتر از ۲۵ سال نباشد.

ثانیاً - رعیت ایران باشند.

ثالثاً - معروفیت محلی داشته باشند.

رابعاً - ملاکین و فلاحین آنها باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد.

پنجم - تجار آنها حجره و تجارت معینی داشته باشند.

ششم - اصناف آنها باید از اهل صنف و کار معین صنفی داشته باشند و دارای دکانی باشند که کرایه آن دکان مطابق کرایه‌های حد وسط محلی باشد.

ماده سیم - اشخاصی که از انتخاب نمودن کلیه محروم هستند از قرار تفصیلند:

اولاً - طایفه نسوان.

ثانیاً - اشخاص خارج از رشد و آنهایی که محتاج به قیم شرعی می‌باشند.

ثالثاً - تبعه خارجه.

رابعاً - اشخاصی که سن‌شان کمتر از بیست و پنج سال باشد.

خامساً - اشخاصی که معروف به فساد عقیده هستند.

سادساً - ورشکسته‌ای که بی‌تقصیری خود را ثابت نکرده باشد.

سابعاً - مرتکبین قتل و سرقت و مقصرین و آنهایی که مجازات اسلامی قانونی

دیده‌اند و متهمین به قتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند.
ثامناً - اهل نظام بری که مشغول خدمت‌اند.

اشخاصی که از انتخاب نمودن به شرط ممنوع‌اند، از قرار ذیل است:

اولاً - حکام و معاونین حکام در محل سکونت.

ثانیاً - مستخدمین اداره نظمیه و ضبطیه در محل مأموریت خودشان.

ماده چهارم - انتخاب شدگان باید دارای مقامات ذیل باشند:

اولاً - زبان فارسی بدانند.

ثانیاً - سواد فارسی داشته باشند.

ثالثاً - رعیت داخله باشند.

رابعاً - داخل در خدمت دولتی نباشند.

خامساً - سن آن‌ها کمتر از سی سال و اضافه از هفتاد سال نباشد.

سادساً - در امور مملکتی بصیرتی داشته باشند.

ماده پنجم - اشخاصی که از انتخاب شدن محروم هستند:

اولاً - طایفهٔ اناثیه.

ثانیاً - تبعه خارجه.

ثالثاً - اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمت‌اند.

رابعاً - ورشکسته به تقصیر.

خامساً - مرتکبین به قتل و سرقت و مقصرین و آن‌هایی که مجازات قانونی اسلامی دیده‌اند و متهمین به قتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از خود نکرده باشند.

سادساً - آن‌هایی که سن‌شان از سی سال کمتر باشد.

سابعاً - اشخاصی که معروف به فساد عقیده هستند و متجاهر به فسق.

ماده ششم - عدهٔ انتخاب شدگان ملت در بلاد ایران متناسب با جمعیت سکنه آن بلاد است و از هر ایالتی شش یا دوازده نفر موافق صورت ذیل باید انتخاب شود، مگر تهران که عدهٔ انتخاب شدگان آن به موجب تفصیل ذیل است:

شاهزادگان و قاجاریه چهار نفر.

علما و طلاب چهار نفر.

تجار ده نفر.

ملاکین و فلاحین ده نفر.
اصناف، از هر صنفی یک نفر؛ جمعاً سی و دو نفر می‌شود.
در سایر ایالات و ولایات از قرار تفصیل است:
آذربایجان ۱۲ نفر.
خراسان و سیستان و تربت و ترشیز و قوچان و بجنورد و شاهرود و بسطام ۱۲ نفر.
گیلان و طالش ۶ نفر.
مازندران و تنکابن و استراباد و فیروزکوه و دماوند ۶ نفر.
خمسه و قزوین و سمنان و دامغان ۶ نفر.
کرمان و بلوچستان ۶ نفر.
فارس و بنادر ۱۲ نفر.
عربستان و لرستان و بروجرد ۶ نفر.
کرمانشاه و گروس ۶ نفر.
کردستان و همدان ۶ نفر.
اصفهان و یزد و کاشان و قم و ساوه ۱۲ نفر.
عراق و ملایر و تویسرکان و نهاوند و کمره و گلپایگان و خوانسار ۶ نفر.
ماده هفتم - هر یک از انتخاب کنندگان صاحب یک رأی می‌باشند و فقط در یک طبقه می‌توانند انتخاب کنند.
ماده هشتم - عده انتخاب شدگان برای مجلس شورای ملی در تمام ممالک محروسه ایران بیش از دویست نفر نمی‌تواند باشد. در شهرهای جزء ایالتی هر طبقه علیحده جمع شده یک نفر را انتخاب نموده به کرسی ایالت می‌فرستد. این انتخاب شدگان باید در همان شهری که انتخاب می‌شوند و یا در محال آن شهر سکنی داشته باشند. انتخاب شدگان در شهرهای جزء ایالت در کرسی ایالت جمع شده، به عده‌ای که در صورت فوق برای هر ایالتی معین شده از برای مجلس شورای ملی حضور به هم رسانیده در مدت مأموریت به وظیفه و تکلیف خود که حفظ حقوق دولت و ملت است، عمل نمایند. انتخاب کنندگان مجبور نیستند که حتماً از صنف و طبقه خودشان انتخاب کنند.
ماده نهم - در هر محلی که انتخابات به عمل می‌آید، انجمنی برای نظارت انتخابات از معاریف طبقات ششگانه انتخاب کنندگان آن محل مرکب از شش نفر

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

در تحت نظارت موقتی حاکم یا نایب‌الحکومه همان محل تشکیل خواهد شد، از این قرار: دو انجمن تشکیل می‌شود، انجمن محلی و ایالتی. انجمن محلی در شهرهای جزء ایالات و انجمن ایالتی در کرسی ایالت.

ماده دهم - شکایات راجع به انتخابات مانع از اجرای انتخابات نخواهد بود؛ یعنی انجمن‌های مذکوره در ماده نهم رسیدگی خواهند کرد، بدون این که انتخاب متوقف شود.

ماده یازدهم - اگر از انجمن محلی کسی متشکی باشد به انجمن ایالتی رجوع خواهد کرد و اگر نتیجه حاصل نشد، به مجلس شورای ملی باید رجوع کند.

ماده دوازدهم - هرگاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا یا فوت نماید و بیش از شش ماه به انتخابات جدید باقی باشد، اعضای مجلس به جای او یک نفر از اهل ایالت خودش انتخاب خواهند کرد.

ماده سیزدهم - اسامی انتخاب کنندگان و انتخاب شدگان هر ولایت را انجمن‌های محلی و ایالتی به دفترخانه مجلس شورای ملی باید بفرستند که در دفترخانه اسامی آن‌ها را به ترتیب حروف تهجی، ثبت و برای اطلاع عموم طبع و نشر نماید. کذلک بعد از اتمام عمل انتخابات انجمن محلی نتیجه عمل را در ظرف یک هفته به انجمن ایالتی اطلاع خواهد داد.

ماده چهاردهم - انتخاب شدگان در شهرهای جزء ایالت باید از انجمن محلی اعتبار نامه در دست داشته باشند و کذلک انتخاب شدگان در کرسی ایالت باید اعتبار نامه از انجمن ایالتی در دست داشته باشند و در مجلس شورای ملی ارائه دهند.

ماده پانزدهم - انتخاب اشخاص مقرر به قرعه و اکثریت آراء خواهد بود.

ماده شانزدهم - بعد از انتخاب اعضای مجلس شورای ملی اسامی انتخاب شدگان در دفتر مجلس و در روزنامه اعلان خواهد شد.

ماده هفدهم - مجلس انتخاب کنندگان محلی در شهرهای حاکم نشین که به دو درجه منقسم می‌شود، برقرار خواهد بود و بنابر اقتضاء مکان حاکم محل می‌تواند محل مجلس انتخاب را معین کند.

ماده هیجدهم - موعد و مفاد انتخاب باید یک ماه قبل از وقت به توسط حکومت محل به عموم اهالی به اعانت اوراق چاپی و سایر اعلامات مقتضیه اعلام داد.

ماده نوزدهم - انتخاب شدگان دارالخلافه و سایر ایالات هر چه زودتر باید در

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

تهران حاضر شوند، چون انتخاب شدگان ولایات به موجب نظامنامه باید منتخب شوند و حضور آن‌ها فعلاً مدتی طول خواهد کشید، به‌هذا منتخبین تهران حالا انتخاب می‌شوند و مجلس تشکیل خواهد شد و به وظایف خود رفتار خواهد نمود تا منتخبین ولایات حضور به هم رسانند و تاخیر حضور آن‌ها سبب تعطیل مجلس نخواهد شد.

ماده بیستم - خرج سفر و مقرری سالیانه اعضای مجلس شورای ملی موقوف به تشخیص و تصویب خود مجلس است.

ماده بیست و یکم - مدت مأموریت نمایندگان ملت دو سال خواهد بود و بعد از دو سال در تمام ممالک ایران تجدید انتخابات خواهد شد.

ماده بیست و دوم - شکایات راجع به مجلس و اعضای آن در عمل انتخابات و غیره آن چه راجع به مجلس است باید کتباً به رئیس مجلس اظهار شود که در مجلس شورای ملی به ماده شکایت، رسیدگی و حکم آن صادر شود.

ماده بیست و سوم - بدون اجازه مجلس احدی از اجزای مجلس را نمی‌توان به هیچ عنوان گرفتار و دستگیر نمود مگر مرتکب به جنحه یا جنایتی باشد به طور علنی و کلیه تحریر و تقریر اعضای مجلس در مصالح دولت و ملت آزاد و هیچ کس حق مزاحمت آن‌ها را ندارد مگر در صورتی که تحریرات و تقریرات عضوی بر خلاف مصالح عامه و موافق قوانین شرع انور مستوجب مجازات باشد، در این صورت به اجازه مجلس این اشخاص به محکمه عدلیه جلب خواهند شد.

ماده بیست و چهارم - اشخاصی که از رجال دولت و اعضای دوائر دولتی به سمت نمایندگی به عضویت شورای ملی منتخب می‌شوند از خدمت سابقه منفصل و در مدت این مأموریت حق مداخله و اشتغال به خدمت دیگر ندارند والا نمایندگی و عضویت ایشان باطل می‌شود.

فصل دوم

ترتیب انتخاب و کشیدن قرعه و شرایط آن

ماده بیست و پنجم - انتخاب اعضای مجلس شورای ملی در پایتخت و شهرهای بزرگ و متوسط و کوچک به عمل خواهد آمد با حضور حاکم یا نایب‌الحکومه و در

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

تحت نظارت انجمن مذکور در ماده نهم.

ماده بیست و ششم - انتخاب به قرعه و اکثریت آراء تامه یا نسبی باید باشد و در صورت تساوی آرا باید به قرعه تشخیص انتخاب شده داده بشود.

ماده بیست و هفتم - روز انتخاب اعضای مجلس و کشیدن قرعه در هر سال که باشد، روز جمعه خواهد بود با رعایت ترتیبات ذیل:
اولاً - کشیدن قرعه باید در حضور حاکم و انجمن محلی و حضار انتخاب کنندگان باشد.

ثانیاً - نظم مجلس قرعه کشی به عهده انجمن‌های مذکوره در ماده نهم خواهد بود.

ثالثاً - ورقه قرعه باید کاغذ سفید بی‌نشان باشد.

رابعاً - هر یک از انتخاب کنندگان باید در خارج مجلس رأی خود را در آن ورقه نوشته سر بسته به دست یک نفر از اعضای انجمن مذکوره که معین خواهد شد، بدهد که مشارالیه در حضور جمعی در صندوق بیندازد.

خامساً - یک نفر از اعضای انجمن مذکور در ماده نهم اسامی انتخاب کنندگان را با صورتی که دارد، مطابق می‌کند.

ماده بیست و هشتم - قبل از کشیدن قرعه یک نفر اعضای انجمن درب صندوق را قفل نموده و دو نفر دیگر آن را مهر می‌کنند و کلید صندوق را یکی از اعضای انجمن ضبط می‌کند.

ماده بیست و نهم - پس از انجام کشیدن قرعه درب صندوق را باز نموده در حضور جماعت اوراق را شمرده و کمی آن را از روی صورت اسامی تشخیص می‌دهند و چند نفر از حضار در حضور جماعت با نظارت انجمن مشغول استخراج آرا می‌شوند.

ماده سی‌ام - از اوراق آن چه غیر مکتوب یا لایقرء باشد یا این که معرفی انتخاب شده را واضح نکرده باشد یا صاحب رأی خود را در آن معرفی کرده باشد، از درجه اعتبار ساقط است و منضم به یادداشت‌ها می‌شود. بعد نتیجه قرعه را بلند فریاد می‌کنند و از طرف رئیس مجلس اعلان می‌شود.

ماده سی و یکم - هرگاه عده انتخاب شدگان ملت زیاده از حد مقررره باشد، اشخاصی از آن میان انتخاب خواهند شد که برتری و رجحان داشته باشند والا با وجود فرصت تجدید قرعه می‌شود و اگر پس از شمردن اوراق معلوم شد که عده

اوراق زاید از عده انتخاب کنندگان است، قرعه را باطل کرده تجدید قرعه می نمایند.
ماده سی و دوم - انتخاب شدگان تهران یک نفر رئیس و دو نفر نایب رئیس و
چهار نفر منشی از میان خود انتخاب می نمایند و در تحت ریاست عالیہ اعلیحضرت
اقدس شہریاری خالائے ملکہ مجلس افتتاح خواهد شد.
ماده سی و سوم - رئیس مجلس شورای ملی و دو نفر نایب رئیس و منشی های
مجلس با تصویب اعضای مجلس سالی یک مرتبہ تبدیل می شود و در تجدید
انتخاب اشخاص مذکور رعایت اکثریت آرای مجلس ہمیشہ محفوظ است.

به تاریخ نوزدهم شہر رجب سنہ ۱۳۲۴

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب اشرف صدراعظم این نظامنامه صحیح است

محل صحه مظفرالدین شاه

۴۰ قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی

فصل اول در تشکیل انجمنهای ایالتی

- ۱ - ایالت قسمتی از مملکت است که دارای حکومت مرکزی و ولایات حاکم‌نشین جزو است.
- ۲ - در مرکز هر ایالتی انجمنی موسوم به انجمن ایالتی بتفصیل ذیل تشکیل می‌شود.
- ۳ - اعضای انجمن ایالتی مرکب می‌شود از منتخبین کرسی ایالت و توابع آن و مبعوثینی که از انجمنهای ولایتی فرستاده می‌شوند.
- ۴ - عدهٔ منتخبین کرسیهای ایالات دوازده نفر خواهد بود و عدهٔ مبعوثینی که از ولایت جزو به کرسی ایالت فرستاده می‌شوند موافق عدهٔ ولایات حاکم‌نشین جزو خواهد بود به این معنی که هر یک از انجمنهای ولایتی فقط یک نفر از میان خودشان به اکثریت آراء به اطلاع حکومت انتخاب نموده با اعتبارنامه به امضای انجمن ولایتی به انجمن ایالتی می‌فرستند.
- ۵ - ایالاتی که در قلمرو ایالتی سکونت دارند می‌توانند یک نفر منتخب انجمن ایالتی بفرستند.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان در شهرها

- ۶ - انتخاب کنندگان اعضاء انجمنهای ایالتی در شهرها باید دارای شرایط ذیل باشند.
اولاً تابعیت ایرانیه، ثانیاً اكمال بیست و یک سال اقلأ، ثالثاً داشتن ملک یا خانه در آن ایالت یا دادن مالیات مستقیم.
- ۷ - اشخاص ذیل حق انتخاب ندارند: اولاً اشخاصی که بواسطه جنحه یا جنایتی مجازات قانون دیده‌اند، ثانیاً اشخاصی که معروف به فساد عقیده و به ارتکاب قتل یا سرقت باشند، ثالثاً اشخاص ورشکسته به تقصیر، رابعاً طایفهٔ نسوان، خامساً اشخاص خارج از رشد.
- ۸ - اشخاص ذیل از شرکت در انتخابات به شرط ممنوعند: اولاً حکام و معاونین آنها در محل حکومت، ثانیاً عمال نظمیهٔ شهری که در آن انتخابات به عمل می‌آید،

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

ثالثاً مأمورین نظامی بری و بحری داخل در نظام.

۹ - شرایط انتخاب شدن همان شرایط انتخاب کردن است بعلاوه باید انتخاب شدگان سواد فارسی کامل داشته باشند و سنشان کمتر از سی سال نباشد و داخل خدمت دولتی نباشند.

۱۰ - اشخاصی که انتخاب می‌شوند باید قبل از وقت یا خودشان داوطلب انتخاب شدن باشند یا به تکلیف انتخاب کنندگان قبول انتخاب شدن را نموده باشند.

ترتیب انتخاب اعضاء در شهرها

۱۱ - در هر شهری که انتخابات به عمل می‌آید انجمنی برای نظارت در انتخابات تشکیل می‌یابد که مرکب از شش نفر از معاریف انتخاب کنندگان شهر و در تحت نظارت حاکم یا نایب‌الحکومه یا معاونشان خواهد بود.

۱۲ - پس از تشکیل اعضای انجمن از میان خودشان یکنفر رئیس و یکنفر منشی انتخاب خواهند نمود.

۱۳ - نظم مجلس و حفظ انتخاب با رئیس و نوشتن صورت مجلس با منشی خواهد بود.

۱۴ - انجمن نظار فقط مشغول امر انتخاب خواهد بود و به هیچوجه داخل در گفتگوی دیگری نخواهد شد.

۱۵ - انجمن نظار اعلانی مرتب نموده دو هفته قبل از روز انتخاب که جمعه خواهد بود در شهر اشاعه می‌دهند.

۱۶ - اعلان مذکور در ماده فوق مطالب ذیل را دارا خواهد بود.

اول محل و ایام و اوقاتی که انجمن نظار حاضر خواهد بود برای دادن تعرفه به اشخاصی که شرایط انتخاب کردن را دارا هستند. دوم مواد شش تا نه این قانون را. سوم محل و روز و مدتی را که انجمن نظار حاضر خواهد بود برای گرفتن اوراق انتخاب از دارندگان تعرفه انتخاب. چهارم عده اعضائیکه باید انتخاب شوند.

۱۷ - محل اجتماع انجمن نظار حتی المقدور قسمی انتخاب خواهد شد که در مرکز شهر واقع باشد تا مردم بتوانند به سهولت و آزادی ورود کرده تعرفه بگیرند یا روز انتخاب رأی بدهند مثل مساجد یا مدارس.

۱۸ - تعرفه که با نمره و تاریخ به مهر اعضای انجمن نظار به انتخاب کنندگان داده

می‌شود محتوی اسم خود و پدر و سن و شغل و منزل انتخاب کننده خواهد بود همچنین تعیین روز و محلی را می‌نماید که دارنده تعرفه باید حاضر شده رأی خود را بدهد.

۱۹ - انجمن نظار تمام تعرفه‌هایی را که می‌دهد به ترتیب نمره در کتابچه ثبت خواهد نمود و روز انتخاب که فقط یکروز خواهد بود و به وسیله اعلان و تعرفه معین گردیده انجمن نظار از صبح تا شام در محلی که معین شده حاضر می‌شود.

۲۰ - روز انتخاب انجمن اقلاد ده ساعت برای تحصیل آراء حاضر خواهد بود. ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب قبل از وقت اعلان خواهد شد.

۲۱ - پس از انقضای وقتی که معین شده دیگر ورقه انتخاب از کسی قبول نخواهد شد.

۲۲ - دادن رأی باید مخفی باشد و از این جهت دارنده تعرفه باید قبل از دخول به مجلس انتخاب مطابق عده که اعلان شده است اسم یک یا چند نفر را که دارای شرایط انتخاب شدن باشند و روی یک قطعه کاغذ سفید بی نشان نوشته تا کند و با خود داشته باشد.

۲۳ - پس از حضور اعضای انجمن و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلان شده قبل از شروع به گرفتن اوراق انتخاب رئیس انجمن نظار جعبه که برای ضبط اوراق انتخاب است در حضور اعضای انجمن و حاضرین از انتخاب کنندگان باز نموده خالی بودن آن را می‌نماید.

۲۴ - دارندگان تعرفه برای ورود به مجلس انتخاب باید تعرفه و ورقه انتخاب خود را در دست داشته باشند.

۲۵ - اشخاصی که تعرفه ندارند حق دخول و مزاحمت را ندارند.

۲۶ - هر یک از دارندگان تعرفه پس از ورود به مجلس انتخاب در کمال آرامی تعرفه و ورقه انتخاب خود را به رئیس خواهند داد.

۲۷ - رئیس نمره تعرفه را به صوت بلند می‌گوید تا یکی از اعضای انجمن نمره را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا نموده نشان کند؛ پس از نشان آن نمره رئیس تعرفه را به صاحبش رد نموده ورقه انتخاب او را بدون نگاه کردن در جعبه انتخاب می‌اندازد.

۲۸ - انتخاب کنندگان پس از دادن ورقه انتخاب و پس گرفتن تعرفه در صورت تنگی جای و اختلال نظم و ترتیب انتخاب و امر رئیس از مجلس انتخاب خارج

خواهند شد.

۲۹ - رئیس از حضور عدۀ از انتخاب کنندگان در مجلس انتخاب مضایقه نخواهد نمود مگر اینکه موجب تنگی مکان و معطلی و بی‌نظمی امر انتخاب بشود در این صورت اطاعت امر رئیس لازم است.

۳۰ - دخول در مجلس انتخاب با داشتن حربه ممنوع است.

۳۱ - پس از انقضای وقت مجلس انتخاب یا نشان شدن تمام نمره‌ها در کتابچه ثبت تعرفه رئیس ختم انتخاب را به صوت بلند اعلان می‌نماید. و پس از آن دیگر از کسی ورقۀ انتخاب قبول نمی‌شود.

۳۲ - پس از اعلان ختم انتخاب رئیس جعبۀ انتخاب را در حضور اعضای انجمن نظار و حاضرین از انتخاب کنندگان خالی نموده امر به استخراج اسامی می‌نماید.

۳۳ - کار اول تعیین عدۀ اوراق انتخاب خواهد بود و نتیجه آن به توسط منشی انجمن در صورت مجلس روز انتخاب ثبت می‌شود.

۳۴ - پس از تعیین عدۀ اوراق انتخاب یکی از اعضا اسامی مرقومه روی اوراق را یک یک به صوت بلند می‌خواند و به یک نفر دیگر از اعضا می‌دهد.

۳۵ - منشی مجلس باید اسامی که خوانده می‌شود در بالای صفحه کاغذی سیاهه نموده هر چند دفعه که یک اسم مکرر می‌شود زیر آن برای شماره علامتی بگذارد.

۳۶ - در صورتیکه روی اوراق انتخاب بیشتر یا کمتر از عدۀ معینه در اعلان اسامی نوشته باشند نقصی در امر انتخاب نخواهد شد؛ در صورت اول آن عده اسمی که زیاد نوشته شده از آخر ورقه خوانده نخواهد شد.

۳۷ - از اوراق آنچه سفید یا لایقراً باشد یا اینکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را بکند یا امضای انتخاب کننده را داشته باشد یا بیش از یک ورق باشد محسوب نخواهد بود ولی عیناً ضمیمه صورت مجلس می‌شود.

۳۸ - بلافاصله پس از استخراج و شماره آراء رئیس نتیجه را به صوت بلند اعلان می‌نماید و اوراق انتخاب را پاره و باطل می‌نماید به استثنای آنهائیکه در ماده فوق ذکر شد که ضمیمه صورت مجلس می‌شود.

۴۰ - صورت مجلس انتخابات را منشی در دو نسخه تحریر نموده به امضای اعضای انجمن نظار می‌رساند یک نسخه به حاکم یا نایب‌الحکومه داده خواهد شد و نسخه دیگر با کتابچه ثبت تعرفه و اوراق مذکور در ماده ۳۸ در نزدیکی از اعضا که

انجمن نظار معین کند امانت می‌ماند که پس از تشکیل به انجمن ایالتی یا ولایتی تسلیم نماید.

۴۱ - در صورت تساوی آراء منتخب به حکم قرعه معین می‌شود.

۴۲ - در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود جمعه آینده خواهد بود.

۴۳ - اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان کسی در حین انتخاب شکایت یا ایرادی در امر انتخاب داشته باشد مانع از انجام انتخاب نخواهد شد ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج شود.

۴۴ - شکایات و ایرادات راجعه به انتخابات باید در ظرف یک هفته بعد از ختم انتخاب به انجمن نظار اظهار شود تا انجمن رسیدگی نموده حکم خود را بدهد و نتیجه را ضمیمه صورت مجلس انتخاب نماید.

۴۵ - متشکیان از انتخابات اگر از حکم انجمن نظار راضی نباشند می‌توانند پس از افتتاح انجمن ایالتی یا ولایتی شکایت خودشان را در ظرف هفته اول تجدید نمایند و حکم انجمن ایالتی یا ولایتی قطعی خواهد بود.

۴۶ - حق اعتراض و ایراد بر انتخابات را اشخاصی دارند که حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشته باشند.

۴۷ - انجمن نظار یک هفته بعد از انجام انتخابات متفرق خواهد شد.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان بلوک

۴۸ - انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان بلوک باید دارای صفات ذیل باشند.

اولاً تابعیت ایرانیه، ثانیاً کمتر نبودن سن از بیست و پنج، ثالثاً داشت زراعت و دادن مالیات، رابعاً معروف نبودن به قتل یا سرقت، خامساً داخل نبودن در خدمت نظامی.

۴۹ - انتخاب شونده‌گان باید علاوه بر آنچه در ماده فوق ذکر شد کمتر از سی سال نداشته باشند و در امور محلی صاحب بصیرت و اطلاع باشند و داخل در خدمت دولتی نباشند.

ترتیب انتخاب اعضاء در بلوک

۵۰ - از هر قریه یک نفر به انتخاب اهالی قریه انتخاب می‌شود و تمام منتخبین قرأ یک بلوک در مرکز بلوک جمع شده با یک نفر منتخب آنجا به اطلاع نایب‌الحکومه بلوک یک نفر را باکثرت آراء از میان خود منتخب نموده با اعتبارنامه که امضای

نایب‌الحکومه و انتخاب‌کنندگان را خواهد داشت به انجمن روانه می‌دارند و به منازل خود مراجعت می‌نمایند.

۵۱ - منتخبینی که از طرف اهالی قرأ به مرکز بلوک برای انتخاب نماینده فرستاده می‌شوند باید اعتبارنامه به امضای ریش‌سفیدان قریه خود داشته باشند.

۵۲ - منتخبین قرأ مختارند اگر بخواهند برای نمایندگی در انجمن از اهل شهر کسی را انتخاب کنند.

ترتیب انجمن ایالتی

۵۳ - یک هفته بعد از انجام انتخاب در شهرها انجمن ایالتی منعقد گشته مشغول امور راجعه به خود می‌شود رای انجمن در غیبت مبعوثین توابع مناط اعتبار و اجرا است.

۵۴ - انجمن ایالتی اعتراضات به انتخابات را موافق قوانین مقرر رسیده خواهد کرد و باید در ظرف یکماه پس از رسیدن اعتراضات به انجمن آنها را قطع و فصل کند. چنانچه رجوع اعتراضات به محاکم عمومی لزوم یابد ابتدای آن یک ماه از روزی خواهد بود که این ارجاع مقرر می‌شود. رسیدگی و محاکمه انجمن فقط در ایرادات مرقومه در ورقه اعتراضیه است.

۵۵ - اعضای انجمن ایالتی که انتخاب آنها مورد ایراد است تا زمانیکه ایرادات بثبوت نرسیده می‌توانند در اجلاس حضور به هم رسانیده رأی دهند.

۵۶ - هر یک از اعضای انجمن می‌توانند از عضویت استعفا نمایند و همچنین انجمن یا شورای ملی می‌توانند یکی از اعضاء انجمن را بعد از ثبوت تقصیر به حکم قانون از عضویت انجمن معاف بدارند.

۵۷ - هر یک از اعضاء که شرط عضویت از وی سلب شود به حکومت انجمن از عضویت معاف می‌شود.

۵۸ - هر یک از اعضاء که در ده اجلاس متوالی بدون عذر موجه در انجمن حاضر نشود به حکم انجمن از عضویت خارج می‌شود.

۵۹ - هر عضوی که موافق مواد فوق از عضویت معاف شده باشد می‌تواند در این خصوص به مجلس شورای ملی شکایت کند تا به شکایت او رسیدگی شود.

۶۰ - هر عضوی که می‌خواهد از عضویت استعفا نماید باید استعفای خود را کتباً و

صریحاً به رئیس انجمن عرضه دارد تا از طرف انجمن به توسط حکومت اقدامات لازمه در انتخاب عضو دیگری به جای او بشود.

۶۱ - مدت دوره انتخابیه اعضای انجمنهای ایالتی چهار سال خواهد بود و پس از انقضای دو سال اول نصف از اعضاء به حکم قرعه از عضویت خارج و عوض آنها انتخاب می شود و از این به بعد در رأس هر دو سال آن نیمه از اعضاء که دوره چهار سال عضویت آنها به سر آمده به موجب انتخاب جدید تبدیل یا تجدید می شود.

۶۲ - در صورتی که عضوی قبل از انقضای دوره انتخابیه بسبب استعفاء یا معاف شدن از انجمن خارج بشود عوض او باید در ظرف یکماه از محل خود انتخاب شده در انجمن حاضر بشود و انجمن ایالتی باید مواظب اجرای این امر باشد.

۶۳ - انجمن ایالتی در تمام سال منعقد خواهد بود ولی در سه ماه تابستان در هر ماهی ثلث اعضاء به حکم قرعه حق تعطیل دارند.

۶۴ - در موقع افتتاح انجمن اعضائیکه حاضر هستند یکنفر رئیس، یکنفر نایبرئیس و دو منشی از میان خود به اکثریت آراء برای یکسال انتخاب خواهند نمود و در این موقع باید اقلأ سه ربع از اعضاء حضور داشته باشند.

۶۵ - انجمنهای ایالتی موافق نظامنامه داخلی امور داخلی خود را مرتب خواهند کرد.

۶۶ - انجمنهای ایالتی می توانند یک یا چند نفر از اعضای انجمن را برای رسیدگی به اموریکه راجع به آنهاست مامور نمایند.

۶۷ - رؤسای شعب مختلفه ادارات دولتی در ایالات باید اطلاعات کتبی و شفاهی که انجمن بخواهد و راجع به آن ایالات باشد بدهند.

۶۸ - انجمن ایالتی می تواند مستقیماً بدون واسطه حاکم مکاتبه با شعبات مختلفه ادارات دولتی در ایالت بنماید به استثنای اداراتی که در تحت ریاست خود حاکم واقعند که در این صورت طرف مکاتبات خود حاکم خواهد بود.

۶۹ - حاکم یا معاون او حق حضور و نطق در اجلاس انجمن ایالتی دارد مگر در مواردیکه به محاسبات حکومتی رسیدگی می شود.

۷۰ - اجلاس انجمن علنی است ولی بر حسب خواهش پنج نفر از اعضاء یا حاکم یا رئیس با رعایت اکثریت آراء می توان مجلس محرمانه بدون حضور تماشاچی تشکیل داد.

۷۱ - اشاعه صورت مجلس محرمانه موقوف برای کسی است که انجمن محرمانه را خواسته است.

۷۲ - نظم داخلی انجمن به عهده رئیس است. هر یک از اعضا که برخلاف نظم انجمن رفتار نماید به حکومت خود انجمن موافق نظامنامه داخلی مجازاتش مقرر می‌شود و اگر از غیر اعضا حرکتی مخالف انتظامات مجلس ظهور کند رئیس می‌تواند به توسط مأمورین نظمیه که در تحت اطاعت او هستند مقصر را اخراج یا توقیف کند و عده مأمورین نظمیه برای انجمن ایالتی از شش الی دوازده نفر و برای انجمن ولایتی از دو الی شش نفر مقرر شده است.

۷۳ - در صورتیکه در انجمن جنحه یا جنایتی واقع شود صورت واقعه را رئیس امضا می‌کند و به محکمه که در این باب باید حکم کند می‌رساند.

۷۴ - در صورتیکه برای حفظ نظم داخلی انجمن حضور دسته از مأمورین نظامی یا نظمیه لازم باشد رئیس می‌تواند به قدر کفایت آنها را از حاکم بخواهد.

۷۵ - در صورتیکه بیش از نصف اعضا حاضر باشند شروع به مذاکرات می‌شود.

۷۶ - برای تحصیل رأی اقلاً حضور دو ثلث اعضا لازم است.

۷۷ - در صورتیکه عده اعضا در اجلاسی از عده مقرر کمتر باشد مذاکرات و کسب رأی موکول به مجلس آینده می‌شود و در اجلاس ثانی بدون مراعات عدد مذاکرات می‌شود و اکثریت آراء حاضرین مناط اعتبار خواهد بود و در صورت مجلس انجمن اسامی غائبین باید نوشته شود.

۷۸ - در صورتیکه ربع اعضای حاضر خواهش کنند کسب رأی مخفی می‌شود.

۷۹ - در صورت تساوی آراء رأی رئیس به منزله دو رأی محسوب است در انتخاب اشخاص حتماً رأی مخفی گرفته می‌شود و نتیجه رأی و عده رأی دهندگان باید در صورت مجلس ثبت گردد.

۸۰ - همه روزه صورت مجلس رسمی بطور خلاصه باید مرتب و محرر شود و در ظرف چهل و هشت ساعت بعد از اختتام هر اجلاسی آن صورت به روزنامه‌نویسان در صورت مطالبه داده شود.

۸۱ - روزنامه‌های محلی هر گاه عقاید خود را در خصوص مذاکرات انجمن خواسته باشند طبع نمایند باید قسمتی از صورت مجلس انجمن را که مربوط به آن است نیز درج نمایند والا مورد مواخذه و موافق قانون انطباعات مجازات می‌شوند.

۸۲ - صورت مجالس باید به توسط یکی از منشیان نوشته شده در ابتدای اجلاس آینده به امضای رئیس و منشی برسد و این صورت باید محتوی باشد بر مذاکرات و اسامی اعضائیکه داخل در مباحثه شده‌اند و خلاصه اظهارات آنها.

۸۳ - کلیه اشخاصی که حق انتخاب دارند یا در ولایت مالیات بده باشند حق دارند صورت مجلس علنی را بخواهند و از روی آنها صورت بردارند و به توسط روزنامه‌جات منتشر سازند.

۸۴ - کلیه مذاکرات و مباحثاتی که خارج از وظیفه انجمن است از درجه اعتبار ساقط است و به موقع اجرا گذارده نمی‌شود. هر کس حق دارد به این قبیل اقدامات که خارج از وظیفه انجمن است ایراد و اعتراض کند.

۸۵ - اعلیحضرت همایونی به تصویب وزیر داخله نظر به دلائل موجه می‌تواند انجمنی را به موجب فرمان مرخص و در همان فرمان امر به تجدید انتخاب فرمایند که در ظرف یکماه امر انتخابات جدید انجام یابد و باید انجمن بعد از تشکیل امر انتخابات به فاصله یک هفته تشکیل یابد و منعقد شود.

۸۶ - مردم مختارند که هر کدام از اعضای سابق را که بخواهند و از آنها رضایت داشته باشند دوباره انتخاب نمایند.

فصل دوم در وظایف انجمنهای ایالتی

۸۷ - وظایف انجمنهای ایالتی منحصر است به نظارت در اجرای قوانین مقرر و رسیدگی و قرارداد در امور خاصه ایالت موافق شرح ذیل یا اخطار و صلاح‌اندیشی در صرفه و امنیت و آبادی ایالت.

۸۸ - ایجاد قانون از وظیفه انجمنهای ایالتی خارج است.

۸۹ - انجمنهای ایالتی می‌توانند در کلیه شکایاتی که از حکام ایالات و ولایت می‌رسد رسیدگی کرده هر گاه رفتار حاکم برخلاف قانون باشد نقض قوانین را به او اخطار نمایند و در صورت عدم ظهور نتیجه مراتب را به ادارات مرکزی دولت اظهار داشته احقاق حق متظلمین را بخواهند.

۹۰ - مادامیکه ادارات عدلیه تشکیل نشده در صورتی که کسی از حکمی که درباره او از یکی از حکمای عرفیه صادر شده باشد به انجمن شکایت و تظلم کند، انجمن می‌تواند در همان محکمه امر به استیناف و تجدید رسیدگی کند و اگر این استیناف

رفع شکایت محکوم علیه را نکند، انجمن حق دارد رسیدگی در آن امر را به ادارات مرکزیه ارجاع کند.

۹۱ - انجمن ایالتی حق نظر در وصول و ایصال مالیات به هر عنوان که موافق قانون مقرر شده باشد دارد.

۹۲ - تصفیه شکایات راجعه به مالیات و همچنین تحقیق در باب استدعای تحقیقات و تشخیص امراقات بر عهده این انجمنها است و نتیجه تحقیقات به توسط حاکم ایالت باید به وزارت مالیه ابلاغ شود که با تصفیه وزارت مالیه به موقع اجراء گذارده شود.

۹۳ - انجمن ایالتی می‌تواند در مواردی که برای مصارف محلی از قبیل راه سازی و تأسیس مدارس و پل سازی و غیره وجهی لازم شود آن وجه را به نسبت تقسیم مالیات همان محل سرشکن اهالی نماید موافق حدی که در قانون مالیه مقرر است.

۹۴ - انجمن ایالتی می‌تواند در موقع احتیاج برای احداث پارۀ تأسیسات عام‌المنفعه از قبیل راه و پل و مدرسه و غیرها مبلغی استقراض کند مشروط بر اینکه محل ادای آن استقراض از عایدات معمولی یا فوق‌العاده همان ایالت باشد و این استقراض بدون تصویب مجلس شورای ملی و امضای ملوکانه صورت‌پذیر نخواهد شد.

۹۵ - در صورتی که انجمن اخذ مالیاتی فوق‌العاده علاوه بر حدود مقررۀ لازم داند باید موافق قانون اساسی به تصویب مجلس شورای ملی برسد.

۹۶ - مالیات فوق‌العاده فقط به محلی تعلق می‌گیرد که فایده تأسیسات مذکوره در موارد فوق راجع به آن است، چنانچه فایده تأسیسات راجع به تمام ایالت باشد مالیات هم سرشکن تمام ایالت می‌شود و اگر فایده آن به بلد یا بلوکی خاصه تعلق گیرد، مالیات مزبور هم فقط از همان بلد یا بلوک گرفته خواهد شد.

تنبیه: وجوهی که به موجب مواد فوق بر سبیل فوق‌العاده سرشکن اهالی می‌شود باید به نسبت مالیاتی باشد که پس از ممیزی جدید مقرر خواهد شد.

۹۷ - قراردادهای انجمن در امور ذیل به اکثریت آراء واجب‌الاجرا است مگر آنکه حاکم در مدت بیست روز پس از صدور حکم اخطار کند که قرارداد انجمن مخالف قانون یا خارج از وظیفه انجمن است و نسخ آن را بخواهد؛ اگر انجمن متقاعد نشد حاکم باید ناسخ آن قرارداد را در ظرف دو ماه به تصویب مجلسین و صحه همایونی صادر نماید والا قرارداد انجمن باید به موقع اجرا گذارده شود.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

۹۸ - قراردادهای مذکوره در ماده فوق از قرار ذیل است:

اول در خصوص خرید و فروش و معاوضهٔ اموال منقوله و غیر منقوله ایالتی به استثناء ابنیهٔ حکومتی و محکمه‌ها و مدارس و مجلس‌ها و عمارات نظمیّه و اشیاء منقوله متعلق به آنها.

دوم در ترتیب اداره و نگاهداری اموال منقوله و غیر منقوله.

سوم در اجاره و استجاره مستقلات و املاک برای صرفه یا رفع حاجت ایالت.

چهارم در خارج کردن عمارات یا ملک‌ها از تصرف اداره و به تصرف ادارهٔ دیگر دادن به استثناء ابنیهٔ حکومتی و محکمه‌ها و مدارس و مجلس‌ها و عمارات نظمیّه که باید با تصویب ادارات مرکزی باشد.

پنجم در رد و قبول عطایا نسبت به ایالت مشروط بر آنکه اعتراضی بر آنها نشده باشد.

ششم در بیمه کردن عمارات و ابنیه ایالتی.

هفتم در ادارهٔ شوارع ایالتی و رسیدگی به نقشه‌ها و بازدید کارهاییکه برای ساختن و تعمیر راههای ایالتی لازم است و در تعیین اداراتی که ساختن و مرمت این وامها به آنها باید واگذار شود و در باب طرق شوسه و غیره که در تحت امتیاز خارجه یا داخله است وظیفه انجمن فقط نظارت است بر اینکه به شروط مقررّه امتیازنامه عمل شده باشد در صورتیکه انجمن تخلفی در مواد امتیازنامه معلوم دارد باید ملاحظات خود را بدون مداخله به وزارت فواید عامه اطلاع دهد.

هشتم در اداره شوارع عمومی که منافع آنها به چندین ولایت می‌رسد و تعیین بلوکاتی که باید شرکت در ایجاد و نگاهداری آن راهها بنمایند و تعیین وجه سالیانه پس از تحصیل آراء انجمنهائی که در این امر شرکت دارند و تقسیم وجوهی که دولت یا ایالت از برای کلیهٔ این قبیل راهها می‌دهد و تعیین اداراتیکه ساختن این شوارع به آنها واگذار می‌شود و تبدیل بیکاریها به وجوه نقدیه.

نهم در ایجاد وسائل عبور و حمل و نقل از قبیل کشتیهای کوچک و کرجی جهت عبور از رودخانه‌ها و غیرها و تعیین حق العبور.

دهم در رسیدگی به نقشه و بازدید کلیهٔ کارهاییکه مخارج آنها از وجوه ایالت داده می‌شود و تعیین ادارهٔ که اجرای این کارها به عهدهٔ آن محول خواهد شد.

یازدهم در رسیدگی به اظهارات اهالی بلوکات و قراء و قصبات و شرکتها و

اشخاص مختلفی برای کمک نقدی در انجام کارهایی که منافع ایالتی دارد. دوازدهم در تعیین سهم نقدی ایالت در مخارجی که منافع آنها هم به ایالت هم به بلوکات می‌رسد.

سیزدهم در حفظ حقوق علایق و املاک ایالتی در محکمه‌ها. چهاردهم در رسیدگی بمحاسبات مریضخانه‌های ایالتی و همچنین قرارداد با مریضخانه‌های متفرقه در خصوص پذیرفتن مرضای فقرا. پانزدهم در اداره دارالایتام.

شانزدهم در تعیین سهم بلوکات جهت مخارج مریضخانه‌ها و دارالایتام و تشخیص مأخذ این تقسیم.

هفدهم در تأسیس و اداره کردن دارالعجزة ایالتی. هیجدهم در تأسیس و اداره صندوق وظیفه برای مأمورینی که حقوق آنها از وجوه ایالتی پرداخته می‌شده و بواسطه پیری و ناتوانی و قدمت خدمت معاف از خدمت شده‌اند و همچنین برای ورثه اشخاصی که در سر خدمت وفات کرده‌اند.

نوزدهم در معاونت نقدی برای تکمیل تحصیل شاگردان قابل بی‌بضاعت به موجب راپورت مفتشین انجمنهای علمی و ادارات مدارس و سلب این امتیاز در صورت عدم استحقاق یا ظهور تقصیر.

بیستم در تأسیس مجلس امتحان برای انتخاب شاگردانی که به آنها جهت تکمیل تحصیل معاونت می‌شود.

بیست و یکم در رسیدگی به اختلافاتی که مابین دو یا چند بلوک در خصوص تقسیم مخارج مشترک حاصل شود.

بیست و دوم در رسیدگی بقراردهای انجمنهای بلدی در خصوص برقرار نمودن یا توقیف یا تغییر دادن مکانها و میدان‌هایی که جهت بارانداز و فروش امته دائماً یا موقتاً بر قرار می‌شود.

بیست و سوم در قریه از بلوکی خارج کردن و جزو بلوک دیگر محسوب داشتن با موافقت انجمنهای ولایتی.

بیست و چهارم در رسیدگی به صورت اسامی اشخاصی که در بلوک حق انتخاب کردن دارند.

۹۹ - چون انجمنهای ایالتی بصیرت در امور و حوائج ایالات دارند لازم است اولیای

دولت قبل از اقدام به تغییرات در ایالات رأی انجمنهای مزبوره را بخواهند ولی مجبور به پیروی رأی آنها نیستند.

۱۰۰ - اولیای دولت باید در مسائل ذیل رأی انجمن را بخواهند.

اول در صورتیکه بخواهند حدود ایالت یا بلوکات و یا مقر حکومت را تغییر بدهند.

دوم در صورتیکه بخواهند بعضی از مراتع را تبدیل به جنگل نمایند.

۱۰۱ - صلاح‌اندیشی در وجوهی که از خزانه دولتی برای مخارج عمومی ایالت بعنوان کمک داده می‌شود به عهده انجمن ایالتی است و باید از قرارداد انجمن بی‌اندازه تجاوز نشود.

۱۰۲ - در خصوص اعانه‌هایی که از ادارات دولتی برای مخارج مساجد و تأسیسات خیریه و یا معاونت در ایجاد یا مرمت مدارس و دارالعجزه و همچنین کمک به انجمنهای زراعتی و فلاحتی می‌شود، انجمن می‌تواند صلاح‌اندیشی خود را با رعایت ترتیب اهمیت با ادارات دولتی اظهار نماید.

۱۰۳ - انجمن ایالتی می‌تواند به توسط رئیس انجمن ایرادات خود را در اموری که راجع بمنافع ایالت است و همچنین اعتراضاتی که در خصوص ترتیب و حوائج ادارات متعلقه به ایالت دارد به وزارت‌خانه‌ها اظهار کند.

۱۰۴ - در کلیه امور معاشی و اداره انجمن ایالتی می‌تواند رأی خود را اظهار کند، لکن در امور سیاسی حق مذاکره ندارد.

تنبیه: امور سیاسی عبارت از مسائلی است که راجع به اصول اداره و قوانین اساسی مملکت و پلتیک دولت باشد.

۱۰۵ - ایرادات انجمن در خصوص منافع ایالتی بیکی از ملاحظات سه‌گانه ذیل راجع تواند شد.

اول اینکه در اجرای آن امور منافع مخصوصه آن ایالت منظور نشده باشد.

دوم آنکه از منافع مخصوصه آن ایالت صرف‌نظر کرده باشند.

سوم آنکه به ملاحظه منافع دیگر چشم از منافع آن ایالت پوشیده باشند.

فصل سوم بودجه و محاسبات ایالت و ولایت

۱۰۶ - هر ایالت یا ولایتی صاحب بودجه خواهد بود که جمع و خرج معمولی و

فوق العادة آن از قرار تفصیل ذیل است.

۱۰۷ - جمع‌های معمولی بودجه ایالت یا ولایت از این قرار است.

اول وجهی که بعد از ممیزی و تعدیل مالیات بر طبق قانون مالیه و بر حسب حکم دولت و تصویب مجلس شورای ملی از مالیات هر ایالت و ولایتی برای مخارج محلی آنجا واگذار می‌شود.

دوم منافع اموال ایالتی یا ولایتی.

سوم منافع حاصله از حق العبور طرق و معابری که به توسط ایالت یا ولایت ساخته شده و حق اخذ آن را دارند.

چهارم سهمی که بلوکات از بابت نگاهداری طرق و شوارع به ایالت و یا ولایت می‌دهند.

۱۰۸ - جمع‌های فوق‌العاده ایالات و ولایات از قرار ذیل است:

اول مالیات فوق‌العاده که بر حسب اقتضای ضرورت و به حکم قانون موقتاً علاوه بر معمول دریافت می‌شود.

دوم وجه استقراض که در موقع لزوم بر حسب قانون استقراض آن تصویب می‌شود.

سوم عطیات و بخشش‌هایی که به ایالات و ولایت می‌شود.

چهارم قیمت اموال ایالتی که بفروش رسیده باشد.

پنجم سایر فواید متفرقه که بر حسب اتفاق ممکن است پیدا شود.

۱۰۹ - مخارج معمولی بودجه ایالت یا ولایت از قرار ذیل است:

اول اجاره یا مرمت دارالحکومه و همچنین اساسیه و مرمت آن.

دوم اجاره یا مرمت محل و اساسیه که برای انجمن معارف لازم است.

سوم اجاره یا مرمت قراولخانه‌ها و محل قراسورانها.

چهارم اجاره یا مرمت محاکم عدلیه و اساسیه آنها.

پنجم مخارج طبع و انتشار اعلانات و صورتهای لازمه از اسامی اشخاصی که حق انتخاب در ایالت یا ولایت دارند.

ششم کلیه مخارجی که از طرف دولت به عهده ایالت یا ولایت محول است.

هفتم ادای اقساط قروض ایالتی.

۱۱۰ - مخارج فوق‌العاده بودجه ایالت یا ولایت مخارجی است که بطور موقتی و

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

اتفاقی ضرورت پیدا می‌کند.

۱۱۱ - وجوهی که در یک دوره معامله مالیاتی که عبارت از یک سال شمسی است به مصرف مقرر در بودجه نرسیده باشد، در بودجه سال بعد به عنوان همان مصرف به خرج منظور می‌شود و هر گاه در یک دوره دخل بودجه از مخارج مقرر بیشتر باشد باقی بودجه آن سال در بودجه سال بعد ابوابجمع می‌شود و انجمن مصارف آنرا معین می‌نماید.

۱۱۲ - مامور مالیه هر یک از ایالات یا ولایت باید مواظبت نماید که وجوه عائدی ایالت وصول شود و مسئولیت این امر به عهده او محول است. حکم ایصال این وجوه باید از طرف حاکم به امور مالیه ابلاغ شود.

۱۱۳ - مامور مالیه باید موافق میزان بودجه و بر طبق حواله حاکم وجوه مخارج را بپردازد.

۱۱۴ - انجمن ایالتی و ولایتی بودجه سالیانه را که حاکم ترتیب داده است، رسیدگی نموده به اکثریت آرا اصلاح می‌نماید و این بودجه پس از آنکه در انجمن تصویب شد باید به تصویب وزارت مالیه برسد.

۱۱۵ - حاکم باید در ماه اول هر سال جزء کلیه مخارج سال گذشته را به انجمن ارائه دهد.

۱۱۶ - بودجه ایالت باید طبع و مجاناً منتشر شود.

فصل چهارم در تشکیل انجمنهای ولایتی

۱۱۷ - ولایت قسمتی از مملکت است که دارای یک شهر حاکم‌نشین و توابع باشد اعم از اینکه حکومت آن تابع پایتخت یا تابع مرکز ایالتی باشد.

۱۱۸ - در شهر حاکم‌نشین هر ولایتی انجمن موسوم به انجمن ولایتی منعقد می‌شود.

۱۱۹ - اعضای انجمنهای ولایتی مرکب خواهند بود از منتخبین شهر حاکم‌نشین و مبعوثینی که از بلوکات و توابع آن ولایت به انتخاب اهالی آنها فرستاده می‌شوند.

۱۲۰ - عده منتخبین شهر حاکم‌نشین که محل انعقاد انجمن ولایتی است شش نفر خواهد بود.

۱۲۱ - عده مبعوثین که از بلوکات و توابع آن ولایت به انجمن ولایتی فرستاده

می‌شوند، مطابق عده بلوکات و توابع آن ولایت خواهد بود.

۱۲۲ - هر یک از بلوکات و توابع ولایتی فقط یک نفر منتخب به انجمن ولایتی خواهد فرستاد که در بلاد موافق قواعد انتخابات شهرها و در بلوک موافق ترتیب انتخاب بلوک معین می‌شود.

۱۲۳ - هر یک از ایلات عمده که در قلمرو ولایتی هستند می‌توانند یک نفر منتخب به انجمن ولایتی بفرستند.

۱۲۴ - وظایف و ترتیبات انجمنهای ولایتی در قلمرو هر ولایت که عبارت از شهر و توابع و بلوکات آن است، مطابق خواهد بود با وظایف و حقوقی که برای انجمنهای ایالتی مقرر شده، ولی انجمنهای ولایتی که جزء ایالتی هستند در مطالب لازمه به انجمن ایالتی که در کرسی آن ایالت تشکیل می‌شود رجوع خواهند نمود؛ ولایاتی که مستقل هستند و در تحت ایالت دیگر نیستند مستقیماً به ادارات مرکزی دولت که در دارالخلافه است طرف می‌شوند.

تبصره: انجمن ایالتی در مرکز ایالت و انجمن ولایتی در شهر حاکم‌نشین ولایت برقرار خواهد بود لاغیر.

محل مهر مبارک

جناب اشرف اتابک اعظم این نظامنامه انجمن ولایتی

ملاحظه شد صحیح است معمول و مجری بدارید

شهر ربیع الثانی ۱۳۲۵

۵ + قانون تشکیلات ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام

بسم الله الرحمن الرحيم

فصل اول

در تقسیم مملکت و تحدید حدود دوائر محلیه

ماده ۱. مملکت محروسه ایران برای تسهیل امور سیاسی به ایالات و ولایات منقسم می‌شود.

ماده ۲. ایالت قسمتی از مملکت است که دارای حکومت مرکزی و ولایات حاکم‌نشین جزء است و فعلاً منحصر به چهار ایالت است؛ آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس، خراسان.

ماده ۳. ولایات قسمتی از مملکت است که دارای یک شهر حاکم‌نشین و توابع باشد اعم از اینکه حکومت آن تابع پایتخت یا تابع مرکز ایالتی باشد.

ماده ۴. در ایالات و ولایات و بلوکات برای ترتیب و تنظیم کلیه امور علاوه بر انجمن ایالتی و ولایتی و بلدی که مطابق نظامنامه انجمن‌های مذکوره تکالیفشان معین است دوائری تشکیل می‌شود که به دوائر محلیه موسوم خواهد بود (در مقابل دوائر مرکزیه که عبارت از وزارت‌خانه‌ها است) این دوائر از حیث وظائف و وسعت قلمرو و حدود اختیارات از یکدیگر متمایزند چنانکه از حیث وظائف کلیه منقسم می‌شوند به دوائر اداریه و عدلیه و از حیث قلمرو به دوائر ایالتی و ولایتی و بلوکی و از حیث اختیارات به دوائر تابعه و متبوعه چنانکه بلوک در اختیارات تابع اداره ولایات است و قریه تابع اداره بلوک.

ماده ۵. اختیارات دوائر محلیه کلیتاً از این قرار است:

اولاً عزل و نصب اشخاص که تعیین آنها به موجب قوانین به دوائر مزبوره واگذار شده است.

ثانیاً نظارت و تفتیش اعمال شعبات جزء.

ثالثاً حل و تسویه امور راجعه به آنها و اقدام در اجرای قوانین.

رابعاً واسطه بودن در امور مابین دوائر تابعه و متبوعه.
ماده ۶. دوائر اداره نیز به دو قسم منقسم می‌شود اولاً دوائر حکومتی ثانیاً شعب وزارتخانه‌ها که قانوناً در ولایات تشکیل شده؛ دوائر حکومتی عبارت است: اولاً در ولایت از حاکم و دفترخانه او و اداره ولایتی یا دفترخانه آن و ادارات نظمیته شهری.
ثانیاً در بلوک از نایب‌الحکومه و اداره بلوکی و اداره نظمیته بلوکی.
ثالثاً در دهات از کدخدا.

تبصره: قوانین و نظام‌های شعب وزارتخانه‌ها در ولایات علیحده مرتب و مدون است اصول و فصول قوانین این نظامنامه راجع به تشکیل و ترکیب دوائر حکومتی ولایات و بلوکات و قرای و روابط آن دوائر با دوائر مرکزی و محلی است.

فصل دوم

در تشکیل ولایات (اول قواعد عمومی)

ماده ۷. فرمان‌فرمایان و حکام به موجب فرمان اعلیحضرت همایونی و تصویب وزارت داخله به سمت حکومت منصوب و از حکومت معاف می‌شوند.
ماده ۸. در صورت غیبت یا مرض یا عزل یا انفصال حاکم معاون حکومت متصدی شغل اوست و هرگاه معاون حاضر نباشد و یا به جهتی نتواند قائم مقام حاکم واقع شود، یکی از رؤسای شعب وزارتخانه‌ها از قبیل کارگذاری یا اداره مالیه یا غیره به موجب قدمت خدمت و تحقق لیاقت کارهای ولایتی را موقتاً موافق قوانین و دستورالعمل‌هایی که برای ولایات وضع شده اداره خواهد کرد.
ماده ۹. هرگاه حاکم از حدود ولایات خارج نشود و غیبت او فقط از کرسی ولایت برای بلوک گردشی یا انجام یکی از تکالیف مأموریتی او باشد غائب محسوب نتواند شد و حل عقد امور با خود حاکم خواهد بود خاصه اموری که به شخص حاکم محول است در این صورت اگر برای قائم مقام حاکم در تسویه امری اشتباهی حاصل شود یا با اعضای اداره ولایتی موافقت حاصل نمایند آن امر را موکول به مراجعت حاکم خواهد کرد و چنانچه غیبت حاکم از شهر متمادی باشد مطلب را به حاکم راپورت خواهد نمود.

تبصره: در مورد ماده ۱۲ معاون یا شخصی که در غیاب حاکم متصدی امر حکومت است کاغذها را به‌عنوان مدیری امضا می‌کند و در مورد ماده ۱۳ به سمت نیابت.

دویم در وظایف حکام به‌طور عمومی

ماده ۱۰. چون از طرف دولت امور ولایت به‌عهده کفایت و صداقت حاکم که رئیس ولایت است محول شده حاکم باید بیش از همه در حفظ منافع و مصالح دولت و ملت و اجرای قوانین و نظامنامه‌ها و دستورالعمل‌های ادارات متنوعه و قراردادهای انجمن‌های ولایتی و بلدی بکوشد و فواید مملکت و منافع اهالی را در نظر داشته باشد و احتیاجات آنها را بفهمد و با اختیاراتی که به حکام داده شده امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی را فراهم آورد و قوانین و قواعدی که برای نظم و آسایش عمومی ایجاد شده است به‌موقع اجرا گذارده و همچنان برعهده حاکم است که در تهیه اسباب حفظ‌الصحه و وفور ارزاق و آذوقه در ولایات بکوشد و ناظر اجرای کلیه قوانین و دستورالعمل‌های راجعه به ادارات محلیه که در قلمرو ولایت تأسیس شده باشد.

ماده ۱۱. چون حاکم نماینده دولت است در ولایت و نظارت تمام امور کشوری به‌عهده او تعلق می‌گیرد لهذا حق دارد که بی‌مقدمه به تمام دوائر کشوری سرکشی نماید حدود این حق حکام بعضاً در این قوانین مقید و بعضاً در نظامنامه‌های راجعه به شعبات وزارتخانه‌ها مندرج است.

ماده ۱۲. حکام باید در امر انتخابات وکلای دارالشورای ملی و منتخبین انجمن‌های ایالتی و ولایتی و بلدی نهایت جد و جهد را منظور دارند و ناظر باشند که انتخابات مذکوره مطابق نظامنامه انتخابات از روی کمال صحت به‌عمل آید و در صورت تجدید انتخابات لوازم سهولت و سرعت آن را به‌عمل آورند و در موردی که یکی از وکلا یا منتخبین از سمت عضویت منفصل شود یا فوت کند پس از اطلاع فوراً امر به تجدید عضو دیگری به‌جای او نمایند.

ماده ۱۳. چون حکام ناظر نظم و ترتیبند حق دارند به مواد شکایات متظلمین نظر کنند اگر امور آنها در جایی برخلاف قوانین موضوعه معطل و معوق مانده باشد در سرعت آن اقدام نمایند و کار صاحب‌منصبان و مستخدمین ادارات محلیه را در

صورت نقض قوانین موضوعه و یا ارتکاب آنها به اعمال شنیعه و جنحه و جنایات موافق قوانین به محاکم عدلیه رجوع نمایند و در مواقع لازمه توجه ادارات متبوعه آنها را به اكمال و اتمام عمل آنها معطوف دارند که رسیدگی لازم به عمل آید ولی خود حاکم وجهاً من الوجوه نمی‌تواند شخصاً محاکمه نماید و نه در محاکمه طرف واقع شود.

ماده ۱۴. حاکم باید پیوسته در صدد آبادی ولایت و رفاهیت اهالی بوده و چنانچه اقداماتی لازم شود که خارج از تکالیف او باشد اگر جزء وظائف انجمن‌های ولایتی و بلدی است به آنها اطلاع دهد والا به ادارات متبوعه راپورت کند و کلیه راپورت‌های صحیح از اقدامات خود و احتیاجات اهالی و وضع امور ولایتی به وزارتخانه‌های لازمه بفرستد.

ماده ۱۵. حکام مکلفند که مواظبت تامه را در اعلان و انتشار قوانینی که وضع شده و اعلام‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های رؤسا و احکام ادارات متبوعه و غیره در صورتی که اطلاع قاطبه اهالی از مفاد آنها لازم است به عمل آورند.

ماده ۱۶. هرگاه حکام مشاهده نمایند که برخلاف قوانین موجوده اقدامی می‌شود باید بلا تأمل مانع آن اقدام شده به موجب قوانین در صدد سیاست و تنبیه مقصرین برآیند و کلیه باید مراقبت نمایند که امور اداره ولایتی و ادارات تابعه در جریان قانونی تحت نظم و ترتیب باشد و هر اداره امور محوله به خود را انجام دهد.

ماده ۱۷. حکام حق دارند که در موارد فوق‌العاده و یا در موقعی که امر مهمی مورد مذاکره باشد مجلسی در تحت ریاست خود از رؤسای کلیه دوائر محلیه تشکیل دهند. در این مواقع حکام صورت مجلس و رأی آن را به وزارتخانه که مرجع انکار است می‌فرستند و در صورت لزوم کسب تکلیف می‌نمایند این نوع مجالس را نمی‌توان بدون جهت تشکیل کرد فقط وقتی صورت لزوم خواهد یافت که اشتباه و تردیدی در معنی قانون و یا اشکال در امر مهمی روی دهد و اطلاع وزارتخانه‌ها از اشتباه و اشکالی که پیش آمده لازم باشد (رجوع به ماده ۱۴۱) شود.

ماده ۱۸. چنانچه به اداره ولایتی از دوائر جزء و تابع آن اخبار شود که شک و شبهه در موقع اجرای قانونی حاصل شده و یا اشکالی در اجرای احکام پیش آمده حاکم مکلف است مراقبت نماید که موافق ترتیبی که در ماده ۱۵۸ مذکور است این نوع امور فوراً در اداره ولایتی مطرح مذاکره شود. هرگاه اداره ولایتی نتواند

توضیحات لازمه را بدهد و خودش هم تردید یا اشتباهی در معنی قانون حاصل نماید باید حاکم یا رأی اداره ولایت را به وزارتخانه لازمه فرستاده توضیحات و رفع اشکال را بخواهد و یا در صورت اهمیت مسأله مجلسی را که در ماده ۱۴۷ مذکور است منعقد داشته و موافق مدلول آن رفتار کند.

ماده ۱۹. چون حکام مسئول نیک و بد امور قلمرو خود هستند باید مواظب باشند که انجمن‌های ولایتی و بلدی از حدود وظایف خود خارج نشوند و همچنین کمال مراقبت را در صحت انتخابات مستخدمینی که تعیینشان به عهده حکام واگذار شده داشته باشند و اطلاعات لازمه را قبل از وقت در باب خدمت سابق اشخاصی که می‌خواهند مستخدم شوند و نیز در باب اخلاق و رفتار و کردار آنها تحصیل نمایند و کلیه مراقبت کنند که اشخاصی که داوطلب استخدام هستند مسبق به ارتکاب جنحه و جنایات و قباحت نبوده دارای اخلاق پسندیده و لایق کاری که به آنها رجوع می‌شود باشند.

ماده ۲۰. چنانچه دوایر اداره محلیه بخواهند به موجب اختیاراتی که به آنها داده شده مستخدمین جدیدی معین کنند یا مستخدمین سابق را به مشاغل جدیدی برگمارند یا از جایی به جای دیگری مأمور نمایند حکام می‌توانند در مورد عدم لیاقت مستخدمین مزبوره مراتب را به ادارات مرکزی اطلاع دهند.

ماده ۲۱. حکام برای تشویق مستخدمین و اجزای لایق قابل خود می‌توانند بر طبق قوانین به آنها رفعت رتبه و انعام بدهند و یا استعدای ترفیع و مرتبه و اعطای منصب و امتیاز از دولت نمایند و مکلفند که قوانین راجعه به خدمت دولتی و ترفیع رتبه و اعطای مناصب و امتیازات را صحیحاً به موقع اجراء گذارند.

ماده ۲۲. کلیه مستدعیات ادارات محلیه در ترفیع رتبه و اعطای مناصب و امتیازات درباره مستخدمین جزو باید به توسط حاکم به وزارتخانه لازم تقدیم شود ولی صاحب‌منصبان و مستخدمین ادارات عدلیه و تفتیش از این قاعده مستثنی خواهند بود.

ماده ۲۳. حکام باید مواظب باشند که مرخصی موقتی در باب مناصب و مستخدمین ادارات و اجزای دفترخانه‌ها و انفصال آنها از خدمت موافق قواعدی باشد که ایجاد شده و به توسط اشخاصی باشد که حق این‌گونه اقدامات را دارند و هرگاه حکام مشاهده کنند که مستخدمین فوق‌العاده غایب می‌شوند اختارات لازمه را در

این باب به آنها بنمایند و اگر پند و نصیحت آنها اثری نبخشید و وضع و حالت این نوع مستخدمین طوری باشد که در سر خدمت مرتباً نتوانند حاضر شوند باید حکام به مراکز متبوعه اطلاع دهند.

ماده ۲۴. حاکم مواظبت مخصوصی خواهد داشت که در حدود ولایتی که به ریاست او محول شده هیچ‌گونه اغتشاش و بی‌نظمی اتفاق نیفتد، مخصوصاً مراقب افعال و اعمال صاحب‌منصبان و مستخدمین جزو حکومت خواهد بود و هرگاه از یکی از ارباب مناصب و مستخدمین جزو آشکارا مسامحه یا سوء رفتار یا اعمال شنیعه سر زند و یا آنکه از اختیاراتی که به آنها داده شده تجاوز نموده باشند حاکم به توسط اداره ولایتی بعد از پند و نصیحت امر به مؤاخذة و تنبیه و سیاست آنها خواهد کرد.

حدود مؤاخذة و سیاست در این موارد از قرار تفصیل است:

۱. توبیخ و ملامت
 ۲. کسرگذاشتن مقرری و مواجب
 ۳. تنزل دادن از شغل اعلی به اسفل
 ۴. انفصال مقصر از شغلی که دارد.
- تبصره: کسر مواجب و مقرری حدی دارد که نباید از آن تجاوز نماید و آن ثلث مواجب یا مقرری سالیانه شخص مقصر است.
- ماده ۲۵. حاکم حق انفصال از شغل و کسرگذاشتن از مقرری یا مواجب مقصر و تنزل دادن از شغل اعلی به اسفل را فقط نسبت به صاحب‌منصبان و مستخدمینی دارد که تعیین آنها به موجب قوانین به اختیار حاکم محول شده و هرگاه اجرای سیاست مزبوره درباره صاحب‌منصبانی لازم شود که از وزارت‌خانه‌ها و مقامات عالیه معین شده‌اند حاکم مراتب را با کلیه اطلاعات و توضیحات به وزارت یا به مقامات لازمه خواهد فرستاد (رجوع به ماده ۳۹۴)

ماده ۲۶. هرگاه تقصیر مقصر به قدری اهمیت داشته که اجرای سیاست مذکوره در ماده ۲۴ کافی نباشد، بعد از تحقیقات لازمه در اداره ولایتی کار این نوع مقصرین به محکمه عدلیه رجوع خواهد شد (رجوع به ماده ۳۹۳)

ماده ۲۷. هرگاه حاکم مسامحه یا تقصیرات جزئی در خدمات مرجوعه از طرف مستخدمین بلوکی و دهات مشاهده کند حق دارد که موافق ماده ۲۴ آنها را تنبیه و

سیاست نماید. اما در باب مباشر دهات حاکم حق دارد فقط موقتاً او را از شغل خودش انفصال داده به اداره بلوکی تفصیل تقصیر او را اطلاع بدهد که اداره مزبوره به اداره ولایتی در این باب مذاکره کرده یا مباشر را به کلی از شغل خودش خلع نمایند و یا به محکمه عدلیه بفرستند.

ماده ۲۸. چون حاکم نماینده دولت است در ولایت تمام صاحب‌منصبان و مستخدمین ولایتی چه آنهایی که در اداره حکومتند و چه اشخاصی که در سایر دوایر محلیه خدمت می‌نمایند خواه در تحت ریاست حاکم باشند خواه نباشند باید قطع نظر از رتبه و منصب و قدمت خدمت و غیره نسبت به حاکم احترامات لازمه را به عمل آورند و هرگاه حاکم آنها را برای مذاکره در امری احضار نماید حاضر شوند.

ماده ۲۹. حدود حقوق و تکالیف حکام را سمت آنها معین و مشخص می‌کند. یعنی چون حکام آلت اجرائیه‌اند به هیچ وجه حق ندارند قانون یا قرار جدیدی بگذارند یا مالیات و عوارض جدیدی وضع نمایند و یا در احکام محاکم عدلیه تغییری بدهند و یا بالاخره از اجرای قوانین موضوعه خودداری کنند.

ماده ۳۰. حکام باید سعی نمایند که همیشه اطلاعات صحیحه کافیه از وضع ولایتی که قلمروی مأموریت آنهاست داشته باشد یعنی از عده نفوس و وسعت خاک ولایت و ثروت طبیعی آن و مقدار زراعت‌ها و چمن‌ها و جنگل‌ها و از چگونگی شغل و حرفت و صنایع و معادن و تجارت ولایتی و وضع مساجد و ابنیه خیریه و عمارات عتیقه و دارالمساکین و مریضخانه‌ها و از انتشار معارف و اخلاق و عادات اهالی و عده جنحه و جنایاتی که اتفاق می‌افتد و کلیه اطلاعاتی که اوضاع و احوال ولایت و اهالی آن را نشان می‌دهد.

ماده ۳۱. برای جمع‌آوری این اطلاعات در هر ولایتی در تحت ریاست حاکم هیأتی تشکیل می‌شود موسوم به هیأت احصائیه (استاتستیک) حاکم باید مراقبت نماید که احصائیه مزبوره مرتباً کار نماید.

ماده ۳۲. نتیجه اقدامات احصائیه را بعد از تدقیق حاکم به وزارت داخله ارسال می‌دارد و هنگام مسافرت یا عبور موکب همایونی از ولایتی، حاکم ولایت مختصری از اطلاعات هیئت احصائیه را که مفید و جامع باشد با راپورت خود کتباً تقدیم حضور مبارک همایونی می‌نماید.

ماده ۳۳. حکام باید مواظبت مخصوصی درباره تبعه خارجه که مقیم ولایتی

هستند یا از آن ولایت عبور می‌نمایند داشته باشند و در امور تجارتي و سایر اموری که مضر به حال دولت و ملت نیست موافق قوانین موضوعه و عهدنامه‌ها حمایت لازم را در موارد مقتضیه به آنها بنماید که از امنیت و رفاهیت عمومی متمتع باشند و نیز باید مراقبت نماید که به تذکره‌های تبعه خارجه همیشه به توسط اداره نظمیّه رسیدگی شود که مجهول الحال نباشند. تبعه خارجه فقط به حکم محکمه عدلیه با رعایت مدلول عهود می‌توانند از خاک ایران تبعید شوند. هرگاه حاکم مشاهده کند که اقامت اتباع خارجه در ولایتی به واسطه سوء رفتار و کردار آنها مضر است باید مراتب را به وزارت داخله و وزارت خارجه اطلاع داده و موافق دستورالعمل‌های آن ادارات رفتار کند.

ماده ۳۴. یکی از مشاغل عمده حکام این است که مراقبت مخصوص در قلع و قمع چیزهایی که موجب فساد اخلاق اهالی می‌شود از قبیل قمارخانه‌ها و غیره به عمل آوردند و به جهت نیل به این مقصود اداره نظمیّه و ضبطیه بلوکی و غیره را حاکم مأمور می‌نماید که در موارد اجتماع اهالی در نقطه مخصوصی مراقبت در حفظ نظم و امنیت داشته باشند و از اعمال شنیعه ممانعت نمایند و مقصر را دنبال کنند، ولی باید دستورالعمل‌های حاکم در این باب طوری روشن و واضح و موافق قوانین موضوعه باشد که این مأموریت ادارات نظمیّه و ضبطیه مبدل به اجحاف و تعدی و هتک ناموس نشود.

ماده ۳۵. حکام باید اسباب امنیت جان و مال اهالی را از هر جهت چه در شهرها و دهات و چه در طرق و شوارع فراهم آورند چنانچه دزدان و قطاع‌الطریق در نقطه‌ای از نقاط ولایت پدید آیند و ادارات نظمیّه و ضبطیه از قلع و قمع آن عاجز باشند باید حاکم فوراً اقدامات مؤثر و سریعی را به عمل آورد، مأمور مخصوصی برای انجام این مأموریت به محل لازم روانه کند و در صورت لزوم به قوای نظامی ولایتی رجوع نماید. برای حفظ و امنیت راه‌ها در صورت عدم کفایت قراسواران حکام با تصویب ادارات نظمیّه و ضبطیه امر به تشکیل دسته مستحفظین سواره از اهالی و سکنه محل می‌نمایند و باید به پست و کاروانی که حمل مال‌التجاره و پول می‌نمایند مستحفظ بدهند.

ماده ۳۶. هرگاه در شهر یا دهی اغتشاشی روی دهد و مردم اوامر قانونی حکومت را اطاعت نکردند باید حاکم بدون فوت وقت شورشیان را پند و نصیحت و یا توبیخ

و ملامت نماید اگر مؤثر واقع نشد قشون ولایتی را خواسته باز شورشیان را به پند و نصیحت متنبه و اتمام حجت نماید هرگاه باز نتیجه حاصل نشد حاکم یا کسی که از طرف حاکم مأمور است به قوه جبریه اغتشاش را برطرف می‌نماید و محرکین اغتشاش شورش را به محکمه عدلیه می‌فرستد بعد از این اقدامات باید حاکم مواظبت نماید اشخاصی که متنبه شده پشیمان شده‌اند مجدداً به واسطه سوء اقدامات مأمورین و یا سختی بی‌موقع به حالت اغتشاش عودت نمایند و کلیه اقداماتی از طرف مأمورین به عمل آید که باعث تسکین قلوب و رفع هیجان عامه شود هرگاه ماندن قشون در محل لازم باشد امر حاکم در آن باب صادر خواهد شد. تبصره: تکالیف حکام و مأمورین کشوری در وقت احضار قشون برای کمک به حکومت علیحده مرتب و منضم به این ماده است.

ماده ۳۷. در ولایات سرحدی حکام مکلفند که نظارت مخصوصی نسبت به ادارات نظمی و ولایتی و ضبطیه بلوکی داشته باشند که حتی‌المقدور فراری‌های نظامی و مقصرین مدنی و اشخاصی که جنایت کرده‌اند از دولت همسایه به خاک ایران نگذرند و کسی قدرت پذیرفتن آنها را در خاک ایران نداشته باشد هرگاه با وجود مراقبت لازمه این نوع اشخاص در خفا داخل خاک ایران شوند حاکم بعد از حصول اطلاع موافق مدلول عهد و قرارنامه‌هایی که در این باب با دول خارجه منعقد شده و یا دستورالعمل وزارت خارجه اقدام می‌نماید.

ماده ۳۸. حکام مراقبت لازمه را خواهند داشت نسبت به اشخاصی که در تحت نظارت ادارات نظمی و ضبطیه هستند که نه سستی از طرف ادارات مزبوره به عمل آید و نه سختی.

ماده ۳۹. یکی از تکالیف حکام مراقبت و مواظبت لازمه است که در قلمرو مأموریت آنها انجمن‌هایی که مخالف قوانین موضوعه است تشکیل نشود.

ماده ۴۰. در صورتی که حکام مشاهده کنند که اقدامات انجمنی یا حوزه مخالف اصلی از اصول قانونی بوده تولید فساد می‌کند یا قسمتی از اهالی را بر قسمتی می‌شوراند و باعث فساد و تخریب اخلاق می‌شود، پس از تحقیق حق دارد آن انجمن یا حوزه را تعطیل کند و در صورت عدم فرصت و احتمال خطر و فساد عاجل و حاکم حق دارد که فوراً آن انجمن را تعطیل نماید تا رسیدگی لازم در محکمه عدلیه به عمل آید. در این موارد حاکم باید مراتب را به وزارت داخله و وزیر مسئول

اطلاع دهد.

سیم وظایف حکام

در باب آذوقه اهالی و امور داخلی و اجتماعی ولایت ماده ۴۱. وظایف حکام در این باب از قرار تفصیل است.

اولاً مراقبت در امر آذوقه و ارزاق اهالی
ثانیاً مراقبت در اینکه ابنیه جدیدالاحداث شهرها و دهات موافق قوانین موضوعه تأسیس شوند.

ثالثاً وقایع امنیت در حدود ولایت و حفظ رفاهیت و آسودگی اهالی
رابعاً تشویق اهالی به اقدامات عام‌المنفعه
خامساً مساعت لازمه (به قدری که در قوه و استطاعت حاکم است) در پیشرفت
زراعت و حرفت و صنایع و تجارت ولایتی
ماده ۴۲. اقداماتی که از طرف حکام برای وفور آذوقه و ارزاق می‌شود بر دو نوع
است: عمومی و خصوصی.

ماده ۴۳. اقدامات عمومی که راجع به پیشرفت امر زراعت و جلوگیری و ممانعت از
چیزهایی که مخل امر محصولات زراعتی و ارزاق است باید همیشه در مد نظر
حکام باشد به خصوص وقتی که در تمام ولایات یا قسمتی از آن احتمال قحطی
برود.

ماده ۴۴. ماحصل اقدامات عمومی آنست که حاکم باید مراقبت مخصوصی به عمل
آورد که گندم و سایر ارزاق بدون ممانعت در تمام ولایت به آزادی و قیمت عادلانه
خرید و فروش شود و کسی احتکار ننماید.

ماده ۴۵. اقدامات خصوصی آنکه حکام اطلاعات لازمه را در باب نرخ ارزاق و
آذوقه از اداره بلدییه تحصیل می‌نمایند و نه فقط به توسط ادارات نظمییه و ضبطیه و
بلدییه حکام مواظب تعدیل نرخ و عدم کم‌فروشی و صحت اکیال و اوزان می‌باشند
بلکه خودشان هم در موارد لازمه حق دارند به توسط مأمورین مخصوصی به این
امور رسیدگی نمایند.

ماده ۴۶. عمارت یا خانه را کسی به دولت و یا به شهری واگذار کند، حاکم مکلف

است مراتب را به وزارت داخله و وزارتى که از آن خانه یا عمارت استفاده خواهد کرد اطلاع دهد.

ماده ۴۷. هرگاه آثار عتیقه در ولایت باشدو یا مجدداً کشف شود، حاکم مکلف است که مراتب را مفصلاً به وزارت داخله اطلاع بدهد.

ماده ۴۸. حاکم باید مراقبت نماید که ادارات اطفائیه در کمال نظم و ترتیب بوده قواعد راجعه به این اداره تماماً به موقع اجراء گذارده شود. اگر شهری استطاعت ترتیب اداره اطفائیه را نداشته باشد، حاکم می‌تواند در صورت لزوم به توسط وزارت داخله استدعای وجه اعانه از دولت برای دایر نمودن اداره اطفائیه در آن شهر بنماید و آن وجه اعانه را به اطلاع انجمن ولایتی به مصرف مذکور برساند.

چهارم در وظایف حکومت نسبت به حفظالصحة عمومی

ماده ۴۹. وظایف حکام در این باب آن است که مراقبت لازمه را در اجرای نظامنامه طبی و حفظالصحه داشته باشند و ساعی باشند که به اقدامات صحیحه، سریع در امراض مسریه و امراض سریع‌الانتشار جلوگیری شود. لذا همین که خبر حدوث چنین مرضی از دوائر جزو حکومت و یا از محل موثقی رسید حاکم باید رسیدگی و معلوم نماید که چه نوع اقدامات برای جلوگیری از انتشار مرض به عمل آمده و علاجی که شده است کافی است یا نه. بعد، پس از مشاوره با طبیب حافظالصحه ولایتی اگر لازم شود حاکم مأمور مخصوصی با چند نفر طبیب و معاون طبی و ادویه و آلات و اسباب طبی روانه محل آلوده به مرض و جاهای لازمه می‌نماید و هرگاه صلاح بداند چند نفر اجزای لازم را هم با مأمور مخصوص روانه می‌کند بعد از این اقدامات در صورت لزوم خود حاکم به محل ناخوشی رفته شخصاً تحقیقات لازمه را می‌نماید و هرگونه اقدام مجدانه که مقتضی باشد به عمل می‌آورد و به توسط مأموری مخصوص حکام ولایات همجوار را مطلع می‌دارد.

ماده ۵۰. حکام حق نظارت مخصوصی نسبت به مریضخانه‌های شهری و بلوک و دهات و همچنان مریضخانه‌های محبس‌ها و غیره دارند و خواه هنگام محال گردشی خواه در غیر این موقع رسیدگی به مریضخانه‌ها را غالباً به طبیب حافظالصحة ولایتی یا به معاونین او می‌سپارند.

پنجم در وظایف حکام

ماده ۵۱. حکام باید مراقبت تامّه داشته باشند که مالیات و عوارض دولتی به موجب قوانین موضوعه در موقع خود به توسط کارگذاران مالیه وصول و ایصال شود و به علاوه باید نظارت صحیح نسبت به وصول و ایصال عوارضی که برای مخارج محلیه از بلديه و غیره اخذ می شود داشته باشند.

ششم در وظایف حاکم نسبت به اداره مالیه

ماده ۵۲. نوشتجاتی که محتاج به امضای حاکم یا به تصویب اوست و نزد حاکم فرستاده می شود یا به امضای حاکم می رسد و یا صورت عدم تصویب مشارالیه عقیده خود را به اداره مالیه اظهار می دارد.

ماده ۵۳. حاکم فهرست کارهای تمام شده را که از اداره مالیه برای او در آخر هر سال می فرستند ملاحظه نموده هرگاه تعویقی یا تعطیلی در جریان امور آن اداره مشاهده کند، فوراً به وزارت مالیه راپورت می دهد.

ماده ۵۴. هرگاه حاکم بی نظمی یا اغتشاشی در اداره مالیه مشاهده کند باید فوراً به اداره مزبوره ملاحظات خود را اخطار نموده مراتب را به وزارت مالیه اطلاع دهد و اگر رفع بی نظمی نشد باز وزارت مالیه را مطلع نموده توجه آن وزارت را به مسأله لازم معطوف دارد ولی حاکم حق ندارد رأساً اجزای اداره محاسبات را تنبیه یا سیاست نماید.

هفتم در وظایف حکام نسبت به اداره خالصجات

ماده ۵۵. حکام مراقبت تامه خواهند داشت که اداره خالصجات و مستخدمین و اجزای آن اداره تکالیف خود را موافق قوانین و دستورالعمل های راجع به آن اداره به عمل آورند و امور آن اداره موافق قوانین و دستورالعمل های وزارت مالیه مرتب باشد هرگاه حاکم مشاهده کند که از طرف اداره یا یکی از مستخدمین آن اداره از حدود مقرر تجاوز می شود باید مراتب را به وزارت مالیه اطلاع داده درخواست اقدامات لازمه را برای رفع بی نظمی بنماید.

ماده ۵۶. حکام باید مراقبت مخصوصی نسبت به جنگل‌های دولتی داشته آنها را حفظ نمایند هرگاه برخلاف قواعدی که برای حفظ جنگل‌ها ایجاد شده است اقدامی ملاحظه نمایند باید بدون فوق وقت ممانعت نموده مراتب را به وزارت مالیه اطلاع بدهند.

ماده ۵۷. حکام در راپورت‌های خود که به مقامات عالیه می‌دهند باید همیشه وضع خالصه‌جات ولایتی را مفصلاً بنویسند و هرگاه اداره خالصه‌جات منظم و مرتب و مستخدمین آن در اجرای تکالیف خود ساعی باشند. حاکم می‌تواند که از وزارت مالیه خواهش امتیازی برای مستخدمین آن اداره بنماید.

ماده ۵۸. نرخ فروش هیزم جنگل دولتی را که اداره خالصه‌جات در هر سال معین و به وزارت مالیه می‌فرستد، باید قبل از وقت به نظر حاکم برسد.

هشتم در وظایف حاکم نسبت به تحویل‌خانه‌ها

ماده ۵۹. حاکم در وقت بلوک گردشی و همچنان هر وقتی که لازم بداند حق دارد که مقدار پولی که در دوائر محلیه (ولایتی و بلوکی) موجود است تفتیش نماید و همچنان حق دارد که به کلیه اموال متعلقه به آن ادارات رسیدگی نموده معلوم دارد که عایدات دولت بدون حیف و میل وارد صندوق می‌شود یا نه و مقدار بقایا چقدر است تمام اطلاعات خود را در این باب حکام باید به وزارت مالیه راپورت کنند. به‌علاوه این اقدام حکام مکلفند که اطلاعات خود را در تفتیش صندوق ادارات به اداره مالیه نیز اعلام نمایند که اقدامات مقتضیه از طرف آن اداره به عمل آید و اگر اغتشاش یا بی‌نظمی روی داد جلوگیری کامل به‌عمل آورند.

ماده ۶۰. حکام باید سالیانه به وزارت داخله راپورتی تقدیم نمایند که در آن راپورت اطلاعات راجعه به اخذ مالیات و بقایا و کذالك مقدار بقایایی که لاوصول مانده و جهت وصول نشدن بقایا و کلیه اقداماتی که برای اخذ مالیات و وصول شدن آن از طرف حکومت به‌عمل آمده است، توضیح و تصریح شده باشد. راپورت مزبور مبتنی بر اطلاعات خود حاکم که در وقت بلوک گردشی تحصیل کرده است و اطلاعات اداره ولایتی و ادارات نظمی خواهد بود.

نهم در وظایف حکام نسبت به اداره علوم و معارف

ماده ۶۱. حکام مکلفند که مراقبت مخصوصی نسبت به مکاتب ابتدائیه داشته بی‌خبر به این نوع مکاتب و همچنان به مدارس متوسطه و عالیه (در صورتی که باشد) سرکشی نماید و هرگاه از قوانین و دستورالعمل‌ها و دستور تعلیمات راجعه به معارف تخلف می‌شود مراتب را به وزارت معارف اطلاع دهند و به اداره معارف ولایتی نیز اخطار نمایند به‌علاوه این اقدامات حکام باید مساعدت و همراهی لازم را به اداره معارف در اشاعه معارف نمایند.

دهم در وظایف حکام نسبت به ادارات زراعت و فلاحت و معادن

و جنگل‌ها و گمرک و پست و تلگراف و غیره

ماده ۶۲. حکام مکلفند که در مواردی که این ادارات به تقویت و همراهی حکام محتاجند موافق قوانین موضوعه و دستورالعمل‌های رؤسای آنها کمال مساعدت و همراهی را از آنها بنمایند و نیز برعهده حکام است به اندازه‌ای که در قوانین و نظامنامه‌های این ادارات معین شده است مراقبت و مواظبت نمایند که به خزانه دولت ضرری وارد نیاید و رفع مانع و اشکالات و اشتباهات به عمل آید.

ماده ۶۳. حکام حق دارند که ادارات مذکوره در ماده قبل را سرکشی نمایند بدون اینکه حق مداخله در امور آن ادارات داشته باشند و نمی‌توانند رأساً اجزای آن ادارات را تنبیه یا سیاست نمایند ولی در صورتی که اغتشاش یا بی‌نظمی در آن ادارات مشاهده کنند، مکلفند فوراً مراتب را به رؤسای بلاواسطه آن ادارات که در محل هستند اخطار نمایند و اگر نتیجه مترتب نشد، مراتب را به وزارت متبوعه آن اداره و وزارت داخله راپورت نمایند.

یازدهم در وظایف حکام در صورت رجوع کار صاحب‌منصبان

و مستخدمین و اجزای دوایر اداره به محاکم عدلیه

ماده ۶۴. حدود تکالیف حکام در باب جلب مستخدمین و اجزای دوایر اداره به محاکم عدلیه در نظامنامه محاکمه جنایتی مفصلاً مندرج است. (رجوع به ماده

۳۹۵-۳۹۱)

دوازدهم در وظایف حکام نسبت به اداره جنگ

ماده ۶۵. تکالیف حکام نسبت به اداره نظام از قاریست که در نظامنامه خدمت نظامی و سایر قوانین و نظامنامه‌های نظامی مندرج است. قواعدی که باید در موقع احضار و استعمال قشون (رجوع به ماده ۳۶) و در باب روابط صاحب‌منصبان کشوری و لشکری باید مراعات شود جداگانه مرتب و منضم به ماده ۳۶ خواهد بود.

سیزدهم در وظایف حکام

نسبت به کارگذاری‌های خارجه

ماده ۶۶. کارگذاری‌های امور خارجه مقیم ولایات در روابط حکام با قنصلگری‌های خارجه مقیم ولایات واسطه‌اند، لهذا تمام امور خارجه در روابط حکام با قنصلگری‌ها باید به اطلاع کارگذارها باشد و همچنان اجرای عهدنامه‌ها و قراردادهای بین‌الملل به اندازه‌ای که راجع به تبعه خارجه است، باید به واسطه و به اطلاع کارگذاری‌ها باشد. حکام کمال همراهی و مساعدت را از کارگذاری‌ها در اجرای تکالیف آنها که مبتنی به عهدنامه‌ها و قراردادهای و نظامنامه‌ها و دستورالعمل‌های آنها است خواهند نمود. از طرف دیگر حکام حق دارند که در صورت لزوم به امور کارگذاری‌ها سرکشی نموده و هرگاه اغتشاشی یا بی‌نظمی مشاهده کنند، مراتب را فوراً به وزارت خارجه اطلاع دهند و هرگاه راپورت آنها منتج نتیجه نشد مجدداً توجه مقامات عالیه را به راپورت‌های سابقه خود جلب نمایند ولیکن حکام حق ندارند که کارگذار یا اجزای کارگذاری را تنبیه و سیاست کنند.

چهاردهم در وظایف حکام هنگام تحویل گرفتن و تحویل دادن

ولایات

ماده ۶۷. حاکمی که از شغل خود منفصل می‌شود باید اوضاع امور ولایتی را با کلیه اطلاعات راجعه به ولایت مشروحاً به وزارت داخله و به فرمانفرما (در صورتی که ولایت جزو ایالتی باشد) تقدیم نماید و نسخه‌ای هم به حاکم جدید بدهد.

ماده ۶۸. هرگاه انفصال حاکمی از ولایت قبل از ورود حاکم جدید باشد، حاکم

منفصل باید کلیه اطلاعات خود را به قائم مقام حکومت بدهد و او هم بعد از ورود حاکم جدید راپوتی که حاوی اطلاعات حاکم سابق و اطلاعاتی است که خود او در زمان مدیری تحصیل کرده به حاکم جدید بدهد. حاکم جدید هم بعد از مباشرت به شغل خود باید راپورت اطلاعاتی را که از حاکم قبل به او رسیده با ملاحظات خود به وزارت داخله و یا به فرمانفرما بدهد. (در صورتی که ولایت جزو ایالتی باشد) ماده ۶۹. در راپورتی که حاکم منفصل و حاکم منصوب می‌دهند، باید مواد ذیل مندرج باشد:

اولاً اموری که تسویه نشده؛

ثانیاً وضع دفترخانه حاکم؛

ثالثاً وضع اداره ولایتی؛

رابعاً حالت ادارات اطفائیة شهرهای ولایتی و بلوکی؛

خامساً مقدار بقایائی که لاوصول مانده؛

سادساً خیالاتی که حاکم منفصل در اصلاح وضع و امور ولایتی داشته و خیالاتی که حاکم منصوب دارد؛

سابعاً وضع نرخ ارزاق و وفور یا قحطی آذوقه.

ماده ۷۰. در باب دفترخانه حاکم باید مطالب ذیل (در راپورت حاکم منفصل و جدید) تصریح شده باشد: اولاً اموری که راجع به دستورالعمل‌های مقامات عالیه و وزارتخانه‌ها است؛ ثانیاً کلیه اموری که به موجب مراسلات و راپورت‌های سایر دوایر دولتی و مملکتی و شکایات و احکام خود حاکم شروع شده.

تبصره: از کلیه این کارها آنچه محرمانه است باید مجزی شده علیحده نوشته شود.

ماده ۷۱. آنچه باید از امور اداره ولایتی در راپورت فوق‌الذکر نوشته شود از قرار ذیل است:

حاکم منفصل دفعه آخر که در اداره ولایتی حاضر می‌شود، کتابچه‌ای ترتیب داده و در آن کتابچه معین می‌کند چه قدر از اموری که راجع به مجلس وزرا و تحقیقات و امور جنایتی است تسویه شده و چه مقداری از امور بلا تسویه مانده و همچنان چقدر از امور تکلیفش در اداره ولایتی معین نشده. سوادى از کتابچه مزبور برای فرمانفرما (در صورتی که باشد) ارسال و نسخه‌ای هم به حاکم جدید داده می‌شود. کتابچه مزبور باید به امضای حضار برسد.

ماده ۷۲. در باب بقایا باید حاکم منفصل اطلاعات اخیر خود را مفصلاً برای هر محلی علیحده قید نماید.

ماده ۷۳. حاکم منفصل باید خیالات و نقشه‌های خود را که راجع به اصلاحات ولایتی است مشروحاً و واضح (نزدیک به فهم) به حاکم جدید اظهار نماید و جهت لزوم این اصلاحات را با وسایلی که می‌توان برای اجرای اصلاحات اتخاذ کرد و همچنان موانعی که تا آن وقت مانع اجرای خیالات او بوده باید تصریح کند و کلاً اگر چیزی موجب جلب توجه او شده، خاطر حاکم جدید را بدان معطوف دارد.

ماده ۷۴. حاکم منفصل حتماً باید تمام اطلاعات فوق‌الذکر را به جاهای لازم بدهد والا نقض قانون تخلف از تکلیف کرده و مسئول خواهد بود. به علاوه هر اغتشاشی و بی‌نظمی که در محل به توسط حاکم جدید کشف شود و حاکم منفصل اطلاع نداده باشد برعهده او خواهد بود.

ماده ۷۵. همین که حاکم جدید امور ولایتی را از حاکم منفصل یا در غیاب او از مدیر تحویل گرفت راپورت خود را در باب امور ولایتی به فرمانفرما (در صورتی که ولایت در جزو ایالتی باشد) والا به وزارت خانه می‌فرستد.

ماده ۷۶. نه فقط حاکم منفصل مسئول اطلاعات غیر صحیح‌های است که به جاهای لازمه و به جانشین خود داده، بلکه اشخاصی که راپورت حاکم را تصدیق کرده و امضا نموده‌اند نیز مسئولند.

ماده ۷۷. راپورت و اطلاعات مذکوره در مواد (۶۹ و ۷۰ الی ۷۳) را حکام باید در موقع مرخصی موقتی یا مأموریت مخصوصی که به آنها داده می‌شود نیز به قائم مقام خودشان ولو موقتی هم باشند بدهند و ولایت را تحویل داده و تحویل بگیرند. هرگاه حاکم رعایت این قاعده را ننماید و هنگام مرخصی به جای دیگر مأمور شود و یا استعفا کنند باید به خرج خود به محل حکومت سابق خود مراجعت کرده ولایت را به طوری که در مواد ۶۷ الی ۷۵ ذکر شد، تحویل بدهد. مگر اینکه حرکت فوری حاکم از ولایت به جهتی مقتضی شده باشد.

ماده ۷۸. هرگاه حاکم ولایتی فوت نماید و یا به واسطه مرضی نتواند ولایت را اداره کند، قائم مقام او موافق مواد ۶۷-۶۷ باید اقدام به ترتیب کتابچه‌های فوق‌الذکر از تاریخ تصدی خود به امر حکومت بنماید.

پانزدهم در محال گردشی

ماده ۷۹. حکام جدید بعد از تحویل گرفتن ولایت به طوری که در مواد ۷۶-۶۷ مذکور است، بدون قوت وقت به ادارات واقعه در کرسی ولایت و دفترخانه‌ها و دفاتر آنها و همچنین به صندوق ولایتی و ادارات نظمی و اداره اطفائیه و محبس‌ها و مریضخانه‌ها و ادارات خیریه سرکشی می‌نمایند. بعد از تفتیش و رسیدگی ملاحظات خود را اخطار می‌کنند و قواعد و قوانین موضوعه و مقتضیات وقت و محل را و همچنان نقشه اصلاحات حاکم سابق را منظور نموده در صورت لزوم اقدام در اجرای اصلاحات می‌نماید. اگر این اقدامات به موجب قوانین در حیطه اختیارات حاکم است، رأساً و یا به توسط و اطلاع اداره ولایتی اقدام می‌کند (رجوع به مواد ۱۰۱ و ۱۱۱) و هرگاه اطلاع و اجازه مقامات عالی و وزارتخانه‌ها لازم است مراتب را به وزارت داخله و وزارت لازمه راپورت می‌کند.

ماده ۸۰. بعد از اتمام سرکشی به ادارات ولایتی و آشنا شدن به امور آن ولایت حاکم جدید شروع به سرکشی توابع قلمرو خود می‌نماید و طوری سرکشی می‌کند که از کرسی ولایت زیاد دور نشود و غیبت او از کرسی ولایت زیاده از اندازه طول نکشد، مگر در صورت ضرورت قبل از شروع به محال گردشی حاکم اطلاعات ذیل را می‌خواهد. اولاً صورتی از اطلاعات اخیری که از هر کدام از بلوکات در باب امور دوایر بلوکی رسیده و صورت اتفاقاتی که دلالت بر بی‌نظمی و اختلال امور بلوکی می‌نماید؛ ثانیاً از اداره مالیه اطلاعات راجعه به صندوق بلوکی و بقایای بلوکات؛ ثالثاً از اداره خالصه‌جات اطلاعات راجعه به جنگل‌ها و به‌همین ترتیب از هر اداره اطلاعاتی که مهم و برای تفتیش و سرکشی حاکم مفید است از آن اداره می‌خواهد.

ماده ۸۱. حاکم هنگام محال گردشی شخصاً تمام ادارات را سرکشی می‌نماید و صورت‌هایی را که از ادارات مختلفه گرفته با فهرست‌ها و صورت‌های دوائر بلوکی تطبیق کرده و اختلافات را یادداشت می‌نماید. اگر این اختلافات طوری است که رفعش آسان است، فوراً حکم به اصلاح و رفع آن می‌کند و چنانچه مهلت لازم دارد، موعدی معین کرده، رفع اختلافات را در آن موعده می‌خواهد ولی هرگاه اختلافات مهم و کلی است و مسامحه بزرگی روی داده و یا سوء استعمال شده، حاکم صورت آن را به اداره ولایتی می‌فرستد و اداره مزبوره موافق اختیاراتی که به آن اداره قانوناً

داده شده از مقصر مؤاخذه می‌نماید و در صورت اهمیت تقصیر تحقیقات لازم را برای فرستادن مقصر به محکمه عدلیه به عمل می‌آورد. ملاحظات خود را حاکم به اداراتی که سرکشی کرده اخطار کرده، بعد صورتی از آن ملاحظات را به اداره ولایتی ارسال می‌دارد و هرگاه این ملاحظات حاکم راجع به سایر دوائر محلیه باشد، ملاحظات خود را به آن دوائر اخطار می‌نماید.

ماده ۸۲. بعد از سرکشی یک بلوک حاکم به بلوک دیگر می‌رود و طوری مسافرت خود را ترتیب می‌دهد که بعضی از نواحی و دهات معتبر را هم ببیند در سر راه حاکم به طور رسمی ولی محرمانه از اشخاص لازم سؤال‌های راجعه به اداره شدن امور بلوکی و غیره می‌نماید و می‌فهمد که بی‌اعتدالی می‌شود یا نه و احتیاجات اهالی چیست و میل به چه نوع اصلاحات دارند و می‌خواهند و هرگاه مطلبی کشف کند که دلالت بر بی‌نظمی و یا به بی‌اعتدالی راجع به اداراتی باشد که تابع دوائر دیگرند مراتب را به آن دوائر اطلاع می‌دهند.

ماده ۸۳. هنگام بلوک گردشی حکام متوجه به اخلاق و آداب و درجه معارف و حالت زراعت و معادن ثروت و تجارت محلی بوده و اطلاعات خود را جداگانه مرتب و با عقاید خود در اصلاحات لازم به وزارت داخله ارسال خواهد داشت.

ماده ۸۴. حکام مکلفند که هنگام بلوک گردشی طوری نمایند که این سرکشی آنها که برای رفاهیت و آسودگی اهالی است تولید زحمت و آزردهی خاطر برای اهالی ننماید. بدین جهت لوازم مسافرت را باید به قدر مایحتاج تحصیل نموده و مراقبت نمایند که از طرف خدمه و همراهان آنها اجحاف و تعدی به کسی نشود.

ماده ۸۵. بعد از اتمام عمل بلوک گردشی حاکم مکلف است که راپورت محال گردشی خود را مستقیماً به وزارت داخله تقدیم کند و سواد می‌هم برای فرمان فرما (در صورتی که باشد) از راپورت خود و منضمات آن خواهد فرستاد.

ماده ۸۶. حاکم مکلف است که این سرکشی را موافق مواد ۸۵ و ۷۹ همه ساله یک دفعه به عمل آورد و اگر وضع ولایات به واسطه وسعت زیاد و بدی راهها اقتضا ندارد لامحاله دو سال یک دفعه بلوک گردشی نماید.

تنبیه: ترتیب سرکشی که غفلتاً و به طور خصوصی به دوایر محلیه می‌شود، در مواد آتیه مرتب است. (مورد هفتم ماده ۱۴۶ و غیره)

شانزدهم در راپورت‌های سالیانه و اطلاعات فوری که حکام باید

بدهند

ماده ۸۷. غیر از راپورتی که حکام به وزیر داخله بعد از اتمام عمل محال گردشی می‌دهند، باید در مواقع معینه راپورت‌های مفصل و مختصر را در باب وضع ولایت و اقداماتی که کرده‌اند بدهند، این راپورت‌ها بر دو نوع است؛ یکی عمومی است که حکام بعد از انقضای هر سالی می‌دهند. دیگری خصوصی که در موارد لازمه یا در مواقع فوری در عرض سال باید بدهند.

ماده ۸۸. راپورت‌های عمومی حکام سالی یک مرتبه به وزارت داخله تقدیم می‌کنند و باید تمام ادارات ولایتی حتی ادارات بلدیه اطلاعاتی که برای تقدیم این راپورت لازم است به حاکم برسانند. سوادی از این راپورت عمومی را حکام برای فرمانفرما درجایی که هست، ارسال می‌دارد.

ماده ۸۹. غیر از راپورت سالیانه حکام مکلفند که ماهی دو دفعه راپورت گزارشات ولایتی را به وزیر داخله بدهند و نیز گزارشات و وقایع فوری را بدون فوت وقت تقدیم کنند. کلاً هرگونه اطلاعات راجع به وزارت داخله را باید حکام به وقت و به موقع خود برسانند و آنچه را که موافق قوانین به سایر وزارتخانه‌ها راجع است به موقع به آن وزارتخانه اطلاع دهند.

تنبیه: حکام می‌توانند در مواقع مهمه در صورتی که شکل و وضع و اهمیت کار تقاضا می‌نماید چاپار مخصوص روانه پایتخت نمایند.

هفدهم در مسئولیت حکام

ماده ۹۰. حکام در موارد ذیل مسئول و مؤاخذند:

اولاً: در صورتی که قوانین و احکام و همچنان دستورالعمل‌های رؤسای خود را بلااجرا گذارند و یا درست اجرا نمایند و نتوانند بی‌تقصیری خود را مدلل نمایند؛ ثانیاً: هرگاه در موقع تفتیش ولایات به واسطه مفتشی که از مرکز دولت فرستاده شده مدلل شود که اغتشاش و اختلال امور ولایتی تقصیر حاکم بوده و می‌توانسته است از اغتشاش ولایتی جلوگیری کند، ولی به مسامحه گذرانیده؛ ثالثاً: چنانچه مصرّ شود که رواج رشوه و تعارف در ولایت به واسطه اغماض حاکم

یا شراکت خود حاکم در این گونه عمل شنیع بوده؛

رابعاً: در صورتی که حکام اقدامی نمایند که خارج از وظیفه آنها باشد و یا آنکه خارج از حدود اختیاریت باشد که به آنها به موجب قوانین و نظامنامه‌ها داده شده؛ خامساً: وقتی که به اشخاصی که در ادارات حکومتی خدمت می‌کنند و کذالک به اجزای نظمیه کارهایی رجوع نمایند که خارج از حوزه تکالیف آنها باشد و یا آنکه کارهای شخصی خود را به آنها رجوع کنند؛ سادساً: در صورتی که بی‌قاعده تحقیقاتی را در امری شروع نمایند و خودسرانه تحقیقاتی را ختم کند؛

سابعاً: وقتی که حکام شخصاً و رأساً اقدام کنند در اموری که راجع به اداره ولایتی و یا سایر دوائر محلیه و یا ادارات جزو آن دوائر است و در این باب دستورالعملی از رؤسای خود نداشته‌اند؛

ثامناً: در مواردی که حکام دخالت به کارمحاکمه نمایند و ملک کسی را انتزاع نموده و به دیگری دهند و کلاً به اموری دخالت نمایند که راجع به محاکم عدلیه است؛

تاسعاً: در مواردی که خودسرانه و بدون اجازه جاهای لازم تغییری در وضع ولایت دهند که باعث اجحاف و تعدی و آزرده‌گی خاطر اهالی شود یا به واسطه اهمال و عدم دقت در امور قوانین را طوری اجرا نمایند که منظور از ایجاد قوانین که مساوات است به عمل نیاید و یا آنکه بالاخره مالیات و عوارضی که قانوناً معین نشده از اهالی اخذ نمایند؛

عاشراً: در مواقعی که تحقیقات جنایتی به عمل می‌آید به واسطه غرض شخصی، اغتشاش و اختلالی فراهم آورند و این اقدامات شنیعه آنها در محاکم استیناف یا جای دیگر کشف شود؛ حادی عشر: وقتی که معلوم شود اقدامی که حاکم برای جلوگیری از تعدی و اجحاف و جنحه و جنایات و قباحت و رفع ظلم و غیره کرده است به درجه‌ای که لازم است سخت نبوده و نتیجه حاصل نشده، خصوصاً اگر ظاهر شود که حاکم غرضی داشته یا با جانی و ظالم و مقصر همراه بوده است.

ثانی عشر: در مواردی که حکام برای وصول بقایا همراهی لازم به عمل نیآورند و از اجرای قوانین خودداری نمایند.

ثالث عشر: وقتی که حکام در موارد بلیات سماوی از قبیل حریق و امراض مسریه

در میان مردم و حشم و حیوانات و همچنان در موقع طغیان آب و توفان و غیره با تمام قدرت و اختیاراتی که به آنها داده شده برای حفظ نفوس و کمک و اعانه به درماندگان و بیچارگان اقدام نکرده‌اند.

رابع عشر: در صورتی که مشاهده شود که عمداً یا چند دفعه سهواً قوانین راجعه به خودشان را نقض کرده‌اند و از اندازه خود خارج شده‌اند خواه این اقدام را رأساً خودشان کرده باشند و خواه از اداره ولایتی و جاهایی شده باشد که در تحت ریاست یا نظارت حکام واقع‌اند.

خامس عشر: وقتی که به مأمورینی که به داخله ولایت برای انجام کاری می‌فرستند خرج سفر بدهند بدون اینکه قواعدی را که در این باب ایجاد شده رعایت نموده باشند.

ماده ۹۱. در تمام مواردی که در ماده قبل معین شده و همچنان در سایر مواردی که از این قبیل باشد، حکام به حکم قانون مسئولند و تنبیه و سیاست آنها بعد از ثبوت تقصیر آنها از توییح و شماتت گرفته الی خلع از شغل و عزل از حکومت برحسب تصویب وزارت داخله به حکم بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی به عمل می‌آید و هرگاه تقصیر حاکم به قدری مهم باشد که بعد از عزل باید به محاکم عدلیه جلب شود موافق نظامات عدلیه کار او به محکمه لازمه رجوع خواهد شد و تحقیقات لازمه برای ارجاع کار حاکم مقصر به محکمه عدلیه در مجلس وزرا به عمل خواهد آمد.

هجدهم در روابط حکام با مقامات عالیه و ادارات متساویه و تابعه (جزو حکومت)

ماده ۹۲. حکام در مواردی که به موجب این نظامنامه معین شده به توسط وزارت داخله به حضور مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی راپورت عرض می‌کنند و به صدور اوامر و احکام که بر طبق قوانین موجوده است از جانب سنی‌الجوانب مفتخر و مباهی می‌شوند.

ماده ۹۳. حکام به وزیر داخله و به فرمانفرما اگر باشد راپورت می‌دهند و دستورالعمل می‌گیرند و به سایر وزرا در مواقع لازمه اطلاعات و عقاید خودشان را تقدیم

می‌کنند.

ماده ۹۴. در صورتی که ولایتی جزو ایالتی باشد، حاکم تابع دستورالعمل‌های قانونی فرمانفرمای آن ایالت است و اطلاعات و عقاید و ملاحظات خود را به توسط فرمانفرما به وزرای مسئول راپورت می‌نماید. از این قاعده کلی موارد ذیل مستثنی است:

اولاً: راپورت تحویل‌دادن و تحویل گرفتن ولایت و راپورت سرکشی نوبت اول ولایت و راپورت‌های سالیانه و اطلاعات فوری راجع به جریان امور ولایتی و اتفاقات فوق‌العاده و امثال آن.

ثانیاً: راپورت‌های راجعه به اتفاقات مهمه که اندک تأخیری در وصول اطلاعات در مرکز موجب خسران بزرگ تواند شد.

ثالثاً: در مواردی که حکام دستورالعمل‌های واصله از فرمانفرما را مناقض و مخالف قوانین موجود می‌دانند. در کلیه موارد مذکوره حکام مستقیماً اطلاعات و عقاید و ملاحظات خود را به وزیر داخله راپورت و به وزرای مسئول تقدیم می‌کنند و در همین موقع صورت آن راپورت‌ها را به جهت فرمانفرما می‌فرستد.

ماده ۹۵. حکام به ادارات کل و ادارات جزو وزارتخانه‌ها در پایتخت و کذلک به ادارات طرق و شوارع و معارف و گمرک و معادن و نظامی و بحری و پست و تلگراف که در ولایت تأسیس شده و مدعی عمومی ولایت و همچنان به اداره تفتیش ولایتی و انجمن‌های ولایتی و بلدی مراسله می‌نویسند.

ماده ۹۶. حکام به اداره ولایتی و هیأت احصائیه و اداره مالیه و انجمن ولایتی و اداره بلدی و کمیسیون‌ها نرخ ارزاق، عقاید و ملاحظات خودشان را اخطار می‌نمایند و آن ادارات ملاحظات خودشان را به حاکم تقدیم می‌کنند.

ماده ۹۷. حکام به ادارات نظمی و ضبطیه کرسی ولایت و بلوکات که جزو حکومت هستند حکم می‌کنند و از آنها راپورت می‌گیرند به اداره قراسواران که در کرسی ولایت تأسیس شده مراسله می‌نویسند و راپورت اطلاعات را می‌گیرند.

ماده ۹۸. ترتیب روابط حکام با دوایر عدلیه در نظامات عدلیه مندرج است.

ماده ۹۹. حکام باید مراقبت نمایند که نوشتجات و مکاتبات آنها با سایر ادارات و همچنان مکاتبات اشخاص و دوایر جزو حکومتی با ادارات متفرقه موافق قواعد توقیر و ادب باشد و طوری نباشد که تولید مناقشه و مکابره نماید و بی‌جهت مسائلی

طرح شود که باعث ازدیاد مکاتبه و فوق وقت طرفین شود.
ماده ۱۰۰. حکام باید سعی نمایند که مکاتبه مابین دوایر حکومتی و سایر دوایر حتی المقدور به موقع و با معنی باشد و بی جهت رشته مکاتبات به طول نیانجامد و کارها از جریان طبیعی نیفتد.

ماده ۱۰۱. حکام باید مراقبت نمایند که هرکاری در اداره و دایره متعلق به آنها طرح و تسویه شود و حدود و حقوق ادارات محفوظ بماند. حاکم فقط در دو مورد حق دارد که کارها را در دفترخانه خود تسویه کند. اولاً وقتی که کار فوری و فوتی است و سرعت اقدام مستلزم استثنای از قاعده کلی است؛ این گونه امور با منضعات آن بعد از تسویه فوری به اداره ولایتی داده خواهد شد و ثانیاً در صورتی که استتار مطلبی یا مسأله مقتضی پیشرفت آن مسأله است و یا آنکه موقع مقتضی افشای آن مطلب این است.

ماده ۱۰۲. حکام حق ندارند سواد قراردادهای اداره ولایتی را از آن اداره خواسته به دفترخانه خودشان بدهند و باید مراقبت تامه داشته باشند که در دفترخانه آن اداره آن قراردادها به موقع اجرا گذارده شود.

ماده ۱۰۳. روابط رسمی حکام با ادارات و اشخاصی که تابع و جزو اداره ولایتی است و همچنان با ادارات و اشخاصی که جزو شعبات ولایتی وزارتخانه‌ها هستند باید به توسط رؤسای آنها باشد؛ مگر در صورتی که ضرورت ارتباط بلاواسطه را اقتضا کند یا نفع مهمی برای امور ارتباط بلاواسطه منظور باشد.

تبصره: هنگام سرکشی ولایات حکام حق دارند با ادارات و اشخاص جزو دوایر ولایتی مستقیماً مذاکرات شفاهی نمایند و ملاحظات و عقاید خود را اخطار نمایند زیرا که به تجربه رسیده که این نوع مذاکرات و اخطارات شفاهی بیشتر از مکاتبه مؤثر است.

ماده ۱۰۴. حاکم باید حتی المقدور بیشتر با مردم معاشرت نماید و اشخاصی که برای کار نزد او می‌آیند به ادب و توقیر بپذیرد و با نجبا و معارف ولایتی رابطه و آمیزش داشته باشد و کلاً طوری حرکت و رفتار نماید که طرف محبت و اعتماد اهالی واقع شود. زیرا که اول وظیفه حاکم اجرای قوانین و حفظ رفاهیت و امنیت اهالی است و ارتباط معنوی که مابین حاکم و اهالی از وداد و اعتماد حاصل می‌شود بهترین اسباب اجرای این مقصود مهم است.

نوزدهم در باب قواعدی که باید حکام ترتیب داده و به موقع اجرا گذارند

ماده ۱۰۵. چون اجرای قوانین راجعه به امنیت و رفاهیت اهالی یکی از وظایف عمده حاکم است و عادات و اخلاق اهالی ولایات متفاوت و مقتضی بعضی تصرفات و اقدامات است که باید از طرف دوائر حکومتی و نظمی به عمل آید، لهذا حکام و ادارات نظمی می‌توانند نظر به ادب و عادات و اخلاق اهالی ولایت بعضی قواعد لازمه را چه عمومی باشد چه خصوصی مرتب نموده اعلام نمایند ولی اول شرط این حق حاکم آن است که این قواعد نباید وجهاً من الوجوه مخالف قوانین موجود و متناقض دستورالعمل‌های وزارتخانه‌ها باشد.

ماده ۱۰۶. کلیه این قواعد به طوری که در ماده قبل مذکور است، برای اهالی حتمی‌الاجرا است و تا موقوف نشود، در قوت خود باقی خواهد بود و اشخاصی که برخلاف این قواعد رفتار نمایند، مورد مسئولیت خواهند بود و محاکمه و تنبیه آنها راجع است به محاکمی که به موجب نظامنامه عدلیه مرجع امثال این امور خواهد شد.

ماده ۱۰۷. قواعدی که حکام و ادارات نظمی و ضبطیه ایجاد می‌کنند باید در روزنامه‌های محلیه چهار دفعه اعلان شود و به طبع رسیده در معابر و کوچه‌ها و میدان‌ها و ادارات پلیس و غیره یک ماه قبل از اجرا نشر و اعلام شود. تبصره: قواعدی که ادارات بلدیه و ادارات اجتماعیه وضع می‌کنند به امضای حاکم رسیده به همین ترتیب اعلام و به موقع اجرا گذارده می‌شود.

ماده ۱۰۸. اداره‌ای که ایجاد این قواعد را کرده است می‌تواند این قواعد را تکمیل یا تغییر داده یا به کلی رفع نماید، ولی باز باید به همان ترتیب تکمیل و تغییر و رفع قواعد اعلام شود.

ماده ۱۰۹. تفصیل این اقدام خود را با جهت آن و صورت قواعدی که ایجاد کرده‌اند، باید فوراً به وزیر داخله راپورت کنند و نسخه‌ای هم به فرمانفرما (جایی که هست) تقدیم نمایند. وزیر داخله حق دارد رأساً یا به واسطه شکایت ادارات و اشخاص متفرقه حکم تغییر و تکمیل و رفع قواعد موضوعه را بدهد.

ماده ۱۱۰. انجمن ولایتی و اشخاص متفرقه و کذاک ادارات بلدیة حق دارند که به وزارت داخله و به مجلس شورای ملی از قواعدی که ایجاد شده شکایت نمایند ولی مادامی که حکم نسخ نرسیده است از اجرای قواعد مزبوره نمی‌توانند تخلف نمایند.

بیستم در ترتیب دفترخانه حاکم

ماده ۱۱۱. حاکم هر ولایتی دفترخانه‌ای دارد که امور مذکوره ذیل را تسویه می‌کند. اولاً مکاتبات راجعه به سرکشی ولایت؛ ثانیاً نوشتجات راجع به راپورت‌های سالیانه؛ ثالثاً اموری که باید در خفا بماند و به موجب قانون و دستورالعمل‌ها باید به توسط شخص حاکم فقط تسویه شود؛ رابعاً اموری که فوتی و فوری است و سرعت اقدام لازم دارد (امور اخیره با منضمات آن بعد از تسویه به اداره ولایتی داده می‌شود)؛ خامساً مکاتبه با ادارات نظامی در باب حرکت و استعمال قشون در ولایت.

ماده ۱۱۲. در این دفترخانه غیر از کتابچه فهرست نوشتجات وارده و ثبت نوشتجات صادره و مخفیة (دوسیه) کارها با نماینده عمومی (مقصود از نماینده عمومی دفترست که فهرست تمام مطالب در آن ثبت است) داشتن کتابچه‌های مخصوص ذیل هم لازم اول کتابچه دستورالعمل‌های وزیر داخله. دوم کتابچه ثبت کاغذهایی که اصلش به اداره مالیه و سایر ادارات داده می‌شود. سوم کتابچه ثبت امور محرمانه. چهارم کتابچه ثبت خواهش و استدعاهایی که از حاکم می‌شود و در این کتابچه مستدعیات به ترتیب حروف تهجی نوشته شده و قید می‌شود که عریضه شخص عارض به چه کسی و به کدام اداره فرستاده شده.

ماده ۱۱۳. رئیس دفترخانه مسئول تمام امور دفترخانه است. منشی و محررین دفترخانه را به قدر لزوم خود حاکم معین می‌کند.

ماده ۱۱۴. حکام حق دارند که یک یا دو نفر آجودان از صاحب‌منصبان نظامی و کشوری به انتخاب خودشان داشته باشند، برای انجام مأموریت‌های مخصوص که به آنها محول می‌شود و برای پیغامات مهمه، ولی اشخاص نباید با حاکم قرابت و خویشی داشته باشند عزل و نصب این اشخاص با حاکم است به شرط رعایت قوانین راجعه به خدمت دولتی و ترفیع رتبه و مرخصی و عزل و غیره که برای

مأمورین دولتی مقرر است.

ماده ۱۱۵. علاوه بر آجودان‌های مذکور در ماده قبل حکام باید بعضی مستخدمین از شاگردان فارغ‌التحصیل مدارس که خود را برای خدمت حاضر می‌کنند در دفترخانه خود داشته باشند. این نوع اشخاص تا تجربه در امور حاصل نکرده‌اند و صداقت آنها به تجربه نرسیده در دفترخانه حکومتی مجاناً کار خواهند کرد و گاه‌گاهی مأموریت‌های غیر مهمه با خرج دولتی به آنها محول می‌شود تا در موقع مقتضی داخل خدمت شوند و در صورتی که این نوع اشخاص داخل خدمت شدند، خدمت سابق آنها در دفترخانه حاکم جزو خدمت دولتی آنها محسوب خواهد شد.

فصل سیم در اداره ولایتی

اول تشکیل اداره ولایتی و حدود و وظایف اداره ولایتی و اختیارات

آن

ماده ۱۱۶. اداره ولایتی مجلس عالی است که برای اداره کردن امور ولایتی تأسیس شده، اداره مزبور مجری و ناظر اجرای قوانین راجعه به ولایت است.

ماده ۱۱۷. وظایف این مجلس از قرار تفصیل است: اولاً اعلان و انتشار قوانینی که ایجاد شده و کذالک دستورالعمل‌های وزارت داخله و تبلیغ نسخه‌های چاپی قوانین به ادارات نظمی و ضبطیه؛ دوم نظارت اجرای قوانین در تمام دوائر ادارات (محلّیه) و اینکه اقدامات لازمه برای جلوگیری از نقض قوانین به عمل آید و نظارت جریان طبیعی امور در تمام دوائر محلّیه تابعه و تنبیه و سیاست صاحب‌منصبانی که از طرف رئیس ولایت در دوائر حکومت معین شده‌اند همچنان تنبیه و سیاست صاحب‌منصبان اداره نظمی (و ضبطیه در صورتی که از صاحب‌منصبان دوائر حکومتی و نظمی و ضبطیه مسامحه یا اهمال و یا تقصیر جزئی سر زده باشد) و ارجاع به محاکم عدلیه در صورتی که تقصیر مهمی از آنها ناشی شده باشد و کذالک جلب مستخدمین و اجزاء ادارات دوائر محلّیه را به محاکمه در صورتی که آنها را دوائر محلّیه معین کرده باشند (رجوع به ماده ۳۹۱)

تبصره: صاحب‌منصبان اداره تفتیش از این قاعده مستثنا و به موجب قانون مخصوص تشکیل وزارتخانه‌ها به محاکم عدلیه جلب خواهند شد.

سیم حل مشکلاتی که در فهمیدن قوانین یا در موقع اجرای آن پیش می‌آید و کذالک اختلافاتی که فی‌مابین انجمن ولایتی با ادارات محلیه واقع می‌شود و نیز اختلافاتی که مابین دوایر تابعه با اداره ولایتی و دوایر تابعه به اداراتی که در ولایت تشکیل شده‌اند در باب مرجعیت امور حاصل می‌شود. همچنان رفع معارضاتی که فقط فی‌مابین دوایر بلوکی که در یک ولایت واقع و تابع اداره ولایتی هستند در باب مرجعیت امور اتفاق می‌افتد. چهارم جمع کردن اطلاعات لازمه از مأمورین سرحدی در باب مهاجرت تبعه خارجه به ولایات ایران و قسم‌دادن تبعه خارجه را در وقت دخول به تابعیت ایرانیه. پنجم دادن تعلیمات لازمه به دوایر و اشخاص لازم در باب اختاراتی که رئیس ولایت در موقع محال گردشی به آن دوایر و اشخاص نموده است. ششم تسویه کلیه اموری که از دوایر مختلفه نزد حاکم می‌آید و تمام کارها و مسائلی که به موجب قانون راجع به محاکم است، تسویه شود به استثنای اموری که در ماده (۱۱۱) مذکور و راجعه به دفترخانه حاکم است. هفتم مراقبت در امور حفظ‌الصحه به طوری که در نظامنامه حفظ‌الصحه مصرح به آن است. هشتم تحصیل اطلاعات راجع به دفتر نفوس و حرفت و صنعت ولایتی و کارخانه‌ها و پست و تلگراف و راه‌ها و پل‌ها و معابر و نظارت اکیال و اوزان و امور راجعه به بازارهای عمومی و غیره. نهم نظارت در ساختن راه‌های ولایتی و راه‌های نظامی. دهم تحصیل اطلاعات راجعه به بقایای ولایتی و راپورت‌های اداره ضبطیه در پیشرفت وصول بقایا و یا عدم وصول آن. یازدهم تقدیم لوایح مقاطعه‌هایی که در ولایت از طرف خزانه دولت به تصویب انجمن ولایتی داده می‌شود و مبلغ آن بیش از پانصد تومان است به وزارت داخله و سایر وزارتخانه‌ها (مقاطععه که مبلغش الی پانصد تومان است، بسته به تصویب حاکم و اطلاع انجمن ولایتی است). دوازدهم تحصیل تمام اطلاعات راجعه به ممیزی‌ها و تحدید حدود املاک و غیره. سیزدهم نظارت در امور راجعه به توقیف اموال و املاک به حکم محکمه عدلیه با رعایت قوانین شرعیه. چهاردهم الزام در اجرای وصایای متعلقه به امور خیریه عامه در صورت تأخیر و تخلف از عمل وصایا. پانزدهم تسویه کلیه کارهای اداره که بعد به موجب قوانین به این اداره موکول و محول خواهد شد. شانزدهم رسیدگی به شکایاتی که مردم از ادارات بلدییه به حاکم می‌دهند. هفدهم تسویه کلیه اموری که راجع به حصول آسایش و امنیت اهالی است. هجدهم عزل و نصب مستخدمین

دفترخانه اداره ولایتی و مرخصی موقتی آنها و امور راجعه به ترفیع رتبه و مناصب و امتیازات آنها موافق قوانین موضوعه.

ماده ۱۱۸. اداره ولایتی به اموری که راجع به رسیدگی در محاکم عدلیه است، دخالت نخواهد کرد یعنی محاکمه نمی‌نماید.

ماده ۱۱۹. اداره ولایتی در اداره وزارت داخله و تابع اوامر و دستورالعمل‌های مجلس وزراست.

ماده ۱۲۰. اداره ولایتی مرکب است از یک مجلس مشاوره و یک دفترخانه. مجلس مشاوره در تحت ریاست حاکم مرکب است از معاون و دو مستشار و مهندس ولایتی و طبیب و مساح و معمار ولایتی و یک نفر معین‌الاداره. تمام این اشخاص موسومند به اعضای مجلس مشاوره ولایتی.

تبصره: در جاهایی که از برای مجلس‌ها مفتش معین شده و در ولایت مقیم است او هم عضو این مجلس محسوب است.

ماده ۱۲۱. حاکم و معاون و مستشارها و معین‌الاداره در کلیه اجلاسات مجلس حاضر شده و رأی می‌دهند ولی سایر اعضا در صورتی حاضر می‌شوند که امری راجع به کار آنها مطرح مذاکره باشد.

تبصره: یکی از مستشارهای اداره ولایتی به تصویب حاکم و امضای وزیر داخله مستشار اول خواهد بود.

ماده ۱۲۲. دفترخانه مجلس مشاوره نظر به انواع و اقسام امور به چند شعبه منقسم می‌شود و هر شعبه در اداره یکی از مستشارها یا اعضای مجلس مشاوره خواهد بود و مدیر این شعبات هر کدام معاون و به قدر لزوم منشی و اجزا خواهند داشت. امور عمومی اداره ولایتی راجع به شعبه عمومی دفترخانه است و یک نفر منشی با معاون و اجزای آن شعبه را اداره خواهد کرد. کتابچه‌های صادره و وارده و دفاتر کار (دوسیه) این اداره به موجب دستورالعمل وزارت داخله مرتب خواهد شد. تمام شعبه‌های دفترخانه در تحت ریاست معاون حاکم است.

ماده ۱۲۳. در ولایاتی که اداره محبس‌ها با مفتشین ایجاد شده، در دفترخانه مجلس مشاوره شعبه‌ای نیز به اسم شعبه محبس‌ها ایجاد خواهد شد.

ماده ۱۲۴. مواردی که در اداره ولایتی مسائل حفظ‌الصحه یا مطالب راجعه به امراض مسریه از قبیل وبا و طاعون و غیره طرح می‌شود و یا مطالبی مورد مذاقه

است که راجع به دواير مختلفه است و برای انجام آن سعی و کوشش آن دواير لازم است، اشخاص ذیل هم به مجلس مشاوره مزبور دعوت می‌شوند. کارگذارها و رؤسای دواير محاسبات و دواير معارف و خالصه‌جات و رؤسای انجمن‌های ولایتی و بلدی (کلانترها) و رؤسای نظمی و معاون طبیب ولایتی و کلیه اشخاصی که اطلاعات و بصیرت آنها موجب پیشرفت مقاصد باشد.

ماده ۱۲۵. در صورتی که مسأله در اداره ولایتی طرح شود که راجع به عمل طبی و مهندسی و مساحی باشد در تحت ریاست مهندس و یا حافظ‌الصحه یا مساح ولایتی انجمنی از اشخاصی که در اداره آنها هستند، تشکیل می‌شود و بعد از مذاکره صورت مجلسی که به امضای اعضای انجمن رسیده، به مجلس مشاوره می‌آید. رؤسای این انجمن‌ها می‌توانند اشخاص معروف و اهل علم و عمل را به این انجمن‌ها دعوت نمایند.

ماده ۱۲۶. حافظ‌الصحه ولایتی و همچنین مهندس و مساح ولایتی به‌علاوه این که در مجلس مشاوره و اداره ولایتی در موارد لازمه حاضر می‌شوند. هر کدام در تمام ولایت به امور راجعه به فن خودشان نظارت خواهند داشت؛ یعنی طبیب به امور طبیه ولایتی و مهندس و معمار به امور مهندسی و معماری ولایت و مساح به امور راجع به مساحی و هر کدام از مستخدمین مزبوره در شعبه لازمه دفترخانه اداره ولایتی راجع به فن خودشان سرکشی خواهند نمود.

ماده ۱۲۷. مفتشین محبس‌های ولایتی موافق دستورالعمل‌های حاکم در شعبه دفترخانه اداره ولایتی که راجع به امور محبس و محبوسین و اجرای احکام محاکم عدلیه است، سمت مدیری خواهند داشت و امور آن شعبه را اگر راجع به حاکم است به دستورالعمل حاکم و هرگاه راجع به اداره ولایتی است به دستورالعمل آن اداره موافق حدود این قوانین انجام خواهند داد. تکالیف مفتش محبس‌ها در نظامنامه راجعه به محبس‌ها و محبوسین مندرج است.

ماده ۱۲۸. طبیب ولایتی و مهندس و معمار و مساح و مفتش محبس‌های ولایتی هر کدام شعبه‌ای از شعبات دفترخانه اداره ولایتی را که راجع به آنهاست اداره خواهند کرد و در صورت لزوم معاون و اجزاء خواهند داشت و عده منشی و صاحب‌منصبان و مستخدمین دفترخانه اداره ولایتی را وزیر داخله تعیین کرده، صورت آن را برای هر ولایتی اعلان خواهد کرد.

ماده ۱۲۹. اداره ولایتی در صورت لزوم مطبعه خواهد داشت که روزنامه رسمی ولایتی و اجزاء و قواعد خدمت آنها در مطبعه و اداره روزنامه رسمی در نظامنامه انطباعات مرتب خواهد شد.

ماده ۱۳۰. اداره ولایتی می‌تواند به صاحب‌منصبانی که برای خدمت مخصوصی در نزد حاکم (آجودان‌های حاکم) هستند خدمتی رجوع نماید و کذاً بعضی از جوانان فارغ‌التحصیل را در دفترخانه به‌عنوان مستخدمین یدکی مجاناً مشغول نماید و بعد از این که درستی و صداقت و علم و اطلاعات آنها به تجربه رسید، در ادارات نظمی و ضبطیه و یا یکی از دوائر بلوکی داخل خدمت شوند.

ماده ۱۳۱. هرگاه مستخدمین یدکی در مدت یک سال با بودن محل نتوانستند داخل خدمت واقعی شوند، از دفترخانه اداره ولایتی خارج خواهند شد و اگر بعد از دادن امتحانات و تحصیل اطلاعات لازمه داخل خدمت شدند، زمان خدمت سابق آنها جزو خدمت واقعی محسوب خواهد شد.

ماده ۱۳۲. هرگاه لازم شود که صاحب‌منصبان و مستخدمین حکومتی برای انجام مأموریتی به‌جایی فرستاده شوند ممکن است که به اجازه حاکم از وجوهی که برای این نوع مصارف معین شده مخارج سفر به آنها داده شود. حاکم و اداره ولایتی خرج سفر را در صورت ضرورت به مسئولیت خودشان خواهند داد و باید مراقبت نمایند که خرج سفر از مقصری که باعث فرستادن مأمور شده است گرفته شود و به اشخاصی که در جزو مقرری آنها خرج سفر منظور شده (از قبیل میرهای ضبطیه، نظمی و غیره) خرج سفر داده نشود حاکم حساب این نوع مخارج را باید سالیانه به وزیر داخله بدهد.

ماده ۱۳۳. مقدار مقرر صاحب‌منصبان و مستخدمین اداره ولایتی و کلیه دوائر حکومتی چه در ولایات و چه در محال و همچنین ترتیب مراتب و مناصب مستخدمین مزبوره و قواعد ترفیع رتبه و اعطای امتیازات درباره آنها کذاً ترتیب متقاعدشدن آنها و مقدار مستمری که به مستخدمین مزبوره در موارد لازمه باید داده شود در قوانین خدمت دولتی و نظامات راجعه به مستخدمین دولتی مندرج است.

ماده ۱۳۴. مستخدمین دفترخانه اداره ولایتی را هریک از اعضای اداره مزبوره علیحده برای شعبه خود انتخاب خواهند کرد و به معرفی معاون حاکم که رئیس

دفترخانه است حاکم ولایت آنها را به شغل خودشان منصوب خواهد کرد.

دویم در اختیارات اداره ولایتی

ماده ۱۳۵. اختیارات اداره ولایتی محدود به حدود ولایت است یعنی فقط در حدود ولایت این اداره می تواند به ادارات تابعه حکم بدهد و مجبور به اجرای قوانین نماید و کلیه نسبت به آنها ناظر اجرای قوانین باشد. لهذا اگر اختلافی یا معارضه در باب مرجعیت امور مابین دوایر حکومتی یک ولایت یا دوایر حکومتی ولایت دیگر یا مابین دوایر حکومتی یک ولایت یا دوایر مختلفه ولایت دیگری حاصل شود باید دید کاری که باعث حدوث اختلاف بوده در کدام ولایت شروع شده و به اداره ولایتی آن ولایت رجوع کرد. هرگاه اختلافی فیمابین دو اداره ولایتی در ولایت در باب مرجعیت کارها و غیره روی دهد حکم آن با وزارت داخله خواهد بود ولی اگر اختلافی مابین اداره ولایتی با شعب وزارتخانه ها و انجمن ولایتی یا با اشخاصی که تابع اداره ولایتی نیستند اتفاق افتد حکم آن با مجلس وزراست. (رجوع به ماده ۳۸۸)

ماده ۱۳۶. اداره ولایتی اختیاراتی مخصوص نسبت به ادارات نظمی و ضبطیه دارد لهذا مکلف است که به کلیه شکایاتی که از ادارات نظمی و ضبطیه می شود رسیدگی نماید و اگر تعطیل یا تأخیری در امور آن ادارات مشاهده نماید یا بی نظمی و بی قاعدگی از آن ادارات سر بزند رفع نماید و حق دارد کلیه اقدامات ادارات نظمی و ضبطیه راجع به تحقیقات جنحه و جنایاتی نباشد زیرا که در این موارد ادارات مزبوره تابع مدعی عمومی و معاون آن هستند.

ماده ۱۳۷. اداره ولایتی شکایاتی که از صاحب منصبان و مستخدمین ادارات جزو خود می شود رسیدگی می نماید و از آنها توضیحات می خواهد و اگر تقصیر آنها به ثبوت رسید، تنبیه و سیاست آنها موافق قوانین (رجوع به ماده ۳۹۱) منوط به قرارداد اداره ولایتی است و اگر تقصیر آنها به اندازه ای است که تنبیه و سیاست آنها از این حد تجاوز می نماید اداره ولایتی کار آنها را به محاکم عدلیه رجوع خواهد کرد.

ماده ۱۳۸. هرگاه یکی از صاحب منصبان و مستخدمین ادارات تابعه به اداره ولایتی به خیانت خدمتی یا حیف و میل نمودن وجوه اداره متهم شود و کسی که

مأمور به تحقیقات و رسیدگی به اینگونه اتهام است از اداره ولایتی توقیف اموال شخص متهم را بخواهد اداره مزبوره به طوری رفتار خواهد کرد که در نظامات عدلیه مندرج است.

ماده ۱۳۹. هرگاه از وزیر داخله یا سایر وزرا دستور العملی به حکومت ولایت برسد و اداره ولایتی آن دستور العمل را برخلاف قوانین موضوعه مشاهده نماید حق دارد که آن دستور العمل را بلا اجرا گذاشته ملاحظاتی خود را به مجلس وزرا راپورت کند و حکم وزرا را مجری دارد.

ماده ۱۴۰. هرگاه از مجلس وزرا دستور العملی برسد که اداره ولایتی آن را برخلاف قوانین موضوعه تصور نماید اداره ولایتی مکلف است که آن دستور العمل را بلا اجرا گذاشته ملاحظاتی خود را به همان مجلس راپورت کند تا رسیدگی نموده رأی بدهد و این رأی بلا تأخیر به توسط اداره ولایتی به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

ماده ۱۴۱. در صورتی که اشتباهی یا شک و شبهه در معنی قانونی برای اداره ولایتی دست دهد اداره مزبوره و رؤسای دوایر اداره و عدلیه را تماماً به اجلاس عمومی خود دعوت می نماید و بعد از مذاقه لازمه مجلس مزبور به اکثریت آرا معین می کند که فی الواقع اشتباهی یا شک و شبهه در معنی قانون حاصل است یا نه هرگاه تردیدی نیست موافق قرارداد مجلس عمومی اداره ولایتی به اجرای آن قانون اقدام کرده مراتب را به مجلس وزرا اطلاع می دهد و در صورت بقای اشتباه به مجلس وزرا رجوع کرده توضیحات لازم را می خواهد. در مسائل خصوصی یا غیر مهمه اداره ولایتی بدون تشکیل مجلس عمومی از وزارتخانه لازم به توسط حاکم توضیحات لازم را می خواهد.

تبصره: این ترتیب برای موارد فوق العاده و مهم است ولی در غیر این موارد همین که اشتباهی در معنی قانون حاصل شد اداره ولایتی از وزیر مسئول به توسط حاکم محل توضیحات لازم را می خواهد.

ماده ۱۴۲. این اقدامات اداره ولایتی در صورتی صحیح است که فی الواقع اشتباهی در معنی قانون حاصل شده و مورث اشکالات در اجرای آن شده باشد والا مسامحه در اجرای آن به عنوان حصول اشتباه در معنی اکیداً ممنوع است.

ماده ۱۴۳. اداره ولایتی مهتری خواهد داشت با علامت آن ولایت و دور آن علامت نوشته خواهد شد اداره ولایتی ولایت ...

سیم در ترتیب اجلاس‌ات اداره ولایتی و حقوق و تکالیف اعضای آن

ماده ۱۴۴. صدر مجلس مشاوره ولایتی جای رئیس یعنی حاکم ولایت است بعد از حاکم معاون می‌نشینند و بعد از او مستشار اول و بعد سایر اعضا به ترتیب رتبه و مقام آنها بعد معین‌الاداره.

ماده ۱۴۵. در موقع تعطیل تابستان اعضای اداره ولایتی در صورتی که کارشان متراکم نشده باشد می‌توانند به اجازه حاکم مرخصی گرفته تعطیل نمایند ولی در اداره ولایتی باید اقلاً سه نفر از اعضا بمانند سایرین هم هروقت حضور آنها لازم شد باید مراجعت نمایند.

ماده ۱۴۶. تکالیف معاون حاکم در اداره ولایتی از قرار تفصیل است. اولاً او معاون بلاواسطه حاکم است در اداره کردن کلیه امور ولایتی؛ دوم مراقبت و مواظبت صحت امور و انتظام کارهای اداره ولایتی است و نظارت مخصوصی در انتظام امور دفترخانه آن اداره دارد؛ سیم در صورت غیبت حاکم از ولایت به هر جهتی که باشد معاون مدیر ولایت است؛ چهارم در صورت غیبت حاکم از کرسی ولایت برای محال گردشی معاون کفیل امور ولایتی است و از طرف حاکم کاغذها را به سمت کفالت امضا می‌کند؛ پنجم برای اینکه معاون حاکم از وضع امور مطلع باشد حتی المقدور در اجلاس‌ات کمیسیون‌ها و کمیته‌ها (انجمن‌ها) که در تحت ریاست حاکم برای انجام امور تشکیل می‌یابد، حاضر شده صورت مجلس را امضا می‌نماید؛ ششم در مواردی که کسی از اقدامات صاحب‌مصعبان و مستخدمین دولتی در محکمه بدایت شکایت نموده از دولت مطالبه خسارت نماید، باید معاون حاکم در دیوانخانه مزبوره حاضر شده در حضور او رسیدگی به عمل آید؛ هفتم حاکم می‌تواند عوض خود معاون خود را برای سرکشی به دوایر جزو حکومتی بفرستد و وزیر داخله را هر دفعه از مأموریتی که به معاون داده مطلع نماید؛ هشتم در صورتی که حاکم غایب باشد معاون او در اداره ولایتی در صدر مجلس می‌نشیند ولی در کارهایی که باید تمام اعضای اداره رأی بدهد معاون بیش از یک رأی ندارد؛ نهم معاون اگر در اداره ولایتی اغتشاشی یا بی‌نظمی مشاهده کنند حق دارد به اعضای آن اخطارات لازم را بنماید و اگر نتیجه حاصل نشد ملامت و توبیخ نماید و در صورت اهمیت مسأله مراتب را به

حاکم اطلاع دهد دربارهٔ مستخدمین دفترخانه یعنی محررین و دفتردار و غیره حق تنبیه آنها را در صورت لزوم موافق مادهٔ ۳۸۹ دارد به استثنای مدیر شعبه عمومی دفترخانه که منشی ادارهٔ ولایتی است و معاون آن که فقط می‌توانند موارد توییح و ملامت واقع شوند و هریک از اعضای ادارهٔ ولایتی نیز نسبت به اجزای شعبهٔ خود از دفترخانه ادارهٔ ولایتی حق توییح و ملامت را دارند و اگر ثمری نبخشید حق خواهند داشت که موقتاً آنها را از شغل منفصل نموده مراتب را به رئیسی که آنها را معین کرده اطلاع دهند.

مادهٔ ۱۴۷. وظیفهٔ مستشار اینست که در صورت غیبت معاون قائم مقام او واقع شود. در این مورد مستشار اول کاغذها را به نیابت از طرف معاون امضا می‌کند و در این مواقع معین‌الاداره کارهای شعبهٔ مستشار را در دفترخانهٔ ادارهٔ ولایتی کفالت می‌کند.

مادهٔ ۱۴۸. چون مستشارها باید در ادارهٔ ولایتی مراقب به امور محولهٔ به خود باشند، لهذا فرستادن آنها به داخله ولایت برای انجام مأموریتی جایز نیست مگر به اقتضای ضرورت.

مادهٔ ۱۴۹. معین‌الاداره کار معینی در ادارهٔ ولایتی ندارد. غالباً یا قائم مقام یکی از مستشارها که غایب است واقع می‌شود و یا کار مخصوصی به او رجوع می‌شود. در صورتی که هر دو مستشار یک دفعه غایب شوند یا اینکه یکی از مستشارها و معین‌الاداره هر دو غایب باشند، یکی از صاحب‌منصبان مجرب ادارهٔ مالیه یا کارگذاری می‌تواند موقتاً با رعایت قدمت خدمت به سمت مستشاری در مجلس مشاوره حاضر شود.

چهارم تقسیم کارهای ادارهٔ ولایتی و ترتیب محل و تسویهٔ آنها

مادهٔ ۱۵۰. اموری که راجع به ادارهٔ ولایتی است بر سه نوع است:

اول امور راجعهٔ به محاکم اداره؛ دویم امور اداره فقط؛ سیم امور اجرائیه.

مادهٔ ۱۵۱. امور راجعه به محاکم اداره از قرار تفصیل است اول رجوع کردن کار صاحب‌منصبان و مستخدمین را به محکمه عدلیه دویم رفع اختلافاتی که در باب مرجعیت امور به طوری که در مادهٔ ۳۸۸ مذکور است حاصل می‌شود و حکم به

حقانیت؛ سوم امور راجعه به شک و شبهه که در معنی قانون حاصل می‌شود. (رجوع به ماده ۱۴۱) چهارم تنبیه و سیاست صاحب‌منصبان و مستخدمین در صورت مسامحه و ملاحظه آنها پنجم رسیدگی به شکایاتی که از تأخیر و تعطیل در کارها می‌شود.

ماده ۱۵۲. تمام امور راجعه به محاکم اداره باید حتماً در مجلس مشاوره ولایتی مطرح مذاقه گردد و در قراردادهای راجعه به این امور فقط اکثریت آراء اعضای مجلس مشاوره اداره مناط اعتبار است و در صورت تساوی آراء طرفین رأی حاکم اکثریت را معین می‌کند.

ماده ۱۵۳. امور اداره اموری است که مذاقه مباحثه مجلس مشاوره اداره ولایتی را لازم دارد و بدون این نوع مذاقه اداره ولایتی نمی‌تواند اظهار رأی یا عقیده نماید. یا اینکه این امور طوری است که در فهمیدن یا ترتیب تسویه یا اجرای آن عقاید مختلف می‌شود مثل اقداماتی که به موجب قانون می‌شود و منافع خزانه دولت یا شهر و غیره را دربر دارد یا راجع به اصلاح و ترقی وضع ولایت است. لهذا عزل و نصب اشخاصی که پول یا اموال دولت در دست آنها است و اقدامات لازمه برای افتتاح شهر یا محال جدیدی و بخشیدن بقایایی که وصول شدنی نیست پس از تصویب انجمن ایالتی به موجب قانون و همچنان نقشه بازدید و دستورالعمل ابنیه و عمارتی که باید به خرج دولت ساخته شود با صلاح‌اندیشی انجمن ایالتی و دادن مقاطعه‌ها و مسئول نمودن مقاطعه‌کاران و کلیه این نوع امور، امور اداره‌ای است. امور اجرائیه اموری است که حل و تسویه آنها فقط بسته به اجرای قوانین است یا اجرای تقاضایی که دوایر اداره به موجب قوانین می‌نمایند و محتاج به مذاقه در مجلس مشاوره اداره ولایتی نیست. مثل اقدامات فوری که باید حکومت برای جلوگیری از امراض مسریه و سریع‌الانتشار به عمل آورد و همچنان اقدامات برای سرشماری و وصول بقایا و اجازه تأسیس بازارها و کارخانه‌ها و مطبعه‌ها و دواخانه‌ها و تأدیة مواجب و مقرری‌های مأمورین و استدعای امتیاز و ترفیع رتبه برای صاحب‌منصبان و مستخدمین و اعلام و انتشار قوانین موضوعه و اقدام در اجرای احکام محاکم عدلیه و کلیه اموری که از این قبیل است.

ماده ۱۵۴. امور اداره نیز باید در مجلس مشاوره اداره ولایتی مطرح مذاقه شود. ولی اجرای قراردادهای راجع به این نوع امور با حاکم است. امور اجرائیه بسته به

اهمیت آن به حکم حاکم یا معاون و یا به توسط خود مدیرهای شعبات دفترخانه اداره ولایتی به موقع اجرا گذارده می شود بدون اینکه بدو در مجلس مشاوره اداره ولایتی مطرح مذاقه گردد.

ماده ۱۵۵. هرگاه در مذاکره امور اداره اختلاف آرا حاصل شد اکثریت آراء مجلس مشاوره قرارداد اداره ولایتی خواهد بود ولی اعضایی که به اکثریت توافق حاصل نکردند و قرارداد اداره مزبوره را قبول نمودند می توانند در صورت مجلس این نکته را قید نمایند و در مدت چهار روز از روز اجلاس عقیده کتبی خودشان را به حاکم تقدیم کنند والا مثل این است که قرارداد اداره ولایتی را قبول کرده باشند.

ماده ۱۵۶. چنانچه حاکم قرارداد اداره ولایتی را در امور اداره نپسندیده می تواند رأی خودش را به توسط وزارت داخله به مجلس وزرا ابراز کند و در صورت تصویب مجلس مذکور این رأی حاکم به موقع اجراء گذارده خواهد شد ولی اشخاصی که رأی حاکم را تصویب نمودند یا با رأی اکثریت موافق نیستند می توانند رأی خود را به وزیر داخله یا به فرمانفرما تقدیم کنند و اگر این اقدام را در مدت هفت روز از روزی که صورت مجلس به امضای حاکم رسیده و به مجلس اعاده شده نمودند مثل این است که رأی حاکم یا قرارداد اکثریت را قبول کرده باشند هرگاه حاکم مشاهده نماید که عضوی مکرر عقیده خصوصی اظهار کرده و به جاهای لازم رجوع نموده حق دارد بخواهد که این نکته را در صورت مجلس درج نمایند و در صورت تکرار به وزیر داخله اطلاع دهد.

ماده ۱۵۷. حاکم در صورتی که بخواهد می تواند امور اجرائیه را هم به مذاقه مجلس مشاوره رجوع نماید در این صورت جریان این امور هم مثل امور اداره خواهد بود.

ماده ۱۵۸. از قراردادهای مجلس مشاوره آنچه راجع به امور محکمه اداره ای است باید به اطلاع مدعی عموم ولایت برسد تا مشارالیه صورت مجلس را ملاحظه نموده، عقیده خود را یا شفهاً اظهار دارد و یا کتباً به مجلس مشاوره ارسال نماید. مدعی عمومی مجاز نیست که صورت مجلس را زیاد از اندازه پیش خود نگاه دارد و در امور فوری باید بلا تأخیر صورت مجلس را ملاحظه کرده معاودت دهد و در پایین صورت مجلس عبارت (ملاحظه شد) با تاریخ آن قید نماید.

ماده ۱۵۹. هرگاه اداره ولایتی ملاحظه مدعی عمومی را نپسندیده با رضایت حاکم

قرارداد خود را تغییر می‌دهد والا قرارداد خود را مجری می‌دارد و در صورت عدم قبول ملاحظات کتبی مدعی عمومی اداره ولایتی کتباً مراتب را به مشارالیه اطلاع می‌دهد و سوادى از قرارداد خود را برای مشارالیه می‌فرستد.

ماده ۱۶۰. همین که صورت مجلس اداره ولایتی نوشته شد و به امضای اعضای اداره مزبوره رسید، صورت مجلس حکم قرارداد را خواهد داشت و همین که حاکم هم تصویب نمود و مدعی عمومی هم ایرادی ننمود آن قرارداد مناط اعتبار بوده به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

ماده ۱۶۱. قرارداد اداره ولایتی را که مناط اعتبار است هیچ کس حق ندارد غیر از مجلس وزرا تغییر بدهد یا نسخ نماید.

ماده ۱۶۲. در صورتی که تغییر قرارداد اداره ولایتی که مناط اعتبار است لازم شود یا اداره‌ای که مطلب راجع به آن است یا خود اداره ولایتی مراتب را به مجلس وزرا اظهار و کسب تکلیف خواهد کرد.

ماده ۱۶۳. هرگاه در کارهای اداره و اجرائیه تغییر اوضاع و احوال مستلزم قراردادهای جدیدی بشود اداره ولایتی حق این اقدام را خواهد داشت زیرا که مقصود از مواد ۱۶۲-۱۶۱ این است که اداره مزبوره قراردادهای ناسخ و منسوخ در کاری ندهد ولی تغییر قراردادهای به مرور وقت و تغییر اوضاع جایز است مثلاً عزل صاحب‌منصبان و مستخدمین را که اداره ولایتی معین کرده است ممکن است کذالک کاری که خود اداره ولایتی رسید و تمام کرده است، به واسطه حدوث بعضی اتفاقات غیر مترقبه ممکن است محتاج به رسیدگی جدیدی باشد و همچنان تغییر قراری را که اداره ولایتی در باب تقسیم قشون ولایتی داده به واسطه تغییر اوضاع و احوال جایز است.

ماده ۱۶۴. هرگاه قراری را که خود مجلس مشاوره اداری به واسطه حکم مقامات عالیه داده است به واسطه حکم همان مقامات در آن باب قرار دیگری بدهد یا آن قرارداد را تغییر بدهد ناسخ و منسوخ نخواهد شد.

ماده ۱۶۵. حاکم و معاون آن باید مراقب باشند که در ادراه ولایتی امور محاکمه و امور اداره را به‌عنوان امور اجرائیه تسویه نمایند و اجزا از حدود خود تجاوز نکنند و اگر چنین اتفاقی روی داده باشد باید این اتفاق در حال اهمیت مسأله در صورت مجلس قید شود و به اطلاع فرمانفرما (درجایی که هست) و وزیر داخله برسد تا

مقصر را تنبیه نمایند.

ماده ۱۶۶. هرگاه حاکم از کرسی ولایت غیبت نماید ولی در حدود ولایت باشد و در حین مذاقه در امور اداره اختلاف آرا در مجلس مشاوره اداره ولایتی حاصل شود انکار را باید تا زمان مراجعت او به تأخیر انداخت و چنانچه فوری باشد باید صورت مجلس را نزد او فرستاد همین‌طور اقدام می‌شود در مواقعی که معاون حاکم اشتباهی در امور داشته باشد و همچنان در صورت غیبت حاکم بدون انفصال او اداره ولایتی بدون امضای او حکم به اخراج مستخدمین ناقابل از خدمت و عزل آنها یا رجوع کار آنها به محکمه عدلیه نمی‌نماید.

ماده ۱۶۷. حاکم هرچند صدر مجلس مشاوره اداره ولایتی است ولی مجبور نیست که در کلیه اجلاس مجلس حاضر باشد بلکه حضوراً و در مجلس عمومی به اختیار خود اوست ولیکن در موارد مهمه و کذالک در مورد ماده ۱۴۱ و همچنان در موردی که فرمانفرمای ایالت (اگر داشته باشد) در اجلاس اداره مزبوره حاضر می‌شود. حاکم نیز باید حتماً حاضر باشد و برای اینکه تحریص و ترغیب یا تهدیدی در قرار داد اداره ولایتی ننموده باشد حاکم رأی خود را چه در حضور و چه در غیاب بعد از رأی سایر اعضای مجلس مشاوره اظهار می‌دارد.

ماده ۱۶۸. هرگاه فرمانفرمای ایالت (در جایی که هست) در اجلاس مجلس حاضر باشد صدر مجلس خواهد نشست و در این مواقع حاکم ولایت در حقوق با سایر اعضا مساوی خواهد بود.

ماده ۱۶۹. در جایی که ولایت جزو ایالتی است اداره ولایتی مکلف است که قراردادهای خود را در ارجاع کار مأمورین و مستخدمین دوایر حکومتی و محلیه به محاکم عدلیه (رجوع به ماده ۳۹۱ و ۳۹۲). برای تصدیق فرمانفرما نزد او بفرستد و فرمانفرما در صورتی که رأی اداره ولایتی را تصویب نماید بدون اینکه حق تغییر قرارداد را داشته باشد فقط تعطیل اجرای قرارداد را نموده ملاحظاتی خود را به مجلس وزرا اظهار می‌دارد و حاکم به وزیر داخله مراتب را اطلاع می‌دهد.

پنجم در روابط اداره ولایتی با سایر ادارات

ماده ۱۷۰. اداره ولایتی به مجلس وزرا و به اشخاصی که از طرف قرین الشرف

اعلیحضرت همایونی به تفتیش ولایت مأمور می‌شوند در موارد لازمه راپورت و به فرمانفرما (در جایی که هست) و حاکم ولایت ملاحظات خود را تقدیم می‌کند. راپورت‌ها و ملاحظات کتبی اداره ولایتی به امضای حاکم یا معاون او باید برسد از مجلس وزرا به اداره ولایتی حکم صادر می‌شود. فرمانفرماها (اگر باشند) و حاکم ولایت و اشخاصی که به تفتیش ولایت مأمور شده‌اند ملاحظات خود را به اداره ولایتی اخطار می‌کنند یا اقدامی را تکلیف می‌نمایند.

ماده ۱۷۱. تمام مکاتبات اداره ولایتی یا وزرای مسئول، به توسط حاکم به عمل می‌آید، ولی مراسلات و مکاتبات در شعبه لازمه دفترخانه نوشته و ثبت می‌شود. ماده ۱۷۲. اداره ولایتی با تمام دوایر اداره و عدلیه و غیره تمام شعبات ولایتی وزارتخانه‌ها

در موارد لازمه مکاتبه می‌نماید و اطلاعات لازمه را به آنها تبلیغ می‌نماید و ملاحظات خود را اعلام می‌کند.

ماده ۱۷۳. اداره ولایتی به ادارات نظمی و رئیس نظمی و ضبطیه و رؤسای بلوکات و اطبای شهری و بلوکی و به کلیه دوایر جزو حکومتی حکم می‌کند و از آنها راپورت می‌گیرد.

ماده ۱۷۴. اعضای اداره ولایتی می‌توانند با دفترخانه‌های ادارات متساویه دفترخانه‌های شعبات وزارتخانه‌ها یا ادارات جزو خود مکاتبه نمایند.

ماده ۱۷۵. اداره ولایتی می‌تواند در صورت لزوم رأساً بعضی اطلاعات از دوایر جزو حکومت ولایت دیگری بخواهد یا همراهی آن دوایر را تقاضا کند ولی هرگاه لازم شود که امری در ولایت دیگری به موقع اجرا گذارده شود یا باید به اداره ولایتی آن ولایت رجوع نماید یا به اشخاصی که نسبت به آن دوایر جزو ریاست دارند.

ششم در نظارت به دوایر جزو و صاحب‌منصبان جزو حکومتی و مؤاخذه از آنها

ماده ۱۷۶. اداره ولایتی باید مراقبت نماید که احکامی که به دوایر جزو صادر می‌شود به موقع اجرا گذارده شود. هرگاه جواب احکامی که از اداره ولایتی صادر می‌شود نرسید، آن حکم را به امضای معاون تکرار می‌نمایند و اگر باز اهمال و

مسامحه در اجرای آن شد، از طرف حاکم، حکم جدیدی می‌شود و جهت مسامحه را استعلام می‌نمایند. چنانچه باز تعللی در جواب شد یا عذر اشخاص و دوایر جزو موجه نبود موعدی برای اجرای احکام باید معین شود و چنانچه آن احکام در آن موعده به موقع اجرا گذارده نشد منشی اداره مسأله را به اداره اظهار می‌دارد که قرار مؤاخذه و تنبیه مقصر داده شود، توبیخ و ملامت و هر سیاستی که به اشخاص و دوایر جزو داده می‌شود باید در صورت مجلس قید شود.

ماده ۱۷۷. در موقع فرستادن مأمور مخصوص برای اجرای احکام باید نکات ذیل همیشه منظور نظر باشد. اول بدون ضرورت آدم مخصوص فرستاده نشود. دوم صاحب‌منصبان و مستخدمین دفترخانه اداره ولایتی را حتی‌المقدور نفرستند بلکه صاحب‌منصبان و مستخدمین اداره نظمی یا قراسوران را مأمور نمایند. سیم اگر چند مأموریت به عهده یک نفر محول است و خط حرکت یکی است مخارج مسافرت و تفاوت خرج هم نباید متعدد باشد (باید یکی باشد) تمام مخارج مأمور مخصوص به عهده شخص مقصر یا اداره مقصر است.

هفتم در نظارت به انتظام امور اداره ولایتی و مسؤلیت آن

ماده ۱۷۸. چون یکی از وظایف عمده اداره ولایتی نظارت آن اداره است نسبت به دوایر جزو حکومتی تا آنکه امور قرین کمال انتظام و ترتیب بوده به سرعت تسویه شود، لهذا خود اداره باید سرمشق نظم و ترتیب از برای دوایر جزو باشد تمام نوشتجات وارده باید در دفاتر وارده که در شعبه عمومی دفترخانه است با قید تاریخ ورود فهرست شده به شعبات منقسم شود و مدیر هر شعبه مراقبت نماید که امر راجعه به شعبه خودش از جریان طبیعی باز نماند برای نیل به این مقصود کارها را باید به دو قسمت منقسم نمود. کارهای فوری که مقدم بر کارهای عادیست و بعد از فهرست در کتابچه‌های وارده فوراً برای اقدام با علامت فوری بودن آن به شعبه لازمه داده می‌شود و کارهای عادی که بعد از ثبت در دفاتر وارده نیز به شعبه لازمه داده می‌شود ولی تسویه آن امور به نوبت و ترتیب تاریخ ورود آن است به شعبه عمومی دفترخانه است اقدام در امور عادیه در شعبه لازمه نباید بیش از سه روز طول بکشد ولی اجزای هر شعبه باید سعی نمایند که زودتر از این موعده امور تسویه

شود.

ماده ۱۷۹. معاون حاکم مکلف است که زود زود (متوالیاً و سریعاً) دفاتر نوشتجات وارده و صادره را مقایسه کرده جریان امور را تفتیش نماید. بنابراین تمامی اعضای دفترخانه و مدیرهای آن و معاون هر یک به اندازه تکالیف خود مسئول صحت امور دفترخانه اداره ولایتی هستند.

ماده ۱۸۰. نوشتجاتی که از دفترخانه اداره ولایتی صادر می‌شود و باید به امضای حاکم یا معاون او برسد باید بدو به تصدیق مدیر شعبه رسیده باشد و علامت تصدیق آنست که مدیر شعبه پایین‌تر از محل امضای حاکم یا معاون او را مهر نموده کاغذ را برای امضا به حاکم یا معاون او تقدیم می‌کند.

تبصره: تفصیل ترتیب جریان امور را در دفترخانه اداره ولایتی و مباحثات و مذاکرات مجلس مشاوره آن اداره را وزارت داخله جداگانه مرتب خواهد کرد.

ماده ۱۸۱. معاون حاکم به‌علاوه سرکشی که به دفترخانه اداره ولایتی می‌نماید مکلف است که سالی دو دفعه تفتیش مفصل نموده راپورت خود را به حاکم بدهد کذالک حاکم هر سال باید مجلس مشاوره و دفترخانه آن را تفتیش نماید و به علاوه هر وقت که مقتضی بداند به دفترخانه اداره ولایتی سرکشی نماید حاکم راپورت خود را در این باب به وزارت داخله خواهد فرستاد.

ماده ۱۸۲. هرگاه در دفترخانه اداره ولایتی به واسطه اهمال و مسامحه اعضای آن کارها به قدری متراکم شود که ایجاد شعبه موقتی برای تسویه آن لازم شود مخارج آن شعبه به‌عهده مقصرین خواهد بود.

ماده ۱۸۳. اشخاصی که از قراردادهای اداره ولایتی شکایت دارند و آن احکام راجع به امور اداره‌ایست می‌توانند در ظرف شش ماه از روز اجرای آن احکام به مجلس وزرا شکایت نمایند و اگر آن حکم به‌موقع اجرا گذارده نشده در ظرف سه ماه از روز اعلان حکم اداره ولایتی به مجلس وزرا شکایت کنند و اداره ولایتی مکلف است که توضیحات لازمه در این باب به مجلس مذکور بفرستد و تصریح نماید که کی قراری که موجب شکایت داده شده و کی به‌موقع اجرا آمده و اگر به‌موقع اجرا آمده و اگر به‌موقع اجرا نیامده کی به‌متشکی اظهار شده است.

هشتم در ترتیب داخله اداره ولایتی و دفاتر آن

ماده ۱۸۴. عمارات اداره ولایتی و اثاثیه و کلیه اموال متعلقه به اداره مزبوره و اثاثیه دفترخانه آن در تحت نظارت ناظم است و مستحفظین و قراول‌های آن اداره نیز تابع او هستند ناظم باید مواظبت لازمه در گرم کردن و روشن نمودن اطاق‌ها و پاکیزگی داشته باشد و غیبت اعضای اداره ولایتی را به اطلاع معاون برساند و مراقب اشخاصی که از ارباب رجوع و غیره به اداره ولایتی می‌آیند باشد که کلیه نظم داخلی اداره ولایتی به عهده اوست و باید دستورالعمل‌های حاکم را در این باب به موقع اجرا بگذارد.

ماده ۱۸۵. در اداره ولایتی هر روز باید دو نفر حاضر خدمت باشد یکی از صاحب‌منصبان بزرگ دفترخانه اداره و دیگری از مستخدمین جزو دفترخانه.

ماده ۱۸۶. در اداره ولایتی باید یک اتاق مخصوص موسوم به اتاق انتظار معین شود تا ارباب رجوع در آنجا نشسته در نوبت خود رفته اظهار مطلب را بنماید.

ماده ۱۸۷. برای اینکه اعضای دفترخانه از کار خود باز نمانند اشخاصی که استعلام یا تحقیقی می‌خواهند از دفترخانه اداره بنمایند باید در اتاق انتظار مطلب خود را به ناظم باید با ارباب رجوع با کمال توقیر و ادب رفتار نماید.

ماده ۱۸۸. معاون حاکم باید در صورت لزوم به اتاق انتظار رفته به مطالب هریک از ارباب رجوع علیحده برسد و امور آنها را به جای لازم به توسط ناظم یا معاونش رجوع کنند.

ماده ۱۸۹. تحویلدار اداره ولایتی مکلف است که به تمام امور مالیه اداره ولایتی از قبیل مقرری‌ها و مخارج لازمه و غیره نظارت داشته به دفاتر راجعه به آن امور مرتباً رسیدگی نماید صندوق این اداره و محاسبات آن موافق قوانین صندوق ادارات تشکیل و اداره خواهد شد.

ماده ۱۹۰. دفاتر جاری هر شعبه در خود آن شعبه موافق دستورالعمل وزیر داخله مرتب خواهد شد ولی محفظه‌های امور تمام‌شده باید به دفاتر تابعه داده شود چه این کارها در خود اداره ولایتی تمام شده باشد و چه از ادارات دیگر به اداره ولایتی رسیده باشد.

ماده ۱۹۱. اتاق‌های دفتر ثابت باید خشک و از آتش دور باشد و محفظه‌ها باید در

قفس‌های چوبی گذارده شود.

ماده ۱۹۲. هر دفعه که کاری از دفترخانه اداره ولایتی به دفتر ثابت داده می‌شود باید به اجازه حاکم ولایت باشد.

ماده ۱۹۳. برای اینکه کاغذهای غیرمفیده در دفتر ثابت متراکم نشود کمیسیونی مرکب از اعضای اداره ولایتی تشکیل خواهد شد که موافق دستورالعمل وزیر داخله کاغذهای غیرمفیده را که از زمان ورود آنها به دفتر ثابت ده سال تمام گذشته است معدوم نمایند.

ماده ۱۹۴. یکی از مستشارهای اداره ولایتی به انتخاب حاکم نظارت مخصوصی در امور دفتر ثابت خواهد داشت و به‌علاوه سالی یک مرتبه اداره ولایتی با تمام اعضای آن امور دفتر را تفتیش نموده عقاید خود را در وضع دفتر ثابت و اصلاحاتی که باید بشود به حاکم و وزیر داخله خواهند فرستاد.

تبصره: تفصیل ترکیب دفتر ثابت اداره ولایتی را وزیر داخله جداگانه مرتب و به ولایت خواهد فرستاد.

فصل چهارم در تشکیل بلوکات

اول قواعد عمومی

ماده ۱۹۵. تمام بلوکات با کرسی آن و شهرهای جزو بلوکات (در صورتی که باشد) و نواحی و دهات در اداره نایب‌الحکومه و اداره بلوکی است. تبصره: شهر دارالخلافه و کرسی‌های ولایات جزو اداره بلوکی محسوب نمی‌شوند و در اداره مستقیم حاکم و اداره ولایتی واقعند.

ماده ۱۹۶. نایب‌الحکومه به تصویب حاکم از طرف وزیر داخله یا فرمانفرما (در صورتی که ولایت جزو ایالتی باشد) به سمت ریاست بلوکات منصوب می‌شود و امور بلوکات را در تحت ریاست و نظارت حاکم ولایت و اداره ولایتی اداره می‌نماید عزل نایب‌الحکومه از سمت خود به حکم وزیر داخله یا فرمانفرما است (در جایی که باشد).

ماده ۱۹۷. ریاست نظمیه بلوک نیز برعهده نایب‌الحکومه است.

ماده ۱۹۸. معاون نایب‌الحکومه به انتخاب نایب‌الحکومه و تصویب حاکم ولایت

به شغل خود منصوب است و به نایب‌الحکومه در کارها کمک می‌کند و در غیاب نایب‌الحکومه قائم مقام اوست و به سمت مدیری امور بلوک را اداره می‌کند. ماده ۱۹۹. معاون می‌تواند از طرف نایب‌الحکومه به سرکشی نواحی و تفتیش امور بلوکی مأمور بشود ولی فقط در صورتی که خود نایب‌الحکومه به واسطه عذر موجهی نتواند این امر را انجام بدهد. ماده ۲۰۰. معاون از طرف نایب‌الحکومه هرگونه مأموریت راجعه به امور ضبطیه و نظمی را انجام می‌دهد چه این مأموریت در خود قصبه بلوکی باشد و چه در بلوک. ماده ۲۰۱. محل اقامت نایب‌الحکومه کرسی بلوک است و برای اداره کردن امور بلوکی در هر قصبه یک اداره تشکیل می‌شود که مرکب از نایب‌الحکومه و معاون آن است. طبیب و مهندس و معمار بلوکی در صورتی که باشند نیز از اعضای این اداره محسوب و در اجلاس راجعه به امور آنها حاضر خواهند بود.

۲. در وظایف نایب‌الحکومه از حیث امور اداره

ماده ۲۰۲. وظایف نایب‌الحکومه از قرار ذیل است اولاً مراقبت و مواظبت تامه در اجرای قوانین موضوعه و دستورالعمل‌های ادارات متبوعه؛ ثانیاً حفظ و وقایه امنیت و رفاهیت و آسایش مردم به موجب قوانین موضوعه؛ ثالثاً مراقبت در اجرای قوانین و احکام و دستورالعمل‌ها در نواحی و دهات.

ماده ۲۰۳. برای حفظ و وقایه انتظام امور نایب‌الحکومه زود زود به بلوکی که در اداره اوست سرکشی می‌نماید و دوایر جزو اداره بلوکی و همچنان ادارات ناحیتی و ادارات ضبطیه و نظمی را تفتیش می‌نماید و به محبس‌ها و مریضخانه‌ها و غیره نظارت دارد و به شکایات رسیدگی کرده موافق اختیاراتی که به او داده شده اقدام می‌کند.

تبصره: نایب‌الحکومه اقلماً سالی سه دفعه باید به صندوق‌های قصبه بلوکی رسیدگی نماید.

ماده ۲۰۴. نایب‌الحکومه باید مراقبت و نظارت مخصوصی نسبت به اداره بلوکی و ادارات و صاحب‌منصبان و مستخدمین جزو ریاست بلوک داشته باشد و مراقبت نماید که کارها در آن ادارات معطل نشود و در جریان قانونی باشد.

ماده ۲۰۵. نایب‌الحکومه اهتمام کامل می‌نماید که اغتشاش و شورش در بلوک روی ندهد و در صورت وقوع اغتشاش اول به قوه نظمی و ضبطیه رجوع نموده پلیس محلی را در جایی که لازم است جمع کرده در صدد رفع اغتشاش برمی‌آید و اگر نتیجه‌ای نبخشید به قوه نظامی رجوع می‌نماید و کلاً در این باب به‌طوری رفتار می‌کند که در ماده ۳۶ مقید است.

ماده ۲۰۶. وظایف نایب‌الحکومه از حیث امور ضبطیه در فصل راجع به اداره پلیس و ضبطیه بلوکات مذکور است.

سیم در ترتیبات و وظایف اداره بلوکی و حدود اختیارات آن

ماده ۲۰۷. چون تمام وظایف اداره بلوکی راجع به امور ضبطیه است، شرح ترتیبات و حدود و وظایف و اختیارات آن در فصل پنجم مذکور خواهد بود.

ماده ۲۰۸. اداره بلوکی دفترخانه خواهد داشت که مرکب از یک نفر مدیر بوده و به قدر لزوم منشی و اجزا خواهد داشت. در دفترخانه اداره بلوکی چند نفر از تابعین ضبطیه برای حمل مکاتبات و مراسلات از کرسی بلوک به داخله بلوک به سمت چاپاری خواهند بود و ترتیب دفترخانه و دفاتر اداره بلوکی موافق ترتیبات دفترخانه اداره ولایتی است و دستورالعمل آن را وزارت داخله علیحده مرتب و ارسال خواهد نمود.

فصل پنجم تشکیل ضبطیه در بلوکات

ماده ۲۰۹. اداره ضبطیه بلوکات عبارت است از نایب‌الحکومه اداره بلوکی در ماده ۲۰۱ و صاحب‌منصبان و مأمورین ضبطیه به‌طوریکست که در مواد آتیه ذکر خواهد شد.

ماده ۲۱۰. تمام بلوکات یا کرسی آن و قصبات جزو بلوک (در صورتی که باشد) از حیث امور ضبطیه تابع اداره ضبطیه بلوکی است ولی کلیه کرسی‌های ولایات و نیز بعضی از شهرهای بزرگ که صورت آنها را وزارت داخله علیحده مرتب خواهد کرد از این قاعده مستثنی و خودشان اداره نظمی علیحده چنانکه مذکور در فصل هفتم است خواهند داشت.

ماده ۲۱۱. هر بلوکی که برای اداره شدن امور ضبطیه آن به چند قسمت منقسم می شود هر کدام از این قسمت ها موسوم به دایره ضبطیه خواهد بود عده و وسعت دوائر ضبطیه بسته به سعت بلوک و عده نفوس و مقدار کارهایی است که به اداره ضبطیه رجوع می شود هر دایره در اداره صاحب منصبی است که موسوم به مدیر ضبطیه است.

ماده ۲۱۲. هر دایره ضبطیه مرکب از چند ده است دایره ضبطیه از یک قصبه نیز عبارت تواند بود.

ماده ۲۱۳. هرگاه تغییر عده دوائر ضبطیه لازم شود حاکم اطلاعات لازمه را از مجلس بلوکی تحصیل کرده به وزارت داخله تقدیم می نماید که اجازه اعلیحضرت همایونی در این باب صادر شود ولی تغییر حدود دوائر ضبطیه و تغییر محل اقامت مدیرهای ضبطیه بسته به صوابدید خود حاکم است و حاکم باید اقدام خودش را در این باب هر دفعه به وزارت داخله اطلاع دهد.

تبصره: شهرهای جزو محال و اماکن معتبره که نظمیه علیحده ندارند بسته به تقسیم یکی از دوائر ضبطیه محسوب خواهد بود این نوع دوائر ضبطیه بسته به اقتضای وقت و محل به چند قسمت منقسم تواند شد.

ماده ۲۱۴. تبیین ضبطیه که در اداره مدیری واقعند به درجه منقسم می شوند. اولاً ناظمین ضبطیه که برای کمک کردن به مدیرهای ضبطیه معین می توانند شد و غالباً ناظمین ضبطیه سواره هستند ولی به حکم وزیر داخله در صورت ضرورت پیاده هم می توانند باشد. ثانیاً دهباشی ها که هر کدام قسمتی از دایر ضبطیه را (رجوع به تبصره ماده ۲۱۳) محافظت می نمایند و همچنان در دهات واقعند؛ ثالثاً پلیس که زیردست دهباشی ها امور ضبطیه را انجام می دهند.

تبصره: ناظمین به اعمال دهباشی ها نظارت دارند.

ماده ۲۱۵. عده ناظمین ضبطیه را برای ولایت وزیر داخله معین می کنند تقسیم ناظمین به بلوکات به تصویب حاکم است و تقسیم آنها مابین دوائر ضبطیه به تصویب رئیس بلوک است لزوم ناظمین ضبطیه و بلوکی به تصویب حاکم ولایت و قرارداد قانونی مقامات عالییه است.

ماده ۲۱۶. تغییر عده و ترکیب قسمتهای دوائر ضبطیه (رجوع به تبصره ماده ۲۱۳) به تصویب اداره بلوکی و اجازه حاکم است ولی اداره بلوکی باید قبل از دادن رأی

عقیده مدیر ضبطیه را بپرسد.

ماده ۲۱۷. رئیس ضبطیه بلوک را (نایب‌الحکومه) وزیر داخله معین می‌کند مدیرهای ضبطیه را اداره ولایتی معین می‌کنند. تبصره: عزل و نصب مدیرهای ضبطیه را باید حکام هردفعه به وزارت داخله اطلاع دهند.

ماده ۲۱۸. ناظمین ضبطیه را رئیس ضبطیه از اشخاص صدیق و مجرب معین می‌نماید ولی رجوع کردن کار آنها به دیوانخانه عدلیه به حکم اداره ولایتی است. ماده ۲۱۹. تعیین و عزل و نصب دهباشی‌ها با رئیس ضبطیه بلوکی است ولی رجوع کار آنها به محاکمه به حکم اداره ولایتی است. تبصره: دهباشی‌ها ممکن است سربازهایی باشند که مدت خدمت نظامیشان منقضی شده است.

اول در وظایف اداره نظمیه و حدود و اختیارات آن

ماده ۲۲۰. اداره نظمیه همان اداره بلوکی مذکور در ماده ۲۰۱ است و وظایف آن از قرار تفصیل است. اولاً نظارت در اجرای قوانین و وقایه امنیت و آسایش اهالی. ثانیاً اجرای تکالیف راجعه به امور مالیه دولت و امور عدلیه و امور نظامی.

ماده ۲۲۱. وظایف مجلس بلوکی من باب اجرای قوانین و حفظ هیأت از قرار تفصیل است اول اعلان و انتشار قوانین و فرامین و احکام دولت؛ دوم انتشار هر نوع اعلانات که به حکم ادارات متبوعه می‌شود؛ سیم گرفتن دزدها و قطاع‌الطریق و برقراری امنیت و آسایش عمومی؛ چهارم دستگیر کردن فراری‌ها و رفع منع از تکدی؛ پنجم ملاحظه اشخاصی که در سر راه مرده‌اند و معین کردن اینکه آنها را کشته‌اند یا به اجل خود مرده‌اند؛ ششم جمع‌آوری اطفال گم‌شده و سر راه گذارده شده و نگاهداری از آنها و تحقیقات لازمه در پیدا کردن اولیای آنها و کمک به ضعفا و مرضائیکه از منزل و مأوای خود دور افتاده‌اند؛ هفتم دادن راپورت وقایع به رؤسا و یک نسخه مستقیماً به محاکم ولایت؛ هشتم در صورتی که در رودخانه‌ها و آب‌ها سواحل دریا کرجی یا کشتی بشکند یا غرق شود باید سرنشین آنها را حتی‌المقدور نجات بدهند و اموال آنها را حفظ کنند؛ نهم حفظ موقتی اموال متوفیات

غربایی که وارث و ولی حاضر نداشته باشند و اطلاع به اولیای آنها دادن؛ دهم مساعدت به ادارهٔ اطفائییه در جلوگیری از حریق در بیابان‌ها و جنگل‌ها و غیره؛ یازدهم اقدامات لازمه برای جلوگیری از امراض مسریه موافق دستورالعمل‌های ادارهٔ حفظالصحه و نظارت اجرای قوانین حفظالصحه؛ دوازدهم اقدامات لازمه برای رفع امراض مسریه در میان چشم و دواب؛ سیزدهم حفظ و وقایهٔ امنیت طرق و شوارع و نظارت صحت راه‌ها و پل‌ها و معابر و غیره و اجرای تکالیفی که از بابت نگاهداشتن راه‌ها به اهالی مجاور وارد می‌آید؛ چهاردهم مراقبت در اینکه حریق یا طغیان آب اتفاق نیفتد و اقدامات لازمه در این باب به‌عمل آید؛ پانزدهم نظارت پاکیزگی در قصبات و دهات و مراقبت در اینکه بناهای جدید موافق نقشه و دستورالعمل‌های مقرر ساخته شود؛ شانزدهم نظارت به کاروانسراها و قهوه‌خانه‌ها و مهمانخانه‌ها و چلوپزخانه‌ها و کلیهٔ جاهایی که محل اکل و شرب عمومی است و مراقبت در اجرای قوانین راجعه به این جاها و عدم اجازه قمار و کلیهٔ کارهایی که خلاف شرع بوده و باعث مشاجره و منازعه و مجادله تواند شد و اساس امنیت را متزلزل تواند کرد؛ هفدهم دادن اجازه‌نامه به اشخاصی که اخذ سموم از مواد می‌نمایند و نظارت به فروش آن موافق قوانین حفظالصحه؛ هجدهم دادن اجازه‌نامه برای خریدن باروت و سایر مواد محرقه و نظارت به فروش آن موافق قوانین حرفت و صنعت؛ نوزدهم مراقبت در اینکه در بازارها و میدان‌ها و جاهای دیگر چیزهایی را که دولت خرید و فروشش را قدغن کرده است خرید و فروش نشود؛ بیستم مواظبت در اجرای قوانین راجعه به شکار و صید ماهی و طیور که در غیر موقع به‌شکار و صید اقدام نشود؛ بیست و یکم ترتیب فهرست‌هایی که معین کند در بلوک وعدهٔ مساجد و مکاتب و ادارات خیریه و کارخانجات و دهات چقدر است و همچنان عده نفوس و متولدات و متوفیات و عقد ازدواج به چه اندازه است و اتباع خارجه در بلوک به چه کسب مشغولند؛ بیست و دوم ترتیب دفاتر نفوس راجعه به متولدات و متوفیات و عقید ازدواج؛ بیست و سوم اطلاع‌دادن به رؤسا و ادارات متبوعه اشیاء عتیقه که کشف شده یا ظهور اشیائی که قدرت دارد؛ بیست و چهارم نظارت به استخراج طلا و نقره در جاهای لازمه موافق قوانین موضوعه؛ بیست و پنجم دادن تصدیق‌نامه به ایتم و بیچارگان برای دخول به دارالایتم و دارالضعفا و غیره؛ بیست و ششم نظارت اینکه اجرت کارگر و عمله و فعله به موقع و تمام پرداخته شود؛ بیست و هفتم اجرای کلیهٔ

تکالیفی که به موجب قوانین ادارات دولتی و مملکتی و بلدی به عهده اداره ضبطیه است.

ماده ۲۲۲. تکالیف اداره ضبطیه بلوکات نسبت به امور مالیه از قرار تفصیل است: اولاً وصول بقایای دولتی و ادارات بلدیه و اجتماعیه ولایات به موجب احکام ادارات متبوعه یا اعلان ادارات متساویه؛ دوم اقدامات مجدانه بر منع و کسر نمودن او از آن و اکیال و تغییر وزن و کمیت مسکوکات؛ سیم اجرای اوزان و اکیال جدید به حکم دولت؛ چهارم دعوت مقاطعه کاران برای مزایده‌های دولتی و مملکتی و ادارات بلدیه و غیره؛ پنجم دادن شهادت‌نامه به مقاطعه چپها در صورتی که به واسطه معاذیر موجیه یا هیچ نتوانسته‌اند کاری را که بر عهده گرفته‌اند انجام بدهند و یا به وقت و به موقع نتوانسته‌اند برسانند؛ ششم مساعدت به اشخاص و اداراتی که به موجب قوانین نظارت به حرفت و صنعت و تجارت دارند و به موجب قوانین و عوارض اخذ می‌کنند؛ هفتم اجرای تکالیفی که به موجب قوانین راجعه به اخذ مالیات و عوارض به ادارات ضبطیه محول است؛ هشتم عمل کردن به وظایفی که به موجب قوانین گمرکات به عهده ادارات ضبطیه موكول است؛ نهم مساعدت با ادارات جنگل‌ها و خالصجات دولتی در اجرای تکالیف آنها و در اقداماتی که در صورت نقض قوانین جنگل‌ها و خالصجات برعهده این ادارات وارد می‌آید.

ماده ۲۲۳. وظایف اداره ضبطیه نسبت به امور عدلیه از قرار ذیل است. اول جلوگیری از تعدی و اقدامات خودسرانه و اجرای تحقیقات و همراهی در تحقیقاتی که از طرف محاکم عدلیه به عمل می‌آید به اندازه‌ای که در قوانین و نظامات عدلیه و محاکم جنایتی مندرج است؛ دویم حاضر کردن دیوانخانه در این باب صادر شود؛ سیم احضار اشخاص لازم به محاکم عدلیه و شراکت در اجرای احکام محاکم عدلیه به موجب قوانین و نظامات دوایر عدلیه؛ چهارهم برداشتن سیاهه اموال اشخاص معینه و تقویم و حفظ آن و اعلان فروش اموال به مزایده و فروش بعضی اموال به موجب قوانین عدلیه راجعه به این اقدامات؛ پنجم مجبور کردن و کلا را به رد کردن و کالت‌نامه‌هایی که از طرف موکلین آنها استرداد می‌شود (موافق قوانین موضوعه)؛ ششم تفتیش و تفحص اشخاصی که گم شده‌اند و خبری از آنها نیست؛ هفتم نظارت در پاک نگاهداشتن محبس‌ها و اجرای کلیه قوانینی که به محبس‌ها و محبوسین راجع است؛ هشتم دادن شهادت‌نامه قرابت و خویشی با قریبا و اقوام

اشخاصی که به حکم قانون در محبس توقیف شده‌اند؛ نهم کلیه تکالیفی که به موجب قوانین محاکم عدلیه و محاکم عدلیه نظام بری و بحری به عهده ادارات ضبطیه محول است.

ماده ۲۲۴. وظایف اداره ضبطیه بلوکی در امور نظامی از قرار تفصیل است اول مراقبت و نظارت انتظام حرکت قشون و اجرای تکالیف در این باب به موجب قوانین نظامی؛ دویم احضار تاین ردف نظام بری و بحری به حکم ادارات متبوعه نظامی به سر خدمت خودشان و دادن شهادت‌نامه به آنها در مواقعی که قوانین نظامی معین کرده؛ سیم اخبار زن‌های سربازها از فوت شوهران آنها؛ چهارم یادآوری به تاین و همچنان به صاحب‌منصبان نظامی که مدت مرخصی آنها منقضی شده و دعوت آنها به موجب قوانین نظامی به مراجعت به محل خدمت.

ماده ۲۲۵. کلیه اداره ضبطیه بلوکی و اشخاصی که تابع آن هستند باید ناظر اجرای قوانین باشند ولی به هیچ وجه حق ندارند اجرای قانونی را بخواهند که اعلام نشده و یا قراردادی را به موقع اجرا بگذارند که قبل از وقت به اطلاع اهالی نرسیده است.

ماده ۲۲۶. نه فقط اهالی بلوکات مکلفند که احکام قانونی اداره ضبطیه را اطاعت نمایند بلکه اشخاصی هم که از شهرهای دیگر آمده در آن بلوکات متوقفند تابع احکام اداره ضبطیه که راجع به اجرای قوانین موضوعه و دستورالعمل‌هاست می‌باشند.

ماده ۲۲۷. عمال ضبطیه مکلفند که به شکایات رسیدگی نمایند و رفع تعدی و بی‌نظمی را بکنند و نه فقط به شکایات مظلومین رسیدگی می‌نمایند بلکه به کلیه شکایات که حاوی اطلاعات بوده و اوضاع و احوال امور اتفاقیه را روشن می‌کنند باید برسند ولو اینکه این نوع شکایات که به اداره ضبطیه می‌شود موافق ترتیب مقرر نباشد هرگاه اقدامات عمال ضبطیه مثمر ثمری نشد و شخصی که باعث تعدی و بی‌نظمی شده علناً اقدامات ستمی و جبری نماید عمال ضبطیه حق دارند آن شخص را توقیف نمایند.

تبصره: قواعد راجعه به استعمال اسلحه در موارد لازمه به توسط مأمورین نظمیه و فراسواران علیحده مرتب و منضم به این ماده است.

ماده ۲۲۸. هیچ کس از عمال ضبطیه حق ندارد که سیاست و مجازات جنایتی به

کسی بدهد این حق مختص به محاکم عدلیه است بر وفق قوانین شرعیه. ماده ۲۲۹. هرچند حدود اختیارات اداره ضبطیه بلوکات همان حدود بلوکات است و خارج از بلوک خود اداره مزبوره اختیاری ندارد ولی در موارد ذیل استثنای از این قاعده لازم می‌آید: اولاً در صورت وقوع حریق یا طغیان آب و یا توفان اداره ضبطیه بلوکی و مدیرهای ضبطیه در بلوکات مجاور هم اقدامات لازمه را به عمل می‌آورند تا آنکه اداره ضبطیه آن بلوک و عمال آن مطلع و خودشان مشغول به اقدامات لازمه شده از کمک مستغنی بشوند؛ دویم در موارد تعاقب قطاع‌الطریق و دزدها و فراریان و اشخاصی که مرتکب جنحه و جنایتی شده فرار کرده‌اند عمال ضبطیه بلوکی از حدود بلوک و ولایات حق دارند تجاوز نموده در تعاقب این نوع اشخاص بکوشند و فقط وقتی دست نگاه دارند که عمال ضبطیه آن محل شروع به تعاقب کرده باشند.

ماده ۲۳۰. هرگاه عمال ضبطیه در جاهایی که قلمرو اقدامات قراسوران‌هاست کشف علامت جنحه و جنایتی نمایند و مأمورین قراسوران در آن محل نباشند مکلفند تا ورود آنها موافق قوانین و نظامات عدلیه تحقیقات اولیه و کذالک حفظ علامات جنحه و جنایت و سایر اقدامات را به عمل آورند.

سوم در روابط اداره ضبطیه بلوکی و صاحب‌منصبان و تابین ضبطیه با ادارات متبوعه و متساویه

ماده ۲۳۱. اداره ضبطیه با تمام اشخاصی که تابع آن اداره هستند مطیع احکام و دستورالعمل‌های حاکم ولایت و اداره ولایتی است.

تبصره: جاهایی که موقتاً در تحت قوانین نظامی گذارده شده است، قواعد اطاعت صاحب‌منصبان ضبطیه به ادارات نظامی موافق قانونیست که جداگانه مرتب و منضم به این ماده خواهد بود.

ماده ۲۳۲. در بنادر نظامی ادارات ضبطیه تابع اداره بحری است.

ماده ۲۳۳. صاحب‌منصبان ضبطیه تابع رئیس بلوک و رئیس ضبطیه هستند ولی بدون اجازه اداره ولایتی عزل یا جلب آنها به محاکمه ممنوع است.

ماده ۲۳۴. ناظمین ضبطیه در اداره حاکم ولایت و رئیس بلوک هستند و تابع اوامر

مدیرهای ضبطی.

ماده ۲۳۵. دهباشی‌ها تابع اوامر مدیرهای ضبطیه‌اند و به اعمال پلیس نظارت دارند.

ماده ۲۳۶. ادارات ضبطیه به حاکم و اداره ولایتی راپورت می‌دهند و از آن مقامات به عهده آنها احکام صادر می‌شود.

ماده ۲۳۷. محاکم بدایت به اداره و عمال ضبطیه حکم می‌نمایند مدعی عمومی معاون آن اقدامات لازمه را از تحقیقات و اجرای احکام و غیره می‌خواهند و از اداره ضبطیه در جواب راپورت می‌گیرند (منضم به این ماده باید بعد از ترتیب قوانین راجعه به نظام نوشته شود).

ماده ۲۳۸. اداره مالیه و اداره خالصجات و اداره تفتیش و سایر شعبات وزارتخانه‌ها در ولایات از اداره ضبطیه اجرای قوانین راجع به آن ادارات را می‌خواهند و در جواب راپورت می‌گیرند.

ماده ۲۳۹. اداره ضبطیه یک بلوک به اداره ضبطیه بلوک دیگر و به ادارات متساویه مکاتبه می‌نمایند و اطلاعات لازمه را به همدیگر می‌دهند.

چهارم در ترتیب تسویه امور و اقدامات اداره ضبطیه بلوک

ماده ۲۴۰. اداره ضبطیه بلوک و عمال جزو آن در موارد ذیل اقدام به کار می‌نمایند. اولاً به حکم ادارات متبوعه؛ ثانیاً به تقاضای اداراتی که حق چنین تقاضا را دارند؛ ثالثاً به واسطه شکایت اشخاص متفرقه؛ رابعاً به موجب راپورت‌های ادارات تابعه؛ خامساً به موجب ملاحظات شخصی خودشان در صورتی که به موجب قانون باشد و یا برحسب اوضاع و احوال صلاح بدانند.

ماده ۲۴۱. رئیس ضبطیه که همان نایب‌الحکومه است ریاست کلیه ضبطیه بلوک به عهده او است باید کمال مراقبت را در حصول امنیت و آسایش اهالی داشته باشد، تفصیل اتفاقات و اطلاعاتی را که به او رسیده است فوراً به حاکم راپورت نماید و اگر اقدام فوری لازم باشد به عمل آورده به حاکم اطلاع دهد.

ماده ۲۴۲. نایب رئیس ضبطیه که معاون نایب‌الحکومه است در کارها به رئیس ضبطیه کمک می‌کند و به اداره ضبطیه و دفترخانه آن نظارت دارد و هر مأموریتی

را از طرف رئیس ضبطیه انجام می‌دهد.

ماده ۲۴۳. در صورتی که رئیس ضبطیه یک ماهه مرخصی گرفته غایب شود و یا اینکه از مرکز امور به واسطه سرکشی به نواحی یا مأموریت دیگری دور شود نایب او کفیل او خواهد بود ولی کارهای جاریه را تسویه نموده در امور مهمه در صورتی که فوری نباشد بدون اطلاع رئیس ضبطیه اقدام نخواهد کرد. لهذا عزل و نصب مستخدمین ضبطیه که در حدود قوانین به اختیار رئیس ضبطیه محول شده است و تنبیه و سیاست آنها و احکام که ناسخ احکام سابقه رئیس ضبطیه است و اموری را که خود رئیس ضبطیه سپرده است بدون اطلاع او تسویه نشود یا تا مراجعت رئیس ضبطیه به تعویق می‌اندازد و یا با مأمور مخصوص نزد او می‌فرستد.

ماده ۲۴۴. ضباط نواحی و کدخداهای دهات تابع احکام اداره ضبطیه بلوکی بوده احکام این اداره را اجرا می‌نمایند و به مدیرهای ضبطیه در اجرای تکالیف آنها کمک و مساعدت می‌نمایند.

ماده ۲۴۵. به ناظمین ضبطیه نیز ضباط نواحی و کدخداهای دهات باید کمک و مساعدت لازمه را بنمایند و تقاضای آنها را که مبتنی بر قانون است به موقع اجرا گذارند ولی به هیچ وجه حق ندارند به امور اجتماعی و امور داخلی نواحی دهات دخالت نمایند و یا وجهاً من‌الوجه دخالتی در امور محاکم عدلیه نواحی کنند.

پنجم در مسئولیت اداره ضبطیه بلوکی

ماده ۲۴۶. اداره ضبطیه مکلف است که راپورت اموری که به آن محول شده است به اداره ولایتی بدهد و صورت حساب وجوهی که به او رسیده به اداره تفتیش ولایتی تقدیم کند.

ماده ۲۴۷. شکایت از مستخدمین و تابین ضبطیه یا به مدیر ضبطیه می‌شود یا به خود رئیس ضبطیه. شکایت از رئیس ضبطیه یا از اداره ضبطیه بلوکی در ظرف سه هفته از روز حکم آنها به حاکم یا اداره ولایتی داده می‌شود و چنانچه اقدام رئیس ضبطیه یا اداره ضبطیه به موجب یکی از ادارات متبوعه شده است متشکی باشد شکایت خود را به اداره که حکم کرده است بدهد.

ماده ۲۴۸. هرگاه مدیرهای ضبطیه مرتکب جنجه و جنایتی شده باشند، رئیس

ضبطیه موقتاً آنها را از شغلشان منفصل نموده مراتب را به اطلاع حاکم ولایت می‌رساند و منتظر حکم می‌شود.

فصل ششم

در وظایف صاحب‌منصبان و مستخدمین تابین ضبطیه

ماده ۲۴۹. هرچند وظایف صاحب‌منصبان و عمال ضبطیه از وظایف و حدود اختیارات اداره ضبطیه بلوکی معلوم و معین است باز برای عدم وقوع اشتباهی در اجرای قوانین ضبطیه وظایف هرکدام نسبت به حوزه مأموریتی آنها ذیلاً شرح داده می‌شود.

اول در وظایف رئیس اداره ضبطیه بلوکی

رئیس ضبطیه - نایب‌الحکومه

ماده ۲۵۰. رئیس ضبطیه بلوک مراقبت مخصوصی خواهد داشت که تمام وظایف اداره ضبطیه مجری شود و شخصاً مسئول تمام امور ضبطیه بلوک است. رئیس مزبور در رفتار و سلوک با مردم کمال ملامت و مسالمت را اظهار خواهد کرد ولی از طرف دیگر مواظبت تامه را خواهد داشت که از قوانین و احکام و دستورالعمل‌ها بوجه من‌الوجه تخلف نشود.

ماده ۲۵۱. وظایف رئیس ضبطیه از قرار شرح ذیل است اولاً اعلان و انتشار قوانین و مواظبت اینکه قوانین و احکامی که باید به‌موقع اجرا گذارده شود به اطلاع عامه برسد؛ دوم مذاقه در قوانین و احکامی که مورد اشتباه شده است و رجوع به اداره ولایتی برای رفع اشتباه؛ سیم رسیدگی به شکایاتی که از ادارات و اشخاص متفرقه رسیده و راجع به اعمال و رفتار صاحب‌منصبان ضبطیه است؛ چهارم تقدیم لایحه به حکومت ولایت در باب تغییر حدود دوایر ضبطیه و همچنان تغییر محل اقامت مدیرهای ضبطیه؛ پنجم تغییر قسمت‌های دوایر ضبطیه؛ ششم انفصال موقتی صاحب‌منصبان ضبطیه (مدیرهای ضبطیه) که مرتکب جنحه و جنایتی شده‌اند از مشاغل آنها تا تکلیف آنها از طرف حکومت معین شود؛ هفتم مراقبت تامه نسبت به دوایر ضبطیه و مدیرهای آن دوایر و اجرای تکالیف آنها و نظارت به جریان قانونی

امور در آن دواير؛ هشتم ملاحظه راپورت‌های مديرهای ضبطيه و جمع کردن و خلاصه کردن مطالب تمام آنها برای تقدیم به حکومت؛ نهم ملاحظه اموری که از دواير ضبطيه به رئیس ضبطيه تقدیم می‌شود و تسویه آن امور؛ دهم امضای اقداماتی که مديرهای ضبطيه لازم می‌دانند بنمایند و کسب تکلیف می‌کنند و رد یا قبول آن اقدامات و یا حکم به اقدامات نوع دیگر؛ یازدهم راپورت دادن به مقامات عالیه در اجرای احکام و اوامر صادره از آن مقامات و مراقبت لازمه نسبت به ضباط نواحی و کدخدای دهات برای اجرای قوانین ضبطيه که به این اشخاص محول شده است.

ماده ۲۵۲. رئیس ضبطيه بلوکی (نایب‌الحکومه) مراقبت می‌نماید که اداره ضبطيه در کمال انتظام باشد و در دفترخانه منشی و اجزای آن دفترخانه هرکدام امور محوله به خودشان را کاملاً اجرا نمایند رئیس مزبور هرگاه مسامحه یا مداخله در اداره ضبطيه مشاهده کند اشخاص لازم را توبيخ و ملامت می‌نماید و چنانچه این اقدام او اثری نبخشید مهلتی به آن اشخاص می‌دهد و اگر باز نتیجه حاصل نشد مراتب را به اداره ولایتي اطلاع می‌دهد.

ماده ۲۵۳. چنانچه رئیس ضبطيه مشاهده نماید که کاری در دواير ضبطيه به عهده تعویق افتاده مهلتی به مدیر ضبطيه آن دایره داده تسویه آن را خواهد خواست و هرگاه مدیر مزبور در آن موعد آن کار را تسویه نکرد و نیز نتوانست مدلل کند که قادر بر تسویه آن نبوده مراتب را رئیس ضبطيه به اطلاع اداره ولایتي می‌رساند و اگر رئیس ضبطيه در این موارد اغماض کرد خودش مسئول خواهد بود.

ماده ۲۵۴. هرگاه تعطیل در جریان امور حاصل و این تعطیل به واسطه نرسیدن جواب ادارات یا اشخاصی باشد که تابع اداره ضبطيه بلوکی نبوده و جزو حکومت ولایت دیگرند رئیس بعد از یک ماه از تاریخ استعلام اول، استعلام ثانوی نموده جواب می‌خواهد و اگر باز جواب نرسید به اداره ولایتي آن ولایت رجوع می‌نماید و اگر باز جواب نرسید به اداره ولایتي ولایت خود رجوع می‌کند.

ماده ۲۵۵. هرگاه مدیر ضبطيه دایره مریض باشد رئیس می‌تواند کار او را به مدیر دیگری موقتاً رجوع کند ولی تغییر مدیری از دایره به دایره دیگر به اجازه اداره ولایتي است.

ماده ۲۵۶. رئیس ضبطيه حق دارد که مدیر دایره را از تحقیقات مطلبی خارج

نموده و آن تحقیقات را در همان دایره به مدیر دیگری واگذار کند این اقدام رئیس ضبطیه در صورتی صحیح و قانونی است که تحقیقات راجع به خود مدیر ضبطیه یا اقوام و اقارب او و یا املاک خود او و اقوام او باشد. این اقدام خود را رئیس ضبطیه به اطلاع اداره ولایتی رسانیده و جهتش را هم اظهار می‌دارد.

ماده ۲۵۷. در موقع محال گردشی رئیس ضبطیه اعمال و افعال مدیرها را تفتیش می‌نماید و به شکایات آنها رسیدگی می‌کند و دفاتر نوشتجات وارده و صادره را که در خانه آنهاست به دقت ملاحظه می‌کند.

ماده ۲۵۸. چنانچه رئیس ضبطیه بی‌نظمی و تقصیری از مدیر ضبطیه مشاهده کند به طوری که دیگر مدیر ضبطیه مورد اعتماد ضبطیه نباشد مراتب را فوراً به حاکم اطلاع داده عزل مدیر را می‌خواهد.

ماده ۲۵۹. رئیس ضبطیه در وقت محال گردشی مساعدت لازمه را به مدیرهای ضبطیه در اجرای تکالیف آنها می‌نماید و مراقبت می‌نماید که قوانین حفظالصحه و ضد حریق و غیره تماماً به موقع اجرا گذارده شود.

ماده ۲۶۰. رئیس ضبطیه مواظبت می‌نماید که هیچ کس بدون محاکمه تنبیه و سیاست نشود و همچنین از طرف دیگر رئیس ضبطیه مواظبت می‌نماید که اشخاص مقصر بعد از تحقیقات کامله به محاکم عدلیه جلب و تنبیه و سیاست شوند.

ماده ۲۶۱. هنگام محال گردشی رئیس ضبطیه سعی می‌نماید که به مواعظ و نصایح لازمه مردم دهات را به اجرای قوانین راجعه به آنها دلالت کند و فوائد زراعت و حرفت و صنعت را به آنها گوشزد و تشویق نماید.

ماده ۲۶۲. تمام اطلاعات خود را رئیس ضبطیه به اطلاع اداره ولایت می‌رساند و حرکت خود را از شهر و قصبه بلوکی و مراجعت خود را به آن شهر نیز اطلاع می‌دهد.

ماده ۲۶۳. رئیس ضبطیه باید مستحضر از خوبی و بدی حاصل باشد و اطلاعات لازمه را در این باب با جهات آن به حاکم برساند.

دویم در وظایف مدیر ضبطیه

ماده ۲۶۴. وظایف مدیر ضبطیه از قرار ذیل است: اولاً اعلام و انتشار قوانین در

حوزه مأموریتی خودش به حکم اداره ضبطیه؛ دوم اعلام و انتشار احکام و دستورالعمل‌های دولتی و هرگونه اعلانات و احضار اشخاص لازم به حکم حکومت و ادارات متبوعه؛ سیم اعلان مزایده‌ها و احضار مقاطعه‌کاران و امثال آنها؛ چهارم جمع کردن اطلاعات لازمه و خواستن توضیحات از اشخاصی که در دایره ضبطیه او هستند؛ پنجم مراقبت در وصول مالیات و عوارض و فروعات که به موجب قانون گرفته می‌شود؛ ششم مساعدت با اشخاص لازم در تقویم اموال و برداشتن صورت آنها و همچنان تقویم و برداشتن صورت کارخانه‌ها و غیر در صورتی که به موجب قانون لازم و به حکم اداره ضبطیه در این باب صادر شده؛ هفتم اقدامات لازمه در مواردی که قشون از دایره ضبطیه مدیری می‌گذرد و مراقبت اینکه مردم تکالیف خودشان را به موجب قوانین نظامی و غیره به موقع اجرا بگذارند؛ هشتم نظارت امنیت راه‌های نظامی و پستی و تجارتي و غیره و صحت پل‌ها و معابر از دائمی و موقتی و پاکیزگی دهات و مراقبت ابنیه به ترتیب و نقشه‌ای که معین شده ساخته شود؛ نهم مراقبت در فروش سموم و ممانعت از قاچاق و فروش اشیاء ممنوعه و تقلب در مسکوکات و مواظبت به صحت کیال و اوزان؛ دهم نظارت به اجرای قوانین و برقراری آسایش و امنیت چه در دهات چه در خارج ازدهات و اقدامات اولیه برای جلوگیری و تعدی از افعال خودسرانه و اغتشاش و اطلاع‌دادن مراتب را به اداره ضبطیه؛ یازدهم تعاقب فراری‌های نظامی و دزدها و مرتکبین جنحه و جنایات و اشخاص مجهول‌الحال؛ دوازدهم برداشتن اطفالی را که سر راه انداخته‌اند و نگاهداری از آنها به وسایل موجوده؛ سیزدهم نجات دادن اشخاصی را که از آفت کشتی در مخاطره هستند و حفظ اموال متعلقه به آنها؛ چهاردهم حفظ اشیاء عتیقه و اشیائی که گم شده بود و بعد پیدا شده (لقطه)؛ پانزدهم ملاحظه جسد اموات که در راه‌ها و معابر و غیره پیدا می‌شود و تحقیقات لازمه برای معین کردن جهت مرگ و اطلاع دادن به جاهای لازمه؛ شانزدهم جلوگیری از دزدها و قطاع‌الطریق و اقدامات برای برقراری امنیت اهالی و تحقیقات دزدی و حریق و غیره و اطلاع‌دادن به اداره ضبطیه؛ هفدهم اقدامات لازمه برای حفظ‌الصحه و رفع امراض مسریه و امراض سریع‌الانتشار میان مردم و حیوانات و راپورت دادن به اداره ضبطیه؛ هجدهم قبول کردن عرض حال و شکایاتی که به اداره ضبطیه داده می‌شود و منضم کردن اطلاعاتی که مدیر ضبطیه راجع به آن عرض حال یا شکایت تحصیل کرده؛ نوزدهم

ترتیب صورت‌هایی که حاوی اطلاعات دفتر نفوس و هیأت احصائیه است از قبیل عدهٔ مساجد و مدارس و مکاتب و مریضخانه‌ها و دارالمساکین و عده دهات و نفوس و متولدات و متوفیات و عقد ازدواج و غیره و فرستادن آن صورت‌ها را به ادارهٔ ضبطیه؛ بیستم امور راجعه به تذکرهٔ موافق قوانین تذکره؛ بیست و یکم ابلاغ نمودن به ادارهٔ ضبطیه صورت‌هایی را که ضباط نواحی در باب اطلاعات راجعه به حاصل و زراعت و غیره ترتیب می‌دهند؛ بیست و دوم اجرای احکام محاکم عدلیه به حکم رئیس ضبطیه و اجرای کلیه اوامر ضبطیه؛ بیست و سوم اخبار ادارهٔ ضبطیه از انجام دادن اوامر و احکامی که به عهدهٔ مدیر ضبطیه صادر شده؛ بیست و چهارم پاک نگاهداشتن محبسی که در نزدیک خانهٔ مدیر ضبطیه برای توقیف موقتی اشخاص لازم ساخته شده است.

مادهٔ ۲۶۵. خانهٔ مدیر ضبطیه باید همیشه برای هرکس باز باشد و همه وقت باید مدیر عرض حال و شکایات مردم را بشنود و اقدام لازم را به عمل آورد و با مردم به ملایمت و حوصله رفتار نماید.

تبصره: بالای خانهٔ مدیر ضبطیه باید سرلوحه باشد به این کلمات (خانهٔ مدیر ضبطیه).

مادهٔ ۲۶۶. مدیر ضبطیه باید مراقبت تامه داشته باشد که حرکتی از کسی ناشی نشود که مخالف قوانین باشد مثلاً اعلان و انتشار قوانین و احکام بدون اجازهٔ ادارهٔ ضبطیه و پاره کردن اعلاناتی که به توسط ادارهٔ ضبطیه شده و قمار و شرب مسکرات و ارتکاب منکرات علناً که مورث اختلال نظم شود و اجتماع زن و مرد در یکجا در موارد ممنوعه و اعلانات تهمت‌آمیز و انتشاراتی که باعث فساد اخلاق است.

مادهٔ ۲۶۷. در مواردی که مدیر ضبطیه به توسط دهباشی‌ها از وقوع جنحه و جنایت و قباحتی از قبیل قتل و سرقت و حریق عمدی و تقلب در مسکوکات و اسناد دولتی و ملتی و بانک‌ها و غیره مطلع می‌شود باید فوراً مراتب را به مدعی عمومی یا معاون آن اطلاع دهد و اقدامات اولیه را در جلوگیری از اعمال شنیعه و توقیف جانی و تحقیقات اولیه به عمل آورد.

مادهٔ ۲۶۸. مدیر ضبطیه باید صورت اشخاصی را که در دهات برای اطفاء حریق داوطلب شده‌اند ترتیب داده و اعلانات لازمه در دهات بنمایند که اشخاص لازم

بدانند با چه اسباب باید برای اطفاء حریق حاضر شوند.

ماده ۲۶۹. هرگاه در حوزه مأموریتی مدیر ضبطیه ملخ خوراکی یا آفت دیگری برای زراعت حادث شود مدیر ضبطیه به توسط دهباشی‌ها مردم دهات و کدخداها و ضباط را دعوت می‌نماید که اقدامات لازمه را موافق علم و تجربه که دارند بر ضد ملخ خوراکی و غیره به عمل آورند و کذالک اگر حیوانات درنده وسیع در حول و حوش آبادانی‌ها زیاد شوند مدیر ضبطیه اعلام می‌نماید که اشخاص داوطلب حاضر شده حیوانات مزبوره را قلع و قمع نمایند.

ماده ۲۷۰. هرگاه مدیر ضبطیه مطلع شود که طفلی سر راه یا در بیابان افتاده است باید تحقیقات لازمه را به عمل آورده بفهمد که عمداً آن طفل را انداخته‌اند یا گم شده بعد از تحقیقات و کشف و تعیین والدین و اقربای آن طفل، طفل را به اولیای آن می‌رساند و اگر عمدی بوده به یکی از اهالی محل می‌دهد که در مقابل حق الزحمه معینی از طفل پرستاری نماید کذالک اشخاصی را که در بین راه به واسطه مرضی افتاده و درمانده‌اند مدیر ضبطیه به دارالمساکین می‌سپارد و در صورتی که چنین اداره خیریه نباشد موقتاً به خانه می‌سپارد و به کسان مریض اطلاع می‌دهد.

ماده ۲۷۱. چنانچه آثار عتیقه و دفینه پیدا شود مدیر ضبطیه فوراً مراتب را به اطلاع اداره ضبطیه و حاکم ولایت می‌رساند ولی اشیاء مفقوده که پیدا می‌شود باید به صاحبان آن رد شود و اگر صاحبان آن پیدا نباشد مدیر ضبطیه آن اشیاء را به اداره ضبطیه می‌فرستد که موافق قوانین شرع انور اقدام شود.

ماده ۲۷۲. مدیر ضبطیه حق دارد در موارد لازمه با مدیرهای ضابطه سایر دوایر مکاتبه و از آنها بعضی اطلاعات یا تحقیقات بخواهد و اگر جواب نرسید به اداره ضبطیه رجوع نماید.

تبصره: دوایر ضبطیه همان بلوک یا بلوک دیگر یک حکم دارد مقصود این است که مدیر هر یک از دوایر ضبطیه ولایتی می‌تواند با تمام دوایر ضبطیه آن ولایت مکاتبه نماید.

ماده ۲۷۳. هرگاه در حکم اداره ضبطیه مدیر ضبطیه چیزی مشاهده کند که علانیه بر خلاف قوانین باشد باید مدیر مزبور اجرای آن حکم را نکرده، به اداره ضبطیه ملاحظات خود را تقدیم نماید و چنانچه مجدداً همان حکم صادر شد، حکم

اداره ضبطیه را اجرا نموده و فوراً مراتب را به اطلاع اداره ولایتی برساند. ماده ۲۷۴. هر گاه مدیر ضبطیه بخواهد به اداره ضبطیه برای کاری برود باید قبل از وقت تحصیل اجازه کرده، بعد برود ولی در موارد فوق العاده می‌تواند بدون اجازه در اداره ضبطیه حاضر شود، به شرطی که قبل از حرکت مدیر دایره ضبطیه هم جوار را که قبل از وقت اداره ضبطیه برای این‌گونه موارد قائم مقام معین شده است، اخبار نماید.

ماده ۲۷۵. مدیرهای ضبطیه نظارت به اعمال ناظمین ضبطیه دهباشی‌ها و اگر رفتار خلاف قاعده از آنها مشاهده نماید ملاحظات خود را در عزل آنها به اداره ضبطیه اظهار می‌دارند. تبصره: مدیر ضبطیه نباید بوجه من الوجوه تایین ضبطیه را که در اداره او هستند به کارهای شخصی خود بگمارد.

سوم در وظایف تایین ضبطیه

ماده ۲۷۶. وظایف ناظمین ضبطیه (معاون مدیر ضبطیه) موافق دستورالعملی است که وزارت داخله به اطلاع وزارت عدلیه و سایر وزارتخانه‌ها مرتب خواهد نمود. ماده ۲۷۷. وظایف ناظمین ضبطیه و دهباشی‌ها اجرای اوامر اداره ضبطیه و احکام مدیرهای ضبطیه است لهذا اشخاص مزبوره تمام امور راجعه به اداره ضبطیه را موافق مواد (۲۳۹—۲۱۹) و كذلك وظایف مدیرهای ضبطیه را موافق مواد (۲۶۳—۲۷۴) به موجب احکام و دستورالعمل آنها به موقع اجرا می‌گذارد، حفظ و وقایع امنیت و مراقبت پاکي و پاکیزگی در دهات، مخصوصاً به عهده مأموریت آنها است.

ماده ۲۷۸. تایین مذکوره مواظبت می‌نماید که در جاهایی که آب از سرچشمه برای خوراکی برداشته می‌شود رخت نشویند و به بعضی اقدامات آب را کثیف نمایند و سرچاه‌ها محفوظ باشد و برای شست و شو و استعمالات دیگر حوض‌های علیحده تهیه شود.

ماده ۲۷۹. تایین ضبطیه مراقبت می‌نماید که در خانه‌های رعیتی بخاری‌ها و لوله‌های بخاری صحیح باشد و هرگاه بخواهند در خانه‌های قریب به جنگل‌ها آتش

برافروزند باید مسافت معینی که اقلأ ده ذرع باشد تا جنگل‌ها فاصله داشته باشد و در موارد اتفاق حریق باید فوراً اشخاصی را که قبل از وقت داوطلب اطفاء حریق شده‌اند خبر نمایند و با تمام وسایل موجوده و اسباب اطفائی و غیره جلوگیری و دفع حریق را بنمایند.

ماده ۲۸۰. تائین ضبطیه باید مراقبت مخصوص نسبت به صحت طرق و شوارع و معابر و پل‌ها و کوچه‌ها و غیره داشته باشند و به موقع مدیرهای ضبطیه را از اغتشاش راه‌ها مطلع نمایند که اقدامات فوریه از طرف آنها در ادارات لازمه برای تعمیرات لازمه به عمل آید.

ماده ۲۸۱. نظارت اجرای قوانین دولتی در حفظ جنگل‌ها و مراقبت قوانین حفظ‌الصحه و قواعد خرید و فروش سموم و عدم خرید و فروش اموال قاچاق و اشیاء ممنوعی و غیره برعهده تائین ضبطیه است و باید به موقع تمام اینگونه اتفاقات و وقایع را به مدیر ضبطیه اطلاع دهد.

ماده ۲۸۲. کلیه تائین ضبطیه مراقبت و مواظب اجرای تمام قوانین دولتی و دستورالعمل‌های ادارات از هر قبیل هستند و هر قبیل اتفاقات فوق‌العاده را فوراً به مدیرهای ضبطیه اطلاع می‌دهند و دستورالعمل می‌گیرند و هرگاه اتفاق فوق‌العاده نباشد هفته‌ای یک مرتبه دهباشی نزد مدیر ضبطیه رفته راپورت‌های خودشان را می‌دهند و دستورالعمل می‌گیرند و در صورتی که خودشان نتوانستند حاضر شوند یک نفر از تائین نظمی را برای گرفتن دستورالعمل می‌فرستند.

تبصره: روزهای حاضرشدن دهباشی‌ها در نزد مدیر ضبطیه باید طوری معین و مرتب شود که با رسیدن پست شهری و احکام اداره ضبطیه به مدیر ضبطیه توافق نماید.

ماده ۲۸۳. درصورت مریض بودن دهباشی یکی از تائین ضبطیه شبکه ساکن همان محل و از حیث خدمت اقدام است، قائم مقام اوست.

ماده ۲۸۴. تائین ضبطیه را نباید از مشاغل آنها بازداشت لهذا کدخداهای دهات مأذون نیستند مادامی که آنها مشاغل رسمی دارند کاری به آنها رجوع نمایند.

ماده ۲۸۵. تائین ضبطیه که در اداره بلوکی خدمت می‌نمایند و حاصل مکاتبات و مراسلات اداره ضبطیه برای مدیرهای ضبطیه بوده و نیز به عکس راپورت مدیرهای ضبطیه را به آن اداره حمل می‌نمایند باید در راه معطل نشوند و سعی

داشته باشند که مکاتبات را خوب حفظ کرده به موقع برسانند در عرض راه هرچه از آذوقه و غیره لازم می‌شود باید بخرند و کسی را مجبور به دادن هدیه و تعارفی نمایند و هیچ‌گونه اجحاف و تعدی به کسی روا ندارد اگر کسی شکایت از آنها داشته باشد یا به مدیرهای ضبطیه و یا به اداره ضبطیه می‌دهد.

فصل هفتم

در نظمیۀ پایتخت و کرسی‌های ولایات و غیره

اول در ترکیب نظمیۀ

ماده ۲۸۶. در پایتخت و کرسی‌های ولایات و شهرهایی که صورت آنها را وزارت داخله معین خواهد کرد اداره نظمیۀ علیحده مؤسس و مقرر است اداره مزبوره در پایتخت مرکب است از رئیس نظمیۀ و دو نایب رئیس و در کرسی‌های ولایات و غیره از رئیس نظمیۀ و یک نفر نایب رئیس.

ماده ۲۸۷. از حیث امور نظمیۀ شهر به چند محله تقسیم می‌شود و هر محله‌ای در اداره صاحب‌منصب نظمیۀ‌ای است که موسوم به کدخدای محله است.

ماده ۲۸۸. هر محل نیز به چند گذر قسمت می‌شو و اداره کردن امور نظمیۀ در هر کدام از گذرها محول است به عهده و مسئولیت شخصیت موسوم است به نایب هر گذری هم به چند کوچه تقسیم می‌شود.

ماده ۲۸۹. کوچه‌ها به محافظت تائین نظمیۀ از قبیل دهباشی پلیس و گزمه و غیره محول است و نایب گذر رئیس بلاواسطه نایب نظمیۀ گذر است.

ماده ۲۹۰. در اداره نظمیۀ دفترخانه تشکیل خواهد شد که مرکب از یک نفر مدیر و چند نفر منشی و محرر و اجزاء دیگر خواهد بود و تمام قراردادهای و احکام اداره نظمیۀ به توسط کدخداهای محلات و نواب و دهباشی‌ها و پلیس به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

ماده ۲۹۱. کدخداهای محلات در پایتخت و سایر شهرهایی که بیش از دویست هزار نفر نفوس دارد یک نفر معاون خواهند داشت و در این صورت کدخدای محله یا معاونش اداره ضبطیۀ محلیه را تشکیل می‌دهد و اداره مزبوره نیز دارای دفترخانه خواهد بود که به قدر لزوم منشی و محرر و اجزا خواهد داشت.

ماده ۲۹۲. تقسیم نواب و پلیس و گزرمه و مستخدمین دفترخانه‌های محلات به محلات مختلفه بسته به صوابدید رئیس نظمیه یا بیگلریگی است.

ماده ۲۹۳. در هر محله باید محبس نظمیه برای توقیف اشخاص لازم دایر شود و این محبس‌ها هرکدام در تحت نظارت ناظمی خواهد بود و در هر محبس باید چند رختخواب در اتاق علیحده برای مرضی در تحت نظارت اطبای نظمیه باشد.

ماده ۲۹۴. در پایتخت اداره نظمیه نیز نظمیه ردیفی (ذخیره) خواهد داشت و این نظمیه مرکب خواهد بود از یک نفر رئیس و چند نفر نواب و تاین در این اداره مکتبی نیز ایجاد خواهد شد برای تهیه و حاضر کردن نواب و تاین ردیف معلمین این مکتب صاحب‌منصبان و نواب نظمیه خواهند بود.

ماده ۲۹۵. در شهر پایتخت و شهرهای بزرگ علاوه بر نظمیه مذکوره در مواد فوق‌الذکر نظمیه تفتیشی نیز مؤسس و مقرر است فهرست اسامی این نوع شهرها را وزیر داخله مرتب و اعلام خواهد نمود.

ماده ۲۹۶. نظمیه تفتیشی مرکب است از یک نفر رئیس و یک نفر معاون و مأمورین مخصوصی و نواب و عمال نظمیه.

ماده ۲۹۷. اداره اطفائیه در شهرهای لازم مرکب است از رئیس اطفائیه و مأمورین اطفائیه در محلات شهری و انبار اطفائیه و عمال اطفائیه که در تحت ریاست مأمورین اطفائیه واقعند.

ماده ۲۹۸. شکل و ترتیب لباس صاحب‌منصبان و تاین نظمیه را و همچنان نوع اسلحه را که باید داشته باشند وزیر داخله موافق دستورالعمل جداگانه مرتب و به ادارات نظمیه اعلام خواهد کرد.

دویم در نصب و انفصال و عزل رئیس نظمیه یا مأمورین نظمیه و غیره

ماده ۲۹۹. رئیس نظمیه در پایتخت به تصویب وزیر داخله و فرمان همایونی منصوب و منفصل می‌شود رؤسای نظمیه سایر شهرها به معرفی حاکم محل و به حکم وزیر داخله منصوب و منفصل می‌شوند.

تبصره: هرگاه ولایتی جزو ایالتی باشد نصب و عزل رئیس نظمیه کرسی آن ولایت

به معرفی حاکم و به حکم فرمانفرما است.

ماده ۳۰۰. نصب و عزل معاون رئیس نظمیّه و کدخداهای محلات در پایتخت به معرفی رئیس نظمیّه و تصویب حاکم است و در سایر شهرها به معرفی رئیس نظمیّه و امضای حاکم است نصب و عزل معاون کدخدای محلات و نواب و تائین نظمیّه و اجزای دفترخانه‌ها در همه‌جا به معرفی رؤسای بلاواسطه آنها و تصویب رئیس نظمیّه است.

سوم در قواعد خدمت تائین نظمیّه دهباشی پلیس و گزومه

ماده ۳۰۱. اشخاص ذیل نمی‌توانند در نظمیّه مستخدم شوند اولاً کسانی که به‌واسطه جنحه و جنایتی مجازات قانونی دیده‌اند یا در تحت استنطاق و محاکمه هستند و یا متهم به جنحه و جنایتی شده شرعاً بری‌الذمه نشده‌اند؛ ثانیاً از تائین ردیف نظامی آنهايي که هنگام خدمت نظامی مورد جریمه و تنبیه نظامی بوده‌اند؛ ثالثاً اشخاصی که به واسطه جرم و تقصیری از خدمت خارج شده‌اند؛ رابعاً اشخاص ورشکست به تقصیر؛ خامساً اشخاصی که محتاج به قیّم شرعی هستند؛ سادساً کسانی که تریاک استعمال می‌نمایند و یا متجاهر به فسقند.

ماده ۳۰۲. صاحب‌منصبان اداره نظمیّه و ضبطیه از رؤسا و کدخداها و مدیرهای ضبطیه اشخاصی خواهند بود که تبعه ایران بوده و در یکی از مدارس علمیه تحصیلات خود را تمام کرده‌اند و یا در خدمت کشوری و لشکری معلومات و تجربه کافی تحصیل کرده‌اند.

ماده ۳۰۳. در پایتخت اشخاصی که موافق دو ماده قبل صلاحیت دخول به خدمت نظمیّه را دارند و می‌خواهند به سمت کدخدایی داخل خدمت نظمیّه شوند جزو نظمیّه ذخیره (ردیف) محسوب خواهند شد که بعد از دادن امتحانات لدی‌الاقضاء داخل خدمت نظمیّه بشوند و اگر به ثبوت رسید که لایق خدمت در نظمیّه نیستند معاف خواهند بود.

تبصره: اشخاصی که در مدت سه سال در جاهای دیگر صاحب‌منصبان نظمیّه و ضبطیه بوده‌اند (کدخداهای محله یا مدیر ضبطیه بوده‌اند) و همچنان صاحب‌منصبان نظامی از این قاعده مستثنا و یکدفعه در پایتخت داخل خدمت نظمیّه خواهند شد.

ماده ۳۰۴. هرگاه صاحب‌منصبان نظمیۀ ردیف در مدت سه سال اول ترفیع رتبه نیافتند از ردیف نظمیۀ نیز باید خارج شوند.

ماده ۳۰۵. ترفیع رتبه در اداره نظمیۀ باید به مراتب باشد.

ماده ۳۰۶. صاحب‌منصبان نظمیۀ تفتیش نیز باید تماماً تبعه ایران و دارای شرایطی باشند که در ماده ۳۰۷ و ۳۰۱ مذکور است و به‌علاوه باید در پایتخت و شهرهای بزرگ امتحان معلوماتی که برای خدمت آنها لازم است داده باشند.

ماده ۳۰۷. شرایط دخول نواب و عمال ضبطیۀ به خدمت نظمیۀ از قرار ذیل است:

اولاً تابعیت ایرانیه؛ ثانیاً سن که کمتر از بیست و پنج نباید باشد؛ ثالثاً برای نواب داشتن شهادت‌نامه تحصیل لامحاله از یکی از مکاتب ابتدائیۀ و برای تابین نظمیۀ سواد فارسی.

ماده ۳۰۸. اشخاصی که صلاحیت دخول به خدمت نظمیۀ را موافق ماده قبل دارند در پایتخت اول جزو ردیف نظمیۀ محسوب می‌شوند و بعد از دادن امتحانات در مکتب نظمیۀ داخل خدمت واقعی خواهند شد و هرگاه نواب و تابین لیاقت و استعداد نداشته باشند اخراج خواهند شد.

ماده ۳۰۹. از نواب و تابین آنهایی که سه سال به این سمت در خدمت نظمیۀ بوده‌اند و تجارب لازمه را تحصیل کرده‌اند می‌توانند یک‌دفعه داخل خدمت واقعی بشوند به شرطی که رعایت ماده ۳۰۱ و ۳۰۶ شده باشد.

ماده ۳۱۰. تابین نظمیۀ در خدمت دولتی محسوب خواهند شد ولی حق ارتقاء به درجه صاحب‌منصبی را نخواهند داشت.

ماده ۳۱۱. نواب و تابین نظمیۀ به سه درجه منقسم می‌شوند و برای تشویق خدمت صادقانه هر پنج سال از درجه سفلی به درجه علیا ارتقاء می‌یابند نایی که از درجه اولی باشد و یکی از مکاتب ابتدائیۀ را تمام کرده باشد در صورت خدمات صادقانه و ابراز کفایت می‌تواند معاون کدخدای محله واقع شود و کذالک پلیسی که سواد کافی دارد و از درجه اولی است می‌تواند بعد از دادن امتحانات لازمه نایب شود.

تبصره: درجات تابین نظمیۀ از این قرار است: دهباشی، پلیس و گزمه.

ماده ۳۱۲. نواب و تابین نظمیۀ را نمی‌توان به کار دیگری گماشت ولو آن کار موقتی باشد.

ماده ۳۱۳. اشخاصی که در خدمت نظمیه واقعند نمی‌توانند متصدی شغل دیگری بشوند و کذالک از مشاغل شخصی از قبیل تجارت کسب و غیره ممنوعند.

چهارم در مسئولیت و مؤاخذه

ماده ۳۱۴. هرگاه از صاحب‌منصبان و مستخدمین نظمیه تقصیری سر بزند که از قبیل جنحه و جنایت بوده محتاج به جلب آنها به محاکمه و دادن مجازات قانونی باشد به‌طوری رفتار خواهد شد که در مواد ۳۹۱ و ۳۹۲ و نظامات عدلیه مقید است ولی چنانچه تقصیری که از صاحب‌منصبان و مستخدمین نظمیه ناشی شده است جنحه و جنایتی نبوده مستوجب جلب به محاکمه عدلیه نباشد مؤاخذه آن از قرار ذیل است.

تبصره: اشخاصی که در اداره نظمیه برای کاری اجیر شده‌اند و مستخدم نیستند در موردی که تقصیری از آنها ناشی شود در حکم مستخدمین نظمیه خواهند بود.

ماده ۳۱۵. مؤاخذه‌ای که از صاحب‌منصبان نظمیه می‌شود به استثنای رئیس نظمیه تفتیش و رئیس اداره حریق و رئیس نظمیه ردیفی از قرار ذیل است:

اولاً اخطار؛ دوم توبیخ و ملامت؛ سوم همان مؤاخذه با اعلان و انتشار در اداره نظمیه؛ چهارم واداشتن به خدمت خارج از نوبت (یعنی سوای خدمت مقرره)؛ پنجم توقیف و حبس به مدت هفت روز؛ ششم کسر گذاشتن از حقوق؛ هفتم تبدیل شغل مقصر از اعلی به اسفل؛ هشتم عزل از شغل (نه از خدمت).

ماده ۳۱۶. مؤاخذه که از نواب می‌شود از قرار تفصیل ذیل است:

اول اخطار؛ دوم توبیخ و ملامت؛ سوم همان مؤاخذه با قید اسم مقصر در دفتر جرایم؛ چهارم رجوع خدمت خارج از نوبت؛ پنجم حبس تا دو هفته؛ ششم کسر حقوق؛ هفتم تبدیل شغل مقصر از درجه اعلی به اسفل؛ هشتم نقل از رتبه نایبی به پلیس؛ نهم اخراج از خدمت.

ماده ۳۱۷. مؤاخذه از پلیس تاابین نظمیه همان مؤاخذه از نایب است به استثنای حبس که مدت آن یک ماه تواند بود.

تبصره اول: کسر حقوق یعنی (موجب) نباید بیش از یک ثلث باشد.

تبصره دوم: رئیس نظمیه حق دارد اشخاصی را که شغلشان از اعلی به اسفل تبدیل

شده مجدداً در ازای خدمت صادقانه به درجهٔ اعلیٰ معاودت دهد.

مادهٔ ۳۱۸. توبیخ و ملامت شفاهی اگر راجع به صاحب‌منصبان است باید در دفتر مخصوص قید شود و چنانچه راجع به نواب و تائین نظمیه است (دهباشی و پلیس و گزمه) در دفتر جرایم ثبت خواهد شد.

مادهٔ ۳۱۹. حبس صاحب‌منصبان نظمیه در محبس نظامی خواهد بود و حبس نواب و تائین نظمیه در محبس‌هایی که ادارهٔ نظمیه (مرکزی یا محله) ساخته شده است نواب باید از تائین نظمیه علیحده باشند.

مادهٔ ۳۲۰. مؤاخذه باید به اهمیت جرم و تقصیر متناسب باشد لهذا باید تقصیری که ناشی شده و اوضاع و احوال آن و حرکت و رفتار ماقبل مقصر و مدت خدمت آن منظور باشد.

مادهٔ ۳۲۱. مؤاخذات فوق‌الذکر (در مادهٔ ۳۱۴ و ۱۳۵) حق رئیس نظمیه است ولی حق مؤاخذه مأمورین نظمیه (کدخداهای محلات) از قرار ذیل است:

اولاً نسبت به صاحب‌منصبانی که در ادارهٔ او هستند اخطار و توبیخ و ملامت و به خدمت واداشتن در غیر نوبت به‌طور فوق‌العاده فقط یک دفعه؛ ثانیاً نسبت به نواب توبیخ و ملامت با قید در دفتر جرایم و به خدمت واداشتن در غیر نوبت به‌طور فوق‌العاده تا چهار دفعه؛ ثالثاً نسبت به تائین نظمیه رجوع خدمت در غیر نوبت به‌طور فوق‌العاده تا شش دفعه و حبس تا سه روز اگر مؤاخذه شدیدتری لازم شود کخدای محله از رئیس نظمیه تحصیل اجازه خواهد کرد.

مادهٔ ۳۲۲. رؤسای نظمیه ذخیره و ناظمین محبس‌ها و رؤسای نظامیه تفتیش و رئیس ادارهٔ حریق نسبت به صاحب‌منصبانی که در ادارهٔ آنها هستند در باب مؤاخذه همان حق را دارند که در باب کدخدای محلات قید و تصریح شده است.

مادهٔ ۳۲۳. مؤاخذات دیگر که شدیدتر باشد به اجازهٔ رئیس نظمیه است

مادهٔ ۳۲۴. مادامی که رؤسا از حدود خود تجاوز نکرده‌اند و مؤاخذه صحیح بوده مقصرین حق ندارند از آنها شکایت بنمایند.

پنجم در وظایف ادارهٔ نظمیه شهری و صاحب‌منصبان و تائین نظمیه

مادهٔ ۳۲۵. حدود حقوق و تکالیف ادارهٔ نظمیه شهری همان است که در باب ادارهٔ

ضبطیه (بلوکی) مصرح است.

ماده ۳۲۶. وظایف صاحب‌منصبان نظمیه از رئیس و غیره و نواب و تائین نظمیه در شهر نیز همان است که در باب رئیس ضبطیه (بلوکی) و مدیرهای ضبطیه و غیره قید شده است.

ماده ۳۲۷. بعضی وظایف که مخصوص نظمیه شهر است از قراری است که در مواد آتیه ذیل مندرج است.

ماده ۳۲۸. کدخداهای محلات و اداره نظمیه محله (در صورتی که باشد) مکلفند که اولاً هر فوتی که در محله آنها اتفاق می‌افتد به شخص امین آن محله که برای این نوع کارها معین می‌شود اطلاع دهند تا اقدامات لازمه در حفظ اموال متوفی به عمل آید؛ ثانیاً ناظر اجرای قواعدی باشند که رئیس نظمیه یا مجلس بلدیة برای انتظام امور شهری ایجاد و اعلام نموده‌اند؛ ثالثاً نظارت به محبس‌ها داشته باشند که وضع آن محبس‌ها موافق قاعده و انتظام باشد. لهذا کدخداهای محلات زودزود باید به این امر سرکشی نمایند؛ رابعاً باید هر ماه بگتتا به امور اداره خود و صندوق و غیره سرکشی نمایند. خامساً به قراولخانه‌هایی که محل اقامت پلیس است نظارت داشته باشند.

ماده ۳۲۹. تقسیم کارها مابین معاونین کدخدای محله در صورتی که کدخدا دو معاون داشته باشد بسته به صوابدید رئیس نظمیه است.

ماده ۳۳۰. صاحب‌منصبان و مستخدمین اداره نظمیه تماماً در تحت رئیس نظمیه اجرای دستورالعمل‌های آن را می‌نمایند و هر یک مسئول رشته کاری هستند که به آنها رجوع شده است.

ماده ۳۳۱. اجزای اداره نظمیه محلیه (در صورتی که باشد) در تحت نظارت کدخدای محله واقع و مسئول امور مرجوعه به خودشان هستند.

ماده ۳۳۲. نواب تماماً تابع کدخدای محله خودشان بوده و بلاواسطه اوامر و دستورالعمل‌های کدخدای محله خودشان را بلا تأخیر به موقع اجرا می‌گذارند.

ماده ۳۳۳. تائین نظمیه در اداره نواب و تابع اوامر ادارات نظمیه‌اند.

ماده ۳۳۴. اجرای محبس نظمیه در اداره ناظمین بوده تابع اوامر و دستورالعمل‌های آنها هستند.

ماده ۳۳۵. ترتیب اقدامات و رفتار نواب و تائین نظمیه را رئیس نظمیه علی‌حده

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

مشروحاً مرتب خواهد کرد.

ماده ۳۳۶. ردیف نظمیۀ برای این که دو مقصود تأسیس شده اولاً برای اشخاص داوطلب خودشان را برای خدمت در نظمیۀ به سمت صاحب منصبی نایی و تایی نظمیۀ حاضر نمایند؛ ثانیاً در صورت عدم کفایت مستخدمین و تایی نظمیۀ موجوده نظمیۀ محلیۀ را تکمیل نمایند.

ماده ۳۳۷. ترتیب و قواعد خدمت پلیس ذخیره و برنامه (دستورالعمل) امتحانات دخول به آن اداره و تفصیل دیگر را وزیر داخله معین خواهد کرد.

ماده ۳۳۸. پلیس تفتیش مأمور است که در موارد اتفاق جنحه و جنایتی تفتیش و تفحص و تحقیقات لازمه را به عمل آورد و یا اجرای اوامر و احکام رئیس نظمیۀ را در جلوگیری از جنحه و جنایات و فتنه و فساد به عمل آورد. پلیس تفتیش در این موارد موافق دستورالعمل های راجعه به نظمیۀ اقدام می نماید و در واقع آلت اجرائیۀ نظمیۀ است.

تبصره: تفصیل ترتیبات و دستورالعمل های نظمیۀ تفتیش را رئیس نظمیۀ مرتب خواهد کرد.

ششم در روابط تأسیسات نظمیۀ

ماده ۳۳۹. تأسیسات نظمیۀ تماماً در اداره رئیس نظمیۀ است و اوامر و احکام آن را به موقع اجرا می گذارند و راپورت می دهند با سایر دوائر دولتی ادارات نظمیۀ مکاتبه می نماید و به تایی حکم می دهند.

ماده ۳۴۰. در امور راجعه به نظمیۀ تمام ادارات دولتی از حکومتی و عدلیه و مالیه و غیره مستقیماً به تأسیسات نظمیۀ رجوع می نمایند.

ماده ۳۴۱. اشخاصی که از اقدامات نظمیۀ راضی نیستند شکایات خودشان را به اداره متبوعه می دهند که مصدر حکم است.

ماده ۳۴۲. ترتیب رسیدگی به صندوق نظمیۀ و محاسبات آن و نظارت به اموال نقدی و جنسی و اموال غیرمنقولۀ تأسیسات نظمیۀ موافق قوانینی است که برای محاسبات ادارات دولتی کلیه وضع و ایجاد شده است.

ماده ۳۴۳. حدود تأسیسات نظمیۀ شهری حدود شهر است با اراضی و باغاتی که از

محوطه شهر محسوب می‌شود ولی در صورت تعاقب دزد یا اشخاصی که جنحه و جنایتی از آنها سر زده است پلیس شهری مکلف است که در خارج حدود شهر نیز اقدامات خود را امتداد بدهد و فقط وقتی از تعاقب صرف نظر کند که پلیس محال شروع به اقدامات کرده باشد.

ماده ۳۴۴. نسبت به جاهایی که قلمرو اقدامات قراسوران‌ها است (طرق و شوارع) عمال نظمیۀ تکلیفی ندارند ولی هرگاه عمال نظمیۀ در قلمرو اقدامات قراسوران‌ها کشف علامت جنحه و جنایتی را نمایند و مأمورین قراسوران در آن محل نباشند مکلفند که تا ورود مأمورین مزبوره موافق قوانین عدلیه تحقیقات اولیه و حفظ علامت جنحه و جنایتی را به عمل آورند.

فصل هشتم در باب قراسوران‌ها

اول در تشکیل اداره قراسوران‌ها

ماده ۳۴۵. قراسوران‌های کلیه ممالک ایران در اداره وزارت داخله و در تحت ریاست وزیر داخله است.

ماده ۳۴۶. در هر ولایتی که به موجب قوانین اداره تشکیل شده اداره برای ترتیب و تنظیم امور قراسوران‌ها تشکیل خواهد شد و این اداره مرکب است از رئیس قراسوران‌های ولایتی و نایب او.

ماده ۳۴۷. این اداره مثل اداره نظمیۀ دفترخانه خواهد داشت. منشی اداره قراسوران‌ها مدیر دفترخانه مزبوره است و اجزای دفترخانه از قبیل محرر و دفتردار و غیره در تحت نظارت او واقعند.

تبصره: مقر اداره قراسوران‌ها در کرسی ولایت خواهد بود.

ماده ۳۴۸. رئیس قراسوران‌های ولایتی به معرفی حاکم و به تصویب وزیر داخله منصوب و منفصل می‌شود. هرگاه ولایتی جزو ایالتی باشد نصب و عزل او به معرفی حاکم و تصویب فرمانفرما است. نایب رئیس قراسوران‌ها به معرفی رئیس قراسوران‌ها و تصویب حاکم به شغل خود منصوب و از شغل خود منفصل خواهد شد. مدیر دفترخانه قراسوران‌ها را رئیس قراسوران‌ها معین می‌کند.

ماده ۳۴۹. وزیر داخله به اتفاق وزیر عدلیه و وزیر طرق و شوارع عده

قراسوران‌های هر ولایتی را علیحده معین خواهند کرد که بعد از تصویب مقامات عالیه قوت قانونی یافته به موقع اجرا گذارده شود.

ماده ۳۵۰. د رتعیین عده قراسوران‌های ولایتی مقدار و وسعت خاک آن ولایت و اخلاق و عادات سکنه و طوایف آن و همچنان اهمیت طرق و شوارع و عده نظمییه و ضبطیه ولایت منظور نظر خواهد بود.

ماده ۳۵۱. رئیس قراسوران‌های ولایتی و نایب رئیس و صاحب‌منصبان جزو قراسوران رتبه نظامی خواهند داشت و از صاحب‌منصبان نظامی معین خواهند شد تمام صاحب‌منصبان و تاین قراسوران در خدمت نظام حاضر رکاب محسوب و از حیث رتبه و مقام و اعطای مناصب و امتیازات و قواعد خدمت تابع قواعد و ترتیبات خدمت نظامی خواهند بود.

ماده ۳۵۲. تقسیم قراسوران‌های ولایتی به دستجات مختلفه و سپردن هرکدام از دستجات مزبوره را به صاحب‌منصبی و تعیین رتبه و مقام رئیس و نایب رئیس و صاحب منصبان جزو و کذالک ترتیب لباس و اسلحه و اسب و سایر ملزومات آنها را وزیر داخله به اتفاق وزیر جنگ معین بعد از تصویب مقامات عالیه به موقع اجرا خواهد گذارد.

تبصره: تعیین عده قراسوران‌ها برای ممالک ایران و تقسیم آن به ولایات به عهده وزیر داخله خواهد بود.

دوم در وظایف اداره قراسوران‌ها

ماده ۳۵۳. اول وظیفه اداره قراسوران‌ها حفظ و حراست راه‌ها و وقایه امنیت طرق و شوارع است و حدود تکالیف آنها در این باب همان است که در فصول راجعه به ادارات ضبطیه و نظمییه مندرج است یعنی آنچه که برعهده اداره نظمییه (در شهرها) و ادارات ضبطیه (در بلوکات است) با جزئی اختلاف مقتضیات محل برعهده اداره قراسوران‌ها نسبت به طرق و شوارع وارد می‌آید.

ماده ۳۵۴. اداره قراسوران‌ها مکلف است که اقدامات لازمه را در جلوگیری از جنحه و جنایات به عمل آورد و هرگاه جنحه و جنایتی اتفاق افتاده تا ورود مأمور تحقیق و تحقیقات اولیه را به عمل آورده و مرتکبین جنحه و جنایات و مقصرین را

دستگیر نماید و علامت جنبه و جنایات را تا ورود مأمورین تحقیق حفظ نماید. تبصره: در صورتی که جنبه و جنایتی واقع شود و قراسوران‌های راه در محل وقوع جنبه و جنایات نباشند مستخدمین ادارات طرق و شوارع مکلفند که حفظ علایم جنبه و جنایات را تا ورود قراسوران‌ها به عمل آورند.

ماده ۳۵۵. در صورتی که در محل ادارات نظمی و ضبطیه نباشند قراسوران‌ها تمام تکالیف آن ادارات را به موقع اجرا می‌گذارند موارد و مواقعی را که قراسوران‌ها باید تکالیف ادارات ضبطیه و نظمی را انجام بدهند وزیر داخله به اتفاق وزیر عدلیه معین و اعلام خواهد کرد.

ماده ۳۵۶. حدود اقدامات اداره قراسوران‌ها حفظ طرق و شوارع و ابنیه و عماراتی است که در سر راه‌ها یا در کنار جاده ساخته شده.

ماده ۳۵۷. هرگاه جنبه و جنایتی در معابر و راه‌ها واقع شود و جانی یا مقصر فرار نماید قراسوران‌ها مکلفند که آنها را تعاقب نموده در خارج حوزه اقدامات خودشان هم این تعاقب خود را امتداد دهند و فقط وقتی دست از تعاقب بردارند که عمال ضبطیه و نظمی آن محل به اجرای تکالیف خودشان در این باب و به معاقب فراری اقدام کرده باشند.

ماده ۳۵۸. قواعد استعمال اسلحه در موارد لازمه به توسط صاحب‌منصبان و تأیید و قراسوران علیحده مرتب و منضم به ماده است.

سیم در روابط اداره قراسوران‌ها با سایر دوایر محلیه

ماده ۳۵۹. اداره قراسوران‌ها تابع احکام وزیر داخله و وزیر عدلیه و وزیر طرق و شوارع و اداره ولایتی هستند و به آن مقامات راپورت می‌دهند ولی از تحقیقات راجعه به جنبه و جنایات فقط تابع مدعی عمومی و ولایتی می‌باشند.

ماده ۳۶۰. به دوایر محلیه اداره قراسوران‌ها مراسله می‌نویسند.

ماده ۳۶۱. اداره قراسوران‌ها هرگونه اطلاعات لازمه را به دوایر نظمی و ضبطیه در صورت لزوم و تقاضای آن ادارات خواهند داد و خود اداره قراسوران‌ها هرگونه اطلاعات لازمه را از آن ادارات بخواهد و کلیه در مواد لازمه اداره قراسوران‌ها کمال مساعدت و همراهی را به اندازه که راجع به حدود تکالیف آن اداره است از ادارات

ضبطیه و نظمیّه خواهد نمود.

چهارم در تکالیف رئیس قراسورانها و نایب رئیس و صاحب منصبان و تاین قراسورانها

ماده ۳۶۲. تکالیف رئیس و صاحب منصبان و تاین قراسوران در قلمرو و مأموریتی آنها همان است که در مواد راجعه به رئیس ضبطیه بلوکی و نایب رئیس و مدیرهای ضبطیه و تاین ضبطیه مصرح و مندرج است.

ماده ۳۶۳. روابط رئیس به صاحب منصبان و تاین قراسوران و بعکس روابط صاحب منصبان و تاین نسبت به رئیس به موجب اصول قوانین نظامی خواهد بود.

پنجم در مسئولیت صاحب منصبان و تاین قراسوران و سیاست آنها

ماده ۳۶۴. هرگاه از صاحب منصبان و تاین قراسوران تقصیرات جزئی سر بزند تنبیه و سیاست آنها به طوری خواهد بود که در قوانین خدمت نظامی برای صاحب منصبان و تاین نظامی معین شده ولی اگر تقصیر صاحب منصبان و تاین قراسوران به قدری مهم باشد که بعد از انفصال از شغل ارجاع کار آنها به محاکم عدلیه لازم شود بعد از تحقیقات لازمه در اداره ولایتی با حضور رئیس نظام ولایت یا معاون آن کار آنها به محاکم عدلیه نظامی رجوع خواهد شد.

فصل نهم در تشکیل اداره ناحیتی

اول قواعد عمومی

ماده ۳۶۵. امور اداره هر ناحیه محول است به عهده شخصی که موسوم است به ضابط (مباشر).

ماده ۳۶۶. ضابط به تصویب نایب الحکومه و امضای حاکم ولایت به سمت خود استقرار می یابد.

ماده ۳۶۷. برای اداره نمودن امور ناحیه اداره تشکیل می شود که موسوم به اداره ناحیتی مقرر اداره ناحیتی و ضابط (مباشر) یا دهی است که در وسط سایر دهات جزو ناحیه واقع شده و یا قصبه که از حیث آبادانی تجارت و حرفت و صنعت اهمیتی نسبت به دهات دارد.

دوم در باب ضابط (مباشر)

ماده ۳۶۸. حفظ و وقایه امنیت و رفاهیت و انتظام امور ناحیه به عهده ضابط (مباشر) است و کدخداهای دهات تابع او هستند.

ماده ۳۶۹. از امور ضبطیه آنچه راجع به ضابط (مباشر) است از قرار ذیل است اول اعلان و انتشار قوانین دولتی و احکام و غیره به حکم مأمورین ضبطیه و مراقبت اینکه قوانین جعلی و اخبار بی اصل اعلام و انتشار نیابد؛ دوم حفظ و وقایه امنیت و اقدامات اولیه در جلوگیری از اغتشاش و حرکات خلاف قاعده تا آنکه حکم مأمورین ضبطیه برسد؛ سیم توقیف فراریان نظامی و غیره و اشخاص مجهول الحال و تسلیم آنها به مأمورین ضبطیه؛ چهارم اخبار مأمورین ضبطیه از اتفاقات فوق العاده و جنحه و جنایات و اغتشاشی که در ناحیه روی داده و کذالک دادن اسامی اشخاصی که بدون اجازه ضابط (مباشر) از ناحیه بنه کن خارج شده اند؛ پنجم اقدامات اولیه در جلوگیری از امراض مسریه مابین مردم و حشم و حریق و طغیان آب و سایر ترتیبات و اخبار مأمورین ضبطیه بالاتأخیر؛ ششم اقدامات لازمه برای جلوگیری از جنحه و جنایت و اقدامات برای کشف جنحه و جنایت و مقصرین و تسلیم آنها به مأمورین ضبطیه؛ هفتم نظارت صحت راهها و کوچهها و پلها و معابر؛ هشتم مراقبت اینکه کدخداها و سایر اشخاصی که در اداره ضبطیه اند تکالیف خود را مجری دارند؛ نهم نظارت در وصول مالیات و عوارض دولتی و اجرای تکالیف عسکری؛ دهم نظارت به وجوه و اموال متعلقه به ناحیه و مسئولیت صرف آن وجوه به طور صحیح؛ یازدهم نظارت به مکاتب و مریضخانهها و ادارات خیریه که به خرج اهالی ناحیه تأسیس شده است؛ دوازدهم نظارت به ترتیبات دفتر نفوس در قراء و مراقبت به صحت آن.

ماده ۳۷۰. ضابط (مباشر) مکلف است که تقاضای مشروع مأمورین عدلیه و ادارات ضبطیه را بلاعذر و تأخیر به موقع اجرا بگذارد.

تبصره: احکام و اوامر ادارات ضبطیه را آنچه که راجع به ضابط (مباشر) است دهباشی به مشارالیه ابلاغ می نماید که به توسط ضابط (مباشر) به موقع اجرا گذاشته شود و خود دهباشی حق ندارد که به امور راجعه به ضابط (مباشر) یا کدخدا دخالت نماید ولی در موقع اجرای تکالیف ضبطیه خود می تواند بخواهد که ضابط (مباشر)

کمک و معاونت لازمه را به او در جلوگیری از اغتشاش و جنحه و جنایت به عمل آورد کذالک در مواقعی که ضابط (مباشر) تکالیف خود را از حیث امور ضابطیه مجری می‌دارد دهباشی مکلف است که در صورت لزوم به او کمک نماید.

ماده ۳۷۱. هرگاه از طرف اشخاصی که در اداره ضابط (مباشر) واقفند تقصیری سر بزند ضابط (مباشر) می‌تواند مقصر را سیاست نماید حد این سیاست ضابط (مباشر) در ماده ۳۹۱ مذکور است در صورت تخلف از حدود اشخاصی که از سیاست ضابط (مباشر) شکایت دارند می‌توانند در مدت یک هفته از روز اجرای سیاست به اداره بلوکی شکایت نمایند.

سیم در اداره ناحیتی

ماده ۳۷۲. اداره ناحیتی تشکیل می‌یابد از ضابط (مباشر) ناحیه و معاون آن و کدخداهای دهات جزو ناحیه.

ماده ۳۷۳. اداره ناحیتی غالباً روزهای جمعه تشکیل می‌شود ولی به حکم رؤسا یا در موارد فوری روز دیگر هم می‌تواند فوق‌العاده تشکیل یابد.

ماده ۳۷۴. اموری که در اداره ناحیتی به اتفاق با اکثریت آرا حل و تسویه می‌شود از قرار تفصیل است اول خارج کردن وجوهی که متعلق به ناحیه است و رعایا برای مصارف ناحیتی داده‌اند. دوم عزل و نصب اشخاصی که برای خدمت ناحیتی اجیر شده‌اند؛ به استثنای این دو مورد در سایر امور ضابط (مباشر) با اعضای اداره ناحیتی مشورت می‌نماید و عقیده خود را به مسئولیت خودش اجرا می‌دارد.

ماده ۳۷۵. تسویه امور در اداره ناحیتی به مذاکرات شفاهی است ولی در دفاتر احکام باید برای اداره ناحیتی اموری که تسویه آن منوط به اتفاق یا اکثریت آرا است، ثبت بشود. احکامی که از طرف مباشر به اداره ناحیتی یا به یکی از مستخدمین ناحیه جزو که تابع اداره ناحیتی است صادر می‌شود در این دفتر در دو مورد باید ثبت شود. اول در صورتی که مباشر ثبت آن احکام را بخواهد؛ دوم در صورتی که شخصی که حکم به عهده او صادر شده همین تقاضا را داشته باشد.

ماده ۳۷۶. غیر از دفتر مذکور در ماده قبل دفاتر ذیل نیز باید در اداره ناحیتی مرتب باشد اول دفتر دعاوی که در محاکم ناحیتی طرح می‌شود و کذالک دفتر

دعاوی که به حکمیت حل و تسویه می‌گردد؛ دوم دفتر معاملات در این دفتر هرگونه معاملات که فی‌مابین خود دهقان‌ها و ملاکین و سایر اشخاص منعقد شده به میل طرفین ثبت می‌شود به شرطی که وجه این معاملات عیناً یا قیمتاً بیشتر از صد و پنجاه تومان نباشد و معامله در حضور دو نفر شاهد منعقد شده باشد سواد ثبت دفتر معاملات در صورتی که صحیح باشد نه تقلب در محاکم عدلیه منظور خواهد بود.

تبصره: برای ثبت معاملات در دفتر مزبور از هر معامله ده‌شاهی اخذ می‌شود و اگر در یک معامله بیش از دو نفر شراکت دارند باید نفری پنج‌شاهی؛ پولی که به این ترتیب جمع می‌شود به مصارف خیریه خود ناحیه خواهد رسید.

ماده ۳۷۷. نگاه داشتن دفاتر مذکوره در ماده ۳۷۶ و نوشتن شهادت‌نامه‌ها و کلیه نوشتجاتی که از طرف مباشر یا اداره ناحیتی صادر می‌شود به عهده محرر ناحیتی است و محرر مزبور در تحت نظارت مباشر مراقب و مسئول صحت نوشتجات صادره است و هرگاه تقلبی در نوشتجات و شهادت‌نامه‌ها و غیره مشاهده شود محرر مزبور به موجب قوانین راجعه به تقلب در خدمت دولتی مورد مجازات خواهد بود.

فصل دهم

در باب کدخداها و امور راجعه به قراء

ماده ۳۷۸. اداره کردن امور ده به عهده کدخداست که به رضایت اکثر ساکنین ده و به تصویب مباشر و مالک و امضای نایب‌الحکومه بدین سمت استقرار می‌یابد.

ماده ۳۷۹. وظایف کدخدا از قرار ذیل است اول اجرای قرار دادهای اداره ناحیتی؛ دوم نظارت به اینکه حدود اراضی متعلقه به دهقان‌ها و علائم آن محفوظ باشد اعم از اینکه آن اراضی در ملکیت آنها باشد یا در اجاره آنها؛ سیم مراقبت در صحت راه‌ها و معابر و کوچه‌ها و پل‌های ده؛ چهارم مواظبت وصول مالیات و عوارض دولتی و حقوق مالک؛ پنجم اجرای قراردادهایی که دهقان‌ها مابین خودشان منعقد داشته‌اند یا با ملاکین و اشخاص خارج بسته‌اند در صورتی که این قراردادهای متنازع فیه نباشد؛ ششم نظارت به مکاتب و مریضخانه و دارالمساکین و غیره در صورتی که خود اهالی ده به خرج خودشان این نوع ادارات خیریه را تأسیس کرده باشند؛ هفتم

نظارت به دفاتر نفوس و غیره و اطلاعات راجعه به آن و تقدیم صورت این دفاتر به جای لازم؛ هشتم نظارت به اموال و وجوهی که متعلق به خود ده است و همچنان به انبار غله ذخیره که متعلق به اهالی ده است و صرف آن به طور صحیح.

ماده ۳۸۰. کدخدا تمام احکام مباشر را که راجع به امور ضبطیه و مذکور در ماده ۳۶۸ است به موقع اجرا می‌گذارد و خود مستقلاً اقدامات ذیل را به عمل می‌آورد اول حفظ و وقایه امنیت اهالی و اموال آنها از جنحه و جنایات و غیره و نظارت اینکه مزارع را خراب نمایند و جنگل را موافق قواعد موجوده حفظ کنند و کذاک اقدامات لازمه برضد حریق؛ دوم دستگیر کردن فراریان نظامی و غیره و اشخاصی که مرتکب جنحه و جنایت شده‌اند و تسلیم آنها به ضبطیه محلیه؛ سیم معاونت لازمه برای جلوگیری از امراض مسریه و حریق و طوفان و سایر بلیات و اخبار مباشر و مأمورین ضبطیه محلیه؛ چهارم کلیتاً اخبار مأمورین ضبطیه محلی از وقوع حوادث و اتفاقات فوق‌العاده؛ پنجم در صورت وقوع جنحه و جنایتی کدخدای محل قبل از حاضر شدن مأمور تحقیق و مأمورین ضبطیه محلی اقدامات اولیه را در تحقیقات لازمه و دستگیر کردن جانی و حفظ علائم جنحه و جنایت به عمل می‌آورد.

ماده ۳۸۱. در تمام موارد مذکوره در ماده قبل کدخدا مکلف است که تقاضای قانونی مالک را فوراً به موقع اجرا بگذارد.

ماده ۳۸۲. حوزه مأموریتی کدخدا حدود ده است و لهذا تمام ساکنین ده از دهقان و سربازها و تاین ردیف و متقاعدین از خدمت نظامی در اداره کدخدا هستند. تبصره: اشخاصی که در خدمت مالکند و کذاک اشخاصی که در خانه مالکند تابع ضبطیه محلی هستند لهذا اگر خلاف قاعده‌یابی نظامی از آنها سر بزند کدخدا مراتب را به مالک اطلاع می‌دهد و هرگاه جنحه و جنایتی از آنها ناشی شود به ضبطیه محلی رجوع می‌کند.

ماده ۳۸۳. کدخدا مکلف است که احکام و اوامر محکمه صلح و محکمه تحقیق و مأمورین ضبطیه و ادارات دولتی را در امور راجعه به آنها بلا تأخیر به موقع اجرا بگذارد.

ماده ۳۸۴. کدخدا اختیار دارد اشخاصی را که در اداره او واقعند به واسطه تقصیرات جزئی که از آنها سر زده است تنبیه نماید و فوق حدود این تنبیه تا دو روز حبس

است. اشخاصی که از سیاست کدخدا شاکی هستند می‌توانند در ظرف یک هفته از روز حکم کدخدا به اداره ناحیتی شکایت نمایند.

ماده ۳۸۵. کدخدا مکلف است که در اقدامات مهمه که می‌نماید از قبیل تنبیه و سیاست اشخاصی که در اداره او بوده و تابع او هستند و اجرای احکام محکمه صلح و احکام عمال ضبطیه و توقیف و حبس و تفتیش و تفحص خانه دهقان‌ها مطابق قانون و تحقیقات اولیه که در صورت وقوع جنحه و جنایت به عمل می‌آورد و تحویل گرفتن مالیات از اشخاصی که خود اهالی برای جمع‌آوری مالیات معین کرده‌اند و ایصال آن به اشخاص لازم و کذالك تأدیة حقوق مالک دو نفر از ریش‌سفیدان ده را که محل وثوق هستند به شهادت همراه داشته باشد.

ماده ۳۸۶. در صورتی که ناحیه عبارت از یک ده باشد مباشر ناحیه امور راجعه به کدخدا را اداره خواهد کرد و یک یا دو نفر نایب به رضایت اهالی ده و تصویب مباشر برای معاونت او معین خواهد شد.

فصل یازدهم

در باب مرجعیت امور به ادارات محلیه (از حکومتی و غیره)

و حدود اختیارات آن اداره

ماده ۳۸۷. به استثنای مواردی که قانوناً معین شده ادارات محلیه حق ندارند قراردادهای خودشان را تغییر بدهند و کذالك قراردادهای دوایری را که تابع آن ادارات نیستند نسخ نمایند.

تبصره: هرگاه در اداره قرارداد مجلس مشاوره آن اداره هنوز در دفتر صورت مجلس نوشته نشده باشد یا اعضای مجلس صورت مجلس را امضا نکرده باشند و یا بالاخره صورت مجلس هنوز اعلام نشده و به موقع اجرا گذارده نشده باشد نسخ قرارداد آن اداره ممکن است.

ماده ۳۸۸. هرگاه مابین آن ادارات محلیه یا مابین ادارات مزبوره به ادارات عدلیه و همچنان مابین اشخاصی که در آن ادارات خدمت می‌کنند معارضه یا اختلافی در مرجعیت امور حاصل شود به طوری اقدام خواهد شد که ذیلاً مندرج است. اول هرگاه اختلافی در مرجعیت امور مابین دوایر شهری و بلوکی (یعنی دوایری که

حوزه اقدامات آنها حدود شهر است یا حدود بلوک) که تابع یک وزارتخانه هستند حاصل شود یا مابین اشخاصی که در آن دوایر خدمت می‌کنند رفع این اختلافات به عهده شعبه وزارت خارجه متبوعه آنها است که در کرسی ولایت واقع است. دوم اگر این اختلاف مابین دوایر و اشخاصی روی داده که در بلوک یا شهری واقعند ولی تابع اختلافات به عهده اداره ولایتی است؛ سیم هرگاه اختلافی مابین دوایر بلوکی یا شهری که در ولایات مختلفه واقع و تابع یک وزارتخانه‌اند حادث یا مابین اشخاصی که در آن دوایر خدمت می‌نمایند باید دید مسأله و کاری که باعث اختلاف شده در قلمرو کدام ولایت طرح شده و به شعبه وزارتخانه متبوعه که در کرسی آن ولایت واقع است رجوع نمود؛ چهارم در صورتی که اختلافی از مرجعیت امور مابین دوایر بلوکی یا شهری که در اداره وزارتخانه‌های مختلف هستند و در ولایات مختلفه واقعند حاصل شده باشد باید دید امری که باعث اختلاف شده در قلمرو کدام ولایت شروع شده و به اداره ولایتی آن ولایت رجوع نمود؛ پنجم هرگاه این نوع اختلافات مابین ادارات ولایتی (یعنی اداراتی که قلمرو اقدامات آنها حدود ولایت است) یا مابین اشخاصی که در آن ادارات خدمت می‌کنند حاصل شود و ادارات و اشخاص مزبوره در اداره یک وزارتخانه باشد رفع اختلاف به عهده وزارتخانه متبوعه است؛ ششم اختلافاتی که در مرجعیت امور مابین ادارات واقع در کرسی ولایتی و تابع به وزارتخانه‌های مختلفه حاصل می‌شود راجعه به حکم مجلس و زراست؛ هفتم اختلافاتی که مابین محکمه عدلیه یا یکی از ادارات دولتی (که در محل تشکیل شده) در باب مرجعیت امور حاصل می‌شود تشخیص آن موکول برای محکمه عدلیه است یعنی محکمه باید معین نماید که مسأله متعارض فیها راجع به خود اوست یا راجع به یکی از ادارات دولتی.

ماده ۳۸۹. هر اداره باید احکام و اوامر و دستورالعمل‌های اداره متبوعه خود را به موقع اجرا گذارد ولی هرگاه از مجلس وزرا حکمی به اداره صادر شود که مغایر با قوانین موضوعه باشد آن اداره باید آن حکم را بلااجرا گذاشته مراتب را به مجلس وزرا راپورت نماید و هرگاه مجلس وزرا عقیده آن اداره را قبول ننموده امر به اجرای حکم سابق خود بر اداره است که حکم مجلس وزرا را بلا تأخیر به موقع اجرا گذارد.

ماده ۳۹۰. هرگاه از وزیر متبوع به اداره حکمی یا دستورالعملی برسد که مناقض با قوانین موضوعه باشد اداره مکلف است که آن حکم یا دستورالعمل را بلااجرا

گذارده ملاحظات خود را به وزیر متبوع راپورت نماید واگر وزیر مسئول مجدداً امر به اجرای حکم خود نمود مراتب را به مجلس وزرا راپورت نموده منتظر حکم یا دستورالعمل آن بشود.

فصل دوازدهم

در باب مؤاخذه و سیاست صاحب‌منصبان و مأمورین مستخدمین ادارات محلیه و ارجاع کار آنها در موارد لازمه به محاکمه عدلیه

ماده ۳۹۱. مؤاخذه و سیاست و تنبیه صاحب‌منصبان و مأمورین و مستخدمین ادارات محلیه در موردی که تقصیری از آنها سر بزند از قرار تفصیل است. اولاً نصیحت و توبیخ و ملامت مأمورین و مستخدمین بدون تذکر این تنبیه در ورقه خدمت آنها به توسط خود رئیس بلاواسطه مأمورین و مستخدمین می‌شود؛ دوم کسرگذاشتن از حقوق الی یک ثلث و یا تبدیل شغل اعلی به اسفل و یا عزل از شغل (نه خدمت) و یا توقیف الی پنج روز حبس و این به حکم رئیس خواهد شد که آن صاحب منصب یا مأمور و مستخدم مقصر را معین کرده است باقی سیاست از قبیل توبیخ و ملامت یا تذکر این تنبیه در ورقه خدمت مقصر و عزل و اخراج او از خدمت به کلی و مجازاتی که درازای خیانت و ارتکاب به جنحه و جنایت باید به مأمورین و مستخدمین داده شود به حکم محکمه عدلیه خواهد بود.

تبصره: حدود مجازات صاحب‌منصبان و مستخدمین نظمیه و همچنان حق تنبیه و سیاست کدخدای ده در جای خود مذکور (ماده ۳۲۲-۳۱۴ و ۳۸۴) و مستثنای از این قاعده عمومی است.

ماده ۳۹۲. در صورتی که تقصیر صاحب‌منصبان مأمورین و مستخدمین ادارات محلیه مقتضی ارجاع کار آنها به محاکم عدلیه باشد قبل از ارجاع به طوری که ذیلاً مندرج است در ادارات لازمه تحقیقات مقتضیه به عمل آمده و بعد در صورت لزوم حکم به ارجاع کار مقصر به محاکم عدلیه خواهد شد.

ماده ۳۹۳. ارجاع کار صاحب‌منصبان و مأمورین و مستخدمینی که تعیینشان به عهده حاکم و اداره ولایتی یا یکی از شعبات وزارتخانه‌ها در کرسی ولایت است و همچنان ارجاع کار تائین نظمیه (از ناظمین نظمیه و دهباشی و غیره) باید به

تحقیقات و حکم اداره ولایتی باشد.

ماده ۳۹۴. هرگاه صاحب‌منصبان و مستخدمین را وزارتخانه‌ها معین کرده‌اند ارجاع کار آنها به محاکم عدلیه به حکم وزیر مسئول خواهد بود.

ماده ۳۹۵. حاکم و اشخاصی که از طرف قرین‌الشرف همایونی مأمورتی در ولایت دارند کارشان در موارد لازمه به تحقیقات و به واسطه مجلس وزرا به محاکم عدلیه رجوع خواهد شد.

دوم قسمت خصوصی

فصل سیزدهم

در باب ایالات و فرمانفرماها

اول قواعد عمومی

ماده ۳۹۶. اوضاع سیاسی و اداره و مصالح دولتی و مملکتی در بعضی موارد اقتضا تواند نمود که چند ولایتی که موافق قوانین تشکیل و منظم شده به‌طور استثنا از قاعده کلی در تحت نظارت بلاواسطه یک نفر رئیس کل که مأمور به اقامت در محل و نظارت به کلیه اموری کشوری خواهد بود قرار داده شود و همچنان در مواقع فوق‌العاده از قبیل شورش بزرگ و اغتشاشات متمادی و جنگ و غیره مقتضی تواند شد که دولت به اختیارات حکومت ولایتی که قانوناً تشکیل و تنسیق شده بیفزاید. بدین معنی که موقتاً شخصی را با اختیارات وسیعه به سمت فرمانفرمایی در حدود همان ولایت برقرار نماید. در مورد اولی از چند ولایت قانونی ایالتی تشکیل و ترتیب خواهد شد که در تحت نظارت و مسئولیت رئیس کل که ملقب به فرمانفرما است خواهد بود. در مورد دومی غیر از حاکم در ولایت قانونی یک نفر به سمت فرمانفرمایی با قدرت و اختیاراتی که قانوناً بدین شغل تعلق می‌گیرد معین خواهد شد. بدیهی است که تشکیل ایالت از چند ولایت قانونی و ترتیب فرمانفرمایی در ولایت معینی استثنا از این قواعد عمومی است و موقتی خواهد بود و بعد از رفع احتیاج موقوف خواهد شد.

ماده ۳۹۷. فرمانفرماهای ایالات و ولایات از رجال موثق مجرب کافی دولت به تصویب وزارت داخله انتخاب و از طرف قرین‌الشرف همایونی بدین سمت معین

خواهند شد.

ماده ۳۹۸. مادامی که فرمانفرما در یکی از ولایات جزو ایالت است (قلمرو مأموریت فرمانفرما) احکام قانونی او در تمام قلمرو ایالت مجری خواهد بود. در صورت غیبت یا مرض فرمانفرما نمی‌تواند مأموریت خود را بدون اجازه مخصوص بندگان اقدس همایونی به کس دیگری محول کند.

ماده ۳۹۹. هرگاه در غیاب فرمانفرما یا در صورت مرضی سخت جانشینی برای او معین نشده حکام ولایات جزو ایالت هرکدام موافق قوانین تشکیل و تنظیم ولایات رفتار خواهند کرد قطع نظر از اینکه ولایت جزو ایالتی باشد.

دوم در وظایف فرمانفرما به طور عمومی

ماده ۴۰۰. اول وظیفه فرمانفرما نظارت عالیه اوست در اجرای کلیه قوانین و نظامنامه‌ها و دستورالعمل‌های راجعه به ولایاتی که جزو قلمرو مأموریت فرمانفرماست و این نظارت فرمانفرما منحصر به امور کشوری است مگر آنکه به موجب امر مخصوصی در مواد مقتضیه ریاست کل قشون ولایات جزو ایالت نیز به عهده فرمانفرما محول شود.

ماده ۴۰۱. اقدامات لازمه فرمانفرما در اجرای قوانین و نظامنامه‌ها و دستورالعمل‌های خود او به توسط ادارات و اشخاصی خواهد بود که به موجب قوانین متصدی امر اجرای قوانین و غیره هستند.

ماده ۴۰۲. فرمانفرما مکلف است که در حدود قوانین اعمال و افعال کلیه ادارات قلمرو مأموریتی خود را تفتیش و رسیدگی نماید و از تخلف از قوانین قویاً ممانعت نماید.

تبصره: ادارات تفتیش محلی از این قاعده مستثنی و به موجب قوانین اداره کل تفتیش فقط در تحت ریاست و نظارت آن اداره واقع است.

ماده ۴۰۳. یکی از وظایف عمده فرمانفرما حفظ امنیت و وقایه رفاهیت و آسودگی اهالی ایالتی است که به عهده او واگذار شده لهذا در صورتی که در ولایتی اغتشاش یا بی‌نظمی حاصل شود و به اقدامات حاکم آن ولایت قلع و قمع آن اغتشاش نشده باشد فرمانفرما مکلف است که اقدامات مؤثره را به عمل آورده امنیت عمومی را

برقرار نماید.

ماده ۴۰۴. در صورت بلیات سماوی از قبیل حریق و زلزله و طغیان آب و توفان و غیره فرمانفرما باید کمال مراقبت را در فهمیدن حوائج اهالی و اعانت و کمک به درماندگان و محنت‌زدگان به عمل آورد و اگر وسایل موجوده محلی کافی نباشد باید از دولت استمداد کند.

ماده ۴۰۵. فرمانفرما باید به عرایض و شکایات مردم با کمال دقت رسیدگی نموده مطالب حقّه آنها را انجام بدهد برای این که در این موارد بی‌جهت مکاتبه نشده تضییع وقت نشود و رعایت انتظام امور شده باشد فرمانفرما باید مراقبت نماید که شکایاتی که به او از دوایر تابعه می‌شود به توسط دایر متبوعه آن دوایر باشد.

ماده ۴۰۶. از طرف دیگر فرمانفرما مکلف است اشخاصی را که در شکایات خود تهمت و افترا می‌زنند و یا محرک شکایات تهمت‌آمیز می‌شوند در حدود قوانین قویاً تعاقب نموده مراقبت نمایند که در محکمه عدلیه به مجازات قانونی خود برسند.

ماده ۴۰۷. در صورت بروز امراض مسریه یا امراض سریع‌الانتظار فرمانفرما مکلف است که اقدامات مجدانه را در قلمرو مأموریتی خود برای جلوگیری از امراض مزبوره و دفع و رفع آن به عمل آورد.

ماده ۴۰۸. هرگاه در قلمرو ایالتی حاصل زراعتی خراب و احتمال قحطی ارزاق و آذوقه برود در صورتی که انبارهای ذخیره کافی نباشد باید فرمانفرما اقدامات مجدانه را در جلوگیری از قحطی به عمل آورد و در صورت عدم کفایت وسایل موجوده محلی فرمانفرما از جاهای لازم استمداد می‌نماید و حتی‌المقدور سعی بلیغ در تحصیل وسایل برای کمک و اعانه قحطی‌زدگان و پیدا کردن کار برای آنها به عمل آورد.

ماده ۴۰۹. فرمانفرما مراقبت مخصوصی نسبت به پیشرفت زراعت و تجارت و حرفت و صنعت ایالتی که قلمرو مأموریت اوست خواهد داشت و کمال همراهی و مساعدت را در پیشرفت امور مزبوره و تحصیل زراعت که مبنای ثروت مملکت است خواهد نمود و در مواردی که اقدامی یا مساعدتی از طرف دولت لازم باشد ملاحظات خود را مفصلاً به مقامات عالی‌رتبه راپورت خواهد کرد.

ماده ۴۱۰. برای پیشرفت امور مذکوره در ماده قبل فرمانفرما مکلف است که از کلیه انحصاراتی که در قلمرو مأموریتی او به توسط اشخاص متفرقه برقرار می‌شود

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

و مبتنی بر امتیاز نامه دولتی نیست قویاً مانع شده کار مقصرین را به محکمه عدلیه رجوع نماید.

ماده ۴۱۱. چون پیشرفت تجارت منوط به صحت راه‌هاست فرمانفرما مراقبت مخصوصی نسبت به طرق و شوارع خواهدداشت.

ماده ۴۱۲. چون فرمانفرما رئیس کل ایالتی است که امورات به عهده کفایت او محول شده باید مواظب باشد که صاحب‌منصبان و مستخدمین ولایات و ایالت از حیث رفتار و اخلاق و صداقت و شایستگی موافق قوانین موضوعه و منظورات مقامات عالیه باشند و در خدمت از قوانین خدمتی تخلف و تجاوز نمایند و تکالیف خدمتی را کاملاً به موقع اجرا آورده و هرکدام شغل خود را انجام دهند و به هیچ وجه از حدودی که قانوناً برای هر اداره معین شده تجاوز نمایند.

ماده ۴۱۳. فرمانفرما باید مراقبت نماید که قوانین راجعه به تعیین صاحب‌منصبان و مستخدمین ادارات محلیه محفوظ بوده صحیحاً مراعات شود یعنی صاحب‌منصبان و مستخدمینی که باید به تعیین مقامات عالیه باشد به توسط فرمانفرما به مقامات مزبوره معرفی شوند (در صورتی که محذور یا عذر موجهی نباشد این معرفی فرمانفرما منظور نظر خواهد بود) و صاحب‌منصبان و مستخدمینی که تعیینشان به عهده ادارات و اشخاص محلی است بلاواسطه از طرف آن ادارات و اشخاص معین گردند.

ماده ۴۱۴. چون فرمانفرما نظارت عالیه نسبت به ادارات و صاحب‌منصبان قلمرو ایالت خود دارد و ناظر صحت اعمال آنهاست، لهذا حق دارد که برای تشویق اشخاص لایق و صدیق و کافی از مقامات عالیه برای آنها خواهش ترفیع رتبه و امتیاز و مناصب نماید و صاحب‌منصبان و مستخدمین نالایق و بدکردار را به توسط ادارات و رؤسای متبوعه آنها در حدود قوانین تنبیه و سیاست نماید.

ماده ۴۱۵. فرمانفرماها حق دارند که موافق مواد ۱۰۷-۱۱۰ قواعد مقتضیه را در قلمرو ایالت خودشان وضع نمایند و همچنان حق خواهند داشت قواعدی را که به توسط حکام جزو فرمانفرمایی ایجاد شده تغییر بدهند یا تکمیل و یا نسخ نمایند مراتب را در این موارد فرمانفرماها به وزیر داخله اطلاع خواهند داد.

سیم در روابط فرمانفرماها

ماده ۴۱۶. روابط فرمانفرماها در امور راجعه به آنها بر سه نوع است اولاً با ذات اقدس همایونی؛ ثانیاً با وزارتخانه‌ها و ادارات مرکزی؛ ثالثاً با ادارات محلیه (ولایتی و ایالتی).

ماده ۴۱۷. فرمانفرماها می‌توانند در موارد مهمه در کلیه اموری که لازم بدانند مستقیماً عرایض راپورتی به حضور مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی تقدیم نکند ولی از طرف دیگر فرمانفرماها نباید در این حق خود سوء استعمال نمایند و لهذا فرمانفرماها فقط در موارد مهمه و در صورت ضرورت عرایض لازمه را مستقیماً به خاک پای همایونی عرض می‌کنند و در اموری که حل و تسویه آن امور به توسط ادارات مزبوره باید به عمل آید مکلفند موافق قوانین و نظامنامه‌ها به وزارتخانه‌های لازم رجوع نمایند.

ماده ۴۱۸. در مواردی که فرمانفرماها مستقیماً به حضور مبارک بندگان همایونی راپرت عرض می‌نمایند چه فوری باشد چه غیر فوری باید مواد یا مفاد آن را به اطلاع وزیر داخله هم برسانند.

ماده ۴۱۹. هرگاه فرمانفرما صلاح ندانند که در راپورت اموری که از ولایات به وزارتخانه‌ها به موجب قوانین موضوعه تقدیم می‌شود رأی و عقیده خود را اظهار دارد می‌تواند بخواهد که آن امور به توسط فرمانفرما به وزارتخانه لازمه ارسال شود ولی اموری که به موجب قوانین موضوعه مستقیماً راجع به شخص فرمانفرما و اداره آنست حتماً باید به توسط فرمانفرما به وزارتخانه‌ها اظهار شود.

ماده ۴۲۰. بنابر آنچه در ماده قبل ذکر شده وزارتخانه‌ها هم احکام و دستورالعمل‌های راجع به امور ولایتی را به توسط فرمانفرما می‌دهند ولی در موارد فوری برای عدم فوت وقت احکام و دستورالعمل‌های وزارتخانه‌ها مستقیماً به حام ولایت صادر خواهد شد و سوادی هم برای فرمانفرما و اطلاع و نظارت او در اجرای احکام صادره برای او فرستاده خواهد شد.

ماده ۴۲۱. در موقع اقدام جدیدی در اصلاح وضع ولایتی یا امری که راجع به مالیه دولت است عقیده فرمانفرما را وزارتخانه لازمه قبل از اقدام خواهد پرسید و هرگاه ایجاد قانونی لازم شود از ترتیب لایحه آن عقیده فرمانفرما هم باید ملحوظ و

مقید باشد.

ماده ۴۲۲. در مواردی که وزارتخانه‌ها برای صاحب‌منصبان و مستخدمین ادارات ولایتی استدعای ترفیع رتبه و امتیاز و مناصب می‌نمایند باید عقیده و رأی فرمانفرما را هم در فهرست عرایض قید کرده باشند. صاحب‌منصبان دوایر عدلیه و تفتیش از این قاعده مستثنی هستند.

ماده ۴۲۳. روابط فرمانفرما با وزارتخانه‌ها و مجلس وزرا موافق قواعدی است که در قوانین تأسیس وزارتخانه‌ها و مجلس وزرا مندرج است.

ماده ۴۲۴. حاکم و اداراتی که در ولایات تشکیل شده‌اند مکلفند تمام احکام و دستورالعمل‌های فرمانفرما را که مبتنی بر قوانین است به موقع اجرا بگذارند.

ماده ۴۲۵. در صورتی که فرمانفرما در مواقع سرکشی به ولایت جزو ایالت اغتشاش یا بی‌نظمی در امور ولایتی مشاهده نماید و لازم بداند بدین جهت یا به جهت دیگری دستورالعملی بدهد یا اقدامی بنماید به ملاحظه انتظام جریان امور و خدمت اداره دستورالعمل‌های لازمه را به ریاست آن ولایت خواهد دارد و اخطارات را به توسط حاکم یا داره ولایتی خواهد نمود.

ماده ۴۲۶. در موارد مهمه و فوق‌العاده و همچنان در موقعی که قانون جدیدی برای اجرا از مقامات عالی‌تر به فرمانفرمایی می‌رسد، فرمانفرما حق دارد که مجلسی از رؤسای تمام ادارات محلیه (که به موجب قوانین در ولایتی تشکیل شده) ترتیب داده و اگر نقصانی در قانون مشاهده شده یا اشکالی پیش آمده، مراتب را از طرف تمام ادارات به مجلس وزرا تقدیم نماید و هرگاه با وجود این اقدام حکم مجلس وزرا در اجرای همان قانون صادر شد، لازم است بدون تاخیر و مذاکره آن قانون به موقع اجرا گذارده شود.

ماده ۴۲۷. فرمانفرما در موقع توقف در یکی از دهات جزو قلمرو مأموریتی خودش می‌تواند به حکام ولایات اجازه بدهد که از قلمرو مأموریتی خودشان خارج شده برای مذاکره در امور راجعه به مشاغل آنها نزد فرمانفرما بیایند.

ماده ۴۲۸. فرمانفرماها به ادارات ولایتی مطالب را تکلیف می‌نمایند و آنها را در جواب ملاحظات خود را تقدیم می‌کنند به ادارات شهری و محالی فرمانفرماها حکم می‌فرستند در جواب راپورت می‌گیرند.

ماده ۴۲۹. قواعد ارتباط فرمانفرماها با ادارات و اشخاص نظامی علیحده مرتب و

منضم به ماده ۲۳۵ خواهد بود.

چهارم در دفترخانه فرمانفرما و صاحب‌منصبانی که نزد فرمانفرما

هستند

ماده ۴۳۰. هر فرمانفرمایی یک دفترخانه دارد و چند نفر صاحب‌منصب در نزد فرمانفرما برای انجام مأموریت‌های مخصوص مقیمند.

ماده ۴۳۱. عده اجزای دفترخانه فرمانفرما به موجب قانون علیحده تعیین خواهد شد.

ماده ۴۳۲. عزل و نصب صاحب‌منصبان دفترخانه فرمانفرما به تصویب بلاواسطه خود اوست ولی قوانین راجعه به خدمت دولتی در باب شرایط صاحب‌منصبان و مستخدمین دولتی و غیره باید رعایت شود و ترتیب دفترخانه فرمانفرما و همچنان ترتیب دفاتر و غیره در آن اداره به موجب نظامنامه و دستورالعمل‌های وزارت داخله خواهد بود.

ماده ۴۳۳. عده صاحب‌منصبانی که برای مأموریت مخصوص معین شده‌اند می‌توانند از صاحب‌منصبان قلمی یا نظامی متقاعد یا غیر متقاعد باشند و عده آنها به موجب قانون معین خواهد شد ولی فرمانفرما می‌تواند این نوع صاحب‌منصبان را کمتر از عده قانونی داشته باشند عزل و نصب این نوع صاحب‌منصبان به اختیار فرمانفرما است ولی به استثنای صاحب‌منصبان نظامی حاضر رکاب که عزل و نصب آنها به صدور امر و اجازه ملوکانه است.

فصل چهاردهم

در منضات

اول منضم به ماده ۳۶

قواعد رجوع کردن مأمورین کشوری به قوای نظامی

ماده ۱. مأمورین کشوری در موارد ذیل در صورت عدم کفایت نظمیه و ضبطیه برای حفظ و وقایه امنیت و انتظام امور به قوه نظامی رجوع می‌نمایند. اول در موقع حرکت دسته برای حفظ نظم و آسایش عمومی در بازارهای عمومی و جاهایی که

محل اجتماع و ازدحام عوام الناس است؛ دوم برای حمل و نقل پول و امول دولت؛ سیم برای اطفاء حریق و قلع و قمع حیوانات درنده و موزی و حشرات الارض و برای مساعدت لازمه در موقع وقوع طغیان آب و طوفان و حدوث بلیات سماوی؛ چهارم برای اداره کردن محبوسین و اشخاصی که به موجب قوانین توقیف شده‌اند؛ پنجم برای دستگیر کردن محبوسین فراری و فراری‌های نظامی؛ ششم برای دستگیر کردن قطاع‌الطریق و مرتکبین جنحه و جنایت و جنایات در موقعی که عده آنها زیاد باشد یا احتمال مجادله از طرف آنها برود؛ هفتم برای برای برطرف نمودن شورش و اغتشاشات.

تبصره اول: در جاهایی که محبوسین و توقیف‌شدگان هستند و نظمی و ضبطیه به قدر کفایت نیست برای حفظ و وقایه امنیت نیز می‌توان به قوای نظامی رجوع کرد. تبصره دوم: هنگام حریق برای جلوگیری از غارت و یغما به حکم رئیس نظمیه یا ضبطیه از تابین نظامی که برای مساعدت به اطفاء حریق حاضر شده‌اند زنجیری تشکیل می‌شود که مانع از دخول مردم خارج به محوطه که محل حریق است بشوند.

ماده ۲. غیر از موارد مذکوره در ماده اولی در موارد ذیل نیز به موجب قوانین باید به قوه نظامی رجوع نمود. اول برای کشیک در قراولخانه‌ها؛ دوم برای حضور در موقع اجرای احکام محاکم عدلیه؛ سیم برای مساعدت به ادارات و مأمورین عدلیه.

ماده ۳. در موارد مذکوره در ماده اولی و همچنان در موارد اول و سوم ماده دوم اشخاص ذیل حق رجوع به قوای نظامی را دارند. اول فرمانفرماها؛ دوم حکام؛ سیم رؤسای بلوکات؛ چهارم رؤسای نظمیه؛ پنجم مفتشینی که از مرکز برای سرکشی به ولایات مأمور می‌شوند.

ماده ۴. فرمانفرماها و حکام و مفتشینی که از مرکز در صورت لزوم استعمال قوه نظامی به رئیس کل قشون ایالت یا ولایت رجوع می‌نمایند و در صورتی که او در شهر دیگری باشد به نزدیکترین رئیس قشون محل.

ماده ۵. اشخاص مذکور در ماده سیم حق دارند در صورت لزوم از رئیس قراسوران‌ها عده قراسوران هم بخواهند.

ماده ۶. رؤسای بلوکات و رؤسای نظمیه فقط در یک موقع حق دارند مستقیماً به قوای نظامی رجوع نمایند و آن مورد استعمال قوای نظامی است. برای حضور و

مساعدت در اجرای احکام محاکم عدلیه و در این مورد اشخاص مذکوره مستقیماً به رئیس ساخلوی محل رجوع می‌کنند.

ماده ۷. در سایر موارد رئیس بلوکات و رئیس نظمیّه در صورت لزوم قوه نظامی باید به حاکم ولایت رجوع نمایند مگر در مواردی که فوت وقت باعث خسارت بزرگ تواند شد مثلاً شورشیان اقدام به حریق و قتل و غارت نمایند تا نایره فتنه مشتعل شود و در این صورت رئیس محال و رئیس نظمیّه مستقیماً به نزدیک‌ترین رئیس نظام محل رجوع نموده مراتب را فوراً به حاکم اطلاع می‌دهد.

ماده ۸. احضار قوای نظامی برای اجرای احکام محاکم عدلیه به تقاضای رؤسای محاکم عدلیه یا مأمورین تحقیق به عمل می‌آید و ترتیب آن در قوانین عدلیه مندرج است در صورتی یکی از اشخاصی که حق مراجعه به قوای نظامی را دارند در محل باشند مأمورین عدلیه به توسط آن شخص به قوای نظامی رجوع خواهند کرد.

ماده ۹. مراجعت به قوای نظامی در صورت عدم کفایت مستحفظین سرحدی برای گرفتن قاچاق جایز است و در این صورت رئیس اداره گمرکات ولایتی یا رئیس مستحفظین سرحدی و یادر موارد فوری هریک از صاحب‌منصبان جزو مستحفظین سرحدی می‌توانند به رئیس قشون محلی رجوع نمایند.

ماده ۱۰. صاحب منصبان کشوری و مستحفظین سرحدی در صورتی که به نزدیک‌ترین رئیس قشون محلی رجوع نمایند باید صاحب منصبی را هم که ریاست به قوای نظامی احضار شده دارد فوراً مطلع نمایند یعنی اگر گروهان یا دسته‌ای را خواسته‌اند باید رئیس فوج یا رئیس باتالیونی را که گروهان یا دسته مزبور جزو آن بوده مطلع دارند.

ماده ۱۱. ترتیب حمل و نقل قشون به جای لازم و سرعت حرکت آن به حکم مأمورین کشوری است.

تبصره: مخارج حمل و نقل قشون و تفاوت خرجی که حاصل می‌شود به عهده خزانه دولت است.

ماده ۱۲. در موارد مذکوره در ماده اولی از اول الی ششم و همچنان در مورد اول و سیم ماده دوم مأمورین کشوری که رجوع به قوه نظامی می‌نمایند باید به رئیس قشون محلی اظهار دارند که برای چه قشون لازم است و به چه مقدار در مورد هفتم ماده اولی باید اظهار دارند که شدت شورش به چه اندازه است و جهت شورش

چه بوده و احتمال تزیاید اغتشاش و شورش دیگری می‌رود یا نه در این مورد عده قشون و صنف نظامی و لزوم و عدم لزوم توپخانه را خود رئیس قشون معین خواهد کرد.

ماده ۱۳. بعد از ورود قشون به محل لازم حکومت فرماندهی قوه نظامی را برعهده نمی‌گیرد و فقط به رئیس قشون احضار شده وضع امور و مقصود اصلی از احضار قشون را اظهار نموده جاهایی را که باید حفظ شود نشان می‌دهد و توقیفاتی که باید به عمل آید اخطار می‌کند. بعد از تحصیل این اطلاعات رئیس قشون اقدامات لازمه را به عمل می‌آورد و قوای خود را طوری تقسیم می‌کند که با خودش همیشه عده کافی برای جلوگیری از اتفاقات غیرمترقبه داشته باشد مادامی که قشون احضار شده در محل است مأمورین کشوری و نظامی به همدیگر اطلاعاتی را که تحصیل کرده‌اند می‌رسانند و کمال مساعدت را به یکدیگر می‌نمایند.

ماده ۱۴. در موارد شورش و اغتشاش رئیس قشون که احضار شده است باید در لزوم استعمال اسلحه منتظر تصویب مأمورین کشوری باشد و مأمورین مزبوره به قید مسئولیت فقط در صورتی این اقدام را تصویب می‌نمایند که تمام وسایل اطفاء ناپره اغتشاش استعمال شده و ثمری نبخشیده باشد اگر در محلی مأمورین کشوری نباشد، رئیس قشون احضار شده به صوابدید خود اقدام می‌نماید ولی هرگاه مأمور کشوری قبل از استعمال اسلحه وارد شده باید رئیس قشون متابعت دستورالعمل‌های او را بنماید.

تبصره: مأمورین کشوری مذکور در این ماده و مواد دیگر عبارتند از اشخاص مذکور در ماده سیم و همچنان اشخاصی که از طرف وزیر داخله یا مفتشینی که از مرکز برای سرکشی به ولایت آمده‌اند و یا از طرف فرمانفرما یا حاکم مأموریت مخصوصی به آنها داده شده است مأمورین کشوری در صورتی که بدون رعایت ماده ۱۴ استعمال اسلحه را تصویب نموده باشند مسئول و موافق قوانین مجازات خدمتی مورد سیاست خواهند بود.

ماده ۱۵. بعد از اینکه مأمورین کشوری استعمال اسلحه را تصویب نمودند رئیس قشونی که احضار شده اقدامات لازمه را رأساً به عمل می‌آورد و قبل از اقدام به استعمال اسلحه مکلف است که به شورشیان اعلام نماید که بعد از سه شیپور یا سه طبل حکم به استعمال اسلحه خواهد کرد بعد از این اعلام رئیس قشون به طوری

که مقتضی و صلاح می‌داند اقدام خواهد کرد ولی حکم استعمال اسلحه ناری را فقط وقتی خواهد نمود که ضرورت اقتضا نماید و به هیچ وسیله دیگری نتوان شورش را برطرف نمود.

تبصره: رئیس قشون می‌تواند قبل از اعلام مذکور در این ماده شورشیان را توبیخ یا نصیحت یا تهدید نماید.

ماده ۱۶. رئیس قشونی که احضار شده فقط در صورت ضرورت مبرمه مجاز است قبل از تصویب مأمورین کشوری و اعلام مذکور در ماده ۱۵ اقدام به استعمال اسلحه نماید و این ضرورت وقتی است که شورشیان حمله و هجوم به قشون آورند یا اینکه لازم شود که به یک اقدام فوری اشخاصی را که به دست شورشیان افتاده‌اند و در شرف هلاکت هستند نجات دارد.

ماده ۱۷. از زمانی که قشون شروع به استعمال اسلحه نمودند، فقط تابع احکام رئیس قشون خواهند بود و به حکم او از استعمال اسلحه دست خواهند کشید. رئیس قشون همین که مشاهده نمود که شورش برطرف شد یا مقصود از مساعدت قوه نظامی به عمل آمد دیگر رأساً اقدامی ننموده مراتب را فوراً به مأمورین کشوری اطلاع می‌دهد و از این وقت حق اقدامات و دادن دستورالعمل‌های لازمه برای حفظ انتظام و امنیت مجدداً به مأمورین کشوری معاودت می‌نماید.

ماده ۱۸. مأمورین کشوری اقدامات دقیقانه به عمل خواهند آورد که به اشخاصی که داخل در شورشیان نیستند از استعمال اسلحه و عملیات نظامی آسیبی نرسد.

ماده ۱۹. هنگام عملیات نظامی مأمورین کشوری کلیه اقداماتی را که غیر از اقدامات نظامی است و به موجب قوانین برعهده آنها تعلق می‌گیرد به عمل می‌آورند او این اقدامات آنها تا اندازه‌ای باید باشد که مانع از حصول مقصود معینی نباشد.

ماده ۲۰. مواظبت و مراقبت حال مجروحین که از قشون احضار شده نیستند به عهده مأمورین کشوری است و رئیس قشون هم باید کمال مساعدت را در این باب با وسائلی که دارد به مأمورین کشوری بنماید.

ماده ۲۱. هنگامی که می‌خواهند قشون احضار شده را در محل شورش جا بدهند باید طوری نمود که تا بین از یکدیگر جدا نباشند بلکه برای تمام دسته‌ای که احضار شده یک یا چند خانه داده شود.

ماده ۲۲. تعیین وقت و معاودت قشون از محل شورش بسته به صوابدید مأمورین

کشورپرست و این حرکت قشون از محل اغتشاش وقتی خواهد بود که اهالی احکام قانونی مأمورین کشوری را اطاعت بنمایند و مأمورین مزبور به مشاغل خود بدون ممانعت مباشرت نمایند و هرگاه دسته قشونی که برای قلع و قمع شورش احضار شده و توقیفش در خارج اقامتگاه خود بیش از هفت روز طول بکشد حاکم مکلف است که هر هفته مراتب را به وزیر داخله اطلاع دهد و رئیس کل قشون ولایتی یا ایالتی را از جهاتی که مانع از مراجعت قشون احضار شده است مطلع دارد. تبصره: ترتیب مأمور نمودن قشون برای جلوگیری از اغتشاش در قوانین نظامی مرتب است.

دویم منضم به ماده ۲۲۶

در باب استعمال اسلحه به توسط مأمورین ضبطیه و نظمیه و

قراسوران

ماده ۱. هریک از اعمال ضبطیه و نظمیه و قراسوران در موارد ذیل حق استعمال اسلحه را دارند اولاً به جهت مدافعه شخص خود از کسی که با اسلحه به آنها حمله می‌آورد. دوم به جهت مدافعه شخص خود از یک یا چند نفر حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون اسلحه مدافعه شخصی امکان نداشته باشد؛ سیم در صورتی که مأمورین ضبطیه و نظمیه و قراسوران ببینند که یک یا چند نفر مورد حمله شده‌اند و جان آنها در خطر است؛ چهارم در صورتی که جانی یا مقصری را که اعمال ضبطیه و غیره می‌خواهند توقیف نمایند اقداماتی نماید که در مورد اول و دویم این ماده مذکور است و جان عمال ضبطیه در مخاطره باشد؛ پنجم در موردی که محبوسی از حبس فرار نماید و در تعقیب و توقیف اقدامی نباید که در مورد اول و دومی این ماده مذکور است.

ماده ۲. در کلیه این موارد عمال ضبطیه و غیره مکلفند که اوضاع و احوال استعمال اسلحه را حتی‌المکان زودتر به نزدیک‌ترین صاحب‌منصب نظمیه و ضبطیه و قراسوران اطلاع دهند.

ماده ۳. رئیس و صاحب‌منصبان ضبطیه و غیره باید مراقبت و مواظبت تامه را داشته باشند که عمال ضبطیه و نظمیه و غیره با کمال احتیاط در موارد فوق‌الذکر

اقدام نموده بدون ضرورت مبرمه استعمال اسلحه نمایند.

ماده ۴. در مواردی که دسته‌ای از عمال ضبطیه و نظمیه و قراسوران برای اطفاء نایره شورش احضار می‌شوند استعمال اسلحه با رعایت شرایط ذیل جایز است: اول اقدام به استعمال اسلحه منوط به اجازه صاحب‌منصبان ضبطیه‌ایست که اسکات شورشیان به‌عهده او واگذار شده و او هم حکم استعمال اسلحه را وقتی فقط خواهد داد که وسایل دیگر ثمری نبخشیده باشد؛ دوم صاحب‌منصب ضبطیه یا نظمیه باید قبل از حکم به استعمال اسلحه سه دفعه با شورشیان اتمام حجت نموده اعلام کرده باشد که استعمال اسلحه خواهد کرد بعد از آن اقدام و ترتیب استعمال اسلحه منوط به صوابدید صاحب‌منصب مزبور است ولی استعمال اسلحه ناری فقط در صورتی جایز است که به‌هیچ وسیله دیگر نتوان شورشیان را ساکت نمود؛ سیم در صورتی که موقع مقتضی اتمام حجت فوق‌الذکر و فوت وقت نباشد مثلاً در موردی که شورشیان حمله به عمال ضبطیه آورند به‌طوری که جان آنها در مخاطره باشد یا آنکه اشخاص دیگر مورد حمله شورشیان واقع شوند و اقدام فوری برای استخلاص آنها لازم باشد بدون اتمام حجت حکم به استعمال اسلحه می‌توان کرد؛ چهارم عمال ضبطیه و نظمیه باید مواظبت نمایند که به اشخاصی که داخل در شورشیان نیستند آسیبی نرسد؛ پنجم مواظبت و مراقبت حال مجروحین هنگام اسکات شورشیان به‌عهده عمال ضبطیه و نظمیه و غیره است .

قوانین تشکیل ایالات و ولایت و دستورالعمل حکام صحیح است و همین‌طور مجری و معمول گردد.

۴ شهر ذیقعدہ ۱۳۲۵

صحیح است محمدعلی شاه قاجار

۶ • کتابچه قانون بلدیہ

فصل اول

قواعد کلیہ

۱- مقصود اصلی از تأسیس بلدیہ حفظ منافع شہرها و ایفای حوائج اہالی شہرنشین است.

۲- امور راجعہ بہ بلدیہ از قرار تفصیل است: اولاً ادارہ کردن آنچه اہالی شہر برای اصلاح امور بلدیہ بہ موجب قانون می‌دهند. ثانیاً ادارہ کردن اموال منقولہ و غیر منقولہ و سرمایہ‌ہایی کہ متعلق بہ شہر است. ثالثاً مراقبت در عدم قحطی آذوقہ شہر بہ وسایل ممکنہ. رابعاً ساختن و پاک نگاهداشتن کوچہ‌ہا و میدان‌ہا و خیابان‌ہا از پیادہ‌رو و کالسکہ‌رو و باغ‌ہای عمومی و مجاری میاہ و زیرآبہا و پل‌ہا و معابر و غیرہ و همچنان روشن کردن شہر و تقسیم آب‌ہای شہری و مراقبت در تنقیہ قنوات و پاکیزگی حمام‌ہا. خامساً مراقبت در رفع تكدی و تأسیس دارالمساکین و دارالعجزہ و مریضخانہ‌ہا و امثال آن. سادساً معاونت در اقدامات حفظ‌الصحہ و حفظ دواب و حشم و تأسیس دواخانہ‌ہا و امثال آن. سابعاً مواظبت در اینکہ معابر شہری موافق نقشہ معینی باشد و اقدامات مقتضیہ بر ضد حریق و سایر بلیات سماوی و ارضی بہ عمل آید. ثامنناً بیمہ ابنیہ متعلق بہ شہر از حریق. تاسعاً معاونت در تکثیر معارف و مساعدت در دایر نمودن کتابخانہ‌ہا و قرائت‌خانہ‌ہا و موزہ‌ہا و حفظ و مرمت مساجد و مدارس و ابنیۃ عتیقہ. عاشراً مساعدت با دولت در ساختن بازارہا و نمایش گاہہای تجارتی و کلیہ مراقبت رواج حرفت و تجارت شہر و دایر نمودن محل تشخیص اسعار و معاملات عمومی.

۳- دایرہ اقدامات بلدیہ مختص بہ حدود شہر و اراضی متعلقہ بہ شہر است.

۴- انجمن و ادارہ بلدیہ می‌تواند بہ اسم شہر بیع و شراء و ہرگونہ معاملات نماید و بہ جاہای لازم شکایت کند و در محاکمہ عدلیہ، اقامۃ دعوا نماید و مدعی و مدعی‌الیہ واقع شود.

۵- اراضی کوچہ‌ہا و میدان‌ہا و پیادہ‌روہا و معابر و رودخانہ‌ہا و سواحل رودخانہ‌ہا و زیرآبہا و غیرہ ہر چند کہ متعلق بہ شہر است، محل استفادہ عموم ناس است.

۶- وجوہی کہ اہل شہر برای مصارف بلدیہ می‌دهند، باید بہ حکم قانون باشد.

- ۷- حاکم شهر باید مراقبت نماید که اقدامات بلدیه مخالف با این نظامنامه نباشد.
- ۸- اداره بلدیه حق دارد که مهر معینی به اسم شهر داشته باشد.

فصل دویم در تشکیل انجمن بلدیه

- ۹- هیئت بلدیه مرکب است از انجمن بلدیه و اداره و شعب جزو آن.
- ۱۰- انجمن بلدیه مرکب است از اعضای که از محلات شهر به ترتیب ذیل انتخاب می‌شوند.
- ۱۱- عدد اعضای انجمن بلدیه در شهرهای کوچک شانزده و در شهرهای متوسط بیست و در شهرهای بزرگ سی نفر خواهد بود که با رعایت وسعت و جمعیت به محلات شهر تقسیم می‌شوند.

شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان

- ۱۲- انتخاب کنندگان اعضای انجمن بلدیه باید دارای شرایط ذیل باشند:
- اولاً تابعیت ایرانیه. ثانیاً اكمال به بیست و یک اقلاً. ثالثاً دادن مالیات یا داشتن خانه یا مستقل یا اراضی در حدود شهر که در شهرهای بزرگ هزار و در شهرهای متوسط پانصد و در شهرهای کوچک سیصد تومان ارزش داشته باشد.
- ۱۳- ادارات علمیه و خیریه نیز در صورتی که صاحب جنین مستقلی یا زمینی در شهر باشند، حق فرستادن وکیلی برای شرکت در انتخابات دارند. کذالک شرکت‌ها و اشخاصی که تجارت‌خانه و حجره معینی دارند، حق شرکت در انتخاب را دارند ولو اینکه صاحب خانه و یا مستقل یا اراضی به طوریکه ذکر شد نباشند.
- ۱۴- اگر خانه یا مستقل یا زمینی مابین چند نفر مشترک باشد، یکی از شرکاء می‌تواند موافق قرار داد سایر شرکاء در انتخابات حاضر شود.
- ۱۵- اشخاص ذیل حق انتخاب ندارند: اولاً اشخاصی که به واسطه جنحه و جنایتی مجازات قانونی دیده‌اند. ثانیاً اشخاصی که معروف به ارتکاب قتل و سرقت باشند. ثالثاً ورشکسته به تقصیر. رابعاً اشخاصی که از بابت عوارض بلدیه بقایا دارند و بیش از نصف عوارض سالیانه را نپرداخته‌اند. خامساً طایفه نسوان. سادساً اشخاص خارج

از رشد.

۱۶- اشخاص ذیل از شرکت در انتخابات به شرط ممنوعند: اولاً حکام و معاونین آنها در محل حکومت. ثانیاً عمال نظمیه شهری که در آن انتخابات به عمل می‌آید. ثالثاً مأمورین نظامی بری و بحری داخل در نظام.

۱۷- شرایط انتخاب شدن همان شرایط انتخاب کردن است بعلاوه باید انتخاب شوندگان سواد فارسی کامل داشته و سنشان کمتر از بیست و پنج نباشد و داخل در خدمت دولتی نباشند.

۱۸- اشخاصی که انتخاب می‌شوند باید قبول از وقت یا خودشان داوطلب انتخاب شدن باشند و یا به تکلیف انتخاب کنندگان قبول انتخاب شدن را نموده باشند.

ترتیب انتخاب اعضا

۱۹- برای انتخاب اعضای انجمن نظارتی از معاریف انتخاب کنندگان از محلات شهر تشکیل می‌یابد که در تحت نظارت حاکم یا نایب‌الحکومه یا معاونشان خواهد بود.

۲۰- عده اعضای انجمن نظارت مطابق خواهد بود با عده محلات شهر، ولی کمتر از شش نفر نخواهد بود.

۲۱- پس از تشکیل اعضای انجمن از میان خودشان یک نفر رئیس و یک منشی انتخاب خواهند نمود.

۲۲- نظم مجلس و حفظ قوانین انتخاب با رئیس و نوشتن صورت مجلس هر اجلاس با منشی خواهد بود.

۲۳- انجمن نظار فقط مشغول امر انتخاب خواهد بود و دخالت در امر دیگر نخواهد کرد.

۲۴- انجمن نظار اعلانی مرتب نموده دو هفته قبل از روز انتخاب که جمعه خواهد بود، در شهر اشاعه می‌دهد.

۲۵- اعلان مذکور در ماده فوق مطالب ذیل را دارا خواهد بود: اول محل ایام و اوقاتی که انجمن نظار حاضر خواهد بود برای دادن تعرفه به اشخاصی که شرایط انتخاب کردن را دارا هستند. دویم مواد دوازده تا هیجده این قانون را. سیم محل

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

روز و مدتی را که انجمن نظار حاضر خواهد بود برای گرفتن اوراق انتخاب از دارندگان تعرفه انتخاب. چهارم عده‌ی اعضای که باید انتخاب شوند.

۲۶- محل اجتماع انجمن نظار حتی‌المقدور قسمی انتخاب خواهد شد که در مرکز شهر واقع باشد تا مردم بتوانند به سهولت و آزادی ورود کرده تعرفه بگیرند یا روز انتخاب رأی بدهند مثل مساجد و یا مدارس.

۲۷- تعرفه‌ی که با نمره و تاریخ به مهر اعضای انجمن نظار به انتخاب کنندگان داده می‌شود، محتوی اسم خود و پدر و سن و شغل و منزل انتخاب کننده خواهد بود. همچنین تعیین روز و محلی را می‌نماید که دارنده تعرفه باید حاضر شده رأی خود را بدهد.

۲۸- انجمن نظار تمام تعرفه‌هایی را که می‌دهد به ترتیب نمره در کتابچه ثبت خواهد نمود.

۲۹- در روز انتخاب که فقط یک روز خواهد بود و به وسیله اعلان و تعرفه معین گردیده، انجمن نظار از صبح تا شام در محلی که معین شده حاضر می‌شود.

۳۰- در روز انتخاب انجمن اقلأً ده ساعت برای تحصیل آرا حاضر خواهد بود. ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب قبل از وقت اعلان خواهد شد.

۳۱- پس از انقضای وقتی که معین شده دیگر ورقه انتخاب از کسی قبول نخواهد شد.

۳۲- دادن رأی باید مخفی باشد و از این جهت دارنده تعرفه باید قبل از دخول به مجلس انتخاب مطابق عده که اعلان شده است، اسم یک یا چند نفر را که دارای شرایط انتخاب شدن باشند، روی کاغذ سفید بی‌نشان نوشته تا کند و با خود داشته باشد.

۳۳- پس از حضور اعضای انجمن و افتتاح مجلس انتخاب در ساعتی که اعلان شده، قبل از شروع به گرفتن اوراق انتخاب رئیس انجمن نظار جعبه‌ی که برای ضبط اوراق انتخاب است، در حضور اعضای انجمن و حاضرین از انتخاب کنندگان باز نموده خالی بودن آن را می‌نماید.

۳۴- دارندگان تعرفه برای ورود به مجلس انتخاب باید تعرفه و ورقه انتخاب خود را در دست داشته باشند.

۳۵- اشخاصی که تعرفه ندارند حق دخول و مزاحمت را ندارند.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

۳۶- هر یک از دارندگان تعرفه پس از ورود به مجلس انتخاب در کمال آرامی تعرفه و ورقه انتخاب خود را به رئیس خواهد داد.

۳۷- رئیس نمره تعرفه را به صوت بلند می‌گوید تا یکی از اعضای انجمن نمره را در کتابچه ثبت تعرفه پیدا نموده نشان کند. پس از نشان نمره رئیس تعرفه را به صاحبش رد نموده و ورقه انتخاب او را بدون نگاه کردن در جعبه انتخاب می‌اندازد.

۳۸- انتخاب کنندگان پس از دادن ورقه انتخاب و پس گرفتن تعرفه در صورت تنگی جای و اختلال نظم و ترتیب انتخاب و امر رئیس از مجلس انتخاب خارج خواهند شد.

۳۹- رئیس از حضور عده از انتخاب کنندگان در مجلس انتخاب مضایقه نخواهد نمود، مگر اینکه موجب تنگی مکان و معطلی و بی‌نظمی امر انتخاب بشود. در این صورت اطاعت امر رئیس واجب است.

۴۰- دخول در مجلس انتخاب با داشتن حربه ممنوع است.

۴۱- پس از انقضای وقت مجلس انتخاب یا نشان شدن تمام نمره‌ها در کتابچه ثبت تعرفه رئیس ختم انتخاب را به صوت بلند اعلان می‌نماید و پس از آن دیگر از کسی ورقه انتخاب قبول نمی‌شود.

۴۲- پس از اعلان ختم رئیس جعبه انتخاب را در حضور اعضای انجمن نظار و حاضرین از انتخاب کنندگان خالی نموده امر به استخراج اسامی می‌نماید.

۴۳- کار اول تعیین عده اوراق انتخاب خواهد بود و نتیجه آن به توسط منشی انجمن در صورت مجلس روز انتخاب ثبت می‌شود.

۴۴- پس از تعیین عده اوراق انتخاب یکی از اعضا اسامی مرقومه روی اوراق را یک یک به صوت بلند می‌خواند و به یک نفر دیگر از اعضا می‌دهد.

۴۵- منشی مجلس باید اسامی که خوانده می‌شود در بالای صفحه کاغذی سیاهه نموده هر چند دفعه که یک اسم مکرر می‌شود زیر آن برای شماره علامتی بگذارد.

۴۶- در صورتی که روی اوراق انتخاب بیشتر یا کمتر از عده معینه در اعلان اسامی نوشته باشد، نقصی در امر انتخاب حاصل نخواهد شد. در صورت اول آن عده اسمی که زیاد نوشته شده از آخر ورقه خوانده نخواهد شد.

۴۷- از اوراق آنچه سفید یا لایقرا باشد یا آنکه صحیحاً معرفی انتخاب شده را نکند یا امضای انتخاب کننده را داشته باشد یا بیش از یک ورق باشد، محسوب نخواهد

بود ولی عیناً ضمیمه صورت مجلس می شود.

۴۸- بلافاصله پس از استخراج و شماره آراء، رئیس نتیجه را به صوت بلند اعلان می نماید و اوراق انتخاب را پاره و باطل می نماید به استثناء آنهایی که در ماده فوق ذکر شد که ضمیمه صورت مجلس می شود.

۴۹- انتخاب شدگان اشخاصی خواهند بود که اکثریت آرا نسبتاً به طرف ایشان باشد.

۵۰- صورت مجلس انتخابات را منشی در دو نسخه تحریر نموده به امضای اعضای انجمن نظار می رساند. یک نسخه به حاکم یا نایب الحکومه داده خواهد شد و نسخه دیگر با کتابچه ثبت تعرفه و اوراق مذکور در ماده فوق در نزد یکی از اعضا که انجمن نظار معین کنند، امانت می ماند که پس از تشکیل به انجمن بلدیّه تسلیم نماید.

۵۱- در صورت تساوی آرای منتخب به حکم قرعه معین می شود.

۵۲- در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود، جمعه آینده خواهد بود.

۵۳- اگر از انتخاب کنندگان و انتخاب شوندهگان کسی در حین انتخاب شکایت یا ایرادی در امر انتخاب داشته باشد، مانع از انجام انتخاب نخواهد شد، ولی شرح آن شکایت باید در صورت مجلس درج بشود.

۵۴- شکایات و ایرادات راجعه به انتخابات باید در ظرف یک هفته بعد از ختم انتخابات به انجمن نظار اظهار شود تا انجمن رسیده گی نموده حکم خود را بدهد و نتیجه را ضمیمه صورت مجلس انتخاب نماید.

۵۵- متشکین از انتخابات اگر از حکم انجمن نظار راضی نباشند می توانند پس از افتتاح انجمن بلدیّه شکایات خودشان را در ظرف هفته اول به انجمن بلدیّه اظهار نمایند. حکم انجمن بلدی قطعاً خواهد بود.

۵۶- حق ایرادات و اعتراض بر انتخابات را اشخاصی دارند که حق انتخاب شدن را داشته باشند. انجمن نظار یک هفته بعد از انجام انتخابات متفرق خواهد شد.

۵۷- اسامی انتخاب شدگان برای انجمن بلدیّه بعد از اتمام انتخابات از طرف حاکم در روزنامه طبع خواهد شد.

۵۸- در شهرهای بزرگ برای تسهیل امر انتخاب انجمن نظار می تواند در هر محله شعبه جداگانه مرکب از شش نفر تشکیل نماید که به ترتیب فوق منتخبین آن محله

را تعیین کند.

۵۹- اعمال انجمن نظار و شعب آن از دادن تعرفه و تحصیل آرا در روز انتخاب و غیره باید مقارن یکدیگر باشد و در یک روز اختتام پذیرد.

فصل سوم

ترتیب و وظایف انجمن بلدیه

۶۰- یک هفته پس از انجام انتخاب اعضا، انجمن بلدیه منعقد گشته مشغول امور راجعه به خود می‌شود.

۶۱- انجمن بلدیه بعد از تشکیل اگر خللی در امر انتخاب یکی از محلات مشاهده نماید، می‌تواند با اطلاع حکومت امر به تجدید انتخاب در آن محله نماید.

۶۲- انجمن بلدیه مرکب است از اعضای که به مدت چهار سال به موجب این نظامنامه انتخاب می‌شود.

۶۳- اعضای انجمن بلدیه قبل از شروع به اجرای وظایف خود قسم یاد خواهند کرد که با کمال راستی و درستی تکالیف خود را انجام دهند.

۶۴- اعضای انجمن بلدیه از طرف دولت یا ملت موظف نخواهند بود.

۶۵- اگر یکی از اعضای انجمن بلدیه از این شغل استعفا نماید و یا آنکه به جبهتی از جهات که در ماده ۱۲ این نظامنامه مصرح است از عضویت انجمن محروم شود، به جای آن عضو دیگری از محل خودش انتخاب خواهد شد.

۶۶- هیچکس از اعضای انجمن بلدیه نباید بدون عذر موجه از حضور در اجلاسات انجمن خودداری نماید.

۶۷- عضو غایب باید رئیس انجمن را هر دفعه از جهت غیبت خود مطلع نماید و رئیس انجمن اظهار عضو غایب را به اطلاع انجمن برساند.

۶۸- هرگاه عضوی در انجمن حاضر نشد و به رئیس انجمن جهت غیبت خود را اطلاع نداد و یا اینکه اطلاع داد ولی انجمن به اکثریت دو ثلث آرا عذر او را موجه ندانست، دفعه اول و دوم رئیس او را توبیخ خواهد کرد و در دفعه سیم از حضور در انجمن معاف خواهد شد.

۶۹- رئیس انجمن بلدیه را خود انجمن از میان خود به اکثریت آرا انتخاب خواهد

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

کرد. در پایتخت و کرسی‌های ایالت فرمان همایون در استقرار او بدین سمت صادر خواهد شد. روسای انجمن‌های بلدیه شهرهای دیگر بدین سمت به حکم وزیر داخله مستقر خواهند نمود. منشی انجمن را نیز خود انجمن با رعایت کثرت آرا از اعضا انتخاب خواهد کرد.

۷۰- وظایف انجمن بلدیه از این قرار است: اولاً انتخاب اجزای بلدیه و مستخدمینی که موافق این نظامنامه باید از طرف انجمن انتخاب شوند. ثانیاً تعیین مقرری برای مستخدمین ادارات بلدیه. ثالثاً ترتیب تکالیف و وظایف اداره بلدیه و دوایر جزو او و نوشتن دستورالعمل آنها. رابعاً مذاقه در عمل بودجه بلدیه. خامساً تعیین مقدار فروعات و عوارضی که برای مصارف بلدیه از اهالی شهر به موجب قانون گرفته می‌شود. سادساً تبدیل عوارض جنسی به نقدی. سابعاً تعیین اینکه از چه نوع بقایای شهری که لاوصول مانده باید صرف نظر بشود. ثامنناً ترتیب حفظ و اداره کردن سرمایه‌ها و اموال بلدیه و همچنان نظم و ترتیب تاسیسات خیریه از قبیل مریضخانه و کتابخانه و غیره که به خرج شهر دایر شده. تاسعاً تحصیل اموال غیر منقوله. عاشراً خرید و فروش اموال غیر منقوله و تعیین قواعد خرید آنچه که برای ترتیب ابنیه و کوچه‌ها موافق نقشه که ممضی و مقبول شده و لازم است. واحد عشرماً تعیین و تعدیل نرخ گوشت و نان و سایر ارزاق و میزان اجرت کالسکه‌های کرایه و تراموای و سایر اسباب حمل و نقل. اثنین عشرماً مذاقه در لایحه استقراض شهری و کلیه قراردادهایی که به اسم شهر منعقد خواهد شد. ثلاث عشرماً قبول نمودن وجه اعانه به اسم شهر. اربع عشرماً ترتیب قواعدی که برای اجرای مواد سابق‌الذکر لازم خواهد شد. خمس عشرماً ترتیب لوائح تغییر و تکمیل نقشه‌های شهری و ترتیب نقشه‌های جدید. سادس عشرماً رسیدگی به حساب اداره بلدیه و نظارت و تفتیش اعمال آن اداره و رسیدگی به مواد شکایات که در آن اداره طرح می‌شود. سبع عشرماً مسئول نمودن مستخدمین و عمال بلدیه. ثمانینه عشرماً تقدیم لوائح و عرایض به وزیر داخله به توسط حاکم محل در احتیاجات اهالی شهر و منافع آنها. تسعة عشرماً تعیین مقدار عوارضی که باید مردم از بابت استفاده از راههای اطراف شهر و پلها و معابر و سلاخ خانه‌ها و لوله‌های مجاری آبها و زیر آبها که به خرج شهر ساخته شده است بدهند. همچنان تعیین مقدار حق الارضی که باید شرکت‌های کشتی‌رانی و صاحبان کشتی از بابت اسکله‌هایی که ساخته شده است بدهند. عشرین رسیدگی

به صحت موازین و مقادیر. احد عشرینا تعیین محلی برای سپردن و نگاهداری اطفال و مجانین و حیوانات گمشده و طریق ایصال ایشان به اولیای آنها.

۷۱- انجمن بلدیہ در عرض سال معمولاً کمتر از شش و زیادتر از بیست و چهار مرتبه منعقد نمی‌شود، مگر به اقتضای حاجت و تصویب خود انجمن که فوق‌العاده منعقد تواند شد. فهرست اجلاس‌های خود را انجمن بلدیہ در برج حوت برای سال آتیہ ترتیب داده اعلان خواهد کرد.

۷۲- هر دفعه قبل از انعقاد انجمن بلدیہ رئیس انجمن فهرست اموری که باید مطرح مذاکره و مذاقه شود، ترتیب داده برای اعضای انجمن بلدیہ خواهد فرستاد و نسخه هم برای اطلاع حاکم محل به حکومت ارسال خواهد داشت. هرگاه در اجلاس انجمن بلدیہ در یک روز فرصت مذاکره در تمام امور معینه نشد، روزهای بعد به آن امور رسیدگی خواهد شد.

۷۳- انجمن بلدیہ به حکم وزیر داخله در پایتخت و حکام در ولایات فوق‌العاده تشکیل تواند شد، ولی باید قبل از وقت فهرست اموری که در انجمن مطرح مذاکره خواهد شد، به توسط رئیس انجمن بلدیہ برای اعضا فرستاده شود.

۷۴- امور راجعه به انجمن بلدیہ به موجب اظهار اشخاص ذیل طرح می‌شود: اولاً به تکلیف رئیس انجمن بلدیہ و اعضای آن. ثانیاً به موجب اظهار کتبی حاکم محل. ثالثاً به اظهار اداره بلدیہ. رابعاً به موجب اظهار و شکایت اشخاص متفرقه.

۷۵- اعضای انجمن در صورتی که بخواهند مطلبی را اظهار نمایند، باید کتباً به رئیس انجمن اعلان نمایند. بعد از این اعلام مسئله را رئیس به انجمن اظهار می‌دارد و در صورتی که انجمن اظهار مسئله را تصویب نمود، اعضا شروع در مذاکره می‌نمایند.

۷۶- انجمن بلدیہ می‌تواند تسویه اموری را که وقت مخصوص لازم دارد، به عهده یکی یا چند نفر از اعضای بلدیہ محول کند.

۷۷- رئیس انجمن بلدیہ حق دارد که برای حضور در مجلس اشخاصی را که اطلاعات آنها باعث پیشرفت و مذاکره و مذاقه در امور است، دعوت نماید.

۷۸- برای اعتبار قراردادهای انجمن بلدیہ اقلماً باید نصف اعضا حاضر باشند، ولی در اجلاساتی که در مواقع بلیات ارضی و سماوی و یا جنگ به طور فوق‌العاده تشکیل می‌شود، از این قاعده صرف نظر خواهد شد و قرارداد انجمن با حضور هر قدر از

اعضا معتبر خواهد بود.

۷۹- برای قراردادهای انجمن بلدیه در مواد ذیل باید اقلأً دو ثلث از اعضا حاضر باشند: اولاً در باب فروش اموال غیر منقوله متعلق به شهر و خرید اموال غیر منقوله برای شهر. ثانیاً تعیین قیمت اراضی که برای ساختن ابنیه به اشخاص متفرقه فروخته می‌شود و یا برای تصحیح نقشه شهر ابتیاع می‌شود. ثالثاً استقرضات و ضمانات که از طرف شهر می‌شود. رابعاً تبدیل عوارض جنسی به نقدی. خامساً تعیین مسئولیت مستخدمین اداره بلدیه و دوایر جزو آن.

۸۰- غیر از مواردی که در ماده هفتاد و پنج اشاره شده است، سایر امور راجعه به انجمن بلدیه به اکثریت آرا حل و تسویه می‌شود. در صورت تساوی آرا رأی رئیس دو رأی محسوب می‌شود. هیچ عضوی بیش از یک رأی ندارد و رأی خود را نمی‌تواند به دیگری محول کند.

۸۱- در باب تعیین مستخدمین اداره بلدیه و دوایر جزو آن و مقرری آنها و مسئولیت اجزا و مستخدمین رأی مخفی گرفته می‌شود، ولی در سایر امور انجمن مختار است رأی را مخفی یا علنی بگیرد.

۸۲- تمام قراردادهای انجمن بلدیه باید در دفتری ثبت شده به امضای رئیس انجمن و اعضای که در مذاکرات شرکت داشته‌اند، برسد و صورت مجلس را منشی انجمن و منشی اداره بلدیه نیز امضا می‌نماید و ترتیب دفاتر به عهده منشی‌های مزبوره است.

۸۳- کلیه قراردادهای انجمن بلدیه یا منضات آن باید به توسط رئیس انجمن برای حاکم محل فرستاده شود و آنچه که باید در روزنامه‌جات طبع و نشر شود، با تصویب انجمن برای اطلاع اهالی شهر اعلان و اعلام خواهد شد.

۸۴- از قراردادهای انجمن آنچه باید به امضای حاکم یا وزیر داخله برسد، بعد از امضا به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

۸۵- از قراردادهای انجمن بلدیه آنچه که باید به امضای حاکم برسد، از این قرار است: اولاً تعیین قیمت اراضی شهری که باید فروخته یا ابتیاع شود. ثانیاً استقرضات و ضماناتی که از طرف شهر می‌شود. ثالثاً تعدیل و تسهیل نرخ نان و گوشت و سایر ارزاق. رابعاً کرایه کالسکه و درشکه و تراموای و سایر وسایل حمل و نقل. خامساً تغییر در نقشه شهر و ترتیب نقشه‌های جدید. سادساً حقوقی که از

سفاین در اسکله‌هایی که به خرج شهر درست شده اخذ می‌شود. سابقاً کلیه دستورالعمل‌هایی که انجمن بلدیه برای ادارات بلدیه و ادارت خیریه که در اداره شهر است ترتیب می‌دهد.

۸۶- از قراردادهای انجمن بلدیه آنچه که باید به امضای وزیر داخله برسد، از این قرار است: اولاً تسعیر عوارض جنسی شهر. ثانیاً به خرج شهر کوچه‌ها و پیاده‌روها را پاک کردن و نگاهداشتن مستحفظین حریق و تنظیفات بلدیه و ترتیب زیرآب سازی‌ها. ثالثاً فروش و انتقال اموال غیر منقوله شهر به استثنای اراضی کوچک که در فقره اول ماده ۸۵ تصریح شده. رابعاً استقراضات و ضمانت‌هایی که از طرف شهر می‌شود. خامساً تعیین وجوهی که از بابت ساختن راهها و پلهای اطراف شهر و بنای سلاخ خانه‌ها و مجاری آبها و غیره داده می‌شود. سادساً تعیین حق الارض و اراضی که در سواحل دریاها و رودخانه‌ها به اشخاص متفرقه و یا شرکتها داده می‌شود که اسکله بنا نمایند و یا برای بار گرفتن و یا بار دادن سفاین استعمال کنند. سابقاً ترتیب دستورالعمل‌های راجعه به ادارات خیریه و حفظ اموال غیر منقوله شهر در پایتخت و کرسی‌های ایالات و ولایات.

۸۷- هرگاه حاکم قرار داد انجمن بلدیه را تصویب ننمود، باید جهت عدم موافقت خود را به انجمن بلدیه اظهار نموده، انجمن را متقاعد نماید و در صورتی که انجمن متقاعد نشد، قرارداد انجمن را حاکم به وزیر داخله تقدیم نماید که موافق ماده ۸۸ اقدام شود.

۸۸- قراردادهای انجمن بلدیه که باید به تصویب و امضای وزیر داخله برسد، به توسط حاکم به وزیر داخله تقدیم خواهد شد. وزیر داخله مکلف است که با کمال دقت به قرارداد انجمن و اعتراض حاکم در آن باب رسیدگی نماید. هرگاه قرارداد انجمن راجع به امری بوده که از تکالیف انجمن بلدیه خارج است، اعتراض حاکم را تصدیق نموده آن قرارداد را امضا نمی‌نماید. ولی در صورتی که قرارداد انجمن بلدیه خارج از تکالیف و حدود آن نبود، ولی به جهتی یا ملاحظه مخالف با مصالح عامه و یا منافع شهر است، وزیر داخله باید مسئله را در مجلس وزرا مذاکره نماید. چنانچه مسئله راجع به ازدیاد عوارض است، در مجلس شورای ملی مطرح شود و اگر محتاج به ایجاد قوانین جدید باشد، در مجلس شورای ملی و سنا مورد مذاقه گردد.

۸۹- هرگاه در انجمن بلدیه اعضا به قدری که برای اعتبار قرارداد انجمن لازم

است حاضر نشدند، انجام امور محول به اجلاس دیگر می‌شود و اگر در اجلاس ثانی اعضا باز به قدر لزوم حاضر نشدند، اداره بلدیه راپورتهای خود را با راپورتهای دوائر جزو به حاکم محل می‌دهد و هرگاه حاکم با رأی بلدیه موافقت ننمود، باید به طوری رفتار نماید که در باب قراردادهای انجمن در ماده ۸۷ مقید است.

۹۰- انجمن بلدیه می‌تواند که قواعد لازمه را در باب تنظیفات کوچکها و دستورالعمل‌های راجعه به ساختن پشت بام‌ها و ناودان‌ها و پاگیژی مجاری میاه و اقدامات حفظ الصحه و ضد عفونت و تمیزی میدان‌ها و اقدامات ضد حریق و حفظ و حراست اهالی از مواد محترقه و غیره ترتیب نماید.

۹۱- کلیه این قواعد و دستورالعمل‌ها با رعایت حدود قوانین شرع انور به امضای حاکم رسیده به توسط اداره پلیس به موقع اجرا گذاشته خواهد شد.

فصل چهارم

اداره بلدیه

۹۲- اداره بلدیه مرکب است از اعضای که انجمن بلدیه انتخاب کرده است. عده اعضای اداره بلدیه چهار نفر خواهد بود.

۹۳- اداره بلدیه در تحت ریاست رئیس انجمن بلدیه خواهد بود و رئیس مزبور که موسوم به کلاتر است، یک نفر معاون از اعضای اداره بلدیه به انتخاب انجمن بلدیه خواهد داشت و معاون مزبور که بدین سمت به حکم وزیر داخله استقرار می‌یابد، در موارد غیبت یا مرض کلاتر قایم مقام او خواهد بود. منشی اداره بلدیه را نیز انجمن بلدیه از میان اعضای اداره بلدیه معین خواهد کرد. مدت ماموریت کلاتر و اعضای بلدیه چهار سال است. در دوره اول بعد از دو سال نصف اعضای بلدیه به حکم قرعه خارج شده و به جای آنها اعضای جدید انتخاب می‌شوند و بعد از انقضای هر دو سال آن نصف اعضای که چهار سال مدت ماموریتشان به سر آمده خارج شده و اعضای جدید انتخاب می‌شوند. انتخاب اعضای سابق با اکثریت آرا انجمن بلدیه جایز است.

۹۴- اداره بلدیه مکلف است که موافق این نظامنامه و مطابق دستورالعمل‌های انجمن بلدیه امور شهر را اداره نماید. اداره بلدیه صورت صحیحی از کلیه اموال

متعلقه به شهر را داشته باشد و امور جاریه شهر را انجام بدهد و پیوسته درصدد فراهم نمودن اصلاح وضع شهر باشد و اطلاعاتی که برای انجمن بلدیه لازم می‌شود، تحصیل کرده به انجمن مزبور برساند و موافق احکام آن عمل نماید و لویای جمع و خرج شهر را مرتب کند و مالیات و عوارض شهری را وصول نموده بر طبق دستورالعمل‌های انجمن بلدیه که موافق قوانین خواهد بود، خرج نماید و در دیوانخانه‌ها و محاکم عدلیه برای امور شهری مدعی و مدعی‌الیه واقع شود و به جاهای لازم شکایت نماید و به اجازه و دستورالعمل انجمن بلدیه به ادارات جزو خود تفتیش و رسیدگی نماید و کلیه حساب و راپورت اقدامات خود را با نتیجه تفتیش و رسیدگی به ادارات جزو را به انجمن بلدیه بدهد و راپورتهای و حساب‌های مزبوره را به طبع رسانده اشاعه دهد.

۹۵- امور داخلی اداره بلدیه و تقسیم کارها در آن اداره موافق دستورالعمل انجمن بلدیه مرتب خواهد شد. امور راجعه به اداره بلدیه به اکثریت آراء انجام می‌یابد در صورت تساوی آراء، رأی کلاتر اکثریت را معین می‌کند. ولی هر گاه کلاتر رأی اکثریت را مضر مصالح عموم و منافع شهر بداند، مجاز است که رای اداره بلدیه را موقوف‌الاجرا گذارده مراتب را به انجمن بلدیه اظهار کند.

۹۶- کلاتر مکلف است که کمال مراقبت را در انتظام امور اداره بلدیه به عمل آورد.

۹۷- حاکم حق تفتیش و رسیدگی به اداره بلدیه و ادارات جزو آن را دارد هر گاه در اعمال اداره بلدیه چیزی مشاهده کند که خلاف قاعده و دستورالعمل‌ها باشد، حق دارد به اداره بلدیه اخطار نماید و در صورتی که اداره مزبوره متنبه نشود، مراتب را به انجمن بلدیه اظهار کند و چنانچه انجمن بلدیه با اداره بلدیه هم رأی شد، مسئله به وزیر داخله تقدیم خواهد شد. حکم وزیر داخله برای اداره بلدیه حتمی‌الاجری است. ولی انجمن بلدیه حق دارد مادامی که دیوانخانه ادارات تشکیل نشده، به کمیسیون مرکب از اعضای شورای ملی و سنا به عده تساوی شکایت نماید.

۹۸- ادارات بلدیه می‌توانند عرض حال و مستدعیات خودشان را به توسط حاکم به وزارتخانه‌های لازمه تقدیم نمایند.

۹۹- برای اینکه امور شهری خوب اداره شود، انجمن بلدیه حق دارد که کمیسیون‌های اجرائی تشکیل کرده به هر کدام رشته کاری را بسپارد. کلیه

کمیسیون‌ها در تحت نظارت اداره بلدیه بوده موافق دستورالعمل‌های انجمن بلدیه رفتار خواهند کرد.

۱۰۰- رؤسای کمیسیون‌ها را اداره بلدیه از میان اعضای خود انتخاب خواهد کرد و اگر اداره بلدیه تصویب نماید که رئیس کمیسیون از خارج انتخاب شود، آن شخص در اداره بلدیه در موقع مذاکره امور راجعه به کمیسیون حاضر و صاحب رأی خواهد بود.

۱۰۱- هرگاه برای اداره کردن اموال و دارائی شهر اشخاصی لازم شود که اهل خبره و فن باشند، اداره بلدیه حق دارد به قدر حاجت این نوع اشخاص را از خارج مستخدم نماید. عزل و نصب اجزای اداره بلدیه از قبیل محرر و دفتردار و غیره با کلاتر است.

۱۰۲- کلاتر و معاون او و اعضای اداره بلدیه و سایر مستخدمین بلدیه از خریدن اموال شهر در موارد فروش آنها ممنوع‌اند.

فصل پنجم

در باب مستخدمین بلدیه

۱۰۳- هرگاه در انجمن بلدیه شکایتی از کلاتر یا معاون او و یا یکی از مستخدمین اداره بلدیه و دوائر جزو آن مطرح مذاقه باشد، مستخدمین مزبور نمی‌توانند در انجمن حاضر شوند و انجمن بلدیه در این موارد رئیس و معاون جدیدی موقتاً انتخاب می‌نماید.

۱۰۴- کلاتر و معاون او و اعضای اداره بلدیه و منشی آن اداره جزو مستخدمین دولت محسوب خواهند بود و در ترفیع رتبه و سایر حقوق حکم مستخدمین دولتی را خواهند داشت.

۱۰۵- قواعد انفصال مستخدمین فوق‌الذکر در صورت استعفاي آنها قبل از انقضای مدت چهار سال از قرار تفصیل است: انفصال کلاترها در پایتخت و کرسیهای ایالات منوط به اجازه همایونی است. انفصال کلاترها در شهرهای متوسط و کوچک و همچنان معاون کلاترها مطلقاً به اجازه وزیر داخله است.

۱۰۶- کلاتر و معاون او و اعضای اداره بلدیه و اجزای دوائر و انجمن‌های جزو آن

علامتی موافق نقشه و نمونه که به امضای همایونی رسیده، خواهند داشت و ملبوس معینی به ترتیب مخصوص به آنها داده می‌شود.

۱۰۷- انتخاب کلانتر و معاون او برای مدت چهار سال است. تعیین مدت ماموریت منشی اداره بلدیة منوط برای انجمن بلدیة است.

۱۰۸- مستخدمین اداره بلدیة که از خارج دعوت می‌شوند، باید شرایطی را دارا باشند که دربارهٔ انتخاب کنندگان اعضای انجمن بلدیة مقید است.

سواد دستخط مبارک

قرارداد نامه بلدیة بطوری که نوشته شده است صحیح است

۲۰ ربیع الثانی ۱۳۲۵

۰۷ قانون مطبوعات

قانون مطبوعات

محل دستخط و مهر همیونی

بسمه تبارک و تعالی

قانون مطبوعات بطوری که نوشته شده است صحیح است و به همین طور اجرا شود.

شنبه ۵ شهر محرم ۱۳۲۶

بسم الله الرحمن الرحيم

موافق اصل بیستم از قانون اساسی عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است. ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده بشود، نشر دهنده یا نویسنده بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. اگر نویسنده معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند. مقرر می‌شود طبع کتب و روزنامه‌جات و اعلانات و لوايح در تحت قوانین مقررہ ذیل که از برای حفظ حقوق هموم و سد ابواب مضار از تجاوزات ارباب قلم و مطبوعات وضع می‌شود، آزاد است هر کس بخواهد مطبعه دایر نماید یا کتاب و جریده و اعلاناتی به طبع برساند یا مطبوعات را بفروشد، باید بدو عدم تخلف از فصول این قوانین را نزد وزارت معارف به التزام شرعی ملتزم و متعهد شود.

فصل اول چاپخانه و کتاب فروشی

ماده ۱- چاپخانه حق ندارد چیزی به طبع برساند بدون اینکه اسم نویسنده و رسم او را بداند و بدون اینکه اسم و رسم خود را در آخر آن مطبوع درج کند.

ماده ۲- کتاب فروش حق ندارد از مطبوعات آنچه را که نویسنده و مطبعه آن بطور وضوح معرفی نشده‌اند بفروشد مگر کتبی که قبل از این تاریخ طبع شده و به جهتی

دیگر از جهات قانونی ممنوع نباشد.
ماده ۳- کتاب فروش حق ندارد کتابی را بفروشد که قانوناً قدغن شده باشد.

فصل دوم طبع کتب

ماده ۴- طبع کتب متداوله غیر از کتب ممنوعه و کتب جدیده و غیر از کتب مذهبی آزاد است. کتب جدیده مذهبی باید قبل از طبع به نظر و ممیزی هیئتی که در اداره معارف به نام مجمع علوم دینیّه تشکیل می‌شود، رسیده و تصویب شده باشد.
ماده ۵- از هر نسخه که به طبع می‌رسد، چاپ کننده دو نسخه برای ضبط در کتابخانه ملی و تکمیل مجموعه مطبوعات می‌فرستد. در پایتخت این دو نسخه را رسماً نزد وزارت علوم و در سایر بلاد به شعب وزارت علوم و اداره معارف می‌فرستند. در هر صورت قبض رسید دریافت می‌کنند و در آن قبض باید عنوان کتاب و عده نسخ آن که به طبع رسیده، مذکور باشد. چاپ کننده به موجب این فصل ملتزم شرعی است که در صورت تخلف سه تومان الی شصت تومان مجانی دادنی باشد، بسته به نظر حاکمه قضیه.

فصل سوم روزنامجات مقررہ

ماده ۶- هر روزنامه و جریده باید یک نفر مدیر مسئول داشته باشد متصف به صفات ذیل: (۱) ایرانی باشد. (۲) سنش به سی سال بالغ باشد. (۳) زوال شرف از او نشده باشد، یعنی مرتکب جنحه و جنایات و مشهور به فسق و فساد عقیده نباشد.
ماده ۷- اسم و رسم مدیر روزنامه و اسم مطبعه که در آن روزنامه چاپ می‌شود، باید روی هر نمره به طبع رسیده باشد. هر یک از مدیر روزنامه و مطبعه به موجب این فصل ملتزم شرعی‌اند که در صورت تخلف از وظیفه خود از یک تومان الی سه تومان مجاناً دادنی باشند. در صورتی که در سنه واحده تخلف در این فصل مکرر واقع شود، علاوه بر وجه ملزومی به هر تکراری یک تومان اضافه بدهد.
ماده ۸- قبل از طبع و انتشار هر روزنامه و ورقه مقررہ مدیر جریده مکلف است که اظهارات ذیل را در روی یک ورقه به نظارت انطباعات بفرستد: ۱- اسم و رسم مدیر

روزنامه و محل اداره آن. ۲- اسم و رسم مطبعه که روزنامه در آن به طبع خواهد رسید. ۳- عنوان روزنامه و جریده مرتب طبع آن که یومیه است یا هفتگی است یا ماهانه. ۴- عده چاپ هر نمره. ۵- مسلک روزنامه و سیاق مطلب آن در صورت تغییر هر یک از کیفیات فوق باید در ثانی معلومات لازمه به نظارت انطباعات داده شود و این اظهارات باید همه مکتوباً در روی ورقه معینه با امضای مدیر مسئول به عمل آمده آن ورقه تمبر دولتی خورده باشد. به موجب این فصل مدیر مسئول روزنامه ملتزم است که در صورت تخلف از پنج الی پنجاه تومان دانی باشد.

ماده ۹- در موقع انتشار هر یک از نمرات روزنامه دو نسخه روزنامه به امضای مدیر برای اداره معارف آن شهر که در آن طبع می‌شود و دو نسخه از برای کتابخانه و قرائت خانه ملی فرستاده می‌شود. در صورت تخلف مدیر روزنامه پنج تومان مجاناً دانی خواهد بود.

تعرضات

ماده ۱۰- هر گاه روزنامه و جریده نسبت به یکی از مأمورین دولتی یا به یکی از ادارات چیزی درج کرده باشد که به شغل ایشان بربخورد، آنچه را که در توضیح و رد ایراد آن شخص یا به آن اداره نزد مدیر روزنامه بفرستد، باید بدون تاخیر و تحریف در ستون اول نمره آتیه روزنامه درج کند. عبارت مقوله جوابیه می‌باشد بیش از ضعف مقاله تعرضیه نباشد والا مازاد را باید صاحب مقاله جوابیه اجرت چاپ از قرار عادلانه بدهد. برای تخلف از این اصل مدیر روزنامه از ده الی صد تومان دانی خواهد بود.

ماده ۱۱- در غیر اشخاص رسمی امتناع مدیر روزنامه از درج ماقله جوابیه مستوجب دادن پنج الی پنجاه تومان وجه ملزومی خواهد بود. این نوع از مقالات باید در همان محل و به همان حروف که مقاله اولیه مندرج بوده به طبع برسد.

ماده ۱۲- رد تعرض هر چند نوبت که تبادل بشود، روزنامه از قبول آن ناگزیر است به شرحی که در فصل دهم و یازدهم مذکور شد.

ماده ۱۳- مدیر روزنامه مسئول مقالات مندرجه در روزنامه است و همچنان مسئول اعلاناتی است که در روزنامه به طبع می‌رسد در مقالات با امضا وقتی مدیر مسئول

نیست که منهیات مسلمه واضحه چیزی در مقاله مندرج نباشد والا مدیر نیز مسئول است.

ماده ۱۴- مدیر روزنامه مختار است مقاله و لوایحی را که نزد او می‌فرستند، مادامی که شامل ممنوعات قانونی نباشد، قبول کرده در روزنامه درج کند. آنچه خلاف قانونی داشته باشد، ممنوع است ولو از طرف ادارات رسمی اظهار شده باشد. ماده ۱۵- رد روزنامه‌جاتی که درج اعلانات معمول است، مدیر حق طفره و تعریق از درج اعلانات رسمی ندارد. اجرت طبع از قرار معمول به آنها داده می‌شود.

روزنامه‌جات خارجه

ماده ۱۶- روزنامه‌جات و اوراق که در خارجه به طبع می‌رسند، به هر زبان که باشد بر حسب مصلحت ملک و ملت از ورود و انتشار ممنوع توانند شد. هر گاه علت منع در یک نمره باشد، تشخیص وزارت معارف برای جمع‌آوری و ضبط آن کافی است و در منع کلی مذاقه مجلس وزرا لازم است به موجب این ماده هر کس روزنامه‌جات و اوراق ممنوعه را وارد کند یا انتشار بدهد، از یک ماه الی یک سال حبس خواهد شد.

فصل چهارم اعلانات

ماده ۱۷- طبع و نشر اعلانات آزاد است، لکن اگر مضمون اعلان شامل قبايح و فضايح باشد یا داعی به فساد و اختلال امور عامه مطبعه و متصدی هر دو مسئولند و اداره نظمیة حق توقیف اینگونه اعلانات را داشته مرتکب و متصدی را به محکمه عدالت جلب خواهد کرد.

ماده ۱۸- اعلان لایحه و آنچه از این قبیل مطلقاً به چاپ می‌رسد و محل مطبعه را حاوی باشد تخلف از این ماده متصدی و مرتکب را از یک تومان الی سه تومان وجه ملزومی ملتزم خواهد کرد و یا به نظر حاکم قضیه از یک روز الی سه روز حبس می‌شود.

ماده ۱۹- اعلانات رسمی که از طرف ادارات دولتی به طبع می‌رسند، روی کاغذ سفید خواهد بود. سایر اعلانات از هر کس و هر جا روی کاغذ رنگین به طبع

می‌رسد تا اعلانات رسمی از اعلانات شخصی ممتاز باشد. در صورت تخلف از این ماده متصدی چهار هزار دینار الی پانزده هزار دینار دادنی خواهد بود و در صورت تکرار تخلف در عرض یک سال از یک روز الی پنج روز حبس خواهد شد.

ماده ۲۰- در صورت باطل کردن یا دریدن و کندن اعلانات رسمی دولتی و اعلاناتی که در مواقع انتخاب وکلای ملت نصب می‌شود، مرتکب از یک روز الی سه روز حبس خواهد شد. چنانچه مرتکبین از اجزای ادارت دولتی باشند، از شش روز الی یک ماه حبس خواهند شد.

ماده ۲۱- مالکین بیوتات و عمارات حق منع از نصب اعلانات به در و دیوار عمارات خود دارند و هر گاه کسی بدون اجازه در املاک خاصه نصب اعلان کند، مالک حق ابطال دارد.

ماده ۲۲- سوای اعلانات رسمی و اعلانات انتخابیه، هر اعلانی باید تمبر دولتی بخورد و قیمت آن تمبر بر حسب عدّه اعلان و قطع ورق آن مختلف می‌شود موافق قانونی که در باب تمبر وضع خواهد شد طفره از ادای حق تمبر به اختلاف به التزام شرعی از ده تومان الی پنجاه تومان مجازات می‌شود.

دست فروش

ماده ۲۳- هر کس بخواهد روزنامه و کتب در معابر شهر و گذر بگرداند و بفروشد، باید خودش را به کدخدای محله خود معرفی کرده، پته بگیرد، اسم - منزل - محل تولد - اسم پدر و مدت اقامت در آن محله باید در روی پته نوشته شود. پته مزبور مجانی است.

ماده ۲۴- تقصیر در تحصیل پته اجازه مذکوره در ماده ۲۳ یا دادن تعرفه غلط و اسامی عوضی مرتکب را به پنج قران الی پانزده قران مجاناً ملتزم خواهد کرد. در صورت تکرار تقصیر محکوم به حبس خواهد شد در یک روز الی سه روز.

ماده ۲۵- دست فروش و دیگر از فروشندگان روزنامجات و لوايح و اعلانات و ارواق ممنوعه چه حاوی عبارت ممنوعه باشد چه مشمول به تصویر و اشکال قبیحه ماخوذ به مسئولیت می‌باشند و نظمیّه نظر به حفظ حقوق عمومی حق تعاقب و جلب ایشان را به محکمه دارد.

فصل پنجم حدود تقصیر نسبت به جماعت

ماده ۲۶- نطق و قرائت لواط و روزنامجات و دیگر مطبوعات در محافل عمومی یا نصب آن گونه مطبوعات یا مکنونات به در و دیوار و عرضه آنها بر انظار خلق به هر وسیله که بوده باشد، مادامی که در آنها ترغیب و تشویق و تهییج خلق به ارتکاب جنحه و جنایات شده باشد، اعم از اینکه منشا اثر بشود یا نشود، مستوجب سیاست مرتب خواهد بود و به تشخیص حکومت عرفیه در محاکم عرفیه از دو ماه الی دو سال حبس خواهد شد.

ماده ۲۷- تحریص و تهییج به سرقت و قتل و نهب و غارت یا تضعیف قدرت مملکتی در خارجه اعم از اینکه موثر شود یا نشود، یک سال الی پنج سال حبس و سیاست خواهد شد.

ماده ۲۸- سیاست اشخاصی که به انتشار اوراق و غیره باعث سلب امنیت و اختلال آسایش عمومی و انتظام داخله شوند، همچنان اشخاصی که از مرتکبین قتل و غارت و منشیین فتنه و آشوب و توقیر و تمجید کنند، همان است که در ماده ۲۶ - ۲۷ مذکور شد.

ماده ۲۹- ترغیب و تشویق و تهییج اهل نظام به نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی در حکم ماده بیست و هفت است.

ماده ۳۰- مرتکبین منهیات مذکوره در مواد ۲۶ الی ۲۹ به حکم التزام شرعی از ده تومان الی هزار تومان مجانی دادنی خواهد بود.

تقصیرات نسبت به افراد

ماده ۳۱- توهین به مقام منیع سلطنت ممنوع قانونی است و تخلف از این قانون مرتکب را اگر مدیرین جرائد باشند، از سه ماه الی یک سال محکوم به حبس و یا به التزام شرعی از ده تومان الی سیصد تومان دادنی خواهد کرد و اگر غیر از مدیرهای جرائد هستند، بر حسب تشخیص عرفی مرتکب را از سه ماه الی یک سال حبس خواهد شد. جریده یا لایحه که آن سوء ادب را کرده باشد یا مقاله مندرجه آن

شامل انحراف باشد توقیف خواهد شد و این توقیف ممکن است ابدی باشد. ماده ۳۲- جعل اخبار و مقالات فتنه‌انگیز و انتشار آنها و نسبت آنها به کسی به دروغ ممنوع است. مدیر روزنامه و معاونین او در تخلف از این ماده به التزام شرعی پنج تومان الی صد تومان داندنی خواهد بود، یا آنکه از یک ماه الی یک سال حبس خواهد شد.

ماده ۳۳- مقالات مضره به مذهب و عقیده اسلامی هر کس در روزنامه یا اوراق دیگر درج کند، از ده تومان الی سیصد تومان مجانی داندنی خواهد بود. روزنامه یا ورقه مذکوره اگر مستمر باشد، از یک ماه الی دو سال توقیف خواهد شد و صاحبش از یک ماه الی دو سال حبس طبع و انتشار و فروش اشکال قبیحه و مقالات مضره به عنف و عصمت یا مضره به اخلاق در همین حکم خواهد بود.

ماده ۳۴- هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد یا هیئت مادامی که مرتکب از ثبوت آن عاجز باشد و مطلقاً هرگونه تخفیف و تحقیر خواه به معنی باشد خواه به الفاظ نالایق مستوجب تهدید و سیاست خواهد بود.

ماده ۳۵- به موجب این ماده هر کس نسبتی از نسبت‌های مندرجه در ماده ۳۴ را به وسائلی که در ماده بیست و شش مذکور است، نطق لایحه، درج مقاله در روزنامجات به یکی از محاکم عدلیه یا اجزاء حریبه یا انجمن‌ها یا ادارات دولتی بدهد، از ده تومان الی سیصد تومان مجانی داندنی خواهد بود و یا از هشت روز الی یک سال حبس خواهد شد. اگر وسیله انتشار آن نسبت‌ها روزنامه باشد، در مدت مشخصه توقیف خواهد بود. ممکن است انواع تنبیه و سیاست را در زمان واحد مقتضی بدانند، بسته به نظر حاکم قضیه.

ماده ۳۶- همچنین است حکم نسبت‌های مذکور در ماده ۳۴ هر گاه آن نسبت‌ها به وزیری یا مبعوثی چه از وکلای مجلس شورای ملی چه از وکلای مجلس سنا یا یکی از کارگذاران امور دولتی یا از پیشوایان مذهب اسلام و وکلا و شهود در صورتی که آن نسبت و افترا راجع به حیظه مسئولیت آنها باشد.

ماده ۳۷- نسبت امور مذکوره در ماده ۳۴ اگر به افراد ناس باشد، مرتکب به موجب این ماده ملتزم است که از سه تومان الی دویست تومان مجانی داندنی باشد. وسیله ارتکاب هرگاه روزنامه باشد، یک هفته الی شش ماه توقیف خواهد شد.

ماده ۳۸- نوشتن فحش و الفاظ قبیحه اکیداً ممنوع است. مرتکب به قید این التزام

در صورت ارتکاب چهار تومان الی پنجاه تومان مجانی دادنی خواهد بود. هر گاه آن تجاوزات نسبت به اشخاص مذکوره در ماده ده و ۲۶ باشد، اگر نسبت به اشخاص مذکوره در ماده ۳۷ باشد، مرتکب ملتزم است که از سه تومان الی سی تومان مجانی دادنی باشد. در صورت تکرار تقصیر بعلاوه روزنامه از هفت روز الی سه ماه تعطیل خواهد شد، بسته به اینکه تخلفات از حقوق نسبت به کدام طبقه باشد. ماده ۳۹- نسبت امور ممنوعه مذکوره در مواد این قانون به اموات همچنان در مقابل ورثه آن موجب مسئولیت مرتکب خواهد شد که به فراخور حال سیاست می‌شود.

توهین و مجازات آن نسبت به سلاطین خارجه و مأمورین سیاسی

ماده ۴۰- توهین به سلاطین دول متحابه اکیداً ممنوع است و مرتکب ملتزم است که از ده تومان الی سیصد تومان مجاناً دادنی باشد و یا از یک ماه الی یک سال حبس شود و لدی‌الافتضا جمع هر دو قسم سیاست ممکن است. ماده ۴۱- هتک احترامات مأمورین خارجه و هیئت سیاسیون خارجه که در مملکت سمت نمایندگی دارند، ممنوع و مرتکب ملتزم است که از پنج تومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد و مرتکب از یک هفته الی سه ماه حبس خواهد شد. ماده ۴۲- شکایات اجزای خارجه ممکن است مستقیماً به اداره پلیس یا به واسطه وزارت امور خارجه به وزارت عدلیه یا محکمه عدلیه اظهار شود.

موادی که طبع و نشر آنها جایز نیست

ماده ۴۳- طبع و نشر مرافعاتی که محکمه برای حفظ ناموس نشر آن را منع کرده، مادامی که در محکمه علناً قرائت نشده است، ممنوع است. مرتکب ملتزم و ملزم است که از پنج تومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد و مرتکب غیر ملتزم از یک ماه الی یک سال حبس می‌شود، ولی شکایت مدعی و حکم قضیه را در هر حال روزنامه حق انتشار دارد.

ماده ۴۴- مذاکرات محرمانه محکمه را روزنامه حق انتشار ندارد و در صورت

ارتکاب ملتزم است که از ده تومان الی دویست تومان مجاناً دادنی باشد. ماده ۴۵- انتشار دستورالعمل‌های محرمانه نظامی و اخبار مخفیانه قشونی و نقشه قلعه‌جات خاصه در موقع جنگ اکیداً ممنوع است و مرتکب ملتزم است از ده تومان الی هزار تومان مجاناً دادنی باشد و از یک سال الی پنج سال حبس شود، در صورتی که تقصیر با روزنامه باشد، روزنامه او نیز ابداً توقیف گردد.

فصل ششم محاکمه

ماده ۴۶- تجاوزات قانونی که به موجب سیاست مباشرین روزنامه و مطبعه و دیگر مطبوعات خواهد شد، از طرف اداره انطباعات در معرض بازخواست درآمده در عدلیه مورد محاکمه خواهد شد. اداره نظمیه از تعاقب تقصیرات یا اداره انطباعات متفقاً اقدام خواهد شد.

ماده ۴۷- هر گاه تخطیات مطبوعات نسبت به حدود افراد اشخاص باشد، مداخله نظمیه یا عدلیه با اداره انطباعات پس از تظلم طرف خواهد بود و هر گاه آن تخطیات نسبت به عموم باشد، از طرف اداره انطباعات یا پلیس راساً اقدام خواهد شد.

ماده ۴۸- در موارد تخلف از فصول این قوانین مرتکبین علی قدر مراتبهم در مقابل قانون مسئول خواهند بود و سیاست مندرجه که به حکم التزام بر مرتکبین وارد است، در حق آنها جاری خواهد شد: ۱- اقدام کنندگان به طبع مدیران روزنامه و سایر جراید اصالةً. ۲- دبیران روزنامه و جراید دیگر در صورت مسئولیت آنجا که تخلف از حدود ظهور نداشته و مطلقاً در صورت مساعدت آنها در اقدامات نامشروع منهیة مضرة آنجا که تخلف از حدود ظهور نداشته باشد، مدیر روزنامه یا مطبعه باید جلوگیری کنند و به قبول مسئولیت دبیر رفع مسئولیت از ایشان نمی‌شود و متنها دبیر هم مسئول است. ۳- رئیس مطبعه. ۴- فروشنده و نشر دهند. ۵- اعلان کننده مسئولیت این اشخاص مذکوره ۳ و ۴ و ۵ در وقتی است که مشارکت با خیالات مضرة مدیر و رئیس جریده و مطبعه نموده در القا و انشای فتنه فساد همدست باشد. هر گاه یکی از متصدیان پنجگانه متواری شود، سایرین علی قدر مراتبهم مسئول خواهند بود. هر گاه نویسنده مقاله در خارجه باشد و مقاله از منهیات چیزی را حاوی

باشد و به طبع برسد، مطبعه و مدیر ورقه مسئول خواهند بود و اگر چیزی را حاوی باشد که ثبوت بخواند، مدیر روزنامه با مسئولیت شخصی حق درج دارد والا فلا.

ضبط و حبس روزنامجات و غیره

ماده ۴۹- مأمورین وزارت معارف که برای روزنامه معین می‌شوند و پلیس حق دارند روزنامه و دیگر جراید را در موارد ذیل توقیف کنند:

۱- آنجا که روزنامه یا جریده یا لایحه مضر به اساس مذهب اسلام باشد.

۲- آنجا که روزنامه یا جریده یا لایحه هتک احترامات سلطنت شده باشد.

۳- آنجا که نقشه و طرح حرکت قشونی یا دیگر اسرار نظامی مکشوف شده باشد.

۴- آنجا که مندرجات روزنامه موجب هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی بشود.

۵- آنجا که دعوت بر مضادت قوای رسمیه مملکت شده باشد.

۶- آنجا که اساعه صور قبیحه بر ضد عصمت و عفت شده باشد.

ماده ۵۰- بقای توقیف و عدم بقای آن باید در بیست و چهار ساعت به اطلاع محکمه قانونی (دیوانخانه محل) رسیده حکم توقیف یا سبب توقیف یا آزادی روزنامه و غیره باید کتباً اعلان بشود.

ماده ۵۱- در مدت توقیف روزنامه یا جریده و سایر لوايح اشاعه مندرجات آن اکیداً ممنوع است و در تحت فصول این قانون نامه سیاست خواهد شد، بسته به اینکه به کدام فصل راجع باشد.

ماده ۵۲- قوانین مندرجه در این قانون نامه مطبوعات در تهران از ده روز بعد از اینکه این قوانین به دستخط همایونی موشح شده باشد و در ولایات پس از یک ماه مجری خواهد شد.

بسمه تعالی شانه

قانون مطبوعات روز شنبه پنجم محرم الحرام ۱۳۲۶ با حضور هشتاد و هشت نفر و اظهار هفتاد و شش رأی تصویب شد.

رئیس مجلس شورای ملی

۸۰ قانون وظایف

بسمه تبارک و تعالی

قانون وظایف بطوری که نوشته شده صحیح است

نوزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۶ در قصر سلطنتی تهران

سال دوم سلطنت

بسم الله الرحمن الرحيم

وظیفه مرسومی است که به بازماندگان ارباب حقوق دیوانی از هر قبیل داده می‌شود.

ماده اول - انتقال قسمتی از حقوق دیوانی شخص متوفی به ورثه او موقوف به آن است که آن مقرری زیادتر از پانصد تومان نقد و ده خروار جنس نباشد. در صورت زیاد بودن مبلغ و مقدار نقد و جنس، برقرار شدن قسمتی از آن در حق ورثه به تصویب مخصوص وزیر مسئول و مجلس شورای ملی است.

ماده دوم - نصف بلا کسر مرسوم متوفی تا مدت پانزده سال درباره ورثه او برقرار می‌شود و نصف بلا کسر عبارت است از عددی که کسور آن یا کمتر از تومان در نقد و کمتر از من در جنس حذف شده باشد.

ماده سیم - مراد از ورثه در اینجا عبارت است از اولاد و عیال و همچنین پدر و مادری که در کفالت متوفی باشد و همچنین نواده که پدر و مادرش فوت کرده و در کفالت متوفی باشد.

ماده چهارم - پدر و نواده ذکور در حکم اولاد ذکور و مادر و نواده اناث در حکم اولاد اناث خواهد بود. دو یا چند نواده که از یک اولاد باشند، فقط سهم پدر یا مادر آنها در بین آنها تقسیم خواهد شد.

عیال دائمه در صورت انحصار در حکم اولاد اناث است و در صورت تعدد قسمت یک دختر مابین زوجات متعدده تقسیم خواهد شد.

ماده پنجم - تقسیم نصف برقراری در حق ورثه للذکر مثل خط الاثنین خواهد بود.

ماده ششم - هر یک از بازماندگان متوفی که شغل دیوانی داشته باشند، سهم

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

وظیفهٔ مزبوره مادامی که مستخدم هستند، از بابت مواجبی که در ازای خدمت دولت می‌گیرند محسوب می‌شود.

مادهٔ هفتم - قوانین مذکوره شامل مقرری‌هایی که در مقابل خدمت به مستخدمین دولت می‌دهند و همچنین شامل حقوق افراد نظام نمی‌شود، زیرا که قوانین راجعه به متوفیات مستخدمین ادارات دولتی و نظام در موقع تسویه بودجه وزارتخانه‌ها و ادارات معین می‌شود.

مادهٔ هشتم - محل غایب و متوفی بکلی متروک است و ضبط می‌شود و هر چه از روی استحقاق به کسی داده می‌شود، از اصل عایدات دولت است.

مادهٔ نهم - تومانی هفت قران و سایر مخارج صدور فرمان به کلی منسوخ است.
مادهٔ دهم - این قانون شامل تمام متوفیاتی است که از چهاردهم ذی‌قعدة الحرام یکهزار و سیصد و بیست و چهار تاکنون و از این به بعد اتفاق افتاده و می‌افتد.

بسم‌الله تعالی و شانه

قانون وظایف مشتمل بر ده ماده به اکثریت هفتاد و دو رأی در مجلس مقدس شورای ملی از قرار ذیل تصویب شده است:

عده حضار یکصد و نه نفر.

تصویب کنندگان هفتاد و دو نفر.

رد کنندگان ۲۶ نفر.

امتناع یازده نفر.

رئیس مجلس شورای ملی - اسمعیل ممتازالدوله

۹۰۰ اعلان تأسیس بانک ملی ایران

بسمه تعالی

اعلان تأسیس بانک ملی ایران

امروز که دوره ترقی و سعادت به طرف ایران رو نهاده و اول قدمی است که به استقبال آن با جان و مال اهالی برداشته‌اند و در تدارک و تهیه این امر محترم از بذل جان و مال مضایقه ندارند و برای انتظام این نیت مقدس اولیای دولت محتاج به وجه معتدبه بودند و گفتگوئی با دولتین متحابین انگلیس و روس نموده بودند که از آن‌ها استقراض نمایند، دولتین معزى الیهم نیز حاضر شده بودند که به قدر لزوم کارگشایی نمایند، از طرف قرین الشرف مقدس بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ارواح‌العالمین فداه مسئله را رجوع و اخطار به مجلس شورای ملی فرمودند.

اهل مجلس محض پاس حقوق شاهانه و حفظ شئون ملت و ملاحظات خیرخواهانه دولت و ملت قرض از خارجه را تصویب نمودند. عموم اهالی غیرت‌مند وطن پرست که خدای حافظ و ناصرشان باد، حتی مخدرات محترمه در مجالس و مساجد و منابر به صدا درآمدند که این وجه را ولو این که مجاناً باشد و بلاعوض، خودمان حاضریم که به دولت داده و از خارجه استقراض نشود.

لهذا اعضای مجلس شورای ملی چنین صلاح دانسته که بانکی موسوم به بانک ملی تأسیس شود که عموم اهالی ایران در آن بانک شرکت داشته باشند، هر کس به قدر قوه و همت وطن‌پرستی خود، وجهی به عنوان سرمایه شراکتی در این بانک بگذارد، قبض و سهام دریافت دارد که بانک با این سرمایه داد و ستد نماید، حالاً و مالاً رفع حوائج دولت و ملت را بنماید.

مراتب به توسط حضرت مستطاب اجل اشرف آقای صدراعظم مدظله‌العالی به عرض خاکپای مهر اعتلای مقدس شاهانه ارواحنا فداه رسیده، تأسیس این بانک را امر و اجازه فرمودند؛ لهذا جمعی از وزرای عظام و رجال محترم و تجار، با یکدیگر همراهی و اتحاد نموده و تشکیل این بانک را درصدد برآمدند و فعلاً سرمایه این بانک را در مبلغ سی کرویر تومان معین نمودند که بعدها لدی‌الافتضاء به یک صد کرویر تومان بالغ خواهد شد. تعداد مؤسس این بانک یک

صد نفر است که این یک صد نفر هر کدام از پنج هزار تومان الی پنجاه هزار تومان، وجه سرمایه تأسیس داده و خواهند داد. ولی عموم اهالی غیرتمند ایران از تمام ممالک محروسه مجاز و مختار است که در این بانک ملی به قدر قوه خود از ده تومان الی هر میزانی که بخواهد، وجه داده شرکت نماید، قبض و اسهام دریافت داشته و خیر دنیا و آخرتی را برای خود تحصیل نماید.

چون تا موقع نوشتن قوانین صحیحه و شرائط آن مدتی لازم است که از روی بصیرت و صحت و اعتبار موافق ترتیبات بانک‌های ملی متمدنه ترتیبات اساس بانک فراهم شود و مبلغی عمده فعلاً بر حسب ضرورت و لزوم برای مخارج فوق‌العاده دولتی که تأخیر و تعویق آن ممکن نیست، لازم است و عموم اهالی وطن پرست عجله در راه انداختن وجه و دفع احتیاج دولت از استقراض از خارجه داشتند. و خواهش نمودند اعلانی نوشته شود و چندین محل برای تحویل دادن وجوهات معین شود، لهذا این اعلان انتشار داده شد که هر یک از اینای وطن عزیز که مایل هستند در این بنای مقدس شریک و نام نیک خود را در صحنه روزگار باقی و ثابت بگذارند، در ادارات مقرر ذیل وجه سرمایه اشتراکی خود را برده و تحویل دهند، قبض موقتی که طبع شده با امضا و مهر صاحب اداره بگیرند و همان طور که در قبوضات چاپ شده نوشته شده، پس از آن که اسهام بانک حاضر شود، این قبوضات موقتی را به بانک ملی رد نموده، ورقه اسهام دریافت خواهد داشت.

امتیازات راجعه به این بانک که از طرف دولت قوی شوکت مرحمت می‌شود، با شرایط مقرر در قوانین اساسیه مندرج و اعلان خواهد گردید.

توضیح اسامی اشخاصی که در این شرکت وجه می‌دهند، با میزان مبلغ در آخر هفته در روزنامه‌جات طبع و نشر خواهد شد. تجار محترم دارالخلافه به توسط تلگراف حضوری تأسیس این بانک را به عموم تجار ولایات ممالک محروسه اطلاع داده‌اند و آن‌ها هم در شراکت حاضر شده و قبول نموده‌اند که اسامی خودشان را با وجه مال الشراکه معین نموده بنویسند.

اداراتی که وجه باید تحویل شود:

حجره جناب حاجی امین‌الضرب.

حجره جناب حاجی محمد اسمعیل آقا تبریزی.

حجره جناب حاجی باقر آقا صراف تبریزی.

حجره جناب ارباب جمشید.

حجره جناب طومانیانس.

اسامی بعضی از مؤسسين دولت خواه ملت دوست:

حضرت مستطاب اقدس والا آقای نایب السلطنه وزیر جنگ دامت شوکتہ العالی.

حضرت مستطاب اجل اشرف آقای صدراعظم مدظله العالی.

جناب مستطاب اجل اکرم آقای وزیر دربار.

جناب مستطاب اجل آقای مشیرالملک.

جناب مستطاب اجل آقای سعدالدوله.

جناب مستطاب اجل آقای مؤتمن الملک.

جناب مستطاب اجل آقای وزیر افخم وزیر داخله.

جناب مستطاب اجل آقای حاجی ناصرالسلطنه.

جناب جلالتماب آقای وزیر بقایا.

جناب مستطاب اجل آقای شیخ خزعل خان معزالسلطنه سردار ارفع.

جناب جلالتماب شیخ جاسب خان نصره الملک.

جناب مستطاب اجل آقای سعیدالسلطنه.

جناب مستطاب اجل آقای سردار منصور.

جناب مستطاب اجل آقای مدیرالملک.

جناب مستطاب اجل آقای محتشم الملک.

جناب مستطاب اجل آقای فخرالملک وزیر تجارت.

جناب مستطاب اجل آقای صدق السلطنه.

جناب مستطاب اجل آقای ناظم الدوله.

جناب مستطاب اجل آقای عمیدالسلطنه.

جناب حاجی سید مرتضی آقا مرتضوی.

جناب آقای حاجی سید محمد.

جناب حاجی سید رضی گیلانی.

جناب آقای امین التجار کردستانی.

جناب آقای حاجی امین دارالضرب.

جناب آقای حاجی معین التجار.

جناب آقای حاجی محمد اسمعیل آقا تاجر تبریزی.
جناب آقای محمد علی شال فروش.
جناب محمد ابراهیم ملکالتجار اصفهان.
جناب عبدالرزاق تاجر اسکویی.
جناب حاج افتخارتجار.
جناب آقا میرزا محمد شفیع ملکالتجار.
جناب حاجی محمد حسین کازرونی مقیم اصفهان.
جناب محمد اسمعیل آقا قزوینی.
جناب فرج آقا صراف تبریزی.
جناب ربیع آقا تاجر تبریزی.
جناب باقر آقا صراف تبریزی.
جناب حاجی میرزا عباسقلی آقا تاجر تبریزی.
جناب حاجی لطفعلی آقا صراف تبریزی معروف به اتحادیه.
جناب حاجی محمد تقی تاجر شاهرودی.
جناب حاجی میرزا علی صراف اصفهانی.
جناب حاجی علی اکبر آقا صراف تبریزی.
جناب معاونالتجار دهدشتی.
جناب حاجی مشیرالتجار محمره.
جناب آقا محمد صادق دهدشتی.
جناب آقای حاجی میرزا احمد تاجر لاری شیراز.
جناب حاجی سید محمد حسن شبانکاره و اخوان در بوشهر.
جناب حاجی میرزا حسن کاشانی مهروف به شال فروش.
جناب حاجی میرزا یعقوب آقا تاجر امینی قزوین.
جناب آقا محمد آقا کمپانی عراق.
جناب آقا محسن آقا.
جناب حسن آقا.
عمدهالتجار ارباب جمشید تاجر فارسی.
عمدهالتجار تومانیانس.

۱۰۰ بخشی از مذاکرات در دوره‌ی اول مجلس شورای ملی

مکالمات و کلامی مجلس شورای ملی یوم پنجشنبه بیست و هفتم رمضان المبارک ۱۳۲۴

آقا سید محمد تقی به صنیع‌الدوله: نظامنامه اساسی چه شد؟
صنیع‌الدوله: در دربار قرائت می‌شود، تصحیح می‌شوند، می‌آورند. این رقعہ را گوش
بدهید.

حاجی سید نصرالله: رقعہ که چند نفر از آقایان وطن‌پرست به مجلس نوشته‌اند،
می‌خوانند؛ اظهار می‌دارد بر خاطر عاظر هیچ یک از شماها پوشیده نیست که اهمیت
این مجلس حافظ حدود و حقوق ایرانیان است و شماها امنای ملتید که شرف و
ناموس ایشان سپرده به شما است و سعادت آتیه خود را از شما مطالبه می‌نمایند،
که از شما ادنی اقدامی که مضر به هیئت جامعه باشد، صادر نخواهد شد تا چه رسد
به هدم اساس ملت و بطلان حدود و حقوق ایرانیان؛ لهذا بدون لزوم ترتیب هیچ
مقدمه اظهار می‌دارد در این موقع و زمان استقراض از خارجه با این الزامات سخیفه
و شرایط خانه‌برانداز ما ایران را به وضع اجمالی در تحت نفوذ و سلطه اجانب قرار
خواهد داد، نه تنها این بلکه بدین وسیله نظارت در امور داخله ما پیدا خواهند نمود.
کلیه صندوق مالیه ما را ضبط و تصرفات مالکانه در مملکت ما می‌نمایند، مرادوات
ما را سایر دول قطع و استقلال داخلی ما را محو و تبعیت ما را برای خود فرض
خواهند نمود؛ اگر خواسته باشیم مفسد و مضار مترتبه بر این اقدام نامشروع را یکان
یکان برشماریم، موجب کدورت حاضرها خواهد شد. بهتر آن که به یک عبارت
ساده و مختصر تمام آن عیوب و مفسدات را خاطر نشان حضرات امنای بنمائیم و بگوئیم
که نتیجه این کار آن است که این وطن عزیز ما ایرانیان که خون بهای پدران
ماست و باید پسران ما در آن آسایش و آرامش نمایند، به دراهم معدود تسلیم اجانب
شود. ایرانیان را هنوز این قدرها غیرت و حمیت و مردانگی و شهامت است که
خانمان خود را در راه دولت خود صرف نمایند و حفظ استقلال وی را بنمایند، تا در

تحت نفوذ و سلطه اجانب واقع نشود؛ این همه عجله در استقراض از خارجه برای چه؛ پیش از این سه روز نیست که این مسئله در مجلس شورای ملی مطرح مذاکره واقع شده است. هستند اشخاصی که فعلاً به قدر مصارف لازمی دولت کمک نمایند. فقط منتظر تحصیل اطمینانی هستند که این وجوه واقعاً به مصارف صحیحه دولت برسد ضیق مسئله در غیر این امکان واقع نخواهد شد. مگر به تشکیل بانک ملی که اجزاء آن از تجار مبعوثین ملت باشد تا در اداره صندوق مالیه دولت بلیطی برای سهام شرکت طبع شود و ملت آن سهام شرکت را خریداری نمایند؛ به هر تقدیر فعلاً صد هزار تومان حاضر است بلکه در این ممر مصرف بشود، فقط اطمینانی لازم است.

صدیق حضرت: امضا کننده این رقعہ کیست؟

حاجی سید نصرالله: خودشان حاضرند. از آقایان نگارندگان یکی دو نفر جناب بهجت و مؤید.

و کلا مجلس اجماعاً باید این پولی که می‌رسد بالسویہ تقسیم نمایند.

بهجت: بالسویہ تقسیم شدن هیچ صحیح نیست. شاید سبزی فروش حاضر باشد چیزی بدهد، مصرف صحیح باید برسد.

آقاشیخ حسین: باید ما ملت صد کرور پیدا کنیم، جواب اجنبی را بدهیم و غیرت داشته باشیم.

حاجی سید آقا: این بانک به جز کاغذ است رواج داده، به همین ترتیب شما هم رواج بدهید.

آقاشیخ حسین: چون مال فرنگی است، زیر سرمان می‌گذاریم.

حاجی سید آقا: باید کاری بکنید اطمینان دولت و ملت هر دو باشد.

صنیع‌الدوله: بانک شاهنشاهی امتیاز از دولت انگلیس را دارد، مردم اطمینان دارند.

سعدالدوله: این بانک نیست، این اکسیون است.

صنیع‌الدوله: قبول است، البته از راه اکسیون باشد.

آقا میرزا محمود: امروز مجلس محتاج به روزنامه است.

صنیع‌الدوله: در این باب همه اشتباه می‌کنید؛ اصلاً مجلس روزنامه نمی‌دهد. روزنامه نویس باید بنویسد.

آقا میرزا محمود: امتیاز لازم است.

سعدالدوله: روزنامه دولت باید اجازه بدهند روزنامه آزاد باشد.
صنایع الدوله: ما نباید روزنامه بنویسیم. بیایند بنویسند، ببرند مطلب را. باید یکی یکی اظهار نمود تا مفهوم شود.

آقا میرزا محمود: مقصود این بود مطالب استقراض در روزنامه مندرج شود.
حاجی سید نصرالله: رقعہ می خوانند؛ انجمن هواخواهان عریضه می دارند: بر وکلا منتخبین مجلس شورای ملی مخفی و مستور نماند که این هیأت مقدسه تشکیل یافته از برای حفظ حقوق قاطبه اهالی ایران و این مملکت قدیم و باید البته کمال مذاقه را در امور ملت نمایند. چنان چه بر همه منتخبین مجلس نیز پوشیده نیست، لهذا این انجمن هواخواهان که حاضر شدند از جان و مال از برای تقویت و هواخواهی این بنیان مقدس عرض تشکر خودشان را به آن هیأت مقدسه می نمایند و از برای گذشته که در باب عدم استقراض از خارجه دارند، کمال امتنان را دارند و البته با این شروط که سابقاً با دولت بهیه روس شده ایداً صلاح نیست، بخصوص قبل از حضور وکلای ولایات و امضای نظامنامه و مستدعی هستند که با کمال خاطر جمعی با قوه قلب در اظهارات و اقدامات مجدانه خود کمال سعی و کوشش را بفرمایند.

آقا شیخ حسین: این یادآوری کردن است.
صدیق حضرت: خوب است این کاغذها امضا می داشت.
حاجی سید نصرالله: همگی حاضرند و آقایان اهل علمند.
صدیق حضرت: این اظهارات به مجلس می رسد، اسباب افتخار است.
بوشهری: این حضرات هستند بعضی از تجار در این صدد هستند این چه بهتر که خیالشان را قوه بدهند.

بہجت: جواب صحیحی باید بدهید ببریم.
بوشهری: این اشخاص باید شریک باشند.
آقا میر محسن: - به بوشهری - اقدامات شما لازم است.
صنایع الدوله: باید یکی به جهت این و یکی دیگر به جهت تسهیل سایر کارها، گمان می کنم شعبه تدارک شود. شرکت سهامی چاپ شود. عده چندی در تمام جاها به مصرف فروش برسد به جهت داد و ستد، وجوه دیوانی اینها اقدامات کارهای صحیحی است.

بهجت: خیال ما هم همین است.

آقا میرزا سید ولی الله خان: در این خیال شما همه کس همراه هست ولی خیال ممهد خوبی است.

صنیع الدوله: دو قسمت است: قسمت اولش راجع به همین کار لازمه دولت است. قسمت ثانی به جهت تشکیل بانک الساعه تنخواهی لازم است؛ آنهایی که می‌دانند دیگر بدانند به چه کار می‌خواهد اصلاً باید دولت کاری بکند که از اجنبی راحت باشد.

آقا میرزا سید ولی الله خان: این صحبت‌ها تکرار پیش است، از کمسیون صحبت بدارید.

حاجی سید نصرالله: امروز ترتیب فعلی از چه راهی باید باشد، مجلس هیچ کار نمی‌کند. آنهایی که برده‌اند چرا تمسخر می‌کنند. از حالا می‌خواهند در این ده روزه مجلس راه آهن تمام جاها را ساخته باشد. در مسجد شاه آدم کشته می‌شود، از مجلس ایراد می‌گیرند. تمام ایرادات را از این یک مشت مجلس گدای فقیر می‌گیرند. چه می‌خواهند مجلس محترم نیست. دستخط پادشاه که محترم است. محتکرین را بیرون می‌آوریم. بیش از این نمی‌شود مماشات نمود؛ چه عمری بر مجلس گذشته، چه امدادی کرده‌اند. این وزرا بزرگ که این همه می‌جوشند، چه کرده‌اند درباره مجلس.

صنیع الدوله: از شدت اوقات تلخی می‌خواهند به زودی مجلس را بر هم بزنند.

حاجی سید نصرالله: نمی‌توانند مساعدت شش ماه و یک سال بکنند.

حاجی محمد تقی: بگوئید آنهایی که برده‌اند و خورده‌اند، حقشان را امساله نمی‌گیرند.

حاجی ابراهیم وارث: آمده‌اند یکی را دوتا بکنند.

آقا شیخ محمد تقی: سی کرور جان و مال خودشان را فدا کردند.

حاجی سید ابراهیم: این نوکرهای بی‌رحم، بی‌مروت تمام از کم‌روئی دولت است.

آقا میر محسن: جواب آقایان بهجت و مؤیدالعلما چه شد؟

بوشهری: بعضی هستند به یک اسهام استقراضی بانک ملی از این اسهام رفع احتیاج را می‌نمایند و می‌شود اگر کمک بکنند و تمسک بجویند دولت رفع احتیاجاتش می‌شود.

حاجی شیخعلی: در مجمعی باید مذاکره نمود.

بوشهری: شریک آن همه هستند وقتی اساس صحیحی پیدا نمود، معرفی به مجلس شود. مجلس تغییر و تصحیحی پیدا نمود، دور است، می‌شود.

بهجت: اشخاصی که معرفی بکنند مؤسسين بانک ملی هستند.

آقا سید محمد تقی: باید مؤسسين معلوم شود.

بوشهری: خریداران سهام اگر معرفی بکنند خودش تشویق مردم و مجلس می‌شود.

بهجت: فرصتی لازم است. اشخاصی که مؤسسين و اشخاصی که خریداران هستند. شاید این اشخاص یک نوع اشخاص قابل باشند. در مجلس مختصری که رئیس و غیره باشند، حاضر می‌شوند. خریدار لازم نیست خودش را معرفی بنماید، عده این‌ها غیر محدود است.

صنیع‌الدوله: در این خیال هستند هر وقت اعلانی شد در باب تشکیل این کار و این سهام آن وقت حاضر بشوند.

صنیع‌الدوله: انجمن باید به جهت بقیه انتخابات معلوم شود. صورتی نوشته‌ام از اول ماه اگر مجلس تصویب کند معلوم نمائیم.

آقا سید محمد تقی: این انجمنان برای اشخاصی است که باید در قرعه باشد، ناظرند. گوش بدهید، بخوانم. یکی محقق‌الدوله، یکی آقا میرزا محمود اصفهانی، یکی اسدالله میرزا، یکی صدیق حضرت، یکی آقا شیخ حسین، یکی آقا میرزا طاهر، یکی آقا سید حسین بروجردی، یکی آقا سید مهدی.

سعدالدوله: خوب است یک انتخابی بدهند.

صنیع‌الدوله: این‌ها را معین نمی‌کنند؛ این‌ها ناظرند.

سعدالدوله: اشخاصی باید باشند صلاحیت نوشتن قانون داشته باشند.

صنیع‌الدوله: اشخاصی باید معین نمود نوشت روی تخته بزرگی اسامی آن‌ها را به مردم بگویند که انتخاب نمایند.

سیدالحکما: از طبقات باید نظار را معلوم نمود. از طبقات اصناف نیست.

آقا سید محمد تقی: یکی از ملاکین صدیق حضرت است.

سیدالحکما: صدیق حضرت از ملاکین نیست.

وکلاء مجلس: حاجی سید باقر باشد.

سیدالحکما: باشد.

آقا سید مهدی: - به سیدالحکما - بنده استعفا نمودم، به جای من حضرتعالی.
حسنعلی خان: تعارف لازم نیست.

حاج شیخعلی: این دوئیت است. ضدیت است.

شاهرودی: دو مرتبه بلند بخوانید.

آقا سید محمد تقی: می گوید صدیق حضرت، آقا شیخ حسین، آقا شیخ طاهر، آقا سید حسین بروجردی، آقا سید مهدی، حاجی سید باقر، معظم الملک، محقق الدوله.

محقق الدوله: آقای حاجی سید ابراهیم را هم بنویسید.

صدیق حضرت: اینها باید نظارت بکنند برای قرعه کشیدن.

آقا شیخ حسین: به قرار نظامنامه زارعین منتخبان معین نیست، فردا اسباب حرف نباشد.

معلم الملک: وکلا خارجه نیامدند.

صنیع الدوله: منتخبین آذربایجان دو جای دیگر به همین زودی معلوم می شود.

حاجی محمد تقی: از این نه نفر، طبقه کسبه چند نفرند؟

وارث: چهار نفر.

حاجی محمد تقی: این چهار نفر را اسمشان معلوم نمائید خودمان معین می نمائیم.

آقا میرزا محمود: پرپرور عرض کردم با این قرض زیاد کاغذی نوشته شود به وزیر مالیه که شش صد هزار تومان این بروات شبها امضا می شود. شب صد صد و پنجاه هزار تومان به جهت خرج های فوق العاده این بروات باید توقیف باشد. تمام این خرجها به عنوان انعام است. به عنوان سنگ تراشی عنوان خوراک خوری. بسیار عنوانات بی جا و زیاد.

زرگرباشی: صورت باید بنویسید.

آقا میرزا محمود: من صورت بنویسم بروید ببینید هر عزب دفتری یک من بروات فوق العاده در دستمال دارد. خانات موقوف است تا مودی دارد صد و سی پنچ تومان بی جا می برد. من نمی دانم ابداً هیچ کس ملتفت نیست.

صدیق حضرت: بعضی مخارجیت فوق العاده دولت نباید بی اطلاع مجلس بنماید.

آقا میرزا محمود: خرج احتساب صدوسی پنچ تومان خرج عراده پلیس فلان قدر یعنی چه؟

حاجی محمد اسمعیل: خرج عراده اول سال نوشته اند.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آقا میرزا محمود: چه ضرر دارد توقیف شود دو ماه دیگر پول گرفتند بدهند هر طوری می‌دانید از وزیر مالیه نوشته بگیرند از عزب دفتر التزام بگیرید از صدراعظم مؤاخذه نمایند.

بوشهری: صدراعظم اسباب زحمت برای خودش فراهم می‌کند. هر روز به جهت این کارها صدمه خواهد دید. فردا پول که قرض شد، آن وقت معلوم نمایند. آقا میرزا سید ولی‌الله خان: حرف معقولیست.

سید که پدرش کشته شده، عارض شده است، عمامه به زمین زد: می‌گویند هر روز صدراعظم می‌گوید بیائید معلوم نمایم پول نمی‌خواهم مسلمان قاتلم را می‌خواهم. حاج شیخ علی: سزاوار است رقعہ نوشته تکلیف فوری معلوم شود. آقا میرزا سید ولی‌الله خان: این مطلب شرعی است، باید آقایان معلوم نمایند. وثوق الدوله: فرار شد مجلس نوشته، بنویسد به صدراعظم صبر بکن که راست می‌شود.

سید عارض: کی جواب می‌دهد.

آقای آقاسید عبدالله: رئیس مجلس آن آقای صنیع‌الدوله است، نشسته است برو آن جا.

سید عارض: می‌آیم بد می‌گویم. مسلمان‌ها چه بکنم. خدمت رئیس مجلس فریاد و فغان وزیر مخصوص یک ماهست می‌دواند پنج ماه خسته شده‌ام. قاتل پدرم را بدهید.

آقای آقاسید عبدالله: پول بلکه بدهند.

سید عارض: پول نمی‌خواهم. قاتل را بدهند سرش را مثل سگ می‌برم.

آقاسید مصطفی: سایر ورثه راضی هستند به قصاص؟

سید عارض: بلی راضی هستیم.

آقای آقامیرزا سید محمد: نان چه شد؟

حاجی سید نصرالله: هیچ همراهی ندارند. یعنی حکومت مفهومی و مقصودش این است گندم موجود را ندهند، پس فردا بگویند مجلس نتوانست گفته بودند در بیست و شش بفروشند. باز حکومت امروز مخالفت نموده و بعضی اقدامات دارد.

آقا میرزا محمود: وزیر مخصوص امروز دعوت نموده که هفتاد هزار تومان به دولت بدهد، دو ماه بیست و شش شاهی دو ماه هفت عباسی دو ماه مجدد بیست و شش

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

شاهی دو ماه شش عباسی تمام بر استیلاف مردم قدم می‌گذارند و این ترتیبات که خیال ایشان است بر باطل است.

آقای آقامیرزا سید محمد: از تصرف حکومت باید نان و گوشت خارج شود. ملت اختیار داشته باشد.

آقاسید عبدالله: مطلب نان چه شد.

صنیع‌الدوله محقق‌الدوله: در جواب اما مشغول انجام هستند دیروز و امشب در این کارند.

حاجی سید نصرالله: می‌خواهند دست به دست بکنند.

حاجی شیخ فضل‌الله: کسی رسیدگی می‌کند.

آقا سید محمد تقی رقعہ صدارت را می‌خوانند: مقام منیع صدارت عظمی امروز ورثه مرحوم آقاسید حسین که در واقعه مسجد جامع هدف گلوله و مقتول شده است، در مجلس اظهار مجدانه مطالبه قاتل را می‌کند. به نوعی اظهار تظلم و تشکی کردند که اعضای مجلس کلاً متألم و متأثر شدند و بالاتفاق اظهار می‌دارند جوابی فوری در این خصوص مرحمت و احقاق حق ورثه مزبور شود و سیدی که پدر او را کشته‌اند، خون قاتل را مجدانه می‌طلبند، به طوری ناله و زاری دارد که اهل مجلس تماماً افسرده شدند؛ از صدارت عظمی می‌خواهیم که فوراً سید بی‌چاره را آسوده و ترضیه خاطر او را به عمل بیاورد.

آقای آقامیر سید محمد: عمل نان را کاری بکنید. چهار روز دیگر ما باید از این شهر خارج شویم. تمام مردم می‌ریزند خانه‌های ما ترتیب حاجی حسین آقا چه شد نمی‌گذارند ما زنده بمانیم.

وثوق‌الدوله: صور مختلفه در نظر است.

محقق‌الدوله: ملت نمی‌تواند بلاعوض دوپست و بیست هزار تومان بدهد، عاقبت نان بی‌مصرف بخورد.

حاجی سید نصرالله: این‌ها کدام است.

آقاسید عبدالله: زور شما نمی‌رسد. صد عدد پنج‌هزاری می‌گیرند مطلب و مسئله برمی‌گردد.

آقامیرزا محمود: اولیا دولت همراهی نمی‌کنند. پنجاه و شش هزار خروار گندم بیرون بیاورند. ظهیرالدوله در همدان کارهای خوب کرده است.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

آقاسید عبدالله: چهل نفر مثل ظهیرالدوله در تهران نمی‌توانند این کارها را ترتیب بدهند.

آقاسید مصطفی: آزادی بدهند. در حقیقت آزادی نیست، نان هم نیست. الان نان سی و پنج شاهی است. جایی که قوام‌الدوله می‌گوید سه درب دکان باز می‌کنم شش عباسی می‌فروشم، اگر مجلس اطمینان بدهد این‌ها حرف است.

مشهدی باقر: می‌خواهند حرف‌ها را مستمسک نمایند که دروغ می‌گویند، گندم نمی‌دهد خرواری چهارده تومان هم نمی‌دهد.

آقاسید مصطفی: یک نفر واسطه است می‌گوید قوام‌الدوله از حکومت اطمینان می‌خواهد یک سال در شش عباسی بفروشد.

سیدالحکما: فردا دکان را بست چه می‌کنید؟

آقای آقاسید مصطفی: آقای نایب‌السلطنه ده باب دکان حاضر است بدهد به همین قیمت دیگران هم هستند.

حاجی سید نصراله: این‌ها لفظ است.

حاجی شیخعلی: چرا گندمش را نمی‌دهد؟

حاجی سید نصرالله: این‌ها بهانه است که گندم ندهد.

حاجی سید آقا: وزیر مخصوص گفته بود امروز چهل هزار خروار گندم می‌دهم به خباز تمام می‌کنم.

حاجی سید نصرالله: این‌ها بهانه محض این را می‌گویند سر بدواند جوابش این است که دروغ می‌گویی.

مشهدی باقر: قوام‌الدوله این‌ها را گفته در شش عباسی می‌دهم مگر فخرالسلطنه نیامد از جانب دولت گفت در بیست و شش شاهی؟

آقای آقاسید عبدالله: جناب وزیر مخصوص اگر بگوید یک من ده شاهی قبول نداریم.

صنیع‌الدوله: یا ناظری از طرف مجلس یا امضای مجلس که راست شود.

آقامیر سید محمد: این بازی‌ها چیست؟ پنجاه سال است دیده‌ایم.

وثوق‌الدوله: پانزده هزار خروار گندم داده شود، اگر دولت مرحمت نمود بر قیمت پنج تومان، اگر ضرر کرد با خودشان مردم اگر نفع کرد مال دولت.

حاجی سید نصرالله: - به وثوق‌الدوله - شما مفتش بگذارید که راست شود.

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

بروجردی: حالا منزل وزیر مخصوص در مجلس عمل انجام نان بودم. حاجی سید نصرالله: چه قدر گندم دارد دولت هفتاد هزار خروار گندم می‌خواهد پانصد هزار خروار گندم دارد پنجاه و پنج هزار خروار از قرار بیست و پنج تومان باید بخرد.

آقاسید عبدالله: گندم نیست این‌ها جو است.

حاجی سید نصرالله: تمام این‌ها قصدشان این است که می‌خواهند بگویند مجلس یک نان را درست نکرد.

آقاملا حسن: به جدهات فاطمه زهرا همین است.

آقامیرزا محمود: تکلیف و کلا آقای حاجی سید نصرالله غیر از این است مابین و کلا رای بیندازند، رای بخواهید.

حاجی سید نصرالله: این مجلس باید نان را درست کند. قوام مجلس به این کار است. اکثریت آرا بر این شد مجلس نباید باشد، چه باید کرد؟

حاجی محمد تقی: خرواری پنج تومان عیب ندارد.

آقاشیخ حسین: عیب ندارد.

و کلا مجلس: بالاتفاق خرواری پنج تومان رای بدهید دولت بدهد ضرر با ملت نفع با دولت.

حاجی سید نصرالله: به عموم اهل مجلس شما نشنیدید فخرالسلطنه گفت شاه گندم نمی‌دهد.

آقامیرزا محمود: مفتش بگذارید ضرر کرد از این قرار عهده من و نفع کرد مال دولت.

حاجی سید نصرالله: راه مناقشه ندارد.

حاجی محمد اسمعیل: این فرمایش می‌کنید هیچ کس زیر این بار نمی‌رود که تشکیل کمپانی شود به این ترتیب.

آقامیرزا محمود: ترتیب بیست شش شاهی بهتر است.

آقاسید محمد تقی: اول شما مطلب دستتان بیاید دولت پانصد خروار بدهد از قرار پنج تومان به هیئت مخصوصه مرکب از اشخاص مخصوصه. این هیئت تعهد کنند تا هشت ماه دیگر نان خوب از قرار یک من شش عباسی باز تعهد کنند؛ مفتش مخصوص ناظر هیئت اعمال مزبوره ضرر راجع به خودش نفع در صورت ثبوت

مجلس اول و نهادهای مشروطیت

کمپانی حرفی نداشته باشند؛ اگر کمپانی حاضر باشد باید دعا به آن‌ها کرد.
آقاملا حسن: وکلا مجلس خیلی خوب است. این کمپانی باشد احدی مخالف این
رای نیست.

آقاسید مصطفی: اول بفرمائید کمپانی هست.
صنیع‌الدوله: حاجی سید نصرالله آقاسید محمد تقی کمپانی هست. آقایان می‌فرمایند
هست.

حاجی محمد اسمعیل: ما چند نفر نیستیم؛ حاجی معین، حاجی علی‌آقا، حاجی سید
محمد آقا، امین‌التجار شما هستید؟ گفتند خیر.

آقاشیخ حسین: حالا که نیستید گندم انبارها را بیرون می‌کشیم و می‌شکنیم حکم
احتکار را باید بیرون آورد.

مشهدی باقر: این که نان نشد.

آقاشیخ حسین: این شرطی که آقامیرزا محمود می‌گذارد کمپانی را از میان می‌برد.

مشهدی باقر: آقایان ما فریاد نان را می‌زنیم.

آقامیرزا محمود: این‌ها دویست و پنجاه هزار تومان خواسته‌اند کلاه دولت را
بردارند. قبول نمی‌کنند.

حاجی محمد اسمعیل: این نامربوط‌ها چیست. هنوز مجلس فصول دارد.

آقامیرزا محمود: به حاجی محمد اسمعیل چه حقی دارید این حرف‌ها را می‌زنید.
من وکیل دویست و پنجاه نفر هستم. این جا حرف می‌زنم.

حاجی علی تاجر: این گه‌ها چیست می‌خوری؟ هر چه می‌خواهد می‌گوید فرقی
مابین هیچ کس نیست.

آقای آقامیر سید محمد: این حرف‌ها چیست می‌گوئید برخیز از مجلس تو پیرمرد
این صحبت‌ها در مجلس یعنی چه؟ (حاجی علی تاجر برخواست از مجلس بیرون
رفت. حاجی محمد اسمعیل سایر تجار همگی برخاستند خداحافظی کردند، رفتند.)

آقاملا حسن وارث - آمد خدمت آقای آقاسید عبدالله گفت: این خوب نیست استدعا
می‌کنم بفروستید آقای حاجی سید نصرالله آقازاده بروند این‌ها را بیاورند.

آقا فرمودند بروید.

حاجی سید نصرالله آقامیرزا سید احمد آقازاده آقا رفتند با هزاران کوشش و جهد
تجار را آوردند. اهل مجلس تعارف نمودند آقای آقاسید عبدالله حاجی علی را صدا

زدند. حاجی ببخشید بیائید این جا. حاجی علی گفت: حالم به جا نیست. بوشهری آمد نزدیک آقایان نشست. عرض کرد: این فقره نان ابتدا مگر صدراعظم خواهش نکرد این فقره از شما می‌خواهم، چون در این مسئله خیر عامه بود، خاستند حاضر شدند. بعد بعضی رجال دولت صلاح ندانستند. بعد عنوان به مجلس شد تا آن که شب (بقیه صحبت بوشهری به آقایان) دعوت شد. تکلیفی فرمودند. عرض کردم اگر کسی ضرر دولت را کمتر خواست آن اولی است، اگر نشد محض امثال حجج اسلام حاضر بودیم. حالا بدون هیچ چرا تهمت می‌زنید. تجار غرض و قصدشان جز صرفه‌جوئی نبوده.

آقامیر سید محمد: غلط کرد آقامیرزا محمود فضولی کرد.

بوشهری: این برای همیشه نیست، سر خرمن ترتیب کمپانی بدهند، توهین چرا می‌زنند. شما چند نفر حجج اسلام و صدراعظم اصرار کردید به اشخاصی که بر ضد این بودند، بر هم زدند. سه ماهست مردم را معطل نمودند، فردا برف می‌آید، نان یک من دو ریال می‌شود؛ عبارت توهین آمیز در مجلس چرا می‌گویند؟

حاجی شیخ فضل‌الله: صدا بلند کردن در مجلس یعنی چه؟

حاجی سید محمد: آقای صدرالعلماء مگر شما دعوت نکردید؟

صدرالعلماء: چرا؛ بنده آقایان را دعوت نمودم. آقامیرزا محمود نمی‌داند، خیلی هم اصرار نمودیم.

آقاسید محمد تقی: یک اندازه حدود باید ملاحظه نمود.

(مجلس ختم شد)

فهرست منابع

الف) منابع اصلی

- ۱- اسناد سیاسی دوران قاجاریه، ابراهیم صفائی، تهران، چاپ شرق، ۱۳۴۶.
- ۲- اسناد مشروطیت، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق (جلد دوم)، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات ایران و اسلام - انتشارات فردوس، ۱۳۶۲.
- ۳- اسنادی از فعالیتهای آزادیخواهان ایران در اروپا و استانبول - مبارزه با محمد علی شاه، با پیشگفتار حسین پیرنیا، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات توس، مهر ۱۳۵۹.
- ۴- انقلاب مشروطیت ایران به روایت اسناد وزارت امور خارجه انگلیس (کتابهای آبی)، به اهتمام رحیم رضا زاده ملک، تهران، انتشارات معین - انتشارات مازیار، ۱۳۷۷.
- ۵- انقلاب مشروطیت ایران - نظرات یک دیپلمات روس - حوادث ایران در سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱، ایوان الکسیویچ زینویف - وزیر مختار سابق روسیه در ایران، ترجمه ابوالقاسم اعتصامی، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۲.
- ۶- ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران - جلد اول، فریدون آدمیت، تهران، انتشارات پیام، ۱۳۵۵.
- ۷- ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران - جلد دوم: مجلس اول و بحران آزادی، فریدون آدمیت، تهران، انتشارات روشنگران، ۱۳۷۰.
- ۸- بحران دموکراسی در مجلس اول - خاطرات و نامه‌های خصوصی میرزا فضلعلی آقا تبریزی، تحقیق از: غلامحسین میرزا صالح، تهران، طرح نو، زمستان ۱۳۷۲.
- ۹- تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، سید حسن تقی زاده، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۹.
- ۱۰- تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹، محمود محمود، تهران، انتشارات اقبال، تابستان ۱۳۶۷.
- ۱۱- تاریخ مجلس شورای ملی ایران (وزیران ۳۷ کابینه سال‌های ۱۳۲۵ - ۳۶)،

- سید حسن تقی زاده، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۹.
- ۱۲- خاطرات احتشام السلطنه، محمود خان علا میر، به کوشش محمد مهدی موسوی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶.
- ۱۳- خاطرات سردار اسعد بختیاری، جعفر قلی خان سردار بهادر، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۸ (چاپ دوم).
- ۱۴- خاطرات شیخ ابراهیم زنجانی، به اهتمام غلامحسین میرزا صالح، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۰ (چاپ دوم).
- ۱۵- خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات زرین، تابستان ۱۳۶۷ (چاپ دوم).
- ۱۶- دو رساله درباره انقلاب مشروطیت ایران، ابوالقاسم خان ناصرالملک و محمد آقا ایروانی، به اهتمام عبدالحسین زرین کوب - روزبه زرین کوب، تهران، سازمان اسناد ملی، ۱۳۸۰.
- ۱۷- روزنامه مجلس، به مدیریت میرزا سید محمد صادق طباطبایی، تهران، جلد اول، شماره ۱ - ۲۲۲، جلد دوم، شماره ۱ - ۱۵۴، سال ۱۳۲۴ - ۱۳۲۶ (چاپ جدید: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۵ - ۱۳۷۶).
- ۱۸- روزنامه خاطرات شرف‌الدوله، میرزا ابراهیم خان کلانتر باغمیشه، به کوشش یحیی ذکاء، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۷.
- ۱۹- زندگی طوفانی (خاطرات)، سید حسن تقی زاده، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۹.
- ۲۰- کتاب نارنجی، گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری، تهران، نشر نور، ۱۳۶۷ (چاپ دوم).
- ۲۱- مجموعه قوانین - عهدنامه‌ها - کتراتها - امتیازات - خلاصه تصویبات مالی - خلاصه تصمیمات و مطالب متفرقه مصوبه مجلس مقدس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه از شعبان المعظم ۱۳۲۴/میزان ۱۲۸۵ شمسی الی ذی‌عده الحرام ۱۳۴۱/جوزای ۱۳۰۲ شمسی به ضمیمه فرمان مشروطیت - قانون اساسی و متمم آن...، تهران، مطبعه مجلس شورای ملی (میکروفیلم شماره ۱۰۳۱۸۷ کتابخانه مجلس).

- ۲۲- مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه، ضمیمه روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، تهران، چاپخانه مجلس شورای ملی، ۱۳۲۰.
- ۲۳- نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت امور خارجه، تهران، واحد نشر اسناد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰.
- ۲۴- یادداشتهای تاریخی، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق (جلد اول)، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۱.
- ۲۵- یادداشت‌های منتشر نشده سید محمد طباطبائی از انقلاب مشروطیت ایران، به کوشش حسن طباطبائی، تهران، نشر آبی، ۱۳۸۲.

ب) منابع دیگر

- ۲۶- از مشروطه تا جمهوری - نگاهی به: ادوار مجالس قانونگذاری در دوران مشروطیت، یونس مروارید، تهران، نشر اوحدی، بهار ۱۳۷۷.
- ۲۷- القاب رجال دوره قاجاریه، کریم سلیمانی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۹.
- ۲۸- انقلاب مشروطیت ایران، محمد اسماعیل رضوانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱ (چاپ چهارم).
- ۲۹- بستان الحق - در سیاست و کشورداری به روش انتقادی جدید طبق قانون اسلامی، خطی، ۱۳۲۳ق.
- ۳۰- بمباران مجلس شورای ملی در سال ۱۳۲۶ هجری (خاطرات ن - پ ماموتف)، به اهتمام همایون شهیدی، تهران، انتشارات اشکان، دی ۱۳۶۳.
- ۳۱- پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت - دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای ملی، منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران، کتاب سیامک، زمستان ۱۳۸۱.
- ۳۲- تاریخ انحطاط مجلس - فصلی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، احمد مجدالاسلام کرمانی، به کوشش محمود خلیل پور، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۱.
- ۳۳- تا چه شود؟ - بازتاب واقعه مشروطه در مجموعه‌ای از مکاتبات تجاری حاج محمد حسین کتابفروش ۱۳۳۰ - ۱۳۲۵ هجری قمری، به کوشش سیروس

- سعدوندیان، تهران، انتشارات شیرازه، ۱۳۷۸.
- ۳۴- تاریخ انقلاب آذربایجان و بلوای تبریز، حاجی محمد باقر ویجویه، به کوشش علی کاتبی، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۵ (چاپ سوم).
- ۳۵- تاریخ مشروطیت به روایت اسناد، ابراهیم صفائی، تهران، انتشارات ایران یاران، بهار ۱۳۸۱.
- ۳۶- تفسیر قانون اساسی ایران، مرتضی راوندی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ (چاپ دوم).
- ۳۷- خاطرات و خطرات - توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، مهدیقلی مخبرالسلطنه هدایت، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۱ (چاپ سوم).
- ۳۸- دولت‌های ایران از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میر حسین موسوی، بر اساس دفتر ثبت کابینه‌های نخست وزیری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ (چاپ دوم).
- ۳۹- دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم، عبدالحسین نوائی، تهران، انتشارات بابک، بهمن ۱۳۵۵.
- ۴۰- روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، یادداشت‌های سید احمد تفرشی حسینی - به انضمام وقایع استبداد صغیر از نویسنده گمنام، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۱.
- ۴۱- فتح تهران، گوشه‌هایی از تاریخ مشروطیت، عبدالحسین نوائی، تهران، انتشارات بابک، اسفند ۱۳۵۶.
- ۴۲- فرهنگ رجال قاجار، جورج پ. چرچیل، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، تهران، انتشارات زرین، ۱۳۶۹.
- ۴۳- فریدون آدمیت و تاریخ مدرنیته در عصر مشروطیت، علی اصغر حقدار، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۲.
- ۴۴- قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی، مصطفی رحیمی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ (چاپ سوم).
- ۴۵- قزوین در انقلاب مشروطیت، مهدی نورمحمدی، قزوین، نشر حدیث امروز، ۱۳۸۲.
- ۴۶- قیام آذربایجان و ستارخان، اسماعیل امیر خیزی، تبریز، کتابفروشی تهران،

مرداد ۱۳۵۶ (چاپ دوم).

۴۷— گیلان در جنبش مشروطیت، ابراهیم فخرائی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ (چاپ سوم).

۴۸— مجلس و انتخابات - از مشروطه تا پایان قاجاریه، منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۵.

۴۹— مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران، آنت دستره، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران، نشر تاریخ ایران، زمستان ۱۳۶۳.

۵۰— مشاهدات و تحلیل اجتماعی و سیاسی از تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، محمد علی تهرانی (کاتوزیان)، مقدمه: ناصر کاتوزیان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹.

۵۱— مفتاح التمدن فی سیاست الممدن، میرزا محمد معین الاسلام بهبهانی، خطی، ۱۳۲۴ - ۱۳۳۲.

۵۲— نامه‌های خصوصی سر سیسل اسپرینگ رایس، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.

۵۳— نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، زهرا شجیعی، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۴.

ج) تاریخ نگاری دوره‌ی اول مجلس شورای ملی

۵۴— انقلاب مشروطیت ایران، ادوارد براون، ترجمه مه‌ری قزوینی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۷۶.

۵۵— انقلاب مشروطه ایران، ژانت آفاری، ترجمه رضا رضایی، تهران، انتشارات بیستون، بهار ۱۳۷۹.

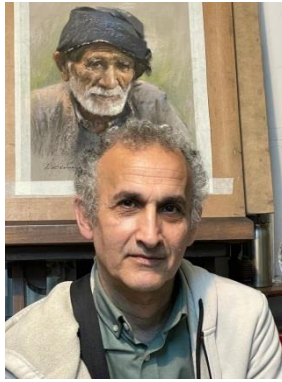
۵۶— ایران در دوره سلطنت قاجار، علی اصغر شمیم، تهران، انتشارات مدبر، ۱۳۷۴.

۵۷— تاریخ انقلاب ایران، محمد هاشم محیط مافی، خطی.

۵۸— تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، مهدی ملک زاده، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳.

۵۹— تاریخ بیداری ایرانیان، ناظم‌الاسلام کرمانی، به اهتمام علی اکبر سعیدی

- سیرجانی، تهران، نشر پیکان، ۱۳۷۶ (چاپ پنجم).
- ۶۰- تاریخ مشروطه ایران، احمد کسروی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- ۶۱- حکایت دختران قوچان - از یاد رفته‌های انقلاب مشروطیت، افسانه نجم آبادی، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۱ (چاپ دوم).
- ۶۲- حیات یحیی، یحیی دولت آبادی، تهران، انتشارات عطار - انتشارات فردوس، ۱۳۷۱.
- ۶۳- روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (قهرمان میرزا سالور)، به کوشش مسعود سالور - ایرج افشار، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷.
- ۶۴- سفرنامه گوهر مقصود - خاطرات سیاسی و اجتماعی دوره استبداد صغیر، آقا سید مصطفی تهرانی (میرخانی)، به کوشش زهرا میرخانی، تهران، نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۱.
- ۶۵- شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی دوره قاجاریه، عبدالله مستوفی، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۷۱.
- ۶۶- کتابشناسی تاریخ مشروطیت ایران - فهرست توضیحی از ماخذ و کتب و مقالات چاپی درباره تاریخ مشروطیت، حافظ فرمانفرمائیان، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۵.
- ۶۷- کتابشناسی انقلاب مشروطیت ایران، علی پور صفر، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- ۶۸- گزارش ایران - بخش قاجاریه و مشروطیت، مخبرالسلطنه هدایت، به اهتمام محمد علی صوتی، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۳ (چاپ دوم).
- ۶۹- محمد علی شاه و مشروطیت، ناصر نجمی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۷.
- ۷۰- واقعات اتفاقیه در روزگار، محمد مهدی شریف کاشانی، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) - سیروس سعدویان، نشر تاریخ ایران، پائیز ۱۳۶۲.



علی اصغر حقدار متولد ۱۳۴۴ (۱۹۶۶) در تبریز است. اولین مقاله‌اش در دی‌ماه ۱۳۶۹ منتشر شد؛ در طول ۳۳ سال، ۵۵۰ مقاله تاریخی، ادبی و سیاسی منتشر کرده است. نخستین کتاب علی اصغر حقدار در ۱۳۷۷ منتشر شد و تاکنون بیش از ۶۰ عنوان کتاب از او انتشار یافته است؛ وی از سال ۱۳۷۰ هم‌زمان با تألیف مقاله، به کار ویراستاری و تدوین کتابشناسی پرداخته و تاکنون ویرایش نزدیک به چهل کتاب و دوازده کتابشناسی را بر عهده داشته است. از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۳ در روزنامه «انتخاب» با سمت دبیر «گروه آئین/نقد» و عضو «شورای سردبیری» مشغول بود. از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۹ جزو نویسندگان «دائرةالمعارف تشیع» و «دائرةالمعارف زن ایرانی»، نگارش مدخل‌های فلسفی-عرفانی-کلامی و تاریخی را بر عهده داشت. از سال ۱۳۸۲ دبیری و نویسندگی در مجموعه «اندیشه‌های ایرانی» در نشر کویر را بر عهده گرفت. از سال ۱۳۸۷ دبیری و نویسندگی در مجموعه «اندیشه امروز ایران» را در نشر چشمه بر عهده داشت. وی هم‌چنین مدیریت و تألیف مجموعه «اسنادی از مشروطه پژوهی در ایران» را در انتشارات باشگاه ادبیات بر عهده دارد.

علی اصغر حقدار در اسفند ۱۳۸۹ (۲۰۱۱) به دنبال توقیف و سانسور کتاب‌ها و ممنوع قلم شدن از ایران خارج و در ترکیه مقیم شد. در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) از «سازمان دیده بان حقوق بشر»، جایزه بین‌المللی هلمن همت برای آزادی بیان و حقوق بشر را دریافت کرد.

علی اصغر حقدار در راستای فعالیت‌های فرهنگی و نوشتاری / پژوهشی در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸) «انجمن فرهنگی-تاریخی تبریز» را پایه‌گذاری کرده است.

آثار منتشر شده علی اصغر حقدار، عبارت‌اند از:

تألیفات تاریخی - فکری

- ۱- گفتمان فرهنگی - سیاسی خاتمی، انتشارات شفیعی، تهران، زمستان ۱۳۷۸.
- ۲- فراسوی پست‌مدرنیته (اندیشه شبکه‌ای، فلسفه سنتی و هویت ایرانی)، انتشارات شفیعی، تهران، آذرماه ۱۳۸۰؛ چاپ دیجیتالی: زمستان ۱۳۹۴.
- ۳- قدرت سیاسی در اندیشه ایرانی از فارابی تا نائینی، نشر کویر، تهران، اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۲؛ چاپ دوم آبان ماه ۱۳۸۲؛ چاپ سوم ۱۳۸۴. انتشار دیجیتالی: نشر باشگاه ادبیات، بهار ۱۴۰۰.
- ۴- فریدون آدمیت و تاریخ مدرنیته در عصر مشروطیت، نشر کویر، تهران، ۱۳۸۲؛ چاپ دوم ۱۳۸۳، چاپ سوم ۱۳۸۷، چاپ چهارم، نشر باشگاه ادبیات، ۱۳۹۷.
- ۵- پرسش از انحطاط ایران - بازخوانی اندیشه‌های دکتر سید جواد طباطبایی، نشر کویر، تهران، ۱۳۸۲؛ چاپ دوم ۱۳۸۳؛ چاپ سوم ۱۳۸۴، چاپ چهارم ۱۳۸۷.
- ۶- داریوش شایگان و بحران معنویت سنتی، نشر کویر، تهران، ۱۳۸۲؛ چاپ دوم ۱۳۸۵، چاپ سوم، نشر باشگاه ادبیات، ۱۳۹۷.
- ۷- مجلس اول و نهادهای مشروطیت - صورت مذاکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات و تاریخ‌نگاری دوره اول مجلس شورای ملی، نشر مهرنامگ، تهران، ۱۳۸۳؛ چاپ دوم: دیجیتالی، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۵.
- ۸- محمدعلی فروغی و ساختارهای نوین مدنی، نشر کویر، تهران، ۱۳۸۴.
- ۹- آرامش دوستدار و هنر نیندیشیدن، چاپ اول: تهران، ۱۳۸۶؛ چاپ دوم نشر دیجیتالی، استانبول، تابستان ۱۳۹۴؛ چاپ سوم نشر باشگاه ادبیات، استانبول، ۲۰۲۳.
- ۱۰- داریوش همایون و کشاکش با تجدد در ایران، نشر تلاش، هامبورگ (سپتامبر ۲۰۰۷)، مهر ۱۳۸۸- تهران، بهمن ۱۳۸۹؛ چاپ دوم: اندیشه سیاسی داریوش همایون، کتاب پارس، لس‌آنجلس، (فوریه ۲۰۱۱) شهریور ۱۳۹۱؛ چاپ سوم: نشر باشگاه ادبیات، استانبول، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- ۱۱- حزب مشروطه ایران و لیبرال دموکراسی بمثابه مشروطه نوین، نشر کتاب پارس، لس‌آنجلس (فوریه ۲۰۱۱)، شهریور ۱۳۹۱؛ چاپ دوم: نشر باشگاه ادبیات ۱۳۹۶.
- ۱۲- محمدتقی زهتابی و هویت تاریخی ترکان ایران، انتشارات کتابخانه، چاپ اول: استانبول، پاییز ۱۳۹۴؛ چاپ دوم دیجیتالی، زمستان ۱۳۹۴.

- ۱۳- جواد هیئت و ترک شناسی هویتی، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۴.
- ۱۴- تحولات فرهنگی و سیاسی در ایران معاصر در گفتگو با علی اصغر حقدار، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- ۱۵- تصویر ایران و ایرانی از نگاه مسافران خارجی، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- ۱۶- داستان استعلا- پژوهشی در باورها و روش‌های معنویت‌گرایی، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- ۱۷- کتابشناسی سفرنامه‌ها در ایران، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، تیر ۱۳۹۵.
- ۱۸- مدرن اندیشان ایرانی و بهائیت، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، تیر ۱۳۹۵.
- ۱۹- پهلویسم و ایران- جستاری در آرای سیاسی رضا پهلوی، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۵.
- ۲۰- پایان سیاست دینی در اندیشه‌های حسینعلی منتظری، قم: اردیبهشت ۱۳۸۹؛ نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۵.
- ۲۱- فروغ فرخزاد و ژرفکای هویت زنانه در شعر فارسی، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۵.
- ۲۲- رنسانس هویتی ترکان ایران، نشر سون چاغ، آنکارا، مرداد ۱۳۹۵. متن ترکی: چاپ اول: آنکارا، نشر سون چاق، ۲۰۱۶؛ چاپ دوم: نشر دوغی کتابخانه‌سی، استانبول، ۲۰۲۰.
- ۲۳- میرزای نائینی و روایت شرعی از مشروطیت، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۵.
- ۲۴- امر سیاسی در رسایل عصر مشروطیت، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۵.
- ۲۵- کتابشناسی ملاصدرا، قم، ۱۳۷۵؛ نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۵.
- ۲۶- قطعاتی از تاریخ معاصر ایران، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۶.
- ۲۷- ترکیت مدرنیت معاصریت- چیستی حالیه ترکان آذربایجان، نشر باشگاه ادبیات، فروردین ۱۳۹۷. چاپ دوم (ویراسته جدید): سه مفهوم- ترکیت مدرنیت معاصریت، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، شهریور ۱۳۹۹.
- ۲۸- سی سال نوشتن- گزیده آثار و کتابشناسی، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، دی‌ماه ۱۳۹۷؛ چاپ دوم: استانبول، ۱۳۹۹.
- ۲۹- دائره‌المعارف نویسی در ایران، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، دی‌ماه ۱۳۹۷.
- ۳۰- تبریز در دوره معاصر- هویت، اقتصاد و تاریخ (چهارمقاله)، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، بهار ۱۳۹۹.

۳۱- جهانی شدن - گزیده جستارها و کتابشناسی‌ها، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، خرداد ۱۳۹۹.

۳۲- کتاب نقش جهان - بازخوانی پرونده برج جهان‌نما، استانبول، تابستان ۱۳۹۹.

۳۳- میرزا فتحعلی آخوندزاده پیش‌آهنگ مدرنیته در ایران، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، پاییز ۱۴۰۰.

۳۴- نادرشاه افشار در اسناد تاریخی، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، پاییز ۱۴۰۰.

۳۵- عشقنامه سارا در ادبیات و هنر آذربایجان، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، بهار ۱۴۰۲.

۳۶- مرجع شناسی میرزا فتحعلی آخوندزاده، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، زمستان ۱۴۰۰.

تصحیح متن

۱- رساله فی التخصّص، ملاصدرا، فصلنامه کلام اسلامی، قم، ۱۳۷۴.

۲- رساله فی اتّصاف الماهیة بالوجود، ملاصدرا، فصلنامه کلام اسلامی، قم، ۱۳۷۴.

۳- رساله اجوبه المسائل النصیریة، ملاصدرا، فصلنامه کلام اسلامی (۱۵)، قم، پائیز ۱۳۷۴.

۴- الفیلسوف الفارسی الکبیر، ابی‌عبدالله الزنجانی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۷؛ نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۵.

۵- حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول، محمدعلی فروغی، نشر کویر، تهران، ۱۳۸۲؛ چاپ دوم: نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۶؛ چاپ سوم: نشر کویر، تهران، ۱۳۹۸.

۶- مفتاح التمدن فی سیاسیة المدن، میرزا محمد معین‌الاسلام بهبهانی، نشر مهرنامگ، تهران، ۱۳۸۴؛ چاپ دوم: باشگاه ادبیات، استانبول، ۱۴۰۰.

۷- رساله «حقوق بشری» و «بیان‌نامه حقوق بشر»، نشر شهاب، تهران، تابستان ۱۳۸۵؛ چاپ دوم: «دو رساله حقوق بشری از عصر مشروطیت»، نشر باشگاه ادبیات، تابستان ۱۴۰۰.

۸- خاطرات محمود وصال، نشر شهاب، تهران، پاییز ۱۳۸۶؛ چاپ دوم: نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، فروردین ۱۳۹۷.

۹- خاطرات به یغما رفته، داریوش همایون، به پیوست: من و روزگارم، نشر تلاش، هامبورگ، زمستان ۱۳۸۶؛ چاپ دوم: نشر باشگاه ادبیات، استانبول، اردیبهشت ۱۳۹۵.

۱۰- چند مقاله تاریخی، فریدون آدمیت، نشر چشمه، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۸.

۱۱- نامه‌های رسمی، میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، نشر چشمه، تهران، اردیبهشت ۱۳۸۹؛ نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۷.

۱۲- رسائل سیاسی، میرزا علی ثقة‌الاسلام تبریزی، نشر چشمه، تهران، شهریور ۱۳۸۹.

- ۱۳- حقوق اساسی یا اصول مشروطیت، منصورالسلطنه عدل، نشر چشمه، تهران، مهر ۱۳۸۹.
- ۱۴- آئینه سکندری، میرزا آقاخان کرمانی، نشر چشمه، تهران، آبان ۱۳۸۹.
- ۱۵- هفت رساله از دوران مشروطه- شامل: (۱) رساله سیاسی میرزا یعقوب، (۲) طرح نخستین پیش‌نویس قانون اساسی ایران، (۳) قانون عدالت‌خانه‌های ایران، (۴) مشروطه بهترین شکل سررشته‌داری احمد کسروی، (۵) دو نامه احمد قوام‌السلطنه، (۶) رساله ماشاءالله میرزا آقاخان کرمانی، (۷) قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، فروردین ۱۳۹۵.
- ۱۶- مسافرت تفریحی، میرزا تقی طیب، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، اردیبهشت ۱۳۹۵.
- ۱۷- مکتوبات کمال‌الدوله، میرزا فتحعلی آخوندزاده، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، خرداد ۱۳۹۵.
- ۱۸- رساله تنظیمات حسنه دولت علیه ممالک محروسه ایران، میرزا حسین‌خان سپهسالار، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۶.
- ۱۹- کمال‌الدوله مکتوبلاری (تورکجه)، میرزا فتحعلی آخوندزاده، نشر باشگاه ادبیات، آنکارا، ۱۳۹۸.
- ۲۰- ارومیه- آذربایجان دموکرات فرقه‌سی ارومیه ولایت قومته‌سینین ناشر افکاری، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، ۱۳۹۸.
- ۲۱- انجمن- ارگان انجمن ایالتی تبریز، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، بهار ۱۳۹۹.
- ۲۲- مجموعه آثار، میرزا فتحعلی آخوندزاده، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، پاییز ۱۴۰۰.
- ۲۳- سوسیال‌دموکرات‌های مشروطه‌خواه (دوره اجتماع‌یون عامیون)، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، تابستان ۲۰۲۱.
- ۲۴- اثرلری (ترکی آذربایجانی- لاتین)، میرزا فتحعلی آخوندزاده، دوغی کیتابخانه‌سی، استانبول، ۲۰۲۱.
- ۲۵- اثرلری (ترکی آذربایجانی)، میرزا فتحعلی آخوندزاده، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، ۲۰۲۱.
- ۲۶- خلق مسلمان ارگان حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، ۲۰۲۱.
- ۲۷- رساله در وجوب اصلاح خط اسلام، میرزا مستشارالدوله تبریزی، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، ۲۰۲۱.
- ۲۸- نامه بانوان، مدیریت و سردبیری شهناز آزاد (رشدیه)، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، نوامبر ۲۰۲۲.

۲۹- نامه‌های سیاسی میرزا علی خان امین الدوله، نشر مؤلف، استانبول، ۲۰۲۳.

ادبیات

۱- زنی در استانبول(رمان)، چاپ اول: انتشارات کتابخانه، استانبول، ۱۳۹۳(۲۰۱۴)؛ چاپ دوم: انتشارات فروغ، کلن، پاییز۱۳۹۴(۲۰۱۵)؛ چاپ سوم: باشگاه ادبیات، پاییز ۱۳۹۵(۲۰۱۶)؛ چاپ چهارم: باشگاه ادبیات، پاییز۱۳۹۶(۲۰۱۷)؛ انتشار آنلاین: دی ۱۳۹۶؛ ترجمه ترکی آذربایجانی(با خط عربی و لاتین): استانبولدا بیر قادین İstanbul'da bir kadın، استانبول، آذر۱۳۹۴. ترجمه ترکی استانبولی İSTANBUL'DA BİR KADIN، استانبول، مرداد ۱۳۹۵. ترجمه عربی: إمراة فی اسطنبول، ترجمه غسان حمدان، ریاض، نشر أسراء، بهمن ۱۳۹۹. متن شنیداری(فارسی)، صفحه شخصی نویسنده در یوتیوب؛ و (ترکی)، صفحه انجمن فرهنگی تاریخی تبریز در یوتیوب.

۲- ساعت یازده شانزدهم بهمن هشتادوچهار(فیلمنامه/داستان)، نشر فروغ، آلمان، ژانویه ۲۰۲۱(بهمن۱۳۹۹).

۳- بلوای تبریز- روایت مقاومت، محاصره و اشغال تبریز در مشروطیت(فیلمنامه/داستان)، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، پاییز ۲۰۲۱.

۴- خلوص عاشقانه- روایت من و ساری گلین، نشر باشگاه ادبیات استانبول، تابستان ۲۰۲۳.

ترجمه

۱- رضاشاه پهلوی در ترکیه به روایت اسناد تاریخی، دفتر مطالعات مشروطه پژوهی حزب مشروطه ایران(لیبرال دمکرات) و نشر باشگاه ادبیات، استانبول، ۱۳۹۸.

۲- ایران و یهودیان در منابع تاریخی، نشر باشگاه ادبیات با همکاری حزب مشروطه ایران(لیبرال دمکرات)، استانبول، زمستان ۱۳۹۸.

۳- بابی‌ها و ناصرالدین‌شاه، سلیمان نظیف، نشر باشگاه ادبیات، استانبول، تابستان ۲۰۲۱.

۴- خان‌نشین تبریز، آینور ایمانووا، باشگاه ادبیات، استانبول، بهار ۱۴۰۰.

۵- سه رساله سیاسی(ترکی- فارسی)، محمدامین رسول‌زاده، باشگاه ادبیات، استانبول، تابستان ۱۴۰۰.

۶- سه مدنیت، احمد آقاوغلو، استانبول، ۲۰۲۲.

First Parliament

and

Institutes

of

constitutionalism

Aliasghar Haghdar